میزان الحکمه

جلد پنجم

محمدی ری شهری

بسم الله الرحمن الرحیم



مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی



سازمان چاپ و نشر

پژوهشکدهٔ علوم و معارف حدیث: ۵



محمّدی ری‌شهری، محمّد، ۱۳۲۵ـ
میزان الحکمة با ترجمهٔ فارسی / محمّد محمّدی ری‌شهری. - [ویرایش دوم]. - قم: دار الحدیث، ۱۴۲۷ ق = ۱۳۸۵.
۱۴ج — ص. — (پژوهشکدهٔ علوم و معارف حدیث: ۵)
ISBN(set) : 978 - 964 - 493 - 350 - 9
ISBN : 978 - 964 - 493 - 355 - 4
عنوان اصلی: میزان الحکمة.
عربی - فارسی
کتاب‌نامه: ج ۱۴؛ همچنین به صورت زیرنویس.
۱. احادیث شیعه. ۲. احادیث اهل سنّت. الف. عنوان ب. شیخی، حمید رضا، ۱۳۴۱ ـ ، مترجم.
BP۱۳۶/۹ م۹ ر۹
۲۹۷/۲۱۲
فهرست‌نویسی پیش از انتشار، در کتاب‌خانهٔ تخصصی حدیث / قم.

میزان الحکمة

(با ترجمه فارسی)

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

محمدی ری شهری

جلد پنجم

ترجمه : حمید رضا شیخی

کتابخانه
مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی
شماره ثبت: ۵۰۶۲۷
تاریخ ثبت:

میزان الحکمة با ترجمهٔ فارسی / ج ۵

محمد محمدی ری‌شهری

ترجمه : حمیدرضا شیخی

تحقیق و آماده سازی: پژوهشکدهٔ علوم و معارف حدیث

مدیریت تحقیق و آماده‌سازی : غلامحسین مجیدی

بازبینی علمی و نهایی: عبد الهادی مسعودی، حیدر مسجدی، مجتبی غیوری

مقابله و تصحیح : علی حچیمی، سیّد مرتضی طبایی، سیّد حمید حسینی، عبّاس پسندیده، صادق حائری، مجتبی قرجی

ویراستار فارسی: سعید رضا علی‌عسکری، محمد باقری زادهٔ اشعری، قاسم شیر جعفری

ویراستار عربی: حاج کمال کاتب، عبد الکریم مسجدی، حسنین دباغ، علی دباغ‌پور

نمونه‌خوانی فارسی و عربی: تقی ربّانی، سیّد حسین محدّث، محمود کریمیان، امیر حسین ملک‌پور، رعد بهبهانی، حیدر وائلی

کنترل نهایی اصلاحات : محمود سهاسی، مصطفی اوجی، مهدی جوهرچی، محمد محمودی، علیتقی نگران، سیّد هاشم شهرستانی

اعراب‌گذاری: حسین هوشیاری

بازخوانی و کنترل اعراب : ناصر حکمت

مجری آماده‌سازی پیش از نشر: محمد باقر نجفی

فهرست‌ها : رعد بهبهانی، محمد حسین مظفر

کتاب‌شناسی: مهدی هوشمند

صفحه‌آرایی: محمد ضیاء سلطانی

خوش‌نویسی: حسن فرزانگان

ناشر: سازمان چاپ و نشر دار الحدیث

چاپ: یازدهم / ۱۳۸۹

چاپخانه: دارالحدیث

شمارگان: ۱۰۰۰

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

دفتر مرکزی: قم، میدان شهدا، خیابان معلم، پلاک ۱۲۵ تلفن: ۷۷۴۰۵۲۳ ۰۲۵۱ / فاکس: ۷۷۴۰۵۷۱ ۰۲۵۱ / ص.پ ۴۴۶۸ / ۳۷۱۸۵

نمایشگاه دائمی علوم حدیث (قم، خیابان معلم): ۷۷۴۰۵۲۵ ۰۲۵۱ فروشگاه شماره «۲» (شهر ری، حرم حضرت عبدالعظیم حسنی علیه‌السلام صحن کاشانی): ۵۵۹۵۲۸۶۲

فروشگاه شماره «۳» (مشهد مقدس، چهارراه شهدا، ضلع شمالی باغ نادری، مجتمع فرهنگی تجاری گنجینهٔ کتاب، طبقهٔ هم‌کف: ۳ـ۲۲۴۰۰۶۲ ۰۵۱۱

فروشگاه شماره ۴ (مشهد مقدس، میدان تختی، خیابان شهید اسدالله زاده، نرسیده به چهار راه پل خاکی، سمت چپ، ساختمان کوثر، تلفن: ۲۲۲۱۴۲۴

http://darolhadith.ir

darolhadith.20@gmail.com

ISBN(set): 978 - 964 - 493 - 350 - 9

ISBN: 978 - 964 - 493 - 355 - 4

* کلیه حقوق چاپ و نشر برای ناشر محفوظ است *

حرف الزاء

عنوان	صفحه
الزراعة (کشاورزی)	۷
الزکاة (زکات)	۱۱
التزکیة (تزکیه)	۲۹
الزمان (زمان)	۳۵
الزنا (زنا)	۳۹
الزهد (زهد)	۵۱
الزواج (ازدواج)	۷۹
الزیارة (دیدار)	۱۰۹
زیارة القبور (زیارت قبور)	۱۱۵
الزینة (زیور)	۱۳۳

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی


مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

٢٠٢

الزِّرَاعَة

کشاورزی

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

ولمزيد الاطّلاع راجع:

وسائل الشيعة: ١٢/ ٢٤ باب ١٠ «استحباب الغرس والزرع».

وسائل الشيعة: ١٣/ ١٩١ـ٢١٨ «كتاب المُزارعة والمُساقاة».

كنز العمّال: ١٥/ ٥٣٠ـ٥٤٠ «كتاب المزارعة».

كنز العمّال: ٣/ ٨٩٠ـ٩٠٥ «إحياء المَوات».

انظر:

عنوان ١١ «الأرض»، ٢٥٩ «الشجر».

الإجارة: باب ١٠.

١٥٧٣
استِحبابُ الزَّرعِ وَالغَرسِ

الكتاب:

﴿أَفَرَأَيْتُمْ ما تَحْرُثُونَ * ءَأَنْتُمْ تَزْرَعُونَهُ أَمْ نَحْنُ الزَّارِعُونَ * لَوْ نَشاءُ لَجَعَلْناهُ حُطاماً فَظَلْتُمْ تَفَكَّهُونَ * إِنّا لَمُغْرَمُونَ * بَلْ نَحْنُ مَحْرُومُونَ﴾.[١]

الحديث:

٧٧٤٢. **الإمامُ الباقرُ عليه السلام:** كانَ أبي يقولُ: خَيرُ الأعمالِ الحَرْثُ، تَزرَعهُ فَيَأكُلُ مِنهُ البَرُّ والفاجِرُ، أمّا البَرُّ فَما أكَلَ مِن شيءٍ استَغفَرَ لكَ، وأمّا الفاجِرُ فما أكَلَ مِنهُ مِن شَيءٍ لَعَنَهُ، ويَأكُلُ مِنهُ البهائمُ والطَّيرُ.[٢]

٧٧٤٣. **الإمامُ الصّادقُ عليه السلام:** سِتُّ خِصالٍ يَنتَفِعُ بِها المؤمنُ مِن بَعدِ مَوتِهِ: وَلَدٌ صالِحٌ يَستَغفِرُ لَهُ، ومُصحَفٌ يَقرَأُ فيهِ، وقَليبٌ يَحفِرُهُ، وغَرسٌ يَغرِسُهُ، وصَدَقَةُ ماءٍ يُجرِيهِ، وسُنَّةٌ حَسَنَةٌ يُؤخَذُ بِها بَعدَهُ.[٣]

٧٧٤٤. **عنه عليه السلام:** سُئِلَ رسولُ اللهِ صلى الله عليه وآله: أيُّ المالِ

١. الواقعة: ٦٣ـ٦٧.
٢. الكافي: ٥/٢٦٠.
٣. الخصال: ٩/٣٢٣.

١٥٧٣
مستحب بودن كشاورزى و درختكارى

قرآن:

«آيا چيزى را كه مى‌كاريد ديده‌ايد؟ آيا شما مى‌رويانيدش يا ما رويانده‌ايم؟ اگر مى‌خواستيم خاشاكش مى‌ساختيم تا در شگفت بمانيد. [و گوييد:] ما غرامت زدگانيم. بلكه ما بى‌نصيب ماندگانيم».

حديث:

٧٧٤٢. **امام باقر عليه السلام:** پدرم مى‌فرمود: بهترين كارها كشاورزى است؛ چيزى را مى‌كارى و نيك و بد از آن مى‌خورند. نيكوكار مى‌خورد و برايت از خدا آمرزش مى‌طلبد و بدكار مى‌خورد و آنچه خورده او را لعن و نفرين مى‌كند و چرندگان و پرندگان نيز از آن بهره‌مند مى‌شوند.

٧٧٤٣. **امام صادق عليه السلام:** شش چيز است كه مؤمن بعد از مرگ خود از آنها بهره‌مند مى‌شود: فرزند صالحى كه براى او آمرزش بطلبد، قرآنى كه از روى آن تلاوت مى‌كند، چاهى كه حفر مى‌نمايد و درختى كه مى‌نشاند و نهر آبى كه در راه خدا جارى و وقف مى‌كند و سنّت (روش) پسنديده‌اى كه از خود بر جاى مى‌گذارد و بعد از او به آن عمل مى‌شود.

٧٧٤٤. **امام صادق عليه السلام:** از رسول خدا صلى الله عليه وآله سؤال

خَيرٌ؟ قالَ: زَرعٌ زَرَعَهُ صاحِبُهُ وأصلَحَهُ وأدّىٰ حَقَّهُ يومَ حَصادِهِ.[1]

۷۷۳۵ . عنه ﷺ: سُئلَ النبيُّ ﷺ: أيُّ المالِ بَعدَ البَقَرِ خَيرٌ؟ قالَ: الرّاسِياتُ في الوَحَلِ، والمُطعِماتُ في المَحلِ.[2]

۷۷۳۵ . امام صادق ﷺ: از رسول خدا ﷺ سؤال شد: بعد از گاو، کدام ثروت بهتر است؟ فرمود: آن ریشه‌داران در گِل و لای، و میوه‌دهندگان در خشکسالی (درختان خرما).

۱۵۷۴
الزّارِعونَ

۷۷۳۶ . رسولُ اللهِ ﷺ: مَن غَرَسَ غَرساً فَأثمَرَ، أعطاهُ اللهُ مِنَ الأجرِ قَدرَ ما يَخرُجُ مِن الثَّمَرَةِ.[3]

۷۷۳۷ . عنه ﷺ: ما مِن مسلِمٍ يَغرِسُ غَرساً أو يَزرَعُ زَرعاً، فَيَأكُلُ مِنهُ طَيرٌ أو إنسانٌ أو بَهيمَةٌ، إلّا كانَ لَهُ بِهِ صَدَقَةٌ.[4]

۷۷۳۸ . الإمامُ الباقرُ ﷺ: كانَ أميرُ المؤمنينَ ﷺ يقولُ: مَن وَجَدَ ماءً وتُراباً ثُمَّ افتَقَرَ فَأبعَدَهُ اللهُ.[5]

۷۷۳۹ . الإمامُ الصّادقُ ﷺ: الزّارِعونَ كُنوزُ الأنامِ، يَزرَعونَ طَيِّباً أخرَجَهُ اللهُ عزّوجلّ. وهُم

۱۵۷۴
کشاورزان

۷۷۳۶ . پیامبر خدا ﷺ: هرکه درختی بنشاند و آن درخت به بار نشیند، خداوند به اندازه‌ای که آن درخت میوه دهد، او را پاداش عطا فرماید.

۷۷۳۷ . پیامبر خدا ﷺ: هر مسلمانی درختی بنشاند، یا زراعتی بکارد و انسانی یا پرنده‌ای یا چرنده‌ای از محصول آن بخورد، برای وی صدقه محسوب شود.

۷۷۳۸ . امام باقر ﷺ: امیر المؤمنین ﷺ می‌فرمود: هر که با وجود داشتن آب و خاک نیازمند باشد، خدا [از رحمت خود] دورش گرداند.

۷۷۳۹ . امام صادق ﷺ: کشاورزان گنجهای مردمند، بذر پاکیزه‌ای را می‌کارند که

---

۱ . بحار الأنوار: ۴/۶۴/۱۰۳، انظر تمام الحديث.
۲ . الكافي: ۶/۲۶۱/۵.
۳ . مستدرك الوسائل: ۱۵۸۹۳/۴۶۰/۱۳.
۴ . صحيح البخاري: ۲۱۹۵/۸۱۷/۲.
۵ . قرب الإسناد: ۴۰۴/۱۱۵.

يومَ القِيامَةِ أحسَنُ الناسِ مَقاماً، وأقرَبُهُم مَنزِلَةً، يُدعَوْنَ المُبارَكِينَ.[۱]

۷۷۵۰. عنه ﷺ ـ في قولِ الله عزّوجلّ: ﴿وعَلَى اللهِ فَلْيَتَوَكَّلِ المُؤمِنُونَ﴾[۲] ـ: الزّارِعُونَ.[۳]

(انظر) العجب: باب ۲۴۷۶.

۱۵۷۵
الأنبياءُ وَالزِّراعَةُ

۷۷۵۱. الإمامُ الصّادقُ ﷺ: إنّ اللهَ جَعَلَ أرزاقَ أنبيائِهِ في الزَّرعِ والضَّرعِ، لِئلّا يَكرَهُوا شَيئاً مِن قَطْرِ السماءِ.[۴]

۷۷۵۲. عنه ﷺ: إنّ اللهَ عزّوجلّ اختارَ لأنبيائِهِ الحَرثَ والزَّرعَ، كَي لا يَكرَهُوا شيئاً مِن قَطْرِ السماءِ.[۵]

۷۷۵۳. عنه ﷺ ـ لَمّا سَألَهُ يزيدُ بنُ هارونَ الواسِطيُّ عنِ الفَلّاحِينَ ـ: هُمُ الزّارِعُونَ كُنوزَ اللهِ في أرضِهِ، وما في الأعمالِ شَيءٌ أحَبَّ إلَى اللهِ مِن الزِّراعَةِ، وما بَعَثَ اللهُ نبيّاً إلّا زَرّاعاً إلّا إدريسَ ﷺ فإنّهُ كانَ خَيّاطاً.[۶]

(انظر) النبوّة العامّة: باب ۳۷۲۰.

خداوند عزّوجلّ آن را برآورده است. مقام آنان در روز قیامت از همگان بهتر و قرب و منزلتشان از همه بیشتر است و «مبارک» خوانده می‌شوند.

۷۷۵۰. **امام صادق** ﷺ ـ دربارهٔ آیهٔ «و مؤمنان باید به خدا توکّل کنند» ـ فرمود: منظور از مؤمنان، کشاورزان است.

۱۵۷۵
پیامبران و کشاورزی

۷۷۵۱. **امام صادق** ﷺ: خداوند روزیِ پیامبران خود را در کشاورزی و دامداری قرار داد، تا بارشهای آسمان را ناخوش ندارند.

۷۷۵۲. **امام صادق** ﷺ: خداوند عزّوجلّ کارِ کشت و زرع را برای پیامبران خود برگزید، تا بارش آسمان را ناخوش ندارند.

۷۷۵۳. **امام صادق** ﷺ ـ در پاسخ به یزید بن هارون واسطی که از ایشان دربارهٔ برزگران پرسید ـ فرمود: آنان کشتگران گنجهای خدا در زمین اویند. در میان کارها هیچ کاری نزد خداوند محبوب‌تر از کشاورزی نیست و خدا هیچ پیامبری نفرستاد، مگر آن‌که کشاورز بود، مگر ادریس ﷺ که خیّاط بود.

---

۱. الكافي: ۷/۲۶۱/۵. ۲. آل عمران: ۱۶۰.
۳. بحار الأنوار: ۱۶/۶۶/۱۰۳.
۴. الكافي: ۲/۲۶۰/۵. ۵. الكافي: ۱/۲۶۰/۵.
۶. وسائل الشيعة: ۳/۲۵/۱۲.

٢٠٣

الزكاة

زكات

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

ولمزيد الاطّلاع راجع:

بحار الأنوار: ٩٦/١ـ١١٠ «الزكاة».

وسائل الشيعة: ٦/٢ـ٢٥٥ «الزكاة».

كنز العمّال: ٦/٢٩٢ـ٣٣٦ «الزكاة».

انظر:

عنوان ٢٩٣ «الصدقة»، ٥١٩ «الإنفاق».

۱۵۷۶
الزَّكاةُ

الكتاب:

﴿خُذْ مِنْ أَمْوالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَتُزَكِّيهِمْ بِها وَصَلِّ عَلَيْهِمْ إِنَّ صَلَاتَكَ سَكَنٌ لَهُمْ واللهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ﴾.[۱]

الحديث:

۷۷۵۴ . رسولُ اللهِ ﷺ: الزَّكاةُ قَنطَرَةُ الإسلامِ، فَمَن أدّاها جازَ القَنطَرةَ ومَن مَنَعَها احتَبَسَ دُونَها، وهِيَ تُطفِئُ غَضَبَ الرَّبِّ.[۲]

۷۷۵۵ . الإمامُ الصّادقُ ﷺ: ما فَرَضَ اللهُ عَزَّ ذِكرُهُ علىٰ هذهِ الأُمّةِ أشَدَّ علَيهِم مِنَ الزَّكاةِ، وما تَهلِكُ عامَّتُهُم إلّا فيها.[۳]

۱۵۷۷
اقتِرانُ الزَّكاةِ بِالصَّلاةِ

الكتاب:

﴿وَأَقِيمُوا الصَّلاةَ وَآتُوا الزَّكاةَ وَما تُقَدِّمُوا لِأَنْفُسِكُمْ مِنْ خَيْرٍ تَجِدُوهُ عِنْدَ اللهِ إِنَّ اللهَ بِما تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ﴾.[۴]

---

۱ . التوبة: ۱۰۳. ۲ . الأمالي للطوسي: ۱۱۵۷/۵۲۲.
۳ . الأمالي للطوسي: ۱۴۷۴/۶۹۳.
۴ . البقرة: ۱۱۰.

۱۵۷۶
زکات

قرآن:

«از اموال آنان صدقه (زکات) بگیر تا بدین وسیله آنان را پاک کنی و بر آنان درود فرست که درود تو ایشان را آرامش می‌بخشد و خداوند شنوا و داناست».

حدیث:

۷۷۵۴ . **پیامبر خدا ﷺ**: زکات، پُل اسلام است؛ کسی که آن را بپردازد، از پل بگذرد و هرکه آن را نپردازد از عبور او جلوگیری شود. زکات، خشم پروردگار را فرو می‌نشاند.

۷۷۵۵ . **امام صادق ﷺ**: خداوند ـ که یادش بر فراز باد ـ چیزی سخت‌تر از زکات بر این امّت واجب نکرد و عموم آنان جز در این مورد هلاک نشوند.

۱۵۷۷
پیوستگی زکات و نماز

قرآن:

«و نماز را بر پای دارید و زکات بدهید و هر خیری که برای خودتان پیش فرستید، آن را نزد خدا می‌یابید. خداوند به هر کاری که می‌کنید بیناست».

الحديث:

٧٧٥٦ . الإمامُ الصّادقُ عليه السلام: لا صلاةَ لِمَن لا زكاةَ لَهُ، ولا زكاةَ لِمَن لا وَرَعَ لَهُ.[١]

٧٧٥٧ . عنه عليه السلام: لَمّا نَزَلَت آيَةُ الزَّكاةِ ﴿خُذْ مِن أموالِهِم صَدَقَةً ...﴾[٢] في شَهرِ رَمَضانَ، فَأمَرَ رسولُ اللهِ صلى الله عليه وآله مُنادِيَهُ فَنادىٰ في الناسِ: إنَّ اللهَ تباركَ وتعالىٰ قد فَرَضَ علَيكُمُ الزَّكاةَ كما فَرَضَ علَيكُمُ الصَّلاةَ ... ثُمَّ لَم يَتَعَرَّضْ لِشيءٍ من أموالِهِم حتّىٰ حالَ علَيهِمُ الحَولُ مِن قابِلٍ فَصامُوا وأفطَرُوا، فَأمَرَ صلى الله عليه وآله مُنادِيَهُ فَنادىٰ في المسلمينَ: أيّها المسلمونَ، زَكُّوا أموالَكُم تُقبَلْ صَلاتُكُم.[٣]

٧٧٥٨ . الإمامُ الرِّضا عليه السلام: إنَّ اللهَ عزّوجلّ أمَرَ بثلاثةٍ مَقرونٍ بها ثلاثةٌ أُخرىٰ: أمَرَ بالصلاةِ والزكاةِ، فَمَن صَلّىٰ ولَم يُزَكِّ لَم تُقبَلْ مِنهُ صلاتُهُ.[٤]

١٥٧٨
حِكمَةُ الزَّكاةِ

٧٧٥٩ . الإمامُ عليٌّ عليه السلام: إنَّ اللهَ فَرَضَ علىٰ أغنياءِ الناسِ في أموالِهِم قَدْرَ الذي يَسَعُ

حديث:

٧٧٥٦ . امام صادق عليه السلام: كسى كه زكات ندهد نمازش بى‌حاصل است، و كسى كه ورع نداشته باشد زكاتش پذيرفته نيست.

٧٧٥٧ . امام صادق عليه السلام: هنگامى كه آيهٔ زكات [يعنى آيهٔ «از اموال آنان صدقه بگير ...»]، در ماه رمضان نازل شد، رسول خدا صلى الله عليه وآله به جارچى خود دستور داد در ميان مردم جار زند كه: خداوند تبارك و تعالى همچنان كه نماز را بر شما واجب كرد، زكات را نيز بر شما واجب ساخت... آن حضرت تا رمضان سال بعد به هيچ چيزى از اموال آنان كارى نداشت. چون [ماه رمضان] سال بعد را مسلمانان روزه گرفتند و افطار كردند، رسول خدا صلى الله عليه وآله به جارچى خود فرمود تا در ميان مسلمانان جار زند كه: اى مسلمانان! زكات اموالتان را بدهيد تا نمازتان پذيرفته شود.

٧٧٥٨ . امام رضا عليه السلام: خداوند عزّوجلّ به سه چيز فرمان داد كه هريک با چيزى ديگر قرين (پيوسته) است: به نماز و زكات [در كنار هم] فرمان داد. پس كسى كه نماز بخواند و زكات ندهد، نمازش پذيرفته نشود...

١٥٧٨
حكمت زكات

٧٧٥٩ . امام على عليه السلام: خداوند در اموال توانگران به اندازه‌اى كه تهيدستانشان را تأمين كند،

---

١ . مشكاة الأنوار: ٢١٢/٩٦ . ٢ . التوبة: ١٠٣.
٣ . وسائل الشيعة: ١/٣/٦ . ٤ . بحار الأنوار: ١٧/١٢/٩٦.

فُقَراءَهُم. فإن ضاعَ الفَقيرُ أو أجهَدَ أو عَرِيَ، فبما يَمنَعُ الغَنيُّ، وإنّ اللهَ عزّوجلّ مُحاسِبُ الأغنياءَ في ذلكَ يَومَ القِيامَةِ، ومُعَذِّبُهُم عَذاباً أليماً.[1]

۷۷۶۰. **الإمامُ الصّادقُ** ﷺ: إنّ اللهَ عزّوجلّ فَرَضَ لِلفُقَراءِ في أموالِ الأغنياءِ ممّا يَكتَفُونَ بِهِ، ولَو عَلِمَ اللهُ أنَّ الذي فَرَضَ لَهُم لَم يَكفِهِم لَزادَهُم، فإنّما يُؤتَى الفُقَراءُ فيما أُوتُوا مِن مَنعِ مَن مَنَعَهُم حُقوقَهُم، لا مِنَ الفَريضَةِ.[2]

حق و حقوق واجب کرد؛ بنابراین، اگر تهیدست نابود شود، یا در راهِ تأمین معاش خود جان بکَند، یا برهنه بماند، علّتش آن است که توانگر از پرداخت حقّ او دریغ کرده است. خداوند عزّوجلّ در روز قیامت توانگران را برای این کار مؤاخذه می‌کند و آنان را عذابی دردناک می‌چشاند.

۷۷۶۰. **امام صادق** ﷺ: خداوند عزّوجلّ در داراییهای توانگران به اندازه‌ای که نیاز تهیدستان را تأمین کند، حقّی واجب کرد. اگر خداوند می‌دانست که آنچه برای تهیدستان مقرّر داشته، کفایتشان نمی‌کند، حقّ بیشتری واجب می‌کرد. بنابراین، تهیدستیِ فقیران نه به سبب [کم بودن] این فریضه (زکات) است، بلکه از آن روست که توانگران حقوق آنان را نمی‌پردازند.

۷۷۶۱. **عنه** ﷺ: إنّ اللهَ تعالىٰ خَلَقَ الخَلقَ كُلَّهُم فَعَلِمَ صَغيرَهم وكَبيرَهم، وعَلِمَ غَنِيَّهُم وفَقِيرَهُم، فَجَعَلَ مِن كُلِّ ألفِ إنسانٍ خَمسَةً وعِشرينَ مِسكِيناً. فلَو عَلِمَ أنّ ذلكَ لا يَسَعُهُم لَزادَهُم، لأنّهُ خالِقُهُم وهُو أعلَمُ بِهِم.[3]

۷۷۶۱. **امام صادق** ﷺ: خداوند همهٔ خلایق را بیافرید و از خُرد و کلان و توانگر و تهیدست آنان آگاه است. او در میان هر هزار انسان بیست و پنج مستمند قرار داد. بنابراین، اگر می‌دانست که زکات آن عدّه، زندگی این عدّه را تأمین نمی‌کند، بر مقدار زکات آنان می‌افزود؛ چرا که او آفرینندهٔ آنهاست و نسبت به مردم از خود آنان آگاهتر است.

۷۷۶۲. **عنه** ﷺ: إنّما وُضِعَتِ الزَّكاةُ إختِباراً للأغنِياءِ ومَعُونَةً لِلفُقَراءِ، ولَو أنَّ النّاسَ أدَّوا زكاةَ أموالِهِم ما بَقِيَ مسلِمٌ فَقيراً مُحتاجاً، ولَاستَغنىٰ بِما فَرَضَ اللهُ عزّوجلّ لَهُ، وإنّ النّاسَ ما افتَقَرُوا، ولا

۷۷۶۲. **امام صادق** ﷺ: زکات به منظور آزمودن توانگران و کمک به مستمندان وضع شده است. اگر مردم زکات اموال خود را می‌پرداختند، هیچ مسلمانی نیازمند نمی‌ماند و به سبب آنچه خداوند عزّوجلّ

---

۱. بحار الأنوار: ۵۷/۲۸/۹۶.

۲. علل الشرائع: ۲/۳۶۹، انظر وسائل الشيعة: ۶/۳/۲ وح ۳.

۳. علل الشرائع: ۱/۳۶۹.

احتاجُوا، ولا جاعُوا، ولا عَرُوا إلّا بِذُنوبِ الأغنياءِ.[۱]

۷۷۶۳. **الإمامُ الكاظمُ ﷺ**: إنّما وُضِعَتِ الزَّكاةُ قُوتاً للفُقَراءِ وتَوفيراً لأموالِ الأغنياءِ.[۲]

۷۷۶۴. **الإمامُ الرِّضا ﷺ**: إنّ علّةَ الزَّكاةِ مِن أجلِ قُوتِ الفُقَراءِ، وتَحصينِ أموالِ الأغنياءِ؛ لأنّ اللهَ عزّوجلّ كَلَّفَ أهلَ الصِّحَّةِ القِيامَ بِشَأنِ أهلِ الزَّمانَةِ والبَلوىٰ، كما قال اللهُ تَبارَكَ وتَعالىٰ: ﴿لَتُبْلَوُنَّ في أموالِكُم وأنفُسِكُم﴾[۳] في أموالِكُم: إخراجُ الزَّكاةِ، وفي أنفسِكُم: تَوطينُ الأنفُسِ عَلَى الصَّبرِ.

مَعَ ما في ذلكَ مِن أداءِ شُكرِ نِعَمِ اللهِ عزّوجلّ، والطَّمَعِ في الزِّيادَةِ، مع ما فيهِ مِن الرِّيادةِ والرَّأفَةِ والرَّحمَةِ لِأهلِ الضَّعفِ، والعَطفِ عَلىٰ أهلِ المَسكَنَةِ، والحَثِّ لَهُم على المُواساةِ، وتَقويَةِ الفُقَراءِ، والمَعونَةِ لَهُم علىٰ أمرِ الدِّينِ، وهوَ عِظَةٌ لِأهلِ الغِنىٰ وعِبرَةٌ لَهُم لِيَستَدِلُّوا علىٰ فُقَراءِ الآخِرَةِ بِهِم.[۴]

---

۱. کتاب من لا یحضره الفقیه: ۱۵۷۹/۷/۲.
۲. علل الشرائع: ۱/۳۶۸. ۳. آل عمران: ۱۸۶.
۴. کتاب من لا یحضره الفقیه: ۱۵۸۰/۸/۲.

برای او واجب کرده است بی‌نیاز می‌شد. مردم، فقیر و نیازمند و گرسنه و برهنه نشدند مگر به گناه [ترک زکات] از سوی ثروتمندان.

۷۷۶۳. **امام کاظم ﷺ**: زکات برای تأمین قُوتِ تهیدستان و افزایش دارایی‌های توانگران وضع شده است.

۷۷۶۴. **امام رضا ﷺ**: سبب [وضع] زکات آن است که هزینهٔ تهیدستان، تأمین و دارایی‌های توانگران، حفظ شود؛ زیرا خداوند عزّوجلّ تندرستان را مکلّف کرد که به امور افراد بیمار و از کار افتاده رسیدگی کنند، چنان که فرمود: «هر آینه شما در داراییها و جانهایتان آزمایش می‌شوید». آزمون در اموالتان، پرداخت زکات است و آزمون در جانها، واداشتن آنها به صبر (پایداری) است. علاوه بر این، با پرداخت زکات، از نعمتهای خداوند عزّوجلّ شکر گزاری می‌شود و به افزایش دارایی‌ها امید می‌رود و ناتوانان مشمول رأفت و مهربانی قرار می‌گیرند و به بینوایان مهرورزی می‌شود و توانگران، به همدردی و تقویت تهیدستان و کمک به امور دینی آنان تشویق می‌شوند. دادن زکات، اندرزی به توانگران و عبرتی برای آنان است، تا با [دیدن] فقیران، به فقیرانِ آخرت پی برند.

۱۵۷۹
دَورُ الزَّكاةِ في نَماءِ المالِ

۷۷۶۵ . رسولُ اللهِ ﷺ: إذا أرَدتَ أن يُثرِيَ اللهُ مالَكَ فَزَكِّهِ.[۱]

۷۷۶۶ . الإمامُ عليٌّ ؈: فَرَضَ اللهُ... الزَّكاةَ تَسبيباً للرِّزقِ.[۲]

۷۷۶۷ . الإمامُ الحسنُ ؈: ما نَقَصَتْ زكاةٌ مِن مالٍ قَطُّ.[۳]

۷۷۶۸ . الإمامُ الباقرُ ؈: الزَّكاةُ تَزيدُ في الرِّزقِ.[۴]

۷۷۶۹ . عنه ؈ ـ في قولِهِ تعالىٰ: ﴿فَأَمَّا مَنْ أعطىٰ واتَّقىٰ ۞ وصَدَّقَ بِالحُسْنىٰ﴾[۵] ـ: إنَّ اللهَ يُعطِي بالواحِدَةِ عَشرَةً إلىٰ مِائةِ ألفٍ فما زادَ، ﴿فَسَنُيَسِّرُهُ لِلْيُسْرىٰ﴾[۶]: لا يُرِيدُ شَيئاً مِنَ الخَيرِ إلّا يَسَّرَهُ اللهُ لَهُ.[۷]

۷۷۷۰ . الإمامُ الصّادقُ ؈: يا مُفَضَّلُ، قُلْ لِأصحابِكَ يَضَعُونَ الزَّكاةَ في أهلِها، وإنّي ضامِنٌ لِما ذَهَبَ لَهُم.[۸]

۷۷۷۱ . الإمامُ الكاظمُ ؈: إنَّ اللهَ عزّوجلّ وَضَعَ

۱ . بحار الأنوار: ۵۴/۲۳/۹۶.
۲ . نهج البلاغة: الحكمة ۲۵۲.
۳ . بحار الأنوار: ۵۶/۲۳/۹۶.
۴ . بحار الأنوار: ۸/۱۸۳/۷۸.
۵ . الليل: ۵ ـ ۶.
۶ . الليل: ۷.
۷ . وسائل الشيعة: ۵/۲۵۶/۶.
۸ . بحار الأنوار: ۱/۳۸۱/۷۸.

۱۵۷۹
نقش زكات در رشد ثروت

۷۷۶۵ . **پیامبر خدا**ﷺ: اگر می‌خواهی که خداوند دارایی تو را زیاد کند، زکات آن را بپرداز.

۷۷۶۶ . **امام علی**؈: خداوند... زکات را واجب کرد، تا سبب روزی باشد.

۷۷۶۷ . **امام حسن**؈: زکات، هیچگاه از ثروت نمی‌کاهد.

۷۷۶۸ . **امام باقر**؈: زکات دادن، روزی را زیاد می‌کند.

۷۷۶۹ . **امام باقر**؈ ـ دربارهٔ آیهٔ «و اما کسی که [حقّ خدا را] بپردازد و پرواکند و [پاداش] نیکوتر را تصدیق کند» ـ فرمود: خداوند در قبال یک عطا ده تا صد هزار و بیشتر پاداش می‌دهد [و] «بزودی راه آسانی پیش پایش خواهیم گذاشت»؛ هر خیری که بخواهد، خداوند آن را برایش فراهم می‌آورد.

۷۷۷۰ . **امام صادق**؈: ای مفضّل! به دوستانت بگو که زکات را به اهلش بدهند و من [جبران] آنچه را از دست داده‌اند ضمانت می‌کنم.

۷۷۷۱ . **امام کاظم**؈: خداوند عزّوجلّ زکات را به

الزَّكاةَ قُوتاً للفُقَراءِ وتَوفِيراً لِأموالِكُم.[۱]

(انظر) الإنفاق: باب ۳۸۸۴.

۱۵۸۰
تَحصينُ المالِ بِالزَّكاةِ

۷۷۷۲. **الإمامُ عليٌّ** ﷺ: حَصِّنُوا أموالَكُم بالزَّكاةِ.[۲]

۷۷۷۳. **الإمامُ الباقرُ** ﷺ: ما نَقَصَتْ زكاةٌ مِن مالٍ قَطُّ ولا هَلَكَ مالٌ في بَرٍّ أو بَحرٍ أُدِّيَتْ زَكاتُهُ.[۳]

۷۷۷۴. **عنه** ﷺ: وَجَدنا في كتابِ رسولِ اللهِ ﷺ... إذا مَنَعُوا الزَّكاةَ مَنَعَتِ الأرضُ بَرَكَتَها مِنَ الزَّرعِ والثِّمارِ والمَعادِنِ كُلِّها.[۴]

۷۷۷۵. **الإمامُ الصّادقُ** ﷺ: ما ضاعَ مالٌ في بَرٍّ ولا بَحرٍ إلّا بِتَضييعِ الزَّكاةِ، فَحَصِّنُوا أموالَكُم بالزَّكاةِ.[۵]

۷۷۷۶. **الإمامُ الرِّضا** ﷺ: إذا حُبِسَتِ الزَّكاةُ ماتَتِ المَواشِي.[۶]

۱۵۸۱
مانِعُ الزَّكاةِ

۷۷۷۷. **الإمامُ الصّادقُ** ﷺ: مَن مَنَعَ الزَّكاةَ سَأَلَ

منظور تأمین قوت تهیدستان و افزایش داراییهای شما وضع کرده است.

۱۵۸۰
حفظ کردن داراییها با زکات

۷۷۷۲. **امام علی** ﷺ: داراییهایی خود را با [دادن] زکات حفظ کنید.

۷۷۷۳. **امام باقر** ﷺ: زکات هرگز از ثروت نکاهد و هر مالی که زکاتش پرداخته شود، در خشکی یا دریا از بین نرود.

۷۷۷۴. **امام باقر** ﷺ: در کتاب رسول خدا ﷺ دیدیم که... هرگاه مردم از دادن زکات خودداری کنند، زمین برکتهای خود را، از هر نوع زراعت و میوه‌ها و کانیها، دریغ دارد.

۷۷۷۵. **امام صادق** ﷺ: هیچ مالی در خشکی و دریا از بین نرفت، مگر به سبب فروگذاردن زکات. پس، اموال خود را با زکات حفظ (بیمه) کنید.

۷۷۷۶. **امام رضا** ﷺ: هرگاه زکات پرداخته نشود، چارپایان دچار مرگ و میر شوند.

۱۵۸۱
کسی که زکات نمی‌دهد

۷۷۷۷. **امام صادق** ﷺ: کسی که زکات نپردازد،

---

۱. الكافي: ۶/۴۹۸/۳.
۲. بحار الأنوار: ۱۳۸/۶۰/۷۸.
۳. بحار الأنوار: ۵۷/۲۸/۹۶.
۴. الكافي: ۲/۳۷۴/۲.
۵. بحار الأنوار: ۷۳/۳۹۳/۶۹.
۶. بحار الأنوار: ۸/۳۶۳/۷۳.

الرَّجعَةَ عندَ المَوتِ، وهُو قولُ اللهِ عزّوجلّ: ﴿حَتّىٰ إذا جاءَ أحَدَهُمُ المَوْتُ قالَ رَبِّ ارْجِعُونِ * لَعَلّي أعْمَلُ صالِحاً فيما تَرَكْتُ﴾.[١][٢]

هنگام فرارسیدن مرگ خواهان بازگشت [به زندگی] می‌شود و این است [منظور] سخن خداوند عزّوجلّ که: «چون یکی از آنان را مرگ فرا رسد، گوید: پروردگارا مرا برگردانید باشد که برای جبران آنچه فرو گذاشتم کاری نیک انجام دهم».

٧٧٧٨ . عنه ﷺ: إذا قامَ القائمُ أخَذَ مانِعَ الزَّكاةِ فَضَرَبَ عُنُقَهُ.[٣]

٧٧٧٨ . **امام صادق**ﷺ: هر گاه قائم قیام کند، کسی را که زکات ندهد دستگیر کند و گردن زند.

٧٧٧٩ . عنه ﷺ: السُّرّاقُ ثلاثةٌ: مانِعُ الزَّكاةِ، ومُستَحِلُّ مُهُورِ النِّساءِ، وكذلكَ مَنِ استَدانَ ولَم يَنوِ قَضاءَهُ.[٤]

٧٧٧٩ . **امام صادق**ﷺ: دزدان سه گروهند: کسی که زکات ندهد، و کسی که مهریهٔ زنان را [بر خود] حلال شمارد، و نیز کسی که وام ستاند و قصد پرداختن آن را نداشته باشد.

(انظر) وسائل الشيعة: ٦ / ١٠ باب ٣.

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

١٥٨٢
كُفرُ مانِعِ الزَّكاةِ

الكتاب:

﴿وَ وَيْلٌ لِلْمُشْرِكِينَ * الَّذِينَ لا يُؤْتُونَ الزَّكاةَ وَهُمْ بِالآخِرَةِ هُمْ كافِرُونَ﴾.[٥]

الحديث:

٧٧٨٠ . **بحار الأنوار**: قالَ رسولُ اللهِ ﷺ ـ لَمّا سُئِلَ عن قولِ اللهِ عزّوجلّ: ﴿ووَيْلٌ لِلْمُشْرِكِينَ * الذينَ لا يُؤْتُونَ الزكاةَ...﴾ ـ: لايُعاتِبُ اللهُ

١٥٨٢
کافر بودن کسی که زکات ندهد

قرآن:

«وای بر مشرکان؛ کسانی که زکات نمی‌دهند و هم آنان به آخرت کافرند!».

حدیث:

٧٧٨٠ . **بحار الأنوار**: وقتی از پیامبر خداﷺ دربارهٔ آیهٔ «و وای بر مشرکان؛ آنان که زکات نمی‌پردازند...» سؤال شد ـ فرمود: خداوند مشرکان را مورد عتاب قرار

---

١ . المؤمنون: ٩٩ ـ ١٠٠.
٢ . بحار الأنوار: ٩٦/٢١/٥٠.
٣ . بحار الأنوار: ٩٦/٢١/٤٨.
٤ . بحار الأنوار: ٩٦/١٢/١٥.
٥ . فصّلت: ٦ ـ ٧.

المُشرِكِينَ، أما سَمِعتَ قولَهُ: ﴿فَوَيْلٌ لِلْمُصَلِّينَ * الذينَ هُمْ عَنْ صَلاتِهِمْ ساهُونَ * الذين هُم يُراؤونَ * ويَمنَعُونَ الماعُونَ﴾[1]؟! ألا إنّ الماعُونَ الزَّكاةُ. ثُمّ قالَ: والذي نَفسُ محمّدٍ بِيَدِهِ، ماخانَ اللهَ أحَدٌ شيئاً مِن زكاةِ مالِهِ إلّا مُشرِكٌ بِاللهِ.[2]

نمی‌دهد. مگر نشنیده‌ای این سخن او را: «وای بر نمازگزاران؛ آنان که در نماز خود غافلند، آنان که خود نمایی می‌کنند و ماعون را نمی‌پردازند»؟ بدانید که ماعون، همان زکات است. سپس فرمود: سوگند به آن که جان محمّد در دست اوست، هیچ کس در چیزی از زکات مال خود به خدا خیانت نکرد، مگر آن‌که مشرک به خدا باشد.

۷۷۸۱. رسولُ اللهِ ﷺ: يا عَلِيُّ، كَفَرَ بِاللهِ العَظيمِ مِن هذِهِ الأُمّةِ عَشرَةٌ... ومانِعُ الزَّكاةِ.[3]

۷۷۸۱. **پیامبر خدا** ﷺ: ای علی! از میان این امّت ده کس به خداوند بزرگ کافر باشند: ... و کسی که زکات ندهد.

۷۷۸۲. عنه ﷺ: مَن مَنَعَ قِيراطاً مِن زكاةِ مالِهِ، فَلَيسَ هُو بِمُؤمِنٍ ولا مُسلِمٍ ولا كَرامَةَ لَه.[4]

۷۷۸۲. **پیامبر خدا** ﷺ: هر کس قیراطی از زکات مال خود را نپردازد، نه مؤمن است و نه مسلمان و نه او را حرمتی است.

۷۷۸۳. الإمامُ الصّادقُ ﷺ: مَن مَنَعَ قِيراطاً مِنَ الزَّكاةِ فَلْيَمُتْ إن شاءَ يَهُودِيّاً وإن شاءَ نَصرانِيّاً.[5]

۷۷۸۳. **امام صادق** ﷺ: هرکه قیراطی از زکات را نپردازد، گو بمیرد، خواه یهودی و یا نصرانی.

(انظر) وسائل الشيعة: ۶ / ۱۷ باب ۴.

۱۵۸۳
عِقابُ مانِعِ الزَّكاةِ

۱۵۸۳
کیفر کسی که زکات نپردازد

۷۷۸۴. رسولُ اللهِ ﷺ: مانِعُ الزَّكاةِ يُجَرُّ قَصَبُهُ في النارِ ـ يَعنِي أمعاءَهُ فِي النارِ ـ ومُثِّلَ لَهُ مالُهُ في النارِ في صُورةِ شُجاعٍ أقرَعَ لَهُ زَبِيبانِ أو زَبِيبَتانِ يَفِرُّ الإنسانُ مِنهُ، وهُو يَتبَعُهُ

۷۷۸۴. **پیامبر خدا** ﷺ: کسی که زکات نپردازد، روده‌هایش در آتش کشیده می‌شود ودارایی او به صورت افعیِ اقرع[1] دو نیشه یا دارای دو خال سیاه بر بالای چشمانش، در می‌آید و او از آن می‌گریزد و افعی او را دنبال می‌کند تا آن که وی را مانند تربچه

۱. الماعون: ۴ ـ ۷. ۲. بحار الأنوار: ۵۷/۲۹/۹۶.
۳. الخصال: ۵۶/۴۵۱.
۴. مكارم الأخلاق: ۲۶۵۶/۳۳۱/۲.
۵. ثواب الأعمال: ۷/۲۸۱.

۱. اقرع: ماری که بر اثر شدّت زهرش، کرک‌های سرش ریخته باشد ـ م.

حَتّىٰ يَقضِمَهُ كما يُقْضَمُ الفُجْلُ ويقولُ: أنا مالُكَ الذي بَخِلتَ بِهِ.[۱]

۷۷۸۵ . **الإمامُ الباقرُ**ﷺ: الذي يَمنَعُ الزَّكاةَ يُحَوِّلُ اللهُ مالَهُ يَومَ القِيامَةِ شُجاعاً مِن نارٍ لَهُ رِيمَتانِ[۲] فَيُطَوِّقُهُ إيّاهُ ثُمّ يقالُ لَهُ: اِلزَمْهُ كما لَزِمَكَ في الدنيا، وهُو قولُ اللهِ ﴿سَيُطَوَّقُونَ ما بَخِلُوا بِهِ يَومَ القيامة﴾[۳].[۴]

۷۷۸۶ . **عنه**ﷺ: إنّ اللهَ عزّوجلّ يَبعَثُ يَومَ القِيامَةِ ناساً مِن قُبورِهِم مَشدودَةً أيدِيهِم إلىٰ أعناقِهِم، لا يَستَطِيعُونَ أن يَتَناوَلُوا بِها قِيسَ أنْمُلَةٍ، مَعَهُم ملائكةٌ يُعَيِّرُونَهُم تَعييراً شَديداً، يَقولونَ: هَؤلاءِ الذينَ مَنَعُوا خَيراً قَليلاً مِن خَيرٍ كثيرٍ، هَؤلاءِ الذينَ أعطاهُم اللهُ عزّوجلّ فَمَنَعُوا حَقَّ اللهِ عزّوجلّ في أموالِهِم.[۵]

۱۵۸۳
طيبُ النَّفسِ في أداءِ الزَّكاةِ

۷۷۸۷ . **الإمامُ عليٌّ**ﷺ: إنّ الزَّكاةَ جُعِلَتْ مَعَ الصَّلاةِ قُرباناً لأهلِ الإسلامِ، فَمَن أعطاها طَيِّبَ

خرد می‌کند و می‌گوید: من همان ثروت تو هستم که به آن بخل می‌ورزیدی.

۷۷۸۵ . **امام باقر**ﷺ: کسی که زکات نپردازد خداوند در روز قیامت دارایی او را به صورت افعی آتشین و دو سر (نیش) در می‌آورد و آن را طوق گردن او می‌کند و سپس به آن افعی گفته می‌شود: به او بچسب همچنان که او در دنیا به تو چسبیده بود. این است که سخن خداوند: «بزودی روز قیامت آنچه را که در بخشیدنش بخل می‌ورزیدند، چون طوقی به گردنشان خواهند آویخت».

۷۷۸۶ . **امام باقر**ﷺ: خداوند عزّوجلّ در روز قیامت گروهی را از گورهایشان برمی‌انگیزد، در حالی که دستهای آنان به گردنشان بسته شده است به طوری که نمی‌توانند با آنها به اندازهٔ یک سر انگشت چیزی بردارند. همراه ایشان، فرشتگانی هستند که بشدّت آنها را توبیخ می‌کنند و می‌گویند: اینان کسانی هستند که از پرداخت اندک مالی از مال و دارایی فراوان خود، دریغ کردند. اینان کسانی هستند که خداوند عزّوجلّ به آنها عطا کرد، ولی آنان حقّ خداوند عزّوجلّ در اموال خود را ندادند.

۱۵۸۴
پرداخت زکات با رضایت خاطر

۷۷۸۷ . **امام علی**ﷺ: همانا زکات در کنار نماز قرار داده شده است، تا سبب نزدیکی مسلمانان

---

۱. بحار الأنوار: ۲۹/۱۵/۹۶.
۲. كذا، ولعلّ الصحيح «زَبيبَتان» (كما في هامش المصدر).
۳. آل عمران: ۱۸۰.
۴. بحار الأنوار: ۳/۸/۹۶.
۵. بحار الأنوار: ۴۹/۲۱/۹۶.

النفسِ بها، فإنّها تُجعَلُ لَهُ كَفّارَةً، ومِن النارِ حِجازاً (حِجاباً) ووِقايَةً، فلا يُتبِعَنَّها أحَدٌ نَفسَهُ، ولا يُكثِرَنَّ عَلَيها لَهْفَهُ، فإنَّ مَن أعطاها غَيرَ طَيِّبَ النَّفسِ بِها يَرجُو بِها ما هُو أفضَلُ مِنها فهُو جاهِلٌ بِالسُّنَّةِ، مَغبونُ الأجرِ، ضالُّ العَمَلِ، طَويلُ النَّدَمِ.[1]

١٥٨٥
الحَقُّ المَعلومُ غَيرُ الزَّكاةِ

الكتاب:

﴿وَالَّذِينَ فِي أَمْوالِهِم حَقٌّ مَعلُومٌ * لِلسّائِلِ والمَحرُومِ﴾.[2]

الحديث:

٧٧٨٨ . الإمامُ الصّادقُ عليه السلام: ولٰكِنَّ اللهَ عزّوجلّ فَرَضَ في أموالِ الأغنياءِ حُقوقاً غَيرَ الزَّكاةِ، فقالَ عزّوجلّ: ﴿والَّذِينَ في أمْوالِهِم حَقٌّ مَعلومٌ﴾، فالحَقُّ المَعلوم مِن غَيرِ الزَّكاةِ، وهُو شيءٌ يَفرِضُهُ الرجُلُ علىٰ نفسِهِ في مالِهِ، يَجِبُ عَلَيهِ أن يَفرِضَهُ علىٰ قَدْرِ طاقَتِهِ وسَعَةِ مالِهِ، فَيُؤَدّي الذي فَرَضَ علىٰ نَفسِهِ إن شاءَ في كُلِّ يَومٍ، وإن شاءَ في

به خداوند باشد. بنابراین، کسی که زکات را با رضایت خاطر بپردازد، کفّارهٔ گناهان او و مایهٔ نگهداری‌اش از آتش باشد. پس، نباید کسی دل در پی زکاتی که می‌پردازد داشته باشد و مرتباً افسوس خورد؛ زیرا کسی که آن را از روی بی‌میلی بپردازد، و با این حال در قبال آن، به بهتر از آن (بهشت) چشم امید بندد، به سنّت [الهی] نادان است و در پاداش، مغبون؛ کارش بیهوده و پشیمانی‌اش طولانی باشد.

١٥٨٥
حقّ معلوم غیر از زکات است

قرآن:

«و آنان که در اموالشان حقّی است معلوم، برای گدا و محروم».

حدیث:

٧٧٨٨ . امام صادق عليه السلام: لیکن خداوند عزّوجلّ در داراییهای توانگران بجز زکات، حقوقی دیگر واجب و مقرّر کرده و فرموده است: «وآنان که در اموالشان حقّی است معلوم،» بنابراین، حقّ معلوم و معیّن که چیزی جز زکات می‌باشد، آن است که هرکس وظیفهٔ خود می‌داند از مالش بپردازد. او باید به اندازهٔ توان و وسع مالی که دارد، آن مقدار را بر خود واجب شمارد، و بسته به میل خودش، هر روز یا

١. نهج البلاغة: الخطبة ١٩٩. ٢. المعارج: ٢٤، ٢٥.

كُلِّ جُمُعَةٍ، وإن شاءَ في كُلِّ شَهرٍ.[1]

۷۷۸۹. **الكافي:** جاءَ رَجُلٌ إلىٰ أبي عبدِاللهِ عليه السلام فقالَ لَهُ: يا أبا عبدِاللهِ، قَرضٌ إلىٰ مَيسَرَةٍ. فقالَ لَهُ أبو عبدِاللهِ عليه السلام: إلىٰ غَلَّةٍ تُدرِكُ؟ فقالَ الرجُلُ: لا واللهِ. قالَ: فإلىٰ تِجارةٍ تَؤوبُ؟ قالَ: لا واللهِ. قالَ: فإلىٰ عُقدَةٍ تُباعُ؟ فقالَ: لا واللهِ.

فقالَ أبو عبدالله عليه السلام: فَأنتَ مِمَّن جَعَلَ اللهُ لَهُ في أموالِنا حَقّاً، ثُمّ دعا بِكِيسٍ فيهِ دَراهِمُ فَأدخَلَ يَدَهُ فيهِ فَناوَلَهُ مِنهُ قَبضَةً، ثُمّ قالَ لَهُ: اِتَّقِ اللهَ ولا تُسرِفْ ولا تُقتِّرْ، ولكنْ بينَ ذلكَ قَواماً.[2]

(انظر) وسائل الشيعة: ۶ / ۲۷ باب ۷.

السؤال (طلب الحاجة): باب ۱۷۱۴.

هر جمعه یا هرماه بپردازد.

۷۷۸۹. **الكافي:** مردی خدمت امام صادق عليه السلام آمد وعرض کرد: یا ابا عبدالله! تا زمانی که وضع مالی‌ام خوب شود، مبلغی به من قرض بدهید. حضرت فرمود: یعنی تا زمانی که محصولت را برداشت کنی؟ آن مرد عرض کرد: نه به خدا قسم [من محصولی ندارم]. فرمود: تا مال التجاره‌ات برگردد؟ عرض کرد: نه به خدا قسم [من مال التجاره ندارم]. فرمود: تا ملکی از تو فروخته شود؟ عرض کرد: نه به خدا قسم [من ملکی ندارم]. امام صادق عليه السلام فرمود: پس تو از کسانی هستی که خداوند در اموال ما برای آنان حقّی مقرّر کرده است. آن گاه فرمود تا همیانی درهم بیاورند. حضرت دست در همیان بُرد و مشتی برداشت و به او داد و فرمود: از خدا بترس و در خرج کردن افراط و تفریط مکن، بلکه حدّ وسط را نگه دار.

۱۵۸۶
المُستَحِقُّونَ لِلزَّكاةِ

۱۵۸۶
مستحقّان زکات

الكتاب:

﴿إنَّما الصَّدَقاتُ لِلفُقَراءِ والمَساكِينِ والعامِلِينَ عَلَيْها والمُؤَلَّفَةِ قُلُوبُهُمْ وَفِي الرِّقابِ والغارِمِينَ وَفِي سَبِيلِ اللهِ وابْنِ السَّبِيلِ فَرِيضَةً مِنَ اللهِ واللهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ﴾.[3]

قرآن:

«جز این نیست که صدقات (زکات) برای فقیران و مسکینان و تحصیلداران آن است و نیز برای به دست آوردن دل [مخالفان] و آزاد کردن بندگان و قرضداران و انفاق در راه خدا و در راه ماندگان و آن فریضه‌ای است از جانب خدا. و خدا دانا و حکیم است».

---

۱. الكافي: ۸/۴۹۸/۳. ۲. الكافي: ۱۴/۵۰۱/۳.
۳. التوبة: ۶۰.

الحديث:

٧٧٩٠ . الإمامُ عليٌّ ﷺ: أمّا وَجهُ الصَّدَقاتِ فإنّما هي لأقوامٍ لَيسَ لَهُم في الإمارَةِ نَصيبٌ، ولا في العِمارَةِ حَظٌّ، ولا في التِّجارَةِ مالٌ، ولا في الإجارَةِ مَعرِفَةٌ وقُدرَةٌ، فَفَرَضَ اللهُ في أموالِ الأغنياءِ ما يَقُوتُهُم ويُقَوِّمُ بِهِ أوَدَهُم... ثُمَّ بَيَّنَ سبحانَهُ لِمَن هَذِهِ الصَّدَقاتُ، فقالَ: ﴿إنَّما الصَّدَقاتُ لِلفُقَراءِ والمَساكِينِ والعامِلِينَ عَلَيها والمُؤَلَّفَةِ قُلُوبُهُمْ وَفِي الرِّقابِ والغارِمِينَ وَفِي سَبِيلِ اللهِ وابنِ السَّبِيلِ﴾.[1]

٧٧٩١ . الإمامُ الصّادقُ ﷺ ـ في قولِهِ تعالىٰ: ﴿إنّما الصَّدَقاتُ للفُقَراءِ...﴾ ـ: الفَقيرُ الذي لا يَسأَلُ الناسَ، والمِسكينُ أجهَدُ مِنهُ، والبائسُ أجهَدُهُم.[2]

(انظر) وسائل الشيعة: ٦ / ١٤٣ باب ١.

الصدقة: باب ٢٢٠٨.

١٥٨٧
الزَّكاةُ الظّاهِرَةُ وَالباطِنَةُ

٧٧٩٢ . الكافي عن المُفَضَّلِ: كنتُ عندَ أبي عبدِاللهِ ﷺ فسألَه رَجُلٌ: في كَم تَجِبُ الزَّكاةُ مِنَ المالِ؟ فقالَ لَهُ: الزَّكاةَ الظّاهِرَةَ أم

١ . وسائل الشيعة: ٦/١٤٦/٨. ٢ . الكافي: ٣/٥٠١/١٦.

حديث:

٧٧٩٠ . امام علی ﷺ: صدقات (زکات) برای کسانی است که نه در کارهای دولتی دستی دارند، نه از ساخت و ساز (بنّایی) سهمی، نه برای تجارت و کسب و کار، سرمایه‌ای و نه از کارگری، آگاهی و توانایی. از این رو، خداوند در اموال توانگران به اندازه‌ای که قوتِ آنان را تأمین و گرفتاری‌شان را برطرف کند، حقّی واجب کرده است... خدای سبحان کسانی را که این صدقات (زکات) به آنها تعلّق می‌گیرد، بر شمرده و فرموده است: «جز این نیست که صدقات (زکات) برای فقیران و مسکینان و تحصیلداران آن است ونیز برای به دست آوردن دل [مخالفان] و آزاد کردن بندگان وقرضداران و انفاق در راه خدا و در راه ماندگان».

٧٧٩١ . امام صادق ﷺ ـ دربارهٔ آیهٔ «جز این نیست‌که صدقات برای فقیران است و...» ـ فرمود: فقیر کسی است که دست گدایی به سوی مردم دراز نمی‌کند و مسکین وضعش از فقیر بدتر است و بائس از همهٔ آنان بینواتر است.

١٥٨٧
زکات ظاهری و باطنی

٧٧٩٢ . الکافی ـ به نقل از مفضّل ـ: خدمت امام صادق ﷺ بودم که شخصی از حضرت پرسید: زکات واجب مال چقدر است؟

الباطِنَةَ تُريدُ؟ فقالَ: أُريدُهُما جَميعاً. فقال: أمّا الظاهِرَةُ فَفي كُلِّ ألفٍ خَمسَةٌ وعِشرُونَ، وأمّا الباطِنَةُ فلا تَستَأثِرْ عَلىٰ أخيكَ بِما هو أحْوَجُ إلَيهِ مِنكَ.[١]

١٥٨٨
لِكُلِّ شَيءٍ زَكاةٌ

٧٧٩٣. **الإمامُ عليٌّ** ﷺ: زكاةُ القُدرَةِ، الإنصافُ.[٢]

٧٧٩٤. **عنه** ﷺ: زكاةُ الجَمالِ، العَفافُ.[٣]

٧٧٩٥. **عنه** ﷺ: زكاةُ الظَّفَرِ، الإحسانُ.[٤]

٧٧٩٦. **عنه** ﷺ: العَفوُ زكاةُ الظَّفَرِ.[٥]

٧٧٩٧. **عنه** ﷺ: زكاةُ اليَسارِ، بِرُّ الجيرانِ وصِلَةُ الأرحامِ.[٦]

٧٧٩٨. **عنه** ﷺ: زكاةُ الصِّحَّةِ، السَّعيُ في طاعَةِ اللهِ.[٧]

٧٧٩٩. **عنه** ﷺ: زكاةُ الشَّجاعَةِ، الجِهادُ في سبيلِ اللهِ.[٨]

٧٨٠٠. **عنه** ﷺ: زكاةُ النِّعَمِ، اِصطِناعُ المَعروفِ.[٩]

---

١. الكافي: ٣/٥٠٠/١٣. ٢. غرر الحكم: ٥٤٤٨.
٣. غرر الحكم: ٥٤٤٩. ٤. غرر الحكم: ٥٤٥٠.
٥. نهج البلاغة: الحكمة ٢١١.
٦. غرر الحكم: ٥٤٥٣. ٧. غرر الحكم: ٥٤٥٤.
٨. غرر الحكم: ٥٤٥٥. ٩. غرر الحكم: ٥٤٥٧.

فرمود: مقصودت زكات ظاهری است یا باطنی؟ عرض كرد: هر دو. فرمود: زكات ظاهری در هر هزار درهم بیست و پنج درهم واجب است و زكات باطنی این است كه وقتی برادرت به چیزی نیازمندتر از تو بود، او را بر خود ترجیح دهی.

١٥٨٨
هر چیز زكاتی دارد

٧٧٩٣. **امام علی** ﷺ: زكات قدرت، انصاف داشتن است.

٧٧٩٤. **امام علی** ﷺ: زكات زیبایی، پاكدامنی است.

٧٧٩٥. **امام علی** ﷺ: زكات پیروزی، نیكی كردن است.

٧٧٩٦. **امام علی** ﷺ: گذشت، زكات پیروزی است.

٧٧٩٧. **امام علی** ﷺ: زكات توانگری، نیكی كردن به همسایگان و پیوند با خویشان است.

٧٧٩٨. **امام علی** ﷺ: زكات تندرستی، كوشیدن در طاعت خداست.

٧٧٩٩. **امام علی** ﷺ: زكات شجاعت، جهاد در راه خداست.

٧٨٠٠. **امام علی** ﷺ: زكات نعمتها، انجام كارهای خیر است.

۷۸۰۱ . **عنه** ﷺ: زكـاةُ العِـلمِ بَـذلُهُ لِـمُستَحِقِّهِ، وإجهادُ النفسِ في العَمَلِ بِهِ.[۱]

۷۸۰۱ . **امام علی**ﷺ: زکات دانش، گذاشتن آن در اختیار کسی است که سزاوار آن است و به رنج افکندن نفْس در راه عمل به آن.

۷۸۰۲ . **عنه** ﷺ: إنّ اللهَ فَرَضَ علَيكُم زكاةَ جاهِكُم كـما فَـرَضَ عـلَيكُم زكـاةَ مـا مَـلَكَت أيمانُكُم.[۲]

۷۸۰۲ . **امام علی**ﷺ: خداوند همچنان که زکات دارایی‌هایتان را بر شما واجب کرد، زکات جاه و مقام را نیز بر شما واجب فرمود.

۷۸۰۳ . **عنه** ﷺ: لِكُلِّ شَيءٍ زكـاةٌ، وزكـاةُ العَـقلِ احتِمالُ الجُهّالِ.[۳]

۷۸۰۳ . **امام علی**ﷺ: هر چیزی را زکاتی است، و زکات خِرَد، تحمّل کردن نابخردهاست.

۷۸۰۴ . **الإمامُ الصّادقُ** ﷺ: إنَّ لِكُـلِّ شَـيءٍ زكـاةً، وزكاةُ العِلمِ أن يُعَلِّمَهُ أهلَهُ.[۴]

۷۸۰۴ . **امام صادق**ﷺ: هـر چـیزی زکـاتی دارد و زکات دانش این است کـه آن را بـه اهـلش بیاموزی.

۷۸۰۵ . **عنه** ﷺ: المَعروفُ زكاةُ النِّعَمِ، والشَّـفاعةُ زَكاةُ الجاهِ، والعِلَلُ زكاةُ الأبدانِ، والعَـفوُ زَكاةُ الظَّفَرِ، وما أدّيتَ زكاتَهُ فهُو مَأمـونُ السَّلْبِ.[۵]

۷۸۰۵ . **امام صادق**ﷺ: نـیکی کـردن، زکـات نعمتهاست و وساطت کردن، زکات جاه و مقام و بیماریها، زکات بـدنها و گـذشت، زکات پیروزی و هر چیزی کـه زکـاتش را بدهی، از خطر نابودی در امان است.

۷۸۰۶ . **عنه** ﷺ: علىٰ كلِّ جُزءٍ مِن أجـزائكَ زكـاةٌ واجبةٌ لِلّهِ عزّوجلّ، بل عَلىٰ كُـلِّ شَـعرَةٍ، بل عَلىٰ كُلِّ لَـحظَةٍ! فـزكاةُ العَـينِ النَّـظَرُ بِـالعِبرَةِ والغَـضُّ عـن الشَّـهَواتِ ومـا يُـضاهِيها، وزكـاةُ الأُذُنِ اسـتِماعُ العِـلمِ والحِكمَةِ والقُرآنِ.[۶]

۷۸۰۶ . **امام صادق**ﷺ: بر هر جزء از اجـزای بـدن تو و بلکه بر هر تار مو و حتی بر هـر نـیم نگـاهی، زکـاتی واجب بـرای خـداونـد عزّوجلّ است. زکاتِ چشم، نگـاه عـبرت آمیز و فروهشتن آن از شهوات و امثال آن است و زکـاتِ گـوش، شـنیدن دانش و حکمت و قرآن است.

---

۱. غرر الحکم: ۵۴۵۸. ۲. بحار الأنوار: ۷/۲۲۳/۷۴.
۳. غرر الحکم: ۷۳۰۱. ۴. بحار الأنوار: ۷۷/۲۴۷/۷۸.
۵. بحار الأنوار: ۱۸۲/۲۶۸/۷۸.
۶. بحار الأنوار: ۱/۷/۹۶.

۱۵۸۹
زَكاةُ البَدَنِ

۷۸۰۷ . الإمامُ عليٌّ ﷺ: عَلَيكَ بالصَّومِ؛ فَإنَّهُ زكاةُ البَدَنِ.[۱]

۷۸۰۸ . عنه ﷺ: زكاةُ البَدَنِ الجِهادُ والصِّيامُ.[۲]

۷۸۰۹ . الإمامُ الباقرُ ﷺ: إنّ النبيَّ ﷺ قالَ لأصحابِهِ يَوماً: مَلعونٌ كلُّ مالٍ لا يُزَكّىٰ، مَلعونٌ كُلُّ جَسَدٍ لا يُزَكّىٰ ولو في كُلِّ أربَعينَ يَوماً مَرَّةً، فقيلَ: يا رسولَ اللهِ، أمّا زكاةُ المالِ فقد عَرَفناها، فما زكاةُ الأجسادِ؟ قالَ لَهُم: أن تُصابَ بِآفَةٍ.

قالَ: فَتَغَيَّرَتْ وُجُوهُ القَومِ الذينَ سَمِعُوا ذلكَ مِنهُ، فَلمّا رَآهُم قد تَغَيَّرَتْ ألوانُهُم، قالَ لَهُم: هَل تَدرُونَ ما عَنَيتُ بِقَولِي؟ قالوا: لا يا رسولَ اللهِ! قالَ ﷺ: بَلىٰ، الرجُلُ يُخدَشُ الخَدْشَ، ويُنكَبُ النَّكبَةَ، ويَعثُرُ العَثرَةَ، ويَمرَضُ المَرضَةَ، ويُشاكُ الشَّوكَةَ وما أشبَهَ هَذا، حَتّىٰ ذَكَرَ في آخِرِ حَدِيثِهِ: اختِلاجَ العَينِ.[۳]

---

۱ . بحار الأنوار: ۱/۹۹/۷۸ .

۲ . غرر الحكم: ۵۴۵۲ .

۳ . بحار الأنوار: ۲۸/۱۸۱/۸۱ .

۱۵۸۹
زکات بدن

۷۸۰۷ . **امام علی**ﷺ: بر تو باد روزه گرفتن، که آن زکات بدن است.

۷۸۰۸ . **امام علی**ﷺ: زکات بدن، جهاد و روزه است.

۷۸۰۹ . **امام باقر**ﷺ: روزی پیامبرﷺ به اصحاب خود فرمود: هر مالی که زکاتش پرداخته نشود، ملعون است. هر بدنی که در هر چهل روز یک بار زکاتش داده نشود، ملعون است. عرض شد: ای رسول خدا! زکات مال را که می‌دانیم، امّا زکات بدن چیست؟ فرمود: این است که گزندی به او رسد.

از شنیدن این سخن چهرهٔ مردم دگرگون شد. وقتی پیامبر تغییر رنگ چهرهٔ آنان را دید، فرمود: آیا می‌دانید مقصود من چه بود؟ عرض کردند: نه، ای رسول خدا. فرمود: آری، [گزند؛ یعنی] آدمی خراش بر می‌دارد، زمین می‌خورد، پایش می‌لغزد، بیمار می‌شود، خاری در پایش می‌خلد و امثال اینها. تا آن که در آخر حدیثش فرمود: و چشمش بی‌اختیار می‌پرد.

٧٨١٠ . الإمامُ الصّادقُ ﷺ: العِلَلُ زكاةُ الأبدانِ .[١]

(انظر) الصوم: باب ٢٣٢٠.

١٥٩٠
زَكاةُ الفِطرَةِ

٧٨١١ . الإمامُ عليٌّ ﷺ: مَن أدّىٰ زكاةَ الفِطرَةِ تَمَّمَ اللهُ لَهُ بها ما نَقَصَ مِن زكاةِ مالِهِ .[٢]

٧٨١٢ . الإمامُ الصّادقُ ﷺ: إنّ مِن تَمامِ الصَّومِ إعطاءَ الزَّكاةِ ـ يعني الفِطرَةَ ـ كما أنَّ الصَّلاةَ على النبيِّ ﷺ مِن تَمامِ الصَّلاةِ، لأنّه مَن صامَ ولَم يُؤَدِّ الزَّكاةَ فلا صَومَ لَهُ إذا تَرَكَها مُتَعَمِّداً .[٣]

(انظر) وسائل الشيعة: ٦ / ٢٢٠ أبواب زكاة الفطرة.

٧٨١٠ . **امام صادق**ﷺ: بیماریها، زکات بدنهاست.

١٥٩٠
زکات فطره

٧٨١١ . **امام علی**ﷺ: هر که زکات فطره را بدهد، خداوند به سبب آن، زکاتی را که از مالش کم شده است جبران کند.

٧٨١٢ . **امام صادق**ﷺ: تمامیت روزه، به دادن زکات (فطریه) است، همچنان که تمامیت نماز به صلوات بر پیامبرﷺ می‌باشد؛ زیرا اگر کسی روزه بگیرد و زکات فطره را عمداً ندهد از روزه بی‌بهره است.

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

١. بحار الأنوار: ٧٨/٢٦٨/١٨٢.
٢. وسائل الشيعة: ٦/٢٢٠/٤.
٣. كتاب من لا يحضره الفقيه: ٢/١٨٣/٢٠٨٥.


مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

۲۰۴

التَّزكِيَة

تزکیه

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

انظر:

عنوان ۲۰۳ «الزکاة».

النفس: باب ۳۸۶۱، ۳۸۶۳، ۳۸۶۵، المدح: باب ۳۵۹۶.

۱۵۹۱
التَّزكِيَةُ

الكتاب:

﴿كَما أَرْسَلْنا فِيكُمْ رَسُولاً مِنْكُم يَتْلُوا عَلَيْكُمْ آياتِنا وَيُزَكِّيكُمْ وَيُعَلِّمُكُمُ الكِتابَ والحِكْمَةَ وَيُعَلِّمُكُم مّا لَم تَكُونُوا تَعْلَمُونَ﴾.[۱]

﴿هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الأُمِّيِّينَ رَسُولاً مِّنْهُمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آياتِهِ وَيُزَكِّيهِم وَيُعَلِّمُهُمُ الكِتابَ والْحِكْمَةَ وَإِن كَانُوا مِن قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ﴾.[۲]

﴿قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكّاها﴾.[۳]

﴿فَقُلْ هَل لَّكَ إِلىٰ أَنْ تَزَكّىٰ﴾.[۴]

﴿وَلَا تَزِرُ وازِرَةٌ وِزْرَ أُخرىٰ وَإِن تَدْعُ مُثْقَلَةٌ إِلَىٰ حِمْلِهَا لَا يُحْمَلْ مِنهُ شَيءٌ وَلَو كانَ ذا قُربىٰ إِنَّما تُنذِرُ الَّذِينَ يَخْشَونَ رَبَّهُم بِالْغَيْبِ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَمَنْ تَزَكّىٰ فَإِنَّما يَتَزَكّىٰ لِنَفسِهِ وَإِلَى اللهِ المَصِيرُ﴾.[۵]

﴿قَدْ أَفْلَحَ مَنْ تَزَكّىٰ﴾.[۶]

---

۱. البقرة: ۱۵۱.
۲. الجمعة: ۲، انظر آل عمران: ۱۶۴.
۳. الشمس: ۹.
۴. النازعات: ۱۸.
۵. فاطر: ۱۸.
۶. الأعلى: ۱۴.

۱۵۹۱
تزکیه

قرآن:

«همچنان که برای شما رسولی از خودتان فرستادیم تا آیات ما را برای شما بخواند و تزکیه‌تان کند و کتاب و حکمت را به شما تعلیم دهد و آنچه را که نمی‌دانستید به شما بیاموزد».

«اوست خدایی که در میان تعلیم نادیدگان، پیامبری از خودشان فرستاد تا آیاتش را برای آنان بخواند و تزکیه‌شان کند و کتاب و حکمت را به ایشان بیاموزد، هر چند پیشتر در گمراهی آشکاری بودند».

«رستگار شده کسی که آن (نفس) را تزکیه کرد».

«بگو: آیا تو را رغبتی هست که تزکیه شوی؟».

«هیچ کس بار (گناه) دیگری را بر دوش نکشد و اگر گرانباری [کسی را] به حمل کردن بار خود فرا خواند، از حمل آن سر باز زند، هر چند خویشاوند او باشد. تو فقط کسانی را بیم می‌دهی که از پروردگارشان، در نهان، بیمناکند و نماز می‌گزارند. و هر که تزکیه شود به سود خود تزکیه شده است و بازگشت به سوی خداست».

«رستگار شد، کسی که تزکیه گشت».

الحديث:

٧٨١٣ . رسولُ اللهِ ﷺ ـ في قولِهِ: ﴿قَدْ أَفْلَحَ مَنْ تَزَكّىٰ﴾ ـ: مَن شَهِدَ أن لا إلٰهَ إلّا اللهُ وخَلَعَ الأندادَ وشَهِدَ أنّي رسولُ اللهِ.[1]

٧٨١٤ . عنه ﷺ: بِتَزكِيَةِ النَّفسِ يَحصُلُ الصَّفاءُ.[2]

٧٨١٥ . مجمع البيان عن سعيدِ بنِ أبي هلالٍ: كانَ رسولُ اللهِ ﷺ إذا قَرَأَ هذِهِ الآيَةَ ﴿قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكّاها﴾ وَقَفَ ثُمّ قالَ: اللّٰهُمَّ آتِ نَفسِي تَقواها، أنتَ وَلِيُّها ومَولاها، وزَكِّها وأنتَ خَيرُ مَن زَكّاها.[3]

١٥٩٢
مَوانِعُ التَّزكِيَةِ

الكتاب:

﴿إِنَّ الَّذِينَ يَشتَرُونَ بِعَهدِ اللهِ وَأيمانِهِم ثَمَناً قَلِيلاً أُولٰئِكَ لا خَلاقَ لَهُم فِي الآخِرَةِ وَلا يُكَلِّمُهُمُ اللهُ ولا يَنظُرُ إلَيهِم يَومَ القِيامَةِ وَلا يُزَكّيهِم وَلَهُم عَذابٌ أَلِيمٌ﴾.[4]

(انظر) البقرة: ١٧٤.

الحديث:

٧٨١٦ . رسولُ اللهِ ﷺ: ثَلاثَةٌ لا يُكَلِّمُهُمُ اللهُ ولا

حدیث:

٧٨١٣ . **پیامبر خدا**ﷺ ـ دربارهٔ آیهٔ «رستگار شد کسی که تزکیه گشت» ـ فرمود: منظور، کسی است که به یگانگی خداوند گواهی دهد و به او شرک نورزد و شهادت دهد که من رسول خدا هستم.

٧٨١٤ . **پیامبر خدا**ﷺ: با تزکیهٔ نفس است که صفا[ی جان] به دست می‌آید.

٧٨١٥ . **مجمع البیان** ـ به نقل از سعید بن ابی هلال ـ: پیامبر خداﷺ هرگاه آیهٔ «رستگار شد، کسی که نفس را تزکیه کرد» را می‌خواند، درنگ می‌کرد و سپس می‌گفت: خدایا! نفس مرا تقوا عطا فرما، که تو سرپرست و مولای آنی، و آن را پاک و تزکیه فرما، که برای تزکیهٔ آن تو بهترینی.

۱۵۹۲
موانع تزکیه

قرآن:

«کسانی که عهد خدا و سوگندهای خود را به بهایی اندک می‌فروشند، در آخرت نصیبی ندارند وخدا در قیامت با آنان سخن نمی‌گوید و به ایشان نمی‌نگرد و آنان را تزکیه نمی‌کند و برایشان عذابی درد آور است».

حدیث:

٧٨١٦ . **پیامبر خدا**ﷺ: سه نفرند که خداوند در

---

١ . الدرّ المنثور: ٤٨٥/٨ . ٢ . تنبيه الخواطر: ١١٩/٢ .
٣ . مجمع البيان: ٧٥٥/١٠ . ٤ . آل عمران: ٧٧ .

يَنظُرُ إلَيهِم يَومَ القِيامَةِ ولا يُزَكّيهِم ولَهُم عَذابٌ أليمٌ: شيخٌ زانٍ، ومَلِكٌ جَبّارٌ، ومُقِلٌّ مُختالٌ.[۱]

روز قیامت با آنان سخن نمی‌گوید و نگاهشان نمی‌کند و آنان را تزکیه نمی‌نماید و عذابی دردآور دارند: پیرمردِ زناکار، پادشاهِ ستمکار و فقیرِ متکبّر.

۷۸۱۷. عنه ﷺ: ثلاثةٌ لا يُكَلِّمُهُمُ اللهُ عزّوجلّ يَومَ القِيامَةِ ولا يَنظُرُ إليهِم ولا يُزَكّيهِم ولَهُم عذابٌ أليمٌ: رجُلٌ بايَعَ إماماً لا يُبايِعُهُ إلّا للدُّنيا، إن أعطاهُ مِنها ما يُريدُ وَفىٰ لَهُ، وإلّا كَفَّ، ورَجُلٌ بايَعَ رَجُلاً بِسِلعَتِهِ بَعدَ العَصرِ فَحَلَفَ بِاللهِ عزّوجلّ لقد أُعطِيَ بها كذا وكذا فَصَدَّقَهُ فَأخَذَها ولَم يُعطَ فيها ما قالَ، ورَجُلٌ عَلىٰ فَضلِ ماءٍ بِالفَلاةِ يَمنَعُهُ ابنَ السَّبيلِ.[۲]

۷۸۱۷. **پیامبر خدا** ﷺ: سه گروهند که خداوند در روز قیامت با آنان سخن نمی‌گوید و به آنان نظر نمی‌کند و پاکشان نمی‌سازد و برایشان عذابی دردناک است: مردی که با پیشوایی بیعت کند و بیعتش جز برای دنیا نباشد، به طوری که اگر چیزی از دنیا به وی بدهد بر بیعت خود وفادار ماند و اگر ندهد کنار بکشد. و مردی که بعد از عصر کالایی را بفروشد و قسم جلاله بخورد که آن را به فلان و بهمان مبلغ خریده است و خریدار هم قبول کند و کالا را بگیرد، در حالی که فروشنده دروغ گفته باشد. و مردی که در صحرا [چاه] آبی داشته باشد و اجازه ندهد در راه ماندگان از مازاد آن آب استفاده کنند.

۷۸۱۸. عنه ﷺ: ثلاثةٌ لا يُكَلِّمُهُمُ اللهُ يَومَ القِيامَةِ ولا يَنظُرُ إلَيهِم ولَهُم عَذابٌ أليمٌ: العالِمُ المُبتَغي بِعِلمِهِ حُطامَ الدنيا، ومُستَحِلُّ المُحَرَّماتِ بالشُّبُهاتِ، والزاني بحَلِيلَةِ جارِهِ.[۳]

۷۸۱۸. **پیامبر خدا** ﷺ: سه کس‌اند که خداوند در روز قیامت با آنان سخن نمی‌گوید و نگاهشان نمی‌کند و عذابی دردناک دارند: عالمی که علم خود را وسیلهٔ کسب خُرده ریزه‌های دنیا قرار دهد و کسی که با [القای] شبهات، حرامها را حلال کند و کسی که با زن همسایهٔ خود زنا کند.

۷۸۱۹. عنه ﷺ: ثلاثةٌ لا يَنظُرُ اللهُ إلَيهِم يَومَ القِيامَةِ ولا يُزَكّيهِم ولَهُم عَذابٌ أليمٌ: المُرخِي ذَيلَهُ مِنَ العَظَمَةِ، والمُزَكّي سِلعَتَهُ بِالكَذِبِ،

۷۸۱۹. **پیامبر خدا** ﷺ: سه نفرند که خداوند در روز رستاخیز به آنها نمی‌نگرد و تزکیه‌شان نمی‌کند و عذابی دردآور دارند: کسی که از

---

۱. الكافي: ۱۴/۳۱۱/۲. ۲. الخصال: ۷۰/۱۰۷.
۳. تنبيه الخواطر: ۱۲۱/۲.

ورَجُلٌ استَقبَلَكَ بِوُدِّ صَدرِهِ فَيُوارِي وقَلبُهُ مُمتَلِئٌ غِشّاً.[1]

روی تکبّر دامن‌کشان راه رود و کسی که از کالای خود به دروغ تبلیغ و تعریف کند و کسی که در روی تو اظهار دوستی نماید و پشت سرت دلش آکنده از نیرنگ باشد.

۷۸۲۰. **الإمامُ الصّادقُ** ﷺ: ثلاثةٌ لا يُكَلِّمُهُمُ اللهُ يومَ القِيامَةِ، ولا يَنظُرُ إلَيهِم ولا يُزَكّيهِم ولَهُم عَذابٌ أليمٌ: الناتِفُ شَيبَهُ، والناكِحُ نَفسَهُ، والمَنكوحُ في دُبُرِهِ.[2]

۷۸۲۰. **امام صادق**ﷺ: سه کس‌اند که خداوند در روز رستاخیز با آنان سخن نمی‌گوید و نگاهشان نمی‌کند و تزکیه‌شان نمی‌کند و آنان را عذابی دردناک است: کسی که موهای سپید خود را بکند[1]، کسی که خودارضایی کند، و کسی که لواط دهد.

۷۸۲۱. **عنه** ﷺ: ثلاثةٌ لا يُكَلِّمُهُمُ اللهُ يَومَ القِيامَةِ ولا يُزَكّيهِم ولَهُم عَذابٌ أليمٌ: الشَّيخُ الزاني، والدَّيُّوثُ، والمرأةُ تُوطِئُ فِراشَ زَوجِها.[3]

۷۸۲۱. **امام صادق**ﷺ: سه نفرند که خداوند در روز قیامت با آنان سخن نمی‌گوید و پاکشان نمی‌سازد و برایشان عذابی دردآور است: پیرمرد زناکار، مرد بی‌غیرت، و زنی که به شوهرش خیانت کند.

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

---

۱. بحار الأنوار: ۶/۲۱۱/۷۵.
۲. الخصال: ۶۸/۱۰۶.
۳. الكافي: ۷/۵۳۷/۵.

---

۱. به احتمال فراوان، مقصود کسی است که به جهت فریب دیگران و برای همسر گزینی، خود را به گونه‌ای دیگر بنمایاند.


مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی



الزمان

زمان

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

ولمزيد الاطّلاع راجع:

بحار الأنوار: ٥٨/٣٥٣ـ٣٨٣، ٥٩/١ـ١٤٣ «أبواب الأزمنة».

كنز العمّال: ١٢/٣١٠ـ٣٢٣ «فضائل الأزمنة».

بحار الأنوار: ٥٨/٣٥٣ باب ١٣ «السنين والشهور».

انظر:

عنوان ١٠ «التاريخ».

۱۵۹۳
مَعرِفَةُ الزَّمانِ

۷۸۲۲ . **الإمامُ عليٌّ** ﷺ: حَسْبُ المَرءِ ... مِن عِرفانِهِ، عِلمُهُ بِزَمانِهِ.[۱]

۷۸۲۳ . **عنه** ﷺ: أعرَفُ الناسِ بالزَّمانِ، مَن لَم يَتَعَجَّبْ مِن أحداثِهِ.[۲]

۷۸۲۴ . **الإمامُ الصّادقُ** ﷺ: العالِمُ بِزَمانِهِ، لا تَهجُمُ علَيهِ اللَّوابِسُ.[۳]

۱۵۹۳
شناخت زمانه

۷۸۲۲ . **امام علی**ﷺ: برای... آگاهی انسان همین بس که زمان خود را بشناسد.

۷۸۲۳ . **امام علی**ﷺ: آگاهترین مردمان به روزگار، کسی است که از حوادث آن تعجب نکند.

۷۸۲۴ . **امام صادق**ﷺ: کسی که زمان خود را بشناسد، آماج اشتباهات قرار نگیرد.

۱۵۹۴
مَن أمِنَ الزَّمانَ

۷۸۲۵ . **الإمامُ عليٌّ** ﷺ: مَن وَثِقَ بِالزَّمانِ صُرِعَ.[۴]

۷۸۲۶ . **عنه** ﷺ: مَن أمَنَ الزَمانَ خانَهُ، ومَن أعظَمَهُ أهانَهُ.[۵]

۷۸۲۷ . **عنه** ﷺ: مَن أمَنَ الزَّمانَ خانَهُ، ومَن تَعَظَّمَ علَيهِ أهانَهُ، ومَن تَرَغَّمَ علَيهِ أرغَمَهُ، ومَن لَجَأَ إلَيهِ أسلَمَهُ، ولَيسَ كُلُّ مَن

۱۵۹۴
آن که به زمانه اعتماد کند

۷۸۲۵ . **امام علی**ﷺ: کسی که به زمانه اعتماد کند، زمین خورد.

۷۸۲۶ . **امام علی**ﷺ: هر که زمانه را امین داند (به آن اعتماد ورزد) زمانه به او خیانت کند و هرکه آن را بزرگ شمارد، همو خوارش کند.

۷۸۲۷ . **امام علی**ﷺ: هرکه زمانه را امین داند همو به وی خیانت کند و هرکه بر او بزرگی کند، خوار و حقیرش سازد و هرکه بر وی خشم گیرد، او نیز وی را به خشم آورد و هرکه بدو پناه برد، او تسلیمش کند؛ چنین نیست

---

۱. بحار الأنوار: ۷۸/۸۰/۶۶.
۲. غرر الحكم: ۳۲۵۲. ۳. تحف العقول: ۳۵۶.
۴. عيون أخبار الرضا: ۲/۵۴/۲۰۲.
۵. غرر الحكم: ۸۰۲۸.

رَمیٰ أصابَ، وإذا تَغَيَّرَ السُّلطانُ تَغَيَّرَ الزَّمانُ.[1]

۷۸۲۸. عنه ﷺ: الزَّمانُ يَخُونُ صاحِبَهُ، ولا يَستَعتِبُ لِمَن عاتَبَهُ.[2]

۷۸۲۹. عنه ﷺ: مَن تَشاغَلَ بالزَّمانِ شَغَلَهُ.[3]

۱۵۹۵
مَن عانَدَ الزَّمانَ

۷۸۳۰. الإمامُ عليٌّ ﷺ: مَن عَتَبَ عَلَى الزمانِ طالَت مَعتَبَتُهُ.[4]

۷۸۳۱. عنه ﷺ: مَن عانَدَ الزَّمانَ أرغَمَهُ، ومَنِ استَسلَمَ إلَيهِ لَم يَسلَمْ.[5]

۷۸۳۲. عنه ﷺ: مَن كابَرَ الزَّمانَ عَطِبَ، ومن يَنقِمْ عَلَيهِ غَضِبَ.[6]

۱۵۹۶
عَيبُ الزَّمانِ

۷۸۳۳. عيون أخبار الرّضا عن الرَّيّانِ بنِ الصَّلتِ: أنشَدَنِي الرِّضا ﷺ لعبدِالمُطَّلِبِ:

که هر تیراندازی به هدف زند، و چون حکومت تغییر کند، زمانه تغییر کند.

۷۸۲۸. امام علی ﷺ: زمانه به صاحب خود خیانت می‌کند و هر کس را ملامت کند، از او رضایت و پوزش نطلبد.

۷۸۲۹. امام علی ﷺ: هرکه با زمانه سرگرم شود، زمانه [نیز] او را مشغول سازد.

۱۵۹۵
هرکه با زمانه بستیزد

۷۸۳۰. امام علی ﷺ: هرکه از زمانه گلایه کند، گلایه‌اش به درازا کشد.

۷۸۳۱. امام علی ﷺ: هرکه با زمانه بستیزد، زمانه او را به خاک مذلت افکند و هرکه تسلیم آن شود، در امان نباشد.

۷۸۳۲. امام علی ﷺ: هرکه با روزگار بستیزد، هلاک شود و هرکه آن را سرزنش کند، [خود] در خشم شود.

۱۵۹۶
ایراد گرفتن از زمانه

۷۸۳۳. عيون أخبار الرضا ـ به نقل از ریّان بن صلت ـ: حضرت رضا ﷺ این ابیات را از عبدالمطّلب برای ما خواند:

---

۱. بحار الأنوار: ۷۷/۲۱۳/۱.
۲. غرر الحكم: ۲۰۹۳. ۳. غرر الحكم: ۷۸۹۰.
۴. عيون أخبار الرّضا: ۲/۵۳/۲۰۴.
۵. غرر الحكم: ۹۰۵۴. ۶. تحف العقول: ۸۵.

يَـعِيبُ النـاسُ كُـلُّهُمُ زَمـانا

ومـا لِـزَمانِنا عَـيبٌ سِـوانـا

نَـعِيبُ زَمـانَنا والعَـيبُ فِـينا

ولو نَطَقَ الزَّمـانُ بِـنا هَـجانا

وإنَّ الذِئبَ يَتْرُكُ لَـحمَ ذِئبٍ

ويَأكُلُ بَـعضُنا بَـعضاً عِـيانا

لَبِئْسَ لِلخداعِ مَـسوكَ طِـبٍ

ووَيـلٌ لِـلغَرِيبِ إذا أتـانا.[1]

تمام مردم از زمانه ایراد می‌گیرند

حال آن که زمانه را عیبی جز ما نیست

ما از زمانهٔ خود ایراد می‌گیریم حال آن که عیب در خود ماست

واگر زمانه زبان داشت ما را هجو می‌کرد

گرگ گوشت گرگ را نمی‌خورد

ولی ما آشکارا یکدیگر را می‌خوریم

فریبکارانه پوستهای فریبا بر تن می‌کنیم

و وای بر غریبی که نزد ما آید.

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

۱. عیون أخبار الرضا: ۵/۱۷۷/۲.

٢٠٦

الزِّنا

زنا

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

ولمزيد الاطّلاع راجع:

بحار الأنوار: ١٧/٧٩ باب ٦٩ «الزّنا».

وسائل الشيعة: ١٨/٣٤٦ «أبواب حدّ الزّنا».

انظر:

عنوان ١٠١ «الحدود».

الإيمان: باب ٢٧١، الربا: باب ١٤٣٦، الشهادة في القضاء: باب ٢٠٨١.

۱۵۹۷
النَّهيُ عَنِ الزِّنا

الكتاب:

﴿وَلا تَقْرَبُوا الزِّنَىٰ إِنَّهُ كانَ فاحِشَةً وَساءَ سَبِيلاً﴾.[1]

(انظر) النور: ۳۳، الفرقان: ۶۸.

الحديث:

۷۸۳۴. رسولُ اللهِ ﷺ: لَن يَعمَلَ ابنُ آدَمَ عَملاً أعظَمَ عِندَ اللهِ تبارَكَ وتعالىٰ مِن رَجُلٍ قَتَلَ نَبِيّاً أو إماماً، أو هَدَمَ الكَعبَةَ التي جَعَلَها اللهُ عزّوجلّ قِبلَةً لِعِبادِهِ، أو أفرَغَ ماءَهُ في امرَأةٍ حَراماً.[2]

۷۸۳۵. الإمامُ عليٌّ ؈: ما زَنىٰ غَيُورٌ قَطُّ.[3]

۷۸۳۶. الإمامُ الباقرُ ؈ ـ في قولِه تعالىٰ: ﴿ولا تَقْرَبُوا الزِنا إنّه كانَ فاحِشَةً﴾ ـ: مَعصيَةٌ ومَقْتاً فإنّ اللهَ يَمقُتُهُ ويُبغِضُهُ، قالَ: ﴿وساءَ سَبِيلاً﴾ هُو أشَدُّ الناسِ عَذاباً، والزنا مِن أكبَرِ الكَبائرِ.[4]

---

۱. الإسراء: ۳۲. ۲. بحار الأنوار: ۹/۲۰/۷۹.
۳. نهج البلاغة: الحكمة ۳۰۵.
۴. بحار الأنوار: ۵/۱۹/۷۹.

۱۵۹۷
نهی از زنا

قرآن:

«و به زنا نزدیک مشوید که آن فحشاست و بد راهی است».

حدیث:

۷۸۳۴. **پیامبر خدا** ﷺ: آدمیزاد هیچ کار [گناهی] نکرد که نزد خداوند تبارک و تعالی سنگین‌تر از این باشد که پیامبری یا امامی را بکشد، یا کعبه را، که خداوند عزّوجلّ قبلهٔ بندگان خود قرار داده است، ویران کند، یا به حرام، با زنی نزدیکی کند.[1]

۷۸۳۵. **امام علی** ؈: غیرتمند، هرگز زنا نمی‌کند.

۷۸۳۶. **امام باقر** ؈ ـ دربارهٔ آیهٔ «و به زنا نزدیک مشوید که آن فحشاست» ـ فرمود: یعنی، معصیت و نفرت انگیز است؛ زیرا خداوند زنا را دشمن می‌دارد و از آن نفرت دارد. فرمود: «و بد راهی است» عذاب زناکار از همهٔ گنهکاران سخت‌تر است و زنا از بزرگترین گناهان کبیره است.

---

۱. متن روایت چنین است: «... یا به حرام آبش را در رحم زنی بریزد».

۷۸۳۷ . **الإمامُ الصّادقُ ﷺ**: إنَّ أشَدَّ الناسِ عَذاباً يَومَ القِيامَةِ رَجُلٌ أقَرَّ نُطفَتَهُ في رَحِمٍ تَحرُمُ عَلَيهِ.[۱]

۱۵۹۸
أكبَرُ الزِّنا

۷۸۳۸ . **رسولُ اللهِ ﷺ**: اِشتَدَّ غَضَبُ اللهِ عزّوجلّ عَلَى امرأةٍ ذاتِ بَعلٍ مَلأتْ عَينَها مِن غَيرِ زَوجِها أو غَيرِ ذِي مَحرَمٍ مِنها، فإنّها إن فَعَلَتْ ذلكَ أحبَطَ اللهُ كُلَّ عَمَلٍ عَمِلَتهُ، فإن أوطَأتْ فِراشَهُ غَيرَهُ كانَ حَقّاً عَلَى اللهِ أن يُحرِقَها بِالنارِ بعدَ أن يُعَذِّبَها في قَبرِها.[۲]

۷۸۳۹ . **عنه ﷺ**: لَمّا أُسرِيَ بِي مَرَرتُ بِنِسوانٍ مُعَلَّقاتٍ بِثُدُيِّهِنَّ فقلتُ: مَن هؤلاءِ يا جَبرئيلُ؟ فقالَ: هؤلاءِ اللّواتِي يُورِثْنَ أموالَ أزواجِهِنَّ أولادَ غَيرِهِم.[۳]

۷۸۴۰ . **عنه ﷺ**: مَن فَجَرَ بامرأةٍ ولَها بَعلٌ، انفَجَرَ مِن فَرجِهِما مِن صَدِيدٍ وادٍ مَسِيرَةَ خَمسِمِائَةِ عامٍ يَتَأذّىٰ أهلُ النارِ مِن نَتنِ رِيحِهِما، وكانا مِن أشَدِّ الناسِ عَذاباً.[۴]

۷۸۴۱ . **الإمامُ عليٌّ ﷺ**: ألا أُخبِرُكُم بأكبَرِ الزِّنا؟ ...

۷۸۳۷ . **امام صادق ﷺ**: سخت‌ترین عذاب را در روز قیامت آن مردی دارد که نطفهٔ خود را در رحمی که بر وی حرام است جای دهد.

۱۵۹۸
بزرگترین زنا

۷۸۳۸ . **پیامبر خدا ﷺ**: زن شوهرداری که مرد بیگانه‌ای یا نامحرمی چشمش را پر کرده باشد، مورد خشم شدید خداوند عزّوجلّ است؛ زیرا که اگر چنین باشد، خداوند همهٔ اعمال او را باطل گرداند و اگر به شوهر خود خیانت ورزد، بر خداست که او را بعد از عذاب دادن در قبر، به آتش دوزخ بسوزاند.

۷۸۳۹ . **پیامبر خدا ﷺ**: شبی که به معراج برده شدم، به زنانی برخوردم که از پستانهای خود آویزان بودند. پرسیدم: ای جبرئیل! اینها کیستند؟ گفت: اینها زنانی هستند که فرزندان غیر شوهران خود را وارث اموال آنان می‌کنند.

۷۸۴۰ . **پیامبر خدا ﷺ**: هرکه با زن شوهرداری زنا کند، رودخانه‌ای از چرکابه به طول پانصد سال راه، از شرمگاه آن دو جاری شود، به طوری که دوزخیان از بوی گند آنها متأذّی باشند و عذاب آنان از همهٔ دوزخیان سخت‌تر باشد.

۷۸۴۱ . **امام علی ﷺ**: آیا شما را از بزرگترین زنا

---

۱ . بحار الأنوار: ۷۹/۲۶/۲۸.
۲ . بحار الأنوار: ۷۶/۳۶۶/۳۰.
۳ . بحار الأنوار: ۷۹/۱۹/۶.
۴ . بحار الأنوار: ۷۶/ ۳۶۶/۳۰.

هِي امرأةٌ تُوطِئُ فِراشَ زَوجِها فَتَأتِي بوَلَدٍ مِن غَيرِهِ فَتُلزِمُهُ زَوجَها، فتِلكَ التِي لا يُكَلِّمُها اللهُ، ولا يَنظُرُ إلَيها يومَ القِيامَةِ، ولا يُزَكِّيها ولَها عَذابٌ أليمٌ.[1]

خبر ندهم؟... زنی که به شوهر خود خیانت کند و از بیگانه، فرزندی بیاورد و او را به شوهر خود منسوب کند؛ این همان زنی است که خداوند در روز قیامت با او سخن نمی‌گوید و به او توجّه نمی‌کند و تزکیه‌اش نمی‌کند و وی را عذابی دردناک باشد.

۷۸۴۲ . الإمامُ الصّادقُ ﷺ: ثلاثةٌ لا يُكَلِّمُهُمُ اللهُ تعالىٰ ولا يُزَكِّيهِم ولَهُم عَذابٌ أليمٌ، مِنهُمُ المرأةُ تُوطِئُ فِراشَ زَوجِها.[2]

۷۸۴۲ . امام صادق ﷺ: سه نفرند که خداوند متعال با آنان سخن نمی‌گوید و تزکیه‌شان نمی‌کند و آنان را عذابی دردناک است. یکی از آن سه نفر، زنی است که به شوهر خود خیانت کند.

۱۵۹۹
حِكمَةُ تَحريمِ الزِّنا

۷۸۴۳ . الإمامُ عليٌّ ﷺ: فَرَضَ اللهُ... تَركَ الزِّنا تَحصيناً للنَّسَبِ، وتَركَ اللِّواطِ تَكثيراً للنَّسلِ.[3]

۱۵۹۹
حکمت تحریم زنا

۷۸۴۳ . امام علی ﷺ: خداوند واجب فرمود... ترک زنا را برای حفظ اصل و نسب، و ترک لواط را برای زیاد شدن نسل.

۷۸۴۴ . الإمامُ الصّادقُ ﷺ ـ لَمّا سألَهُ الزِّنديقُ: لِمَ حَرَّمَ اللهُ الزِّنا؟ ـ: لِما فيهِ مِنَ الفَسادِ، وذَهابِ المَوارِيثِ، وانقِطاعِ الأنسابِ لا تَعلَمُ المرأةُ في الزِّنا مَن أحبَلَها، ولا المَولودُ يَعلَمُ مَن أبُوهُ، ولا أرحامٌ مَوصولةٌ، ولا قَرابَةٌ مَعروفَةٌ.[4]

۷۸۴۴ . امام صادق ﷺ ـ در پاسخ به سؤال زندیق که چرا زنا حرام شده است ـ فرمود: چون مایهٔ فساد و از بین رفتن ارث و میراث و انقطاع نسل است. در زنا، زن نمی‌داند که چه کسی او را حامله کرده و فرزند نمی‌داند پدرش کیست، نه نسبها پیوسته است و نه خویشاوندیها معلوم است.

۷۸۴۵ . الإمامُ الرِّضا ﷺ: حُرِّمَ الزِّنا لِما فيهِ مِنَ

۷۸۴۵ . امام رضا ﷺ: زنا به علّت مفاسدی که در

---

۱ . بحار الأنوار: ۷۹/۲۶/۲۷ . ۲ . ثواب الأعمال: ۵/۳۱۲.
۳ . نهج البلاغة: الحكمة ۲۵۲.
۴ . بحار الأنوار: ۱۰۳/ ۳۶۸/ ۲.

الفَسادِ مِن قَتلِ الأنفُسِ، وذَهابِ الأنسابِ، وتَركِ التَّربيَةِ للأطفالِ، وفَسادِ المَوارِيثِ، وما أشبَهَ ذلكَ مِن وُجُوهِ الفَسادِ.[1]

(انظر) الزنا: باب ۱۶۰۳.

۱۶۰۰
آثارُ الزِّنا

۷۸۳۶ . رسولُ اللهِ ﷺ: يا عليُّ في الزِنا ستُّ خِصالٍ: ثلاثٌ مِنها في الدنيا وثلاثٌ في الآخِرَةِ، فأمّا التي في الدنيا فَيَذهَبُ بالبَهاءِ، ويُعَجِّلُ الفَناءَ، ويَقطَعُ الرِّزقَ، وأمّا التي في الآخِرَةِ فَسُوءُ الحِسابِ، وسَخَطُ الرحمٰنِ، والخُلُودُ في النارِ.[2]

۷۸۳۷ . عنه ﷺ: أربَعٌ لا تَدخُلُ بَيتاً واحِدَةٌ مِنهُنَّ إلّا خَرِبَ ولم يَعمُرْ بالبَرَكَةِ: الخِيانَةُ، والسَّرِقَةُ، وشُربُ الخَمرِ، والزِّنا.[3]

۷۸۳۸ . الإمامُ عليٌّ ﷺ: الزِّنا يُورِثُ الفَقرَ.[4]

۷۸۳۹ . الإمامُ الصّادقُ ﷺ: الذُّنوبُ التي تَحبِسُ الرِّزقَ، الزنا.[5]

---

۱ . بحار الأنوار: ۷۹/ ۲۴/ ۱۹.
۲ . بحار الأنوار: ۷۹/۲۲/ ۱۵. ۳ . بحار الأنوار: ۷۹/۱۹/ ۴.
۴ . بحار الأنوار: ۷۹/۲۳/ ۱۸. ۵ . بحار الأنوار: ۷۹/۲۳/ ۱۸.

بردارد، مانند قتل نفس، از بین رفتن و مخدوش شدن اصل و نسب، ترک تربیت کودکان، تباه شدن موضوع ارث و میراث و امثال این مفاسد، حرام شده است.

۱۶۰۰
پیامدهای زنا

۷۸۳۶ . **پیامبر خدا** ﷺ: ای علی! زنا شش پیامد دارد: سه پیامد در دنیا و سه دیگر در آخرت؛ پیامدهای دنیایی‌اش این است که آبرو را می‌برد، مرگ را شتاب می‌بخشد و روزی را می‌بُرد؛ و پیامدهای آخرتش حسابرسی سخت و دقیق، خشم خدای رحمان، و جاودانگی در آتش است.

۷۸۳۷ . **پیامبر خدا** ﷺ: چهار چیز است که اگر یکی از آنها به هر خانه‌ای وارد شود آن را ویران می‌کند و آباد و با برکت نمی‌شود: خیانت، دزدی، شرابخواری و زنا.

۷۸۳۸ . **امام علی** ﷺ: زنا، فقر به بار می‌آورد.

۷۸۳۹ . **امام صادق** ﷺ: [از جمله] گناهانی که جلو روزی را می‌گیرد، زناست.

۱۶۰۱
انتِشارُ الزِّنا

۷۸۵۰ . **الإمامُ الباقرُ ﷺ**: وَجَدْنا في كتابِ رسولِ اللهِ ﷺ: إذا ظَهَرَ الزِّنا مِن بَعدِي كَثُرَ مَوتُ الفَجْأةِ.[۱]

۷۸۵۱ . **عنه ﷺ**: وَجَدْنا في كتابِ عَلِيٍّ ﷺ قالَ: قالَ رسولُ اللهِ ﷺ: إذا كَثُرَ الزِّنا كَثُرَ مَوتُ الفَجْأةِ.[۲]

۷۸۵۲ . **الإمامُ الصّادقُ ﷺ**: إذا فَشا الزِّنا ظَهَرَتِ الزَّلازِلُ.[۳]

۱۶۰۲
لِكُلِّ عُضوٍ حَظٌّ مِنَ الزِّنا

۷۸۵۳ . **رسولُ اللهِ ﷺ**: عَلىٰ كُلِّ نَفَسٍ مِن بَني آدَمَ كُتِبَ حَظٌّ مِنَ الزِّنا أدرَكَ ذلكَ لا محالَةَ، فالعَينُ زِناها النَّظَرُ، والرِّجلُ زِناها المَشيُ، والأُذُنُ زِناها الاستِماعُ.[۴]

۷۸۵۴ . **المسيحُ ﷺ**: أيُّما امرأةٍ استَعطَرَتْ وخَرَجَتْ لِيُوجَدَ رِيحُها فهِيَ زانِيَةٌ، وكُلُّ عَينٍ زانِيَةٌ.[۵]

---

۱. الكافي: ۲/۳۷۴/۲. ۲. بحار الأنوار: ۷۹/۲۷/۳۱.
۳. تهذيب الأحكام: ۳/۱۴۸/۳۱۸.
۴. كنز العمّال: ۱۳۰۲۶ انظر تمام الحديث.
۵. تنبيه الخواطر: ۱/۲۸.

۱۶۰۱
شیوع زنا

۷۸۵۰ . **امام باقر ﷺ**: در کتاب رسول خدا ﷺ یافتیم که: چون بعد از من زنا آشکار گردد، مرگهای ناگهانی زیاد شود.

۷۸۵۱ . **امام باقر ﷺ**: در کتاب علی ﷺ یافتیم که فرموده است: رسول خدا ﷺ فرمود: هرگاه زنا زیاد شود، مرگهای ناگهانی افزایش یابد.

۷۸۵۲ . **امام صادق ﷺ**: هرگاه زنا شیوع یابد، زمین لرزه‌ها پدیدار شود.

۱۶۰۲
هر عضوی از بدن بهره‌ای از زنا دارد

۷۸۵۳ . **پیامبر خدا ﷺ**: بر هر عضوی از اعضای انسان بهره‌ای از زنا نوشته شده که لاجرم به آن می‌رسد؛ مثلاً زنای چشم نگاه کردن است و زنای پا، رفتن و زنای گوش، شنیدن.

۷۸۵۴ . **مسیح ﷺ**: هر زنی که خود را خوشبو کند و بیرون رود تا بویش به مشام دیگران رسد، زناکار است و هر چشمی [که او را بنگرد] زناکار است.

۷۸۵۵ . عنه ﷺ: لا تَكُونَنَّ حَديدَ النَّظَرِ إلىٰ ما لَيسَ لكَ فإنَّهُ لَن يَزني فَرجُكَ ما حَفِظتَ عَينَكَ، فإن قَدَرتَ أن لا تَنظُرَ إلىٰ ثَوبِ المرأةِ التي لا تَحِلُّ لكَ فافعَل.[۱]

(انظر) الطِّيب: باب ۲۴۰۱.

۱۶۰۳
حَدُّ الزِّنا

الكتاب:

﴿الزّانِيَةُ والزّانِي فاجلِدُوا كُلَّ واحِدٍ مِنهُما مِائَةَ جَلْدَةٍ وَلا تَأخُذكُم بِهِما رَأفَةٌ فِي دِينِ اللهِ إن كُنتُم تُؤمِنُونَ بِاللهِ واليَومِ الآخِرِ وَلْيَشهَدْ عَذابَهُما طائِفَةٌ مِنَ المُؤمِنِينَ﴾.[۲]

(انظر) النساء: ۱۵، ۱۶.

الحديث:

۷۸۵۶ . الإمامُ عليٌّ ﷺ: حَدُّ الزاني أشَدُّ مِن حَدِّ القاذِفِ، وحَدُّ الشارِبِ أشَدُّ مِن حَدِّ القاذِفِ.[۳]

۷۸۵۷ . الإمامُ الكاظمُ ﷺ: يُجلَدُ الزانِي أشَدَّ الجَلدِ وجَلدُ المُفتَرِي بَينَ الجَلدَينِ.[۴]

۷۸۵۸ . الإمامُ الرِّضا ﷺ: عِلَّةُ ضَربِ الزانِي علىٰ جَسَدِهِ بِأشَدِّ الضَّربِ لِمُباشَرَتِهِ الزِّنا،

۷۸۵۵ . **مسیح ﷺ**: نباید به آنچه (زنی) که تعلّق به تو ندارد خیره شوی؛ چه تا زمانی که چشم خود را نگه داری هرگز مرتکب زنا نشوی. اگر توانی که [حتّی] به جامهٔ زن نامحرم نگاه نکنی چنین کن.

۱۶۰۳
حدّ زنا

قرآن:

«زن و مرد زناکار را هریک صد تازیانه بزنید. و اگر به خدا و روز واپسین ایمان دارید مبادا که در دین خدا نسبت به آن دو دستخوش ترحّم شوید. و باید که به هنگام مجازات آن دو، گروهی از مؤمنان حاضر باشند».

حدیث:

۷۸۵۶ . **امام علی ﷺ**: [ضربهٔ] حدّ زناکار باید محکمتر از ضربهٔ حدّ افترا زننده [به زنا] باشد و ضربهٔ حدّ شرابخوار محکمتر از ضربهٔ حدّ افترا زننده [به شرابخواری].

۷۸۵۷ . **امام کاظم ﷺ**: زناکار با سخت‌ترین ضربه تازیانه زده می‌شود و افترا زننده با ضربات متوسّط.

۷۸۵۸ . **امام رضا ﷺ**: علّت آن که بر پیکر زناکار باید با سخت‌ترین ضربات تازیانه زد، این

---

۱. تنبيه الخواطر: ۶۲/۱. ۲. النور: ۲.
۳. بحار الأنوار: ۲/۳۳/۷۹. ۴. بحار الأنوار: ۳/۳۳/۷۹.

واستِلذاذِ الجَسَدِ كُلِّهِ بِهِ، فَجُعِلَ الضَّربُ عُقوبَةً لَهُ، وعِبرَةً لِغَيرِهِ، وهُو أعظَمُ الجِناياتِ.[1]

(انظر) بحار الأنوار: ۷۹ / ۳۰ باب ۷۰.

۱۶۰۴
حَدُّ الزِّنا بِالعُنفِ

۷۸۵۹. **الإمامُ الباقرُ** ﷺ ـ لَمّا سُئِلَ عن رَجُلٍ اغتَصَبَ امرأةً فَرجَها ـ: يُقتَلُ مُحصَناً كانَ أو غَيرَ مُحصَنٍ.[2]

۷۸۶۰. **الإمامُ الصّادقُ** ﷺ: إذا كابَرَ الرَّجُلُ المَرأةَ علىٰ نَفسِها ضُرِبَ ضَربَةً بِالسَّيفِ ماتَ مِنها أو عاشَ.[3]

(انظر) وسائل الشيعة: ۱۸ / ۳۸۱ باب ۱۷.

۱۶۰۵
وَلَدُ الزِّنا

الكتاب:

﴿وَلَا تَزِرُ وازِرَةٌ وِزْرَ أُخرىٰ وَإِنْ تَدْعُ مُثقَلَةٌ إِلىٰ حِملِهَا لَا يُحْمَلْ مِنهُ شَيءٌ وَلَو كانَ ذا قُربىٰ إِنَّما تُنذِرُ الَّذِينَ يَخْشَونَ رَبَّهُم بِالْغَيبِ وَأَقامُوا الصَّلَاةَ وَمَنْ تَزَكّىٰ فَإِنَّما يَتَزَكّىٰ لِنَفْسِهِ وَإِلَى اللهِ الْمَصِيرُ﴾.[4]

است که بدن، مرتکب زنا شده و با تمام وجود از آن لذّت برده است. از این رو، تازیانه به عنوان کیفر بدن و درس عبرت برای دیگران قرار داده شده است و زنا، بزرگترین جنایت است.

۱۶۰۴
کیفر زنا کردن به زور

۷۸۵۹. **امام باقر**ﷺ ـ در پاسخ به سؤال از حکم مردی که به زور به زنی تجاوز کند ـ فرمود: باید کشته شود، خواه دارای همسر باشد یا نباشد.

۷۸۶۰. **امام صادق**ﷺ: هرگاه مرد، به زور با زن زنا کند، کیفرش یک ضربهٔ شمشیر است، خواه بر اثر آن بمیرد، یا جان به در بَرَد.

۱۶۰۵
زنا زاده

قرآن:

«هیچ کس بار گناه دیگری را بر دوش نکشد و اگر گرانباری [کسی را] به حمل کردن بار خود فرا خواند، از آن چیزی برداشته نمی‌شود، هر چند خویشاوند او باشد. تو فقط کسانی را بیم می‌دهی که از پروردگارشان، در نهان، بیمناکند و نماز می‌گزارند و هر که پاک شود برای خود پاک شده است. و بازگشت همه به سوی خداست».

---

۱. عيون أخبار الرضا: ۱/۹۷/۲.
۲. الكافي: ۱/۱۸۹/۷. ۳. الكافي: ۴/۱۸۹/۷.
۴. فاطر: ۱۸.

﴿إن تَكْفُرُوا فَإنَّ اللهَ غَنِيٌّ عَنكُم وَلَا يَرضَىٰ لِعِبَادِهِ الْكُفْرَ وَإن تَشكُرُوا يَرْضَهُ لَكُم وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزرَ أُخرَىٰ ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّكُم مَّرجِعُكُمْ فَيُنَبِّئُكُم بِما كُنتُمْ تَعْمَلُونَ إِنَّهُ عَلِيمٌ بِذاتِ الصُّدُورِ﴾.[1]

«اگر ناسپاسی کنید، خدا از شما بی‌نیاز است و ناسپاسی را برای بندگانش نمی‌پسندد و اگر سپاسگزار باشید، آن را برای شما می‌پسندد. و هیچ کس بار گناه دیگری را بر دوش نمی‌کشد. بازگشت همهٔ شما به سوی پروردگارتان است. او شما را از کارهایی که می‌کرده‌اید آگاه می‌کند و او به آنچه در دلها می‌گذرد آگاه است».

﴿مَنِ اهتَدَىٰ فَإنَّمَا يَهتَدِي لِنَفسِهِ وَمَن ضَلَّ فَإنَّمَا يَضِلُّ عَلَيها وَلَا تَزِرُ وازِرَةٌ وِزرَ أُخرَىٰ وَما كُنَّا مُعَذِّبِينَ حَتَّىٰ نَبْعَثَ رَسُولاً﴾.[2]

«هرکه هدایت شود به سود خود هدایت شده و هر که گمراه شود به زیان خود گمراه شده است و هیچ کس بار دیگری را بر ندارد و ما هیچ قومی را عذاب نمی‌کنیم تا آن گاه که برایشان پیامبری بفرستیم».

﴿قُلْ أَغَيْرَ اللهِ أَبْغِي رَبّاً وَهُوَ رَبُّ كُلِّ شَيءٍ وَلَا تَكْسِبُ كُلُّ نَفْسٍ إِلَّا عَلَيها وَلَا تَزِرُ وازِرَةٌ وِزرَ أُخرَىٰ ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّكُم مَّرجِعُكُمْ فَيُنَبِّئُكُم بِما كُنتُمْ فِيهِ تَخْتَلِفُونَ﴾.[3]

«بگو: آیا جز الله، پروردگاری جویم؟ او پروردگار هر چیزی است و هر کس تنها کیفر کار خویش را می‌بیند. و کسی بار گناه دیگری را بر دوش نمی‌کشد. سپس بازگشت همهٔ شما به سوی پروردگارتان است و او شما را به چیزهایی که در آن اختلاف می‌ورزیدید آگاه می‌کند».

﴿أَمْ لَم يُنَبَّأْ بِما فِي صُحُفِ مُوسىٰ * وَإبراهِيمَ الَّذِي وَفَّىٰ * أَلَّا تَزِرُ وازِرَةٌ وِزرَ أُخرَىٰ﴾.[4]

«آیا به آنچه در صحیفه‌های موسی آمده خبر داده نشد؟ و از ابراهیم که حقّ رسالت را ادا کرد؟ که هیچ کس بار گناه دیگری را بر ندارد؟».

الحديث:

۷۸۶۱ . رسولُ اللهِ ﷺ: لَيسَ عَلىٰ وَلَدِ الزِّنا مِن وِزرِ أَبَوَيهِ شَيءٌ.[5]

حدیث:

۷۸۶۱ . **پیامبر خدا**ﷺ: زنازاده هیچ مسئولیتی در قبال گناه پدر و مادر خود ندارد.

۷۸۶۲ . **المستدرك على الصحيحين:** إنما كان رجل من المنافقين يؤذي رسول اللهﷺ: فقال: من يَعذِرُني من فلان؟ قيل: يا رسولَ اللهِ،

۷۸۶۲ . **المستدرک علی الصحیحین:** مردی منافق پیامبر خداﷺ را آزار می‌داد، حضرت فرمود: چه کسی مرا معذور می‌دارد تا او را به سزای خود برسانم؟ گفته شد: ای پیامبر

---

۱. الزمر: ۷.
۲. الإسراء: ۱۵.
۳. الأنعام: ۱۶۴.
۴. النجم: ۳۶ـ۳۸.
۵. كنز العمّال: ۱۳۰۹۱.

مَعَ ما به ولد زنا.

فقال رسول الله ﷺ: هو شرّ الثلاثة.[۱]

۱۶۰۶
عَلاماتُ وَلَدِ الزِّنا

۷۸۶۳ . الإمامُ عليٌّ ﷺ: كَذَبَ مَن زَعَمَ أنَّهُ وُلِدَ مِن حَلالٍ وهُو يُحِبُّ الزِّنا.[۲]

۷۸۶۴ . الإمامُ الصّادقُ ﷺ: إنّ لِوَلَدِ الزِّنا علاماتٍ: أحَدُها بُغضُنا أهلَ البَيتِ، وثانيها أنَّهُ يَحِنُّ إلىٰ الحَرامِ الذي خُلِقَ مِنهُ، وثالِثُها الاِستِخفافُ بالدِّينِ، ورابِعُها سُوءُ المَحضَرِ لِلنّاسِ، ولا يُسِيءُ مَحضَرَ إخوانِهِ إلّا مَن وُلِدَ علىٰ غَيرِ فِراشِ أبِيهِ، أو حَمَلَتْ بِهِ أُمُّهُ في حَيضِها.[۳]

۷۸۶۵ . عنه ﷺ: علاماتُ وَلَدِ الزِّنا ثَلاثٌ: سُوءُ المَحضَرِ، والحَنِينُ إلى الزِنا، وبُغضُنا أهلَ البَيتِ.[۴]

۷۸۶۶ . عنه ﷺ: مَن شَعَفَ بمَحَبَّةِ الحَرامِ وشَهوَةِ الزِّنا فهُو شِرْكُ شَيطانٍ.[۵]

---

۱ . المستدرك على الصحيحين: ۲۸۵۵/۲۳۴/۲.
۲ . بحار الأنوار: ۱/۱۸/۷۹.
۳ . بحار الأنوار: ۲/۲۷۹/۷۵.
۴ . بحار الأنوار: ۳/۱۹/۷۹.
۵ . الخصال: ۴۰/۲۱۷.

خدا! با این همه شرارت، زنازاده هم هست. پیامبر خدا فرمود: به خدا سوگند او از پدر و مادر زناکار خود بدتر است.

۱۶۰۶
نشانه‌های زنا زاده

۷۸۶۳ . امام علی ﷺ: دروغ می‌گوید کسی که زنا را دوست داشته باشد و خود را حلال زاده پندارد.

۷۸۶۴ . امام صادق ﷺ: زنا زاده نشانه‌هایی دارد: اول آن که با ما خاندان دشمنی می‌ورزد، دوم آن که به همان کار حرامی که بر اثر آن آفریده شده است (زنا) علاقه دارد، سوم آن که به دین اهمّیتی نمی‌دهد، چهارم آن که بد محضر است [و مردم نشست و برخاست را با وی خوش ندارند]. و کسی برای برادران خود بد محضر نمی‌شود، مگر کسی که نطفه‌اش از حرام یا حیض بسته شده باشد.

۷۸۶۵ . امام صادق ﷺ: نشانه‌های زنا زاده سه چیز است: بد مجلس (بدخو) بودن، علاقه‌مندی به عمل زنا و نفرت از ما اهل بیت.

۷۸۶۶ . امام صادق ﷺ: کسی که شیفتهٔ لذّت حرام و شهوت زنا باشد، شیطان در نطفهٔ او شریک بوده است.

۱۶۰۷
الدَّيُّوثُ

۷۸۶۷ . الإمامُ الباقرُ ﷺ: قالَ رسولَ اللهِ ﷺ: إنَّ الجَنَّةَ لَيُوجَدُ ريحُها مِنْ مَسيرةِ خمسمائة عامٍ، ولا يَجدُها عاقٌ ولا دَيّوثٌ، قيلَ: يا رسولَ اللهِ، وما الدَّيُّوثُ؟ قالَ: الذي تَزني امرَأتُهُ وهُو يَعلَمُ.[۱]

۷۸۶۸ . الإمامُ الباقرُ ﷺ: ثلاثةٌ لا يَقبَلُ اللهُ لَهُم صلاةً: مِنهُمُ الدَّيُّوثُ الذي يُفجَرُ بِامرَأتِهِ.[۲]

(انظر) بحار الأنوار: ۷۹ / ۱۱۴ باب ۸۴.

الغَيرة: باب ۳۰۹۷.

۱۶۰۷
دیّوث

۷۸۶۷ . **امام باقر**ﷺ: رسول خداﷺ فرمود: بوی بهشت از فاصله‌ای به مسافت پانصد سال احساس می‌شود ولی عاق و دیّوث آن را احساس نمی‌کنند. عرض شد: ای رسول خدا! دیّوث کیست؟ فرمود: مردی که زنش زنا دهد و او از آن اطلاع داشته باشد.

۷۸۶۸ . **امام باقر**ﷺ: خداوند نماز سه نفر را نمی‌پذیرد؛ یکی از آنها دیّوث است که با زنش زنا می‌شود.

۱۶۰۸
القِيادَةُ

۷۸۶۹ . رسولُ اللهِ ﷺ: ليلةَ أُسرِيَ بِي... رَأيتُ امرأةً يُحرَقُ وَجهُها وَيداها، وهِيَ تَأكُلُ أمعاءَها... فإنّها كانَت قَوّادَةً.[۳]

۱۶۰۸
پا اندازی

۷۸۶۹ . **پیامبر خدا**ﷺ: شبی که به معراج برده شدم... زنی را دیدم که چهره و دو دستش می‌سوزد و روده‌های خود را می‌خورد...؛ زیرا پا انداز و جاکش بوده است.

۱۶۰۹
النَّوادِرُ

۷۸۷۰ . رسولُ اللهِ ﷺ: ثلاثةٌ لا يُكَلِّمُهُمُ اللهُ عزّوجلّ...: شَيخٌ زانٍ، ومَلِكٌ جَبّارٌ، ومُقِلٌّ

۱۶۰۹
گوناگون

۷۸۷۰ . **پیامبر خدا**ﷺ: سه کس‌اند که خداوند عزّوجلّ با آنان سخن نمی‌گوید...:

---

۱. بحار الأنوار: ۱/۱۱۴/۷۹. ۲. بحار الأنوار: ۹/۱۱۵/۷۹.
۳. عيون أخبار الرضا: ۲۴/۱۱/۲.

مُختالٌ.[۱]

پیرمردِ زناکار، فرمانروایِ ستمکار و تهیدستِ متکبّر.

۷۸۷۱. الإمامُ الصّادقُ ﷺ: مُدمِنُ الزِّنا والسَّرَقِ والشُّربِ كَعابِدِ وَثَنٍ.[۲]

۷۸۷۱. امام صادق ﷺ: کسی که به زنا و دزدی و شرابخواری معتاد باشد، مانند بت پرست است.

۷۸۷۲. عنه ﷺ: أوحَى اللهُ إلىٰ موسىٰ... لا تَزنُوا فَتَزنِي نِساؤكُم، ومَن وَطِئَ فُرُشَ امرِئٍ مسلمٍ وُطِئَ فِراشُهُ. كما تَدِينُ تُدانُ.[۳]

۷۸۷۲. امام صادق ﷺ: خداوند به موسی وحی فرمود: ... زنا نکنید که زنانتان زنا می‌دهند. و هر که به همسر مردی مسلمان خیانت کند، به همسرش خیانت کنند. با هر دست که بدهی، از همان دست می‌گیری.

۷۸۷۳. عنه ﷺ: عِفُّوا عَن نِساءِ الناسِ تَعِفَّ نِساؤكُم.[۴]

۷۸۷۳. امام صادق ﷺ: نسبت به زنان مردم عفیف باشید، تا به زنان شما عفّت ورزند.

(انظر) العفّة: باب ۲۷۱۰.

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

۱. ثواب الأعمال: ۱۲/۲۶۵.
۲. بحار الأنوار: ۲۲/۲۴/۷۹.
۳. بحار الأنوار: ۳۲/۳۷/۷۹.
۴. الأمالي للصدوق: ۴۴۹/۳۶۴.

٢٠٧

الزُّهْدُ

زهد

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

ولمزيد الاطّلاع راجع:

بحار الأنوار: ٧٠/٣٠٩ باب ٥٨ «الزُّهد ودرجاته».

كنز العمّال: ٣/١٨١ـ٢٤٦ «الزُّهد».

كنز العمّال: ٣/٢٤١ «زهد النبيّ ﷺ».

كنز العمّال: ١٣/١٨٤ «زهد أمير المؤمنين ﷺ».

انظر:

عنوان ٥ «الآخرة»، ١٦٣ «الدنيا»، ٥١٨ «النفس»، ٥٣٦ «الهوىٰ»، ٤٩٩ «المال».

الإيمان: باب ٢٨٦، الجاه: باب ٦٥٦، العلم: باب ٢٨٥٢.

العبادة: باب ٢٤٦٥، المحبّة (حبّ الله): باب ٦٨٠، اليقين: باب ٤١٩٥.

۱۶۱۰
فَضلُ الزُّهدِ

۷۸۷۴ . رسولُ اللهِ ﷺ: ما اتَّخَذَ اللهُ نَبِيّاً إلّا زاهِداً.[۱]

۷۸۷۵ . عنه ﷺ: ما تَعَبَّدُوا لِلّهِ بشَيءٍ مِثلِ الزُّهدِ في الدنيا.[۲]

۷۸۷۶ . عنه ﷺ ـ لابن مسعودٍ ـ: يابنَ مسعودٍ، النارُ لِمَن رَكِبَ مُحَرَّماً والجَنَّةُ لِمَن تَرَكَ الحلالَ، فعلَيكَ بِالزُّهدِ، فإنَّ ذلكَ مِمّا يُباهِي اللهُ بِهِ الملائكةَ، وبِهِ يُقبِلُ (اللهُ) عَلَيكَ بِوَجهِهِ ويُصَلّي عَلَيكَ الجَبّارُ.[۳]

۷۸۷۷ . عنه ﷺ: ما عُبِدَ اللهُ بِشَيءٍ أفضَلَ مِنَ الزُّهدِ في الدنيا.[۴]

۷۸۷۸ . عنه ﷺ: طُوبىٰ لِمَن تَواضَعَ لِلّهِ عَزَّ ذِكرُهُ وزَهِدَ فيما أحَلَّ لَهُ مِن غَيرِ رَغبَةٍ عن سُنَّتي، ورَفَضَ زَهرَةَ الدنيا مِن غَيرِ تَحَوُّلٍ عن سُنَّتي.[۵]

---

۱ . مستدرك الوسائل: ۱۲ / ۱۳۴۸۸/۵۱ .
۲ . بحار الأنوار: ۳۲۲/۷۰ . ۳ . بحار الأنوار: ۱/۹۶/۷۷ .
۴ . مستدرك الوسائل: ۱۳۴۸۸/۵۰/۱۲ .
۵ . تحف العقول: ۳۰ .

۱۶۱۰
ارزش زهد

۷۸۷۴ . **پیامبر خدا ﷺ**: خداوند هیچ پیامبری را برنگزید، مگر آن که زاهد بود.

۷۸۷۵ . **پیامبر خدا ﷺ**: خداوند را با هیچ عبادتی همانند دل برکندن از دنیا نپرستیدند.

۷۸۷۶ . **پیامبر خدا ﷺ** ـ به ابن مسعود ـ فرمود: ای پسر مسعود! آتش، از آنِ کسی است که مرتکب حرام شود و بهشت از آنِ کسی که حلال را وا گذارد. پس بر تو باد زهد؛ زیرا زهد، از چیزهایی است که خداوند به آن بر فرشتگان می‌بالد و با زهد است که خداوند به تو رو می‌کند و خداوند جبّار بر تو درود می‌فرستد.

۷۸۷۷ . **پیامبر خدا ﷺ**: خداوند به چیزی برتر از بی‌اعتنایی به دنیا عبادت نشده است.

۷۸۷۸ . **پیامبر خدا ﷺ**: خوشا به حال کسی که برای خداوند، عزّ ذکره، فروتنی کند و از آنچه برایش حلال کرده نیز کناره گیرد بی‌آن که از سنّت من روی گرداند؛ زرق و برق دنیا را کنار نهد، بی‌آن که از سنّت من منحرف شود.

۷۸۷۹ . الإمامُ عليٌّ ﷺ: الزُّهدُ أقَلُّ ما يُوجَدُ وأجَلُّ ما يُعهَدُ، ويَمدَحُهُ الكُلُّ، ويَترُكُهُ الجُلُّ.[۱]

۷۸۸۰ . عنه ﷺ: الزُّهدُ شِيمَةُ المُتَّقِينَ وسَجِيَّةُ الأوّابِينَ.[۲]

۷۸۸۱ . عنه ﷺ: الزُّهدُ مَتجَرٌ رابِحٌ.[۳]

۷۸۸۲ . عنه ﷺ: الزُّهدُ ثَروةٌ.[۴]

۷۸۸۳ . عنه ﷺ: إنَّ عَلامَةَ الراغِبِ في ثَوابِ الآخِرَةِ زُهدُهُ في عاجِلِ زَهرَةِ الدنيا.[۵]

۷۸۸۴ . الإمامُ الصّادقُ ﷺ: جُعِلَ الخَيرُ كُلُّهُ في بَيتٍ، وجُعِلَ مِفتاحُهُ الزُّهدَ في الدنيا.[۶]

۷۸۷۹ . **امام علی**ﷺ: زهد، کمیابترین پدیده‌ها و والاترین چیزی است که از آن یاد می‌شود؛ همگان آن را می‌ستایند، ولی بیشتر مردم آن را رها می‌سازند.

۷۸۸۰ . **امام علی**ﷺ: زهد خوی پرهیزگاران است و خصلتِ همیشه توبه کنندگان.

۷۸۸۱ . **امام علی**ﷺ: زهد، تجارتی سودآور است.

۷۸۸۲ . **امام علی**ﷺ: زهد، یک ثروت است.

۷۸۸۳ . **امام علی**ﷺ: نشانهٔ کسی که به پاداش آخرت رغبت دارد، زهد ورزیدن به زرق و برق دنیاست.

۷۸۸۴ . **امام صادق**ﷺ: همهٔ خیر در یک خانه نهاده شده و کلید آن، دل بر کندن از دنیا قرار داده شده است.

۱۶۱۱
التَّزَيُّنُ بِالزُّهدِ

۷۸۸۵ . رسولُ اللهِ ﷺ ـ في قولِ اللهِ تعالىٰ: ﴿وآتَيناهُ الحُكمَ صَبِيّاً﴾[۷] ـ: يَعنِي الزُّهدَ في الدنيا، وقالَ اللهُ تعالىٰ لموسىٰ: يا موسىٰ، إنَّهُ لَن يَتَزَيَّنَ المُتَزَيِّنُونَ بِزِينَةٍ أزيَنَ في عَيني مِثلَ الزُّهدِ.[۸]

۷۸۸۶ . عنه ﷺ: يا عليُّ، إنَّ اللهَ قد زَيَّنَكَ بِزِينَةٍ لَم

۱۶۱۱
آراسته شدن به زهد

۷۸۸۵ . **پیامبر خدا**ﷺ ـ دربارهٔ آیهٔ «و در کودکی به او دانایی عطا کردیم» ـ فرمود: یعنی، زهد و بی‌رغبتی به دنیا. خداوند متعال به موسی فرمود: ای موسی! آراستگان، خود را به هیچ زیوری نیاراستند، که همانند زهد در نظرم زیبا آید.

۷۸۸۶ . **پیامبر خدا**ﷺ: ای علی! خداوند تو را به

---

۱. غرر الحكم: ۲۰۲۱.
۲. غرر الحكم: ۱۷۱۳.
۳. غرر الحكم: ۵۵۰.
۴. نهج البلاغة: الحكمة ۴.
۵. بحار الأنوار: ۲۴/۵۲/۷۳.
۶. بحار الأنوار: ۲۰/۴۹/۷۳.
۷. مريم: ۱۲.
۸. بحار الأنوار: ۱/۹۴/۷۷.

يُزَيَّنِ العِبادُ بِزينَةٍ أحَبَّ إلىَ اللهِ مِنها، زَيَّنَكَ بالزُّهدِ في الدنيا وجَعَلَكَ لا تَرْزَأُ مِنها شيئاً ولا تَرْزَأُ مِنكَ شيئاً.[۱]

۷۸۸۷. **عنه ﷺ**: يا عليُّ، إنّ اللهَ تعالىٰ زَيَّنَكَ بزينَةٍ لَم يُزَيِّنِ العِبادَ بزينَةٍ هِيَ أحَبُّ إلَيهِ مِنها، زَهَّدَكَ فيها، وبَغَّضَها إلَيكَ، وحَبَّبَ إلَيكَ الفُقَراءَ فَرَضِيتَ بِهِم أتباعاً، ورَضُوا بكَ إماماً.[۲]

۷۸۸۷. **پیامبر خدا ﷺ**: ای علی! خداوند متعال تو را به زیوری آراسته که بندگان را به زیوری محبوبتر از آن نزد خود نیاراسته است؛ تو را به دنیا بی‌رغبت کرد و آن را منفور تو ساخت و محبّت تهیدستان را در دل تو نهاد؛ پس تو، به داشتن پیروانی چون آنان خرسندی و آنان به داشتن امامی چون تو.

۷۸۸۸. **الإمامُ الباقرُ ﷺ**: كانَ فيما ناجَى اللهُ بهِ موسىٰ ﷺ: ... ما تَزَيَّنَ لي المُتَزَيِّنُونَ بِمِثلِ الزُّهدِ في الدنيا عَمّا بِهِمُ الغِنىٰ عنه.[۳]

۷۸۸۸. **امام باقر ﷺ**: از جملهٔ نجواهای خداوند متعال با موسی ﷺ این بود: ... آراستگان، خود را برای من به زیوری نیاراستند که همانند بی‌رغبتی به دنیا در آنچه بدان نیاز ندارند، باشد.

(انظر) الزينة: باب ۱۶۹۵.

۱۶۱۲
الزُّهدُ وَالدِّينُ

۱۶۱۲
زهد و دین

۷۸۸۹. **الإمامُ عليٌّ ﷺ**: الزُّهدُ أصلُ الدِّينِ.[۴]

۷۸۸۹. **امام علی ﷺ**: زهد، ریشهٔ دین است.

۷۸۹۰. **عنه ﷺ**: الزُّهدُ ثَمَرَةُ الدِّينِ.[۵]

۷۸۹۰. **امام علی ﷺ**: زهد، میوهٔ دین است.

۷۸۹۱. **عنه ﷺ**: الزُّهدُ أساسُ اليَقينِ.[۶]

۷۸۹۱. **امام علی ﷺ**: زهد، شالودهٔ یقین است.

۷۸۹۲. **عنه ﷺ**: عليكَ بالزُّهدِ، فإنَّهُ عَونُ الدِّينِ.[۷]

۷۸۹۲. **امام علی ﷺ**: بر تو باد زهد، که آن یاور دین است.

---

۱. الأمالي للطوسي: ۳۰۳/۱۸۱.
۲. بحار الأنوار: ۱۳/۳۳۰/۴۰.
۳. بحار الأنوار: ۳۷/۳۴۹/۱۳.
۴. غرر الحكم: ۴۸۷. ۵. غرر الحكم: ۴۱۲.
۶. غرر الحكم: ۵۱۶. ۷. غرر الحكم: ۶۰۹۸.

۷۸۹۳ . عنه ﷺ: إنَّ مِن أعوَنِ الأخلاقِ على الدِّينِ الزُّهدَ في الدنيا.[1]

(انظر) الدين: باب ۱۲۹۸.

۱۶۱۳
حَقيقَةُ الزُّهدِ

الكتاب:

﴿إذْ تُصْعِدُونَ وَلَا تَلْوُونَ عَلَىٰ أحَدٍ والرَّسُولُ يَدْعُوكُم فِي أُخْراكُم فَأثابَكُمْ غَمّاً بِغَمٍّ لِكَيْلَا تَحْزَنُوا عَلَىٰ ما فاتَكُم وَلَا مَا أصابَكُم واللهُ خَبِيرٌ بِما تَعْمَلُونَ﴾.[2]

﴿لِكَيْلا تَأْسَوا عَلَىٰ ما فاتَكُمْ وَلا تَفْرَحُوا بِما آتاكُمْ واللهُ لَا يُحِبُّ كُلَّ مُخْتالٍ فَخُورٍ﴾.[3]

الحديث:

۷۸۹۴ . رسولُ اللهِ ﷺ: الزُّهدُ في الدنيا قَصرُ الأمَلِ، وشُكرُ كُلِّ نِعمَةٍ، والوَرَعُ عن كُلِّ ما حَرَّمَ اللهُ.[4]

۷۸۹۵ . عنه ﷺ: الزُّهدُ لَيسَ بتَحريمِ الحَلالِ، ولكنْ أن يكونَ بما في يَدَيِ اللهِ أوثَقَ مِنهُ بما في يَدَيهِ.[5]

۷۸۹۶ . الإمامُ عليٌّ ﷺ: الزُّهدُ كُلُّهُ في كَلِمَتَينِ مِنَ

۷۸۹۳ . **امام علی**ﷺ: از خویهایی که بیشترین کمک را به دین می‌کند، بی‌رغبتی به دنیاست.

۱۶۱۳
حقیقت زهد

قرآن:

«آن‌گاه که در حال گریز [از کوه] بالا می‌رفتید و به کسی توجّه نمی‌کردید و پیامبر شما را از پشت‌سرتان فرا می‌خواند. پس [خداوند] به سزای [این کار]، غمی بر غم شما افزود. تا برای آنچه از دست داده‌اید یا آنچه به شما رسیده است، اندوهگین نشوید. خدا از هر کاری که می‌کنید آگاه است».

«تا بر آنچه از دستتان می‌رود اندوهگین نشوید و به آنچه دستتان می‌آید شادمانی نکنید. و خدا هیچ متکبّر فخرفروشی را دوست ندارد».

حدیث:

۷۸۹۴ . **پیامبر خدا**ﷺ: بی‌رغبتی به دنیا عبارت است از کوتاه کردن آرزو و به جای آوردن شکر هر نعمتی و پرهیز از هر آنچه خداوند حرام کرده است.

۷۸۹۵ . **پیامبر خدا**ﷺ: زهد، به معنای حرام کردن حلال [بر خود] نیست، بلکه بدین معناست که انسان اطمینانش به آنچه در دست خداست بیشتر باشد از آنچه در دست خود اوست.

۷۸۹۶ . **امام علی**ﷺ: همهٔ زهد در دو جملهٔ قرآن

---

۱. الكافي: ۳/۱۲۸/۲. ۲. آل عمران: ۱۵۳.
۳. الحديد: ۲۳. ۴. تحف العقول: ۵۸.
۵. بحار الأنوار: ۸/۱۷۲/۷۷.

القُـرآنِ، قـالَ اللهُ تـعالىٰ: ﴿لِكَيْلا تَأْسَوا عَلىٰ ما فاتَكُمْ وَلا تَفْرَحُوا بِما آتاكُمْ﴾ فَـمَن لم يَأسَ عَـلَى المـاضِي ولم يَـفرَحْ بالآتي فهُو الزاهِدُ.[1]

۷۸۹۷. عنه ﷺ: الزُّهدُ كَلِمَةٌ بينَ كَلِمَتَينِ، قـالَ اللهُ تـعالىٰ: ﴿لِكَيْلا تَأْسَوا عَلَىٰ ما فاتَكُمْ وَلا تَفْرَحُوا بِما آتاكُمْ واللهُ لاَ يُحِبُّ كُلَّ مُخْتالٍ فَخُورٍ﴾ فَمَن لَم يَأسَ على الماضِي، ولَـم يَفرَحْ بالآتي فقد أخَذَ الزُّهدَ بِطَرَفَيهِ.[2]

۷۸۹۸. عنه ﷺ: أيُّها الناسُ، إنّـما النـاسُ ثـلاثَةٌ: زاهِدٌ، وراغِبٌ، وصابِرٌ، فأمّا الزاهِـدُ فـلا يَفرَحُ بِشيءٍ مِنَ الدنيا أتاهُ، ولا يَحزَنُ علىٰ شَيءٍ منها فاتَهُ، وأمّا الصابرُ فَيَتَمَنّاها بِقَلبِهِ فإن أدرَكَ مِنها شَيئاً صَرَفَ عنها نَفسَهُ لِما يَعلَمُ مِن سُوءِ عاقِبَتِها، وأمّـا الراغبُ فـلا يُبالِي مِن حِلٍّ أصابَها أم مِن حَرامٍ.[3]

۷۸۹۹. عنه ﷺ: يابنَ آدَمَ، لا تَأسَفْ علىٰ مَـفقودٍ لا يَرُدُّهُ إليكَ الفَوتُ، ولا تَفرَحْ بمَوجُودٍ لا يَترُكُهُ في يَدَيكَ المَوتُ.[4]

۷۹۰۰. عنه ﷺ: الزُّهدُ أن لاتَطلُبَ المَفقودَ حـتّىٰ

آمده است؛ خداوند متعال فرموده: «تا بر آنچه از دستتان می‌رود، اندوهگین نشوید و بر آنـچه بـه دسـتتان مـی‌آید، شـادمانی نکنید». بنابراین، کسی که بر گذشته اندوه نخورد و برای آنچه به دستش می‌رسد شاد نشود، زاهد است.

۷۸۹۷. امام علی ﷺ: زهد در دو جمله فراهم آمده است؛ خدای متعال فرموده: «تا بر آنچه از دستتان رفته اندوهگین نشوید و به آنـچه دستتان می‌آید شادمانی نکنید. و خدا هیچ مـتکبّر فـخرفروشی را دوست نـدارد». بـنابرایـن، کسـی کـه بـرای از دست رفـته افسوس نخورد و بـرای آنـچه بـه دسـتش می‌رسد شاد نشود، هر دو جـانب زهـد را رعایت کرده است.

۷۸۹۸. امام علی ﷺ: ای مردم! مردم سه گـروهند: دنیا گریز و دنیا خواه و شکیبا. دنیا گـریز، هرگاه به چـیزی از دنـیا دست یـابد، شـاد نمی‌شود و هرگاه چـیزی از آن را از دست دهد افسوس نمی‌خورد. و شکـیبا، در دل آرزوی دنیا را دارد، اما اگر به چیزی از دنیا دست یابد، چون عاقبت بد و ناگوار آن را مـی‌دانـد، خـود را از آن بـازمی‌دارد. و دنیاخواه، اهمیتی نمی‌دهد که از راه حلال به دنیا برسد، یا از راه حرام.

۷۸۹۹. امام علی ﷺ: ای پسـر آدم! بـرای آنـچه از دست رفته و باز نمی‌گردد، افسوس مخور و برای آنچه در دست داری، اما مرگ آن را در دستانت باقی نمی‌گذارد، شادی مکن.

۷۹۰۰. امام علی ﷺ: زهـد آن است کـه تـا

۱. بحار الأنوار: ۷۸/۷۰/۲۷. ۲. بحار الأنوار: ۷۰/۳۱۷/۲۳.
۳. بحار الأنوار: ۱۰/۱۲۰/۱. ۴. تنبيه الخواطر: ۲/۱۱۴.

يَعدَمَ المَوجودُ.[۱]

۷۹۰۱. **عنه ﷺ**: الزُّهدُ تَقصيرُ الآمالِ، وإخلاصُ الأعمالِ.[۲]

۷۹۰۲. **عنه ﷺ**: أصلُ الزُّهدِ حُسنُ الرَّغبَةِ فيما عندَ اللهِ.[۳]

۷۹۰۳. **عنه ﷺ**: أيُّها الناسُ، الزَّهادَةُ قَصرُ الأمَلِ، والشُّكرُ عندَ النِّعَمِ، والتَّورُّعُ عندَ المَحارِمِ، فإن عَزَبَ ذلكَ عنكُم فلا يَغلِبِ الحَرامُ صَبرَكُم، ولا تَنسَوْا عندَ النِّعَمِ شُكرَكُم.[۴]

۷۹۰۴. **الإمامُ الحسنُ ﷺ** ـ لمّا سُئلَ عنِ الزُّهدِ ـ: الرَّغبَةُ في التَّقوىٰ والزَّهادَةُ في الدنيا.[۵]

۷۹۰۵. **الإمامُ زينُ العابدينَ ﷺ** ـ في الدعاءِ ـ: اللّهُمَّ صَلِّ علىٰ محمّدٍ وآلِهِ، واجعَلْ ثَنائي علَيكَ ومَدحِي إيّاكَ وحَمدِي لكَ في كُلِّ حالاتِي حتّىٰ لا أفرَحَ بما آتَيتَني مِن الدنيا، ولا أحزَنَ علىٰ ما مَنَعتَني فيها.[۶]

۷۹۰۶. **الإمامُ الصّادقُ ﷺ**: ليسَ الزُّهدُ في الدنيا بِإضاعَةِ المالِ، ولا بِتَحريمِ الحَلالِ، بلِ

موجودی‌ات از بین نرفته، در طلب نداشته بر نیایی.

۷۹۰۱. **امام علی ﷺ**: زهد، کوتاه کردن آرزوهاست و خالص کردن اعمال.

۷۹۰۲. **امام علی ﷺ**: ریشهٔ زهد، رغبتِ شایسته داشتن است به آنچه نزد خداست.

۷۹۰۳. **امام علی ﷺ**: ای مردم! زهد، کوتاهی آرزو و گزاردن شکر نعمتها و خویشتنداری در هنگام روبرو شدن با حرامهاست. اگر این زهد از شما برنیامد، [لااقل] نباید که حرام بر شکیبایی شما چیره آید و سپاسگزاری از نعمتها را فراموش کنید.

۷۹۰۴. **امام حسن ﷺ** ـ در پاسخ به این سؤال که زهد چیست؟ ـ فرمود: رغبت به تقوی و بی‌رغبتی به دنیا.

۷۹۰۵. **امام زین العابدین ﷺ** ـ در دعا ـ گفت: پروردگارا! بر محمّد و آلش درود فرست و مرا در همه حال به ستایش و مدح و سپاسگزاری از خودت برگمار، تا بر آنچه از دنیا به من داده‌ای، شاد نشوم و برای آنچه از من در دنیا باز داشته‌ای، غم مخورم.

۷۹۰۶. **امام صادق ﷺ**: بی‌رغبتی به دنیا، به استفاده نکردن از مال و ثروت و یا حرام کردن حلال [بر خود] نیست، بلکه بی‌رغبتی به دنیا آن است که به آنچه در دست داری، از

---

۱. غرر الحكم: ۱۲۵۹. ۲. غرر الحكم: ۱۸۴۴.
۳. غرر الحكم: ۳۰۸۶. ۴. نهج البلاغة: الخطبة ۸۱.
۵. تحف العقول: ۲۲۵.
۶. الصحيفة السجّادية: الدعاء ۲۱.

الزُّهدُ في الدنيا أن لا تكونَ بما في يَدِكَ أوثَقَ مِنكَ بما في يَدِ اللهِ عزّوجلّ.[1]

آنچه در دست خداوند عزّوجلّ است مطمئن‌تر نباشی.

۷۹۰۷. عنه ﷺ: قِيلَ لأميرِ المؤمنينَ ﷺ: ما الزُّهدُ في الدنيا؟ قالَ: تَنكُّبُ حَرامِها.[2]

۷۹۰۷. **امام صادق** ﷺ: به امیر المؤمنین ﷺ عرض شد: زهدِ به دنیا چیست؟ فرمود: فرو گذاشتن حرامِ آن.

۷۹۰۸. عنه ﷺ: الزُّهدُ مِفتاحُ بابِ الآخِرَةِ، والبَراءةِ مِنَ النارِ، وهُو تَركُكَ كُلَّ شيءٍ يَشغَلُكَ عنِ اللهِ، مِن غَيرِ تَأسُّفٍ على فَوتِها، ولا إعجابٍ في تَركِها، ولا انتِظارِ فَرَجٍ مِنها، ولا طَلَبِ مَحمَدَةٍ عَلَيها، ولا عِوَضٍ مِنها، بل تَرىٰ فَوتَها راحَةً وكَونَها آفَةً، وتكونُ أبداً هارِباً مِنَ الآفَةِ، مُعتَصِماً بِالرّاحَةِ.[3]

۷۹۰۸. **امام صادق** ﷺ: زهد کلید درِ آخرت است و برائت از آتش. زهد آن است که هر چه تو را از خدا باز دارد رها کنی، بی آن که بر از دست دادن آن افسوس خوری و نه بر اثر فروگذاشتن آن دچار خودپسندی شوی و نه چشمداشت گشایشی از آن داشته باشی و نه خواهان ستایشی در قبال این کار و نه طالب عوض و جبران آن باشی. بلکه از دست دادن آن را مایهٔ آسایش و بودن آن را آفتی [برای خود] دانی و همواره از آفت گریزان باشی و به آسایش چنگ زنی.

(انظر) الرضا بالقضاء: باب ۱۵۲۳.

المحجّة البيضاء: ۷ / ۳۴۵.

۱۶۱۴
صِفاتُ الزّاهِدِ

۱۶۱۴
صفات زاهد

۷۹۰۹. رسولُ اللهِ ﷺ: قلتُ: يا جَبرَئيلُ، فما تَفسيرُ الزُّهدِ؟ قالَ: الزاهِدُ يُحِبُّ مَن يُحِبُّ خالِقُهُ، ويُبغِضُ مَن يُبغِضُ خالِقُهُ، ويَتَحَرَّجُ مِن حَلالِ الدنيا ولا يَلتَفِتُ إلىٰ

۷۹۰۹. **پیامبر خدا** ﷺ: گفتم: ای جبرئیل! تفسیر زهد چیست؟ گفت: زاهد، آنچه را که آفریدگارش دوست دارد، دوست می‌دارد و آنچه را آفریدگارش ناخوش دارد، ناخوش می‌دارد و از حلال دنیا می‌پرهیزد و به حرام آن توجّه نمی‌کند؛ زیرا حلال آن

۱. بحار الأنوار: ۷۰/۳۱۰/۴. ۲. بحار الأنوار: ۷۰/۳۱۰/۲.
۳. بحار الأنوار: ۷۰/۳۱۵/۲۰.

حَرامِها، فإنَّ حلالَها حِسابٌ وحَرامَها عِقابٌ، ويَرحَمُ جَميعَ المسلمينَ كما يَرحَمُ نفسَهُ، ويَتَحَرَّجُ مِنَ الكلامِ كما يَتَحَرَّجُ مِنَ المَيتةِ التي قدِ اشتَدَّ نَتْنُها، ويَتَحَرَّجُ عن حُطامِ الدنيا، وزِينَتِها كما يَتَجَنَّبُ النارَ أن تَغشاهُ، ويَقْصُرُ أمَلَهُ، وكان بَينَ عَينَيهِ أجَلُهُ.[1]

حساب دارد و حرامش کیفر؛ و [زاهد] همچنان که به خودش رحم می‌کند، به همهٔ مسلمانان نیز رحم می‌کند و همچنان که از مردار گندیدهٔ بسیار بد بو، دوری می‌کند از سخن گفتن نیز می‌پرهیزد و همچنان که از آتش دوری می‌کند، که مبادا او را فرا گیرد، از خُرده‌ریزه‌های دنیا نیز کناره می‌گیرد و آرزویش کوتاه است و مرگ را در برابر چشمِ خود دارد.

۷۹۱۰. **الإمامُ عليٌّ ﷺ**: الزاهدُ في الدنيا مَن لَم يَغلِبِ الحَرامُ صَبرَهُ، ولَم يَشغَلِ الحَلالُ شُكرَهُ.[2]

۷۹۱۰. **امام علی ﷺ**: بی رغبت به دنیا کسی است که در مقابل حرام، شکیبایی خود را از دست ننهد و حلال، او را از گزاردن شکرش غافل نسازد.

۷۹۱۱. **عنه ﷺ**: الزاهدُ في الدنيا كُلَّما ازدادَتْ لَهُ تحلّياً إزدادَ عَنها تَوَلِّياً.[3]

۷۹۱۱. **امام علی ﷺ**: کسی که به دنیا بی‌اعتناست، هرچه دنیا بیشتر برایش خودآرایی کند، او بیشتر به آن پشت می‌کند.

۷۹۱۲. **عنه ﷺ**: الزاهِدونَ في الدنيا قومٌ وُعِظُوا فاتَّعَظُوا، وأُخِيفُوا فَحَذِرُوا، وعُلِّمُوا فَتَعَلَّمُوا، وإن أصابَهُم يُسرٌ شَكَرُوا، وإن أصابَهُم عُسْرٌ صَبَرُوا.[4]

۷۹۱۲. **امام علی ﷺ**: دنیا گریزان، مردمی هستند که چون اندرز داده شدند، پند گرفتند و چون بیم داده شدند، حذر کردند و چون تعلیم داده شدند، آموختند و هرگاه آسایشی به آنان رسد، شکر کنند و چون به سختی درافتند، شکیبایی ورزند.

۷۹۱۳. **عنه ﷺ**: لا يكونُ زاهِداً حتّىٰ يكونَ مُتَواضِعاً.[5]

۷۹۱۳. **امام علی ﷺ**: زاهد، زاهد نباشد، مگر آنگاه که فروتن باشد.

۷۹۱۴. **عنه ﷺ ـ في صفة الزُّهّادِ ـ**: كانوا قوماً مِن

۷۹۱۴. **امام علی ﷺ ـ** در وصف زهّاد ـ فرمود:

---

۱. بحار الأنوار: ۴/۲۰/۷۷.
۲. بحار الأنوار: ۳/۳۷/۷۸.
۳. الإرشاد: ۲۹۸/۱.
۴. تنبيه الخواطر: ۲۱۳/۲.
۵. بحار الأنوار: ۶۴/۸/۷۸.

أهلِ الدنيا ولَيسُوا مِن أهلِها، فكانوا فيها كَمَن لَيسَ مِنها، عَمِلُوا فيها بما يُبصِرُونَ، وبادَرُوا فيها ما يَحذَرُونَ، تُقَلَّبُ أبدانُهُم بينَ ظَهرانَي أهلِ الآخِرَةِ، يَرَونَ أهلَ الدنيا يُعظِّمُونَ مَوتَ أجسادِهِم، وهُم أشَدُّ إعظاماً لِمَوتِ قُلوبِ أحيائِهِم.[1]

آنان گروهی از مردم دنیا هستند، ولی اهل دنیا (دنیا دوست) نیستند. در این دنیا همچون کسانی هستند که از آن نیستند. بر اساس بینش و بصیرت کار می‌کنند و در دنیا از آنچه می‌ترسند (مرگ) پیشی می‌گیرند، پیکرهایشان در میان اهل آخرت می‌گردد (جز با اهل دین و آخرت نمی‌آمیزند)، اهل دنیا را می‌بینند که به مرگ بدنهایشان اهمیت می‌دهند، در حالی که آنان مرگ دلهای زنده را بیش از آن مُهم می‌شمارند.

۷۹۱۵. عنه ﷺ: إنّ الزاهِدينَ في الدنيا تَبكِي قلُوبُهُم وإن ضَحِكُوا، ويَشتَدُّ حُزنُهُم وإن فَرِحُوا، ويَكثُرُ مَقتُهُم أنفُسَهُم، وإنِ اغتَبَطُوا بما رُزِقُوا.[2]

۷۹۱۵. امام علی ﷺ: بی رغبتان به دنیا، گر چه [به ظاهر] خندانند اما دلهایشان گریان است و هر چند [به ظاهر] شادند، لیکن سخت اندوهناکند؛ هرچند به آنچه روزی‌شان شده خرّم وشادمانند، اما بر خود بسیار خشمناکند.

۷۹۱۶. الإمامُ زينُ العابدينَ ﷺ: إنَّ علامَةَ الزاهِدِينَ في الدنيا الراغبينَ في الآخِرَةِ، تَركُهُم كُلَّ خَلِيطٍ وخَلِيلٍ، ورَفضُهُم كُلَّ صاحِبٍ لا يُرِيدُ ما يُرِيدُونَ، ألا وإنَّ العامِلَ لِثَوابِ الآخِرَةِ هو الزاهِدُ في عاجِلِ زَهرَةِ الدنيا.[3]

۷۹۱۶. امام زین العابدین ﷺ: نشانهٔ دنیا گریزانِ آخرت خواه، رها کردن هر همنشین و دوست و طرد کردن هر یار و رفیقی است که خواسته‌اش با خواستهٔ آنان یکی نباشد. بدانید کسی که برای ثواب آخرت کار می‌کند، نسبت به زرق و برقِ زودگذر دنیا بی‌رغبت است.

۷۹۱۷. الإمامُ الصّادقُ ﷺ: الزاهِدُ الذي يَختارُ الآخِرَةَ على الدنيا، والذُّلَّ على العِزِّ، والجَهْدَ على الراحَةِ، والجُوعَ على الشِّبَعِ، وعاقِبَةَ الآجِلِ علىٰ مَحَبَّةِ العاجِلِ، والذِّكرَ

۷۹۱۷. امام صادق ﷺ: زاهد کسی است که آخرت را بر دنیا و خاکساری را بر بزرگی و رنج را بر آسایش، و گرسنگی را بر سیری، و فرجام آخرت را بر محبّت دنیا، و ذکر [خدا و آخرت] را بر غفلت ترجیح می‌دهد.

---

۱. بحار الأنوار: ۷۰/۳۲۰/۳۶.
۲. نهج البلاغة: الخطبة ۱۱۳.
۳. تحف العقول: ۲۷۲.

على الغَفلَةِ، ويكونُ نَفسُهُ في الدنيا وقَلبُهُ في الآخِرَةِ.[۱]

۷۹۱۸. عنهُ ﷺ ـ لمّا سُئلَ عن الزاهِدِ في الدنيا ـ: الذي يَترُكُ حَلالَها مخافَةَ حِسابِهِ، ويَترُكُ حَرامَها مَخافَةَ عَذابِهِ.[۲]

۷۹۱۸. **امام صادق**ﷺ ـ در پاسخ به این که زاهدِ به دنیا کیست؟ ـ فرمود: کسی که از بیم حسابرسی، حلال دنیا را ترک گوید و از بیم کیفر، حرام آن را رها کند.

۷۹۱۹. عنه ﷺ: إنّ الزُّهّادَ في الدنيا نورُ الجَلالِ علَيهم، وأثَرُ الخِدمَةِ بينَ أعيُنِهِم، وكيفَ لا يكونونَ كذلكَ، وإنّ الرجُلَ لَيَنقَطِعُ إلىٰ بعضِ مُلوكِ الدنيا فَيُرىٰ علَيهِ أثَرُهُ فكيفَ بِمَن يَنقَطِعُ إلى اللهِ تعالىٰ لا يُرىٰ أثَرَهُ علَيهِ؟![۳]

۷۹۱۹. **امام صادق**ﷺ: همانا بی رغبتان به دنیا، از نور جلال و عظمت منوّرند و نشانهٔ خدمتگزاری بر پیشانی آنها هویداست؛ و چرا چنین نباشند؟ آدمی وقتی خود را وقف خدمتگزاری به حکمرانی از حکمرانان دنیا می‌کند، آثار آن در وی دیده می‌شود، پس چگونه ممکن است کسی خود را وقف خدمت به خداوند متعال کند و اثر آن بر وی دیده نشود؟

۷۹۲۰. الإمامُ الرِّضا ﷺ ـ لَمّا سُئلَ عن صِفَةِ الزاهِدِ ـ: مُتَبَلِّغٌ بِدُونِ قُوتِهِ، مُستَعِدٌّ لِيَومِ مَوتِهِ، مُتَبَرِّمٌ بِحَياتِهِ.[۴]

۷۹۲۰. **امام رضا**ﷺ ـ در پاسخ به پرسش از صفت زاهد ـ فرمود: کسی که به کمتر از قُوت خود بسنده می‌کند، برای روز مرگش آماده است و از زنده ماندن خود دلتنگ است (شوق آخرت و دیدار خدا را دارد).

۱۶۱۵
أوَّلُ الزُّهدِ

۷۹۲۱. الإمامُ عليٌّ ﷺ: التَّزَهُّدُ يُؤَدّي إلى الزُّهدِ.[۵]

۷۹۲۲. عنه ﷺ: أوَّلُ الزُّهدِ التَّزَهُّدُ.[۶]

۱۶۱۵
نخستین گام زهد

۷۹۲۱. **امام علی**ﷺ: تمرین زهد کردن به زهد [واقعی] می‌انجامد.

۷۹۲۲. **امام علی**ﷺ: آغاز زهد، خود را به زهد واداشتن است.

---

۱. بحار الأنوار: ۲۰/۳۱۵/۷۰.
۲. عيون أخبار الرضا: ۱۹۹/۵۲/۲.
۳. أعلام الدين: ۳۰۴. ۴. بحار الأنوار: ۶/۳۴۹/۷۸.
۵. غرر الحكم: ۱۱۲۰. ۶. غرر الحكم: ۲۹۲۲.

۱۶۱۶
أصلُ الزُّهدِ

۷۹۲۳ . الإمامُ عليٌّ ﷺ: أصلُ الزُّهدِ اليَقينُ، وثَمَرَتُهُ السعادَةُ.[۱]

۷۹۲۴ . عنه ﷺ: أصلُ الزُّهدِ حُسنُ الرَّغبَةِ فيما عندَ اللهِ.[۲]

۷۹۲۵ . عنه ﷺ: زُهدُ المَرءِ فيما يَفنىٰ علىٰ قَدْرِ يَقِينِهِ بما يَبقىٰ.[۳]

۷۹۲۶ . عنه ﷺ: كيفَ يَزهَدُ في الدنيا مَن لا يَعرِفُ قَدرَ الآخِرَةِ؟![۴]

۷۹۲۷ . الإمامُ الصّادقُ ﷺ ـ في ذِكرِ مناجاتِهِ سبحانَهُ وتَعالى لموسىﷺ ـ : إنّ عبادِيَ الصالِحينَ زَهِدُوا فيها بِقَدْرِ عِلمِهِم بي، وسائرُهُم مِن خَلقِي رَغِبُوا فيها بِقَدرِ جَهلِهِم بي، وما مِن خَلقِي أحَدٌ عَظَّمَها فَقَرَّت عَينُهُ.[۵]

(انظر) اليقين: باب ۴۱۹۵.

الزهد: باب ۱۶۲۹.

۱۶۱۶
ریشهٔ زهد

۷۹۲۳ . **امام علی**ﷺ: ریشهٔ زهد، یقین است و میوهٔ آن، خوشبختی.

۷۹۲۴ . **امام علی**ﷺ: ریشهٔ زهد، رغبت نیکو به چیزهای نزد خداست.

۷۹۲۵ . **امام علی**ﷺ: بی رغبتی انسان به آنچه فناپذیر است (دنیا)، به اندازهٔ یقین اوست به آنچه فناناپذیر است (آخرت).

۷۹۲۶ . **امام علی**ﷺ: چگونه به دنیا پشت کند کسی که ارزش آخرت را نمی‌داند؟

۷۹۲۷ . **امام صادق**ﷺ: از جملهٔ نجواهای خداوند متعال با موسیﷺ این بود که: بندگان صالح من، به اندازهٔ معرفتشان نسبت به من، دل از دنیا برکندند و دیگر آفریدگان من به اندازهٔ جهلشان نسبت به من، به دنیا روی آوردند؛ هیچ یک از آفریدگان من از بزرگداشت دنیا،شادی و خرّمی ندید.

---

۱ . غرر الحكم: ۳۰۹۹.
۲ . غرر الحكم: ۳۰۸۶.
۳ . غرر الحكم: ۵۴۸۸.
۴ . غرر الحكم: ۶۹۸۷.
۵ . الأمالي للصدوق: ۱۰۲۸/۷۶۵.

۱۶۱۷
موجِباتُ الزُّهدِ

۷۹۲۸ . الإمامُ عليٌّ ﷺ ـ مِن وصاياهُ لابنِهِ الحسنِ ﷺ ـ : أكثِرْ ذِكرَ الآخِرَةِ، وما فيها مِنَ النَّعيمِ والعَذابِ الأليمِ ؛ فإنّ ذلك يُزَهِّدُكَ في الدنيا ويُصَغِّرُها عِندَكَ، وقد نَبَّأَكَ اللهُ عَنها، ونَعَتْ لكَ نَفسَها.[1]

۷۹۲۹ . الإمامُ عليٌّ ﷺ: مَن صَوَّرَ المَوتَ بَينَ عَينَيهِ هانَ أمرُ الدنيا علَيهِ.[2]

۷۹۳۰ . عنه ﷺ: أحَقُّ الناسِ بالزَّهادَةِ مَن عَرَفَ نَقصَ الدنيا.[3]

۷۹۳۱ . عنه ﷺ: أحزَمُكُم أزهَدُكُم.[4]

۷۹۳۲ . عنه ﷺ: لا تَرغَبْ في كُلِّ ما يَفنىٰ ويَذهَبُ، فَكَفىٰ بذلكَ مَضَرَّةً.[5]

۷۹۳۳ . الإمامُ زينُ العابدينَ ﷺ:

وفي دُونِ ما عايَنْتُ مِن فَجَعاتِها
إلىٰ رَفْضِها داعٍ وبالزُّهدِ آمِرُ
فَجِدَّ ولا تَغفَلْ فَعَيشُكَ زائلٌ
وأنتَ إلىٰ دارِ المَنِيَّةِ صائرُ

۱ . تحف العقول: ۷۶.
۲ . غرر الحكم: ۸۶۰۴.
۳ . غرر الحكم: ۳۲۰۹.
۴ . غرر الحكم: ۲۸۳۲.
۵ . غرر الحكم: ۱۰۱۹۵.

۱۶۱۷
عوامل زهد

۷۹۲۸ . امام علی ﷺ ـ در ضمن سفارشهای خود به فرزندش حسن ﷺ ـ فرمود: از آخرت و نعمتها و عذاب دردناک آن بسیار یاد کن؛ زیرا این کار، تو را به دنیا بی‌رغبت و آن را در نظرت بی‌مقدار می‌کند. خداوند تو را از دنیا [و احوال آن] خبر داده و دنیا نیز خویشتن را برای تو وصف کرده است.

۷۹۲۹ . امام علی ﷺ: هر که چهرهٔ مرگ را در پیش چشمانش داشته باشد، کار دنیا بر او آسان شود.

۷۹۳۰ . امام علی ﷺ: سزاوارترین مردم به زهدورزی، کسی است که عیب و نقص دنیا را بشناسد.

۷۹۳۱ . امام علی ﷺ: دوراندیش‌ترین و محتاط‌ترین شما زاهدترین شماست.

۷۹۳۲ . امام علی ﷺ: به هیچ چیز فناپذیر و رفتنی دل مبند که برای زیانبار بودن همین بس است.

۷۹۳۳ . امام زین العابدین ﷺ ـ در شعر ـ:

مشاهدهٔ کمترین سختیها و ناملایمات دنیا
تو را به ترک دنیا فرامی‌خواند وبه زهد فرمان می‌دهد.
پس بکوش وغافل مباش که زندگی تو رفتنی است
و تو به سوی سرای مرگ رهسپاری.

ولا تَطلُبِ الدُّنيا، فإنَّ طِلابَها

فإنْ نِلتَ مِنها غِبُّها لكَ ضائرٌ[1]

دنیا را مَطلَب؛ زیرا که اگر هم در دنیاطلبی

به چیزی رسی، فرجام آن به زیان تو تمام شود.

۷۹۳۴ . الإمامُ الباقرُ ﷺ: أكثِرْ ذِكرَ المَوتِ، فإنَّهُ لَم يُكثِرْ إنسانٌ ذِكرَ المَوتِ إلّا زَهِدَ في الدنيا.[2]

۷۹۳۴ . امام باقر ﷺ: زیاد به یاد مرگ باش؛ زیرا هیچ انسانی مرگ را بسیار یاد نکرد، مگر آن که به دنیا بی‌رغبت شد.

۷۹۳۵ . الإمامُ الكاظمُ ﷺ: إنّ العُقَلاءَ زَهِدُوا في الدنيا ورَغِبُوا في الآخِرَةِ، لأنّهم عَلِمُوا أنَّ الدنيا طالِبَةٌ ومَطلوبَةٌ، والآخِرَةَ طالِبَةٌ ومَطلوبَةٌ، فَمَن طَلَبَ الآخِرَةَ طَلَبَتهُ الدنيا حَتّىٰ يَستَوفِيَ مِنها رِزقَهُ، ومَن طَلَبَ الدنيا طَلَبَتهُ الآخِرَةُ فَيَأتِيهِ المَوتُ فَيُفسِدُ عَلَيهِ دُنياهُ وآخِرَتَهُ.[3]

۷۹۳۵ . امام کاظم ﷺ: خردمندان، به دنیا بی‌رغبتند و به آخرت مشتاق؛ زیرا می‌دانند که دنیا طالب است و مطلوب و آخرت نیز طالب است و مطلوب؛ چه، هر که آخرت را طلبد، دنیا در طلب وی برآید، تا وی روزی خود را به تمام از آن دریافت کند و هر که دنیا را طلبد، آخرت در طلب وی برآید و مرگش فرا رسد و دنیا و آخرتش را بر وی تباه کند.

۷۹۳۶ . عنه ﷺ ـ عند قبرٍ حَضَرَهُ ـ: إنَّ شيئاً هذا آخِرُهُ لَحَقِيقٌ أن يُزهَدَ في أوَّلِهِ، وإنَّ شيئاً هذا أوَّلُهُ لَحَقِيقٌ أن يُخافَ آخِرُهُ.[4]

۷۹۳۶ . امام کاظم ﷺ ـ به گاه حضور بر سر گوری ـ فرمود: چیزی که آخرش این است، سزاوار است که از همان آغاز به آن دل بسته نشود و چیزی که آغازش این است، به جاست که از فرجام آن ترسیده شود.

۷۹۳۷ . الإمامُ العسكريُّ ﷺ: لَو عَقَلَ أهلُ الدنيا خَرِبَتْ.[5]

۷۹۳۷ . امام عسکری ﷺ: اگر اهل دنیا عقل خود را به کار می‌بستند، دنیا ویران می‌شد [چون به دنیا بی‌رغبت می‌شدند].

(انظر) الموت: باب ۳۶۷۱، ۳۶۷۲.

---

۱ . بحار الأنوار: ۱۹/۱۵۹/۷۸.
۲ . بحار الأنوار: ۳۱/۶۴/۷۳.
۳ . بحار الأنوار: ۱/۳۰۱/۷۸.
۴ . بحار الأنوار: ۹/۳۲۰/۷۸.
۵ . بحار الأنوار: ۳/۳۷۷/۷۸.

۱۶۱۸
طَريقُ الزُّهدِ

۷۹۳۸ . **بحار الأنوار**: في حديثِ المعراجِ: يا أحمدُ إن أحبَبتَ أن تكونَ أورَعَ الناسِ فازهَدْ في الدنيا وارغَبْ في الآخِرَةِ، فقالَ: يا إلٰهي، كيفَ أزهَدُ في الدنيا وأرغَبُ في الآخِرَةِ؟

قالَ: خُذْ مِنَ الدنيا خِفّاً مِنَ الطَّعامِ والشَّرابِ واللِّباسِ، ولا تَدَّخِرْ لِغَدٍ.[1]

(انظر) الزهد: باب ۱۶۱۵، ۱۶۱۶، ۱۶۱۷.

۱۶۱۹
مَوانِعُ الزُّهدِ

۷۹۳۹ . **رسولُ اللهِ ﷺ**: كيفَ يَعمَلُ للآخِرَةِ مَن لا تَنقَطِعُ مِنَ الدنيا رَغبَتُهُ، ولا تَنقَضي فيها شَهوَتُهُ؟![2]

۷۹۴۰ . **الإمامُ عليٌّ ؑ**: كيفَ يَزهَدُ في الدنيا مَن لا يَعرِفُ قَدرَ الآخِرَةِ؟![3]

۷۹۴۱ . **عنه ؑ**: كيفَ يَصِلُ إلىٰ حَقيقَةِ الزُّهدِ مَن لَم يُمِتْ شَهوَتَهُ؟![4]

---

۱ . بحار الأنوار: ۶/۲۲/۷۷.
۲ . أعلام الدين: ۳۴۰.
۳ . غرر الحكم: ۶۹۸۷.
۴ . غرر الحكم: ۷۰۰۰.

۱۶۱۸
راه زهد

۷۹۳۸ . **بحار الأنوار**: در حديث معراج آمده است: ای احمد! اگر دوست داری که پارساترین مردم باشی، به دنیا پشت کن و به آخرت روی آر. پیامبر خدا ﷺ عرض کرد: بار خدایا! چگونه به دنیا پشت کنم و به آخرت روی آورم؟ فرمود: از دنیا اندکی خوردنی و نوشیدنی و پوشیدنی برگیر و برای فردا میندوز.

۱۶۱۹
موانع زهد

۷۹۳۹ . **پیامبر خدا ﷺ**: چگونه برای آخرت کار کند، کسی که از دنیا دل بر نمی‌کَند و شهوت و خواهشهای دنیایی او پایان نمی‌پذیرد؟

۷۹۴۰ . **امام علی ؑ**: چگونه به دنیا پشت کند، کسی که ارزش آخرت را نمی‌داند؟

۷۹۴۱ . **امام علی ؑ**: چگونه به حقیقت زهد می‌رسد، کسی که شهوت خویش را نمیرانده است؟!

۱۶۲۰
دَرَجاتُ الزُّهدِ

۷۹۳۲ . الإمامُ زينُ العابدينَ ﷺ: الزُّهدُ عَشرَةُ أجزاءٍ فَأعلىٰ دَرَجاتِ الزُّهدِ أدنىٰ دَرَجاتِ الوَرَعِ، وأعلىٰ دَرَجاتِ الوَرَعِ أدنىٰ دَرَجاتِ اليَقينِ، وأعلىٰ دَرَجاتِ اليَقينِ أدنىٰ دَرَجاتِ الرِّضا.[1]

۷۹۳۳ . عنه ﷺ: الزُّهدُ عَشرَةُ أجزاءٍ فَأعلىٰ دَرَجاتِ الزُّهدِ أدنىٰ دَرَجاتِ الرِّضا، ألا وإنَّ الزُّهدَ في آيَةٍ مِن كِتابِ اللهِ ﴿لِكَيْلا تَأْسَوا عَلَىٰ ما فاتَكُمْ وَلا تَفْرَحُوا بِما آتاكُمْ﴾.[2][3]

(انظر) اليقين: باب ۴۱۸۴.

۱۶۲۱
الزُّهدُ وَالعِلمُ الذّاتِيُّ

۷۹۳۴ . رسولُ اللهِ ﷺ: يا أبا ذَرٍّ، ما زَهِدَ عَبدٌ في الدنيا إلّا أنبَتَ اللهُ الحِكمَةَ في قَلبِهِ، وأنطَقَ بها لِسانَهُ، ويُبَصِّرُهُ عُيوبَ الدنيا ودائَها ودَواءَها، وأخرَجَهُ مِنها سالِماً إلىٰ دارِ السَّلامِ.[4]

---

۱ . بحار الأنوار: ۷۸/۱۳۶/۱۱.
۲ . الحديد: ۲۳.
۳ . بحار الأنوار: ۷۰/۳۱۱/۱۰.
۴ . بحار الأنوار: ۷۷/۸۰/۳.

۱۶۲۰
درجات زهد

۷۹۳۲ . **امام زين العابدين**ﷺ: زهد، ده درجه دارد و بالاترين درجهٔ زهد، كمترين درجهٔ ورع است و بالاترين درجهٔ ورع، پايين‌ترين درجهٔ يقين و عاليترين درجهٔ يقين، فروترين درجهٔ رضاست.

۷۹۳۳ . **امام زين العابدين**ﷺ: زهد، دارای ده درجه است. بالاترين درجهٔ زهد كمترين درجهٔ رضاست. بدانيد كه همهٔ زهد در يک آيه از كتاب خداست: «تا افسوس مخوريد بر آنچه از دستتان می‌رود وشادمانی نكنيد به آنچه دستتان می‌آيد».

۱۶۲۱
زهد و علم ذاتی

۷۹۳۴ . **پيامبر خدا**ﷺ: ای ابوذر! هيچ بنده‌ای دل از دنيا برنكَنَد، مگر آن كه خداوند [بذر] حكمت را در دل او روياند و زبانش را به آن گويا كرد و عيب‌های دنيا و درد و درمان آن را به وی شناساند و او را سالم از دنيا به سرای سلامت (بهشت) بُرد.

۷۹۳۵ . عنه ﷺ: مَن يَرغَبْ في الدنيا فَطالَ فيها أمَلُهُ أعمَى اللهُ قَلبَهُ علىٰ قَدرِ رَغبَتِهِ فيها، ومَن زَهِدَ فيها فَقَصَرَ فيها أمَلَهُ أعطاهُ اللهُ عِلماً بغَيرِ تَعَلُّمٍ، وهُدىً بغَيرِ هِدايَةٍ، وأذهَبَ عَنهُ العَماءَ وجَعَلَهُ بَصيراً.[۱]

۷۹۳۵ . **پیامبر خدا**ﷺ: هر که به دنیا روی آوَرَد و آرزویش دراز گردد، خداوند، به اندازهٔ رغبت او به دنیا، دلش را کور گرداند و هر که به دنیا پشت کند و آرزویش را در آن کوتاه گرداند، خداوند او را دانشی عطا کند، بی‌آن که از کسی فرا گیرد و هدایتش فرماید، بی‌آن که کسی هدایتش کند و کوری را از [دل] او ببرد و بینایش گرداند.

۷۹۳۶ . عنه ﷺ ـ لَمّا خَرَجَ ذاتَ يومٍ فقالَ ـ: هَل مِنكُم أحَدٌ يُرِيدُ أن يُؤتِيَهُ اللهُ عزّوجلّ عِلماً بغَيرِ تَعَلُّمٍ وهُدىً بغَيرِ هِدايةٍ ؟! هَل مِنكُم أحَدٌ يُرِيدُ أن يُذهِبَ اللهُ عَنهُ العَمىٰ ويَجعَلَهُ بَصيراً ؟!

ألا ... مَن زَهِدَ في الدنيا وقَصُرَ أمَلُهُ فيها أعطاهُ اللهُ عِلماً بغَيرِ تَعَلُّمٍ وهُدىً بغَيرِ هِدايَةٍ.[۲]

۷۹۳۶ . **پیامبر خدا**ﷺ ـ پس از خروج [از منزل] ـ فرمود: آیا کسی از شما هست که بخواهد خداوند، بی‌واسطهٔ کسی، او را علم آموزد و هدایت کند؟ آیا کسی از شما هست که بخواهد خداوند کوردلی او را بزداید و بینا و بصیرش گرداند؟

بدانید... که هر کس به دنیا بی رغبت باشد و آرزویش را در دنیا کوتاه کند، خداوند بدون درس گرفتن و رهنمایی، او را علم آموزد و هدایتش فرماید.

۷۹۳۷ . عنه ﷺ: يا أبا ذَرٍّ، إذا رَأيتَ أخاكَ قد زَهِدَ في الدنيا فاستَمِع مِنهُ فإنَّهُ يُلَقّىٰ الحِكمَةَ.[۳]

۷۹۳۷ . **پیامبر خدا**ﷺ: ای ابوذر! هر گاه دیدی برادرت به دنیا پشت کرده است، به سخنان او گوش کن؛ زیرا او حکمت تعلیم می‌دهد.

۷۹۳۸ . الإمامُ عليٌّ ﷺ: مَن زَهِدَ في الدنيا، ولم يَجزَعْ مِن ذُلِّها، ولَم يُنافِسْ في عِزِّها، هَداهُ اللهُ بغَيرِ هِدايَةٍ مِن مَخلوقٍ، وعَلَّمَهُ بغَيرِ تَعلِيمٍ، وأثبَتَ الحِكمَةَ في صَدرِهِ وأجراها علىٰ لِسانِهِ.[۴]

۷۹۳۸ . **امام علی**ﷺ: هر که دل از دنیا برکَند و از خواری آن بیتابی نکند و برای رسیدن به ارجمندی آن به رقابت برنخیزد، خداوند او را هدایت کند، بی‌هدایت مخلوقی و علمش آموزد، بی‌آن که از کسی تعلیم گیرد و حکمت را در سینه‌اش استوار دارد و آن را بر زبانش جاری سازد.

---

۱ . بحار الأنوار: ۱۸۷/۱۶۳/۷۷ .
۲ . حلية الأولياء: ۱۳۵/۸ . ۳ . بحار الأنوار: ۸۰/۷۷ .
۴ . بحار الأنوار: ۱۵۵/۶۳/۷۸ .

۷۹۴۹ . **بحار الأنوار** ـ في الدعاء ـ: اللّهُمّ لكَ الحَمدُ علىٰ ما جَرىٰ بِه قَضاؤكَ في أوليائكَ ... بعدَ أن شَرَطْتَ علَيهِمُ الزُّهدَ ... فَشَرَطُوا لكَ ذلكَ وعَلِمتَ مِنهُمُ الوَفاءَ بِهِ فَقَبِلتَهُم ... وأهبَطتَ علَيهِم ملائكَتَكَ وكَرَّمتَهُم بِوَحيِكَ ورَفَدتَهُم بِعِلمِكَ.[1]

(انظر) العلم: باب ۲۸۷۴.

۱۶۲۲
الزُّهدُ وشَرحُ الصَّدرِ

۷۹۵۰ . **بحار الأنوار**: قالَ رسولُ اللهِ ﷺ ـ في قولِهِ تعالىٰ: ﴿أفَمَن شَرَحَ اللهُ صَدرَهُ لِلإسلامِ فهُوَ علىٰ نُورٍ مِن رَبِّهِ﴾[2] ـ: إنّ النورَ إذا وَقَعَ في القَلبِ انفَسَحَ لَهُ وانشَرَحَ. قالوا: يا رسولَ اللهِ، فهَل لِذلكَ علامةٌ يُعرَفُ بها؟

قالَ: التَّجافِي عَن دارِ الغُرورِ والإنابَةُ إلىٰ دارِ الخُلُودِ، والاستِعدادُ لِلمَوتِ قَبلَ نُزولِ المَوتِ.[3]

(انظر) القلب: باب ۳۳۳۴ ، ۳۳۳۹.

۱۶۲۳
الزُّهدُ وَالمُكاشَفَةُ

۷۹۵۱ . **بحار الأنوار** عن سَلّام: كنتُ عند أبي

۷۹۴۹ . **بحار الأنوار**: در دعا آمده است: بار الها! حمد و سپاس تو راست بر آنچه از قضای خود بر دوستانت جاری ساختی ... پس از آن که با ایشان شرطِ زهد گذاشتی ... و آنان آن شرط را از تو پذیرفتند، و دانستی که به آن شرط وفا می‌کنند، پس آنان را پذیرا شدی ... و فرشتگان خود را بر ایشان فروفرستادی و با وحی خود، گرامی‌شان داشتی و از دانش خود، عطایشان کردی.

۱۶۲۲
زهد و شرح صدر

۷۹۵۰ . **بحار الأنوار**: پیامبر خدا ﷺ دربارهٔ آیهٔ «آیا کسی که خداوند سینه‌اش را برای اسلام فراخ گردانید و در نتیجه نوری از سوی پروردگارش دارد» فرمود: این نور هرگاه در دل بیفتد، دل برایش باز شود و فراخ گردد. عرض کردند: ای رسول خدا! آیا برای شناخت این امر، نشانه‌ای هم هست؟ فرمود: دوری کردن از سرای فریب (دنیا) و روی آوردن به سرای جاودانه (آخرت) و آماده شدن برای مرگ، پیش از فرا رسیدن مرگ.

۱۶۲۳
زهد و مکاشفه

۷۹۵۱ . **بحار الأنوار** ـ به نقل از سلّام ـ: خدمت امام باقر ﷺ بودم که حمران بن اعین وارد شد و

---

۱ . بحار الأنوار: ۲/۱۰۴/۱۰۲.
۲ . الزمر: ۲۲.
۳ . بحار الأنوار: ۷۳/۱۲۲/۱۱۰.

جعفرٍ ﷺ فَدَخَلَ علَيهِ حُمرانُ بنُ أعيَنَ فَسَأَلَهُ عن أشياءَ، فلَمّا هَمَّ حُمرانُ بالقِيامِ قالَ لأبي جعفرٍ ﷺ: أُخبِرُكَ أطالَ اللهُ بَقاكَ وأمتَعَنا بِكَ أنّا نَأتِيكَ فما نَخرُجُ مِن عندِكَ حتّىٰ تَرِقَّ قُلوبُنا وتَسلُوَ أنفُسُنا عنِ الدنيا، ويَهُونَ علَينا ما في أيدِي الناسِ من هذِهِ الأموالِ، ثُمّ نَخرُجُ مِن عِندِكَ فإذا صِرنا مَعَ الناسِ والتُّجّارِ أحبَبنا الدنيا! قالَ: فقالَ أبو جعفرٍ ﷺ: إنّما هِيَ القُلوبُ مَرَّةً يَصعُبُ علَيها الأمرُ ومَرَّةً يَسهُلُ.

ثمّ قال أبو جعفر ﷺ: أما إنّ أصحابَ رسولِ اللهِ ﷺ قالوا: يا رسولَ اللهِ، نَخافُ علَينا النِّفاقَ! قالَ: فقالَ لَهُم: ولِمَ تَخافُونَ ذلكَ؟

قالوا: إنّا إذا كُنّا عِندَكَ فَذَكَّرتَنا، رُوِعْنا وَوَجِلنا ونَسِينا الدنيا وزَهِدنا فيها حتّىٰ كَأنّا نُعايِنُ الآخِرَةَ والجَنَّةَ والنارَ، ونحنُ عِندَكَ.

وإذا دَخَلنا هذِهِ البُيوتَ وشَمَمْنا الأولادَ ورَأينا العِيالَ والأهلَ والمالَ يَكادُ أن نُحَوَّلَ عنِ الحالِ التي كُنّا علَيها عندَكَ، وحتّىٰ كأنّا لَم نَكُن عَلىٰ شَيءٍ، أفَتَخافُ

سؤالاتی کرد و وقتی خواست برخیزد به امام ﷺ عرض کرد: خداوند به شما عمر طولانی دهد و ما را از وجودتان بهره‌مند سازد، می‌خواهم مطلبی عرض کنم، و آن این است که وقتی خدمت شما می‌آییم، تا زمانی که در محضر شما هستیم، رقّت قلب داریم و جان‌هایمان به دنیا بی‌رغبت است و مال و ثروت مردم برایمان ارزش و اهمّیتی ندارد، اما همین که شما را ترک می‌کنیم و به میان مردم و کسبه و تجّار می‌رویم، دوباره دنیا دوستی به سراغمان می‌آید.

امام باقر ﷺ فرمود: دلها چنین هستند. گاه کار بر آنها دشوار می‌شود و گاه آسان می‌گردد.

سپس امام ﷺ فرمود: اصحاب رسول خدا ﷺ به آن حضرت عرض کردند: ای رسول خدا! از نفاق بر خود می‌ترسیم! رسول خدا ﷺ فرمود: چرا از آن می‌ترسید؟ عرض کردند: ما وقتی در محضر شما هستیم و ما را موعظه می‌فرمایی، بیم و ترس [از خدا و آخرت] دلمان را فرا می‌گیرد و دنیا را فراموش می‌کنیم و به آن بی‌رغبت می‌شویم، چنان که گویی آخرت و بهشت و دوزخ را با چشم می‌بینیم. اما همین که به خانه‌های خود می‌رویم و بوی فرزندانمان به مشاممان می‌خورد و زن و بچه و ثروت را می‌بینیم، از آن حال و وضعی که در خدمت شما داشتیم تقریباً برمی‌گردیم، به طوری که گویی اصلاً آن حالت را نداشته‌ایم. آیا از

علَينا أن يكونَ هذا النِّفاقَ ؟

فقالَ لَهُم رسولُ اللهِ ﷺ: كَلّا، هذا مِن خُطُواتِ الشيطانِ لِيُرَغِّبَكُم في الدنيا، واللهِ لَو أنَّكُم تَدُومُونَ على الحالِ التي تَكُونُونَ علَيها وأنتُم عِندِي في الحالِ التي وَصَفتُم أنفُسَكُم بها لَصافَحَتكُمُ المَلائكةُ ومَشَيتُم عَلَى الماءِ[1].[2]

۷۹۵۲ . **تنبيه الخواطر** عن حَنظلةَ الكاتبِ الأُسَيديِّ ـ وكانَ مِن كُتّابِ النبيِّ ﷺ ـ: كُنّا عندَ النبيِّ ﷺ فَذَكَّرَنا الجنَّةَ والنارَ حتّىٰ كأنّا رَأيُ عَينٍ، فقُمتُ إلىٰ أهلِي ووُلْدِي فَضَحِكتُ ولَعِبتُ فَذَكَرتُ الذي كُنّا فيه، فَخَرَجتُ فَلَقِيتُ أبا بكرٍ فقلتُ: نافَقتُ يا أبا بكرٍ! قال: وما ذاك ؟ قلتُ: نكونُ عندَ النبيِّ ﷺ يُذَكِّرُنا الجَنَّةَ والنارَ كأنّا رَأيُ عَينٍ فإذا خَرَجنا مِن عِندِهِ عافَسْنا الأزواجَ والأولادَ والضَّيعاتِ فَنَسِينا.

فقال أبو بكرٍ: إنّا لَنَفعَلُ ذلكَ.

فَأتَيتُ النبيَّ ﷺ، فَذَكَرتُ لَهُ ذلكَ فقالَ: يا حنظلةُ، لَو كُنتُم عند أهلِيكُم كما تَكُونُونَ عِندي لَصافَحَتكُمُ المَلائكةُ علىٰ

این حالت، بیم نفاق بر ما دارید؟

رسول خدا ﷺ به آنان فرمود: هرگز؛ این از گامهایی است که شیطان بر می‌دارد، تا شما را به دنیا راغب سازد. به خدا قسم اگر همان حالت نزد من را در خانه‌هایتان نیز داشتید، فرشتگان با شما دست می‌دادند و بر روی آب راه می‌رفتید.

۷۹۵۲ . **تنبیه الخواطر** ـ به نقل از حنظلهٔ اُسَیدی از کاتبان پیامبر ﷺ ـ: در خدمت پیامبر ﷺ بودیم و آن حضرت از بهشت و دوزخ برایمان گفت، چندان که گویی آنها را با چشم می‌دیدیم. [در پایان مجلس] من برخاستم و پیش زن و بچه‌ام رفتم و شروع کردم به گفتن و خندیدن و شوخی کردن. ناگاه به یاد سخنان پیامبر و حالتی که به ما دست داده بود، افتادم. از خانه بیرون آمدم و ابوبکر را دیدم و به او گفتم: ای ابوبکر! گرفتار نفاق شده‌ام. ابوبکر پرسید: کدام نفاق؟ گفتم: وقتی در خدمت پیامبر ﷺ هستیم و از بهشت و دوزخ برایمان می‌گوید، حالتی به ما دست می‌دهد که گویی بهشت و جهنّم را می‌بینیم، اما چون از خدمت آن حضرت می‌رویم، به زنها و بچه‌ها و مال و مَنال خود سرگرم می‌شویم و [همهٔ آن سخنان را] فراموش می‌کنیم.

ابوبکر گفت: ما نیز همین حالت را داریم.

من خدمت پیامبر ﷺ رسیدم و موضوع را برای آن حضرت گفتم؛ فرمود: ای حنظله! اگر نزد خانوادهٔ خود نیز همان

---

۱ . بحار الأنوار: ۲۸/۵۶/۷۰.

۲ . (انظر) باب ۱۲۷۵ حدیث ۶۳۱۴.

فُرُشِكُم وفي الطَّريقِ، يـا حَـنظلةُ سـاعَةً وساعَةً.[1]

٧٩٥٣ . المسيحُ ﷺ ـ لَمّا قالَ الحَواريُّونَ لَهُ: ما لَكَ تَمشِي على المـاءِ ونـحنُ لا نَـقدِرُ عـلىٰ ذلكَ؟! ـ: ومـا مَـنزِلَةُ الدِّينارِ والدِّرهَـمِ عِندَكُم؟ قالوا: حَسَنٌ، قالَ: لٰكِنَّهُما عِندِي والمَدَرَ سَواءٌ.[2]

(انظر) القلب: باب ٣٣٣٥.

اليقين: باب ٤١٩٧.

١٦٢٣

ثَمَراتُ الزُّهدِ

٧٩٥٤ . رسولُ اللهِ ﷺ: أفـلَحَ الزاهِـدُ فـي الدنـيا، حَظِيَ بِعِزِّ العاجِلَةِ وبِثَوابِ الآخِرَةِ.[3]

٧٩٥٥ . عنه ﷺ: مَن زَهِدَ في الدنـيا هـانَتْ عـلَيهِ المُصِيباتُ.[4]

٧٩٥٦ . الإمامُ عليٌّ ﷺ: الزُّهـدُ يُـخلِقُ الأبـدانَ، ويُجَدِّدُ الآمالَ، ويُقَرِّبُ المَـنِيَّةَ، ويُـباعِدُ الأُمنِيَّةَ. مَن ظَفِرَ بـه نَـصِبَ، ومَـن فـاتَهُ تَعِبَ.[5]

حالتی را می‌داشتید که نزد من دارید، هـر آینه فرشتگان در بستر شما و در کـوچه و گذرگاه با شما دست می‌دادند. ای حنظله! آدمی هر ساعتی حالتی دارد.

٧٩٥٣ . **مسیح** ﷺ در پاسخ به حواریان که عـرض کردند: چرا تـو بـر آب راه مـی‌روی و مـا نمی‌توانیم؟ فرمود: به نـظر شـما درهـم و دیـنار چگـونه است؟ عـرض کـردند: ارزشمند هـستند. مسیح ﷺ فرمود: امـا در نظر من ارزش آنها با کلوخ یکسان است.

١٦٢٣

ثمرات زهد

٧٩٥٤ . **پیامبر خدا** ﷺ: بی‌رغبت بـه دنـیا رسـتگار شد، چـنین کسـی هـم از ارجـمندی دنـیا بهره‌مند شود و هم از پاداش آخرت.

٧٩٥٥ . **پیامبر خدا** ﷺ: هـر کـه دل از دنـیا بـرکنَد، مصیبتها و گرفتاریها بر او آسان شود.

٧٩٥٦ . **امام علی** ﷺ: زهد، پیکرها را مـی‌فرساید، آرزوها را محدود می‌کند، مرگ را نزدیک می‌نمایاند و آرزو را دور می‌سازد. هر کـه به زهد دست یابد، رنجور شود و هر که آن را از دست دهد، به رنج و سـختی افتد.

---

١. كنز العمّال: ١٦٩٦، وانظر: ١٦٩٧، ١٦٩٩، ١٢٢١.

٢. تنبيه الخواطر: ١/١٥٦.

٣. شرح نهج البلاغة: ٦/٢٣١.

٤. بحار الأنوار: ٧٧/١/٩٤.

٥. بحار الأنوار: ٧٠/٣١٧/٢٣.

۷۹۵۷ . عنه ﷺ: الزُّهدُ مِفتاحُ صَلاحٍ، الوَرَعُ مِصباحُ نَجاحٍ.[۱]

۷۹۵۸ . عنه ﷺ: العِلمُ يُرشِدُكَ إلىٰ ماأمَرَكَ اللهُ بِهِ والزُّهدُ يُسَهِّلُ لكَ الطريقَ إلَيهِ.[۲]

۷۹۵۹ . عنه ﷺ: اِزهَدْ في الدنيا يُبَصِّرْكَ اللهُ عَوراتِها، ولا تَغفَلْ فَلَستَ بِمَغفُولٍ عنكَ.[۳]

۷۹۶۰ . عنه ﷺ: اِزهَدْ في الدنيا تَنزِلْ عَلَيكَ الرَّحمَةُ.[۴]

۷۹۶۱ . عنه ﷺ: إنَّكُم إن زَهِدتُم خَلَصتُم مِن شَقاءِ الدنيا وفُزتُم بدارِ البَقاءِ.[۵]

۷۹۶۲ . عنه ﷺ: مَن زَهِدَ في الدنيا أعتَقَ نَفسَهُ وأرضىٰ رَبَّهُ.[۶]

۷۹۶۳ . عنه ﷺ: مَن زَهِدَ في الدنيا استَهانَ بِالمُصيباتِ.[۷]

۷۹۶۴ . عنه ﷺ: الزهدُ في الدنيا الراحَةُ العُظمىٰ.[۸]

۷۹۶۵ . عنه ﷺ: السلامَةُ في التَّفَرُّدِ، الراحَةُ في الزُّهدِ.[۹]

۷۹۶۶ . عنه ﷺ: لَن يَفتَقِرَ مَن زَهِدَ.[۱۰]

---

۱ . غرر الحكم: (۷۴۹ـ ۷۵۰).
۲ . غرر الحكم: ۱۸۳۵. ۳ . نهج البلاغة: الحكمة ۳۹۱.
۴ . غرر الحكم: ۲۲۷۵. ۵ . غرر الحكم: ۳۸۴۶.
۶ . غرر الحكم: ۸۸۱۶. ۷ . نهج البلاغة: الحكمة ۳۱.
۸ . غرر الحكم: ۱۳۱۶. ۹ . غرر الحكم: (۳۲۸ـ ۳۲۹).
۱۰ . بحار الأنوار: ۱/۲۱۲/۷۷.

۷۹۵۷ . **امام علی**ﷺ: زهد، کلید درستی است و ورع، چراغ راه رستگاری.

۷۹۵۸ . **امام علی**ﷺ: دانش تو را به فرمانهای خداوند رهنمون می‌شود و زهد، راه رسیدن به آن را برای تو آسان و هموار می‌کند.

۷۹۵۹ . **امام علی**ﷺ: دل از دنیا بر کَن، تا خداوند تو را به عیبها و زشتیهای آن بینا کند و غافل مباش؛ زیرا که خداوند از تو غافل نیست.

۷۹۶۰ . **امام علی**ﷺ: به دنیا زاهد و بی‌رغبت باش، تا رحمت بر تو فرود آید.

۷۹۶۱ . **امام علی**ﷺ: اگر شما زهد بورزید، از بدبختی دنیا رهایی یابید و به سرای جاویدان دست پیدا کنید.

۷۹۶۲ . **امام علی**ﷺ: هر که دل از دنیا بر کَند خود را [از قید بندگی آن] آزاد کند و پروردگارش را خشنود سازد.

۷۹۶۳ . **امام علی**ﷺ: هر که به دنیا بی‌رغبت باشد، مصیبتها و گرفتاریها را ناچیز شمارد.

۷۹۶۴ . **امام علی**ﷺ: دل کندن از دنیا، بزرگترین آسایش است.

۷۹۶۵ . **امام علی**ﷺ: سلامت، در تنهایی است و آسایش در دنیاگریزی.

۷۹۶۶ . **امام علی**ﷺ: آن که زهد ورزد، هرگز نیازمند نشود.

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

۷۹۶۷ . عنه ﷺ: مَع الزُّهدِ تُثمِرُ الحِكمَةُ.[۱]

۷۹۶۸ . عنه ﷺ: إنّ اللهَ عزّوجلّ خَلَقَ خَلقاً ضَيَّقَ الدنيا علَيهِم نَظَراً لَهُم، فَزَهَّدَهُم فيها وفِي حُطامِها، فَرَغِبُوا فـي دارِ السـلامِ الذي دَعاهُم إلَيهِ.[۲]

۷۹۶۹ . عنه ﷺ ـ مِن وصاياهُ لابنِهِ الحسـنِ ﷺ ـ: أحْيِ قَلبَكَ بالمَوعِظَةِ وأمِتْهُ بالزَّهادَةِ.[۳]

۷۹۷۰ . الإمامُ زينُ العابدينَ ﷺ: مَن زَهِدَ في الدنيا هانَتْ علَيهِ مَصائبُها ولم يَكرَهْها.[۴]

۷۹۷۱ . الإمامُ الصّادقُ ﷺ: إنّما أرادُوا الزُّهـدَ فـي الدنيا لِتَفرُغَ قُلوبُهُم للآخِرَةِ.[۵]

۷۹۷۲ . عنه ﷺ: حَـرامٌ عـلىٰ قُـلوبِكُم أن تَـعرِفَ حَلاوَةَ الإيمانِ حتّىٰ تَزهَدَ في الدنيا.[۶]

(انظر) المصيبة: باب ۲۳۱۱.

۱۶۲۵
مَضارُّ الرَّغبَةِ

۷۹۷۳ . رسولُ اللهِ ﷺ: الزُّهدُ في الدنيا يُرِيحُ القَلبَ والبَـدَنَ، والرَّغـبَةُ فـيها تُـتعِبُ القَـلبَ والبَدَنَ.[۷]

۷۹۶۷ . **امام علی**ﷺ: با زهد است که حکمت به بار می‌نشیند.

۷۹۶۸ . **امام علی**ﷺ: خداوند عزّوجلّ مردمانی را بیافرید و از روی لطف، دنیا را بر آنان تنگ کرد و بدین سان آنـان را بـه دنـیا و خُـرده ریزه‌های آن بی‌رغبت ساخت و در نتیجه، آنان به سرای سلامت (بهشت)، که ایشـان را بـه سـوی آن فـرا خـوانـده است، روی آوردند.

۷۹۶۹ . **امام علی**ﷺ ـ در سفارش به فـرزند خـود حسن ﷺ ـ فرمود: دلت را با مـوعظه زنـده گردان و با زهد بمیرانش.

۷۹۷۰ . **امام زین العابدین**ﷺ: هـر کـه دل از دنـیا برکند، مصیبتهای آن بر او آسان شـود و از آنها ناراحت نشود.

۷۹۷۱ . **امام صادق**ﷺ: آنان (صاحبان قلب سلیم) زهد به دنیا را می‌خواهند، تا دلهـایشان را برای آخرت خالی سازند.

۷۹۷۲ . **امام صادق**ﷺ: چشیدن حلاوت ایمان بـر دلهای شـما حـرام است، مگـر آنگـاه کـه دلهایتان به دنیا بی‌رغبت باشند.

۱۶۲۵
زیانهای رغبت به دنیا

۷۹۷۳ . **پیامبر خدا**ﷺ: بی رغبتی به دنیا، تن و جان را آسایش می‌بخشد و رغبت به آن، تـن و جان را به رنج می‌افکند.

---

۱ . غرر الحكم: ۹۷۳۴.
۲ . بحار الأنوار: ۱/۳۷۸/۷۷.
۳ . نهج البلاغة: الكتاب ۳۱.
۴ . تحف العقول: ۲۸۱.
۵ . بحار الأنوار: ۷/۲۳۹/۷۰.
۶ . بحار الأنوار: ۲۰/۴۹/۷۳.
۷ . كنز العمّال: ۶۰۶۰.

۷۹۷۴ . عنه ﷺ: إنَّ الزاهِدَ في الدنيا يَرتَجِي، ويُرِيحُ قَلبَهُ وبَدَنَهُ في الدنيا والآخِرَةِ، والراغبَ فيها يُتعِبُ قَلبَهُ وبَدَنَهُ في الدنيا والآخِرَةِ.[1]

۷۹۷۴ . **پیامبر خدا**ﷺ: بی‌رغبت به دنیا [به آنچه نزد خداست] امیدوار است و جان و تن خود را در دنیا و آخرت آسایش دهد و کسی که به دنیا راغب باشد، تن و جان خویش را در دنیا و آخرت به رنج افکند.

۷۹۷۵ . الإمامُ عليٌّ ﷺ: الرَّغبَةُ مِفتاحُ النَّصَبِ.[2]

۷۹۷۵ . **امام علی**ﷺ: رغبت به دنیا، کلید رنج است.

۷۹۷۶ . الإمامُ الصّادقُ ﷺ: الرَّغبَةُ في الدنيا تُورِثُ الغَمَّ والحَزَنَ، والزُّهدُ في الدنيا راحَةُ القَلبِ والبَدَنِ.[3]

۷۹۷۶ . **امام صادق**ﷺ: رغبت به دنیا، غم و اندوه به بار می‌آورد و بی‌اعتنایی به دنیا، مایهٔ آسایش تن و جان است.

(انظر) الراحة: باب ۱۵۶۸.

۱۶۲۶
أزهَدُ النّاسِ

۱۶۲۶
زاهدترین مردم

۷۹۷۷ . رسولُ اللهِ ﷺ: أزهَدُ الناسِ مَنِ اجتَنَبَ الحَرامَ.[4]

۷۹۷۷ . **پیامبر خدا**ﷺ: زاهدترین مردم کسی است که از حرام دوری می‌کند.

۷۹۷۸ . عنه ﷺ ـ لَمّا سَألَهُ أبو ذَرٍّ عن أزهَدِ الناسِ ـ: مَن لَم يَنسَ المَقابِرَ والبِلىٰ، وتَرَكَ فَضلَ زِينَةِ الدنيا، وآثَرَ ما يَبقىٰ علىٰ ما يَفنىٰ، ولم يَعُدَّ غداً مِن أيّامِهِ، وعَدَّ نَفسَهُ في المَوتىٰ.[5]

۷۹۷۸ . **پیامبر خدا**ﷺ ـ در پاسخ به سؤال ابوذر از زاهدترین مردم ـ فرمود: کسی که گورها و پوسیده شدن را فراموش نکند و زیور اضافی دنیا را واگذارد و آنچه را ماندنی است بر آنچه فناپذیر است، مقدّم بدارد و فردا را از روزهای عمر خود نشمارد و خود را از مردگان شمارد.

۷۹۷۹ . الإمامُ عليٌّ ﷺ: لا زُهدَ كالزُّهدِ في الحَرامِ.[6]

۷۹۷۹ . **امام علی**ﷺ: هیچ زهدی، چون بی‌رغبتی به حرام نیست.

۷۹۸۰ . الإمامُ زينُ العابدينَ ﷺ: يقولُ اللهُ: يا ابنَ

۷۹۸۰ . **امام زین العابدین**ﷺ: خداوند می‌فرماید:

---

۱ . أعلام الدين: ۳۴۳.
۲ . نهج البلاغة: الحكمة ۳۷۱.
۳ . تحف العقول: ۳۵۸.
۴ . الأمالي للصدوق: ۴۱/۷۲.
۵ . بحار الأنوار: ۱/۸۰/۷۷.
۶ . نهج البلاغة: الحكمة ۱۱۳.

آدَمَ، إرْضَ بما آتَيتُكَ تَكُن مِن أزهَدِ الناسِ.[1]

٧٩٨١. الإمامُ الكاظمُ عليه السلام: إنّ أصبَرَكُم على البَلاءِ لَأزهَدُكُم في الدنيا.[2]

ای پسر آدم! به آنچه تو را داده‌ام خشنود و قانع باش، تا از زاهدترین مردمان باشی.

٧٩٨١. امام کاظم علیه السلام: همانا صبورترین شما در برابر بلاها، زاهدترین شما به دنیاست.

١٦٢٧
مَوعِظَةٌ لِمَن تَأبىٰ نَفسُهُ الزُّهدَ

١٦٢٧
یک اندرز برای کسی که نفسش زهد را پذیرا نیست

٧٩٨٢. الإمامُ عليٌّ عليه السلام ـ مِن وصاياهُ لابنِهِ الحسنِ عليه السلام ـ: يا بُنَيَّ، فإن تَزهَدْ فيما زَهَّدتُكَ فيهِ وتَعزِفْ نَفسُكَ عَنها فهِيَ أهلُ ذلكَ، وإن كُنتَ غَيرَ قابِلٍ نَصِيحَتِي إيّاكَ فيها، فاعلَمْ يَقيناً أنَّكَ لَن تَبلُغَ أمَلَكَ، ولا تَعدُوَ أجَلَكَ، فإنَّكَ في سبيلِ مَن كانَ قَبلَكَ فَخَفِّضْ في الطَّلَبِ وأجمِلْ في المُكتَسَبِ.[3]

٧٩٨٢. امام علی علیه السلام ـ در سفارشهای خویش به فرزندش حسن علیه السلام ـ فرمود: فرزندم! اگر از آنچه تو را به دل برکندن از آن فرا خواندم، دل برکنی و خود را از آن باز داری، کاری شایسته و بجا کرده‌ای، و اگر نصیحت مرا دربارهٔ دنیا نپذیری، یقین بدان که تو [در دنیا] هرگز به آرزویت نمی‌رسی و از مدّت عمرت فراتر نروی؛ چه، تو نیز همان راهی را می‌روی که پیشنیان تو رفتند. بنابراین، در طلب [دنیا] آرام باش و برای کسب روزی میانه رو.

١٦٢٨
الزُّهدُ لا يَنقُصُ الرِّزقَ

١٦٢٨
زهد، روزی را کم نمی‌کند

٧٩٨٣. الإمامُ عليٌّ عليه السلام: مَن زَهِدَ في الدنيا لَم تَفُتْهُ، مَن رَغِبَ فيها أتعَبَتهُ وأشقَتهُ.[4]

٧٩٨٣. امام علی علیه السلام: هر که به دنیا بی‌اعتنا باشد، دنیا از دستش نرود و هر که به دنیا رو کند، دنیا او را به رنج و بدبختی افکند.

٧٩٨٤. عنه عليه السلام: إنَّ زُهدَ الزاهِدِ في هذه الدنيا لا يَنقُصُهُ مِمّا قَسَمَ اللهُ عزّوجلّ لَهُ فيها وإن

٧٩٨٤. امام علی علیه السلام: بی‌اعتنایی زاهد به این دنیا، از رزقی که خداوند عزّوجلّ برای او مقدّر

---

١. بحار الأنوار: ٧٨/١٣٩/٢٢.
٢. بحار الأنوار: ٧٨/٣٠٨/١. ٣. بحار الأنوار: ٧٧/٢٠٦/١.
٤. غرر الحكم: (٨٤٨٠ ـ ٨٤٨١).

۷۶ ـــــــ

۷۹۸۸ . عنه ﷺ ـ في وصفِ المَأخُوذِينَ علىٰ الغِرَّةِ في حالِ الاحتضارِ ـ: فهُو يَعَضُّ يَدَهُ نَدامةً علىٰ ما أصحَرَ لَهُ عندَ المَوتِ مِن أمرِهِ، ويَزهَدُ فيما كانَ يَرغَبُ فيهِ أيّامَ عُمُرِهِ، ويَتَمَنّىٰ أنَّ الذي كانَ يَغبِطُهُ بها ويَحسُدُهُ علَيها قد حازَها دُونَهُ!

(انظر) الزهد: باب ۱۶۱۶.

النور: باب ۳۹۰۲.

۷۹۸۸ . **امام علی**ﷺ ـ در وصف کسانی که ناگاه در چنگال مرگ گرفتار می‌شوند ـ فرمود: او، بر اثر آنچه هنگام مرگ برایش آشکار شده است، دست خود را از پشیمانی می‌گزد و بدانچه در روزهای زندگانی‌اش بدان مایل بوده، بی‌رغبت می‌شود و آرزو می‌کند که ای کاش آن کسی که حسرت او را می‌خورد و بر وی حسادت می‌ورزید، این اموال را گرد آورده بود نه او!

۱۶۳۰
النَّوادِرُ

۱۶۳۰
گوناگون

۷۹۸۹ . الإمامُ عليٌّ ﷺ: لا تَكُنْ مِمَّن يُرِيدُ الآخِرَةَ بِعَمَلِ الدنيا ... يقولُ في الدنيا قَولَ الزاهِدينَ، ويَعمَلُ فيها عَمَلَ الراغِبينَ.[۲]

۷۹۸۹ . **امام علی**ﷺ: چونان کسی مباش که با کار دنیایی آخرت را می‌خواهد... در دنیا همچون مردمان زاهد سخن می‌گوید و در عمل چون دنیاخواهان رفتار می‌کند.

۷۹۹۰ . عنه ﷺ: أفضَلُ الزُّهدِ إخفاءُ الزُّهدِ.[۳]

۷۹۹۰ . **امام علی**ﷺ: برترین زهد، پوشیده داشتن زهد است.

۷۹۹۱ . عنه ﷺ: إذا هَرَبَ الزاهِدُ مِنَ الناسِ فاطْلُبْهُ، إذا طَلَبَ الزاهِدُ الناسَ فاهْرُبْ مِنهُ.[۴]

۷۹۹۱ . **امام علی**ﷺ: هر گاه زاهد از مردم گریزان شد، در طلب او برآی و هرگاه زاهد در طلب مردم برآمد، از او گریزان شو.

۷۹۹۲ . المسيحُ ﷺ: يا بَنِي إسرائيلَ، لا تَأسَوا علىٰ ما فاتَكُم مِن دُنياكُم إذا سَلِمَ دِينُكُم كما

۷۹۹۲ . **مسیح**ﷺ: ای بنی اسرائیل! هر گاه دینتان سالم بود، برای از دست دادن دنیاتان افسوس مخورید، همچنان که دنیاپرستان

---

۱. نهج البلاغة: الخطبة ۱۰۹.
۲. بحار الأنوار: ۱۶/۶۸/۷۸.
۳. نهج البلاغة: الحكمة ۲۸.
۴. غرر الحكم: (۴۰۷۸ ـ ۴۰۷۹).

لا يَأسىٰ أهلُ الدنيا علىٰ ما فاتَهُم مِن دِينِهِم إذا سَلِمَتْ دُنياهُم.[1]

هر گاه دنیایشان سالم باشد، برای از دست دادن دینشان اندوهی به خود راه نمی‌دهند.

۷۹۹۳ . **بحار الأنوار** عن عبد الله بن القاسم: قالَ الإمامُ الصّادقُ ﷺ: لَمْ يَطْلُبْ أَحَدُ الحَقَّ بِبابٍ أفضَلَ مِنَ الزُّهدِ فِي الدُّنيا و هو ضِدٌّ لما طَلَبَ أعداءُ الحقِّ. قُلتُ: جُعِلْتُ فِداكَ ممّاذا؟ قالَ: مِنَ الرَّغْبَةِ فيها و قالَ: إلّا مِن صَبّارٍ كَرِيمٍ، وإنّما هِيَ أيّامٌ قَلائلُ ؟![2]

۷۹۹۳ . **بحار الأنوار**: امام صادق ﷺ فرمود: هیچ کس حق را در بهتر از بی‌رغبتی به دنیا به دست نیاورد. و این، برخلاف آن چیزی است که دشمنان حق در پی آنند. عرض کردم: فدایت گردم برای چه؟ فرمود: به جهت دلبستگی به دنیا. و ادامه داد: مگر از شکیبای بزرگوار، که دنیا، چند روزی بیش نیست.

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

۱ . الأمالي للصدوق: ۸۰۵/۵۸۵.

۲ . بحار الأنوار: ۲۸/۵۶/۷۳.

الزواج

ازدواج

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

ولمزيد الاطّلاع راجع:

بحار الأنوار: ۱۰۳/۲۱۶ «أبواب النكاح».

وسائل الشيعة: ۱۴، ۱۵/۱-۲۶۵ «النكاح».

بحار الأنوار: ۷۴/۳۵۶ باب ۲۲ «تزويج المؤمن».

كنز العمّال: ۱۶/۲۷۱-۶۱۱ «النكاح».

انظر:

عنوان ۷۵ «الجماع».

۱۶۳۱
الحَثُّ عَلَى الزَّواجِ

الكتاب:

﴿وَأَنْكِحُوا الْأَيامَى مِنْكُمْ وَالصَّالِحِينَ مِنْ عِبادِكُمْ وَإِمائِكُمْ إِنْ يَكُونُوا فُقَراءَ يُغْنِهِمُ اللهُ مِن فَضْلِهِ وَاللهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ﴾.[1]

﴿وَمِنْ آياتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُم مِنْ أَنْفُسِكُم أَزْواجاً لِتَسْكُنُوا إِلَيها وَجَعَلَ بَيْنَكُم مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذٰلِكَ لَآياتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ﴾.[2]

﴿وَلَقَدْ أَرسَلْنا رُسُلاً مِن قَبْلِكَ وَجَعَلْنا لَهُمْ أَزْواجاً وَذُرِّيَّةً وَما كانَ لِرَسُولٍ أَن يَأتِيَ بِآيَةٍ إِلَّا بِإِذنِ اللهِ لِكُلِّ أَجَلٍ كِتابٌ﴾.[3]

(انظر) آل عمران: ۳۹، النحل: ۷۲، الفرقان: ۷۴.

الحديث:

۷۹۹۴ . رسولُ اللهِ ﷺ: مَن أَحَبَّ أَن يَلقَى اللهَ طاهِراً مُطَهَّراً فَلْيَلْقَهُ بِزَوجَةٍ.[4]

۷۹۹۵ . عنه ﷺ: ما بُنِيَ في الإسلامِ بِناءٌ أَحَبَّ إلى

۱. النور: ۳۲.
۲. الروم: ۲۱.
۳. الرعد: ۳۸.
۴. بحار الأنوار: ۱۰۳/۲۲۰/۱۸.

۱۶۳۱
تشويق به ازدواج

قرآن:

«بی‌همسران خود و غلامان و کنیزان شایسته‌تان را همسر دهید. اگر تهیدست باشند خدا از فضل و کرم خود توانگرشان کند که خدا گشایشگر داناست».

«و از نشانه‌های او این است که برای شما از خودتان جفتهایی آفرید، تا بدانها آرام گیرید و میانتان دوستی و مهربانی نهاد. همانا در اینها نشانه‌هایی است برای مردمی که می‌اندیشند».

«پیش از تو [نیز] پیامبرانی فرستادیم و برای آنان همسران و فرزندان قرار دادیم. و هیچ پیامبری حق نداشت که جز با اجازهٔ خدا آیتی بیاورد. هر مدّتی را مکتوبی است».

حدیث:

۷۹۹۴ . **پیامبر خدا**ﷺ: هر که دوست دارد که پاک و پاکیزه خدا را دیدار کند، با داشتن همسر به دیدارش رود.

۷۹۹۵ . **پیامبر خدا**ﷺ: در اسلام هیچ بنایی ساخته نشد که نزد خداوند عزّوجلّ محبوبتر و

اللهِ عزّوجلّ، وأعَزُّ مِنَ التَّزويجِ.[۱]

۷۹۹۶. **عنه ﷺ**: تَناكَحُوا تَكثُرُوا فإنّي اُباهِي بِكُمُ الاُمَمَ يَومَ القِيامَةِ حَتّىٰ بِالسِّقْطِ.[۲]

۷۹۹۷. **عنه ﷺ**: مَن نَكَحَ لِلّهِ وأنكَحَ لِلّهِ، استَحَقَّ وَلايَةَ اللهِ.[۳]

۷۹۹۸. **الإمامُ الرِّضا ﷺ**: لَو لَم تَكُن في المُناكَحَةِ والمُصاهَرَةِ آيَةٌ مُحكَمَةٌ ولا سُنَّةٌ مُتَّبَعَةٌ، لَكانَ فيما جَعَلَ اللهُ فيها مِن بِرِّ القَريبِ وتَأَلُّفِ البَعيدِ، ما رَغِبَ فيهِ العاقِلُ اللَّبيبُ وسارَعَ إلَيهِ المُوَفَّقُ المُصيبُ.[۴]

۱۶۳۲
النِّكاحُ سُنَّةٌ

۷۹۹۹. **رسولُ اللهِ ﷺ**: النِّكاحُ سُنَّتي، فَمَن لَم يَعمَلْ بِسُنَّتي فَلَيسَ مِنّي، وتَزَوَّجُوا فإنّي مُكاثِرٌ بِكُمُ الاُمَمَ.[۵]

۸۰۰۰. **عنه ﷺ**: النِّكاحُ سُنَّتي، فَمَن رَغِبَ عَن سُنَّتي فَلَيسَ مِنّي.[۶]

۸۰۰۱. **عنه ﷺ**: مَن أحَبَّ فِطرَتي فَلْيَستَنَّ بِسُنَّتي،

ارجمندتر از ازدواج باشد.

۷۹۹۶. **پیامبر خدا ﷺ**: ازدواج کنید تا جمعیت شما زیاد شود؛ زیرا من در روز قیامت به وجود شما، حتی به فرزندان سقط شده‌تان، بر سایر امّتها می‌بالم.

۷۹۹۷. **پیامبر خدا ﷺ**: هر که به خاطر خدا ازدواج کند و برای خدا کسی را همسر دهد، سزاوار درآمدن در سرپرستی خداست.

۷۹۹۸. **امام رضا ﷺ**: اگر دربارهٔ ازدواج و پیوند، آیتی محکم و سنّتی پیروی شده [از رسول خدا ﷺ] هم نبود، باز، نیکیِ به خویشاوند و مأنوس شدنِ با بیگانه، که خداوند در این امر قرار داده است، انگیزه‌ای بود که خردمندِ صاحبدل به ازدواج رغبت کند و انسان موفّق درست اندیش به آن بشتابد.

۱۶۳۲
ازدواج، سنّت است

۷۹۹۹. **پیامبر خدا ﷺ**: ازدواج سنّت من است. هر که به سنّت من عمل نکند از من نیست. ازدواج کنید؛ زیرا من به زیادی جمعیت شما بر سایر امّتها می‌بالم.

۸۰۰۰. **پیامبر خدا ﷺ**: ازدواج سنّت من است؛ پس هر که از سنّت من روی گرداند از من نیست.

۸۰۰۱. **پیامبر خدا ﷺ**: هر که آیین مرا دوست

---

۱. بحار الأنوار: ۴۰/۲۲۲/۱۰۳.
۲. عوالي اللآلي: ۲۹/۲۸۶/۳.
۳. المحجّة البيضاء: ۵۴/۳.
۴. مكارم الأخلاق: ۱۵۴۱/۴۴۹/۱.
۵. كنز العمّال: ۴۴۴۰۷. ۶. بحار الأنوار: ۲۳/۲۲۰/۱۰۳.

ومِن سُنَّتي النِّكاحُ.[1]

دارد، باید به سنّت من عمل کند و ازدواج از سنّت‌های من است.

۸۰۰۲. الإمامُ عليٌّ عليه السلام: تَزَوَّجُوا فإنَّ رسولَ اللهِ صلى الله عليه وآله كثيراً ما كانَ يقولُ: مَن كانَ يُحِبُّ أن يَتَّبِعَ سُنَّتي فَلْيَتَزَوَّجْ، فإنَّ مِن سُنَّتِي التَّزويجَ.[2]

۸۰۰۲. امام علی عليه السلام: ازدواج کنید؛ زیرا رسول خدا صلى الله عليه وآله فراوان می‌فرمود: هر که دوست دارد از سنّت من پیروی کند، ازدواج نماید؛ که ازدواج از سنّت من است.

۱۶۳۳
مَن تَزَوَّجَ في حَداثَةِ سِنِّهِ

۱۶۳۳
کسی که در جوانی ازدواج کند

۸۰۰۳. رسولُ اللهِ صلى الله عليه وآله: أيُّما شابٍّ تَزَوَّجَ في حَداثَةِ سِنِّهِ عَجَّ شَيطانُهُ: يا وَيلَهُ! عَصَمَ مِنّي دِينَهُ.[3]

۸۰۰۳. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: هر جوانی که در دورهٔ جوانی‌اش ازدواج کند، شیطانش فریاد برآورد که: ای وای! دینش را از [گزند] من حفظ کرد.

۸۰۰۴. عنه صلى الله عليه وآله: ما مِن شابٍّ تَزَوَّجَ في حَداثَةِ سِنِّهِ إلّا عَجَّ شَيطانُهُ: يا وَيْلَهُ، يا وَيْلَهُ! عَصَمَ مِنّي ثُلُثَي دِينِهِ، فَلْيَتَّقِ اللهَ العَبدُ في الثُّلُثِ الباقِي.[4]

۸۰۰۴. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: هیچ جوانی نیست که در دورهٔ جوانی‌اش ازدواج کند، مگر آن که شیطان او فریاد برآورد که: ای وای، ای وای! دو سوم دینش را از [گزند] من حفظ کرد. بنابراین، بنده باید برای حفظ یک سوم دیگر، تقوای الهی در پیش گیرد.

۱۶۳۴
مَن تَزَوَّجَ أحرَزَ نِصفَ دِينِهِ

۱۶۳۴
کسی که ازدواج کند، نصف دین خود را به دست آورده است

۸۰۰۵. رسولُ اللهِ صلى الله عليه وآله: إذا تَزَوَّجَ العَبدُ فَقَدِ استَكمَلَ نِصفَ الدِينِ، فَلْيَتَّقِ اللهَ في النِّصفِ الباقي.[5]

۸۰۰۵. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: هر گاه آدمی ازدواج کند، نصف دین را به دست آورده است و برای نصف دیگر باید تقوای خدا پیشه کند.

---

۱. الكافي: ۱/۴۹۴/۵.
۲. بحار الأنوار: ۱/۹۳/۱۰.
۳. كنز العمّال: ۴۴۴۴۱.
۴. بحار الأنوار: ۳۴/۲۲۱/۱۰۳.
۵. كنز العمّال: ۴۴۴۰۳.

۸۰۰۶. عنه ﷺ: مَن تَزَوَّجَ فقد أُعطِيَ نِصفَ العِبادَةِ.[۱]

۸۰۰۶. **پیامبر خدا**ﷺ: هر که ازدواج کند، نصف عبادت به او داده شده است.

۸۰۰۷. عنه ﷺ: مَن تَزَوَّجَ فقد أحرَزَ نِصفَ دِينِهِ، فَلْيَتَّقِ اللهَ في النِّصفِ الباقي.[۲]

۸۰۰۷. **پیامبر خدا**ﷺ: کسی که ازدواج کند، نیمی از دین خود را حفظ نموده است و برای نیمهٔ دوم باید تقوای خدا در پیش گیرد.

(انظر) الدين: باب ۱۳۰۴.

۱۶۳۵
صَلاةُ المُتَزَوِّجِ ونَومُهُ

۱۶۳۵
نماز و خواب شخص متأهّل

۸۰۰۸. رسولُ اللهِ ﷺ: المُتَزَوِّجُ النائمُ أفضَلُ عِندَ اللهِ مِنَ الصائمِ القائمِ العَزَبِ.[۳]

۸۰۰۸. **پیامبر خدا**ﷺ: ازدواج کردهٔ خفته، نزد خدا فضیلت دارد بر ازدواج نکردهٔ روزه‌گیر شب‌زنده‌دار.

۸۰۰۹. الإمامُ الصادقُ ﷺ: إنّ رَكعَتَينِ يُصَلّيهما رجُلٌ مُتَزوِّجٌ، أفضَلُ مِن رَجُلٍ يَقومُ لَيلَهُ ويَصُومُ نَهارَهُ أعزَبَ.[۴]

۸۰۰۹. **امام صادق**ﷺ: دو رکعت نمازی که مردِ زن‌دار بخواند، بهتر است از مردِ بی‌همسری که شب را به عبادت سپری کند و روز را به روزه‌داری.

۸۰۱۰. عنه ﷺ: رَكعَتانِ يُصَلّيهما مُتَزَوِّجٌ أفضَلُ مِن سَبعينَ رَكعَةً يُصَلّيها غيرُ مُتَزَوِّجٍ.[۵]

۸۰۱۰. **امام صادق**ﷺ: دو رکعت نمازی که ازدواج کرده می‌خواند، برتر از هفتاد رکعت نمازی است که فرد عزب بخواند.

۱۶۳۶
زِيادةُ الرِّزقِ بِالنِّكاحِ

۱۶۳۶
زیاد شدن روزی با ازدواج

الكتاب:

﴿وَأَنكِحُوا الأَيامىٰ مِنكُم وَالصّالِحينَ مِن عِبادِكُم وَإِمائِكُم

قرآن:

«بی‌همسران خود و غلامان و کنیزان شایسته‌تان را همسر دهید. اگر تهیدست باشند، خداوند از فضل و

---

۱. بحار الأنوار: ۱۰۳/۲۲۰/۲۲.
۲. كشف الخفاء: ۲/۲۳۹/۲۴۳۲.
۳. بحار الأنوار: ۱۰۳/۲۲۱/۲۵.
۴. قرب الإسناد: ۲۰/۶۷. ۵. بحار الأنوار: ۱۰۳/۲۱۹/۱۵.

إنْ يَكُونُوا فُقَراءَ يُغْنِهِمُ اللهُ مِن فَضلِهِ وَاللهُ واسِعٌ عَلِيمٌ﴾.[1]

کرم خود آنان را توانگر می‌گرداند که خداوند گشایشگر داناست».

الحديث:

حدیث:

۸۰۱۱. رسولُ اللهِ ﷺ: إتَّخِذُوا الأهلَ؛ فإنّه أرْزَقُ لَكُم.[2]

۸۰۱۱. **پیامبر خدا**ﷺ: زن بگیرید؛ که ازدواج کردن روزی شما را بیشتر می‌کند.

۸۰۱۲. عنه ﷺ: زَوِّجُوا أياماكُم، فَإنَّ اللهَ يُحسِنُ لَهُم في أخلاقِهِم، ويُوَسِّعُ لَهُم في أرزاقِهِم، ويَزِيدُهُم في مُرُوّاتِهِم.[3]

۸۰۱۲. **پیامبر خدا**ﷺ: مردان بی‌همسر خود را زن دهید؛ زیرا با این کار خداوند اخلاق آنان را نیکو می‌گرداند و روزی‌هایشان را زیاد می‌کند و بر جوانمردیهای آنان می‌افزاید.

۸۰۱۳. عنه ﷺ: مَن تَرَكَ التَّزويجَ مَخافَةَ العَيْلَةِ فَلَيسَ مِنّا.[4]

۸۰۱۳. **پیامبر خدا**ﷺ: هر که از ترس تنگدستی ازدواج نکند، از ما نیست.

۸۰۱۴. عنه ﷺ: حَقٌّ عَلَى اللهِ عَونُ مَن نَكَحَ إلتِماسَ العَفافِ عَمّا حَرَّمَ اللهُ.[5]

۸۰۱۴. **پیامبر خدا**ﷺ: هر که به منظور پاک نگه داشتن خود از آنچه خداوند حرام کرده است ازدواج کند، بر خداست که او را یاری رساند.

۸۰۱۵. **مجمع البيان:** سألَ النبيُّ ﷺ رَجُلاً من أصحابِهِ فقالَ: يا فلانُ، هَل تَزَوَّجتَ؟ قالَ: لا ولَيسَ عِندي ما أتَزَوَّجُ بِهِ، قالَ: أليسَ مَعكَ ﴿قُل هُوَ اللهُ أحَدٌ﴾؟ قالَ: بَلىٰ، قالَ: رُبُعُ القرآنِ، قالَ: أليسَ مَعكَ: ﴿قُل يا أيُّها الكافِرونَ﴾؟ قالَ: بَلىٰ، قالَ: رُبُعُ القرآنِ، قالَ: أليسَ مَعكَ ﴿إذا زُلزِلَتْ﴾؟

۸۰۱۵. **مجمع البیان:** پیامبر خداﷺ از یکی از اصحاب خود پرسید: فلانی! ازدواج کرده‌ای؟ عرض کرد: خیر؛ چیزی ندارم که ازدواج کنم. حضرت فرمود: آیا «قل هو الله أحد» با خود نداری؟ عرض کرد: چرا. فرمود: یک چهارم قرآن [را داری]. فرمود: آیا «قل یا أیّها الکافرون» را با خود نداری؟ عرض کرد: چرا. فرمود: یک چهارم [دیگر] قرآن [را داری]. فرمود: آیا «إذا زلزلت الأرض» را نداری؟ عرض کرد:

---

۱. النور: ۳۲.
۲. بحار الأنوار: ۱۰۳/۲۱۷/۱.
۳. بحار الأنوار: ۱۰۳/۲۲۲/۳۸.
۴. کنز العمّال: ۴۴۴۶۰.
۵. کنز العمّال: ۴۴۴۴۳.

قالَ: بَلىٰ، قالَ: رُبُعُ القرآنِ.

ثُمّ قالَ: تَزَوَّج، تَزَوَّج، تَزَوَّج !!![1]

۸۰۱۶. **الإمامُ الصّادقُ** ﷺ: مَن تَرَكَ التَّزويجَ مَخافَةَ الفَقرِ فقد أساءَ الظَّنَّ باللهِ عزّوجلّ، إنَّ اللهَ عزّوجلّ يقولُ: ﴿إن يَكونُوا فُقَراءَ يُغنِهِمُ اللهُ مِن فَضلِهِ﴾.[2]

(انظر) وسائل الشيعة: ۱۴/۲۴ باب ۱۰، ۲۵ باب ۱۱، الرزق: باب ۱۴۹۶.

چرا. فرمود: یک چهارم [دیگر] قرآن [را داری].

سپس فرمود: ازدواج کن، ازدواج کن، ازدواج کن!

۸۰۱۶. **امام صادق**ﷺ: هرکه از ترس تهیدستی ازدواج نکند، به خداوند عزّوجلّ گمان بد برده است. خداوند عزّوجلّ می‌فرماید: «اگر تهیدست باشند، خداوند از فضل خود توانگرشان می‌سازد».

۱۶۳۷
التَّحذيرُ مِن تَركِ الزَّواجِ

۸۰۱۷. **بحار الأنوار**: قالَ رسولُ اللهِ ﷺ ـ لرجُلٍ اسمُهُ عَكّافٌ ـ: أَلَكَ زَوجَةٌ؟ قالَ: لا يا رسولَ اللهِ، قالَ: أَلَكَ جارِيَةٌ؟ قالَ: لا يا رسولَ اللهِ، قالَ: أفَأنتَ مُوسِرٌ؟ قالَ: نَعَم، قالَ: تَزَوَّجْ، وإلّا فَأنتَ مِنَ المُذنِبينَ.[3]

۸۰۱۸. **الإمامُ الرِّضا** ﷺ: إنَّ امرأةً سَألَتْ أبا جعفرٍ ﷺ فقالت: أصلَحَكَ اللهُ، إنّي مُتَبَتِّلَةٌ، فقالَ لَها: وما التَبَتُّلُ عِندَكِ؟ قالَت: لا أُريدُ التَّزويجَ أبداً. قالَ: ولِمَ؟ قالَت: أَلتَمِسُ في ذلكَ الفَضلَ، فقالَ: انصَرِفي فلَو كانَ في ذلكِ

۱۶۳۷
برحذر داشتن از ترک ازدواج

۸۰۱۷. **بحار الأنوار**: پیامبر خداﷺ به مردی به نام عکّاف فرمود: آیا همسری داری؟ عرض کرد: خیر ای رسول خدا. پرسید: آیا کنیزی داری؟ عرض کرد: نه، یا رسول الله. پرسید: آیا توان مالی داری؟ عرض کرد: آری. پیامبر فرمود: ازدواج کن، وگرنه از گنهکاران هستی!

۸۰۱۸. **امام رضا**ﷺ: زنی به امام باقر ﷺ عرض کرد: خدایت نیکو گرداند، من زنی تارک دنیا هستم. حضرت فرمود: منظورت از ترک دنیا چیست؟ عرض کرد: نمی‌خواهم هرگز ازدواج کنم. حضرت پرسید: چرا؟ عرض کرد: در ترک ازدواج، به دنبال کسب فضیلت هستم. حضرت فرمود: دست بردار؛ اگر در این کار فضیلتی بود،

---

۱. مجمع البيان: ۱۰/۷۹۶.
۲. كتاب من لا يحضره الفقيه: ۳/۳۸۵/۴۳۵۳.
۳. بحار الأنوار: ۱۰۳/۲۲۱/۲۷.

فَضلٌ لكانَت فاطمةُ عليها السلام أحَقَّ بِهِ مِنكِ، إنّه لَيسَ أحَدٌ يَسبِقُها إلى الفَضلِ.[1]

۱۶۳۸
ذَمُّ العُزّابِ

۸۰۱۹. رسولُ اللهِ صلى الله عليه وآله: شِرارُ مَوتاكُمُ العُزّابُ.[2]

۸۰۲۰. عنه صلى الله عليه وآله: رُذالُ مَوتاكُم العُزّابُ.[3]

۸۰۲۱. عنه صلى الله عليه وآله: شِرارُكُم عُزّابُكُم، وأراذِلُ مَوتاكُم عُزّابُكُم.[4]

۸۰۲۲. عنه صلى الله عليه وآله: شِرارُكُم عُزّابُكُم، رَكعَتانِ مِن مُتَأهِّلٍ خَيرٌ مِن سَبعِينَ رَكعَةً مِن غَيرِ مُتَأهِّلٍ.[5]

۱۶۳۹
ثَوابُ تَزويجِ الإخوانِ

۸۰۲۳. رسولُ اللهِ صلى الله عليه وآله: مَن زَوَّجَ أخاهُ المؤمنَ امرَأةً يَأنَسُ بِها وتَشُدُّ عَضُدَهُ ويَستَرِيحُ إلَيها، زَوَّجَهُ اللهُ مِنَ الحُورِ العِينِ وآنَسَهُ بِمَن أحَبَّهُ مِنَ الصِّدّيقِينَ مِن أهلِ بَيتِهِ وإخوانِهِ وآنَسَهُم بِهِ.[6]

---

۱. بحار الأنوار: ۱۰۳/۲۱۹/۱۳.
۲. بحار الأنوار: ۱۰۳/۲۲۰/۱۹.
۳. بحار الأنوار: ۱۰۳/۲۲۰/۲۱.
۴. كنز العمّال: ۴۴۴۴۹. ۵. كنز العمّال: ۴۴۴۴۸.
۶. بحار الأنوار: ۱۰۳/۲۲۱/۱۱ (۷۷).

فاطمه علیها السلام از تو سزاوارتر به آن بود. هیچ کس نیست که در فضیلت بر او سبقت گیرد.

۱۶۳۸
نکوهش عزب‌ها

۸۰۱۹. **پیامبر خدا** صلی الله علیه و آله: بدترین مردگان شما عزبهایند.

۸۰۲۰. **پیامبر خدا** صلی الله علیه و آله: مردگان فرومایهٔ شما عزبهایند.

۸۰۲۱. **پیامبر خدا** صلی الله علیه و آله: بدترین شما عزبهای شمایند و فرومایه‌ترین مردگان شما عزبهای شمایند.

۸۰۲۲. **پیامبر خدا** صلی الله علیه و آله: بدترین افراد شما عزبهای شمایند؛ دو رکعت نماز فرد متأهّل بهتر است از هفتاد رکعت نماز فرد غیر متأهّل.

۱۶۳۹
ثواب زن دادن برادران دینی

۸۰۲۳. **پیامبر خدا** صلی الله علیه و آله: هر که برادر مؤمن خود را زن دهد، تا آن زن همدم و مایهٔ پشت‌گرمی و آسایش او باشد، خداوند او را از حوریان بهشتی همسر دهد و با هر یک از صدّیقانِ خانواده و برادران [دینی]اش که دوست داشته باشد، همدمش کند و آنان را با وی انس و الفت دهد.

۸۰۲۴. **الإمامُ عليٌّ** ﷺ: أفضَلُ الشَّفاعاتِ أن يَشفَعَ بينَ اثنَينِ في نِكاحٍ حتّىٰ يَجمَعَ شَملَهُما.[۱]

۸۰۲۴. **امام علی**ﷺ: بهترین وساطتها این است که میان دو نفر در امر ازدواج وساطت شود، تا سر و سامان بگیرند.

۸۰۲۵. **الإمامُ الصّادقُ** ﷺ: مَن زَوَّجَ أعزَباً كانَ مِمَّن يَنظُرُ اللهُ عزّوجلّ إلَيهِ يَومَ القِيامَةِ.[۲]

۸۰۲۵. **امام صادق**ﷺ: هر که عزبی را زن دهد، از جمله کسانی است که خداوند عزّوجلّ در روز قیامت به او نظر می‌افکند.

۸۰۲۶. **الإمامُ الكاظمُ** ﷺ: ثلاثةٌ يَستَظِلُّونَ بِظِلِّ عَرشِ اللهِ يَومَ لا ظِلَّ إلّا ظِلُّهُ: رَجُلٌ زَوَّجَ أخاهُ المسلمَ، أو أخدَمَهُ، أو كَتَمَ لَهُ سِرّاً.[۳]

۸۰۲۶. **امام کاظم**ﷺ: سه نفرند که در روزی که سایه‌ای جز سایهٔ عرش خدا نیست در سایهٔ عرش اویند: مردی که برادر مسلمان خود را زن دهد، یا به او خادمی هدیه کند، یا راز او را بپوشاند.

۱۶۴۰
الحَثُّ عَلَى التَّعجيلِ في تَزويجِ البَناتِ

۸۰۲۷. **الإمامُ الرِّضا** ﷺ: نَزَلَ جَبرئيلُ على النبيِّ ﷺ فقالَ: يا محمّدُ، إنّ رَبَّكَ يُقرِئُكَ السلامَ، ويقولُ: إنّ الأبكارَ مِنَ النساءِ بمَنزِلَةِ الثَّمَرِ على الشَّجَرِ، فإذا أينَعَ الثَّمرُ فلا دَواءَ لَهُ إلّا اجتِناؤهُ وإلّا أفسَدَتهُ الشَّمسُ، وغَيَّرَتهُ الرِّيحُ، وإنّ الأبكارَ إذا أدرَكنَ ما تُدرِكُ النساءُ فلا دَواءَ لَهُنَّ إلّا البُعُولُ، وإلّا لَم يُؤمَنْ علَيهِنَّ الفِتنَةُ، فَصَعِدَ رسولُ اللهِ ﷺ المِنبَرَ فَجَمَعَ الناسَ ثُمَّ أعلَمَهُم ما أمَرَ اللهُ عزّوجلّ بِهِ.[۴]

(انظر) وسائل الشيعة: ۱۴ / ۳۸ باب ۲۳.

۱۶۴۰
تشویق به زود شوهر دادن دختران

۸۰۲۷. **امام رضا**ﷺ: جبرئیل بر پیامبرﷺ فرود آمد و گفت: ای محمّد! پروردگارت تو را سلام می‌رساند و می‌فرماید: دوشیزگان همچون میوهٔ روی درخت هستند. میوه چون برسد برای آن دارویی جز چیدن نباشد وگرنه بر اثر آفتاب و باد خراب می‌شود. دوشیزگان نیز هرگاه به مرحلهٔ زنان برسند آنان را دارویی جز شوهر دادن نباشد وگرنه از گمراهی و فساد ایمن نخواهند بود. پس، رسول خداﷺ بر منبر رفت و مردم را جمع کرد و فرمان خداوند عزّوجلّ را به آگاهی آنان رساند.

---

۱. بحار الأنوار: ۱۰۳/۲۲۲/۴۱.
۲. الكافي: ۵/۳۳۱/۲. ۳. الخصال: ۱۴۱/۱۶۲.
۴. بحار الأنوار: ۱۶/۲۲۳/۲۲.

۱۶۴۱
الاهتِمامُ بدِينِ المَرأةِ فِي الزَّواجِ

۸۰۲۸. رسولُ اللهِ ﷺ: مَن نَكَحَ امرأةً بِمالٍ حَلالٍ غيرَ أنَّهُ أرادَ بها فَخراً ورِياءً لَم يَزِدْهُ اللهُ عزّوجلّ بذلكَ إلّا ذُلّاً وهَواناً.[۱]

۸۰۲۹. عنه ﷺ: مَن تَزَوَّجَ امرَأةً لا يَتَزَوَّجُها إلّا لِجَمالِها لَم يَرَ فيها ما يُحِبُّ، ومَن تَزَوَّجَها لِمالِها لا يَتَزَوَّجُها إلّا وَكَلَهُ اللهُ إلَيهِ، فعلَيكُم بذاتِ الدِّينِ.[۲]

۸۰۳۰. عنه ﷺ: لا تَزَوَّجُوا النساءَ لِحُسنِهِنَّ، فَعَسىٰ حُسنُهُنَّ أن يُردِيَهُنَّ، ولا تَزَوَّجُوهُنَّ لِأموالِهِنَّ، فَعَسىٰ أموالُهُنَّ أن تُطغِيَهُنَّ، ولكِنْ تَزَوَّجُوهُنَّ على الدِّينِ.[۳]

۸۰۳۱. عنه ﷺ: مَن تَزَوَّجَ إمرَأةً لِدِينِها وجَمالِها، كانَ لَهُ في ذلكَ سِدادٌ مِن عَوَزٍ.[۴]

۸۰۳۲. عنه ﷺ: لا يُختارُ حُسنُ وَجهِ المَرأةِ علىٰ حُسنِ دِينِها.[۵]

۸۰۳۳. عنه ﷺ: تُنكَحُ المَرأةُ علىٰ أربَعِ خِلالٍ: علىٰ مالِها، وعَلىٰ دِينِها، وعَلىٰ جَمالِها،

---

۱. بحار الأنوار: ۳۰/۳۶۲/۷۶.
۲. بحار الأنوار: ۱۹/۲۳۵/۱۰۳.
۳. سنن ابن ماجة: ۱۸۵۹/۵۹۷/۱.
۴. كنز العمّال: ۴۴۵۸۸. ۵. كنز العمّال: ۴۴۵۹۰.

۱۶۴۱
اهمّیت دادن به دیانت زن در ازدواج

۸۰۲۸. **پیامبر خدا ﷺ**: هر که با مال حلال با زنی ازدواج کند، اما هدفش از گرفتن او فخرفروشی و خودنمایی باشد، خداوند عزّوجلّ جز بر خواری و سرشکستگی او نیفزاید.

۸۰۲۹. **پیامبر خدا ﷺ**: هر که با زنی به خاطر زیبایی‌اش ازدواج کند، دلخواه خود را در او نبیند و هر که با زنی به خاطر مال و ثروتش ازدواج کند خداوند او را به همان مال و ثروت واگذارد، پس بر شما باد [ازدواج با] زنان متدیّن.

۸۰۳۰. **پیامبر خدا ﷺ**: با زنان به خاطر زیبایی‌شان ازدواج نکنید؛ زیرا ای بسا زیبایی آنها موجب تباهی و هلاکتشان شود. برای مال و ثروت نیز با آنان ازدواج نکنید؛ زیرا چه بسا مال و ثروتشان آنان را به طغیان و سرکشی وا دارد، بلکه بر اساس دینداری با آنها ازدواج کنید.

۸۰۳۱. **پیامبر خدا ﷺ**: هر که به خاطر دینداری و زیبایی با زنی ازدواج کند، این کار مانع فقر و تنگدستی او خواهد بود.

۸۰۳۲. **پیامبر خدا ﷺ**: نباید حُسن صورت زن را بر حُسن دینداری او برگزید (برتری داد).

۸۰۳۳. **پیامبر خدا ﷺ**: با زن به خاطر چهار ویژگی ازدواج می‌شود: ثروتش، زیبایی‌اش،

وعَلىٰ حَسَبِها ونَسَبِها، فعلَيكَ بذاتِ الدِّينِ.[۱]

دینداری‌اش و شرافت و خانواده‌اش و تو با زنان متدیّن ازدواج کن.

۸۰۳۴. الإمامُ الباقرُ ﷺ: أتىٰ رَجُلٌ رسولَ اللهِ ﷺ يَستَأمِرُهُ في النِّكاحِ، فقالَ: نَعَم إنكِحْ، وعلَيكَ بذَواتِ الدِّينِ تَرِبَتْ يَداكَ.[۲]

۸۰۳۴. امام باقر ﷺ: مردی خدمت پیامبر ﷺ آمد و در امر ازدواج از آن حضرت کسب تکلیف و اجازه کرد. حضرت فرمود: آری، ازدواج کن و بر تو باد زنان متدیّن، خدایت خیر دهد.

(انظر) وسائل الشيعة: ۱۴ / ۳۰ باب ۱۴.

۱۶۴۲
الاهتِمامُ بدِينِ الرَّجُلِ فِي الزَّواجِ

۱۶۴۲
اهمّیت دادن به تدیّن مرد در ازدواج

۸۰۳۵. رسولُ اللهِ ﷺ: إذا جاءَكُم مَن تَرضَونَ دِينَهُ وأمانَتَهُ يَخطُبُ (إلَيكُم) فَزَوِّجُوهُ، إن لا تَفعَلُوهُ تَكُن فِتنَةٌ في الأرضِ وفَسادٌ كبيرٌ.[۳]

۸۰۳۵. پیامبر خدا ﷺ: هرگاه کسی به خواستگاری نزد شما آمد و دینداری و امانتداری او را پسندیدید، به او زن دهید؛ که اگر چنین نکنید، در روی زمین تبهکاری و فساد بسیار پدید خواهد آمد.

۸۰۳۶. الإمامُ الحسنُ ﷺ ـ لرجل جاءَ إلَيهِ يَستَشِيرُهُ في تَزويجِ ابنَتِهِ ـ: زَوِّجْها مِن رَجُلٍ تَقِيٍّ، فإنَّهُ إن أحَبَّها أكرَمَها وإن أبغَضَها لَم يَظلِمْها.[۴]

۸۰۳۶. امام حسن ﷺ ـ به مردی که با ایشان دربارهٔ ازدواج دختر خود مشورت کرد ـ فرمود: او را به مردی باتقوا شوهر ده؛ زیرا اگر دختر تو را دوست داشته باشد گرامی‌اش می‌دارد و اگر دوستش نداشته باشد به وی ستم نمی‌کند.

۸۰۳۷. الإمامُ الرِّضا ﷺ: إن خَطَبَ إلَيكَ رَجُلٌ رَضِيتَ دِينَهُ وخُلُقَهُ فَزَوِّجْهُ، ولا يَمنَعْكَ فَقرُهُ وفاقَتُهُ، قالَ اللهُ تعالىٰ: ﴿وإن يَتَفَرَّقا

۸۰۳۷. امام رضا ﷺ: اگر مردی نزد تو به خواستگاری آمد و دین و اخلاق او را پسندیدی، به وی زن بده و فقر و ناداری‌اش مانع تو از این کار نشود.

---

۱. كنز العمّال: ۴۴۶۰۲. ۲. وسائل الشيعة: ۱۴/۲۱/۲.
۳. بحار الأنوار: ۱۰۳/۳۷۲/۳.
۴. مكارم الأخلاق: ۱/۴۴۶/۱۵۳۴.

يُغنِ اللهُ كُلّاً مِن سَعَتِهِ﴾[1] وقالَ: ﴿إن يَكُونُوا فُقَراءَ يُغنِهِمُ اللهُ مِن فَضلِهِ ...﴾[2].[3]

(انظر) وسائل الشيعة: ١٤ / ٥٠ باب ٢٨.

١٦٤٣
حِكمَةُ المَهرِ

الكتاب:

﴿وَآتُوا النِّساءَ صَدُقاتِهِنَّ نِحلَةً فَإن طِبْنَ لَكُم عَن شَيءٍ مِّنهُ نَفساً فَكُلُوهُ هَنِيئاً مَّرِيئاً﴾.[4]

الحديث:

٨٠٣٨. **الإمامُ الصّادقُ ﷺ:** إنّما صارَ الصَّداقُ على الرجُلِ دُونَ المرأةِ وإن كانَ فِعلُهُما واحِداً، فإنَّ الرجُلَ إذا قَضىٰ حاجَتَهُ مِنها قامَ عنها ولَم يَنتَظِرْ فَراغَها، فَصارَ الصَّداقُ عَلَيهِ دُونَها لذلكَ.[5]

٨٠٣٩. **الإمامُ الرِّضا ﷺ:** علّةُ المَهرِ ووُجوبِهِ على الرِّجالِ ولا يَجِبُ على النساءِ أن يُعطِينَ أزواجَهُنّ، لِأنَّ عَلَى الرِّجالِ مُؤنَةَ المَرأةِ، لأنَّ المرأةَ بايِعَةُ نَفسَها والرَّجُلَ مُشتَرٍ، ولا يكونُ البَيعُ بِلا ثَمَنٍ ولا شِراءٌ بغَيرِ إعطاءٍ

خداوند متعال فرموده است: «و اگر جدا شوند، خدا هر یک را از گشایش خود بی‌نیاز کند» و فرموده است: «اگر تهیدست باشند خداوند از فضل و کرم خود آنان را توانگر کند».

١٦٤٣
حکمت مهریه

قرآن:

«و مهر زنان را چون هدیه به رغبت بدهید. پس اگر چیزی از آن را با رضایت خاطر به شما واگذاشتند، شیرین و گوارا بخورید».

حدیث:

٨٠٣٨. **امام صادق ﷺ:** علّت آن که مهر به عهدهٔ مرد است نه زن، در حالی که کار هر دو یکی است، این است که مرد، وقتی کارش با زن تمام شد، برمی‌خیزد و منتظر نمی‌ماند که زن هم کامیاب شود. این است که مهریه به عهدهٔ مرد نهاده شده است نه زن.

٨٠٣٩. **امام رضا ﷺ:** علّت قرار دادن مهر و وجوب آن بر مردان و این که بر زنان واجب نیست به شوهران خود مهر بدهند، این است که مخارج زن به عهدهٔ مردان است؛ زیرا زن فروشندهٔ خود و مرد خریدار است و فروختن جز در قبالِ بها و خریدن جز در قبال پرداخت بها، صورت

---

١. النساء: ١٣٠. ٢. النور: ٣٢.
٣. بحار الأنوار: ١٠٣/٣٧٢/٧.
٤. النساء: ٤. ٥. علل الشرائع: ٢/٥١٣.

الثَّمَنِ، مَع [أنَّ][1] النساءَ مَحظُوراتٌ عَنِ التَّعامُلِ والمَتْجَرِ، مَع عِلَلٍ كثيرَةٍ.[2]

(انظر) وسائل الشيعة: ۱۵ / ۱ أبواب المهور.

نمی‌پذیرد. به علاوه این که، زنان نمی‌توانند معامله و تجارت کنند و نیز دلیل‌های دیگر.

۱۶۴۴
ذَمُّ غَلاءِ المَهرِ

۸۰۴۰. رسولُ اللهِ ﷺ: أفضَلُ نِساءِ أُمَّتِي أصبَحُهُنَّ وَجهاً وأقَلُّهُنَّ مَهراً.[3]

۸۰۴۱. عنه ﷺ: خَيرُ الصَّداقِ أيسَرُهُ.[4]

۸۰۴۲. عنه ﷺ: إنَّ مِن يُمنِ المرأةِ تَيسِيرَ خِطبَتِها، وتَيسِيرَ صَداقِها، وتَيسِيرَ رَحِمِها.[5]

۸۰۴۳. عنه ﷺ: تَياسَرُوا في الصَّداقِ، فإنّ الرجُلَ لَيُعطِي المَرأةَ حتّىٰ يَبقىٰ ذلكَ في نفسِهِ علَيها حَسِيكَةً.[6][7]

۸۰۴۴. الإمامُ الصّادقُ ﷺ: أمّا شُؤمُ المَرأةِ فكَثرَةُ مَهرِها وعُقوقُ زَوجِها.[8]

۱۶۴۴
نکوهش سنگینی مهریه

۸۰۴۰. **پیامبر خدا**ﷺ: بهترین زنان امّت من، خوبروترین و کم مهریه‌ترین آنان هستند.

۸۰۴۱. **پیامبر خدا**ﷺ: بهترین مهریه، سبکترین آن است.

۸۰۴۲. **پیامبر خدا**ﷺ: از میمنت و خجستگی زن این است که خواستگاری‌اش راحت، و مهریه‌اش سبک باشد و راحت بچه‌دار شود.

۸۰۴۳. **پیامبر خدا**ﷺ: در مهریه آسان بگیرید؛ زیرا مرد مهریهٔ [سنگین] زن را می‌دهد، اما در دلش نسبت به او کینه و دشمنی پدید می‌آید.

۸۰۴۴. **امام صادق**ﷺ: شومی و ناخجستگی زن، زیاد بودن مهریهٔ او و نافرمانی از شوهرش است.

۱۶۴۵
الاهتِمامُ فِي اختِيارِ الزَّوجَةِ

۸۰۴۵. الإمامُ الصّادقُ ﷺ: إنّما المرأةُ قِلادَةٌ فانظُرْ ما

۱۶۴۵
اهمّیت دادن به انتخاب زن

۸۰۴۵. **امام صادق**ﷺ: همانا زن طوق است؛ پس

---

۱. مابين المعقوفين سقط من المصدر، وأثبتناه من نور الثقلين: ۱/۴۴۰/۴۲ نقلاً عن المصدر.

۲. علل الشرائع: ۱/۵۰۱. ۳. بحار الأنوار: ۱۰۳/۲۳۷/۲۵.

۴. كنز العمّال: ۴۴۷۰۷. ۵. كنز العمّال: ۴۴۷۲۱.

۶. حسيكة: أي عداوة وحقداً (النهاية: ۱/۳۸۶).

۷. كنز العمّال: ۴۴۷۳۱. ۸. معاني الأخبار: ۱/۱۵۲.

تَتَقَلَّدُ، ولَيسَ لامرأةٍ خَطَرٌ، لا لِصالِحَتِهِنَّ ولا لِطالِحَتِهِنَّ: وأمّا صالِحَتُهُنَّ فَلَيسَ خَطَرُها الذَّهَبَ والفِضَّةَ هِيَ خَيرٌ مِنَ الذَّهَبِ والفِضَّةِ، وأمّا طالِحَتُهُنَّ فَلَيسَ خَطَرُها التُّرابَ، التُّرابُ خَيرٌ مِنها.[1]

بنگر که چه طوقی به گردن می‌افکنی. برای زن ارزش و بهایی نمی‌توان تعیین کرد، نه برای خوب آنها و نه برای بدشان. زن خوب، ارزشش طلا و نقره نیست، بلکه از طلا و نقره هم بهتر وارزشمندتر است و زن بد، ارزشش خاک نیست، بلکه خاک از او ارزشمندتر است.

۱۶۴۶
تَخَيَّرُوا لِنُطَفِكُم

۸۰۴۶. رسولُ اللهِ ﷺ: تَزَوَّجُوا في الحِجْزِ الصالِحِ، فإنَّ العِرْقَ دَسّاسٌ.[2]

۸۰۴۷. عنه ﷺ: تَخَيَّرُوا لِنُطَفِكُم فانكِحُوا الأكْفاءَ، وأنكِحُوا إلَيهِم.[3]

۸۰۴۸. عنه ﷺ: تَخَيَّرُوا لِنُطَفِكُم، فإنَّ النساءَ يَلِدْنَ أشباهَ إخوانِهِنَّ وأخَواتِهِنَّ.[4]

۸۰۴۹. عنه ﷺ: تَخَيَّرُوا لِنُطَفِكُم، وانتَخِبُوا المَناكِحَ، وعلَيكُم بِذَواتِ الأوْراكِ، فَإنَّهُنَّ أنجَبُ.[5]

۱۶۴۶
برای نطفه‌های خود [دامن‌های شایسته] گزینش کنید

۸۰۴۶. **پیامبر خدا** ﷺ: با خانوادهٔ خوب و شایسته وصلت کنید؛ زیرا رگ و ریشه اثر دارد.

۸۰۴۷. **پیامبر خدا** ﷺ: برای نطفه‌های خود [دامن‌های شایسته] گزینش کنید و با کسانی که همتای شما هستند ازدواج نمایید.

۸۰۴۸. **پیامبر خدا** ﷺ: برای نطفه‌های خود گزینش کنید؛ زیرا زنان بچه‌هایی همانند برادران و خواهران خود به دنیا می‌آورند.

۸۰۴۹. **پیامبر خدا** ﷺ: برای نطفه‌های خود گزینش کنید و همسران را انتخاب نمایید. بر شما باد زنانی که لگن بزرگ دارند، زیرا که زاياترند.

۱۶۴۷
المُؤمِنَةُ كُفوُ المُؤمِنِ

۸۰۵۰. رسولُ اللهِ ﷺ: إنّما زَوَّجْتُ مَولايَ زيدَ بنَ

۱۶۴۷
زنِ مؤمن، همتای مرد مؤمن است

۸۰۵۰. **پیامبر خدا** ﷺ: من غلام خود زید بن

---

۱. معاني الأخبار: ۱/۱۴۴. ۲. كنز العمّال: ۴۴۵۵۹.
۳. كنز العمّال: ۴۴۵۵۶. ۴. كنز العمّال: ۴۴۵۵۷.
۵. كنز العمّال: ۴۴۵۹۲.

حارِثَةَ زَينبَ بِنتَ جَحْشٍ، وزَوَّجْتُ المِقدادَ ضباعَةَ بنتَ الزُّبيرِ، لِتَعلَمُوا أنَّ أكرَمَكُم عِندَ اللهِ أحسَنُكُم إسلاماً.[1]

۸۰۵۱. عنه ﷺ: أنكَحتُ زيدَ بنَ حارِثَةَ زينبَ بنتَ جَحْشٍ، وأنكَحتُ المِقدادَ ضباعَةَ بنتَ الزُّبيرِ بنِ عبدِ المُطَّلِبِ، لِيَعلَمُوا أنَّ أشرَفَ الشَّرَفِ الإسلامُ.[2]

(انظر) وسائل الشيعة: ۱۴ / ۴۳ باب ۲۵.

حارثه را به شوهری زینب دختر جحش درآوردم و مقداد را به همسری ضباعه دختر زبیر، تا بدانید که گرامی‌ترین شما نزد خداوند کسی است که مسلمانی‌اش از همه نیکوتر باشد.

۸۰۵۱. **پیامبر خدا ﷺ**: من زینب دختر جحش را به ازدواج زید بن حارثه درآوردم و ضباعه دختر زبیر بن عبد المطّلب را به ازدواج مقداد، تا بدانند که والاترین شرافت، اسلام است.

۱۶۴۸
مَن لا يَنبَغي تَزويجُهُم

۱۶۴۸
به چه مردانی نباید زن داد

۸۰۵۲. رسولُ اللهِ ﷺ: إنّما النِّكاحُ رِقٌّ، فإذا أنكَحَ أحَدُكُم وَلِيدَةً فقد أرَقَّها، فَلْيَنظُرْ أحَدُكُم لِمَن يُرِقُّ كَرِيمَتَهُ.[3]

۸۰۵۲. **پیامبر خدا ﷺ**: ازدواج، طوق بندگی است. بنابراین، هر کس از شما دختر خود را شوهر دهد، او را به بندگی داده است. پس، هر یک از شما باید بنگرد که دختر عزیز خود را به بندگی چه کسی می‌دهد.

۸۰۵۳. الإمامُ الصّادقُ ﷺ: تَزَوَّجُوا في الشُّكاكِ ولا تُزَوِّجُوهم، لأنَّ المرأةَ تَأخُذُ مِن أدَبِ الرَّجُلِ ويَقهَرُها عَلىٰ دِينِهِ.[4]

۸۰۵۳. **امام صادق ﷺ**: از خانواده‌ای که [در حقانیت شما شیعیان] تردید دارند، زن بگیرید، اما به آنها زن ندهید؛ زیرا زن، تربیت و خلق و خوی مرد را به خود می‌گیرد و مرد، او را تحت تأثیر دینِ خود قرار می‌دهد.

۸۰۵۴. الإمامُ الرِّضا ﷺ: إيّاكَ أن تُزَوِّجَ شارِبَ الخَمرِ، فإن زَوَّجتَهُ فكأنّما قُدْتَ إلَى الزِّنا.[5]

۸۰۵۴. **امام رضا ﷺ**: از زن دادن به شرابخوار بپرهیز، که اگر به او زن دهی چنان است که دلّال زنا شده باشی.

---

۱. كنز العمّال: ۳۱۳.
۲. مكارم الأخلاق: ۱/۴۵۲/۱۵۴۶.
۳. بحار الأنوار: ۱۰۳/۲۷۱/۲.
۴. بحار الأنوار: ۱۰۳/۲۷۷/۸.
۵. بحار الأنوار: ۷۹/۱۴۲/۵۵.

۸۰۵۵. **مكارم الأخلاق** عن الحسين بن بَشّار: كَتَبتُ إلىٰ أبي الحسنِ عليه السلام: إنّ لي ذا قَرابَةٍ قد خَطَبَ إلَيَّ وفي خُلُقِهِ سُوءٌ! فقالَ: لا تُزَوِّجْهُ إن كانَ سَيِّئَ الخُلُقِ.[1]

(انظر) وسائل الشيعة: ۱۴ / ۵۳ ـ ۵۴ باب ۲۹ ـ ۳۱.

۸۰۵۵. **مكارم الأخلاق** به نقل از حسين بشّار: به ابوالحسن عليه السلام نوشتم: من خويشاوندى دارم كه از دخترم خواستگارى كرده، اما بداخلاق است. حضرت فرمود: اگر بد خُلق است، به او زن نده.

۱۶۴۹
مَن لا يَنبَغي تَزَوُّجُهُنَّ

۸۰۵۶. **رسولُ اللهِ** صلى الله عليه وآله: إيّاكُم وتَزَوُّجَ الحَمْقاءِ، فإنَّ صُحبَتَها ضَياعٌ ووُلْدَها ضِياعٌ.[2]

۸۰۵۷. **عنه** صلى الله عليه وآله: لا تَتَزَوَّجَنَّ شَهْبَرَةً ولا لَهْبَرَةً ولا نَهْبَرَةً ولا هَيْدَرَةً ولا لَفُوتاً ... أمّا الشَّهبَرَةُ فالزَّرقاءُ البَذِيَّةُ، وأمّا اللَّهبَرَةُ فالطويلَةُ المَهْزُولَةُ، وأمّا النَهْبَرَةُ فالقَصيرةُ الذَّميمَةُ، وأمّا الهَيدَرَةُ فالعَجوزَةُ المُدبِرَةُ، وأمّا اللَّفُوتُ فذاتُ الوَلَدِ مِن غَيرِكَ.[3]

۸۰۵۸. **الإمامُ الصّادقُ عن آبائهِ** عليهم السلام: أنّ رسولَ اللهِ صلى الله عليه وآله قالَ لِلنّاسِ: إيّاكُم وخَضْراءَ الدِّمَنِ، قيلَ: يا رسولَ اللهِ، وما خَضراءُ الدِّمَنِ؟ قالَ: المَرأةُ الحَسناءُ في مَنبِتِ السُّوءِ.[4]

(انظر) وسائل الشيعة: ۱۴ / ۵۶ باب ۳۲، و ص ۵۷ باب ۳۴.

۱۶۴۹
با چه زنانى نبايد ازدواج كرد

۸۰۵۶. **پيامبر خدا** صلى الله عليه وآله: از ازدواج با زن احمق بپرهيزيد؛ زيرا همنشينى با او تباهى است و فرزندانش كفتار [صفت] هستند.

۸۰۵۷. **پيامبر خدا** صلى الله عليه وآله: با زنِ شهبَره و لَهبَره و نَهبَره و هَيدَره و لَفُوت ازدواج نكن...؛ شهبره، زنِ چشم كبود بد زبان است، لهبره، زن دراز قدِ لاغراندام است، نهبره، زن كوتاه قدِ زشت است، هيدره، پيرزن رو به مرگ است و لفوت، زنى است كه از شوهر قبلى‌اش فرزند داشته باشد.

۸۰۵۸. **امام صادق** عليه السلام به نقل از پدرانش عليهم السلام: پيامبر خدا صلى الله عليه وآله به مردم فرمود: از خضراء الدمن (گياه روييده در خرابه) بپرهيزيد. گفته شد: اى رسول خدا! خضراء الدمن چيست؟ فرمود: زن زيبارويى كه در خانواده‌اى فاسد رشد كرده است.

---

۱. مكارم الأخلاق: ۱۵۲۵/۴۴۳/۱.
۲. بحار الأنوار: ۳۵/۲۲۷/۱۰۳.
۳. بحار الأنوار: ۶/۲۳۱/۱۰۳.
۴. بحار الأنوار: ۱۰/۲۳۲/۱۰۳.

۱۶۵۰
أقسامُ النِّساءِ

۸۰۵۹. **الإمامُ الصّادقُ** ﷺ: النساءُ ثلاثٌ: فواحِدَةٌ لكَ، وواحِدَةٌ لكَ وعلَيكَ، وواحِدَةٌ عَلَيكَ لا لكَ. فأمّا التي هِي لكَ فالمرأةُ العَذراءُ، وأمّا التي هِي لكَ وعلَيكَ فالثَّيِّبُ، وأمّا التي هِي علَيكَ لا لكَ فهِي المُتبِعُ التي لها وَلَدٌ مِن غَيرِكَ.[1]

۸۰۶۰. **الإمامُ الرِّضا** ﷺ: هُنَّ ثلاثٌ: فامرأةٌ وَلُودٌ وَدُودٌ تُعِينُ زَوجَها علىٰ دَهرِهِ لِدُنياهُ وآخِرَتِهِ ولا تُعِينُ الدَّهرَ علَيهِ، وامرأةٌ عَقيمَةٌ لا ذاتُ جَمالٍ ولا تُعِينُ زَوجَها (علىٰ خَيرٍ) وامرأةٌ صَخّابَةٌ وَلّاجَةٌ هَمّازَةٌ تَستَقِلُّ الكثيرَ ولا تَقبَلُ الكثيرَ، وإيّاكَ أن تَغتَرَّ بمَن هذهِ صِفَتُها فإنَّهُ قالَ رسولُ اللهِ ﷺ: إيّاكُم وخَضراءَ الدِّمَنِ، قيلَ: يا رسولَ اللهِ ومَن خَضراءُ الدِّمَنِ؟ قالَ: المرأةُ الحَسناءُ في مَنبِتِ السُّوءِ.[2]

(انظر) وسائل الشيعة: ۱۴ / ۱۳ باب ۶، و ص ۱۸ باب ۷.

---

۱. تحف العقول: ۳۱۷.

۲. بحار الأنوار: ۱۰۳/۲۳۴/۱۵.

۱۶۵۰
اقسام زنان

۸۰۵۹. **امام صادق**ﷺ: زنان سه دسته‌اند: یکی، همه به سود توست و یکی، هم به سود تو و هم به زیان توست و یکی، همه به زیان توست و سودی برایت ندارد. آن زنی که به سود توست، دوشیزه است و آن که هم به سود توست و هم به زیان تو، بیوه زن است و آن که به زیان توست و سودی برایت ندارد، زنی است که از شوهر قبلی، فرزند به دنبال دارد.

۸۰۶۰. **امام رضا**ﷺ: زنان سه دسته‌اند: زن زایای مهربان، که شوهر خود را در کار دنیا و آخرتش یاری می‌رساند و روزگار را بر او سخت نمی‌کند. و زن نازا و بی‌بهره از زیبایی که شوهرش را [در امور خیر] یاری نمی‌رساند. و زن پر سر و صدای پا به در و عیب جویی که زیاد را اندک می‌شمارد و زیاد را هم نمی‌پذیرد. زنهار که فریفتهٔ زنی با این خصوصیات شوی؛ زیرا رسول خداﷺ فرمود: از خضراء الدمن بپرهیزید. عرض شد: ای رسول خدا! خضراء الدمن کیست؟ فرمود: زنِ زیبایی که در خانواده‌ای بد رشد کرده است.

۱۶۵۱
حُقوقُ الزَّوجِ

۸۰۶۱. رسولُ اللهِ ﷺ: أعظَمُ الناسِ حَقّاً على المرأةِ زَوجُها، وأعظَمُ الناسِ حقّاً عَلَى الرَّجُلِ أُمُّهُ.[۱]

۸۰۶۲. عنه ﷺ: ويلٌ لِامرَأةٍ أغضَبَتْ زَوجَها، وطُوبىٰ لِامرَأةٍ رَضِيَ عنها زَوجُها.[۲]

۸۰۶۳. عنه ﷺ: لَو أمَرتُ أحَداً أن يَسجُدَ لِأَحَدٍ لَأَمَرتُ المرأةَ أن تَسجُدَ لِزَوجِها.[۳]

۸۰۶۴. سنن أبي داوود عن قيسِ بنِ سعدٍ: أتَيتُ الحِيرَةَ فَرَأيتُهُم يَسجُدُونَ لِمَرزُبانٍ لَهُم، فَقُلتُ: رسولُ اللهِ أحَقُّ أن يُسجَدَ لَهُ، قالَ: فَأتَيتُ النبيَّ ﷺ فقلتُ: إنّي أتَيتُ الحِيرَةَ فَرَأيتُهُم يَسجُدُونَ لِمَرزُبانٍ لَهُم، فأنتَ يا رسولَ اللهِ أحَقُّ أن نَسجُدَ لكَ، قالَ: أرَأيتَ لو مَرَرتَ بِقَبرِي أكُنتَ تَسجُدُ لَهُ؟ قلتُ: لا.

قالَ: فلا تَفعَلُوا، لَو كُنتُ آمِراً أحَداً أن يَسجُدَ لِأحَدٍ لَأمَرتُ النساءَ أن يَسجُدْنَ لِأزواجِهِنَّ، لِما جَعَلَ اللهُ لَهُم

۱. كنز العمّال: ۴۴۷۷۱. ۲. بحار الأنوار: ۱۰۳/۲۴۶/۲۴.
۳. الكافي: ۵/۵۰۸/۶.

۱۶۵۱
حقوق شوهر

۸۰۶۱. **پیامبر خدا**ﷺ: بزرگترین حق را بر زن، شوهر او دارد و بزرگترین حق را بر مرد، مادر او دارد.

۸۰۶۲. **پیامبر خدا**ﷺ: وای بر زنی که شوهرش را ناراحت کند و خوشا به حال زنی که شوهرش از او راضی باشد.

۸۰۶۳. **پیامبر خدا**ﷺ: اگر قرار بود دستور دهم کسی در برابر کسی سجده کند، حتماً به زن دستور می‌دادم که شوهرش را سجده کند.

۸۰۶۴. **سنن أبي داوود** به نقل از قیس بن سعد: به حیره وارد شدم. دیدم [مردم] در برابر حکمران خود به سجده می‌افتند. گفتم: رسول خدا به سجده شدن سزاوارتر است. سپس نزد پیامبرﷺ آمدم و عرض کردم: من به حیره رفتم و دیدم که [مردم آن جا] در برابر حکمران خود به سجده می‌افتند. در حالی که تو، ای رسول خدا بیشتر سزاواری که ما سجده‌ات کنیم. پیامبر فرمود: آیا اگر بر قبر من بگذری آن را سجده خواهی کرد؟ عرض کردم: نه. پیامبر فرمود: این کار را نکنید. اگر بنا بود دستور دهم کسی در برابر کسی سجده کند، هر آینه به زنان دستور می‌دادم به دلیل حقّی که خداوند برای شوهرانشان به گردن آنان

عَلَيهِنَّ مِنَ الحَقِّ.[۱]

(انظر) التعظيم: باب ۲۷۰۸.

۸۰۶۵. الإمامُ الباقرُ ﷺ: لا شَفيعَ للمرأةِ أنجَحُ عِند رَبِّها مِن رِضا زَوجِها، ولَمّا ماتَتْ فاطمةُ ﷺ قامَ عَلَيها أميرُ المؤمنينَ ﷺ وقالَ: اللّهُمَّ إنّي راضٍ عَنِ ابنَةِ نَبِيِّكَ، اللّهُمَّ إنّها قد أوحَشَتْ فَآنِسْها.[۲]

۸۰۶۵. **امام باقر**ﷺ: برای زن، نزد پروردگارش شفیعی کارسازتر از خشنودی شوهرش نیست. وقتی فاطمهﷺ درگذشت، امیرالمؤمنین کنار آن بزرگوار ایستاد و گفت: بار خدایا! من از دختر پیامبر تو راضی هستم؛ خدایا! او اکنون تنهاست پس تو همدمش باش.

۸۰۶۶. الإمامُ الصّادقُ ﷺ: لا غِنىً بالزَّوجةِ فيما بَينَها وبينَ زوجِها المُوافِقِ لَها عن ثَلاثِ خِصالٍ وهُنَّ: صِيانَةُ نَفسِها عن كُلِّ دَنَسٍ حتّىٰ يَطمَئِنَّ قَلبُهُ إلى الثِّقَةِ بها في حالِ المَحبوبِ والمَكروهِ، وحِياطَتُهُ لِيكونَ ذلكَ عاطِفاً عَلَيها عندَ زَلَّةٍ تكونُ مِنها، وإظهارُ العِشقِ لَهُ بالخِلابَةِ[۳] والهَيئةِ الحَسَنةِ لَها في عَينِهِ.[۴]

۸۰۶۶. **امام صادق**ﷺ: زن نسبت به شوهرِ سازگار خود سه نکته را باید رعایت کند: حفظ کردن خود از هر گناه (آلودگی)، تا شوهرش در هر حال، خوشایند یا ناخوشایند، در دل به او اطمینان داشته باشد و [دیگر] مراقبت از او و زندگی‌اش، تا شوهرش در صورتی که لغزشی از وی سر زند، نسبت به وی عطوف و مهربان باشد و [سوم] اظهار عشق به او، با خوش‌زبانی و دلبری و سر و وضع مناسب و خوشایند در نظر او.

۱۶۵۲
حُقوقُ الزَّوجَةِ

۱۶۵۲
حقوق زن

۸۰۶۷. رسولُ اللهِ ﷺ: ما زالَ جَبرَئيلُ يُوصِينِي

۸۰۶۷. **پیامبر خدا**ﷺ: جبرئیل پیوسته مرا دربارهٔ

---

۱. سنن أبي داوود: ۲۱۴۰/۲۴۴/۲.

۲. بحار الأنوار: ۱/۲۵۶/۱۰۳.

۳. الخِلابة ـ بكسر الخاء ـ: الخديعة باللسان بالقول اللطيف (مجمع البحرين: ۱/ ۵۳۴).

۴. بحار الأنوار: ۷۰/۲۳۷/۷۸.

بالمرأةِ حتّىٰ ظَنَنتُ أنَّهُ لا يَنبَغِي طَلاقُها إلّا مِن فاحِشَةٍ مُبَيِّنَةٍ.[۱]

زن سفارش می‌کرد، تا جایی که گمان بردم طلاق او جایز نیست مگر در صورت زشتکاری آشکار.

۸۰۶۸. عنه ﷺ: حَقُّ المرأةِ علىٰ زَوجِها أن يَسُدَّ جَوعَتَها، وأن يَستُرَ عَورَتَها، ولا يُقَبِّحَ لَها وَجهاً.[۲]

۸۰۶۸. **پیامبر خدا**ﷺ: حقّ زن بر شوهرش این است که شکمش را سیر کند و بدنش را بپوشاند و برای او روی در هم نکشد.

۸۰۶۹. عنه ﷺ: قَولُ الرَّجُلِ للمرأةِ: «إنّي اُحِبُّكِ» لا يَذهَبُ مِن قَلبِها أبداً.[۳]

۸۰۶۹. **پیامبر خدا**ﷺ: این سخن مرد به زن که «دوستت دارم» هرگز از دل زن بیرون نرود.

۸۰۷۰. الإمامُ زينُ العابدينَ ﷺ: وأمّا حَقُّ الزَّوجَةِ فأن تَعلَمَ أنَّ اللهَ عزّوجلّ جَعَلَها لكَ سَكَناً وأُنساً، فَتَعلَمَ أنَّ ذلكَ نِعمَةٌ مِنَ اللهِ عَلَيكَ فَتُكرِمَها وتَرفُقَ بها، وإن كانَ حَقُّكَ عَلَيها أوجَبَ فإنّ لَها عَلَيكَ أن تَرحَمَها.[۴]

۸۰۷۰. **امام زین العابدین**ﷺ: حقّ زن این است که بدانی خداوند عزّوجلّ او را مایهٔ آرامش و انس تو قرار داده است و بدانی که این نعمتی است که خداوند به تو داده؛ پس او را گرامی داری و با وی نرمخو باشی، هر چند حقّ تو بر او واجب‌تر است، اما حقّ وی بر تو این است که با او مهربان باشی.

۸۰۷۱. الإمامُ الصّادقُ ﷺ: إنّ المَرءَ يَحتاجُ في مَنزِلِهِ وعِيالِهِ إلىٰ ثلاثِ خِلالٍ يَتَكَلَّفُها وإن لَم يَكُن في طَبعِهِ ذلكَ: مُعاشَرَةٍ جَميلَةٍ، وسَعَةٍ بِتَقديرٍ، وغَيرَةٍ بتَحَصُّنٍ.[۵]

۸۰۷۱. **امام صادق**ﷺ: مرد برای ادارهٔ منزل و خانوادهٔ خود به سه خصلت نیاز دارد که اگر هم به طور طبیعی آنها را نداشته باشد، باید خود را به تکلّف در آنها وادارد: خوش‌رفتاری، گشاده دستیِ سنجیده، و غیرت بر حفاظت از آنها.

۸۰۷۲. عنه ﷺ: لا غِنىٰ بالزَّوجِ عن ثلاثةِ أشياءَ فيما بَينَهُ وبينَ زَوجَتِهِ وهِيَ: المُوافَقَةُ لِيَجتَلِبَ بها مُوافَقَتَها ومَحَبَّتَها وهَواها،

۸۰۷۲. **امام صادق**ﷺ: شوهر در رابطه با همسرش از سه چیز بی‌نیاز نیست: سازگاری با او، تا بدین وسیله سازگاری و محبّت و عشق او را به خود جلب کند، و

---

۱. بحار الأنوار: ۱۰۳/۲۵۳/۵۸.
۲. بحار الأنوار: ۱۰۳/۲۵۴/۶۰.
۳. الكافي: ۵/۵۶۹/۵۹. ۴. بحار الأنوار: ۷۴/۵/۱.
۵. تحف العقول: ۳۲۲.

وحُسنُ خُلُقِهِ مَعها، واستِعمالُهُ استِمالَةَ قَلبِها بالهَيئَةِ الحَسَنَةِ في عَينِها، وتَوسِعَتِهِ علَيها.[۱]

۸۰۷۳. **الكافي** عن إسحاقِ بنِ عمّارٍ: قلتُ لأبي عبدِ اللهِ ﷺ: ما حَقُّ المرأةِ على زَوجِها الذي إذا فَعَلَهُ كانَ مُحسِناً؟ قالَ: يُشبِعُها ويَكسُوها، وإن جَهِلَت غَفَرَ لَها.[۲]

۸۰۷۴. **الكافي** عن الحسنِ بنِ جَهمٍ: رأيتُ أبا الحسنِ ﷺ اختَضَبَ، فقلتُ: جُعِلتُ فِداكَ، اختَضَبتَ؟ فقالَ: نَعَم، إنَّ التَّهيِئَةَ مِمّا يَزيدُ في عِفَّةِ النساءِ، ولَقد تَرَكَ النساءُ العِفَّةَ بِتَركِ أزواجِهِنَّ التَّهيِئَةَ.

ثُمَّ قالَ: أيَسُرُّكَ أن تَراها علىٰ ما تَراكَ علَيهِ إذا كنتَ علىٰ غَيرِ تَهيِئَةٍ؟ قلتُ: لا، قالَ: فهُو ذاكَ.[۳]

۱۶۵۳
خِدمَةُ الزَّوجِ

۸۰۷۵. **إرشاد القلوب:** قالَ رسولُ اللهِ ﷺ: أيُّما امرَأةٍ خَدَمَتْ زَوجَها سَبعَةَ أيّامٍ، غَلَّقَ اللهُ عَنها سَبعَةَ أبوابِ النارِ وفَتَحَ لَها ثمانِيَةَ

خوشخویی با او و دلبری از او با آراستن خود در چشم وی، و فراهم آوردن امکانات رفاهی او.

۸۰۷۳. **الكافي** به نقل از اسحاق بن عمّار: به امام صادق ﷺ عرض کردم: حقّ زن بر مرد چیست که هر گاه مرد آن را به جای آورد نیکوکار است؟ فرمود: خوراک و پوشاکش را فراهم آورد و اگر نادانی و جسارتی کرد او را ببخشد.

۸۰۷۴. **الكافي** به نقل از حسن بن جهم: ابوالحسن ﷺ را دیدم که خضاب کرده است. عرض کردم: فدایت شوم خضاب کرده‌ای؟ فرمود: آری. آراستگی [مرد] از جمله چیزهایی است که بر عفّت زنان می‌افزاید. زنان ترک عفّت کرده‌اند، چون شوهرانشان آراستگی را ترک نموده‌اند. سپس فرمود: اگر آراسته نباشی، آیا خوش داری که همسرت را نیز مانند خودت ببینی؟ عرض کردم: نه. فرمود: او نیز چنین است.

۱۶۵۳
خدمت به شوهر

۸۰۷۵. **إرشاد القلوب:** پیامبر خدا ﷺ فرمود: هر زنی که هفت روز شوهرش را خدمت کند، خداوند هفت در دوزخ را به روی او

---

۱. بحار الأنوار: ۷۸/۲۳۷/۷۰.
۲. الكافي: ۵/۵۱۰/۱. ۳. الكافي: ۵/۵۶۷/۵۰.

أبوابِ الجَنَّةِ تَدخُلُ مِن أيِّنَما شاءَتْ.

وقالَ ﷺ: ما مِن امرَأةٍ تَسقِي زَوجَها شَربَةَ ماءٍ إلّا كانَ خَيراً لَها مِن سَنةٍ صِيامِ نَهارِها وقِيامِ لَيلِها.[1]

۸۰۷۶. **الإمامُ الصّادقُ ﷺ**: سَألَتْ أُمُّ سَلَمَةَ رسولَ اللهِ ﷺ عن فَضلِ النساءِ في خِدمَةِ أزواجِهِنَّ، فقال: أيُّما امرَأةٍ رَفَعَتْ مِن بَيتِ زَوجِها شيئاً مِن مَوضِعٍ إلىٰ مَوضِعٍ تُرِيدُ بِهِ صَلاحاً إلّا نَظَرَ اللهُ إلَيها، ومَن نَظَرَ اللهُ إلَيهِ لَم يُعَذِّبْهُ.[2]

۸۰۷۷. **الإمامُ الكاظمُ ﷺ**: جِهادُ المَرأةِ حُسنُ التَّبَعُّلِ.[3]

بببندد و هشت در بهشت را به رویش بگشاید، تا از هر در که خواهد وارد شود.

و فرمود: هیچ زنی نیست که جرعه‌ای آب به شوهرش بنوشاند مگر آن که این عمل او برایش بهتر از یک سال باشد که روزهایش را روزه بگیرد و شبهایش را به عبادت سپری کند.

۸۰۷۶. **امام صادق ﷺ**: امّ‌سلمه از رسول خدا ﷺ دربارهٔ فضیلت خدمت کردن زنان به شوهرانشان پرسید، آن حضرت فرمود: هر زنی که در خانهٔ شوهر خود به قصد مرتّب کردن آن، چیزی را جابه جا کند خداوند به او نظر افکند و هر که خداوند به او نظر کند عذابش ندهد.

۸۰۷۷. **امام کاظم ﷺ**: جهاد زن، خوب شوهرداری کردن است.

۱۶۵۴
خِدمَةُ الزَّوجَةِ

۸۰۷۸. رسولُ اللهِ ﷺ: إذا سَقَى الرجلُ امرَأتَهُ أُجِرَ.[4]

۸۰۷۹. **عنه ﷺ**: لا يَخدُمُ العِيالَ إلّا صِدِّيقٌ أو شَهيدٌ أو رَجُلٌ يُرِيدُ اللهُ بِهِ خَيرَ الدنيا والآخِرَةِ.[5]

۸۰۸۰. **عنه ﷺ**: اِتَّقُوا اللهَ في الضَّعِيفَينِ: اليَتيمِ

۱۶۵۴
خدمت به زن

۸۰۷۸. **پیامبر خدا ﷺ**: هر گاه مرد به زن خود آبی بنوشاند، پاداش بَرَد.

۸۰۷۹. **پیامبر خدا ﷺ**: به زن خود خدمت نکنند، مگر صدّیق، یا شهید، یا مردی که خداوند خیر دنیا و آخرتِ او را بخواهد.

۸۰۸۰. **پیامبر خدا ﷺ**: از خدا دربارهٔ دو ناتوان بترسید: یتیم و زن. براستی بهترین شما

---

۱. إرشاد القلوب: ۱۷۵.
۲. بحار الأنوار: ۱۰۳/۲۵۱/۴۹.
۳. الكافي: ۵/۵۰۷/۴.
۴. كنز العمّال: ۴۴۴۳۵.
۵. بحار الأنوار: ۱۰۴/۱۳۲/۱.

والمرأةِ، فإنَّ خِيارَكُم خِيارُكُم لِأهلِهِ.[۱]

کسی است که برای خانواده‌اش بهتر باشد.

۸۰۸۱. عنه ﷺ: جُلوسُ المَرءِ عندَ عِيالِهِ أحَبُّ إلى اللهِ تعالىٰ مِن اعتِكافٍ في مَسجِدِي هذا.[۲]

۸۰۸۱. **پیامبر خدا**ﷺ: نشستن مرد نزد زن و فرزندش، نزد خدای متعال محبوبتر است از اعتکاف او در این مسجد من.

۸۰۸۲. عنه ﷺ: إنَّ الرَّجُلَ لَيُؤجَرُ في رَفعِ اللُّقمَةِ إلىٰ فِي امرَأتِهِ.[۳]

۸۰۸۲. **پیامبر خدا**ﷺ: کسی که به طرف دهان همسرش لقمه‌ای بالا برد پاداش برد.

۸۰۸۳. الإمامُ الصّادقُ ﷺ: مَن حَسُنَ بِرُّهُ بِأهلِهِ زادَ اللهُ في عُمُرِهِ.[۴]

۸۰۸۳. **امام صادق**ﷺ: هر که به خانواده‌اش نیکی کند، خداوند بر عمرش بیفزاید.

۱۶۵۵ إيذاءُ الزَّوجِ

۱۶۵۵ آزردنِ شوهر

۸۰۸۴. رسولُ اللهِ ﷺ: مَن كانَ لَهُ امرَأةٌ تُؤذِيهِ لَم يَقبَلِ اللهُ صلاتَها ولا حَسَنَةً مِن عَمَلِها حتّىٰ تُعِينَهُ وتُرضِيَهُ وإن صامَتِ الدَّهرَ... وعلى الرَّجُلِ مِثلُ ذلكَ الوِزرِ والعَذابِ إذا كانَ لَها مُؤذِياً ظالِماً.[۵]

۸۰۸۴. **پیامبر خدا**ﷺ: هر کسی زنی داشته باشد که وی را بیازارد، خداوند نه نماز آن زن را قبول کند و نه کار نیکش را، هر چند همهٔ عمر روزه بگیرد تا زمانی که به شوهرش کمک کند و او را خشنود سازد... مرد نیز اگر زن خودرا بیازارد و به او ستم کند، همین گناه و عذاب را دارد.

۸۰۸۵. الإمامُ الصّادقُ ﷺ: مَلعونَةٌ مَلعونَةٌ امرأةٌ تُؤذِي زَوجَها وتُغِمُّهُ، وسَعيدةٌ سَعِيدةٌ امرأةٌ تُكرِمُ زَوجَها ولا تُؤذِيهِ وتُطِيعُهُ في جَميعِ أحوالِهِ.[۶]

۸۰۸۵. **امام صادق**ﷺ: ملعون است، ملعون است آن زنی که شوهر خود را بیازارد و غمگینش کند، و خوشبخت است، خوشبخت آن زنی که شوهر خود را احترام نهد و آزارش ندهد و در همه حال از وی فرمان برد.

---

۱. بحار الأنوار: ۵/۲۶۸/۷۹.
۲. تنبيه الخواطر: ۱۲۲/۲. ۳. المحجّة البيضاء: ۷۰/۳.
۴. الخصال: ۲۱/۸۸. ۵. وسائل الشيعة: ۱/۱۱۶/۱۴.
۶. بحار الأنوار: ۵۵/۲۵۳/۱۰۳.

۱۶۵۶
إيذاءُ الزَّوجَةِ

۸۰۸۶. رسولُ اللهِ ﷺ: ألا وإنَّ اللهَ عزّوجلّ ورَسُولَهُ بَرِيئانِ مِمَّن أضَرَّ بِامرَأةٍ حتّىٰ تَختَلِعَ مِنهُ.[1]

۸۰۸۷. عنه ﷺ: إنّي لَأتَعَجَّبُ مِمَّن يَضرِبُ امرَأتَهُ وهُو بِالضَّربِ أولىٰ مِنها![2]

۸۰۸۸. الإمامُ عليٌّ ﷺ ـ فِيما أوصَى ابنَهُ الحسنَ ﷺ ـ: لا يَكُنْ أهلُكَ أشقَى الخَلقِ بِكَ.[3]

۱۶۵۶
آزردنِ زن

۸۰۸۶. **پیامبر خدا**ﷺ: بدانید که خداوند عزّوجلّ و رسولش بیزارند از کسی که به زنی آزار رساند، تا آن که طلاق خُلع[1] بگیرد.

۸۰۸۷. **پیامبر خدا**ﷺ: من در شگفتم از کسی که زنش را کتک می‌زند، در حالی که خودش به کتک خوردن سزاوارتر از اوست.

۸۰۸۸. **امام علی**ﷺ ـ در ضمن وصیّت به فرزندش حسن ﷺ ـ فرمود: نباید خانواده‌ات به خاطر تو بدبخت‌ترین مردمان باشند.

۱۶۵۷
الصَّبرُ عَلىٰ سوءِ خُلُقِ الزَّوجَةِ

۸۰۸۹. رسولُ اللهِ ﷺ: مَن صَبَرَ عَلىٰ سُوءِ خُلُقِ امرَأتِهِ واحتَسَبَهُ، أعطاهُ اللهُ تعالىٰ بِكُلِّ يَومٍ ولَيلَةٍ يَصبِرُ علَيها مِنَ الثَّوابِ ما أعطىٰ أيُّوبَ ﷺ عَلىٰ بَلائِهِ، وكانَ علَيها مِنَ الوِزرِ في كُلِّ يَومٍ ولَيلَةٍ مِثلُ رَملِ عالِجٍ.[4]

۱۶۵۷
شکیبایی بر کج خلقی زن

۸۰۸۹. **پیامبر خدا**ﷺ: هر مردی که به خاطر خدا و به امید پاداش او در برابر بداخلاقی همسرش صبر کند، خداوند متعال برای هر روز و شبی که او شکیبایی می‌ورزد، همان ثوابی را به وی دهد که به ایّوب ﷺ در قبال گرفتاری‌اش، عطا کرد. و گناه زن نیز در هر روز و شب به اندازهٔ ریگ‌های ریگستان باشد.

۱۶۵۸
الصَّبرُ عَلىٰ سوءِ خُلُقِ الزَّوجِ

۸۰۹۰. رسولُ اللهِ ﷺ: مَن صَبَرَتْ عَلىٰ سُوءِ خُلُقِ

۱۶۵۸
شکیبایی بر بداخلاقی مرد

۸۰۹۰. **پیامبر خدا**ﷺ: هر زنی که در برابر

---

۱. ثواب الأعمال: ۱/۳۳۸. ۲. جامع الأخبار: ۱۲۵۹/۴۴۷.
۳. بحار الأنوار: ۲/۲۲۹/۷۷. ۴. ثواب الأعمال: ۱/۳۳۹.

۱. طلاقی که زن با بخشیدن مهریهٔ خود، یا حتی بیشتر، از شوهرش طلاق بگیرد.

زَوجِها أعطاها مِثلَ (ثَوابِ) آسِيَةَ بنتِ مُزاحِمٍ.[۱]

۱۶۵۹
الزَّوجَةُ الصّالِحَةُ

۸۰۹۱. رسولُ اللهِ ﷺ: ما استَفادَ المؤمنُ بعدَ تَقوَى اللهِ عزّوجلّ خَيراً لَهُ مِن زَوجَةٍ صالِحَةٍ.[۲]

۸۰۹۲. عنه ﷺ: خَيرُ مَتاعِ الدنيا المرأةُ الصالِحَةُ.[۳]

۸۰۹۳. عنه ﷺ: المَرأةُ الصالِحَةُ خَيرٌ مِن أَلفِ رَجُلٍ غَيرِ صالِحٍ.[۴]

۸۰۹۴. عنه ﷺ: مِن سَعادَةِ المَرءِ الزوجَةُ الصالِحَةُ.[۵]

۸۰۹۵. عنه ﷺ: الدنيا مَتاعٌ، وخَيرُ مَتاعِها الزوجَةُ الصالِحَةُ.[۶]

۸۰۹۶. عنه ﷺ: المَرأةُ الصالِحَةُ أحَدُ الكاسِبَينِ.[۷]

۸۰۹۷. الكافي عن رسولِ اللهِ ﷺ: إنّما مَثَلُ المرأةِ الصالِحَةِ مَثَلُ الغُرابِ الأعْصَمِ الذي لا يَكادُ يُقدَرُ علَيهِ. قيلَ: وما الغُرابُ الأعْصَمُ

---

۱. بحار الأنوار: ۳۰/۲۴۷/۱۰۳.
۲. كنز العمّال: ۴۴۴۱۰. ۳. كنز العمّال: ۴۴۴۵۱.
۴. إرشاد القلوب: ۱۷۵. ۵. الكافي: ۴/۳۲۷/۵.
۶. بحار الأنوار: ۳۷/۲۲۲/۱۰۳.
۷. بحار الأنوار: ۳۹/۲۳۸/۱۰۳.

بداخلاقی شوهرش شکیبایی ورزد، خداوند همانند ثواب آسیه بنت مزاحم (همسر فرعون) به او عطا کند.

۱۶۵۹
همسر شایسته

۸۰۹۱. **پیامبر خدا ﷺ**: مؤمن، بعد از تقوای خداوند عزّوجلّ، بهره‌ای بهتر از زن شایسته نبرده است.

۸۰۹۲. **پیامبر خدا ﷺ**: بهترین متاع دنیا، زن شایسته است.

۸۰۹۳. **پیامبر خدا ﷺ**: یک زن شایسته بهتر از هزار مرد ناشایست است.

۸۰۹۴. **پیامبر خدا ﷺ**: از خوشبختی مرد، داشتن زن شایسته است.

۸۰۹۵. **پیامبر خدا ﷺ**: دنیا متاع است، و بهترین متاع آن زن شایسته است.

۸۰۹۶. **پیامبر خدا ﷺ**: زن شایسته، یکی‌از دو روزی آور است.

۸۰۹۷. **الكافي**: پیامبر خدا ﷺ فرمود: مَثَل زن شایسته مَثَل کلاغ اعصم است، که تقریباً نایاب می‌باشد. عرض شد: کلاغ اعصم که تقریباً نایاب است چیست؟ فرمود: کلاغی

الذي لا يَكادُ يُقدَرُ علَيهِ؟ قال: الأبيَضُ إحْدىٰ رِجلَيهِ.[۱]

۸۰۹۸. **الإمامُ الباقرُ** ﷺ: ما أفادَ عَبدٌ فائدَةً خَيراً مِن زَوجَةٍ صالِحَةٍ: إذا رَآها سَرَّتْهُ، وإذا غابَ عَنها حَفِظَتْهُ في نَفسِها ومالِهِ.[۲]

۸۰۹۹. **الإمامُ الصّادقُ** ﷺ ـ لامرأةِ سعدٍ ـ: هَنيئاً لكِ يا خَنساءُ! فلَو لَم يُعْطِكِ اللهُ شيئاً إلّا ابنَتَكِ أُمَّ الحسينِ لقد أعطاكِ اللهُ خَيراً كثيراً، إنّما مَثَلُ المَرأةِ الصالِحَةِ في النساءِ كَمَثَلِ الغُرابِ الأعْصَمِ في الغِرْبانِ، وهو الأبيَضُ إحدى الرِّجلَيْنِ.[۳]

(انظر) الخير: باب ۱۱۶۸.

۸۰۹۸. **امام باقر**ﷺ: آدمی، سودی بهتر از همسر شایسته به چنگ نیاورده است؛ همسری که شوهرش با دیدن او خوشحال شود و هرگاه از وی دور شود در غیابش نگهبان خود و اموال او باشد.

۸۰۹۹. **امام صادق**ﷺ ـ به زن سعد ـ فرمود: گوارایت باد ای خنساء! اگر خداوند چیزی جز دخترت اُمّ الحسین را به تو نداد، باز خیر فراوان به تو داده است. همانا، مَثَل زن شایسته در میان زنان، مَثَل کلاغ اعصم است در میان کلاغان، و آن کلاغی است که یکی از پاهایش سفید است.

۱۶۶۰
الزَّوجَةُ السَّيِّئَةُ

۸۱۰۰. **رسولُ اللهِ** ﷺ: شَرُّ الأشياءِ المَرأةُ السَّوءِ.[۴]

۸۱۰۱. **عنه** ﷺ: أغلَبُ أعداءِ المؤمنينَ زَوجَةُ السُّوءِ.[۵]

۸۱۰۲. **الإمامُ الصّادقُ** ﷺ: أغلَبُ الأعداءِ للمؤمِنِ زَوجَةُ السُّوءِ.[۶]

۱۶۶۰
زن ناشایست

۸۱۰۰. **پیامبر خدا**ﷺ: بدترین چیزها، زن ناشایست است.

۸۱۰۱. **پیامبر خدا**ﷺ: چیره‌ترین دشمنِ مؤمنان، همسر ناشایست است.

۸۱۰۲. **امام صادق**ﷺ: چیره‌ترین دشمن مؤمن، همسر ناشایست است.

---

۱. الكافي: ۵/۵۱۵/۴.
۲. بحار الأنوار: ۱۰۳/۲۱۷/۲.
۳. الكافي: ۵/۵۱۵/۲.
۴. بحار الأنوار: ۱۰۳/۲۴۰/۵۲.
۵. بحار الأنوار: ۱۰۳/۲۴۰/۵۳.
۶. كتاب من لا يحضره الفقيه: ۳/۳۹۰/۴۳۷۰.

۸۱۰۳. عنه ﷺ: كانَ مِن دعاءِ رسولِ اللهِ ﷺ: أعُوذُ بِكَ مِن امرَأةٍ تُشَيِّبُني قَبلَ مَشِيبِي.[۱]

۸۱۰۳. امام صادق ﷺ: یکی از دعاهای رسول خدا ﷺ این بود: پناه می‌برم به تو از زنی که پیش از آن که زمان پیری‌ام فرا رسد مرا پیر کند.

۱۶۶۱
طاعَةُ الزَّوجَةِ في مَعصِيَةِ اللهِ

۱۶۶۱
اطاعت از زن در معصیت خدا

۸۱۰۴. الإمامُ عليٌّ ﷺ: اِتَّقُوا شرارَ النساءِ وكُونُوا مِن خِيارِهِنَّ عَلىٰ حَذَرٍ، إن أمَرنَكُم بالمَعروفِ فَخالِفُوهُنَّ كَي لا يَطمَعْنَ مِنكُم في المُنكَرِ.[۲]

۸۱۰۴. امام علی ﷺ: از زنان بد بترسید و از خوبان آنها نیز پروا داشته باشید. اگر شما را به کار خوب فراخواندند گوش نکنید، تا در منکر و بدی، به فرمانبری شما از خود طمع نبندند.

۸۱۰۵. عنه ﷺ: كُلُّ امرِئٍ تُدَبِّرُهُ امرَأةٌ فهُو مَلعونٌ.[۳]

۸۱۰۵. امام علی ﷺ: هر مردی که زنی او را اداره کند، ملعون است.

۸۱۰۶. الإمامُ الصّادقُ ﷺ: قالَ رسولُ اللهِ ﷺ: مَن أطاعَ امرَأتَهُ أكَبَّهُ اللهُ علىٰ وَجهِهِ في النارِ. قالَ: وما تلكَ الطّاعَةُ؟ قالَ: تَطلُبُ إلَيهِ... الثِّيابَ الرِّقاقَ فَيُجِيبُها.[۴]

۸۱۰۶. امام صادق ﷺ: رسول خدا ﷺ فرمود: هر که از زن خود فرمان برد، خداوند او را به رو در آتش افکند. پرسید: منظور از فرمان بردن چیست؟ فرمود: ... لباسهای نازک از او درخواست کند و مرد بپذیرد.

۱۶۶۲
ما يَنبَغي رِعايَتُهُ في نَفَقَةِ العِيالِ

۱۶۶۲
آنچه رعایتش در تأمین هزینهٔ خانواده شایسته است

۸۱۰۷. رسولُ اللهِ ﷺ: إنَّ المؤمنَ يَأخُذُ بِأدَبِ اللهِ، إذا أوسَعَ اللهُ عَلَيهِ اتَّسَعَ وإذا أمسَكَ عنهُ أمسَكَ.[۵]

۸۱۰۷. پیامبر خدا ﷺ: همانا مؤمن به ادب الهی رفتار می‌کند، هرگاه خداوند به او گشایش دهد، گشاده دست باشد و هرگاه از او بازگیرد، او هم دست نگه دارد.

---

۱. الكافي: ۵/۳۲۶/۳. ۲. بحار الأنوار: ۱۰۳/۲۲۴/۴.
۳. الكافي: ۵/۵۱۸/۱۰. ۴. بحار الأنوار: ۱۰۳/۲۲۸/۲۷.
۵. بحار الأنوار: ۷۷/۱۵۷/۱۳۵.

۸۱۰۸ . عنه ﷺ: مَن دَخَلَ السُّوقَ فاشتَرىٰ تُحفَةً فَحَمَلَها إلىٰ عِيالِهِ كانَ كَحامِلِ صَدَقَةٍ إلىٰ قَومٍ مَحاوِيجَ، ولْيَبدَأْ بِالْإناثِ قَبلَ الذُّكُورِ.[1]

۸۱۰۸ . **پیامبر خدا**ﷺ: هر کس وارد بازار شود و هدیه‌ای خرد و آن را برای خانوادهٔ خود ببرد، همانند کسی است که برای گروهی نیازمند صدقه‌ای بَرَد، و باید در دادن هدیه از دختران شروع کند.

۸۱۰۹ . الإمامُ زينُ العابدينَ ﷺ: إنَّ أرضاكُم عِندَ اللهِ أسبَغُكُم عَلىٰ عِيالِهِ.[2]

۸۱۰۹ . **امام زین العابدین**ﷺ: خداوند از آن کس خشنودتر است که خانوادهٔ خود را بیشتر در رفاه و نعمت قرار دهد.

(انظر) رضوان الله: باب ۱۵۲۶.

۱۶۶۳
تَعَدُّدُ الزَّوجاتِ

۱۶۶۳
چند همسری

الكتاب:

﴿وَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تُقْسِطُوا فِي الْيَتَامَىٰ فَانْكِحُوا مَا طَابَ لَكُمْ مِنَ النِّسَاءِ مَثْنَىٰ وَثُلَاثَ وَرُبَاعَ فَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تَعْدِلُوا فَوَاحِدَةً أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ ذَٰلِكَ أَدْنَىٰ أَلَّا تَعُولُوا﴾.[3]

قرآن:

«اگر بیم دارید که در کار یتیمان عدالت نورزید، از زنان هر چه خوش دارید، دوتا دوتا و سه تا سه‌تا و چهارتا چهارتا، بگیرید. و اگر بیم دارید که به عدالت رفتار نکنید فقط یک زن یا کنیزی که مالک آنید. این مناسبتر است که ستم نکنید».

الحديث:

۸۱۱۰ . رسولُ اللهِ ﷺ: ومَن كانَت لَهُ امرَأتانِ فلَم يَعدِلْ بَينَهُما في القَسمِ مِن نَفسِهِ ومالِهِ، جاءَ يَومَ القِيامَةِ مَغلولاً مائلاً شِقُّهُ حتّىٰ يَدخُلَ النارَ.[4]

حدیث:

۸۱۱۰ . **پیامبر خدا**ﷺ: هر که دو زن داشته باشد و در تقسیم خود و خرجی دادن به آنها، میانشان به یکسان رفتار نکند، روز قیامت در حالی که دستهایش بسته و نیمی از بدنش به یک طرف کج شده است، آورده شود و به آتش رود.

۸۱۱۱ . عنه ﷺ: إن كانَت عِندَ الرَّجُلِ امرأتانِ فلَم

۸۱۱۱ . **پیامبر خدا**ﷺ: اگر مردی دو زن داشته

---

۱ . بحار الأنوار: ۲/۶۹/۱۰۴.
۲ . بحار الأنوار: ۱۳/۱۳۶/۷۸.
۳ . النساء: ۳.
۴ . ثواب الأعمال: ۱/۳۳۳.

يَعدِلْ بينَهُما، جاءَ يَومَ القِيامَةِ وشِقُّهُ ساقِطٌ.[۱]

۸۱۱۲. **الإمامُ الصّادقُ** ﷺ: مَن جَمَعَ مِنَ النساءِ ما لا يَنكِحُ، فزنىٰ مِنهُنَّ شَيءٌ، فالإثمُ عليهِ.[۲]

۸۱۱۳. **بحار الأنوار**: رُوِيَ أنَّهُ سَألَ رَجُلٌ مِنَ الزَّنادِقَةِ أبا جعفرٍ الأحوَلَ فقالَ: أخبِرْني عن قَولِ اللهِ تعالىٰ: ﴿فَانْكِحُوا ما طابَ لَكُمْ مِنَ النساءِ﴾ وقالَ تعالىٰ في آخِرِ السورةِ: ﴿ولَنْ تَستَطِيعُوا أن تَعدِلُوا بينَ النساءِ ولَو حَرَصْتُم ...﴾[۳] فَبَينَ القَولَينِ فَرقٌ؟

فقالَ أبو جعفرٍ الأحولُ: فلم يَكُنْ في ذلكَ عِندي جَوابٌ، فَقَدِمتُ المَدينَةَ فَدَخَلتُ عَلىٰ أبي عبدِ اللهِ ﷺ فَسَألتُهُ عنِ الآيَتَينِ فقالَ: أمّا قَولُهُ: ﴿فإنْ خِفتُم ألّا تَعدِلُوا فَواحِدَةً﴾ فإنّما عَنىٰ في النَّفَقَةِ، وقولُهُ: ﴿ولَنْ تَستَطِيعُوا﴾ فإنّما عَنىٰ في المَوَدَّةِ، فإنَّهُ لا يَقْدِرُ أحَدٌ أن يَعدِلَ بينَ امرَأتَينِ في المَوَدَّةِ.[۴]

باشد و میان آنها به عدالت و برابری رفتار نکند، روز قیامت در حالی آورده شود که نیمی از بدنش افتاده است.

۸۱۱۲. **امام صادق** ﷺ: هر که آنقدر زن بگیرد که نتواند با آنها نزدیکی کند و در نتیجه، یکی از آنها مرتکب زنا شود، گناهش به گردن اوست.

۸۱۱۳. **بحار الأنوار**: روایت شده است که مردی از زنادقه به ابو جعفر احول گفت: به من بگو آیا میان این سخن خداوند متعال که: «و از زنان هر چه خوش دارید بگیرید» و سخن دیگر او در آخر سوره که: «و هرگز نمی‌توانید میان زنان عدالت ورزید هر چند جدّیت کنید» فرق و اختلافی هست؟

ابو جعفر احول گوید: من برای این سؤال جوابی نداشتم. پس به مدینه رفتم و خدمت ابوعبدالله (امام صادق) ﷺ رسیدم و دربارهٔ این دو آیه از ایشان پرسیدم، حضرت فرمود: مقصود از آیهٔ «و اگر بیم آن دارید که به عدالت رفتار نکنید، پس یک زن بگیرید» رعایت عدالت در نفقه است و مقصود از آیهٔ «و هرگز نمی‌توانید» رعایت برابری در دوست داشتن زنان است؛ زیرا هیچ کس نمی‌تواند دو زن خود را به یکسان دوست‌داشته باشد.

---

۱. کنز العمّال: ۴۴۸۲۰.
۲. الکافي: ۵/۵۶۶، ۴۲.
۳. النساء: ۱۲۹.
۴. بحار الأنوار: ۱۰/۲۰۲، ۶.

۱۶۶۴
أدَبُ استِجابَةِ الدَّعوةِ إلَى العُرسِ

۸۱۱۴. رسولُ اللهِ ﷺ: إذا دُعِيتُم إلى العُرُساتِ فَأبطِئُوا فإنّها تُذَكِّرُ الدنيا، وإذا دُعِيتُم إلى الجَنائزِ فَأسرِعُوا فإنّها تُذَكِّرُ الآخِرَةَ.[۱]

۸۱۱۵. عنه ﷺ: إذا دُعِيَ أحَدُكُم إلىٰ وَلِيمَةِ عُرسٍ فَلْيُجِبْ.[۲]

۸۱۱۶. عنه ﷺ: بِئسَ الطَّعامُ طَعامُ العُرسِ؛ يُطعَمُهُ الأغنياءُ ويُمنَعُهُ المَساكينُ.[۳]

۸۱۱۷. عنه ﷺ: الدَّعوةُ أوَّلَ يَومٍ حَقٌّ، والثانِيَ مَعروفٌ، والثالِثَ رِياءٌ وسُمعَةٌ.[۴]

۱۶۶۵
الحَثُّ عَلىٰ إعلانِ النِّكاحِ

۸۱۱۸. رسولُ اللهِ ﷺ: أعلِنُوا هذا النِّكاحَ واجعَلُوهُ في المَساجِدِ.[۵]

۸۱۱۹. عنه ﷺ: أشِيدُوا النِّكاحَ وأعلِنُوهُ.[۶]

۸۱۲۰. عنه ﷺ: أظهِرُوا النِّكاحَ وأخفُوا الخِطبَةَ.[۷]

۱۶۶۴
آداب پذیرفتن دعوت عروسی

۸۱۱۴. **پیامبر خدا ﷺ**: هر گاه به مراسم عروسی دعوت شدید، در رفتن کندی کنید؛ زیرا این مراسم انسان را به یاد دنیا می‌اندازد، اما هرگاه به مراسم تشییع جنازه فرا خوانده شدید شتاب ورزید؛ زیرا این مراسم یادآور آخرت است.

۸۱۱۵. **پیامبر خدا ﷺ**: هر گاه یکی از شما به ولیمهٔ عروسی دعوت شد، بپذیرد.

۸۱۱۶. **پیامبر خدا ﷺ**: چه بد ولیمه‌ای است ولیمهٔ عروسی، در آن ثروتمندان را اطعام می‌کنند و از مستمندان جلوگیری می‌نمایند.

۸۱۱۷. **پیامبر خدا ﷺ**: دعوت روز اول [درعروسی] حق (وظیفه) است، دعوت روز دوم احسان، ولی دعوت روز سوم خودنمایی و شهرت‌طلبی است.

۱۶۶۵
تشویق به اعلان ازدواج

۸۱۱۸. **پیامبر خدا ﷺ**: این ازدواج [ها] را علنی و آشکارا انجام دهید و آنها را در مساجد برگزار کنید.

۸۱۱۹. **پیامبر خدا ﷺ**: [مراسم] ازدواج به پا کنید و آشکارا [هم] برگزار نمایید.

۸۱۲۰. **پیامبر خدا ﷺ**: [مراسم] ازدواج را آشکار برگزار کنید و خواستگاری را پنهان.

---

۱. بحار الأنوار: ۲/۲۷۹/۱۰۳.
۲. كنز العمّال: ۴۴۶۱۷. ۳. كنز العمّال: ۴۴۶۲۵.
۴. كنز العمّال: ۴۴۶۲۸. ۵. كنز العمّال: ۴۴۵۳۶.
۶. كنز العمّال: ۴۴۵۳۱. ۷. كنز العمّال: ۴۴۵۳۲.

الزيارة

ديدار

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

ولمزيد الاطّلاع راجع:

بحار الأنوار: ١٠٠/١٠٠ـ٤٥٥، ١٠١، ١٠٢ «كتاب المزار».

وسائل الشيعة: ١٠/٢٥١ «أبواب المزار».

كنز العمّال: ١٥/٧٥٨ «الزيارة وآدابها».

بحار الأنوار: ٧٤/٣٤٢ باب ٢١ «تزاور الإخوان وتلاقيهم».

وسائل الشيعة: ١٠/٤٥٥ ـ ٤٦٣ «استحباب زيارة المؤمنين خصوصاً الصلحاء».

۱۱۰ ـــــــ

ولَستُ أرضىٰ لكَ ثَواباً دُونَ الجَنَّةِ.[۱]

۱۶۶۸
ثَوابُ الزِّيارَةِ فِي اللهِ

۸۱۲۶. رسولُ اللهِ ﷺ: الزائرُ أخاهُ المسلمَ أعظَمُ أجراً مِنَ المَزورِ.[۲]

۸۱۲۷. الإمامُ الصّادقُ ؈: مَن زارَ أخاهُ لِلّهِ لا لِغَيرِهِ التِماسَ مَوعِدِ اللهِ وتَنَجُّزَ ما عِندَ اللهِ، وكَّلَ اللهُ بِهِ سَبعينَ ألفَ مَلَكٍ يُنادُونَهُ: ألا طِبْتَ وطابَتْ لكَ الجَنَّةُ.[۳]

۸۱۲۸. عنه ؈: مَن زارَ أخاهُ في اللهِ وللهِ، جاءَ يَومَ القِيامَةِ يَخطِرُ بَينَ قُباطِيٍّ مِن نُورٍ لا يَمُرُّ بِشيءٍ إلّا أضاءَ لَهُ.[۴]

۸۱۲۹. عنه ؈: ما زارَ مسلمٌ أخاهُ المسلمَ في اللهِ وللهِ، إلّا ناداهُ اللهُ عزّوجلّ: أيُّها الزّائرُ طِبْتَ وطابَتْ لكَ الجَنَّةُ.[۵]

۸۱۳۰. الإمامُ الكاظمُ ؈: لَيسَ شيءٌ أنكىٰ لِإبلِيسَ وجُنودِهِ مِن زِيارَةِ الإخوانِ في اللهِ بعضِهِم لِبعضٍ.[۶]

---

۱. بحار الأنوار: ۷۴/۳۴۵/۴. ۲. كنز العمّال: ۲۴۶۶۵.
۳. الكافي: ۲/۱۷۵/۱. ۴. بحار الأنوار: ۷۴/۳۴۷/۸.
۵. بحار الأنوار: ۷۴/۳۴۸/۱۰.
۶. الكافي: ۲/۱۸۸/۷.

فرماید: تو مرا دیدار کرده‌ای و پاداشت به عهدهٔ من است و من به پاداشی کمتر از بهشت برای تو راضی نمی‌شوم.

۱۶۶۸
ثواب دیدار به خاطر خدا

۸۱۲۶. **پیامبر خدا ﷺ**: دیدار کنندهٔ از برادر مسلمان خود، اجرش بیشتر از دیدار شونده است.

۸۱۲۷. **امام صادق ؈**: هر که برای خدا، نه غیر او، و برای دستیابی به وعدهٔ خدا و دریافت آنچه نزد اوست، به دیدن برادر خود رود، خداوند هفتاد هزار فرشته بر او گمارد که آوازش دهند که: هان! رستگار شدی، و بهشت گوارایت باد.

۸۱۲۸. **امام صادق ؈**: هر که در راه خدا، و برای خدا، به دیدن برادر خود رود در روز قیامت میان جامه‌هایی از نور می‌خرامد و بر هر چه می‌گذرد آن را روشن می‌کند.

۸۱۲۹. **امام صادق ؈**: هیچ مسلمانی نیست که در راه خدا، و برای خدا از برادر مسلمان خود دیدن کند، مگر آن که خداوند عزّوجلّ او را ندا دهد که: ای دیدار کننده! رستگار شدی، و بهشت گوارایت باد.

۸۱۳۰. **امام کاظم ؈**: هیچ چیز به اندازهٔ دیدار برادران از یکدیگر به خاطر خدا، ابلیس و سپاه او را در هم نمی‌کوبد.

۱۶۶۹
دَورُ زِيارةِ الإخوانِ في إحياءِ القَلبِ وَالدِّينِ

۸۱۳۱. **الإمامُ عليٌّ** ﷺ: لِقاءُ أهلِ الخَيرِ عِمارَةُ القَلبِ.[۱]

۸۱۳۲. **الإمامُ الباقرُ** ﷺ: تَزاوَرُوا في بُيوتِكُم فإنّ ذلكَ حَياةٌ لِأمرِنا، رَحِمَ اللهُ عَبداً أحيا أمرَنا.[۲]

۸۱۳۳. **الإمامُ الصّادقُ** ﷺ: تَزاوَرُوا فإنّ في زِيارَتِكُم إحياءً لِقُلوبِكُم، وذِكراً لأحادِيثِنا، وأحادِيثُنا تُعَطِّفُ بعضَكُم عَلىٰ بعضٍ، فإن أخَذتُم بها رَشَدتُم ونَجَوتُم، وإن تَرَكتُمُوها ضَلَلتُم وهَلَكتُم، فَخُذُوا بها وأنا بِنَجاتِكُم زَعِيمٌ.[۳]

(انظر) القلب: باب ۳۳۵۲، ۳۳۵۳.

۱۶۷۰
ثَمَراتُ لِقاءِ الإخوانِ

۸۱۳۴. **رسولُ اللهِ** ﷺ: الزِّيارَةُ تُنبِتُ المَوَدَّةَ.[۴]

۸۱۳۵. **الإمامُ عليٌّ** ﷺ: لِقاءُ الإخوانِ مَغنَمٌ جَسِيمٌ وإن قَلُّوا.[۵]

---

۱. بحار الأنوار: ۱/۲۰۸/۷۷. ۲. بحار الأنوار: ۶/۱۴۴/۲.
۳. الكافي: ۲/۱۸۶/۲. ۴. بحار الأنوار: ۳۶/۳۵۵/۷۴.
۵. الكافي: ۱۶/۱۷۹/۲.

۱۶۶۹
نقش دیدار از برادران در زنده نگه داشتن دل و دین

۸۱۳۱. **امام علی**ﷺ: دیدارِ نیکان، مایهٔ آبادانی دل است.

۸۱۳۲. **امام باقر**ﷺ: در خانه‌هایتان از یکدیگر دیدار کنید؛ زیرا این کار امر ما را زنده می‌کند. رحمت خدا بر آن بنده‌ای که امر ما را زنده کند.

۸۱۳۳. **امام صادق**ﷺ: دید و بازدید کنید که دیدار شما از یکدیگر موجب زنده شدن دلهای شما و یاد کرد احادیث ما می‌شود و احادیث ما شما را به هم مهربان می‌کند. اگر به آنها عمل کنید، کمال و نجات می‌یابید و اگر رهایشان کنید، گمراه و هلاک می‌شوید. پس به احادیث ما عمل کنید که در این صورت من ضامن نجات شما هستم.

۱۶۷۰
ثمرات ملاقات با برادران

۸۱۳۴. **پیامبر خدا**ﷺ: دید و بازدید بذر محبّت را می‌رویاند.

۸۱۳۵. **امام علی**ﷺ: دیدار برادران، گرچه اندک باشند، غنیمت بزرگی است.

٨١٣٦. الإمامُ الجوادُ ﷺ: مُلاقاةُ الإخوانِ نُشْرَةٌ وتَلقيحُ العَقلِ، وإن كانَ نَزْراً قَليلاً.[1]

١٦٧١
النَّهيُ عَن زِيارةِ الفُجّارِ

٨١٣٧. الإمامُ الصّادقُ ﷺ: إذا زُرتَ فَزُرِ الأخيارَ ولا تَزُرِ الفُجّارَ، فإنَّهُم صَخرَةٌ لا يَنفَجِرُ ماؤها، وشَجَرَةٌ لا يَخضَرُّ وَرَقُها، وأرضٌ لا يَظهَرُ عُشْبُها.[2]

١٦٧٢
أدَبُ الزِّيارَةِ

٨١٣٨. رسولُ اللهِ ﷺ: زُرْ غِبّاً تَزدَدْ حُبّاً.[3]

٨١٣٩. الإمامُ عليٌّ ﷺ: إغبابُ الزِّيارَةِ أمانٌ مِنَ المَلالَةِ.[4]

٨١٤٠. عنه ﷺ ـ مِن وَصِيَّتِهِ لابنِهِ الحسينِ ﷺ ـ: كَثرَةُ الزِّيارةِ تُورِثُ المَلالَةَ.[5]

٨١٤١. عنه ﷺ: مَن كَثُرَتْ زِيارَتُهُ قَلَّتْ بَشاشَتُهُ.[6]

٨١٤٢. عنه ﷺ: إذا وَثِقتَ بِمَوَدَّةِ أخيكَ، فلا تُبالِ مَتىٰ لَقِيتَهُ ولَقِيَكَ.[7]

---

١. بحار الأنوار: ٢٦/٣٥٣/٧٤.
٢. بحار الأنوار: ٣٣/٢٠٢/٧٨.
٣. بحار الأنوار: ٣٦/٣٥٥/٧٤.
٤. غرر الحكم: ٣١٣٩.
٥. بحار الأنوار: ١/٢٣٧/٧٧.
٦. غرر الحكم: ٨٠٠٤.
٧. غرر الحكم: ٤٠٨٧.

٨١٣٦. امام جواد ﷺ: ملاقات با برادران، موجب رفع دلتنگی و سبب باروری عقل می‌شود، هر چند اندک و کوتاه باشد.

١٦٧١
نهی از دیدار با بدکاران

٨١٣٧. امام صادق ﷺ: هرگاه خواستی از کسی دیدار کنی، به دیدن نیکان برو و با بدکاران دیدار مکن؛ زیرا آنان صخره‌ای هستند که در آن چشمهٔ آبی نمی‌جوشد و درختی هستند که برگش سبز نمی‌شود و زمینی هستند که گیاهی در آن نمی‌روید.

١٦٧٢
آداب دیدار کردن

٨١٣٨. پیامبر خدا ﷺ: یک روز در میان دیدن کن، تا محبّتت بیشتر شود.

٨١٣٩. امام علی ﷺ: دیدار یک روز در میان، از ملال و بیزاری ایمن است.

٨١٤٠. امام علی ﷺ ـ در وصیت به فرزند خود حسین ﷺ ـ فرمود: دیدار زیاد ملال‌آور است.

٨١٤١. امام علی ﷺ: هر که دیدارش زیاد شود خوشرویی او کم گردد.

٨١٤٢. امام علی ﷺ: هرگاه به دوستی برادر خود اطمینان یافتی، دیگر به این اهمیتی نده که چه وقت به دیدنش بروی و یا او به دیدنت بیاید.


مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

٢١٠

زيارة القبور

زيارت قبور

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

ولمزيد الاطّلاع راجع:

وسائل الشيعة: ٢/٨٧٧ـ٨٨٢ باب ٥٤ـ٥٨ «زيارة القبور».

بحار الأنوار: ١٠٠/١٠٠ـ٤٥٥، ١٠١، ١٠٢ «كتاب المزار».

انظر:

عنوان ٤٢٧ «القبر».

۱۱۶ ـــ

۱۶۷۳

زِيارَةُ النَّبيِّ ﷺ

۸۱۳۳. رسولُ اللهِ ﷺ: مَن أتانِي زائراً كُنتُ شَفِيعَهُ يَومَ القِيامَةِ.[۱]

۸۱۳۴. عنه ﷺ: مَن سَلَّمَ عَلَيَّ في شَيءٍ مِنَ الأرضِ أُبلِغْتُهُ، ومَن سَلَّمَ عَلَيَّ عندَ القَبرِ سَمِعتُهُ.[۲]

۸۱۳۵. عنه ﷺ: مَن زارَني حَيّاً ومَيِّتاً كُنتُ لَهُ شَفيعاً يَومَ القِيامَةِ.[۳]

(انظر) بحار الأنوار: ۱۰۰ / ۱۳۹ باب ۱.

وسائل الشيعة: ۱۰ / ۲۵۲ ـ ۲۶۹ باب ۲ ـ ۶.

۱۶۷۳

زیارت پیامبر ﷺ

۸۱۳۳. **پیامبر خدا ﷺ**: هر که به زیارت من بیاید، در روز قیامت شفیع او باشم.

۸۱۳۴. **پیامبر خدا ﷺ**: هر که در هر نقطه‌ای از روی زمین به من سلام کند، سلامش به من می‌رسد و هر که بر سر قبرم به من سلام کند، آن را می‌شنوم.

۸۱۳۵. **پیامبر خدا ﷺ**: هر که مرا زیارت کند، زنده باشم یا نباشم، روز قیامت شفیع اویم.

۱۶۷۴

زِيارَةُ أهلِ البيتِ عليهم السلام

۸۱۳۶. رسولُ اللهِ ﷺ ـ لَمّا سَأَلَهُ الحسنُ بنُ عليٍّ عليه السلام: يا أبَتاهُ، ما جَزاءُ مَن زارَكَ ؟ ـ: يا بُنَيَّ، مَن زارَني حَيّاً ومَيِّتاً أو زارَ أباكَ أو زارَ أخاكَ أو زارَكَ كانَ حَقّاً عَلَيَّ أن أزُورَهُ يَومَ

۱. بحار الأنوار: ۱۰۰ / ۱۴۲ / ۱۸.

۲. بحار الأنوار: ۱۰۰ / ۱۸۲ / ۴.

۳. قرب الإسناد: ۶۵ / ۲۰۵.

۱۶۷۴

زیارت اهل بیت علیهم السلام

۸۱۳۶. **پیامبر خدا ﷺ** ـ در پاسخ به حسن بن علی علیه السلام که عرض کرد: پدر جان! پاداش کسی که شما را زیارت کند چیست؟ ـ فرمود: پسرکم! هر که زنده و مردهٔ مرا یا پدر تو یا برادرت و یا خودت را زیارت کند، بر من است که در روز قیامت دیدارش

القِيامَةِ فَأُخَلِّصَهُ مِن ذُنوبِهِ.[1]

کنم و او را از گناهانش نجات دهم.

۸۱۴۷. **الإمامُ الصّادقُ ﷺ**: مَن زارَنا في مَماتِنا فكأنّما زارَنا في حَياتِنا.[2]

۸۱۴۷. **امام صادق ﷺ**: هر که پس از مردنمان ما را زیارت کند، چنان است که در زمان حیاتمان زیارت کرده باشد.

۸۱۴۸. **الإمامُ الكاظمُ ﷺ**: مَن زارَ أوَّلَنا فقد زارَ آخِرَنا، ومَن زارَ آخِرَنا فَقَد زارَ أوَّلَنا، ومَن تَوَلّى أوَّلَنا فَقَد تَوَلّىٰ آخِرَنا. ومَن تَوَلّىٰ آخِرَنا فَقَد تَوَلّىٰ أوَّلَنا.[3]

۸۱۴۸. **امام کاظم ﷺ**: هر که اوّلینِ ما را زیارت کند، آخرینِ ما را زیارت کرده باشد و هر که آخرینِ ما را زیارت کند، اولینِ ما را زیارت کرده باشد و هر که ولایتِ اولینِ ما را بپذیرد ولایتِ آخرینِ ما را پذیرفته باشد و هر که ولایتِ آخرینِ ما را بپذیرد ولایتِ اولینِ ما را پذیرفته باشد.

۸۱۴۹. **الإمامُ الرِّضا ﷺ**: إنّ لِكُلِّ إمامٍ عَهداً في عُنُقِ أوليائِهِ وشِيعَتِهِ، وإنّ مِن تَمامِ الوَفاءِ بالعَهدِ وحُسنِ الأداءِ زيارَةَ قُبُورِهِم، فَمَن زارَهُم رَغبَةً في زيارَتِهِم وتَصديقاً بما رَغِبُوا فيهِ كانَ أئمَّتُهُم شُفَعاءَهُم يَومَ القِيامَةِ.[4]

۸۱۴۹. **امام رضا ﷺ**: هر امامی به گردن دوستان و شیعیان خود عهدی دارد که وفای کامل به این عهد، و بجای آوردن نیکوی آن، با زیارت قبور آنان است. پس، کسانی که با رغبت و علاقه به زیارت ایشان و باور داشتن آنچه آنان ترغیب کرده‌اند، زیارتشان کنند، امامانِ آنها در روز قیامت شفیعشان باشند.

۱۶۷۵
زِيارَةُ الإمامِ عَلِيٍّ ﷺ[5]

۱۶۷۵
زیارت امام علی[1] ﷺ

۸۱۵۰. **الإمامُ الصّادقُ ﷺ**: إذا أرَدتَ زيارَةَ أميرِ المؤمنينَ ﷺ فاعلَمْ أنَّكَ زائرُ عِظامِ آدَمَ،

۸۱۵۰. **امام صادق ﷺ**: هرگاه خواستی امیر مؤمنان ﷺ را زیارت کنی، بدان که تو زایر

---

۱. علل الشرائع: ۵/۴۶۰. ۲. بحار الأنوار: ۳۴/۱۲۴/۱۰۰.
۳. كامل الزيارات: ۸۴۲/۵۵۲.
۴. بحار الأنوار: ۱/۱۱۶/۱۰۰.
۵. روى عن الصادق ﷺ: «إعلَمْ أنَّ أميرَالمؤمنينَ ﷺ أفضَلُ عندَ اللهِ مِنَ الأئمّةِ كُلِّهِمْ ولَهُ ثَوابُ أعمالِهِم وعلى قَدْرِ أعمالِهِم فُضِّلُوا» وبناءً على هذه الرواية يمكن أن يقال أن زيارته صلوات الله عليه أفضل من زيارة سائر الائمة عليهم السلام.
بحار الأنوار: ۳/۲۵۸/۱۰۰.

۱. از امام صادق ﷺ روایت شده که می‌فرماید: «بدان که امیر مؤمنان ﷺ نزد خداوند از همهٔ امامان برتر است و ثواب اعمال آنان، همه از آنِ اوست و امامان به اندازهٔ اعمال خود برتری داده شده‌اند» بنابراین می‌توان گفت زیارت آن حضرت بیشتر از زیارت سایر ائمه ﷺ فضیلت دارد.

وبَدَنِ نوحٍ، وجِسمِ عَلِيِّ بنِ أبي طالبٍ ﷺ.[۱]

استخوانهای آدم و بدن نوح و پیکر علی بن ابی طالب ﷺ هستی.

۸۱۵۱. عنه ﷺ: إنَّ إلىٰ جانِبِها [أي جانِبِ الكوفَةِ] قَبراً لا يَأتِيهِ مَكروبٌ فَيُصَلِّي عِندَهُ أربَعَ رَكعاتٍ، إلّا رَجَعَهُ اللهُ مَسروراً بِقَضاءِ حاجَتِهِ.[۲]

۸۱۵۱. امام صادق ﷺ: نزدیک کوفه قبری است که هر غمدیده‌ای آن جا رود و در کنار آن چهار رکعت نماز گزارد، خداوند با برآوردن حاجتش او را شادمان برگرداند.

۸۱۵۲. الإمامُ الرِّضا ﷺ: فَضلُ زيارَةِ قَبرِ أميرِ المؤمنينَ علىٰ زيارَةِ قَبرِ الحُسينِ كَفَضلِ أميرِ المؤمنينَ عَلَى الحُسينِ.[۳]

۸۱۵۲. امام رضا ﷺ: برتری قبر امیر مؤمنان بر زیارت قبر حسین همچون برتری خود امیر مؤمنان بر حسین است.

(انظر) بحار الأنوار: ۱۰۰ / ۲۲۶ ـ ۳۸۴.

۱۶۷۶

زِيارَةُ فاطِمَةَ بِنتِ رَسولِ اللهِ ﷺ

۱۶۷۶

زیارت فاطمه دختر رسول خدا ﷺ

۸۱۵۳. تهذيب الأحكام عن يزيد بن عبد الملك عن أبيه عن جدّه: دَخَلتُ عَلىٰ فاطِمَةَ ﷺ، فَبَدأَتني بِالسَّلامِ، ثُمَّ قالَت: ما غَدا بِكَ؟ قُلتُ: طَلَبُ البَرَكَةِ. قالَت: أخبَرَني أبي وهُوَ ذا هُوَ أنَّهُ مَن سَلَّمَ عَلَيهِ وعَلَيَّ ثَلاثَةَ أيّامٍ أوجَبَ اللهُ لَهُ الجَنَّةَ. قُلتُ لَها: في حَياتِهِ وحَياتِكِ؟ قالَت: نَعَم، وبَعدَ مَوتِنا.[۴]

۸۱۵۳. تهذیب الأحکام: یزید بن عبدالملک از پدرش از جدّش روایت کرده است: بر فاطمه ﷺ وارد شدم. به من سلام داد و فرمود: چه چیزی سبب شده، اینجا بیایی؟ گفتم: طلب برکت. فرمود: پدرم ـ او همان است [که می‌شناسید] ـ به من خبر داد که هر کس بر او و بر من سه روز سلام دهد، خداوند بهشت را بر او واجب می‌کند. به او گفتم: در حیات او و حیات تو؟ فرمود: آری و پس از وفات ما.

۸۱۵۴. تهذيب الأحكام عن إبراهيم بن محمّد بن

۸۱۵۴. تهذیب الأحکام به نقل از ابراهیم بن محمّد بن عیسی بن محمّد عریضی: امام باقر ﷺ

---

۱. كامل الزيارات: ۹۱/۹۰. ۲. بحار الأنوار: ۷/۲۵۹/۱۰۰.
۳. بحار الأنوار: ۱۴/۲۶۲/۱۰۰.
۴. تهذيب الأحكام: ۱۸/۹/۶، المزار للمفيد: ۱/۱۷۷.

عیسی بن محمّدٍ العُریضيّ قال: حَدَّثَنا أبو جعفرٍ ﷺ ذاتَ یومٍ، قالَ: إذا صِرتَ إلیٰ قَبرِ جَدَّتِكَ فاطِمَةَ ﷺ فقُل:

«یا مُمتَحَنَةُ امتَحَنَكِ اللهُ الَّذي خَلَقَكِ قَبلَ أن یَخلُقَكِ، فَوَجَدَكِ لِمَا امتَحَنَكِ صابِرَةً، وزَعَمنا أنّا لَكِ أولِیاءُ ومُصَدِّقونَ وصابِرونَ لِكُلِّ ما أتانا بِهِ أبوكِ ﷺ وأتانا بِهِ وَصِیُّهُ ﷺ، فَإنّا نَسأَلُكِ إن كُنّا صَدَّقناكِ إلّا ألحَقتِنا بِتَصدیقِنا لَهُما بِالبُشریٰ، لِنُبَشِّرَ أنفُسَنا بِأنّا قَد طَهُرنا بِوَلایَتِكِ».[1]

(انظر) بحار الأنوار: ۱۰۰ / ۱۹۱ باب ۵.
وسائل الشیعة: ۱۰ / ۲۸۷ باب ۱۸.

روزی با ما سخن گفت و فرمود: هرگاه به زیارت قبر جدّه‌ات فاطمه ﷺ رفتی، بگو: «ای آزمون شده! خدایی که تو را آفریده پیش از آفریدنت تو را آزمود، پس تو را برای آنچه امتحان کرد، شکیبا یافت و پنداشتیم که ما هواداران توییم و بر آنچه پدرت ـ که درود خدا بر او ـ برای ما آورد و جانشین او ـ که درود خدا بر او ـ برای ما آورد، پذیرنده و شکیباییم. ما اگر تو را تصدیق کردیم، از تو می‌خواهیم که با تصدیقمان نسبت به پیامبر و وصیّ او ما را به بشارت ملحق سازی، تا به خودمان مژده دهیم که به سبب ولایت تو، پاک شده‌ایم».

۱۶۷۷

زِیارَةُ الإمامِ الحَسَنِ ﷺ

۸۱۵۵. رسولُ اللهِ ﷺ: مَن زارَ الحَسَنَ في بَقیعِهِ، ثَبَتَ قَدَمُهُ علی الصِّراطِ یَومَ تَزِلُّ فیهِ الأقدامُ.[2]

۸۱۵۶. الإمامُ الباقرُ ﷺ: إنَّ الحُسینَ بنَ عليٍّ كانَ یَزُورُ قَبرَ الحَسَنِ ﷺ في كُلِّ عَشِیَّةِ جُمُعَةٍ.[3]

۱۶۷۷

زیارت امام حسن ﷺ

۸۱۵۵. پیامبر خدا ﷺ: هر که حسن را در بقیع زیارت کند، خداوند در آن روزی که پاها می‌لرزد، پای او را بر صراط استوار گرداند.

۸۱۵۶. امام باقر ﷺ: حسین بن علی هر شب جمعه به زیارت قبر حسن ﷺ می‌رفت.

---

۱. تهذیب الأحکام: ۶/ ۱۰/ ۱۹.
۲. بحار الأنوار: ۱۰۰/ ۱۴۱/ ۱۲.
۳. قرب الإسناد: ۱۳۹/ ۴۹۲.

١٦٧٨

زِيارَةُ الإمامِ الحُسَينِ عليه السلام

٨١٥٧. **الإمامُ الصّادقُ** عليه السلام: مَن زارَ الحُسينَ عليه السلام عارِفاً بِحَقِّهِ كَتَبَ اللهُ لَهُ ثوابَ ألفِ حَجَّةٍ مَقبولَةٍ وألفِ عُمرَةٍ مَقبولَةٍ، وغَفَرَ لَهُ ما تَقَدَّمَ مِن ذَنبِهِ وما تَأَخَّرَ.[١]

٨١٥٨. **عنه** عليه السلام: مَن لَم يَأتِ قَبرَ الحُسينِ عليه السلام حتّىٰ يَمُوتَ كانَ مُنتَقَصَ الدِّينِ، مُنتَقَصَ الإيمانِ، وإن أُدخِلَ الجَنَّةَ كانَ دُونَ المؤمنينَ في الجَنَّةِ.[٢]

٨١٥٩. **عنه** عليه السلام: إيتُوا قَبرَ الحُسينِ عليه السلام في كُلِّ سَنَةٍ مَرَّةً.[٣]

٨١٦٠. **عنه** عليه السلام: إنَّ اللهَ تبارَكَ وتعالىٰ يَتَجَلّى لِزُوّارِ قَبرِ الحُسينِ صلواتُ اللهِ عليهِ قَبلَ أهلِ عَرَفاتٍ، ويَقضِي حَوائجَهُم ويَغفِرُ ذُنوبَهُم ويُشَفِّعُهُم في مَسائلِهِم، ثُمَّ يُثَنّي بِأهلِ عرفاتٍ فَيَفعَلُ ذلكَ بِهِم.[٤]

٨١٦١. **عنه** عليه السلام: إنَّ الحُسينَ بنَ عليٍّ عليه السلام عندَ ربِّهِ يَنظُرُ ... ويقولُ: لَو يَعلَمُ زائِري ما أعَدَّ اللهُ لَهُ لَكانَ فَرَحُهُ أكثَرَ مِن جَزَعِهِ. وإنَّ زائِرَهُ

---

١. بحار الأنوار: ١٠٠/٢٥٧/١.
٢. بحار الأنوار: ١٠١/٤/١٤. ٣. بحار الأنوار: ١٠١/١٣/٥.
٤. بحار الأنوار: ١٠١/٣٧/٥٠.

١٦٧٨

زيارت امام حسين عليه السلام

٨١٥٧. **امام صادق** عليه السلام: هر كه حسين عليه السلام را، با معرفت به حق و مقام او، زيارت كند خداوند ثواب هزار حجّ پذيرفته و هزار عمرهٔ پذيرفته را برايش بنويسد و گناهان گذشته و آيندهٔ او را ببخشد.

٨١٥٨. **امام صادق** عليه السلام: هر كه تا زنده است به زيارت قبر حسين عليه السلام نرود، دين و ايمانش ناقص باشد و اگر به بهشت هم برود، مقامش در آن جا از همهٔ مؤمنان پايين‌تر باشد.

٨١٥٩. **امام صادق** عليه السلام: سالى يک بار، به زيارت قبر حسين عليه السلام برويد.

٨١٦٠. **امام صادق** عليه السلام: خداوند تبارک و تعالى، پيش از جلوه كردن بر اهل عرفات، بر زايران قبر حسين عليه السلام جلوه مى‌كند و حاجاتشان را برمى‌آورد و گناهانشان را مى‌بخشايد و خواهشهاى آنان از طرف ديگران را مى‌پذيرد و سپس به اهل عرفات مى‌پردازد و با آنان نيز چنين مى‌كند.

٨١٦١. **امام صادق** عليه السلام: حسين بن على عليه السلام نزد خدا مى‌نگرد... و مى‌گويد: اگر زاير من بداند كه خداوند چه برايش آماده كرده است، شادى‌اش بيش از بيتابى‌اش [از رنج سفر] خواهد بود.

لِيَنقَلِبُ وما علَيهِ مِن ذَنبٍ.[1]

(انظر) بحار الأنوار: ۱۰۱، وسائل الشيعة: ۱۰/ ۳۱۸ـ۴۲۵.

۱۶۷۹

دُعاءُ الصّادِقِ عليه السلام لِزُوّارِ الحُسَينِ عليه السلام

۸۱۶۲. **بحار الأنوار** عن معاوية بنِ وهبٍ: اِستَأذَنتُ علىٰ أبي عبدِاللهِ عليه السلام، فَقيلَ لي: اُدخُلْ، فَدَخَلتُ فَوَجَدتُهُ في مُصَلّاهُ في بَيتِهِ، فَجَلَستُ حتّىٰ قَضىٰ صلاتَهُ، وسَمِعتُهُ وهُو يُناجِي رَبَّهُ وهُو يقولُ:

اللّهُمّ يا مَن خَصَّنا بالكَرامَةِ، ووَعَدَنا بالشَّفاعَةِ، وخَصَّنا بالوَصِيَّةِ، وأعطانا عِلمَ ما مَضىٰ وما بَقِيَ، وجَعَلَ أفئدَةً مِنَ الناسِ تَهوي إلَينا، اِغفِرْ لي ولِإخواني وزُوّارِ قَبرِ أبِيَ الحُسينِ، الذينَ أنفَقُوا أموالَهُم وأشخَصُوا أبدانَهُم رَغبَةً في بِرِّنا، ورَجاءَ لِما عِندَكَ في صِلَتِنا، وسُروراً أدخَلُوهُ علىٰ نَبِيِّكَ ...

اللّهُمّ إنَّ أعداءَنا عابُوا عَلَيهِم عَلىٰ خُرُوجِهِم فلَم يَنهَهُم ذلكَ عنِ الشُّخُوصِ إلَينا خِلافاً مِنهُم علىٰ مَن خالَفَنا، فارحَمْ تلكَ الوُجُوهَ التي غَيَّرَتْها الشَّمسُ، وارحَمْ

۱. الأمالي للطوسي: ۵۵/ ۷۴.

همانا زایر حسین علیه السلام پاک از هر گناهی، به خانهٔ خود بر می‌گردد.

۱۶۷۹

دعای امام صادق علیه السلام برای زوّار حسین علیه السلام

۸۱۶۲. **بحار الأنوار** به نقل از معاویة بن وهب: از امام صادق علیه السلام اجازهٔ شرفیابی خواستم، به من گفته شد: داخل شو. من داخل شدم و دیدم حضرت در مصلّای خانهٔ خود مشغول نماز است. نشستم تا نماز خود را تمام کرد و شنیدم با پروردگارش مناجات می‌کند و می‌گوید: الهی! ای آن که کرامت را مختصّ ما کردی و وعدهٔ شفاعت به ما دادی و وصایت را ویژهٔ ما گردانیدی و دانش گذشته و آینده را به ما بخشیدی و دلهای مردمان را شیفتهٔ ما کردی! من و برادران من و زوّار قبر پدرم حسین را بیامرز؛ همانان که به نیّت نیکی به ما و به امید پاداشی که به سبب پیوند با ما می‌دهی و به قصد شاد کردن پیامبر تو، اموالشان را خرج می‌کنند و رنج و زحمت سفر [برای زیارت حسین علیه السلام] را بر خود هموار می‌سازند...

الهی! دشمنان ما، از آنان به سبب این سفر، عیبجویی می‌کنند اما آنان، برخلاف انتقادات مخالفان ما، به سوی ما می‌آیند. پس، بر آن چهره‌هایی که داغیِ آفتاب تغییرشان داده است، رحمت آر و به آن چهره‌هایی که بر تربت قبر ابی عبدالله

تلكَ الوُجُوهَ التي تَتَقَلَّبُ على حُفرَةِ أبي عبدِ اللهِ ...

اللّهُمَّ إنّي أستَودِعُكَ تلكَ الأنفُسَ وتلكَ الأبدانَ حتّىٰ نُوافِيَهُم على الحَوضِ يَومَ العَطَشِ.[1]

۱۶۸۰

أدَبُ زِيارَةِ الإمامِ الحُسَينِ عليه السلام

۸۱۶۳ . بحار الأنوار: قالَ الإمامُ الباقرُ عليه السلام ـ لَمّا قالَ لَهُ محمّدُ بنُ مُسلمٍ: إذا خَرَجنا إلىٰ أبيكَ أفَلَسنا في حَجٍّ؟ ـ: بَلىٰ، قلتُ: فَيَلزَمُنا ما يَلزَمُ الحاجَّ؟ قالَ: ماذا؟ قلتُ: مِن الأشياءِ التي يَلزَمُ الحاجَّ؟ قالَ: يَلزَمُكَ حُسنُ الصَّحابَةِ لِمَن يَصحَبُكَ، ويَلزَمُكَ قِلَّةُ الكَلامِ إلّا بخَيرٍ، ويَلزَمُكَ كَثرَةُ ذِكرِ اللهِ، ويَلزَمُكَ نَظافَةُ الثِّيابِ، ويَلزَمُكَ الغُسلُ قَبلَ أن تَأتِيَ الحَيرَ، ويَلزَمُكَ الخُشوعُ، وكَثرَةُ الصَّلاةِ، والصَّلاةُ عَلىٰ محمّدٍ وآلِ محمّدٍ، ويَلزَمُكَ التَّوقيرُ لِأخذِ ما لَيسَ لكَ، ويَلزَمُكَ أن تَغُضَّ بَصَرَكَ، ويَلزَمُكَ أن تَعودَ عَلىٰ أهلِ الحاجَةِ مِن إخوانِكَ إذا رَأيتَ مُنقَطِعاً، والمُواساةُ.

---

۱. بحار الأنوار: ۱۰۱/۱/۵۱.

مالیده می‌شود رحم کن...

الهی! من این جانها و این پیکرها را به تو می‌سپارم، تا در آن روز تشنگی (قیامت) در کنار حوض [کوثر] با آنان دیدار کنیم.

۱۶۸۰

آداب زیارت امام حسین علیه السلام

۸۱۶۳ . **بحار الأنوار** به نقل از محمّد بن مسلم: به امام علیه السلام عرض کردم: اگر به زیارت پدر شما برویم حج کرده‌ایم؟ فرمود: آری. پرسیدم: پس آنچه بر حاجی لازم است بر ما نیز لازم است؟ فرمود: چه چیز؟ عرض کردم: چیزهایی که برای حاجی لازم است. فرمود: لازم است با همسفرت خوش رفتار باشی، لازم است کمتر حرف بزنی، مگر در خیر و خوبی، لازم است یاد خدا بسیار کنی، لازم است جامه‌ات تمیز باشد، لازم است پیش از رسیدن به حائر [حسینی] غسل کنی، لازم است خاشع باشی و نماز زیاد بخوانی و بر محمّد و آل محمّد بسیار صلوات فرستی، لازم است از برداشتن آنچه مال تو نیست خودداری کنی، لازم است چشمت را [از حرام] فروبندی، اگر دیدی یکی از برادران همسفرت توشه‌اش تمام شده و از سفر بازمانده، لازم است به او رسیدگی و کمک مالی کنی.

ويَلزَمُكَ التقيَّةُ التي قِوامُ دِينِكَ بها، والوَرَعُ عمّا نُهِيتَ عَنهُ، والخُصُومَةِ، وكَثرةِ الأيمانِ، والجِدالِ الذي فيهِ الأيمانُ، فإذا فَعَلتَ ذلكَ تَمَّ حَجُّكَ وعُمرَتُكَ.[1]

لازم است تقيّه را، كه قوام و استحكام دين تو به آن است، رعايت كنى و از منهيّات و ستيزه و جرّ و بحث و قسم خوردن زياد و جدال و بحث، كه در آن سوگند خورده شود، دورى كنى. پس، اگر اينها را رعايت كردى حج و عمرهٔ تو به طور كامل انجام شده است.

۸۱۶۴. **الإمامُ الصّادقُ** ﷺ: إذا زُرتَ أبا عبدِاللهِ ﷺ فَزُرْهُ وأنتَ حَزينٌ مَكروبٌ شَعِثٌ مُغبَرٌّ جائعٌ عَطشانُ، فإنَّ الحُسينَ ﷺ قُتِلَ حَزيناً مَكروباً شَعِثاً مُغبَرّاً جائعاً عَطشاناً، واسألُهُ الحوائجَ وانصَرِفْ عَنهُ ولا تَتَّخِذْهُ وَطَناً.[2]

۸۱۶۴. **امام صادق** ﷺ: هر گاه به زيارت ابا عبدالله ﷺ رفتى، با دلى غمزده و اندوهناک و پيكرى ژوليده و غبارگرفته و گرسنه و تشنه زيارتش كن؛ زيرا كه حسين ﷺ غمزده و اندوهناک و ژوليده و غبارگرفته و گرسنه و تشنه كشته شد. حوايج خود را از او بخواه و برگرد و در كنار قبر او سكونت مگزين.

۸۱۶۵. **بحار الأنوار** عن خزام ـ لأبي عبدِ اللهِ ﷺ ـ: جُعِلتُ فِداكَ، إنّ قَوماً يَزُورُونَ قَبرَ الحُسينِ ﷺ فَيُطَيِّبُونَ السَّفَرَ. قالَ: فقالَ أبو عبدِ اللهِ ﷺ: أما إنّهم لَو زارُوا قُبورَ آبائِهِم ما فَعَلُوا ذلكَ.[3]

۸۱۶۵. **بحار الأنوار** ـ به نقل از خزام ـ: به امام صادق ﷺ عرض كردم: فدايت شوم! گروهى به زيارت قبر حسين ﷺ مى‌روند و سفر را خوش مى‌گذرانند؛ حضرت فرمود: آنها اگر به زيارت قبور پدران خود مى‌رفتند، چنين نمى‌كردند.

(انظر) وسائل الشيعة: ۱۰ / ۴۱۳ باب ۷۱.

۱۶۸۱
زِيارَةُ أئِمَّةِ البَقيعِ ﷺ

۱۶۸۱
زيارت امامان بقيع ﷺ

۸۱۶۶. **الإمامُ الصّادقُ** ﷺ: مَن زارَني غُفِرَتْ لَهُ

۸۱۶۶. **امام صادق** ﷺ: هر كه مرا زيارت كند،

---

۱. بحار الأنوار: ۱۰۱/۱۴۲/۱۱.
۲. ثواب الأعمال: ۱۱۴/۲۱. ۳. بحار الأنوار: ۱۰۱/۱۴۱/۶.

ذُنُوبُهُ ولَم يَمُتْ فَقيراً.[1]

گناهانش آمرزیده شود و در فقر نمیرد.

۸۱۶۷. عنه ﷺ ـ لَمّا سُئِلَ: ما لِمَن زارَ أحَداً مِنكُم؟ ـ: كَمَن زارَ رسولَ اللهِ ﷺ.[2]

۸۱۶۷. امام صادق ﷺ ـ وقتی از ایشان سؤال شد ثواب کسی که یکی از شما را زیارت کند چیست؟ ـ فرمود: مانند ثواب کسی که رسول خدا ﷺ را زیارت کند.

۸۱۶۸. الإمامُ العسكريُّ ﷺ: مَن زارَ جعفراً وأباهُ، لم يشتَكِ عينَهُ، ولَم يصبهُ سُقمٌ، ولَم يمتْ مُبتلى.[3]

۸۱۶۸. امام عسکری ﷺ: هر کس امام جعفر صادق و پدرش ﷺ را زیارت کند، به چشم درد بیماری مبتلا نشود و دردمند و گرفتار نمیرد.

(انظر) وسائل الشيعة: ۱۰ / ۴۲۶ باب ۷۹.

بحار الأنوار: ۱۰۰ / ۱۳۹ ـ ۱۴۵.

۱۶۸۲
زِيارةُ الإمامِ الكاظِمِ ﷺ

۱۶۸۲
زیارت امام کاظم ﷺ

۸۱۶۹. الإمامُ الرِّضا ﷺ ـ لَمّا سَأَلَهُ ابنُ سِنانٍ: ما لِمَن زارَ أباكَ؟ ـ: لَهُ الجَنَّةُ فَزُرْهُ.[4]

۸۱۶۹. امام رضا ﷺ ـ در پاسخ به ابن سنان که پرسید: ثواب کسی که پدر شما را زیارت کند چیست؟ ـ فرمود: پاداش او بهشت است؛ پس آن بزرگوار را زیارت کن.

۸۱۷۰. بحار الأنوار عن الإمام الرِّضا ﷺ: إنَّ اللهَ نَجّى بغدادَ بمَكانِ قَبرِ أبي الحَسنِ ﷺ، وقالَ ﷺ:

وقَبرٌ بِبَغدادَ لِنَفسٍ زَكِيَّةٍ
تَضَمَّنَها الرحمانُ في الغُرُفاتِ

وقَبرٌ بِطُوسَ يالَها مِن مُصِيبَةٍ
أَلَحَّتْ عَلَى الأحشاءِ بالزَّفَراتِ.[5]

۸۱۷۰. بحار الأنوار: امام رضا ﷺ فرمود: خداوند بغداد را به برکت وجود قبر امام کاظم ﷺ نجات داد. و فرمود:

و قبری در بغداد است از آنِ نفسی پاک
که خدای رحمان آن را در غرفه‌های بهشت جای داده است

و قبری دیگر در طوس است که وامصیبتا بر آن قبر
که مصیبت آن بر دل‌ها و جگرها آتش می‌نشاند

(انظر) بحار الأنوار: ۱۰۲ / ۱ باب ۱.

وسائل الشيعة: ۱۰ / ۴۲۷ باب ۸۰.

---

۱. بحار الأنوار: ۱۰۰/۱۴۵/۳۴.
۲. الكافي: ۴/۵۷۹/۱. ۳. تهذيب الأحكام: ۶/۷۸/۱۵۴.
۴. بحار الأنوار: ۱۰۲/۱/۳. ۵. بحار الأنوار: ۱۰۲/۲/۴.

۱۶۸۳
زِيارَةُ الإمامِ الرِّضا عليه السلام

۸۱۷۱. رسولُ اللهِ صلى الله عليه وآله: سَتُدفَنُ بَضعَةٌ مِنّي بأرضِ خُراسانَ، لا يَزُورُها مُؤمِنٌ إلّا أوجَبَ اللهُ عزّوجلّ لَهُ الجَنَّةَ وحَرَّمَ جَسَدَهُ عَلَى النّارِ.[1]

۸۱۷۲. الإمامُ عليٌّ عليه السلام: سَيُقتَلُ رَجُلٌ مِن وُلدِي بِأرضِ خُراسانَ بِالسَّمِّ ظُلماً، اسمُهُ اسمِي، واسمُ أبِيهِ اسمُ ابنِ عِمرانَ موسىٰ عليه السلام، ألا فَمَن زارَهُ في غُربَتِهِ غَفَرَ اللهُ تعالىٰ ذُنوبَهُ.[2]

۸۱۷۳. الإمامُ الباقرُ عليه السلام: إنَّ بَينَ جَبَلَي طُوسَ قَبضَةً قُبِضَتْ مِنَ الجَنَّةِ، مَن دَخَلَها كانَ آمِناً يَومَ القِيامَةِ مِنَ النارِ.[3]

۸۱۷۴. الإمامُ الكاظمُ عليه السلام: إنَّ ابنِي عَلِيّاً مَقتولٌ بِالسُّمِّ ظُلماً ومَدفونٌ إلىٰ جَنبِ هارُونَ بِطُوسَ، مَن زارَهُ كَمَن زارَ رسولَ اللهِ صلى الله عليه وآله.[4]

۸۱۷۵. الإمامُ الرِّضا عليه السلام: ما زارَنِي أحَدٌ مِن أولِيائي عارِفاً بِحَقِّي إلّا تَشَفَّعتُ لَهُ يَومَ القِيامَةِ.[5]

۸۱۷۶. عنه عليه السلام: مَن زارَنِي عَلَى بُعدِ دارِي، أتَيتُهُ

۱. بحار الأنوار: ۱۰۲/۳۱/۱. ۲. عيون أخبار الرضا: ۲/۲۵۹/۱۷.
۳. عيون أخبار الرضا: ۲/۲۵۶/۶.
۴. عيون أخبار الرضا: ۲/۲۶۰/۲۳.
۵. عيون أخبار الرضا: ۲/۲۵۸/۱۶.

۱۶۸۳
زیارت امام رضا علیه السلام

۸۱۷۱. **پیامبر خدا صلی الله علیه و آله**: زود باشد که پاره‌ای از تن من در خاک خراسان دفن شود. هیچ مؤمنی آن را زیارت نکند مگر آن که خداوند عزّوجلّ بهشت را بر او واجب و بدنش را بر آتش دوزخ حرام گرداند.

۸۱۷۲. **امام علی علیه السلام**: زود باشد که مردی از فرزندان من در خاک خراسان به زهر ستم کشته شود؛ نام او نام من است و نام پدرش نام پسر عمران، موسی علیه السلام. بدانید که هر کس او را در غربتش زیارت کند، خداوند متعال گناهانش را بیامرزد.

۸۱۷۳. **امام باقر علیه السلام**: میان دو [رشته] کوه طوس، خاکی است که از بهشت آورده شده است. هر که به آن خاک [برای زیارت] قدم گذارد، در روز قیامت از آتش دوزخ ایمن باشد.

۸۱۷۴. **امام کاظم علیه السلام**: فرزندم علی به زهر ستم کشته و در کنار هارون، در طوس دفن می‌شود. هر که او را زیارت کند مانند کسی است که رسول خدا صلی الله علیه و آله را زیارت کرده باشد.

۸۱۷۵. **امام رضا علیه السلام**: هیچ یک از دوستان من که عارف به حق و مقام من باشد زیارتم نکند مگر این که در روز قیامت شفاعتش کنم.

۸۱۷۶. **امام رضا علیه السلام**: هر که مرا در دیار غربت زیارت کند، روز قیامت در سه جا به داد او

يَومَ القِيامَةِ في ثلاثِ مَواطِنَ حتّىٰ أُخَلِّصَهُ مِن أهوالِها: إذا تَطايَرَتِ الكُتُبُ يَميناً وشِمالاً، وعِندَ الصِّراطِ وعِندَ المِيزانِ.[1]

(انظر) بحار الأنوار: ۱۰۲ / ۳۱ باب ۴.

وسائل الشيعة: ۱۰ / ۴۳۲ باب ۸۲.

می‌رسم و از هراسها و سختیهای آنها نجاتش می‌دهم: وقتی که نامه‌های اعمال از راست و چپ پراکنده شوند و هنگام گذشتن از صراط و موقع سنجیدن میزان [اعمال].

۱۶۸۴
زِيارَةُ الإمامِ الجَوادِ عليه السلام

۸۱۷۷. **الإمامُ الهاديُّ** عليه السلام ـ عن إبراهيم بنِ عقبةَ لَمّا سَأَلَهُ عن زيارَةِ أبي عبدِاللهِ الحُسينِ وعن زيارَةِ أبي الحَسنِ الكاظم وأبي جعفرٍ الجوادِ عليهما السلام ـ: أبوعبدِالله عليه السلام المُقَدَّمُ، وهذا أجمَعُ وأعظَمُ أجراً.[2]

۸۱۷۷. **امام هادی** ـ در پاسخ به ابراهیم بن عقبه که از ایشان دربارهٔ زیارت ابی عبدالله الحسین و ابو الحسن امام کاظم عليه السلام و ابوجعفر (امام جواد عليه السلام) سؤال کرد ـ فرمود: زیارت امام حسین مقدّم است اما این جامعتر و ثوابش بیشتر است.

۱۶۸۵
زِيارَةُ الإمامَينِ العَسكَرِيَّينِ عليهما السلام

۸۱۷۸. **كامل الزيارات**: رُوِيَ عَنْ بَعضِهِم أنَّهُ قالَ: إذا أرَدتَ زِيارَةَ (قَبرِ) أبي الحَسَنِ الثّالِثِ عَلِيِّ بن مُحمَّدٍ الجوادِ و أبي محمَّدٍ الحسنِ العسكريِّ عليهما السلام تقولُ: السَّلامُ عَلَيكُما يا حُجَّتَي الله، السَّلامُ عَلَيكُما يا نُوري اللهِ في ظلماتِ الأرضِ... أتَيتُكُما

۸۱۷۸. **كامل الزيارات**: از برخی روایت شده که گفته است: هرگاه خواستی قبر امام جواد و امام عسکری عليهما السلام را زیارت کنی، بگو: سلام بر شما ای حجت‌های خداوند! سلام بر شما ای دو نور خدا در ظلمت‌های زمین! به زیارت شما آمدم در حالی که به حق شما معرفت کامل دارم و با دشمنانتان دشمن و با دوستانتان دوستم. به آنچه شما

۱. عيون أخبار الرضا: ۲/۲۵۵.
۲. الكافي: ۴/۵۸۳/۳.

عـارِفاً بِـحَقِّكُما مُـعادِياً لِأَعـدائِكُـما، مُوالِياً لِأَولِيائِكُما مُـؤمِناً بِـما آمَـنتُما بِـهِ كافِراً بِما كَفَرتُما بِهِ، مُحَقِّقاً لِما حَـقَّقتُما، مُبطِلاً لِما أبطَلتُما.

أسألُ اللهَ ربّـي و ربَّكُـما أن يَـجعَلَ حَظّي مِن زيارَتِكُمَا الصَّلاةَ عَـلىٰ مـحمَّدٍ و آله و أن يَرزُقَني مُرافَقَتَكُما في الجِـنانِ مَعَ آبائِكُما الصّالِحينَ و أسأَلُـهُ أن يُـعتِقَ رَقَبَتي مِـنَ النّـارِ، و يَـرزُقَني شَـفاعَتَكُما و مُصاحَبَتَكُما، و يَعرِفَ بَـيني و بَـينَكُما، و لا يَسـلُبَني حُـبَّكُما و حُبَّ آبـائِكُمَا الصّالحينَ، و أن لا يَجعَلَهُ آخِرَ العَهدِ مِـن زيارَتِكُما، و يَحشُرَني مَعَكُما فِـي الجَـنَّةِ بِرَحمَتِهِ. اللهُمَّ ارزُقـني حُـبَّهُما و تَـوَفَّني عَلىٰ مِلَّتِهِما، اللهُمَّ العَن ظالِمي آلِ مُـحَمَّدٍ حَقَّهُم، و انتَقِم مِنهُم.

اللهُمَّ العَنِ الأَوَّلينَ مِـنهُم و الآخِـرينَ، و ضـاعِف عَـلَيهِمُ العَـذابَ، و بَـلِّغ بِهِم و بِأشـياعِهِم و أتـباعِهِم، و مُـحِبّيهِم و مُتَّبِعيهِم أسفَلَ دَرَكٍ مِـنَ الجَـحيمِ، إنَّكَ عَلىٰ كُلِّ شَيءٍ قَديرٌ. اللـهُمَّ عَـجِّل فَـرَجَ وَلِيِّكَ و ابـنِ وَلِـيِّكَ، و اجـعَل فَـرَجَنا مَـعَ

به آن ایمان دارید، مؤمنم و به آنچه کافرید، کافرم. آنچه شما آن را حق می‌دانید، حق می‌دانم و آنچه شما باطل می‌دانید، باطل مـی‌دانـم. از پـروردگار خـود و شـما درخواست می‌کنم که نصیبم را از زیـارت شما دو بـزرگوار، صـلوات بـر مـحمّد و خاندان او قـرار دهـد و هـمراهـی شما و نیاکانتان را در بهشت روزیم فرماید. از او درخواست می‌کنم که مـرا از آتش رهـاییم دهد و شفاعت و همنشینی شما را نـصیبم کند و میان من و شما معرفت ایجاد کند و محبتم به شما و نیاکان صـالحتان را از دلم بیرون‌نکند و این [زیارت] راآخرین‌زیارت شما قرار برایم ندهد. و مرا به رحمت خود با شما در بهشت محشور فرماید.

بارالها! دوستی این دو تن را روزی من بفرما و مرا بر دین آنها بمیران. بارالهـا! بـه سـتم‌کنندگان بر خاندان محمّد و حقوقشان لعنت فرست و از آنان انتقام بگیر. بارالهـا! اولین و آخرین آنان را لعن کن و عذابشان را دو چـندان فـرما و آنـها و پـیروان و رهـپویان و دوسـتان و تـابعانشان را بـه پایین‌ترین درجهٔ جهنم بفرست که تو حقاً بر هر چیزی توانایی. بارالهـا! در گشـایش امـر ولیّت و فـرزند ولیّت شـتاب فـرما و گشایش امر ما را با گشایش امر آنـان قـرار

فَرَجِهِم يا أرحَمَ الرّاحِمينَ.[1]

(انظر) بحار الأنوار: ۱۰۲ / ۵۹ باب ۶.

وسائل الشيعة: ۱۰ / ۴۴۸ باب ۹۰.

بده، ای مهربان‌ترین مهربانان!

۱۶۸۶

زِيارَةُ فاطِمَةَ بِنتِ موسَى الكاظِمِ عليها السلام

۸۱۷۹. الإمامُ الصّادقُ عليه السلام: إنّ... لَنا حَرَماً وهُو قُمّ، وسَتُدفَنُ فيه امرَأةٌ مِن وُلدِي تُسَمّىٰ فاطِمَةَ، مَن زارَها وَجَبَت لَهُ الجَنَّةُ.[2]

۸۱۷۹. **امام صادق** عليه السلام: ما را حرمی است و آن قم است. بزودی زنی از فرزندان من به نام فاطمه در آن جا دفن خواهد شد. هر که او را زیارت کند، بهشت بر او واجب می‌شود.

۸۱۸۰. الإمامُ الجوادُ عليه السلام: مَن زارَ قَبرَ عَمَّتِي بِقُمَ فَلَهُ الجَنَّةُ.[3]

۸۱۸۰. **امام جواد** عليه السلام: هر که قبر عمّه‌ام را در قم زیارت کند، پاداشش بهشت باشد.

(انظر) وسائل الشيعة: ۱۰ / ۴۵۱ باب ۹۲.

۱۶۸۷

زِيارَةُ السَّيِّدِ عَبدِالعَظيمِ الحَسَنِيِّ عليه السلام

۸۱۸۱. ثواب الأعمال عن محمّدِ بنِ يحيىٰ العَطّار [عن رجلٍ] مِن أهلِ الرَّيِّ: دَخَلتُ على أبي الحسَنِ العَسكرِيِّ عليه السلام فقالَ: أينَ كُنتَ؟ فَقُلتُ: زُرتُ الحُسينَ عليه السلام، قالَ: أما إنَّكَ لو زُرتَ قَبرَ عبدِ العظيمِ عِندَكُم لَكُنتَ كَمَن زارَ الحُسينَ بنَ عَلِيٍّ عليهما السلام.[4]

۱۶۸۷

زیارت حضرت عبدالعظیم حسنی عليه السلام

۸۱۸۱. **ثواب الأعمال** ـ به نقل از محمّد بن یحیی ـ: یکی از اهالی ری گفت: خدمت امام هادی عليه السلام مشرّف شدم. حضرت پرسید: کجا بودی؟ عرض کردم: به زیارت حسین عليه السلام رفته بودم. حضرت فرمود: بدان که اگر قبر عبدالعظیم در شهر خودتان را زیارت کنی، همچون کسی باشی که حسین بن علی عليهما السلام را زیارت کرده باشد.

---

۱. کامل الزيارات: ۵۲۰. ۲. بحار الأنوار: ۱۰۲/۵/۲۶۷.
۳. بحار الأنوار: ۱۰۲/۳/۲۶۵.
۴. ثواب الأعمال: ۱/۱۲۴.

۱۶۸۸
زِيارَةُ قُبُورِ الصُّلَحاءِ

۸۱۸۲ . **الإمامُ الصّادقُ** ﷺ: مَن لَم يَقدِرْ علىٰ زِيارَتِنا فَلْيَزُرْ صالِحِي مَوالِينا، يُكتَبْ لَهُ ثَوابُ زِيارَتِنا.[۱]

۸۱۸۳ . **الإمامُ الكاظمُ** ﷺ: مَن لَم يَستَطِعْ أن يَزُورَ قُبُورَنا فَلْيَزُرْ قُبُورَ صُلَحاءِ إخوانِنا.[۲]

(انظر) وسائل الشيعة: ۱۰ / ۴۶۲ باب ۱۰۱.

۱۶۸۸
زیارت قبور صالحان

۸۱۸۲ . **امام صادق**ﷺ: هر که قادر به زیارت ما نیست، دوستان صالح ما را زیارت کند، که ثواب زیارت ما برایش نوشته می‌شود.

۸۱۸۳ . **امام کاظم**ﷺ: هر که نتواند قبرهای ما را زیارت کند، قبور برادرانِ صالح ما را زیارت نماید.

۱۶۸۹
زِيارَةُ قُبُورِ المَوتىٰ

۸۱۸۴ . **الإمامُ عليٌّ** ﷺ: زُورُوا مَوتاكُم؛ فإنَّهُم يَفرَحُونَ بِزِيارَتِكُم، ولْيَطلُبِ الرَّجُلُ حاجَتَهُ عِندَ قَبرِ أبيهِ وأُمِّهِ بعدَما يَدعُو لَهُما.[۳]

۸۱۸۵ . **الإمامُ الصّادقُ** ﷺ ـ لَمّا سَأَلَهُ داوود الرَّقِّيُّ: يقومُ الرجُلُ علىٰ قَبرِ أبيهِ وقَرِيبِهِ وغَيرِ قَرِيبِهِ، هَل يَنفَعُهُ ذلكَ؟ ـ: نَعَم إنَّ ذلك يَدخُلُ علَيهِ كما يَدخُلُ عَلىٰ أحَدِكُم الهَدِيَّةُ، يَفرَحُ بِها.[۴]

۱۶۸۹
زیارت قبور

۸۱۸۴ . **امام علی**ﷺ: اموات خود را زیارت کنید؛ زیرا آنان از دیدار شما خوشحال می‌شوند؛ انسان باید بعد از آن که بر سر قبر پدر و مادر خود برایشان دعا کرد حاجت خود را [از خدا] بخواهد.

۸۱۸۵ . **امام صادق**ﷺ ـ در پاسخ به داوود رقّی که عرض کرد: انسان سر قبر پدر خود و خویشاوند و غریبه می‌رود. آیا این کار برای او سودی دارد؟ ـ فرمود: آری، همان طور که اگر به یکی از شما هدیه‌ای داده شود خوشحال می‌گردد، مرده نیز از کار شما خوشحال می‌شود.

---

۱. بحار الأنوار: ۲۹/۳۵۴/۷۴.
۲. بحار الأنوار: ۶۵/۳۱۱/۷۴.
۳. الخصال: ۱۰/۶۱۸. ۴. بحار الأنوار: ۶/۲۹۶/۱۰۲.

۱۶۹۰
التَّسليمُ علىٰ أهلِ القُبورِ

۸۱۸۶. **بحار الأنوار**: قالَ الإمامُ عليٌّ ﷺ ـ لَمّا مَرَّ علَى المَقابِرِ ـ: السَّلامُ عَلَيكُم يا أهلَ القُبُورِ، أنتُم لَنا سَلَفٌ، ونَحنُ لَكُم خَلَفٌ، وإنّا إن شاءَ اللهُ بِكُم لاحِقُونَ. أمّا المَساكِنُ فَسُكِنَتْ، وأمّا الأزواجُ فَنُكِحَتْ، وأمّا الأموالُ فَقُسِّمَتْ، هذا خَبَرُ ما عِندَنا، فَلَيتَ شِعرِي ما خَبَرُ ما عِندَكُم؟ ـ ثُمّ قالَ: ـ أما إنَّهُم إن نَطَقُوا لَقالوا: وَجَدنا التَّقوىٰ خَيرَ زادٍ.[1]

۸۱۸۷. **نهج البلاغة عنه** ﷺ ـ عِندَ رُجُوعِهِ مِن صِفّينَ وإشرافِهِ علَى القُبُورِ بِظاهِرِ الكُوفَةِ ـ: يا أهلَ الدِّيارِ المُوحِشَةِ، والمَحالِّ المُقفِرَةِ، والقُبورِ المُظلِمَةِ، يا أهلَ التُّربَةِ، يا أهلَ الغُربَةِ، يا أهلَ الوَحدَةِ، يا أهلَ الوَحشَةِ، أنتُم لَنا فَرَطٌ سابِقٌ، ونَحنُ لَكُم تَبَعٌ لاحِقٌ، أمّا الدُّورُ فَقَد سُكِنَتْ، وأمّا الأزواجُ فَقَد نُكِحَتْ، وأمّا الأموالُ فَقَد قُسِمَتْ. هذا خَبَرُ ما عِندَنا فَما خَبَرُ ما عِندَكُم؟ ـ ثُمَّ التَفَتَ إلىٰ أصحابِهِ ـ فقال: أما لَو أُذِنَ لَهُم فِي الكَلامِ لَأخبَرُوكُم أنَّ

۱. بحار الأنوار: ۳۵/۷۱/۷۸.

۱۶۹۰
سلام کردن به اهل قبور

۸۱۸۶. **بحار الأنوار**: امام علی ﷺ هنگام عبور از گورستان فرمود: سلام بر شما ای خفتگان گور. شما رفتید و ما ماندیم و اگر خدا بخواهد به شما خواهیم پیوست. درخانه‌ها[ی شما] دیگران می‌نشینند و همسرانتان ازدواج کرده‌اند و اموالتان تقسیم شده است. این خبری است که ما داریم. کاش می‌دانستم شما چه خبر دارید؟ آن گاه فرمود: بدانید که اگر آنها زبان داشتند می‌گفتند: ما تقوا را بهترین ره توشه یافتیم.

۸۱۸۷. **نهج البلاغه**: امام علی ﷺ در بازگشت از صفّین و هنگام نزدیک شدن به گورستان کوفه فرمود: ای خفتگان خانه‌های تنهایی، و جاهای خشک و خالی، و گورهای ظلمانی! ای خاک‌نشینان، ای ساکنان دیار غربت، ای تنهایان، ای بی همدمان! شما پیشروان مایید که جلوتر از ما رفتید و ما نیز در پی شما آمده به شما خواهیم پیوست. [بدانید که] در خانه‌های شما، کسانِ دیگر جای گرفته‌اند و همسرانتان شوهر کرده‌اند و اموالتان تقسیم شده است. این خبری است که ما داریم؛ شما چه خبر دارید؟ امام سپس رو به یاران خود کرد و فرمود: بدانید که اینان اگر اجازه

خَيرَ الزّادِ التَّقوىٰ.[1]

۸۱۸۸. **الإمامُ عليٌّ**ﷺ ـ لَمّا مَرَّ بالمَقابِرِ ـ: «السَّلامُ علىٰ أهلِ لا إلٰهَ إلّا اللهُ، مِن أهلِ لا إلٰهَ إلّا اللهُ. يا أهلَ لا إلٰهَ إلّا اللهُ كيفَ وَجَدتُم كَلِمَةَ لا إلٰهَ إلّا اللهُ؟ يا لا إلٰهَ إلّا اللهُ بِحَقِّ لا إلٰهَ إلّا اللهُ اغفِرْ لِمَن قالَ لا إلٰهَ إلّا اللهُ، واحشُرْنا في زُمرَةِ مَن قالَ لا إلٰهَ إلّا اللهُ».

سَمِعتُ رسولَ اللهِ ﷺ يقولُ: مَن قالَها إذا مَرَّ بالمَقابِرِ غُفِرَ لَهُ ذُنوبُ خَمسينَ سَنَةً، فقالوا: يا رسولَ اللهِ، مَن لَم يَكُن لَهُ ذُنوبُ خَمسينَ سَنَةً؟ قالَ: لِوالِدَيهِ وإخوانِهِ ولعامَّةِ المسلمينَ.[2]

۸۱۸۹. **مشكاة الأنوار** عن عَليِّ بنِ أبي حَمزَةَ: سَألتُ أبا عبدِاللهِﷺ: أُسَلِّمُ عَلىٰ أهلِ القُبورِ؟ قالَ: نَعَم، قلتُ: كيفَ أقُولُ؟ قالَ: تقولُ: السلامُ علىٰ أهلِ الدِّيارِ مِنَ المؤمنينَ والمؤمناتِ، والمسلمينَ والمسلماتِ، أنتُم لنا فَرَطٌ، وإنّا بِكُم إن شاءَ اللهُ لاحِقونَ.[3]

(انظر) وسائل الشيعة: ۲ / ۸۷۹ باب ۵۵، ۵۶.

---

۱. نهج البلاغة: الحكمة ۱۳۰.

۲. بحار الأنوار: ۹۳/۲۰۳/۴۱.

۳. مشكاة الأنوار: ۳۵۰/۱۱۳۲.

سخن گفتن می‌داشتند، به شما خبر می‌دادند که: بهترین ره توشه، تقوا است.

۸۱۸۸. **امام علی**ﷺ ـ در هنگام عبور از گورستان ـ فرمود: «سلام و درود از اهل لا اله الا الله، بر اهل لا اله الا الله، ای اهل لا اله الا الله! کلمهٔ لا اله الا الله را چگونه یافتید؟ ای لا اله الا الله! به حقّ لا اله الا الله، هر که گفت لا اله الا الله، او را بیامرز و ما را در زمرهٔ کسانی محشور فرما که گفتند لا اله الا الله».

شنیدم رسول خداﷺ می‌فرمود: هر که در هنگام عبور از گورستان، این جملات را بگوید، گناهان پنجاه سالش بخشوده می‌شود. اصحاب، عرض کردند: ای رسول خدا! کسی که گناه پنجاه سال نداشته باشد چه؟ فرمود: گناهان [پنجاه سال] پدر و مادر و برادرانش و عموم مسلمانان بخشوده می‌شود.

۸۱۸۹. **مشكاة الأنوار** به نقل از علی بن ابی حمزه: از امام صادقﷺ پرسیدم: بر اهل قبور سلام بگویم؟ حضرت فرمود: آری. عرض کردم: چگونه سلام گویم؟ حضرت فرمود: می‌گویی: سلام بر ساکنان این خانه‌ها، بر مردان و زنان مؤمن و مردان و زنان مسلمان، شما پیشروان ما هستید و ما به خواست خدا به شما ملحق خواهیم شد.

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی


مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

الزِّينَة

زیور

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

ولمزيد الاطّلاع راجع:

بحار الأنوار: ٧٩/٢٩٥ـ٣٢٤، «أبواب الزّيّ والتجمّل».

كنز العمّال: ٦/٦٣٨ـ٦٩٩، «كتاب الزينة والتجمّل».

انظر:

عنوان ٣٠ «الإناء»، الجمال: باب ٥٤٢، الشيعة: باب ٢١٢٨.

العلم: باب ٢٨٧٣، العيد: باب ٢٩٦٢، الفقر: باب ٣١٨٥.

۱۶۹۱
الزِّينَةُ

الكتاب:

﴿يا بَنِي آدَمَ خُذُوا زِينَتَكُمْ عِندَ كُلِّ مَسْجِدٍ وَكُلُوا واشْرَبُوا وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ﴾.[1]

﴿قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللهِ الَّتِي أَخْرَجَ لِعِبادِهِ والطَّيِّباتِ مِنَ الرِّزْقِ قُلْ هِيَ لِلَّذِينَ آمَنُوا في الحياة الدُّنْيا خالِصَةً يَوْمَ الْقِيامَةِ كَذٰلِكَ نُفَصِّلُ الآياتِ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ﴾.[2]

الحديث:

۸۱۹۰. رسولُ اللهِ ﷺ: إنّ اللهَ يُحِبُّ ـ إذا خَرَجَ عَبدُهُ المؤمنُ إلىٰ أخيهِ ـ أن يَتَهَيَّأَ لَهُ وأن يَتَجَمَّلَ.[3]

۸۱۹۱. الإمامُ عليٌّ ؈: لِيَتَزَيَّنْ أحدُكُم لأخيهِ المُسلمِ إذا أتاهُ كما يَتَزَيَّنُ للغَريبِ الذي يُحِبُّ أن يَراهُ في أحسَنِ الهَيئَةِ.[4]

۸۱۹۲. عنه ؈: إيّاكَ أن تَتَزَيَّنَ للناسِ وتُبارِزَ اللهَ بالمعاصِي.[5]

---

۱. الأعراف: ۳۱. ۲. الأعراف: ۳۲.
۳. بحار الأنوار: ۷۹/۳۰۷/۲۳.
۴. بحار الأنوار: ۷۹/۲۹۸/۳.
۵. الأمالي للصدوق: ۲۷۸/۳۰۸.

۱۶۹۱
زیور

قرآن:

«ای پسران آدم! در هر مسجد زیور خود را برگیرید و بخورید و بنوشید و اسراف نکنید که او اسرافکاران را دوست ندارد».

«بگو: چه کسی زیور خدا را ـ که برای بندگانش پدید آورده ـ و نیز روزی پاک را حرام کرده است؟ بگو: این چیزها در زندگی دنیا از آنِ کسانی است که ایمان آورده‌اند و روز قیامت نیز خاصّ ایشان است. بدین سان ما آیات را برای مردمی که می‌دانند شرح می‌دهیم».

حدیث:

۸۱۹۰. **پیامبر خدا** ﷺ: خداوند دوست دارد که هرگاه بندهٔ مؤمنش نزد برادر خود می‌رود خویشتن را برای رفتن پیش او آماده و آراسته گرداند.

۸۱۹۱. **امام علی** ؈: هر یک از شما، همان گونه که خود را برای غریبه‌ای که دوست دارد وی را در بهترین حالت ببیند، آراسته و مرتّب می‌کند، برای رفتن نزد برادر مسلمانش نیز خود را بیارایید.

۸۱۹۲. **امام علی** ؈: زنهار که خود را برای مردم بیارایی و با معصیت به جنگ خدا بروی.

٨١٩٣. الإمامُ الصّادقُ ﷺ ـ في قولِهِ تعالىٰ: ﴿خُذُوا زِينَتَكُم عِندَ كُلِّ مَسجِدٍ﴾ ـ: المُشْطُ. (فإنَّ المُشْطَ) يَجلِبُ الرِّزقَ، ويُحَسِّنُ الشَّعرَ، ويَنجُزُ الحاجَةَ، ويَزِيدُ في ماءِ الصُّلْبِ، ويَقطَعُ البَلغَمَ.[1]

٨١٩٣. امام صادق ﷺ ـ دربارهٔ آیهٔ «در هر مسجد، زیورهای خود را بر گیرید» ـ فرمود: منظور، شانه کردن است، [زیرا شانه زدن] روزی می‌آورد، مو را زیبا می‌کند، حاجت را برآورده می‌سازد، نطفه را زیاد می‌گرداند و بلغم را از بین می‌برد.

٨١٩٣. عنه ﷺ: لا يَنبَغي للمرأةِ أن تُعَطِّلَ نَفسَها ولَو أن تُعَلِّقَ في عُنُقِها قِلادَةً.[2]

٨١٩٣. امام صادق ﷺ: سزاوار نیست که زن خودش را واگذارد، بلکه حتی اگر شده با آویختن گردنبندی خود را بیاراید.

٨١٩٥. بحار الأنوار: كانَ جُلوسُ الرِّضا ﷺ في الصَّيفِ علىٰ حَصيرٍ وفي الشِّتاءِ عَلىٰ مِسحٍ، ولُبسُهُ الغَليظَ مِن الثِّيابِ حتّىٰ إذا بَرَزَ للناس تَزَيَّنَ لَهُم.[3]

٨١٩٥. بحار الأنوار: حضرت رضا ﷺ تابستان روی بوریا می‌نشست و زمستان روی گلیم، و جامه‌های درشت و زبر می‌پوشید، اما وقتی در برابر مردم ظاهر می‌شد، خود را می‌آراست.

(انظر) وسائل الشيعة: ٣ / ٣٢٢ باب ٣.

١٦٩٢
التَّزَيُّنُ لِلأعداءِ

١٦٩٢
آراسته بودن در برابر دشمنان

٨١٩٦. بحار الأنوار عن عبدِ اللهِ بنِ خالدٍ الكِنانيّ: استَقبَلَني أبو الحسنِ مُوسىٰ بنُ جعفرٍ ﷺ وقد عَلَّقتُ سَمَكَةً بِيَدِي، قالَ: اِقْذِفْها، إنّي لَأكرَهُ للرَّجُلِ الشَّريفِ أن يَحمِلَ الشيءَ

٨١٩٦. بحار الأنوار ـ به نقل از عبدالله بن خالد کنانی ـ: ابوالحسن موسی بن جعفر ﷺ مرا دید که ماهی‌ای به دست دارم، فرمود: آن را بینداز؛ زیرا خوش ندارم که مرد محترم و بزرگوار، چیز پست و بی‌ارزشی را خودش حمل کند. سپس فرمود: شما گروهی هستید که دشمن زیاد دارید. ای

---

١. الخصال: ٣/٢٦٨.
(انظر) وسائل الشيعة: ١ / ٤٢٥ باب ٧٠.
٢. كتاب من لا يحضره الفقيه: ١/١٢٣/٢٨٣.
٣. بحار الأنوار: ٧٩/٣٠٠/٧.

الدَنِيَّ بنفسِهِ. ثُمّ قالَ: إنَّكُم قَومٌ أعداؤكُم كَثيرٌ، عاداكُمُ الخَلقُ يا مَعشرَ الشّيعَةِ، فَتَزَيَّنُوا لَهُم ما قَدَرتُم علَيهِ.[1]

(انظر) وسائل الشيعة: ۳ / ۳۴۴ باب ۵.

۱۶۹۳
ما يَحرُمُ مِنَ الزِّينَةِ

۸۱۹۷. رسولُ اللهِ ﷺ: الذَّهَبُ والحَريرُ حِلٌّ لإناثِ أُمّتي وحَرامٌ علىٰ ذُكُورِها.[2]

۸۱۹۸. عنه ﷺ: الذَّهَبُ حِليَةُ المُشركينَ، والفِضَّةُ حِليَةُ المُسلمينَ.[3]

۸۱۹۹. عنه ﷺ: مَن أحَبَّ أن يُحَلِّقَ حَبيبَهُ حَلقَةً مِن نارٍ فَلْيُحَلِّقْهُ حَلقَةً مِن ذَهَبٍ، ومَن أحَبَّ أن يُطَوِّقَ حَبيبَهُ طَوقاً من نارٍ فَلْيُطَوِّقْهُ طَوقاً مِن ذَهَبٍ ... ولكنْ علَيكُم بالفِضَّةِ فالعَبُوا بها لَعباً.[4]

(انظر) وسائل الشيعة: ۳ / ۳۹۳ باب ۴۶.

۱۶۹۳
زينَةُ البَواطِنِ

الكتاب:

﴿واعْلَمُوا أنَّ فِيكُمْ رَسُولَ اللهِ لَو يُطِيعُكُمْ فِي كَثِيرٍ مِنَ

جماعت شیعه! مردم با شما دشمنی می‌کنند، پس تا جایی که می‌توانید در برابر چشم آنها آراسته باشید.

۱۶۹۳
زیورهای حرام

۸۱۹۷. **پیامبر خدا ﷺ**: [پوشیدن] طلا و ابریشم برای زنان امّت من حلال است و برای مردان آن‌ها حرام.

۸۱۹۸. **پیامبر خدا ﷺ**: طلا، زیور مشرکان است و نقره، زیور مسلمانان.

۸۱۹۹. **پیامبر خدا ﷺ**: هر [مردی] که دوست دارد انگشتری از آتش در انگشت دوست خود کند، انگشتری طلا در انگشت او کند. و هر که دوست دارد گردنبندی آتشین در گردن دوست خود اندازد، گردنبند طلا به گردنش بیاویزد... ولی بر شما باد نقره. آن را بازیچهٔ خود کنید.

۱۶۹۴
زیور درون

قرآن:

«بدانید که رسول خدا در میان شماست. اگر در بسیاری از امور اطاعت شما کند به رنج افتید. ولی

---

۱. بحار الأنوار: ۷۶/۱/۳۲۴. ۲. كنز العمّال: ۱۷۳۵۷.
۳. كنز العمّال: ۱۷۳۵۸. ۴. كنز العمّال: ۱۷۳۶۵.

الأمرِ لَعَنِتُّمْ وَلٰكِنَّ اللهَ حَبَّبَ إلَيْكُمُ الإيمانَ وَزَيَّنَهُ فِي قُلُوبِكُمْ وَكَرَّهَ إلَيْكُمُ الْكُفْرَ والْفُسُوقَ والْعِصيانَ أُولٰئِكَ هُمُ الرَّاشِدُونَ﴾.[1]

خدا ایمان را محبوب شما کرد و آن را در دلهایتان بیاراست و کفر و نافرمانی و عصیان را ناخوشایند شما گردانید. آنان همان رهیافتگانند».

الحديث:

حدیث:

٨٢٠٠. **بحار الأنوار:** فيما أوحَى اللهُ تعالىٰ إلىٰ موسىٰ وهارونَ: إنّما يَتَزَيَّنُ لي أوليائي بالذُّلِّ والخُشوعِ والخَوفِ الذي يَنبُتُ في قُلوبِهِم فَيَظهَرُ علىٰ أجسادِهِم، فهُو شِعارُهُم ودِثارُهُم الذي يَستَشعِرُونَ.[2]

٨٢٠٠. **بحار الأنوار:** خداوند متعال به موسی و هارون وحی فرمود: دوستان من خود را برای من به زیور خاکساری و خشوع و ترس می‌آرایند. این زیور، در دلهایشان می‌روید و در پیکرهایشان نمودار می‌شود و این زیور، جامهٔ زیرین و رویین آنهاست، که به تن می‌کنند.

٨٢٠١. **رسولُ اللهِ ﷺ:** العَفافُ زِينَةُ البَلاءِ، والتَّواضُعُ زينَةُ الحَسَبِ، والفَصاحَةُ زينَةُ الكلامِ، والعَدلُ زينَةُ الإيمانِ، والسَّكِينَةُ زينَةُ العِبادَةِ، والحِفظُ زينَةُ الرِّوايَةِ، وحِفظُ الحِجاجِ زينَةُ العِلمِ، وحُسنُ الأدبِ زينَةُ العَقلِ، وبَسطُ الوَجهِ زينَةُ الحِلمِ، والإيثارُ زينَةُ الزُّهدِ، وبَذلُ المَوجودِ زينَةُ اليَقينِ، والتَّقَلُّلُ زينَةُ القَناعَةِ، وتَركُ المَنِّ زينَةُ المَعروفِ، والخُشوعُ زينَةُ الصَّلاةِ، وتَركُ ما لا يَعنِي زينَةُ الوَرَعِ.[3]

٨٢٠١. **پیامبر خدا ﷺ:** عفاف، زیور بلاست، و فروتنی، زیور نژادگی، و فصاحت، زیور سخن، و عدالت، زیور ایمان، و آرامش، زیور عبادت و حفظ، زیور نقل، و نگه داشتنِ حجّتها، زیور دانش، و ادب نیکو، زیور خرد، و گشاده‌رویی، زیور بردباری، و ایثار، زیور زهد، و بخشیدنِ موجودی زیور یقین، و کم‌خواهی، زیور قناعت، و منّت ننهادن، زیور نیکی کردن، و خشوع، زیور نماز، و ترک بیهودگی، زیور پارسایی.

٨٢٠٢. **الإمامُ عليٌّ ﷺ:** الزِّينَةُ بحُسنِ الصَّوابِ

٨٢٠٢. **امام علی ﷺ:** زیور، به زیبایی اعمال

---

١. الحجرات: ٧.
٢. بحار الأنوار: ١٨/٤٩/١٣.
٣. بحار الأنوار: ٤١/١٣١/٧٧.

لا بحُسنِ الثِّيابِ.[۱]

درست است، نه به زیبایی لباس.

۸۲۰۳. عنه ﷺ: زِينَةُ البَواطِنِ أجمَلُ مِن زِينَةِ الظَّواهِرِ.[۲]

۸۲۰۳. امام علی ﷺ: زیور درون، زیباتر از زیور برون است.

۸۲۰۴. عنه ﷺ: زَينُ الدِّينِ العَقلُ.[۳]

۸۲۰۴. امام علی ﷺ: زیورِ دین، خِرد است.

۸۲۰۵. عنه ﷺ: زَينُ الإيمانِ طَهارَةُ السَّرائرِ وحُسنُ العَملِ في الظّاهِرِ.[۴]

۸۲۰۵. امام علی ﷺ: زیور ایمان، پاکی درونهاست و نیک رفتاری برون.

۸۲۰۶. عنه ﷺ: زينُ الدِّينِ الصَّبرُ والرِّضا.[۵]

۸۲۰۶. امام علی ﷺ: زیور دین، صبر است و رضا [به قضای الهی].

۸۲۰۷. عنه ﷺ: زِينَةُ الإسلامِ إعمالُ الإحسانِ.[۶]

۸۲۰۷. امام علی ﷺ: زیور اسلام، به کار بستن احسان است.

۸۲۰۸. عنه ﷺ: زَينُ المُصاحَبَةِ الاحتِمالُ.[۷]

۸۲۰۸. امام علی ﷺ: زیور همراهی، تحمّل است.

۸۲۰۹. عنه ﷺ: زَينُ العِبادَةِ الخُشوعُ.[۸]

۸۲۰۹. امام علی ﷺ: زیور عبادت، خشوع است.

۸۲۱۰. عنه ﷺ: زَينُ الرِّياسَةِ الإفضالُ.[۹]

۸۲۱۰. امام علی ﷺ: زیور ریاست، بخشندگی است.

۸۲۱۱. عنه ﷺ: زَينُ العِلمِ الحِلمُ.[۱۰]

۸۲۱۱. امام علی ﷺ: زیور دانش، بردباری است.

۸۲۱۲. عنه ﷺ: زَينُ الشِّيَمِ رَعْيُ الذِّمَمِ.[۱۱]

۸۲۱۲. امام علی ﷺ: زیور خصلتها، رعایت پیمانهاست.

۸۲۱۳. عنه ﷺ: زَينُ المُلكِ العَدلُ.[۱۲]

۸۲۱۳. امام علی ﷺ: زیور حکومت، عدالت است.

۸۲۱۴. عنه ﷺ: زَينُ الحِكمَةِ الزُّهدُ فِي الدنيا.[۱۳]

۸۲۱۴. امام علی ﷺ: زیور حکمت، بی‌رغبتی به دنیاست.

---

۱. غرر الحکم: ۱۷۴۵.
۲. غرر الحکم: ۵۵۰۳.
۳. غرر الحکم: ۵۴۶۶.
۴. غرر الحکم: ۵۵۰۴.
۵. غرر الحکم: ۵۴۷۱.
۶. غرر الحکم: ۵۵۰۲.
۷. غرر الحکم: ۵۴۶۱.
۸. غرر الحکم: ۵۴۶۹.
۹. غرر الحکم: ۵۴۶۲.
۱۰. غرر الحکم: ۵۴۶۳.
۱۱. غرر الحکم: ۵۴۶۵.
۱۲. غرر الحکم: ۵۴۶۷.
۱۳. غرر الحکم: ۵۴۷۰.

۸۲۱۵. **الإمامُ زينُ العابدينَ** ﷺ ـ في دعاءِ مكارمِ الأخلاقِ ـ: اللّهُمّ صَلِّ علىٰ محمّدٍ وآلِهِ، وحَلِّني بحِلْيَةِ الصالِحينَ، وألبِسْني زِينَةَ المُتّقينَ في بَسطِ العَدلِ، وكَظمِ الغَيظِ، وإطفاءِ النائرةِ، وضَمِّ أهلِ الفُرقَةِ، وإصلاحِ ذاتِ البَينِ، وإفشاءِ العارِفَةِ، وسَترِ العائبَةِ، ولِينِ العَريكَةِ، وخَفضِ الجَناحِ، وحُسنِ السِّيرَةِ، وسُكونِ الرِّيحِ، وطِيبِ المُخالَقَةِ، والسَّبقِ إلىٰ الفَضيلَةِ، وإيثارِ التفضُّلِ، وتَركِ التَّعييرِ، والإفضالِ علىٰ غَيرِ المُستَحِقِّ، والقَولِ بالحقِّ وإن عَزَّ، واستِقلالِ الخَيرِ وإن كَثُرَ مِن قَولي وفِعلي، واستِكثارِ الشَّرِّ وإن قَلَّ مِن قَولي وفِعلي. وأكمِلْ ذلكَ لي بِدَوامِ الطاعَةِ، ولُزومِ الجَماعَةِ، ورَفضِ أهلِ البِدَعِ، ومُستَعمِلِي الرأيِ المُخترَعِ.[1]

۸۲۱۵. **امام زین العابدین** ﷺ ـ در دعای مکارم الاخلاق ـ گفت: بار الها! بر محمّد و آل او درود فرست و مرا به زیورِ صالحان بیارای و زینتِ پرهیزگاران را بر من بپوشان؛ همان زیورِ گستردنِ عدالت، و فرو نشاندن خشم، و خاموش کردن آتش [دشمنی]، و گرد آوردن پراکندگان و اصلاح میان مردمان و گسترش کارهای نیک، و پوشاندن عیب (زشتی)، و نرمخویی و خاکساری، و خوشرفتاری، و وقار و آرامش، و خوش برخوردی با مردم، و پیشی گرفتن به سوی فضیلت، و برگزیدن نیکوکاری، و ترک سرزنش، و بخشش نکردن به غیر مستحق، و گفتن حق؛ هر چند سنگین باشد، و کم شمردن گفتارها و رفتارهای نیکم؛ گرچه بسیار باشند، و زیاد شمردن گفتار و رفتار زشتم؛ گرچه اندک باشد. و اینها را با [دادنِ توفیقِ] مداومت بر طاعت و همراهی با جماعت و طرد بدعتگذاران و به کار گیرندگان رأی و اندیشهٔ خودساخته برایم کامل گردان.

۸۲۱۶. **الإمامُ الصّادقُ** ﷺ: علَيكَ بِالسَّخاءِ وحُسنِ الخُلُقِ فإنَّهُما يُزَيِّنانِ الرَّجُلَ كما تُزَيِّنُ الواسِطَةُ القِلادَةَ.[2]

(انظر) الجمال: باب ۵۲۶.

۸۲۱۶. **امام صادق** ﷺ: بسر تو باد بخشندگی و خوشخویی؛ زیرا همان گونه که گوهرِ درشتِ وسط گردنبند مایهٔ زیبایی آن است، این دو خصلت نیز مایهٔ زینت مرد هستند.

---

۱. الصحيفة السجّادية: الدعاء ۲۰.

۲. بحار الأنوار: ۷۱/۳۹۱/۵۱.

۱۶۹۵
أحسَنُ الزِّينَةِ

۸۲۱۷. رسولُ اللهِ ﷺ: أحسَنُ زِينَةِ الرَّجُلِ السَّكِينَةُ مَعَ إيمانٍ.[۱]

۸۲۱۸. عنه ﷺ: ما زَيَّنَ اللهُ رجُلاً بزِينَةٍ خَيراً مِن عَفافِ بَطنِهِ.[۲]

۸۲۱۹. عنه ﷺ ـ لِعَلِيٍّ ﷺ ـ: إنَّ اللهَ زَيَّنَكَ بزِينَةٍ لَم يُزَيِّنِ العِبادَ بِشَيءٍ أحَبَّ إلَى اللهِ مِنها، ولا أبلَغَ عِندَهُ مِنها: الزُّهدُ في الدنيا، وإنَّ اللهَ قد أعطاكَ ذلكَ، وجَعَلَ الدنيا لا تَنالُ مِنكَ شيئاً، وجَعَلَ لَكَ سِيماءَ تُعرَفُ بها.[۳]

۸۲۲۰. الإمامُ عليٌّ ﷺ: إنَّ أحسَنَ الزِّيِّ ما خَلَطَكَ بالناسِ وجَمَّلَكَ بينَهُم وكَفَّ ألسِنَتَهُم عنكَ.[۴]

۸۲۲۱. عنه ﷺ: ما تَزَيَّنَ مُتَزَيِّنٌ بمِثلِ طاعَةِ اللهِ.[۵]

۸۲۲۲. الإمامُ الباقرُ ﷺ: كانَ فيما ناجَى اللهُ بهِ موسىٰ ﷺ... : ولا تَزَيَّنَ لي المُتَزَيِّنُونَ بمِثلِ الزُّهدِ في الدنيا عَمّا بِهِمُ الغِنىٰ عَنهُ.[۶]

(انظر) الزهد: باب ۱۶۱۱.

۱۶۹۵
نیکوترین زیور

۸۲۱۷. **پیامبر خدا ﷺ**: نیکوترین زیور مرد، آرامش همراه ایمان است.

۸۲۱۸. **پیامبر خدا ﷺ**: خداوند، هیچ مردی را به زیوری بهتر از عفّت شکم نیاراست.

۸۲۱۹. **پیامبر خدا ﷺ** ـ به علی ﷺ ـ فرمود: همانا خداوند تو را به زیوری آراسته است که بندگان به چیزی محبوبتر و رساتر از آن نزد خدا، آراسته نشده‌اند؛ بی‌رغبتی به دنیا را خداوند به تو عطا فرمود و دنیا را چنان قرار داد که از تو به نوایی نرسد و برایت سیمایی قرار داد که با آن شناخته می‌شوی.

۸۲۲۰. **امام علی ﷺ**: نیکوترین هیئت (سلوک) آن است که تو را با مردم آمیزش دهد و در میان آنها زیبایت گرداند و زبان [بدگویی] آنان را از تو باز دارد.

۸۲۲۱. **امام علی ﷺ**: هیچ آراسته‌ای به زیوری مانند طاعت خدا، آراسته نشد.

۸۲۲۲. **امام باقر ﷺ**: از جملهٔ نجواهای خداوند متعال با موسی ﷺ این بود: ... آراستگان، خود را برای من به زیوری نیاراستند که همانند بی‌رغبتی به دنیا در آنچه بدان نیاز ندارند، باشد.

---

۱. بحار الأنوار: ۲/۳۳۷/۷۱.
۲. تنبيه الخواطر: ۲۲۹/۲. ۳. مشكاة الأنوار: ۵۶۰/۲۰۷.
۴. غرر الحكم: ۳۴۷۰. ۵. غرر الحكم: ۹۴۸۹.
۶. بحار الأنوار: ۱۷/۳۱۳/۷۰.

۱۶۹۶
مَن زُيِّنَ لَهُ سوءُ عَمَلِهِ

الكتاب:

﴿إِنَّ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ زَيَّنَّا لَهُمْ أَعْمالَهُمْ فَهُمْ يَعْمَهُونَ﴾.[1]

﴿أَفَمَنْ زُيِّنَ لَهُ سُوءُ عَمَلِهِ فَرَآهُ حَسَناً فَإِنَّ اللهَ يُضِلُّ مَن يَشاءُ وَيَهْدِي مَن يَشَاءُ فَلَا تَذْهَبْ نَفْسُكَ عَلَيهِم حَسَراتٍ إِنَّ اللهَ عَلِيمٌ بِما يَصْنَعُونَ﴾.[2]

﴿وَإِذَا مَسَّ الْإِنسَانَ الضُّرُّ دَعَانَا لِجَنْبِهِ أَوْ قَاعِداً أَوْ قَائِماً فَلَمَّا كَشَفْنا عَنهُ ضُرَّهُ مَرَّ كَأَن لَّم يَدعُنَا إِلَىٰ ضُرٍّ مَّسَّهُ كَذٰلِكَ زُيِّنَ لِلْمُسرِفِينَ ما كانُوا يَعْمَلُونَ﴾.[3]

﴿وَعاداً وَثَمُودَ وَقَد تَبَيَّنَ لَكُمْ مِنْ مَساكِنِهِمْ وَزَيَّنَ لَهُمُ الشَّيْطانُ أَعْمالَهُم فَصَدَّهُم عَنِ السَّبِيلِ وَكانُوا مُسْتَبْصِرِينَ﴾.[4]

﴿تاللهِ لَقَدْ أَرسَلْنا إِلَىٰ أُمَمٍ مِنْ قَبْلِكَ فَزَيَّنَ لَهُمُ الشَّيطانُ أَعمالَهُم فَهُوَ وَلِيُّهُمُ الْيَوْمَ وَلَهُم عَذابٌ أَلِيمٌ﴾.[5]

﴿وَإِذْ زَيَّنَ لَهُمُ الشَّيْطانُ أَعْمالَهُم وَقالَ لا غالِبَ لَكُمُ الْيَومَ مِنَ النَّاسِ وَإِنِّي جارٌ لَّكُمْ فَلَمَّا تَرَاءَتِ الْفِئَتَانِ نَكَصَ عَلَىٰ عَقِبَيهِ وَقالَ إِنِّي بَرِيءٌ مِّنكُمْ إِنِّي أَرَىٰ ما لَا تَرَونَ إِنِّي أَخافُ اللهَ واللهُ شَدِيدُ الْعِقابِ﴾.[6]

---

۱. النمل: ۴.
۲. فاطر: ۸.
۳. یونس: ۱۲.
۴. العنکبوت: ۳۸.
۵. النحل: ۶۳.
۶. الأنفال: ۴۸.

۱۶۹۶
کسانی که کردار بدشان در نظرشان نیک جلوه می‌کند

قرآن:

«همانا کسانی که به آخرت ایمان ندارند، اعمالشان را در نظرشان آراسته‌ایم، پس آنان سرگردانند».

«آیا کسی که بدکاری‌اش در نظرش آراسته شده و آن را نیکو دیده [چون غیر اوست؟] خدا هر که را خواهد گمراه سازد و هر که را خواهد هدایت کند. پس، جان خود را از افسوس خوردن برای آنها تباه مکن که خدا از آنچه می‌کنند آگاه است».

«و چون انسان را گزند و محنتی رسد ما را خفته یا نشسته یا ایستاده بخواند و چون رنج و محنتش را از او برداریم، برود [چنان که] گویی ما را برای محنتی که بدو رسیده اصلاً نخوانده بود. بدین‌سان اعمال اسرافکاران برایشان آراسته شده است».

«و عاد و ثمود را [نیز هلاک کردیم]. قطعاً فرجام آن‌ها از مسکنهایشان برای شما عیان شده است و شیطان اعمال آنها را در نظرشان بیاراست و از راه منحرفشان کرد، در حالی‌که بینا بودند».

«به خدا، ما به سوی امتهای پیش از تو [رسولانی] فرستادیم. پس شیطان اعمالشان را در نظرشان بیاراست، پس او امروز ولیّ آنهاست و ایشان را عذابی دردآور است».

«وچون شیطان اعمال آنها را در نظرشان بیاراست و گفت: امروز از این مردمان کسی بر شما چیره نیست و من پناهدار شمایم. پس چون دو گروه رویاروی هم شدند، پا پس نهاد و گفت: من از شما بیزارم که من چیزی می‌بینم که شما نمی‌بینید. من از خدا می‌ترسم که خدا سخت کیفر است».

الحديث:

حدیث:

٨٢٢٣ . الإمامُ عليٌّ عليه السلام ـ مِن خُطبَةٍ لَهُ يَذُمُّ فيها أتباعَ الشَّيطانِ ـ: اِتَّخذُوا الشَّيطانَ لأمرِهِم مِلاكاً ... فَرَكِبَ بِهِمُ الزَّلَلَ، وزَيَّنَ لَهُمُ الخَطَلَ.[1]

٨٢٢٣ . امام علی عليه السلام ـ در خطبه‌ای که در آن به نکوهش پیروان شیطان پرداخت ـ فرمود: شیطان را اساس کار خود گرفتند...، پس او آنان را دستخوش لغزشها کرد و اندیشه و منطق فاسد ونادرست را در نظرشان آراست.

٨٢٢٤ . عنه عليه السلام: الشَّيطانُ مُوَكَّلٌ بِهِ، يُزَيِّنُ لَهُ المَعصيَةَ لِيَركَبَها، ويُمَنِّيهِ التَّوبَةَ لِيُسَوِّفَها.[2]

٨٢٢٤ . امام علی عليه السلام: شیطان گماشته و همراه او شده است، گناه را در نظرش می‌آراید، تا آن را مرتکب شود و او را به توبه امیدوار می‌کند، تا در آن تعلّل و تأخیر ورزد.

(انظر) العُجب: باب ٢٢٨٤.

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

---

١ . نهج البلاغة: الخطبة ٧.

٢ . نهج البلاغة: الخطبة ٦٤.

حرف السين

عنوان	صفحه
المسؤولية (مسئوليّت)	۱۳۵
السؤال (طلب العلم) پرسيدن (دانش جويى)	۱۵۱
السؤال (طلب الحاجة) درخواست (نياز خواهى)	۱۶۱
الأسباب (سببها)	۱۷۹
السبّ (ناسزاگويى)	۱۸۵
التسبيح (تسبيح)	۱۹۳
التسابق (مسابقه)	۱۹۷
السبيل (راه)	۲۰۱
السجود (سجود)	۲۰۷
المسجد (مسجد)	۲۱۷
السجن (زندان)	۲۳۱
السحت (مالِ حرام)	۲۳۵
السحر (جادو)	۲۳۹
المساحقة (مساحقه)	۲۴۵
السخرية (مسخره كردن)	۲۴۷
السخاء (بخشندگى)	۲۵۱
السرّ (راز)	۲۶۱
السريرة (درون)	۲۶۷

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

السرور (شادمانی) ۲۷۳
الاسراف (اسراف) ۲۸۱
السرقة (دزدی) ۲۸۹
السعادة (خوشبختی) ۲۹۵
السفر (مسافرت) ۳۰۷
السفلة (فرومایگان) ۳۱۹
السفه (سبکسری) ۳۲۳
السقي (ساقی‌گری) ۳۲۹
السكر (مستی) ۳۳۳
المَسكن (مسکن) ۳۳۷
السِّلاح (جنگ افزار) ۳۴۳
السُّلطان (سلطان) ۳۵۱
الإسلام (اسلام) ۳۵۹
السَّلام (سلام کردن) ۳۷۹
التَّسليم (تسلیم) ۳۸۹
السَّمت (سیما و سیره) ۳۹۳
الاستِماع (گوش سپردن) ۳۹۷
الأسماء (نامها) ۴۰۵
أسماءُ الله (نامهای خدا) ۴۰۹
السُّنَّة (سنّت) ۴۱۵
السَّهَر (شب زنده‌داری) ۴۲۵
السَّيِّد (سَروَر) ۴۳۱
السِّياسة (سیاست) ۴۳۵
التَّسويف (نهی از کار امروز به فردا افکندن) ۴۴۱
السُّوق (بازار) ۴۴۵
السِّواك (مسواک زدن) ۴۵۱

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

المسؤولية

مسؤوليّت

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

ولمزيد الاطّلاع راجع:

بحار الأنوار: ٧/ ٢٧٧ «السؤال عن الرسل والأمم».

انظر:

عنوان ١١٣ «الحساب».

۱۴۶ ـــــــ

ويـــقولُ: ﴿ويُحَذِّرُكُم اللهُ نَفسَهُ وإلى اللهِ المَصِيرُ﴾[1] ويـــــقولُ: ﴿فَوَرَبِّكَ لَنَسْأَلَنَّهُم أَجمَعِينَ ۞ عمّا كانوا يَعْمَلُونَ﴾.[2]

۸۲۲۸. عنه ﷺ: اِتَّقُوا اللهَ في عِبادِهِ وبِلادِهِ فـإنَّكُم مَسـؤولُونَ حـتّى عـنِ البِـقاعِ والبَـهائمِ، أطِيعُوا اللهَ ولا تَعصُوهُ.[3]

۸۲۲۹. الإمامُ الصّادقُ ﷺ ـ في الدعاءِ بعدَ صلاةِ يَومِ الغَديرِ ـ: يا صادقَ الوَعدِ، يا مَن لا يُخلِفُ المِيعادَ، يا مَن هُو كُلَّ يَـومٍ فـي شَأنٍ، أن أنعَمتَ عَلَينا بمُوالاةِ أولِيـائكَ المَسـؤولِ عنها عِبادُكَ، فإنَّكَ قلتَ وقَولُكَ الحَقُّ: ﴿ثمّ لَتُسألُنَّ يَومَئذٍ عَنِ النَّعِيمِ﴾[4] وقـــــلتَ: ﴿وقِفُوهُم إنَّهُم مَسؤولُونَ﴾.[5]

۱۶۹۸

كُلُّكُم مَسؤولٌ!

۸۲۳۰. رسولُ اللهِ ﷺ: ألا كُلُّكُم راعٍ وكُلُّكُم مَسؤولٌ عن رَعِيَّتِهِ، فالأميرُ الذي على الناسِ راعٍ وهُو مَسؤولٌ عـن رَعِـيَّتِهِ، والرَّجُـلُ راعٍ علىٰ أهلِ بَيتِهِ وهُو مَسؤولٌ عَنهُم، والمَرأةُ

می‌فرماید: «خداوند شما را از خودش بر حـذر مـی‌دارد و بـازگشت بـه سـوی خـداست» و مـی‌فرماید: «سـوگند بـه پروردگارت که از همهٔ آنها دربارهٔ آنـچه می‌کرده‌اند، پرسش می‌کنیم».

۸۲۲۸. امام علی ﷺ: از خدا بترسید دربارهٔ بندگان او و سرزمینهایش؛ زیرا شما حتی نسبت به قطعه‌های زمین‌ها و چارپایان نـیز بـاید پاسخگو بـاشید. از خـدا اطـاعت کـنید و نافرمانی او نکنید.

۸۲۲۹. امام صادق ﷺ ـ در دعای بعد از نماز عـید غدیر ـ گـفت: ای آن کـه وعـده‌اش راست است! ای کسی که خلف وعده نمی‌کند! ای آن کـه هـر روز در کـاری است! نـعمتِ دوسـتی اولیـای خـود را، کـه از بـندگانت دربارهٔ آن بازخواست می‌شود، به ما ارزانی داشتی. تو فرموده‌ای و فرمودهٔ تـو راست است کـه: «سـپس، در آن روز از نـعمتها بازخواست مـی‌شوید» و نـیز فـرموده‌ای: «ونگه دارید‌شان، که از آنان پرسش شود».

۱۶۹۸

همه شما مسئولید!

۸۲۳۰. پیامبر خدا ﷺ: بـدانـید کـه هـمهٔ شـما سـرپرست هستید و هـمهٔ شـما دربـارهٔ زیـردستانتان بـازخـواست مـی‌شوید. آن امیری که بر مردم فرمان می‌راند سرپرست است و نسـبت بـه رعـیّتش بـازخـواست

---

۱. آل عمران: ۲۸. ۲. الأمالي للمفيد: ۳/۲۶۱.
۳. نهج البلاغة: الخطبة ۱۶۷.
۴. التكاثر: ۸.
۵. تهذيب الأحكام: ۳/۱۴۶/۳۱۷.

راعِيَةٌ علىٰ بَيتِ بَعلِها وولَدِهِ وهِيَ مَسؤولَةٌ عَنهُم.[۱]

۸۲۳۱. عنه ﷺ: إنَّ اللهَ تعالىٰ سائلٌ كُلَّ راعٍ عَمّا استَرعاهُ: أحَفِظَ ذلكَ أمْ ضَيَّعَهُ حتّىٰ يَسأَلَ الرَّجُلَ عن أهلِ بَيتِهِ.[۲]

۸۲۳۲. الإمامُ عليٌّ ﷺ: كُلُّ امرِئٍ مَسؤولٌ عمّا مَلَكَتْ يَمِينُهُ وعِيالِهِ.[۳]

۱۶۹۹
مَسؤولِيَّةُ السَّمعِ وَالبَصَرِ وَالفُؤادِ

الكتاب:

﴿وَلَا تَقْفُ ما لَيسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ إنَّ السَّمْعَ وَالبَصَرَ والفُؤادَ كُلُّ أُولٰئِكَ كانَ عَنْهُ مَسْؤولاً﴾.[۴]

الحديث:

۸۲۳۳. الإمامُ الصّادقُ ﷺ ـ في قولِهِ تعالىٰ: ﴿إنَّ السَّمْعَ وَالبَصَرَ والفُؤادَ﴾ ـ: يُسألُ السَّمعُ عَمّا سَمِعَ، والبَصَرُ عَمّا نَظَرَ إلَيهِ، والفُؤادُ عَمّا عَقَدَ عليهِ.[۵]

۸۲۳۴. كتاب من لا يحضره الفقيه: قالَ رجلٌ للصّادِقِ ﷺ: إنَّ لي جِيراناً ولَهُم جَوارٍ

---

۱. صحيح مسلم: ۳/۱۴۵۹/۲۰.
۲. كنز العمّال: ۱۴۶۳۶. ۳. غرر الحكم: ۷۲۵۴.
۴. الإسراء: ۳۶. ۵. مشكاة الأنوار: ۴۴۵/۱۴۸۸.

می‌شود، مرد، سرپرست خانوادهٔ خویش است و دربارهٔ آنها باید پاسخگو باشد و زن، سرپرست خانه و فرزندان شوهر خود است و دربارهٔ آنها باید پاسخ دهد.

۸۲۳۱. **پیامبر خدا ﷺ**: خداوند متعال از هر سرپرستی نسبت به آنچه سرپرستی‌اش را به او واگذار کرده است بازخواست می‌کند؛ خواه از آن به خوبی سرپرستی (نگهداری) کرده باشد، یا تباهش کرده باشد. حتی از مرد، دربارهٔ خانواده‌اش بازخواست می‌شود.

۸۲۳۲. **امام علی ﷺ**: هر مردی دربارهٔ کنیزان و خانوادهٔ خود بازخواست می‌شود.

۱۶۹۹
مسئولیت گوش و چشم و دل

قرآن:

«از آنچه بدان علم نداری پیروی مکن که همانا گوش و چشم و دل، همگی، مورد بازخواست قرار می‌گیرند».

حدیث:

۸۲۳۳. **امام صادق ﷺ** ـ دربارهٔ آیهٔ «همانا گوش و چشم و دل» ـ فرمود: از گوش دربارهٔ آنچه شنیده است بازخواست می‌شود و از چشم دربارهٔ آنچه بدان نگریسته است و از دل دربارهٔ باورها و دلبستگی‌هایش.

۸۲۳۴. **من لا يحضره الفقيه**: مردی به امام صادق ﷺ عرض کرد: همسایگانی دارم که

يَتَغَنَّينَ ويَضرِبن بالعُودِ، فرُبّما دَخَلتُ المَخرَجَ فَأُطِيلُ الجُلُوسَ استِماعاً مِنّي لَهُنَّ؟... فقالَ لَهُ الصّادقُ ﷺ: تاللهِ أنتَ! أما سَمِعتَ اللهَ عزّوجلّ يقولُ: ﴿إنَّ السَّمْعَ والبَصَرَ والفُؤادَ كُلُّ أُولئكَ كانَ عنه مَسْؤولاً﴾؟![1]

کنیزکانشان آواز می‌خوانند و عود می‌نوازند و من گاهی اوقات به دستشویی می‌روم و برای گوش دادن به ساز و آواز آنها نشستنم را طول می‌دهم... حضرت فرمود: عجبا! سوگند به خدا تو [هم]؟! مگر نشنیده‌ای که خداوند عزّوجلّ می‌فرماید: «همانا گوش و چشم و دل، همگی، بازخواست می‌شوند»؟!

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

۱. کتاب من لا یحضره الفقیه: ۱/۸۰/۱۷۷.


مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

۲۱۳

السُّؤالُ (طَلَبُ العِلمِ)

پرسیدن (دانش جویی)

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

ولمزيد الاطّلاع راجع:

كنز العمّال: ۳/ ۵۷۰، ۸۳۹ «السؤال عمّا لا يعني».

انظر:

عنوان ۸۷ «الجواب».

۱۷۰۰
مِفتاحُ العِلمِ

الكتاب:

﴿وَمَا أَرْسَلْنا مِن قَبْلِكَ إلّا رِجَالاً نُوحِي إلَيْهِمْ فاسْأَلُوا أَهلَ الذِّكْرِ إنْ كُنْتُمْ لا تَعْلَمُونَ﴾.[1]

﴿وَمَا أَرْسَلْنا قَبْلَكَ إلّا رِجالاً نُوحِي إلَيْهِمْ فَاسْأَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إن كُنتُمْ لا تَعْلَمُونَ﴾.[2]

الحديث:

۸۲۳۵. رسولُ اللهِ ﷺ: العِلمُ خَزائنُ ومَفاتيحُهُ السُّؤالُ، فَاسألُوا رَحِمَكُمُ اللهُ فإنَّهُ يُؤجَرُ أربَعةٌ: السائلُ، والمُتكلِّمُ، والمُستَمِعُ، والمُحِبُّ لَهُم.[3]

۸۲۳۶. عنه ﷺ: السُّؤالُ نِصفُ العِلمِ.[4]

۸۲۳۷. الإمامُ عليٌّ ﷺ: القُلوبُ أقفالٌ مَفاتِحُها السُّؤالُ.[5]

۸۲۳۸. عنه ﷺ: سَلْ عَمّا لابُدَّ لكَ مِن عِلمِهِ ولا تُعذَرُ في جَهلِهِ.[6]

---

۱. النحل: ۴۳.
۲. الأنبياء: ۷.
۳. تحف العقول: ۴۱.
۴. كنز العمّال: ۲۹۲۶۰.
۵. غرر الحكم: ۱۴۲۶.
۶. غرر الحكم: ۵۵۹۵.

۱۷۰۰
کلید دانش

قرآن:

«و پیش از تو نفرستادیم مگر مردانی را که به آنان وحی می‌کنیم؛ پس، از اهل ذکر بپرسید اگر نمی‌دانید».

«و پیش از تو نفرستادیم مگر مردانی را که به آنان وحی می‌کنیم؛ پس، از اهل ذکر بپرسید اگر نمی‌دانید».

حدیث:

۸۲۳۵. **پیامبر خدا ﷺ**: دانش گنجینه‌هایی است و کلیدهای آنها پرسش است؛ پس، رحمت خدا بر شما، بپرسید که بر اثر آن چهار نفر پاداش می‌یابند: پرسنده، گوینده، شنونده و دوستدار آنان.

۸۲۳۶. **پیامبر خدا ﷺ**: پرسیدن، نیمی از دانش است.

۸۲۳۷. **امام علی ﷺ**: دلها، قفلهایی هستند که کلیدهای آنها پرسیدن است.

۸۲۳۸. **امام علی ﷺ**: سؤال کن آنچه را که باید بدانی و در ندانستنش معذور نیستی.

٨٢٣٩ . الإمامُ زينُ العابدينَ ﷺ: لا تَزهَدْ في مُراجَعَةِ الجَهلِ وإن كُنتَ قد شُهِرتَ بخِلافِهِ.[1]

١٧٠١
حُسنُ المَسألَةِ

٨٢٤٠ . رسولُ اللهِ ﷺ: حُسنُ السؤالِ نِصفُ العِلمِ.[2]

٨٢٤١ . الإمامُ عليٌّ ﷺ: مَن أحسَنَ السؤالَ عَلِمَ، مَن عَلِمَ أحسَنَ السُّؤالَ.[3]

٨٢٤٢ . عنه ﷺ: إذا سَألتَ فَاسأل تَفَقُّهاً ولا تَسألْ تَعَنُّتاً؛ فإنَّ الجاهِلَ المُتَعَلِّمَ شَبيهٌ بالعالِمِ، وإنَّ العالِمَ المُتَعَسِّفَ شَبيهٌ بالجاهِلِ.[4]

٨٢٤٣ . عنه ﷺ ـ لِسائلٍ سَألَهُ عن مُعضِلَةٍ ـ: سَلْ تَفَقُّهاً، ولا تَسْأل تَعَنُّتاً؛ فإنَّ الجاهِلَ المُتَعَلِّمَ شَبيهٌ بالعالِمِ، وإنَّ العالِمَ المُتَعَسِّفَ (المُتَعَنِّفَ) شَبيهٌ بالجاهِلِ المُتَعَنِّتِ.[5]

٨٢٤٤ . عنه ﷺ: الناسُ مَنقُوصُونَ مَدخُولُونَ إلّا مَن عَصَمَ اللهُ، سائلُهُم مُتَعَنِّتٌ، ومُجيبُهُم مُتَكَلِّفٌ.[6]

٨٢٤٥ . كنز العمّال عن عامرِ بنِ واثِلَةَ: شَهِدتُ عليَّ بنَ أبي طالبٍ ﷺ يخطُبُ، فقالَ في

٨٢٣٩ . امام زين العابدين ﷺ: در برطرف كردن نادانى [از خود] بى توجّهى مكن، هرچند برخلاف آن [به دانايى] شهرت يافته باشى.

١٧٠١
خوب پرسيدن

٨٢٤٠ . پيامبر خدا ﷺ: خوب پرسيدن نيمى از دانش است.

٨٢٤١ . امام على ﷺ: هر كه خوب سؤال كند، دانا شود؛ هر كه دانا باشد، خوب سؤال كند.

٨٢٤٢ . امام على ﷺ: هرگاه پرسشى كردى، براى دانا شدن بپرس و به منظور درمانده كردن سؤال نكن؛ زيرا شخص نادانى كه در پى آموختن باشد، همچون عالِم است و عالِمى كه در بيراهه قدم بنهد، مانند جاهل است.

٨٢٤٣ . امام على ﷺ ـ در پاسخ به مردى كه از ايشان سؤال معمّاگونه‌اى پرسيد ـ فرمود: به قصد چيز ياد گرفتن بپرس نه براى آزردن و درمانده كردن؛ زيرا جاهلى كه در صدد آموختن باشد همانند عالم است و عالمى كه در بيراهه قدم نهد همچون جاهلى است كه به قصد درمانده كردن مى‌پرسد.

٨٢٤٤ . امام على ﷺ: مردم، كوته‌انديش و كم خِرَدند، مگر آن كس كه خدايش نگه دارد. پرسنده‌شان، به قصد درمانده كردن مى‌پرسد و پاسخ دهنده‌شان پر مدّعاست.

٨٢٤٥ . كنز العمّال به نقل از عامر بن واثله: شاهد بودم كه على بن ابى‌طالب خطبه

---

١ . بحار الأنوار: ٢١/١٦١/٧٨.
٢ . كنز العمّال: ٢٩٢٦٢.
٣ . غرر الحكم: ٧٩٣٣ ـ ٧٦٧٤.
٤ . غرر الحكم: ٤١٤٧.
٥ . نهج البلاغة: الحكمة ٣٢٠.
٦ . نهج البلاغة: الحكمة ٣٢٣.

خُطبتِهِ: سَلُوني، فَوَاللهِ لاتَسألُوني عن شَيءٍ يكونُ إلىٰ يَومِ القِيامَةِ إلّا حَدَّثتُكُم بِهِ... فَقامَ[1] إليهِ ابنُ الكَوّاءِ فقالَ: يا أميرَ المؤمنينَ، ما الذّارِياتُ ذَرْواً؟ فقالَ لَهُ: وَيلَكَ سَلْ تَفَقُّهاً، ولا تَسأل تَعَنُّتاً.[2]

خواند و در آن فرمود: از من بپرسید؛ زیرا به خدا سوگند، دربارهٔ هر چیزی تا روز قیامت، از من بپرسید، جوابش را به شما می‌دهم... ابن کوّاء برخاست و گفت: ای امیر مؤمنان! «الذاریات ذروا» یعنی چه؟ حضرت فرمود: وای بر تو! برای چیز آموختن بپرس، برای درمانده کردن نپرس.

۱۷۰۲
ما لا يَنبَغي فِي السُّؤالِ

الكتاب:

﴿يا أيُّها الَّذِينَ آمَنُوا لا تَسأَلُوا عَنْ أشياءَ إنْ تُبْدَ لَكُمْ تَسُؤْكُمْ وإن تَسأَلُوا عَنْها حِينَ يُنَزَّلُ القُرآنُ تُبْدَ لَكُمْ عَفَا اللهُ عَنْها واللهُ غَفُورٌ حَلِيمٌ﴾.[3]

﴿أَمْ تُرِيدُونَ أَنْ تَسأَلُوا رَسُولَكُمْ كَما سُئِلَ مُوسَى مِنْ قَبلُ وَمَن يَتَبَدَّلِ الكُفْرَ بِالإيمانِ فَقَدْ ضَلَّ سَوَاءَ السَّبِيلِ﴾.[4]

الحديث:

۸۲۳۶. رسولُ اللهِ ﷺ: إنّ اللهَ تبارَكَ وتعالىٰ حَدَّ لَكُم حُدُوداً فلا تَتَعَدَّوها... وعَفا لَكُم عن أشياءَ رَحمَةً مِنهُ مِن غَيرِ نِسيانٍ فلا تَكَلَّفُوها.[5]

۸۲۳۷. عنه ﷺ ـ في بَني إسرائيلَ ـ: إنَّهُم أُمِرُوا بِأدنىٰ بَقَرَةٍ، لكِنَّهُم لَمّا شَدَّدُوا على أنفُسِهِم

۱۷۰۲
خودداری از پرس و جوهای بیجا

قرآن:

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید! از چیزهایی مپرسید که اگر برایتان معلوم شود خوش ندارید و اگر هنگام نزول قرآن از آنها بپرسید، برای شما عیان می‌شود، خدا از آن (پرسش‌های بیجا) گذشت. و خدا آمرزندهٔ بردبار است».

«آیا می‌خواهید از پیامبرتان سؤال کنید، چنان که پیشتر از موسی سؤال می‌شد؟ هر که کفر را به جای ایمان گیرد راه درست را گم کرده است».

حدیث:

۸۲۳۶. **پیامبر خدا** ﷺ: خدای تبارک و تعالی برای شما حدودی را معین کرده است و شما از آن حدود فراتر نروید... و چیزهایی را هم از روی رحمت و مهربانی، نه از باب فراموشی، بر شما بخشیده است؛ پس، برای دانستن آنها، زیاد کنجکاوی نکنید.

۸۲۳۷. **پیامبر خدا** ﷺ ـ دربارهٔ بنی‌اسرائیل ـ فرمود: آنان به آوردن یک ماده گاو ساده و

---

۱. في المصدر «فقال» و الصحيح ما أثبتناه.
۲. كنز العمّال: ۴۷۴۰. ۳. المائدة: ۱۰۱.
۴. البقرة: ۱۰۸. ۵. الأمالي للطوسي: ۱۱۱۶/۵۱۱.

شَدَّدَ اللهُ عليهم. وأيمُ اللهِ لَو أنّهم لَم يَستَثنُوا ما تَبيَّنَتْ لَهُم إلىٰ آخِرِ الدَّهرِ.[۱]

۸۲۴۸. **عنه ﷺ**: لولا أنَّ بني إسرائيلَ قالوا: ﴿وإنّا إنْ شاءَ اللهُ لَمُهتَدُونَ﴾[۲] ما أُعطُوا أبَداً. ولَو أنَّهُمُ اعتَرَضُوا بَقَرةً مِن البَقَرِ فَذَبَحُوها لأجزَأتْ عَنهُم، ولكنَّهُم شَدَّدُوا فَشَدَّدَ اللهُ علَيهِم.[۳]

۸۲۴۹. **مجمع البيان**: قيلَ ـ في سببِ نزولِ قولِهِ تعالىٰ: ﴿لا تَسئَلُوا عَن أشياءَ...﴾ ـ: خَطَبَ رَسولُ اللهِ ﷺ فقالَ: إنَّ [اللهَ][۴] كَتَبَ علَيكُمُ الحَجَّ، فقامَ عُكاشةُ ابنُ محصنٍ وقيل: سُراقةُ بنُ مالكٍ فقالَ: أفِي كُلِّ عامٍ يا رسولَ اللهِ؟

فَأعرَضَ عَنهُ حَتّىٰ عادَ مَرَّتَينِ أو ثلاثاً، فقالَ رسولُ اللهِ ﷺ: وَيحَكَ وما يُؤمِنُكَ أن أقولَ: نَعَم؟! واللهِ لو قُلتُ: نَعَم، لَوَجَبَتْ، ولَو وَجَبَتْ ما استَطَعتُم، ولَو تَرَكتُمْ لَكَفَرتُم.

فَاترُكُوني كما تَرَكتُكُم، فإنّما هَلَكَ مَن كانَ قَبلَكُم بكَثرَةِ سُؤالِهِم واختِلافِهِم علىٰ

معمولی مأمور شدند، اما وقتی بر خودشان سخت گرفتند، خدا هم بر آنان سخت گرفت، و به خدا قسم چنانچه نمی‌گفتند «و اگر خدا بخواهد هدایت می‌شویم»، [آن گاو مورد نظر] تا ابد برایشان معلوم نمی‌شد.

۸۲۴۸. **پیامبر خدا ﷺ**: اگر چنین نبود که بنی‌اسرائیل گفتند: «و اگر خدا خواهد هدایت می‌شویم» دیگر هرگز [هدایت الهی] به آنان داده نمی‌شد و اگر آنها از میان گاوها ماده گاوی را می‌گرفتند و آن را ذبح می‌کردند پذیرفته می‌شد، اما آنان سخت گرفتند و خداوند هم بر ایشان سخت گرفت.

۸۲۴۹. **مجمع البيان**: گفته شده پیامبر خدا ﷺ دربارهٔ آیهٔ «مپرسید از چیزهایی که...» فرمود: خداوند حج را بر شما واجب فرمود. سپس عکاشة بن محصن ـ و به روایتی سراقة بن مالک ـ برخاست و عرض کرد: ای رسول خدا! آیا هر سال واجب است؟ پیامبر اعتنایی نفرمود، تا آن که عکاشه، دو یا سه بار سؤالش را تکرار کرد. در این هنگام رسول خدا ﷺ فرمود: وای بر تو! چه چیز تو را مطمئن کرده که نگویم: آری؟! به خدا قسم اگر بگویم: آری، هر آینه واجب می‌شود و در صورتی که واجب شود، توان انجام آن را ندارید و چنانچه ترک کنید کافر می‌شوید. پس، تا من شما را وا گذاشته‌ام، شما نیز مرا وا گذارید. همانا پیشینیان شما به سبب همین پرس‌وجوهای زیادشان و سؤال‌پیچ

---

۱. التبيان في تفسير القرآن: ۲۹۹/۱.
۲. البقرة: ۷۰. ۳. الدرّ المنثور: ۱۸۹/۱.
۴. سقط اسم الجلالة من المصدر.

۱۵۶ ـــــــ

۸۲۵۲. عنه ﷺ: سَلُوني قبلَ أن تَفقِدُوني ... سَلُوني فإنَّ عندِي عِلمَ الأوَّلِينَ والآخِرِينَ. أما واللهِ لَو ثُنِيَتْ لي وسادَةٌ فَجَلَسْتُ عَلَيها لَأفتَيْتُ أهلَ التَّوراةِ بِتَوراتِهِم.[1]

۸۲۵۲. امام علی ﷺ: بپرسید از من، پیش از آن که مرا از دست بدهید... بپرسید از من، که دانش اولین و آخرینِ خلایق نزد من است. هان! به خدا سوگند اگر بر مسند قضاوت بنشینم، در میان پیروان تورات بر اساس توراتشان داوری کنم.

۸۲۵۳. عنه ﷺ: سَلُوني قبلَ أن تَفقِدُوني، فَوالَّذِي فَلَقَ الحَبَّةَ وبَرَأَ النَّسَمَةَ لو سَألتُمُوني عن أيَّةِ آيَةٍ في لَيلٍ أُنزِلَتْ أو في نَهارٍ أُنزِلَتْ، مَكِّيِّها ومَدَنِيِّها، سَفَرِيِّها وحَضَرِيِّها، ناسِخِها ومَنسوخِها، ومُحكَمِها ومُتَشابِهِها، وتَأويلِها وتَنزِيلِها لَأخبَرتُكُم.[2]

۸۲۵۳. امام علی ﷺ: بپرسید از من، پیش از آن که مرا از دست دهید. سوگند به آن که دانه را شکافت و خلایق را آفرید، اگر از من بپرسید که کدام آیه در شب نازل شده و کدام در روز، مکّیِ آن کدام است و مدنی‌اش کدام، کدام در سفر نازل شده و کدام در حَضَر، ناسخ آن کدام است و منسوخش کدام، محکمش چیست و متشابهش کدام، تأویلش چیست و تنزیلش چه، هر آینه شما را از آن آگاه می‌سازم.

۸۲۵۴. عنه ﷺ: فَاسألُوني قبلَ أن تَفقِدُوني، فَوَالذي نَفسِي بِيَدِهِ لاتَسألُونِّي عن شَيءٍ فيما بَينَكُم وبينَ الساعَةِ، ولا عَن فِئَةٍ تَهدِي مِائَةً وتُضِلُّ مِائَةً إلّا أنبَأتُكُم بِناعِقِها وقائِدِها وسائِقِها، ومُناخِ رِكابِها، ومَحَطِّ رِحالِها، ومَن يُقتَلُ مِن أهلِها قَتلاً، ومَن يَموتُ مِنهُم مَوتاً، ولَو قد فَقَدتُمُوني ونَزَلَتْ بِكُم كَرائِهُ الأُمورِ، وحَوازِبُ الخُطُوبِ، لَأطرَقَ كَثيرٌ مِنَ السائِلينَ، وفَشِلَ كَثيرٌ مِنَ المَسؤولِينَ.[3]

۸۲۵۴. امام علی ﷺ: بپرسید از من، پیش از آن که از دستم دهید؛ زیرا سوگند به آن که جانم در دست اوست، از هم‌اکنون تا روز رستاخیز دربارهٔ هیچ چیز و هیچ گروهی که صد نفر را گمراه می‌کند و گروهی که صد نفر را به راه راست می‌برد سؤال نمی‌کنید، مگر آن که شما را آگاه کنم که چه کسی ندای دعوت را به آنها سر می‌دهد و چه کسی آن‌ها را به دنبال خود می‌کِشد و چه کسی آنان را به جلو می‌راند و کجا به استراحت می‌پردازند و کجا اتراق می‌کنند و بار می‌گشایند، کدامین آنها کشته می‌شوند و کدامشان [به مرگ طبیعی] می‌میرند. اگر مرا از دست دهید و پیشامدهای ناگوار و کارهای دشوار برایتان رخ دهد، هر آینه بسیاری از پرسش‌کنندگان خاموش شوند و بسیاری از پاسخ دهندگان در جواب بمانند.

---

۱. بحار الأنوار: ۱۰/۱۱۷/۱. ۲. بحار الأنوار: ۱۰/۱۱۸/۱.
۳. نهج البلاغة: الخطبة ۹۳.

۸۲۵۵ . عنه ﷺ: سَلُوني قَبلَ أن تَفقِدُوني، فأنا لا أُسألُ عَن شَيءٍ دُونَ العرشِ إلّا أجَبتُ فيهِ، لا يَقولُها بَعدي إلّا مُدَّعٍ أو كَذّابٌ مُفتَرٍ.[1]

(انظر) تاريخ دمشق، ترجمة الإمام علي ﷺ: ۳/۱۰۴۳_۱۰۴۷.
نهج السعادة: ۲ / ۳۱۳، ۶۱۸، ۶۳۰.
كنز العمّال: ۲ / ۵۶۵، ۱۶ / ۵۱۵.
بحار الأنوار: ۱۰ / ۱۱۷ باب ۸.
شرح نهج البلاغة لابن أبي الحديد: ۱۳ / ۱۰۷.

۸۲۵۵ . **امام علی** ﷺ: بپرسید از من، پیش از آن که مرا از دست دهید؛ زیرا دربارهٔ هر چیزی، جز [زیرِ] عرش، از من سؤال شود، جوابش را بدهم. هر که پس از من این سخن را بگوید، یا مدّعی است یا دروغگو و افترازننده.

۱۷۰۴

«لا أدري» نِصفُ العِلمِ

۸۲۵۶ . رسولُ اللهِ ﷺ ـ مِن وصايا النبيِّ ﷺ لأبي ذَرٍّ ـ: يا أبا ذَرٍّ، إذا سُئلتَ عن عِلمٍ لا تَعلَمُهُ فَقُل: لا أعلَمُهُ تَنجُ مِن تَبِعَتِهِ، ولا تُفتِ بما لا عِلمَ لكَ بهِ تَنجُ مِن عَذابِ اللهِ يَومَ القِيامَةِ.[2]

۸۲۵۷ . الإمامُ عليٌّ ﷺ: لا يَستَحيِي العالِمُ إذا سُئلَ عمّا لا يَعلَمُ أن يَقولَ: لا عِلمَ لي بِهِ.[3]

۸۲۵۸ . عنه ﷺ: مَن تَرَكَ قولَ «لا أدري» أُصيبَتْ مَقاتِلُهُ.[4]

۱ . بحار الأنوار: ۶/۱۲۶/۱۰.
۲ . مكارم الأخلاق: ۲۶۶۱/۳۶۴/۲.
۳ . المحاسن: ۶۶۴/۳۲۸/۱.
۴ . نهج البلاغة: الحكمة ۸۵.

۱۷۰۴

«نمی‌دانم» نصف دانش است

۸۲۵۶ . **پیامبر خدا** ﷺ ـ در سفارش به ابوذر ـ فرمود: ای ابوذر! اگر دربارهٔ چیزی از تو سؤال شد که نمی‌دانی، بگو: نمی‌دانم، تا از پیامدهای آن خلاص شوی و دربارهٔ آنچه نمی‌دانی فتوا مده، تا از عذاب خدا در روز قیامت نجات یابی.

۸۲۵۷ . **امام علی** ﷺ: عالم هر گاه از او سؤالی شود که پاسخش را نمی‌داند، از این که بگوید: «پاسخش را نمی‌دانم»، شرم نمی‌کند.

۸۲۵۸ . **امام علی** ﷺ: هر که جملهٔ «نمی‌دانم» را ترک گوید، به هلاکت درافتد.

۸۲۵۹. عنه ﷺ: قولُ «لا أعلَمُ»، نِصفُ العِلمِ.[۱]

۸۲۶۰. الإمامُ الباقرُ ﷺ: ما عَلِمتُم فَقُولُوا، وما لَم تَعلَمُوا فقولوا: اَللّهُ أعلَمُ، إنّ الرَّجُلَ لَيَنتَزِعُ بالآيَةِ مِنَ القرآنِ يَخِرُّ فيها أبعَدَ مِن السماءِ.[۲]

۸۲۶۱. الإمامُ الصّادقُ ﷺ: إذا سُئلَ الرَّجُلُ مِنكُم عمّا لا يَعلَمُ فَلْيَقُلْ: لا أدري، ولا يَقُلْ: اَللّهُ أعلَمُ، فَيُوقِعَ في قلبِ صاحِبِهِ شَكّاً، وإذا قالَ المسؤولُ: لا أدرِي فلا يَتَّهِمْهُ السائلُ.[۳]

۸۲۶۲. عنه ﷺ: للعالِمِ إذا سُئلَ عن شيءٍ وهُو لا يَعلَمُهُ أن يقولَ: اَللّهُ أعلَمُ، وليسَ لِغَيرِ العالِمِ أن يقولَ ذلكَ.[۴]

۸۲۶۳. عنه ﷺ: إنَّ مَن أجابَ في كُلِّ ما يُسألُ عَنهُ لَمَجنُونٌ.[۵،۶]

۸۲۵۹. **امام علی**ﷺ: گفتنِ «نمی‌دانم»، نصف دانش است.

۸۲۶۰. **امام باقر**ﷺ: آنچه می‌دانید بگویید و هرگاه چیزی نمی‌دانید، بگویید: خدا داناتر است. همانا مرد، آیه‌ای از قرآن بیرون می‌کشد و [ندانسته به تفسیر آن می‌پردازند و با این کار] از آن، به فاصله‌ای دورتر از آسمان [تا زمین]، سقوط می‌کند (منحرف می‌شود).

۸۲۶۱. **امام صادق**ﷺ: هرگاه از یکی از شما سؤالی شد که پاسخش را نمی‌داند، بگوید: نمی‌دانم، و نگوید: خدا داناتر است؛ زیرا با این جمله، در دل دوست خود شک و تردید می‌افکند؛ امّا هر گاه کسی که از او سؤال شده بگوید: نمی‌دانم، پرسنده به او بدگمان نمی‌شود.

۸۲۶۲. **امام صادق**ﷺ: عالم حق دارد که هرگاه سؤالی از او شود که پاسخش را نمی‌داند، بگوید: خدا داناتر است، اما غیر عالم حق ندارد چنین بگوید. [بلکه باید بگوید: نمی‌دانم].

۸۲۶۳. **امام صادق**ﷺ: هر کس به هر سؤالی که از او می‌شود پاسخ دهد، دیوانه است.[۱]

---

۱. غرر الحكم: ۶۷۵۸. ۲. بحار الأنوار: ۲/۱۱۹/۲۵.
۳. الكافي: ۱/۴۲/۶. ۴. الكافي: ۱/۴۲/۵.
۵. بحار الأنوار: ۲/۱۱۷/۱۵.
۶. عنِ القاسمِ بنِ محمّدِ بنِ أبي بكرٍ ـ أحَدِ فُقَهاءِ المَدينةِ المُتَّفَقِ على عِلمِهِ وفِقهِهِ بينَ المسلمينَ ـ أنّه سُئلَ عَن شيءٍ فقالَ: لا أُحسِنُهُ، فقال السائلُ: إنّي جِئتُ إلَيكَ لا أعرِفُ غَيرَكَ!
فقالَ القاسمُ: لا تَنظُرْ إلى طُولِ لِحيَتي وكَثرَةِ الناسِ حَولي واللهِ ما أُحسِنُهُ، فقالَ شَيخٌ مِن قُرَيشٍ جالِسٌ إلى جَنبِهِ: يا ابنَ أخي الزَمْها، فقال: فواللهِ ما رَأَيتُكَ في مجلسٍ أنبَلَ منكَ اليومَ! فقالَ القاسمُ: واللهِ لأن يُقطَعَ لِساني أحَبُّ إلَيَّ أن أتكَلَّمَ بِما لا عِلمَ لي بِهِ!! بحار الأنوار: ۲/۱۲۳/۵۰.

۱. از قاسم بن محمّد بن ابی بکر ـ که یکی از فقهای مدینه بود و همهٔ مسلمانان او را به علم و فقاهت قبول داشتند ـ دربارهٔ موضوعی سؤال شد. گفت: جوابش را نمی‌دانم. سؤال کننده گفت: من پیش تو آمده‌ام و جز تو کسی را قبول ندارم! قاسم گفت: به ریش بلند و جمعیت زیاد دور و بر من نگاه نکن. به خدا قسم که جوابش را نمی‌دانم. یکی از شیوخ قریش که کنار او نشسته بود گفت: عموجان، ادامه بده! به خدا قسم تو را در هیچ محفلی بزرگوارتر از محفل امروز ندیدم! قاسم گفت: به خدا قسم، اگر زبانم بریده شود، خوشتر دارم از این که چیزی بگویم که بدان علم ندارم!


مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

۲۱۴

السُّؤالُ (طَلَبُ الحاجَةِ)

درخواست (نیازخواهی)

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

ولمزيد الاطّلاع راجع:

كنز العمّال: ۶/۴۹۵، ۶۱۹، «ذمّ السؤال».

انظر:

عنوان ۱۳۲ «الحاجة»، ۲۳۰ «السرور».

الأخ: باب ۵۶.

۱۷۰۵
النَّهيُ عَن سُؤالِ النّاسِ

الكتاب:

﴿لِلْفُقَرَاءِ الَّذِينَ أُحْصِرُوا فِي سَبِيلِ اللهِ لَا يَسْتَطِيعُونَ ضَرْباً فِي الْأَرْضِ يَحْسَبُهُمُ الْجاهِلُ أَغْنِيَاءَ مِنَ التَّعَفُّفِ تَعْرِفُهُمْ بِسِيماهُمْ لَا يَسْأَلُونَ النَّاسَ إِلْحافاً وَما تُنفِقُوا مِنْ خَيْرٍ فَإِنَّ اللهَ بِهِ عَلِيمٌ﴾.[1]

الحديث:

۸۲۶۴. رسولُ اللهِ ﷺ: يا أبا ذَرٍّ، إيّاكَ والسؤالَ فإنَّهُ ذُلٌّ حاضرٌ، وفَقرٌ تَتَعَجَّلُهُ، وفيهِ حِسابٌ طَويلٌ يَومَ القِيامَةِ.[2]

۸۲۶۵. عنه ﷺ: مَن هَداهُ اللهُ لِلإسلامِ وعَلَّمَهُ القرآنَ ثُمَّ سَألَ الناسَ كُتِبَ بينَ عَينَيهِ: فَقيرٌ، إلىٰ يَومِ القِيامَةِ.[3]

۸۲۶۶. الإمامُ عليٌّ ﷺ: السؤالُ يُضعِفُ لِسانَ المُتَكَلِّمِ، ويَكسِرُ قَلبَ الشُّجاعِ البَطَلِ، ويُوقِفُ الحُرَّ العزيزَ مَوقِفَ العَبدِ الذَّليلِ،

---

۱. البقرة: ۲۷۳.

۲. كتاب من لا يحضره الفقيه: ۵۷۶۲/۳۷۵/۴.

۳. تنبيه الخواطر: ۹/۱.

۱۷۰۵
نهی از نیاز خواهی از مردم

قرآن:

«[صدقه] از آنِ فقیرانی است که در راه خدا از کار مانده‌اند و نمی‌توانند [برای کسب روزی] در زمین سفر کنند. فرد بی‌اطّلاع، آنان را، از فرط خویشتنداری، توانگر پندارد. آنان را به سیمایشان می‌شناسی، از مردم با اصرار، سؤال (گدایی) نمی‌کنند. و هر مالی که انفاق کنید خدا به آن داناست».

حدیث:

۸۲۶۴. **پیامبر خدا** ﷺ: ای ابوذر! زنهار از سؤال (گدایی) که در دنیا مایهٔ خواری و فقر است و در روز قیامت حسابش طولانی است.

۸۲۶۵. **پیامبر خدا** ﷺ: کسی که خداوند او را به اسلام هدایت کند و قرآن را به وی بیاموزد و با وجود این، دست نیاز به سوی مردم دراز کند، بر پیشانی او نوشته شود: فقیر [باش] تا روز قیامت.

۸۲۶۶. **امام علی** ﷺ: درخواست کردن، زبان گوینده را کوتاه می‌کند و دل شجاع پهلوان را می‌شکند و انسان آزاد سرفراز را به مقام برده‌ای ذلیل تنزّل می‌دهد و آبرو را می‌بَرد

ويُذهِبُ بَهاءَ الوَجهِ، ويَمحَقُ الرِّزقَ.[1]

و روزی را می‌بُرد (بی برکت می‌کند).

۸۲۶۷. عنه ﷺ: المَسأَلَةُ طَوقُ المَذَلَّةِ تَسلُبُ العَزيزَ عِزَّهُ والحَسيبَ حَسَبَهُ.[2]

۸۲۶۷. امام علی ﷺ: درخواست کردن، طوق خواری است که عزّت را از عزیز سلب می‌کند و بزرگی را از بزرگ زاده.

۸۲۶۸. عنه ﷺ: التَّقَرُّبُ إلى اللهِ تعالىٰ بِمَسأَلَتِهِ، وإلى الناسِ بتَركِها.[3]

۸۲۶۸. امام علی ﷺ: مقرّب شدن نزد خداوند متعال با درخواست کردن از اوست و مقرّب شدن نزد مردم، با ترک درخواست از آنان.

۸۲۶۹. عنه ﷺ: المَنِيَّةُ ولا الدَّنِيَّةُ، والتَّقَلُّلُ ولاالتَّوَسُّلُ.[4]

۸۲۶۹. امام علی ﷺ: مرگ، آری و ذلّت و پستی، هرگز؛ کم داشتن آری، و دست دراز کردن سوی این و آن، هرگز.

۸۲۷۰. عنه ﷺ: شِيعَتِي مَن لَم يَهِرَّ هَريرَ الكَلبِ، ولَم يَطمَع طَمَعَ الغُرابِ، ولَم يَسأَلِ الناسَ ولَو ماتَ جُوعاً.[5]

۸۲۷۰. امام علی ﷺ: شیعهٔ من کسی است که چون سگ زوزه نمی‌کشد و مانند کلاغ طمع نمی‌ورزد و اگر از گرسنگی بمیرد، دست گدایی به سوی مردم دراز نمی‌کند.

۸۲۷۱. الإمامُ زينُ العابدينَ ﷺ: طَلَبُ الحَوائجِ إلى الناسِ مَذَلَّةٌ للحياةِ، ومَذهَبَةٌ للحَياءِ، واستِخفافٌ بِالوَقارِ، وهُوَ الفَقرُ الحاضِرُ، وقِلَّةُ طَلَبِ الحوائجِ مِنَ الناسِ هُوَ الغِنىٰ الحاضِرُ.[6]

۸۲۷۱. امام زین العابدین ﷺ: نیاز خواهی از مردم، مایهٔ خواری در زندگی و از بین رفتن حیاست و از وقار آدمی می‌کاهد و آن، فقر نقد است، و کمتر دست نیاز دراز کردن به سوی مردم، توانگری نقد است.

۸۲۷۲. الإمامُ الباقرُ ﷺ: طَلَبُ الحَوائجِ إلى الناسِ استِلابٌ لِلعِزَّةِ ومَذهَبَةٌ لِلحَياءِ، واليَأسُ مِمّا في أيدِي الناسِ عِزُّ المُؤمنينَ، والطَّمَعُ هُوَ الفَقرُ الحاضِرُ.[7]

۸۲۷۲. امام باقر ﷺ: دست نیاز به سوی مردم دراز کردن، عزّت را می‌گیرد و حیا را می‌بَرد، و چشم برکندن از آنچه در دست مردم است، مایهٔ عزّت مؤمنان است و طمع، همان فقر نقد است.

---

۱. غرر الحكم: ۲۱۱۰. ۲. غرر الحكم: ۲۱۲۹.
۳. غرر الحكم: ۱۸۰۱. ۴. نهج البلاغة: الحكمة ۳۹۶.
۵. بحار الأنوار: ۹۵/۲۸/۷۸.
۶. تحف العقول: ۲۷۹. ۷. بحار الأنوار: ۳۷/۱۵۸/۹۶.

۸۲۷۳ . الإمامُ الصّادقُ ﷺ: شِيعَتُنا مَن لا يَسألُ الناسَ ولَو ماتَ جُوعاً.[۱]

(انظر) وسائل الشيعة: ۶ / ۳۰۵ باب ۳۱.

اليأس: باب ۴۱۷۳.

۱۷۰۶
النَّهيُ عَن سُؤالِ غَيرِ اللهِ

۸۲۷۴ . رسولُ اللهِ ﷺ: يا عَلِيُّ، لَئن أُدخِلَ يَدِي في فَمِ التِّنّينِ إلىٰ المِرْفَقِ أحَبُّ إلَيَّ مِن أن أسألَ مَن لَم يَكُن ثُمَّ كانَ.[۲]

۸۲۷۵ . عنه ﷺ: يا أبا ذرّ،... إذا سَألتَ فَاسألِ اللهَ عزّوجلّ، وإذا استَعَنتَ فاستَعِن بِاللهِ.[۳]

۸۲۷۶ . الإمامُ عليٌّ ﷺ: لا تَسألُوا إلّا اللهَ سبحانَهُ، فإنّهُ إن أعطاكُم أكرَمَكُم، وإن مَنَعَكُم خارَ لَكُم.[۴]

۸۲۷۷ . عنه ﷺ: مَن سَألَ غيرَ اللهِ استَحَقَّ الحِرمانَ.[۵]

۸۲۷۸ . الإمامُ الحسينُ ﷺ:

إذا ما عَضَّكَ الدهرُ فلا تَجْنَحْ إلىٰ خَلقِ
ولا تَسألْ سِوَى اللهِ تعالىٰ قاسِمِ الرِّزقِ

۸۲۷۳ . **امام صادق ﷺ:** شیعهٔ ما کسی است که دست نیاز به سوی مردم دراز نمی‌کند، گرچه از گرسنگی بمیرد.

۱۷۰۶
نهی از طلب حاجت از غیر خدا

۸۲۷۴ . **پیامبر خدا ﷺ:** ای علی! اگر دست خود را تا آرنج در دهان افعی کنم، برایم خوشتر است تا از تازه به دوران رسیده چیزی بخواهم.

۸۲۷۵ . **پیامبر خدا ﷺ:** ای ابوذر!... هرگاه چیزی طلبیدی، از خداوند عزّوجلّ بطلب و هرگاه کمک خواستی از خدا کمک بخواه.

۸۲۷۶ . **امام علی ﷺ:** جز از خدای سبحان چیزی مخواهید؛ زیرا خداوند اگر چیزی به شما عطا کند، با احترام می‌دهد و اگر ندهد بهترش را به شما عطا می‌فرماید.

۸۲۷۷ . **امام علی ﷺ:** هر که از غیر خدا چیزی بخواهد، سزاوار محرومیت باشد.

۸۲۷۸ . **امام حسین ﷺ:**

هرگاه روزگار بر تو سخت گرفت، به خلق روی نیاور
و جز از خداوند متعال که قسمت‌کنندهٔ روزی است درخواست مکن

---

۱ . وسائل الشيعة: ۶/۳۰۹/۱۵.
۲ . بحار الأنوار: ۷۷/۵۹/۳. ۳ . بحار الأنوار: ۷۷/۸۷/۳.
۴ . غرر الحكم: ۱۰۴۲۵. ۵ . غرر الحكم: ۷۹۹۳.

فَلَو عِشتَ وطُفتَ مِنَ الغَربِ إلَى الشَّرقِ لَما صادَفتَ مَن يَقدِرُ أن يُسعِدَ أو يُشقِي[1]

۸۲۷۹. الإمامُ الباقرُ ﷺ: اِتَّخَذَ اللهُ عزّوجلّ إبراهيمَ خَليلاً لأنَّهُ لَم يَرُدَّ أحَداً ولَم يَسألْ أحَداً غَيرَ اللهِ عزّوجلّ.[2]

۱۷۰۷
تَركُ السُّؤالِ وضَمانُ الجَنَّةِ

۸۲۸۰. كنز العمّال: قالَ رسولُ اللهِ ﷺ: مَن يَتَكَفَّلُ لِي أن لا يَسألَ الناسَ شيئاً وأتَكَفَّلُ لَهُ بالجَنَّةِ؟ قالَ ثَوبانُ: أنا. فَكانَ ثَوبانُ لا يَسألُ الناسَ شيئاً.[3]

۸۲۸۱. رسولُ اللهِ ﷺ ـ لأبي ذرٍّ حَيثُ ضَمِنَ لَهُ الجَنَّةَ بِشُروطٍ، قالَ ـ: عَلىٰ أن لا تَسألَ النّاسَ شَيئاً ولا سَوطَكَ إن يَسقُطْ مِنكَ حَتّىٰ تَنزِلَ إلَيهِ فَتَأخُذَهُ.[4]

۸۲۸۲. بحار الأنوار: قالَ النبيُّ ﷺ يَوماً لِأصحابِهِ: تُبايِعوني عَلى أن لا تَسألُوا الناسَ شَيئاً، فكانَ بَعدَ ذلك تَقَعُ المِخصَرَةُ مِن يَدِ أحَدِهِم فَيَنزِلُ لَها، ولا يَقولُ

زیرا اگر آنقدر زندگی کنی که از غرب تا شرق عالم را بگردی هرگز کسی را نخواهی یافت که بتواند کسی را خوشبخت کند یا بدبخت.

۸۲۷۹. امام باقر ﷺ: خداوند عزّوجلّ ابراهیم را خلیل خود کرد؛ چون او دست رد به سینهٔ هیچ سائلی نزد و دست نیاز به سوی احدی جز خداوند عزّوجلّ دراز نکرد.

۱۷۰۷
ترک درخواست و تضمین بهشت

۸۲۸۰. کنز العمّال: پیامبر خدا ﷺ فرمود: چه کسی به من قول می‌دهد که از مردم چیزی نخواهد تا من قول بهشت را به او دهم؟ ثوبان گفت: من. پس از آن ثوبان دیگر از مردم چیزی نمی‌طلبید.

۸۲۸۱. پیامبر خدا ﷺ ـ به ابوذر هنگامی که بهشت را با شرایطی برای او تضمین نمود ـ فرمود: به شرط آن که هیچ چیز از مردم نخواهی، حتی اگر تازیانه‌ات به زمین افتاد، خودت پیاده شوی و آن را برداری.

۸۲۸۲. بحار الأنوار: روزی رسول خدا ﷺ به اصحاب خود فرمود: با من بیعت کنید بر این که چیزی از مردم نخواهید. از آن پس، اگر چوبدست کسی از دستش می‌افتاد، خودش [از مرکب] پیاده می‌شد و آن را بر

---

۱. کشف الغمّة: ۲/۲۴۷.
۲. علل الشرائع: ۲/۳۴.
۳. کنز العمّال: ۱۷۱۴۲.
۴. کنز العمّال: ۱۶۷۳۰.

لأحَدٍ: ناوِلْنِيها.[۱]

۸۲۸۳. **الإمامُ عليٌّ** ﷺ: قالَ رجُلٌ للنبيِّ ﷺ: يا رسولَ اللهِ، عَلِّمني عَمَلاً لا يُحالُ بَينَهُ وبَينَ الجَنَّةِ. قالَ: لا تَغضَبْ، ولا تَسألِ الناسَ شَيئاً.[۲]

۸۲۸۴. **الإمامُ الصّادقُ** ﷺ ـ بَعدَ أن ذَكَرَ أنَّ رسولَ اللهِ ﷺ ضَمِنَ لِقَومٍ مِنَ الأنصارِ الجَنَّةَ عَلىٰ ألّا يَسألُوا أحَداً شيئاً قال ـ: فكانَ الرجُلُ مِنهُم يَسقُطُ سَوطُهُ وهُو عَلىٰ دابَّتِهِ فَيَنزِلُ حتّىٰ يَتَناوَلَهُ كَراهِيَةَ أن يَسألَ أحَداً شيئاً. وإن كانَ الرجُلُ لَيَنقَطِعُ شِسعُهُ فَيَكرَهُ أن يَطلُبَ مِن أحَدٍ شِسعاً.[۳]

۱۷۰۸
مَوارِدُ جَوازِ المَسألَةِ

۸۲۸۵. **رسولُ اللهِ** ﷺ: إنّ المَسألَةَ لا تَحِلُّ إلّا لِفَقرٍ مُدقِعٍ، أو غُرمٍ مُقطِعٍ.[۴]

۸۲۸۶. **الإمامُ الحسنُ** ﷺ: إنّ المسألَةَ لا تَحِلُّ إلّا في إحدىٰ ثلاثٍ: دَمٍ مُفجِعٍ، أو دَينٍ مُقرِحٍ، أو

می‌داشت و به کسی نمی‌گفت: آن را به من بده.

۸۲۸۳. **امام علی** ﷺ: مردی به پیامبر ﷺ عرض کرد: ای رسول خدا! مرا کاری بیاموز که میان آن کار و بهشت حایلی نباشد. حضرت فرمود: خشمگین مشو، و از مردم نیز چیزی مخواه.

۸۲۸۴. **امام صادق** ﷺ ـ پس از بیان این مطلب که رسول خدا ﷺ بهشت را برای گروهی از انصار تضمین کرد، به شرط آن که از هیچ کس چیزی نخواهند ـ فرمود: چنین شده بود که سواره‌ای تازیانه‌اش می‌افتاد، اما برای آن که از کسی خواهشی نکند، خود از مرکب پیاده می‌شد و آن را برمی‌داشت و اگر کسی بند کفشش پاره می‌شد، خوش نداشت از کسی بند کفشی بخواهد.

۱۷۰۸
آن جا که درخواست کردن رواست

۸۲۸۵. **پیامبر خدا** ﷺ: درخواست کردن روا نیست، مگر برای [رفع] فقر کُشنده یا وام کمرشکن.

۸۲۸۶. **امام حسن** ﷺ: درخواست کردن روا نیست، مگر در یکی از این سه جا: خونبهای سنگین، یا بدهکاری توانفرسا،

---

۱. بحار الأنوار: ۳۷/۱۵۸/۹۶، انظر وسائل الشيعة: ۳۰۶/۶ باب ۳۲.
۲. الأمالي للطوسي: ۱۱۱۰/۵۰۸.
۳. بحار الأنوار: ۳۴/۱۵۷/۹۶.
۴. بحار الأنوار: ۲۹/۱۵۶/۹۶.

فَقرٍ مُدقِعٍ.[1]

یا فقر کُشنده.

۸۲۸۷. الإمامُ الصّادقُ ﷺ: لا تَصلَحُ المَسألَةُ إلّا في ثلاثٍ: في دَمٍ مُنقَطِعٍ، أو غُرمٍ مُثقِلٍ، أو حاجةٍ مُدقِعَةٍ.[2]

۸۲۸۷. **امام صادق**ﷺ: درخواست کردن شایسته نیست مگر در سه جا: در خونبهایی که به عهدهٔ بیچاره‌ای است، یا در وام سنگین، و یا نیازی که [انسان‌را] به خاک مذلّت نشاند.

۸۲۸۸. الإمامُ العسكريُّ ﷺ: إدفَعِ المَسألَةَ ما وَجَدتَ التَّحَمُّلَ يُمكِنُكَ فإنّ لِكُلِّ يومٍ رِزقاً جَديداً، واعلَمْ أنّ الإلحاحَ في المَطالِبِ يَسلُبُ البَهاءَ، ويُورِثُ التَّعَبَ والعَناءَ، فاصبِرْ حتّىٰ يَفتَحَ اللهُ لكَ باباً يَسهُلُ الدُّخولُ فيهِ، فَما أقرَبَ الصَّنِيعَ مِنَ المَلهوفِ، والأمنَ مِنَ الهارِبِ المَخُوفِ! فرُبَّما كانَتِ الغِيَرُ نَوعاً مِن أدَبِ اللهِ، والحُظوظُ مَراتِبُ. فلا تَعجَلْ علىٰ ثَمَرَةٍ لَم تُدرِكْ، وإنّما تَنالُها في أوانِها، واعلَمْ أنَّ المُدَبِّرَ لكَ أعلَمُ بِالوَقتِ الذي يَصلُحُ حالُكَ فيهِ فَثِقْ بِخِيَرَتِهِ في جَميعِ اُمُورِكَ يَصلُحْ حالُكَ.[3]

۸۲۸۸. **امام عسکری**ﷺ: تا جایی که می‌توانی تحمّل کنی دست نیاز دراز مکن؛ زیرا هر روز، روزیِ تازه‌ای دارد. بدان که پافشاری در درخواست، هیبت آدمی را می‌بَرد، و رنج و سختی به بار می‌آورد؛ پس، صبر کن تا خداوند دَری به رویت بگشاید که براحتی از آن وارد شوی؛ که چه نزدیک است احسان، به آدم اندوهناک، و امنیت، به آدم فراری وحشتزده؛ چه بسا که دگرگونی و گرفتاریها، نوعی تنبیه خداوند باشد و بهره‌ها مرحله دارند؛ پس، برای چیدن میوه‌های نارس شتاب مکن، که به موقع آنها را خواهی چید. بدان، آن که تو را تدبیر می‌کند، بهتر می‌داند که چه وقت، بیشتر مناسب حال توست، پس در همهٔ کارهایت به انتخاب او اعتماد کن، تا حال و روزت سامان گیرد.

۱۷۰۹
التَّحذيرُ مِنَ السُّؤالِ عَن ظَهرِ غِنىً

۱۷۰۹
برحذر داشتن از نیاز خواهی با وجود بی‌نیازی

۸۲۸۹. رسولُ اللهِ ﷺ: مَن سَألَ الناسَ أموالَهُم

۸۲۸۹. **پیامبر خدا**ﷺ: هر که از روی فزونخواهی

---

۱. بحار الأنوار: ۹۶/۱۵۲/۱۶.
۲. الخصال: ۱۳۵/۱۴۸. ۳. بحار الأنوار: ۷۸/۳۷۸/۴.

تَكَثُّراً فإنّما هِي جَمْرةٌ، فَلْيَستَقِلَّ مِنهُ أو لِيَستَكثِرْ.[۱]

دستِ سؤال به سوی مردم دراز کند، این جز اخگری از آتش نیست، چه کم خواهد، چه زیاد.

۸۲۹۰. عنه ﷺ: مَن سَألَ عن ظَهرِ غِنىً فَصُداعٌ في الرأسِ وداءٌ في البَطنِ.[۲]

۸۲۹۰. **پیامبر خدا**ﷺ: هر کس با وجود بی‌نیازی، دست سؤال دراز کند نتیجه‌اش دردی در سر و دردی در دل (بیماری‌های روانی) است!

۸۲۹۱. عنه ﷺ: الذي يَسألُ مِن غَيرِ حاجَةٍ كَمِثلِ الذي يَلتَقِطُ الجَمْرَ.[۳]

۸۲۹۱. **پیامبر خدا**ﷺ: کسی که بدون احتیاج، گدایی می‌کند، همانند کسی است که اخگری از آتش به کف گیرد.

۸۲۹۲. الإمامُ زينُ العابدينَ ﷺ: ضَمِنتُ علىٰ رَبّي أن لايَسألَ أحَدٌ أحَداً مِن غَيرِ حاجَةٍ إلّا اضطَرَرْتُهُ حاجَةٌ بالمَسألَةِ يَوماً إلىٰ أن يَسألَ مِن حاجَةٍ.[۴]

۸۲۹۲. **امام زین العابدین**ﷺ: من پروردگارم را ضامن می‌گیرم که هیچ کس بدون داشتن نیاز از کسی چیزی نخواهد مگر آن که روزی، نیاز واقعی او را مجبور کند که دست نیاز [به سوی مردم] دراز کند.

۸۲۹۳. الإمامُ الباقرُ ﷺ: مَن سَألَ بظَهرِ غِنىً لَقِيَ اللهَ مَخْموشاً وَجهُهُ يَومَ القِيامَةِ.[۵]

۸۲۹۳. **امام باقر**ﷺ: هر کس با وجود بی‌نیازی، سؤال (گدایی) کند در روزِ قیامت با چهره‌ای خراشیده خدا را دیدار نماید.

۸۲۹۴. الإمامُ الصّادقُ ﷺ: ما مِن عَبدٍ يَسألُ مِن غَيرِ حاجَةٍ فَيَمُوتُ حتّىٰ يُحوِجَهُ اللهُ إلَيها ويُثبِتَ لَهُ بها النارَ.[۶]

۸۲۹۴. **امام صادق**ﷺ: هر بنده‌ای که بدون احتیاج دست سؤال دراز کند، نمیرد تا آن که خداوند او را به آن چیز [واقعاً] محتاج کند و آتش دوزخ را بر او حتمی گرداند.

۸۲۹۵. عنه ﷺ: مَن سَألَ الناسَ شيئاً وعِندَهُ ما يَقُوتُهُ يَومَهُ فهُو مِن المُسرِفِينَ.[۷]

۸۲۹۵. **امام صادق**ﷺ: هر که به اندازهٔ خوراک یک روز خود داشته باشد و دستِ سؤال به سوی مردم دراز کند، از اسرافکاران است.

۸۲۹۶. عنه ﷺ: مَن سَألَ مِن غَيرِ فَقرٍ فإنّما يَأكُلُ

۸۲۹۶. **امام صادق**ﷺ: هر که فقیر نباشد و دست

---

۱. بحار الأنوار: ۲۹/۱۵۶/۹۶.
۲. بحار الأنوار: ۲۹/۱۵۶/۹۶.
۳. كنز العمّال: ۱۶۶۹۳. ۴. بحار الأنوار: ۳۷/۱۵۸/۹۶.
۵. بحار الأنوار: ۲۶/۱۵۵/۹۶.
۶. ثواب الأعمال: ۱/۳۲۵. ۷. بحار الأنوار: ۲۵/۱۵۵/۹۶.

الخَمرَ.[۱]

۸۲۹۷. عنه ﷺ: ثلاثةٌ لا يَنظُرُ اللهُ إلَيهِم يَومَ القِيامَةِ... والذي يَسألُ الناسَ وفي يَدِهِ ظَهرُ غِنىً.[۲]

سؤال دراز کند، [همانند کسی است که] شرابخوار است.

۸۲۹۷. امام صادق ﷺ: سه نفرند که خداوند در روز قیامت به آنها نظر [لطف] نمی‌کند:... و کسی که بی‌نیاز باشد و در عین حال، دست گدایی به سوی مردم دراز کند.

۸۲۹۸. عنه ﷺ: مَن سَألَ الناسَ وعِندَهُ قُوتُ ثلاثةِ أيّامٍ لَقِيَ اللهَ تعالىٰ يَومَ يَلقاهُ ولَيسَ في وَجهِهِ لَحمٌ.[۳]

۸۲۹۸. امام صادق ﷺ: هر که خوراکِ سه روز خود را داشته باشد و از مردم درخواست کند، با چهره‌ای بدون گوشت به دیدار خدا می‌رود.

۱۷۱۰
الحَثُّ عَلَى الاستِغناءِ عَنِ النّاسِ

۱۷۱۰
ترغیب به بی‌نیازی از مردم

۸۲۹۹. رسولُ اللهِ ﷺ: مَن سَألَنا أعطَيناهُ، ومَنِ استَغنىٰ أغناهُ اللهُ.[۴]

۸۲۹۹. پیامبر خدا ﷺ: هر که از ما چیزی بخواهد به او می‌دهیم، و هر که چیزی نخواهد خداوند او را بی‌نیاز و توانگر گرداند.

۸۳۰۰. عنه ﷺ: لو أنّ أحَدَكُم يَأخُذُ حَبلاً فَيَأتِي بِحُزمَةِ حَطَبٍ على ظَهرِهِ فَيَبِيعُها فَيَكُفَّ بها وَجهَهُ خَيرٌ لَهُ مِن أن يَسألَ.[۵]

۸۳۰۰. پیامبر خدا ﷺ: اگر هر یک از شما ریسمانی برگیرد و پشته‌ای هیزم بیاورد و بفروشد و با این کار آبروی خود را حفظ کند، بهتر از آن است که دست گدایی دراز کند.

۸۳۰۱. الإمامُ الصّادقُ ﷺ: اِشتَدَّتْ حالُ رجُلٍ مِن أصحابِ النبيِّ ﷺ فقالَتْ لَهُ امرأتُهُ: لو أتَيتَ رسولَ اللهِ ﷺ فَسألتَهُ، فجاءَ إلى النبيِّ فلمّا رآهُ النبيُّ قالَ: مَن سَألَنا أعطَيناهُ ومَنِ استَغنىٰ أغناهُ اللهُ، فقالَ

۸۳۰۱. امام صادق ﷺ: وضع زندگی مردی از اصحاب رسول خدا ﷺ بسیار سخت شد. همسرش گفت: کاش نزد رسول خدا ﷺ می‌رفتی و از ایشان چیزی می‌خواستی. مرد خدمت پیامبر ﷺ آمد. حضرت چون او را دید فرمود: هر که از ما چیزی بخواهد به او می‌دهیم و هر که نخواهد خداوند بی‌نیازش کند. مرد [با خود] گفت: مقصود

۱. بحار الأنوار: ۳۷/۱۵۸/۹۶.
۲. تفسير العياشي: ۱/۱۷۸/ ۶۷.
۳. ثواب الأعمال: ۱/۳۲۵. ۴. الكافي: ۲/۱۳۸/۲.
۵. بحار الأنوار: ۳۷/۱۵۸/۹۶.

الرَّجُلُ: ما يَعنِي غَيرِي، فَرَجَعَ إلى امرأتِهِ فَأعلَمَها، فقالَت: إنّ رسولَ اللهِ بَشَرٌ فَأعلِمْهُ، فَأتاهُ فَلَمّا رآهُ رسولُ اللهِ ﷺ قالَ: مَن سَألَنا... حتّىٰ فَعَلَ الرجُلُ ما ذَكَرَتْهُ ثلاثاً، ثُمَّ ذَهَبَ الرجُلُ فاستَعارَ مِعْوَلاً ثُمّ أتَى الجَبَلَ فَصَعِدَهُ فَقَطَعَ حَطَباً، ثُمّ جاءَ بِهِ فَباعَهُ بِنِصفِ مُدٍّ مِن دَقيقٍ فَرَجَعَ فَأكَلُوهُ، ثُمّ ذَهَبَ مِنَ الغَدِ فَصَعِدَهُ فجاءَ بأكثَرَ مِن ذلكَ فَباعَهُ، فلَم يَزَلْ يَعمَلُ ويَجمَعُ حتّى اشتَرىٰ مِعْوَلاً، ثُمّ جَمَعَ حتّى اشتَرىٰ بَكَرَينِ وغُلاماً، ثُمّ أثرىٰ حتّى أيْسَرَ، فجاءَ إلىٰ النبيِّ ﷺ فَأعلَمَهُ كيفَ جاءَ يَسألُهُ وكيفَ سَمِعَ النبيُّ فقالَ ﷺ: قد قُلتُ لكَ: مَن سَألَنا أعطَيناهُ ومَنِ استَغنىٰ أغناهُ اللهُ.[1]

پیامبر، کسی جز من نبود. پس نزد همسرش برگشت و ماجرا را برایش شرح داد. زن گفت: رسول خدا ﷺ هم یک بشر است، مشکل را به آن حضرت بگو. مرد برگشت. پیامبر چون چشمش به او افتاد [همان گفتهٔ قبل را] فرمود: هر که از ما چیزی بخواهد...

آن مرد تا سه مرتبه این کار را کرد. سپس رفت و تبری عاریه گرفت و به کوهستان رفت و مقداری هیزم کَند و آورد و آن را به نیم چارک آرد فروخت و به خانه برگشت و آن را مصرف کرد. فردا نیز به کوه رفت وهیزم بیشتری آورد وفروخت. او همچنان کار می‌کرد و می‌اندوخت تا آن که خودش تبری خرید. بازهم اندوخته کرد تا جایی که دو شتر و یک غلام خرید و از آن پس ثروتمند و مرفّه شد. آن‌گاه خدمت پیامبر ﷺ آمد و به عرض آن حضرت رساند که چگونه برای نیازخواهی شرفیاب شد و از پیامبر ﷺ چه شنید. پیامبر ﷺ فرمود: من که به تو گفتم: هر که از ما چیزی بخواهد به او می‌دهیم و هر که دست نیاز دراز نکند، خداوند بی‌نیازش گرداند.

۱۷۱۱
طَلَبُ المَعروفِ مِن أهلِهِ

۸۳۰۲. رسولُ اللهِ ﷺ: اُطلُبُوا المَعروفَ والفَضلَ مِن رُحَماءِ أُمَّتي تَعِيشُوا في أكنافِهِم.[2]

۱۷۱۱
نیکی خواستن از اهل آن

۸۳۰۲. **پیامبر خدا ﷺ**: نیکی و بخشش را از بخشندگان و مهربانان امّت من بخواهید تا در سایهٔ آنان زندگی کنید.

۸۳۰۳. الإمامُ عليٌّ ﷺ ـ لابنِهِ الحسنِ ـ: يا بُنَيَّ، إذا

۸۳۰۳. **امام علی ﷺ** ـ به فرزند خود حسن ﷺ ـ

---

۱. مشكاة الأنوار: ۱۰۲۴/۳۲۳.

۲. بحار الأنوار: ۳۸/۱۶۰/۹۶.

نَزَلَ بكَ كَلَبُ الزَّمانِ وقَحْطُ الدَّهرِ فعلَيكَ بذَوِي الأُصولِ الثابِتَةِ والفُروعِ النابِتَةِ، مِن أهلِ الرَّحمةِ والإيثارِ والشَّفَقَةِ؛ فإنَّهُم أقضىٰ للحاجاتِ وأمضىٰ لِدَفعِ المُلِمّاتِ.[1]

فرمود: فرزندم! هر گاه سختی زمانه و قحطی روزگار دامنگیر تو شد، بر تو باد [کمک گرفتن از] کسانی که ریشه‌های استوار و شاخه‌های رویان و خرّم دارند؛ آنان که بخشنده و ایثارگر و مهربانند؛ زیرا این افراد نیاز آدمی را زودتر بر می‌آورند و گرفتاریها را بهتر بر طرف می‌سازند.

۸۳۰۴. عنه ﷺ: ماءُ وَجهِكَ جامِدٌ يُقطِرُهُ السُّؤالُ، فَانظُرْ عِندَ مَن تُقطِرُهُ.[2]

۸۳۰۴. **امام علی**ﷺ: آبروی تو، یخ منجمد است و سؤال و خواهش، آن را قطره قطره می‌چکاند. پس، بنگر که آن را نزد چه کسی فرو می‌چکانی.

(انظر) الحاجة: باب ۹۷۱.

۱۷۱۲
طَلَبُ الحاجَةِ مِن غَيرِ أهلِها

۱۷۱۲
نیاز خواهی از نااهل

۸۳۰۵. الإمامُ عليٌّ ﷺ: فَوْتُ الحاجَةِ أهوَنُ مِن طَلَبِها إلىٰ غَيرِ أهلِها.[3]

۸۳۰۵. **امام علی**ﷺ: با نیازمندی به سر بردن، آسانتر است از دست نیاز به سوی نااهل دراز کردن.

۸۳۰۶. عنه ﷺ: إيّاكَ وطَلَبَ الفَضلِ واكتِسابَ الطَّساسِيجِ، والقَرارِيطِ مِن ذَوِي الأكُفِّ اليابِسَةِ والوُجوهِ العابِسَةِ؛ فإنَّهُم إن أعطَوْا مَنُّوا، وإن مَنَعُوا كَدُّوا.[4]

۸۳۰۶. **امام علی**ﷺ: مبادا از صاحبان دستهای خشک (بی‌خیر) و چهره‌های در هم کشیده، بخششی بخواهی و [حتی] یک پول سیاه بگیری؛ زیرا این افراد اگر چیزی بدهند، منّت می‌گذارند و اگر ندهند رنجور سازند.

۸۳۰۷. عنه ﷺ: لا شَيءَ أوجَعُ مِنَ الاِضطِرارِ إلى مسألَةِ الأغمارِ.[5]

۸۳۰۷. **امام علی**ﷺ: چیزی دردناکتر از این نیست که انسان ناچار شود از افراد ناآزموده کار چیزی بخواهد.

(انظر) الحاجة: باب ۹۷۲.

---

۱. بحار الأنوار: ۳۸/۱۵۹/۹۶.
۲. نهج البلاغة: الحكمة ۳۴۶.
۳. نهج البلاغة: الحكمة ۶۶.
۴. بحار الأنوار: ۳۸/۱۶۰/۹۶.
۵. غرر الحكم: ۱۰۷۴۴.

۱۷۱۳
أدَبُ السُّؤالِ

۸۳۰۸. **الإمامُ عليٌّ** ﷺ: إذا أرَدتَ أن تُطاعَ فَاسأَلْ ما يُستَطاعُ.[۱]

۸۳۰۹. **عنه** ﷺ: كَثرَةُ السُّؤالِ تُورِثُ المَلالَ.[۲]

۸۳۱۰. **عنه** ﷺ: مَن سَألَ ما لا يَستَحِقُّ قُوبِلَ بِالحِرمانِ.[۳]

۸۳۱۱. **الإمامُ الصّادقُ** ﷺ: لا تَسأَلْ مَن تَخافُ أن يَمنَعَكَ.[۴]

۸۳۱۲. **عنه** ﷺ: ثلاثةٌ تُورِثُ الحِرمانَ: الإلحاحُ في المَسأَلَةِ، والغِيبةُ، والهُزءُ.[۵]

۸۳۱۳. **عنه** ﷺ: مَن سَألَ فَوقَ قَدرِهِ استَحَقَّ الحِرمانَ.[۶]

۸۳۱۴. **الإمامُ الرِّضا** ﷺ: مَن طَلَبَ الأمرَ مِن وَجهِهِ لَم يَزِلَّ، فإن زَلَّ لَم تَخذُلْهُ الحِيلَةُ.[۷]

۸۳۱۵. **الإمامُ الجوادُ** ﷺ: مَن أمَّلَ فاجِراً كانَ أدنى عُقُوبَتِهِ الحِرمانُ.[۸]

۸۳۱۶. **عنه** ﷺ: مَن لَم يَعرِفِ المَوارِدَ، أعيَتْهُ

۱. غرر الحكم: ۴۰۵۱.
۲. غرر الحكم: ۷۰۹۴.
۳. غرر الحكم: ۸۵۳۸.
۴. أعلام الدين: ۳۰۴.
۵. تحف العقول: ۳۲۱.
۶. أعلام الدين: ۳۰۳.
۷. الدرّة الباهرة: ۳۷.
۸. كشف الغمّة: ۱۴۰/۳.

۱۷۱۳
آداب نیاز خواهی

۸۳۰۸. **امام علی**ﷺ: اگر می‌خواهی خواهشت برآورده شود، چیزی بخواه که در حدّ توان باشد.

۸۳۰۹. **امام علی**ﷺ: درخواستِ زیاد، ملال به بار می‌آورد.

۸۳۱۰. **امام علی**ﷺ: هر که چیزی خواهد که استحقاق آن را ندارد، با ناکامی رو به رو شود.

۸۳۱۱. **امام صادق**ﷺ: از کسی که می‌ترسی دست رد به سینه‌ات زند، چیزی مخواه.

۸۳۱۲. **امام صادق**ﷺ: سه چیز موجب محرومیت است: پافشاری در درخواست، غیبت و ریشخند کردن.

۸۳۱۳. **امام صادق**ﷺ: هر که بیش از قدر و اندازهٔ خود درخواست کند، سزاوار محروم شدن است.

۸۳۱۴. **امام رضا**ﷺ: هر که چیزی را از راهش بطلبد، نلغزد و اگر هم بلغزد از پیدا کردن راهِ چاره فرو نماند.

۸۳۱۵. **امام جواد**ﷺ: هر که به نابکار امید بندد، کمترین سزایش ناکام شدن است.

۸۳۱۶. **امام جواد**ﷺ: هر کس ورودیها را نشناسد،

المَصادِرُ.[1]

۱۷۱۴
التَّحذيرُ عَن رَدِّ السائِلِ

الكتاب:

﴿وَأَمَّا السَّائِلَ فَلَا تَنْهَرْ﴾.[2]

الحديث:

۸۳۱۷. رسولُ اللهِ ﷺ: لا تَرُدُّوا السائلَ ولَو بظِلفٍ مُحْرَقٍ.[3]

۸۳۱۸. عنه ﷺ: لا تُسخَّبْ راجِيَكَ فَيَمقُتَكَ اللهُ ويُعادِيَكَ.[4]

۸۳۱۹. عنه ﷺ: لا تَقطَعُوا على السائلِ مَسألَتَهُ فلَولا أنَّ المَساكينَ يَكذِبُونَ ما أفلَحَ مَن رَدَّهُم.[5]

۸۳۲۰. عنه ﷺ: لَولا أنَّ السُّؤّالَ يَكذِبُونَ ما قَدُسَ مَن رَدَّهُم.[6]

۸۳۲۱. الإمامُ عليٌّ ﷺ: لا تَرُدَّ سائلاً ولَو مِن شَطرِ حَبَّةِ عِنَبٍ أو شِقِّ تَمرَةٍ.[7]

۸۳۲۲. عنه ﷺ ـ في مكارمِ أخلاقِ النبيِّ ﷺ ـ: ما

خروجیها او را به ستوه آورد.

۱۷۱۳
پرهیز از نومید کردن سائل

قرآن:

«و اما سائل را از خود مران».

حدیث:

۸۳۱۷. **پیامبر خدا ﷺ**: سائل را نومید برنگردانید، حتی اگر با پاچهٔ سوخته [از گوسفندی] باشد.

۸۳۱۸. **پیامبر خدا ﷺ**: کسی را که به تو امید بسته است، نومید مگردان که به خشم و دشمنی خدا گرفتار می‌آیی.

۸۳۱۹. **پیامبر خدا ﷺ**: خواهش سائل را رد نکنید؛ اگر دروغ‌گویی گدایان نبود، دست رد زننده به سینهٔ آنان هرگز رستگار نمی‌شد.

۸۳۲۰. **پیامبر خدا ﷺ**: اگر نبود که سائلان (گدایان) دروغ می‌گویند، کسی که آن‌ها را نومید بر می‌گرداند، هرگز پاک نمی‌شد.

۸۳۲۱. **امام علی ﷺ**: سائل را دست خالی بر مگردان، حتی اگر با نیمدانه‌ای از انگور یا خرما باشد.

۸۳۲۲. **امام علی ﷺ** ـ در بیان خصلتهای والای پیامبر ﷺ ـ فرمود: هرگز چیزی از آن حضرت خواسته نشد که بگوید: نه. و دست رد بر سینهٔ هیچ سائلی نزد، بلکه یا

---

۱. الدرّة الباهرة: ۳۹.
۲. الضحى: ۱۰.
۳. جامع الأخبار: ۱۰۷۴/۳۸۵.
۴. الأمالي للطوسي: ۵۸۹/۲۹۹.
۵. بحار الأنوار: ۳۷/۱۵۸/۹۶.
۶. بحار الأنوار: ۲/۱۷۰/۹۶.
۷. تحف العقول: ۱۷۲.

سُئلَ شيئاً قَطُّ فقالَ: لا، وما رَدَّ سائلاً حاجَةً إلّا بها، أو بمَيسورٍ مِن القَولِ.[۱]

نیازش را برمی‌آورد، یا با زبان خوش جواب می‌کرد.

۸۳۲۳. **الإمامُ الحسينُ** ﷺ: صاحِبُ الحاجةِ لَم يُكرِمْ وَجهَهُ عن سُؤالِكَ فَأكرِمْ وَجهَكَ عن رَدِّهِ.[۲]

۸۳۲۳. **امام حسین**ﷺ: نیازمند با درخواست کردن حرمت خود را نگه نداشته است، پس تو با نومید نکردن او آبرو و حرمت خود را نگه دار.

۸۳۲۴. **الإمامُ زينُ العابدينَ** ﷺ: أخافُ أن يَكونَ بَعضُ مَن يَسألُنا مُحِقّاً فلا نُطعِمُهُ ونَرُدُّهُ فَيَنزِلُ بِنا أهلَ البيتِ ما نَزَلَ بِيَعقوبَ وآلِهِ ﷺ... .[۳]

۸۳۲۴. **امام زین العابدین**ﷺ: می‌ترسم بعضی از کسانی که دست سؤال به سوی ما دراز می‌کنند، مستحق باشند و ما [به گمان این که مستحق نیستند] به آنان چیزی ندهیم و جوابشان کنیم و در نتیجه، همان بلایی (گرفتاری‌ای) که بر سر یعقوب آمد، به سر ما خاندان نیز بیاید....

۸۳۲۵. **الإمامُ الباقرُ** ﷺ: لو يَعلَمُ السائلُ ما في المَسألَةِ ما سَألَ أحَدٌ أحَداً، ولَو يَعلَمُ المَسؤولُ ما في المَنعِ ما مَنَعَ أحَدٌ أحَداً.[۴]

۸۳۲۵. **امام باقر**ﷺ: اگر سائل بداند که در سؤال و خواهش کردن چه نهفته است، هرگز کسی از کسی چیزی درخواست نمی‌کرد و اگر کسی که از وی خواهشی می‌شود بداند که در نومید کردن چه نهفته است، هرگز کسی را نومید برنمی‌گرداند.

۸۳۲۶. **الإمامُ الصّادقُ** ﷺ: إنّ الرَّجُلَ لَيَسألُني الحاجَةَ فَأُبادِرُ بِقَضائِها مَخافَةَ أن يَستَغنِيَ عَنها فلا يَجِدَ لَها مَوقِعاً إذا جاءَتْهُ.[۵]

۸۳۲۶. **امام صادق**ﷺ: هرگاه مردی دست نیاز سوی من دراز کند در رفع نیاز او می‌شتابم؛ زیرا می‌ترسم کار از کار بگذرد و اقدام من در کمک به او دیگر به کارش نیاید.

۸۳۲۷. **عنه** ﷺ: ما مَنَعَ رسولُ اللهِ ﷺ سائلاً قَطُّ، إن كانَ عِندَهُ أعطى، وإلّا قالَ: يَأتِي اللهُ بِهِ.[۶]

۸۳۲۷. **امام صادق**ﷺ: رسول خدا ﷺ هرگز سائلی را نومید نکرد. اگر چیزی داشت به او می‌داد، وگرنه می‌گفت: خدا حاجتت را برآورد.

۸۳۲۸. **عنه** ﷺ: جاءَ رَجُلٌ إلى النبيِّ ﷺ، قالَ: يا رسولَ اللهِ، أفِي المالِ حَقٌّ سِوَى الزَّكاةِ؟ قالَ: نَعَم، على المُسلمِ أن يُطعِمَ الجائعَ إذا

۸۳۲۸. **امام صادق**ﷺ: مردی خدمت پیامبر ﷺ آمد و عرض کرد: ای رسول خدا! آیا در اموال، حقّی جز زکات وجود دارد؟

---

۱. مكارم الأخلاق: ۵۵/۶۱/۱.
۲. كشف الغمّة: ۲۴۴/۲. ۳. قصص الأنبياء: ۱۲۷/۱۲۶.
۴. تحف العقول: ۳۰۰. ۵. عيون أخبار الرضا: ۲/۱۷۹/۲.
۶. الكافي: ۵/۱۵/۴.

سَأَلَهُ ويَكْسُوَ العارِيَ إذا سَأَلَهُ. قالَ: إنَّهُ يَخافُ أن يَكونَ كاذِباً، قالَ: أفلا يَخافُ صِدقَهُ؟![1]

۸۳۲۹. **الإمامُ الكاظمُ** ﷺ: ما أقبَحَ بالرَّجُلِ أن يُسألَ الشيءَ فيَقولَ: لا.[2]

۸۳۳۰. **عنه** ﷺ: مَن أتاهُ أخوهُ المؤمنُ في حاجَةٍ فإنّما هِيَ رَحمَةٌ مِنَ اللهِ تبارَكَ وتعالىٰ ساقَها إلَيهِ، فإن قَبِلَ ذلكَ فَقَد وَصَلَهُ بِوَلايَتِنا، وهُو مَوصولٌ بوَلايَةِ اللهِ تبارَكَ وتَعالىٰ.[3]

(انظر) وسائل الشيعة: ۶ / ۲۹۰ باب ۲۲.

۸۳۳۱. **بحار الأنوار**: عنهم ﷺ: إنّا لَنُعطي غَيرَ المُستَحِقِّ حَذَراً مِن رَدِّ المُستَحِقِّ.[4]

(انظر) الزكاة: باب ۱۵۸۵.

۱۷۱۵
مَن لا يَنبَغي رَدُّهُ

۸۳۳۲. **الإمامُ الصّادقُ** ﷺ: أعطُوا الواحِدَ والاثنَينِ والثلاثَةَ، ثُمّ أنتُم بالخِيارِ.[5]

پیامبر ﷺ فرمود: آری. مسلمان باید هرگاه گرسنه‌ای از او غذا بخواهد، غذایش دهد و هرگاه برهنه‌ای از او لباس خواهد، وی را بپوشاند. مرد گفت: می‌ترسم که دروغ بگوید. پیامبر فرمود: آیا نمی‌ترسی که راست بگوید؟!

۸۳۲۹. **امام کاظم** ﷺ: چه زشت است برای مرد که از وی چیزی خواسته شود و او «نه» بگوید.

۸۳۳۰. **امام کاظم** ﷺ: هر که برادر مؤمنش برای حاجتی نزد او آید، [بداند که] آن رحمتی است از جانب خدای تبارک و تعالی که به سوی وی کشانده است. پس، اگر، بپذیرد و برآورد، به ولایت ما پیوسته است که ما نیز به ولایت خدای تبارک و تعالی پیوسته‌ایم.

۸۳۳۱. **بحار الأنوار** ـ به نقل از معصومان ﷺ ـ: ما از بیم این که مبادا دست رد به سینهٔ مستحق زده باشیم، به غیر مستحق نیز عطا می‌کنیم.

۱۷۱۵
کسی که نباید او را محروم کرد

۸۳۳۲. **امام صادق** ﷺ: به سائل اول و دوم و سوم اعطا کنید، و پس از آن اختیار با شماست.

---

۱. جامع الأخبار: ۱۰۵۹/۳۷۸.
۲. مشكاة الأنوار: ۱۳۵۲/۴۰۷.
۳. الاختصاص: ۲۵۰.
۴. بحار الأنوار: ۳۷/۱۵۹/۹۶.
۵. عدّة الداعي: ۹۱.

۸۳۳۳. عنه ﷺ: أطعِمُوا ثلاثةً ثُمّ أنتُم بالخِيارِ علَيهِ، إن شِئتُم أن تَزدادُوا فَازدادُوا وإلّا فقد أدَّيتُم حَقَّ يَومِكُم.[1]

۸۳۳۳. امام صادق ﷺ: تا سه سائل را غذا بدهید؛ پس از آن مختارید، اگر خواستید به غیر آنها نیز بدهید وگرنه وظیفهٔ آن روز خود را انجام داده‌اید.

۸۳۳۴. الأمالي للطوسي عن خلّادٍ عن رجلٍ قالَ: كنّا جُلوساً عِندَ جعفرٍ ﷺ فجاءَهُ سائلٌ فَأعطاهُ دِرهَماً، ثُمّ جاءَ آخَرُ فَأعطاهُ دِرهَماً، ثُمّ جاءَ آخَرُ فَأعطاهُ دِرهَماً، ثُمّ جاءَ الرابعُ فقالَ لَهُ: يَرزُقُكَ رَبُّكَ، ثُمّ أقبَلَ علَينا فقالَ: لَو أنَّ أحَدَكُم كانَ عِندَهُ عِشرونَ ألفَ دِرهَمٍ وأرادَ أن يُخرِجَها في هذا الوَجهِ لَأخرَجَها، ثُمّ بَقِيَ لَيس عِندَهُ شيءٌ، ثُمّ كانَ مِنَ الثلاثةِ الذين دَعَوا فلَم تُستَجَبْ لَهُم دَعوَةٌ.[2]

۸۳۳۴. الأمالی للطوسی به نقل از خلّاد از قول مردی: خدمت امام صادق ﷺ نشسته بودیم که سائلی آمد، حضرت یک درهم به او داد. سپس یکی دیگر آمد، حضرت یک درهم به او داد، سومی وارد شد، حضرت یک درهم به او داد، چهارمی آمد حضرت به او فرمود: خداوند روزی‌ات را بدهد. آنگاه رو به ما کرد و فرمود: اگر یک نفر از شما بیست هزار درهم داشته باشد و بخواهد همه را در این راه خرج کند، خرج می‌شود و خودش بی‌چیز می‌ماند؛ چنین کسی در زمرهٔ سه نفری باشد که دعا می‌کنند و دعایشان مستجاب نمی‌شود.

۱۷۱۶
مِن مَوارِدِ الإنفاقِ مِن بَيتِ المالِ

۱۷۱۶
یکی از موارد انفاق از بیت المال

۸۳۳۵. وسائل الشيعة: محمّدُ بنُ أبي حمزةَ، عن رجلٍ بَلَغَ بِهِ أميرَ المؤمنينَ ﷺ قالَ: مَرَّ شَيخٌ مَكفوفٌ كبيرٌ يَسألُ، فقالَ أميرُ المؤمنينَ ﷺ: ما هذا؟ قالوا: يا أميرَ المؤمنينَ، نَصرانيٌّ. فقالَ أميرُ المؤمنينَ ﷺ: استَعمَلتُمُوهُ حتّىٰ إذا كَبِرَ

۸۳۳۵. وسائل الشيعة به نقل از محمّد بن ابی حمزه از قول مردی: مردی نابینا و سالخورده مشغول گدایی بود. امیرالمؤمنین ﷺ پرسید: این کیست؟ عرض کردند: ای امیرالمؤمنین! او مردی نصرانی است. امیر المؤمنین ﷺ فرمود: از او کار کشیدید و حالا که پیر و عاجز شده

۱. عدّة الداعي: ۹۱.
۲. الأمالي للطوسي: ۶۷۹/۱۴۴۵.

وعَجَزَ مَنَعتُمُوهُ؟! أنفِقُوا عـلَيهِ مِـن بَـيتِ المالِ.[۱]

۱۷۱۷
النَّوادِرُ

۸۳۳۶. **تحف العقول**: فيما أُوحِيَ إلىٰ مـوسىٰ ﷺ: أكرِمِ السائلَ إذا أتاكَ بِرَدٍّ جَميلٍ أو إعطاءٍ يَسيرٍ.[۲]

۸۳۳۷. **رسولُ اللهِ ﷺ**: أجرُ السائلِ في حَقٍّ لَهُ كَأجرِ المُتَصَدِّقِ علَيهِ.[۳]

۸۳۳۸. **عنه ﷺ**: اُنظُرُوا إلى السائلِ، فإن رَقَّتْ لَـهُ قُلوبُكُم فَأعطُوهُ، فإنَّهُ صادِقٌ.[۴]

۸۳۳۹. **عنه ﷺ**: الأيدِي ثلاثٌ: فَيَدُ اللهِ عـزّوجلّ العُليا، ويَدُ المُعطِي التي تَلِيها، ويَدُ السائلِ السُّفلىٰ فَأعْطِ الفَضلَ ولا تُعجِزْ نَفسَكَ.[۵]

۸۳۴۰. **عنه ﷺ**: شَهادَةُ الذي يَسأَلُ في كَفِّهِ تُرَدُّ.[۶]

۸۳۴۱. **الإمامُ عليٌّ ﷺ**: لا تَستَحِ مِن إعطاءِ القَليلِ؛ فإنَّ الحِرمانَ أقَلُّ مِنهُ.[۷]

۸۳۴۲. **عنه ﷺ**: لِتَكُنْ يَدُكَ العُليا إنِ استَطَعتَ.[۸]

---

۱. وسائل الشيعة: ۱/۴۹/۱۱.
۲. تحف العقول: ۴۹۲.
۳. بحار الأنوار: ۳۳/۱۵۷/۹۶.
۴. النوادر للراوندي: ۹/۸۶.
۵. الخصال: ۱۴۴/۱۳۳.
۶. وسائل الشيعة: ۱۶/۳۰۹/۶.
۷. نهج البلاغة: الحكمة ۶۷.
۸. بحار الأنوار: ۶۴/۹/۷۸.

است، کمکش نمی‌کنید؟! از بیت المال به او چیزی بدهید.

۱۷۱۷
گوناگون

۸۳۳۶. **تحف العقول**: از جملهٔ وحی‌های خداوند متعال به موسی ﷺ این بود: هرگاه سائلی نزد تو آمد، او را گرامی دار، بدین سان که یا با روی و زبان خوش جوابش کن و یا اندک چیزی به او بده.

۸۳۳۷. **پیامبر خدا ﷺ**: اجر سائلی که حقّ خود را بخواهد، همانند اجر آن کسی است که به او صدقه [و حقّش را] می‌دهد.

۸۳۳۸. **پیامبر خدا ﷺ**: به سائل بنگرید، اگر دلتان به حال او سوخت، عطایش دهید که او راست می‌گوید.

۸۳۳۹. **پیامبر خدا ﷺ**: دستها سه گونه‌اند: دست خداوند عزّوجلّ که دست برتر است، و دست بخشنده که بعد از آن است، و دست سائل که دست زیرین (گیرنده) است. پس، بخشنده باش و خود را ناتوان و درمانده مساز.

۸۳۴۰. **پیامبر خدا ﷺ**: شهادت دادن کسی که دست سؤال و گدایی دراز می‌کند پذیرفته نیست.

۸۳۴۱. **امام علی ﷺ**: از عطای اندک شرم مکن؛ زیرا محروم کردن اندکتر از آن است.

۸۳۴۲. **امام علی ﷺ**: تا می‌توانی دستِ برتر [دهنده] داشته باش.

۸۳۴۳. عنه ﷺ: إنَّ قَدْرَ السُّؤالِ أكثَرُ مِن قِيمَةِ النَّوالِ، فلا تَستَكثِرُوا ما أعطَيتُمُوهُ فإنَّهُ لَن يُوازِيَ قَدْرَ السُّؤالِ.[۱]

۸۳۴۳. **امام علی**ﷺ: سنگینی (دشواری) نیاز خواهی بیشتر از ارزش عطا است. بنابراین، آنچه را که عطا می‌کنید زیاد مپندارید؛ زیرا که آن، با سنگینی بار درخواست برابری نمی‌کند.

۸۳۴۴. الإمامُ زينُ العابدينَ ﷺ: حَقُّ السائلِ إعطاؤهُ على قَدْرِ حاجَتِهِ.[۲]

۸۳۴۴. **امام زین العابدین**ﷺ: حقّ سائل آن است که به اندازهٔ نیازش به او عطا کنی.

۸۳۴۵. عنه ﷺ ـ لَمّا نَظَرَ إلىٰ سائلٍ يَبكِي ـ: لَو أنَّ الدنيا كانَت في كَفِّ هذا، ثُمّ سَقَطَت مِنهُ ما كانَ يَنبَغِي لَهُ أن يَبكِيَ علَيها.[۳]

۸۳۴۵. **امام زین العابدین**ﷺ ـ هنگامی که دید سائلی می‌گرید ـ فرمود: اگر همهٔ دنیا در دست این مرد بود و از دستش می‌رفت، سزاوار نبود که برای آن بگرید.

۸۳۴۶. بحار الأنوار: كانَ أبو جعفرٍ ﷺ إذا كانَ يَومُ عَرفَةَ لَم يَرُدَّ سائلاً.[۴]

۸۳۴۶. **بحار الأنوار**: امام باقرﷺ در روز عرفه هیچ سائلی را نومید برنمی‌گرداند.

۸۳۴۷. الإمامُ الصّادقُ ﷺ: مَسألَةُ ابنِ آدَمَ لابنِ آدَمَ فِتنَةٌ إن أعطاهُ حَمِدَ مَن لَم يُعطِهِ، وإن رَدَّهُ ذَمَّ مَن لَم يَمنَعْهُ.[۵]

۸۳۴۷. **امام صادق**ﷺ: نیازخواهی انسان از انسان مصیبتی است؛ اگر به سائل عطا کند، او کسی را می‌ستاید که نداده است [زیرا عطا کنندهٔ واقعی خداست و باید او را ستود و سپاس گفت] و اگر نومیدش کند، از کسی نکوهش و بدگویی می‌کند که محرومش نکرده است.

۸۳۴۸. عنه ﷺ ـ لَمّا سُئلَ عنِ السائلِ يَسألُ ولا يَدرِي ما هُو؟ ـ: أعطِ مَن وَقَعَت في قَلبِكَ الرَّحمَةُ لَهُ.[۶]

۸۳۴۸. **امام صادق**ﷺ ـ در پاسخ به پرسش دربارهٔ سائلی که معلوم نیست راست می‌گوید که نیازمند است یا نه ـ فرمود: به هر که نسبت به وی در دلت احساس دلسوزی کردی، عطا کن.

---

۱. غرر الحكم: ۳۴۹۶. ۲. الخصال: ۱/۵۷۰.
۳. بحار الأنوار: ۱۰/۱۵۸/۷۸.
۴. بحار الأنوار: ۲۱/۱۸۰/۹۶.
۵. تحف العقول: ۳۶۵.
۶. كتاب من لا يحضره الفقيه: ۱۷۴۳/۶۸/۲.

الأسباب

سببها

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

۱۷۱۸
لِكُلِّ شَيءٍ سَبَبٌ

الكتاب:

﴿إِنَّا مَكَّنَّا لَهُ فِي الأَرْضِ وَآتَيْناهُ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ سَبَباً * فَأَتْبَعَ سَبَباً * حَتّى إِذا بَلَغَ مَغْرِبَ الشَّمْسِ وَجَدَها تَغْرُبُ فِي عَيْنٍ حَمِئَةٍ وَوَجَدَ عِنْدَها قَوْماً قُلْنا يا ذَا القَرْنَيْنِ إِمّا أَنْ تُعَذِّبَ وَإِمّا أَنْ تَتَّخِذَ فِيهِمْ حُسْناً * قالَ أَمّا مَنْ ظَلَمَ فَسَوْفَ نُعَذِّبُهُ ثُمَّ يُرَدُّ إِلى رَبِّهِ فَيُعَذِّبُهُ عَذاباً نُكراً * وَأَمّا مَنْ آمَنَ وَعَمِلَ صالِحاً فَلَهُ جَزاءَ الحُسْنى وَسَنَقُولُ لَهُ مِنْ أَمْرِنا يُسْراً * ثُمَّ أَتْبَعَ سَبَباً * حَتّى إِذا بَلَغَ مَطْلِعَ الشَّمْسِ وَجَدَها تَطْلُعُ عَلى قَوْمٍ لَمْ نَجْعَلْ لَهُمْ مِنْ دُونِها سِتْراً * كَذلِكَ وَقَدْ أَحَطْنا بِما لَدَيْهِ خُبْراً * ثُمَّ أَتْبَعَ سَبَباً * حَتّى إِذا بَلَغَ بَيْنَ السَّدَّيْنِ وَجَدَ مِنْ دُونِهِما قَوْماً لا يَكادُونَ يَفْقَهُونَ قَوْلاً﴾.[1]

الحديث:

۸۳۴۹. **الإمامُ عليٌّ** عليه السلام: رَأسُ العِلمِ التَّواضُعُ... وعَقلُهُ مَعرِفَةُ أسبابِ الأُمُورِ.[2]

---

۱. الكهف: ۸۴ـ۹۳.

۲. مطالب السؤول: ۴۸.

۱۷۱۸
هر چیزی سببی دارد

قرآن:

«وی (ذو القرنین) را در زمین توان دادیم و از هر چیز سببی (راهی) بدو عطا کردیم. پس، راهی را دنبال کرد تا به غروبگاه خورشید رسید و آن را دید که در چشمه‌ای گل آلود فرو می‌رود و نزدیک آن گروهی را یافت. گفتیم: ای ذوالقرنین! یا عذاب کنی یا دربارهٔ آنها نیکویی پیش‌گیری. گفت: هر که ستم کند، بزودی عذابش کنیم و آن‌گاه سوی پروردگارش برده شود و او وی را عذابی سخت کند. و هر که ایمان آورد و کار شایسته کند پاداش نیک دارد و بزودی به فرمان خویش او را به [کاری] آسان وا خواهیم داشت. آن‌گاه راهی را دنبال کرد تا به طلوعگاه خورشید رسید و آن را دید که بر مردمی طلوع می‌کند که آنان را در برابر آفتاب پوششی ندادیم. این چنین ما از آنچه نزد وی بود خبر داشتیم. سپس راهی را دنبال کرد تا میان دو کوه رسید و گروهی را میان آن دو یافت که سخنی را نمی‌فهمیدند».

حدیث:

۸۳۴۹. **امام علی** علیه السلام: سرِ دانش، افتادگی است... و مغزش شناخت اسباب امور است.

۸۳۵۰ . عنه ﷺ: لِكُلِّ شيءٍ سَبَبٌ.[۱]

۸۳۵۱ . عنه ﷺ: سَبَبُ المَحَبَّةِ السَّخاءُ.[۲]

۸۳۵۲ . عنه ﷺ: سَبَبُ الايتِلافِ الوَفاءُ.[۳]

۸۳۵۳ . عنه ﷺ: سَبَبُ صَلاحِ الدِّينِ الوَرَعُ.[۴]

۸۳۵۴ . عنه ﷺ: سَبَبُ فَسادِ اليَقينِ الطَّمَعُ.[۵]

۸۳۵۵ . عنه ﷺ: سَبَبُ صَلاحِ الإيمانِ التَّقوىٰ.[۶]

۸۳۵۶ . عنه ﷺ: سَبَبُ فَسادِ العَقلِ الهَوىٰ.[۷]

۸۳۵۷ . عنه ﷺ: سَبَبُ الشَّقاءِ حُبُّ الدُّنيا.[۸]

۸۳۵۸ . عنه ﷺ: سَبَبُ زَوالِ النِّعَمِ الكُفرانُ.[۹]

۸۳۵۹ . عنه ﷺ: سَبَبُ المَحَبَّةِ الإحسانُ.[۱۰]

۸۳۶۰ . عنه ﷺ: سَبَبُ العَطَبِ طاعةُ الغَضَبِ.[۱۱]

۸۳۶۱ . عنه ﷺ: سَبَبُ تَزكِيَةِ الأخلاقِ حُسنُ الأدَبِ.[۱۲]

۸۳۶۲ . عنه ﷺ: سَبَبُ الكَمَدِ الحَسَدُ.[۱۳]

۸۳۶۳ . عنه ﷺ: سَبَبُ الفِتَنِ الحِقدُ.[۱۴]

۸۳۶۴ . عنه ﷺ: سَبَبُ السِّيادَةِ السَّخاءُ.[۱۵]

---

۱ . غرر الحكم: ۷۲۸۱.
۲ . غرر الحكم: ۵۵۱۰.
۳ . غرر الحكم: ۵۵۱۱.
۴ . غرر الحكم: ۵۵۱۲.
۵ . غرر الحكم: ۵۵۱۳.
۶ . غرر الحكم: ۵۵۱۴.
۷ . غرر الحكم: ۵۵۱۵.
۸ . غرر الحكم: ۵۵۱۶.
۹ . غرر الحكم: ۵۵۱۷.
۱۰ . غرر الحكم: ۵۵۱۸.
۱۱ . غرر الحكم: ۵۵۱۹.
۱۲ . غرر الحكم: ۵۵۲۰.
۱۳ . غرر الحكم: ۵۵۲۱.
۱۴ . غرر الحكم: ۵۵۲۲.
۱۵ . غرر الحكم: ۵۵۲۳.

۸۳۵۰ . **امام علی**ﷺ: هر چیزی، سببی دارد.

۸۳۵۱ . **امام علی**ﷺ: سبب محبّت، بخشندگی است.

۸۳۵۲ . **امام علی**ﷺ: سبب الفت، وفاداری است.

۸۳۵۳ . **امام علی**ﷺ: سبب درست دینی، پارسایی است.

۸۳۵۴ . **امام علی**ﷺ: سبب تباه شدن یقین، طمع است.

۸۳۵۵ . **امام علی**ﷺ: سبب سامان یافتن ایمان، تقواست.

۸۳۵۶ . **امام علی**ﷺ: سبب تباهی خِرَد، هوس است.

۸۳۵۷ . **امام علی**ﷺ: سبب رنج و بدبختی، دنیا دوستی است.

۸۳۵۸ . **امام علی**ﷺ: سبب زوال نعمتها، ناسپاسی است.

۸۳۵۹ . **امام علی**ﷺ: سبب محبّت، نیکی کردن است.

۸۳۶۰ . **امام علی**ﷺ: سبب هلاکت، فرمانبرداری از خشم است.

۸۳۶۱ . **امام علی**ﷺ: سبب تزکیهٔ اخلاق، حُسن تربیت است.

۸۳۶۲ . **امام علی**ﷺ: سبب افسردگی، حسادت است.

۸۳۶۳ . **امام علی**ﷺ: سبب فتنه‌ها، کینه‌توزی است.

۸۳۶۴ . **امام علی**ﷺ: سبب سروری، بخشندگی است.

۸۳۶۵ . **عنه** ﷺ: سَبَبُ الشَّحناءِ كَثرةُ المِراءِ.[۱]

۸۳۶۶ . **عنه** ﷺ: سَبَبُ الهِياجِ اللَّجاجُ.[۲]

۸۳۶۷ . **عنه** ﷺ: سَبَبُ زَوالِ اليَسارِ مَنعُ المُحتاجِ.[۳]

۸۳۶۸ . **عنه** ﷺ: سَبَبُ العِفَّةِ الحَياءُ.[۴]

۸۳۶۹ . **عنه** ﷺ: سَبَبُ صَلاحِ النفسِ العُزوفُ عنِ الدُّنيا.[۵]

۸۳۷۰ . **عنه** ﷺ: سَبَبُ الفَقرِ الإسرافُ.[۶]

۸۳۷۱ . **عنه** ﷺ: سَبَبُ الفُرقَةِ الاِختِلافُ.[۷]

۸۳۷۲ . **عنه** ﷺ: سَبَبُ القَناعَةِ العَفافُ.[۸]

۸۳۷۳ . **عنه** ﷺ: سَبَبُ الشَّرِّ غَلَبَةُ الشَّهوَةِ.[۹]

۸۳۷۴ . **عنه** ﷺ: سَبَبُ الفُجُورِ الخَلْوةُ.[۱۰]

۸۳۷۵ . **عنه** ﷺ: سَبَبُ الوَقارِ الحِلمُ.[۱۱]

۸۳۷۶ . **عنه** ﷺ: سَبَبُ الخَشيَةِ العِلمُ.[۱۲]

۸۳۷۷ . **عنه** ﷺ: سَبَبُ السَّلامةِ الصَّمتُ.[۱۳]

۸۳۷۸ . **عنه** ﷺ: سَبَبُ الفَوتِ المَوتُ.[۱۴]

۸۳۷۹ . **عنه** ﷺ: سَبَبُ الإخلاصِ اليَقينُ.[۱۵]

---

۱ . غرر الحكم: ۵۵۲۴.
۲ . غرر الحكم: ۵۵۲۵.
۳ . غرر الحكم: ۵۵۲۶.
۴ . غرر الحكم: ۵۵۲۷.
۵ . غرر الحكم: ۵۵۲۸.
۶ . غرر الحكم: ۵۵۲۹.
۷ . غرر الحكم: ۵۵۳۰.
۸ . غرر الحكم: ۵۵۳۱.
۹ . غرر الحكم: ۵۵۳۳.
۱۰ . غرر الحكم: ۵۵۳۲.
۱۱ . غرر الحكم: ۵۵۳۴.
۱۲ . غرر الحكم: ۵۵۳۵.
۱۳ . غرر الحكم: ۵۵۳۶.
۱۴ . غرر الحكم: ۵۵۳۷.
۱۵ . غرر الحكم: ۵۵۳۸.

۸۳۶۵ . **امام علی**ﷺ: سبب کینه‌ورزی، ستیزه‌گری بسیار است.

۸۳۶۶ . **امام علی**ﷺ: سبب برآشفتن، خیره‌سری است.

۸۳۶۷ . **امام علی**ﷺ: سبب زوال توانگری، محروم کردن نیازمند است.

۸۳۶۸ . **امام علی**ﷺ: سبب پاکدامنی، حیاست.

۸۳۶۹ . **امام علی**ﷺ: سبب اصلاح نفس، دوری جستن از دنیاست.

۸۳۷۰ . **امام علی**ﷺ: سبب فقر، اسراف است.

۸۳۷۱ . **امام علی**ﷺ: سبب جدایی، ناسازگاری است.

۸۳۷۲ . **امام علی**ﷺ: سبب قناعت، مناعت طبع است.

۸۳۷۳ . **امام علی**ﷺ: سبب بدی، چیره شدن شهوت است.

۸۳۷۴ . **امام علی**ﷺ: سبب فسق، تنهایی است.

۸۳۷۵ . **امام علی**ﷺ: سبب وقار، بردباری است.

۸۳۷۶ . **امام علی**ﷺ: سبب ترس از خدا، علم است.

۸۳۷۷ . **امام علی**ﷺ: سبب سلامت ماندن، خاموشی است.

۸۳۷۸ . **امام علی**ﷺ: سبب جدایی، مرگ است.

۸۳۷۹ . **امام علی**ﷺ: سبب اخلاص، یقین است.

۸۳۸۰ . عنه ﷺ: سَبَبُ الهَلاكِ الشِّركُ .[۱]

۸۳۸۱ . عنه ﷺ: سَبَبُ الوَرَعِ صِحَّةُ الدِّينِ .[۲]

۸۳۸۲ . عنه ﷺ: سَبَبُ الحَيرةِ الشَّكُّ .[۳]

۸۳۸۳ . عنه ﷺ: سَبَبُ فَسادِ الدِّينِ الهَوىٰ .[۴]

۸۳۸۴ . عنه ﷺ: سَبَبُ فَسادِ العَقلِ حُبُّ الدُّنيا .[۵]

۸۳۸۵ . عنه ﷺ: سَبَبُ المَزِيدِ الشُّكرُ .[۶]

۸۳۸۶ . عنه ﷺ: سَبَبُ تَحَوُّلِ النِّعَمِ الكُفرُ .[۷]

۸۳۸۷ . عنه ﷺ: سَبَبُ المَحَبَّةِ البِشرُ .[۸]

۸۳۸۸ . عنه ﷺ: سَبَبُ صَلاحِ النفسِ الوَرَعُ .[۹]

۸۳۸۹ . عنه ﷺ: سَبَبُ فسادِ الوَرَعِ الطَّمَعُ .[۱۰]

۸۳۹۰ . عنه ﷺ: سَبَبُ التَّدمِيرِ سوءُ التَّدبيرِ .[۱۱]

۸۳۹۱ . عنه ﷺ: لكنَّ اللهَ يَختَبِرُ عِبادَهُ بأنواعِ الشَّدائدِ، ويَتَعَبَّدُهُم بأنواعِ المَجاهِدِ، ويَبتَلِيهِم بضُرُوبِ المَكارِهِ، إخراجاً للتَّكَبُّرِ مِن قُلُوبِهِم، وإسكاناً لِلتَّذَلُّلِ في نُفُوسِهِم، ولِيَجعَلْ ذلكَ أبواباً فُتُحاً إلىٰ فَضلِهِ، وأسباباً ذُلُلاً لِعَفوِهِ .[۱۲]

۸۳۹۲ . **الإمامُ الصّادقُ ﷺ**: أبَى اللهُ أن يُجرِيَ الأشياءَ

---

۱ . غرر الحكم: ۵۵۴۱.
۲ . غرر الحكم: ۵۵۳۹.
۳ . غرر الحكم: ۵۵۴۰.
۴ . غرر الحكم: ۵۵۴۲.
۵ . غرر الحكم: ۵۵۴۳.
۶ . غرر الحكم: ۵۵۴۴.
۷ . غرر الحكم: ۵۵۴۵.
۸ . غرر الحكم: ۵۵۴۶.
۹ . غرر الحكم: ۵۵۴۷.
۱۰ . غرر الحكم: ۵۵۴۸.
۱۱ . غرر الحكم: ۵۵۴۹.
۱۲ . نهج البلاغة: الخطبة ۱۹۲.

۸۳۸۰ . **امام علی ﷺ**: سبب هلاکت، شرک است.

۸۳۸۱ . **امام علی ﷺ**: سبب پارسایی، درست دینی است.

۸۳۸۲ . **امام علی ﷺ**: سبب حیرت، شک است.

۸۳۸۳ . **امام علی ﷺ**: سبب تباه شدن دین، هوس است.

۸۳۸۴ . **امام علی ﷺ**: سبب تباهی خِرد، دنیا دوستی است.

۸۳۸۵ . **امام علی ﷺ**: سبب زیاد شدن نعمت، شکرگزاری است.

۸۳۸۶ . **امام علی ﷺ**: سبب از کف رفتن نعمتها، کفران است.

۸۳۸۷ . **امام علی ﷺ**: سبب محبّت، خوشرویی است.

۸۳۸۸ . **امام علی ﷺ**: سبب اصلاح نفس، پارسایی است.

۸۳۸۹ . **امام علی ﷺ**: سبب از بین رفتن ورع، طمع است.

۸۳۹۰ . **امام علی ﷺ**: سبب ویرانی، سوءِ تدبیر است.

۸۳۹۱ . **امام علی ﷺ**: خداوند بندگان خود را با انواع سختیها می‌آزماید و از طریق سختگیریهای گوناگون آنان را به عبادت و پرستش وامی‌دارد و به انواع ناملایمات و امور ناخوشایند گرفتارشان می‌سازد، تا غرور را از دلهای آنان بیرون برد و افتادگی را در جانهایشان بنشاند، و نیز تا آن [آزمایشها و سختیها] را، درهایی گشاده به سوی فضل و احسان خویش و اسبابِ آسان برای [رسیدن آنان به] گذشت و بخشایش خود قرار دهد.

۸۳۹۲ . **امام صادق ﷺ**: خداوند ابا دارد از این که

إلّا بِأسبابٍ، فَجَعَلَ لِكُلِّ شَيءٍ سَبَباً وجَعَلَ لِكُلِّ سَبَبٍ شَرْحاً، وجَعَلَ لِكُلِّ شَرْحٍ عِلماً، وجَعَلَ لِكُلِّ عِلمٍ باباً ناطِقاً، عَرَفَهُ مَن عَرَفَهُ، وجَهِلَهُ مَن جَهِلَهُ، ذاكَ رسولُ اللهِ ﷺ ونَحنُ.[1]

چیزها (امور) را جز از طریق اسباب فراهم آورد. از این رو، برای هر چیزی، سببی قرار داده، و برای هر سبب، بیانی، و برای هر بیان، دانشی، و برای هر دانشی، دری. گویا هر که آن در را شناخت، علم را فهمید و هر کس آن را نشناخت، جاهل ماند. آن در، همان رسول خدا ﷺ و ما هستیم.

۱۷۱۹
أوثَقُ الأسبابِ

۸۳۹۳. **الإمامُ عليٌّ** ﷺ ـ مِن وَصاياهُ لِابنِهِ الحسنِ ﷺ ـ: فَإنّي اُوصِيكَ بِتَقوَى اللهِ ـ أيْ بُنَيَّ ـ ولُزومِ أمرِهِ، وعِمارَةِ قَلبِكَ بِذِكرِهِ، والاعتِصامِ بِحَبلِهِ، وأيُّ سَبَبٍ أوثَقُ مِن سَبَبٍ بَينَكَ وبَينَ اللهِ إن أنتَ أخَذتَ بِهِ.[2]

۸۳۹۳. **امام علی** ﷺ ـ در سفارش به فرزند خود حسن ﷺ ـ فرمود: تو را ای فرزندم سفارش می‌کنم به تقوای خدا و پایبندی به فرمان او و آباد کردن دلت به یاد او و چنگ زدن به ریسمان او. و چه ریسمانی برای گرفتن، محکمتر از ریسمانی است که میان تو و خداست ...؟

۸۳۹۴. **عنه** ﷺ: الطّاعَةُ لِلّهِ أقوىٰ سَبَبٍ.[3]

۸۳۹۴. **امام علی** ﷺ: اطاعت از خداوند، محکمترین ریسمان است.

۸۳۹۵. **عنه** ﷺ: إنّ اللهَ سبحانَهُ لَم يَعِظ أحَداً بِمِثلِ هذا القرآنِ، فإنَّهُ حَبلُ اللهِ المَتِينُ، وسَبَبُهُ الأمِينُ.[4]

۸۳۹۵. **امام علی** ﷺ: خداوند سبحان هیچ کس را به اندرزی چون این قرآن موعظه نکرد؛ زیرا قرآن، طناب محکم خداوند، و ریسمان قابل اعتماد اوست.

(انظر) العلم: باب ۲۷۹۹.

التقوى: باب ۴۱۰۲.

---

۱. الكافي: ۱/۱۸۳/۷.
۲. نهج البلاغة: الكتاب ۳۱.
۳. غرر الحكم: ۱۴۰۱.
۴. نهج البلاغة: الخطبة ۱۷۶.

۲۱۶

السَّبّ

ناسزاگویی

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

ولمزید الاطّلاع راجع:

کنز العمّال: ۳/۶۰۵ـ۶۰۸، ۸۴۰ـ۸۴۲ «السَّبّ».

وسائل الشیعة: ۸/۶۱۰ باب ۱۵۸ «تحریم سبّ المؤمن».

بحار الأنوار: ۷۵/۱۴۷ باب ۵۷ «من أخاف مؤمناً... أو سبّه».

انظر:

الحدود: باب ۷۵۲.

عنوان ۴۰۷ «الفحش»، ۴۷۳ «اللعن».

۱۸۶ ـــــــ

۱۷۲۲
النَّهيُ عَن سَبِّ النّاسِ

۸۳۰۰. رسولُ اللهِ ﷺ: لا تَسُبُّوا الناسَ فَتَكتَسِبُوا العَداوةَ بَينَهُم.[۱]

۸۳۰۱. **نهج البلاغة**: قالَ الإمامُ عليٌّ ﷺ ـ لَمّا سَمِعَ قَوماً مِن أصحابِهِ يَسُبُّونَ أهلَ الشّامِ ـ: إنّي أكرَهُ لَكُم أن تَكُونُوا سَبّابِينَ، ولٰكِنَّكُم لو وَصَفتُم أعمالَهُم وذَكَرتُم حالَهُم، كانَ أصوَبَ في القَولِ وأبلَغَ في العُذرِ، وقُلتُم مَكانَ سَبِّكُم إيّاهُم: اَللّٰهُمَّ احقُنْ دِماءَنا ودِماءَهُم.[۲]

وفي نَقلٍ: كَرِهتُ لَكُم أن تَكُونُوا لَعّانِينَ شَتّامِينَ.[۳]

۸۳۰۲. **الإمامُ عليٌّ** ﷺ ـ لِقَنبَرٍ وقد رامَ أن يَشتِمَ شاتِمَهُ ـ: مَهْلاً يا قَنبَرُ! دَعْ شاتِمَكَ مُهاناً تُرْضِ الرَّحمٰنَ وتُسخِطُ الشَّيطانَ وتُعاقِبُ عَدُوَّكَ، فَوَالذي فَلَقَ الحَبَّةَ وبَرَأَ النَّسَمَةَ ما أرضَى المؤمنُ رَبَّهُ بِمِثلِ الحِلمِ، ولا أسخَطَ الشَّيطانَ بِمِثلِ الصَّمتِ، ولا عُوقِبَ الأحمَقُ بِمِثلِ السُّكوتِ عَنهُ.[۴]

---

۱. الكافي: ۲/۳۶۰/۳.
۲. نهج البلاغة: الخطبة ۲۰۶.
۳. شرح نهج البلاغة: ۳/۱۸۱، انظر تمام الكلام.
۴. الأمالي للمفيد: ۱۱۸/۲.

۱۷۲۲
نهی از ناسزاگویی به مردم

۸۳۰۰. **پیامبر خدا**ﷺ: به مردم ناسزا مگویید که با این کار در میان آنها دشمن پیدا می‌کنید.

۸۳۰۱. **نهج البلاغة**: امام علی ﷺ آنگاه که شنید گروهی از یارانش به شامیان ناسزا می‌گویند فرمود: من خوش ندارم که شما ناسزاگو باشید، بلکه اگر اعمال و رفتار و موقعیت [باطل] آنها را خاطرنشان کنید، مؤثّرتر و در بیان عذر و حجّت رساتر و قانع کننده‌تر باشد. به جای ناسزا گفتن به آنها، بگویید: خدایا! خونهای ما و آنان را حفظ کن.

در نقلی دیگر آمده است: من خوش ندارم که شما لعنتگر و دشنام گو باشید.

۸۳۰۲. **امام علی** ﷺ ـ به قنبر، که خواست به کسی که بدو ناسزا گفته بود ناسزا گوید ـ فرمود: آرام باش قنبر! دشنامگوی خود را خوار و سرشکسته بگذار، تا خدای رحمان را خشنود و شیطان را ناخشنود کرده و دشمنت را کیفر داده باشی. قسم به خدایی که دانه را شکافت و خلایق را بیافرید، مؤمن، پروردگار خود را با چیزی همانند بردباری و گذشت خشنود نکرد و شیطان را با حربه‌ای چون خاموشی به خشم نیاورد و احمق به چیزی مانند سکوت در مقابل او مجازات نشد.

۱۷۲۳
النَّهيُ عَن سَبِّ الأشياءِ

۸۳۰۳. رسولُ اللهِ ﷺ: لا تَسُبُّوا الرِّياحَ فإنَّها مَأمُورَةٌ، ولا تَسُبُّوا الجِبالَ ولا السّاعاتِ ولا الأيّامَ ولا اللَّيالِيَ فَتَأثَمُوا وتَرجِعَ عَلَيكُم.[۱]

۸۳۰۴. عنه ﷺ: لاتَسُبُّوا الرِّيحَ؛ فإنَّها مِن رَوحِ اللهِ.[۲]

۸۳۰۵. عنه ﷺ: لا تَسُبُّوا الدَّهرَ، فإنَّ اللهَ يقولُ: أنا الدَّهرُ، ليَ اللَّيلُ أُجِدُّهُ وأُبلِيهِ.[۳]

۸۳۰۶. عنه ﷺ: لا تَسُبُّوا الدَّهرَ؛ فإنَّ اللهَ هو الدهرُ.[۴]

۱۷۲۳
النَّهيُ عَنِ التَّسابِّ

۸۳۰۷. رسولُ اللهِ ﷺ: المُتَسابّانِ ما قالا فَعَلَى البادِي حتّىٰ يَعتَدِيَ المَظلومُ.[۵]

۸۳۰۸. بحار الأنوار عن رسولِ اللهِ ﷺ: مِن أكبَرِ الكبائرِ أن يَسُبَّ الرجُلُ والِدَيهِ، قيلَ: وكيفَ يَسُبُّ والِدَيهِ؟! قالَ: يَسُبُّ الرجُلَ

۱. علل الشرائع: ۱/۵۷۷.
۲. كنز العمّال: ۸۱۰۹.
۳. كنز العمّال: ۸۱۴۱.
۴. الإيضاح: ۹.
۵. تنبيه الخواطر: ۱/۱۱۱.

۱۷۲۳
نهی از ناسزا گفتن به اشیاء

۸۳۰۳. **پیامبر خدا ﷺ**: به بادها ناسزا مگویید که آنها [از جانب خداوند] مأمورند، و کوهها و ساعتها و لحظات و روزها و شبها را ناسزا نگویید که گنهکار می‌شوید و به خودتان بر می‌گردد.

۸۳۰۴. **پیامبر خدا ﷺ**: باد را ناسزا مگویید؛ زیرا آن از رحمت خداست.

۸۳۰۵. **پیامبر خدا ﷺ**: به روزگار ناسزا مگویید؛ زیرا خداوند می‌فرماید: روزگار من هستم. شب از من است ومن آن را نو می‌کنم و کهنه می‌گردانم.

۸۳۰۶. **پیامبر خدا ﷺ**: به روزگار ناسزا مگویید؛ زیرا خداوند همان [خالق] روزگار است.[۱]

۱۷۲۴
نهی از ناسزاگویی به یکدیگر

۸۳۰۷. **پیامبر خدا ﷺ**: هرگاه دو نفر به یکدیگر ناسزا بگویند، گناهش به گردن آغاز کنندهٔ آن است، مگر آن که ستمدیده از حدّ خود تجاوز کند.

۸۳۰۸. **بحار الأنوار**: پیامبر خدا ﷺ فرمود: از بزرگترین گناهان این است که آدمی پدر و مادر خود را دشنام دهد. عرض شد: چگونه کسی پدر و مادر خود را دشنام

۱. منظور این است که منشأ کارهایی که به دهر نسبت داده می‌شود، خداوند است و بنابراین، ناسزاگویی به دهر، به خداوند باز می‌گردد.

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

فَيَسُبُّ أباهُ وأُمَّهُ.[۱]

۸۳۰۹. تنبيه الخواطر عن عياضِ بنِ حمّاد: قلتُ: يا رسولَ اللهِ، صَلَّى اللهُ عليكَ، الرَّجُلُ مِن قَومي يَسُبُّني وهُو دُوني فهَل عَلَيَّ بَأسٌ أن أنتَصِرَ مِنهُ؟ فقالَ: المُتَسابّانِ شَيطانانِ يَتَعاوَيانِ ويَتَهاتَرانِ.[۲]

۸۳۱۰. الإمامُ عليٌّ ﷺ: ما تَسابَّ اثنانِ إلّا غَلَبَ ألأَمُهُما.[۳]

۸۳۱۱. الإمامُ الكاظمُ ﷺ ـ لَمّا رَأى رَجُلَينِ يَتَسابّانِ ـ: البادِي أظلَمُ، ووِزرُهُ ووِزرُ صاحِبِهِ علَيهِ ما لَم يَعتَدِ المَظلومُ.[۴]

۸۳۱۲. عنه ﷺ: ما تَسابَّ اثنانِ إلّا انحَطَّ الأعلىٰ إلىٰ مَرتَبَةِ الأسفَلِ.[۵]

۸۳۱۳. عنه ﷺ ـ في رَجُلَينِ يَتَسابّانِ ـ: البادِي مِنهُما أظلَمُ، ووِزرُهُ ووِزرُ صاحِبِهِ علَيهِ ما لَم يَعتَذِرْ إلى المَظلومِ.[۶]

می‌دهد؟ فرمود: کس دیگری را دشنام می‌دهد و او متقابلاً به پدر و مادر وی ناسزا می‌گوید.

۸۳۰۹. **تنبیه الخواطر** به نقل از عیاض بن حمّاد: عرض کردم: ای رسول خدا! درود خدا بر تو باد، مردی از قوم و قبیلهٔ من که از من دون پایه‌تر است، به من ناسزا می‌گوید، آیا اشکال دارد من هم به تلافی این کار، او را دشنام دهم؟ پیامبر فرمود: دو کس که یکدیگر را ناسزا گویند، دو شیطانند که به یکدیگر پارس می‌کنند و به جان هم می‌افتند.

۸۳۱۰. **امام علی**ﷺ: هیچ دو نفری یکدیگر را ناسزا نگفتند مگر آن که پست‌ترینشان چیره گشت.

۸۳۱۱. **امام کاظم**ﷺ ـ آن گاه که دو مرد را دید که به یکدیگر ناسزا می‌گویند ـ فرمود: آغاز کننده ستمکارتر است و گناه طرف مقابل نیز به گردن اوست، تا زمانی که ستمدیده زیاده‌روی نکند.

۸۳۱۲. **امام کاظم**ﷺ: هیچ گاه دو نفر به یکدیگر ناسزا نگفتند مگر این که آن یک که برتر است به مرتبهٔ آن که فروتر است سقوط کرد.

۸۳۱۳. **امام کاظم**ﷺ ـ دربارهٔ دو نفر که به یکدیگر ناسزا بگویند ـ فرمود: آن که آغاز کرده ستمکارتر است و تا زمانی که از ستمدیده پوزش نخواهد، گناه او نیز به گردن وی باشد.

۱۷۲۵
جَزاءُ مَن سَبَّ الأنبياءَ والأوصِياءَ

۸۳۱۴. رسولُ اللهِ ﷺ: مَن سَبَّ نَبيّاً مِنَ الأنبياءِ

۱۷۲۵
کیفر کسی که انبیا و اوصیا را دشنام دهد

۸۳۱۴. **پیامبر خدا**ﷺ: هر که یکی از پیامبران را

---

۱. بحار الأنوار: ۶/۲۴۶/۷۴.
۲. تنبيه الخواطر: ۱۱۱/۱.
۳. غرر الحكم: ۹۶۰۲.
۴. تحف العقول: ۴۱۲.
۵. أعلام الدين: ۳۰۵.
۶. الكافي: ۴/۳۶۰/۲.

فاقتُلوهُ، ومَن سَبَّ وَصِيّاً فقد سَبَّ نبيّاً.[1]

دشنام دهد، او را بكشيد، و هركه يكى از اوصيا[ى آنان] را دشنام گويد بى‌گمان يكى از پيامبران را دشنام داده باشد.

۸۳۱۵. **الإمامُ الصّادقُ** ﷺ ـ لَمّا سُئلَ عَمَّن شَتَمَ رسولَ اللهِ ﷺ ـ: يَقتُلُهُ الأدنىٰ فَالأدنىٰ قَبْلَ أن يَرفَعَهُ إلى الإمامِ.[2]

۸۳۱۵. **امام صادق**ﷺ ـ در پاسخ به سؤال از حكم كسى كه رسول خداﷺ را ناسزا گويد ـ فرمود: نزديكترين كس به او مى‌تواند پيش از آن كه براى محاكمه نزد امام برده شود، وى را بكشد.

(انظر) وسائل الشيعة: ۱۸ / ۴۵۸ باب ۲۵ وص ۴۶۱ باب ۲۷.

۱۷۲۶
سَبُّ الإمامِ عَلِيٍّ ﷺ

۱۷۲۶
ناسزا گويى به علىﷺ

۸۳۱۶. **الإمامُ عليٌّ** ﷺ: سَتُدعَونَ إلىٰ سَبّي فَسُبُّوني وتُدعَونَ إلىٰ البَراءَةِ مِنّي فَلا تَفعَلوا فإنّي على الفِطرَةِ.[3]

۸۳۱۶. **امام على**ﷺ: بزودى از شما خواسته خواهد شد كه مرا ناسزا گوييد، [عيبى ندارد] ناسزا بگوييد. و از شما خواسته خواهد شد كه از من بيزارى جوييد، گردن به تيغ بسپاريد [اما اين كار را نكنيد]؛ زيرا من بر سرشت اسلامم.

۸۳۱۷. **عنه** ﷺ: ألا وإنَّهُ سَيَأمُرُكُم بِسَبّي والبَراءَةِ مِنّي فأمّا السَّبُّ فَسُبُّوني فإنَّهُ لي زَكاةٌ ولَكُم نَجاةٌ.[4]

۸۳۱۷. **امام على**ﷺ: بدانيد كه بزودى [معاويه] به شما دستور خواهد داد تا مرا ناسزا گوييد و از من بيزارى جوييد؛ اما ناسزا [عيبى ندارد] بگوييد؛ زيرا ناسزا گفتن به من، موجب تزكيهٔ من و باعث نجات [جان] شماست.

۸۳۱۸. **عنه** ﷺ: ألا إنَّكُم مُعْرَضُونَ علىٰ لَعْني ودُعايَ كَذّاباً فَمَن لَعَنَني كارِهاً مُكرَهاً يَعلَمُ اللهُ أنَّهُ كانَ مُكرَهاً وَرَدْتُ أنا وهو عَلىٰ محمّدٍ ﷺ مَعاً، ومَن أمسَكَ لِسانَهُ فلَم يَلْعَني سَبَقَني كَرَميَةٍ سَهْمٍ أو لَمْحَةٍ بِالبَصَرِ، ومَن لَعَنَني مُنشَرِحاً صَدرُهُ بِلَعْني فلاحِجابَ بَينَهُ

۸۳۱۸. **امام على**ﷺ: بدانيد كه شما را وادار خواهند كرد تا بر من لعنت فرستيد و دروغگويم خوانيد. هركه از روى بى‌ميلى و اجبار مرا لعن و نفرين كند و خدا بداند كه به اجبار اين كار را كرده است من و او با هم بر محمّدﷺ وارد شويم. و هركه زبانش را نگه دارد و نفرينم نكند، پيش از من، به سرعت تير يا چشم به هم زدنى، بر پيامبر وارد شود. و هركه با اختيار و ميل بر من لعن و نفرين

---

۱. الأمالي للطوسي: ۳۶۵ / ۷۶۹.
۲. الكافي: ۷/۲۵۹/۲۱. ۳. الأمالي للطوسي: ۲۱۰/۳۶۲.
۴. نهج البلاغة: الخطبة ۵۷.

وبينَ اللهِ ولا حُجَّةَ لَهُ عِندَ محمّدٍ ﷺ.[1]

۸۳۱۹. **كنز العمّال:** جاء رَجُلٌ بِرِجالٍ إلىٰ عَلِيٍّ فقالَ: إنّي رَأَيتُ هؤلاءِ يَتَوَعَّدُونَكَ فَفَرُّوا وأَخَذتُ هذا، قالَ: أفَأقتُلُ مَن لم يَقتُلْني ؟! قالَ: إنَّهُ سَبَّكَ، قالَ: سُبَّهُ أو دَعْ.[2]

۸۳۲۰. **شرح نهج البلاغة:** رُوِيَ أنَّهُ [عليّاً] ﷺ كانَ جالِساً في أصحابِهِ، فَمَرَّت بِهِمُ امرأةٌ جَميلَةٌ، فَرَمَقَها القَومُ بأبصارِهِم، فقالَ ﷺ:

إنّ أبصارَ هذهِ الفُحولِ طَوامِحُ، وإنَّ ذلكَ سَبَبُ هِبابِها، فإذا نَظَرَ أحَدُكُم إلى امرأةٍ تُعجِبُهُ فَليُلامِسْ (فَلْيَلمِسْ) أهلَهُ، فإنّما هِيَ امرأةٌ كامرَأتِهِ.

فقالَ رجلٌ مِنَ الخَوارِجِ: قاتَلَهُ اللهُ كافِراً ما أفقَهَهُ!، فَوَثَبَ القَومُ لِيَقتُلُوهُ، فقالَ ﷺ:

رُوَيداً، إنّما هُوَ سَبٌّ بِسَبٍّ، أو عَفوٌ عن ذَنبٍ.[3][4]

۱. الأمالي للمفيد: ۴/۱۲۰.

۲. كنز العمّال: ۳۱۶۱۶. ۳. نهج البلاغة: الحكمة ۴۲۰.

۴. قال ابن أبي الحديد: إنّ معاوية كان يقول في آخر خطبة الجمعة: اللّهمّ إنّ أبا تراب ألحد في دينك، وصدّ عن سبيلك فالعنه لعناً وبيلا وعذّبه عذاباً أليماً، وكتب بذلك إلى الآفاق فكانت هذه الكلمات يشار بها على المنابر إلى خلافة عمر بن عبد العزيز (شرح نهج البلاغة: ۵۶/۴).

فرستد، میان او و خداوند پرده‌ای [نگهدارنده از عذاب الهی] نباشد و حجّت و بهانه‌ای به پیشگاه محمّد ﷺ ندارد.

۸۳۱۹. **كنز العمّال:** مردی یک نفر را به خدمت علی ﷺ آورد و عرض کرد: دیدم که این عدّه از دوزخی بودن تو سخن می‌گویند، همگی فرار کردند، اما من این یکی را گرفتم. علی ﷺ فرمود: آیا کسی را بکشم که مرا نکشته است؟ مرد عرض کرد: او تو را دشنام می‌داد. علی ﷺ فرمود: تو هم او را دشنام ده یا رهایش کن.

۸۳۲۰. **شرح نهج البلاغة:** روایت شده که امام علی ﷺ با اصحاب خود نشسته بود که زنی زیبا روی از کنارشان گذشت. چشمهای همه به او خیره گشت، حضرت فرمود: چشمهای این نرینگان، حریصانه می‌نگرد و این نگریستن مایهٔ تحریک آنان است. هرگاه یکی از شما زنی را دید و از او خوشش آمد، با زن خود آمیزش کند؛ زیرا که او نیز زنی همانند زن خود اوست. یکی از خوارج گفت: خدا این کافر را بکشد، چقدر می‌فهمد! اصحاب حضرت از جا پریدند که او را بکشند، امام ﷺ فرمود: آرام باشید، جواب دشنام، دشنام است یا چشمپوشی از گناه.[1]

۱. ابن ابی الحدید می‌نویسد: معاویه در آخر خطبهٔ نماز جمعه می‌گفت: خدایا! ابوتراب از دین تو برگشت و از راه تو منحرف شد، پس او را سخت لعنت کن و به عذابی دردناک گرفتارش ساز. او بخشنامه کرد که این جملات را در سراسر جهان اسلام بگویند. از آن پس، تا زمان خلافت عمر بن عبدالعزیز آن را بر فراز منبرها می‌گفتند.


مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

التسبيح

تسبيح

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

ولمزيد الاطّلاع راجع:

بحار الأنوار: ٩٣/١٧٥ باب ٣ «التسبيح وفضله ومعناه».

كنز العمّال: ١/٤٥٩ «في التسبيح».

١٧٢٧
تَفسيرُ سُبحانَ اللهِ

الكتاب:

﴿سُبْحانَ اللهِ عَمّا يَصِفُونَ﴾.[١]

﴿سُبْحانَ رَبِّكَ رَبِّ العِزَّةِ عَمّا يَصِفُونَ﴾.[٢]

الحديث:

٨٣٢١. رسولُ اللهِ ﷺ ـ لَمّا سَأَلَهُ طَلحةُ بنُ عُبيدِ اللهِ عن تفسيرِ «سبحانَ اللهِ» ـ: هُو تَنزيهُ اللهِ مِن كلِّ سُوءٍ.[٣]

٨٣٢٢. الإمامُ عليٌّ ﷺ ـ لَمّا سُئلَ عن تفسيرِ «سبحانَ اللهِ» ـ: هُو تَعظيمُ جَلالِ اللهِ عزّوجلّ وتَنزيهُهُ عمّا قالَ فيهِ كُلُّ مُشرِكٍ. فإذا قالَهُ العَبدُ صَلّىٰ علَيهِ كُلُّ مَلَكٍ.[٤]

٨٣٢٣. الإمامُ الصّادقُ ﷺ ـ لَمّا سُئلَ عن قَولِ اللهِ عزّوجلّ: ﴿سُبحانَ اللهِ﴾ ـ: تَنزيهٌ.[٥]

---

١. الصافّات: ١٥٩.
٢. الصافّات: ١٨٠.
٣. الدرّ المنثور: ٢٦٩/١.
٤. معاني الأخبار: ٣/١٠.
٥. معاني الأخبار: ٢/٩.

١٧٢٧
معنای سبحان الله

قرآن:

«پاک و منزّه است خدا از آنچه در وصف او می‌گویند»

«پاک و منزّه است پروردگار تو، خداوندگار عزّت، از آنچه در وصف او می‌گویند».

حدیث:

٨٣٢١. **پیامبر خدا ﷺ** ـ در پاسخ به سؤال طلحة بن عبیدالله از معنای سبحان الله ـ فرمود: آن منزّه دانستن خداوند است از هر ناشایست.

٨٣٢٢. **امام علی ﷺ** ـ در پاسخ به سؤال از معنای سبحان الله ـ فرمود: آن بزرگداشت مقام بلند خداوند عزّوجلّ و منزّه کردن اوست از هر آنچه مشرکان درباره‌اش می‌گویند. هرگاه بنده این جمله را بگوید، هر فرشته‌ای بر او درود فرستد.

٨٣٢٣. **امام صادق ﷺ** ـ آن گاه که دربارهٔ این سخن خداوند عزّوجلّ: «سبحان الله» سؤال شد ـ فرمود: به معنای پاک و منزّه دانستن اوست.

۱۷۲۸
تَسبيحُ الأشياءِ

الكتاب:

﴿تُسَبِّحُ لَهُ السَّماواتُ السَّبْعُ وَالأَرْضُ وَمَنْ فِيهِنَّ وَإِن مِّن شَيءٍ إِلَّا يُسَبِّحُ بِحَمْدِهِ وَلَكِن لا تَفْقَهُونَ تَسْبِيحَهُمْ إِنَّهُ كانَ حَلِيماً غَفُوراً﴾.[۱]

﴿وَيُسَبِّحُ الرَّعدُ بِحَمْدِهِ وَالمَلائِكَةُ مِنْ خِيفَتِهِ وَيُرْسِلُ الصَّواعِقَ فَيُصِيبُ بِها مَن يَشاءُ وَهُمْ يُجادِلُونَ فِي اللهِ وَهُوَ شَدِيدُ المِحالِ﴾.[۲]

﴿فَفَهَّمْناهَا سُلَيمانَ وَكُلّاً آتَيْنا حُكْماً وَعِلْماً وَسَخَّرْنا مَعَ داوُدَ الجِبالَ يُسَبِّحْنَ والطَّيرَ وَكُنّا فاعِلِينَ﴾.[۳]

الحديث:

۸۴۲۴. رسولُ اللهِ ﷺ: مَن قَرَأَ بِسمِ اللهِ الرَّحمٰنِ الرَّحيمِ مُوقِناً سَبَّحَتْ مَعَهُ الجِبالُ، إلّا أنَّهُ لا يَسمَعُ ذلكَ مِنها.[۴]

۸۴۲۵. الصحيفة السجاديّة الجامعة عن سعيدِ بنِ المسيَّب عن عليِّ بنِ الحسينِ ﷺ: أنَّهُ نَزَلَ في بعضِ المَنازِلِ، فَصَلّىٰ رَكعَتينِ وَسَبَّحَ في سُجُودِهِ، فلَم يَبقَ شَجَرٌ ولا مَدَرٌ إلّا سَبَّحَ مَعَهُ.[۵]

---

۱. الإسراء: ۴۴.
۲. الرعد: ۱۳.
۳. الأنبياء: ۷۹.
۴. الدرّ المنثور: ۲۶/۱.
۵. الصحيفة السجّادية الجامعة: الدعاء ۴.

۱۷۲۸
تسبیح گویی اشیاء

قرآن:

«آسمانهای هفتگانه و زمین و هرکه در آنهاست او را تسبیح می‌گویند. هیچ چیز نیست مگر آن که به ستایش او تسبیح گوست ولی شما تسبیح گویی آنان را نمی‌فهمید. همانا او بردبار آمرزنده است».

«رعد به ستایش او تسبیح گوید و فرشتگان از بیم او. صاعقه‌ها را فرستد و هرکه را خواهد دچار آن کند. با این حال آنان دربارهٔ خدا مجادله می‌کنند و او سخت کیفر است».

«و آن [داوری] را به سلیمان فهماندیم و هر یک [از آن دو] را حُکم و دانش دادیم. و کوهها را با پرندگان رام داوود کردیم که تسبیح می‌گفتند و ما کننده[ی این کار] بودیم».

حدیث:

۸۴۲۴. پیامبر خدا ﷺ: هر که از روی یقین، بسم الله الرحمن الرحیم بگوید، کوهها همصدا با او تسبیح گویند، اما او تسبیح آنها را نمی‌شنود.

۸۴۲۵. الصحيفة السجاديّة الجامعة به نقل از سعید بن مسیّب: امام زین العابدین ﷺ در یکی از منازل سفر پیاده شد و دو رکعت نماز گزارد و در سجدهٔ خود تسبیح گفت و هیچ درخت وکلوخی نبود مگر اینکه همصدا با او تسبیح می‌گفت.

۸۳۲۶. **الإمامُ الباقرُ** ﷺ ـ فيما سَألَهُ زُرارةُ عن قَولِ اللهِ: ﴿وإنْ مِنْ شَيْءٍ...﴾ ـ: إنّا نَرىٰ أنَّ تَنقُّضَ الحِيطانِ تَسبيحُها.[۱]

۸۳۲۶. **امام باقر**ﷺ ـ در پاسخ به پرسش زراره از آیهٔ «و هیچ چیز نیست مگر آن که...» ـ فرمود: ما، در هم شکستن دیوارها را تسبیح گویی آنها می‌دانیم.

۸۳۲۷ ـ **عنه** ﷺ: أما سَمِعتَ خُشُبَ البَيتِ تَنقَضُ؟ وذلكَ تَسبيحُهُ، فسُبحانَ اللهِ علىٰ كُلِّ حالٍ.[۲]

۸۳۲۷. **امام باقر**ﷺ: آیا صدای در هم شکسته شدن چوبهای خانه را نمی‌شنوی؟ این، همان تسبیح اوست. پس، در همه حال پاک و منزّه است خدا.

۸۳۲۸. **الإمامُ الصّادقُ** ﷺ ـ في قولِهِ تعالىٰ: ﴿وإنْ مِن شيْءٍ...﴾ ـ: نَقْضُ الجُدُرِ تَسبِيحُها.[۳]

۸۳۲۸. **امام صادق**ﷺ ـ دربارهٔ آیهٔ «و هیچ چیز نیست مگر آن که...» ـ فرمود: در هم شکستن دیوارها، تسبیح گویی آنهاست.

۸۳۲۹. **عنه** ﷺ: كانَ [داوودﷺ] إذا قَرَأ الزَّبورَ لا يَبقىٰ جَبَلٌ ولا حَجَرٌ ولا طائرٌ إلّا جاوَبَتْهُ.[۴]

۸۳۲۹. **امام صادق**ﷺ: داوودﷺ هر گاه زبور را تلاوت می‌کرد، هیچ کوه و سنگ و مرغی نبود، مگر این که با او هم آواز می‌شد.

۸۳۳۰. **تفسير القمي** ـ في تفسير قولِهِ تعالىٰ: ﴿وإنْ مِن شَيْءٍ...﴾ ـ: فَحَرَكَةُ كُلِّ شَيءٍ تَسبيحٌ للهِ عزّوجلّ.[۵]

۸۳۳۰. **تفسیر قمی** ـ ذیل آیهٔ «و هیچ چیز نیست مگر آن که...» ـ: جنبیدن هر چیزی، تسبیح خداوند عزّوجلّ است.

---

۱. بحار الأنوار: ۶۰ / ۵/۱۷۷.
۲. بحار الأنوار: ۶۰ / ۶/۱۷۷.
۳. المحاسن: ۲/۴۶۲/۲۵۹۷.
۴. كمال الدين: ۶/۵۲۴.
۵. تفسير القمي: ۲ / ۲۰.

٢١٨

التّسابُق

مسابقه

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

ولمزيد الاطّلاع راجع:

بحار الأنوار: ١٠٣/١٨٩ باب ٤.

وسائل الشيعة: ١٣/٣٤٥ «السّبق والرّماية».

كنز العمّال: ٤/٣٤٤ـ٣٦١ وص ٤٦٣ «المسابقة».

انظر:

عنوان ١٩٦ «الرماية».

۱۷۲۹
التَّسابُقُ

۸۴۳۱ . رسولُ اللهِ ﷺ: لا سَبْقَ إلّا في خُفٍّ أو حافِرٍ أو نَصْلٍ.[۱]

۸۴۳۲ . عنه ﷺ: إنّ الأرضَ سَتُفتَحُ لَكُم وتُكفَونَ الدنيا فلا يَعجِزْ أحَدُكُم أن يَلهُوَ بِأسهُمِهِ.[۲]

۸۴۳۳ . الإمامُ الصّادقُ ؈: دَخَلَ النبيُّ ﷺ ذاتَ ليلَةٍ بيتَ فاطمةَ ؊ ومَعهُ الحسنُ والحسينُ ؈ فقالَ لَهُما النبيُّ ﷺ: قُوما فاصْطَرِعا. فَقاما لِيَصطَرِعا... الحديث.[۳]

۸۴۳۴ . عنه ؈: لَيسَ شيءٌ تَحضُرُهُ الملائكةُ إلّا الرِّهانُ وملاعَبَةُ الرَّجُلِ أهلَهُ.[۴]

۱۷۲۹
مسابقه

۸۴۳۱ . **پیامبر خدا**ﷺ: مسابقه دادن جز در سه مورد روا نیست: در شتر سواری، یا اسب‌دوانی، یا تیراندازی.

۸۴۳۲ . **پیامبر خدا**ﷺ: بزودی زمین برای شما فتح خواهد شد و دنیا در اختیارتان قرار خواهد گرفت؛ پس، هیچ یک از شما از بازی کردن با تیرهایش (تمرینات رزمی) خسته و مانده نشود.

۸۴۳۳ . **امام صادق**؈: شبی پیامبرﷺ به خانهٔ فاطمه؊ رفت و حسن و حسین؈ با او بودند. پیامبرﷺ به آن دو فرمود: برخیزید و کشتی بگیرید. آن دو برخاستند و به کشتی گرفتن پرداختند... .

۸۴۳۴ . **امام صادق**؈: هیچ کاری نیست که فرشتگان در هنگام انجام آن حضور به هم رسانند، مگر مسابقهٔ اسب دوانی و شوخی کردن مرد با همسرش.

۱۷۳۰
استِباقُ الخَيراتِ

الكتاب:

﴿سابِقُوا إلىٰ مَغْفِرَةٍ مِن رَبِّكُمْ وَجَنَّةٍ عَرْضُها كَعَرْضِ السَّماءِ وَالأَرْضِ أُعِدَّتْ لِلَّذِينَ آمَنُوا بِاللهِ وَرُسُلِهِ ذٰلِكَ

۱ . كنز العمّال: ۱۰۸۱۸. ۲ . كنز العمّال: ۱۰۸۳۰.
۳ . بحار الأنوار: ۱۰۳/۱۸۹/۱. ۴ . الكافي: ۵/۴۹/۱۰.

۱۷۳۰
مسابقه دادن در خوبیها

قرآن:

«به سوی آمرزش پروردگار خود و نیز بهشتی با هم مسابقه بدهید که پهنای آن به پهنای آسمان و زمین است و برای کسانی آماده شده که به خدا و پیامبران

فَضْلُ اللهِ يُؤْتِيهِ مَن يَشاءُ وَاللهُ ذُو الفَضْلِ العَظِيمِ﴾.[1]

﴿وَلِكُلٍّ وِجْهَةٌ هُوَ مُوَلِّيهَا فَاسْتَبِقُوا الخَيْراتِ أَيْنَ ما تَكُونُوا يَأْتِ بِكُمُ اللهُ جَمِيعاً إِنَّ اللهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ﴾.[2]

﴿وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الكِتَابَ بِالحَقِّ مُصَدِّقاً لِّما بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ الكِتابِ وَمُهَيْمِناً عَلَيْهِ فَاحْكُمْ بَيْنَهُمْ بِمَا أَنْزَلَ اللهُ وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَهُمْ عَمَّا جَاءَكَ مِنَ الحَقِّ لِكُلٍّ جَعَلْنا مِنكُمْ شِرْعَةً وَمِنْهاجاً وَلَوْ شَاءَ اللهُ لَجَعَلَكُمْ أُمَّةً واحِدَةً وَلٰكِن لِّيَبْلُوَكُمْ فِي مَا آتاكُمْ فَاسْتَبِقُوا الخَيْرَاتِ إِلَى اللهِ مَرْجِعُكُمْ جَمِيعاً فَيُنَبِّئُكُمْ بِما كُنتُمْ فِيهِ تَخْتَلِفُونَ﴾.[3]

الحديث:

۸۴۳۵ . **الدرّ المنثور** عن رسولِ اللهِ ﷺ ـ يَومَ بدرٍ ـ:

قُومُوا إِلىٰ جَنَّةٍ عَرضُها السماواتُ والأرضُ، فقالَ عُميرُ بنُ الحمامِ الأنصاريُّ: يا رسولَ اللهِ، جَنَّةٌ عَرضُها السماواتُ والأرضُ؟! قالَ: نَعَم، قالَ: بَخٍ بَخٍ...!، لا واللهِ يا رسولَ اللهِ لابُدَّ أن أكونَ مِن أهلِها، قالَ: فإنّك مِن أهلِها، فَأخرَجَ تُمَيراتٍ مِن قَرنِهِ فَجَعَلَ يَأكُلُ مِنهُنَّ، ثُمَّ قالَ: لئن حَيِيتُ حتّىٰ آكُلَ تَمَراتِي هذِهِ إنّها

او ایمان آورده‌اند. این فضل خداست که به هرکه خواهد می‌دهد و خداوند صاحب فضل بزرگ است».

«هر گروهی را جهتی است که به سوی آن رو می‌کند. پس به کارهای خوب سبقت گیرید. هر کجا باشید خدا همه‌تان را می‌آورد که خدا بر هر کاری تواناست».

«ما این کتاب را به حق بر تو نازل کردیم که تصدیقگر و حاکم کتابهای پیش از خود و حاکم بر آنها است. پس میان آنان (یهود) طبق آنچه خدا نازل کرده است حکم کن و به جای حکم حق که بر تو نازل شده، از هوسهای آنان پیروی مکن. هر گروه از شما را آیین و روشی مقرّر کرده‌ایم. اگر خدا می‌خواست هر آینه شما را یک امّت کرده بود ولی [نکرد] تا دربارهٔ آنچه به شما داده بیازمایدتان. به سوی کارهای خوب سبقت گیرید که بازگشت همگی‌تان به سوی خداست. و او شما را از [حقیقت] چیزهایی که در آنها اختلاف می‌کرده‌اید، خبر می‌دهد».

حدیث:

۸۴۳۵ . **الدرّ المنثور**: پیامبر خدا ﷺ در روز بدر فرمود: به سوی بهشتی پیش روید که پهنای آن آسمانها و زمین است. عمیر بن حمام انصاری عرض کرد: ای رسول خدا! بهشتی که پهنای آن آسمانها و زمین است؟! فرمود: آری؛ عرض کرد: به به...! به خدا قسم، ای رسول خدا! من باید از اهل این بهشت باشم. حضرت فرمود: تو از بهشتیان هستی. او چند دانه خرمای ریز از زیر کاکل خود در آورد و شروع به خوردن آنها کرد و گفت: اگر آنقدر زنده بمانم که

---

۱. الحدید: ۲۱. ۲. البقرة: ۱۴۸.
۳. المائدة: ۴۸.

لَحياةٌ طَويلَةٌ، فَرَمىٰ بما كانَ مَعهُ مِن التَّمرِ ثُمّ قاتَلَهُم حتّىٰ قُتِلَ.[1]

خرماهایم را بخورم عمر زیادی کرده‌ام سپس خرماها را دور انداخت و با دشمن جنگید تا کشته شد.

۸۳۳۶. الإمامُ عليٌّ ﷺ: إنَّ الدنيا أدبَرَتْ وآذَنَتْ بوَداعٍ، وإنّ الآخِرَةَ قد أقبَلَتْ وأشرَفَتْ بِاطِّلاعٍ، ألا وإنّ اليَومَ المِضمارُ، وغَداً السِّباقُ، والسَّبَقَةَ الجَنَّةُ، والغايَةَ النارُ.[2]

۸۳۳۶. امام علی ﷺ: همانا دنیا پشت کرده و بانگ وداع برداشته و آخرت روی آورده و بناگاه رخ می‌نماید. بدانید که امروز روز تمرین و آماده شدن است و فردا روز مسابقه، و هدف، بهشت است و فرجام [عقب ماندگان در این مسابقه] دوزخ.

۸۳۳۷. عنه ﷺ ـ في وَصفِ الإسلامِ ـ: مُتَنافَسُ السَّبَقَةِ، شَريفُ الفُرسانِ، التَّصديقُ مِنهاجُهُ، والصالِحاتُ مَنارُهُ، والمَوتُ غايَتُهُ، والدنيا مِضمارُهُ، والقِيامَةُ حَلْبَتُهُ، والجَنَّةُ سَبَقَتُهُ.[3]

۸۳۳۷. امام علی ﷺ ـ در توصیف اسلام ـ فرمود: جایزهٔ مسابقه‌اش، ارزش رقابت را دارد. سوار کارانش شریف و بزرگوارند. مسیرش، تصدیق و نشانه‌اش، کارهای شایسته و خطّ پایانش مرگ است. دنیا، میدان تمرین و کسب آمادگیِ آن است و قیامت، محلّ گرد آمدن مسابقه دهندگان و بهشت، جایزهٔ آن.

۸۳۳۸. عنه ﷺ: فَسابِقُوا ـ رَحِمَكُمُ اللهُ ـ إلىٰ مَنازِلِكُمُ التي أُمِرتُم أن تَعمُرُوها، والتي رَغِبتُم فيها، ودُعِيتُم إلَيها.[4]

۸۳۳۸. امام علی ﷺ: رحمت خدا بر شما! پیشی گیرید به سوی منازلی که دستور دارید آنها را آباد کنید و به آنها ترغیب گشته‌اید و به سویشان فرا خوانده شده‌اید.

(انظر) الخير: باب ۱۱۷۳.

العجلة: باب ۲۴۹۹، ۲۵۰۰.

الحرص: باب ۸۰۴.

---

۱. الدرّ المنثور: ۳۱۵/۲.

۲. نهج البلاغة: الخطبة ۲۸.

۳. نهج البلاغة: الخطبة ۱۰۶.

۴. نهج البلاغة: الخطبة ۱۸۸.

٢١٩

السَّبيل

راه

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

انظر:

عنوان ٢٩٤ «الصراط»، الإمامة العامّة: باب ١٤٢.

۱۷۳۱
سَبيلُ اللهِ

الكتاب:

﴿وَقَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللهِ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَكُمْ وَلَا تَعْتَدُوا إِنَّ اللهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ﴾.[1]

﴿وَأَنفِقُوا فِي سَبِيلِ اللهِ وَلَا تُلْقُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ وَأَحْسِنُوا إِنَّ اللهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ﴾.[2]

﴿إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ هَاجَرُوا وَجَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللهِ أُولَئِكَ يَرْجُونَ رَحْمَةَ اللهِ وَاللهُ غَفُورٌ رَّحِيمٌ﴾.[3]

﴿وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِندَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ﴾.[4]

الحديث:

۸۳۳۹. **صحيح مسلم:** إنّ رجُلاً أعرابيّاً أتَى النبيَّ ﷺ فقالَ: يا رسولَ اللهِ، الرَّجُلُ يُقاتِلُ لِلمَغنَمِ، والرجُلُ يُقاتِلُ لِيُذكَرَ، والرَّجُلُ يُقاتِلُ لِيُرىٰ مَكانُهُ، فَمَن فِي سَبيلِ اللهِ؟ فقالَ رسولُ اللهِ ﷺ: مَن قاتَلَ لِتَكُونَ كَلِمَةُ اللهِ

۱. البقرة: ۱۹۰.
۲. البقرة: ۱۹۵.
۳. البقرة: ۲۱۸.
۴. آل عمران: ۱۶۹.

۱۷۳۱
راه خدا

قرآن:

«در راه خدا با آنان که با شما می‌جنگند بجنگید و تعدّی مکنید که خدا تعدّی کنندگان را دوست ندارد».

«و در راه خدا انفاق کنید و با دستان خود خویشتن را به هلاکت نیندازید و نیکی کنید که همانا خداوند نیکوکاران را دوست دارد».

«کسانی که ایمان آوردند و کسانی که هجرت کردند و در راه خدا جنگیدند همانان به رحمت خدا امیدوارند و خدا آمرزنده و مهربان است».

«و کسانی را که در راه خدا کشته شده‌اند مرده مپندارید بلکه آنان زنده‌اند و نزد پروردگارشان روزی داده می‌شوند».

حدیث:

۸۳۳۹. **صحیح مسلم:** عربی بیابان نشین خدمت پیامبر ﷺ آمد و عرض کرد: ای رسول خدا! مردی برای غنیمت می‌جنگد و مردی برای نام‌آوری و مردی برای خود نمایی، کدام یک در راه خدا [جنگیده] است؟ رسول خدا ﷺ فرمود: هر که برای اعلای

أعلىٰ فهُو في سَبيلِ اللهِ.[1]

۸۳۴۰. **الإمامُ عليٌّ** ﷺ ـ مِن خُطبَةٍ لَهُ يَومَ الغَديرِ ـ: إعلَمُوا أيُّها المؤمنونَ أنَّ اللهَ عزّوجلّ قالَ: ﴿إنَّ اللهَ يُحِبُّ الذين يُقاتِلُونَ في سَبيلِهِ صَفّاً كَأنَّهُم بُنيانٌ مَرصُوصٌ﴾[2] أتَدرُونَ ما سَبيلُ اللهِ ومَن سَبيلُهُ؟ أنا سَبيلُهُ الذي نَصَبَنِي لِلاتِّباعِ بَعدَ نَبيِّهِ ﷺ.[3]

۸۳۴۱. **عنه** ﷺ: مِن أحَبِّ السُّبُلِ إلى اللهِ جُرعَتانِ: جُرعَةُ غَيظٍ تَرُدُّها بِحِلمٍ، وجُرعَةُ حُزنٍ تَرُدُّها بِصَبرٍ.

ومِن أحَبِّ السُّبُلِ إلى اللهِ قَطرَتانِ: قَطرَةُ دُمُوعٍ في جَوفِ اللَّيلِ، وقَطرَةُ دَمٍ في سَبيلِ اللهِ.

ومِن أحَبِّ السُّبُلِ إلى اللهِ خُطوَتانِ: خُطوَةُ امرِئٍ مسلمٍ يَشُدُّ بها صَفّاً في سَبيلِ اللهِ، وخُطوَةٌ في صِلَةِ الرَّحِمِ.[4]

۸۳۴۲. **عنه** ﷺ: في وصفِ السالِكِ الطريقَ إلى اللهِ سبحانَهُ ـ: قد أحيا عَقلَهُ وأماتَ نَفسَهُ، حتّىٰ دَقَّ جَليلُهُ ولَطُفَ غَليظُهُ، وبَرَقَ لَهُ

کلمهٔ حق بجنگد اوست که در راه خدا [جنگیده] است.

۸۳۴۰. **امام علی**ﷺ ـ در خطبه‌ای در روز غدیر ـ فرمود: بدانید ای مؤمنان که خداوند عزّوجلّ فرموده است: «خداوند دوست دارد کسانی را که در راه او صف بسته همچون بنای [محکم] سربی می‌جنگند». آیا می‌دانید راه خدا چیست و چه کسی راه اوست؟ من راه خدا هستم که منصوبم کرد، تا بعد از پیامبرشﷺ آن را بپیمایند.

۸۳۴۱. **امام علی**ﷺ: از محبوب‌ترین راهها نزد خداوند دو جرعه است: جرعهٔ خشمی که با بردباری آن را پس می‌زنی و جرعهٔ غمی که با صبر دورش می‌کنی. و از محبوب‌ترین راهها نزد خداوند دو قطره است: قطرهٔ اشکی که در دل شب فرو می‌چکد و قطرهٔ خونی که در راه خدا به زمین می‌ریزد. و از محبوب‌ترین گامها در راه خدا دو گام است: گامی که مرد مسلمان با آن صفی را در راه خدا استوار می‌کند و گامی که برای صلهٔ رحم برداشته می‌شود.

۸۳۴۲. **امام علی**ﷺ ـ در وصف رهرو راه خداوند سبحان ـ فرمود: خرد و اندیشهٔ خویش را زنده کرده و نفسش را میرانده است، به گونه‌ای که پیکرش، نحیف و دلش، نرم گشته است. در دلش برقی پر نور

---

۱. صحیح مسلم: ۱۴۹/۱۵۱۳/۳ انظر صحیح مسلم: ۱۵۱۲/۳ باب ۴۲.
۲. الصفّ: ۴.
۳. مصباح المتهجّد: ۸۴۳/۷۵۶.
۴. بحار الأنوار: ۱۲۸/۵۸/۷۸.

لامِعُ كَثيرُ البَرقِ، فَأبانَ لَهُ الطريقَ، وسَلَكَ بِهِ السَّبيلَ.[۱]

درخشیده و راه را برایش روشن ساخته و در پرتو آن، راه [حق] را پیموده است.

۸۳۳۳. عنه ﷺ: إنّ مِن أحَبِّ عِبادِ اللهِ إلَيهِ عَبداً أعانَهُ اللهُ علىٰ نَفسِهِ... وارتَوىٰ مِن عَذبِ فُراتٍ سُهِّلَتْ لَهُ مَوارِدُهُ، فَشَرِبَ نَهَلاً، وسَلَكَ سَبيلاً جَدَداً.[۲]

۸۳۳۳. امام علی ﷺ: از محبوبترین بندگان خدا نزد او، بنده‌ای است که خداوند او را در برابر نفسش یاری رساند... و از آب گوارایی که آبشخورهای آن برایش هموار و آسان شد، سیراب گردید و سپس راه راست و هموار را پیمود.

۸۳۳۴. الإمامُ الصّادقُ ﷺ: نحنُ واللهِ سَبيلُ اللهِ الذي أمَرَ اللهُ بِاتِّباعِهِ، ونحنُ واللهِ الصِّراطُ المُستَقيمُ، ونحنُ واللهِ الذينَ أمَرَ اللهُ العِبادَ بطاعَتِهِم.[۳]

۸۳۳۴. امام صادق ﷺ: به خدا قسم ما همان راه خداییم که خداوند به پیمودن آن فرمان داده است. به خدا ما همان راه راست هستیم، به خدا ما همان کسانی هستیم که خداوند بندگان را به اطاعت از آنان فرمان داده است.

(انظر) النيّة: باب ۳۹۲۱.

۱۷۳۲
سَبيلُ الحَقِّ

۱۷۳۲
راه حق

الكتاب:

﴿إنّا هَدَيْناهُ السَّبيلَ إمّا شاكِراً وإمّا كَفُوراً﴾.[۴]

﴿قُلْ هٰذِهِ سَبيلي أدْعُو إلَى اللهِ علىٰ بَصيرَةٍ أنا وَمَنِ اتَّبَعَني وَسُبْحانَ اللهِ وَمَا أنا مِنَ المُشرِكينَ﴾.[۵]

قرآن:

«ما راه را به او نشان دادیم، یا سپاسگزار است یا ناسپاس».

«بگو: این است راه من، به سوی خدا می‌خوانم، من و هر که پیروی‌ام کرده قرین بصیرتیم. منزّه است خدای یکتا. و من از مشرکان نیستم».

الحديث:

۸۳۳۵. الإمامُ عليٌّ ﷺ: إنّ اللهَ قد أوضَحَ لَكُم سَبيلَ

حدیث:

۸۳۳۵. امام علی ﷺ: همانا خداوند راه حق را برای

---

۱. نهج البلاغة: الخطبة ۲۲۰.
۲. نهج البلاغة: الخطبة ۸۷. ۳. تفسير القمّي: ۶۶/۲.
۴. الدهر: ۳. ۵. يوسف: ۱۰۸.

الحَقِّ وأنارَ طُرُقَهُ فَشِقْوَةٌ لازِمَةٌ أو سَعادَةٌ دائِمَةٌ.[۱]

۸۳۴۶. عنه ﷺ: عَلَيكُم بِالمَحَجَّةِ البَيضاءِ فَاسلُكُوها، وإلّا استَبدَلَ اللهُ بِكُم غَيرَكُم.[۲]

۸۳۴۶. امام علی ﷺ: راه راست و روشن [حق] را بپیمایید؛ و گرنه خداوند به جای شما کسانی دیگر را به پیمودن آن وا خواهد داشت.

۸۳۴۷. عنه ﷺ: قَد وَضَحَتْ مَحَجَّةُ الحَقِّ لِطُلّابِها.[۳]

۸۳۴۷. امام علی ﷺ: شاهراه حق، برای جویندگان آن آشکار شده است.

۸۳۴۸. عنه ﷺ: مَن عَدَلَ عَن واضِحِ المَسالِكِ سَلَكَ سُبُلَ المَهالِكِ.[۴]

۸۳۴۸. امام علی ﷺ: هرکه از راههای روشن منحرف شود، راههای هلاکت را بپیماید.

۸۳۴۹. عنه ﷺ: مَن زَلَّ عن مَحَجَّةِ الطريقِ وَقَعَ في حَيرَةِ المَضِيقِ.[۵]

۸۳۴۹. امام علی ﷺ: هرکه از شاهراه به بیراهه رود، در سرگردانیِ کجراهه بیفتد.

۸۳۵۰. عنه ﷺ: مَن عَدَلَ عن واضِحِ المَحَجَّةِ غَرِقَ في اللُّجَّةِ.[۶]

۸۳۵۰. امام علی ﷺ: هرکه از جادهٔ راست و روشن منحرف شود، در غرقاب فرو رود.

۸۳۵۱. عنه ﷺ ـ مِن كتابِهِ إلىٰ معاويةَ ـ: فَنَفسَكَ نَفسَكَ! فقد بَيَّنَ اللهُ لَكَ سَبيلَكَ، وحَيثُ تَناهَتْ بِكَ اُمُورُكَ.[۷]

۸۳۵۱. امام علی ﷺ ـ در نامهٔ خود به معاویه ـ نوشت: به خود آی و خویشتن را دریاب! خداوند راه تو و فرجامت را روشن ساخته است.

---

۱. نهج البلاغة: الخطبة ۱۵۷.
۲. غرر الحكم: ۶۱۵۰.
۳. غرر الحكم: ۶۶۷۴.
۴. غرر الحكم: ۸۷۴۹.
۵. غرر الحكم: ۸۷۷۴.
۶. غرر الحكم: ۹۲۴۰.
۷. نهج البلاغة: الكتاب ۳۰.


مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

٢٢٠

السُّجُود

سجود

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

ولمزيد الاطّلاع راجع:

وسائل الشيعة: ٤/ ٩٥٠ـ٩٨٧، «أبواب السجود».

وسائل الشيعة: ٣/ ٥٩١ـ٦٠٩، «أبواب ما يُسجَد عليه».

انظر:

الشكر لله سبحانه: باب ٢٠٥٥، التعظيم: باب ٢٧٠٨.

۲۰۸ ـــــــ

وَظِلَالُهُمْ بِالْغُدُوِّ وَالْآصَالِ﴾.[1]

﴿وَالنَّجْمُ وَالشَّجَرُ يَسْجُدَانِ﴾.[2]

﴿أَوَلَمْ يَرَوْا إِلَىٰ مَا خَلَقَ اللهُ مِن شَيْءٍ يَتَفَيَّؤُا ظِلَالُهُ عَنِ الْيَمِينِ وَالشَّمَائِلِ سُجَّداً لِلّٰهِ وَهُمْ دَاخِرُونَ * وَلِلّٰهِ يَسْجُدُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ مِن دَابَّةٍ وَالْمَلَائِكَةُ وَهُمْ لَا يَسْتَكْبِرُونَ﴾.[3]

(انظر) الحجّ الآية ۱۸.

التسبيح: باب ۱۷۲۸.

بحار الأنوار: ۶۰ / ۱۶۴ باب ۳۴.

۱۷۳۵
السُّجودُ وَالتَّقرُّبُ إلَى اللهِ

الكتاب:

﴿كَلَّا لَا تُطِعْهُ وَاسْجُدْ وَاقْتَرِبْ﴾.[4]

الحديث:

۸۴۵۵. الإمامُ عليٌّ ﷺ: لا يُقَرِّبُ مِنَ اللهِ سبحانَهُ إلّا كَثرَةُ السُّجودِ والرُّكوعِ.[5]

۸۴۵۶. الإمامُ الصّادقُ ﷺ ـ لَمّا قالَ لَهُ سعيدُ بنُ يسارٍ: أدعُو وأنا راكِعٌ أو ساجِدٌ؟ ـ: نَعَم اُدْعُ وأنتَ ساجِدٌ، فإنَّ أقرَبَ ما يَكونُ العَبدُ إلى اللهِ وهُو ساجِدٌ، اُدْعُ اللهَ عزّوجلّ

۱. الرعد: ۱۵. ۲. الرحمن: ۶.
۳. النحل: ۴۸، ۴۹. ۴. العلق: ۱۹.
۵. غرر الحكم: ۱۰۸۸۸.

با سایه‌هاشان بامداد و شبانگاهان سجدهٔ خدا می‌کنند».

«و بوته[1] و درخت سجده می‌کنند».

«مگر آن چیزها را که خدا آفریده است ندیده‌اند که سایه‌های آنها از راست و چپها می‌گردد و با فروتنی برای خدا سر بر خاک می‌سایند. هرچه در آسمانها و زمین است، از فرشتگان و جنبندگان، خدا را سجده می‌کنند و تکبّر نمی‌ورزند».

۱۷۳۵
سجود و تقرّب به خدا

قرآن:

«هرگز اطاعت او مکن. سجده کن و [به خدا] نزدیک شو».

حدیث:

۸۴۵۵. امام علی ﷺ: [بنده را] به خدای سبحان نزدیک نکند مگر سجود و رکوع بسیار.

۸۴۵۶. امام صادق ﷺ ـ در پاسخ به سعید بن یسار که پرسید: در حال رکوع یا سجود دعا کنم؟ ـ فرمود: آری، در حال سجود دعا کن؛ زیرا نزدیکترین زمان بنده به خداوند زمانی است که در سجده است. [در آن حال] برای دنیا و آخرتت به درگاه خداوند

۱. «نجم» گاه به معنای ستاره می‌آید و گاه به معنای گیاهان بدون ساقه و در این جا به قرینهٔ «شجر (درخت)» مقصود، معنای دوم یعنی گیاهان بدون ساقه (بوته) است.

لِدُنياكَ وآخِرَتِكَ.[1]

عزّوجلّ دعا کن.

۸۳۵۷. الإمامُ الرِّضا ﷺ: أقرَبُ ما يَكونُ العَبدُ مِنَ اللهِ عزّوجلّ وهُو ساجِدٌ، وذلكَ قولُهُ تبارَكَ وتعالىٰ: ﴿واسجُدْ وَاقْتَرِب﴾.[2]

(انظر) المقرّبون: باب ۳۲۷۷.

۸۳۵۷. **امام رضا**ﷺ: نزدیکترین حال بنده به خداوند عزّوجلّ زمانی است که در سجود است. و این سخن خداوند تبارک و تعالی است، آن جا که می‌فرماید: «سجده کن و [به خدا] نزدیک شو».

۱۷۳۶
تَفسيرُ السُّجودِ

۱۷۳۶
معنای سجود

۸۳۵۸. الإمامُ عليٌّ ﷺ: السُّجودُ الجِسمانِيُّ هُو وَضعُ عَتائقِ الوُجُوهِ على التُّرابِ، واستِقبالُ الأرضِ بِالرّاحَتَينِ والكَفَّينِ وأطرافِ القَدَمَينِ مَع خُشوعِ القَلبِ وإخلاصِ النِّيَّةِ. والسُّجودُ النَّفسانِيُّ فَراغُ القَلبِ مِن الفانِياتِ، والإقبالُ بِكُنْهِ الهِمَّةِ على الباقِياتِ وخَلعُ الكِبْرِ والحَمِيَّةِ، وقَطعُ العَلائقِ الدُّنيويَّةِ، والتَّحَلّي بالخلائقِ النَّبَوِيَّةِ.[3]

۸۳۵۸. **امام علی**ﷺ: سجود جسمانی، عبارت است از گذاشتن قسمتهای شریف صورت بر خاک و نهادن کف دستها و نوک پاها به زمین، با خشوعِ قلب و نیّتِ خالص. و سجود روحانی، خالی کردن دل است از امور فانی و روی آوردن با تمام وجود به آنچه ماندنی و جاویدان است و برکندن لباس کبر و غرور و بریدن علایق و تعلّقات دنیوی و آراسته شدن به خُلق و خویهای نبوی.

۸۳۵۹. عنه ﷺ ـ لَمّا سُئلَ عن معنى السُّجودِ ـ: مَعناهُ: مِنها خَلَقتَني؛ يَعنِي مِن التُّرابِ، ورَفْعُ رَأسِكَ مِنَ السُّجودِ مَعناهُ: مِنها أخرَجتَني، والسَّجدَةُ الثانِيَةُ: وإلَيها تُعِيدُني، ورَفْعُ رَأسِكَ مِن السَّجدَةِ الثانِيَةِ:

۸۳۵۹. **امام علی**ﷺ ـ در پاسخ به سؤال از معنای سجود [در حال نماز] ـ فرمود: معنایش این است که مرا از خاک آفریدی و برداشتن سر از سجود معنایش این است که مرا از خاک بیرون آوردی و سجدهٔ دوم، یعنی مرا به خاک بر می‌گردانی و سر برداشتن از سجدهٔ دوم، یعنی بار دیگر مرا از خاک

---

۱. بحار الأنوار: ۶/۱۳۱/۸۵.
۲. عيون أخبار الرضا: ۱۵/۷/۲.
۳. غرر الحكم: ۲۲۱۰ ـ ۲۲۱۱.

ومِنها تُخرِجُني تارَةً أُخرىٰ. ومعنى قَولِهِ «سُبحانَ رَبِّيَ الأعلىٰ»، فَسُبحانَ: أنَفَةً للهِ، ورَبِّي: خالِقي، والأعلىٰ: أي عَلا وارتَفَعَ في سَماواتِهِ حتّىٰ صارَ العِبادُ كُلُّهُم دُونَهُ، وقَهَرَهُم بِعِزَّتِهِ، ومِن عِندِهِ التَّدبيرُ، وإلَيهِ تَعرُجُ المَعارِجُ.[1]

١٧٣٧
مَن أتىٰ بِحَقيقَةِ السُّجودِ

٨٣٦٠. بحار الأنوار عن مصباح الشريعة: قالَ الصّادِقُ عليه السلام: ما خَسِرَ واللهِ مَن أتىٰ بِحَقيقَةِ السُّجودِ ولَو كانَ في العُمُرِ مَرَّةً واحِدَةً، وما أفلَحَ مَن خَلا بِرَبِّهِ في مِثلِ ذلكَ الحالِ شَبيهاً بِمُخادِعٍ لِنَفسِهِ، غافِلٍ لاهٍ عمّا أعَدَّ اللهُ للسّاجِدينَ، مِنَ أُنسِ العاجِلِ، وراحَةِ الآجِلِ.

ولا بَعُدَ أبداً عنِ اللهِ مَن أحسَنَ تَقَرُّبَهُ في السُّجودِ، ولا قَرُبَ إلَيهِ أبداً مَن أساءَ أدَبَهُ، وضَيَّعَ حُرمَتَهُ، ويَتَعَلَّقُ قَلبَهُ بِسِواهُ في حالِ سُجُودِهِ، فَاسجُدْ سُجودَ مُتَواضِعٍ ذَليلٍ عَلِمَ أنَّهُ خُلِقَ مِن تُرابٍ يَطَؤُهُ الخَلقُ، وأنَّهُ رُكِّبَ مِن نُطفَةٍ يَستَقذِرُها كُلُّ أحَدٍ، وكُوِّنَ ولَم يَكُنْ.

---

١. بحار الأنوار: ٢٤/١٣٩/٨٥.

بیرون می‌آوری [اما] و جملهٔ سبحان ربّی الأعلی؛ «سبحان» یعنی پاک و منزّه دانستن خدا [از مرتبهٔ مخلوقان] و «ربّی» یعنی آفریدگار من و «اعلی» یعنی بر فراز آسمان‌های خود جای دارد به طوری که بندگان همگی زیر دست او و مقهور عزّت و شکوه اویند و اوست که همگان را تدبیر می‌کند و هر عروجی به سوی اوست.

١٧٣٧
هرکه حقیقت سجده را به جای آورد

٨٣٦٠. بحار الأنوار به نقل از مصباح الشريعة: امام صادق عليه السلام فرمود: به خدا قسم زیانکار نباشد هرکه حتی در تمام عمر یک بار حقیقت سجده را به جای آورد، و رستگار نباشد هرکه در چنین حالتی (سجده) با پروردگارش خلوت کند، اما چونان کسی باشد که خود را می‌فریبد و از خوشی دنیا و آسایش آخرت که خداوند برای سجده کنندگان آماده کرده غافل و بی‌خبر است. کسی که در سجود، به خدا خوب تقرّب جست، هرگز از او دور نشد و هرکه به ساحت خدا بی‌ادبی کرد و حرمت او را نگه نداشت و در حال سجودش به جز او دل بست، هرگز به خدا نزدیک نشد. پس، چونان کسی سجده کن که در برابر خدا خاکسار و ذلیل است و می‌داند که از خاکی آفریده شده، که مردمان آن را پایمال

وقد جَعَلَ اللهُ مَعنَى السُّجودِ سَبَبَ التَّقَرُّبِ إلَيهِ بالقَلبِ والسِّرِّ والرُّوحِ، فَمَن قَرُبَ مِنهُ بَعُدَ مِن غَيرِهِ، ألَا يَرىٰ في الظاهِرِ أنَّهُ لا يَستَوِي حالُ السُّجودِ إلّا بالتَّوارِي عن جَميعِ الأشياءِ، والاحتِجابِ عن كُلِّ ما تَراهُ العُيونُ ؟! كذلك أرادَ اللهُ تعالىٰ أمرَ الباطِنِ.[۱]

می‌کنند و تو را از نطفه‌ای بر آورده، که همگان آن را نجس می‌دانند و از نیستی، هست شده است. خداوند معنای سجود را وسیلهٔ تقرّب دل و درون و روح [بنده] به خود قرار داده است. پس هرکه به او نزدیک شود، از غیر او دور گردد. مگر نمی‌بینی که در ظاهر نیز حالت سجده جز با کنار گذاشتن همه چیز و چشم پوشیدن از هر آنچه دیدگان می‌بینند تحقّق نمی‌یابد. خدا باطن کار را نیز چنین خواسته است.

۱۷۳۸
إطالَةُ السُّجودِ

۸۴۶۱. رسولُ اللهِ ﷺ: إذا أرَدتَ أن يَحشُرَكَ اللهُ مَعي فَأطِلِ السُّجودَ بينَ يَدَي اللهِ الواحِدِ القَهّارِ.[۲]

۱۷۳۸
طول دادن سجده

۸۴۶۱. **پیامبر خدا**ﷺ: اگر می‌خواهی خداوند تو را با من محشور فرماید، در پیشگاه خدای واحد قهّار سجدهٔ طولانی کن.

۸۴۶۲. الإمامُ عليٌّ ؈: أطِيلُوا السُّجودَ، فما مِن عَمَلٍ أشَدَّ علىٰ إبليسَ مِن أن يَرَى ابنَ آدَمَ ساجِداً، لأنَّهُ أُمِرَ بالسُّجودِ فَعَصىٰ.[۳]

۸۴۶۲. **امام علی**؈: سجده را طول دهید؛ زیرا هیچ چیز برای ابلیس سخت‌تر و ناخوشایندتر از این نیست که فرزند آدم را در حال سجده ببیند؛ چرا که به او فرمان سجده کردن داده شد، اما سرپیچی کرد.

۸۴۶۳. الإمامُ الصّادقُ ؈: إنّ العَبدَ إذا أطالَ السُّجودَ حيثُ لا يَراهُ أحَدٌ، قالَ الشيطانُ: واوَيلاه! أطاعُوا وعَصَيتُ، وسَجَدُوا وأبَيتُ.[۴]

۸۴۶۳. **امام صادق**؈: هرگاه بنده در جایی که کسی او را نمی‌بیند سجده را طول دهد، شیطان گوید: واویلا! آنان فرمان بردند و من نافرمانی کردم و سجده کردند و من نکردم.

---

۱. بحار الأنوار: ۱۶/۱۳۶/۸۵.
۲. بحار الأنوار: ۱۲/۱۶۴/۸۵.
۳. الخصال: ۱۰/۶۱۶. ۴. ثواب الأعمال: ۱/۵۶.

۸۴۶۴ . عنه ﷺ: عليكَ بطُولِ السُّجودِ؛ فإنّ ذلكَ مِن سُنَنِ الأوّابينَ.[۱]

۸۴۶۵ . عنه ﷺ: إنّ قوماً أتَوا رسولَ اللهِ ﷺ فقالوا: يا رسولَ اللهِ، اضمَن لَنا علىٰ رَبِّكَ الجَنَّةَ، فقالَ: علىٰ أن تُعينُوني بِطُولِ السُّجودِ.[۲]

۸۴۶۶ . عنه ﷺ: كانَ عليُّ بنُ الحسينِ ﷺ ... إذا سَجَدَ لَم يَرفَعْ رَأسَهُ حتّىٰ يَرْفَضَّ عَرَقاً.[۳]

۱۷۳۹
سُجودُ الإمامِ زين العابدين ﷺ

۸۴۶۷ . الإمامُ الباقرُ ﷺ: إنَّ أبي عليَّ بنَ الحسينِ ﷺ ما ذَكَرَ نِعمَةَ اللهِ عليهِ إلّا سَجَدَ، ولا قَرَأَ آيَةً مِن كتابِ اللهِ عزّوجلّ فيها سُجودٌ إلّا سَجَدَ، ولا دَفَعَ اللهُ تعالىٰ عَنهُ سُوءً يَخشاهُ أو كَيدَ كايدٍ إلّا سَجَدَ، ولا فَرَغَ مِن صَلاةٍ مَفروضَةٍ إلّا سَجَدَ، ولا وَفَّقَ لِإصلاحٍ بَينَ اثنَينِ إلّا سَجَدَ، وكانَ أثَرُ السُّجودِ في جَميعِ مَواضِعِ سُجودِهِ فَسُمِّيَ السَّجّادَ لذلكَ.[۴]

۸۴۶۸ . بحار الأنوار عن عليِّ بنِ الحسينِ ﷺ: أنَّهُ بَرَزَ إلى الصَّحراءِ فَتَبِعَهُ مَولىً لَهُ فَوَجَدَهُ

۸۴۶۴ . امام صادق ﷺ: بر تو باد طول دادن سجده؛ زيرا اين كار، شيوهٔ فرمانبرداران است.

۸۴۶۵ . امام صادق ﷺ: گروهى خدمت رسول خدا ﷺ آمدند و عرض كردند: اى رسول خدا! در برابر پروردگارت بهشت را براى ما ضمانت كن. رسول خدا ﷺ فرمود: به شرط آن كه با سجده‌هاى طولانى مرا يارى دهيد.

۸۴۶۶ . امام صادق ﷺ: على بن الحسين ﷺ ... هرگاه به سجده مى‌رفت سر بر نمى‌داشت چندان كه عرق از بدنش سرازير مى‌شد.

۱۷۳۹
سجود امام زين العابدين ﷺ

۸۴۶۷ . امام باقر ﷺ: پدرم على بن الحسين ﷺ به ياد هر يک از نعمتهايى كه خدا به او داده بود مى‌افتاد، سجده مى‌كرد. هر آيه‌اى از كتاب خداوند عزّوجلّ كه تلاوت مى‌كرد و در آن سجده بود، به سجده مى‌افتاد. هر شرّ و كيدى را كه خداوند متعال از او دفع مى‌كرد، سجده مى‌نمود. از هر نماز واجبى كه فراغت مى‌يافت، سجده مى‌كرد. هرگاه موفّق مى‌شد ميان دو نفر را اصلاح دهد، سجده مى‌كرد. در تمام سجده گاههاى بدنش اثر سجده بود و از همين رو سجّاد (بسيار سجده كننده) نام گرفت.

۸۴۶۸ . بحار الأنوار: على بن الحسين ﷺ روزى به صحرا رفت. غلامش در پى آن حضرت

---

۱ . علل الشرائع: ۱/۳۴۰. ۲ . الأمالي للطوسي: ۱۳۸۹/۶۶۴.
۳ . بحار الأنوار: ۱۷/۱۳۷/۸۵.
۴ . علل الشرائع: ۱/۲۳۳.

ساجِداً علىٰ حِجارَةٍ خَشِنَةٍ، فَأحصىٰ عَلَيهِ أَلفَ مَرَّةٍ لا إلٰهَ إلّا اللهُ حقّاً حقّاً، لا إلٰهَ إلّا اللهُ تَعَبُّداً وَرِقّاً، لا إلٰهَ إلّا اللهُ إيماناً وصِدقاً، ثُمَّ رَفَعَ رَأسَهُ.[1]

۱۷۴۰
أثرُ السُّجودِ

الكتاب:

﴿سِيماهُمْ فِي وُجُوهِهِمْ مِنْ أَثَرِ السُّجُودِ﴾.[2]

الحديث:

۸۳۶۹. **الإمامُ عليٌّ عليه السلام:** إنّي لأكرَهُ للرَّجُلِ أن تُرىٰ جَبهَتُهُ جَلحاءَ لَيسَ فيها شيءٌ مِن أثَرِ السُّجودِ.[3]

۸۳۷۰. **الإمامُ الباقرُ عليه السلام:** كانَ لأبي عليه السلام في مَوضِعِ سُجودِهِ آثارٌ ناتِيَةٌ، وكانَ يَقطَعُها في السَّنَةِ مَرَّتَينِ، في كُلِّ مَرَّةٍ خَمسَ ثَفِناتٍ فَسُمِّيَ ذا الثَّفِناتِ لذلكَ.[4]

۱۷۴۱
ذَمُّ المُرائي بِالسُّجودِ

۸۳۷۱. **الإمامُ عليٌّ عليه السلام:** إنّ رسولَ اللهِ صلى الله عليه وآله أبصَرَ رَجُلاً

---

۱. بحار الأنوار: ۱۷/۱۶۶/۸۵.
۲. الفتح: ۲۹.
۳. بحار الأنوار: ۴/۳۲۴/۷۱.
۴. علل الشرائع: ۱/۲۳۳.

روانه شد، دید که روی سنگی سخت و زبر به سجده افتاده است. بر شمرد و دید هزار مرتبه گفت: لا إله إلّا الله حقّاً حقّاً، لا إله إلّا الله تعبّداً و رقّاً، لا إله إلّا الله ایماناً و صدقاً، و سپس سر از سجده برداشت.

۱۷۴۰
اثر سجود

قرآن:

«نشانه‌های آنان بر اثر سجود، در چهره‌هایشان است».

حدیث:

۸۳۶۹. **امام علی** علیه السلام: من برای مرد نمی‌پسندم که بالای پیشانی‌اش صاف دیده شود و اثری از سجده در آن نباشد.

۸۳۷۰. **امام باقر** علیه السلام: در محلّ سجود پدرم آثاری بر آمده بود. سالی دوبار و هربار پنج پینه می‌بریدند. از همین رو به آن حضرت «ذوالثّفِنات (صاحب پینه‌ها)» می‌گفتند.

۱۷۴۱
نکوهش سجدهٔ ریایی

۸۳۷۱. **امام علی** علیه السلام: رسول خدا صلی الله علیه و آله مردی را دید که پیشانی‌اش زخم شده است. فرمود:

دَبِرَتْ جَبهَتُهُ، فقالَ رسول الله ﷺ: مَن يُغالِبِ اللهَ تعالىٰ يَغلِبْهُ ومَن يَخدَعِ اللهَ يَخدَعْهُ، فَهَلّا تَجافَيتَ بِجَبهَتِكَ عنِ الأرضِ و لِمَ تُشَوِّهُ خَلقَكَ؟![1]

(انظر) الرياء: باب ١٤١٥.

١٧٣٢
عِلَّة عَدَمِ جوازِ السُّجودِ عَلىٰ غَيرِ الأرضِ

٨٣٧٢. **علل الشرائع** عن هِشام بنِ الحكمِ: قلتُ لأبي عبدِاللهِ ﷺ: أخبِرْني عَمّا يَجوزُ السُّجودُ علَيهِ وعمّا لا يَجوزُ؟ ـ: السُّجودُ لا يَجوزُ إلّا على الأرضِ، أو ما أنبَتَتِ الأرضُ إلّا ما أُكِلَ أو لُبِسَ.

فقلتُ لَهُ: جُعِلتُ فِداكَ، ما العِلّةُ في ذلكَ؟ قالَ: لأنَّ السُّجودَ هُوالخُضوعُ لِلّهِ عزّوجلّ، فلا يَنبَغي أن يَكونَ علىٰ ما يُؤكَلُ ويُلبَسُ، لأنّ أبناءِ الدنيا عَبيدُ ما يَأكُلونَ ويَلبَسُونَ، والساجِدُ في سُجودِهِ في عِبادَةِ اللهِ تعالىٰ، فلا يَنبَغي أن يَضَعَ جَبهَتَهُ في سُجودِهِ علىٰ مَعبودِ أبناءِ الدنيا الذينَ اغتَرُّوا بغُرُورِها.

هرکه در صدد غلبه بر خدا بر آید، خداوند او را مغلوب کند و هرکه از دَرِ فریب با خدا درآید، خداوند فریبش دهد. چرا پیشانی‌ات را از زمین دور نمی‌داری و چرا صورتت را زشت کرده‌ای؟!

١٧٣٢
علّت جایز نبودن سجده بر غیر زمین

٨٣٧٢. **علل الشرائع** به نقل از هشام بن حکم: به امام صادق ﷺ عرض کردم: به من خبر دهید که سجده بر چه چیزهایی جایز است و بر چه چیزهایی جایز نیست؟ فرمود: سجده کردن جز بر زمین یا آنچه از زمین می‌روید، بجز خوردنیها یا پوشیدنیهایش، جایز نیست.

عرض کردم: فدایت شوم؛ علّت این امر چیست؟ فرمود: چون سجده، یعنی خضوع در برابر خداوند عزّوجلّ، بنابراین سزاوار نیست که بر آنچه خوردنی و پوشیدنی است سجده شود؛ زیرا دنیاپرستان، بندهٔ خوراک و پوشاکند و کسی که سجده می‌کند، در حال سجده، خداوند متعال را می‌پرستد؛ پس نشاید که در سجده، پیشانی خود را بر معبود دنیاپرستانِ فریفتهٔ دنیا بگذارد. سجده

---

١. بحار الأنوار: ٧١/٣٤٣/٤.

والسُّجودُ على الأرضِ أفضَلُ، لأنّهُ أبلَغُ في التَّواضُعِ والخُضوعِ للهِ عزّوجلّ.[1]

كردن بر زمين بهتر است؛ چون تواضع و خضوع در برابر خداوند عزّوجلّ را بيشتر مى‌رساند.

١٧٤٣

السُّجودُ عَلىٰ تُربَةِ الحُسَينِ عليه السلام

٨٣٧٣. الإمامُ الصّادقُ عليه السلام: السُّجودُ علىٰ تُربَةِ الحُسينِ عليه السلام يَخرُقُ الحُجُبَ السَّبعَ.[2]

١٧٤٣

سجده كردن بر تربت حسين عليه السلام

٨٣٧٣. امام صادق عليه السلام: سجده كردن بر تربت حسين عليه السلام حجابهاى هفتگانه را از هم مى‌دَرد.

مركز تحقيقات كامپيوترى علوم اسلامى

١. علل الشرائع: ١/٣٤١.

٢. بحار الأنوار: ١٤/١٥٣/٨٥.

المسجد

مسجد

ولمزيد الاطّلاع راجع:

وسائل الشيعة: ٣/٤٧٧ـ٥٥٧ «أحكام المساجد».

كنز العمّال: ٧/٤٤٨ـ٦٧٨ «فضائل المسجد».

كنز العمّال: ٨/٣١٣ـ٣٢٨ «فيما يتعلّق بالمسجد».

بحار الأنوار: ٨٤/١٩ باب ٩ «أدعية دخول المسجد».

بحار الأنوار: ١٠٠/٣٨٥ باب ٦ «فضل الكوفة ومسجدها الأعظم».

بحار الأنوار: ١٠٠/٤٣٤ باب ٧ «مسجد السهلة».

بحار الأنوار: ٢١/٢٥٢ باب ٣٠ «مسجد الضِّرار».

انظر:

الغفلة: باب ٣٠٥٧.

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

۱۷۴۳
المَسجِدُ بَيتُ اللهِ

الكتاب:

﴿وَأَنَّ المَساجِدَ لِلّهِ فَلا تَدْعُوا مَعَ اللهِ أَحَداً﴾.[۱]

﴿وَإِذْ جَعَلْنَا البَيْتَ مَثَابَةً لِلنَّاسِ وَأَمْناً وَاتَّخِذُوا مِن مَقامِ إبراهِيمَ مُصَلًّى وَعَهِدْنا إلَىٰ إبراهِيمَ وَإسْماعِيلَ أَنْ طَهِّرا بَيْتِيَ لِلطّائِفِينَ وَالعاكِفِينَ والرُّكَّعِ السُّجُودِ﴾.[۲]

الحديث:

۸۳۷۴. رسولُ اللهِ ﷺ: في التَّوراةِ مَكتوبٌ أنَّ بُيُوتِي في الأرضِ المَساجِدُ، فَطُوبىٰ لِعَبدٍ تَطَهَّرَ في بَيتِهِ ثُمَّ زارَني في بَيتي، ألا إنَّ عَلى المَزُورِ كَرامَةَ الزائرِ، ألا بَشِّرِ المَشّائينَ في الظُّلَماتِ إلى المَساجِدِ بالنُّورِ السّاطِعِ يَومَ القِيامَةِ.[۳]

۸۳۷۵. **الإمامُ الصّادقُ** ﷺ: عَلَيكُم بِإتيانِ المَساجِدِ؛ فإنَّها بُيوتُ اللهِ في الأرضِ، ومَن أتاها مُتَطَهِّراً طَهَّرَهُ اللهُ مِن ذُنوبِهِ وكُتِبَ مِن زُوّارِهِ فَأكثِرُوا فيها مِنَ الصَّلاةِ والدُّعاءِ.[۴]

---

۱. الجنّ: ۱۸. ۲. البقرة: ۱۲۵.
۳. بحار الأنوار: ۸۳/۳۷۳/۳۷.
۴. الأمالي للصدوق: ۴۴۰/۵۸۲.

۱۷۴۳
مسجد، خانهٔ خداست

قرآن:

«همانا مساجد (سجده‌گاهها) از آنِ خداست. پس هیچ کس را با خدا مخوانید».

«وچون این خانه را محلّ اجتماع مردم و جای امنی کردیم، [و فرمودیم:] از مقام ابراهیم، نمازگاهی برای خود برگیرید؛ و به ابراهیم و اسماعیل سپردیم که خانهٔ مرا برای طواف کنندگان و معتکفان و راکعان و ساجدان پاکیزه دارید».

حدیث:

۸۳۷۴. **پیامبر خدا** ﷺ: در تورات نوشته شده است که: خانه‌های من در روی زمین مسجدهایند. پس، خوشا بنده‌ای که در خانه‌اش خود را پاکیزه کند و سپس در خانهٔ من، به دیدارم بیاید. بدانید! بر میزبان است که میهمان را گرامی دارد. هان! آنان را که در تاریکیهای شب به مساجد می‌روند، بشارت بادا به نور درخشان در روز رستاخیز.

۸۳۷۵. **امام صادق** ﷺ: بر شما باد رفتن مساجد؛ زیرا مساجد خانه‌های خدا در روی زمینند. هر که پاک و پاکیزه وارد آنها شود خداوند او را از گناهانش پاک گرداند و در زمرهٔ زایران خود قلمدادش کند. پس، در مساجد نماز و دعا بسیار بگزارید.

١٧٤٥
ثَوابُ بِناءِ المَسجِدِ

٨٣٧٦. رسولُ اللهِ ﷺ: مَن بَنىٰ مَسجِداً ولَو كَمَفْحَصِ قَطاةٍ بَنَى اللهُ لَهُ بَيتاً في الجَنَّةِ.[١]

٨٣٧٧. الإمامُ الصّادقُ ؈: مَن بَنىٰ مَسجِداً بَنَى اللهُ لَهُ بَيتاً في الجَنَّةِ.[٢]

١٧٤٥
ثواب ساختن مساجد

٨٣٧٦. **پیامبر خدا ﷺ**: هر که مسجدی، هر چند به اندازهٔ لانهٔ یک کوکر (مرغ سنگخواره) بسازد، خداوند در بهشت برایش خانه‌ای بنا کند.

٨٣٧٧. **امام صادق ؈**: هر کس مسجدی بسازد، خداوند برای او در بهشت خانه‌ای بسازد.

١٧٤٦
اتِّخاذُ المَسجِدِ فِي البَيتِ

٨٣٧٨. رسولُ اللهِ ﷺ: يا أباذَرٍّ، صلاةٌ في مَسجِدِي هذا تَعدِلُ مِائةَ ألفِ صَلاةٍ في غَيرِهِ مِنَ المَساجِدِ، إلّا المَسجِدَ الحَرامَ، صلاةٌ في المَسجِدِ الحَرامِ تَعدِلُ مِائةَ ألفِ صَلاةٍ في غَيرِهِ، وأفضَلُ مِن هذا كُلِّهِ صَلاةُ يُصَلِّيها الرَّجُلُ في بَيتِهِ حَيثُ لا يَراهُ إلّا اللهُ عزّوجلّ يَطلُبُ بِهِ وَجهَ اللهِ تعالى.[٣]

٨٣٧٩. بحار الأنوار: قالَ الإمامُ الصّادقُ ؈: كانَ لعليٍّ ؈ بَيتٌ لَيسَ فيهِ شَيءٌ إلّا فِراشٌ وسَيفٌ ومُصحَفٌ، وكانَ يُصَلّي فيه ـ أو قالَ ـ: كانَ يَقِيلُ فيهِ.[٤]

١٧٤٦
نمازخانه داشتن در خانه

٨٣٧٨. **پیامبر خدا ﷺ**: ای ابوذر! یک رکعت نماز در این مسجد من، برابر است با صد هزار رکعت که در دیگر مساجد خوانده شود، بجز مسجد الحرام، که یک رکعت نماز در آن برابر است با صد هزار رکعت در مساجد دیگر. برتر و افضل از همهٔ اینها نمازی [مستحبّی] است که مرد در خانهٔ خود، جایی که کسی جز خداوند عزّوجلّ او را نمی‌بیند، برای رضای خداوند متعال می‌خواند.

٨٣٧٩. **بحار الأنوار**: امام صادق ؈ فرمود: علی ؈ اتاقی داشت که در آن چیزی جز یک فرش و یک شمشیر و یک قرآن نبود و در آن جا نماز می‌خواند. یا فرمود: در آن قیلوله (خواب نیمروزی) می‌کرد.

---

١. بحار الأنوار: ٧٧/١٢١/٢٠.
٢. الكافي: ٣/٣٦٨/١. ٣. بحار الأنوار: ٨٣/٣٦٩/٣٠.
٤. بحار الأنوار: ٧٦/١٦١/١.

۸۳۸۰ . الإمامُ الصّادقُ ﷺ: كانَ عليٌّ ﷺ قد جَعَلَ بَيتاً في دارِهِ لَيس بالصَّغيرِ ولا بالكَبيرِ لِصَلاتِهِ.[1]

۸۳۸۰ . امام صادق ﷺ: علی ﷺ در منزل خود اتاق را که نه کوچک بود نه بزرگ، مخصوص نمازش قرار داده بود.

۸۳۸۱ . عنه ﷺ ـ في كتابٍ لَهُ إلىٰ مِسمعٍ ـ: إنّي أُحِبُّ لكَ أن تَتَّخِذَ في دارِكَ مَسجِداً في بعضِ بُيوتِكَ، ثُمّ تَلبَسَ ثَوبَينِ طِمرَينِ غَليظينِ، ثُمّ تَسألَ اللهَ أن يُعتِقَكَ مِنَ النارِ وأن يُدخِلَكَ الجَنَّةَ، ولا تَتَكَلَّمَ بكَلِمَةٍ باطِلَةٍ ولا بكَلِمَةِ بَغْيٍ.[2]

(انظر) وسائل الشيعة: ۳ / ۵۵۴ باب ۶۹.

۸۳۸۱ . امام صادق ﷺ ـ در نامه‌ای به مسمع نوشت: دوست دارم که یکی از اتاقها منزلت را نمازخانه قرار دهی و سپس د جامهٔ فرسودهٔ زبر بپوشی و آنگاه خداوند مسئلت کنی که تو را از آتش رهایی دهد و به بهشت بَرَد و هیچ سخ باطل یا ظالمانه‌ای به زبان نیاوری.

۱۷۴۷
عِمارَةُ المَساجِدِ

۱۷۴۷
آباد کردن مساجد

الكتاب:

﴿إنَّما يَعْمُرُ مَساجِدَ اللهِ مَنْ آمَنَ بِاللهِ وَاليَومِ الآخِرِ وَأَقامَ الصَّلَاةَ وَآتَى الزَّكاةَ وَلَمْ يَخْشَ إلَّا اللهَ فَعَسَىٰ أُولَٰئِكَ أَنْ يَكُونُوا مِنَ المُهْتَدِينَ﴾.[3]

قرآن:

«جز این نیست که مساجد خدا را آن کس آباد می‌ک که به خدا و روز واپسین ایمان داشته باشد و نم بگزارد و زکات بپردازد و جز از خدا نترسد. ام است که اینان از رهیافتگان باشند».

الحديث:

۸۳۸۲ . رسولُ اللهِ ﷺ ـ وقد سَأَلَهُ أبو ذَرٍّ عن كَيفيّةِ عِمارَةِ المَساجِدِ ـ: لا تُرفَعُ فيها الأصواتُ، ولا يُخاضُ فيها بالباطِلِ، ولا يُشتَرىٰ فيها ولا يُباعُ، واترُكِ اللَّغوَ ما دُمتَ

حدیث:

۸۳۸۲ . پیامبر خدا ﷺ ـ در پاسخ به سؤال ابوذر چگونگی آباد کردن مساجد ـ فرمود: [ب این‌گونه که] درآنها صداها بلند نشود، ب سخنان و کارهای نادرست و بیهو پرداخته نشود، در آنها خرید و فروش صورت نگیرد و تا زمانی که در مسج هستی از کارهای لغو و بیهوده دس

---

۱ . بحار الأنوار: ۷۶/۱۶۱/۲. ۲ . بحار الأنوار: ۸۴/۲۴۴/۳۲.
۳ . التوبة: ۱۸.

فيها، فإن لَم تَفْعَل فلا تَلُومَنَّ يَومَ القِيامَةِ إلّا نَفسَكَ.[1]

بکش. اگر چنین نکنی در روز قیامت نباید کسی جز خودت را ملامت کنی.

۸۴۸۱. عنه ﷺ: جَنِّبُوا مَساجِدَكُم مَجانِينَكُم وصِبيانَكُم ورَفعَ أصواتِكُم إلّا بِذِكرِ اللهِ تعالىٰ، وبَيعَكُم وشِراءَكُم وسِلاحَكُم، وجَمِّرُوها في كُلِّ سَبعَةِ أيّامٍ، وضَعُوا المَطاهِرَ علىٰ أبوابِها.[2]

۸۴۸۳. **پیامبر خدا ﷺ**: مساجد خود را از [حضور] دیوانگان و کودکانتان دور نگه دارید. صداهایتان را در آنها، جز به ذکر خداوند متعال، بلند نکنید، از خرید و فروش و حملِ جنگ افزار در آنها خودداری ورزید و هر هَفت روز [یک بار] آنها را خوشبو کنید و جلو دَرِ آنها وسیلهٔ طهارت بگذارید.

۱۷۴۸
المَشيُ إلَى المَساجِدِ

۱۷۴۸
رفتن به مساجد

۸۴۸۲. رسولُ اللهِ ﷺ: مَن مَشىٰ إلىٰ مَسجِدٍ يَطلُبُ فيهِ الجَماعَةَ كانَ لَهُ بكُلِّ خُطوَةٍ سَبعونَ ألفَ حَسَنَةٍ، ويُرفَعُ لَهُ مِن الدَّرَجاتِ مِثلُ ذلكَ، وإن ماتَ وهُو علىٰ ذلكَ وكَّلَ اللهُ بِهِ سَبعينَ ألفَ مَلَكٍ يَعُودُونَهُ في قَبرِهِ، ويُؤنِسُونَهُ في وَحدَتِهِ، ويَستَغفِرُونَ لَهُ حتّىٰ يُبعَثَ.[3]

۸۴۸۳. **پیامبر خدا ﷺ**: هر که برای شرکت در نماز جماعت به مسجدی رود، برای هر قدمی که برمی‌دارد هفتاد هزار حسنه منظور شود و به همان اندازه درجاتش بالا رود و اگر در آن حال بمیرد، خداوند هفتاد هزار فرشته بگمارد که در قبرش به عیادت او روند و انیس تنهایی او باشند و تا زمانی که برانگیخته شود برایش آمرزش طلبند.

۱۷۴۹
الجُلوسُ فِي المَسجِدِ

۱۷۴۹
نشستن در مساجد

۸۴۸۵. رسولُ اللهِ ﷺ: يا أبا ذَرٍّ، إنَّ اللهَ تعالىٰ يُعطِيكَ مادُمتَ جالِساً في المَسجِدِ بِكُلِّ نَفَسٍ تَنَفَّستَ دَرَجَةً في الجَنَّةِ، وتُصَلّي عَلَيكَ

۸۴۸۵. **پیامبر خدا ﷺ**: ای ابوذر! تا زمانی که در مسجد نشسته‌ای خداوند متعال به تعداد هر نفسی که می‌کشی، یک درجه در بهشت به تو می‌دهد و فرشتگان بر تو درود

---

۱. مكارم الأخلاق: ۲۶۶۱/۳۷۴/۲.
۲. بحار الأنوار: ۲/۳۴۹/۸۳. ۳. بحار الأنوار: ۱/۳۳۶/۷۶.

الملائكةُ، وتُكتَبُ لَكَ بِكُلِّ نَفَسٍ تَنَفَّستَ فيهِ عَشرُ حَسَناتٍ، وتُمحىٰ عنكَ عَشرُ سَيِّئاتٍ.[۱]

می‌فرستند و برای هر نفسی که در مسجد می‌کشی ده حسنه برایت نوشته می‌شود و ده گناه از تو پاک می‌گردد.

۸۴۸۶. عنه ﷺ: كُلُّ جُلوسٍ في المَسجِدِ لَغوٌ إلّا ثلاثَةً: قِراءةُ مُصَلٍّ، أو ذِكْرُ اللهِ، أو سائلٌ عن عِلمٍ.[۲]

۸۴۸۶. **پیامبر خدا**ﷺ: هر نشستنی در مسجد لغو و بیهوده است، مگر نشستن سه کس: نمازگزاری که [قرآن] قرائت کند، کسی که ذکر خدا بگوید و کسی که به دنبال دانشی باشد.

۸۴۸۷. **الإمامُ الصّادقُ عن آبائه**ﷺ: قالَ رسولُ اللهِ: الجُلوسُ في المَسجِدِ لانتِظارِ الصَّلاةِ عِبادَةٌ، ما لَم يُحدِثْ، قيلَ: يا رسولَ اللهِ، وما الحَدَثُ؟ قالَ: الاغتِيابُ.[۳]

۸۴۸۷. **امام صادق**ﷺ ـ به نقل از پدرانش ﷺ ـ: پیامبر خداﷺ فرمود: در مسجد به انتظار نماز نشستن، عبادت است تا زمانی که حدثی سر نزند. عرض شد: ای رسول خدا! حدث چیست؟ فرمود: غیبت کردن.

۱۷۵۰
شَكوَى المَساجِدِ

۱۷۵۰
شکایت مسجدها

۸۴۸۸. **الإمامُ الصّادقُ**ﷺ: شَكَتِ المَساجِدُ إلى اللهِ تعالىٰ الذين لا يَشهَدُونَها مِن جِيرانِها، فَأوحَى اللهُ عزّوجلّ إلَيها: وعِزَّتي وجلالي لا قَبِلتُ لَهُم صلاةً واحِدَةً، ولا أظهَرتُ لَهُم في الناسِ عَدالَةً، ولا نالَتهُم رَحمَتي، ولا جاوَرُوني في جَنَّتي.[۴]

۸۴۸۸. **امام صادق**ﷺ: مسجدها از حاضر نشدن همسایگان در خود به درگاه خداوند متعال شکایت کردند. خداوند عزّوجلّ به آنها وحی فرمود: به عزّت و جلالم سوگند که حتی یک نماز از آنان نپذیرم و عدالتی از آنان در میان مردم آشکار نکنم و رحمت من به آنان نرسد و در بهشت، همسایهٔ من نشوند.

۸۴۸۹. **عنه**ﷺ: ثلاثةٌ يَشكُونَ إلى اللهِ عزّوجلّ: مَسجِدٌ خَرابٌ لا يُصَلّي فيه أهلُهُ، وعالِمٌ

۸۴۸۹. **امام صادق**ﷺ: سه چیز نزد خداوند عزّوجلّ شکایت کنند: مسجد خرابی که اهالی [اطراف] آن در آن نماز نخوانند، و دانشمندی که در میان عدّه‌ای نادان قرار گرفته باشد، و قرآنی که در کنار طاقچه‌ها

---

۱. بحار الأنوار: ۳/۸۵/۷۷. ۲. بحار الأنوار: ۳/۸۶/۷۷.
۳. الأمالي للصدوق: ۶۹۸/۵۰۶.
۴. بحار الأنوار: ۱/۳۴۸/۸۳.

بينَ جُهّالٍ، ومُصحَفٌ مُعَلَّقٌ قد وَقَعَ عـلَيهِ غُبارٌ لا يُقرَأُ فِيهِ.[1]

۱۷۵۱
جِوارُ المَسجِدِ وَالصَّلاةُ فيهِ

۸۳۹۰. الإمامُ عليٌّ ﷺ: لَيسَ لِجارِ المَسجِدِ صَلاةٌ إذا لَم يَشهَدِ المَكتوبَةَ فـي المَسـجِدِ إذا كـانَ فارِغاً صَحيحاً.[2]

۸۳۹۱. بحار الأنوار عن الإمامِ عليٍّ ﷺ: لا صَـلاةَ لِجارِ المَسجِدِ إلّا في المَسجِدِ، إلّا أن يكونَ لَهُ عُذرٌ أو بِهِ عِلَّةٌ، فقيلَ: ومَن جارُ المَسجِدِ يا أميرَ المؤمنينَ؟ قالَ: مَن سَمِعَ النِّداءَ.[3]

۸۳۹۲. الإمامُ عليٌّ ﷺ: حَـريمُ المَسـجِدِ أربَـعونَ ذِراعاً، والجِوارُ أربَـعونَ داراً مِـن أربـعَةِ جَوانِبِها.[4]

(انظر) وسائل الشيعة: ۳ / ۴۷۸ باب ۲.

۱۷۵۲
دُخولُ المَسجِدِ لِمَن عِندَهُ مَظلِمَةٌ

۸۳۹۳. رسولُ اللهِ ﷺ: أوحَى اللهُ إلَـيَّ أن يـا أخـا المُرسَلينَ يا أخا المُنذِرينَ أنذِرْ قَومَكَ لا يَدخُلُوا بيتاً مِن بُيوتي ولأحَدٍ مِن عِبادِي

۱. الخصال: ۱۶۳/۱۴۲. ۲. بحار الأنوار: ۷/۳۵۴/۸۳.
۳. بحار الأنوار: ۴۷/۳۷۹/۸۳.
۴. الخصال: ۲۰/۵۴۴.

گذاشته شده و غبار رویش را گرفته باشد و کسی آن را نخواند.

۱۷۵۱
همسایگی مسجد و نماز خواندن در آن

۸۳۹۰. **امام علی**ﷺ: اگر همسایهٔ مسجد، فارغ و سالم باشد و برای گزاردن نماز واجب در آن حاضر نشود، نمازش پذیرفته نیست.

۸۳۹۱. **بحار الأنوار**: امام علی ﷺ فرمود: نماز همسایهٔ مسجد، جز در مسجد پذیرفته نیست، مگر آن که عذری داشته باشد یا بیمار باشد. عرض شد: ای امیر المؤمنین! همسایهٔ مسجد کیست؟ فرمود: کسی که ندا [ی دعوت به اقامهٔ نماز] را بشنود.

۸۳۹۲. **امام علی**ﷺ: حریم مسجد چهل گز[1] باشد و همسایگی آن چهل خانه از چهار طرف مسجد.

۱۷۵۲
مسجد رفتن کسی که مظلمه‌ای به گردن دارد

۸۳۹۳. **پیامبر خدا**ﷺ: خداوند به من وحی فرمود که: ای از تبار پیامبران! ای از تبار هشدار دهندگان! به قوم خود هشدار ده که هرگاه

۱. هر ذراع، یک گز و یک گز برابر ۲۴ انگشت بوده (فرهنگ معین: ۳۳۰۰/۳).

عندَ أحَدِهِم مَظلِمَةٌ، فإنّي ألعَنُهُ ما دامَ قائماً يُصَلّي بينَ يَدَيَّ حتّىٰ يَرُدَّ تلكَ المَظلِمَةَ، فَأكُونَ سَمعَهُ الذي يَسمَعُ بِهِ، وأكُونَ بَصَرَهُ الذي يُبصِرُ بِهِ، ويكونَ مِن أولِيائي وأصفِيائي، ويكونَ جارِي مَعَ النَّبِيّينَ والصِّدّيقينَ والشُّهَداءِ في الجَنَّةِ.[1]

(انظر) عنوان ۳۲۹ «الظلم».

الذكر: باب ۱۳۴۳.

یکی از آنان نسبت به یکی از بندگان من مظلمه‌ای به گردن داشته باشد، به هیچ یک از خانه‌های من وارد نشود؛ زیرا تا زمانی که در برابر من به نماز ایستاده او را لعنت کنم مگر این که آن مظلمه را رد کند. در این صورت گوش شنوا و چشم بینای او شوم و از دوستان و برگزیدگان من باشد؛ و در بهشت، همراه پیامبران و صدّیقان و شهیدان، همسایهٔ من شود.

۱۷۵۳
آدابُ المَساجِدِ

۸۳۹۴. رسولُ اللهِ ﷺ: مَن أكَلَ هذِهِ البَقلَةَ المُنتِنَةَ [يَعني الثُّومَ] فلا يَقرَبْ مَسجِدَنا، فأمّا مَن أكَلَهُ ولَم يأتِ المَسجِدَ فلا بَأسَ.[2]

۸۳۹۵. عنه ﷺ: لا تَجعَلُوا المَساجِدَ طُرُقاً حتّىٰ تُصَلُّوا فيها رَكعَتَينِ.[3]

(انظر) كنز العمّال: ۷ / ۶۴۸.

۱۷۵۳
آداب مساجد

۸۳۹۴. **پیامبر خدا ﷺ**: هر که این سبزی بدبو (سیر) را بخورد به مسجد ما نزدیک نشود، امّا اگر کسی آن را بخورد ولی به مسجد نیاید اشکالی ندارد.

۸۳۹۵. **پیامبر خدا ﷺ**: مسجدها را گذرگاه خود قرار ندهید مگر آن که دو رکعت نماز در آنها بخوانید.

۱۷۵۴
آدابُ الدُّخولِ إلى المَسجِدِ

۸۳۹۶. **بحار الأنوار عن مصباح الشريعة**: قال

۱۷۵۴
آداب ورود به مسجد

۸۳۹۶. **بحار الأنوار به نقل از مصباح الشريعة**: امام صادق ﷺ فرمود: هرگاه به در

---

۱. بحار الأنوار: ۸۴/۲۵۷/۵۵.

۲. بحار الأنوار: ۸۴/۹/۸۳. ۳. الأمالي للصدوق: ۵۰۹/۷۰۷.

الصّادقُ عليه السلام: إذا بَلَغتَ بابَ المَسجِدِ فَاعلَم أنَّكَ قَصَدتَ بابَ بيتِ مَلِكٍ عَظيمٍ لا يَطَأُ بِساطَهُ إلّا المُطَهَّرونَ، ولا يُؤذَنُ بِمُجالَسَةِ مَجلِسِهِ إلّا الصِدِّيقُونَ، وهَبِ القُدومَ إلىٰ بِساطِ خِدمَةِ المَلِكِ فإنّك علىٰ خَطَرٍ عظيمٍ إنْ غَفَلتَ هَيبَةَ المَلِكِ، واعلَمْ أنّهُ قادِرٌ علىٰ ما يَشاءُ مِنَ العَدلِ والفَضلِ مَعكَ وبِكَ...

مسجد رسیدی بدان که تو به آستانِ خانهٔ پادشاهی بزرگ و پرشکوه آمده‌ای، که جز پاکان بر بساط او قدم نگذارند و اجازهٔ نشستن در مجلس او، جز به صدّیقان داده نشود. و خیال کن که تو بر بساط خدمتگزاری و چاکری پادشاه قدم گذاشته‌ای؛ پس اگر از هیبت و شکوه پادشاه غافل مانی، خطری بزرگ تو را تهدید می‌کند. بدان که او هر گونه خواهد با تو رفتار کند، خواه به عدالت و یا با فضل و کرمش، تواند...

واعتَرِفْ بِعَجزِكَ وتَقصيرِكَ وفَقرِكَ بينَ يَدَيهِ، فإنّكَ قَدتَوَجَّهتَ لِلعِبادَةِ لَهُ، والمُؤانَسَةِ، واعرِضْ أسرارَكَ عَلَيهِ، ولْتَعلَمْ أنّهُ لا تَخفىٰ عَلَيهِ أسرارُ الخَلائِقِ أجمَعينَ وعَلانِيَتُهُم، وكُن كَأفقَرِ عِبادِهِ بينَ يدَيهِ، وأخْلِ قَلبَكَ عن كُلِّ شاغِلٍ يَحجُبُكَ عَن ربِّكَ، فإنّهُ لا يَقبَلُ إلّا الأطهَرَ والأخلَصَ.

در پیشگاه او به ناتوانی و تقصیر و فقر خود اعتراف کن؛ زیرا که تو برای پرستش و همدمی با او آمده‌ای. رازهایت را با او در میان نِه و بدان که اسرار ونهانیهای خلایق، همگی، و نیز آشکارشان بر او پوشیده نیست. در برابر او همچون فقیرترین بندگانش باش و دلت را از هر علاقه و دل‌مشغولی‌ای که حجاب میان تو و پروردگارت شود خالی کن؛ زیرا که او جز پاکترین و خالص‌ترین را نمی‌پذیرد.

وانظُرْ مِن أيِّ دِيوانٍ يَخرُجُ اسمُكَ، فإن ذُقتَ مِن حَلاوَةِ مُناجاتِهِ، ولَذِذتَ مُخاطَباتِهِ وشَرِبتَ بِكَأسِ رَحمَتِهِ وكَراماتِهِ مِن حُسنِ إقبالِهِ عَلَيكَ وإجابَتِهِ، فَقَد صَلُحتَ لِخِدمَتِهِ، فَادخُلْ فلكَ الأمنُ والأمانُ، وإلّا فَقِفْ وُقُوفَ مُضطَرٍّ قَدِ انقَطَعَ عَنهُ الحِيَلُ، وقَصُرَ عَنهُ الأمَلُ، وقَضىٰ

و بنگر که از کدام دیوان نامت بیرون می‌آید. اگر حلاوت مناجات با او و لذّت گفتگو با وی را چشیدی و بر اثر رویکردِ خوش او به تو و اجابتش، جام رحمت و کرامتهای او را سرکشیدی، هر آینه لایق چاکری و خدمتگزاری او شده‌ای؛ اینک [به مسجد] در آی که در امن و امان خواهی بود. وگرنه درنگ کن، همچون بیچاره‌ای که راههای چاره بر او بسته شده است و دست امیدش کوتاه گشته و حکم مرگش صادر شده

عَلَيهِ الأجَلُ، فإذا عَلِمَ اللهُ عزّوجلّ مِن قَلبِكَ صِدقَ الالتِجاءِ إلَيهِ، نَظَرَ إلَيكَ بعَينِ الرَّحمَةِ والرَّأفَةِ والعَطفِ ووَفَّقَكَ لِمايُحِبُّ ويَرضىٰ فإنَّهُ كريمٌ يُحِبُّ الكَرامَةَ لِعبادِهِ المُضطَرّينَ إلَيهِ المُحتَرِقينَ علىٰ بابِهِ لِطَلَبِ مَرضاتِهِ، قالَ اللهُ عزّوجلّ: ﴿أَمَّن يُجِيبُ المُضْطَرَّ إذا دَعاهُ وَ يَكشِفُ السّوءَ﴾[1].[2]

است. پس، هرگاه خداوند عزّوجلّ بداند که دلت به راستی به او پناه آورده است، با دیدهٔ مهر و رأفت و محبّت به تو بنگرد و در انجام کارهایی که محبوب و پسند اوست توفیقت دهد؛ زیرا او بخشنده و بزرگوار است و دوست دارد نسبت به بندگان بیچاره‌اش، که برای کسب خشنودی او، دلسوخته بر درگاهش ایستاده‌اند، بزرگواری کند. خداوند عزّوجلّ فرموده: «چه کسی است که دعای بیچارهٔ درمانده را اجابت کند وگرفتاری رابرطرف سازد».

۱۷۵۵
ثَمَرَةُ الاختِلافِ إلَى المَساجِدِ

۸۳۹۷. رسولُ اللهِ ﷺ: لا يَرجِعُ صاحِبُ المَسجِدِ بِأقَلَّ مِن إحدَى ثلاثٍ: إمّا دُعاءٍ يَدعُو بِهِ يُدخِلُهُ اللهُ بِهِ الجَنَّةَ، وإمّا دُعاءٍ يَدعُو بِهِ لِيَصرِفَ اللهُ بِهِ عَنهُ بَلاءَ الدنيا، وإمّا أخٍ يَستَفِيدُهُ في اللهِ عزّوجلّ.[3]

۱۷۵۵
ثمرهٔ آمد و شد به مساجد

۸۳۹۷. **پیامبر خدا ﷺ**: شخص مسجد رو، دست کم یکی از این سه چیز نصیبش می‌شود: یا دعایی که به درگاه خدا می‌کند و خداوند با آن او را به بهشت می‌برد، یا دعایی که به سبب آن خداوند بلای دنیا را از او برمی‌گرداند و یا برادری که به خاطر خداوند عزّوجلّ به دست می‌آورد [و نه بر اساس انگیزه‌های دنیوی و مادّی].

۸۳۹۸. الإمامُ عليٌّ ﷺ: مَنِ اختَلَفَ إلَى المَسجِدِ أصابَ إحدَى الثَّماني: أخاً مُستَفاداً في اللهِ، أو عِلماً مُستَطرَفاً، أو آيَةً مُحكَمَةً، أو رَحمَةً مُنتَظَرَةً، أو كَلِمَةً تَرُدُّهُ عن رَدىً، أو يَسمَعُ كَلِمَةً تَدُلُّهُ على هُدىً، أو يَترُكُ ذَنباً خَشيَةً أو حَياءً.[4]

۸۳۹۸. **امام علی ﷺ**: هر که به مسجد آمد و شد کند به یکی از این هشت چیز دست یابد: یافتن برادری به خاطر خدا، یا دانشی جدید، یا آیتی محکم، یا رحمتی که آن را چشم به راه بود، یا سخنی که او را از هلاکت برهاند، یا شنیدن جمله‌ای که او را به هدایت رهنمون شود، یا آن که گناهی را از ترس و یا شرم ترک گوید.

---

۱. النمل: ۶۲.
۲. بحار الأنوار: ۸۳/۳۷۳/۴۰.
۳. الأمالي للطوسي: ۴۷/۵۷.
۴. الأمالي للصدوق: ۴۷۴/۶۳۷.

۸۴۹۹. **الإمامُ الحسينُ** ﷺ: قالَ رسولُ اللهِ ﷺ: مَن أدمَنَ إلى المَسجِدِ أصابَ الخِصالَ الثَّمانِيَةَ: آيَةً مُحكَمَةً، أو فَريضَةً مُستَعمَلَةً، أو سُنَّةً قائمةً، أو عِلماً مُستَطرَفاً، أو أخاً مُستَفاداً، أو كَلِمَةً تَدُلُّهُ على هُدىً أو تَرُدُّهُ عن رَدىً، وتَركَ الذَّنبِ خَشيَةً أو حَياءً.[1]

(انظر) وسائل الشيعة: ۳ / ۴۸۰ باب ۳.

۸۴۹۹. **امام حسین**ﷺ: رسول خداﷺ فرمود: هر که پیوسته به مسجد رود، به هشت چیز دست یابد: آیتی محکم، یا فریضه‌ای عمل شده، یا سنّتی جاری [از معصومان]، یا دانشی تازه، یا برادری که به دست آورده، یا سخنی که او را هدایت کند، یا از هلاکت برهاندش و گناه را از سر ترس یا شرم ترک گوید.

۱۷۵۶
المَساجِدُ المَمدوحَةُ

۱۷۵۶
مسجدهای ستوده شده

۸۵۰۰. **الإمامُ عليٌّ** ﷺ: مَسجِدُ الكوفَةِ صَلّىٰ فيهِ سَبعونَ نَبيّاً وسَبعونَ وَصِيّاً، أنا أحَدُهُم.[2]

۸۵۰۰. **امام علی**ﷺ: در مسجد کوفه هفتاد پیامبر و هفتاد وصیّ [از اوصیای پیامبران] نماز خواندند که یکی از آنها من هستم.

۸۵۰۱. **الإمامُ الصّادقُ** ﷺ: لا تَدَعْ إتيانَ المَشاهِدِ كُلِّها: مَسجِدِ قُبا، فإنَّهُ المَسجِدُ الذي أُسِّسَ على التَّقوىٰ مِن أوَّلِ يَومٍ، ومَشرَبَةِ أُمِّ إبراهيمَ، ومَسجِدِ الفَضيخِ، وقُبورِ الشُّهَداءِ، ومَسجِدِ الأحزابِ وهُوَ مَسجِدُ الفَتحِ.[3]

۸۵۰۱. **امام صادق**ﷺ: رفتن به هیچ یک از مشاهد را ترک نکن: مسجد قبا، که از همان روز اول بر شالودهٔ تقوا بنا شد، و مشربهٔ ام ابراهیم[1] و مسجد فضیخ[2] و قبور شهیدان و مسجد احزاب که همان مسجد فتح باشد.

۸۵۰۲. **عنه** ﷺ: بالكوفةِ مَسجِدٌ يقالُ لَهُ مَسجِدُ السَّهلَةِ، لَو أنَّ عَمّيَ زيداً أتاهُ فَصَلّىٰ فيهِ

۸۵۰۲. **امام صادق**ﷺ: در کوفه مسجدی است به نام مسجد سهله. اگر عمویم زید به آن جا می‌رفت و نماز می‌خواند و از خدا پناه

---

۱. بحار الأنوار: ۷۳/۳/۸۴. ۲. بحار الأنوار: ۵۹/۵۸/۱۱.
۳. بحار الأنوار: ۶/۲۱۵/۱۰۰.

۱. اتاق و جایگاه نماز پیامبر (ص) که به خاطر زاده شدن ابراهیم، پسر آن حضرت در آن، به این نام نامیده شده است.
۲. مسجدی که گفته می‌شود ماجرای رد شمس به خاطر حضور پیامبر (ص) و امیر مؤمنان در آن، اتفاق افتاد.

واستَجارَ اللهَ لَأجارَهُ عِشرينَ سَنَةً.[1]

۸۵۰۳. **الإمامُ الرِّضا**ﷺ: إنَّ مَسجِدَ الكوفَةِ بَيتُ نُوحٍ لو دَخَلَهُ رَجُلٌ مِائَةَ مَرَّةٍ لَكَتَبَ اللهُ لَهُ مِائَةَ مَغفِرَةٍ، لأنَّ فيهِ دَعوَةَ نُوحٍ ﷺ حَيثُ قالَ: ﴿رَبِّ اغفِرْ لي ولِوالِدَيَّ ولِمَنْ دَخَلَ بَيْتِيَ مُؤْمِناً﴾[2].[3]

بيانٌ:

الأخبارُ الواردةُ في فضلِ مسجد السهلة[4] ـ وأنّه كانَ بَيتَ إدريسَ النبيِّ الذي كانَ يَخِيطُ فيه ويُصَلّي فيه، وأنّه كانَ بَيتَ إبراهيمَ الذي خَرَجَ منه إلى العَمالِقَةِ، وأنّ فيها مُناخَ الراكِبِ؛ يعني الخضرَﷺ، وأنّ منه سارَ داوود إلى جالوتَ، وأنّه ما بَعَثَ اللهُ نبيّاً إلّا وقد صَلّىٰ فيه، والمُقيمُ فيه كالمُقيمِ في فُسطاطِ رسولِ اللهِ ﷺ، وأنّه مَنزِلُ صاحِبِنا إذا قامَ بأهلِهِ، وأنّه لم يَأتِهِ مكروبٌ إلّا فَرَّجَ اللهُ كُربَتَهُ، وأنّ فيه زَبرَجدةً فيها صورةُ كُلِّ نَبيٍّ وكُلِّ وَصِيٍّ، وأنّ فيه يُنفَخُ في الصُّورِ وإليه المَحشَرُ،

۱. الكافي: ۳/۴۹۵/۳. ۲. نوح: ۲۸.
۳. بحار الأنوار: ۱۰۰/۲۶۲/۱۴.
۴. انظر الكافي: ۳/۴۹۵/۳، تهذيب الأحكام: ۶/۳۱/۵۷ و ص ۳۷/۷۶، قصص الأنبياء: ۸۰/۶۴.

می‌خواست، خداوند بیست سال به او پناه می‌داد.

۸۵۰۳. **امام رضا**ﷺ: مسجد کوفه، خانهٔ نوح است. هر مردی که صد بار وارد آن شود، خداوند صد گناه او را ببخشد؛ زیرا که نوحﷺ در آن چنین دعا کرد: «خدایا! من و پدر و مادرم و هرکس را که با ایمان به خانهٔ من درآید، بیامرز».

توضیح:

در فضیلت مسجد سهله، اخبار بسیار زیادی آمده و حاکی از آن است که: این مسجد خانهٔ ادریس پیامبر بوده و آن حضرت در آن جا خیّاطی می‌کرده و به نماز می‌پرداخته است؛ خانهٔ ابراهیم بوده که از همان جا به جنگ عمالقه رفت؛ اقامتگاه آن سواره ـ یعنی خضرﷺ ـ بوده است؛ داوودﷺ از همان جا به پیکار جالوت رفت؛ هر پیامبری که خدا فرستاد در آن جا نماز خواند؛ کسی که در این مسجد باشد، مانند کسی است که در خیمهٔ رسول خداﷺ است؛ هرگاه صاحب ما قیام کند همراه خانواده‌اش در آن جا استقرار خواهد یافت؛ هر غمدیده و گرفتاری به این مسجد برود، خداوند اندوهش را برطرف کند؛ در آن جا زبرجدی است که صورت هر پیامبر و وصیّی بر آن منقوش است؛ در آن جاست که در صور دمیده می‌شود و خلایق به سوی آن جا محشور می‌شوند و از کنار آن هفتاد هزار نفر به

ويُحشَرُ مِن جانِبِهِ سبعونَ ألفاً يَدخُلُونَ الجَنَّةَ بغيرِ حِسابٍ ـ كَثيرةٌ جِدّاً.[1]

۱۷۵۷
مَسجِدُ ضِرارٍ

الكتاب:

﴿وَالَّذِينَ اتَّخَذُوا مَسْجِداً ضِراراً وَكُفْراً وَتَفْرِيقاً بَيْنَ الْمُؤْمِنِينَ وَإِرصاداً لِمَنْ حارَبَ اللهَ وَرَسُولَهُ مِن قَبْلُ وَلَيَحْلِفُنَّ إِنْ أَرَدْنا إِلَّا الحُسْنىٰ وَاللهُ يَشْهَدُ إِنَّهُمْ لَكاذِبُونَ﴾.[2]

الحديث:

۸۵۰۳. **مجمعُ البيانِ** ـ في تفسيرِ قولِهِ تعالىٰ: ﴿وإرْصاداً لِمَنْ حَارَبَ اللهَ وَرَسولَهُ مِن قَبْلُ﴾ ـ: أي أرصَدُوا ذلكَ المسجدَ واتَّخذُوهُ وأعَدُّوا لأبِي عامرٍ الراهِبِ، وهو الذي حارَبَ اللهَ ورسولَهُ مِن قَبلُ وكانَ مِن قِصَّتِهِ أنَّهُ كانَ قد تَرَهَّبَ في الجاهليَّةِ ولَبِسَ المُسُوحَ فَلَمّا قَدِمَ النبيُّ ﷺ المدينةَ حَسَدَهُ وحَزَّبَ عليه الأحزابَ، ثُمَّ هَرَبَ بَعدَ فَتحِ مَكَّةَ إلى الطائفِ فَلَمّا أسلَمَ أهلُ الطائفِ لَحِقَ بالشامِ وخَرَجَ إلى الرومِ

صحرای محشر می‌آیند که بدون حساب و کتاب وارد بهشت می‌شوند.

۱۷۵۷
مسجد ضِرار

قرآن:

«و کسانی که مسجدی ساختند برای ضرر زدن و [تقویت] کفر و ایجاد تفرقه میان مؤمنان و کمینگاه کسی که از پیش با خدا و پیامبر او ستیز کرده بود و قسم می‌خورند که ما جز نیکی نمی‌خواستیم و خدا گواهی می‌دهد که آنان دروغگویند».

حدیث:

۸۵۰۳. **مجمع البیان** ـ در تفسیر آیهٔ «و کمینگاه کسی که از پیش با خدا و پیامبر او ستیز کرده بود» ـ فرمود: یعنی آن مسجد را برای بازگشت ابو عامر راهب ساخته و آماده کرده بودند. ابو عامر همان کسی است که قبلاً با خدا و رسولش جنگیده بود. داستانش چنین است که وی در جاهلیت پشمینه پوشیده و رهبانیت پیش گرفته بود. اما وقتی پیامبر ﷺ به مدینه رفت، بر آن حضرت حسادت ورزید و احزاب را علیه ایشان ساماندهی کرد. او بعد از فتح مکّه به طائف گریخت و چون مردم طائف مسلمان شدند به شام و از آن جا به روم

---

۱. بحار الأنوار: ۴۳۴/۱۰۰ باب ۷.
۲. التوبة: ۱۰۷.

وتَنَصَّرَ، وهو أبو حَنظَلَةَ غَسيلِ الملائكةِ...

وسَمّىٰ رسولُ اللهِ ﷺ أبا عامرٍ الفاسقَ، وكانَ قَد أرسَلَ إلى المُنافقينَ أنِ استَعِدُّوا وابنُوا مَسجِداً فإنّي أذهَبُ إلى قَيصَرَ وآتي مِن عندِهِ بِجُنُودٍ وأُخرِجُ محمّداً مِنَ المدينةِ.

فكانَ هؤلاءِ المنافقونَ يَتَوَقَّعُونَ أن يَجِيئَهم أبو عامرٍ، فَماتَ قَبلَ أن يَبلُغَ مَلِكَ الرُّومِ...

فَأطلَعَ اللهُ نَبِيَّهُ عَلىٰ فَسادِ طَوِيَّتِهِم وخُبثِ سَرِيرَتِهِم... فَوَجَّهَ رسولُ اللهِ ﷺ عند قُدُومِهِ مِن تَبُوكَ عاصِمَ بنَ عَوفٍ العَجلانيَّ ومالكَ بنَ الدخشمَ... فقال لهما: إنطَلِقا إلىٰ هذا المسجِدِ الظالِمِ أهلُهُ فَاهدِماهُ وحَرِّقاهُ، ورُوِيَ أنّه بَعَثَ عمّارَ بنَ ياسرٍ ووَحشِيّاً فَحَرَّقاهُ، وأمَرَ بأن يُتَّخَذَ كُناسَةٌ يُلقىٰ فيها الجِيَفُ.[1]

(انظر) بحار الأنوار: ۲۱ / ۲۵۲ باب ۳۰.

رفت و مسیحی شد. ابو عامر پدر حنظلة غسیل الملائکه است...

رسول خدا ﷺ او را ابو عامر فاسق نامید. وی به منافقان پیغام داده بود که خود را آماده کنند و مسجدی بسازند؛ زیرا نزد قیصر می‌روم و با لشکریان او می‌آیم و محمّد را از مدینه بیرون می‌کنم.

این منافقان منتظر برگشت ابو عامر بودند اما او، پیش از رسیدن به نزد پادشاه روم، مُرد...

خداوند، پیامبر خود را از نیّت پلید و باطن کثیف منافقان آگاه کرد... و رسول خدا ﷺ، در برگشت از غزوهٔ تبوک، عاصم بن عوف عَجلانی و مالک بن دخشم را فرستاد و فرمود: بروید و این مسجدی را که اهل آن ستمگرند ویران کنید و بسوزانید. به روایتی دیگر، آن حضرت، عمّار بن یاسر و وحشی را فرستاد و آنها آن مسجد را سوزاندند و دستور داد محلّ آن را به زباله دانی و جای انداختن لاشه‌ها و مردارها تبدیل کنند.

---

۱. مجمع البیان: ۵/ ۱۱۰.

۲۲۲

السَّجن

زندان

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

انظر:

عنوان ۱۲ «الأسير» ، ۹۵ «الحبس» ، الدنيا : باب ۱۲۴۷ ، ۱۲۴۸ .

الإمامة الخاصّة : باب ۲۲۱ ، ۲۲۵ ، ۲۳۴ ، ۲۳۷ .

۱۷۵۸
السِّجنُ

الكتاب:

﴿قالَ رَبِّ السِّجنُ أحَبُّ إلَيَّ مِمّا يَدعُونَني إلَيهِ وَإلّا تَصرِف عَنّي كَيدَهُنَّ أصبُ إلَيهِنَّ وَأكُن مِنَ الجاهِلِينَ﴾.[1]

الحديث:

۸۵۰۵. **الإمامُ عليٌّ عليه السلام**: السِّجنُ أحَدُ القَبرَينِ.[2]

۸۵۰۶. **مجمَعُ البيانِ**: رُوِيَ أنَّ يوسُفَ لَمّا خَرَجَ مِن السِّجنِ دَعا لأهلِهِ وقالَ: اللّهُمَّ اعطِفْ عَلَيهِم بِقُلوبِ الأخيارِ، ولا تُعَمِّ عَلَيهِم الأخبارَ؛ فَلِذلكَ يكونُ أصحابُ السِّجنِ أعرَفَ الناسِ بالأخبارِ في كلِّ بَلدَةٍ. وكَتَبَ عَلىٰ بابِ السِّجنِ: هذا قُبورُ الأحياءِ، وبَيتُ الأحزانِ، وتَجرِبَةُ الأصدِقاءِ، وشَماتَةُ الأعداءِ.[3]

(انظر) المحبّة: باب ۶۶۴.

---

۱. يوسف: ۳۳. ۲. غرر الحكم: ۱۶۳۱.
۳. مجمع البيان: ۳۷۰/۵.

۱۷۵۸
زندان

قرآن:

«گفت: پروردگارا! زندان را از آنچه آنان مرا به آن می‌خوانند دوست‌تر دارم و اگر مکر آنان را از من نگردانی، به آنان متمایل می‌شوم و از نادانان خواهم بود».

حدیث:

۸۵۰۵. **امام علی علیه السلام**: زندان، یکی از دو قبر است.

۸۵۰۶. **مجمع البیان**: روایت شده است که چون یوسف از زندان آزاد شد، برای آنان (زندانیان) دعا کرد و گفت: خدایا! دلهای نیکان را بر آنان مهربان ساز و اخبار و رویدادها را از آنان پنهان مدار. از این رو، زندانیان هر شهری بیش از سایر مردم دربارهٔ اخبار و رویدادها اطلاع دارند، و بر در زندان نوشته شد: این جا گورهای زندگان است و سرای اندوهها و جای آزمودن دوستان و شادکامی دشمنان از بدبختی دیگران.

۸۵۰۷. الإمامُ الصّادقُ ﷺ ـ في قولِهِ تعالىٰ: ﴿نَبِّئْنا بِتَأْوِيلِهِ إنّا نَراكَ مِنَ المُحْسِنِينَ﴾[1] في قصّةِ يوسُفَ في السِّجنِ ـ: كانَ يقومُ على المَريضِ ويَلتَمِسُ المُحتاجَ ويُوَسِّعُ على المَحبوسِ.[2]

۸۵۰۷. **امام صادق**ﷺ ـ دربارهٔ آیهٔ «ما را از تعبیر آن آگاه کن که تو را از نیکوکاران می‌بینیم» که مربوط به داستان یوسف در زندان می‌شود ـ فرمود: آن حضرت، [زندانیانِ] بیمار را تیمار می‌کرد و از حال نیازمندشان جویا می‌شد و به افراد زندانی رسیدگی می‌نمود.

۸۵۰۸. عنه ﷺ: دَخَلَ يوسُفُ السِّجنَ وهُو ابنُ اثنَتَي عَشْرَةَ سَنةً، ومَكَثَ فيه ثَمانَ عَشْرَةَ سَنةً، وبَقِيَ بعدَ خروجِهِ ثَمانينَ سَنةً، فذلكَ مِائةُ سَنةٍ وعَشرُ سِنِينَ.[3]

۸۵۰۸. **امام صادق**ﷺ: یوسف دوازده ساله بود که به زندان افتاد و هیجده سال در زندان ماند و بعد از آزادی‌اش هشتاد سال عمر کرد که مجموعاً یکصدو ده سال می‌شود.

۱۷۵۹
سِجنُ النَّفسِ

۱۷۵۹
زندان نفْس

۸۵۰۹. الإمامُ عليٌّ ﷺ: المَرَضُ أحَدُ الحَبسَينِ.[4]

۸۵۰۹. **امام علی**ﷺ: بیماری، یکی از دو زندان است.

۸۵۱۰. الإمامُ الصّادقُ ﷺ: المَسجُونُ مَن سَجَنَتهُ دُنياهُ عَن آخِرَتِهِ.[5]

۸۵۱۰. **امام صادق**ﷺ: زندانی [واقعی] کسی است که دنیایش او را از آخرتش باز داشته باشد.

(انظر) الدنيا: باب ۱۲۴۷، ۱۲۴۸.

---

۱. یوسف: ۳۶. ۲. تفسير القمّي: ۳۴۴/۱.
۳. الأمالي للصدوق: ۳۷۶/۳۲۴.
۴. غرر الحكم: ۱۶۳۶. ۵. الكافي: ۹/۴۵۵/۲.


مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

۲۲۳

السُّحت

مال حرام

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

انظر:
عنوان ۱۰۹ «الحرام»، ۱۲۷ «الحلال».
۵۳۱ «الهدیّة»، ۱۸۹ «الرشوة».

۱۷۶۰
السُحتُ

الكتاب:

﴿سَمّاعُونَ لِلْكَذِبِ أَكّالُونَ لِلسُّحْتِ فَإِن جاءُوكَ فَاحْكُمْ بَيْنَهُمْ أَو أَعْرِضْ عَنْهُمْ وَإِن تُعْرِضْ عَنْهُمْ فَلَنْ يَضُرُّوكَ شَيْئاً وَإِنْ حَكَمْتَ فَاحْكُمْ بَيْنَهُمْ بِالقِسْطِ إِنَّ اللهَ يُحِبُّ المُقْسِطِينَ﴾.[1]

(انظر) المائدة: ۶۲، ۶۳.

الحديث:

۸۵۱۱. **الإمامُ عليٌّ ﷺ**: أبوابُ السُّحتِ ثَمانِيَةٌ: رَأسُ السُّحتِ رِشوَةُ الحُكْمِ، وكَسبُ البَغِيِّ، وعَسبُ الفَحلِ، وثَمَنُ المَيْتَةِ، وثَمنُ الخَمرِ، وثَمنُ الكَلبِ، وكَسبُ الحَجّامِ، وأجرُ الكاهِنِ.[2]

۸۵۱۲. **كنز العمّال** عن الإمامِ عليٍّ ﷺ ـ وقد سُئِلَ عنِ السُّحتِ ـ: الرِّشاءُ، فقيلَ لَهُ: في الحُكمِ؟ قالَ: ذاكَ الكُفرُ.[3]

۸۵۱۳. **الإمامُ الصّادقُ ﷺ**: السُّحتُ ثَمَنُ المَيْتَةِ،

۱. المائدة: ۴۲.
۲. كنز العمّال: ۴۳۵۸.
۳. كنز العمّال: ۴۳۵۷.

۱۷۶۰
مالِ حرام

قرآن:

«شنوای دروغند و خورندگانِ حرام. اگر پیش تو آمدند میانشان حکم کن یا از آنها روی بگردان. اگر روی از ایشان بگردانی تو را زیانی نتوانند زد. اگر حکم کردی میانشان به انصاف حکم کن که خدا افراد منصف را دوست دارد».

حدیث:

۸۵۱۱. **امام علی ﷺ**: درهای مال حرام هشت‌تاست: رشوه گرفتن در قضاوت، در رأس مالهای حرام قرار دارد، و درآمد از راه فحشا، و کرایه دادن حیوان نر برای جفتگیری، و پول فروش مُردار، و پول فروش شراب، و پول فروش سگ، و درآمد حجامت کننده و مزد پیشگو (کاهن).

۸۵۱۲. **کنز العمّال**: امام علی ﷺ در پاسخ به سؤال از سُحت فرمود: [مقصود] رشوه است. عرض شد: در قضاوت؟ فرمود: آن که کفر است.

۸۵۱۳. **امام صادق ﷺ**: مال حرام عبارت است از

وثَمنُ الكَلبِ، وثَمنُ الخَمرِ، ومَهرُ البَغِيِّ، والرِّشوَةُ في الحُكمِ، وأجرُ الكاهِنِ.[1]

بهای فروش مردار، بهای فروش سگ، بهای فروش شراب، درآمد زنا، رشوه گرفتن در قضاوت و مزد پیشگو.

۸۵۱۴. عنه ﷺ: السُّحتُ أنواعٌ كثيرَةٌ، مِنها ما أُصِيبَ مِن أعمالِ الوُلاةِ الظَّلَمَةِ.[2]

۸۵۱۴. **امام صادق**ﷺ: مال حرام موارد فراوانی دارد؛ یکی از آنها درآمدی است که از راه کار کردن برای والیان ستمگر به دست می‌آید.

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

۱. الكافي: ۲/۱۲۷/۵. ۲. الخصال: ۲۶/۳۳۰.


مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

٢٢٤

السِّحر

جادو

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

ولمزيد الاطّلاع راجع:

بحار الأنوار: ٦٣/١ باب ١ «السِّحر والعَين».

بحار الأنوار: ٧٩/٢٠٥ باب ٩٦ «السِّحر والكَهانة».

وسائل الشيعة: ١٢/١٠٥ باب ٢٥ «تحريم تعلّم السِّحر وأجره».

كنز العمّال: ٦/٧٤٢-٧٥٣ «كتاب السِّحر والعَين والكَهانة».

انظر:

البلاغة: باب ٣٩٠ حديث ١٩٨١.

۱۷۶۱
السِّحرُ

الكتاب:

﴿فَلَمَّا أَلْقَوْا قَالَ مُوسىٰ ما جِئْتُمْ بِهِ السِّحْرُ إِنَّ اللهَ سَيُبْطِلُهُ إِنَّ اللهَ لَا يُصْلِحُ عَمَلَ الْمُفْسِدِينَ﴾.[1]

(انظر) البقرة: ۱۰۲، الأعراف: ۱۱۶، يونس: ۷۷، طه: ۶۶، ۶۹، الفلق: ۳، ۴.

الحديث:

۸۵۱۵ . الإمامُ عليٌّ ﷺ: مَن تَعَلَّمَ شَيئاً مِنَ السِّحرِ قَليلاً أو كَثيراً فَقَد كَفَرَ، وكانَ آخِرَ عَهدِهِ بِرَبِّهِ، وحَدُّهُ أن يُقتَلَ إلّا أن يَتُوبَ.[2]

۸۵۱۶ . عنه ﷺ: العَينُ حَقٌّ، والرُّقىٰ حَقٌّ، والسِّحرُ حَقٌّ، والفَأْلُ حَقٌّ، والطِّيَرَةُ لَيسَت بِحَقٍّ، والعَدوىٰ لَيسَت بِحَقٍّ.[3]

۸۵۱۷ . عنه ﷺ: المُنَجِّمُ كالكاهِنِ، والكاهِنُ كالساحِرِ، والساحِرُ كالكافِرِ، والكافِرُ في النارِ.[4]

۱۷۶۱
جادو

قرآن:

«و چون بیفکندند، موسی گفت: هر چه جادو آورده‌اید خدا آن را باطل می‌کند؛ زیراکه خدا عمل تبهکاران را به صلاح نمی‌آورد».

حدیث:

۸۵۱۵ . **امام علی**ﷺ: هر که چیزی از جادو بیاموزد، کم یا زیاد، کافر است و [این] پایان عهد او با پروردگارش باشد و کیفرش آن است که کشته شود، مگر اینکه توبه کند.

۸۵۱۶ . **امام علی**ﷺ: چشم زخم، راست است و طلسم، راست است و جادو، راست است و فال نیک زدن، راست است، اما فال بد زدن، حقیقت ندارد و سرایت [بدی] نیز حقیقت ندارد.

۸۵۱۷ . **امام علی**ﷺ: منجّم، مانند کاهن است و کاهن، مانند جادوگر و جادوگر، مانند کافر و کافر در آتش است.

---

۱ . یونس: ۸۱. ۲ . بحار الأنوار: ۷۹/۲۱۰/۲.
۳ . نهج البلاغة: الحكمة ۴۰۰.
۴ . نهج البلاغة: الخطبة ۷۹.

۸۵۱۸. عنه ﷺ: أقبَلَتِ امرَأةٌ إلىٰ رسولِ اللهِ ﷺ فقالَت: يا رسولَ اللهِ، إنَّ لي زَوجاً ولَهُ عَلَيَّ غِلظَةٌ، وإنّي صَنَعتُ بِهِ شَيئاً لِأعطِفَهُ عَلَيَّ! فقالَ رسولُ اللهِ ﷺ: اُفٍّ لَكِ: كَدَّرتِ دِينَكِ! لَعَنَتكِ الملائكةُ الأخيارُ، لَعَنَتكِ الملائكةُ الأخيارُ، لَعَنَتكِ الملائكةُ الأخيارُ، لَعَنَتكِ ملائكةُ السماءِ، لَعَنَتكِ ملائكةُ الأرضِ.[1]

۱۷۶۲
جَزاءُ ساحِرِ المُسلِمينَ

۸۵۱۹. **الميزان في تفسير القرآن:** قالَ رسولُ اللهِ ﷺ: إذا أخَذتُمُ السّاحِرَ فاقتُلوهُ، ثُمَّ قَرَأَ ﴿ولا يُفلِحُ السّاحِرُ حَيثُ أتىٰ﴾[2] قالَ: لا يَأمَنُ حَيثُ وُجِدَ.[3]

۸۵۲۰. **الإمامُ عليٌّ ﷺ عَن رسولِ اللهِ ﷺ:** ساحِرُ المسلمينَ يُقتَلُ، ولا يُقتَلُ ساحِرُ الكُفّارِ، قيلَ: يا رسولَ اللهِ، ولِمَ ذلك؟ قالَ: لأنَّ الشِّركَ والسِّحرَ مَقرُونانِ، والذي فيهِ مِن الشِّركِ أعظَمُ.[4]

۸۵۲۱. **عنه ﷺ:** إذا شَهِدَ رَجُلانِ عَدلانِ علىٰ

۸۵۱۸. **امام علی ﷺ:** زنی خدمت رسول خدا ﷺ آمد و عرض کرد: ای رسول خدا! شوهری دارم که با من تند است و من با او کاری (جادو جنبل) کرده‌ام تا وی را با خودم مهربان کنم! رسول خدا ﷺ فرمود: اف بر تو! دینت را تیره و تار کردی! نفرین فرشتگان بزرگ بر تو باد! نفرین فرشتگان بزرگ بر تو باد! نفرین فرشتگان بزرگ بر تو باد! نفرین فرشتگان آسمان بر تو باد! نفرین فرشتگان زمین بر تو باد!

۱۷۶۲
سزای جادوگر مسلمان

۸۵۱۹. **المیزان فی تفسیر القرآن:** پیامبر خدا ﷺ فرمود: هرگاه جادوگری را گرفتید، او را بکشید. سپس این آیه را تلاوت کرد: «و جادوگر هر جا باشد نجات نمی‌یابد». [آن گاه] فرمود: هرجا یافت شد در امان نیست.

۸۵۲۰. **امام علی ﷺ:** پیامبر خدا ﷺ فرمود: جادوگرِ مسلمان باید کشته شود و جادوگر کافر کشته نمی‌شود. عرض شد: ای رسول خدا! علّتش چیست؟ فرمود: چون شرک و سحر قرین همند و وجود شرک در کسی، بدتر از وجود سحر است.

۸۵۲۱. **امام علی ﷺ:** اگر دو مرد عادل شهادت

---

۱. بحار الأنوار: ۱۳/۲۱۴/۷۹.
۲. طه: ۶۹.
۳. الميزان في تفسير القرآن: ۱۸۵/۱۴.
۴. دعائم الإسلام: ۱۷۲۵/۴۸۲/۲.

رجُلٍ مِن المسلمينَ أنّهُ سَحَرَ قُتِلَ.[1]

(انظر) مستدرك الوسائل: ۱۸ / ۱۹۱ باب ۱.

وسائل الشيعة: ۱۸ / ۵۷۶ باب ۱.

۱۷۶۳
أنواعُ السِّحرِ

۸۵۲۲. الإمامُ الصّادقُ ﷺ ـ لَمّا سَألَهُ زِنديقٌ عن السِّحرِ: ما أصلُهُ؟ وكيفَ يَقدِرُ الساحِرُ علىٰ ما يُوصَفُ مِن عَجائبِهِ وما يَفعَلُ؟ ـ: إنَّ السِّحرَ علىٰ وُجُوهٍ شَتّىٰ: وَجهٌ مِنها بمَنزِلَةِ الطِّبِّ، كما أنَّ الأطِبّاءَ وَضَعُوا لِكُلِّ داءٍ دَواءً فكذلكَ عِلمُ السِّحرِ احتالُوا لِكُلِّ صِحَّةٍ آفَةً، ولِكُلِّ عافِيَةٍ عاهَةً، ولكُلِّ مَعنىً حِيلَةً. ونوعٌ مِنهُ آخَرُ خَطفَةٌ وسُرعَةٌ ومَخاريقُ وخِفَّةٌ.

ونوعٌ مِنهُ ما يَأخُذُ أولياءُ الشَّياطينِ عَنهُم... فَأقرَبُ أقاويلِ السِّحرِ مِنَ الصَّوابِ أنَّهُ بمَنزِلَةِ الطِّبِّ. إنّ الساحِرَ عالَجَ الرجُلَ فَامتَنَعَ مِن مُجامَعَةِ النساءِ، فَجاءَ الطبيبُ فَعالَجَهُ بغَيرِ ذلكَ العِلاجِ فَأبرِئَ.[2]

---

۱. دعائم الإسلام: ۲/۴۸۲/۱۷۲۵.

۲. بحار الأنوار: ۶۳/۲۱/۱۴.

دهند که مرد مسلمانی جادو کرده است، باید کشته شود.

۱۷۶۳
انواع جادو

۸۵۲۲. امام صادق ﷺ ـ در پاسخ به زندیقی که پرسید: منشأ جادو چیست و چگونه جادوگر می‌تواند آن کارهای شگفت‌آور را انجام دهد؟ ـ فرمود: جادو، گونه‌های مختلفی دارد: گونه‌ای از آن به منزلهٔ طبابت است. همان طور که پزشکان برای هر بیماری و دردی دارویی درست کرده‌اند، در علم سحر نیز جادوگران برای هر صحّتی آفتی و برای هر عافیتی درد و رنجی و برای هر کاری چاره‌ای اندیشیده‌اند. گونه‌ای دیگر از آن چشم بندی، چالاکی، مهارت و تردستی است. نوع دیگری از آن اموری است که جن‌گیرها از جنّیان فرا می‌گیرند. نزدیکترین عقیده دربارهٔ جادو به واقعیت آن است که جادو به منزلهٔ طبابت است. جادوگر مردی را جادو می‌کند که نتواند با زن نزدیکی نماید و پزشک می‌آید و او را از طریق دیگری (دارو و نه جادو) معالجه می‌کند و بهبود می‌یابد.

۱۷۶۴

أشَدُّ سِحراً مِن هاروتَ وماروتَ !

۸۵۲۳ . رسولُ اللهِ ﷺ: إتَّقُوا الدنيا فوالذي نَفسِي بيدِهِ أنَّها لَأسحَرُ مِن هارُوتَ ومارُوتَ.[1]

(انظر) الدنيا: باب ۱۲۳۵، ۱۲۳۶.

۱۷۶۴

جادوگرتر از هاروت و ماروت!

۸۵۲۳ . **پیامبر خدا**ﷺ: از دنیا حذر کنید؛ زیرا سوگند به آن که جانم در دست اوست، دنیا جادوگرتر از هاروت و ماروت است.

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

۱ . الدرّ المنثور: ۲۴۴/۱.


مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

المساحقة

مساحقه

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

ولمزيد الاطّلاع راجع:

بحار الأنوار: ٧٩/٧٥ باب ٧٢ «السحق وحدّه».

وسائل الشيعة: ١٨/٤٢٤ـ٤٣٠ «أبواب حدّ السحق والقيادة».

۱۷۶۵
المُساحَقَةُ

۸۵۲۴ . **الإمامُ الصّادقُ** ﷺ: أوَّلُ مَن عَمِلَ هذا العَمَلَ قَومُ لُوطٍ فاستَغنىٰ الرِّجالُ بِالرِّجالِ وبَقِيَ النساءُ بِغَيرِ رِجالٍ، فَفَعَلنَ كما فَعَلَ رِجالُهُنَّ.[۱]

۸۵۲۵ . **عنه** ﷺ ـ لَمّا دَخَلَتِ امرَأةٌ مَع مَولاةٍ لَها علَيهِ وسَألَت ما تَقولُ في اللَّواتي مَع اللَّواتِي؟ ـ: هُنَّ في النارِ، إذا كانَ يَومُ القيامَةِ يُؤتى بِهِنَّ فَأُلبِسْنَ جِلباباً مِن نارٍ وخُفَّينِ مِن نارٍ وقِناعاً مِن نارٍ.[۲]

۸۵۲۶ . **بحار الأنوار** عن هِشام بنِ سالِمٍ عن الإمامِ الصّادقِ ﷺ ـ في جَوابِ امرَأةٍ سَألَتهُ عنِ السَّحقِ ـ: حَدُّها حَدُّ الزاني. فقالَت: ما ذَكَرَ اللهُ عزّوجلّ ذلكَ في القُرآنِ؟ قالَ: بَلىٰ. قالَت: وأينَ هُو؟ قالَ: هُو أصحابُ الرَّسِّ.[۳]

۱۷۶۵
مساحقه

۸۵۲۴ . **امام صادق**ﷺ: نخستین کسی که این عمل را مرتکب شد، قوم لوط بودند؛ زیرا مردها به یکدیگر پرداختند و زنان بی‌مرد ماندند و در نتیجه آنها نیز، همانند مردانشان، به هم روی آوردند.

۸۵۲۵ . **امام صادق**ﷺ ـ آنگاه که زنی همراه کنیز خود خدمت امامﷺ رسید و عرض کرد: دربارهٔ پرداختن زنان به یکدیگر چه می‌فرمایید؟ ـ فرمود: جایگاهشان آتش است. روز قیامت این گونه زنان آورده می‌شوند و بالاپوشی از آتش و پای‌افزاری از آتش و روبندی از آتش بر آنان پوشانده می‌شود.

۸۵۲۶ . **بحار الأنوار** به نقل از هشام بن سالم: امام صادقﷺ در پاسخ به سؤال زنی از حکم مساحقه فرمود: حدّش حدّ زناکار است. پرسید: آیا خداوند عزّوجلّ در قرآن آن را بیان فرموده است؟ فرمود: آری. عرض کرد: در کجای آن؟ فرمود: داستان اصحاب رسّ.

---

۱ . بحار الأنوار: ۳/۷۶/۷۹.
۲ . تفسير القمّي: ۱۱۳/۲ .
۳ . بحار الأنوار: ۲/۷۵/۷۹ .

۲۲۶

السُّخرِيَة

مسخره کردن

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

ولمزيد الاطّلاع راجع:

بحار الأنوار: ۱۴۲/۷۵ باب ۵۶ «مَن أذلّ مؤمناً أو أهانه أو حقّره أو استهزأ به».

بحار الأنوار: ۲۹۲/۷۵ باب ۷۳ «الغمز والهمز واللمز والسُّخريّة والاستهزاء».

انظر:

عنوان ۱۲۰ «التحقير»، ۳۸۰ «العيب»، ۳۸۱ «التعيير».

۱۷۶۶
السُّخرِيَّةُ

الكتاب:

﴿يا أَيُّها الَّذينَ آمَنُوا لا يَسْخَرْ قَومٌ مِن قَومٍ عَسىٰ أَن يَكُونُوا خَيْراً مِنْهُمْ وَلا نِساءٌ مِنْ نِساءٍ عَسىٰ أَن يَكُنَّ خَيْراً مِنْهُنَّ وَلا تَلْمِزُوا أَنفُسَكُمْ وَلا تَنابَزُوا بِالأَلْقابِ بِئْسَ الاسْمُ الفُسُوقُ بَعْدَ الإيمانِ وَمَن لَمْ يَتُبْ فَأُولٰئِكَ هُمُ الظّالِمُونَ﴾.[1]

﴿فَاتَّخَذْتُمُوهُمْ سِخْرِيّاً حَتّىٰ أَنسَوْكُمْ ذِكْرِي وَكُنتُمْ مِنْهُمْ تَضْحَكُونَ﴾.[2]

﴿أَتَّخَذْناهُمْ سِخْرِيّاً أَمْ زاغَتْ عَنْهُمُ الأَبْصارُ﴾.[3]

﴿وَإِذا لَقُوا الَّذِينَ آمَنُوا قالُوا آمَنّا وَإِذا خَلَوْا إِلىٰ شَياطِينِهِمْ قالُوا إِنّا مَعَكُمْ إِنَّما نَحْنُ مُسْتَهْزِؤُونَ﴾.[4]

الحديث:

۸۵۲۷ . رسولُ اللهِ ﷺ: يابنَ مَسعودٍ، إنَّهُم لَسَيَعِيبُونَ علىٰ مَن يَقتَدِي بِسُنَّتي فرائضَ اللهِ، قالَ اللهُ تعالىٰ: ﴿فَاتَّخَذْتُمُوهم سِخرِيّاً حتّىٰ أَنسَوكُم

۱ . الحجرات: ۱۱.
۲ . المؤمنون: ۱۱۰.
۳ . ص: ۶۳.
۴ . البقرة: ۱۴.

۱۷۶۶
مسخره کردن

قرآن:

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید! گروهی از شما گروه دیگر را مسخره نکنند شاید که آن گروه بهتر از ایشان باشند، و نه زنانی زنان دیگر را مسخره کنند شاید که آنان بهتر از اینان باشند، و از یکدیگر عیب مگیرید و به همدیگر لقبها [ی ناخوشایند] مدهید، چه ناپسندیده است نام زشت پس از ایمان. و هر که توبه نکند همانان ستمگرانند».

«و آنها (مؤمنان) را مسخره کردید تا یاد مرا از خاطرتان بردند و به آنها می‌خندیدید».

«آن‌ها را به مسخره گرفتیم یا دیدگان از آنها برگشته است؟».

«چون با مؤمنان روبرو شوند گویند: ایمان آوردیم و چون با یاران دیونهادِ خویش تنها شوند، گویند: ما با شماییم، جز این نیست که ما مسخره کننده‌ایم».

حدیث:

۸۵۲۷ . **پیامبر خدا**ﷺ: ای پسر مسعود! آنان بر کسانی که با پیروی از سنّت من، فرایض خدا را به جای می‌آوردند، خرده می‌گیرند. خداوند متعال فرموده است: «و آنها را

ذِكْرِي وكُنتُمْ مِنْهُمْ تَضْحَكُونَ * إِنِّي جَزَيْتُهُمُ الْيَوْمَ بِما صَبَرُوا﴾.[1]

مسخره کردید تا یاد مرا از خاطرتان بردند و به آنها می‌خندیدید. امروز من پاداش صبر آنان را می‌دهم».

۸۵۲۸. عنه ﷺ: إنّ المُستَهزِئينَ يُفتَحُ لأحَدِهِم بابُ الجَنَّةِ، فيُقالُ: هَلُمَّ: فَيَجِيءُ بِكَرْبِهِ وغَمِّهِ، فإذا جاءَ أُغلِقَ دُونَهُ، ثُمَّ يُفتَحُ لَهُ بابٌ آخَرُ... فما يَزالُ كذلكَ حتّىٰ أنَّ الرَّجُلَ لَيُفتَحُ لَهُ البابُ فيقالُ لَهُ: هَلُمَّ هَلُمَّ، فما يَأتِيهِ.[2]

۸۵۲۸. **پیامبر خدا**ﷺ: دَرِ بهشت به روی یکی از مسخره کنندگان باز می‌گردد و به او گفته می‌شود: بیا. او با غم و اندوه جلو می‌رود و چون نزدیک شد، در به رویش بسته می‌شود. سپس در دیگری به رویش گشوده می‌گردد... این کار مرتّباً تکرار می‌شود تا جایی که در به رویش باز می‌گردد و گفته می‌شود: بیا، بیا؛ اما او دیگر جلو نمی‌رود.

۸۵۲۹. الإمامُ الباقرُ ﷺ ـ في قولِهِ تعالىٰ: ﴿وإذا لَقُوا الذينَ آمَنُوا...﴾ ـ: إنَّهُم كُهّانُهُم قالوا إنّا مَعَكُم أي عَلىٰ دِينِكُم ﴿إنّما نَحنُ مُستَهزِؤونَ﴾ أي نَستَهزِئُ بِأصحابِ محمّدٍ ﷺ ونَسخَرُ بِهِم في قَولِنا: آمَنّا![3]

۸۵۲۹. **امام باقر**ﷺ ـ دربارهٔ آیهٔ «و چون با مؤمنان رو برو شوند...» ـ فرمود: کاهنان آنها وقتی با مؤمنان روبرو می‌شدند، می‌گفتند: ما با شما هستیم؛ یعنی، دین شما را داریم. «ما مسخره کننده‌ایم و بس» یعنی، ما با گفتن جملهٔ «ایمان آوردیم» اصحاب محمّدﷺ را مسخره می‌کنیم.

۸۵۳۰. الإمامُ الصّادقُ ﷺ: لا يَطمَعَنَّ المُستَهزِئُ بالناسِ في صِدقِ المَوَدَّةِ.[4]

۸۵۳۰. **امام صادق**ﷺ: کسی که مردم را مسخره می‌کند، نباید به دوستی خالصانهٔ آنها چشم امید بندد.

---

۱. بحار الأنوار: ۱۰۲/۷۷/۱.
۲. كنز العمّال: ۸۳۲۸. ۳. مجمع البيان: ۱۴۰/۱.
۴. بحار الأنوار: ۱۴۴/۷۵/۹.


مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

۲۲۷

السَّخاءُ

بخشندگی

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

ولمزيد الاطّلاع راجع:

بحار الأنوار: ۷۱/ ۳۵۰ باب ۸۷ «السخاء والسماحة والجود».

كنز العمّال: ۶/ ۳۳۷ـ۳۹۳، ۵۷۰ـ۵۸۸ «السخاء».

بحار الأنوار: ۴۱/ ۲۴ باب ۱۰۲ «سخاء الإمام عليّ عليه السلام».

انظر:

عنوان ۱ «الإيثار»، ۳۱ «البُخل»، ۸۸ «الجود».

۲۹۳ «الصدقة»، ۳۴۸ «فعل المعروف».

۲۵۲ ـــــــ

۸۵۴۱ . الإمامُ الصّادقُ ﷺ: السَّخاءُ مِن أخلاقِ الأنبياءِ، وهُو عِمادُ الإيمانِ، ولا يكونُ مؤمنٌ إلّا سَخيّاً، ولا يكونُ سَخيّاً إلّا ذو يَقينٍ وهِمَّةٍ عالِيَةٍ؛ لأنَّ السَّخاءَ شُعاعُ نورِ اليَقينِ، ومَن عَرَفَ ما قَصَدَ، هانَ علَيهِ ما بَذَلَ.[۱]

(انظر) النبوّة العامّة: باب ۳۷۲۱.

۱۷۶۸
السَّخاءُ ثَمَرَةُ العَقلِ

۸۵۴۲ . الإمامُ عليٌّ ﷺ: السَّخاءُ فِطنَةٌ.[۲]

۸۵۴۳ . عنه ﷺ: لا يُستَعانُ عَلَى اللُّبِّ إلّا بالسَّخاءِ.[۳]

۸۵۴۴ . عنه ﷺ: السَّخاءُ ثَمَرَةُ العَقلِ، والقَناعَةُ بُرهانُ النُّبلِ.[۴]

(انظر) العقل: باب ۲۷۷۷.

۱۷۶۹
السَّخاءُ سِترُ العُيوبِ

۸۵۴۵ . الإمامُ عليٌّ ﷺ: السَّخاءُ سِترُ العُيوبِ.[۵]

---

۱ . بحار الأنوار: ۱۷/۳۵۵/۷۱ .
۲ . بحار الأنوار: ۸۷/۵۳/۷۸.
۳ . بحار الأنوار: ۵۹/۷/۷۸.
۴ . غرر الحكم: ۲۱۴۵ . ۵ . غرر الحكم: ۹۱۴.

۸۵۴۱ . **امام صادق ﷺ**: بخشندگی از اخلاق پیامبران است و ستون ایمان می‌باشد. هیچ مؤمنی نیست مگر آن که بخشنده است و تنها آن کس بخشنده است که از یقین و همّت والا برخوردار باشد؛ زیرا بخشندگی، پرتو نور یقین است. هر که هدف را بشناسد، بخشش بر او آسان شود.

۱۷۶۸
بخشندگی، میوهٔ خرد است

۸۵۴۲ . **امام علی ﷺ**: بخشندگی، هوشمندی است.

۸۵۴۳ . **امام علی ﷺ**: برای یاری خرد، جز از بخشندگی کمک گرفته نشود.

۸۵۴۴ . **امام علی ﷺ**: بخشندگی، میوهٔ خرد است، و قناعت، دلیل شرافت.

۱۷۶۹
بخشندگی، پوشانندهٔ عیبهاست

۸۵۴۵ . **امام علی ﷺ**: بخشندگی، پوشانندهٔ عیبهاست.

۸۵۴۶. عنه ﷺ: غِطاءُ العُيوبِ السَّخاءُ والعَفافُ.[۱]

۸۵۴۷. عنه ﷺ: غَطُّوا مَعايِبَكُم بِالسَّخاءِ، فإنَّهُ سِترُ العُيوبِ.[۲]

۸۵۴۶. **امام علی**ﷺ: پرده‌پوش عیبها، بخشندگی و مناعت [طبع] است.

۸۵۴۷. **امام علی**ﷺ: عیبهای خود را با بخشندگی بپوشانید؛ که آن، پوشانندهٔ عیبهاست.

۱۷۷۰
السَّخاءُ يَزرَعُ المَحَبَّةَ

۱۷۷۰
بخشندگی، بذر محبّت می‌افشاند

۸۵۴۸. الإمامُ عليٌّ ﷺ: السَّخاءُ يَزرَعُ المَحَبَّةَ.[۳]

۸۵۴۹. عنه ﷺ: السَّخاءُ يُثمِرُ الصَّفاءَ.[۴]

۸۵۵۰. عنه ﷺ: السَّخاءُ يُكسِبُ المَحَبَّةَ ويُزَيِّنُ الأخلاقَ.[۵]

۸۵۵۱. عنه ﷺ: السَّخاءُ يُمَحِّصُ الذُّنوبَ ويَجلُبُ مَحَبَّةَ القلوبِ.[۶]

۸۵۵۲. عنه ﷺ: عليكُم بالسَّخاءِ وحُسنِ الخُلُقِ فإنَّهُما يَزِيدانِ الرِّزقَ ويُوجِبانِ المَحَبَّةَ.[۷]

۸۵۵۳. عنه ﷺ: كَثرَةُ السَّخاءِ تُكثِرُ الأولياءَ وتَستَصلِحُ الأعداءَ.[۸]

۸۵۵۴. عنه ﷺ: ما استُجلِبَتِ المَحَبَّةُ بِمِثلِ السَّخاءِ والرِّفقِ وحُسنِ الخُلُقِ.[۹]

(انظر) المحبّة: باب ۶۵۸.

السيّد: باب ۱۹۰۹.

۸۵۴۸. **امام علی**ﷺ: بخشندگی، بذر دوستی می‌افشاند.

۸۵۴۹. **امام علی**ﷺ: بخشندگی، صفا و صمیمیت به بار می‌نشاند.

۸۵۵۰. **امام علی**ﷺ: بخشندگی، دوستی می‌آورد و اخلاق را می‌آراید.

۸۵۵۱. **امام علی**ﷺ: بخشندگی، گناهان را پاک می‌کند و محبّتِ دلها را جلب می‌کند.

۸۵۵۲. **امام علی**ﷺ: بر شما باد بخشندگی و خوشخویی که این دو خصلت روزی را زیاد می‌کند و موجب دوستی می‌شود.

۸۵۵۳. **امام علی**ﷺ: بخشندگی زیاد، بر شمار دوستان می‌افزاید و دشمنان را به آشتی می‌کشاند.

۸۵۵۴. **امام علی**ﷺ: هیچ چیز مانند بخشندگی و مدارا و خوشخویی، جلب محبّت نمی‌کند.

---

۱. غرر الحكم: ۶۴۰۴.
۲. غرر الحكم: ۶۴۴۰.
۳. غرر الحكم: ۳۰۶.
۴. غرر الحكم: ۷۷۹.
۵. غرر الحكم: ۱۶۰۰.
۶. غرر الحكم: ۱۷۳۸.
۷. غرر الحكم: ۶۱۶۱.
۸. غرر الحكم: ۷۱۰۶.
۹. غرر الحكم: ۹۵۶۱.

۱۷۷۱
السَّخِيُّ

۸۵۵۵ . **الكافي**: أوحىٰ اللهُ عزّوجلّ إلىٰ موسىٰ ﷺ : أن لا تَقتُلِ السّامِرِيَّ، فإنَّهُ سَخِيٌّ.[۱]

۸۵۵۶ . رسولُ اللهِ ﷺ: السَّخِيُّ قَريبٌ مِنَ اللهِ، قريبٌ مِن الناسِ، قَريبٌ مِن الجَنَّةِ.[۲]

۸۵۵۷ . **عنه** ﷺ ـ لِعَدِيِّ بنِ حاتِمٍ طيِّئٍ ـ: دُفِعَ عن أبيكَ العَذابُ الشَّديدُ، لِسَخاءِ نَفسِهِ.[۳]

۸۵۵۸ . **عنه** ﷺ: شابٌّ سَخِيٌّ حَسَنُ الخُلُقِ أحَبُّ إلى اللهِ تعالىٰ مِن شَيخٍ بَخيلٍ عابِدٍ سَيِّئِ الخُلُقِ.[۴]

۸۵۵۹ . **عنه** ﷺ: إنَّ السَّخاءَ شَجَرَةٌ مِن أشجارِ الجَنَّةِ لَها أغصانٌ مُتَدَلِّيَةٌ في الدنيا، فمَن كانَ سَخِيّاً تَعَلَّقَ بِغُصنٍ مِن أغصانِها، فَساقَهُ ذلكَ الغُصنُ إلى الجَنَّةِ.[۵]

۸۵۶۰ . **عنه** ﷺ: تَجافَوا عن ذَنبِ السَّخِيِّ فإنَّ اللهَ آخِذٌ بيدِهِ كُلَّما عَثَرَ.[۶]

۸۵۶۱ . **الإمامُ عليٌّ** ﷺ: سادَةُ الناسِ في الدنيا الأسخياءُ، وفي الآخِرَةِ الأتقياءُ.[۷]

---

۱ . الكافي: ۴/۴۱/۱۳. ۲ . بحار الأنوار: ۷۳/۳۰۸/۳۷.
۳ . بحار الأنوار: ۷۱/۳۵۴/۱۶.
۴ . كنز العمّال: ۱۶۰۶۱. ۵ . بحار الأنوار: ۸/۱۷۱/۱۱۴.
۶ . كنز العمّال: ۱۶۲۱۲. ۷ . غرر الحكم: ۵۶۰۲.

۱۷۷۱
بخشنده

۸۵۵۵ . **الكافي**: خداوند عزّوجلّ به موسی ﷺ وحی فرمود که: سامری را نکش؛ زیرا او سخاوتمند است.

۸۵۵۶ . **پیامبر خدا** ﷺ: شخص بخشنده به خدا و مردم و بهشت نزدیک است.

۸۵۵۷ . **پیامبر خدا** ﷺ ـ به عدیّ پسر حاتم طایی ـ فرمود: عذاب سخت از پدرت به خاطر سخاوتش دفع شد.

۸۵۵۸ . **پیامبر خدا** ﷺ: جوانِ سخاوتمند خوش اخلاق، نزد خداوند متعال، از پیرمردِ بخیلِ عابدِ بداخلاق محبوب‌تر است.

۸۵۵۹ . **پیامبر خدا** ﷺ: بخشندگی، یکی از درختان بهشت است که شاخه‌های آن در دنیا آویزان است. بنابراین، هر که بخشنده باشد، به یکی از شاخه‌های آن آویزان شده و آن شاخه او را به طرف بهشت می‌کشاند.

۸۵۶۰ . **پیامبر خدا** ﷺ: از خطای شخص بخشنده درگذرید؛ زیرا هر بار بلغزد، خداوند دست او را می‌گیرد.

۸۵۶۱ . **امام علی** ﷺ: سروران مردم در دنیا بخشندگانند و در آخرت پرهیزگاران.

۸۵۶۲ . **الاختصاص:** رُوِيَ أنّ قوماً أُسارىٰ جِيءَ بِهِم إلىٰ رسولِ اللهِ ﷺ فَأمَرَ أميرَ المؤمنينَ ﷺ بضَربِ أعناقِهِم، ثُمّ أمَرَهُ بِإفرادِ واحدٍ مِنهُم وأن لا يَقتُلَهُ. فقالَ الرجُلُ: لِمَ أفرَدْتَني مِن أصحابي والجِنايَةُ واحِدَةٌ ؟ فقالَ: إنَّ اللهَ عزّوجلّ أوحَى إلَيَّ أنَّكَ سَخِيٌّ قَومِكَ ولا أقتُلُكَ. فقالَ الرجلُ: فإنّي أشهَدُ أن لا إلَهَ إلّا اللهُ وأنَّكَ رسولُ اللهِ.[۱]

۸۵۶۲ . **الاختصاص:** روایت شده که اسیرانی را نزد رسول خدا ﷺ آوردند. آن حضرت به امیر مؤمنان ﷺ دستور داد گردنشان را بزنند و سپس فرمود یک نفر از آنان را جدا کند و او را نکشد. آن مرد گفت: چرا مرا از دوستانم جدا کردی، در حالی که گناه همهٔ ما یکسان است؟ پیامبر فرمود: خداوند عزّوجلّ به من وحی فرمود که تو سخاوتمند قوم خود هستی و تو را نکشم. مرد گفت: پس من نیز گواهی می‌دهم که خدایی جز الله نیست و تو رسول خدا هستی.

۸۵۶۳ . **الإمامُ الصّادقُ ﷺ:** جاهِلٌ سَخِيٌّ أفضَلُ مِن ناسِكٍ بَخِيلٍ.[۲]

۸۵۶۳ . **امام صادق ﷺ:** نابخرد بخشنده، برتر از عابد خسیس است.

۸۵۶۴ . **عنه ﷺ:** شابٌّ سَخِيٌّ مُرَهَّقٌ في الذُّنوبِ أحَبُّ إلى اللهِ عزّوجلّ مِن شَيخٍ عابِدٍ بَخيلٍ.[۳]

۸۵۶۴ . **امام صادق ﷺ:** جوانِ بخشندهٔ آلوده به گناهان، نزد خداوند عزّوجلّ محبوبتر از پیرمردِ عابد خسیس است.

۸۵۶۵ . **عنه ﷺ:** إنّ اللهَ تبارَكَ وتعالىٰ رَضِيَ لَكُم الإسلامَ دِيناً، فَأحسِنُوا صُحبَتَهُ بالسَّخاءِ، وحُسنِ الخُلُقِ.[۴]

۸۵۶۵ . **امام صادق ﷺ:** خداوند تبارک و تعالی اسلام را به عنوان دین شما پسندید، پس با بخشندگی و خوشخویی به خوبی همراهی‌اش کنید.

۸۵۶۶ . **عنه ﷺ:** خِيارُكُم سُمَحاؤُكُم وشِرارُكُم بُخَلاؤُكُم.[۵]

۸۵۶۶ . **امام صادق ﷺ:** بهترین افراد شما، بخشندگان شمایند و بدترینتان، بخیلانتان.

---

۱ . الاختصاص: ۲۵۳. ۲ . بحار الأنوار: ۱۰۳/۲۲۸/۷۸.
۳ . بحار الأنوار: ۳۴/۳۰۷/۷۳.
۴ . الأمالي للصدوق: ۴۱۱/۳۴۴.
۵ . بحار الأنوار: ۳/۳۵۰/۷۱.

۱۷۷۲
طَعامُ السَّخِيِّ وإطعامُهُ

۸۵۶۷ . رسولُ اللهِ ﷺ: طَعامُ السَّخِيِّ دَواءٌ وطَعامُ الشَّحِيحِ داءٌ.[۱]

۸۵۶۸ . الإمامُ الرِّضا ﷺ: السَّخِيُّ يَأكُلُ مِن طَعامِ الناسِ لِيَأكُلُوا مِن طَعامِهِ، والبَخيلُ لا يَأكُلُ مِن طَعامِ الناسِ لِئَلّا يَأكُلُوا مِن طَعامِهِ.[۲]

۱۷۷۳
حَدُّ السَّخاءِ

الكتاب:

﴿وَلا تَجْعَلْ يَدَكَ مَغْلُولَةً إِلىٰ عُنُقِكَ وَلا تَبْسُطْها كُلَّ البَسْطِ فَتَقْعُدَ مَلُوماً مَحْسُوراً﴾.[۳]

الحديث:

۸۵۶۹ . رسولُ اللهِ ﷺ: السَّخِيُّ بِما مَلَكَ وأرادَ بِهِ وَجهَ اللهِ، وأمّا السَّخِيُّ في مَعصيَةِ اللهِ فَحَمّالُ سَخَطِ اللهِ وغَضَبِهِ، وهُو أبخَلُ الناسِ علىٰ نَفسِهِ فكَيفَ لِغَيرِهِ![۴]

۸۵۷۰ . الإمامُ عليٌّ ﷺ: كُن سَمْحاً ولا تَكُن مُبَذِّراً، وكُن مُقَدِّراً ولا تَكُن مُقَتِّراً.[۵]

---

۱ . بحار الأنوار: ۲۲/۳۵۷/۷۱.
۲ . بحار الأنوار: ۸/۳۵۲/۷۱.
۳ . الإسراء: ۲۹.
۴ . بحار الأنوار: ۱۷/۳۵۵/۷۱.
۵ . نهج البلاغة: الحكمة ۳۳.

۱۷۷۲
غذای بخشنده و اطعام او

۸۵۶۷ . **پیامبر خدا ﷺ**: غذای بخشنده، داروست و غذای بخیل، درد.

۸۵۶۸ . **امام رضا ﷺ**: شخص بخشنده از غذای مردم می‌خورد، تا مردم از غذای او بخورند، اما شخص خسیس از غذای مردم نمی‌خورد تا آنها نیز از غذای او نخورند.

۱۷۷۳
مرز بخشندگی

قرآن:

«دستت را به گردنت بسته مدار و آن را به تمامی مگشای که ملامت دیده و حسرت زده خواهی نشست».

حدیث:

۸۵۶۹ . **پیامبر خدا ﷺ**: بخشنده کسی است که در اموال خود و برای رضای خدا، بخشندگی داشته باشد. کسی که در راه معصیت خدا دست و دل باز باشد، خشم و ناخشنودی خدا را برای خود آورده است. چنین کسی، بخیل‌ترین مردمان نسبت به خود است، چه رسد به دیگران.

۸۵۷۰ . **امام علی ﷺ**: بخشنده باش اما ولخرج مباش، صرفه جو باش اما سختگیر مباش.

٨٥٧١ . عنه ﷺ: السَّخاءُ أن تَكونَ بمالِكَ مُتَبَرِّعاً وعن مالِ غَيرِكَ مُتَوَرِّعاً.[1]

٨٥٧١ . امام علی ﷺ: بخشندگی آن است که مال خود را بذل و بخشش کنی و در برابر ثروت دیگران پارسایی نشان دهی.

٨٥٧٢ . الإمامُ الصّادقُ ﷺ: لَيسَ السَّخِيُّ المُبَذِّرَ الذي يُنفِقُ مالَهُ في غَيرِ حَقِّهِ، ولكنَّهُ الذي يُؤَدّي إلى اللهِ عزّوجلّ ما فَرَضَ عليهِ في مالِهِ مِنَ الزَّكاةِ وغَيرِها.[2]

٨٥٧٢ . امام صادق ﷺ: انسان بخشنده، آن ولخرجی نیست که اموال خود را نابجا حیف و میل کند، بلکه بخشنده، کسی است که زکات و دیگر حقوق مالی را که خداوند عزّوجلّ بر او واجب کرده است، بپردازد.

٨٥٧٣ . عنه ﷺ ـ لَمّا سُئِلَ عن حَدِّ السَّخاءِ ـ: تُخرِجُ مِن مالِكَ الحَقَّ الذي أوجَبَهُ اللهُ عليكَ، فَتَضَعُهُ في مَوضِعِهِ.[3]

٨٥٧٣ . امام صادق ﷺ ـ در پاسخ به سؤال از حد و مرز بخشندگی ـ فرمود: حقوقی را که خداوند بر اموال تو واجب کرده است، خارج کنی و آن را در جای خودش قرار دهی.

٨٥٧٤ . عنه ﷺ: السَّخِيُّ الكريمُ الذي يُنفِقُ مالَهُ في حَقٍّ.[4]

٨٥٧٤ . امام صادق ﷺ: سخاوتمندِ کریم کسی است که اموال خود را به حق خرج کند.

٨٥٧٥ . عنه ﷺ: السَّخاءُ أن تَسخُوَ نَفسُ العَبدِ عنِ الحَرامِ أن تَطلُبَهُ، فإذا ظَفِرَ بالحلالِ طابَت نَفسُهُ أن يُنفِقَهُ في طاعَةِ اللهِ عزّوجلّ.[5]

٨٥٧٥ . امام صادق ﷺ: بخشندگی آن است که نفس بنده از طلب حرام صرف نظر کند و هرگاه به مال حلالی دست یافت، با رضایت خاطر آن را در راه طاعت خداوند عزّوجلّ خرج کند.

٨٥٧٦ . عنه ﷺ: السَّخاءُ ما كانَ ابتِداءً، فَأمّا ما كانَ مِن مَسأَلَةٍ فَحَياءٌ وتَذَمُّمٌ.[6]

٨٥٧٦ . امام صادق ﷺ: بخشندگی آن است که بی‌خواهش کسی صورت گیرد؛ اما آن بخشندگی که در مقابل درخواست انجام گیرد، ناشی از شرمندگی و برای فرار از نکوهش است.

٨٥٧٧ . عنه ﷺ: المُؤمنُ لَهُ قُوَّةٌ في دِينٍ... وسَخاءٌ في حَقٍّ.[7]

٨٥٧٧ . امام صادق ﷺ: مؤمن در دین نیرومند است... و سخاوتش به جا و به حق.

---

١ . غرر الحكم: ١٩٢٨.
٢ . بحار الأنوار: ٩/٣٥٢/٧١.
٣ . بحار الأنوار: ١٠/٣٥٣/٧١.
٤ . بحار الأنوار: ١١/٣٥٣/٧١.
٥ . معاني الأخبار: ٣/٢٥٦.
٦ . بحار الأنوار: ٢١/٣٥٧/٧١.
٧ . الكافي: ٤/٢٣١/٢.

۸۵۷۸ . الإمامُ العسكريُّ ﷺ: إنّ للسَّخاءِ مِقداراً فإنْ زادَ علَيهِ فهُو سَرَفٌ .[۱]

(انظر) الصدقة : باب ۲۲۰۸.

۱۷۷۴
أسخَى النّاسِ

۸۵۷۹ . رسولُ اللهِ ﷺ: أسخَى الناسِ مَن أدّىٰ زَكاةَ مالِهِ .[۲]

(انظر) الصدقة : باب ۲۱۹۹.

۱۷۷۵
ذَمُّ البَخيلِ الَّذي يَسخو عِندَ الوَفاةِ

۸۵۸۰ . رسولُ اللهِ ﷺ: إنَّ اللهَ يُبغِضُ البَخيلَ في حَياتِهِ، السَّخِيَّ عندَ وَفاتِهِ .[۳]

(انظر) الصدقة : باب ۲۱۹۹.

۸۵۷۸ . **امام عسکری**ﷺ: بخشندگی اندازه‌ای دارد که اگر از آن فراتر رود اسراف است.

۱۷۷۴
بخشنده‌ترین مردمان

۸۵۷۹ . **پیامبر خدا**ﷺ: بخشنده‌ترین مردم، کسی است که زکات مال خود را بپردازد.

۱۷۷۵
تکوهش بخیلی که در هنگام مرگ بخشنده شود

۸۵۸۰ . **پیامبر خدا**ﷺ: خداوند از کسی که در زمان حیات خود خسیس باشد و در هنگام فرا رسیدن مرگش بخشنده شود، نفرت دارد.

---

۱ . بحار الأنوار : ۱۱۵/۴۰۷/۶۹.

۲ . بحار الأنوار : ۲/۱۱۲/۷۷.

۳ . بحار الأنوار : ۸/۱۷۳/۷۷.


مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

السِّرُّ

راز

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

ولمزيد الاطّلاع راجع:

بحار الأنوار: ۷۵/ ۶۸ باب ۴۵ «كتمان السرّ».

وسائل الشيعة: ۸/ ۶۰۸ باب ۱۵۷ «تحريم إذاعة سرّ المؤمن».

انظر:

عنوان ۴۵۵ «الكتمان».

۱۷۷۶
كِتمانُ السِّرِّ

۸۵۸۱ . الإمامُ عليٌّ ﷺ: مَن كَتَمَ سِرَّهُ كانَتِ الخِيَرَةُ بيَدِهِ.[۱]

۸۵۸۲ . عنه ﷺ: الظَّفَرُ بِالحَزمِ، والحَزمُ بِإجالَةِ الرَّأيِ، والرَّأيُ بِتَحصينِ الأسرارِ.[۲]

۸۵۸۳ . عنه ﷺ: سِرُّكَ أسيرُكَ فإن أفشَيتَهُ صِرتَ أسيرَهُ.[۳]

۸۵۸۴ . عنه ﷺ: سِرُّكَ سُرورُكَ إن كَتَمتَهُ، وإن أذَعتَهُ كانَ ثُبورَكَ.[۴]

۸۵۸۵ . عنه ﷺ: المَرءُ أحفَظُ لِسِرِّهِ.[۵]

۸۵۸۶ . عنه ﷺ: صَدرُ العاقِلِ صُندوقُ سِرِّهِ.[۶]

۸۵۸۷ . عنه ﷺ: كُلَّما كَثُرَ خُزّانُ الأسرارِ كَثُرَ ضُيّاعُها.[۷]

۸۵۸۸ . عنه ﷺ: لا حِرزَ لِمَن لا يَسَعُ سِرَّهُ صَدرُهُ.[۸]

---

۱ . نهج البلاغة: الحكمة ۱۶۲.
۲ . نهج البلاغة: الحكمة ۴۸. ۳ . غرر الحكم: ۵۶۳۰.
۴ . غرر الحكم: ۵۶۱۶.
۵ . نهج البلاغة: الكتاب ۳۱.
۶ . نهج البلاغة: الحكمة ۶.
۷ . غرر الحكم: ۷۱۹۷. ۸ . غرر الحكم: ۱۰۶۷۶.

۱۷۷۶
رازپوشی

۸۵۸۱ . **امام علی**ﷺ: هر كه راز خود را بپوشاند، قدرت انتخاب در دست اوست.

۸۵۸۲ . **امام علی**ﷺ: پیروزی با احتیاط به دست می‌آید، و احتیاط، با اندیشیدن و سنجیدن، و اندیشیدن و سنجیدن، با رازداری.

۸۵۸۳ . **امام علی**ﷺ: راز تو در بند توست. اگر آن را فاش كنی تو در بندش خواهی شد.

۸۵۸۴ . **امام علی**ﷺ: راز تو، مایهٔ شادی توست، اگر پنهانش داری و سبب هلاكت توست، اگر آن را فاش سازی.

۸۵۸۵ . **امام علی**ﷺ: آدمی، [خودش] راز خود را بیشتر نگه می‌دارد [تا دیگران].

۸۵۸۶ . **امام علی**ﷺ: سینهٔ خردمند، صندوق راز اوست.

۸۵۸۷ . **امام علی**ﷺ: هر چه تعداد كسانی كه اسرار را می‌دانند بیشتر باشد، آن اسرار فاش‌كنندگانش بیشتر هستند.

۸۵۸۸ . **امام علی**ﷺ: كسی كه سینه‌اش گنجایش رازش را نداشته باشد، در امان نیست.

۸۵۸۹ . عنه ﷺ: أبْذُلْ لِصَدِيقِكَ كُلَّ المَوَدَّةِ ولا تَبذُلْ لَهُ كُلَّ الطُّمَأنِينَةِ.[۱]

۸۵۸۹ . **امام علی**ﷺ: هرچه محبّت داری نثار دوستت کن، اما هرچه اطمینان داری به پای او مریز.

۸۵۹۰ . عنه ﷺ: أنجَحُ الأُمورِ ما أحاطَ بِهِ الكِتمانُ.[۲]

۸۵۹۰ . **امام علی**ﷺ: موفّقترین کارها، کاری است که با کتمان کامل صورت گیرد.

۸۵۹۱ . عنه ﷺ: لا تُودِعْ سِرَّكَ إلّا عِندَ كُلِّ ثِقَةٍ.[۳]

۸۵۹۱ . **امام علی**ﷺ: راز خود را جز به کسی که مورد اعتماد است مسپار.

۸۵۹۲ . عنه ﷺ: لا بَأسَ بأن لا يُعلَمَ سِرُّكَ.[۴]

۸۵۹۲ . **امام علی**ﷺ: چه باک که رازت دانسته نشود؟

۸۵۹۳ . عنه ﷺ: مَن ضَعُفَ عَن حِفظِ سِرِّهِ لَم يَقْوَ لِسِرِّ غَيرِهِ.[۵]

۸۵۹۳ . **امام علی**ﷺ: کسی که در نگه داشتن راز خود ناتوان باشد، در حفظ راز دیگران توانا نباشد.

۸۵۹۴ . **الإمامُ الصّادقُ** ﷺ: صَدرُكَ أوسَعُ لِسِرِّكَ.[۶]

۸۵۹۴ . **امام صادق**ﷺ: سینهٔ تو، گنجایش بیشتری برای راز تو دارد.

۸۵۹۵ . عنه ﷺ: إفشاءُ السِّرِّ سُقوطٌ.[۷]

۸۵۹۵ . **امام صادق**ﷺ: فاش کردن راز، مایهٔ سقوط است.

۸۵۹۶ . **الإمامُ الرِّضا** ﷺ: لا يَكونُ المؤمنُ مؤمناً حتّىٰ يَكونَ فيهِ ثلاثُ خِصالٍ: سُنَّةٌ مِن رَبِّهِ، وسُنَّةٌ مِن نَبِيِّهِ، وسُنَّةٌ مِن وَلِيِّهِ، فالسُّنَّةُ مِن رَبِّهِ كِتمانُ سِرِّهِ، قالَ اللهُ عزّوجلّ: ﴿عالِمُ الغَيبِ فلا يُظهِرُ عَلىٰ غَيبِهِ أحَداً ۞ إلّا مَنِ ارْتَضىٰ مِن رسولٍ﴾.[۸،۹]

۸۵۹۶ . **امام رضا**ﷺ: مؤمن، مؤمن نباشد مگر این که سه خصلت در او باشد: خصلتی از پروردگارش و خصلتی از پیامبرش و خصلتی از ولیّش. خصلت پروردگارش راز پوشی است. خداوند عزّوجلّ فرموده است: «دانای غیب و نهان است و هیچ کس را بر غیب خود آگاه نمی‌سازد، مگر پیامبری را که پسندیده باشد».

۸۵۹۷ . **الإمامُ الجوادُ** ﷺ: إظهارُ الشَّيءِ قبلَ أن يَستَحكِمَ مَفسَدَةٌ لَهُ.[۱۰]

۸۵۹۷ . **امام جواد**ﷺ: آشکار کردن چیزی، پیش از آن که استوار گردد، موجب تباهی آن می‌شود.

---

۱. غرر الحكم: ۲۴۶۳.
۲. غرر الحكم: ۳۲۸۴.
۳. بحار الأنوار: ۳/۲۳۵/۷۷.
۴. بحار الأنوار: ۱/۲۶۹/۷۷.
۵. غرر الحكم: ۸۹۴۱.
۶. بحار الأنوار: ۱۷/۷۱/۷۵.
۷. تحف العقول: ۳۱۵.
۸. الجنّ: ۲۶ و ۲۷.
۹. بحار الأنوار: ۲/۶۸/۷۵.
۱۰. بحار الأنوار: ۱۳/۷۱/۷۵.

۱۷۷۷
التَّفرُّدُ بِالسِّرِّ

۸۵۹۸. **الإمامُ عليٌّ** ﷺ: اِنفَرِدْ بِسِرِّكَ ولا تُودِعْهُ حازِماً فَيَزِلَّ ولا جاهِلاً فَيَخُونَ.[۱]

۸۵۹۹. **عنه** ﷺ: اِحْفَظْ أمرَكَ ولا تُنكِحْ خاطِباً سِرَّكَ.[۲]

۸۶۰۰. **الإمامُ الصّادقُ** ﷺ: سِرُّكَ مِن دَمِكَ فلا يَجرِيَنَّ مِن غَيرِ أوداجِكَ.[۳]

۱۷۷۸
مِعيارُ حِفظِ الأسرارِ

۸۶۰۱. **الإمامُ الصّادقُ** ﷺ: لا تُطلِعْ صَدِيقَكَ مِن سِرِّكَ إلّا علىٰ ما لَو أطلَعتَ علَيهِ عَدُوَّكَ لَم يَضُرَّكَ، فإنَّ الصَّديقَ قد يكونُ عَدوّاً يَوماً ما.[۴]

۱۷۷۹
مَن لا يَنبَغي إيداعُهُم سِرّاً

۸۶۰۲. **الإمامُ عليٌّ** ﷺ: لا تُسِرَّ إلى الجاهِلِ شيئاً لا يُطِيقُ كِتمانَهُ.[۵]

۸۶۰۳. **عنه** ﷺ: لا تُودِعَنَّ سِرَّكَ مَن لا أمانَةَ لَهُ.[۶]

---

۱. غرر الحكم: ۲۳۰۶. ۲. غرر الحكم: ۲۳۰۵.
۳. بحار الأنوار: ۱۵/۷۱/۷۵. ۴. مشكاة الأنوار: ۱۸۸۶/۵۵۷.
۵. غرر الحكم: ۱۰۲۶۵. ۶. غرر الحكم: ۱۰۱۶۶.

۱۷۷۷
رازت را فقط خودت بدان

۸۵۹۸. **امام علی**ﷺ: رازت را تنها برای خودت نگه دار و آن را نه به دور اندیش سپار، که می‌لغزد و نه به نادان، که خیانت می‌کند.

۸۵۹۹. **امام علی**ﷺ: امور مربوط به خودت را نگه دار و دختر رازت را عروس هر خواستگاری مکن.

۸۶۰۰. **امام صادق**ﷺ: راز تو جزئی از خون توست، پس نباید که در رگهای غیر تو جریان یابد.

۱۷۷۸
معیار رازداری

۸۶۰۱. **امام صادق**ﷺ: دوستت را از راز خود آگا مکن، مگر بر رازی که اگر دشمن از آن آگا شود نتواند به تو زیانی رساند؛ زیرا دوست نیز ممکن است روزی دشمن شود.

۱۷۷۹
کسانی که نباید به آنها راز سپرد

۸۶۰۲. **امام علی**ﷺ: با نادان، رازی که طاقت کتمانش را ندارد، در میان مگذار.

۸۶۰۳. **امام علی**ﷺ: راز خود را به کسی که امانتدار نیست، مسپار.

۸۶۰۳ . **الإمامُ الباقرُ**ﷺ: لا تَصحَبِ الفاجِرَ، ولا تُطلِعهُ عَلَى سِرِّكَ ولا تَأتَمِنهُ عَلَى أمانَتِكَ وَاستَشِر في أُمورِكَ الَّذينَ يَخشَونَ رَبَّهُم.[1]

۸۶۰۳ . **امام باقر**ﷺ: با فاجر همراهی نکن و او را بر اسرارت آگاه منما و امانت خود را به او مسپار و اعتماد نکن و با کسانی در کارهایت مشورت کن که از پروردگارشان بیمناکند.

۸۶۰۵ . **الإمامُ الصّادقُ**ﷺ: أربَعةٌ يَذهَبنَ ضَياعاً: ... وسِرٌّ تُودِعُهُ عِندَ مَن لا حَصافَةَ لَهُ.[2]

۸۶۰۵ . **امام صادق**ﷺ: چهار چیز بر باد می‌رود: ... و رازی که به کسی سپاری که استوار اندیش نیست.

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

۱. علل الشرایع: ۲/۵۵۹. ۲. بحار الأنوار: ۴/۶۹/۷۵.


مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

السيرة

درون

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

ولمزيد الاطّلاع راجع:

بحار الأنوار: ٣٦٢/٧١باب ٩٠«اصلاح السريرة».

انظر:

الرياء: باب ١٤١٠، الجمال: باب ٥٢٦، الاختلاف: باب ١٠٦٣.

النيّة: باب ٣٩٢٦، ٣٩٢٧.

۱۷۸۰
صَلاحُ السَّرائِرِ

۸۶۰۶. **الإمامُ عليٌّ ﷺ**: صَلاحُ السَّرائِرِ، بُرهانُ صِحَّةِ البَصائِرِ.[۱]

۸۶۰۷. **عنه ﷺ**: طوبىٰ لِمَن صَلُحَتْ سَرِيرَتُهُ، وحَسُنَتْ عَلانِيَتُهُ، وعَزَلَ عنِ الناسِ شَرَّهُ.[۲]

۸۶۰۸. **عنه ﷺ**: مَن حَسُنَتْ سَرِيرَتُهُ لَم يَخَفْ أحَداً.[۳]

۸۶۰۹. **عنه ﷺ**: صِحَّةُ الضَّمائِرِ مِن أفضَلِ الذَّخائِرِ.[۴]

۸۶۱۰. **عنه ﷺ**: الضَّمائِرُ الصِّحاحُ أصدَقُ شَهادَةً مِنَ الأَلسُنِ الفِصاحِ.[۵]

۸۶۱۱. **عنه ﷺ**: عندَ تَصحِيحِ الضَّمائِرِ يَبدُو غِلُّ السَّرائِرِ.[۶]

۱۷۸۱
ظُهورُ السَّرائِرِ

الكتاب:

﴿يَومَ تُبلَى السَّرائِرُ﴾.[۷]

---

۱. غرر الحكم: ۵۸۰۷.
۲. غرر الحكم: ۵۹۶۳.
۳. غرر الحكم: ۸۲۱۵.
۴. غرر الحكم: ۵۸۱۳.
۵. غرر الحكم: ۲۱۸۶.
۶. غرر الحكم: ۶۲۱۰.
۷. الطارق: ۹.

۱۷۸۰
پاکی درونها

۸۶۰۶. **امام علی ﷺ**: پاکی درونها، دلیل درستی بینشهاست.

۸۶۰۷. **امام علی ﷺ**: خوشا به حال کسی که درونش پاک و بیرونش نیکو و گزندش از مردم دور باشد.

۸۶۰۸. **امام علی ﷺ**: هر که درونش نیکو باشد، از هیچ کس ترسی نداشته باشد.

۸۶۰۹. **امام علی ﷺ**: سلامتِ درونها، از بهترین اندوختههاست.

۸۶۱۰. **امام علی ﷺ**: گواهی درونها (وجدانهای سالم)، از شهادت زبانهای فصیح راستتر است.

۸۶۱۱. **امام علی ﷺ**: هنگام رسیدگی به ضمیرهاست که کینهٔ پوشیدهٔ درونها آشکار میشود.

۱۷۸۱
آشکار شدن درونها

قرآن:

«روزی که درونها آشکار شود».

الحديث:

۸۶۱۲. رسولُ اللهِ ﷺ: مَن أسَرَّ ما يُرضِي اللهَ عزّوجلّ أظهَرَ اللهُ لَهُ ما يَسُرُّهُ، ومَن أسَرَّ ما يُسخِطُ اللهَ تعالىٰ أظهَرَ اللهُ ما يُخزِيهِ.[۱]

۸۶۱۳. عنه ﷺ: ما أسَرَّ عَبدٌ سَرِيرَةً إلّا ألبَسَهُ اللهُ رِداءَها إن خَيراً فَخَيرٌ وإن شَرّاً فَشَرٌّ.[۲]

۸۶۱۴. عنه ﷺ: لَو أنَّ أحَدَكُم يَعمَلُ في صَخرَةٍ صَمّاءَ لَيسَ لَهابابٌ ولا كَوَّةٌ لَخَرَجَ عَمَلُهُ للناسِ كائناً ماكانَ.[۳]

۸۶۱۵. عنه ﷺ: مَن أصلَحَ فيما بَينَهُ وبَينَ اللهِ أصلَحَ اللهُ فيما بَينَهُ وبَينَ الناسِ، ومَن أصلَحَ جَوّانِيَّهُ أصلَحَ اللهُ بَرّانِيَّهُ، ومَن أرادَ وَجهَ اللهِ أنالَهُ اللهُ وَجهَهُ ووُجُوهَ الناسِ.[۴]

۸۶۱۶. الإمامُ عليٌّ ﷺ: لِكُلِّ ظاهِرٍ باطِنٌ عَلىٰ مِثالِهِ، فَمَن طابَ ظاهِرُهُ طابَ باطِنُهُ، وما خَبُثَ ظاهِرُهُ خَبُثَ باطِنُهُ.[۵]

۸۶۱۷. عنه ﷺ: مَن صَلَحَ مَعَ اللهِ سبحانَهُ لم يَفسُدْ مَعَ أحَدٍ، مَن فَسَدَ مَعَ اللهِ لَم يَصلَحْ مَعَ أحَدٍ.[۶]

---

۱. بحار الأنوار: ۱۰/۳۶۵/۷۱.
۲. كنز العمّال: ۵۲۷۵. ۳. كنز العمّال: ۵۲۷۴.
۴. كنز العمّال: ۴۳۱۶۶. ۵. غرر الحكم: ۷۳۱۳.
۶. غرر الحكم: ۸۶۲۱ـ۸۶۲۲.

حدیث:

۸۶۱۲. **پیامبر خدا ﷺ**: هر که چیزی نهان دارد که خداوند عزّوجلّ را خشنود می‌سازد، خداوند برایش کاری را آشکار سازد که او را شادمان کند و هر که چیزی نهان دارد که خداوند متعال را به خشم می‌آورد، خداوند برایش کاری را آشکار نماید که او را سرافکنده سازد.

۸۶۱۳. **پیامبر خدا ﷺ**: هیچ بنده‌ای نیست که نیّتی را در دل پنهان دارد، مگر آن که خداوند ردای آن را بر او بپوشاند؛ اگر خوب باشد، ردای خوب و اگر بد باشد، ردای بد.

۸۶۱۴. **پیامبر خدا ﷺ**: اگر هر یک از شما در دل صخره‌ای سخت، که نه دری داشته باشد و نه روزنه‌ای، کاری انجام دهد، سرانجام مردم از عمل او، هرچه باشد، آگاه شوند.

۸۶۱۵. **پیامبر خدا ﷺ**: هر که میان خود و خدا را اصلاح کند، خداوند میان او و مردم را اصلاح گرداند و هر که درونش را درست کند، خداوند بیرونش را درست گرداند و هر که رضایت خدا را بطلبد، خداوند رضایت خودش و مردم را نصیبش گرداند.

۸۶۱۶. **امام علی ﷺ**: هر ظاهری، باطنی همانند خودش دارد. پس، کسی که ظاهرش خوب باشد، باطنش نیز خوب است و هر که ظاهرش پلید باشد، باطنش نیز پلید است.

۸۶۱۷. **امام علی ﷺ**: هر که با خداوند سبحان درست باشد، با هیچ کس نادرست نباشد و هر که با خدا نادرست باشد، با هیچ کس درست نباشد.

۸۶۱۸. عنه ﷺ: مَن حَسُنَتْ سَرِيرَتُهُ، حَسُنَتْ عَلانِيَتُهُ.[۱]

۸۶۱۹. عنه ﷺ: عِندَ فَسادِ العَلانِيَةِ تَفسُدُ السَّرِيرَةُ.[۲]

۸۶۲۰. عنه ﷺ: حُسنُ السِّيرَةِ عُنوانُ حُسنِ السَّرِيرَةِ.[۳]

۸۶۲۱. عنه ﷺ: صَلاحُ الظَّواهِرِ عُنوانُ صِحَّةِ الضَّمائِرِ.[۴]

۸۶۲۲. عنه ﷺ: ما أضمَرَ أحَدٌ شيئاً إلّا ظَهَرَ فِي فَلَتاتِ لِسانِهِ، وصَفَحاتِ وَجهِهِ.[۵]

۸۶۲۳. الإمامُ الصّادقُ ﷺ: ما مِن عَبدٍ أسَرَّ خَيراً فَذَهَبَتِ الأيّامُ أبَداً حتّىٰ يُظهِرَ اللهُ لَهُ خَيراً، وما مِن عَبدٍ يُسِرُّ شرّاً فَذَهَبَتِ الأيّامُ حَتّىٰ يُظهِرَ اللهُ لَهُ شرّاً.[۶]

۸۶۲۴. مصباح الشريعة ـ فيما نسبه إلى الصادق ﷺ ـ: فَسادُ الظاهِرِ مِن فَسادِ الباطِنِ، ومَن أصلَحَ سَرِيرَتَهُ أصلَحَ اللهُ عَلانِيَتَهُ... وأعظَمُ الفَسادِ أن يَرضَى العَبدُ بِالغَفلَةِ عنِ اللهِ تعالى، وهذا الفَسادُ يَتَوَلَّدُ

۸۶۱۸. **امام علی**ﷺ: هر که درونش خوب باشد، بیرونش نیز خوب خواهد بود.

۸۶۱۹. **امام علی**ﷺ: وقتی ظاهر خراب باشد، باطن نیز خراب است.

۸۶۲۰. **امام علی**ﷺ: سیرت نیکو، نشانگر باطن نیکوست.

۸۶۲۱. **امام علی**ﷺ: درست بودن ظاهر، نشانگر درست بودن باطن است.

۸۶۲۲. **امام علی**ﷺ: هیچ کس چیزی را در دل پنهان نکرد، مگر این که آن چیز، خود را در لغزشهای زبان و حرکات چهره‌اش نمودار ساخت.

۸۶۲۳. **امام صادق**ﷺ: هیچ بنده‌ای نیست که خیری را در نهان انجام دهد، مگر آن که با گذشت روزگار، خداوند خیری از او را آشکار سازد و هیچ بنده‌ای نیست که در نهان کار شرّی به جای آورد، جز آن که با گذشت زمان، خداوند شرّی از او را نمایان سازد.

۸۶۲۴. **مصباح الشریعة** ـ در آنچه به امام صادقﷺ نسبت داده است ـ: فساد ظاهر، ناشی از فساد باطن است و هر که درون خود را درست کند، خداوند ظاهر او را درست گرداند... بزرگترین تباهی آن است که آدمی به غفلت، از خداوند متعال خرسند باشد؛ این تباهی زاییدهٔ آرزوی

---

۱. غرر الحکم: ۸۰۲۶. ۲. غرر الحکم: ۶۲۲۷.
۳. غرر الحکم: ۴۸۴۶. ۴. غرر الحکم: ۵۸۰۸.
۵. نهج البلاغة: الحکمة ۲۶.
۶. بحار الأنوار: ۴/۲۸۲/۷۲.

مِن طُولِ الأمَلِ والحِرصِ والكِبرِ، كما أخبَرَ اللهُ تعالى في قِصَّةِ قارونَ في قولِهِ: ﴿وَلا تَبْغِ الفَسادَ في الأَرْضِ إنَّ اللهَ لا يُحِبُّ المُفْسِدِينَ﴾[1] وكانَت هذه الخِصالُ مِن صُنعِ قارونَ واعتِقادِهِ، وأصلُها مِن حُبِّ الدنيا.[2]

۸۶۲۵. الإمامُ الصّادقُ ﷺ ـ لعُمَرَ بنِ يَزيدَ وقد تَعَشّىٰ عِندَهُ إذ تَلا هذهِ الآيَةَ: ﴿بَلِ الإنسانُ عَلىٰ نَفْسِهِ بَصِيرَةٌ﴾[3] ـ: يا أبا حَفصٍ، ما يَصنَعُ الإنسانُ أن يَتَقَرَّبَ إلى اللهِ عزّوجلّ بخِلافِ ما يَعلَمُ اللهُ تعالى؟! إنَّ رسولَ اللهِ ﷺ كانَ يقولُ: مَن أسَرَّ سَرِيرَةً رَدّاهُ اللهُ رِداءَها إن خَيراً فَخَيرٌ وإن شَرّاً فَشَرٌّ.[4]

۸۶۲۵. امام صادق ﷺ ـ به عمر بن یزید که نزدش شام می‌خورد، و پس از تلاوت این آیه: «بلکه انسان به خود بیناست» ـ فرمود: ای ابا حفص! انسان را چه سود که بر خلاف آنچه خداوند متعال [از باطن او] می‌داند به او تقرّب جوید. رسول خدا ﷺ می‌فرمود: هر که نیّتی در دل داشته باشد، خداوند ردای آن را بر او می‌پوشاند؛ اگر خوب باشد، ردایی خوب بپوشاند و اگر بد باشد، ردایی بد.

۸۶۲۶. عنه ﷺ: مَن أرادَ اللهَ عزّوجلّ بالقَليلِ مِن عَمَلِهِ، أظهَرَ(هُ)اللهُ لَهُ أكثَرَ مِمّا أرادَ، ومَن أرادَ الناسَ بالكَثيرِ مِن عَمَلِهِ في تَعَبٍ مِن بَدَنِهِ وسَهَرٍ مِن لَيلِهِ أبَى اللهُ عزّوجلّ إلّا أن يُقَلِّلَهُ في عَينِ مَن سَمِعَهُ.[5]

۸۶۲۶. امام صادق ﷺ: هر که اندک عمل خود را برای خداوند عزّوجلّ انجام دهد، خداوند بیشتر از آنچه خواسته برایش نمایان سازد و هر که عمل بسیار خود را، با تحمّل رنج جسمی و شب زنده‌داری برای مردم انجام دهد، خداوند عزّوجلّ جز این که اعمال او را در چشم کسانی که اعمالش را می‌شنوند اندک جلوه دهد، کاری نکند.

۱۷۸۲
صَلاحُ السَّريرَةِ وَالعَلانِيَةِ

۸۶۲۷. الإمامُ الصّادقُ ﷺ: إنَّ السَّريرَةَ إذا صَحَّتْ

۱۷۸۲
پاکی درون و بیرون

۸۶۲۷. امام صادق ﷺ: هرگاه درون سالم شد،

---

۱. القصص: ۷۷.
۲. مصباح الشريعة: ۴۲۶ـ۴۲۷، بحار الأنوار: ۱/۳۹۵/۷۳.
۳. القيامة: ۱۴. ۴. الكافي: ۶/۲۹۴/۲.
۵. بحار الأنوار: ۱۳/۲۹۰/۷۲.

قَوِيَتِ العَلانِيَةُ.[1]

برون نیرومند می‌شود.

۸۶۲۸. عنه ﷺ: ما يَنفَعُ العَبدَ يُظهِرُ حَسَناً ويُسِرُّ سَيِّئاً ؟! أَلَيسَ إذا رَجَعَ إلىٰ نفسِهِ، عَلِمَ أنَّهُ لَيسَ كذلكَ ؟! واللهُ تعالىٰ يقولُ: ﴿بَلِ الإنسانُ علىٰ نَفْسِهِ بَصِيرَةٌ﴾[2] إنّ السَّريرَةَ إذا صَلُحَتْ قَوِيَتِ العَلانِيَةُ.[3]

۸۶۲۸. **امام صادق** ﷺ: بنده را چه سود که نیکی آشکار کند و بدی نهان دارد؟ مگر نه این که چون به خودش مراجعه کند، درمی‌یابد که حقیقت چنین نیست. خدا می‌فرماید: «بلکه انسان به خود بیناست». درون هرگاه درست شد، برون نیز نیرومند می‌شود.

۸۶۲۹. تنبيه الخواطر: قيل: إذا استَوَتِ السَّرِيرَةُ والعَلانِيَةُ فذلكَ العَدلُ وإن كانَتِ السَّرِيرَةُ أحسَنَ مِنَ العَلانِيَةِ فذلكَ الإحسانُ وإن كانَتِ العَلانِيَةُ أحسَنَ مِنَ السَّرِيرَةِ فذلكَ العُدوانُ.[4]

۸۶۲۹. **تنبيه الخواطر**: گفته شده است: هرگاه درون و برون یکسان باشند این «عدل» است و هرگاه درون بهتر از برون باشد، این «احسان» است، و هرگاه برون بهتر از درون باشد، این «عدوان» است.

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

---

۱. الكافي: ۱۱/۲۹۵/۲. ۲. القيامة: ۱۴.
۳. بحار الأنوار: ۱۴/۳۶۶/۷۱.
۴. تنبيه الخواطر: ۱۴/۱.



۲۳۰

السُّرور

شادمانی

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

ولمزید الاطّلاع راجع:

کنز العمّال: ۶/ ۴۳۱ـ۴۳۳ «إدخال السرور علی المؤمن».

انظر:

عنوان ۱۱۲ «الحزن»، ۴۱۰ «الفرح».

۱۷۸۳
السُّرورُ

الكتاب:

﴿فَوَقاهُمُ اللهُ شَرَّ ذٰلِكَ اليَومِ وَلَقّاهُمْ نَضْرَةً وسُرُوراً﴾.[۱]

﴿و يَنقَلِبُ إلىٰ أَهْلِهِ مَسْرُوراً﴾.[۲]

الحديث:

۸۶۳۰. **الإمامُ عليٌّ** ﷺ: السُّرُورُ يَبسُطُ النَّفسَ ويُثيرُ النَّشاطَ، الغَمُّ يَقبِضُ النَّفسَ ويَطوِي الانبِساطَ.[۳]

۸۶۳۱. **عنه** ﷺ: مَن قَلَّ سُرُورُهُ كانَ في المَوتِ راحَتُهُ.[۴]

۸۶۳۲. **عنه** ﷺ: أوقاتُ السُّرورِ خُلسَةٌ.[۵]

۸۶۳۳. **عنه** ﷺ: بِقَدرِ السُّرورِ يَكونُ التَّنغِيصُ.[۶]

۸۶۳۴. **الإمامُ الصّادقُ** ﷺ: السُّرورُ في ثلاثِ خِلالٍ: في الوَفاءِ، ورِعايَةِ الحُقوقِ، والنُّهُوضِ في النَّوائبِ.[۷]

---

۱. الإنسان: ۱۱.
۲. الانشقاق: ۹.
۳. غرر الحكم: ۲۰۲۳ و ۲۰۲۴.
۴. بحار الأنوار: ۷۰/۱۲/۷۸.
۵. غرر الحكم: ۱۰۸۴.
۶. غرر الحكم: ۴۲۵۵.
۷. تحف العقول: ۳۲۳.

۱۷۸۳
شادمانی

قرآن:

«پس، پروردگارشان از شرّ آن روز نگاهشان داشت و شادابی و شادمانی‌شان بخشید».

«و به سوی خانوادهٔ خود شادمان باز می‌گردد».

حدیث:

۸۶۳۰. **امام علی** ﷺ: شادی، انبساط روح می‌آورد و نشاط‌انگیز است. غم، گرفتگی روح می‌آورد و انبساط را در هم می‌پیچد.

۸۶۳۱. **امام علی** ﷺ: کسی که شادی‌اش کم باشد، آسایش او در مردن است.

۸۶۳۲. **امام علی** ﷺ: اوقات شادی، غنیمت است.

۸۶۳۳. **امام علی** ﷺ: هر شادمانی، به همان اندازه تلخکامی در پی دارد.

۸۶۳۴. **امام صادق** ﷺ: شادی در سه چیز است: در وفاداری، و رعایت حقوق، و ایستادگی در برابر سختیهای زمانه.

۱۷۸۴
ما يَنبَغِي السُّرورُ بِهِ

۸۶۳۵ . الإمامُ عليٌّ ﷺ ـ لِعَبدِ اللهِ بنِ عبّاسٍ رحمةُ اللهِ عليهِ وكانَ يقولُ: ما انتَفَعتُ بكلامٍ بَعدَ كلامِ رسولِ اللهِ ﷺ كانتِفاعِي بهذا الكلامِ ـ: أمّا بَعدُ، فإنَّ المَرءَ قد يَسُرُّهُ دَرْكُ ما لَم يَكُن لِيَفُوتَهُ، ويَسُوؤهُ فَوتُ ما لَم يَكُن لِيُدرِكَهُ، فَلْيَكُن سُرُورُكَ بِما نِلتَ مِن آخِرَتِكَ، ولْيَكُنْ أسَفُكَ علىٰ ما فاتَكَ مِنها.[1]

۸۶۳۶ . عنه ﷺ: أكثِر سُرُورَكَ علىٰ ما قَدَّمتَ مِنَ الخَيرِ، وحُزنَكَ علىٰ ما فاتَ مِنهُ.[2]

۸۶۳۷ . عنه ﷺ: سُرورُ المؤمنِ بطاعَةِ رَبِّهِ، وحُزنُهُ علىٰ ذَنبِهِ.[3]

۱۷۸۵
عَوامِلُ السُّرورِ

۸۶۳۸ . الإمامُ عليٌّ ﷺ: لا يُستَعانُ علَى السُّرورِ إلّا باللِّينِ.[4]

۸۶۳۹ . عنه ﷺ: أصلُ العَقلِ القُدرَةُ، وثَمَرَتُها السُّرورُ.[5]

(انظر) الدهر: باب ۱۲۷۷.

---

۱ . نهج البلاغة: الكتاب ۲۲. ۲ . غرر الحكم: ۲۳۴۵.
۳ . غرر الحكم: ۵۵۹۴. ۴ . مطالب السؤول: ۵۰.
۵ . بحار الأنوار: ۵۹/۷/۷۸.

۱۷۸۴
آنچه سزاوار شادمانی است

۸۶۳۵ . **امام علی**ﷺ ـ به عبد الله بن عباس ﷺ که پس از شنیدن کلام ایشان، می‌گفت: با هیچ گفتاری پس از گفتهٔ رسول خدا، چنین بهره‌مند نشدم ـ فرمود: اما بعد، آدمی را گاه به دست آوردن چیزی شاد می‌کند که در هر حال به آن می‌رسید و چیزی اندوهگین می‌کند که هرگز به آن نمی‌رسید. پس، شادی تو در جایی باشد که به امری از امور آخرتت دست یابی و اندوهت آن جا باشد که امری از امور آخرت را از دست دهی.

۸۶۳۶ . **امام علی**ﷺ: شادی تو بیشتر به خاطر کار خیری باشد که انجام داده‌ای و اندوهت بیشتر برای کار خیری باشد که از دست داده‌ای.

۸۶۳۷ . **امام علی**ﷺ: شادی مؤمن آن گاه است که پروردگارش را اطاعت کند، و اندوهش آن گاه که گناه کند.

۱۷۸۵
عوامل شادی

۸۶۳۸ . **امام علی**ﷺ: برای شادی جز از نرمخویی یاری نتوان گرفت.

۸۶۳۹ . **امام علی**ﷺ: ریشهٔ خرد، توانمندی است و میوهٔ آن شادی.

۱۷۸۶
مَن أودَعَ قَلباً سُروراً

۸۶۴۰ . رسولُ اللهِ ﷺ: إنّ في الجَنَّةِ داراً يُقالُ لَها دارُ الفَرَحِ لا يَدخُلُها إلّا مَن فَرَّحَ يَتامَى المؤمنينَ.[۱]

۸۶۴۱ . عنه ﷺ: إنّ في الجَنَّةِ داراً يقالُ لَها دارُ الفَرَحِ، لا يَدخُلُها إلّا مَن فَرَّحَ الصِّبيانَ.[۲]

۸۶۴۲ . الإمامُ عليٌّ ؈: فَوَالذي وَسِعَ سَمعُهُ الأصواتَ، ما مِن أحَدٍ أودَعَ قَلباً سُروراً إلّا وخَلَقَ اللهُ لَهُ مِن ذلكَ السُّرورِ لُطفاً، فإذا نَزَلَتْ بِهِ نائبَةٌ جَرىٰ إلَيها كالماءِ في انحِدارِهِ حتّىٰ يَطرُدَها عَنهُ، كَما تُطرَدُ غَريبَةُ الإبلِ.[۳]

۸۶۴۳ . الإمامُ الصّادقُ ؈: مَن أغاثَ أخاهُ المؤمنَ اللَّهفانَ عِندَ جَهدِهِ فَنَفَّسَ كُربَتَهُ وأعانَهُ علىٰ نَجاحِ حاجَتِهِ، كانت لَهُ بذلكَ عِندَ اللهِ اثنَتانِ وسَبعونَ رَحمَةً مِنَ اللهِ، يُعَجِّلُ لَهُ مِنها واحِدَةً يُصلِحُ بِها مَعيشَتَهُ، ويَدَّخِرُ لَهُ إحدىٰ وسَبعينَ رَحمَةً لِإفزاعِ

۱ . كنز العمّال: ۶۰۰۸. ۲ . كنز العمّال: ۶۰۰۹.
۳ . نهج البلاغة: الحكمة ۲۵۷.

۱۷۸۶
هر كه دلى را شاد كند

۸۶۴۰ . **پيامبر خدا ﷺ**: در بهشت سرايى است به نام دار الفرح (شادى سرا) كه تنها كسانى وارد آن شوند كه يتيمان مؤمنان را شاد كنند.

۸۶۴۱ . **پيامبر خدا ﷺ**: همانا در بهشت سرايى است به نام دار الفرح كه تنها كسانى به آن در آيند كه كودكان را شاد كنند.

۸۶۴۲ . **امام على ؈**: سوگند به آن كه همهٔ آواها را مى‌شنود، هيچ كس دلى را شادمان نسازد، مگر آن كه خداوند از آن شادمانى لطفى بيافريند و بدان گاه كه گرفتارى و مصيبتى بدو رسد آن لطف، همچون آبى كه در نشيب روان گردد، به سوى آن مصيبت و گرفتارى سرازير شود و آن را از او دور گرداند، همچنان كه شتر غريبه [از ميان رمهٔ شتران] رانده مى‌شود.

۸۶۴۳ . **امام صادق ؈**: هر كه به فرياد برادر مؤمن غمزده و تنگدستش برسد و اندوهش را بزدايد و در روا شدن حاجتش او را كمك كند، به خاطر اين كار، نزد خداوند هفتاد و دو رحمت الهى منظور شود، كه يكى از آنها را در همين دنيا براى بهبود وضع معيشتش به او دهد و هفتاد و يک رحمت ديگر را براى هول و هراسهاى روز

يَومِ القِيامَةِ وأهوالِهِ.[1]

(انظر) الحاجة: باب ۹۶۲.

۱۷۸۷
مَن سَرَّ مُؤمِناً سَرَّ رَسولَ اللهِ ﷺ

۸۶۳۴. رسولُ اللهِ ﷺ: مَن أدخَلَ علىٰ مُؤمِنٍ فَرَحاً فَقَدْ أدخَلَ عَلَيَّ فَرَحاً، ومَن أدخَلَ عَلَيَّ فَرَحاً فَقَدِ اتَّخَذَ عِندَ اللهِ عَهداً، ومَنِ اتَّخَذَ عِندَ اللهِ عَهداً جاءَ مِنَ الآمِنِينَ يَومَ القِيامَةِ.[2]

۸۶۳۵. الإمامُ الصّادقُ ﷺ: لا يَرىٰ أحَدُكُم إذا أدخَلَ علىٰ مُؤمِنٍ سُروراً أنَّه علَيهِ أدخَلَهُ فَقَطْ بَل وَاللهِ علَينا، بل وَاللهِ عَلىٰ رسولِ اللهِ ﷺ.[3]

۸۶۳۶. عنه ﷺ: واللهِ لَرَسُولُ اللهِ ﷺ أسَرُّ بقَضاءِ حاجَةِ المؤمِنِ إذا وَصَلَت إلَيهِ مِن صاحِبِ الحاجَةِ.[4]

(انظر) وسائل الشيعة: ۱۱ / ۵۶۹ باب ۲۴.

۱۷۸۸
مَن سَرَّ مُؤمِناً سَرَّ اللهَ

۸۶۳۷. رسولُ اللهِ ﷺ: مَن سَرَّ مُؤمِناً فَقَد سَرَّني، ومَن سَرَّني فَقَد سَرَّ اللهَ.[5]

---

۱. ثواب الأعمال: ۱/۱۷۹. ۲. بحار الأنوار: ۲۷/۴۱۳/۷۴.
۳. الكافي: ۶/۱۸۹/۲. ۴. الكافي: ۱۰/۱۹۵/۲.
۵. الكافي: ۱/۱۸۸/۲.

قیامتش ذخیره کند.

۱۷۸۷
هر که مؤمنی را شاد کند رسول خدا ﷺ را شاد کرده است

۸۶۳۴. **پیامبر خدا ﷺ**: هر که مؤمنی را شاد کند، مرا شاد کرده است و هر که مرا شاد سازد، از خداوند زنهاری گرفته باشد و هر که از خدا زنهار گیرد، روز قیامت در امان باشد.

۸۶۳۵. **امام صادق ﷺ**: هیچ یک از شما فکر نکند که اگر مؤمنی را شاد کرد فقط او را شادمان ساخته، بلکه به خدا قسم ما را شاد کرده، بلکه به خدا قسم رسول خدا را شاد کرده است.

۸۶۳۶. **امام صادق ﷺ**: به خدا سوگند هرگاه حاجت مؤمن بر آورده شود، رسول خدا ﷺ از برآورده شدن آن شادتر گردد تا خود آن مؤمن.

۱۷۸۸
هر که مؤمنی را شاد کند خدا را شاد کرده است

۸۶۳۷. **پیامبر خدا ﷺ**: هر که مؤمنی را شاد سازد، مرا شاد ساخته و هر که مرا شاد کند، خدا را شاد کرده است.

۸۶۴۸. **الإمامُ الصّادقُ** ﷺ: أيُّما مُسلِمٍ لَقِيَ مُسلِماً فَسَرَّهُ سَرَّهُ اللهُ عزّوجلّ.[1]

۸۶۴۸. **امام صادق**ﷺ: هر مسلمانی که به مسلمانی برخورد کند و او را شاد سازد، خداوند عزّوجلّ او را شاد گرداند.

۸۶۴۹. **عنه** ﷺ: مَن أدخَلَ السُّرورَ علىٰ مُؤمِنٍ فقد أدخَلَهُ علىٰ رسولِ اللهِ ﷺ، ومَن أدخَلَهُ علىٰ رسولِ اللهِ ﷺ فقد وَصَلَ ذلكَ إلىٰ اللهِ، وكذلكَ مَن أدخَلَ علَيهِ كَرْباً.[2]

۸۶۴۹. **امام صادق**ﷺ: هر که به مؤمنی شادی رساند، به رسول خداﷺ شادی رسانده باشد و هر که به رسول خداﷺ شادی رساند، به خدا شادی رسانده باشد و چنین است هر که به مؤمنی اندوهی رساند.

۸۶۵۰. **بحار الأنوار عن** رَجُلٍ مِن أهلِ الرَّيِّ: وُلِّيَ علَينا بَعضُ كُتّابِ يحيى بنِ خالِدٍ، وكان عَلَيَّ بَقايا يُطالِبُني بها... وقيلَ لي إنّهُ يَنتَحِلُ هذا المَذهَبَ... فَاجتَمَعَ رَأيي علىٰ أن هَرَبتُ إلى اللهِ تعالىٰ وحَجَجتُ ولَقِيتُ مولايَ الصّابِرَ يعني موسَى بنَ جعفرٍ ﷺ، فَشَكَوتُ حالي إلَيهِ فَأصحَبَني مَكتوباً نُسخَتُهُ:

«بِسمِ اللهِ الرَّحمٰنِ الرَّحيمِ، اعْلَمْ أنَّ لِلّهِ تحتَ عَرشِهِ ظِلّاً لا يُسكِنُهُ إلّا مَن أسدىٰ إلىٰ أخِيهِ مَعروفاً، أو نَفَّسَ عنهُ كُربَةً، أو أدخَلَ علىٰ قَلبِهِ سُروراً، وهذا أخُوكَ، والسّلامُ».

قالَ: فَعُدتُ مِنَ الحَجِّ... فَأخرَجتُ إلَيهِ كِتابَهُ ﷺ فَقَبَّلَهُ قائماً وقَرَأهُ، ثُمَّ

۸۶۵۰. **بحار الأنوار**: مردی از اهل ری گفت: یکی از دبیران یحیی بن خالد فرمانروای ما شد. من مقداری بدهکار بودم و او آنها را از من مطالبه می‌کرد... به من گفته شد که او به این مذهب معتقد است... من تصمیم گرفتم به درگاه خداوند متعال بگریزم. پس به حج رفتم و خدمت سرور صابرم موسی بن جعفرﷺ مشرف شدم و از وضعیت خود نزد آن بزرگوار شکوه کردم. آن حضرت نوشته‌ای همراهم کرد که در آن نوشته شده بود: «به نام خداوند بخشندهٔ مهربان؛ بدان که زیر عرش خدا سایه‌ای است که تنها آن کس در آن بیارمد که به برادرش نیکی کند، یا غمی از او بزداید، یا دلش را شاد گرداند. و این شخص برادر توست، والسلام».

از حج برگشتم... و نامهٔ حضرت را به او دادم. او ایستاد و آن را بوسید و خواند. سپس دستور داد اموال و جامه‌های او را

---

۱. الكافي: ۱۹۲/۲، ۱۵. ۲. الكافي: ۱۹۲/۲، ۱۴.

استَدعیٰ بمالِهِ وثیابِهِ فَقاسَمَني دِیناراً دِیناراً، ودِرهَماً دِرهَماً، وثَوباً ثَوباً، وأعطاني قِیمَةَ ما لَم یُمکِن قِسمَتُهُ...

ثُمّ استَدعیٰ العَمَلَ فَأسقَطَ ما کانَ باسمِي وأعطانِي بَراءةً مِمّا یُوجِبُهُ عَلَيَّ عَنهُ ووَدَّعتُهُ وانصَرَفتُ عَنهُ.

فَقُلتُ: لا أقدِرُ علیٰ مُکافاةِ هذا الرجُلِ إلّا بِأن أحُجَّ في قابِلٍ وأدعُوَ لَهُ وألقَی الصّابِرَ وأعَرِّفَهُ فِعلَهُ.

فَفَعَلتُ ولَقِیتُ مَولایَ الصّابِرَ ﷺ وجَعَلتُ أحَدِّثُهُ ووَجهُهُ یَتَهَلَّلُ فَرَحاً، فقلتُ: یا مَولایَ، هل سَرَّکَ ذلك؟

فقال: إي واللهِ لَقَد سَرَّني، وسَرَّ أمیرَ المؤمنینَ ﷺ، واللهِ لقد سَرَّ جَدّي رسولَ اللهِ ﷺ، واللهِ لقد سَرَّ اللهَ تعالیٰ![1][2]

آوردند و آنها را میان من و خودش دینار دینار و درهم درهم، و جامه جامه تقسیم کرد و آنچه را که قابل تقسیم نبود پولش را به من داد...

آنگاه دیوان را خواست و هرچه به نام من ثبت بود، حذف کرد و گواهی عدم بدهکاری به من داد. من با او خداحافظی کردم و رفتم.

با خودم گفتم: نمی‌توانم خوبی این مرد را جبران کنم، مگر آن که در سال آینده به حج روم و برایش دعا کنم و حضرت صابر را ملاقات نمایم و رفتار آن مرد را به عرض ایشان برسانم. این کار را کردم و سرور صابرم ﷺ را دیدار کردم و همان گونه که ماجرا را برای ایشان تعریف می‌کردم چهرهٔ آن حضرت از شادی می‌شکفت. عرض کردم: سرورم! آیا این کار شما را خوشحال کرد؟ فرمود: آری به خدا قسم، مرا شاد کرده و امیر المؤمنین ﷺ را نیز شاد کرده به خدا قسم جدّم رسول خدا ﷺ را شاد کرده، به خدا قسم که خداوند متعال را شاد کرده است.[1]

۱۷۸۹

ثَوابُ التَّفریجِ عَنِ المُؤمِنِ

ثواب زدودن غم از دل مؤمن

۸۶۵۱. رسولُ اللهِ ﷺ: مَن نَفَّسَ عَن أخیهِ المؤمِنِ کُربَةً مِن کُرَبِ الدنیا، نَفَّسَ اللهُ عَنهُ سَبعینَ

۸۶۵۱. پیامبر خدا ﷺ: هر که اندوهی از اندوههای دنیا را از برادر مؤمن خود بزداید، خداوند هفتاد اندوه از اندوههای

---

۱. بحار الأنوار: ۶۹/۳۱۳/۷۴.

۲. وقریب منه ما کتب الإمام الصّادق ﷺ إلی النّجاشيّ عامل الأهواز. (انظر بحار الأنوار: ۲۲/۲۹۲/۷۴).

---

۱. قریب به این داستان، نیز نامه‌ای است که امام صادق ﷺ به نجاشی، کارگزار اهواز، مرقوم فرمود.

كُربَةً مِن كُرَبِ الآخِرَةِ.[۱]

آخرت را از او بزداید.

۸۶۵۲ . **الإمامُ الصّادقُ ﷺ**: مَن نَفَّسَ عَن مؤمنٍ كُربَةً نَفَّسَ اللهُ عَنهُ كُرَبَ الآخِرَةِ، وخَرَجَ مِن قَبرِهِ وهُو ثَلجُ الفُؤادِ.[۲]

۸۶۵۲ . **امام صادق ﷺ**: هر كه غمى از مؤمنى بزداید، خداوند اندوههای آخرت را از او برطرف سازد و از گورش خنک دل بیرون آید.

۸۶۵۳ . **عنه ﷺ**: إذا بَعَثَ اللهُ المؤمنَ مِن قَبرِهِ خَرَجَ مَعهُ مِثالٌ يَقدُمُ أمامَهُ، كُلَّما رَأى المؤمنُ هَوْلاً مِن أهوالِ يَومِ القِيامَةِ قالَ لَهُ المِثالُ: لا تَفزَعْ ولا تَحزَنْ... فيقولُ لَهُ المؤمنُ:... مَن أنتَ؟ فيقولُ: أنا السُّرورُ الذي كُنتَ أدخَلتَ علىٰ أخيكَ المؤمِنِ.[۳]

۸۶۵۳ . **امام صادق ﷺ**: چون خداوند مؤمن را از گورش درآورد مثالی با او خارج شود كه در جلو او راه می‌رود و هرگاه مؤمن یکی از صحنه‌های هراس انگیز روز قیامت را ببیند آن مثال به او گوید: نترس و غم به خود را مده... مؤمن به او گوید:... تو كیستی؟ مثال گوید: من همان شادی و سروری هستم كه به برادر مؤمنت رساندی.

۸۶۵۴ . **عنه ﷺ**: أيُّما مُؤمِنٍ نَفَّسَ عَن مُؤمِنٍ كُربَةً وهُو مُعسِرٌ يَسَّرَ اللهُ لَهُ حَوائجَهُ في الدُّنيا والآخِرَةِ.[۴]

۸۶۵۴ . **امام صادق ﷺ**: هر مؤمنی كه گرفتاریِ مؤمن تنگدستی را رفع كند، خداوند حاجت‌های او را در دنیا و آخرت آسان (برآورده) سازد.

۸۶۵۵ . **الإمامُ الرِّضا ﷺ**: مَن فَرَّجَ عن مُؤمِنٍ فَرَّجَ اللهُ عن قَلبِهِ يَومَ القِيامَةِ.[۵]

۸۶۵۵ . **امام رضا ﷺ**: هر كه غم و نگرانی مؤمنی را بزداید، خداوند در روز قیامت گره غم از دل او بگشاید.

۸۶۵۶ . **عنه ﷺ**: مَن فَرَّجَ عن مُؤمِنٍ كُربَةً مِن كُرَبِ الدنيا فَرَّجَ اللهُ عَنهُ كُربَةً مِن كُرَبِ الآخِرَةِ.[۶]

۸۶۵۶ . **امام رضا ﷺ**: هر كه غمی از غمهای دنیا را از دل مؤمنی برطرف سازد، خداوند غمی از غمهای آخرت را از دلش بزداید.

(انظر) الحاجة: باب ۹۶۴ ـ ۹۶۶.

---

۱ . بحار الأنوار: ۶۹/۳۱۲/۷۴.
۲ . الكافي: ۳/۱۹۹/۲. ۳ . الكافي: ۸/۱۹۰/۲.
۴ . الكافي: ۵/۲۰۰/۲. ۵ . الكافي: ۴/۲۰۰/۲.
۶ . بحار الأنوار: ۲۸/۲۳۳/۷۴.

الإسراف

اسراف

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

ولمزيد الاطّلاع راجع:

بحار الأنوار: ٧١/٣٤٤ باب ٨٦ «الإسراف والتبذير والتقتير».

بحار الأنوار: ٧٥/٣٠٢ باب ٧٧، ٣٠٣ باب ٧٨ «الإسراف والتبذير».

كنز العمّال: ٣/٤٤٤ «الإسراف والتبذير».

انظر:

عنوان ٣٥ «التبذير».

الصدقة: باب ٢٢٠٦، السخاء: باب ١٧٧٣.

الهداية: باب ٣٩٤٤، ٣٩٤٥.

۱۷۹۰
الإسرافُ

الكتاب:

﴿فَما آمَنَ لِمُوسَىٰ إِلَّا ذُرِّيَّةٌ مِن قَوْمِهِ عَلَىٰ خَوْفٍ مِنْ فِرعَونَ وَمَلَئِهِمْ أَنْ يَفْتِنَهُمْ وإِنَّ فِرْعَوْنَ لَعالٍ فِي الْأَرْضِ وَإِنَّهُ لَمِنَ الْمُسرِفِينَ﴾.[1]

﴿لَا جَرَمَ أَنَّما تَدعُونَنِي إِلَيهِ لَيسَ لَهُ دَعوَةٌ فِي الدُّنيا وَلَا فِي الْآخِرَةِ وَأَنَّ مَرَدَّنا إِلَى اللهِ وَأَنَّ الْمُسْرِفِينَ هُمْ أصحابُ النَّارِ﴾.[2]

﴿وَلَا تَقتُلُوا النَّفسَ الَّتِي حَرَّمَ اللهُ إِلَّا بِالْحَقِّ وَمَنْ قُتِلَ مَظلُوماً فَقَد جَعَلْنا لِوَلِيِّهِ سُلْطاناً فَلا يُسْرِف فِي القَتْلِ إِنَّهُ كانَ مَنْصُوراً﴾.[3]

﴿وَلَقَدْ جاءَتْهُم رُسُلُنا بِالبَيِّناتِ ثُمَّ إِنَّ كَثِيراً مِنهُم بَعدَ ذٰلِكَ فِي الْأَرْضِ لَمُسْرِفُونَ﴾.[4]

﴿يا بَنِي آدَمَ خُذُوا زِينَتَكُم عِندَ كُلِّ مَسْجِدٍ وَكُلُوا واشرَبُوا وَلا تُسرِفُوا إِنَّهُ لا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ﴾.[5]

﴿قُلْ يا عِبادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَىٰ أَنفُسِهِم لا تَقْنَطُوا مِنْ

---

۱. یونس: ۸۳.
۲. غافر: ۴۳.
۳. الإسراء: ۳۳.
۴. المائدة: ۳۲.
۵. الأعراف: ۳۱.

۱۷۹۰
اسراف و زیاده‌روی

قرآن:

«به موسی ایمان نیاوردند مگر کسانی از قوم او با هراسی از فرعون و بزرگان او که مبادا به محنتشان اندازد و همانا فرعون در زمین برتری جست و او از اسرافکاران بود».

«آنچه مرا به سوی آن می‌خوانید، به ناچار نه در دنیا و نه در آخرت، در خور خواندن نیست و بی‌گمان بازگشت ما به سوی خداست و همانا اسرافکاران اهل دوزخند».

«نفسی را که خدا حرمت داده است مکشید مگر به حق و هر که به ستم کشته شود ولیّ او را [بر قصاص] مسلّط کرده‌ایم، اما در کشتن زیاده‌روی نکند که او نصرت یافته است».

«پیامبران ما با آیه‌های روشن به سراغ آنان آمدند اما پس از آن بسیاری‌شان در زمین اسرافکارند».

«ای پسران آدم! در هر عبادتگاهی [جامهٔ] زینت خویش برگیرید و بخورید و بیاشامید و اسراف مکنید که خدا اسرافکاران را دوست ندارد».

«بگو: ای بندگان من که بر خویشتن اسراف (ستم)

رَحْمَةِ اللهِ إنَّ اللهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعاً إنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ﴾.[1]

کرده‌اید! از رحمت خدا نومید مباشید که خدا گناهان را یکسره می‌آمرزد که او آمرزنده است و مهربان».

الحديث:

حدیث:

۸۶۵۷. الإمامُ عليٌّ ﷺ: وَيحَ المُسرِفِ، ما أبعَدَهُ عن صَلاحِ نفسِهِ واستِدراكِ أمرِهِ![2]

۸۶۵۷. **امام علی**ﷺ: بیچاره اسرافکار! چه دور است از اصلاح نفس و جبران کار خود.

۸۶۵۸. عنه ﷺ: مَن كانَ لَهُ مالٌ فإيّاهُ والفَسادَ؛ فإنَّ إعطاءَكَ المالَ في غَيرِ وَجهِهِ تَبذيرٌ وإسرافٌ، وهُو يَرفَعُ ذِكرَ صاحِبِهِ في الناسِ ويَضَعُهُ عندَ اللهِ.[3]

۸۶۵۸. **امام علی**ﷺ: هر که ثروتی دارد، مبادا آن را تباه کند؛ زیرا صرف کردن بی‌موردِ آن ریخت و پاش و اسراف است. این کار او را در میان مردم بلند آوازه می‌کند، اما نزد خدا بی‌مقدار می‌سازد.

۸۶۵۹. عنه ﷺ ـ مِن كتابٍ لَهُ إلىٰ زيادٍ ـ: دَعِ الإسرافَ مُقتَصِداً، واذكُرْ في اليَومِ غَداً، وأمسِكْ مِن المالِ بقَدرِ ضَرُورَتِكَ، وقَدِّمِ الفَضلَ لِيَومِ حاجَتِكَ.[4]

۸۶۵۹. **امام علی**ﷺ ـ در نامهٔ خود به زیاد ـ نوشت: اسراف را رها کن و میانه‌روی در پیش گیر و امروز به یاد فردا باش و از مال به اندازهٔ ضرورتت نگه دار و اضافی آن را برای روز نیازمندی‌ات (قیامت) پیش فرست.

۸۶۶۰. عنه ﷺ: السَّرَفُ مَثواةٌ، والقَصدُ مَثراةٌ.[5]

۸۶۶۰. **امام علی**ﷺ: اسراف، موجب هلاکت است و میانه‌روی، مایهٔ زیاد شدن ثروت.

۸۶۶۱. عنه ﷺ: حُسنُ التَّدبيرِ مَعَ الكَفافِ أكفىٰ لَكَ مِنَ الكَثيرِ مَعَ الإسرافِ.[6]

۸۶۶۱. **امام علی**ﷺ: روزیِ به قدر کفاف که با حُسن تدبیر همراه باشد، تو را بیشتر کفایت می‌کند از ثروت زیادی که با اسراف همراه باشد.

۸۶۶۲. عنه ﷺ: الإسرافُ يُفنِي الجَزِيلَ.[7]

۸۶۶۲. **امام علی**ﷺ: اسراف، ثروت زیاد را هم به باد فنا می‌دهد.

۸۶۶۳. عنه ﷺ: أقبَحُ البَذلِ السَّرَفُ.[8]

۸۶۶۳. **امام علی**ﷺ: زشت‌ترین بخشش، اسراف است.

۸۶۶۴. عنه ﷺ ـ في صِفَةِ المُنافقينَ ـ: إن عَذَلُوا

۸۶۶۴. **امام علی**ﷺ ـ در توصیف منافقان ـ فرمود:

---

۱. الزمر: ۵۳.
۲. غرر الحكم: ۱۰۰۹۲.
۳. بحار الأنوار: ۲/۹۷/۷۸.
۴. نهج البلاغة: الكتاب ۲۱.
۵. بحار الأنوار: ۹/۱۹۲/۷۲.
۶. بحار الأنوار: ۱/۲۱۶/۷۷.
۷. غرر الحكم: ۳۳۵.
۸. غرر الحكم: ۲۸۵۷.

كَشَفُوا، وإن حَكَمُوا أسرَفُوا.[1]

۸۶۶۵. **الإمامُ زينُ العابدينَ** ﷺ ـ في الدعاءِ ـ: وامنَعْني مِنَ السَّرَفِ، وحَصِّنْ رِزقي مِن التَّلَفِ، ووَفِّرْ مَلَكَتِي بالبَرَكَةِ فيهِ، وأصِبْ بِي سَبيلَ الهِدايَةِ لِلبِرِّ فيما أُنفِقُ مِنهُ.[2]

۱۷۹۱
حَدُّ الإنفاقِ

الكتاب:

﴿والَّذِينَ إذا أنفَقُوا لَم يُسرِفُوا ولَم يَقتُرُوا وكانَ بَينَ ذٰلِكَ قَواماً﴾.[3]

الحديث:

۸۶۶۶. **رسولُ اللهِ** ﷺ ـ لَمّا سُئِلَ عن تَفسيرِ الآيَةِ المَذكورَةِ ـ: مَن أعطىٰ في غَيرِ حَقٍّ فقد أسرَفَ، ومَن مَنَعَ عَن حَقٍّ فَقَد قَتَرَ.[4]

۸۶۶۷. **الإمامُ عليٌّ** ﷺ: إنَّ مَنعَ المُقتَصِدِ أحسَنُ مِن عَطاءِ المُبَذِّرِ، إنَّ إمساكَ الحافِظِ أجمَلُ مِن بَذلِ المُضَيِّعِ.[5]

۸۶۶۸. **الكافي** عن عبد الملك بن عمرو الاحول: تلا أبو عبدِ اللهِ ﷺ هذه الآيَةَ: ﴿والَّذِينَ إذا أنفَقُوا

هرگاه سرزنش كنند پرده‌دری می‌كنند، و هرگاه حكم (داوری) كنند زیاده‌روی می‌نمایند.

۸۶۶۵. **امام زين العابدين** ﷺ ـ در دعا ـ گفت: و مرا از زیاده‌روی باز دار و روزی‌ام را از تلف شدن نگاه‌دار و دارایی‌ام را با بركت دادن به آن افزون گردان و راه مصرف آن را در كارهای خیر به من بنمایان.

۱۷۹۱
مرز انفاق

قرآن:

«و آنان كه چون انفاق كنند زیاده‌روی نمی‌كنند و بخل هم نمی‌ورزند و میان این دو [روش] حدّ وسط را نگه می‌دارند».

حدیث:

۸۶۶۶. **پیامبر خدا** ﷺ: در پاسخ به سؤال از تفسیر آیهٔ پیش‌گفته ـ : هر كه به ناحق (بیجا) عطا كند اسراف كرده است و هر كه بحق (بجا) خرج نكند، سختگیری و خسّت ورزیده است.

۸۶۶۷. **امام علی** ﷺ: نبخشیدن صرفه جو، بهتر از بخشیدن اسرافكار است و امساك كسی كه مال خود را حفظ می‌كند، نیكوتر از بخشش كسی است كه مالش را بر باد می‌دهد.

۸۶۶۸. **الكافي** به نقل از عبد الملك بن عمرو الأحول: امام صادق ﷺ این آیه را تلاوت

---

۱. نهج البلاغة: الخطبة ۱۹۴.
۲. الصحيفة السجّادية: الدعاء ۲۰.
۳. الفرقان: ۶۷. ۴. مجمع البيان: ۲۸۰/۷.
۵. غرر الحكم: ۳۴۰۶ـ۳۴۰۷.

لَم يُسرِفُوا وَلَم يَقْتُرُوا وَكانَ بَينَ ذٰلِكَ قَواماً﴾ فَأَخَذَ قَبضَةً مِن حَصىً وقَبَضَها بِيَدِهِ، فقالَ: هذا الإقتارُ الذي ذَكَرَهُ اللهُ في كتابِهِ، ثُمَّ قَبَضَ قَبضَةً أُخرىٰ فَأَرخىٰ كَفَّهُ كُلَّها، ثُمَّ قالَ: هذا الإسرافُ، ثُمَّ أَخَذَ قَبضَةً أُخرىٰ فَأَرخىٰ بَعضَها وأَمسَكَ بَعضَها وقالَ: هذا القَوامُ.[1]

كرد: «و آنان كه چون انفاق مى‌كنند زياده‌روى نمى‌كنند وبخل هم نمى ورزند و ميان اين دو، حدّ وسط را نگه مى‌دارند» و سپس مشتى سنگريزه برداشت و آن را در مشتش نگه داشت و فرمود: اين همان سختگيرى و خسّتى است كه خداوند عزّوجلّ در كتاب خود فرموده است. آن‌گاه مشتى ديگر برداشت و همهٔ آنها را ريخت و فرمود: اين اسراف است. سپس مشتى ديگر برداشت و قسمتى از آن را ريخت و مقدارى را نگه داشت و فرمود: اين حدّ وسط است.

٨٦٦٩. الإمامُ الكاظمُ عليه السلام ـ لَمّا سُئِلَ عنِ النَّفَقَةِ علىٰ العِيالِ ـ: ما بَينَ المَكرُوهَينِ: الإسرافِ والإقتارِ.[2]

٨٦٦٩. امام كاظم عليه السلام ـ در پاسخ به سؤال از خرجى زن وفرزند ـ فرمود: رعايتِ ميانهٔ دو امرِ ناپسند است: زياده‌روى و سختگيرى.

(انظر) السخاء: باب ١٧٧٣.
الصدقة: باب ٢٢٠٦.
الكافي: ٤ / ٥٣ ـ ٥٦.

١٧٩٢
عَلاماتُ المُسرِفِ

١٧٩٢
نشانه‌هاى اسرافكار

٨٦٧٠. رسولُ اللهِ صلى الله عليه وآله: أمّا علامةُ المُسرِفِ فأربَعةٌ: الفَخرُ بالباطِلِ، ويَأكُلُ ما لَيسَ عِندَهُ، ويَزهَدُ في اصطِناعِ المَعروفِ، ويُنكِرُ مَن لا يَنتَفِعُ بِشَيءٍ مِنهُ.[3]

٨٦٧٠. پيامبر خدا صلى الله عليه وآله: نشانهٔ اسرافكار چهار چيز است: به كارهاى باطل مى‌نازد، آنچه را فراخور حالش نيست مى‌خورد، در كارهاى خير بى‌رغبت است و هر كس را كه بدو سودى نرساند، انكار مى‌كند.

٨٦٧١. الإمامُ عليٌّ عليه السلام: إعطاءُ المالِ في غَيرِ حَقِّهِ تَبذيرٌ وإسرافٌ.[4]

٨٦٧١. امام على عليه السلام: خرج كردن به ناحق مال، حيف و ميل و اسراف است.

٨٦٧٢. الإمامُ الباقرُ عليه السلام: المُسرِفُونَ هُمُ الذينَ

٨٦٧٢. امام باقر عليه السلام: اسرافكاران آنانى هستند كه

١. الكافي: ٤/٥٤/١.
٢. الكافي: ٤/٥٥/٢.
٣. تحف العقول: ٢٢.
٤. نهج البلاغة: الخطبة ١٢٦.

يَستَحِلُّونَ المَحارِمَ ويَسفِكُونَ الدِّماءَ.[۱]

۸۶۷۳. **الإمامُ الصّادقُ** ﷺ: قالَ لقمانُ لابنِهِ للمُسرِفِ ثلاثُ علاماتٍ: يَشتَرِي ما لَيسَ لَهُ، ويَلبَسُ ما لَيسَ لَهُ، ويَأكُلُ ما لَيسَ لَهُ.[۲]

حرامها را حلال می‌شمارند و خون [ناروا] می‌ریزند.

۸۶۷۳. **امام صادق** ﷺ: لقمان به فرزندش گفت: اسرافکار سه نشانه دارد: آنچه در شأنِ او نیست می‌خرد و آنچه برازندهٔ او نیست می‌پوشد و آنچه فراخور حالِ او نیست می‌خورد.

۸۶۷۴. **بحار الأنوار** عن إسحاق بنِ عَمّارٍ: قلتُ لأبي عبدِاللهِ ﷺ: يكونُ للمؤمِنِ عَشرَةُ أقمِصَةٍ؟ قالَ: نَعَم، قلتُ: وَعِشرينَ؟ قالَ: نَعَم، وليسَ ذلكَ مِنَ السَّرَفِ، إنّما السَّرَفُ أن تَجعَلَ ثَوبَ صَونِكَ ثَوبَ بِذْلَتِكَ.[۳]

(انظر) الإسراف: باب ۱۷۹۴ حديث ۸۶۸۴.

۸۶۷۴. **بحار الأنوار** به نقل از اسحاق بن عمّار: به امام صادق ﷺ عرض کردم: آیا مؤمن می‌تواند ده پیراهن داشته باشد؟ حضرت فرمود: آری. عرض کردم: بیست پیراهن چه؟ فرمود: آری. اینها اسراف نیست؛ اسراف آن است که لباس بیرونت (مهمانی‌ات) را لباس کار و دم دستی قرار دهی.

۸۶۷۵. **الإمامُ العسكريُّ** ﷺ: إنَّ للسَّخاءِ مِقداراً، فإن زادَ علَيهِ فهُو سَرَفٌ.[۴]

۱۷۹۳
أدنَى الإسرافِ

۸۶۷۶. **رسولُ اللهِ** ﷺ: في الوَضُوءِ إسرافٌ، وفي كُلِّ شَيءٍ إسرافٌ.[۵]

۸۶۷۷. **عنه** ﷺ: إنَّ مِنَ السَّرَفِ أن تَأكُلَ كُلَّ ما اشتَهَيتَ.[۶]

۸۶۷۸. **الإمامُ الصّادقُ** ﷺ: إنَّ القَصدَ أمرٌ يُحِبُّهُ اللهُ

۱۷۹۳
کمترین حدّ اسراف

۸۶۷۶. **پیامبر خدا** ﷺ: در شستشو [نیز] اسراف هست، در هر چیزی اسراف وجود دارد.

۸۶۷۷. **پیامبر خدا** ﷺ: این که هرچه دلت بخواهد بخوری، از اسراف است.

۸۶۷۸. **امام صادق** ﷺ: میانه‌روی، کاری است که

---

۱. مجمع البيان: ۲۹۰/۳. ۲. بحار الأنوار: ۷/۲۰۶/۷۲.
۳. بحار الأنوار: ۱/۳۱۷/۷۹. ۴. الدرّة الباهرة: ۴۳.
۵. كنز العمّال: ۲۶۲۴۸. ۶. كنز العمّال: ۷۳۶۶.

عـزّوجلّ، وإنَّ السَّـرَفَ يُـبغِضُـهُ؛ حـتّىٰ طَرْحُكَ النَّواةَ فإنّها تَصلُحُ لِشَيءٍ، وحَـتّىٰ صَبُّكَ فَضلَ شَرابِكَ.[1]

۸۶۷۹. **عنه** ﷺ ـ لَمّا سُئِلَ عن أدنَى الإسـرافِ ـ: إبـذالُكَ ثَـوبَ صَـونِكَ، وإهـراقُكَ فَـضلَ إنائِكَ، وأكلُكَ التَّمرَ ورَميُكَ النَّوىٰ هـاهُنا وهاهُنا.[2]

۸۶۸۰. **تفسير العيّاشي** عن بِشرِ بنِ مَروانَ: دَخَلنا علىٰ أبي عبدِاللهِ ﷺ، فَدَعا بِـرُطَبٍ فَأقـبَلَ بعضُهُم يَرمِي بِالنَّوىٰ، قـالَ: فَأمسَكَ أبـو عبدِاللهِ يَدَهُ فقالَ: لا تَـفعَل؛ إنَّ هـذا مِـن التَّبذيرِ، وإنَّ اللهَ لا يُحِبُّ الفَسادَ.[3]

خـداونـد عـزّوجلّ آن را دوست دارد، و اسـراف را نـاخوش مـی‌دارد، حـتّی دور انداخـتن هسـته [ی میوه] را؛ زیـرا آن بـه کاری می‌آید و حتّی دور ریـختن زیـادی نوشیدنی‌ات را.

۸۶۷۹. **امام صادق** ﷺ ـ در پـاسخ بـه سـؤال از کـمترین حـدّ اسـراف ـ فـرمود: کـمترین اندازهٔ آن ایـن است کـه لباس بـیرونت را لباس خانه و دم دستی قرار دهی، ته ماندهٔ ظرفت را دور بـریزی و خـرما بـخوری و هسته‌هایش را این‌طرف و آن‌طرف پرت‌کنی.

۸۶۸۰. **تفسير العيّاشي** بـه نـقل از بشـر بـن مروان: خدمت امام صادق ﷺ رسیدیم. آن حضرت دستور داد مقداری خرما آوردند. یکی از افراد هسته‌ها را دور می‌انداخت. حضرت دستش را گرفت و فرمود: این کار را نکن؛ این حیف و میل است و خداونـد تباهکاری را دوست ندارد.

۱۷۹۳
ما لا يُعَدُّ مِنَ الإسرافِ

۱۷۹۳
آنچه اسراف به شمار نمی‌آید

۸۶۸۱. **رسولُ اللهِ** ﷺ: لا خَـيرَ فـي السَّـرَفِ، ولا سَرَفَ في الخَيرِ.[4]

۸۶۸۱. **پیامبر خدا** ﷺ: در اسراف، خیری نیست و در [کارهای] خیر اسراف نیست.

۸۶۸۲. **الإمامُ عليٌّ** ﷺ: الإسرافُ مَـذمومٌ فـي كُـلِّ شَيءٍ إلّا في أفعالِ البِرِّ.[5]

۸۶۸۲. **امام علی** ﷺ: اسراف در هر چیزی نـاپسند است، مگر در کارهای خیر.

۸۶۸۳. **الإمامُ الصّادقُ** ﷺ: لَيسَ فيما أصلَحَ البَدَنَ إسرافٌ... إنّما الإسرافُ فيما أتلَفَ المـالَ

۸۶۸۳. **امام صادق** ﷺ: در آنچه بدن را سـالم نگـه می‌دارد اسـراف نیست... بلکه اسـراف در

---

۱. بحار الأنوار: ۱۰/۳۴۶/۷۱.
۲. الكافي: ۱۰/۵۶/۴. ۳. تفسير العياشي: ۵۸/۲۸۸/۲.
۴. بحار الأنوار: ۲/۱۶۵/۷۷. ۵. غرر الحكم: ۱۹۳۸.

وأضَرَّ بالبَدَنِ.[1]

۸۶۸۴. **الإمامُ الكاظمُ** ﷺ ـ وقد سُئلَ عَن عَشَرَةِ أقْمِصَةٍ هَل ذلكَ مِنَ السَّرَفِ ـ: لا، ولكن ذلكَ أبقىٰ لِثِيابِهِ، ولكنَّ السَّرَفَ أن تَلبَسَ ثَوبَ صَونِكَ في المكانِ القَذِرِ.[2]

چیزهایی است که مال را تلف کند و به بدن زیان رساند.

۸۶۸۴. **امام کاظم**ﷺ ـ وقتی از ایشان سؤال شد: آیا داشتن ده پیراهن اسراف است؟ ـ فرمود: خیر. بلکه داشتن پیراهن زیاد باعث می‌شود که پیراهنهایش بیشتر عمر کند. اسراف آن است که لباس بیرونت را در جای کثیف بپوشی.

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

۱. بحار الأنوار: ۶/۳۰۳/۷۵.

۲. بحار الأنوار: ۱/۳۱۷/۷۹.



۲۳۲

السَّرِقَة

دزدی

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

ولمزيد الاطّلاع راجع:

بحار الأنوار: ۷۹/ ۱۸۰ باب ۹۱ «السرقة والغلول».

وسائل الشيعة: ۱۸/ ۴۸۱ «أبواب حدّ السرقة».

كنز العمّال: ۵/ ۳۷۹ «حدّ السرقة».

۱۷۹۵
السَّرِقَةُ

الكتاب:

﴿والسّارِقُ والسّارِقَةُ فاقْطَعُوا أيدِيَهُما جَزاءً بِما كَسَبا نَكالاً مِنَ اللهِ واللهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ﴾.[1]

الحديث:

۸۶۸۵ . **الإمامُ الرِّضا** ﷺ: لا يَزالُ العَبدُ يَسرِقُ حتّىٰ إذا استَوفىٰ ثَمَنَ دِيَةِ يَدِهِ أظهَرَهُ اللهُ عَلَيهِ.[2]

۸۶۸۶ . **عنه** ﷺ: حَرَّمَ اللهُ السَّرِقَةَ لِما فِيها[ا] مِن فَسادِ الأموالِ وقَتلِ النَّفسِ لَو كانَت مُباحَةً، ولِما يَأتي في التَّغاصُبِ مِنَ القَتلِ والتَّنازُعِ والتَّحاسُدِ، وما يَدعُو إلى تَركِ التِّجاراتِ والصِّناعاتِ في المَكاسِبِ، واقتِناءِ الأموالِ إذا كانَ الشَّيءُ المُقتَنىٰ لا يكونُ أحَدٌ أحَقَّ بِهِ مِن أحَدٍ ...

وعِلَّةُ قَطعِ اليَمينِ مِنَ السّارِقِ؛ لأنَّهُ يُباشِرُ الأشياءَ بِيَمِينِهِ، وهِيَ أفضَلُ أعضائِهِ وأنفَعُها لَهُ، فَجُعِلَ قَطعُها نَكالاً وعِبرَةً

---

۱ . المائدة: ۳۸.

۲ . عيون أخبار الرضا: ۱/۲۸۹/۳۶.

۱۷۹۵
دزدی

قرآن:

«مرد دزد و زن دزد را به سزای آنچه کرده‌اند، دستشان را به عنوان کیفری از جانب خدا ببرید و خدا عزیز و حکیم است».

حدیث:

۸۶۸۵ . **امام رضا**ﷺ: آدمی آن قدر دزدی می‌کند تا با بهای دیهٔ دستش برابر شود؛ در این هنگام خداوند دزدی او را بر ملا می‌کند.

۸۶۸۶ . **امام رضا**ﷺ: خداوند دزدی را حرام فرمود؛ چون اگر مباح بود موجب تباهی اموال و آدم‌کشی می‌شد و نیز به خاطر این که غصب اموال یکدیگر، موجب کشتار و درگیری و حسدورزی به یکدیگر می‌شود. و همچنین موجب ترک تجارت و پیشه‌وری، و کسب اموال و ثروتهای به ناحق و ناروا می‌گردد ...

علّت بریدن دست راست دزد آن است که وی با دست راست خود با اشیاء تماس دارد و این دست، بهترین و کار آمدترین عضو بدن اوست. پس بریدن آن کیفری برای دزد و درس عبرتی است برای

لِلخَلقِ لِئلّا يَبتَغُوا أخذَ الأموالِ مِن غَيرِ حِلِّها، ولأنّهُ أكثَرُ ما يُباشِرُ السَّرِقَةَ بيَمينِهِ.[۱]

(انظر) وسائل الشيعة: ۱۸ / ۴۸۱ باب ۱.

۱۷۹۶
مَن لا يَجري عَلَيهِ حَدُّ السَّرِقَةِ

۸۶۸۷. رسولُ اللهِ ﷺ: مَن أصابَ بفِيهِ مِن ذِي حاجَةٍ غَيرَ مُتَّخِذٍ خُبْنَةً[۲] فلا شَيءَ عَلَيهِ.[۳]

۸۶۸۸. عنه ﷺ: لا تُقطَعُ اليَدُ في ثَمَرٍ مُعَلَّقٍ.[۴]

۸۶۸۹. عنه ﷺ: لا قَطعَ في ثَمَرٍ ولا كَثَرٍ.[۵،۶]

۸۶۹۰. عنه ﷺ: لَيسَ عَلَى المُنتَهِبِ ولا عَلَى المُختَلِسِ ولا علَى الخائنِ قَطعٌ.[۷]

۸۶۹۱. عنه ﷺ: لا تُقطَعُ يَدُ السّارِقِ إلّا في رُبعِ دِينارٍ فَصاعِداً.[۸]

۸۶۹۲. عنه ﷺ: لا تُقطَعُ الأيدِي في السَّفَرِ.[۹]

۸۶۹۳. عنه ﷺ: لا قَطعَ عَلَى مَن سَرَقَ الحِجارَةَ؛

---

۱. نور الثقلين: ۱/۶۲۷/۱۸۳.

۲. الخُبنة: معطف الإزار وطرف الثوب؛ أي لايأخذ منه في ثوبه، يقال: أخبن الرجل إذا خبأ شيئاً في خبنة ثوبه أو سراويله (النهاية: ۹/۲).

۳. كنز العمّال: ۱۳۳۲۶. ۴. كنز العمّال: ۱۳۳۲۸.

۵. كنز العمّال: ۱۳۳۳۲.

۶. الكثر: جُمّارُ النخلِ؛ وهو شحمُه الذي وسط النخلة (النهاية: ۱۵۲/۴).

۷. كنز العمّال: ۱۳۳۳۴. ۸. صحيح مسلم: ۳/۱۳۱۲/۲.

۹. كنز العمّال: ۱۳۳۳۵.

دیگران تا درصدد تصرّف اموال، از راه ناروا نیایند و نیز چون بیشتر با دست راست دزدی می‌کنند.

۱۷۹۶
کسی که حدّ دزدی بر او جاری نمی‌شود

۸۶۸۷. **پیامبر خدا ﷺ**: نیازمندی که [از مال دیگران برای رفع گرسنگی] چیزی بخورد، اما با خود چیزی پنهانی نَبرَد، کیفری ندارد.

۸۶۸۸. **پیامبر خدا ﷺ**: برای [دزدی] میوهٔ آویزان [از درخت] دست قطع نمی‌شود.

۸۶۸۹. **پیامبر خدا ﷺ**: برای [دزدی] میوه و خرمای نارس دست قطع نمی‌شود.

۸۶۹۰. **پیامبر خدا ﷺ**: چپاول کننده، رباینده، و خائن [در امانت] کیفر قطع دست ندارند.

۸۶۹۱. **پیامبر خدا ﷺ**: دست سارق فقط در [دزدی] یک چهارم دینار به بالا قطع می‌شود.

۸۶۹۲. **پیامبر خدا ﷺ**: در سفر، دست قطع نمی‌شود.

۸۶۹۳. **پیامبر خدا ﷺ**: کسی که سنگ بدزدد، قطع

يَعنِي الرُّخامَ وأشباهَ ذلكَ.[۱]

۸۶۹۴. **الإمامُ الباقرُ**ﷺ: قضى أمير المؤمنينﷺ في رَجُلَينِ سَرَقا مِن مالِ اللهِ، أحَدُهُما عَبدٌ لِمالِ اللهِ، والآخَرُ مِن عُرْضِ الناسِ فقال: أمّا هذا فَمِن مالِ اللهِ ليس عليه شيء من مالُ اللهِ أكَلَ بعضُهُ بَعضاً، وأمّا الآخَرُ فقدّمه فَقَطَعَ يَدَهُ.[۲]

۸۶۹۵. **الإمامُ عليٌّ**ﷺ: لا أقطَعُ في الدَّغارَةِ المُعلَنَةِ ـ وهِيَ الخُلْسَةُ ـ ولكنْ أُعَزِّرُهُ.[۳]

۸۶۹۶. **الإمامُ الصادقُ**ﷺ: إنّ امير المؤمنينﷺ أُتي برجل اختَلَسَ دُرَّةً مِن أُذُنِ جارِيَةٍ قال: هذِهِ الدَّغارَةُ المُعلَنَةُ، فَضَرَبَهُ وحَبَسَهُ.[۴]

۸۶۹۷. **الإمامُ عليٌّ**ﷺ: أربَعةٌ لا قَطعَ عَلَيهِم: المُختَلِسُ، والغُلُولُ، ومَن سَرَقَ مِنَ الغَنيمَةِ، وسَرِقَةُ الأجيرِ؛ فإنّها خِيانَةٌ.[۵]

۸۶۹۸. **عنه**ﷺ: لَيسَ عَلَى الطَّرّارِ والمُختَلِسِ قَطعٌ، لأنّها دَغارَةٌ مُعلَنَةٌ، ولكنْ يُقطَعُ مَن يَأخُذُ ويُخفِي.[۶]

۸۶۹۹. **عنه**ﷺ ـ في رجُلٍ قد طَرَّ دَراهِمَ مِن رُدْنِ

---

۱. الكافي: ۲/۲۳۰/۷.
۲. الكافي: ۲۴/۲۶۴/۷، انظر وسائل الشيعة: ۵۱۸/۱۸ باب ۲۴.
۳. الكافي: ۱/۲۲۵/۷.
۴. الكافي: ۷/۲۲۶/۷.
۵. الكافي: ۶/۲۲۶/۷.
۶. بحار الأنوار: ۱۹/۱۸۶/۷۹.

دست ندارد. منظور، سنگ مرمر و امثال آن است.

۸۶۹۴. **امام باقر**ﷺ: امام علیﷺ دربارهٔ دو نفر که از بیت‌المال دزدی کردند، یکی از آنان غلامی بود که خود جزء بیت المال بود و دیگری یکی از مردم قضاوت کردند وفرمود: این یکی خود جزء بیت المال است و دستش بریده نمی‌شود؛ زیرا جزئی از بیت المال، جزء دیگری از آن را خورده است. اما آن دیگری بیاوریدش. آن گاه دستش را برید.

۸۶۹۵. **امام علی**ﷺ: در اختلاس و ربودنِ آشکار دست نمی‌بُرم، اما رباینده را تعزیر می‌کنم.

۸۶۹۶. **امام صادق**ﷺ: امام علیﷺ دربارهٔ مردی که مرواریدی را از گوش دختری به زور ربوده بود فرمود: این ربودن آشکار است. سپس او را تازیانه زد و زندانی کرد.

۸۶۹۷. **امام علی**ﷺ: چهار نفرند که قطع دست ندارند: اختلاس کننده، کسی که خیانت کند، کسی که از غنیمت بدزدد، و دزدی اجیر؛ زیرا کار اینها خیانت محسوب می‌شود [نه دزدی. پس کیفر دیگری دارند].

۸۶۹۸. **امام علی**ﷺ: جیب بر و اختلاس کننده، قطع دست ندارند؛ چون کار آنها ربودن علنی است. کسی دستش قطع می‌شود که در خفا بدزدد.

۸۶۹۹. **امام علی**ﷺ ـ دربارهٔ مردی که چند درهم

رَجُلٍ ـ: إن كانَ طَرَّ مِن قَمِيصِهِ الأعلىٰ لَم نَقطَعْهُ، وإن كانَ طَرَّ مِن قَمِيصِهِ الأسفَلِ قَطَعناهُ.[۱]

۸۷۰۰. **الإمامُ الباقرُ أو الإمامُ الصّادقُ ﷺ**: لا يُقطَعُ إلّا مَن نَقَبَ بَيتاً أو كَسَرَ قُفلاً.[۲]

۸۷۰۱. **الإمامُ الصّادقُ ﷺ**: لا يُقطَعُ الأجيرُ والضَّيفُ إذا سَرَقَ؛ لأنَّهُما مُؤتَمَنانِ.[۳]

۸۷۰۲. **عنه ﷺ**: لا يُقطَعُ السّارِقُ في عامِ سَنَةٍ ـ يَعنِي في عامِ مَجاعَةٍ ـ.[۴]

۸۷۰۳. **عنه ﷺ**: كانَ أميرُ المؤمنينَ ﷺ لا يَقطَعُ السّارِقَ في أيّامِ المَجاعَةِ.[۵]

۸۷۰۴. **عنه ﷺ**: السّارقُ إذا جاءَ مِن قِبَلِ نَفسِهِ تائباً إلى اللهِ، ورَدَّ سَرِقَتَهُ عَلىٰ صاحِبِها، فلا قَطعَ علَيهِ.[۶]

۱۷۹۷
أنواعُ السُّرّاقِ

۸۷۰۵. **الإمامُ عليٌّ ﷺ** ـ في خُطبَةٍ لَهُ يَذكُرُ فيها

از جیب مردی ربوده بود ـ فرمود: اگر از جیب لباس رو ربوده است دستش را نمی‌بریم، اما اگر از جیب لباس زیرین ربوده، می‌بریم.

۸۷۰۰. **امام باقر یا امام صادق ﷺ**: فقط دست دزدی قطع می‌شود که از طریق سوراخ کردن دیوار یا شکستن قفل وارد خانه‌ای شود.

۸۷۰۱. **امام صادق ﷺ**: مزدور (کارگر) و میهمان اگر دزدی کنند دستشان قطع نمی‌شود (کیفر دیگری دارند)؛ چون آنها امین شمرده شده بوده‌اند.

۸۷۰۲. **امام صادق ﷺ**: در سالهای قحطی و گرسنگی، دست دزد قطع نمی‌شود.

۸۷۰۳. **امام صادق ﷺ**: امیرالمؤمنین ﷺ در ایّام گرسنگی (خشکسالی) دست دزد را نمی‌برید.

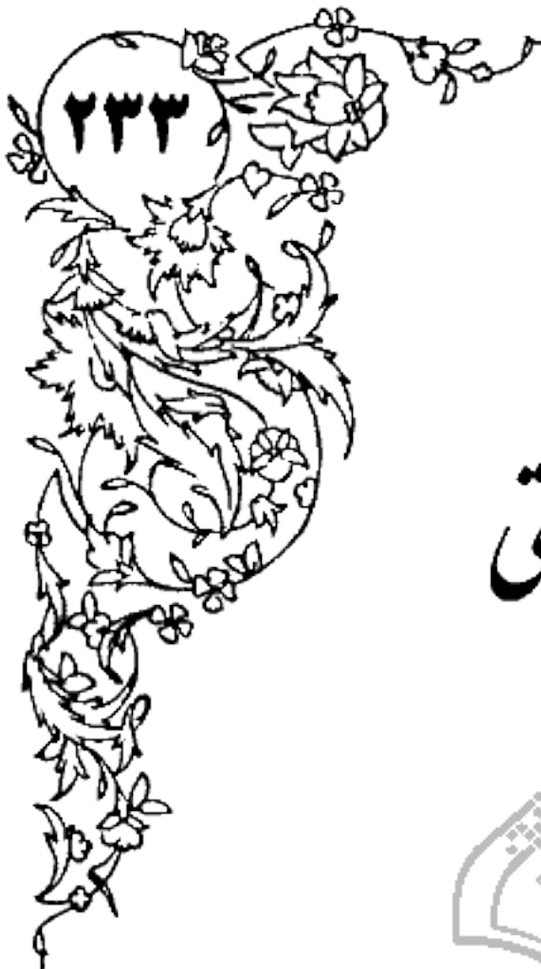
۸۷۰۴. **امام صادق ﷺ**: دزد اگر با پای خود بیاید و خودش را معرّفی و به درگاه خدا توبه کند و مال دزدی را به صاحبش برگرداند، دستش قطع نمی‌شود.

۱۷۹۷
انواع دزدها

۸۷۰۵. **امام علی ﷺ** ـ در خطبه‌ای دربارهٔ فضایل اهل بیت ـ فرمود: ماییم خاصّان و اصحاب [رسول خدا] و خزانه داران و دروازه‌ها [ی

۱. الكافي: ۸/۲۲۶/۷. ۲. وسائل الشيعة: ۵/۵۱۰/۱۸.
۳. علل الشرائع: ۱/۵۳۵. ۴. الكافي: ۲/۲۳۱/۷.
۵. الكافي: ۳/۲۳۱/۷.
۶. تهذيب الأحكام: ۴۸۹/۱۲۲/۱۰.

۲۹۴ ـــــــ



السّعادة

خوشبختی

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

ولمزيد الاطّلاع راجع:

بحار الأنوار :۵/۱۵۲ باب ۶«السعادة والشقاوة» .

انظر:

عنوان ۲۳۳«السعادة» .

العمر :باب ۲۸۸۲ ،العمل :باب ۲۹۰۴ .

۸۷۰۹. عنه ﷺ: اللّهُمّ داحِيَ المَدحُوّاتِ، وداعِمَ المَسمُوكاتِ، وجابِلَ القُلوبِ علىٰ فِطرَتِها، شَقِيِّها وسَعِيدِها.[۱]

۸۷۰۹. امام علی ﷺ: بار خدایا! ای گسترانندهٔ زمینها و بر پای دارندهٔ آسمانها و آفرینندهٔ دلها بر سرشت [توحید]، بدبخت شوند یا خوشبخت.

۸۷۱۰. الإمامُ الصّادقُ ﷺ: السَّعادَةُ سَبَبُ خَيرٍ تَمَسَّكَ بِهِ السَّعيدُ فَيَجُرُّهُ إلَى النَّجاةِ، والشَّقاوَةُ سَبَبُ خِذلانٍ تَمَسَّكَ بِهِ الشَّقِيُّ فَجَرَّهُ إلَى الهَلَكَةِ، وكُلٌّ بِعِلمِ اللهِ تعالىٰ.[۲]

۸۷۱۰. امام صادق ﷺ: خوشبختی رشتهٔ خیری است، که خوشبخت به آن چنگ زده، پس او را به سوی نجات می‌کشاند، و بدبختی رشتهٔ درماندگی و خواری است که بدبخت به آن می‌آویزد و او را به هلاکت می‌کشاند. و همهٔ اینها با علم خداوند متعال است.

۱۷۹۹
السَّعيدُ

۸۷۱۱. رسولُ اللهِ ﷺ: السَّعيدُ مَن اِختارَ باقِيَةً يَدُومُ نَعِيمُها علىٰ فانِيَةٍ لا يَنفَدُ عَذابُها، وقَدَّمَ لِما يَقدَمُ عَلَيهِ مِمّا هُو في يَدَيهِ قَبلَ أن يُخَلِّفَهُ لِمَن يَسعَدُ بِإنفاقِهِ وقَد شَقِيَ هو بِجَمعِهِ.[۳]

۸۷۱۲. عنه ﷺ ـ لأميرِ المُؤمنينَ ﷺ ـ: إنَّ السَّعِيدَ حَقَّ السَّعيدِ مَن أحَبَّكَ وأطاعَكَ.[۴]

۸۷۱۳. الإمامُ عليٌّ ﷺ: إنَّما السَّعيدُ مَن خافَ العِقابَ فَأمِنَ، ورَجا الثَّوابَ فَأحسَنَ، واشتاقَ إلَى الجَنَّةِ فَأدلَجَ.[۵]

۸۷۱۴. عنه ﷺ: السَّعيدُ مَن وُعِظَ بِغَيرِهِ فاتَّعَظَ.[۶]

۱۷۹۹
خوشبخت

۸۷۱۱. پیامبر خدا ﷺ: خوشبخت، کسی است که سرای باقی را که نعمتش پایدار است بر سرایِ فانی که عذابش بی پایان است برگزیند و از آنچه در اختیار دارد برای سرایی که بدانجای رود پیش فرستد، قبل از آن که آنها را برای کسی گذارد که وی با انفاقِ آن خوشبخت می‌شود، ولی خودِ او، با گرد آوردن آن [داراییها اکنون] بدبخت شده است.

۸۷۱۲. پیامبر خدا ﷺ ـ خطاب به امیر المؤمنین ﷺ ـ فرمود: خوشبخت حقیقی کسی است که تو را دوست بدارد و اطاعتت کند.

۸۷۱۳. امام علی ﷺ: خوشبخت، آن کسی است که از کیفر [خدا] ترسید، پس ایمن گردید و به پاداش، امید بست و نیکوکاری پیشه کرد و شوقِ بهشت در دلش جای گرفت و شبانه راه پیمود.

۸۷۱۴. امام علی ﷺ: خوشبخت، آن کسی است که از دیگری پند گیرد و به کار بندد.

---

۱. نهج البلاغة: الخطبة ۷۲. ۲. بحار الأنوار: ۵/۱۸۴/۱۰.
۳. أعلام الدين: ۳۴۵. ۴. الأمالي للطوسي: ۹۵۳/۴۲۶.
۵. غرر الحكم: ۳۹۰۶. ۶. الخصال: ۱۰/۶۲۱.

۸۷۱۵. عنه ﷺ: السَّعيدُ مَن أخلَصَ الطّاعَةَ.[۱]

۸۷۱۶. عنه ﷺ: السَّعيدُ مَنِ استَهانَ بِالمَفقودِ.[۲]

۸۷۱۷. عنه ﷺ: عُنوانُ صَحيفَةِ السَّعيدِ حُسنُ الثَّناءِ عَلَيهِ.[۳]

۸۷۱۸. عنه ﷺ: فاتَّقُوا اللهَ ـ عِبادَ اللهِ ـ تَقِيَّةَ ذِي لُبٍّ شَغَلَ التفكُّرُ قَلبَهُ... قد عَبَرَ مَعبَرَ العاجِلَةِ حَميداً، وقَدَّمَ زادَ الآجِلَةِ سَعيداً.[۴]

۸۷۱۹. عنه ﷺ: نَسأَلُ اللهَ مَنازِلَ الشُّهداءِ، ومُعايَشَةَ السُّعداءِ، ومُرافَقَةَ الأنبياءِ.[۵]

۸۷۲۰. الإمامُ الصّادقُ ﷺ: السَّعيدُ مَن وَجَدَ في نفسِهِ خَلوَةً يَشغَلُ بها.[۶]

۸۷۲۱. عنه ﷺ: لا يَنبَغي لِمَن لم يَكُن عالِماً أن يُعَدَّ سَعيداً.[۷]

۱۸۰۰
ما يوجِبُ السَّعادَةَ

۸۷۲۲. الإمامُ عليٌّ ﷺ: اِعمَلُوا بِالعِلمِ تَسعَدُوا.[۸]

۸۷۲۳. عنه ﷺ: هَيهاتَ مِن نَيلِ السَّعادَةِ السُّكونُ إلى الهُوَينا والبَطالَةِ.[۹]

۸۷۱۵. **امام علی ﷺ**: خوشبخت، کسی است که در طاعت [خدا] اخلاص داشته باشد.

۸۷۱۶. **امام علی ﷺ**: خوشبخت، کسی است که به آنچه از دست رفته بی‌اعتنا باشد.

۸۷۱۷. **امام علی ﷺ**: سر لوحهٔ پروندهٔ اعمال آدم خوشبخت، ستایش نیکوی [مردمان] از اوست.

۸۷۱۸. **امام علی ﷺ**: از خدا بترسید ای بندگان خدا! همچون خدا ترس خردمندی که تفکّر، دل او را به خود مشغول کرده است... از گذرگاه دنیا با سرافرازی گذشته و توشهٔ آخرت را با خوشبختی پیش فرستاده است.

۸۷۱۹. **امام علی ﷺ**: از خداوند مقام شهیدان و همزیستی با خوشبختان و همدمی با پیامبران را مسألت داریم.

۸۷۲۰. **امام صادق ﷺ**: خوشبخت، کسی است که برای نفس خود خلوت و فراغتی یابد و به کار اصلاح آن پردازد.

۸۷۲۱. **امام صادق ﷺ**: کسی که عالم نباشد سزاوار نیست که خوشبخت شمرده شود.

۱۸۰۰
آنچه موجب خوشبختی می‌گردد

۸۷۲۲. **امام علی ﷺ**: به علم عمل کنید، تا خوشبخت شوید.

۸۷۲۳. **امام علی ﷺ**: چه دور است میان آسایش و تن‌پروری و رسیدن به خوشبختی.

---

۱. غرر الحكم: ۱۲۹۳. ۲. غرر الحكم: ۱۵۶۹.
۳. كشف الغمّة: ۱۳۷/۳. ۴. نهج البلاغة: الخطبة ۸۳.
۵. نهج البلاغة: الخطبة ۲۳. ۶. بحار الأنوار: ۳۵/۲۰۳/۷۸.
۷. تحف العقول: ۳۶۴. ۸. غرر الحكم: ۲۴۷۹.
۹. غرر الحكم: ۱۰۰۲۸.

۸۷۲۴ . عنه ﷺ: جالِسِ العُلماءَ تَسعَدْ.[۱]

۸۷۲۵ . عنه ﷺ: بِالإيمانِ يُرتَقىٰ إلىٰ ذِروَةِ السَّعادَةِ ونِهايَةِ الحُبُورِ.[۲]

۸۷۲۶ . عنه ﷺ: في لُزومِ الحَقِّ تَكونُ السَّعادَةُ.[۳]

۸۷۲۷ . عنه ﷺ: لَن تُعرَفَ حَلاوَةُ السَّعادَةِ حَتّىٰ تُذاقَ مَرارَةُ النَّحْسِ.[۴]

۸۷۲۸ . عنه ﷺ: مَن حاسَبَ نَفسَهُ سَعِدَ.[۵]

۸۷۲۹ . عنه ﷺ: مَن أجهَدَ نَفسَهُ في إصلاحِها سَعِدَ، مَن أهمَلَ نفسَهُ في لَذّاتِها شَقِيَ وبَعُدَ.[۶]

۸۷۳۰ . عنه ﷺ: ثلاثٌ مَن حافَظَ علَيها سَعِدَ: إذا ظَهَرَتْ عليكَ نِعمَةٌ فاحمَدِ اللهَ، وإذا أبطَأَ عنكَ الرِّزقُ فاستَغفِرِ اللهَ، وإذا أصابَتكَ شِدَّةٌ فَأكثِر مِن قَولِ: لا حَولَ ولا قُوَّةَ إلّا بِاللهِ.[۷]

۱۸۰۱
أسبابُ السَّعادَةِ وَالشَّقاوَةِ

۸۷۳۱ . الإمامُ عليٌّ ﷺ: عُصِمَ السُّعَداءُ بالإيمانِ،

۸۷۲۴ . **امام علی**ﷺ: با دانشمندان باش، تا خوشبخت شوی.

۸۷۲۵ . **امام علی**ﷺ: از طریق ایمان است که می‌توان به قلهٔ خوشبختی و اوج شادمانی صعود کرد.

۸۷۲۶ . **امام علی**ﷺ: خوشبختی، در پایبندی به حق است.

۸۷۲۷ . **امام علی**ﷺ: شیرینیِ خوشبختی درک نشود، مگر آن گاه که تلخیِ بدبختی چشیده شود.

۸۷۲۸ . **امام علی**ﷺ: هرکه به محاسبهٔ نفس خود پردازد، خوشبخت شود.

۸۷۲۹ . **امام علی**ﷺ: هرکه نفس خود را در راه اصلاح آن به رنج افکند، خوشبخت شود و هرکه آن را با لذّتهایش واگذارد، بدبخت گردد و [از درگاه حق] دور شود.

۸۷۳۰ . **امام علی**ﷺ: سه چیز است که هرکس رعایت کند خوشبخت شود: هرگاه نعمتی به تو رسید خدا را سپاس گوی، هرگاه روزیت دیر رسید از خدا آمرزش بخواه، و هرگاه سختی به تو رسید ذکر «لا حول و لا قوة الّا بالله» را زیاد بگو.

۱۸۰۱
عوامل خوشبختی و بدبختی

۸۷۳۱ . **امام علی**ﷺ: خوشبختان به سبب ایمان

---

۱ . غرر الحکم: ۴۷۱۷.
۲ . غرر الحکم: ۴۳۲۳.
۳ . غرر الحکم: ۶۴۸۹.
۴ . غرر الحکم: ۷۴۲۵.
۵ . غرر الحکم: ۷۸۸۷.
۶ . غرر الحکم: (۸۲۴۶ـ۸۲۴۷).
۷ . بحار الأنوار: ۵۱/۴۵/۷۸.

وخُذِلَ الأشقِياءُ بالعِصيانِ مِن بَعدِ اتِّجاهِ الحُجَّةِ علَيهِم بالبَيانِ؛ إذ وَضَحَ لَهُم مَنارُ الحَقِّ وسَبيلُ الهُدىٰ.[1]

۸۷۳۲. عنه ﷺ: لا يَسعَدُ امرُؤٌ إلّا بطاعَةِ اللهِ سبحانَهُ، ولا يَشقَى امرُؤٌ إلّا بمَعصيَةِ اللهِ.[2]

۸۷۳۳. عنه ﷺ: لا يَسعَدُ أحَدٌ إلّا بإقامَةِ حُدودِ اللهِ، ولا يَشقَى أحَدٌ إلّا بإضاعَتِها.[3]

۸۷۳۴. عنه ﷺ ـ مِن كتابٍ لَهُ إلى الأشتَرِ ـ: أمَرَهُ بِتَقوَى اللهِ، وإيثارِ طاعَتِهِ، واتِّباعِ ما أمَرَ بِهِ في كتابِهِ مِن فرائضِهِ وسُنَنِهِ؛ التي لا يَسعَدُ أحَدٌ إلّا باتِّباعِها، ولا يَشقَى إلّا مَعَ جُحُودِها وإضاعَتِها.[4]

۱۸۰۲
ما يُعَدُّ مِنَ السَّعادَةِ

۸۷۳۵. رسولُ اللهِ ﷺ: مِن سعادَةِ ابنِ آدَمَ استِخارَةُ اللهِ، ورِضاهُ بما قَضَى اللهُ، ومِن شِقوَةِ ابنِ آدَمَ تَركُهُ استخارَةَ اللهِ، وسَخَطُهُ بما قَضَى اللهُ.[5]

۸۷۳۶. عنه ﷺ: إنَّ مِن سَعادَةِ المَرءِ المُسلِمِ أن يُشبِهَهُ وَلَدُهُ، والمَرأةُ الجَملاءِ ذاتُ دِينٍ،

محفوظ ماندند و بدبختان بر اثر عصیان خوار شدند، چه این‌که حجّت بر آنان به وسیلهٔ بیان تمام گشته و بیرق حق و راه هدایت برای آنان هویدا شده بود.

۸۷۳۲. امام علی ﷺ: هیچ کس جز با طاعت خداوند سبحان خوشبخت نشود و هیچ کس جز با معصیت خدا بدبخت نگردد.

۸۷۳۳. امام علی ﷺ: هیچ کس جز با برپاداشتن حدود الهی خوشبخت نشود و احدی جز با فرو گذاشتن آنها بدبخت نگردد.

۸۷۳۴. امام علی ﷺ ـ در نامهٔ خود به مالک اشتر ـ نوشت: [امیر المؤمنین] مالک را به پرهیزگاری و ترس از خدا و برگزیدن طاعت او و پیروی از فرایض و مستحبات خدا، که در کتاب خود به آنها امر فرموده است، فرمان می‌دهد؛ فرایض و مستحباتی که هیچ کس جز با انجام آنها خوشبخت نمی‌شود و هیچ کس جز با انکار و فرو گذاشتن آنها بدبخت نمی‌گردد.

۱۸۰۲
آنچه از خوشبختی به شمار می‌آید

۸۷۳۵. پیامبر خدا ﷺ: از جمله خوشبختیِ فرزندِ آدم، درخواستِ خیر از خداوند و خشنودی به قضای خداست و از جمله بدبختی فرزند آدم این است که در کارهایش از خدا طلب خیر نکند و به قضای خدا خشنود نباشد.

۸۷۳۶. پیامبر خدا ﷺ: از خوشبختی مرد مسلمان

---

۱. کنز العمّال: ۴۴۲۱۶. ۲. غرر الحکم: ۱۰۸۴۸.
۳. غرر الحکم: ۱۰۸۵۳. ۴. نهج البلاغة: الکتاب ۵۳.
۵. تحف العقول: ۵۵.

والمَركَبُ الهَنِيُّ، والمَسكَنُ الواسِعُ.[۱]

۸۷۳۷. عنه ﷺ: أربَعةٌ مِن سَعادَةِ المَرءِ: الخُلَطاءُ الصّالِحُونَ، والوَلَدُ البارُّ، والمَرأةُ المُوَاتِيَةُ، وأن تَكونَ مَعِيشَتُهُ في بَلَدِهِ.[۲]

۸۷۳۷. **پیامبر خدا ﷺ**: چهار چیز از خوشبختی مرد است: همنشینان شایسته، فرزند نیکوکار، زن سازگار، و این که محل کسب او در شهر خودش باشد.

۸۷۳۸. عنه ﷺ: مِن سَعادَةِ الرَّجُلِ الوَلَدُ الصالِحُ.[۳]

۸۷۳۸. **پیامبر خدا ﷺ**: از خوشبختی مرد، داشتن فرزند صالح است.

۸۷۳۹. **الإمامُ عليٌّ** ﷺ: خُلُوُّ الصَّدرِ مِنَ الغِلِّ والحَسَدِ مِن سَعادَةِ العَبدِ.[۴]

۸۷۳۹. **امام علی** ﷺ: خالی بودن دل از کینه و حسادت، از خوشبختی بنده است.

۸۷۴۰. عنه ﷺ: مِنَ السَّعادَةِ، التَّوفيقُ لِصالِحِ الأعمالِ.[۵]

۸۷۴۰. **امام علی** ﷺ: توفیق داشتن برای انجام کارهای نیک، از خوشبختی است.

۸۷۴۱. عنه ﷺ: السَّخاءُ إحدَى السَّعادَتَينِ.[۶]

۸۷۴۱. **امام علی** ﷺ: بخشندگی، یکی از دو سعادت است.

۸۷۴۲. عنه ﷺ: التَّوفيقُ مِنَ السَّعادَةِ، والخِذلانُ مِنَ الشَّقاوَةِ.[۷]

۸۷۴۲. **امام علی** ﷺ: توفیق داشتن از خوشبختی است و خذلان (عدم توفیق و یاری خداوند) از بدبختی است.

۸۷۴۳. عنه ﷺ: الكِتمانُ طَرَفٌ مِنَ السَّعادَةِ.[۸]

۸۷۴۳. **امام علی** ﷺ: کتمان (راز داری) گوشه‌ای از سعادت است.

۸۷۴۴. عنه ﷺ: مِن سَعادَةِ المَرءِ أن تَكونَ صَنائِعُهُ عِندَ مَن يَشكُرُهُ، ومَعروفُهُ عِندَ مَن لا يَكفُرُهُ.[۹]

۸۷۴۴. **امام علی** ﷺ: از خوشبختی مرد این است که کارهایش برای کسی باشد که از وی سپاسگزاری کند و نیکیش به کسی باشد که ناسپاسی او نکند.

۸۷۴۵. **الإمامُ زينُ العابدينَ** ﷺ: مِن سَعادَةِ المَرءِ أن يَكونَ مَتجَرُهُ في بِلادِهِ، ويَكونَ خُلَطاؤُهُ

۸۷۴۵. **امام زین العابدین** ﷺ: از سعادت آدمی است که محل کسب و کارش در شهر خودش باشد و همنشینانش صالح باشند و

---

۱. بحار الأنوار: ۳/۱۴۹/۷۶. ۲. النوادر للراوندي: ۹۳/۱۱۰.
۳. بحار الأنوار: ۶۷/۹۸/۱۰۴.
۴. غرر الحكم: ۵۰۸۳. ۵. غرر الحكم: ۹۲۹۶.
۶. غرر الحكم: ۱۶۴۴. ۷. بحار الأنوار: ۷۰/۱۲/۷۸.
۸. بحار الأنوار: ۱۴۶/۶۳/۷۸.
۹. غرر الحكم: ۹۴۴۷.

صالِحِينَ، ويكونَ لَهُ وُلدٌ يَستَعِينُ بِهِم.[1]

فرزندی داشته باشد که کمک کار او باشد.

۸۷۴۶. **الإمامُ الصّادقُ** ﷺ ـ عندما قيلَ لَهُ: إنّ مِن سعادَةِ المَرءِ خِفَّةُ عارِضَيهِ[2] ـ: وما في هذا مِنَ السَّعادَةِ؟! إنّما السَّعادَةُ خِفَّةُ ماضِغَيهِ بِالتَّسبيحِ.[3]

۸۷۴۶. **امام صادق**ﷺ ـ آنگاه که از حضرتش سؤال شد: آیا سبکی (تُنُکی) ریش مرد از خوشبختی اوست؟[1] ـ فرمود: در این امر چه خوشبختی است؟! خوشبختی آن است که فک‌های او در تسبیح خدا سبک باشد.

۸۷۴۷. **عنه** ﷺ: ثَلاثَةٌ مِنَ السَّعادَةِ: الزَّوجَةُ المُؤاتِيَةُ، والوَلَدُ البارُّ، والرِّزقُ يُرزَقُ مَعيشَةً يَغدُو علىٰ صلاحِها ويَرُوحُ علىٰ عِيالِهِ.[4]

۸۷۴۷. **امام صادق**ﷺ: سه چیز از خوشبختی است: همسر سازگار، فرزند نیکوکار، و کار و کسبی که روز در پی سامان‌دهی آن رود و شب نزد خانواده‌اش برگردد.

۸۷۴۸. **عنه** ﷺ: مِن سعادَةِ الرَّجُلِ أن يَكونَ الوَلَدُ يُعرَفُ بِشِبهِهِ وخَلقِهِ وخُلُقِهِ وشَمائِلِهِ.[5]

۸۷۴۸. **امام صادق**ﷺ: از خوشبختی مرد آن است که شکل و شمایل و خلق و خوی فرزندش شبیه خود او باشد.

۸۷۴۹. **عنه** ﷺ: سَعِدَ امرُؤٌ لَم يَمُتْ حتّىٰ يَرَىٰ خَلَفَهُ مِن نفسِهِ.[6]

۸۷۴۹. **امام صادق**ﷺ: خوشبخت مردی که نمیرد، تا جانشین خود را ببیند.

(انظر) الشكر للناس: باب ۲۰۵۹.

۱۸۰۳
أمارَةُ السَّعادَةِ

۱۸۰۳
نشانهٔ خوشبختی

۸۷۵۰. **رسولُ اللهِ** ﷺ: إذا استُحِقَّتْ وَلايَةُ اللهِ والسَّعادَةُ جاءَ الأجَلُ بَينَ العَينَينِ وذَهَبَ

۸۷۵۰. **پیامبر خدا**ﷺ: هرگاه کسی استحقاق دوستی خداوند و خوشبختی را بیابد، مرگ در برابر چشمان او آید و آرزو، پشت

---

۱. الخصال: ۲۰۷/۱۵۹.
۲. الظاهر أنّ مراد السائل ما روي عن النبيّ ﷺ أنّ «من سعادة المرء خفّة عارضيه» والإمام يقول: إنّ الحديث مجهول.
۳. علل الشرائع: ۱۱/۵۸۰. ۴. بحار الأنوار: ۱۹/۵/۱۰۳.
۵. بحار الأنوار: ۳۷/۹۵/۱۰۴.
۶. مكارم الأخلاق: ۱۶۴۶/۴۷۷/۱.

۱. ظاهراً مراد سؤال کننده، این حدیث مروی از پیامبرﷺ است که فرمود: «از خوشبختی مرد، سبکی لحیه (ریش) اوست» و امام، معنای صحیح را بیان می‌کند.

الأمَلُ وَراءَ الظَّهرِ، وإذا استُحِقَّتْ وَلايَةُ الشَّيطانِ والشَّقاوَةُ جاءَ الأمَلُ بينَ العَينَينِ وذَهَبَ الأجَلُ وَراءَ الظَّهرِ.[۱]

۸۷۵۱. **الإمامُ عليٌّ** ﷺ: دَوامُ العِبادَةِ بُرهانُ الظَّفَرِ بالسَّعادَةِ.[۲]

۸۷۵۲. **عنه** ﷺ: أماراتُ السَّعادَةِ إخلاصُ العَمَلِ.[۳]

۸۷۵۳. **عنه** ﷺ: دَرَكُ السَّعادَةِ بِمُبادَرَةِ الخَيراتِ والأعمالِ الزّاكِياتِ.[۴]

سرش رود و هرگاه مستحقّ دوستی شیطان و بدبختی شود، آرزو، پیش چشمش آید و مرگ، پشت سرش قرار گیرد.

۸۷۵۱. **امام علی**ﷺ: دوام عبادت، دلیل دست یافتن به خوشبختی است.

۸۷۵۲. **امام علی**ﷺ: از نشانه‌های سعادت، اخلاص داشتن در عمل است.

۸۷۵۳. **امام علی**ﷺ: رسیدن به خوشبختی با شتافتن به انجام کارهای خیر و اعمال شایسته میسّر است.

۱۸۰۴
حَقيقَةُ السَّعادَةِ

۸۷۵۴. **الإمامُ عليٌّ** ﷺ: إنّ حَقيقَةَ السَّعادةِ أن يُختَمَ لِلمَرءِ عَمَلُهُ بِالسَّعادَةِ، وإنّ حَقيقَةَ الشَّقاءِ أن يُختَمَ لِلمَرءِ عَمَلُهُ بِالشَّقاءِ.[۵]

۸۷۵۵. **عنه** ﷺ: عِندَ العَرضِ عَلَى اللهِ سبحانَهُ تَتَحَقَّقُ السَّعادَةُ مِنَ الشَّقاءِ.[۶]

۸۷۵۶. **عنه** ﷺ: سَعادَةُ المَرءِ القَناعَةُ والرِّضا.[۷]

۸۷۵۷. **عنه** ﷺ: سَعادَةُ الرَّجُلِ في إحرازِ دِينِهِ والعَمَلِ لِآخِرَتِهِ.[۸]

۱۸۰۴
خوشبختی حقیقی

۸۷۵۴. **امام علی**ﷺ: خوشبختی حقیقی این است که کار انسان به خوشبختی بینجامد و بدبختی حقیقی این است که [فرجام] کار آدمی به بدبختی ختم شود.

۸۷۵۵. **امام علی**ﷺ: در هنگام عرضهٔ اعمال بر خدای سبحان است که خوشبختی حقیقی از بدبختی حقیقی باز شناخته می‌شود.

۸۷۵۶. **امام علی**ﷺ: خوشبختی انسان، در قناعت و خشنودی است.

۸۷۵۷. **امام علی**ﷺ: خوشبختی انسان، در دینداری و کار برای آخرت است.

---

۱. الكافي: ۳/۲۵۸/۲۷. ۲. غرر الحكم: ۵۱۴۷.
۳. غرر الحكم: ۱۲۳۱. ۴. غرر الحكم: ۵۱۵۲.
۵. معاني الأخبار: ۱/۳۴۵. ۶. غرر الحكم: ۶۲۲۳.
۷. غرر الحكم: ۵۵۶۱. ۸. غرر الحكم: ۵۶۲۴.

۱۸۰۵
أسعَدُ النّاسِ

۸۷۵۸ . رسولُ اللهِ ﷺ: أسعَدُ الناسِ مَن خالَطَ كِرامَ الناسِ.[۱]

۸۷۵۹ . الإمامُ عليٌّ ؈: أسعَدُ الناسِ مَن تَرَكَ لَذَّةً فانِيَةً لِلَذَّةٍ باقِيَةٍ.[۲]

۸۷۶۰ . عنه ؈: إنَّ أسعَدَ الناسِ مَن كانَ لَهُ مِن نفسِهِ بِطاعةِ اللهِ مُتَقاضٍ.[۳]

۸۷۶۱ . عنه ؈: إنَّ أسعَدَ الناسِ في الدنيا مَن عَدَلَ عَمّا يَعرِفُ ضُرَّهُ، وإنَّ أشقاهُم مَنِ اتَّبَعَ هَواهُ.[۴]

۸۷۶۲ . عنه ؈: أسعَدُ الناسِ العاقِلُ المؤمنُ.[۵]

۸۷۶۳ . عنه ؈: أسعَدُ الناسِ مَن عَرَفَ فَضلَنا، وتَقَرَّبَ إلى اللهِ بِنا، وأخلَصَ حُبَّنا، وعَمِلَ بما إلَيهِ نَدَبنا، وانتَهىٰ عَمّا عَنهُ نَهَينا، فذاكَ مِنّا وهُو في دارِ المُقامَةِ مَعَنا.[۶]

۸۷۶۴ . عنه ؈: أسعَدُ الناسِ بالدنيا التارِكُ لَها، وأسعَدُهم بِالآخِرَةِ العامِلُ لَها.[۷]

۸۷۶۵ . عنه ؈: إن أحبَبتَ أن تَكونَ أسعَدَ الناسِ

---

۱ . بحار الأنوار: ۲/۱۸۵/۷۴.
۲ . غرر الحكم: ۳۲۱۸. ۳ . غرر الحكم: ۳۳۹۶.
۴ . وقعة صفّين: ۱۰۸. ۵ . غرر الحكم: ۲۹۹۰.
۶ . غرر الحكم: ۳۲۹۷. ۷ . غرر الحكم: ۳۳۱۰.

۱۸۰۵
خوشبخت‌ترین مردم

۸۷۵۸ . **پیامبر خدا ﷺ**: خوشبخت‌ترین مردم، کسی است که با مردمان بزرگوار معاشرت کند.

۸۷۵۹ . **امام علی ؈**: خوشبخت‌ترین مردم، کسی است که لذّت گذرا را به خاطر لذّت ماندگار ترک کند.

۸۷۶۰ . **امام علی ؈**: خوشبخت ترین مردم، کسی است که نفْس او متقاضیِ طاعت خدا باشد.

۸۷۶۱ . **امام علی ؈**: خوشبخت ترین مردم در دنیا کسی است که از آنچه می‌داند برایش زیان آور است دوری کند، و بدبخت‌ترین آنان کسی است که از هوای نفس خود پیروی کند.

۸۷۶۲ . **امام علی ؈**: خوشبخت‌ترین مردم، خردمندِ مؤمن است.

۸۷۶۳ . **امام علی ؈**: خوشبخت‌ترین مردم کسی است که فضل و مقام مارا بشناسد و به وسیلهٔ ما به خدا نزدیک شود و در دوستی ما یکدل و مخلص باشد و به آنچه ما بدان فرا خواندیم عمل کند و از آنچه ما نهی کردیم دست بردارد. چنین کسی از ماست و در سرای ماندگاری (بهشت) با ماست.

۸۷۶۴ . **امام علی ؈**: خوشبخت ترین مردم در دنیا کسی است که دنیا را وانهد، و خوشبخت‌ترین آنان در آخرت کسی است که برای آخرت کار کند.

۸۷۶۵ . **امام علی ؈**: اگر دوست داری که با دانش

بما عَلِمتَ فاعمَلْ.[1]

خود خوشبخت‌ترین‌مردم باشی، به آن عمل کن.

۸۷۶۶. عنه ﷺ: أعظَمُ النـاسِ سَعادَةً أكثَرُهُم زَهادَةً.[2]

۸۷۶۶. امام علی ﷺ: خوشبخت‌ترین مردم کسی است که بیش از همه پارسایی داشته باشد.

۸۷۶۷. عنه ﷺ: ما أعظَمَ سعادَةَ مَن بُوشِرَ قَلبُهُ بِبَردِ اليَقينِ.[3]

۸۷۶۷. امام علی ﷺ: چقدر خوشبخت است کسی که خنکای یقین به دلش رسیده باشد.

۸۷۶۸. عنه ﷺ: أفضَلُ السَّعادَةِ استقامَةُ الدِّينِ.[4]

۸۷۶۸. امام علی ﷺ: بالاترین خوشبختی، استواری دین است.

۱۸۰۶
كَفىٰ بِالمَرءِ سَعادَةً

۸۷۶۹. الإمامُ عليٌّ ﷺ: كَفىٰ بِالمَرءِ سَعادَةً أن يُوثَقَ بِهِ في أُمورِ الدِّينِ والدنيا.[5]

۸۷۶۹. امام علی ﷺ: مرد را سعادت همین بس که در امور دینی و دنیوی مورد اعتماد باشد.

۸۷۷۰. عنه ﷺ: كَفىٰ بالمَرءِ سَعادَةً أن يَعرِفَ عَمّا يَفنىٰ ويَتَوَلَّهَ بِما يَبقىٰ.[6]

۸۷۷۰. امام علی ﷺ: در خوشبختی مرد همین بس که از آنچه رفتنی است دل برکَند و به آنچه ماندنی است دل بندد.

۱۸۰۷
كَمالُ السَّعادَةِ

۸۷۷۱. الإمامُ عليٌّ ﷺ: إذا اقتَرَنَ العَزمُ بِالحَزمِ كَمُلَتِ السَّعادَةُ.[7]

۸۷۷۱. امام علی ﷺ: هرگاه تصمیم و دوراندیشی قرین هم شوند، خوشبختی کامل شود.

۸۷۷۲. عنه ﷺ: مِن كَمالِ السَّعادَةِ السَّعيُ في صَلاحِ الجُمهورِ.[8]

۸۷۷۲. امام علی ﷺ: کوشش در راه اصلاح عموم مردم، از کمال خوشبختی است.

---

۱. غرر الحكم: ۳۷۱۹.
۲. غرر الحكم: ۳۱۰۰.
۳. غرر الحكم: ۹۵۵۶.
۴. غرر الحكم: ۲۸۶۹.
۵. غرر الحكم: ۷۰۵۸.
۶. غرر الحكم: ۷۰۷۰.
۷. غرر الحكم: ۴۰۶۷.
۸. غرر الحكم: ۹۳۶۱.

۸۷۷۳ . **الإمامُ الصّادقُ** ﷺ: ما كُلُّ مَن نَوىٰ شيئاً قَدَرَ علَيهِ، ولا كُلُّ مَن قَدَرَ علىٰ شَيءٍ وُفِّقَ لَهُ، ولا كُلُّ مَن وُفِّقَ أصابَ لَهُ مَوضِعاً، فإذا اجتَمَعَتِ النِّيَّةُ والقُدرَةُ والتَّوفيقُ والإصابَةُ فهُنا لِكَ تَمَّتِ السَّعادَةُ.[1]

۸۷۷۳ . **امام صادق**ﷺ: نه هر کس آهنگ کاری کند، بتواند آن را انجام دهد و نه هرکه بر انجام کاری توانا باشد، توفیق آن را یابد و نه هر که توفیق یابد، آن را درست انجام دهد؛ بلکه هرگاه نیّت و توانایی و توفیق و درست از عهده برآمدن فراهم آیند، آن گاه است که خوشبختی کامل می‌گردد.

۸۷۷۴ . **عنه** ﷺ: ما كُلُّ مَن أرادَ شيئاً قَدَرَ علَيهِ، ولا كُلُّ مَن قَدَرَ علىٰ شَيءٍ وُفِّقَ لَهُ، ولا كُلُّ مَن وُفِّقَ أصابَ لَهُ مَوضِعاً، فإذا اجتَمَعَ النِّيَّةُ والقُدرَةُ والتَّوفيقُ والإصابَةُ فهُناكَ تَجِبُ السَّعادَةُ.[2]

۸۷۷۴ . **امام صادق**ﷺ: چنین نیست که هرکس چیزی بخواهد توانایی دست یافتن به آن را داشته باشد، و نه هرکس توانایی رسیدن به چیزی را داشته باشد، توفیق آن را یابد، و نه هر که توفیق یابد، از عهدهٔ آن درست برآید؛ بلکه هرگاه خواستن و توانستن و توفیق و درست از عهده بر آمدن فراهم آیند، آن گاه است که خوشبختی تحقّق می‌یابد.

۸۷۷۵ . **عنه** ﷺ: لَيسَ كُلُّ مَن يُحِبُّ أن يَصنَعَ المَعروفَ إلى الناسِ يَصنَعُهُ، ولا كُلُّ مَن رَغِبَ فيهِ يَقدِرُ علَيهِ، ولا كُلُّ مَن يَقدِرُ علَيهِ يُؤذَنُ لَهُ فيهِ، فإذا مَنَّ اللهُ علىٰ العَبدِ جَمَعَ لَهُ الرَّغبَةَ في المَعروفِ والقُدرَةَ والإذنَ، فهُناكَ تَمَّتِ السَّعادَةُ والكَرامَةُ للطالِبِ والمَطلوبِ إلَيهِ.[3]

۸۷۷۵ . **امام صادق**ﷺ: چنین نیست که هر کس بخواهد به مردم خوبی کند، بکند و نه هرکس به این کار رغبت داشته باشد، توانایی آن را داشته باشد و نه هر کس بدان توانا باشد، توفیق آن را یابد. بلکه هرگاه خداوند بر بنده منّت نهد، رغبت به نیکی کردن و توانایی بر انجام آن و اذن و توفیق را برایش فراهم آورد. در این هنگام است که خوشبختی و کرامت برای طالب (شخصی که می‌خواهد نیکی کند) و مطلوب (شخصی که مورد نیکی است) کامل گردد.

---

۱ . الإرشاد: ۲۰۴/۲ . ۲ . بحار الأنوار: ۸۷/۲۱۰/۷۸ .
۳ . تحف العقول: ۳۶۳ .



۲۳۴

السَّفَر

مسافرت

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

ولمزيد الاطّلاع راجع:

بحار الأنوار: ۷۶/ ۲۲۱ «أبواب السفر».

بحار الأنوار: ۱۰۰/ ۱۰۱ باب ۱ «مقدّمات السفر وآدابه».

وسائل الشيعة: ۸/ ۲۴۸ «أبواب آداب السفر».

كنز العمّال: ۶/ ۷۰۱ «كتاب السفر».

كنز العمّال: ۶/ ۷۲۰ «في محظورات السفر».

۱۸۰۸
مَنافِعُ السَّفَرِ

۸۷۷۶ . رسولُ اللهِ ﷺ: سافِرُوا تَصِحُّوا، وجاهِدُوا تَغنَمُوا.[۱]

۸۷۷۷ . عنه ﷺ: سافِرُوا تَصِحُّوا وتُرزَقُوا.[۲]

۸۷۷۸ . عنه ﷺ: سافِرُوا تَصِحُّوا وتَغنَمُوا.[۳]

۱۸۰۹
السَّفَرُ وَالنَّصَبُ

الكتاب:

﴿فَلَمّا جاوَزا قالَ لِفَتاهُ آتِنا غَداءَنا لَقَدْ لَقِينا مِنْ سَفَرِنا هٰذا نَصَباً﴾.[۴]

الحديث:

۸۷۷۹ . رسولُ اللهِ ﷺ: السَّفَرُ قِطعَةٌ مِنَ العَذابِ، وإذا قَضىٰ أحَدُكُم سَفَرَهُ فَليُسرِعِ الإيابَ إلىٰ أهلِهِ.[۵]

۸۷۸۰ . عنه ﷺ: السَّفَرُ قِطعَةٌ مِن العَذابِ، يَمنَعُ أحَدَكُم طَعامَهُ وشَرابَهُ ونَومَهُ، فإذا قَضىٰ

۱۸۰۸
منافع مسافرت

۸۷۷۶ . **پیامبر خدا ﷺ**: مسافرت کنید تا تندرست مانید، و جهاد کنید تا غنیمت به دست آورید.

۸۷۷۷ . **پیامبر خدا ﷺ**: مسافرت کنید تا تندرست مانید و روزی داده شوید.

۸۷۷۸ . **پیامبر خدا ﷺ**: مسافرت کنید تا سالم بمانید، و غنیمت (سود) به دست آورید.

۱۸۰۹
مسافرت و خستگی

قرآن:

«وچون [موسی ﷺ و همراهش از مجمع البحرین] گذشتند به جوان خود گفت: غذایمان را بیاور که از این سفرمان خستگی [بسیار] دیدیم».

حدیث:

۸۷۷۹ . **پیامبر خدا ﷺ**: مسافرت کردن بخشی از عذاب (رنج) است و هرگاه فردی از شما سفرش را به پایان رساند، باید زود نزد خانواده خود رود.

۸۷۸۰ . **پیامبر خدا ﷺ**: مسافرت بخشی از عذاب است که انسان در آن از غذا و آب و خواب

---

۱ . بحار الأنوار: ۳/۲۲۱/۷۶، كنز العمّال: ۱۷۴۷۱.
۲ . كنز العمّال: ۱۷۴۶۹. ۳ . كنز العمّال: ۱۷۴۷۰.
۴ . الكهف: ۶۲. ۵ . بحار الأنوار: ۷/۲۲۲/۷۶.

أحَدُكُم نَهمَتَهُ مِن وَجهِهِ فَلْيُعَجِّلِ الرُّجُوعَ.[۱]

۸۷۸۱. الإمامُ عليٌّ ﷺ: السَّفَرُ أحَدُ العَذابَينِ.[۲]

۱۸۱۰
اختِيارُ الرَّفيقِ فِي السَّفرِ

۸۷۸۲. رسولُ اللهِ ﷺ: الرَّفيقَ ثُمَّ الطَّرِيقَ.[۳]

۸۷۸۳. الإمامُ عليٌّ ﷺ: سَلْ عَنِ الرَّفيقِ قَبلَ الطَّريقِ، وعنِ الجارِ قَبلَ الدّارِ.[۴]

۱۸۱۱
آدابُ السَّفَرِ

۱ـ الصدقة

۸۷۸۴. الإمامُ الصّادقُ ﷺ: إفتَتِحْ سَفَرَكَ بالصَّدَقَةِ واخرُجْ إذا بَدا لكَ؛ فإنَّكَ تَشتَرِي سلامَةَ سَفَرِكَ.[۵]

۲ـ اختيار الجادّة وإن دارت

۸۷۸۵. الإمامُ عليٌّ ﷺ: عليكُم بالبِكرِ وإن بارَتْ، والجادَّةِ وإن دارَتْ، وبالمَدينَةِ وإن جارَتْ.[۶]

---

۱. كنز العمّال: ۱۷۵۲۱.
۲. غرر الحكم: ۱۶۲۵.
۳. بحار الأنوار: ۸/۲۶۷/۷۶.
۴. نهج البلاغة: الكتاب ۳۱.
۵. بحار الأنوار: ۵/۱۰۳/۱۰۰، وانظر: ج ۲۲۶/۷۶ وص ۲۲۷ وص ۲۳۱ وص ۲۳۲ وج ۲۸/۵۹.
۶. بحار الأنوار: ۸/۲۷۷/۷۶.

خود می‌افتد، پس هرگاه فردی از شما به هدف خود از مسافرت دست یافت، زود برگردد.

۸۷۸۱. **امام علی**ﷺ: سفر کردن یکی از دو عذاب است.

۱۸۱۰
انتخاب همسفر

۸۷۸۲. **پیامبر خدا**ﷺ: نخست همسفر، آن گاه سفر.

۸۷۸۳. **امام علی**ﷺ: پیش از سفر، از همسفر جویا شو، و پیش از [خرید] خانه، ببین همسایه‌ات کیست.

۱۸۱۱
آداب مسافرت

۱ـ صدقه

۸۷۸۴. **امام صادق**ﷺ: مسافرت خود را با صدقه دادن آغاز کن و هرگاه خواستی بیرون برو؛ زیرا [با صدقه دادن] سلامت سفرت را می‌خری.

۲ـ انتخاب جادهٔ اصلی

۸۷۸۵. **امام علی**ﷺ: بر شما باد دوشیزه؛ هر چند در خانه مانده باشد، و پیمودن راه اصلی؛ هر چند پیچ و خم داشته باشد، و سکونت در شهر؛ هر چند [به تو] ستم کند.

٣ـ أخذ زاد السّفر

٨٧٨٦. لقمانُ عليه السلام ـ لابنِهِ وهو يَعِظُهُ ـ: يا بُنَيَّ، سافِرْ بِسَيفِكَ وخُفِّكَ وعِمامَتِكَ وخِبائِكَ وسِقائِكَ وخُيُوطِكَ ومِخْرَزِكَ، وتَزَوَّدْ مَعَكَ مِنَ الأدوِيَةِ ما تَنتَفِعُ بِهِ أنتَ ومَن مَعَكَ، وكُن لِأَصحابِكَ مُوافِقاً إلّا في مَعصيَةِ اللهِ.[1]

٣ـ تأمير أحد من الرفقة

٨٧٨٧. رسولُ اللهِ صلى الله عليه وآله: إذا كانَ ثلاثةٌ في سَفَرٍ فَلْيُؤَمِّرُوا أحَدَهُم.[2]

٨٧٨٨. عنه صلى الله عليه وآله: إذا كُنتُم ثلاثةً في سَفَرٍ فَلْيَؤُمَّكُم أحَدُكُم، وأحَقُّكُم بِالإمامَةِ أقرَؤُكُم.[3]

٨٧٨٩. عنه صلى الله عليه وآله: إذا كانَ ثلاثةُ نَفَرٍ في سَفَرٍ فَلْيَؤُمَّهُم أقرَؤُهُم وإن كانَ أصغَرَهُم سِنّاً، فإذا أمَّهُم فهُو أميرُهُم.[4]

(انظر) عنوان ٢٠ «الإمارة».

٥ـ حسن العشرة واعانة الرفقة

٨٧٩٠. المُصنَّفُ لعبدِ الرَّزّاقِ عن أبي قلابة: ذُكِرَ عِندَ النبيِّ صلى الله عليه وآله رَجُلٌ فقالَ لَهُ: فيه خَيرٌ، قيل:

١. مكارم الأخلاق: ١/٥٤٠/١٨٧٥.
٢. كنز العمّال: ١٧٥٥٠. ٣. كنز العمّال: ١٧٥٥٢.
٤. كنز العمّال: ١٧٥٤٨.

٣ـ برگرفتن توشهٔ راه

٨٧٨٦. لقمان عليه السلام ـ در اندرز به فرزندش ـ فرمود: فرزندم! با شمشير و پای افزار و دستار و چادر (خيمه) و مشک آب و نخ و سوزن و درفش[1] خود مسافرت کن و داروهايی که به کار تو و همراهانت می‌آيد، با خود بردار و با همسفرانت سازگار باش، مگر آن جا که پای معصيت خدا در ميان باشد.

۴ـ رئيس قرار دادن يکی از همراهان

٨٧٨٧. پيامبر خدا صلى الله عليه وآله: هرگاه سه نفر همسفر شدند، از ميان خود يک نفر را به سالاری انتخاب کنند.

٨٧٨٨. پيامبر خدا صلى الله عليه وآله: هر گاه سه نفر همسفر شُديد، بايد يکی از شما امام [جماعت] شما شود. آن که قرائتش بهتر باشد، به امامت سزاوارتر است.

٨٧٨٩. پيامبر خدا صلى الله عليه وآله: هر گاه سه نفر همسفر شدند، آن که قرائتش بهتر است، گر چه سنّش کمتر باشد، بايد امامت [نماز] را به عهده گيرد. وقتی امام آنها شد، سالارشان نيز هموست.

۵ـ خوش برخوردی و يارى همراهان

٨٧٩٠. المصنف لعبد الرزاق به نقل از أبو قلابة: در حضور پيامبر صلى الله عليه وآله از مردی سخن به ميان آمد و گفته شد: او آدم خوبی است. و گفته

١. اين موارد توشهٔ راه مسافر در تاريخ زندگی لقمان بوده، بديهی است که در هر زمان، مسافر، توشهٔ مورد نياز خود را بايد همراه داشته باشد.

يا رسولَ اللهِ، خَرَجَ مَعنا حاجّاً فإذا نَزَلنا لَم يَزَلْ يُصلي حتّىٰ نَرتَحِلَ، وإذا ارتَحَلنا لَم يَزَلْ يقراء و يَذكُرُ حتّىٰ نَنزِلَ، فقالَ النبيُّ ﷺ: فَمَن كانَ يَكفِيهِ عَلَفَ ناقَتِهِ، وصُنْعَ طَعامِهِ؟ قالوا: كُلُّنا، فقالَ ﷺ: كُلُّكُم خَيرٌ مِنهُ!.[1]

۸۷۹۱. **مكارم الأخلاق**: رويَ عن النبيِّ ﷺ أنَّهُ أمَرَ أصحابَهُ بِذَبحِ شاةٍ في سَفَرٍ، فقالَ رَجُلٌ مِنَ القَومِ: عَلَيَّ ذَبحُها، وقالَ الآخَرُ: عَلَيَّ سَلخُها، وقالَ آخَرُ: عَلَيَّ قَطعُها، وقالَ آخَرُ: عَلَيَّ طَبخُها، فقالَ رسولُ اللهِ ﷺ: أنا ألقُطُ لَكُمُ الحَطَبَ!

فقالوا: يا رسولَ اللهِ، لا تَتعَبَنَّ بِآبائنا وأُمَّهاتِنا أنتَ، نَحنُ نَكفِيكَ. قالَ ﷺ: عَرَفتُ أنَّكُم تَكفُوني، ولكنَّ اللهَ عزّوجلّ يَكرَهُ مِن عَبدِهِ إذا كانَ مَعَ أصحابِهِ أن يَنفَرِدَ مِن بَينِهِم، فقامَ ﷺ يَلقُطُ الحَطَبَ لَهُم.[2]

۸۷۹۲. **رسولُ اللهِ ﷺ**: سَيِّدُ القَومِ خادِمُهُم في السَّفَرِ.[3][4]

۸۷۹۳. **الإمامُ الصّادقُ ؑ**: حَقُّ المُسافِرِ أن يُقيمَ

---

۱. المصنف لعبد الرزاق: ۲۰۴۴۲/۲۴۴/۱۱.

۲. مكارم الأخلاق: ۱۸۶۷/۵۳۶/۱.

۳. (انظر) السقي: باب ۱۸۲۳.

۴. مكارم الأخلاق: ۱۸۶۶/۵۳۶/۱.

شد: ای رسول خدا! آن مرد همسفر حجّ ما بود. هرگاه در منزلی پیاده می‌شدیم پیوسته در حال نماز خواندن بود تا آن که حرکت می‌کردیم و در بین راه نیز همواره قرآن می‌خواند و ذکر خدا می‌گفت، تا دوباره اتراق می‌کردیم. پیامبر ﷺ فرمود: پس چه کسی شترش را علوفه می‌داد و غذایش را درست می‌کرد؟ عرض کردند: همهٔ ما. حضرت فرمود: همهٔ شما از او بهتریدا.

۸۷۹۱. **مکارم‌الأخلاق**: منقول است که پیامبر خدا ﷺ در سفری به اصحاب خود دستور داد گوسفندی ذبح کنند. یکی از آن‌ها گفت: من ذبح می‌کنم دیگری گفت: من پوست می‌کنم، سومی گفت: من گوشتش را ریز می‌کنم. چهارمی گفت: من آن را می‌پزم. رسول خدا ﷺ فرمود: من هم برای شما هیزم جمع می‌کنم!

اصحاب عرض کردند: شما زحمت نکشید، پدران و مادرانمان به فدایت!، ما به جای شما کار می‌کنیم. پیامبر فرمود: می‌دانم که شما به جای من کار می‌کنید، اما خداوند عزّوجلّ خوش ندارد که بنده‌اش با عدّه‌ای از دوستان و همسفران خود باشد و تنهایی در میان آنها [امتیازی داشته] باشد. پس، آن حضرت برخاست و شروع به جمع‌آوری هیزم کرد.

۸۷۹۲. **پیامبر خدا ﷺ**: سرور مردم کسی است که در سفر خدمتگزار آنان باشد.

۸۷۹۳. **امام صادق ؑ**: حق مسافر آن است که اگر

عليهِ إخوانُهُ إذا مَرِضَ ثلاثاً.[۱]

بیمار شد، برادرانش سه روز برای او اُتراق کنند.

۸۷۹۳ . **بحار الأنوار** عن المُفَضَّلِ بنِ عُمَرَ: دخلتُ على أبي عبدِاللهِ عليه السلام فقالَ: مَن صَحِبَكَ؟ قلتُ: رَجُلٌ مِن إخواني. قالَ: فما فَعَلَ؟ قُلتُ: مُنذُ دَخَلتُ المَدينَةَ لَم أعرِفْ مكانَهُ، فقال لي: أما عَلِمتَ أنَّ مَن صَحِبَ مُؤمناً أربَعينَ خُطوَةً سَألَهُ اللهُ عَنهُ يَومَ القِيامَةِ.[۲]

۸۷۹۳ . **بحار الأنوار** به نقل از مُفَضَّل بن عمر: هنگامی که [در پایان سفر] نزد امام صادق علیه السلام رسیدم، حضرت فرمود: چه کسی همسفر تو بود؟ عرض کردم: مردی از برادرانم. فرمود: پس چه کرد (کجاست)؟ عرض کردم: از وقتی وارد مدینه شده‌ام، نمی‌دانم جایش کجاست. حضرت فرمود: مگر نمی‌دانی که هر کس چهل گام با مؤمنی همسفر شود، خداوند در روز قیامت راجع به او از وی می‌پرسد؟

(انظر): السفر: باب ۱۸۱۴.

۶ـ أخذ الهدية للأهل

۶ـ تهیهٔ هدیه برای خانواده

۸۷۹۵ . **رسولُ اللهِ** صلی الله علیه و آله: إذا خَرَجَ أحَدُكُم إلى سَفَرٍ ثُمَّ قَدِمَ على أهلِهِ فَلْيُهدِهِم ولْيُطرِفهُم ولو حِجارةً![۳]

۸۷۹۵ . **پیامبر خدا** صلی الله علیه و آله: هر گاه یکی از شما به سفر رفت، در بازگشت حتی اگر شده یک قطعه سنگ برای خانواده‌اش هدیه و تحفه بیاورد!

۷ـ الصلاة ركعتين إذا قدم

۷ـ هنگام بازگشت دو رکعت نماز بخواند

۸۷۹۶ . **الإمامُ عليٌّ** عليه السلام: كانَ النبيُّ صلی الله علیه و آله إذا قَدِمَ مِن سَفَرٍ يُصَلّي رَكعَتَينِ.[۴]

۸۷۹۶ . **امام علی** علیه السلام: پیامبر صلی الله علیه و آله هرگاه از سفر بازمی‌گشت، دو رکعت نماز می‌خواند.

۱۸۱۲
جَوامِعُ آدابِ السَّفَرِ

۱۸۱۲
کلّیات آداب مسافرت

۸۷۹۷ . **الإمامُ الصّادقُ** عليه السلام: قالَ لقمانُ لابنِهِ: إذا

۸۷۹۷ . **امام صادق** علیه السلام: لقمان به فرزندش گفت: هرگاه با عدّه‌ای همسفر شدی، درکارهای

---

۱ . بحار الأنوار: ۳۱/۲۷۳/۷۶.
۲ . بحار الأنوار: ۳۰/۲۷۵/۷۶.
۳ . بحار الأنوار: ۲/۲۸۳/۷۶.
۴ . كنز العمّال: ۱۷۶۴۶.

سافَرتَ مَع قَومٍ فَأكثِرِ استِشارَتَهُم في أمرِكَ وأمرِهِم، وأكثِرِ التَّبَسُّمَ في وُجوهِهِم، وكُن كَريماً علىٰ زادِكَ بَينَهُم، وإذا دَعَوكَ فَأجِبهُم، وإذا استَعانُوكَ فَأعِنهُم، واغلِبهُم بثَلاثٍ: طُولِ الصَّمتِ، وكَثرَةِ الصَّلاةِ، وسَخاءِ النَّفسِ بما مَعكَ مِن دابَّةٍ أو مالٍ أو زادٍ.

مربوط به خودت و آنها با ایشان زیاد مشورت کن و در روی آنان تبسّم زیاد داشته باش، در زاد و توشه‌ات نسبت به آنان بخشنده باش، اگر تو را دعوت کردند قبول کن و اگر از تو کمک خواستند کمکشان کن و در سه چیز از آنان برتر باش: خاموشی، کثرت نماز و بخشندگی در مرکب یا دارایی و یا توشه‌ای که همراه داری.

وإذا استَشهَدُوكَ علىٰ الحَقِّ فاشهَدْ لَهُم، واجهَدْ رَأيَكَ لَهُم إذا استَشارُوكَ ... وإذا رَأيتَ أصحابَكَ يَمشُونَ فامشِ مَعهُم، وإذا رَأيتَهُم يَعمَلُونَ فاعمَلْ مَعهُم، وإذا تَصَدَّقُوا وأعطَوا قَرضاً فَأعطِ مَعهُم، واسمَعْ مِمَّن هُو أكبَرُ مِنكَ سِنّاً ....

اگر برای حقّی از تو شهادت خواستند، شهادت بده و اگر از تو مشورت خواستند، با تمام توان، اندیشه‌ات را برای آنان به کارگیر... اگر همسفرانت راه افتادند، تو نیز با آنان راه بیفت و اگر دیدی کار می‌کنند، تو نیز با آنان مشغول کار شو، اگر صدقه و قرضی دادند تو نیز با آنان همراهی کن و از کسی که سنّش از تو بیشتر است حرف شنوی داشته باش...

وإذا نَزَلتَ فَصَلِّ رَكعَتَينِ قَبلَ أن تَجلِسَ ... وإذا ارتَحَلتَ فَصَلِّ رَكعَتَينِ ثُمَّ وَدِّعِ الأرضَ التي حَلَلتَ بها، وسَلِّم علَيها وعلىٰ أهلِها؛ فإنَّ لِكُلِّ بُقعَةٍ أهلاً مِنَ الملائكةِ.[1]

هر گاه اُتراق کردی، پیش از آن که بنشینی دو رکعت نماز بگزار... و هرگاه کوچ کردی نیز دو رکعت نماز بخوان و آن گاه با سرزمینی که در آن فرود آمده‌ای خداحافظی کن و بر آن و مردمش درود فرست؛ زیرا هر سرزمینی را ساکنانی از فرشتگان است.

۱۸۱۳

مَن لا يَنبَغي مُصاحَبَتُهُ فِي السَّفَرِ

۸۷۹۸. الإمامُ عليٌّ عليه السلام: لا تَصحَبَنَّ في سَفَرٍ مَن لا

۱۸۱۳

کسانی که همسفر شدن با آنان نکوهیده است

۸۷۹۸. امام علی علیه السلام: با کسی همسفر نشو که برای

---

۱. بحار الأنوار: ۲۸/۲۷۱/۷۶.

يَرىٰ لكَ الفَضلَ علَيهِ كما تَرىٰ لَهُ الفَضلَ علَيكَ.[١]

تو بر خودش برتری نمی‌بیند، آن‌چنان که تو برای او برخویش برتری می‌بینی.

٨٧٩٩. الإمامُ الصّادقُ ﷺ ـ لَمّا سَألَهُ شِهابُ بنُ عبدِ رَبِّهِ عنِ التَّوَسُّعِ علىٰ الإخوانِ في السَّفَرِ ـ: لا تَفعَلْ يا شِهابُ، إن بَسَطتَ وبَسَطُوا أجحَفتَ بِهِم، وإن هُم أمسَكُوا أذلَلتَهُم، فاصحَبْ نُظَراءَكَ، إصحَبْ نُظَراءَكَ.[٢]

٨٧٩٩. امام صادق ﷺ ـ در پاسخ به شهاب بن عبد ربّه دربارهٔ بخشش به برادران در مسافرت ـ فرمود: ای شهاب! این کار را مکن؛ زیرا اگر تو گشاده دستی کنی و آنها نیز [از روی ناچاری] گشاده‌دستی کنند، به آنان اجحاف کرده باشی و اگر خود داری کنند، آنان‌را خوار وخجلت زده کرده باشی؛ پس با افراد هم‌سطح خودت همسفر شو، با هم‌سطح خود همسفر شو.

(انظر) الصديق: باب ٢١٧٥.

١٨١٣
مُرُوَّةُ السَّفَرِ

١٨١٣
جوانمردی در سفر

٨٨٠٠. رسولُ اللهِ ﷺ ـ في مُرُوَّةِ السَّفَرِ ـ: وأمّا التي في السَّفَرِ فَبَذلُ الزادِ، وحُسنُ الخُلقِ، والمِزاحُ في غيرِ المَعاصي.[٣]

٨٨٠٠. پیامبر خدا ﷺ ـ دربارهٔ جوانمردی در سفر ـ فرمود: جوانمردی در سفر عبارت است از: بخشیدن زاد و توشه [خود به همراهان] و خوش اخلاقی و شوخی کردن، به شرط آن که معصیت خدا نباشد.

٨٨٠١. الإمامُ عليٌّ ﷺ: أمّا مُرُوَّةُ السَّفَرِ فَبَذلُ الزّادِ، وقِلَّةُ الخِلافِ علىٰ مَن صَحِبَكَ، وكَثرَةُ ذِكرِ اللهِ عزّوجلّ في كُلِّ مَصعَدٍ ومَهبِطٍ، ونُزُولٍ وقِيامٍ وقُعودٍ.[٤]

٨٨٠١. امام علی ﷺ: جوانمردی (مروّت) در سفر عبارت است از: بخشیدن رهتوشه [خود به همراهان]، کمتر ناسازگاری کردن با همسفران، و بسیار به یاد خداوند عزّوجلّ بودن در هر فراز و نشیب وهر فرود آمدن و برخاستن و نشستنی.

٨٨٠٢. الإمامُ الصّادقُ ﷺ: المُرُوَّةُ في السَّفَرِ كَثرَةُ الزادِ وطِيبُهُ وبَذلُهُ لِمَن كانَ مَعَكَ، وكِتمانُكَ علىٰ القَومِ أمرَهُم بَعدَ مُفارَقَتِكَ إيّاهُم،

٨٨٠٢. امام صادق ﷺ: جوانمردی در سفر عبارت است از: رهتوشهٔ زیاد و خوب و بخشش آن به همسفرانت، و کتمان اسرار آنان بعد

١. بحار الأنوار: ٧٦/٢٦٧/٨.
٢. بحار الأنوار: ٧٦/٢٦٨/١١.
٣. بحار الأنوار: ٧٦/٢٦٦/٢.
٤. بحار الأنوار: ٧٦/٢٦٦/١.

وكَثرَةُ المِزاحِ في غَيرِ ما يُسخِطُ اللهَ عزّوجلّ.[۱]

از جدا شدن از آنها، و شوخی فراوان در آنچه که خداوند عزّوجلّ را به خشم نیاورد.

۸۸۰۳. عنه ﷺ: أمّا مُرُوَّةُ السَّفَرِ فَبَذلُ الزادِ، والمِزاحُ في غَيرِ ما يُسخِطُ اللهَ، وقِلَّةُ الخِلافِ علىٰ مَن تَصحَبُهُ، وتَركُ الرِّوايَةِ علَيهِم إذا أنتَ فارَقتَهُم.[۲]

۸۸۰۳. **امام صادق**ﷺ: جوانمردی در سفر عبارت است از: بخشیدن از رهتوشه، شوخی کردن به گونه‌ای که خشم خدا را همراه نداشته باشد، کمتر ناسازگاری کردن با همسفران، و ترک بدگویی از همراهان بعد از جدا شدن از آنان.

۱۸۱۵
السَّفَرُ المَنهِيُّ عَنهُ

۱۸۱۵
سفرهای نهی شده

۸۸۰۴. الإمامُ عليٌّ ﷺ: لا يَخرُجِ الرَّجُلُ في سَفَرٍ يَخافُ فيهِ علىٰ دِينِهِ وصَلاتِهِ.[۳]

۸۸۰۴. **امام علی**ﷺ: انسان نباید به سفری رود که می‌ترسد در آن به دین و نمازش لطمه‌ای وارد آید.

۸۸۰۵. الإمامُ الصّادقُ ﷺ ـ لَمّا سَأَلَهُ محمّدُ بنُ مسلمٍ عنِ الرَّجُلِ يُجنِبُ في السَّفَرِ، فلا يَجِدُ إلّا الثَّلجَ أو ماءً جامداً ـ: هُو بِمَنزِلَةِ الضَّرُورَةِ، ولا أرىٰ أن يَعُودَ إلىٰ هٰذِهِ الأرضِ التي تُوبِقُ دِينَهُ.[۴]

۸۸۰۵. **امام صادق**ﷺ ـ در پاسخ به محمّد به مسلم که حکم مردی را پرسید که در سفر جنب می‌شود و [برای غسل کردن] چیزی جز برف یا یخ نمی‌یابد ـ فرمود: در این جا موضوع ضرورت در میان است. او نباید بار دیگر به چنین جایی که به دین او لطمه می‌زند سفر کند.

۱۸۱۶
التَّنَزُّهُ

۱۸۱۶
گردش

۸۸۰۶. الإمامُ الصّادقُ ﷺ ـ لَمّا دَخَلَ علَيهِ عمرُو بنُ حُرَيثٍ وهُو في مَنزِلِ أخيهِ عبدِ اللهِ بنِ

۸۸۰۶. **امام صادق**ﷺ ـ آنگاه که ایشان در منزلِ (تفریحگاه) برادر خود عبدالله بن محمّد

---

۱. مكارم الأخلاق: ۱۸۷۶/۵۴۱/۱.
۲. الأمالي للمفيد: ۳/۴۴. ۳. بحار الأنوار: ۱/۱۰۸/۱۰.
۴. بحار الأنوار: ۹/۲۲۲/۷۶.

محمّدٍ فقالَ لَهُ: جُعِلتُ فِداكَ، ما حَوَّلَكَ إلىٰ هذا المَنزِلِ؟ ـ: طَلَبُ النُّزهَةِ.[1]

۱۸۱۷
سَفَرُ الآخِرَةِ

۸۸۰۷. **الإمامُ عليٌّ** ﷺ: مَن تَذَكَّرَ بُعدَ السَّفَرِ استَعَدَّ.[2]

۸۸۰۸. **عنه** ﷺ: قامَ فينا رسولُ اللهِ ﷺ خَطيباً فقالَ: يا أيُّها الناسُ، إنَّكُم في دارِ هُدنَةٍ، وأنتُم علىٰ ظَهرِ سَفَرٍ، السَّيرُ بِكُم سَريعٌ، فَأعِدُّوا الجَهازَ لِبُعدِ المَسافَةِ.[3]

۸۸۰۹. **عنه** ﷺ: آهِ مِن قِلَّةِ الزادِ، وطُولِ الطَّريقِ، وبُعدِ السَّفَرِ، وعَظيمِ المَوردِ![4]

۸۸۱۰. **الإمامُ الباقرُ** ﷺ: قامَ أبُو ذَرٍّ ﷺ عِندَ الكَعبَةِ فقالَ: أنا جُندَبُ بنُ سَكَنٍ، فاكتَنَفَهُ الناسُ فقالَ: لَو أنَّ أحَدَكُم أرادَ سَفَراً لَاتَّخَذَ فيهِ مِنَ الزادِ ما يُصلِحُهُ، فَسَفَرُ يَومِ القِيامَةِ أما تُرِيدُونَ فيهِ ما يُصلِحُكُم؟! فقامَ إلَيهِ رجُلٌ فقالَ: أرشِدْنا، فقالَ: صُمْ يَوماً شَديدَ الحَرِّ لِلنُّشُورِ، وحُجَّ حَجَّةً لِعَظائِمِ الأُمُورِ، وصَلِّ رَكعَتَينِ في سَوادِ الليلِ لِوَحشَةِ القُبُورِ،

---

۱. المحاسن: ۲/۴۶۱/۲۵۹۵.
۲. نهج البلاغة: الحكمة ۲۸۰.
۳. كنز العمّال: ۴۴۱۶۳. ۴. نهج البلاغة: الحكمة ۷۷.

تشریف داشت و عمرو بن حریث نزد امام ﷺ آمد و عرض کرد: فدایت شوم! چه شده که به این جا آمده‌اید؟ ـ فرمود: برای گردش و هواخوری.

۱۸۱۷
سفر آخرت

۸۸۰۷. **امام علی** ﷺ: هرکه به فکر دوری راه باشد، خود را آماده کند.

۸۸۰۸. **امام علی** ﷺ: رسول خدا ﷺ در میان ما به سخنرانی ایستاد و فرمود: ای مردم! شما در سرای آرامش هستید، شما بر پشت [مرکبِ] سفر سوارید، حرکتتان شتابان است؛ پس برای سفرِ دور و دراز، خود را آماده کنید.

۸۸۰۹. **امام علی** ﷺ: آه از کمی توشه و درازی راه و دوری سفر و عظمت مقصد!

۸۸۱۰. **امام باقر** ﷺ: ابوذر ﷺ در کنار کعبه به پا خاست و گفت: من جُندب بن سَکَن هستم. مردم، او را در میان گرفتند. ابوذر گفت: اگر یکی از شما بخواهد به سفری رود، توشه‌ای که به کارش آید با خود بر می‌دارد؛ حال آیا برای سفر آخرت نمی‌خواهید توشه‌ای بردارید که به کارتان آید؟ مردی برخاست و گفت: ما را راهنمایی کن. ابوذر گفت: یک روز بسیار گرم را برای روز رستاخیز، روزه بگیر و برای کارهای بزرگ و دشوار (روز قیامت)

كَلِمَةُ خَيرٍ تَقولُها، وكَلِمَةُ شَرٍّ تَسكُتُ عنها، أو صَدَقَةٌ مِنكَ علىٰ مِسكينٍ لَعَلَّكَ تَنجُو بها يا مِسكينُ مِن يَومٍ عَسيرٍ.

إجعَلِ الدنيا دِرهَمَينِ: دِرهَماً أنفَقتَهُ عَلىٰ عِيالِكَ، ودِرهَماً قَدَّمتَهُ لِآخِرَتِكَ، والثالثُ يَضُرُّ ولا يَنفَعُ فلا تُرِدهُ.

إجعَلِ الدنيا كَلِمَتَينِ: كَلِمَةٌ في طَلَبِ الحَلالِ، وكَلِمَةٌ للآخِرَةِ، والثالثةُ تَضُرُّ ولا تَنفَعُ لا تُرِدها. ثُمّ قالَ: قَتَلَني هَمُّ يَومٍ لا أُدرِكُهُ.[1]

(انظر) عنوان ۵ «الآخرة».

حجّی بگزار و برای وحشت قبر، در دل شبِ تار، دو رکعت نماز بخوان. ای بینوا! شاید سخن نیکی که برزبان آری وگفتار زشتی که از آن لب فروبندی، یا صدقه‌ای که به بینوایی دهی، تو را از آن روز دشوار (قیامت) رهایی دهد.

دنیا را دو درم قرار ده: درمی برای خرجی خانوده‌ات و درمی برای آخرتت. سومین درم زیانبار و بی‌فایده است، پس در پی کسب آن مرو.

دنیا را دو جمله دان: جمله‌ای در طلب حلال و جمله‌ای برای آخرتت. سومین جمله زیانبار و بی‌فایده است. در پی آن مرو. آن گاه گفت: اندوه روزی که بدان نمی‌رسم، مرا کُشت!.

۱. بحار الأنوار: ۱۶/۱۱۸/۹۶.


مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی



۲۳۵

السَّفِلَة

فرومایگان

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

ولمزید الاطّلاع راجع:

بحار الأنوار: ۷۵/۲۹۳ باب ۷۴ «السفیه والسفلة».

۱۸۱۸
صِفَةُ السَّفِلَةِ

۸۸۱۱ . **الإمامُ عليٌّ** ﷺ: إحذَرُوا السَّفِلَةَ ؛ فإنَّ السَّفِلَةَ مَن لا يَخافُ اللهَ عزّوجلّ . فيهِم قَتَلَةُ الأنبياءِ ، وفيهِم أعداؤنا .[۱]

۸۸۱۲ . **الإمامُ الصّادقُ** ﷺ ـ لَمّا سُئلَ عنِ السَّفِلَةِ ـ : مَن يَشرَبُ الخَمرَ ويَضرِبُ بِالطُّنبُورِ .[۲]

۸۸۱۳ . **الإمامُ الرِّضا** ﷺ ـ لَمّا سُئلَ عنِ السَّفِلَةِ ـ : مَن كانَ لَهُ شَيءٌ يُلهِيهِ عَنِ اللهِ .[۳]

۱۸۱۹
رِئاسَةُ السَّفَلِ

۸۸۱۴ . **الإمامُ عليٌّ** ﷺ: إذا سادَ السَّفَلُ خابَ الأمَلُ .[۴]

۸۸۱۵ . **عنه** ﷺ: زَوالُ الدُّوَلِ بِاصطِناعِ السَّفَلِ .[۵]

۸۸۱۶ . **عنه** ﷺ: فِقدانُ الرُّؤَساءِ أهوَنُ مِن رِياسَةِ السَّفَلِ .[۶]

---

۱ . بحار الأنوار : ۱/۱۱۴/۱۰ .
۲ . بحار الأنوار : ۵/۲۵۱/۷۹ .
۳ . تحف العقول : ۴۴۲ .
۴ . غرر الحكم : ۴۰۳۴ .
۵ . غرر الحكم : ۵۴۸۶ .
۶ . غرر الحكم : ۶۵۶۹ .

۱۸۱۸
ویژگی فرومایگان

۸۸۱۱ . **امام علی**ﷺ: از فرومایه حذر کنید ؛ زیرا فرومایه کسی است که از خداوند عزّوجلّ نمی‌ترسد . قاتلان پیامبران و دشمنان ما در میان همین جماعتند .

۸۸۱۲ . **امام صادق**ﷺ ـ در پاسخ به سؤال از فرومایه ـ فرمود : کسی که شراب می‌خورد و تنبور می‌زند .

۸۸۱۳ . **امام رضا**ﷺ ـ در پاسخ به این پرسش که فرومایه کیست ـ فرمود : کسی که چیزی داشته باشد و آن چیز او را از خدا غافل گرداند .

۱۸۱۹
ریاست فرومایگان

۸۸۱۴ . **امام علی**ﷺ: هرگاه فرومایگان سروری یابند، امید به نومیدی گراید .

۸۸۱۵ . **امام علی**ﷺ: از بین رفتن دولتها، نتیجهٔ به کار گرفتن فرومایگان است .

۸۸۱۶ . **امام علی**ﷺ: نبودِ رُؤسا آسانتر از ریاست فرومایگان است .

۱۸۲۰
مُخالَطَةُ السُّفَلِ

۸۸۱۷ . الإمامُ عليٌّ ﷺ: مُجالَسَةُ السُّفَلِ تُضنِي القُلوبَ.[1]

۸۸۱۸ . عنه ﷺ: مُنازَعَةُ السُّفَلِ تَشِينُ السّادَةَ.[2]

۸۸۱۹ . الإمامُ الصّادقُ ﷺ: إيّاكَ ومُخالَطَةَ السَّفِلَةِ؛ فإنَّ السَّفِلَةَ لا تَؤولُ إلىٰ خَيرٍ.[3]

۱۸۲۰
همنشینی با فرومایگان

۸۸۱۷ . **امام علی** ﷺ: همنشینی با فرومایگان، دلها را سخت بیمار می‌کند.

۸۸۱۸ . **امام علی** ﷺ: کشمکش با فرومایگان، بزرگان را بدنام می‌کند.

۸۸۱۹ . **امام صادق** ﷺ: زنهار از همنشینی با فرومایه؛ زیرا که فرومایه به هیچ خیری رهنمون نشود.[1]

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

---

۱. غرر الحكم: ۹۷۷۰. ۲. غرر الحكم: ۹۸۱۳.
۳. علل الشرائع: ۱/۵۲۷.
۴. قال الصّدوق رضوان الله عليه في «الفقيه» بعد نقل قوله ﷺ: «إيّاكُم ومُخالَطَةَ السَّفِلَةِ؛ فإنَّهُ لا يَؤولُ إلى خَيرٍ»: جاءت الأخبار في معنى السَّفلة على وجوهٍ، فمنها: أنَّ السَّفلة من يضرب بالطنبور، ومنها: أنَّ السَّفلة من لم يسرُّه الإحسان ولا تسوؤه الإساءة، والسَّفلة: من ادَّعىٰ الإمامة وليس لها بأهل، وهذه كلّها أوصاف السَّفلة، من اجتمع فيه بعضها أو جميعها وجب اجتناب مخالطته.
كتاب من لا يحضره الفقيه: ۳۶۰۵/۱۶۵/۳.

۱. شیخ صدوق رضوان الله علیه در کتاب من لایحضره الفقیه، بعد از نقل این فرمایش امام ﷺ که: «زنهار از همنشینی با فرومایه؛ زیرا که از فرومایه هیچ خیری بر نمی‌خیزد»، می‌نویسد: دربارهٔ معنای فرومایه اخبار گوناگونی آمده است. برخی روایات، فرومایه را کسی دانسته‌اند که تنبور بزند؛ و برخی دیگر کسی را که اگر به او خوبی کنی، خوشحال نشود و اگر بدی کنی، ناراحت نگردد و نیز به کسی که به ناحق و بدون شایستگی، ادعای امامت و پیشوایی کند فرومایه گفته شده است. همهٔ اینها اوصاف و ویژگیهای فرومایه است و هرکس، یکی یا همهٔ آنها را داشته باشد، باید از همنشینی با او دوری کرد.


مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی



السَّفَه

سبکسری

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

ولمزيد الاطّلاع راجع:

بحار الأنوار: ۷۵/۲۹۳ باب ۷۴ «السفيه والسفلة».

۱۸۲۱
التَّحذيرُ مِن السَّفَهِ

۸۸۲۰. الإمامُ عليٌّ ﷺ: إيّاكَ والسَّفَهَ؛ فإنَّهُ يُوحِشُ الرِّفاقَ.[۱]

۸۸۲۱. عنه ﷺ: السَّفَهُ مِفتاحُ السِّبابِ.[۲]

۸۸۲۲. عنه ﷺ: السَّفَهُ يَجلِبُ الشَّرَّ.[۳]

۸۸۲۳. عنه ﷺ: دَعِ السَّفَهَ؛ فإنَّهُ يُزرِي بالمَرءِ ويَشِينُهُ.[۴]

۸۸۲۴. عنه ﷺ: سِلاحُ الجَهلِ السَّفَهُ.[۵]

۸۸۲۵. عنه ﷺ: السَّفَهُ جَرِيرَةٌ.[۶]

۸۸۲۶. عنه ﷺ ـ في ذَمِّ أهلِ البصرةِ بعدَ وَقعَةِ الجَمَلِ ـ: أرضُكُم قَرِيبَةٌ مِن الماءِ، بَعيدَةٌ مِن السَّماءِ، خَفَّتْ عُقولُكُم، وسَفِهَتْ حُلُومُكُم.[۷]

۸۸۲۷. عنه ﷺ ـ مِن كتابٍ لَهُ إلىٰ أهلِ البصرةِ ـ: فإن خَطَأَتْ بِكُمُ الأُمُورُ المُردِيَةُ وسَفَهُ

---

۱. غررالحكم: ۲۶۵۵. ۲. غررالحكم: ۳۱۳.
۳. غررالحكم: ۸۳۴. ۴. غررالحكم: ۵۱۳۵.
۵. غررالحكم: ۵۵۵۲. ۶. غررالحكم: ۱۴۴.
۷. نهج البلاغة: الخطبة ۱۴.

۱۸۲۱
برحذر داشتن از سبکسری

۸۸۲۰. **امام علی**ﷺ: زنهار از سبکسری که آن، رفیقان را می‌رماند.

۸۸۲۱. **امام علی**ﷺ: سبکسری، کلید ناسزاگویی است.

۸۸۲۲. **امام علی**ﷺ: سبکسری، شرّ به بار می‌آورد.

۸۸۲۳. **امام علی**ﷺ: سبکسری را رها کن که آن مایهٔ عیب و ننگ آدمی است.

۸۸۲۴. **امام علی**ﷺ: جنگ‌افزار نابخردی سبکسری است.

۸۸۲۵. **امام علی**ﷺ: سبکسری [مایهٔ] گناه و جنایت است.

۸۸۲۶. **امام علی**ﷺ: در نکوهش بصریان بعد از جنگ جمل ـ فرمود: سرزمین شما به آب نزدیک است و از آسمان دور. عقل‌هایتان سبک و افکارتان سفیهانه است.

۸۸۲۷. **امام علی**ﷺ ـ در نامه‌ای به بصریان ـ نوشت: اگر تباهکاری‌ها و امور مُهلک و اندیشه‌های سفیهانه و منحرف، شما را به

الآراءِ الجائرَةِ إلىٰ مُنابَذَتي وخِلافِي، فَها أنا ذا قد قَرَّبتُ جِيادِي ورَحَلتُ رِكابي.[۱]

مخالفت و دشمنی با من برانگیزد، اینک من آمادهٔ سوار شدن بر اسبان خویشم و جهاز شترانم را بسته‌ام (آماده نبردم).

۸۸۲۸. عنه ﷺ: سَفَهُكَ عَلىٰ مَن فَوقَكَ جَهلٌ مُرْدٍ، سَفَهُكَ علىٰ مَن دُونَكَ جَهلٌ مُزْرٍ، سَفَهُكَ علىٰ مَن في دَرَجَتِكَ نِقارٌ كَنِقارِ الدِّيكَينِ، وهِراشٌ كَهِراشِ الكَلبَينِ، ولَن يَفتَرِقا إلّا مَجرُوحَينِ أو مَفضُوحَينِ، وليسَ ذلكَ فِعلَ الحُكَماءِ، ولا سُنَّةَ العُقَلاءِ، ولَعَلَّهُ أن يَحلُمَ عَنكَ، فَيَكونَ أوزَنَ مِنكَ وأكرَمَ، وأنتَ أنقَصُ مِنهُ وألأمُ.[۲]

۸۸۲۸. امام علی ﷺ: رفتار نابخردانهٔ تو با فرا دستت، حماقتی مُهلک است. رفتار سفاهت‌آمیز تو با فرودستت، جهالتی ننگ‌آور است. برخورد سفاهت آمیز تو با کسی که هم مرتبهٔ توست، همچون منقار زدن دو خروس و افتادن دو سگ به جان یکدیگر است، که از هم جدا نشوند، مگر هر دو زخمی یا شکست‌خورده و رسوا شده و این نه کار حکیمان است و نه روش خردمندان. چه بسا که طرف مقابلت هم در برابر تو بُردباری نشان دهد و بدین سان از تو وزینتر و محترم‌تر شود و تو از او سبکتر و نکوهیده‌تر.

۸۸۲۹. الإمامُ الهادي ﷺ: إنَّ الظالِمَ الحاكِمَ يَكادُ أن يُعفىٰ علىٰ ظُلمِهِ بِحِلمِهِ، وإنَّ المُحِقَّ السَّفِيهَ يَكادُ أن يُطفِئَ نُورَ حَقِّهِ بِسَفَهِهِ.[۳]

۸۸۲۹. امام هادی ﷺ: نزدیک است که ستم ستمگرِ بردبار با بردباریش بخشیده شود و مُحِقّ نابردبار، با ناشکیبی خود نور حقانیّتش را خاموش کند.

۸۸۳۰. لقمانُ ﷺ ـ لِابنِهِ وهُو يَعِظُهُ ـ: يا بُنَيَّ، إنَّ المَوعِظَةَ تَشُقُّ علىٰ السَّفِيهِ كما يَشُقُّ الصُّعُودُ علىٰ الشَّيخِ الكبيرِ.[۴]

۸۸۳۰. لقمان ﷺ ـ در اندرز به فرزند خود ـ فرمود: فرزندم! موعظه برای آدم سبکسر همان اندازه سخت است که بالا رفتن از بلندی برای پیرمرد سالخورده.

۱۸۲۲
تَفسيرُ السَّفَهِ

۱۸۲۲
معنای سبکسری

الكتاب:

﴿وَمَن يَرْغَبُ عَن مِلَّةِ إبراهِيمَ إلَّا مَنْ سَفِهَ نَفْسَهُ وَلَقَدِ

قرآن:

«و کیست که از آیین ابراهیم روی برتابد، مگر کسی که

---

۱. نهج البلاغة: الكتاب ۲۹.
۲. غرر الحكم: (۵۶۴۵ـ۵۶۴۷).
۳. بحار الأنوار: ۳۶۵/۷۸/۳.
۴. تنبيه الخواطر: ۲۳۱/۲.

اصطَفَيناهُ فِي‌الدُّنيا وَإنَّهُ فِي الآخِرَةِ لَمِنَ الصّالِحِينَ﴾.[1]

الحديث:

۸۸۳۱ . الإمامُ الحسنُ ﷺ ـ لَمّا سُئلَ عَنِ السَّفَهِ ـ: إتِّباعُ الدُّناةِ ومُصاحَبَةُ الغُواةِ.[2]

۸۸۳۲ . الإمامُ الباقرُ ﷺ ـ في قَولِهِ تعالىٰ: ﴿ولا تُؤتُوا السُّفَهاءَ أموالَكُم﴾[3] ـ: كُلُّ مَن يَشرَبُ المُسكِرَ فهُو سَفِيهٌ.[4]

۸۸۳۳ . الإمامُ الصّادقُ ﷺ: إنَّ السَّفَهَ خُلقٌ لَئيمٌ، يَستَطِيلُ علىٰ مَن هو دُونَهُ، ويَخضَعُ لِمَن هو فَوقَهُ.[5]

۸۸۳۴ . تهذيب الأحكام عن عبدِ اللهِ بن سِنانٍ عن أبي عبدِ اللهِ ﷺ: سَأَلَهُ أبي وأنا حاضِرٌ عن قَولِ اللهِ عزّوجلّ: ﴿حتّىٰ إذا بَلَغَ أشُدَّهُ﴾[6] قالَ: الاحتِلامُ... إلّا أن يَكونَ سَفيهاً أو ضَعيفاً، فقالَ: وما السَّفيهُ؟ فقالَ: الذي يَشتَرِي الدِّرهَمَ بأضعافِهِ، فقالَ: وما الضَّعيفُ؟ قالَ: الأبلَهُ.[7]

---

۱. البقرة: ۱۳۰.
۲. بحار الأنوار: ۲/۱۰۴/۷۸.
۳. النساء: ۵.
۴. تفسير العيّاشي: ۲۲/۲۲۰/۱.
۵. الكافي: ۱/۳۲۳/۲.
۶. الأحقاف: ۱۵.
۷. تهذيب الأحكام: ۷۳۱/۱۸۲/۹.

سبکسر باشد؟ وی (ابراهیم) را در این دنیا برگزیده‌ایم و در آخرت از شایستگان است».

حدیث:

۸۸۳۱ . امام حسن ﷺ ـ در پاسخ به سؤال: سبکسری چیست؟ ـ فرمود: دنباله روی از فرومایگان و همنشینی با گمراهان.

۸۸۳۲ . امام باقر ﷺ ـ دربارهٔ آیهٔ: «و دارایی‌های خودرا به سفیهان ندهید» ـ فرمود: هر کسی که مست کننده می‌خورد، سفیه است.

۸۸۳۳ . امام صادق ﷺ: سبکسری، خوی پستی است. آدم سفیه به زیر دست خود زور می‌گوید و در برابر بالا دست خود زبون است.

۸۸۳۴ . تهذيب الأحكام به نقل از عبدالله بن سنان: پدرم در حضور من از امام صادق ﷺ راجع به آیهٔ «وچون به [سنّ رشد و] قوّت خویش رسید» سؤال کرد، حضرت فرمود: منظور احتلام است... مگر آن که سفیه یا ناتوان باشد. پدرم پرسید: سفیه کیست؟ فرمود: کسی که کالای یک درهمی را به چند درهم می‌خرد. پرسید: ناتوان کیست؟ فرمود: ابله.

۱۸۲۳
أدَبُ مُقابَلَةِ السَّفيهِ

۸۸۳۵. **الإمامُ عليٌّ** ﷺ: أعيىٰ ما يَكونُ الحَكيمُ إذا خاطَبَ سَفيهاً.[۱]

۸۸۳۶. **عنه** ﷺ: مَن غاظَكَ بِقُبحِ السَّفَهِ عَلَيكَ، فَغِظهُ بِحُسنِ الحِلمِ عَنهُ.[۲]

۸۸۳۷. **عنه** ﷺ: مَن عَذَلَ سَفيهاً فقد عَرَّضَ للسَّبِّ نَفسَهُ.[۳]

۸۸۳۸. **عنه** ﷺ: لا يُقَوِّمُ السَّفيهَ إلّا مُرُّ الكَلامِ.[۴]

۸۸۳۹. **الإمامُ الصّادقُ** ﷺ: قابِلِ السَّفيهَ بالإعراضِ عَنهُ وتَركِ الجَوابِ يَكُنِ الناسُ أنصارَكَ؛ لأنَّ مَن جاوَبَ السَّفيهَ وكافَأهُ قد وَضَعَ الحَطَبَ علىٰ النارِ.[۵]

(انظر) المكافأة: باب ۳۴۴۶.

۱۸۲۴
الحِلمُ عَنِ السَّفيهِ

۸۸۴۰. **الإمامُ عليٌّ** ﷺ: الحِلمُ فِدامُ السَّفيهِ.[۶]

۸۸۴۱. **عنه** ﷺ: إذا حَلُمتَ عنِ السَّفيهِ غَمَمتَهُ،

۱. غرر الحكم: ۳۱۹۴. ۲. غرر الحكم: ۸۶۲۰.
۳. غرر الحكم: ۹۱۷۱. ۴. غرر الحكم: ۱۰۸۱۷.
۵. بحار الأنوار: ۶۱/۴۲۲/۷۱.
۶. نهج البلاغة: الحكمة ۲۱۱.

۱۸۲۳
شیوهٔ برخورد با آدم سبکسر

۸۸۳۵. **امام علی**ﷺ: سخت‌ترین هنگام برای مرد حکیم زمانی است که مخاطبش فردی سفیه باشد.

۸۸۳۶. **امام علی**ﷺ: هرکه با رفتارِ زشتِ سفیهانه تو را به خشم آورد، تو نیز با عملِ زیبایِ بردبارانه او را به خشم آر.

۸۸۳۷. **امام علی**ﷺ: کسی که سفیهی را سرزنش کند، خود را در معرض ناسزاگویی قرار دهد.

۸۸۳۸. **امام علی**ﷺ: سبکسر را جز سخن تلخ (سرزنش‌آلود)، به راه نمی‌آورد.

۸۸۳۹. **امام صادق**ﷺ: با بی‌اعتنایی به سفیه و ندادن جواب او، با وی مقابله کن، تا مردم جانب تو را بگیرند؛ زیرا کسی که جواب سفیه را بدهد و مقابله به مثل کند، هیزم روی آتش نهاده است.

۱۸۲۴
بردباری در برابر سفیه

۸۸۴۰. **امام علی**ﷺ: بردباری، پوزه‌بند سفیه است.

۸۸۴۱. **امام علی**ﷺ: هرگاه در برابر سفیه،

فَزِدهُ غَمّاً بِحِلمِكَ عَنهُ.[۱]

۸۸۴۲. عنه ﷺ: بِالحِلمِ عَنِ السَّفيهِ تَكثُرُ الأنصارُ علَيهِ.[۲]

۸۸۴۳. عنه ﷺ: احلُمْ عنِ السَّفيهِ يَكثُرْ أنصارُكَ علَيهِ.[۳]

۸۸۴۴. عنه ﷺ: لا يُنتَصَفُ مِن سَفيهٍ قَطُّ إلّا بالحِلمِ عَنهُ.[۴]

۸۸۴۵. الإمامُ الصّادقُ ﷺ: إنَّ أحَقَّ الناسِ بأن يَتَمَنّىٰ للناسِ الحِلمَ، أهلُ السَّفَهِ الذينَ يَحتاجُونَ أن يُعفىٰ عن سَفَهِهِم.[۵]

(انظر) المراء: باب ۳۶۳۰.

بردباری ورزی، او را غمزده کنی. پس با بردباری در برابر او بر غم وی بیفزای.

۸۸۴۲. **امام علی** ﷺ: بابردباری در برابر سفیه، یاوران [تو] علیه او زیاد می‌شوند.

۸۸۴۳. **امام علی** ﷺ: در برابر سفیه بردباری کن، تا یاوران تو علیه او زیاد شود.

۸۸۴۴. **امام علی** ﷺ: از سبکسر هرگز نتوان انتقام گرفت، مگر با بردباری در برابر او.

۸۸۴۵. **امام صادق** ﷺ: کسانی که بیش از هر کس سزاوارند آرزومند بردباری مردم باشند، سفیهانند که نیاز دارند از سبکسری آنان چشم پوشی شود.

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

۱. غرر الحكم: ۴۰۸۸. ۲. نهج البلاغة: الحكمة ۲۲۴.
۳. بحار الأنوار: ۶۴/۹/۷۸. ۴. غرر الحكم: ۱۰۸۷۹.
۵. بحار الأنوار: ۵/۳۰۱/۷۳.

۲۳۷

السَّقي

ساقی گری

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

ولمزيد الاطّلاع راجع:

بحار الأنوار: ۷۴/ ۳۵۹ باب ۲۳ «إطعام المؤمن وسَقيه».

۱۸۲۵
فَضلُ السَّقيِ

۸۸۳۶ . رسولُ اللهِ ﷺ: في الكَبِدِ الحارَّةِ أجرٌ.[1]

۸۸۳۷ . الإمامُ الباقرُ ؈: إنَّ اللهَ تبارَكَ وتعالىٰ يُحِبُّ إيرادَ الكَبِدِ الحَرّاءِ، ومَن سَقىٰ كَبِداً حَرّاءَ مِن بَهيمَةٍ وغَيرِها أظَلَّهُ اللهُ في عَرشِهِ يَومَ لا ظِلَّ إلّا ظِلُّهُ.[2]

۸۸۳۸ . الإمامُ الصّادقُ ؈: أفضَلُ الصَّدقَةِ إيرادُ الكَبِدِ الحَرّىٰ، ومَن سَقىٰ كَبِداً حَرّىٰ مِن بَهيمَةٍ أو غَيرِها أظَلَّهُ اللهُ عزّوجلّ يَومَ لا ظِلَّ إلّا ظِلُّهُ.[3]

(انظر) وسائل الشيعة: ۶ / ۳۳۰ باب ۴۹.

۱۸۲۵
ثواب آب دادن

۸۸۳۶ . **پیامبر خدا**ﷺ: سیراب کردن جگر تشنه، اجر و ثواب دارد.

۸۸۳۷ . **امام باقر**؈: خداوند تبارک و تعالی خنک کردن جگر تفته را دوست دارد. هرکه جگر تشنهٔ حیوان، یا جز آن را سیراب کند، خداوند او را در روزی که هیچ سایه‌ای جز سایهٔ او نیست، در سایهٔ عرش خود در آورد.

۸۸۳۸ . **امام صادق**؈: بهترین صدقه، خنک کردن جگر تفته است. هرکه جگر تفتهٔ حیوانی یا جز آن را سیراب کند خداوند عزّوجلّ او را، در آن روزی که هیچ سایه‌ای جز سایهٔ او نیست، به سایه درآورد.

۱۸۲۶
ثَوابُ سَقيِ المُؤمِنِ

۸۸۳۹ . رسولُ اللهِ ﷺ: إنَّ الرجُلَ إذا سَقَى امرَأتَهُ الماءَ أُجِرَ.[4]

۸۸۵۰ . عنه ﷺ: إذا كَثُرَت ذُنوبُكَ فاسْقِ الماءَ عَلَى الماءِ.[5]

۱۸۲۶
ثواب آب دادن به مؤمن

۸۸۳۹ . **پیامبر خدا**ﷺ: اگر مرد به همسر خود آب بنوشاند، اجر داده شود.

۸۸۵۰ . **پیامبر خدا**ﷺ: هرگاه گناهانت زیاد شد، پشت سر هم آب [به تشنگان] بنوشان.

---

۱ . کنز العمّال: ۱۶۰۶۳ . ۲ . بحار الأنوار: ۹۶/۱۷۰/۱ .
۳ . بحار الأنوار: ۹۶/۱۷۲/۸ .
۴ . کنز العمّال: ۱۶۳۸۰ . ۵ . کنز العمّال: ۱۶۳۷۷ .

۸۸۵۱ . الإمامُ زينُ العابدينَ ﷺ: مَن سَقىٰ مُؤمناً مِن ظَمَأٍ سَقاهُ اللهُ مِنَ الرَّحيقِ المَختومِ.[۱]

۸۸۵۲ . الإمامُ الباقرُ ﷺ: مَن سَقىٰ ظَمآناً ماءً سَقاهُ اللهُ مِنَ الرَّحيقِ المَختومِ.[۲]

۸۸۵۳ . عنه ﷺ: إنّ أوَّلَ ما يُبدَأُ بِهِ يَومَ القِيامَةِ صَدَقَةُ الماءِ.[۳]

۸۸۵۴ . الإمامُ الصّادقُ ﷺ: مَن سَقىٰ الماءَ في مَوضِعٍ يُوجَدُ فيهِ الماءُ كانَ كَمَن أعتَقَ رَقَبَةً، ومَن سَقىٰ الماءَ في مَوضِعٍ لا يُوجَدُ فيهِ الماءُ كانَ كَمَن أحيا نَفساً، ومَن أحيا نَفساً فكأنّما أحيا الناسَ جَميعاً.[۴]

(انظر) الجنّة: باب ۵۵۸.

۱۸۲۷
ما يَنبَغي لِلسّاقي

۸۸۵۵ . رسولُ اللهِ ﷺ: لِيَشرَبْ ساقِي القَومِ آخِرَهُم.[۵]

۸۸۵۶ . عنه ﷺ: سَيِّدُ القَومِ خادِمُهُم، وساقِيهِم آخِرُهُم شُرباً.[۶]

۸۸۵۱ . **امام زین العابدین**ﷺ: هرکه مؤمن تشنه‌ای را آب دهد، خداوند او را از شراب سر به مُهر بهشتی بنوشاند.

۸۸۵۲ . **امام باقر**ﷺ: هر که به تشنه کامی آب بنوشاند خداوند او را از شراب سر به مُهر بهشتی بنوشاند.

۸۸۵۳ . **امام باقر**ﷺ: نخستین چیزی که در روز قیامت به آن رسیدگی می‌شود [ثواب] صدقهٔ آب [دادن به تشنه] است.

۸۸۵۴ . **امام صادق**ﷺ: هرکه در جایی که آب یافت می‌شود آب بنوشاند، مانند کسی است که بنده‌ای را آزاد کند و هرکه در جایی که آب یافت نمی‌شود آب بنوشاند، مانند کسی است که یک نفر را زنده کند، و هرکه یک نفر را زنده کند، چنان است که همهٔ مردم را زنده کرده باشد.

۱۸۲۷
آنچه بر ساقی سزاوار است

۸۸۵۵ . **پیامبر خدا**ﷺ: آب دهندهٔ گروه، باید آخر از همه آب بنوشد.

۸۸۵۶ . **پیامبر خدا**ﷺ: مهتر گروه، خدمتگزار آنهاست و آب دهندهٔ آنها، آخر از همه آب می‌نوشد.

---

۱ . الكافي: ۵/۲۰۱/۲ . ۲ . بحار الأنوار: ۸/۱۷۲/۹۶.
۳ . بحار الأنوار: ۱۳/۱۷۳/۹۶.
۴ . بحار الأنوار: ۱/۱۷۰/۹۶.
۵ . بحار الأنوار: ۲۴/۴۵۵/۷۵.
۶ . كنز العمّال: ۱۷۵۱۸.


مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

السُّكْر

مستی

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

ولمزيد الاطّلاع راجع:

وسائل الشيعة: ١٨/ ٤٦٥ «أبواب حدّ المُسكِر».

كنز العمّال: ٥/ ٤٧١ «حدّ الخمر».

كنز العمّال: ٥/ ٥١٠ «حكم المُسكِر».

انظر:

عنوان ١٣٩ «المخدِّر»، ١٥٣ «الخمر»، «الأمر بالمعروف والنهي عن المنكر: باب ٢٦٥٧.

۱۸۲۸
كُلُّ مُسكِرٍ حَرامٌ

۸۸۵۷ . رسولُ اللهِ ﷺ: احذَرُوا كُلَّ مُسكِرٍ، فإنَّ كُلَّ مُسكِرٍ حَرامٌ.[1]

۸۸۵۸ . الإمامُ الكاظمُ ؈: إنَّ اللهَ عزّوجلّ لَم يُحَرِّمِ الخَمرَ لِاسمِها و لٰكِنَّهُ حَرَّمَها لِعاقِبَتِها؛ فَما كانَ عاقِبَتُهُ عاقِبَةَ الخَمرِ فَهُوَ خَمرٌ.[2]

(انظر) وسائل الشيعة: ۱۷ / ۲۵۹ باب ۱۵ و ص ۲۶۷ باب ۱۷.

۱۸۲۸
هر مستی آوری حرام است

۸۸۵۷ . **پیامبر خدا**ﷺ: از هر چه مستی آورد پرهیز کنید؛ زیرا هر مستی آوری حرام است.

۸۸۵۸ . **امام کاظم** ؈: خداوند عزّوجلّ، شراب را برای نامش حرام نکرد؛ بلکه به جهت آثار و پیامدهایش حرام کرد و هر چه پیامدش مانند شراب باشد، آن هم شراب است.

۱۸۲۹
أنواعُ المُسكِراتِ

الكتاب:

﴿لَعَمْرُكَ إنَّهُم لَفي سَكْرَتِهِمْ يَعْمَهُونَ﴾.[3]

الحديث:

۸۸۵۹ . رسولُ اللهِ ﷺ ـ لعبد الله بن مسعود ـ: يابنَ مسعودٍ، إحذَر سُكرَ الخَطيئةِ؛ فإنَّ لِلخَطيئةِ سُكراً كَسُكرِ الشَّرابِ، بل هِيَ أشَدُّ سُكراً مِنهُ، يقولُ اللهُ تعالىٰ: ﴿صُمٌّ بُكْمٌ عُمْيٌ فَهُم لايَرْجِعُونَ﴾.[4][5]

۱۸۲۹
انواع مست کننده‌ها

قرآن:

«به جان تو سوگند که آنها در مستی خویش سرگشته‌اند».

حدیث:

۸۸۵۹ . **پیامبر خدا**ﷺ ـ به عبد الله بن مسعود ـ فرمود: ای پسر مسعود! از مستی گناه حذر کن؛ زیرا گناه نیز همچون شراب، مستی می‌آورد و بلکه مستی آن شدیدتر است. خداوند متعال می‌فرماید: «کرانند، گنگانند، کورانند، پس آنان باز نمی‌گردند».

---

۱ . كنز العمّال: ۱۳۱۳۹ . ۲ . الكافي: ۶/۴۱۲/۲ .
۳ . الحِجر: ۷۲ . ۴ . البقرة: ۱۸ .
۵ . مكارم الأخلاق: ۲/۳۵۲/۲۶۶ .

۸۸۶۰. الإمامُ عليٌّ ﷺ: السُّكرُ أربَعُ سَكراتٍ: سُكرُ الشَّرابِ، وسُكرُ المالِ، وسُكرُ النَّومِ، وسُكرُ المُلكِ.[۱]

۸۸۶۰. امام علی ﷺ: مستی چهار گونه است: مستی شراب، مستی ثروت، مستی خواب و مستی حکومت.

۸۸۶۱. عنه ﷺ: يَنبَغِي للعاقِلِ أن يَحتَرِسَ مِن سُكرِ المالِ، وسُكرِ القُدرَةِ، وسُكرِ العِلمِ، وسُكرِ المَدحِ، وسُكرِ الشَّبابِ، فإنَّ لِكُلِّ ذلكَ رِياحاً خَبيثةً تَسلُبُ العَقلَ وتَستَخِفُّ الوَقارَ.[۲]

۸۸۶۱. امام علی ﷺ: سزاوار است که خردمند از مستی ثروت و مستی قدرت و مستی دانش و مستی ستایش و مستی جوانی پرهیز کند؛ زیرا هر یک از این مستیها بادهای پلیدی دارد که عقل را می‌رباید و وقار را از بین می‌برد.

۸۸۶۲. عنه ﷺ: إستَعيذُوا بِاللهِ مِن سَكرَةِ الغِنىٰ، فإنَّ لَهُ سَكرةً بَعيدَةَ الإفاقَةِ.[۳]

۸۸۶۲. امام علی ﷺ: از مستیِ ثروت به خدا پناه برید، که مستی آن دیر از سر می‌پرد.

۸۸۶۳. عنه ﷺ: سُكرُ الغَفلَةِ والغُرورِ أبعَدُ إفاقَةً مِن سُكرِ الخُمُورِ.[۴]

۸۸۶۳. امام علی ﷺ: مستی غفلت و غرور، دیرتر از مستی خمر از سر می‌پرد.

۸۸۶۴. عنه ﷺ: مَن كَثُرَ نِزاعُهُ بالجَهلِ دامَ عَماهُ عَنِ الحَقِّ، ومَن زاغَ ساءَت عِندَهُ الحَسَنَةُ، وحَسُنَت عِندَهُ السَّيِّئَةُ، وسَكِرَ سُكرَ الضَّلالَةِ.[۵]

۸۸۶۴. امام علی ﷺ: هر که از روی نادانی بسیار بستیزد، ندیدن حق در او دوام یابد و هر کس [از حق] منحرف شود، خوبی در نظرش بد و بدی در نظرش خوب آید و از گمراهی، مست شود.

۸۸۶۵. عنه ﷺ ـ مِن خُطبَةٍ لَهُ في ذِكرِ المَلاحِمِ ـ: ذاكَ حَيثُ تَسكَرُونَ مِن غَيرِ شَرابٍ، بل مِن النِّعمَةِ والنَّعيمِ.[۶]

۸۸۶۵. امام علی ﷺ ـ در خطبه‌ای در بیان پیشامدهای ناگوار آینده ـ فرمود: آن، زمانی خواهد بود که نه از شراب، بلکه از نعمت و خوشی مست می‌شوید.

---

۱. بحار الأنوار: ۱۰/۱۱۴/۱. ۲. غرر الحكم: ۱۰۹۲۸.
۳. غرر الحكم: ۲۵۵۵. ۴. غرر الحكم: ۵۶۵۱.
۵. نهج البلاغة: الحكمة ۳۱. ۶. نهج البلاغة: الخطبة ۱۸۷.

۸۸۶۶ . عنه ﷺ ـ في ترغيب النّاس في الجهاد ـ: أُفٌّ لكم ... إذا دعوتكم إلى جهادِ عدوِّكُم دارت أعيُنُكم كأنَّكُم من الموت في غَمرةٍ، ومن الذُّهولِ في سَكرة[1].[2]

۸۸۶۶ . **امام علی**ﷺ ـ در تشویق کردن مردم به جهاد ـ فرمود : وای بر شما... هنگامی که شما را به جنگ به دشمنان می‌خوانم چشمانتان به دَوَران می‌افتد گویی در مرگ فرو رفته و از سکرات آن دست و پا می‌زنید و در نسیان و بیخبری و سرمستی هستید.

۸۸۶۷ . عنه ﷺ ـ في وصفِ المأخُوذِينَ علىٰ الغِرَّةِ ـ: اِجتَمَعَتْ عَلَيهِم سَكرَةُ المَوتِ وحَسرَةُ الفَوتِ.[3]

۸۸۶۷ . **امام علی**ﷺ ـ در توصیف فریب خوردگان [دنیا] ـ فرمود : مستی مرگ و حسرت آنچه از دست رفته، آنان را فراگرفت.

۸۸۶۸ . عنه ﷺ: فَأفِقْ أيُّها السامِعُ مِن سَكرَتِكَ، واستَيقِظْ مِن غَفلَتِكَ، واختَصِرْ مِن عَجَلَتِكَ، وأنعِمِ الفِكرَ فيما جاءَكَ علىٰ لِسانِ النبيِّ الأُمِّيِّ ﷺ مِمّا لابُدَّ مِنهُ ولا مَحِيصَ عَنهُ.[4]

۸۸۶۸ . **امام علی**ﷺ: پس، ای شنونده! از مستی خود به هوش آی و از خواب غفلتت بیدار شو و از شتابت بکاه و دربارهٔ آنچه به زبان پیامبر امّی ﷺ به تو گفته شده و چاره و گریزی از آن نیست، به دقّت بیندیش.

۸۸۶۹ . الإمامُ الصّادقُ ﷺ ـ في قولِهِ تعالىٰ: ﴿لا تَقرَبُوا الصَّلٰوةَ وأنتُم سُكارىٰ﴾[5] ـ: سُكرُ النَّومِ.[6]

۸۸۶۹ . **امام صادق**ﷺ ـ دربارهٔ آیهٔ «در حال مستی به نماز نزدیک مشوید» ـ فرمود : منظور، مستی خواب است.

---

۱ . تلميح إلى الآية ۱۹ من سورة الاحزاب.
۲ . نهج البلاغة: الخطبة ۳۴.
۳ . نهج البلاغة: الخطبة ۱۰۹.
۴ . نهج البلاغة: الخطبة ۱۵۳.
۵ . النساء: ۴۳.
۶ . الكافي: ۳/۳۷۱/۱۵.

المسكن

مسكن

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

ولمزيد الاطّلاع راجع:

بحار الأنوار: ٧٦/١٤٨ «أبواب المساكن».

وسائل الشيعة: ٣/٥٥٧ «أبواب أحكام المساكن».

مستدرك الوسائل: ٣/٤٥١ «أحكام المساكن».

بحار الأنوار: ٧٤/٣٨٩ باب ٢٧ «من أسكن مؤمناً بيتاً».

۱۸۳۰
سَعَةُ المَسكَنِ

الكتاب:

﴿وَمَساكِنُ تَرضَونَها﴾.[1]

الحديث:

۸۸۷۰. **رسولُ اللهِ ﷺ**: مِن سَعادَةِ المَرءِ المُسلِمِ المَسكَنُ الواسِعُ.[2]

۸۸۷۱. **الإمامُ الباقرُ ؈**: مِن شَقاءِ العَيشِ ضِيقُ المَنزِلِ.[3]

(انظر) وسائل الشيعة: ۳ / ۵۵۷ باب ۱.

۱۸۳۰
فراخیِ مسکن

قرآن:

«و مسکن‌هایی که بدانها دلخوش هستید».

حدیث:

۸۸۷۰. **پیامبر خدا ﷺ**: از خوشبختی مرد مسلمان، داشتن مسکن فراخ است.

۸۸۷۱. **امام باقر ؈**: از سختی زندگی، تنگی منزل است.

۱۸۳۱
التَّحذيرُ مِنَ البِناءِ فَوقَ الكَفافِ

۸۸۷۲. **تنبيه الخواطر** عن أنس رفعه: رَأىٰ رسولُ اللهِ ﷺ قُبَّةً مُشرِفَةً فَسَأَلَ عَنها فقِيلَ: لِفُلانٍ الأنصارِيِّ، فَجاءَ فَسَلَّمَ عَلَيهِ فَأَعرَضَ عَنهُ، فَشَكا ذلكَ إلىٰ أصحابِهِ فقالوا: خَرَجَ فَرَأىٰ قُبَّتَكَ! فَهَدَمَها حَتّىٰ سَوّاها

۱۸۳۱
پرهیز دادن از ساختن بیش از نیاز

۸۸۷۲. **تنبیه الخواطر** به نقل از انَس که سندش را به معصوم ؈ می‌رساند: رسول خدا ﷺ چشمش به خانهٔ گنبدیِ بلندی افتاد. دربارهٔ صاحب آن پرسید، عرض شد: از فلان مرد انصاری است. آن مرد آمد و به پیامبر سلام کرد، اما رسول خدا ﷺ از او روی گرداند. آن مرد نزد اصحاب پیامبر از این برخورد حضرت گله کرد؛ اصحاب گفتند: [علّتش این است که] رسول خدا ﷺ بیرون آمد و چشمش به خانهٔ گنبدی تو افتاد. پس، آن مرد انصاری خانه را ویران و با خاک یکسان کرد و این خبر به پیامبر ﷺ رسید، [فرمود:] بدانید که هر ساختمانی وبال

---

۱. التوبة: ۲۴.
۲. الكافي: ۶ / ۵۲۶ / ۷.
۳. الكافي: ۶ / ۵۲۶ / ۶.

بِالأرضِ، فَأُخبِرَ بذلكَ، [فقالَ:][1] أما إنّ كُلَّ بِناءٍ وبالٌ على صاحِبِها إلّا ما لابُدَّ مِنهُ.[2]

صاحب آن است، مگر آنچه چاره‌ای از آن نباشد.

۸۸۷۳. **بحارالأنوار** عن عبد اللهِ بنِ عبّاسٍ عن رسول اللهِ ﷺ: مَن بَنىٰ بُنياناً رِياءً وسُمعَةً حَمَلَهُ يومَ القِيامَةِ إلىٰ سَبعِ أرَضِينَ، ثُمَّ يُطَوَّقُهُ ناراً تُوقَدُ في عُنُقِهِ، ثُمَّ يُرمىٰ بِهِ في النارِ. فقُلنا: يا رسولَ اللهِ، كَيفَ يَبنِي رِياءً وسُمعةً؟ قالَ: يَبنِي فَضلاً علىٰ ما يَكفِيهِ أو يَبني مُباهاةً.[3]

۸۸۷۳. **بحار الأنوار** به نقل از عبد الله بن عبّاس: پیامبر خدا ﷺ فرمود: کسی که برای خودنمایی و شهرت ساختمانی بسازد، در روز قیامت آن را بر پشت خود تا هفت زمین حمل می‌کند و سپس به صورت طوقی از آتش فروزان، در گردن او در می‌آید و آن گاه در آتش پرت می‌شود. عرض کردیم: ای رسول خدا! چگونه برای خودنمایی و شهرت می‌سازد؟ فرمود: اضافه بر نیاز و کفایتش یا برای فخر فروشی می‌سازد.

۸۸۷۴. **الإمامُ عليٌّ** ؈: مَعاشِرَ الناسِ (المُسلمينَ)، اِتَّقُوا اللهَ، فَكَم مِن مُؤَمِّلٍ ما لا يَبلُغُهُ، وبانٍ ما لا يَسكُنُهُ، وجامعٍ ما سَوفَ يَترُكُهُ.[4]

۸۸۷۴. **امام علی** ؈: ای مردم (مسلمانان)! از خدا بترسید؛ زیرا بسا کسی که آرزویی دارد و به آن نمی‌رسد و بنایی می‌سازد و در آن سکونت نمی‌کند و مالی گرد می‌آورد و بزودی آن را رها می‌کند [می‌رود].

۸۸۷۵. **عنه** ؈: مِنَ العَناءِ أنَّ المَرءَ يَجمَعُ ما لا يَأكُلُ ويَبنِي ما لا يَسكُنُ، ثُمَّ يَخرُجُ إلى اللهِ تعالىٰ لا مالاً حَمَلَ، ولا بِناءً نَقَلَ![5]

۸۸۷۵. **امام علی** ؈: یکی از رنجها این است که انسان چیزی را فراهم آورد که نمی‌خورد و بنایی بسازد که در آن سکونت نمی‌کند و سپس به جانب خداوند متعال می‌رود در حالی که نه مالی با خود می‌برد و نه ساختمانی منتقل می‌کند!

۸۸۷۶. **المحاسن** عَن سُليمانَ بنِ أبي شيخٍ يَرفَعُهُ: مَرَّ أميرُ المُؤمِنينَ ؈ بِبابِ رَجُلٍ قَد بَناهُ مِن آجُرٍّ، فقالَ: لِمَن هذا البابُ؟ قيلَ: لِمَغرورٍ

۸۸۷۶. **المحاسن** به نقل از سلیمان بن أبی شیخ، که سند حدیث را به معصوم ؈ رسانده‌است: امام علی ؈ از کنار خانهٔ مردی گذشت که آن را از آجر ساخته بود. پرسید: این خانه از کیست؟ عرض شد: از فلان فریب

---

۱. مابین المعقوفین إضافة منّا یقتضیها السیاق.
۲. تنبیه الخواطر: ۱/ ۷۱. ۳. بحار الأنوار: ۷۶/ ۳۶۰/ ۳۰.
۴. نهج البلاغة: الحکمة ۳۴۴.
۵. نهج البلاغة: الخطبة ۱۱۴.

الفُلانِيِّ، ثُمَّ مَرَّ بِبابٍ آخَرَ قد بَناهُ صاحِبُهُ بِالآجُرِّ، قالَ: هذا مَغرورٌ آخَرُ.[۱]

خورده [ی دنیا]؛ بعد از کنار خانهٔ دیگری گذشت که صاحب آن نیز آن را از آجر ساخته بود. فرمود: این هم یک فریب خوردهٔ دیگر.

۸۸۷۷. **الإمامُ الحسينُ** ﷺ ـ لِرَجُلٍ بَنىٰ داراً فَدَعاهُ أن يَدخُلَها فَلَمّا دَخَلَها ونَظَرَ إلَيها قالَ ـ: أخرَبتَ دارَكَ وعَمَّرتَ دارَ غَيرِكَ، غَرَّكَ مَن في الأرضِ، ومَقَتَكَ مَن في السماءِ.[۲]

۸۸۷۷. **امام حسین**ﷺ ـ به هنگام وارد شدن و نگاه کردن به خانهٔ مردی که خانه‌ای ساخت و از ایشان دعوت کرد که از آن دیدن کنند ـ فرمود ـ: خانهٔ خودت را ویران کردی و خانهٔ دیگران را آباد ساختی. کسی که در زمین است تو را فریفت و آن که در آسمان است از تو سخت متنفّر شد.

۸۸۷۸. **الإمامُ الصّادقُ** ﷺ: كُلُّ بِناءٍ لَيسَ بِكَفافٍ فهُو وبالٌ علىٰ صاحِبِهِ يَومَ القِيامَةِ.[۳]

۸۸۷۸. **امام صادق**ﷺ: هر بنایی که بیش از نیاز باشد، در روز قیامت وبال صاحبش می‌باشد.

۸۸۷۹. **عنه** ﷺ: مَن بَنىٰ فَوقَ مَسكَنِهِ كُلِّفَ حَملَهُ يَومَ القِيامَةِ.[۴]

۸۸۷۹. **امام صادق**ﷺ: هر که بنایی بیش از نیاز سکونتش بسازد، در روز قیامت مکلّف به حمل آن شود.

(انظر) الدنيا: باب ۱۲۲۳، ۱۲۲۴.

۱۸۳۲
بَيعُ الدّارِ

۱۸۳۲
فروختن خانه

۸۸۸۰. **رسولُ اللهِ** ﷺ: مَن باعَ داراً ثُمَّ لم يَجعَلْ ثَمَنَها في مِثلِها لَم يُبارَكْ لَهُ فيها.[۵]

۸۸۸۰. **پیامبر خدا**ﷺ: هر که خانه‌ای بفروشد و با پول آن خانه‌ای دیگر نخرد، مالش برکت نمی‌یابد.

۸۸۸۱. **عنه** ﷺ: مَن باعَ مِنكم داراً أو عَقاراً، فَلْيَعلَمْ أنَّهُ مالٌ قَمَنٌ أن لا يُبارَكَ لَهُ فيهِ إلّا أن يَجعَلَهُ في مِثلِهِ.[۶]

۸۸۸۱. **پیامبر خدا**ﷺ: هر یک از شما منزلی یا ملکی بفروشد بداند که پول آن سزاوار برکت نیست، مگر این که صرف خرید همانند آن شود.

---

۱. المحاسن: ۲/۴۴۵/۲۵۲۹.
۲. تنبيه الخواطر: ۱/۷۰. ۳. الكافي: ۶/۵۳۱/۷.
۴. المحاسن: ۲/۴۴۶/۲۵۳۱.
۵. كنز العمّال: ۵۴۴۰. ۶. كنز العمّال: ۵۴۴۱.

۱۸۳۳
الامتِناعُ مِن إسكانِ المُؤمِنِ

۸۸۸۲ . **الإمامُ الصّادقُ** ﷺ: مَن كانَ لَهُ دارٌ واحتاجَ مُؤمِنٌ إلىٰ سُكناها فَمَنَعَهُ إيّاها قالَ اللهُ عَزَّوجلَّ: مَلائكَتي، عَبدي بَخِلَ علىٰ عَبدي بِسُكنَى الدُّنيا، وعِزَّتي لا يَسكُنُ جِناني أبداً.[1]

(انظر) الحاجة: باب ۹۶۷.

۱۸۳۳
خودداری از اسکان مؤمن

۸۸۸۲ . **امام صادق**ﷺ: هر که خانه‌ای داشته باشد و مؤمنی، به سکونت در آن نیازمند باشد و او آن را از وی دریغ دارد، خداوند عزّوجلّ فرماید: فرشتگان من! بنده‌ام از سکونت دادن بنده‌ام در دنیا بخل ورزید. به عزّتم سوگند که هرگز در بهشت من سکونت نکند.

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

۱ . بحار الأنوار: ۱/۳۸۹/۷۴ .


مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

۲۴۰

السِّلاح

جنگ افزار

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

ولمزيد الاطّلاع راجع:

بحار الأنوار: ۱۰۳/ ۱/ ۶باب ۸«بيع السلاح من أهل الحرب».

انظر:

عنوان ۱۰۲«الحرب»، الدعاء: باب ۱۱۹۸.

العداوة: باب ۲۵۲۵، الأمر بالمعروف والنهي عن المنكر: باب ۲۶۵۶.

۱۸۳۳
الأسلِحَةُ وأدَواتُ الحَربِ

الكتاب:

﴿واللهُ جَعَلَ لَكُمْ مِمَّا خَلَقَ ظِلَالاً وَجَعَلَ لَكُمْ مِنَ الجِبالِ أكْناناً وَجَعَلَ لَكُمْ سَرابِيلَ تَقِيكُمُ الحَرَّ وَسَرابِيلَ تَقِيكُمْ بَأْسَكُمْ كَذٰلِكَ يُتِمُّ نِعْمَتَهُ عَلَيْكُمْ لَعَلَّكُمْ تُسْلِمُونَ﴾.[1]

﴿وَعَلَّمناهُ صَنْعَةَ لَبُوسٍ لَكُمْ لِتُحْصِنَكُمْ مِنْ بَأْسِكُمْ فَهَلْ أنْتُمْ شاكِرُونَ﴾.[2]

﴿وَلَقَد آتَينا داوُدَ مِنَّا فَضْلاً يا جِبالُ أوِّبِي مَعَهُ وَالطَّيْرَ وَأَلَنَّا لَهُ الحَدِيدَ * أنِ اعْمَل سابِغاتٍ وَقَدِّر فِي السَّرْدِ واعْمَلُوا صالِحاً إنِّي بِما تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ﴾.[3]

﴿لَقَدْ أرْسَلنا رُسُلَنا بِالبَيِّناتِ وَأنزَلْنا مَعَهُمُ الكِتابَ والْمِيزانَ لِيَقُومَ النّاسُ بِالْقِسْطِ وَأنزَلْنا الْحَدِيدَ فِيهِ بَأْسٌ شَدِيدٌ وَمَنافِعُ لِلنّاسِ وَلِيَعْلَمَ اللهُ مَنْ يَنْصُرُهُ وَرُسُلَهُ بِالْغَيبِ إنَّ اللهَ قَوِيٌّ عَزِيزٌ﴾.[4]

(انظر) بحار الأنوار: ۱۰۰ / ۴۳ باب ۴.

---

۱. النحل: ۸۱.
۲. الأنبياء: ۸۰.
۳. سبأ: ۱۰ـ۱۱.
۴. الحديد: ۲۵.

۱۸۳۳
اسلحه و جنگ افزار

قرآن:

«خدا برای شما از چیزهایی که آفریده سایه‌ها پدید آورد و در کوهها برایتان غارها ساخت و جامه‌هایی که شما را از گرما حفظ می‌کند و جامه‌هایی که در جنگ نگهدار شماست. اینچنین نعمتهایش را بر شما تمام می‌کند باشد که تسلیم فرمان او باشید».

«و به او (داوود) ساختن زره برای شما را آموختیم تا شما را به هنگام جنگیدنتان حفظ کند. آیا شما سپاسگزار هستید؟».

«داوود را از سوی خود فضیلتی دادیم که: ای کوهها و ای پرندگان! با او هم آواز شوید. و آهن را برایش نرم کردیم [و به او گفتیم:] که زرههای بلند بساز و در بافتن زره اندازه‌ها را نگه دار. و کارهای شایسته کنید که من به آنچه می‌کنید بینایم».

«ما پیامبرانمان را با دلیلهای روشن فرستادیم و با آنها کتاب و ترازو را نیز نازل کردیم تا مردم به عدالت عمل کنند. و آهن را که در آن نیرویی سخت و منافعی برای مردم هست فرو فرستادیم، تا خدا بداند چه کسی، او و پیامبرانش را به نادیده یاری می‌کند؛ زیرا خدا توانا و پیروزمند است».

۱۸۳۵
ثَوابُ صُنعِ الأسلِحَةِ

۸۸۸۳ . رسولُ اللهِ ﷺ: إنَّ اللهَ عَزَّوجلَّ يُدخِلُ بِالسَّهمِ الواحِدِ ثلاثَةَ نَفَرٍ الجَنَّةَ: صانِعَهُ يَحتَسِبُ في صَنعَتِهِ الخَيرَ، والرامِيَ بِهِ، ومُنبِلَهُ.[۱]

(انظر) عنوان ۱۹۶ «الرماية».

۱۸۳۵
ثواب ساختن اسلحه

۸۸۸۳ . **پیامبر خدا ﷺ**: خداوند عزّوجلّ به سبب [ساختن] یک تیر، سه نفر را به بهشت می‌برد: سازندهٔ آن که از ساختنش نیّت خیر داشته باشد، پرتاب کنندهٔ آن، و کسی که آن تیر را به دست او بدهد.

۱۸۳۶
أهَمِّيَّةُ السِّلاحِ

الكتاب:

﴿وَدَّ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْ تَغْفُلُونَ عَنْ أَسْلِحَتِكُم﴾.[۲]

الحديث:

۸۸۸۴ . رسولُ اللهِ ﷺ: الخَيرُ في السَّيفِ، والخَيرُ مَعَ السَّيفِ، والخَيرُ بِالسَّيفِ.[۳]

۸۸۸۵ . عنه ﷺ: الخَيرُ كُلُّهُ في السَّيفِ وتَحتَ ظِلِّ السَّيفِ، ولا يُقِيمُ النـاسَ إلّا السَّيفُ، والسُّيُوفُ مَقالِيدُ الجَنَّةِ والنارِ.[۴]

۸۸۸۶ . عنه ﷺ: الجَنَّةُ تَحتَ ظِلالِ السُّيُوفِ.[۵]

۸۸۸۷ . عنه ﷺ: السُّيُوفُ أرديَةُ المُجاهِدِينَ.[۶]

۱۸۳۶
اهمیت اسلحه

قرآن:

«کافران دوست دارند که شما از سلاحهای خود غافل شوید».

حدیث:

۸۸۸۴ . **پیامبر خدا ﷺ**: خیر (خوبی) در شمشیر و با شمشیر و به شمشیر است.

۸۸۸۵ . **پیامبر خدا ﷺ**: خیر تماماً در شمشیر و زیر سایهٔ شمشیر است و مردم را چیزی جز شمشیر درست نکند و شمشیرها، کلیدهای بهشت و دوزخند.

۸۸۸۶ . **پیامبر خدا ﷺ**: بهشت زیر سایهٔ شمشیرهاست.

۸۸۸۷ . **پیامبر خدا ﷺ**: شمشیرها رداهای مجاهدانند.

---

۱ . سنن أبي داود: ۲۵۱۳/۱۳/۳.
۲ . النساء: ۱۰۲. ۳ . شرح نهج البلاغة: ۲۹۱/۳.
۴ . بحار الأنوار: ۱۰/۹/۱۰۰.
۵ . كنز العمّال: ۱۰۴۸۲. ۶ . كنز العمّال: ۱۰۵۸۲.

۸۸۸۸ . عنه ﷺ: كَفىٰ بالسَّيفِ شاهِداً .[1]

۸۸۸۹ . عنه ﷺ: مَن سَلَّ سَيفَهُ في سبيلِ اللهِ فقد بايَعَ اللهَ .[2]

۸۸۹۰ . الإمامُ عليٌّ ﷺ: السَّيفُ فاتِقٌ والدِّينُ راتِقٌ، فالدِّينُ يَأمُرُ بِالمَعروفِ والسَّيفُ يَنهىٰ عَنِ المُنكَرِ . قالَ اللهُ تعالىٰ: ﴿وَلَكُمْ فِي القِصاصِ حَياةٌ﴾[3] .[4]

۸۸۹۱ . عنه ﷺ ـ في أوّلِ خُطبَةٍ خَطَبَها في خِلافَتِهِ ـ: إنَّ اللهَ داوىٰ هذه الأُمَّةَ بِدَواءَينِ: السَّوطِ والسَّيفِ، لا هَوادَةَ عِندَ الإمامِ فيهِما .[5]

۸۸۹۲ . عنه ﷺ ـ لَمّا قُتِلَ محمّدُ بنُ أبي بكرٍ ـ رَحِمَ اللهُ محمّداً! كانَ غُلاماً حَدَثاً، لَقد كُنتُ أرَدتُ أن أُوَلِّيَ المِرقالَ هاشمَ بنَ عُتبَةَ مِصرَ، فَإنَّهُ واللهِ لَو وَلِيَها لَما خَلّىٰ لِابنِ العاصِ وأعوانِهِ العَرْصَةَ، ولا قُتِلَ إلّا وسَيفُهُ في يَدِهِ .[6]

۸۸۹۳ . عنه ﷺ: بَقِيَّةُ السَّيفِ أنمىٰ عَدَداً وأكثَرُ وَلَداً .[7]

۱ . کنز العمّال: ۱۰۵۸۱ . ۲ . کنز العمّال: ۱۰۷۹۰ .
۳ . البقرة: ۱۷۹ . ۴ . غرر الحکم: ۲۱۳۵ .
۵ . شرح نهج البلاغة: ۲۷۵/۱ .
۶ . شرح نهج البلاغة: ۹۳/۶ .
۷ . غرر الحکم: ۴۴۳۹ .

۸۸۸۸ . **پیامبر خدا ﷺ**: گواه بودن شمشیر، کافی است .

۸۸۸۹ . **پیامبر خدا ﷺ**: هر که شمشیر خود را در راه خدا از نیام بَرکِشد، بی‌گمان با خدا بیعت کرده باشد .

۸۸۹۰ . **امام علی ﷺ**: شمشیر شکافنده است و دین به هم آورنده؛[1] زیرا دین به خوبی فرمان می‌دهد و شمشیر از بدی باز می‌دارد. خداوند متعال می‌فرماید: «و در قصاص برای شما زندگی است» .

۸۸۹۱ . **امام علی ﷺ** ـ در اولین خطبه‌ای که بعد از خلافتش ایراد کرد ـ فرمود: خداوند این امّت را [در جایی که برهان و موعظه اثر ندارد] با دو دارو درمان کرد: تازیانه و شمشیر، رهبر در این دو، نرمش به خرج نمی‌دهد .

۸۸۹۲ . **امام علی ﷺ** ـ به هنگام کشته شدن محمّد بن ابی بکر ـ فرمود: خدا رحمت کند محمّد را؛ جوانی نورسته بود. من تصمیم داشتم هاشم مرقال[2] را والی مصر کنم. به خدا قسم اگر او والی آن جا می‌شد، میدان را برای پسر عاص و دار و دستهٔ او خالی نمی‌گذاشت و جز شمشیر به دست کشته نمی‌شد .

۸۸۹۳ . **امام علی ﷺ**: از شمشیر رهیدگان، شمارشان پایدارتر و فرزندانش بیشتر شود .[3]

۱ . ظاهراً اشاره به این که شمشیر به دلیل بازدارندگی از منکرات و مفاسد، جدایی‌آفرین است ولی دین به دلیل امر به معروف و رأفت و عطوفت شکاف‌ها را ترمیم می‌کند .
۲ . مرقال لقب هاشم بن عتبة بن ابی وقاص است ـ م .
۳ . کسانی که در جبههٔ حق علیه باطل و در راه شرف و آزادی و دین می‌جنگند و جان سالم به در می‌برند، خداوند بر تعدادشان می‌افزاید و نسلشان را زیاد می‌کند ـ م .

۸۸۹۴ . الإمامُ الصّادقُ ﷺ: إنَّ اللهَ عَـزَّوجلَّ بَـعَثَ رسولَهُ بِالإسلامِ إلى الناسِ عَشرَ سِنِينَ، فَأَبَوا أن يَقبَلُوا حتّىٰ أمَرَهُ بالقِتالِ، فالخَيرُ في السَّيفِ وتَحتَ السَّيفِ، والأمـرُ يَـعُودُ كما بَدَأَ.[۱]

۸۸۹۴ . امام صادق ﷺ: خـداونـد عـزّوجلّ رسـول خدا را ده سال مأمور تبلیغ زبانی اسلام به مردم کرد، اما آنها از پذیرفتن آن امتناع ورزیدند تا آن که فرمان جنگ به او داد. بنابر این، خیر در شمشیر و در زیر شمشیر است و همچنان که در آغاز چنین بود دوباره نیز چـنین خـواهـد شد.

۱۸۳۷

ما كُتِبَ في قائِمِ سَيفِ رَسولِ اللهِ ﷺ

۱۸۳۷

نوشته‌های روی قبضهٔ شمشیر رسول خدا ﷺ

۸۸۹۵ . الإمامُ عليٌّ ﷺ: لقـد ضَـمَمتُ إلَـيَّ سـلاحَ رسولِ اللهِ ﷺ فَوَجَدتُ في قائمِ سَيفِهِ مُعَلَّقَةً فيها ثـلاثةُ أحـرُفٍ: صِـلْ مَـن قَـطَعَكَ، وأحسِنْ إلىٰ مَن أساءَ إلَيكَ، وقُلِ الحَقَّ ولَو علىٰ نَفسِكَ.[۲]

۸۸۹۵ . امام علی ﷺ: اسـلحهٔ رسـول خـدا را برداشتم، دیدم به قبضهٔ شمشیر آن حضرت سه جمله آویخته است: به کسی که از تو بُریده است بپیوند؛ به کسی که به تو بدی کرده است خوبی کن، و حق را بگو هر چند بـه زیـان خودت باشد.

۸۸۹۶ . الإمامُ الباقرُ ﷺ: وُجِدَ في نَعلِ سَيفِ رسولِ اللهِ ﷺ: إنَّ أعتَى الناسِ علىٰ اللهِ ثلاثةٌ: مَن قَتَلَ غَيرَ قاتِلِهِ، أو ضَرَبَ غَيرَ ضارِبِهِ، أو آوىٰ مُحدِثاً فلا يَقبَلُ اللهُ مِـنهُ صَـرْفاً ولا عَدْلاً، ومَن تَوَلّىٰ غَيرَ مَوالِيهِ فهُو كافرٌ بما أنزَلَ اللهُ علىٰ رَسُولِهِ.[۳]

۸۸۹۶ . امام باقر ﷺ: بـر فـلز نـوک غـلاف شـمشیر رسـول خـدا ﷺ ایـن جـملات دیـده شـد: سرکش‌ترین مردم بر خداوند سه کَسَند: کسی که غیر قاتل خود را بکشد، یا غیر ضارب خود را بزند، یا حادثه آفرینی (قاتلی) را پناه دهد؛ خداوند از چنین کسی نه توبه‌ای می‌پذیرد و نه تاوانی، و هر که خود را به کسانی منسوب دارد که از بستگان آنها نیست، به آنچه خداوند بر رسولش نازل کرده، کافر شده باشد.

۸۸۹۷ . عنه ﷺ: وُجِدَ في غِمدِ سيفِ رسولِ اللهِ ﷺ صَحِيفَةٌ مَختومَةٌ فَفَتَحُوها فَوَجَدُوا فـيها: مِن أعتىٰ النـاسِ عَـلَى اللهِ: القـاتِلُ غَـيرَ

۸۸۹۷ . امام باقر ﷺ: در غـلاف شـمشیر رسـول خدا ﷺ مکتوبی سر به مهر یـافت شـد؛ آن را گشودند دیدند نوشته است: از سـرکش‌ترین

---

۱ . الكافي: ۷/۷/۵.
۲ . كنز العمّال: ۴۴۲۹۸.
۳ . كنز العمّال: ۴۴۳۵۳.

قاتِلِهِ، والضارِبُ غَيرَ ضارِبِهِ، ومَن أحدَثَ حَدَثاً أو آوىٰ مُحدِثاً فعلَيهِ لَعنةُ اللهِ والمَلائكةِ والناسِ أجمَعينَ، لا يَقبَلُ اللهُ مِنهُ صَرْفاً ولا عَدْلاً، ومَن تَوَلّىٰ إلىٰ غيرِ مَوالِيهِ فقد كَفَرَ بما أُنزِلَ علىٰ محمّدٍ ﷺ.[1]

مردمان بر خدا کسی است که غیر قاتل خود را بکشد و کسی که غیر ضارب خود را بزند و کسی که حادثه‌ای بیافریند (قتلی مرتکب شود) یا حادثه آفرینی (قاتلی) را پناه دهد، لعنت خدا و فرشتگان و همهٔ مردم بر چنین کسی باد، خداوند از او هیچ توبه و تاوانی را نمی‌پذیرد، و هر که خود را به غیر مولایش نسبت دهد، به آنچه بر محمّد ﷺ نازل گشته، کافر شده است.

۸۸۹۸. **بحارُ الأنوارِ من كتابِ العَتيقِ الغَرَوي:** رُقعَةُ السَّيفِ وُجِدَت في قائمِ سيفِ أميرِ المؤمنينَ عليِّ بنِ أبي طالبٍ عليهِ الصَّلاةُ والسَّلامُ، وكانَت أيضاً في قائمِ سيفِ رسولِ اللهِ ﷺ وهي: «بِسمِ اللهِ الرَّحمٰنِ الرَّحيمِ، بِاللهِ بِاللهِ بِاللهِ، أسأَلُكَ يا مَلِكَ المُلوكِ الأوَّلُ القَديمُ الأبَدِيُّ الذي لا يَزُولُ ولا يَحُولُ... أحجُبْ عَنّي شَرَّ مَن أرادَني بِسُوءٍ...».[2]

۸۸۹۸. **بحار الأنوار ـ به نقل از کتاب عتیق الغروی ـ:** رقعهٔ شمشیری در قبضهٔ شمشیر امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب، علیه الصلاة والسلام، یافت شد. این رقعه که در دستهٔ شمشیر رسول خدا ﷺ نیز بود، چنین است: «به نام خداوند بخشندهٔ مهربان. به یاری خدا، به یاری خدا، به یاری خدا، ای شاهنشاه ازلی و ابدی که زوال نگیرد و تغیّر نپذیرد!... از تو مسألت دارم مرا از گزند هر که قصد سویی نسبت به من دارد نگه داری...».

۱۸۳۸
النَّهيُ عَن بَيعِ السِّلاحِ لِأعداءِ الدِّينِ

۸۸۹۹. **رسولُ اللهِ ﷺ ـ في وَصِيَّتِهِ لعليٍّ ﷺ ـ:** يا عَلِيُّ، كَفَرَ بِاللهِ العَظيمِ مِن هٰذِهِ الأُمَّةِ عَشَرَةٌ:... وبائعُ السِّلاحِ مِن أهلِ الحَربِ.[3]

۸۹۰۰. **الإمامُ الباقرُ ﷺ ـ لِهِندٍ السَّرّاجِ لَمّا سَأَلَهُ عَن بَيعِ السِّلاحِ لأهلِ الشامِ ـ:** احمِلْ إلَيهِم؛

۱۸۳۸
نهی از فروش سلاح به دشمنان دین

۸۸۹۹. **پیامبر خدا ﷺ ـ** فرمود در سفارش به علی ﷺ ـ فرمود: ای علی! از این امّت ده تن به خدای بزرگ کافر باشند:... و کسی که به اهل حرب (دشمنان در حال جنگ با مسلمانان) سلاح بفروشد.

۸۹۰۰. **امام باقر ﷺ ـ** در پاسخ به سؤال هند سرّاج دربارهٔ فروش اسلحه به شامیان ـ فرمود:

---

۱. بحار الأنوار: ۱۷/۱۲۰/۷۷، وانظر ص ۳۷/۱۳۰.

۲. بحار الأنوار: ۱/۱۳۸/۹۵.

۳. كتاب من لا يحضره الفقيه: ۵۷۶۲/۳۵۶/۴.

فإنَّ اللهَ يَدفَعُ بِهِم عَدُوَّنا وعَدُوَّكُم ـ يَعنِي الرُّومَ ـ وبِعهُم فإذا كانَتِ الحَربُ بَينَنا فَلا تَحمِلُوا، فَمَن حَمَلَ إلىٰ عَدُوِّنا سِلاحاً يَستَعِينُونَ بِهِ علَينا فهُو مُشرِكٌ.[۱]

۸۹۰۱. **الإمامُ الصّادقُ** ﷺ ـ لَمّا سُئِلَ عن بَيعِ السِّلاحِ لِفِئَتَينِ تَلتَقِيانِ مَعَ أهلِ الباطِلِ ـ: بِعهُما مايَكِنُّهُما كالدِّرعِ والخُفَّينِ ونَحوِ هذا.[۲]

۸۹۰۲. **عنه** ﷺ: لا تُعطِ سِلاحَكَ الفاجِرَ فَيُضِلَّكَ.[۳]

(انظر) وسائل الشيعة: ۱۲ / ۶۹ باب ۸، بحار الأنوار: ۱۰۳ / ۶۱ باب ۸.

به سوی آنان اسلحه حمل کن و به آنها بفروش؛ زیرا خداوند به وسیلهٔ آنان دشمن ما و شما ـ یعنی رومیها ـ را دفع می‌کند. اما اگر بین ما جنگ بود، به طرف آنها اسلحه حمل نکن؛ زیرا هر که برای دشمن ما جنگ افزاری حمل کند، که از آن علیه ما کمک می‌گیرد، مشرک است.

۸۹۰۱. **امام صادق** ﷺ ـ در پاسخ به سؤال از فروش اسلحه به دو گروه از اهل باطل که در حال جنگ با یکدیگر هستند ـ فرمود: چیزهایی که آنان را حفاظ و پوشش می‌دهد مانند زره و پای افزار و امثال اینها به آنها بفروش.

۸۹۰۲. **امام صادق** ﷺ: جنگ افزارِ خود را به تبهکار مده، که تو را نابود می‌کند.

۱. الكافي: ۵/ ۲/۱۱۲. ۲. الكافي: ۵/ ۳/۱۱۳.
۳. مشكاة الأنوار: ۷۲۱/۲۴۶.


مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

السُّلطان

سلطان

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

ولمزيد الاطّلاع راجع:

بحار الأنوار: ٧٥/٣٣٥ باب ٨١ «أحوال الملوك والأمراء».

كنز العمّال: ٦/٥ «كتاب الإمارة».

انظر:

عنوان ٢٠ «الإمارة»، ٢٣ «الإمامة العامّة»، ١٧٤ «الرئاسة»، ٤٩٣ «المُلْك»، ٥٥٦ «الولاية على النّاس».

رضوان الله: باب ١٥٢٩، الظلم: باب ٢٤٣٠، ٢٤٣١.

العقل: باب ٢٧٦٥، العلم: باب ٢٨٥٩.

۱۸۳۹
مُخالَطَةُ السُّلطانِ الجائِرِ

الكتاب:

﴿هَلَكَ عَنِّي سُلْطانِيَه﴾.[۱]

الحديث:

۸۹۰۳. رسولُ اللهِ ﷺ: إيّاكُم ومُخالَطَةَ السُّلطانِ فإنَّهُ ذَهابُ الدِّينِ، وإيّاكُم ومَعُونَتَهُ فإنَّكُم لا تَحمَدُونَ أمرَهُ.[۲]

۸۹۰۴. عنه ﷺ: مَن لَزِمَ السُّلطانَ أُفتُتِنَ، وما يَزدادُ مِنَ السُّلطانِ قُرباً إلّا ازدادَ مِنَ اللهِ بُعداً.[۳]

۸۹۰۵. عنه ﷺ: إيّاكُم وأبوابَ السُّلطانِ وحَواشِيَها؛ فإنَّ أقرَبَكُم مِن أبوابِ السُّلطانِ وحَواشِيها أبعَدُكم مِنَ اللهِ عَزَّوجلَّ، ومَن آثَرَ السُّلطانَ على اللهِ عَزَّوجلَّ أذهَبَ اللهُ عَنهُ الوَرَعَ وجَعَلَهُ حَيرانَ.[۴]

۸۹۰۶. الإمامُ عليٌّ ﷺ: صاحِبُ السُّلطانِ كَراكِبِ الأسَدِ، يُغبَطُ بمَوقِعِهِ، وهُو أعلَمُ

۱. الحاقّة: ۲۹. ۲. بحار الأنوار: ۷/۳۶۸/۱۰.
۳. بحار الأنوار: ۱۳/۳۷۱/۷۵.
۴. بحار الأنوار: ۱۹/۳۷۲/۷۵.

۱۸۳۹
مصاحبت با سلطان ستمگر

قرآن:

«قدرت من از دستم برفت».

حديث:

۸۹۰۳. **پيامبر خدا ﷺ**: زنهار از مصاحبت با سلطان كه آن دين را مى‌برد؛ و زنهار از كمك كردن به او؛ زيرا شما كارهاى او را نمى‌پسنديد.

۸۹۰۴. **پيامبر خدا ﷺ**: هر كه ملازمت سلطان اختيار كند به فتنه و گمراهى افتد، و هر چه به سلطان نزديكتر گردد از خدا دورتر شود.

۸۹۰۵. **پيامبر خدا ﷺ**: زنهار از درگاه و درباريان سلطان؛ زيرا كه نزديكترين شما به درگاه و درباريان سلطان دورترين شماست از خداوند عزّوجلّ؛ و هر كه سلطان را بر خداوند عزّوجلّ ترجيح دهد، خداوند پارسايى را از او ببرد و سرگشته و حيرانش سازد.

۸۹۰۶. **امام على ﷺ**: ملازم سلطان، همچون كسى است كه بر شير سوار باشد؛ مردم به موقعيت او غبطه مى‌خورند، در حالى كه

بِمَوضِعِهِ.[1]

٨٩٠٧. عنه ﷺ: بـاعِدِ السُّـلطانَ لِـتَأمَنَ خُـدَعَ الشَّيطانِ.[2]

(انظر) المُلك: باب ٣٦٤٥.

خـودش بـهتر مـی‌دانـد در چـه وضـعیتی [خطرناک] قرار دارد.

٨٩٠٧. **امام علی**ﷺ: از سـلطان دوری کـن تـا از نیرنگهای شیطان ایمن مانی.

١٨٤٠
الخُضوعُ لِلسُّلطانِ الجائِرِ

١٨٤٠
خضوع در برابر سلطان ستمگر

٨٩٠٨. رسولُ اللهِ ﷺ: مَن خَفَّ لِسُلطانٍ جائرٍ في حاجَةٍ كانَ قَرِينَهُ في النارِ.[3]

٨٩٠٨. **پیامبر خدا**ﷺ: هر که به خـاطر نـیازی در برابر سلطان سـتمگری خـضوع و کـرنش کند، همدم او در آتش باشد.

٨٩٠٩. عنه ﷺ: مَن مَدَحَ سُلطاناً جائراً وتَـخَفَّفَ وتَضَعضَعَ لَهُ طَمَعاً فـيهِ، كـانَ قَـرِينَهُ إلى النارِ.[4]

٨٩٠٩. **پیامبر خدا**ﷺ: هـر کـه بـه طـمع چـیزی، سلطان ستمگری را مدح گوید و خود را در برابر او خوار و پست سازد، همنشین او در آتش خواهد بود.

٨٩١٠. الإمامُ الصّادقُ ﷺ: أيُّـما مُـؤمِنٍ خَـضَعَ لِصاحِبِ سلطانٍ أو مَن يُخالِفُهُ علىٰ دِيـنِهِ طَلَباً لِما في يَدَيهِ، أحمَلَهُ اللهُ ومَقَتَهُ عـلَيهِ ووَكَلَهُ إلَيهِ، فإن هُو غَلَبَ عَلىٰ شَيءٍ مِـن دُنياهُ وصارَ في يَدِهِ مِـنهُ شَـيءٌ، نَـزَعَ اللهُ البَرَكَةَ مِنهُ.[5]

(انظر) التنظيم: باب ٢٧٠٧.

الدنيا: باب ١٢٥٣.

٨٩١٠. **امام صادق**ﷺ: هر مؤمنی در برابر صاحب قدرتی یا کسی که مخالف دین اوست، به قصد دست یافتن بـه چـیزی کـه در دست اوست، کرنش و خضوع کند، خداونـد او را بی‌نام و نشان گرداند، و برای این کار بر او خشم گیرد، و او را به خودش واگذارد؛ و اگرهم بر چیزی از دنیای او دست یابد و اندکی از آن به دستش افتد، خداوند برکت را از آن ببَرد.

---

١. نهج البلاغة: الحكمة ٢٦٣.

٢. بحار الأنوار: ١/٢١٥/٧٧. ٣. بحار الأنوار: ٣٠/٣٦٠/٧٦.

٤. الأمالي للصدوق: ٧٠٧/٥١٣.

٥. ثواب الأعمال: ٢٩٤.

۱۸۴۱
فَضلُ السُّلطانِ العادِلِ

۸۹۱۱ . رسولُ اللهِ ﷺ: السُّلطانُ العادِلُ المُتَواضِعُ ظِلُّ اللهِ ورُمحُهُ في الأرضِ.[۱]

۸۹۱۲ . عنه ﷺ: السُّلطانُ ظِلُّ اللهِ في الأرضِ، يَأوِي إلَيهِ الضَّعيفُ، وبِهِ يُنصَرُ المَظلومُ.[۲]

۸۹۱۳ . عنه ﷺ: السُّلطانُ ظِلُّ اللهِ في الأرضِ، فَمَن غَشَّهُ ضَلَّ، ومَن نَصَحَهُ اهتَدىٰ.[۳]

۸۹۱۴ . عنه ﷺ: الوالي العادِلُ ظِلُّ اللهِ ورُمحُهُ في الأرضِ، فَمَن نَصَحَهُ في نفسِهِ وفي عِبادِ اللهِ أظَلَّهُ اللهُ في ظِلِّهِ، ومَن غَشَّهُ في نفسِهِ وفي عِبادِ اللهِ خَذَلَهُ اللهُ يَومَ القِيامَةِ.[۴]

۸۹۱۵ . الإمامُ عليٌّ ﷺ: السُّلطانُ وَزَعَةُ اللهِ في أرضِهِ.[۵]

۱۸۴۲
ما رُوِيَ في وجوبِ طاعَةِ السُّلطانِ

۸۹۱۶ . رسولُ اللهِ ﷺ: طاعَةُ السُّلطانِ واجِبَةٌ، ومَن تَرَكَ طاعَةَ السُّلطانِ فَقَد تَرَكَ طاعَةَ اللهِ عَزَّوجلَّ ودَخَلَ في نَهيِهِ، إنَّ

۱ . كنز العمّال: ۱۴۵۸۹ . ۲ . كنز العمّال: ۱۴۵۸۲ .
۳ . كنز العمّال: ۱۴۵۸۳ . ۴ . كنز العمّال: ۱۴۶۲۰ .
۵ . نهج البلاغة: الحكمة ۳۳۲ .

۱۸۴۱
فضیلت سلطان دادگر

۸۹۱۱ . **پیامبر خدا ﷺ**: سلطانِ دادگرِ فروتن، سایهٔ خدا و نیزهٔ او در زمین است.

۸۹۱۲ . **پیامبر خدا ﷺ**: سلطان [عادل] سایهٔ خدا در زمین است؛ ناتوان به او پناه می‌برد و ستمدیده به وسیلهٔ او یاری می‌شود.

۸۹۱۳ . **پیامبر خدا ﷺ**: سلطان [عادل] سایهٔ خدا در زمین است؛ پس هر که با او از درِ ناراستی درآید، گمراه شود و هر که نسبت به او خیرخواه و یکرنگ باشد، هدایت شود.

۸۹۱۴ . **پیامبر خدا ﷺ**: فرمانروایِ دادگر، سایه و نیزهٔ خدا در روی زمین است؛ پس هر که او را دربارهٔ امور خودش و اموربندگان خدا راهنمایی کند، خداوند وی را در زیر سایهٔ خود درآورد، و هر که دربارهٔ امور او و بندگان خدا با او ناراستی کند، روز قیامت خداوند یاریش نکند.

۸۹۱۵ . **امام علی ﷺ**: فرمانروایان، پاسداران [احکام] خدا در زمین اویند.

۱۸۴۲
روایاتی در وجوب فرمانبری سلطان!

۸۹۱۶ . **پیامبر خدا ﷺ**: اطاعت از سلطان واجب است و هر کس از سلطان فرمان نبَرد، از خداوند عزّوجلّ فرمان نبرده و در نهی او داخل شده است؛ زیرا خداوند عزّوجلّ

اللهَ عَزَّوجلَّ يقولُ: ﴿ولا تُلقُوا بِأيدِيكُم إلى التَّهلُكَةِ﴾[۱]. [۲]

۸۹۱۷. عنه ﷺ: قالَ اللهُ جلَّ جلالُهُ: لا تَشغَلُوا أنفُسَكُم بِسَبِّ المُلُوكِ، تُوبُوا إلَيَّ أعطِف قُلوبَهُم علَيكُم. [۳]

۸۹۱۸. عنه ﷺ: لا تَسُبُّوا السُّلطانَ؛ فإنّه فَيءُ اللهِ في أرضِهِ. [۴]

۸۹۱۹. الإمامُ الصّادقُ ﷺ: مَن تَعَرَّضَ لسلطانٍ جائرٍ فَأصابَتهُ مِنهُ بَلِيَّةٌ لَم يُؤجَرْ علَيها ولَم يُرزَقِ الصَّبرَ علَيها. [۵]

۸۹۲۰. الإمامُ الكاظمُ ﷺ: يامَعشرَ الشّيعَةِ، لا تُذِلُّوا رِقابَكُم بِتَركِ طاعَةِ سُلطانِكُم، فإن كانَ عادلاً فاسألُوا اللهَ إبقاءَهُ، وإن كانَ جائراً فاسألُوا اللهَ إصلاحَهُ. [۶]

(انظر) الإمامة العامّة: باب ۱۷۱.

۱۸۴۳
أجرُ مَن يَأمُرُ السُّلطانَ الجائِرَ بِالتَّقوىٰ

۸۹۲۱. الإمامُ الباقرُ ﷺ: مَن مَشىٰ إلىٰ سُلطانٍ جائرٍ

۱. البقرة: ۱۹۵. ۲. الأمالي للصدوق: ۵۵۳/۴۱۸.
۳. بحار الأنوار: ۲۱/۳۴۱/۷۵. ۴. كنز العمّال: ۱۴۵۸۶. ۵. بحار الأنوار: ۱۶/۳۷۲/۷۵.
۶. بحار الأنوار: ۲/۳۶۹/۷۵.

می‌فرماید: «و با دستهای خود خویشتن را به هلاکت میفکنید».

۸۹۱۷. **پیامبر خدا** ﷺ: خداوند، جلّ جلاله، می‌فرماید: خود را به ناسزاگویی از شاهان سرگرم نکنید. به درگاه من توبه کنید، تا دلهای آنها را به شما مهربان کنم.

۸۹۱۸. **پیامبر خدا** ﷺ: به سلطان ناسزا نگویید؛ زیرا او سایهٔ خدا در زمین اوست.

۸۹۱۹. **امام صادق** ﷺ: هر که متعرّض سلطان ستمگری شود و از او به وی گزندی رسد، در برابر آن گزند اجری نخواهد برد و صبرِ در برابر آن گزند نیز روزیش نمی‌شود.

۸۹۲۰. **امام کاظم** ﷺ: ای جماعت شیعه! با ترک اطاعت از سلطانتان خود را به خواری و گرفتاری نیندازید، بلکه اگر عادل بود، بقای او را از خداوند بخواهید و اگر ستمگر بود، از خداوند بخواهید او را اصلاح گرداند. [۱]

۱۸۴۳
ثواب کسی که سلطان ستمگر را به تقوا فرمان دهد

۸۹۲۱. **امام باقر** ﷺ: هر که نزد سلطان ستمگر

۱. با تأمّل در روایاتی که در وجوب اطاعت از سلطان از پیامبر خدا ﷺ روایت شده ساختگی بودن آنها روشن می‌گردد، لیکن روایاتی که به امام صادق ﷺ و امام کاظم ﷺ نسبت داده شده ممکن است از روی تقیه صادر شده باشد.

فَأمَرَهُ بِتَقوَى اللهِ وخَوَّفَهُ ووَعَظَهُ، كانَ لَهُ مِثلُ أجرِ الثَّقَلَينِ مِنَ الجِنِّ والإنسِ ومِثلُ أعمالِهِم.[۱]

(انظر) الأمر بالمعروف والنهي عن المنكر: باب ۲۶۴۶.

الحقّ: باب ۸۹۴.

۱۸۴۴
الحَثُّ عَلىٰ إكرامِ سُلطانِ اللهِ

۸۹۲۲. رسولُ اللهِ ﷺ: مَن أكرَمَ سُلطانَ اللهِ في الدنيا أكرَمَهُ اللهُ يَومَ القِيامَةِ، ومَن أهانَ سُلطانَ اللهِ في الدنيا أهانَهُ اللهُ يَومَ القِيامَةِ.[۲]

۸۹۲۳. عنه ﷺ: مَن مَشىٰ إلىٰ سلطانِ اللهِ لِيُذِلَّهُ أذَلَّهُ اللهُ يَومَ القِيامَةِ مَع ما ذَخَرَ لَهُ مِنَ العذابِ.[۳]

۸۹۲۴. الإمامُ عليٌّ ﷺ: إنَّ في سلطانِ اللهِ عِصمَةً لِأمرِكُم، فَأعطُوهُ طاعَتَكُم غَيرَ مُلَوَّمَةٍ (مُتَلَوِّمِينَ) ولا مُستَكرَهٍ بها، واللهِ لَتَفعَلُنَّ أو لَيَنقُلَنَّ اللهُ عَنكُم سلطانَ الإسلامِ، ثُمَّ لا يَنقُلُهُ إلَيكُم أبداً حتّىٰ يَأرِزَ الأمرُ إلىٰ غَيرِكُم.[۴]

(انظر) كنز العمّال: ۱۴۵۸۷، ۱۴۵۸۹، ۱۴۵۹۸.

---

۱. بحار الأنوار: ۳۰/۳۷۵/۷۵.
۲. كنز العمّال: ۱۰۷۲.
۳. كنز العمّال: ۱۰۷۴.
۴. نهج البلاغة: الخطبة ۱۶۹.

برود واو را به تقواى الهى فرمان دهد و [از عذاب او] بترساندش و اندرزش دهد، ثوابش همانند ثواب [عبادت] جنّ و انس و [ارزش] اين عملش به اندازهٔ همه اعمال آنها باشد.

۱۸۴۴
ترغيب به گرامى‌داشتن سلطانِ خدايى

۸۹۲۲. **پيامبر خدا ﷺ**: هر كه سلطان خدا (حكومت و رهبرى دين حق) را در دنيا گرامى دارد، خداوند در روز قيامت گرامىش بدارد و هر كه به سلطان خدا در دنيا بى‌حرمتى كند خداوند در روز قيامت به او بى‌احترامى نمايد.

۸۹۲۳. **پيامبر خدا ﷺ**: هر كه نزد سلطان خدا رود، تا او را خوار گرداند، خداوند در روز قيامت افزون بر عذابى كه برايش اندوخته است، او را خوار نيز مى‌كند.

۸۹۲۴. **امام على ﷺ**: همانا سلطان خدا مايهٔ نگهدارى و سامان يافتن كار شماست؛ پس بى‌درنگ و با ميل و اختيار او را اطاعت كنيد. سوگند به خدا كه يا اين كار را مى‌كنيد، يا خداوند سلطان اسلام (حكومت حقّه اسلامى) را از شما مى‌گيرد و ديگر هرگز آن را به شما منتقل نمى‌كند، تا به دست ديگرى سپرده شود.

۱۸۴۵
النَّوادِرُ

۸۹۲۵ . رسولُ اللهِ ﷺ: ثلاثةٌ هُنَّ أُمُّ الفَواقِرِ: سلطانٌ إن أحسَنتَ إلَيهِ لَم يَشكُرْ وإن أسَأتَ إلَيهِ لَم يَغفِرْ و... .[۱]

۸۹۲۶ . الإمامُ عليٌّ ﷺ: إذا تَغَيَّرَ السُّلطانُ تَغَيَّرَ الزمانُ .[۲]

۸۹۲۷ . الإمامُ الصّادقُ ﷺ: إنَّ اللهَ عَزَّوجلَّ أوحىٰ إلىٰ نَبِيٍّ مِن أنبيائِهِ ... ائتِ هذا الجَبّارَ فقُلْ لَهُ: إنّي لَم أستَعمِلْكَ علىٰ سَفكِ الدِّماءِ واتِّخاذِ الأموالِ، وإنّما استَعمَلْتُكَ لِتَكُفَّ عَنّي أصواتَ المَظلومينَ، فإنّي لَن أدَعَ ظُلامَتَهُم وإن كانوا كُفّاراً .[۳]

۱۸۴۵
گوناگون

۸۹۲۵ . **پیامبر خدا ﷺ**: سه چیز است که ریشهٔ بلاهای کمر شکن است: [از جمله] فرمانروایی که اگر به او نیکی کنی، سپاسگزار نباشد و اگر به او بدی کنی، نبخشد و ...

۸۹۲۶ . **امام علی ﷺ**: هر گاه سلطان (حکومت) تغییر کند، زمانه (جامعه) نیز دیگرگون شود.

۸۹۲۷ . **امام صادق ﷺ**: خداوند عزّوجلّ به یکی از پیامبران خود وحی فرمود: ...نزد این گردنکش برو، و به او بگو که من تو را برای خونریزی و غارت اموال به کار نگماشته‌ام، بلکه تو را روی کار آورده‌ام تا نگذاری صدای ستمدیدگان به درگاه من بلند شود؛ زیرا من از ستمی که به آنها شود نمی‌گذرم، هرچند کافر باشند.

---

۱ . بحار الأنوار: ۱۰/۱۵۱/۷۴ .

۲ . نهج البلاغة: الكتاب ۳۱ .

۳ . بحار الأنوار: ۶۵/۳۳۱/۷۵ .


مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

الإسلام

اسلام

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

ولمزيد الاطّلاع راجع:

بحار الأنوار: ٦٨/٣٠٩ باب ٢٥ «نسبة الإسلام».

كنز العمّال: ١/٢٣ «الإسلام والإيمان».

كنز العمّال: ١/٢٧٦ «في حقيقة الإسلام».

انظر:

عنوان ٢٥ «الإيمان»، ١٦٩ «الدّين».

الرّهبانيّة: باب ١٥٥٤، العلم: باب ٢٧٨٦.

۱۸۴۶
الإسلامُ

الكتاب:

﴿إِنَّ الدِّينَ عِندَ اللهِ الإِسلامُ وَما اختَلَفَ الَّذِينَ أُوتُوا الكِتابَ إِلَّا مِن بَعدِ ما جاءَهُمُ العِلمُ بَغياً بَينَهُم وَمَن يَكفُر بِآياتِ اللهِ فَإِنَّ اللهَ سَرِيعُ الحِسابِ﴾.[1]

﴿وَمَن يَبتَغِ غَيرَ الإِسلامِ دِيناً فَلَن يُقبَلَ مِنهُ وَهُوَ فِي الآخِرَةِ مِنَ الخاسِرِينَ﴾.[2]

الحديث:

۸۹۲۸ . الإمامُ عليٌّ عليه السلام: إنَّ هذا الإسلامَ دِينُ اللهِ الذي اصطَفاهُ لِنَفسِهِ، واصطَنَعَهُ على عَينِهِ.[3]

۸۹۲۹ . عنه عليه السلام ـ في صِفَةِ النبيِّ صلى الله عليه وآله ـ: أرسَلَهُ بِحُجَّةٍ كافِيَةٍ، ومَوعِظَةٍ شافِيَةٍ، ودَعوَةٍ مُتلافِيَةٍ، أظهَرَ بِهِ الشَّرائِعَ المَجهولَةَ، وقَمَعَ بِهِ البِدَعَ المَدخولَةَ، وبَيَّنَ بِهِ الأحكامَ المَفصولَةَ، فَمَن يَبتَغِ غَيرَ الإِسلامِ دِيناً تَتَحَقَّقْ شِقوَتُهُ،

۱ . آل عمران: ۱۹. ۲ . آل عمران: ۸۵.
۳ . نهج البلاغة: الخطبة ۱۹۸.

۱۸۴۶
اسلام

قرآن:

«در حقیقت دین نزد خدا همان اسلام است، و کسانی که کتاب آسمانی به آنان داده شده، اختلاف نکردند مگر پس از آن که علم به آنان داده شد و آن هم از سر ریاست‌طلبی و هر کس به آیات خدا کفر ورزد، پس بداند که خدا زودشمار است».

«و هر که دینی جز اسلام اختیار کند هرگز از او پذیرفته نشود و او در آخرت از زیانکاران است».

حدیث:

۸۹۲۸ . امام علی عليه السلام: براستی این اسلام همان دینی است که خدا برای خودش برگزیده و زیر نظر خویش پرورده است.

۸۹۲۹ . امام علی عليه السلام ـ در توصیف پیامبر صلى الله عليه وآله ـ فرمود: خداوند او را با دلیلی قانع کننده و اندرزی شفابخش و دعوتی جبران کننده فرستاد، به وسیلهٔ او آیین‌های ناشناخته را آشکار ساخت و بدعتهای راه یافته [به زندگی] را نابود کرد و احکام قطعی را بیان نمود. پس هر که دینی جز اسلام اختیار

وتَنفَصِمْ عُروَتُهُ، وتَعظُمْ كَبوَتُهُ، ويَكُنْ مَآبُهُ إلى الحُزنِ الطَّوِيلِ والعَذابِ الوَبِيلِ.[1]

۸۹۳۰. عنه ﷺ: لا شَرَفَ أعلىٰ مِنَ الإسلامِ.[2]

۸۹۳۱. عنه ﷺ: ظاهِرُ الإسلامِ مُشرِقٌ وباطِنُهُ مُونِقٌ.[3]

(انظر) الدِّين: باب ۱۳۲۰.

الخُلق: باب ۱۱۱۴.

۱۸۴۷
الإسلامُ صِبغَةُ اللهِ

الكتاب:

﴿صِبْغَةَ اللهِ وَمَنْ أحْسَنُ مِنَ اللهِ صِبْغَةً وَنَحْنُ لَهُ عابِدُونَ﴾.[4]

﴿فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفاً فِطرَتَ اللهِ الَّتِي فَطَرَ النّاسَ عَلَيْها لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللهِ ذٰلِكَ الدِّينُ القَيِّمُ وَلٰكِنَّ أكثَرَ النّاسِ لا يَعْلَمُونَ﴾.[5]

الحديث:

۸۹۳۲. الإمامُ الباقرُ أو الإمامُ الصّادقُ ﷺ ـ في قولِهِ تعالىٰ: ﴿صِبْغَةَ اللهِ﴾ ـ: الصِّبغَةُ هِيَ الإسلامُ.[6]

---

۱. نهج البلاغة: الخطبة ۱۶۱.
۲. نهج البلاغة: الحكمة ۳۷۱.
۳. غرر الحكم: ۶۰۶۹.
۴. البقرة: ۱۳۸.
۵. الروم: ۳۰.
۶. الكافي: ۳/۱۴/۲.

کند، بدبختیش حتمی است و دستگیره‌اش گسیخته وبه سردرآمدنش سخت وفرجامش، اندوهِ طولانی و عذاب شدید است.

۸۹۳۰. **امام علی**ﷺ: هیچ شرافتی، بالاتر از اسلام نیست.

۸۹۳۱. **امام علی**ﷺ: بیرون اسلام درخشنده است و درونش نیکو و شگفت انگیز.

۱۸۴۷
اسلام، رنگ خداست

قرآن:

«رنگ‌آمیزی خداست [که به ما رنگ فطرت اسلام داده] و کدام رنگی از رنگ خدا نیکوتر است؟ و ما پرستندگان او هستیم».

«حق‌مدارانه، روی به این دین‌دار، با همان سرشت خدایی که مردم را بر آن سرشته است و در آفرینش خدا تغییری نیست. دین پاک و پایدار این است. ولی بیشتر مردم نمی‌دانند».

حدیث:

۸۹۳۲. **امام باقر یا امام صادق**ﷺ ـ دربارهٔ آیه: «رنگ‌آمیزی خداست» ـ فرمود: این رنگ، همان اسلام است.

۸۹۳۳ . **الإمامُ الصّادقُ** ﷺ ـ أيضاً ـ: هِيَ الإسلامُ.[۱]

۸۹۳۴ . **عنه** ﷺ ـ أيضاً ـ: صَبَغَ المؤمنينَ بِالوَلايَةِ في الميثاقِ.[۲]

(انظر) الخالق: باب ۱۰۸۲.

الجبر: باب ۴۸۸.

۱۸۴۸
الإسلامُ يَعلو ولا يُعلىٰ عَلَيهِ

الكتاب:

﴿هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَو كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ﴾.[۳]

الحديث:

۸۹۳۵ . **رسولُ اللهِ** ﷺ: الإسلامُ يَعلُو ولا يُعلىٰ.[۴]

۸۹۳۶ . **عنه** ﷺ: الإسلامُ يَعلُو ولا يُعلىٰ علَيهِ.[۵]

۸۹۳۷ . **عنه** ﷺ: الإسلامُ يَزِيدُ ولا يَنقُصُ.[۶]

۸۹۳۸ . **عنه** ﷺ: لا يَبقىٰ عَلىٰ ظَهرِ الأرضِ بَيتُ مَدَرٍ ولا وَبَرٍ إلّا أدخَلَ اللهُ عَلَيهِم كَلِمَةَ الإسلامِ بِعِزِّ عزيزٍ وبِذُلِّ ذَليلٍ، إمّا يُعِزُّهُم اللهُ فَيَجعَلُهُم مِن أهلِها، أو يُذِلُّهُم فَيَدِينُونَ لَها.[۷]

---

۱ . معاني الأخبار: ۱/۱۸۸ . ۲ . الكافي: ۱/۴۲۲/۵۳.
۳ . التوبة: ۳۳. ۴ . كنز العمّال: ۲۴۶.
۵ . كتاب من لا يحضره الفقيه: ۴/۳۳۴/۵۷۱۹.
۶ . كنز العمّال: ۲۴۵. ۷ . كنز العمّال: ۴۳۷.

۸۹۳۳ . **امام صادق**ﷺ ـ نیز دربارهٔ همین آیه ـ فرمود: منظور از رنگ، اسلام است.

۸۹۳۴ . **امام صادق**ﷺ ـ نیز دربارهٔ همین آیه ـ فرمود: خداوند مؤمنان را، در [زمان گرفتن] میثاق، رنگ ولایت زد.

۱۸۴۸
اسلام آیین برتر است و هیچ آیینی بر آن چیره نمی‌شود

قرآن:

«او کسی است که پیامبر خود را با هدایت و دین حق فرستاد، تا او را بر همهٔ دینها پیروز گرداند، هرچند مشرکان را خوش نیاید».

حدیث:

۸۹۳۵ . **پیامبر خدا**ﷺ: اسلام برتر است و آیینی برتر از آن نیست.

۸۹۳۶ . **پیامبر خدا**ﷺ: اسلام برتر است و آیینی بالا دست آن نیست.

۸۹۳۷ . **پیامبر خدا**ﷺ: اسلام گسترش می‌یابد و کاستی نمی‌گیرد.

۸۹۳۸ . **پیامبر خدا**ﷺ: هیچ خانه و خیمه‌ای در روی زمین نمی‌ماند، مگر این که خداوند کلمهٔ اسلام را با عزّت بخشیدن به عزیز و خوار کردن ذلیل، وارد آنها می‌کند؛ یا خداوند صاحبان آن خانه‌ها و خیمه‌ها را عزّت می‌بخشد و آنان را از اهل کلمهٔ اسلام قرار می‌دهد و یا با خفّت و خواری در برابر آن گردن می‌نهند.

۸۹۳۹. الإمامُ عليٌّ ﷺ: إنّ هذا الإسلامَ دِينُ اللهِ الذي اصطَفاهُ لِنفسِهِ، واصطَنَعَهُ علىٰ عَينِهِ، وأصفاهُ خِيَرَةَ خَلقِهِ، وأقامَ دَعائمَهُ علىٰ مَحَبَّتِهِ، أذَلَّ الأديانَ بِعِزَّتِهِ، ووَضَعَ المِلَلَ بِرَفعِهِ.[1]

۸۹۳۹. امام علی ﷺ: این اسلام، همان دینی است که خدا برای خود برگزید و آن را زیر نظر خویش پرورد و بهترین آفریدگانش را مأمور تبلیغ آن کرد و ستونهایش را بر پایهٔ محبت خویش قرار داد و با عزّت آن، ادیان دیگر را خوار کرد و با بلند کردن آن، آیینهای دیگر را فرود آورد.

۱۸۴۹

الإسلامُ سِلمٌ لِمَن دَخَلَهُ

اسلام مایهٔ سلامت کسانی است که بدان می‌گروند

۸۹۴۰. الإمامُ عليٌّ ﷺ: الحَمدُ للهِ الذي شَرَعَ الإسلامَ فَسَهَّلَ شَرائعَهُ لِمَن وَرَدَهُ؛ وَأعَزَّ أركانَهُ علىٰ مَن غالَبَهُ، فَجَعَلَهُ أمناً لِمَن عَلِقَهُ، وسِلماً لِمَن دَخَلَهُ (عَقَلَهُ)، بُرهاناً لِمَن تَكَلَّمَ بِهِ.[2]

۸۹۴۰. امام علی ﷺ: سپاس و ستایش خدای را که شریعت اسلام را آشکار ساخت، و آبشخورهای آن را برای کسی که بخواهد بدان وارد شود آسان گردانید، و ارکان آن را در برابر کسی که بخواهد بر آن چیرگی یابد استوار گردانید، و آن را برای کسی که بدان چنگ زند وسیله‌ای امن قرار داد، و برای کسی که به آن بگرود، مایهٔ صلح و سلامت، و برای کسی که به وسیلهٔ آن سخن گوید برهان و دلیل.

۸۹۴۱. عنه ﷺ: إنَّ اللهَ تعالىٰ خَصَّكُم بِالإسلامِ واستَخلَصَكُم لَهُ؛ وذلكَ لأنَّهُ اسمُ سلامَةٍ وجِماعُ كَرامَةٍ، اِصطَفَى اللهُ تعالىٰ مَنهَجَهُ وبَيَّنَ حُجَجَهُ... لا تُفتَحُ الخَيراتُ إلّا بِمَفاتيحِهِ، ولا تُكشَفُ الظُّلُماتُ إلّا بِمَصابيحِهِ.[3]

۸۹۴۱. امام علی ﷺ: خداوند متعال [کرامت] اسلام را به شما ارزانی داشت و شما را برای آن برگزید. زیرا که اسلام نام سلامت است و کانون کرامت. خداوند متعال راه آن را برگزید و دلایلش را آشکار ساخت... درِ خزانهٔ خوبیها جز با کلیدهای آن باز نمی‌شود و تاریکیها جز با چراغهای آن زدوده نمی‌گردد.

---

۱. نهج البلاغة: الخطبة ۱۹۸، انظر تمام الخطبة.
۲. نهج البلاغة: الخطبة ۱۰۶، انظر تمام الخطبة.
۳. نهج البلاغة: الخطبة ۱۵۲.

۱۸۵۰
الإسلامُ أبلَجُ المَناهِجِ

۸۹۴۲. **الإمامُ عليٌّ ﷺ**: الإسلامُ أبلَجُ المَناهِجِ.[۱]

۸۹۴۳. **عنه ﷺ**: إنَّ اللهَ عَزَّوجلَّ جَعَلَ الإسلامَ صِراطاً مُنِيرَ الأعلامِ، مُشرِقَ المَنارِ، فيهِ تَأتَلِفُ القُلوبُ وعلَيهِ تَأخَّى الإخوانُ.[۲]

۸۹۴۴. **عنه ﷺ** ـ في وَصفِ الإسلامِ ـ: فهُو أبلَجُ المَناهِجِ، وأوضَحُ (واضِحُ) الوَلائجِ، مُشرِفُ المَنارِ، مُشرِقُ الجَوادِّ، مُضِيءُ المَصابِيحِ.[۳]

۱۸۵۱
الإسلامُ أمنَعُ المَعاقِلِ

۸۹۴۵. **الإمامُ عليٌّ ﷺ**: إنَّ اللهَ ابتَدَأَ الأُمورَ فاصطَفىٰ لِنَفسِهِ ما شاءَ، واستَخلَصَ ما أحَبَّ، فكانَ مِمّا أحَبَّ أنَّهُ ارتَضىٰ الإسلامَ واشتَقَّهُ مِن اسمِهِ، فَنَحَلَهُ مَن أحَبَّ مِن خَلقِهِ، ثُمَّ شَقَّهُ فَسَهَّلَ شرائعَهُ لِمَن وَرَدَهُ، وعَزَّزَ أركانَهُ علىٰ مَن حارَبَهُ، هَيهاتَ أن يَصطَلِمَهُ مُصطَلِمٌ.[۴]

۸۹۴۶. **عنه ﷺ**: لا مَعقِلَ أمنَعُ مِنَ الإسلامِ.[۵]

---

۱. غرر الحكم: ۴۵۶.
۲. الكافي: ۳/۳۷۱/۵.
۳. نهج البلاغة: الخطبة ۱۰۶.
۴. كنز العمّال: ۴۴۲۱۶.
۵. غرر الحكم: ۱۰۶۶۵.

۱۸۵۰
اسلام، روشنترین راه‌هاست

۸۹۴۲. **امام علی ﷺ**: اسلام، روشنترین راه‌هاست.

۸۹۴۳. **امام علی ﷺ**: خداوند عزّوجلّ اسلام را راهی قرار داد که نشانه‌های آن تابان و مشعلش درخشان است. در اسلام، دلها با هم الفت می‌گیرند و بر اساس آن برادران با هم پیوند برادری می‌بندند.

۸۹۴۴. **امام علی ﷺ** ـ در توصیف اسلام ـ فرمود: اسلام روشنترین راهها و آشکارترین گذرگاهها است. مشعل آن بلند و مرتفع است و شاهراههایش درخشان و چراغهایش فروزان.

۱۸۵۱
اسلام نفوذ ناپذیرترین دژهاست

۸۹۴۵. **امام علی ﷺ**: خداوند کارها را آغازید و آنچه خواست برای خود برگزید و آنچه را دوست داشت گزینش کرد. از جمله چیزهایی که دوست داشت، این بود که اسلام را پسندید و آن را از نام خویش مشتق ساخت، و به مردمی که دوستشان می‌داشت، هدیه‌اش کرد. سپس آن را شکافت و شرایع (راههای ورود به آبشخور) آن را برای کسی که بخواهد وارد آن شود، هموار گردانید و ارکانش را در برابر کسی که با آن بجنگد نیرومند کرد؛ هیهات که کسی بتواند آن را ریشه کن کند.

۸۹۴۶. **امام علی ﷺ**: هیچ دژی نفوذ ناپذیرتر از اسلام نیست.

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

۸۹۳۷. عنه ﷺ ـ في وَصفِ القُرآنِ ـ: جَعَلَهُ اللهُ رِيّاً لِعَطَشِ العُلَماءِ، ورَبيعاً لِقُلوبِ الفُقَهاءِ... وحَبلاً وَثيقاً عُروَتُهُ، ومَعقِلاً مَنيعاً ذِروَتُهُ.[1]

(انظر) التقوى: باب ۴۱۹۷.

۱۸۵۲
الإسلامُ يَجُبُّ ما قَبلَهُ

الكتاب:

﴿قُل لِلَّذِينَ كَفَرُوا إِنْ يَنتَهُوا يُغفَرْ لَهُم ما قَدْ سَلَفَ وَإِنْ يَعُودُوا فَقَدْ مَضَتْ سُنَّةُ الأَوَّلِينَ﴾.[2]

الحديث:

۸۹۳۸. رسولُ اللهِ ﷺ: الإسلامُ يَجُبُّ ما كانَ قَبلَهُ.[3]

۸۹۳۹. عنه ﷺ: إذا أسلَمَ العَبدُ فَحَسُنَ إسلامُهُ، يُكَفِّرُ اللهُ عَنهُ كُلَّ سَيِّئَةٍ كانَ أزلَفَها، وكانَ بَعدَ ذلكَ القِصاصُ.[4]

۸۹۵۰. عنه ﷺ: أما عَلِمتَ أنّ الإسلامَ يَهدِمُ ما كانَ قَبلَهُ، وأنّ الهِجرَةَ تَهدِمُ ما كانَ قَبلَها، وأنّ الحَجَّ يَهدِمُ ما كانَ قَبلَهُ؟![5]

۸۹۵۱. عنه ﷺ: مَن أحسَنَ في الإسلامِ لَم يُؤاخَذْ بما عَمِلَ في الجاهليَّةِ، ومَن أساءَ في

۸۹۳۷. **امام علی**ﷺ ـ در توصیف قرآن ـ فرمود: آن را زداینده عطش دانشمندان و بهار دلهای فقیهان (فرزانگان) قرار داد... و ریسمانی که گره و دستگیره‌اش محکم است و دژی که بلندی آن تسخیر ناپذیر می‌باشد.

۱۸۵۲
اسلام پیش از خود را نادیده می‌گیرد

قرآن:

«به کافران بگوی که اگر دست بردارند گناهان گذشته آنها آمرزیده می‌شود و اگر باز گردند، [بدانند که بر آنان نیز] سنّت پیشینیان خواهد گذشت».

حدیث:

۸۹۳۸. **پیامبر خدا**ﷺ: اسلام آنچه [از گناهان] را [که] پیش از خود بوده، نادیده می‌گیرد (گناهان پیش از ایمان آوردن به اسلام را می‌بخشد).

۸۹۳۹. **پیامبر خدا**ﷺ: هرگاه آدمی مسلمان شود و اسلامش نیکو، خداوند تمام گناهانی را که قبلاً مرتکب شده است بر او می‌بخشد؛ و زان پس قصاص در کار است.

۸۹۵۰. **پیامبر خدا**ﷺ: مگر نمی‌دانی که اسلام، آنچه [از گناهان] را [که] پیش از خود بوده از میان می‌برد و هجرت، آنچه را پیش از آن بوده از میان می‌برد و حج، آنچه را پیش از آن بوده از میان می‌برد؟

۸۹۵۱. **پیامبر خدا**ﷺ: هر که اسلامش نیکو (راستین) باشد، برای اعمالی که در

---

۱. نهج البلاغة: الخطبة ۱۹۸.
۲. الأنفال: ۳۸.
۳. كنز العمّال: ۲۴۳.
۴. كنز العمّال: ۲۶۵.
۵. كنز العمّال: ۲۴۷.

الإسلامِ أُخِذَ بِالأوَّلِ والآخِرِ.[1]

(انظر) وسائل الشيعة: ۱ / ۹۷ باب ۳۱.

۱۸۵۳
مَنِ المُسلِمُ ؟

۸۹۵۲. رسولُ اللهِ ﷺ: المُسلِمُ مَن سَلِمَ المُسلمونَ مِن لِسانِهِ ويَدِهِ.[2]

۸۹۵۳. عنه ﷺ: المُسلمُ أخُو المُسلِمِ، لا يَظلِمُهُ ولا يَشتُمُهُ.[3]

۸۹۵۴. عنه ﷺ: المُسلمُ أخُو المُسلِمِ، لا يَخُونُهُ ولا يَكذِبُهُ ولا يَخذُلُهُ.[4]

۸۹۵۵. عنه ﷺ: المُسلمُ مِرآةُ المُسلمِ.[5]

۸۹۵۶. عنه ﷺ: المُسلمُ أخُو المُسلمِ، يَسَعُهُما الماءُ والشَّجَرُ ويَتعاوَنانِ عَلى الفَتّانِ.[6]

۸۹۵۷. الإمامُ الصّادقُ ﷺ: المُسلمُ مَن سَلِمَ الناسُ مِن يَدِهِ ولِسانِهِ، والمُؤمِنُ مَنِ ائتَمَنَهُ الناسُ علىٰ أموالِهِم وأنفُسِهِم.[7]

(انظر) الإيمان: باب ۲۹۶.

---

۱. الكافي: ۲/۴۶۱/۲. ۲. كنز العمّال: ۷۳۸.
۳. كنز العمّال: ۷۴۵. ۴. كنز العمّال: ۷۴۷.
۵. كنز العمّال: ۷۴۲. ۶. كنز العمّال: ۷۴۶.
۷. معاني الأخبار: ۱/۲۳۹.

جاهلیت کرده است بازخواست نشود و هرکه در مسلمانی‌اش نیز بدی کند، برای هر کاری که کرده و می‌کند مؤاخذه می‌شود.

۱۸۵۳
مسلمان کیست؟

۸۹۵۲. **پیامبر خدا ﷺ**: مسلمان، کسی است که مسلمانان از زبان و دست او آسوده باشند.

۸۹۵۳. **پیامبر خدا ﷺ**: مسلمان، برادر مسلمان است. به او ستم نمی‌کند و ناسزایش نمی‌گوید.

۸۹۵۴. **پیامبر خدا ﷺ**: مسلمان، برادر مسلمان است، به او خیانت نمی‌کند، به او دروغ نمی‌گوید و او را تنها و بی‌یاور نمی‌گذارد.

۸۹۵۵. **پیامبر خدا ﷺ**: مسلمان، آینهٔ مسلمان است.

۸۹۵۶. **پیامبر خدا ﷺ**: مسلمان، برادر مسلمان است، در کنار هم، از آب و درخت استفاده می‌کنند و در برابر فتنه‌انگیز، یاور همند.

۸۹۵۷. **امام صادق ﷺ**: مسلمان، کسی است که مردم از دست و زبان او آسوده باشند و مؤمن، کسی است که مردم او را امین مال و جان خود بدانند.

۱۸۵۴
بَرَكاتُ المُجتَمَعِ الإسلامِيِّ

۸۹۵۸. رسولُ اللهِ ﷺ: المُسلمونَ يَدٌ عَلىٰ مَن سِواهُم، تَتَكافَأُ دِماؤهُم، ويَسعىٰ بِذِمَّتِهِم أدناهُم.[۱]

۸۹۵۹. عنه ﷺ: المُسلمونَ يَدٌ علىٰ مَن سِواهم، ويَرِدُ أدناهم عَلىٰ أقصاهم، والمُتَسَرّي علىٰ القاعِدِ، والقَوِيُّ علىٰ الضَّعيفِ.[۲]

۸۹۶۰. عنه ﷺ: المُسلمونَ تَتَكافَأُ دِماؤهُم، وهُم يَدٌ علىٰ مَن سِواهُم، يَسعىٰ بِذِمَّتِهِم أدناهُم ويَرِدُ علَيهِم أقصاهُم.[۳]

۸۹۶۱. عنه ﷺ: المُسلمونَ إخوَةٌ، لا فَضلَ لِأحَدٍ علىٰ أحَدٍ إلّا بالتَّقوىٰ.[۴]

۸۹۶۲. عنه ﷺ: المُسلمونَ كالرَّجُلِ الواحِدِ إذا اشتَكىٰ عُضوٌ مِن أعضائِهِ تَداعىٰ لَهُ سائِرُ جَسَدِهِ.[۵]

(انظر) الإيمان: باب ۳۰۰.

۱۸۵۵
أحسَنُ المُسلِمينَ إسلاماً

۸۹۶۳. رسولُ اللهِ ﷺ: الإسلامُ ثلاثَةُ أبياتٍ: سُفلىٰ

۱. كنز العمّال: ۴۴۱.
۲. كنز العمّال: ۴۴۲.
۳. كنز العمّال: ۴۴۴.
۴. كنز العمّال: ۷۴۳.
۵. كنز العمّال: ۷۵۹.

۱۸۵۴
برکات جامعهٔ اسلامی

۸۹۵۸. **پیامبر خدا ﷺ**: مسلمانان، در برابر دیگران متّحدند، خونهایشان یکسان است و چنانچه کمترین فرد آنها به دشمن امان دهد، بقیه باید آن را رعایت کنند.

۸۹۵۹. **پیامبر خدا ﷺ**: مسلمانان در برابر جز خودشان متّحدند و نزدیکترین آنها [به میدان جنگ] به دورترینشان سود می‌رساند و جنگ‌رفته‌شان به جنگ نرفته‌شان[۱] و نیرومندشان به ناتوان‌شان.

۸۹۶۰. **پیامبر خدا ﷺ**: مسلمانان، خونهایشان برابر است و در برابر بیگانه متّحدند و همگی به امان دادن کمترین فرد خود (دشمن) پایبندند و دورترینشان به آنها سود می‌رساند.

۸۹۶۱. **پیامبر خدا ﷺ**: مسلمانان برادر یکدیگرند، هیچ یک را بر دیگری برتری نیست، مگر به تقوا.

۸۹۶۲. **پیامبر خدا ﷺ**: مسلمانان، همگی چون یک فردند که هر گاه یکی از اعضای پیکر او به درد آید، دیگر اعضایش با آن همدردی کنند.

۱. در لسان العرب ذیل عبارت «المتسرّي على القاعد» که این عبارت ترجمهٔ آن است، چنین توضیح می‌دهد: هر گاه سپاه اسلام برای جنگ با دشمن بیرون روند و رهبر جامعهٔ اسلامی یا فرمانده سپاه، گردانی را به سرزمین دشمن گسیل دارد، غنیمتی که به دست می‌آورند، متعلق به همهٔ سپاه است؛ چون بقیهٔ لشکر نیز که پشت جبهه بوده‌اند در واقع یار و پشتیبان کسانی هستند که در صحنهٔ جنگ حضور یافته‌اند. عبارت «يردّ أدناهم على أقصاهم» نیز تقریباً به همین معناست ـ م.

وعُليا وغُرفَةٌ، فَأمّا السُّفلىٰ فالإسلامُ دَخَلَ فيها عامّةُ المُسلمينَ فلا تَسألُ أحَداً منهم إلّا قالَ: أنا مُسلِمٌ، وأمّا العُليا فَتَفاضُلُ أعمالِهم ...، وأمّا الغُرفَةُ العُليا فالجِهادُ في سَبيلِ اللهِ لا يَنالُها إلّا أفضَلُهُم.[1]

۸۹۶۴. **الإمامُ عليٌّ** ﷺ: أفضَلُ المُسلمينَ إسلاماً مَن كانَ هَمُّهُ لِأُخراهُ، واعتَدَلَ خَوفُهُ ورَجاهُ.[2]

۸۹۶۵. **عنه** ﷺ: أحسَنُ الناسِ ذِماماً أحسَنُهُم إسلاماً.[3]

(انظر) الإيمان: باب ۲۷۹، ۳۰۱.

۱۸۵۵
خوش اسلامترین مسلمانان

۸۹۶۳. **پیامبر خدا**ﷺ: اسلام سه خانه است: پایین، بالا و بالاخانه. خانهٔ پایین، همان اسلامی است که عامهٔ مسلمانان وارد آن شده‌اند، که اگر از هر یک از آنها بپرسی، گوید: من مسلمانم. خانهٔ بالا، [بستگی به] برتری اعمال آنها بر یکدیگر دارد... و بالاخانه، جهاد در راه خداست و جز برترین مسلمانان کسی به آن بالا خانه دست نیابد.

۸۹۶۴. **امام علی**ﷺ: برترین اسلام را آن مسلمانی دارد که همّ و غمش برای آخرتش باشد، و بیم و امیدش یکسان.

۸۹۶۵. **امام علی**ﷺ: خوش اسلامترین مردم کسی است که خوش عهدتر باشد.

۱۸۵۶
قَواعِدُ الإسلامِ

۸۹۶۶. **الإمامُ عليٌّ** ﷺ: قَواعِدُ الإسلامِ سَبعَةٌ: فَأوَّلُها العَقلُ وعلَيهِ بُنِيَ الصَّبرُ، والثاني: صَونُ العِرضِ وصِدقُ اللَّهجَةِ، والثالِثَةُ: تِلاوَةُ القُرآنِ علىٰ جِهَتِهِ، والرابِعَةُ: الحُبُّ في اللهِ والبُغضُ في اللهِ، والخامِسَةُ: حَقُّ آلِ محمّدٍ ﷺ ومَعرِفَةُ وَلايَتِهِم، والسادِسَةُ: حَقُّ الإخوانِ والمُحاماةُ علَيهِم، والسّابِعَةُ:

۱۸۵۶
شالوده‌های اسلام

۸۹۶۶. **امام علی**ﷺ: شالوده‌های اسلام هفت تاست: اولین آنها خِرد است و صبر بر آن بنا شده است؛ دوم: آبروداری و راستگویی؛ سوم: تلاوت قرآن، به گونه صحیح؛ چهارم: دوستی و دشمنی برای خدا؛ پنجم: حق آل محمّد ﷺ، و شناخت ولایت آنها؛ ششم: حق برادران و حمایت از آنها و

---

۱. کنز العمّال: ۱۰۶۵۸. ۲. غرر الحکم: ۳۲۷۷.
۳. غررالحکم: ۳۰۳۳.

مُجاوَرَةُ الناسِ بالحُسنىٰ.[1]

(انظر) الإيمان: باب ۲۸۱.

۱۸۵۷
جَوامِعُ الإسلامِ

۸۹۶۷. رسولُ اللهِ ﷺ ـ لَمّا سُئلَ عَنِ القَولِ الفَصلِ في حقِّ الإسلامِ ـ: قُلْ آمَنتُ بِاللهِ، فاستَقِمْ.[2]

۸۹۶۸. الإمامُ عليٌّ ؑ ـ مِن وَصِيَّتِهِ لمحمّدِ بنِ أبي‌بكرٍ ـ: أُوصِيكَ بِسَبعٍ هُنَّ جَوامِعُ الإسلامِ: إخشَ اللهَ ولا تَخشَ الناسَ في اللهِ، وخَيرُ القَولِ ما صَدَّقَهُ العَمَلُ، ولا تَقضِ في أمرٍ واحِدٍ بِقَضاءَينِ مُختَلِفَينِ فَيَتَناقَضَ أمرُكَ وتَزِيغَ عن الحَقِّ، وأحِبَّ لِعامَّةِ رَعِيَّتِكَ ما تُحِبُّهُ لِنَفسِكَ وَاكرَهْ لَهُم ما تَكرَهُ لِنَفسِكَ، وأصلِحْ أحوالَ رَعِيَّتِكَ، وخُضِ الغَمَراتِ إلى الحَقِّ ولا تَخَفْ لَومَةَ لائمٍ، وانصَحْ لِمَنِ استَشارَكَ. واجعَلْ نَفسَكَ أُسوَةً لِقَريبِ المُسلمينَ وبَعيدِهِم.[3]

---

۱. تحف العقول: ۱۹۶.
۲. صحيح مسلم: ۱/۶۵/۶۲.
۳. شرح نهج البلاغة: ۶/۷۱.

هفتم: حُسن همسایگی با مردم.

۱۸۵۷
کلیات اسلام

۸۹۶۷. **پیامبر خدا** ﷺ ـ در پاسخ به این پرسش که سخن قاطع و روشنگر دربارهٔ اسلام چیست ـ فرمود: بگو: به خدا ایمان آوردم و در این راه پایداری ورز.

۸۹۶۸. **امام علی** ؑ ـ در سفارشهای خود به محمّد بن ابی بکر ـ فرمود: تو را به هفت چیز سفارش می‌کنم که عصاره اسلامند: از خدا بترس و در راه خدا از مردم ترس نداشته باش، بهترین سخن آن است که عمل آن را تصدیق کند، در یک موضوع دو حکم مختلف صادر مکن، که کارت به تناقض می‌کشد و از حق منحرف می‌شوی، برای عموم رعیّت خود آن پسند که بر خود می‌پسندی و آنچه برای خود، خوش نداری برای آنان نیز خوش مدار، اوضاع و احوال رعیّتت را به سامان آر، برای رسیدن به حق، خود را به دل سختیها و مشکلات بزن و از سرزنش هیچ سرزنشگری بیم به خود راه مده، کسی را که از تو مشورت می‌خواهد، صادقانه راهنمایی کن و خود را برای مسلمانانِ نزدیک و دور [جامعهٔ اسلامی] سرمشق قرار ده.

١٨٥٨
دَعائمُ الإسلامِ

٨٩٦٩. رسولُ اللهِ ﷺ: بُنِيَ الإسلامُ علىٰ خَمسَةٍ: علىٰ أن يُوَحَّدَ اللهُ، وإقامِ الصَّلاةِ، وإيتاءِ الزَّكاةِ، وصِيامِ رَمَضانَ، والحَجِّ.[١]

٨٩٧٠. الإمامُ عليٌّ ؈: ثُمَّ أنزَلَ عَلَيهِ [عَلَى النَّبيِّ ﷺ] الكِتابَ نُوراً لا تُطفَأُ مَصابيحُهُ... فهُوَ مَعدِنُ الإيمانِ وبُحبُوحَتُهُ، ويَنابيعُ العِلمِ وبُحُورُهُ، ورِياضُ العَدلِ وغُدرانُهُ، وأثافِيُّ الإسلامِ وبُنيانُهُ.[٢]

٨٩٧١. عنه ؈: إنَّ هذا الإسلامَ دِينُ اللهِ الذي اصطَفاهُ لِنَفسِهِ، واصطَنَعَهُ علىٰ عَينِهِ، وأصفاهُ خِيَرَةَ خَلقِهِ، وأقامَ دعائمَهُ علىٰ مَحَبَّتِهِ.[٣]

٨٩٧٢. عنه ؈ ـ في وَصفِ آلِ محمّدٍ ﷺ ـ: هُم دعائمُ الإسلامِ، ووَلائجُ الاعتِصامِ.[٤]

٨٩٧٣. عنه ؈: لا يُقاسُ بآلِ محمّدٍ ﷺ مِن هذه الأُمَّةِ أحَدٌ... هُم أساسُ الدِّينِ، وعِمادُ اليَقينِ.[٥]

---

١. صحيح مسلم: ١/١٩/٤٥. ٢. نهج البلاغة: الخطبة ١٩٨.
٣. بحار الأنوار: ٦٨/٣٤٤/١٦. ٤. نهج البلاغة: الخطبة ٢٣٩. ٥. نهج البلاغة: الخطبة ٢.

١٨٥٨
پایه‌های اسلام

٨٩٦٩. **پیامبر خدا ﷺ**: اسلام بر پنج پایه نهاده شده است؛ بر یگانه دانستن خداوند، برپاداشتن نماز، پرداخت زکات، روزه رمضان، و حجّ گزاردن.

٨٩٧٠. **امام علی ؈**: سپس [خداوند] بر آن حضرت (پیامبر ﷺ) قرآن را نازل فرمود. قرآن نوری است که چراغهای آن خاموش نمی‌شود... و آن کان ایمان و کانون آن است، چشمه‌های دانش و دریاهای آن است، بُستانهای عدالت و آبگیرهای آن است، پایه اسلام و بنیان آن است.

٨٩٧١. **امام علی ؈**: براستی این اسلام همان دین خداست، که برای خود برگزید و زیر نظر خویش پروردش و بهترین آفریدگانش را برای آن گزینش نمود و پایه‌های آن را بر محبّت خویش برنهاد.

٨٩٧٢. **امام علی ؈** ـ در توصیف خاندان محمّد ﷺ ـ فرمود: آنان پایه‌های اسلام و پناهگاههای آن هستند.

٨٩٧٣. **امام علی ؈**: هیچ فردی از این امّت به آل محمّد ﷺ قیاس نمی‌شود... آنان بنیاد دین و پایه یقین هستند.

٨٩٧٣. الإمامُ الباقرُ ﷺ: بُنِيَ الإسلامُ علىٰ خَمسَةِ دَعائمَ: إقامِ الصَّلاةِ، وإيتاءِ الزَّكاةِ، وصَومِ شَهرِ رَمَضانَ، وحَجِّ البَيتِ الحَرامِ، والوَلايَةِ لَنا أهلَ البَيتِ.[1]

٨٩٧٣. امام باقر ﷺ: اسلام بر پنج پایه بنا شده است: برپا داشتن نماز، پرداخت زکات، روزهٔ ماه رمضان، حج بیت الله الحرام، و ولایت ما اهل بیت.

٨٩٧٥. الإمامُ الصّادقُ ﷺ: أثافِيُّ الإسلامِ ثلاثةٌ: الصَّلاةُ، والزَّكاةُ، والوَلايَةُ. لا تَصِحُّ واحِدَةٌ مِنهُنَّ إلّا بصاحِبَتَيها.[2]

٨٩٧٥. امام صادق ﷺ: پایه‌های اسلام سه تاست: نماز، زکات، و ولایت؛ هیچ یک از این سه جز با آن دوتای دیگر، درست (پذیرفته) نیست.

٨٩٧٦. عنه ﷺ ـ لَمّا سُئِلَ عن دعائمِ الإسلامِ ـ: نَعَم، شهادَةُ أن لا إلٰهَ إلّا اللهُ، والإيمانُ برَسولِهِ ﷺ، والإقرارُ بما جاءَ مِن عِندِ اللهِ، وحَقٌّ مِنَ الأموالِ الزَّكاةُ، والوَلايَةُ التي أمَرَ اللهُ بها وَلايَةُ آلِ محمّدٍ.[3]

٨٩٧٦. امام صادق ﷺ ـ در پاسخ به این پرسش که پایه‌های اسلام چیست ـ فرمود: آری، شهادت به یگانگی خداوند، و ایمان آوردن به رسول او ﷺ، و اقرار به آنچه او از نزد خدا آورده، و پرداخت زکاتِ اموال، و ولایتی که خداوند بدان فرمان داده است [یعنی] ولایت آل محمّد.

(انظر) صحيح مسلم: ١ / ٤٥.
الإيمان: باب ٢٨١.

١٨٥٩
أساسُ الإسلامِ

١٨٥٩
بنیاد اسلام

٨٩٧٧. رسولُ اللهِ ﷺ: الإسلامُ عُريانٌ؛ فَلِباسُهُ الحَياءُ، وزِينَتُهُ الوَفاءُ، ومُروءَتُهُ العَمَلُ الصالِحُ، وعِمادُهُ الوَرَعُ، ولِكُلِّ شَيءٍ أساسٌ وأساسُ الإسلامِ حُبُّنا

٨٩٧٧. پیامبر خدا ﷺ: اسلام برهنه است. و پوشش آن حیاست، و زیورش وفا، و مردانگیش کار نیک، و ستونش پارسایی. هر چیزی بنیادی دارد و بنیاد اسلام دوست داشتن ما اهل بیت است.

١. الأمالي للمفيد: ٣٥٣/٤. ٢. الكافي: ١٨/٢/٤.
٣. بحار الأنوار: ٣٨٧/٦٨/٣٧.

أهلَ البَيتِ.[1]

۸۹۷۸. عنه ﷺ: الإسلامُ عُريانٌ ولباسُهُ التَّقوىٰ، وشِعارُهُ الهُدىٰ، ودِثارُهُ الحَياءُ، ومِلاكُهُ الوَرَعُ، وكَمالُهُ الدِّينُ، وثَمَرَتُهُ العَمَلُ الصالِحُ، ولِكُلِّ شَيءٍ أساسٌ، وأساسُ الإسلامِ حُبُّنا أهلَ البَيتِ.[2]

۸۹۷۸. **پیامبر خدا**ﷺ: اسلام برهنه است، و جامهٔ آن تقواست، پوشش زیرینش هدایت است و بالاپوشش حیا، اساسش پارسایی است و کمالش دینداری و میوه‌اش کار نیک. هر چیزی بنیادی دارد و بنیاد اسلام دوست داشتن ما خاندان است.

۸۹۷۹. عنه ﷺ: أساسُ الإسلامِ حُبّي وحُبُّ أهلِ بَيتي.[3]

۸۹۷۹. **پیامبر خدا**ﷺ: بنیاد اسلام، دوست داشتن من و اهل بیت من است.

۸۹۸۰. **الإمامُ الرِّضا** ﷺ: إنَّ الإمامَةَ أُسُّ الإسلامِ النامي، وفَرعُهُ السامي.[4]

۸۹۸۰. **امام رضا**ﷺ: امامت، ریشهٔ بالندهٔ اسلام و شاخهٔ بلند آن است.

۱۸۶۰
مَعنَى الإسلامِ

۱۸۶۰
معنای اسلام

۸۹۸۱. **رسولُ اللهِ** ﷺ: الإسلامُ أن تُسلِمَ وَجهَكَ لِلّهِ عَزَّوجلَّ، وأن تَشهَدَ أن لا إلٰهَ إلّا اللهُ.[5]

۸۹۸۱. **پیامبر خدا**ﷺ: اسلام آن است که چهرهٔ (جانت) را تسلیم خداوند عزّوجلّ کنی و شهادت دهی که معبودی جز الله نیست.

۸۹۸۲. عنه ﷺ: الإسلامُ أن تُسلِمَ قَلبَكَ ويَسلَمَ المُسلمونَ مِن لِسانِكَ ويَدِكَ.[6]

۸۹۸۲. **پیامبر خدا**ﷺ: اسلام آن است که دلت را تسلیم [حق] کنی، و مسلمانان از دست و زبانت آسوده باشند.

۸۹۸۳. عنه ﷺ: الإسلامُ حُسنُ الخُلقِ.[7]

۸۹۸۳. **پیامبر خدا**ﷺ: اسلام، یعنی اخلاق نیکو.

۸۹۸۴. **الإمامُ عليٌّ** ﷺ: لَأنسُبَنَّ الإسلامَ نِسبَةً لَم

۸۹۸۴. **امام علی**ﷺ: اسلام را آن چنان وصف کنم که پیش از من هیچ کس چنان وصفی نکرده

---

۱. المحاسن: ۱/۴۴۵/۱۰۳۱.
۲. تحف العقول: ۵۲.
۳. كنز العمّال: ۳۷۶۳۱.
۴. الكافي: ۱/۲۰۰/۱.
۵. كنز العمّال: ۳۹.
۶. كنز العمّال: ۱۷.
۷. كنز العمّال: ۵۲۲۵.

يَنسُبهُ أحَدٌ قَبلي ولا يَنسُبُهُ أحَدٌ بَعدي: الإسلامُ هُو التسليمُ، والتسليمُ هُو التصديقُ، والتصديقُ هُو اليَقينُ، واليَقينُ هُو الأداءُ، والأداءُ هُو العَمَلُ.[1]

٨٩٨٥. عنه ﷺ: الإسلامُ هُو التسليمُ، والتسليمُ هُو اليَقينُ، واليَقينُ هُو التصديقُ، والتصديقُ هُو الإقرارُ، والإقرارُ هُو الأداءُ، والأداءُ هُو العَملُ.[2]

٨٩٨٥. **امام علی**ﷺ: اسلام همان تسليم است و تسليم، يقين و يقين، تصديق و تصديق، اقرار و اقرار، ادا و ادا، عمل.

٨٩٨٦. عنه ﷺ: غايَةُ الإسلامِ التسليمُ، غايَةُ التسليمِ الفَوزُ بِدارِ النَّعيمِ.[3]

٨٩٨٦. **امام علی**ﷺ: نهايت اسلام، تسليم است؛ پايان تسليم رسيدن به سراى پر نعمت (بهشت) است.

٨٩٨٧. الإمامُ الصّادقُ ﷺ: وأمّا مَعنىٰ صِفةِ الإسلامِ فهُو الإقرارُ بجَميعِ الطاعَةِ الظاهِرِ الحُكمِ والأداءُ لَهُ، فإذا أقَرَّ المُقِرُّ بجَميعِ الطاعةِ في الظاهِرِ مِن غَيرِ العَقدِ علَيهِ بالقُلوبِ فقدِ استَحَقَّ اسمَ الإسلامِ ومَعناهُ، واستَوجَبَ الوَلايَةَ الظاهِرَةَ، وإجازَةَ شهادَتِهِ، والمَواريثَ، وصارَ لَهُ ما لِلمُسلِمينَ، وعلَيهِ ما علَى المُسلمينَ.[4]

٨٩٨٧. **امام صادق**ﷺ: اسلام به معناى اقرار ظاهرى (زبانى) به همهٔ طاعات و احكام الهى است. پس هر كه در ظاهر، به تمام طاعات اقرار كند، گرچه اعتقاد قلبى بدان نداشته باشد، سزاوار نام اسلام و معناى آن مى‌باشد و بايستهٔ دوستى ظاهرى است و شهادتش مجاز است و ارث مى‌برد و هر چه براى مسلمانان و بر مسلمانان است براى او و بر او نيز هست.

٨٩٨٨. عنه ﷺ ـ لَمّا أجابَ عن مَسائلِ رَجُلٍ شامِيٍّ وقالَ الشّامِيُّ: أسلَمتُ لِلّهِ الساعَةَ ـ:

٨٩٨٨. **امام صادق**ﷺ ـ هنگامى كه به سؤالات مرد شامى پاسخ داد و آن مرد عرض كرد اكنون

---

١. معاني الأخبار: ١/١٨٥. ٢. نهج البلاغة: الحكمة ١٢٥.
٣. غرر الحكم: (٦٣٤٩ ـ ٦٣٥٠).
٤. تحف العقول: ٣٢٩.

بَل آمَنتَ بِاللهِ السـاعَةَ، إنَّ الإسـلامَ قـبلَ الإيمانِ وعلَيهِ يَتوارَثُـونَ ويَـتَناكَـحُونَ، والإيمانُ علَيهِ يُثابُونَ.[1]

۸۹۸۹. عنه ﷺ: الإسلامُ يُحقَنُ بِهِ الدَّمُ وتُؤَدّىٰ بِـهِ الأمانَةُ، وتُستَحَلُّ بِـه الفُـروجُ، والثَّـوابُ علىٰ الإيمانِ.[2]

(انظر) بحار الأنوار: ۶۸ / ۳۰۹ باب ۲۵.

الإيمان: باب ۲۶۵.

التسليم: باب ۱۸۷۸.

به خداوند اسلام آوردم ـ فرمود: نه، بلکه اکنون به خدا ایمان آوردی؛ اسلام پیش از ایمان است؛ به وسیلهٔ اسلام از یکدیگر ارث برند و با هم ازدواج کنند، اما به وسیلهٔ ایمان ثواب و پاداش برند.

۸۹۸۹. امام صادق ﷺ: بـه وسـیلهٔ اسـلام خـون اشـخاص حـفظ مـی‌شود و امـانت ادا می‌گردد، و زناشویی حلال می‌شود، ولی ثواب در برابر ایمان داده می‌شود.

۱۸۶۱
الإسلامُ وَالاستِسلامُ

الكتاب:

﴿بَلْ هُمُ الْيَوْمَ مُسْتَسْلِمُونَ﴾.[3]

الحديث:

۸۹۹۰. الإمامُ عليٌّ ﷺ ـ لَمّا نَظَرَ إلىٰ راياتِ معاويةَ وأهلِ الشامِ ـ: والذي فَـلَقَ الحَـبَّةَ وبَـرَأَ النَّسَـمَةَ، مـا أسـلَمُوا ولكـن استَسلَمُوا وأسَرُّوا الكُفرَ، فَلَمّا وَجَدُوا عـلَيهِ أعـواناً رَجَعُوا إلىٰ عَداوَتِهِم لَنا، إلّا أنَّهُم لَم يَترُكُوا الصلاةَ.[4]

۸۹۹۱. عنه ﷺ ـ أيضاً ـ: والذي فَلَقَ الحَبَّةَ وبَـرَأَ

۱۸۶۱
اسلام و تسلیم

قرآن:

«بلکه همانان امروز تسلیم شوندگانند».

حدیث:

۸۹۹۰. امام علی ﷺ ـ به هنگام دیدن پرچمهای معاویه و سپاه شام ـ فرمود: سوگند به آن که دانه را شکافید و انسان را آفرید، آنان مسلمان نشدند، بلکه تسلیم شدند و کفر را در دلهایشان پنهان کردند و چون یارانی برای آن یافتند، دشمنی خود با ما را از سر گرفتند جز اینکه [تنها] نماز را ترک نکردند.

۸۹۹۱. امام علی ﷺ ـ دربارهٔ معاویه و دار و دستهٔ

---

۱. الكافي: ۱/۱۷۳/۴.
۲. الكافي: ۲/۲۵/۶.
۳. الصافات: ۲۶.
۴. شرح نهج البلاغة: ۴/۳۱.

النَّسَمَةَ، ما أسلَمُوا ولكنِ استَسلَمُوا وأسَرُّوا الكُفرَ، فلَمّا وَجَدُوا أعواناً عَلَيهِ أعلَنُوا ما كانوا أسَرُّوا، وأظهَرُوا ما كانوا أبطَنُوا.[1]

٨٩٩٢. عنه ﷺ ـ مِن كتابٍ لَهُ إلىٰ معاويةَ ـ: ما أسلَمَ مُسلِمُكُم إلّا كَرهاً.[2]

١٨٦٢
ما يُخالِفُ الإسلامَ

٨٩٩٣. الإمامُ عليٌّ ﷺ: جانِبُوا الخِيانةَ، فإنّها مُجانَبَةُ الإسلامِ.[3]

٨٩٩٤. عنه ﷺ: مَن أعانَ علىٰ مُسلمٍ فقد بَرِئَ مِنَ الإسلامِ.[4]

(انظر) الإيمان: باب ٢٩١.

١٨٦٣
غُربَةُ الإسلامِ

٨٩٩٥. رسولُ اللهِ ﷺ: إنّ الإسلامَ بَدأ غَريباً وسَيَعُودُ غَريباً كما بَدأ، فَطُوبىٰ للغُرَباءِ.[5]

٨٩٩٦. كنز العمّال عَن سهلِ بنِ سعدٍ: قالَ رسولُ اللهِ ﷺ: إنَّ الإسلامَ بَدأ غَريباً وسَيَعُودُ

---

١. غرر الحكم: ١٠١٤٢، نهج البلاغة: الكتاب ١٦ نحوه.
٢. نهج البلاغة: الكتاب ٤ ٥ ٣. غرر الحكم: ٤٧٤٢.
٤. غرر الحكم: ٩٢٢٠. ٥. كنز العمّال: ١١٩٢.

او ـ فرمود: سوگند به آن که دانه را شکافت و انسان را آفرید، آنان اسلام نیاوردند، بلکه [ناچار] تسلیم شدند و کفرشان را پنهان داشتند و هنگامی که برای آن یاورانی یافتند، آنچه را پنهان کرده بودند، آشکار ساختند و آنچه را پوشانده بودند، برنمایاندند.

٨٩٩٢. امام علی ﷺ ـ در نامه‌ای به معاویه ـ نوشت: و مسلمانِ شما جز از روی ناچاری اسلام نیاورد.

١٨٦٢
آنچه با اسلام ناسازگار است

٨٩٩٣. امام علی ﷺ: از خیانت دوری کنید؛ که خیانت از اسلام بدور است.

٨٩٩٤. امام علی ﷺ: هر که بر ضد مسلمانی کمک کند، از اسلام بدور است.

١٨٦٣
غربت اسلام

٨٩٩٥. پیامبر خدا ﷺ: اسلام غریبانه آغاز شد وبزودی، همچون ابتدای خود، غریب خواهد شد؛ پس خوشا به حال غریبان.

٨٩٩٦. کنز العمّال به نقل از سهل بن سعد: پیامبر خدا ﷺ فرمود: اسلام غریبانه آغاز شد و بزودی غریب خواهد شد؛ پس خوشا به

غَريباً فَطُوبىٰ لِلغُرَباءِ. قالوا: يا رسولَ‌اللهِ، وما الغُرَباءُ؟ قالَ: الذين يُصْلِحُونَ عندَ فَسادِ الناسِ.[1]

۸۹۹۷. الإمامُ الصّادقُ ﷺ ـ لَمّا سُئلَ عن قَولِ عليٍّ ﷺ: الإسلامُ بَدأ غَريباً وسَيَعُودُ غَريباً كما كانَ، فَطُوبىٰ للغُرَباءِ ـ: يَستَأنِفُ الدّاعي مِنّا دُعاءً جَديداً كما دَعا إلَيهِ رسولُ اللهِ ﷺ.[2]

(انظر) كنز العمّال: ۱ / ۲۳۸.

۱۸۶۴
تَحريفُ الإسلامِ

۸۹۹۸. الإمامُ عليٌّ ﷺ ـ مِن خُطبَةٍ لَهُ في المَلاحِمِ ـ: فعِندَ ذلكَ أخَذَ الباطِلُ مَآخِذَهُ... وكانَ أهلُ ذلكَ الزمانِ ذِئاباً، وسَلاطِينُهُ سِباعاً، وأوساطُهُ أكّالاً، وفُقَراؤهُ أمواتاً، وغارَ الصِّدقُ، وفاضَ الكَذِبُ، واستُعمِلَتِ المَوَدَّةُ باللِّسانِ وتَشاجَرَ الناسُ بالقُلُوبِ، وصارَ الفُسُوقُ نَسَباً والعَفافُ عَجَباً، ولُبِسَ الإسلامُ لُبسَ الفَرْوِ مَقلُوباً.[3]

---

۱. كنز العمّال: ۱۱۹۸.

۲. بحار الأنوار: ۸/۱۲/۱۰.

۳. نهج البلاغة: الخطبة ۱۰۸.

حال غریبان. عرض کردند: ای رسول خدا! غریبان کیستند؟ فرمود: کسانی که وقتی مردم فاسدند آنان صالحند.

۸۹۹۷. امام صادق ﷺ ـ در پاسخ به این سؤال که معنای این جملهٔ علی ﷺ چیست که فرمود: اسلام غریبانه آغاز شد و بزودی، همچون گذشته، غریب خواهد شد ـ فرمود: آن دعوتگر که از ماست دعوت جدیدی را از سر خواهد گرفت، همچنان که رسول خدا ﷺ به آن دعوت کرد.

۱۸۶۴
تحریف اسلام

۸۹۹۸. امام علی ﷺ ـ در خطبه‌ای که طیّ آن به فتنه و فساد و خونریزیهای آینده اشاره می‌کند ـ فرمود: در آن هنگام باطل در مواضع خود جای گیرد و استوار شود... مردمِ آن زمان گرگ باشند و فرمانروایانشان درنده و مردمان متوسط، خورنده و فقیران، [همانند] مُرده، راستی بخشکد و دروغ برجوشد، مردم، به زبان باهم دوستی کنند، و در دل باهم دشمنی ورزند، فسق و فجور باعث نسب (شرافت) شود و پاکدامنی، مایهٔ شگفتی باشد و اسلام مانند پوستینِ وارونه پوشیده شود.

۱۸۶۵
مَن لَیسَ بِمُسلِمٍ

۸۹۹۹ . رسولُ اللهِ ﷺ: مَن أصبَحَ لا یَهتَمُّ بِأُمورِ المُسلمینَ فلَیسَ بمُسلمٍ.[۱]

۹۰۰۰ . عنه ﷺ: مَن أصبَحَ لا یَهتَمُّ بِأُمورِ المُسلمینَ فَلَیسَ مِنهُم، ومَن سَمِعَ رَجلاً یُنادِي: یا لَلمسلمینَ! فَلَم یُجِبهُ فلَیسَ بمُسلِمٍ.[۲]

(انظر) وسائل الشیعة: ۱۱ / ۵۵۹ باب ۱۸.

الأمانة: باب ۳۰۵.

۱۸۶۵
کسی که مسلمان نیست

۸۹۹۹ . **پیامبر خدا** ﷺ: کسی که روز خود را آغاز کند و به امور مسلمانان اهتمام نورزد، مسلمان نیست.

۹۰۰۰ . **پیامبر خدا** ﷺ: هر که روز خود را آغاز کند و دغدغهٔ امور (مشکلات) مسلمانان را نداشته باشد، از آنان نیست و هر که فریاد کمک خواهیِ مردی را بشنود و به کمکش نشتابد، مسلمان نیست.

۱۸۶۶
النَّوادِرُ

۹۰۰۱ . رسولُ اللهِ ﷺ: الإسلامُ ذَلُولٌ لا یُرکِبُ إلّا ذَلولاً.[۳]

۹۰۰۲ . عنه ﷺ: الإسلامُ یَسبِكُ الرِّجالَ کما یَسبِكُ النارُ خُبثَ الحَدیدِ والذَّهَبِ والفِضَّةِ.[۴]

۹۰۰۳ . عنه ﷺ ـ لَمّا سُئلَ عن أفضَلِ الإسلامِ ـ: مَن سَلِمَ المُسلمونَ مِن لِسانِهِ ویَدِهِ.[۵]

۹۰۰۴ . عنه ﷺ: لَتُنقَضُنَّ عُرَی الإسلامِ عُروَةً عُروَةً کُلَّما نُقِضَتْ عُروَةٌ تَشَبَّثَ النـاسُ بـالَّتي

۱۸۶۶
گوناگون

۹۰۰۱ . **پیامبر خدا** ﷺ: اسلام، رام است و جز به کسی که رام است سواری نمی‌دهد.

۹۰۰۲ . **پیامبر خدا** ﷺ: اسلام، [گوهر] مردان را گداخته وناب می‌گرداند، همچنان که آتش، ناخالصی آهن و طلا و نقره را می‌زداید.

۹۰۰۳ . **پیامبر خدا** ﷺ ـ در پاسخ به این سؤال که برترین اسلام چیست ـ فرمود: کسی که مسلمانان از زبان و دست او آسوده باشند.

۹۰۰۴ . **پیامبر خدا** ﷺ: هر آینه دستگیره‌های اسلام یکی یکی شکسته خواهد شد و هرگاه دستگیره‌ای شکسته شود، مردم

---

۱ . الکافي: ۲/ ۱۶۳/ ۱ . ۲ . الکافي: ۲/ ۱۶۴/ ۵ .
۳ . کنز العمّال: ۲۴۴ . ۴ . کنز العمّال: ۳۱۱ .
۵ . الأمالي للطوسي: ۳۷۱/ ۵۰۵ .

تَلِيها، فَأَوَّلُهُنَّ نَقضُ الحُكمِ وآخِرُهُنَّ الصلاةُ.[۱]

۹۰۰۵. **الإمامُ عليٌّ** ﷺ: إنَّ لَكُم عَلَماً فاهتَدُوا بِعَلَمِكُم، وإنَّ لِلإسلامِ غايَةً فانتَهُوا إلىٰ غايَتِهِ.[۲]

۹۰۰۶. **عنه** ﷺ: رَأسُ الإسلامِ الأمانَةُ، رَأسُ النِّفاقِ الخِيانَةُ.[۳]

۹۰۰۷. **عنه** ﷺ: مِلاكُ الإسلامِ صِدقُ اللِّسانِ.[۴]

دستگیرهٔ بعدی را خواهند گرفت، اولین دستگیره‌ای که شکسته می‌شود دستگیرهٔ داوری [عادلانه] است و آخرین آنها نماز.

۹۰۰۵. **امام علی**ﷺ: همانا برای [هدایت] شما نشانه‌ای [نصب شده] است، پس با نشانهٔ خود راه را بیابید؛ و اسلام را غایت (خط پایانی) است، پس به آن غایت برسید.

۹۰۰۶. **امام علی**ﷺ: سرآمد [آثار] اسلام، امانتداری است، سرآمد [آثار] نفاق خیانت است.

۹۰۰۷. **امام علی**ﷺ: اساس اسلام، راستگویی است.

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

۱. الأمالي للطوسي: ۳۱۱/۱۸۶.
۲. نهج البلاغة: الخطبة ۱۷۶.
۳. غرر الحكم: (۵۲۲۶ـ۵۲۲۷).
۴. غرر الحكم: ۹۷۲۷.

السلام

سلام کردن

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

ولمزید الاطّلاع راجع:

بحار الأنوار: ۷۶/۱ باب ۹۷ «إفشاء السلام».

کنز العمّال: ۹/۱۱۳ـ۱۲۸، ۲۱۴ـ۲۲۰.

وسائل الشیعة: ۸/۴۳۷ باب ۳۲ـ۳۶ و ۳۸ـ۵۰ و ۵۲ـ۵۵.

کنز العمّال: ۹/۱۲۸ «محظورات السلام».

بحار الأنوار: ۷۶/۱۳ باب ۹۸ «سلام الإذن».

۱۸۶۷
تَحِيَّةُ المُسلِمينَ

الكتاب:

﴿وَأُدْخِلَ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحاتِ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِها الْأَنْهارُ خالِدِينَ فِيها بِإِذْنِ رَبِّهِمْ تَحِيَّتُهُمْ فِيها سَلامٌ﴾.[۱]

﴿دَعْواهُم فِيها سُبْحانَكَ اللّهُمَّ وَتَحِيَّتُهُمْ فِيها سَلامٌ وَآخِرُ دَعْواهُمْ أَنِ الحَمْدُ لِلّهِ رَبِّ العالَمِينَ﴾.[۲]

(انظر) النساء: ۸۶، هود: ۶۹، الحجر: ۵۲، النحل: ۳۲، مريم: ۴۷، ۶۲، النور: ۶۱، الفرقان: ۶۳، ۷۵، الأحزاب: ۴۴، الذاريات: ۲۵، الواقعة: ۲۶.

الحديث:

۹۰۰۸. رسولُ اللهِ ﷺ: السَّلامُ تَحِيَّةٌ لِمِلَّتِنا، وأمانٌ لِذِمَّتِنا.[۳]

۹۰۰۹. عنه ﷺ: إذا تَلاقَيتُم فَتَلاقَوا بِالتَّسليمِ والتَّصافُحِ، وإذا تَفَرَّقتُم فَتَفَرَّقُوا بِالاستِغفارِ.[۴]

۹۰۱۰. عنه ﷺ: إنَّ مِن مُوجِباتِ المَغفِرَةِ بَذلَ

۱. إبراهيم: ۲۳. ۲. يونس: ۱۰.
۳. كنز العمّال: ۲۵۲۴۲. ۴. الأمالي للطوسي: ۳۷۴/۲۱۵.

۱۸۶۷
درود مسلمانان

قرآن:

«کسانی که ایمان آوردند و کار شایسته کردند به بهشتهایی که نهرها در آنها جاری است برده شوند، به فرمان پروردگارشان در آن جا جاودانه بمانند و به سلام، یکدیگر را درود گویند».

«در آن جا دعایشان این است: بار خدایا! تو منزّهی و به هنگام درود، سلام گویند. و پایان دعایشان این است: سپاس خدای را که پروردگار جهانیان است».

حدیث:

۹۰۰۸. **پیامبر خدا**ﷺ: سلام، درودِ آیین ما و ایمنیِ عهد و زنهار ماست.

۹۰۰۹. **پیامبر خدا**ﷺ: هر گاه به هم برخوردید، با سلام کردن و دست دادن برخورد کنید و چون جدا شدید، با آمرزش خواهی [برای یکدیگر] از هم جدا شوید.

۹۰۱۰. **پیامبر خدا**ﷺ: یکی از موجبات مغفرت،

السلامِ وحُسنَ الكلامِ.[1]

سلام کردن و سخن نیکو گفتن است.

۹۰۱۱. عنه ﷺ: إنَّ أبخَلَ النّاسِ مَن بَخِلَ بِالسلامِ.[2]

۹۰۱۱. پیامبر خدا ﷺ: بخیل ترین مردم، کسی است که در سلام کردن بخل ورزد.

۹۰۱۲. الإمامُ الصّادقُ ﷺ: البَخِيلُ مَن بَخِلَ بِالسلامِ.[3]

۹۰۱۲. امام صادق ﷺ: بخیل کسی است، که در سلام گفتن بخل ورزد.

۱۸۶۸
السَّلامُ قَبلَ الكَلامِ

۱۸۶۸
سلام پیش از کلام

۹۰۱۳. الإمامُ الحسينُ ﷺ: لا تَأذَنُوا لِأحَدٍ حتّى يُسَلِّمَ.[4]

۹۰۱۳. امام حسین ﷺ: به هیچ کس اجازه [ورود به منزل خود را] ندهید تا وقتی که سلام کند.

۹۰۱۴. الخصالُ عَن إسماعيلَ بن أبي زيادٍ عَن أبي عبد الله ﷺ، عن آبائه ﷺ: قالَ رسولُ اللهِ ﷺ: مَن بَدَأَ بِالكَلامِ قَبلَ السلامِ فلا تُجِيبُوهُ. وقالَ ﷺ: لا تَدعُ إلىٰ طَعامِكَ أحَداً حتّى يُسَلِّمَ.[5]

۹۰۱۴. الخصال به نقل از اسماعیل بن ابی زیاد، از امام صادق ﷺ، از نیاکان خود: پیامبر خدا ﷺ فرمود: «هر که پیش از سلام گفتن آغاز به سخن کند، جوابش را ندهید». و امام صادق ﷺ فرمود: هیچ کس را به غذایت تعارف مکن، تا وقتی که سلام کند.

۹۰۱۵. الإمامُ الصّادقُ ﷺ: السَّلامُ قَبلَ الكلامِ.[6]

(انظر) كنز العمّال: ۹ / ۱۲۲.

۹۰۱۵. امام صادق ﷺ: نخست سلام کنید، بعد سخن آغازید.

۱۸۶۹
إفشاءُ السَّلامِ

۱۸۶۹
رواج دادن سلام

۹۰۱۶. رسولُ اللهِ ﷺ: أفشِ السلامَ يَكثُر خَيرُ

۹۰۱۶. پیامبر خدا ﷺ: به همه سلام ده تا خیر و برکت خانه‌ات زیاد شود.

---

۱. جامع الأخبار: ۵۹۱/۲۳۰. ۲. الأمالي للطوسي: ۱۳۶/۸۹.
۳. معاني الأخبار: ۸/۲۴۶. ۴. تحف العقول: ۲۴۶.
۵. الخصال: ۶۷/۱۹. ۶. جامع الأخبار: ۵۹۶/۲۳۱.

بَيتِكَ.[۱]

۹۰۱۷. **بحار الأنوار**: من كتاب الغايات عن رسولِ اللهِ ﷺ: ألَا أُخبِرُكُم بخَيرِ أخلاقِ أهلِ الدُّنيا والآخِرَةِ؟ قالوا: بَلىٰ يا رسولَ اللهِ، فقالَ: إفشاءُ السلامِ في العالَمِ.[۲]

۹۰۱۸. **رسولُ اللهِ** ﷺ: إنَّ السلامَ اسمٌ مِن أسماءِ اللهِ تعالىٰ، فَأفشُوهُ بَينَكُم.[۳]

۹۰۱۹. **الإمامُ الباقرُ** ؑ: إنَّ اللهَ يُحِبُّ إطعامَ الطَّعامِ، وإفشاءَ السَّلامِ.[۴]

(انظر) بحار الأنوار: ۷۶ / ۱ باب ۹۷.

۹۰۱۷. **بحار الأنوار** ـ به نقل از کتاب الغایات ـ: پیامبر خدا ﷺ فرمود: آیا شما را از بهترین اخلاق مردم دنیا و آخرت خبر ندهم؟ عرض کردند: چرا، ای رسول خدا. فرمود: رواج دادن سلام در جهان.

۹۰۱۸. **پیامبر خدا** ﷺ: سلام یکی از نامهای خداوند متعال است، پس آن را در میان خود رواج دهید.

۹۰۱۹. **امام باقر** ؑ: خداوند اطعام کردن مردم و به همه سلام دادن را دوست دارد.

۱۸۷۰

الابتِداءُ بِالسَّلامِ

۱۸۷۰

پیشدستی کردن در سلام

۹۰۲۰. **رسولُ اللهِ** ﷺ: إنَّ أولَى الناسِ بِاللهِ وبرسولِهِ مَن بَدَأَ بِالسلامِ.[۵]

۹۰۲۱. **عنه** ﷺ: أطوَعُكُم لِلهِ الذي يَبدَأُ صاحِبَهُ بِالسلامِ.[۶]

۹۰۲۲. **عنه** ﷺ: البادِئُ بِالسلامِ بَرِيءٌ مِنَ الكِبرِ.[۷]

۹۰۲۳. **الإمامُ عليٌّ** ؑ: السلامُ سَبعونَ حَسَنَةً، تِسعَةٌ وسِتُّونَ لِلمُبتَدي وواحِدَةٌ لِلرَّادِّ.[۸]

۹۰۲۰. **پیامبر خدا** ﷺ: نزدیکترین مردم به خدا و رسول او کسی است که آغازگر سلام باشد.

۹۰۲۱. **پیامبر خدا** ﷺ: فرمانبردارترین شما از خدا کسی است که در سلام کردن به دوست خود پیشدستی کند.

۹۰۲۲. **پیامبر خدا** ﷺ: آغازگر سلام، از تکبّر بدور است.

۹۰۲۳. **امام علی** ؑ: سلام، هفتاد ثواب دارد که شصت و نه تای آن برای سلام کننده است و یکی برای جواب دهنده.

---

۱. الخصال: ۱۸۱/۲۴۶.
۲. بحار الأنوار: ۷۶/۱۲/۵۰.
۳. كنز العمّال: ۲۵۲۳۷.
۴. المحاسن: ۲/۱۴۳/۱۳۷۱.
۵. بحار الأنوار: ۷۶/۱۲/۵۰.
۶. كنز العمّال: ۲۵۲۵۳.
۷. كنز العمّال: ۲۵۲۶۵.
۸. بحار الأنوار: ۷۶/۱۱/۴۶.

۹۰۲۴. عنه ﷺ: لِكُلِّ داخِلٍ دَهْشَةٌ، فابدَؤوا بِالسلامِ.[1]

۹۰۲۴. امام علی ﷺ: هر وارد شونده‌ای سرگشته است؛ پس شما آغاز به سلام کنید.

۱۸۷۱
التَّسليمُ عِندَ دُخولِ البَيتِ

۱۸۷۱
سلام کردن هنگام وارد شدن به خانه

الكتاب:

﴿فَإِذَا دَخَلْتُم بُيُوتاً فَسَلِّمُوا عَلَىٰ أَنفُسِكُم تَحِيَّةً مِن عِندِ اللهِ مُبارَكَةً طَيِّبَةً﴾.[2]

قرآن:

«هر گاه وارد خانه‌هایی شدید به خودتان سلام کنید که آن تحیّتی است مبارک و پاکیزه از جانب خدا».

الحديث:

۹۰۲۵. رسولُ اللهِ ﷺ: إذا دَخَلَ أحَدُكُم بَيتَهُ فَلْيُسَلِّمْ؛ فإنَّهُ يَنزِلُهُ البَرَكَةُ، وتُؤنِسُهُ الملائكةُ.[3]

حدیث:

۹۰۲۵. پیامبر خدا ﷺ: هرگاه یکی از شما وارد خانهٔ خود شد، سلام کند؛ زیرا سلام بر آن برکت فرود می‌آورد و فرشتگان با آن انس می‌گیرند.

۹۰۲۶. الإمامُ الباقرُ ﷺ ـ في قولِ اللهِ عَزَّوجلَّ: ﴿فَإِذا دَخَلْتُمْ بُيُوتاً فَسَلِّمُوا علىٰ أنفُسِكُم﴾ ـ: هُو تَسليمُ الرَّجُلِ علىٰ أهلِ البيتِ حينَ يَدخُلُ، ثُمَّ يَرُدُّونَ عليهِ، فهُو سَلامُكُم عَلىٰ أنفُسِكُم.[4]

۹۰۲۶. امام باقر ﷺ ـ دربارهٔ آیهٔ: «هرگاه وارد خانه‌هایی شدید، به خودتان سلام کنید» ـ فرمود: منظور سلام کردن مرد بر اهل خانه است به هنگام ورود و جواب دادن اهل خانه است به او. پس، این سلام شماست به خود شما.

۹۰۲۷. عنه ﷺ ـ أيضاً ـ: إذا دَخَلَ الرَّجُلُ مِنكُم بَيتَهُ، فإن كانَ فيهِ أحَدٌ يُسَلِّمُ علَيهِم، وإن لَم يَكُن فيهِ أحَدٌ فَلْيَقُلْ: السلامُ علَينا مِن عِندِ رِبِّنا، يقولُ اللهُ: ﴿تَحِيَّةً مِن عِندِ اللهِ

۹۰۲۷. امام باقر ﷺ ـ دربارهٔ همین آیه ـ فرمود: هرگاه مردی از شما به خانهٔ خود وارد شد، اگر کسی در خانه بود به آنها سلام کند و اگر کسی نبود بگوید: «السلامُ علینا من عند ربّنا؛ سلام بر ما از جانب پروردگارمان» که خداوند می‌فرماید: «[که آن] تحیّتی است

---

۱. غرر الحكم: ۷۳۱۴. ۲. النور: ۶۱.
۳. بحار الأنوار: ۲۵/۷/۷۶. ۴. بحار الأنوار: ۱۶/۵/۷۶.

مُبارَكَةً طَيِّبَةً﴾.[1]

۱۸۷۲
وُجوبُ رَدِّ السَّلامِ

الكتاب:

﴿وَإذا حُيِّيتُم بِتَحِيَّةٍ فَحَيُّوا بِأحسَنَ مِنها أو رُدُّوها إنَّ اللهَ كانَ عَلىٰ كُلِّ شَيءٍ حَسِيباً﴾.[2]

الحديث:

۹۰۲۸. رسولُ‌اللهِ ﷺ: السلامُ تَطَوُّعٌ، والرَّدُّ فَريضَةٌ.[3]

۹۰۲۹. **الدرُّ المنثورُ** عَن سَلمانِ الفارسيِّ: جاءَ رَجُلٌ إلى النبيِّ ﷺ فقالَ: السلامُ عَلَيكَ يا رسولَ اللهِ، فقالَ: وعلَيكَ ورَحمَةُ اللهِ، ثُمَّ أتىٰ آخَرُ فقالَ: السلامُ عَلَيكَ يا رسولَ اللهِ ورَحمَةُ اللهِ، فقالَ: وعَلَيكَ ورَحمَةُ اللهِ وبَرَكاتُهُ، ثُمَّ جاءَ آخَرُ فقالَ: السلامُ عَلَيكَ ورَحمَةُ اللهِ وبَرَكاتُهُ، فقالَ لَهُ: وعَلَيكَ، فقالَ لَهُ الرَّجُلُ: يا نَبِيَّ اللهِ ـ بِأبي أنتَ وأُمّي ـ أتاكَ فُلانٌ وفُلانٌ فَسَلَّما عَلَيكَ فَرَدَدتَ عَلَيهِما أكثَرَ مِمّا رَدَدتَ عَلَيَّ! فقالَ: إنَّكَ لَم تَدَعْ لَنا شيئاً، قالَ اللهُ: ﴿وإذا حُيِّيتُم بِتَحِيَّةٍ فَحَيُّوا بِأحسَنَ

---

۱. بحار الأنوار: ۳/۳/۷۶. ۲. النساء: ۸۶.
۳. كنز العمّال: ۲۵۲۹۴.

مبارک و پاکیزه از جانب خدا».

۱۸۷۲
واجب بودن جواب سلام

قرآن:

«چون به شما درودی گفته شد به درودی بهتراز آن یا همانند آن پاسخ دهید، هر آینه خداوند حسابگر هر چیزی است».

حدیث:

۹۰۲۸. **پیامبر خدا** ﷺ: سلام کردن، مستحب است و جواب سلام، واجب.

۹۰۲۹. **الدرّ المنثور** به نقل از سلمان فارسی: مردی بر پیامبر ﷺ وارد شد و عرض کرد: سلام بر تو ای رسول خدا؛ حضرت فرمود: سلام و رحمت خدا بر تو باد. سپس، مرد دیگری وارد شد و عرض کرد: سلام و رحمت خدا بر تو باد، ای رسول خدا. حضرت پاسخ داد: سلام و رحمت و برکات خدا بر تو باد. بعد مرد دیگری آمد و عرض کرد: سلام و رحمت و برکات خدا بر تو باد. حضرت فرمود: و بر تو باد. آن مرد عرض کرد: ای پیامبر خدا ـ پدر و مادرم فدایت باد ـ فلان و فلان آمدند و بر شما سلام کردند و در جوابشان چیزی اضافه فرمودی، اما در جواب من چیزی اضافه نکردی؟! حضرت فرمود: تو چیزی برای ما باقی نگذاشتی. خداوند فرموده است: «هرگاه تحیّتی به شما گفته

مِنها أو رُدُّوها﴾ فَرَدَدناها علَيكَ.[۱]

۹۰۳۰. **الإمامُ الباقرُ** ﷺ: مَرَّ أميرُ المؤمنينَ عليٌّ ﷺ بِقَومٍ فَسَلَّمَ علَيهِم، فقالوا: علَيكَ السلامُ ورَحمَةُ اللهِ وبَرَكاتُهُ ومَغفِرَتُهُ ورِضوانُهُ، فقالَ لَهُم أميرُ المؤمنينَ ﷺ: لا تُجاوِزُوا بنا مِثلَ ما قالَتِ المَلائكةُ لِأبينا إبراهيمَ ﷺ، إنّما قالوا: رَحمَةُ اللهِ وبَرَكاتُهُ علَيكُم أهلَ البَيتِ.[۲]

۱۸۷۳
أدَبُ السَّلامِ

۹۰۳۱. **رسولُ اللهِ** ﷺ: يُسَلِّمُ الصغيرُ عَلَى الكبيرِ، ويُسَلِّمُ الواحِدُ علىٰ الاثنَينِ، ويُسَلِّمُ القَليلُ علىٰ الكثيرِ، ويُسَلِّمُ الراكِبُ علىٰ الماشي، ويُسَلِّمُ المارُّ علىٰ القائمِ، ويُسَلِّمُ القائمُ علىٰ القاعِدِ.[۳]

۹۰۳۲. **عنه** ﷺ: خَمسٌ لا أدَعُهُنَّ حَتّى المَماتِ: ... والتَّسليمُ علىٰ الصِّبيانِ لِتَكونَ سُنَّةً مِن بَعدي.[۴]

۹۰۳۳. **عنه** ﷺ: لِيُسَلِّمِ الراكِبُ علىٰ الماشي.[۵]

---

۱. الدرّ المنثور: ۶۰۵/۲. ۲. الكافي: ۱۳/۶۴۶/۲.
۳. كنز العمّال: ۲۵۳۲۱. ۴. بحار الأنوار: ۳۸/۱۰/۷۶.
۵. بحار الأنوار: ۲۶/۷/۷۶.

شد به بهتر از آن، یا همانند آن جواب دهید» و ما هم همانند تحیّت تو را به تو جواب دادیم.

۹۰۳۰. **امام باقر** ﷺ: امیرالمؤمنین ﷺ به عده‌ای برخورد و به ایشان سلام کرد، آنان در جواب گفتند: سلام و رحمت و برکات و آمرزش و خشنودی خدا بر تو باد. امیر المؤمنین ﷺ فرمود: دربارهٔ ما از آنچه فرشتگان بر پدرمان ابراهیم ﷺ گفتند فراتر نروید؛ آنها فقط گفتند: رحمت و برکات خدا بر شما خاندان باد.

۱۸۷۳
آداب سلام کردن

۹۰۳۱. **پیامبر خدا** ﷺ: کوچکتر به بزرگتر سلام کند و یک نفر به دو نفر و عدّهٔ کمتر به عدّهٔ بیشتر و سواره به پیاده و رهگذر به ایستاده و ایستاده به نشسته.

۹۰۳۲. **پیامبر خدا** ﷺ: پنج چیز است که تا زنده‌ام رهایشان نمی‌کنم... و سلام کردن به کودکان تا بعد از من سنّت شود.

۹۰۳۳. **پیامبر خدا** ﷺ: سواره باید به پیاده سلام کند.

۹۰۳۴ . الإمامُ الصّادقُ ﷺ: يُسَلِّمُ الصغيرُ علىٰ الكبيرِ، والمارُّ علىٰ القاعِدِ، والقليلُ علىٰ الكَثيرِ.[1]

۹۰۳۴ . **امام صادق**ﷺ: کوچکتر به بزرگتر سلام کند، و رهگذر به نشسته و عدّهٔ کمتر به عدّهٔ زیادتر.

۱۸۷۴
مَن لا يَنبَغي التَّسليمُ عَلَيهِم

۱۸۷۴
کسانی که نباید به آنان سلام کرد

۹۰۳۵ . رسولُ اللهِ ﷺ: لا تَبدَؤوا أهلَ الكِتابِ بالسلامِ، فإن سَلَّمُوا علَيكُم فقولوا: عَلَيكُم.[2]

۹۰۳۵ . **پیامبر خدا**ﷺ: شما به اهل کتاب سلام نکنید و اگر به شما سلام کردند، در جواب بگویید: علیکم.

۹۰۳۶ . الإمامُ عليٌّ ﷺ: نَهىٰ رسولُ اللهِ ﷺ أن يُسَلَّمَ علىٰ أربَعةٍ: عَلى السَّكرانِ في سُكرِهِ، وعلىٰ مَن يَعمَلُ التَّماثيلَ، وعَلىٰ مَنِ يَلعَبُ بِالنَّردِ، وعلىٰ مَن يَلعَبُ بِالأربَعَةَ عَشَرَ، وأنا أزيدُكُمُ الخامِسَةَ: أنهاكُم أن تُسَلِّمُوا علىٰ أصحابِ الشَّطرَنجِ.[3]

۹۰۳۶ . **امام علی**ﷺ: رسول خداﷺ از سلام کردن به چهار کس نهی فرمود؛ به آدمی که در حال مستی است، به پیکر تراش، به نردباز و به کسی که سه پَر[1] بازی می‌کند. پنجمی را من اضافه می‌کنم: شما را از سلام کردن به شطرنج بازان نهی می‌کنم.

۹۰۳۷ . الإمامُ الباقرُ ﷺ: لا تُسَلِّمُوا علىٰ اليَهُودِ، ولا علىٰ النَّصارىٰ، ولا علىٰ المَجُوسِ، ولا عَبَدَةِ الأوثانِ، ولا علىٰ مَوائدِ شُرّابِ الخَمرِ، ولا علىٰ صاحِبِ الشَّطرَنجِ والنَّردِ، ولا علىٰ المُخَنَّثِ، ولا علىٰ الشاعِرِ الذي يَقذِفُ المُحصَناتِ، ولا علىٰ المُصَلّي؛

۹۰۳۷ . **امام باقر**ﷺ: نه به یهودیان سلام کنید، نه به نصرانیان، نه به مجوسیان، نه به بت‌پرستان، نه به کسانی که بر سفرهٔ شرابخواران می‌نشینند و نه به شطرنج بازان و نردبازان و نه به مأبون و نه به شاعری که به زنان پاکدامن تهمت می‌زند و نه به کسی که در حال نماز است؛ زیرا نمازگزار نمی‌تواند جواب سلام را بدهد،

---

۱. الكافي: ۱/۶۴۶/۲. ۲. قرب الإسناد: ۴۶۵/۱۳۳.
۳. بحار الأنوار: ۳۲/۸/۷۶.

۱. سه پَر یا همان دوز بازی که در این دوره مرسوم است ـ م.

وذلكَ لأنَّ المُصَلّيَ لايَستَطيعُ أن يَرُدَّ السلامَ، لأنَّ التَّسليمَ مِنَ المُسَلِّمِ تَطَوُّعٌ والرَّدَّ علَيهِ فَريضَةٌ، ولا علىٰ آكِلِ الرِّبا، ولا علىٰ رَجُلٍ جالِسٍ علىٰ غائطٍ، ولا على الذي في الحَمّامِ، ولا علىٰ الفاسِقِ المُعلِنِ بِفِسقِهِ.[1]

در حالی که سلام کردن برای مسلمان مستحب است و جواب سلام او را دادن واجب و نه به رباخوار و نه به کسی که در حال قضای حاجت است و نه به کسی که در حمّام است و نه به فاسقی که آشکارا فسق و گناه می‌کند.

۹۰۳۸. عنه ﷺ: إذا دَخَلتَ المَسجِدَ والقَومُ يُصَلُّونَ فلا تُسَلِّمْ علَيهِم، وسَلِّم علىٰ النبيِّ ﷺ ثُمّ أقبِلْ علىٰ صَلاتِكَ، وإذا دَخَلتَ علىٰ قَومٍ جُلُوسٍ يَتَحَدَّثُونَ فَسَلِّمْ علَيهِم.[2]

۹۰۳۸. **امام باقر**ﷺ: هر گاه وارد مسجد شدی و مردم در حال نماز بودند، به آنها سلام مکن، بلکه به پیامبرﷺ سلام ده و آن گاه به نماز پرداز؛ و هرگاه بر عدّه‌ای که نشسته‌اند و صحبت می‌کنند وارد شدی، به آنان سلام کن.

۹۰۳۹. الإمامُ الصّادقُ ﷺ: كانَ رسولُ اللهِ ﷺ يُسَلِّمُ عَلَى النِّساءِ ويَرُدُدْنَ علَيهِ، وكانَ أميرُ المؤمنينَ ﷺ يُسَلِّمُ علىٰ النِّساءِ، وكانَ يَكرَهُ أن يُسَلِّمَ علىٰ الشّابَّةِ مِنهُنَّ، ويقولُ: أتَخَوَّفُ أن يُعجِبَني صَوتُها فَيَدخُلَ عَلَيَّ أكثَرُ ممّا طَلَبتُ مِنَ الأجرِ.[3]

۹۰۳۹. **امام صادق**ﷺ: رسول خداﷺ به زنها سلام می‌کرد و آنها جواب سلام حضرت را می‌دادند. امیر المؤمنینﷺ نیز به زنها سلام می‌کرد، اما از سلام کردن به زنان جوان کراهت داشت و می‌فرمود: می‌ترسم صدایشان مرا خوش آید و در نتیجه، چیزی به دلم در آید که به ثوابش نیرزد.

۱۸۷۵
أدَبُ الوَداعِ

۱۸۷۵
آداب خداحافظی

۹۰۴۰. رسولُ اللهِ ﷺ ـ كانَ إذا وَدَّعَ المؤمنينَ قالَ ـ: زَوَّدَكُمُ اللهُ التَّقوىٰ، ووَجَّهَكُم إلىٰ كُلِّ خَيرٍ،

۹۰۴۰. **پیامبر خداﷺ** ـ هرگاه با مؤمنان خداحافظی می‌کرد ـ می‌فرمود: خداوند

---

۱. بحار الأنوار: ۳۵/۹/۷۶. ۲. بحار الأنوار: ۲۸/۸/۷۶.
۳. الكافي: ۳/۵۳۵/۵.

وقَضىٰ لَكُم كُلَّ حاجَةٍ، وسَلَّمَ لَكُم دِينَكُم ودُنياكُم، ورَدَّكُم إلَيَّ سالِمِينَ.[1]

۱۸۷۶
سَلامُ الإذنِ

الكتاب:

﴿يا أيُّها الَّذِينَ آمَنُوا لا تَدْخُلُوا بُيُوتاً غَيرَ بُيُوتِكُمْ حَتّىٰ تَسْتَأنِسُوا وَتُسَلِّمُوا عَلىٰ أهْلِها﴾.[2]

(انظر) النور: ۵۸، الأحزاب: ۵۳.

الحديث:

۹۰۴۱. الإمامُ الصّادقُ ﷺ ـ لَمّا سُئِلَ عن قولِهِ تعالىٰ: ﴿لا تَدْخُلُوا بُيُوتاً غَيرَ بُيُوتِكُم حَتّىٰ تَسْتَأنِسُوا وتُسَلِّمُوا عَلىٰ أهلِها﴾ ـ: الاستِيناسُ وَقْعُ النَّعلِ والتَّسليمُ.[3]

رهتوشهٔ تقوا به شما دهد و به هر آنچه خیر است رهنمونتان شود و همهٔ نیازها (مشکلاتتان) را برطرف سازد و دین و دنیاتان را سالم نگه دارد و شما را سالم و تندرست سوی من برگرداند.

۱۸۷۶
سلام اجازه

قرآن:

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید! به خانه‌ای غیر از خانهٔ خود وارد مشوید، مگر آن که اجازه بگیرید و به ساکنانش سلام دهید».

حدیث:

۹۰۴۱. **امام صادق** ﷺ ـ در پاسخ به سؤال از آیهٔ: «به خانه‌ای غیر از خانهٔ خود وارد مشوید، مگر آن که اجازه گیرید و به ساکنانش سلام دهید» ـ فرمود: اجازه گرفتن، صدا در آوردن با کفش و سلام کردن است.

---

۱. تنبيه الخواطر: ۶/۲. ۲. النور: ۲۷.
۳. بحار الأنوار: ۳/۱۴/۷۶.

التَّسْلِيمُ

تسلیم

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

ولمزيد الاطّلاع راجع:

بحار الأنوار: ۹۸/۷۱ باب ۶۳ «التوكّل، والتفويض، والرّضا، والتسليم».

انظر:

عنوان ۱۹۱ «الرّضا بالقضاء»، ۴۲۶ «التفويض»، ۵۵۴ «التوكّل».

القضاء والقدر: باب ۳۲۹۸، ۳۲۹۹، القضاء بين الناس: باب ۳۳۰۴.

الشرك: باب ۱۹۷۳.

۱۸۷۷
التَّسليمُ

۹۰۳۲ . **بحار الأنوار**: أوحَى اللهُ تعالىٰ إلىٰ داودَ عليه السلام: تُرِيدُ وأُرِيدُ، وإنّما يَكونُ ما أُرِيدُ، فإن سَلَّمتَ لِما أُريدُ كَفَيتُكَ ما تُرِيدُ، وإن لَم تُسَلِّم لِما أُرِيدُ أتعَبتُكَ فيما تُرِيدُ، ثُمّ لا يَكونُ إلّا ما أُرِيدُ.[1]

۹۰۳۳ . **رسولُ اللهِ صلى الله عليه وآله**: يا عِبادَ اللهِ! أنتُم كالمَرضىٰ ورَبُّ العالَمِينَ كالطَّبِيبِ، فَصَلاحُ المَرضىٰ فيما يَعلَمُهُ الطَّبيبُ وتَدبِيرُهُ بِهِ، لا فيما يَشتَهِيهِ المَريضُ ويَقتَرِحُهُ، ألا فَسَلِّمُوا لِلهِ أمرَهُ تكونُوا مِنَ الفائِزِينَ.[2]

۹۰۳۴ . **الإمامُ الباقرُ عليه السلام**: أحَقُّ مَن خَلَقَ اللهُ بِالتَّسلِيمِ لِما قَضَى اللهُ، مَن عَرَفَ اللهَ.[3]

۹۰۳۵ . **عنه عليه السلام**: إنّا لَنُحِبُّ أن نُعافىٰ فِيمَن نُحِبُّ، فإذا جاءَ أمرُ اللهِ سَلَّمنا فيما يُحِبُّ.[4][5]

---

۱ . بحار الأنوار: ۲۲/۱۳۶/۸۲.

۲ . تنبيه الخواطر: ۱۱۷/۲.

۳ . بحار الأنوار: ۶۳/۱۵۳/۷۱.

۴ . بحار الأنوار: ۴۴/۳۰۱/۴۶.

۵ . صدر الحديث في صبيّ له كان مريضاً ثمّ توفّي، وقد كان عليه السلام قد أبدى اهتماماً كبيراً واغتمّ غمّاً شديداً في مرضه حتّى تبيّن ذلك أصحابه منه، لكنّه بعد موته كان منبسط الوجه.

۱۸۷۷
تسليم

۹۰۳۲ . **بحار الأنوار**: خداوند متعال به داود عليه السلام وحی فرمود: تو می‌خواهی و من می‌خواهم و فقط آن می‌شود که من می‌خواهم؛ پس، اگر تسلیم خواست من شوی، خواست تو را هم تأمین کنم، اما اگر تسلیم خواست من نشوی، تو را در راه خواسته‌ات به رنج افکنم و آن گاه همان شود که من می‌خواهم.

۹۰۳۳ . **پیامبر خدا صلى الله عليه وآله**: ای بندگان خدا! شما مانند بیمارید و پروردگار جهانیان چون طبیب، و صلاح بیمار در آن چیزی است که طبیب می‌داند و تشخیص می‌دهد، نه در آنچه بیمار می‌خواهد و پیشنهاد می‌کند؛ هان! پس کار خدا را به خود او بسپارید، تا از رستگاران باشید.

۹۰۳۴ . **امام باقر عليه السلام**: سزاوارترین خلق خدا به تسلیم در برابر قضای او، کسی است که خداشناس باشد.

۹۰۳۵ . **امام باقر عليه السلام**: البته ما دوست داریم دربارهٔ کسی که دوستش می‌داریم رنج و مصیبتی به ما نرسد، اما چون فرمان خدا در رسد تسلیم چیزی هستیم که او دوست دارد.[1]

---

۱. آغاز این حدیث دربارهٔ مریضی یکی از کودکان حضرت می‌باشد که منجر به مرگ او شد. در هنگام بیماری آن کودک، امام بسیار گرفته و اندوهگین بود، بحدی که اصحاب متوجه اندوه حضرت شدند اما بعد از مرگ او چهره‌اش باز و خوشرو بود.

٩٠٣٦ . الإمامُ الصّادقُ ﷺ: العَبدُ بَينَ ثلاثٍ: بَينَ بَلاءٍ وقَضاءٍ ونِعمَةٍ فعَلَيهِ للبلاءِ مِنَ اللهِ الصَّبرُ فَريضَةٌ، وعلَيهِ لِلقضاءِ مِنَ اللهِ التَّسليمُ فَريضَةٌ، وعلَيهِ لِلنِّعمَةِ مِنَ اللهِ الشُّكرُ فَريضَةٌ.[١]

٩٠٣٦ . **امام صادق**ﷺ: بنده میان سه چیز قرار گرفته است؛ میان بلا و قضا و نعمت. در برابر بلای خدا وظیفه صبر است، در برابر قضای خدا وظیفه تسلیم است و در برابر نعمت خدا وظیفه شکر است.

٩٠٣٧ . الكافي عَن نَصرِ بنِ صاعِد مَولى أبي عَبدِ اللهِ ﷺ عن أبيه: سمعت أبا عبد الله ﷺ يقول: ... مَن تَمَسَّكَ بِالعُروَةِ الوُثقىٰ فهُو ناجٍ. قلتُ: ما هِيَ؟ قالَ: التَّسليمُ.[٢]

٩٠٣٧ . **الكافي** ـ به نقل از نصر بن صاعد، هم پیمان امام صادقﷺ از پدرش ـ: شنیدم امام صادقﷺ فرمود: ... هرکه به محکمترین دستگیره چنگ زند، نجات یافته است. عرض کردم: آن چیست؟ فرمود: تسلیم.

٩٠٣٨ . الإمامُ الصّادقُ ﷺ ـ لَمّا سُئلَ: بِأيِّ شَيءٍ عُلِمَ المؤمنُ أنّهُ مُؤمِنٌ؟ ـ: بِالتَّسليمِ لِلّهِ، والرِّضا بما وَرَدَ علَيهِ مِن سُرورٍ وسَخَطٍ.[٣]

٩٠٣٨ . **امام صادق**ﷺ ـ در پاسخ به این سؤال که: از کجا دانسته می‌شود کسی مؤمن است؟ ـ فرمود: از تسلیم او در برابر خدا و خرسندیش به هر خوشی و ناخوشی که به او رسد.

٩٠٣٩ . عنه ﷺ: لَم يَكُن رسولُ اللهِ ﷺ يقولُ لِشيءٍ قد مَضىٰ: لو كانَ غَيرَهُ![٤]

٩٠٣٩ . **امام صادق**ﷺ: رسول خداﷺ هیچ گاه دربارهٔ کاری که گذشته بود نمی‌فرمود: کاش جز این بود.

٩٠٥٠ . الإمامُ الكاظمُ ﷺ: أمَرَني أبي ـ يَعني أبا عبدِاللهِ ﷺ ـ أن آتِيَ المُفضَّلَ بنَ عُمَرَ فَأُعَزِّيَهُ بإسماعيلَ، وقالَ: أقرِئِ المُفَضَّلَ السَّلامَ وقُل لَهُ: أصِبنا بِإسماعيلَ فَصَبَرنا، فاصبِر كما صَبَرنا، إذا أرَدنا أمراً وأرادَ اللهُ أمراً سَلَّمنا لِأمرِ اللهِ.[٥]

٩٠٥٠ . **امام کاظم**ﷺ: پدرم ـ یعنی امام صادقﷺ ـ به من دستور داد که نزد مفضّل بن عمر بروم و درگذشت اسماعیل را به او تسلیت بگویم. به من فرمود: به مفضّل سلام برسان و بگو: ما در مصیبت از دست دادن اسماعیل صبر کردیم، تو هم مثل ما صبر کن. هرگاه ماچیزی بخواهیم و خداوند چیز دیگری بخواهد، به خواست او گردن می‌نهیم.

---

١ . بحار الأنوار: ٧/١٢٩/٨٢.
٢ . الكافي: ١٠/٣٧١/٢.
٣ . بحار الأنوار: ٩١/٢٠٥/٢.
٤ . تنبيه الخواطر: ١٨٥/٢.
٥ . بحار الأنوار: ٥١/١٠٣/٨٢.

۹۰۵۱ . **بحار الأنوار**: ـ في الزيارةِ الخامسة مِن الزياراتِ الجامِعَةِ ـ: واجعَلِ الإرشادَ في عَمَلي، والتَّسليمَ لِأمرِكَ مِهادِي وسَنَدِي.[۱]

۱۸۷۸
مَعنَى التَّسليمِ

۹۰۵۲ . **الإمامُ عليٌّ** ﷺ: التَّسلِيمُ أن لا تَتَّهِمَ.[۲]

۹۰۵۳ . **الإمامُ الصّادقُ** ﷺ: إذا قالَ العَبدُ: لا حَولَ ولا قُوَّةَ إلّا بِاللهِ، قالَ اللهُ عَزَّوجلَّ للمَلائكةِ: إستَسلَمَ عَبدي، إقضُوا حاجَتَهُ.[۳]

۹۰۵۴ . **عنه** ﷺ: إذا قالَ العبدُ: ما شاءَ اللهُ لاحَولَ ولا قُوَّةَ إلّا بِاللهِ، قالَ اللهُ: مَلائكَتي إستَسلَمَ عَبدي أعِينُوهُ، أدرِكُوهُ، أقضُوا حاجَتَهُ.[۴]

(انظر) الإسلام: باب ۱۸۶۰.

۹۰۵۱ . **بحارالأنوار**ـ درزيارت‌پنجم‌اززيارت‌هاى جامع آمده است ـ: راهنمايى [تو] در كار من و تسليم [من] در برابر فرمانت را بستر و تكيه گاه من قرار ده.

۱۸۷۸
معناى تسليم

۹۰۵۲ . **امام على**ﷺ: تسليم آن است كه [خدا را به چيزى] متّهم نكنى.

۹۰۵۳ . **امام صادق**ﷺ: هرگاه بنده بگويد: لا حول و لا قوّة الا بالله، خداوند عزّوجلّ به فرشتگان فرمايد: بنده‌ام تسليم شد، حاجتش را برآوريد.

۹۰۵۴ . **امام صادق**ﷺ: هرگاه بنده بگويد: ما شاء الله لا حول و لا قوّة الا بالله، خداوند فرمايد: اى فرشتگان من! بنده‌ام تسليم شد، كمكش كنيد، او را دريابيد، حاجتش را برآوريد.

---

۱ . بحار الأنوار: ۱۰۲/۱۶۸/۶.
۲ . غرر الحكم: ۱۱۶۴.
۳ . بحار الأنوار: ۹۳/۱۸۹/۲۳.
۴ . بحار الأنوار: ۹۳/۱۹۰/۲۵.

السّمت

سیما و سیره

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

ولمزید الاطّلاع راجع:

بحار الأنوار: ۳۴۳/۷۱ باب ۸۵ «حُسن السّمت وحُسن السّیماء».

کنز العمّال: ۲۴۷/۳ «السّمت الحسَن».

۳۹۴ ـــــــ

۹۰۵۹ . الإمامُ عليٌّ ﷺ: المُؤمِنُونَ هُم أهلُ الفضائلِ، هَدْيُهُم السُّكونُ، وهَيبَتُهُم الخُشوعُ، وسَمْتُهُم التَّواضُعُ.[1]

۹۰۵۹ . امام علی ﷺ: مؤمنان اهل فضایلند، شیوهٔ آنان سکون و آرامش است، و شکوهشان خشوع و نشانشان فروتنی.

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

۱ . مطالب السؤول: ۵۳.


مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

۲۴۶

الاستماع

گوش سپردن

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

ولمزید الاطّلاع راجع:

بحار الأنوار: ۲۶۴/۷۲ باب ۱۱۵ «استماع اللغو والکذب والباطل والقصّة».

انظر:

الباطل: باب ۳۶۵، الغِیبة: باب ۳۰۹۲.

۱۸۸۰
فَضلُ الأسماعِ الواعِيَةِ

الكتاب:

﴿لِنَجْعَلَها لَكُم تَذْكِرَةً وَتَعِيَها أُذُنٌ واعِيَةٌ﴾.[۱]

الحديث:

۹۰۶۰. **الإمامُ عليٌّ** ﷺ: إذا لَم تَكُن عالِماً ناطِقاً فَكُن مُستَمِعاً واعِيَاً.[۲]

۹۰۶۱. **عنه** ﷺ: وُقِرَ سَمعٌ لَم يَفقَهِ (يَسمَعِ) الواعِيَةَ، وكيفَ يُراعِي النَّبأةَ مَن أصَمَّتهُ الصَّيحَةُ؟![۳]

۹۰۶۲. **عنه** ﷺ: وُقِرَ قَلبٌ لَم يَكُن لَهُ أُذُنٌ واعِيَةٌ.[۴]

۹۰۶۳. **عنه** ﷺ: جَعَلَ لَكُم أسماعاً لِتَعِيَ ما عَناها، وأبصاراً لِتَجلُوَ عن عَشاها.[۵]

۹۰۶۴. **عنه** ﷺ: رَحِمَ اللهُ امرَأً (عَبداً) سَمِعَ حُكماً فَوَعىٰ، ودُعِيَ إلىٰ رَشادٍ فَدَنا، وأخَذَ بِحُجزَةِ هادٍ فَنَجا.[۶]

۹۰۶۵. **عنه** ﷺ: فَيا لَها أمثالاً صائِبَةً، ومَواعِظَ

---

۱. الحاقّة: ۱۲. ۲. غرر الحكم: ۴۰۹۰.
۳. نهج البلاغة: الخطبة ۴. ۴. غرر الحكم: ۱۰۱۰۶.
۵. نهج البلاغة: الخطبة ۸۳. ۶. نهج البلاغة: الخطبة ۷۶.

۱۸۸۰
ارزش گوشهای شنوا و پذیرا

قرآن:

«تا آن را مایهٔ اندرزتان گردانیم و گوشِ گیرا، آن را فرا گیرد».

حدیث:

۹۰۶۰. **امام علی**ﷺ: اگر دانشمندی گویا نیستی، پس شنونده‌ای گیرا باش.

۹۰۶۱. **امام علی**ﷺ: کر باد آن گوشی که فریاد را نفهمد (نشنود)، کسی که فریاد بلند را نمی‌شنود، چگونه صدای آهسته را می‌شنود؟

۹۰۶۲. **امام علی**ﷺ: کر بادا دلی که آن را گوش شنوایی نباشد.

۹۰۶۳. **امام علی**ﷺ: خداوند به شما دو گوش داد تا آنچه را به آنها مربوط می‌شود دریافت کنند و دو چشم داد تا از نابینایی به در آیند.

۹۰۶۴. **امام علی**ﷺ: خدای رحمت کند مردی (بنده‌ای) را که سخن حکیمانه‌ای شنید و آن را پذیرفت و به راه راست خوانده شد و بدان نزدیک گشت و دامان راهنما را گرفت و نجات یافت.

۹۰۶۵. **امام علی**ﷺ: وه که چه مثلهای درست و

شافِيَةً، لو صادَفَت قُلوباً زاكِيَةً، وأسماعاً واعِيَةً.[۱]

(انظر) الآخرة: باب ۳۰ حديث ۱۴۹.

۱۸۸۱
أسمَعُ الأسماعِ

۹۰۶۶. **الإمامُ عليٌّ** ﷺ: أَلا إنَّ أبصَرَ الأبصارِ ما نَفَذَ في الخَيرِ طَرفُهُ، أَلا إنَّ أسمَعَ الأسماعِ ما وَعىٰ التَّذكيرَ وقَبِلَهُ.[۲]

۹۰۶۷. **الإمامُ الحسنُ** ﷺ: إنَّ أبصَرَ الأبصارِ ما نَفَذَ في الخَيرِ مَذهَبُهُ، وأسمَعُ الأسماعِ ما وَعَى التَّذكيرَ وانتَفَعَ بِهِ.[۳]

۱۸۸۲
مَن حُجِبَ سَمعُهُ

الكتاب:

﴿قُل إنَّما أُنذِرُكُم بِالوَحيِ وَلا يَسمَعُ الصُّمُّ الدُّعاءَ إذا ما يُنذَرُونَ﴾.[۴]

﴿وَإن تَدعُوهُم إلَى الهُدىٰ لا يَسمَعُوا وَتَراهُم يَنظُرُونَ إلَيكَ وَهُم لا يُبصِرُونَ﴾.[۵]

﴿وَلَقَد ذَرَأنا لِجَهَنَّمَ كَثيراً مِنَ الجِنِّ والإنسِ لَهُم قُلُوبٌ لا

اندرزهای شفابخش، اگر به دلهای پاک و گوشهای گیرا برخورند.

۱۸۸۱
شنواترین گوشها

۹۰۶۶. **امام علی**ﷺ: بدانید که بیناترین دیدگان دیده‌ای است که نگاهش به خیر و صلاح باشد. بدانید که شنواترین گوشها گوشی است که پند و اندرز را بشنود و پذیرایش شود.

۹۰۶۷. **امام حسن**ﷺ: بیناترین دیدگان دیده‌ای است که نگاه خود را به خیر و خوبی بدوزد و شنواترین گوشها، گوشی است که پند و اندرز را بشنود و از آن بهره برگیرد.

۱۸۸۲
گوش محجوب

قرآن:

«بگو: جز این نیست که من به وسیلهٔ وحی شمارا بیم می‌دهم ولی ناشنوایان چون بیم داده شوند، فریاد بیم را نمی‌شنوند».

«و اگر آنان را به راه راست بخوانی نمی‌شنوند و می‌بینی که به تو می‌نگرند درحالی که نمی‌بینند».

«ما بسیاری از جنّ و انس را برای جهنم آفریدیم.

---

۱. نهج البلاغة: الخطبة ۸۳. ۲. نهج البلاغة: الخطبة ۱۰۵.
۳. بحار الأنوار: ۱۷/۱۰۹/۷۸.
۴. الأنبياء: ۴۵. ۵. الأعراف: ۱۹۸.

يَفْقَهُونَ بِها وَلَهُمْ أَعْيُنٌ لا يُبْصِرُونَ بِها وَلَهُمْ آذانٌ لا يَسْمَعُونَ بِها أُولئِكَ كالأَنْعامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ أُولئِكَ هُمُ الْغافِلُونَ﴾.[1]

ایشان را دلهایی است که با آن نمی‌فهمند و چشمهایی است که با آنها نمی‌بینند و گوشهایی است که با آن نمی‌شنوند. اینان همانند چارپایانند حتی گمراهتر از آنهایند. اینان همان غافلانند».

﴿أَوَلَمْ يَهْدِ لِلَّذِينَ يَرِثُونَ الْأَرْضَ مِنْ بَعْدِ أَهْلِها أَنْ لَوْ نَشاءُ أَصَبْناهُمْ بِذُنُوبِهِمْ وَنَطْبَعُ عَلَى قُلُوبِهِمْ فَهُمْ لا يَسْمَعُونَ﴾.[2]

«آیا برای آنان که زمین را از پیشینیان به ارث برده‌اند، روشن ننموده است که اگر بخواهیم آنها را نیز به کیفر گناهانشان به عقوبت می‌رسانیم و بر دلهایشان مهر می‌زنیم تا نتوانند بشنوند؟».

﴿وَلَوْ عَلِمَ اللهُ فِيهِم خَيْراً لَأَسْمَعَهُمْ وَلَو أَسْمَعَهُمْ لَتَوَلَّوا وَهُمْ مُعْرِضُونَ﴾.[3]

«اگر خداوند در آنها خیری سراغ داشت، هر آینه شنوایشان می‌کرد و اگر هم آنان را شنوا ساخته بود، باز هم بر می‌گشتند و رویگردان می‌شدند».

﴿وَمِنْهُم مَنْ يَسْتَمِعُ إِلَيكَ وَجَعَلْنا عَلى قُلُوبِهِمْ أَكِنَّةً أَنْ يَفْقَهُوهُ وَفِي آذانِهِمْ وَقْراً وَإِنْ يَرَوا كُلَّ آيَةٍ لا يُؤْمِنُوا بِها حَتَّى إِذا جاءُوكَ يُجادِلُونَكَ يَقُولُ الَّذِينَ كَفَرُوا إِنْ هذا إِلَّا أَساطِيرُ الْأَوَّلِينَ﴾.[4]

«بعضی از آنها به سخن تو گوش می‌دهند ولی ما بر دلهایشان پرده‌ها افکنده‌ایم تا آن را درنیابند و گوشهایشان را سنگین کرده‌ایم و اگر هر آیتی را ببینند بدان ایمان نمی‌آورند و چون نزد تو آیند، با تو به مجادله پردازند. کافران می‌گویند که اینها چیزی جز اساطیر پیشینیان نیست».

﴿وَمِنْهُمْ مَنْ يَسْتَمِعُونَ إِلَيكَ أَفَأَنتَ تُسْمِعُ الصُّمَّ وَلَو كانُوا لا يَعْقِلُونَ﴾.[5]

«برخی از ایشان به تو گوش می‌دهند. آیا اگر درنیابند تو می‌توانی ناشنوایان را شنوا سازی».

﴿إِنَّكَ لا تُسْمِعُ الْمَوْتى وَلا تُسْمِعُ الصُّمَّ الدُّعاءَ إِذا وَلَّوا مُدْبِرِينَ﴾.[6]

«تو نمی‌توانی مردگان را شنوا سازی و آوای خود را به گوش کرانی که از تو روی می‌گردانند برسانی».

﴿وَما يَسْتَوِي الْأَحْياءُ وَلا الْأَمْواتُ إِنَّ اللهَ يُسْمِعُ مَنْ يَشاءُ وَما أَنتَ بِمُسْمِعٍ مَنْ فِي الْقُبُورِ﴾.[7]

«و زندگان و مردگان برابر نیستند؛ خدا هرکه را خواهد می‌شنواند و تو نمی‌توانی سخن خود را به مردگانی که در گور هستند بشنوانی».

---

۱. الأعراف: ۱۷۹.
۲. الأعراف: ۱۰۰.
۳. الأنفال: ۲۳.
۴. الأنعام: ۲۵.
۵. یونس: ۴۲.
۶. النمل: ۸۰.
۷. فاطر: ۲۲.

﴿وَقالُوا لَو كُنّا نَسْمَعُ أَوْ نَعْقِلُ ما كُنّا فِي أَصْحابِ السَّعِيرِ﴾.[1]

«و گفتند: اگر می‌شنیدیم یا می‌اندیشیدیم اهل این آتش سوزنده نبودیم».

لحديث:

حدیث:

۹۰۶۸. **الإمامُ عليٌّ** ﷺ: اِضرِبْ بِطَرفِكَ حَيثُ شِئتَ مِنَ الناسِ، فهَل تُبصِرُ (تَنظُرُ) إلّا فَقيراً يُكابِدُ فَقراً، أو غَنِيّاً بَدَّلَ نِعمَةَ اللهِ كُفراً، أو بَخيلاً اتَّخَذَ البُخلَ بِحَقِّ اللهِ وَفراً، أو مُتَمَرِّداً كَأَنَّ بِأُذُنِهِ عَن سَمعِ المَواعِظِ وَقراً؟![2]

۹۰۶۸. **امام علی**ﷺ: در هر کجا که خواهی به مردم نظری بیفکن، آیا جز فقیری را می‌بینی که از فقر در رنج است، یا ثروتمندی که نعمت خدا را کفران کرده است، یا بخیلی که برای افزودن بر دارایی خود، نسبت به حق خدا بخل می‌ورزد، یا متمرّدی که گویی از شنیدن پند و اندرزها کر است؟

۹۰۶۹. **عنه** ﷺ: ما كُلُّ ذِي قَلبٍ بِلَبِيبٍ، ولا كُلُّ ذِي سَمعٍ بِسَمِيعٍ، ولا كُلُّ ناظِرٍ بِبَصيرٍ.[3]

۹۰۶۹. **امام علی**ﷺ: نه هر که دلی دارد خردمند است، و نه هر که گوشی دارد شنواست، و نه هر که چشمی دارد بیناست.

۹۰۷۰. **عنه** ﷺ: يا أهلَ الكوفةِ، مُنِيتُ مِنكُم بِثَلاثٍ واثنَتَينِ: صُمٌّ ذَوُو أسماعٍ، وبُكمٌ ذَوُو كَلامٍ، وعُميٌ ذَوُو أبصارٍ، لا أحرارُ صِدقٍ عِندَ اللِّقاءِ، ولا إخوانُ ثِقَةٍ عِندَ البلاءِ![4]

۹۰۷۰. **امام علی**ﷺ: ای کوفیان! من به سه خصلت [که در شما هست] و دو خصلت [که اصلاً در شما نیست] گرفتار شده‌ام: با این که گوش دارید، کر هستید و با این که سخن می‌گویید، گنگید و با این که چشم دارید، کورید [و اما آن دو خصلت که ندارید:] نه هنگام رویارویی با دشمن آزادگانی با صداقت هستید و نه به گاه سختی و بلا، برادرانی مورد اعتماد می‌باشید!

۹۰۷۱. **عنه** ﷺ ـ مِن كتابٍ لَهُ إلىٰ قُثَمَ بنِ عبّاسٍ وهُو عامِلُهُ عَلىٰ مَكَّةَ ـ: أمّا بعدُ، فَإنَّ عَيني ـ بالمَغرِبِ ـ كَتَبَ إلَيَّ يُعلِمُني أنَّهُ وُجِّهَ إلى المَوسِمِ أُناسٌ مِن أهلِ الشامِ العُمي القُلوبِ، الصُّمِّ الأسماعِ، الكُمهِ الأبصارِ،

۹۰۷۱. **امام علی**ﷺ ـ در نامه‌ای به قُثم بن عباس، کارگزار خود در مکّه ـ نوشت: اما بعد، جاسوس من در مغرب به من نوشته و اطلاع داده است که عدّه‌ای از شامیان کور دل، که گوشهایشان [از شنیدن سخن حق] کر است و چشمهایشان [از دیدن حق]

---

۱. الملك: ۱۰. ۲. نهج البلاغة: الخطبة ۱۲۹.
۳. نهج البلاغة: الخطبة ۸۸. ۴. نهج البلاغة: الخطبة ۹۷.

الذين يَلبِسُونَ الحَقَّ بِالباطِلِ، ويُطِيعُونَ المَخلوقَ في مَعصيَةِ الخالِقِ.[۱]

۱۸۸۳
فاكِهَةُ السَّمعِ

۹۰۷۲. **الإمامُ زينُ العابدينَ ﷺ**: لِكُلِّ شَيءٍ فاكِهَةٌ، وفاكِهَةُ السَّمعِ الكلامُ الحَسَنُ.[۲]

(انظر) القرآن: باب ۳۲۵۹.

۱۸۸۳
رضايت بخشندهٔ گوش

۹۰۷۲. **امام زين العابدين ﷺ**: هر چيزى را رضايت بخشنده‌اى است، و رضايت بخشندهٔ گوش، سخن نيكوست.

۱۸۸۴
حُسنُ الاستِماعِ

۹۰۷۳. **الإمامُ عليٌّ ﷺ**: عَوِّدْ أُذُنَكَ حُسنَ الاستِماعِ، ولا تُصغِ إلىٰ ما لا يَزِيدُ في صَلاحِكَ استِماعُهُ.[۳]

۹۰۷۴. **عنه ﷺ**: سامِعُ ذِكرِ اللهِ ذاكِرٌ.[۴]

۹۰۷۵. **عنه ﷺ**: مَن أحسَنَ الاستِماعَ تَعَجَّلَ الانتِفاعَ.[۵]

۱۸۸۴
خوب شنيدن

۹۰۷۳. **امام علی ﷺ**: گوش خود را به خوب شنيدن عادت بده و به سخنانى كه شنيدنشان بر اصلاح و پاكى تو چيزى نمى‌افزايد گوش فرامده.

۹۰۷۴. **امام علی ﷺ**: شنوندهٔ ذكر خدا، ذاكر است.

۹۰۷۵. **امام علی ﷺ**: هركه خوب گوش كند، زود بهره‌مند شود.

۱۸۸۵
سوءُ الاستِماعِ

۹۰۷۶. **الإمامُ عليٌّ ﷺ**: السامِعُ شَرِيكُ القائلِ.[۶]

۱۸۸۵
بد شنيدن

۹۰۷۶. **امام علی ﷺ**: شنونده، شريك گوينده است.

---

۱. نهج البلاغة: الكتاب ۳۳. ۲. بحار الأنوار: ۷۸/۱۶۰/۲۱.
۳. غرر الحكم: ۶۲۳۴. ۴. غرر الحكم: ۵۵۷۹.
۵. غرر الحكم: ۹۲۴۳. ۶. غرر الحكم: ۵۱۸.

۹۰۷۷ . عنه ﷺ: سامِعُ هُجْرِ القَولِ شَريكُ القائلِ.[۱]

۹۰۷۸ . عنه ﷺ: سامِعُ الغِيبَةِ أحدُ المُغتابَينِ.[۲]

۹۰۷۹ . عنه ﷺ: إذا سَمِعتَ مِن المَكروهِ ما يُؤذِيكَ فَتَطَأطَأْ لَهُ يُخطِكَ.[۳]

(انظر) الغيبة: باب ۳۰۹۲.

۱۸۸۶
ما فُرِضَ عَلَى السَّمعِ

الكتاب:

﴿وَلا تَقْفُ ما لَيسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ إنَّ السَّمعَ والبَصَرَ والفُؤادَ كُلُّ أُولئكَ كانَ عَنْهُ مَسؤولاً﴾.[۴]

﴿وَقَد نَزَّلَ عَلَيكُم فِي الكِتابِ أنْ إذا سَمِعتُم آياتِ اللهِ يُكْفَرُ بِها وَيُستَهزأُ بِها فَلا تَقْعُدُوا مَعَهُم حَتّىٰ يَخُوضُوا فِي حَدِيثٍ غَيرِهِ إنَّكُم إذاً مِثْلُهُم إنَّ اللهَ جامِعُ المُنافِقِينَ والكافِرِينَ فِي جَهَنَّمَ جَمِيعاً﴾.[۵]

الحديث:

۹۰۸۰ . الإمامُ عليٌّ ﷺ: فَفَرَضَ على السَّمعِ أن لا تُصغِيَ بِهِ إلى المَعاصِي، فقالَ عَزَّوجلَّ: ﴿وَقَدْ نَزَّلَ عَلَيكُم فِي الكِتابِ أنْ إذا سَمِعتُم آياتِ اللهِ يُكْفَرُ بِها وَيُستَهزأُ بِها فَلا تَقْعُدُوا

۹۰۷۷ . **امام علی**ﷺ: شنوندهٔ سخن زشت و مبتذل، شریک گوینده است.

۹۰۷۸ . **امام علی**ﷺ: شنوندهٔ غیبت، دومین غیبت کننده است.

۹۰۷۹ . **امام علی**ﷺ: هرگاه سخن زشت آزار دهنده‌ای شنیدی، سرت را پایین انداز (آن را ناشنیده بگیر) تا از تو بگذرد.

۱۸۸۶
وظایف گوش

قرآن:

«از آنچه تو را بدان آگاهی نیست پیروی مکن، همانا گوش و چشم و دل همگی باز خواست می‌شوند».

«و در این کتاب بر شما نازل کرد که چون شنیدید کسانی آیات خدا را انکار می‌کنند و آن را به ریشخند می‌گیرند، با آنان منشینید تا آن گاه که به سخنی دیگر پردازند و گرنه شما نیز همانند آنها خواهید بود و خدا همهٔ منافقان و کافران را در جهنم گرد می‌آورد».

حدیث:

۹۰۸۰ . **امام علی**ﷺ: پس بر گوش این وظیفه نهاده شده که با آن به معاصی گوش ندهی؛ خداوند عزّوجلّ فرموده است: «و در این کتاب بر شما نازل کرد که چون شنیدید کسانی آیات خدا را انکار می‌کنند و آن را به ریشخند می‌گیرند، با آنان منشینید تا آن گاه

---

۱ . غرر الحكم: ۵۵۸۱. ۲ . غرر الحكم: ۵۵۸۳.
۳ . غرر الحكم: ۴۱۶۶. ۴ . الإسراء: ۳۶.
۵ . النساء: ۱۴۰.

مَعَهُم حَتّىٰ يَخوضُوا فِي حَدِيثٍ غَيرِهِ إنَّكُم إذاً مِثْلُهُم إنَّ اللهَ جامِعُ المُنافِقِينَ والكافِرِينَ فِي جَهَنَّمَ جَمِيعاً﴾.[1]

۹۰۸۱ . الإمامُ الصّادقُ ﷺ: فَرَضَ عَلَى السَّمعِ أن يَتَنَزَّهَ عنِ الاستِماعِ إلىٰ ما حَرَّمَ اللهُ، وأن يُعرِضَ عَمّا لا يَحِلُّ له مِمّا نَهَى اللهُ عَزَّوجلَّ عَنهُ، والإصغاءِ إلىٰ ما أسخَطَ اللهَ عَزَّوجلَّ، فقالَ في ذلكَ: ﴿وقَدْ نَزَّلَ علَيكُمْ فِي الكِتابِ أنْ إذا سَمِعتُم آياتِ اللهِ يُكفَرُ بِها وَيُستَهزأُ بِها فَلا تَقعُدُوا مَعَهُم حَتّىٰ يَخوضُوا فِي حَدِيثٍ غَيرِهِ إنَّكُم إذاً مِثْلُهُم إنَّ اللهَ جامِعُ المُنافِقِينَ والكافِرِينَ فِي جَهَنَّمَ جَمِيعاً﴾.[2]

(انظر) عنوان ۷۱ «المجلس»، ۷۲ «المجالسة».

که به سخنی دیگر پردازند و گرنه شما نیز همانند آنها خواهید بود و خدا همهٔ منافقان و کافران را در جهنم گرد می‌آورد».

۹۰۸۱ . امام صادق ﷺ: بر گوش فرض شده است که از گوش دادن به آنچه خداوند حرام کرده دوری کند، از آنچه خداوند عزّوجلّ نهی کرده و شنیدنش بر آن حلال نیست اعراض کند و به آنچه خداوند عزّوجلّ را ناخشنود و خشمگین می‌کند گوش ندهد. پس در این باره فرمود: «و در این کتاب بر شما نازل کرد که چون شنیدید کسانی آیات خدا را انکار می‌کنند و آن را به ریشخند می‌گیرند، با آنان منشینید تا آن گاه که به سخنی دیگر پردازند و گرنه شما نیز همانند آنها خواهید بود و خدا همهٔ منافقان و کافران را در جهنم گرد می‌آورد».

۱ . كتاب من لا يحضره الفقيه: ۳۲۱۵/۶۲۶/۲.
۲ . الكافي: ۱/۳۵/۲.

الأسماء

نامها

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

ولمزيد الاطّلاع راجع:

بحار الأنوار: ١٠٤/١٢٧ باب ١٠٨ «الأسماء والكُنىٰ».

كنز العمّال: ١٦/٤١٧، ٥٨٨ «في الأسماء والكُنىٰ».

كنز العمّال: ١٦/٥٩٢ «محظورات الأسماء».

۴۰۶ ـــــــ

الأنبياءِ.[1]

۹۰۸۶. **الإمامُ الباقرُ** ﷺ: أصدَقُ الأسماءِ ما سُمِّيَ بِالعُبُودِيَّةِ، وأفضَلُها أسماءُ الأنبياءِ.[2]

۹۰۸۷. **الإمامُ الصّادقُ** ﷺ ـ لَمّا سُئلَ عنِ التَّسميَةِ بِأسماءِ الأئمّةِ، أفِي ذلك نَفعٌ؟ ـ: إي واللهِ، وهَلِ الدِّينُ إلّا الحُبُّ؟! قالَ اللهُ: ﴿إنْ كُنتُمْ تُحِبُّونَ اللهَ فاتَّبِعُوني يُحبِبْكُمُ اللهُ ويَغفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُم﴾.[3][4]

(انظر) وسائل الشيعة: ۱۵ / ۱۲۴ باب ۲۳.

۱۸۸۹
استِبدالُ الأسماءِ القَبيحَةِ

۹۰۸۸. **الإمامُ الباقرُ** ﷺ: كانَ رسولُ اللهِ ﷺ يُغَيِّرُ الأسماءَ القَبيحَةَ في الرِّجالِ والبُلدانِ.[5]

۹۰۸۹. **اسد الغابة**: ـ في ترجمةِ حبيبِ بنِ مَروانَ ـ: وَفَدَ علىٰ النَّبيِّ ﷺ فقالَ: ما اسمُكَ؟ فقالَ: بَغِيضٌ، فقالَ: أنتَ حَبِيبٌ. فَسَمّاهُ حَبيباً.[6]

---

۱. مكارم الأخلاق: ۱۶۲۶/۴۷۴/۱.
۲. الكافي: ۱/۱۸/۶. ۳. آل عمران: ۳۱.
۴. تفسير العياشي: ۲۸/۱۶۸/۱.
۵. بحار الأنوار: ۴/۱۲۷/۱۰۴.
۶. أسد الغابة: ۱۰۶۷/۶۸۱/۱.

پیامبران بنامید.

۹۰۸۶. **امام باقر**ﷺ: راست‌ترین نامها، نامی است که گویای عبودیت باشد و بهترین نامها، نامهای پیامبران است.

۹۰۸۷. **امام صادق**ﷺ ـ در پاسخ به این سؤال که: آیا نامگذاری [فرزندان] به نامهای ائمه سودی دارد؟ ـ فرمود: آری به خدا، مگر دین جز محبت است؟ خداوند فرموده است: «اگر خدا را دوست دارید از من پیروی کنید تا خدا دوستتان بدارد و گناهانتان را ببخشاید».

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

۱۸۸۹
تغییر دادن نامهای زشت

۹۰۸۸. **امام باقر**ﷺ: رسول خداﷺ، نامهای زشت مردها و شهرها را تغییر می‌داد.

۹۰۸۹. **اسد الغابة** ـ در شرح حال حبیب بن مروان ـ: به عنوان نمایندهٔ اعزامی خدمت پیامبرﷺ رسید، حضرت پرسید: نامت چیست؟ عرض کرد: بغیض. حضرت فرمود: تو حبیب هستی و بدین ترتیب، او را حبیب نام نهاد.

۹۰۹۰. سنن أبي داوود عن ابن عمر: إنَّ رسولَ اللهِ ﷺ غَيَّرَ اسمَ «عاصِيَةَ» وقالَ: أنتِ جَمِيلَةٌ.[1]

(انظر) سنن أبي داوود: ۴ / ۲۸۸ / ۴۹۵۲ ـ ۴۹۶۱.

۹۰۹۰. سنن أبی داوود به نقل از ابن عمر: رسول خدا ﷺ نام «عاصیه (گناهکار)» را عوض کرد و فرمود: تو «جمیله (زیبا)» هستی.

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

۱. سنن أبي داوود: ۴۹۵۲/۲۸۸/۴.

أسماء الله

نامهای خدا

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

ولمزيد الاطّلاع راجع:

بحار الأنوار: ۷۶/۳۰۴ باب ۵۸ «الافتتاح بالتّسمية عند كلّ فعل».

بحار الأنوار: ۹۳/۲۲۳ باب ۱۱ «الاسم الأعظم».

بحار الأنوار: ۹۳/۲۳۶ باب ۱۳ «أسماء الله الحسنى».

بحار الأنوار: ۴/۱۵۳ «أبواب أسمائه تعالى وحقائقها وصفاتها ومعانيها».

كنز العمّال: ۱/۴۴۸ «في أسماء الله الحسنى».

كنز العمّال: ۱/۴۵۱ «في اسم الله الأعظم».

انظر:

الكتاب: باب ۳۳۹۴.

۱۸۹۰
بِسمِ اللهِ الرَّحمٰنِ الرَّحيمِ

الكتاب:

﴿إِنَّهُ مِنْ سُلَيْمانَ وَإِنَّهُ بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ﴾.[1]

الحديث:

۹۰۹۱ . **رسولُ اللهِ ﷺ:** بِسمِ اللهِ الرحمٰنِ الرحيمِ مِفتاحُ كُلِّ كِتابٍ.[2]

۹۰۹۲ . **عنه ﷺ:** كُلُّ أمرٍ ذِي بالٍ لا يُبدَأُ فِيهِ بِبِسمِ اللهِ [الرحمٰنِ][3] الرحيمِ أقطَعُ.[4]

۹۰۹۳ . **كنز العمّال** عَن سليمانَ بنِ بُريدة عَن أبيه عن رسولِ اللهِ ﷺ: أَلا اُنَبِّئُكَ بِآيَةٍ لَم تُنزَلْ عَلىٰ أحَدٍ بعدَ سُليمانَ بنِ داودَ غَيرِي؟ بِسمِ اللهِ الرحمٰنِ الرحيمِ.[5]

۹۰۹۴ . **الإمامُ الصّادقُ ﷺ:** لا تَدَعْ بِسمِ اللهِ الرحمٰنِ الرحيمِ وإن كانَ بَعدَهُ شِعرٌ.[6]

۹۰۹۵ . **عنه ﷺ:** لَرُبَّما تَرَكَ بَعضُ شِيعَتِنا في افتِتاحِ أمرِهِ بِسمِ اللهِ الرحمٰنِ الرحيمِ، فَيَمتَحِنُهُ اللهُ

---

۱ . النمل: ۳۰. ۲ . كنز العمّال: ۲۴۹۰.
۳ . مابين المعقوفين سقط من المصدر.
۴ . كنز العمّال: ۲۴۹۱. ۵ . كنز العمّال: ۲۴۹۲.
۶ . الكافي: ۱/۶۷۲/۲.

۱۸۹۰
بسم الله الرحمن الرحيم

قرآن:

«نامه از سليمان است و اين است: به نام خداى بخشايندهٔ مهربان».

حديث:

۹۰۹۱ . **پيامبر خدا ﷺ:** بسم الله الرحمن الرحيم سرآغاز هر نوشته‌اى است.

۹۰۹۲ . **پيامبر خدا ﷺ:** هر كارمهمى كه با بسم الله الرحمن الرحيم آغاز نشود، بى فرجام است.

۹۰۹۳ . **كنز العمّال** به نقل از سليمان بن بريده از پدرش از پيامبر خدا ﷺ: آيا تو را از آيه‌اى آگاه نكنم كه بعد از سليمان بن داود بر احدى جز من نازل نشده است؟ آن بسم الله الرحمن الرحيم است.

۹۰۹۴ . **امام صادق ﷺ:** گفتن بسم الله الرحمن الرحيم را ترک نكن، حتى اگر پس از آن شعرى باشد.

۹۰۹۵ . **امام صادق ﷺ:** گاه فردى از شيعيان ما كار خود را با بسم الله الرحمن الرحيم آغاز نمى‌كند و بدان سبب خداوند عزّوجلّ او را به گرفتارى و امرى ناخوشايند مبتلا

بِمَكرُوهٍ لِيُنَبِّهَهُ علىٰ شُكرِ اللهِ تبارَكَ وتعالىٰ والثَّناءِ علَيهِ.[۱]

می‌کند، تا او را به ذکر سپاس و ستایش خداوند تبارک و تعالی متنبه سازد.

۱۸۹۱
تَفسيرُ أسماءِ اللهِ

۹۰۹۶. الإمامُ الصّادقُ ﷺ: اللهُ مُشتَقٌّ مِن إلٰهٍ، وَإلٰـهٌ يَقتَضِي مَألُوهاً، والاسمُ غيرُ المُسَمّىٰ، فَمَن عَبَدَ الاسمَ دُونَ المَعنىٰ فَقَد كَفَرَ ولَم يَعبُدْ شيئاً، ومَن عَبَدَ الاسمَ والمَعنىٰ فَقد أشرَكَ وعَبَدَ الاثنَينِ، ومَن عَبَدَ المَعنىٰ دُونَ الاِسمِ فذاكَ التَّوحيدُ.[۲]

۱۸۹۱
تفسیر نامهای خدا

۹۰۹۶. امام صادق ﷺ: الله، مشتق از إله (شیدایی یا تحیّر) است و إله مقتضی و مستلزم وجود مألوه (معبودی) می‌باشد و نام غیر از صاحب نام است؛ پس، هر کس تنها نام را بپرستد، کافر است و چیزی را عبادت نکرده است و هر کس نام و معنا، هردو، را بپرستد، شرک ورزیده و دوگانه پرست شده است و هرکس تنها معنا (صاحب نام) را بپرستد، نه نام را، این یکتا پرستی است.

۹۰۹۷. الإمامُ الرِّضا ﷺ: أسماؤهُ تَعبيرٌ، وأفعالُهُ تَفهيمٌ، وذاتُهُ حَقيقَةٌ.[۳]

۹۰۹۷. امام رضا ﷺ: نامهای او تعبیر [ی از او] است و افعالش تفهیم و ذاتش حقیقت.

۱۸۹۲
اسمُ اللهِ الأعظَمُ

الكتاب:

﴿قالَ الَّذِي عِندَهُ عِلمٌ مِنَ الكِتابِ أنا آتِيكَ بِهِ قَبلَ أن يَرتَدَّ إلَيكَ طَرفُكَ فَلَمّا رَآهُ مُستَقِرّاً عِندَهُ قالَ هٰذا مِن فَضلِ رَبّي لِيَبلُوَنِي أأشكُرُ أم أكفُرُ ومَن شَكَرَ فَإنَّما يَشكُرُ لِنَفسِهِ ومَن كَفَرَ فَإنَّ رَبّي غَنِيٌّ كَرِيمٌ﴾.[۴]

۱۸۹۲
اسم اعظم خدا

قرآن:

«وآن کس که از علم کتاب بهره‌ای داشت گفت: من پیش از آن که چشم برهم زنی، آن را نزد تو می‌آورم. چون آن را نزد خود دید گفت: این بخشش پروردگار من است، تا مرا بیازماید که سپاس می‌گزارم یا کفران نعمت می‌کنم. پس هرکه سپاس گوید برای خود گفته است و هرکه کفران ورزد پروردگار من بی‌نیاز و کریم است».

---

۱. التوحيد: ۵/۲۳۱.
۲. التوحيد: ۱۳/۲۲۱.
۳. التوحيد: ۲/۳۶.
۴. النمل: ۴۰.

الحديث:

۹۰۹۸ . الإمامُ الباقرُ ﷺ: إنَّ اسمَ اللهِ الأعظَمَ علىٰ ثلاثةٍ وسَبعينَ حَرفاً، وإنّما كانَ عندَ آصَفَ مِنها حَرفٌ واحِدٌ فَتَكَلَّمَ بِهِ فَخَسَفَ بِالأرضِ ما بَينَهُ وبينَ سَريرِ بِلقيسَ حتّىٰ تَناوَلَ السَّريرَ بِيَدِهِ، ثُمّ عادَتِ الأرضُ كما كانَت أسرَعَ مِن طَرفَةِ العَينِ، ونحنُ عِندَنا مِنَ الاسمِ الأعظَمِ اثنانِ وسَبعونَ حَرفاً، وحَرفٌ عِندَ اللهِ تَبارَكَ وتعالىٰ استَأثَرَ بِهِ في عِلمِ الغَيبِ عِندَهُ، ولا حَولَ ولا قُوَّةَ إلّا بِاللهِ العَلِيِّ العظيمِ.[1]

۹۰۹۹ . الإمامُ الصّادقُ ﷺ: اسمُ اللهِ الأعظمُ مُقَطَّعٌ في أُمِّ الكِتابِ.[2]

۹۱۰۰ . عنه ﷺ: إنَّ اللهَ عَزَّوجلَّ جَعَلَ اسمَهُ الأعظَمَ علىٰ ثلاثَةٍ وسَبعينَ حَرفاً، فَأعطىٰ آدَمَ مِنها خَمسةً وعِشرينَ حَرفاً، وأعطىٰ نُوحاً مِنها خَمسةً وعِشرينَ حَرفاً، وأعطىٰ مِنها إبراهيمَ ثمانيةَ أحرُفٍ، وأعطىٰ موسىٰ مِنها أربَعةَ أحرُفٍ، وأعطىٰ عيسىٰ مِنها حَرفَينِ وكانَ يُحيي بِهِما المَوتىٰ ويُبرِئُ الأكمَهَ والأبرَصَ، وأعطىٰ

۱ . بحار الأنوار: ۵/۱۱۳/۱۴ ۲ . ثواب الأعمال: ۱/۱۳۰ .

حديث:

۹۰۹۸ . امام باقر ﷺ: نام اعظم خدا هفتاد و سه حرف است كه آصف يک حرف آن را می‌دانست و آن را به زبان آورد؛ پس، هر آنچه ميان آصف و تخت بلقيس بود در كام زمين فرو رفت و آصف دست دراز كرد و تخت را برداشت و سپس زمين به حال نخست برگشت و اين همه در يک چشم بر هم زدن رخ داد. هفتاد و دو حرف از اسم اعظم نزد ماست و يک حرف نزد خداوند تبارک و تعالی می‌باشد و آن رابه علم غيب خود ويژه گردانيده است و هيچ قدرت و توانی جز از خدای بلند مرتبهٔ بزرگ نيست.

۹۰۹۹ . امام صادق ﷺ: اسم اعظم خداوند، در اُمّ الكتاب (سورهٔ فاتحه) مندرج است.

۹۱۰۰ . امام صادق ﷺ: خداوند عزّوجلّ اسم اعظم خود را بر هفتاد و سه حرف نهاد؛ از آن شمار، بيست و پنج حرف به آدم داد و بيست و پنج حرف به نوح و هشت حرف به ابراهيم و چهار حرف به موسی و دو حرف به عيسی كه به كمک آن دو، مردگان را زنده می‌كرد و كوران مادرزاد و مبتلايان به پيسی را شفا می‌بخشيد و هفتاد و دو

محمّداً اثنَينِ وسَبعينَ حَرفاً، واحتَجَبَ حَرفاً لِئلّا يُعلَمَ ما في نفسِهِ ويَعلَمُ ما في نَفسِ العِبادِ.[1]

۹۱۰۱. **الإمامُ العسكريُّ**ﷺ: بِسمِ اللهِ الرحمٰنِ الرحيمِ أقرَبُ إلىٰ اسمِ اللهِ الأعظَمِ مِن سَوادِ العَينِ إلىٰ بَياضِها.[2]

۹۱۰۱. **امام عسکری**ﷺ: بسم الله الرحمن الرحیم، به نام اعظم خدا، نزدیکتر از سیاهی چشم به سفیدی آن است.

۹۱۰۲. **الكنى والألقاب** عن سعدِ الخَفّافِ ـ لِزاذانَ أبي عمرةَ ـ: يا زاذانُ، إنَّكَ لَتَقرَأُ القرآنَ فَتُحسِنُ قِراءَتَهُ، فَعَلىٰ مَن قَرَأتَ؟ قال: فَتَبَسَّمَ ثُمّ قالَ: إنَّ أميرَ المؤمنينَﷺ مَرَّ بي وأنا أُنشِدُ الشِّعرَ، وكانَ لي خَلقٌ حَسَنٌ فَأعجَبَهُ صَوتي، فقالَ: يا زاذانُ، فَهَلّا بِالقرآنِ؟! قلتُ: يا أميرَ المؤمنينَ، وكيفَ لي بالقرآنِ؟! فَواللهِ ما أقرَأُ مِنهُ إلّا بِقَدرِ ما أُصَلّي بِهِ. قالَ: فادْنُ مِنّي، فَدَنَوتُ مِنهُ فَتَكَلَّمَ في أُذُني بكلامٍ ما عَرَفتُهُ ولا عَلِمتُ ما يَقولُ، ثُمّ قالَ: افتَحْ فاكَ، فَتَفَلَ في فِيَّ، فواللهِ ما زالَت قَدَمي مِن عِندِهِ حَتّىٰ حَفِظتُ القُرآنَ بِإعرابِهِ وهَمزِهِ، وما احتَجتُ أن أسألَ عَنهُ أحَداً بَعدَ موقِفي ذلكَ.

۹۱۰۲. **الكنى والألقاب** به نقل از سعد خفّاف: به ابو عمره زادان گفتم: ای زادان! تو نیکو قرآن قرائت می‌کنی، نزد چه کسی قرائت آموخته‌ای؟ زادان تبسمی کرد و گفت: روزی در حال خواندن شعری بودم که امیر المؤمنینﷺ بر من گذشت. من صدایی خوش داشتم. حضرت از صدای من خوشش آمد و فرمود: ای زادان! چرا قرآن تلاوت نمی‌کنی؟ عرض کردم: یا امیر المؤمنین! چگونه قرآن بخوانم؟ به خدا سوگند از قرآن چیزی بیش از همان مقدار که در نماز می‌خوانم، نمی‌دانم. حضرت فرمود: نزدیک من آی. من به ایشان نزدیک شدم. پس، در گوش من سخنی گفت که نفهمیدم چه بود و چه گفت. سپس فرمود: دهانت را باز کن و آب مبارک دهانش را در دهانم گذاشت. به خدا

۱. بحار الأنوار: ۵/۲۱۱/۴. ۲. بحار الأنوار: ۶/۳۷۱/۷۸.

قالَ سعدٌ: فَقَصَصتُ قِصَّةَ زاذانَ علىٰ أبي جعفرٍ ﷺ قالَ: صَدَقَ زاذانُ، إنَّ أميرَ المؤمنينَ دَعا لِزاذانَ بِالاسمِ الأعظَمِ الذي لا يُرَدُّ.[1]

(انظر) بحار الأنوار: ۹۳ / ۲۲۳ باب ۱۱.

قسم هنوز از نزد آن حضرت قدمی بر نداشته بودم که قرآن را با اِعراب و قرائتش از بر بودم و از آن پس هرگز نیازی پیدا نکردم که از کسی چیزی دربارهٔ قرآن بپرسم.

من این داستان زادان را برای امام باقر ﷺ بازگو کردم، حضرت فرمود: زادان راست گفته است. امیر المؤمنین ﷺ با نام اعظم برای زادان دعا کرد و چنین دعایی هرگز ردّ نمی‌شود.

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

۱. الکنی والألقاب: ۱۲۸/۱.

السُّنّة

سنّت

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

ولمزيد الاطّلاع راجع:

بحار الأنوار: ٢/ ٢٦١ باب ٣٢ «البِدعة والسنّة».

كنز العمّال: ١/ ١٧٢، ٣٧٠ «الاعتصام بالكتاب والسنّة».

بحار الأنوار: ٧١/ ٢٥٧ باب ٧٢ «من سنّ سنّة حسنة».

بحار الأنوار: ٧١/ ٢٦١ باب ٧٥ «من سنّ سنّة على نفسه».

انظر:

عنوان ٣٢ «البِدعة».

۱۸۹۳

الحَثُّ عَلىٰ لُزومِ السُّنَّةِ

۹۱۰۳. رسولُ اللهِ ﷺ: لا قَولَ إلّا بِعَمَلٍ، ولا قَولَ ولا عَمَلَ إلّا بِنِيَّةٍ، ولا قَولَ ولا عَمَلَ ولا نِيَّةَ إلّا بِإصابَةِ السُّنَّةِ.[۱]

۹۱۰۴. عنه ﷺ: إنَّ لِكُلِّ عَمَلٍ شِرَّةً، ولِكُلِّ شِرَّةٍ فَتْرَةً، فَمَن كانَت فَتْرَتُهُ إلىٰ سُنَّتي فقدِ اهتَدىٰ، ومَن كانَت إلىٰ غَيرِ ذلكَ فقد هَلَكَ.[۲]

۹۱۰۵. عنه ﷺ: ألا إنَّ لِكُلِّ عِبادَةٍ شِرَّةً ثُمَّ تَصيرُ إلىٰ فَترةٍ، فمَن صارَت شِرَّةُ عِبادَتِهِ إلىٰ سُنَّتي فقدِ اهتَدىٰ، ومَن خالَفَ سُنَّتي فقد ضَلَّ وكانَ عَمَلُهُ في تَبابٍ، أما إنّي اُصَلّي وأنامُ وأصُومُ وأُفطِرُ وأضحَكُ وأبكي، فَمَن رَغِبَ عن مِنهاجي وسُنَّتي فَليسَ مِنّي.[۳]

۹۱۰۶. عنه ﷺ: صاحِبُ السُّنَّةِ إن عَمِلَ خَيراً قُبِلَ مِنهُ، وإن خَلَطَ غُفِرَ لَهُ.[۴]

---

۱. الكافي: ۹/۷۰/۱.
۲. كنز العمّال: ۴۴۴۳۹.
۳. الكافي: ۱/۸۵/۲.
۴. كنز العمّال: ۹۱۱.

۱۸۹۳

ترغیب به پایبندی به سنّت

۹۱۰۳. **پیامبر خدا ﷺ**: هیچ گفتاری، جز با کردار ارزش ندارد و هیچ گفتار و کرداری، جز با نیّت و هیچ گفتار و کردار و نیّتی، جز با انطباق بر سنّت.

۹۱۰۴. **پیامبر خدا ﷺ**: هر کاری را [در آغاز] شور و نشاطی است و هر شور و نشاطی را [سر انجام] سکون و آرامشی است؛ هرکس به سنّت من سکون و آرامش یابد، هر آینه رهیافته گشته است و هرکس سکون و آرامشش به غیر آن [یعنی به بدعت] باشد، بی‌گمان هلاک شده است.

۹۱۰۵. **پیامبر خدا ﷺ**: هان! هر عبادتی را جوش و خروشی است که سرانجام فروکش می‌کند. پس، هرکس جوش و خروش عبادتش به سنّت من آرام گیرد، هدایت شده است و هرکه با سنّت من مخالفت ورزد، گمراه شده است و عملش بر باد رفته می‌باشد. بدانید که من نماز می‌خوانم، می‌خوابم، روزه می‌گیرم، افطار می‌کنم، می‌خندم و می‌گریم؛ پس هرکه از روش و سنّت من روی گرداند، از من نیست.

۹۱۰۶. **پیامبر خدا ﷺ**: پایبند سنّت اگر خوب عمل کند، عملش پذیرفته است و اگر اشتباه کند بخشوده می‌شود.

۹۱۰۷ . الإمامُ عليٌّ ﷺ: طُوبىٰ لِمَن ... وَسِعَتهُ السُّنَّةُ، ولَم يُنسَبْ إلى البِدعَةِ.[1]

۹۱۰۷ . امام علی ﷺ: خوشا به حال کسی که... در چارچوب سنّت جای گیرد و به بدعت منسوب نشود.

۹۱۰۸ . الإمامُ زينُ العابدينَ ﷺ: إنَّ أفضَلَ الأعمالِ عندَ اللهِ ما عُمِلَ بِالسُّنَّةِ وإن قَلَّ.[2]

۹۱۰۸ . امام زین العابدین ﷺ: برترین کارها نزد خداوند، کاری است که طبق سنّت عمل شود، گر چه اندک باشد.

۱۸۹۴

تَقريرٌ[3] فِي الأخذِ بِالكِتابِ وَالسُّنَّةِ

۱۸۹۴

گزارشی[1] در باب تمسّک به کتاب و سنّت

۹۱۰۹ . رسولُ اللهِ ﷺ: خَلَّفتُ فيكُم شَيئَينِ لَن تَضِلُّوا بَعدَهُما: كتابَ اللهِ وسُنَّتي، ولَن يَتَفَرَّقا حتّىٰ يَرِدا عَلَيَّ الحَوضَ.[4]

۹۱۰۹ . پیامبر خدا ﷺ: در میان شما دو چیز باقی می‌گذارم، که با وجود آنها هرگز گمراه نخواهید شد: کتاب خدا و سنّت من؛ این دو از هم جدا نشوند تا بر حوض [کوثر] بر من وارد شوند.

۹۱۱۰ . عنه ﷺ: تَرَكتُ فيكُم شَيئَينِ لَن تَضِلُّوا بَعدَهُما: كتابَ اللهِ وسُنَّتي، ولَن يَتَفَرَّقا حَتّىٰ يَرِدا عَلَيَّ الحَوضَ.[5]

۹۱۱۰ . پیامبر خدا ﷺ: در میان شما دو چیز می‌گذارم که با وجود آنها هرگز گمراه نخواهید شد: کتاب خدا و سنّت من. این دو هرگز از هم جدا نشوند تا کنار حوض [کوثر] بر من در آیند.

(انظر) الإمامة العامة: باب ۱۵۶.

---

۱. نهج البلاغة: الحكمة ۱۲۳.

۲. الكافي: ۱/۷۰/۷.

۳. لا شك في وجوب الأخذ بالسنّة ولكن هذا النقل لا اعتبار له، ويبدوا أنّه وضع في قبال حديث الثقلين المتواتر الذي قبله الشيعة والسنّة. أكّدت النقول المختلفة من حديث الثقلين على الإتحاد بين القرآن و عترة الرسول ﷺ.

يجدر الإشارة إلى إنّنا أوردنا بياناً مفصلاً حول عدم حجيّة هذا الصنف من الروايات، في رسالة «الإمام المهدي من منظار حديث الثقلين».

۴. كنز العمّال: ۸۷۵.

۵. كنز العمّال: ۸۷۶.

---

۱. تردیدی در وجوب عمل به سنت رسول خدا ﷺ نیست ولی این گزارش‌ها اعتبار ندارند و ظاهراً در برابر حدیث متواتر ثقلین که مورد قبول شیعه و سنّی است ساخته شده‌اند. در نقل‌های متعدّد و مکرّر حدیث ثقلین، پیوستگی میان قرآن و عترت پیامبر ﷺ بیان شده است.

گفتنی است که تحلیل جامعی پیرامون بی‌اعتباری این روایات، در رسالهٔ «امام مهدی (عج) از نگاه حدیث ثقلین» آورده‌ایم.

۱۸۹۵
تَصنيفُ السُّنَّةِ

۹۱۱۱ . رسولُ اللهِ ﷺ: السُّنَّةُ سُنَّتانِ: سُنَّةٌ في فَريضَةٍ الأخذُ بَعدي بها هُدىً وتَركُها ضَلالَةٌ، وسُنَّةٌ في غيرِ فَريضَةٍ الأخذُ بها فَضيلَةٌ وتَركُها غَيرُ خَطيئةٍ.[1]

۹۱۱۲ . عنه ﷺ: السُّنَّةُ سُنَّتانِ: مِن نَبِيٍّ أو مِن إمامٍ عادِلٍ.[2]

۱۸۹۵
طبقه بندی سنّت

۹۱۱۱ . **پیامبر خدا**ﷺ: سنّت دو گونه است: سنّت واجب، که پس از من عمل به آن موجب هدایت است و ترک آن گمراهی، و سنّت غیر واجب، که عمل به آن فضیلت است و ترک آن گناه نیست.

۹۱۱۲ . **پیامبر خدا**ﷺ: سنّت دو نوع است: یا از یک پیامبر است یا از یک پیشوای دادگر.

۱۸۹۶
جَزاءُ مَن سَنَّ سُنَّةً

۹۱۱۳ . رسولُ اللهِ ﷺ: مَن سَنَّ سُنَّةً حَسَنَةً عُمِلَ بها مِن بَعدِهِ كانَ لَهُ أجرُهُ ومِثلُ أُجُورِهِم مِن غَيرِ أن يَنقُصَ مِن أُجُورِهِم شيئاً، ومَن سَنَّ سُنَّةً سَيِّئَةً فَعُمِلَ بها بَعدَهُ كانَ عَلَيهِ وِزرُهُ ومِثلُ أوزارِهِم مِن غَيرِ أن يَنقُصَ مِن أوزارِهِم شيئاً.[3]

۹۱۱۳ . الإمامُ الباقرُ ﷺ: أيُّما عَبدٍ مِن عِبادِ اللهِ سَنَّ سُنَّةَ هُدىً كانَ لَهُ أجرٌ مِثلُ أجرِ مَن عَمِلَ بذلكَ مِن غَيرِ أن يُنقَصَ مِن أُجُورِهِم

۱۸۹۶
سزای کسی که سنّتی بگذارد

۹۱۱۳ . **پیامبر خدا**ﷺ: هرکه سنّت نیکویی بگذارد که پس از مرگش بدان عمل شود، هم اجر خودش را دارد وهم به اندازهٔ اجر کسانی که به آن عمل می‌کنند؛ بی آن که از اجر ایشان چیزی کم شود. و هرکه سنّت ناپسندی بنهد و پس از مرگش بدان رفتار شود، گنهکار است و به اندازهٔ گناهان کسانی که به آن سنّت عمل می‌کنند نیز برایش گناه باشد؛ بی آن که از گناه آنان چیزی کم شود.

۹۱۱۴ . **امام باقر**ﷺ: هر بنده‌ای از بندگان خدا سنّت و روشی هدایتگر بگذارد، اجرش به اندازهٔ اجر کسانی باشد که بدان عمل می‌کنند؛ بی آن که از اجر آنان چیزی کاسته شود. و هر بنده‌ای از بندگانِ خدا، سنّت و

---

۱ . بحار الأنوار: ۱۷۱/۱۶۱/۷۷.
۲ . کنز العمّال: ۹۱۰. ۳ . کنز العمّال: ۴۳۰۷۹.

شَيءٌ، وأيُّما عَبدٍ مِن عِبادِ اللهِ سَنَّ سُنَّةَ ضَلالَةٍ كانَ علَيهِ مِثلُ وِزرِ مَن فَعَلَ ذلكَ مِن غَيرِ أن يُنقَصَ مِن أوزارِهِم شَيءٌ.[1]

(انظر) بحار الأنوار: ۷۱ / ۲۵۷ باب ۷۲.

الموت: باب ۳۶۹۱.

۱۸۹۷
جَزاءُ مَن سَنَّ سُنَّةً عَلىٰ نَفسِهِ

۹۱۱۵. الإمامُ الصّادقُ ﷺ: ما مِن مُؤمِنٍ سَنَّ علىٰ نفسِهِ سُنَّةً حَسَنةً أو شيئاً مِنَ الخَيرِ، ثُمَّ حالَ بَينَهُ وبينَ ذلكَ حائلٌ، إلّا كَتَبَ اللهُ لَهُ ما أجرىٰ علىٰ نفسِهِ أيّامَ الدنيا.[2]

(انظر) النيّة: باب ۳۹۲۲.

روشی گمراه کننده بگذارد، گناهش به اندازهٔ گناه کسانی است که به آن رفتار می‌کنند؛ بی آن که از گناهان ایشان چیزی کاسته گردد.

۱۸۹۷
سزای کسی که برای خودش سنّتی بگذارد

۹۱۱۵. **امام صادق**ﷺ: هیچ مؤمنی نیست که برای خود سنّتی نیکو یا چیزی از خیر و خوبی وضع کند، امّا بعد میان او و آن سنّت و کار خیر، مانعی پدید آید، مگر این که آنچه را در ایّام دنیا دربارهٔ خویش به کار بسته است، خداوند برایش بنویسد.

۱۸۹۸
النَّهيُ عَن نَقضِ السُّنَّةِ الصّالِحَةِ

۹۱۱۶. الإمامُ عليٌّ ﷺ ـ في كتابٍ لَهُ إلى الأشتَرِ لَمّا وَلّاهُ مِصرَ ـ: لا تَنقُضْ سُنَّةً صالِحَةً عَمِلَ بها صُدورُ هذهِ الأُمَّةِ، واجتَمَعَت بها الألفَةُ، وصَلَحَت علَيها الرَّعِيَّةُ، ولا تُحدِثَنَّ سُنَّةً تَضُرُّ بِشَيءٍ مِن ماضِي تِلكَ السُّنَنِ، فيكونَ الأجرُ لِمَن سَنَّها، والوِزرُ

۱۸۹۸
نهی از شکستن سنّت پسندیده

۹۱۱۶. **امام علی**ﷺ ـ در فرمان حکومت مصر به مالک اشتر ـ نوشت: سنّت پسندیده‌ای را که بزرگان این امت به آن رفتار کرده‌اند و موجب همدلی و همبستگی شده و کار مردم بر طبق آن سامان گرفته است، مشکن و هیچ گاه سنّت و روشی پدید میاور که به چیزی از این سنّتهای گذشته لطمه‌ای زند؛ زیرا در این صورت پایه گذار آن سنّت گذشته مأجور خواهد بود و تو با شکستن

۱. بحار الأنوار: ۵/۲۵۸/۷۱. ۲. بحار الأنوار: ۲/۲۶۱/۷۱.

علَيكَ بما نَقَضتَ مِنها.[1]

۱۸۹۹
سُنَّةُ اللهِ

الكتاب:

﴿سُنَّةَ اللهِ الَّتي قَدْ خَلَتْ فِي عِبادِهِ وَخَسِرَ هُنالِكَ الْكافِرُونَ﴾.[2]

﴿سُنَّةَ اللهِ فِي الَّذِينَ خَلَوا مِنْ قَبْلُ وَكانَ أَمْرُ اللهِ قَدَراً مَقْدُوراً﴾.[3]

﴿وَلا يَحِيقُ الْمَكْرُ السَّيِّئُ إِلَّا بِأَهْلِهِ فَهَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا سُنَّةَ الْأَوَّلِينَ فَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّةِ اللهِ تَبْدِيلاً وَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّةِ اللهِ تَحْوِيلاً﴾.[4]

(انظر) الإسراء: ۷۷، الأحزاب: ۶۲، الفتح: ۲۳، آل عمران: ۱۳۷.

۱۹۰۰
سُنَّةُ النَّبِيِّ ﷺ

الكتاب:

﴿لَقَدْ كانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِمَنْ كانَ يَرْجُو اللهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ وَذَكَرَ اللهَ كَثِيراً﴾.[5]

الحديث:

۹۱۱۷. رسولُ اللهِ ﷺ: خَمسٌ لا أَدَعُهُنَّ حتّى

آن گناهکار.

۱۸۹۹
سنّت خدا

قرآن:

«این سنّت خداست که در میان بندگانش جاری است و کافران در آن روز زیان کردند».

«[این] سنّت خداست که از دیر باز در میان گذشتگان [معمول] بوده و فرمان خدا همواره به اندازهٔ مقرّر (متناسب با توانایی) است».

«و نیرنگ جز [دامن] صاحبش را نگیرد؛ پس آیا جز سنّت (سرنوشت شوم) پیشینیان را انتظار می‌برند؟ در سنّت خدا هرگز تبدیلی نمی‌یابی و در سنّت خدا هرگز تغییری نمی‌یابی».

۱۹۰۰
سنّت پیامبر ﷺ

قرآن:

«قطعاً برای شما در [اقتدا به] رسول خدا سرمشقی نیکوست: برای آن کس که به خدا و روز باز پسین امید دارد و خدا را فراوان یاد می‌کند».

حدیث:

۹۱۱۷. **پیامبر خدا** ﷺ: پنج چیز است که تا زنده‌ام

---

۱. نهج البلاغة: الكتاب ۵۳.
۲. غافر: ۸۵. ۳. الأحزاب: ۳۸.
۴. فاطر: ۴۳. ۵. الأحزاب: ۲۱.

المَماتِ: الأكلُ على الحَضيضِ مَع العَبيدِ، ورُكُوبِي الحِمارَ مُوكَفاً، وحَلبُ العَنزِ بِيَدِي، ولُبسُ الصُّوفِ، والتَّسليمُ على الصِّبيانِ؛ لِتكونَ سُنَّةً مِن بَعدي.[1]

۹۱۱۸. الإمامُ عليٌّ عليه السلام: اقتَدُوا بِهَدْيِ نَبِيِّكُم فإنَّهُ أفضَلُ الهَدْيِ، واستَنُّوا بِسُنَّتِهِ فإنَّها أهدَى السُّنَنِ.[2]

(انظر) بحار الأنوار: ۷۶ / ۶۶ باب ۱.

۱۹۰۱
سُنَّةُ الحَنيفِيَّةِ

الكتاب:

﴿قَدْ كانَتْ لَكُمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ فِي إبْراهِيمَ والَّذِينَ مَعَهُ إذْ قالُوا لِقَوْمِهِم إنَّا بُرَآءُ مِنْكُم وَمِمَّا تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللهِ﴾.[3]

﴿وَمَنْ أحْسَنُ دِيناً مِمَّن أسْلَمَ وَجْهَهُ لِلّهِ وَهُوَ مُحْسِنٌ واتَّبَعَ مِلَّةَ إبْراهِيمَ حَنِيفاً واتَّخَذَ اللهُ إبْراهِيمَ خَلِيلاً﴾.[4]

الحديث:

۹۱۱۹. رسولُ اللهِ صلى الله عليه وآله: إنَّ اللهَ عَزَّوجلَّ بَعَثَ خَلِيلَهُ بالحَنِيفِيَّةِ وأمَرَهُ بأخذِ الشارِبِ، وقَصِّ الأظفارِ، ونَتْفِ الإبطِ، وحَلْقِ العانَةِ،

آنها را ترک نمی‌کنم: غذا خوردن روی زمین با بردگان، سوار شدن بر الاغ برهنه، دوشیدن بز با دست خودم، پوشیدن پشمینه و سلام کردن به کودکان تا اینکه بعد از من سنّت باشند.

۹۱۱۸. **امام علی** علیه السلام: به روش پیامبرتان اقتدا کنید که آن بهترین روش است، و به سنّت او رفتار نمایید که آن هدایت‌گرترین سنّتهاست.

۱۹۰۱
سنّتِ آیین حنیف

قرآن:

«هر آینه در ابراهیم و همراهان او برای شما سرمشقی نیکوست آن گاه که به قوم خود گفتند: ما از شما و از آنچه به جای خدا می‌پرستید بیزاریم».

«چه کسی نیکو دین‌تر از کسی است که خود را تسلیم خدا کرده و نیکوکار است و از آیین ابراهیم حق گرا پیروی کرده است؟ و خدا ابراهیم را دوست گرفت».

حدیث:

۹۱۱۹. **پیامبر خدا** صلى الله عليه وآله: خداوند عزّوجلّ خلیل خویش (ابراهیم) را با آیین حنیف فرستاد و او را به گرفتن شارب و کوتاه کردن ناخنها و چیدن موی زیر بغل و تراشیدن

---

۱. الخصال: ۱۲/۲۷۱.
۲. نهج البلاغة: الخطبة ۱۱۰.
۳. الممتحنة: ۴.
۴. النساء: ۱۲۵.

والخِتانِ.[1]

موی زهار و ختنه فرمان داد.

۹۱۲۰. **مکارم الأخلاق** عن الإمام الصّادق ﷺ: كانَ بينَ نُوحٍ وإبراهيمَ ﷺ ألفُ سَنَةٍ، وكانَت شَريعَةُ إبراهيمَ بالتَّوحيدِ والإخلاصِ وخَلعِ الأندادِ، وهي الفِطرَةُ التي فَطَرَ الناسَ علَيها وهِيَ الحَنيفِيَّةُ، وأخَذَ علَيهِ ميثاقَهُ أن لا يَعبُدَ إلّا اللهَ ولا يُشرِكَ بِهِ شيئاً. قالَ: وأمَرَهُ بِالصلاةِ والأمرِ والنَّهيِ ولم يَحكُمْ لَهُ أحكامَ فَرضِ المَواريثِ، وزادَهُ في الحَنيفِيَّةِ: الخِتانَ، وقَصَّ الشارِبِ، ونَتْفَ الإبطِ، وتَقليمَ الأظفارِ، وحَلْقَ العانَةِ.[2]

۹۱۲۰. **مکارم الاخلاق** از امام صادق ﷺ: از نوح تا ابراهیم ﷺ هزار سال فاصله بود. شریعت ابراهیم بر پایهٔ یکتاپرستی و اخلاص و نفی شریکان [برای خدا] بود و این همان سرشتی است که مردم را بر آن آفریده و همان آیین حنیف است. خداوند از او، بر این آیین پیمان گرفت و این که جز خدا را بندگی نکند و هیچ چیز را شریک او قرار ندهد.

خداوند ابراهیم را به نماز و امر و نهی، فرمان داد و احکام سهام مواریث را برایش مقرّر نکرد و در آیین حنیف اینها را اضافه کرد: ختنه، کوتاه کردن شارب، چیدن موی زیر بغل، گرفتن ناخنها و تراشیدن موی زهار.

۹۱۲۱. **الإمامُ الكاظمُ** ﷺ: خَمسٌ مِنَ السُّنَنِ في الرَّأسِ وخَمسٌ في الجَسَدِ، فأمّا التي في الرَّأسِ: فالسِّواكُ، وأخذُ الشارِبِ، وفَرقُ الشَّعرِ، والمَضمَضَةُ، والاستِنشاقُ، وأمّا التي في الجَسَدِ: فالخِتانُ، وحَلْقُ العانَةِ، ونَتْفُ الإبطَينِ، وتَقليمُ الأظفارِ، والاستِنجاءُ.[3]

۹۱۲۱. **امام کاظم** ﷺ: پنج چیز از سنّت، در سر است و پنج چیز در بدن. سنّتهای مربوط به سر عبارتند از: مسواک کردن، گرفتن شارب، شانه کردن مو، مضمضمه و استنشاق. و امّا سنّتهای مربوط به بدن عبارتند از: ختنه، تراشیدن موی زهار، چیدن موی زیر بغل، گرفتن ناخنها و شستن محل بول و غایط.

۹۱۲۲. **فقهِ الرِّضا**: ـ في الحَنيفِيَّةِ التي قالَ اللهُ تعالىٰ لِنَبِيِّهِ ﷺ: ﴿واتَّبَعَ مِلَّةَ إبراهيمَ حَنيفاً﴾ ـ فهي

۹۱۲۲. **فقه الرضا** ـ دربارهٔ آیین حنیف که خداوند متعال به پیامبر خود ﷺ فرموده: «و از آیین حنیف ابراهیم پیروی کرد» ـ آیین حنیف ده

---

۱. بحار الأنوار: ۵/۶۸/۷۶. ۲. مکارم الاخلاق: ۳۶۱/۱۴۰/۱.
۳. الخصال: ۱۱/۲۷۱.

عَشرُ سُنَنٍ، خَمسٌ في الرَّأسِ وخَمسٌ في الجَسَدِ....[1]

(انظر) بحار الأنوار: ۷۶ / ۶۷ باب ۲.

الدِّين: باب ۱۳۱۵.

۱۹۰۲
سُنَّةُ الأوَّلينَ

الكتاب:

﴿قُل لِلَّذِينَ كَفَرُوا إِنْ يَنْتَهُوا يُغفَرْ لَهُمْ ما قَدْ سَلَفَ وَإِنْ يَعُودُوا فَقَدْ مَضَتْ سُنَّةُ الأوَّلِينَ﴾.[2]

﴿لا يُؤمِنُونَ بِهِ وَقَدْ خَلَتْ سُنَّةُ الأوَّلِينَ﴾.[3]

(انظر) الكهف: ۵۵، آل عمران: ۱۳۷، النساء: ۲۶.

الحديث:

۹۱۲۳. **الإمامُ عليٌّ** عليه السلام: الإيمانُ علىٰ أربَعِ دَعائِمَ (شُعَبٍ): علىٰ الصبرِ واليَقينِ والعَدلِ والجِهادِ... واليَقينُ مِنها علىٰ أربَعِ شُعَبٍ: علىٰ تَبصِرةِ الفِطنَةِ، وتَأوُّلِ الحِكمَةِ، ومَوعظةِ العِبرَةِ، وسُنَّةِ الأوَّلينَ، فَمَن تَبَصَّرَ في الفِطنَةِ تَبَيَّنَت لَهُ الحِكمَةُ، ومَن تَبَيَّنَت لَهُ الحِكمَةُ عَرَفَ العِبرَةَ، ومَن عَرَفَ العِبرَةَ فَكَأنَّما كانَ في الأوَّلينَ.[4]

(انظر) الفكر: باب ۳۲۰۴.

---

۱. فقه الرضا عليه السلام: ۶۶.
۲. الأنفال: ۳۸.
۳. الحجر: ۱۳.
۴. نهج البلاغة: الحكمة ۳۱.

سنّت است، پنج سنّت مربوط به سر و پنج تای دیگر مربوط به تن....

۱۹۰۲
سنّت پیشینیان

قرآن:

«به کسانی که کفر ورزیده‌اند، بگو: اگر دست بردارند، گناهان گذشته آنان آمرزیده شود و اگر باز گردند هر آینه سنّت [خدا در مورد] پیشینیان گذشته».

«به او ایمان نمی‌آورند و سنّت (راه و رسم) پیشینیان پیوسته چنین بوده است».

حدیث:

۹۱۲۳. **امام علی** عليه السلام: ایمان بر چهار ستون استوار است: بر صبر و یقین و عدل و جهاد... یقین، خود چهار شعبه دارد: بینش هوشیارانه، رسیدن به حقایق، عبرت گرفتن از دیگران و سنّت پیشینیان؛ زیرا، هرکه بینش هوشیارانه یافت، حکمت بر او آشکار گشت و هرکه حکمت بر او آشکار شد، عبرت‌آموزی را شناخت و هرکه عبرت آموزی را شناخت، چنان است که گویا در میان پیشینیان باشد.


مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

۲۵۰

السّهر

شب زنده داری

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

ولمزید الاطّلاع راجع:

بحار الأنوار: ۷۶/۱۷۸ «أبواب السّهر والنوم».

انظر:

عنوان ۳۰۰ «صلاة اللیل»، ۵۲۶ «النوم».

الشیعة: باب ۲۱۲۳، الاستغفار: باب ۳۰۳۹، المناجاة: باب ۳۷۹۴.

۱۹۰۳
السَّهَرُ

۹۱۲۴ . رسولُ اللهِ ﷺ: مَن خافَ أدلَجَ، ومَن أدلَجَ بَلَغَ المَنزِلَ، ألا إنَّ سِلعَةَ اللهِ غالِيَةٌ، ألا إنَّ سِلعَةَ اللهِ الجَنَّةُ.[۱]

۹۱۲۵ . عنه ﷺ: ثلاثةٌ يُحِبُّهُمُ اللهُ، وثلاثةٌ يُبغِضُهُمُ اللهُ، أمّا الَّذينَ يُحِبُّهُمُ اللهُ: فَقَومٌ ساروا ليلَتَهُم حتّىٰ إذا كانَ النَّومُ أحَبَّ إلىٰ أحَدِهِم مِمّا يُعدَلُ بِهِ نَزَلوا، فوَضَعوا رؤوسَهُم، فقامَ يَتَمَلَّقُني ويَتلو آياتي....[۲]

۹۱۲۶ . الإمامُ عليٌّ ﷺ: السَّهَرُ أحَدُ الحَياتَينِ.[۳]

۹۱۲۷ . عنه ﷺ: السَّهَرُ رَوضَةُ المُشتاقِينَ.[۴]

۹۱۲۸ . عنه ﷺ: سَهَرُ الليلِ شِعارُ المُتَّقِينَ وشِيمَةُ المُشتاقِينَ.[۵]

۹۱۲۹ . عنه ﷺ: سَهَرُ العُيونِ بِذِكرِ اللهِ خُلصانُ العارِفِينَ وحُلوانُ المُقَرَّبِينَ.[۶]

۹۱۳۰ . عنه ﷺ: سَهَرُ العُيونِ بِذِكرِ اللهِ فُرصَةُ

۱ . تنبيه الخواطر: ۲۷۹/۱ . ۲ . الترغيب والترهيب: ۷/۷۹/۴ .
۳ . غرر الحكم: ۱۶۸۴ . ۴ . غرر الحكم: ۶۶۶ .
۵ . غرر الحكم: ۵۶۱۱ . ۶ . غرر الحكم: ۵۶۱۲ .

۱۹۰۳
شب زنده‌داری

۹۱۲۴ . **پیامبر خدا ﷺ**: هرکه [از راهزنان و خطرات راه] بترسد، سراسر شب [یا ساعات آخر شب] را راه پیماید و هرکه چنین کند به منزل برسد. بدانید که کالایِ خدا گرانبهاست، بدانید که کالای خدا بهشت است.

۹۱۲۵ . **پیامبر خدا ﷺ**: سه نفرند که خداوند دوستشان دارد و سه نفرند که خداوند از آنها نفرت دارد. امّا کسانی که خدا دوستشان می‌دارد: یکی آن است که با عدّه‌ای شبانه سفر می‌کنند و چنان خسته می‌شوند که خواب را از هر چیزی خوشتر می‌دارند، پس اتراق می‌کنند و سر به بالین می‌گذارند، امّا او بر می‌خیزد و زبان به تملّق من می‌گشاید و آیاتم را تلاوت می‌کند....

۹۱۲۶ . **امام علی ﷺ**: شب زنده داری، یکی از دو زندگی است.

۹۱۲۷ . **امام علی ﷺ**: شب زنده داری، بوستان مشتاقان است.

۹۱۲۸ . **امام علی ﷺ**: شب زنده‌داری، شعار پرهیزگاران و خوی مشتاقان است.

۹۱۲۹ . **امام علی ﷺ**: بیدار باش شبانهٔ چشم‌ها به ذکر خدا، دوستِ صمیمی عارفان است و شیرینی مقرّبان.

۹۱۳۰ . **امام علی ﷺ**: بیدار باش چشمها در شب به

السُّعَداءِ ونُزهَةُ الأولياءِ.[۱]

۹۱۳۱. عنه ﷺ: سَهَرُ اللَّيلِ في طاعَةِ اللهِ رَبيعُ الأولياءِ ورَوضَةُ السُّعَداءِ.[۲]

۹۱۳۲. عنه ﷺ: سَهَرُ اللَّيلِ بِذِكرِ اللهِ غَنيمَةُ الأولياءِ وسَجِيَّةُ الأتقياءِ.[۳]

۹۱۳۳. عنه ﷺ: أسهِرُوا عُيونَكُم، وضَمِّرُوا بُطُونَكُم، وخُذُوا مِن أجسادِكُم، تَجُودُوا بها علىٰ أنفُسِكُم.[۴]

۹۱۳۴. عنه ﷺ: أسهِرُوا عُيونَكُم، وأضمِرُوا بُطونَكُم، واستَعمِلُوا أقدامَكُم، وأنفِقُوا أموالَكُم، وخُذُوا مِن أجسادِكُم فَجُودُوا بها علىٰ أنفُسِكُم، ولا تَبخَلُوا بها عَنها.[۵]

۹۱۳۵. عنه ﷺ: أفضَلُ العِبادَةِ سَهَرُ العُيونِ بِذِكرِ اللهِ سبحانَهُ.[۶]

۹۱۳۶. عنه ﷺ: طُوبىٰ لِنَفسٍ أدَّت إلىٰ رَبِّها فَرضَها، وعَرَكَت بِجَنبِها بُؤسَها، وهَجَرَت في اللَّيلِ غُمضَها، حتّىٰ إذا غَلَبَ الكَرىٰ علَيها افتَرَشَت أرضَها، وتَوَسَّدَت كَفَّها، في مَعشَرٍ أسهَرَ عُيُونَهُم خَوفُ مَعادِهِم، وتَجافَت عَن مَضاجِعِهِم جُنُوبُهُم،

ذکر خدا، فرصت نیکبختان و تفرّج اولیاست.

۹۱۳۱. **امام علی**ﷺ: شب بیدار ماندن در طاعت خدا، بهار اولیاء است و بوستان نیکبختان.

۹۱۳۲. **امام علی**ﷺ: شب بیدار ماندن به ذکر خدا، غنیمت اولیاء است و خصلت پرهیزگاران.

۹۱۳۳. **امام علی**ﷺ: چشمانتان را شبها بیدار دارید و شکمهایتان را لاغر و از جسمهایتان بگیرید و به جانهایتان ببخشید.

۹۱۳۴. **امام علی**ﷺ: چشمانتان را شبها بیدار دارید و شکمهایتان را گرسنه و پاهایتان را به کار (عبادت) گیرید و اموالتان را انفاق کنید و از جسمهایتان بستانید و به جانهایتان ببخشید و از این کار بخل و دریغ نورزید.

۹۱۳۵. **امام علی**ﷺ: برترین عبادت، شب زنده‌داری به یاد خداوند سبحان است.

۹۱۳۶. **امام علی**ﷺ: خوشا به حال آن کس که فریضهٔ پروردگارش را به جای آورد و بر سختیها و ناملایمات صبر کرد و خواب را از دیدگانش دور ساخت و اگر خواب بر او چیره آمد، زمین را بستر خود کرد و دستش را بالش. آنان که خوف روز رستاخیز چشمانشان را بیدار نگهداشت و پهلوهایشان را از بسترهای راحتشان دور کردند و لبهایشان به ذکر پروردگارشان زمزمه کرد و از بسیاری آمرزش خواهی، گناهانشان زدوده شد؛ اینان حزب خدایند

۱. غرر الحکم: ۵۶۴۲. ۲. غرر الحکم: ۵۶۱۳.
۳. غرر الحکم: ۵۶۱۴. ۴. غرر الحکم: ۲۴۹۷.
۵. نهج البلاغة: الخطبة ۱۸۳. ۶. غرر الحکم: ۳۱۴۹.

وهَمهَمَت بِذِكرِ رَبِّهِم شِفاهُهُم، وتَقَشَّعَت بِطُولِ استِغفارِهِم ذُنُوبُهُم، أولئكَ حِزبُ اللهِ، ألا إنَّ حِزبَ اللهِ هُمُ المُفلِحُونَ.[۱]

و بدانید که حزب خدا پیروز است.

۹۱۳۷. **عنه** ﷺ: فاتَّقُوا اللهَ عِبادَ اللهِ تَقِيَّةَ ذِي لُبٍّ، شَغَلَ التَّفَكُّرُ قَلبَهُ، وأنصَبَ الخَوفُ بَدَنَهُ، وأسهَرَ التَّهَجُّدُ غِرارَ نَومِهِ.[۲]

۹۱۳۷. **امام علی**ﷺ: بندگان خدا! از خدا بترسید همچون ترسیدن خردمندی که اندیشه [در مبدأ و معاد] دل او را به خود مشغول ساخته و ترس [از خدا و رستاخیز] پیکرش را رنجور کرده و عبادت شبانه، همان اندک خوابش را هم از او گرفته است.

۹۱۳۸. **الإمامُ زينُ العابدينَ** ﷺ ـ مِن دُعائِهِ في يَومِ عَرَفَةَ ـ: واعمُر لَيلي بِإيقاظِي فِيهِ لِعِبادَتِكَ، وتَفَرُّدِي بِالتَّهجُّدِ لكَ، وتَجَرُّدِي بِسُكُوني إلَيكَ، وإنزالِ حوائِجِي بكَ.[۴]

۹۱۳۸. **امام علی**ﷺ: همانا تقوای الهی، اولیای خدا را از حرامهای او باز داشته و ترس از او را در دلهایشان جای داده، چندان که آنان را در شبها [برای عبادت] بیدار و در روزهای داغ، [روزه‌دار و] تشنه نگه داشته است.

۹۱۳۹. **الإمامُ زينُ العابدينَ** ﷺ ـ مِن دُعائِهِ في يَومِ عَرَفَةَ ـ: واعمُر لَيلي بِإيقاظِي فِيهِ لِعِبادَتِكَ، وتَفَرُّدِي بِالتَّهجُّدِ لكَ، وتَجَرُّدِي بِسُكُوني إلَيكَ، وإنزالِ حوائِجِي بكَ.[۴]

۹۱۳۹. **امام زین العابدین**ﷺ ـ در دعای روز عرفه ـ گفت: [خدایا!] با بیدار کردن من در شب برای بندگیت و خلوتِ شب زنده‌داری برای تو و آرام گرفتنم به تو و آوردن نیازها و خواسته‌هایم به درگاه تو، شبم را آباد گردان.

۹۱۴۰. **عنه** ﷺ: اللّهُمَّ اجعَلنا مِمَّن دَأبُهُم الارتِياحُ إلَيكَ والحَنِينُ، ودَهرُهُم (دَيدَنُهُم) الزَّفرَةُ والأنِينُ، جِباهُهُم ساجِدَةٌ لِعَظَمَتِكَ، وعُيُونُهُم ساهِرَةٌ في خِدمَتِكَ.[۵]

۹۱۴۰. **امام زین العابدین**ﷺ: بار خدایا! ما را از کسانی قرار ده که روش آنان آرام گرفتن و شوق ورزیدن به توست و عمرشان به آه و ناله می‌گذرد، پیشانی‌هایشان در برابر عظمت تو به خاک افتاده است و چشم‌هایشان در راه خدمت به تو بیدار.

۹۱۴۱. **الإمامُ الصّادقُ** ﷺ: ـ في قولِهِ تعالىٰ: ﴿سِيمَاهُم فِي وُجُوهِهِمْ مِن أثَرِ السُّجُودِ﴾[۶] ـ:

۹۱۴۱. **امام صادق**ﷺ ـ دربارهٔ آیهٔ: «نشانشان [همراهان پیامبر] اثر سجده‌ای است که بر

---

۱. نهج البلاغة: الكتاب ۴۵. ۲. نهج البلاغة: الخطبة ۸۳.
۳. نهج البلاغة: الخطبة ۱۱۴.
۴. الصحيفة السجّادية: الدعاء ۴۷.
۵. بحار الأنوار: ۱۴۸/۹۴. ۶. الفتح: ۲۹.

هُو السَّهَرُ في الصلاةِ.[1]

۹۱۴۲. عنه ﷺ: ـ في قولِهِ تعالىٰ: ﴿كانُوا قَليلاً مِنَ اللَّيلِ ما يَهْجَعُونَ﴾[2] ـ: كانوا أقَلَّ اللَّيالي تَفُوتُهُم لا يَقُومُونَ فيها.[3]

۱۹۰۴
السَّهَرُ غَيرُ المُجدي!

۹۱۴۳. الإمامُ عليٌّ ﷺ: رُبَّ ساعٍ لِقاعِدٍ، رُبَّ ساهرٍ لِراقِدٍ.[4]

۹۱۴۴. عنه ﷺ: كَم مِن صائمٍ لَيسَ لَهُ مِن صِيامِهِ إلّا الجُوعُ والظَّمَأُ، وكم مِن قائمٍ ليسَ لَهُ مِن قِيامِهِ إلّا السَّهَرُ والعَناءُ، حَبَّذا نومُ الأكياسِ وإفطارُهُم![5]

۹۱۴۵. عنه ﷺ ـ وقَد سَمِعَ رَجُلاً مِن الحَرُورِيَّةِ يَتَهَجَّدُ ويَقرَأُ ـ: نَومٌ عَلىٰ يَقينٍ خَيرٌ مِن صلاةٍ في شَكٍّ.[6]

۱۹۰۵
ما يَنبَغِي السَّهَرُ فيهِ

۹۱۴۶. رسولُ اللهِ ﷺ: لا سَهَرَ إلّا في ثلاثٍ: مُتَهَجِّدٍ بالقرآنِ، وفي طَلَبِ العِلمِ، أو عَروسٍ

---

۱. روضة الواعظين: ۳۵۲. ۲. الذاريات: ۱۷.
۳. تهذيب الأحكام: ۱۳۸۶/۳۳۶/۲.
۴. غرر الحكم: (۵۲۷۰ـ۵۲۷۱).
۵. نهج البلاغة: الحكمة ۱۴۵.
۶. نهج البلاغة: الحكمة ۹۷.

چهره دارند» ـ فرمود: منظور، شب زنده‌داری کردن با نماز است.

۹۱۴۲. امام صادق ﷺ ـ دربارهٔ آیهٔ: «اندکی از شب را می‌خوابیدند» ـ فرمود: کمتر شبی بود که آن را از دست می‌دادند و برای عبادت در آن شب بر نمی‌خاستند.

۱۹۰۴
شب زنده داریهای بی‌حاصل!

۹۱۴۳. امام علی ﷺ: بسا کوشنده‌ای که برای نشسته‌ای می‌کوشد؛ بسا شب زنده‌داری که برای خفته‌ای زحمت می‌کشد.

۹۱۴۴. امام علی ﷺ: بسا روزه‌داری که از روزه‌اش جز گرسنگی و تشنگی نصیبی نیابد، و بسا شب‌زنده‌داری که از عبادت شبانه‌اش جز رنج و بی‌خوابی بهره‌ای نبرد، زهی خواب زیرکان [عارف] و روزه نگرفتن آنان!

۹۱۴۵. امام علی ﷺ ـ با دیدن مردی از خوارج در حال عبادت شبانه و قرائت قرآن ـ فرمود: خوابی که همراه یقین [به حق] باشد بهتر از نمازی است که با تردید [در حق] باشد.

۱۹۰۵
کارهای سزامند شب زنده‌داری

۹۱۴۶. پیامبر خدا ﷺ: شب زنده‌داری جز برای سه چیز روا نیست: تلاوت قرآن، تحصیل

تُهدىٰ إلى زَوجِها.[1]

۹۱۴۷. عنه ﷺ: لا سَهَرَ بعدَ العِشاءِ الآخِرَةِ إلّا لِأحَدِ رَجُلَينِ: مُصَلٍّ أو مُسافِرٍ.[2]

(انظر) الصناعة: باب ۲۲۹۶.

۱۹۰۶
الحَثُّ عَلىٰ إحياءِ هٰذِهِ اللَّيالي

۹۱۴۸. رسولُ اللهِ ﷺ: مَن أحيا لَيلَةَ العِيدِ ولَيلَةَ النِّصفِ مِن شَعبانَ، لَم يَمُتْ قَلبُهُ يَومَ تَموتُ القُلوبُ.[3]

۹۱۴۹. الإمامُ عليٌّ ﷺ: يُعجِبُني أن يُفَرِّغَ الرَّجُلُ نَفسَهُ في السَّنَةِ أربَعَ لَيالٍ: لَيلَةَ الفِطرِ، ولَيلَةَ الأضحىٰ، ولَيلَةَ النِّصفِ مِن شَعبانَ، وأوّلَ لَيلَةٍ مِن رَجَبٍ.[4]

۹۱۵۰. الإمامُ الرِّضا ﷺ: كانَ أميرُ المؤمنينَ ﷺ لا يَنامُ ثلاثَ لَيالٍ: لَيلَةَ ثلاثٍ وعِشرينَ مِن شَهرِ رَمَضانَ، ولَيلَةَ الفِطرِ، ولَيلَةَ النِّصفِ مِن شَعبانَ، وفيها تُقسَمُ الأرزاقُ والآجالُ وما يَكونُ في السَّنَةِ.[5]

---

۱. بحار الأنوار: ۳/۱۷۸/۷۶.
۲. بحار الأنوار: ۵/۱۷۹/۷۶.
۳. ثواب الأعمال: ۲/۱۰۲/۱.
۴. بحار الأنوار: ۱۲/۸۷/۹۷.
۵. بحار الأنوار: ۱۵/۸۸/۹۷.

علم، و یا فرستادن عروس به خانهٔ شوهرش.

۹۱۴۷. پیامبر خدا ﷺ: بیدار ماندن بعد از نماز خفتن روا نباشد، مگر برای دو کس: نماز گزار یا مسافر.

۱۹۰۶
تشویق به شب زنده داری و احیای این شبها

۹۱۴۸. پیامبر خدا ﷺ: هرکه شب عید [فطر و قربان] و شب نیمهٔ شعبان را احیا کند، در آن روزی که دلها می‌میرند دل او نمیرد.

۹۱۴۹. امام علی ﷺ: خوش دارم که انسان، سالی چهار شب خود را وقف عبادت خدا کند: شب عید فطر، شب عید قربان، شب نیمهٔ شعبان و شب اول ماه رجب.

۹۱۵۰. امام رضا ﷺ: امیر المؤمنین ﷺ سه شب نمی‌خوابید: شب بیست و سوم ماه رمضان، شب عید فطر و شب نیمهٔ ماه شعبان؛ در این شبها روزیها تقسیم و مدت عمر و هر آنچه در آن سال رخ خواهد داد، تعیین می‌شود.

۲۵۱

السید سرور

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

۱۹۰۷
السَّيِّدُ

الكتاب:

﴿فَنادَتْهُ المَلَائكَةُ وَهُوَ قائمٌ يُصَلّي فِي المِحْرابِ أنَّ اللهَ يُبَشِّرُكَ بِيَحيَىٰ مُصَدِّقاً بِكَلِمَةٍ مِنَ اللهِ وَسَيِّداً وَحَصُوراً وَنَبِيّاً مِنَ الصَّالِحِينَ﴾.[1]

الحديث:

۹۱۵۱ . **رسولُ اللهِ ﷺ**: سَيِّدُ القَومِ خادِمُهُم.[2]

۹۱۵۲ . **عنه ﷺ**: سَيِّدُ القَومِ فِي السَّفرِ خادِمُهُم، فَمَن سَبَقَهُم بِخِدمَةٍ لم يَسبِقُوهُ بِعَمَلٍ إلّا الشَّهادَةَ.[3]

۹۱۵۳ . **الإمامُ عليٌّ ﷺ**: السَّيِّدُ مَن تَحَمَّلَ المَؤونَةَ وجادَ بالمَعونَةِ.[4]

۹۱۵۴ . **عنه ﷺ**: السَّيِّدُ مَن تَحَمَّلَ أثقالَ إخوانِهِ وأحسَنَ مُجاوَرَةَ جِيرانِهِ.[5]

۹۱۵۵ . **عنه ﷺ**: السَّيِّدُ مَن لا يُصانِعُ، ولا يُخادِعُ،

---

۱ . آل عمران: ۳۹.
۲ . کنز العمّال: ۱۷۵۱۷.
۳ . کنز العمّال: ۱۷۵۱۹.
۴ . غرر الحکم: ۱۵۰۴.
۵ . غرر الحکم: ۲۰۰۲.

۱۹۰۷
سَرور

قرآن:

«و فرشتگان، او (زکریا) را که در محراب به نماز ایستاده بود ندا دادند که: خدا تو را به یحیی بشارت می‌دهد که تصدیق کنندهٔ کلمهٔ خداست و سرور و پارسا و پیامبری است از شایستگان».

حدیث:

۹۱۵۱ . **پیامبر خدا ﷺ**: سرور قوم، خدمتگزار آنهاست.

۹۱۵۲ . **پیامبر خدا ﷺ**: سرور قوم در سفر، کسی است که به آنان خدمت کند؛ پس هرکه در خدمت به همسفران خود بر آنان پیشی گیرد، هیچ کارشان به پای ارزش کار او نمی‌رسد، مگر شهادت.

۹۱۵۳ . **امام علی ﷺ**: سرور، کسی است که هزینهٔ [مردم] را به دوش کشد و آنان را بی‌دریغ یاری رساند.

۹۱۵۴ . **امام علی ﷺ**: سرور، کسی است که بار برادران خود را به دوش کشد و با همسایگانش نیکو همسایه‌داری کند.

۹۱۵۵ . **امام علی ﷺ**: سرور، کسی است که سازشکار و فریبکار نباشد، و طمعها او را

ولا تَغُرُّهُ المَطامِعُ.[1]

نفریبد.

۱۹۰۸
تَفسيرُ السُّؤدَدِ

۹۱۵۶. **الإمامُ الحسينُ** ﷺ ـ لَمّا سَأَلَهُ أبوهُ عَنِ السُّؤدُدِ ـ: إحشاشُ العَشيرَةِ، واحتِمالُ الجَريرَةِ.[2]

۱۹۰۸
معنای سَروری

۹۱۵۶. **امام حسین**ﷺ ـ در پاسخ به سؤال پدر بزرگوارش از معنای سروری ـ فرمود: کمک کردن به عشیره و به دوش کشیدن خسارتها و جرایم آنها.

۹۱۵۷. **الإمامُ الصّادقُ** ﷺ ـ لَمّا سُئِلَ عَنِ السُّؤدَدِ ـ: السَّخاءُ، وَيْحَكَ أما رَأَيتَ حاتِمَ طَيٍّ كَيفَ سادَ قَومَهُ، وما كانَ بِأجوَدِهِم مَوضِعاً؟![3]

۹۱۵۷. **امام صادق**ﷺ ـ در پاسخ به این پرسش که سروری چیست ـ فرمود: بخشندگی، ای دریغ! مگر نمی‌بینی که چگونه حاتم طایی سرور قوم شد، در حالی که موقعیتی برتر از دیگران نداشت؟!

۱۹۰۹
ما يوجِبُ السُّؤدَدَ

۹۱۵۸. **الإمامُ عليٌّ** ﷺ: الحَمدُ لِلّهِ المَعروفِ مِن غَيرِ رُؤيَةٍ، والخالِقِ مِن غَيرِ مَنصَبَةٍ، خَلَقَ الخَلائِقَ بِقُدرَتِهِ، واستَعبَدَ الأَربابَ بِعِزَّتِهِ، وسادَ العُظَماءَ بِجُودِهِ.[4]

۱۹۰۹
اسباب سروری

۹۱۵۸. **امام علی**ﷺ: حمد و سپاس خدای را که بی آن که دیده شود، شناخته شده و بدون رنج و زحمت آفریننده است، موجودات را به قدرت خویش بیافرید و خداوندگاران را با عزّت و اقتدار خویش به بندگی گرفت و با بخشندگی خود بر بزرگان سروری یافت.

۹۱۵۹. **الإمامُ عليٌّ** ﷺ: مَن حَلُمَ سادَ، ومَن تَفَهَّمَ ازدادَ.[5]

۹۱۵۹. **امام علی**ﷺ: هرکه بردبار باشد، سروری کند و هرکه طالب فهمیدن باشد، بر فهم و دانش خویش بیفزاید.

۹۱۶۰. **عنه** ﷺ: باحتِمالِ المُؤَنِ يَجِبُ السُّؤدُدُ.[6]

۹۱۶۰. **امام علی**ﷺ: به دوش کشیدن بار هزینه‌ها[ی مردم و نان رساندن به مردم] موجب سروری می‌شود.

۹۱۶۱. **عنه** ﷺ: الشَّريفُ كُلُّ الشَّريفِ مَن شَرَّفَهُ

۹۱۶۱. **امام علی**ﷺ: شریف تمام عیار کسی است

---

۱. غرر الحكم: ۲۱۰۱.
۲. بحار الأنوار: ۱۴/۱۹۴/۷۲.
۳. بحار الأنوار: ۱۴۲/۲۵۸/۷۸.
۴. نهج البلاغة: الخطبة ۱۸۳.
۵. بحار الأنوار: ۱/۲۰۸/۷۷.
۶. نهج البلاغة: الحكمة ۲۲۴.

عِلمُهُ، والسُّؤدُدُ حَقُّ السُّؤدُدِ لِمَنِ اتَّقَى اللهَ رَبَّهُ.[۱]

۹۱۶۲. عنه ﷺ: فَضيلَةُ السادَةِ حُسنُ العِبادَةِ.[۲]

۹۱۶۳. عنه ﷺ: أربَعُ خِصالٍ يَسُودُ بِها المَرءُ: العِفَّةُ، والأدَبُ، والجُودُ، والعَقلُ.[۳]

۹۱۶۴. الإمامُ الحسنُ ﷺ: الإعطاءُ قَبلَ السُّؤالِ مِن أكبَرِ السُّؤدُدِ.[۴]

۹۱۶۲. **امام علی**ﷺ: فضیلت سروران، به نیکویی عبادت است.

۹۱۶۳. **امام علی**ﷺ: چهار خصلت است که آدمی با آنها سرور می‌شود: عفّت، ادب، بخشندگی و خردمندی.

۹۱۶۴. **امام حسن**ﷺ: بخشیدن پیش از طلب کردن [کسی] از بزرگترین سروری‌هاست.

۱۹۱۰
ما يَمنَعُ السُّؤدَدَ

۱۹۱۰
آنچه مانع سروری می‌شود

۹۱۶۵. الإمامُ عليٌّ ﷺ: ما أكمَلَ السِّيادَةَ مَن لَم يَسمَحْ.[۵]

۹۱۶۶. عنه ﷺ: ما سادَ مَنِ احتاجَ إخوانُهُ إلى غَيرِهِ.[۶]

۹۱۶۷. عنه ﷺ: مُنازَعَةُ السُّفَّلِ تَشِينُ السّادَةَ.[۷]

۹۱۶۸. الإمامُ الصّادقُ ﷺ: لا يَطمَعَنَّ... المُعاقِبُ على الذَّنبِ الصغيرِ في السُّؤدُدِ، ولا القَليلُ التَّجرِبَةِ المُعجَبُ بِرَأيِهِ في رئاسَةٍ.[۸]

۹۱۶۹. عنه ﷺ: لا يَسودُ سَفِيهٌ.[۹]

۹۱۶۵. **امام علی**ﷺ: کسی که گذشت و سخاوتمندی نداشته باشد، سروری را به کمال نرسانده است.

۹۱۶۶. **امام علی**ﷺ: سرور نیست کسی که [اجازه دهد] برادرانش نیازمند دیگران شوند.

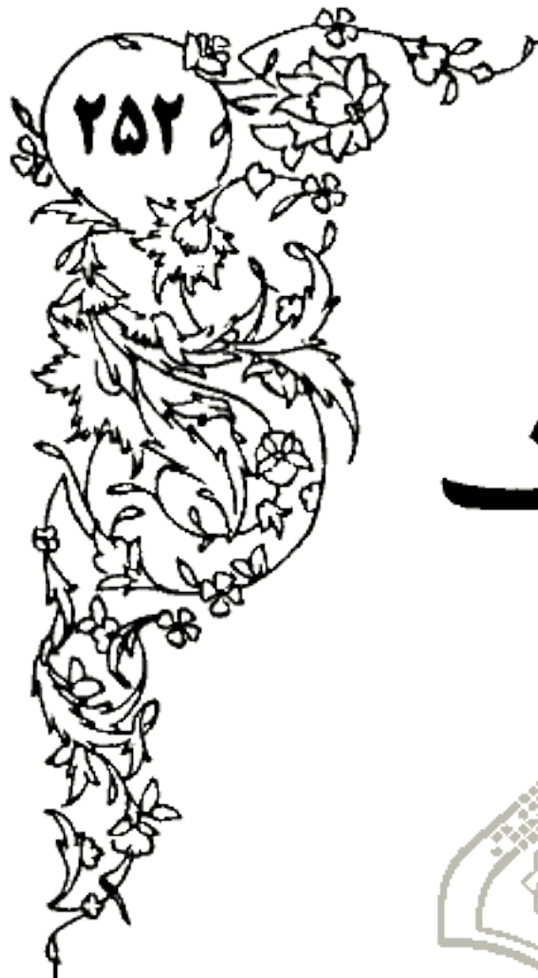
۹۱۶۷. **امام علی**ﷺ: کشمکش با سفلگان، سروری را لکه دار می‌کند.

۹۱۶۸. **امام صادق**ﷺ: کسی که به اندک گناهی کیفر می‌دهد، نباید چشم طمع به سروری کردن بدوزد، و کسی که کم تجربه و خودپسند و خود رأی است، نباید به ریاست طمع بندد.

۹۱۶۹. **امام صادق**ﷺ: هیچ سفیهی به سروری نمی‌رسد.

---

۱. بحار الأنوار: ۸۲/۸۲/۷۸.
۲. غرر الحكم: ۶۵۵۹. ۳. بحار الأنوار: ۲۳/۹۴/۱.
۴. بحار الأنوار: ۷/۱۱۳/۷۸. ۵. غرر الحكم: ۹۵۸۱.
۶. غرر الحكم: ۹۵۹۵. ۷. غرر الحكم: ۹۸۱۳.
۸. الخصال: ۲۰/۴۳۴. ۹. الخصال: ۱۰/۲۷۱.



٢٥٢

السّياسة

سیاست

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

ولمزيد الاطّلاع راجع:

شرح نهج البلاغة: ١٠/٢١٢ «سياسة عليّ وجريها على سياسة الرسول».

انظر:

عنوان ١٦٧ «الدولة»، الإمامة العامة: باب ١٥٣.

الرئاسة: باب ١٤٠٠، ١٤٠١.

الرأي: باب ١٤٢٦، السيّد: باب ١٩٠٩، ١٩١٠.

۱۹۱۱
السِّياسَةُ

۹۱۷۰ . الإمامُ عليٌّ ﷺ: المُلكُ سِياسَةٌ .[۱]

۹۱۷۱ . عنه ﷺ: آفَةُ الزُّعَماءِ ضَعفُ السِّياسَةِ .[۲]

۹۱۷۲ . عنه ﷺ: صَلاحُ العَيشِ التَّدبيرُ .[۳]

(انظر): موسوعة الإمام عليّ بن أبي طالب في الكتاب والسنّة والتاريخ / المجلد الرابع.

۱۹۱۲
حُسنُ السِّياسَةِ

۹۱۷۳ . الإمامُ عليٌّ ﷺ: حُسنُ السِّياسَةِ يَستَدِيمُ الرِّياسَةَ .[۴]

۹۱۷۴ . عنه ﷺ: حُسنُ السِّياسَةِ قِوامُ الرَّعِيَّةِ .[۵]

۹۱۷۵ . عنه ﷺ: فضيلَةُ الرِّياسَةِ حُسنُ السِّياسَةِ .[۶]

۹۱۷۶ . عنه ﷺ: مَن حَسُنَت سِياسَتُهُ دامَت رِياسَتُهُ .[۷]

۹۱۷۷ . عنه ﷺ: مَن سَما إلى الرِياسَةِ صَبَرَ على

---

۱ . غرر الحكم: ۱۷ .
۲ . غرر الحكم: ۳۹۳۱ .
۳ . غرر الحكم: ۵۷۹۴ .
۴ . غرر الحكم: ۴۸۲۰ .
۵ . غرر الحكم: ۴۸۱۸ .
۶ . غرر الحكم: ۶۵۶۳ .
۷ . غرر الحكم: ۸۴۳۸ .

۱۹۱۱
سياست

۹۱۷۰ . **امام علی**ﷺ: مُلکداری، سیاست است.

۹۱۷۱ . **امام علی**ﷺ: آفت پیشوایان، ناتوانی در سیاست است.

۹۱۷۲ . **امام علی**ﷺ: بهبود زندگی، در گرو تدبیر است.

۱۹۱۲
حُسن سیاست

۹۱۷۳ . **امام علی**ﷺ: حُسن سیاست، موجب پایندگی ریاست است.

۹۱۷۴ . **امام علی**ﷺ: حُسن سیاست، مایهٔ استواری ملّت است.

۹۱۷۵ . **امام علی**ﷺ: ارزش ریاست، به حُسن سیاست است.

۹۱۷۶ . **امام علی**ﷺ: هرکه سیاستش نیکو باشد، ریاستش پایدار ماند.

۹۱۷۷ . **امام علی**ﷺ: هرکه آرزوی ریاست در سر

مَضَضِ السِّياسَةِ.[1]

۹۱۷۸. عنه ﷺ: مَن قَصُرَ عنِ السِّياسَةِ صَغُرَ عنِ الرِّياسةِ.[2]

۹۱۷۹. عنه ﷺ: حسُنُ التَّدبيرِ وتَجَنُّبُ التَّبذيرِ من حُسنِ السِّياسَةِ.[3]

۹۱۸۰. عنه ﷺ: أدَلُّ شَيءٍ علىٰ غَزارةِ العَقلِ حُسنُ التَّدبيرِ.[4]

پروراند، باید بر رنجِ سیاست صبر کند.

۹۱۷۸. **امام علی**ﷺ: هرکه از عهدهٔ سیاست بر نیاید، لایق ریاست نباشد.

۹۱۷۹. **امام علی**ﷺ: حُسن تدبیر و پرهیز از حیف و میل، از حُسن سیاست است.

۹۱۸۰. **امام علی**ﷺ: بهترین دلیل بر خِرد سرشار، حُسن تدبیر است.

۱۹۱۳
سوءُ التَّدبيرِ

۹۱۸۱. الإمامُ عليٌّ ﷺ: سُوءُ التَّدبيرِ سَبَبُ التَّدميرِ.[5]

۹۱۸۲. عنه ﷺ: مَن ساءَ تَدبيرُهُ تَعَجَّلَ تَدميرُهُ.[6]

۹۱۸۳. عنه ﷺ: مَن ساءَ تدبيرُهُ كانَ هَلاكُهُ في تَدبيرِهِ.[7]

۹۱۸۴. عنه ﷺ: مَن تَأخَّرَ تَدبيرُهُ تَقَدَّمَ تَدميرُهُ.[8]

۹۱۸۵. عنه ﷺ: سُوءُ التَّدبيرِ مِفتاحُ الفَقرِ.[9]

۹۱۸۶. عنه ﷺ: حُسنُ التَّدبيرِ يُنمِي قَليلَ المالِ، وسُوءُ التَّدبيرِ يُفني كَثيرَهُ.[10]

۱۹۱۳
سوء تدبیر[1]

۹۱۸۱. **امام علی**ﷺ: سوء تدبیر، موجب ویرانی و نابودی است.

۹۱۸۲. **امام علی**ﷺ: هرکه تدبیرش بد باشد، ویرانگریش شتاب گیرد.

۹۱۸۳. **امام علی**ﷺ: هرکه سوء تدبیر داشته باشد، تدبیرش به نابودی او انجامد.

۹۱۸۴. **امام علی**ﷺ: هرکه تدبیرش به تأخیر افتد، هلاکتش پیش افتد.

۹۱۸۵. **امام علی**ﷺ: سوء تدبیر، کلید فقر است.

۹۱۸۶. **امام علی**ﷺ: حُسن تدبیر، دارایی اندک را رشد می‌دهد و سوء تدبیر، ثروت بسیار را به باد فنا می‌دهد.

---

۱. غرر الحكم: ۸۵۳۵. ۲. غرر الحكم: ۸۵۳۶.
۳. غرر الحكم: ۴۸۲۱. ۴. غرر الحكم: ۳۱۵۱.
۵. غرر الحكم: ۵۵۷۱. ۶. غرر الحكم: ۷۹۰۶.
۷. غرر الحكم: ۸۷۶۸. ۸. غرر الحكم: ۸۰۴۵.
۹. غرر الحكم: ۵۵۷۲. ۱۰. غرر الحكم: ۴۸۳۳.

---

۱. تدبیر در لغت، به معنای نگریستن و اندیشیدن در عاقبت کار است، عاقبت اندیشی، فرجام نگری، چاره‌جویی ـ م.

۱۹۱۴
أفضَلُ السِّياسَتَينِ

۹۱۸۷ . الإمامُ عليٌّ ﷺ: العَدلُ أفضلُ السِّياسَتَينِ.[۱]

۹۱۸۸ . عنه ﷺ: جَمالُ السِّياسَةِ العَدلُ في الإمرَةِ، والعَفوُ مَعَ القُدرَةِ.[۲]

۹۱۸۹ . عنه ﷺ: خَيرُ السِّياساتِ العَدلُ.[۳]

۹۱۹۰ . عنه ﷺ: مِلاكُ السِّياسَةِ العَدلُ.[۴]

۹۱۹۱ . عنه ﷺ: سِياسَةُ العَدلِ ثَلاثٌ: لِينٌ في حَزمٍ، واستِقصاءٌ في عَدلٍ، وإفضالٌ في قَصدٍ.[۵]

۹۱۹۲ . عنه ﷺ: بِئسَ السِّياسَةُ الجَورُ.[۶]

(انظر) العدل: باب ۲۵۰۳.

۱۹۱۵
رَأسُ السِّياسَةِ

۹۱۹۳ . الإمامُ عليٌّ ﷺ: رَأسُ السِّياسَةِ استِعمالُ الرِّفقِ.[۷]

۹۱۹۴ . عنه ﷺ: نِعمَ السِّياسَةُ الرِّفقُ.[۸]

۹۱۹۵ . عنه ﷺ: مَن لم يَلِنْ لِمَن دونَهُ لَم يَنَلْ

۱ . غرر الحكم: ۱۶۵۶.
۲ . غرر الحكم: ۴۷۹۲.
۳ . غرر الحكم: ۴۹۴۸.
۴ . غرر الحكم: ۹۷۱۴.
۵ . غرر الحكم: ۵۵۹۲.
۶ . غرر الحكم: ۴۴۰۴.
۷ . غرر الحكم: ۵۲۶۶.
۸ . غرر الحكم: ۹۹۴۷.

۱۹۱۴
بهترين سياست

۹۱۸۷ . **امام علی**ﷺ: عدالت، برترين سياست است.

۹۱۸۸ . **امام علی**ﷺ: زيبايي سياست، در به كا
بستن عدالت در حكومت است و گذشت
كردن با وجود توانايي [بر انتقامگيری].

۹۱۸۹ . **امام علی**ﷺ: بهترين سياست‌ها، عدالت
است.

۹۱۹۰ . **امام علی**ﷺ: اساس سياست، عدالت
است.

۹۱۹۱ . **امام علی**ﷺ: سياستِ عادلانه به سه چي
است: مدارا توأم با دوراندیشی، و
استيفای حقوق همراه با عدالت، و احسا
و بخشش همراه با ميانه‌روی.

۹۱۹۲ . **امام علی**ﷺ: بد سياستی است، بيدادگری

۱۹۱۵
سرآمد سياست

۹۱۹۳ . **امام علی**ﷺ: نرمش به خرج دادن، سرآم
سياست است.

۹۱۹۴ . **امام علی**ﷺ: خوب سياستی است، نرمش
و مدارا.

۹۱۹۵ . **امام علی**ﷺ: هركه با زيردست خود نرمش

حاجَتَهُ.[۱]

۹۱۹۶. عنه ﷺ: الرِّفقُ يَفُلُّ حَدَّ المُخالَفَةِ.[۲]

۹۱۹۷. عنه ﷺ: إذا مَلَكتَ فارفُقْ.[۳]

(انظر) عنوان ۱۹۳ «الرفق».

۱۹۱۶

زَينُ السِّياسَةِ

۹۱۹۸. الإمامُ عليٌّ ﷺ: الاحتِمالُ زَينُ السِّياسَةِ.[۴]

۹۱۹۹. عنه ﷺ: مَن لَم يَحتَمِلْ مَؤونَةَ الناسِ فقد أهَّلَ قُدرَتَهُ لانتِقالِها.[۵]

۱۹۱۷

سِياسَةُ النَّفسِ

۹۲۰۰. الإمامُ عليٌّ ﷺ: سِياسَةُ النَّفسِ أفضَلُ سِياسَةٍ، ورِياسَةُ العِلمِ أشرَفُ رِياسَةٍ.[۶]

۹۲۰۱. عنه ﷺ: مَن ساسَ نَفسَهُ أدرَكَ السِّياسَةَ.[۷]

۹۲۰۲. عنه ﷺ: سُوسُوا أنفُسَكُم بالوَرَعِ، وداوُوا مَرضاكُم بالصَّدَقَةِ.[۸]

۹۲۰۳. عنه ﷺ: مِن حَقِّ المَلِكِ أن يَسُوسَ نَفسَهُ

---

۱. غرر الحكم: ۹۰۰۶.
۲. غرر الحكم: ۵۶۰.
۳. غرر الحكم: ۳۹۷۴.
۴. غرر الحكم: ۷۷۲.
۵. غرر الحكم: ۸۹۸۲.
۶. غرر الحكم: ۵۵۸۹.
۷. غرر الحكم: ۸۰۱۳.
۸. غرر الحكم: ۵۵۸۸.

به خرج ندهد، به هدف خود نرسد.

۹۱۹۶. **امام علی**ﷺ: نرمش و مدارا، تیزی مخالفت را کُند می‌کند.

۹۱۹۷. **امام علی**ﷺ: هرگاه به حکومت رسیدی، نرمش و مدارا را پیشه کن.

۱۹۱۶

زیور سیاست

۹۱۹۸. **امام علی**ﷺ: تحمّل کردن، زیور سیاست است.

۹۱۹۹. **امام علی**ﷺ: کسی که بار مؤونهٔ مردم را به دوش نکشد، قدرت خود را سزاوار انتقال [به دیگری] کرده است.

۱۹۱۷

سیاست نفس

۹۲۰۰. **امام علی**ﷺ: سیاست (تربیت) نفس، برترین سیاست است، و ریاست علمی، عالیترین ریاست.

۹۲۰۱. **امام علی**ﷺ: هرکه نفس خود را سیاست (تربیت) کند، به سیاست کردن [مردم] دست یابد.

۹۲۰۲. **امام علی**ﷺ: نفسهای خود را بر پارسایی سیاست (تربیت) کنید، و بیمارانتان را با صدقه درمان نمایید.

۹۲۰۳. **امام علی**ﷺ: بر فرمانرواست که پیش از

۴۴۰ ـــــــ

۲۵۳

التَّسویف

کار امروز را به فردا افکندن

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

انظر:

التوبة :باب ۴۷۲ ،العمر :باب ۲۸۷۹ .

۱۹۱۸
النَّهيُ عَنِ التَّسويفِ

۹۲۰۶. رسولُ اللهِ ﷺ: يا أبا ذَرٍّ، إيّاكَ والتَّسويفَ بِأمَلِكَ، فإنَّكَ بِيَومِكَ ولَستَ بِما بَعدَهُ، فإن يَكُن غَدٌ لكَ فَكُن في الغَدِ كما كُنتَ في اليَومِ، وان لم يَكُن غَدٌ لكَ لَم تَندَمْ علىٰ ما فَرَّطتَ في اليَومِ.[1]

۹۲۰۷. الإمامُ عليٌّ ﷺ ـ فيما كَتَبَهُ إلىٰ بعضِ أصحابِهِ ـ: فَتَدارَكْ ما بَقِيَ مِن عُمُرِكَ، ولا تَقُلْ: غَداً وبَعدَ غَدٍ، فإنّما هَلَكَ مَن كانَ قَبلَكَ بِإقامَتِهِم على الأمانِيِّ والتَّسويفِ، حتّىٰ أتاهُم أمرُ اللهِ بَغتةً وهُم غافِلونَ.[2]

۹۲۰۸. عنه ﷺ: فاتَّقىٰ عَبدٌ رَبَّهُ... فإنَّ أجَلَهُ مَستورٌ عَنهُ، وأمَلَهُ خادِعٌ لَهُ، والشَّيطانَ مُوَكَّلٌ بِهِ، يُزَيِّنُ لَهُ المَعصيَةَ لِيَركَبَها، ويُمَنِّيهِ التَّوبَةَ لِيُسَوِّفَها، إذا هَجَمَت مَنِيَّتُهُ عَلَيهِ أغفَلَ ما يَكونُ عَنها.[3]

۹۲۰۹. عنه ﷺ: كُلُّ مُعاجَلٍ يَسأَلُ الإنظارَ، وكُلُّ

۱. بحار الأنوار: ۳/۷۵/۷۷. ۲. بحار الأنوار: ۳۹/۷۵/۷۳.
۳. نهج البلاغة: الخطبة ۶۴.

۱۹۱۸
نهی از کار امروز به فردا افکندن

۹۲۰۶. **پیامبر خدا**ﷺ: ای ابوذر! زنهار که بر اثر آرزو، کار امروز را به فردا فکنی؛ زیرا که تو در امروز به سر می‌بری نه در فردا؛ چه اگر فردایی برای تو بود، در فردا نیز چنان باش که امروز بوده‌ای و اگر فردایی در کار نبود به خاطر کوتاهی کردن درکار امروزت پشیمان نشوی.

۹۲۰۷. **امام علی**ﷺ ـ در نامه‌ای به یکی از یاران خود ـ نوشت: آنچه را از عمر تو باقی مانده است، دریاب و مگو: فردا و پس فردا؛ زیرا پیشینیان تو به سبب تکیه کردن به آرزوها و امروز و فردا کردن هلاک شدند؛ چرا که فرمان خدا (مرگ) ناگهان این غافلان را در رسید.

۹۲۰۸. **امام علی**ﷺ: پس، بنده‌ای از پروردگارش ترسید... زیرا روز مرگش را نمی‌داند و آرزوهایش او را می‌فریبد و شیطان موکل اوست، معصیت را برایش می‌آراید، تا مرتکب آن شود و به توبه امیدوارش می‌کند، تا در کار آن امروز و فردا کند، تا آن که مرگ بر او هجوم آورد، در حالی که در غفلت محض از آن به سر می‌برد.

۹۲۰۹. **امام علی**ﷺ: هرکس که مهلتش به سر آید

مُؤَجَّلٍ يَتَعَلَّلُ بِالتَّسويفِ.[۱]

۹۲۱۰. عنه ﷺ: لا دِينَ لِمُسَوِّفٍ بِتَوبَتِهِ.[۲]

۹۲۱۱. عنه ﷺ: جاهِلُكُم مُزدادٌ، وعالِمُكُم مُسَوِّفٌ.[۳]

۹۲۱۲. عنه ﷺ: لا تَكُن مِمَّن يَرجُو الآخِرَةَ بِغَيرِ العَمَلِ، ويُرَجِّي التَّوبَةَ بِطُولِ الأَمَلِ... إن عَرَضَت لَهُ شَهوَةٌ أسلَفَ المَعصِيَةَ وسَوَّفَ التَّوبَةَ.[۴]

۹۲۱۳. الإمامُ زينُ العابدينَ ﷺ ـ في مُناجاتِهِ ـ: وأعِنّي بِالبُكاءِ عَلىٰ نَفسي، فقد أفنَيتُ بِالتَّسويفِ والآمالِ عُمرِي، وقَد نَزَلتُ مَنزِلَةَ الآيِسينَ مِن خَيرِي.[۵]

۹۲۱۴. الإمامُ الباقرُ ﷺ: إيّاكَ والتَّسويفَ؛ فإنَّهُ بَحرٌ يَغرَقُ فيهِ الهَلكىٰ.[۶]

۹۲۱۵. الإمامُ الصّادقُ ﷺ: تَأخِيرُ التَّوبَةِ اغتِرارٌ، وطُولُ التَّسويفِ حَيرَةٌ.[۷]

[برای جبران گذاشته] مهلتی می‌طلبد، و به هرکس که مهلتی داده شود در انجام کار، امروز و فردا می‌کند.

۹۲۱۰. **امام علی**ﷺ: کسی که توبه‌اش را به تأخیر افکند، دین ندارد.

۹۲۱۱. **امام علی**ﷺ: نادانِ شما بر گناه می‌افزاید، و دانای شما امروز و فرداکن است.

۹۲۱۲. **امام علی**ﷺ: چونان کسی مباش که بدون عمل، به آخرت امیدوار است و به سبب آرزوی دراز، توبه را تأخیر می‌اندازد... اگر شهوتی برایش پیش آید گناه را پیش افکند و توبه را پس اندازد.

۹۲۱۳. **امام زین العابدین**ﷺ ـ در مناجات با خدا ـ گفت: مرا در گریستن بر خودم یاری رسان؛ زیرا که با امروز و فردا کردن و آمال و آرزوها عمر خویش را بر باد فنا داده و از آنها شده‌ام که به خیر و نجات خود امیدی ندارند.

۹۲۱۴. **امام باقر**ﷺ: زنهار از افکندن کار امروز به فردا؛ زیرا این کار دریایی است که مردمان در آن غرق و نابود می‌شوند.

۹۲۱۵. **امام صادق**ﷺ: به تأخیر انداختن توبه، فریفتگی است، و امروز و فردا کردنِ بسیار، سرگشتگی.

---

۱. نهج البلاغة: الحكمة ۲۸۵.
۲. غرر الحكم: ۱۰۶۶۰.
۳. نهج البلاغة: الحكمة ۲۸۳.
۴. نهج البلاغة: الحكمة ۱۵۰.
۵. بحار الأنوار: ۲/۸۸/۹۸.
۶. بحار الأنوار: ۱/۱۶۴/۷۸.
۷. بحار الأنوار: ۹۷/۳۶۵/۷۳.


مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

۲۵۴

السُّوق

بازار

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

انظر:

الذکر :باب۱۳۴۵.

۱۹۱۹
ذَمُّ السُّوقِ

۹۲۱۶ . رسولُ اللهِ ﷺ: السُّوقُ دارُ سَهْوٍ وغَفلَةٍ، فَمَن سَبَّحَ فيها تَسبيحَةً كَتَبَ اللهُ لَهُ بها أَلفَ أَلفِ حَسَنةٍ.[۱]

۹۲۱۷ . الإمامُ عليٌّ ؈: مَجالِسُ الأسواقِ مَحاضِرُ الشيطانِ.[۲]

۹۲۱۸ . عنه ؈ ـ مِن كِتابٍ لَهُ إلى الحارثِ الهَمْدانِيِّ ـ: إيّاكَ ومَقاعِدَ الأسواقِ؛ فإنّها مَحاضِرُ الشيطانِ ومَعاريضُ الفِتَنِ.[۳]

۹۲۱۹ . الإمامُ الباقرُ ؈: شَرُّ بِقاعِ الأرضِ الأسواقُ، وهُو مَيدانُ إبليسَ، يَغدُو بِرايَتِهِ، ويَضَعُ كُرسِيَّهُ، ويَبُثُّ ذُرِّيَّتَهُ، فَبَينَ مُطَفِّفٍ في قَفيزٍ، أو طائشٍ في ميزانٍ، أو سارِقٍ في ذِراعٍ، أو كاذِبٍ في سِلعَتِهِ، فيقولُ: علَيكُم بِرَجُلٍ ماتَ أبوهُ وأبُوكُم حَيٌّ، فلا يَزالُ مع أوَّلِ مَن يَدخُلُ وآخِرِ مَن يَرجِعُ.[۴]

---

۱ . كنز العمّال: ۹۳۳۰. ۲ . غرر الحكم: ۹۸۱۴.
۳ . نهج البلاغة: الكتاب ۶۹.
۴ . بحار الأنوار: ۸۷/۱۱/۸۴.

۱۹۱۹
نکوهش بازار

۹۲۱۶ . **پیامبر خدا** ﷺ: بازار، سرای بی‌خبری و غفلت است. پس هرکه در بازار یک تسبیح گوید خداوند هزار هزار ثواب برایش رقم زند.

۹۲۱۷ . **امام علی** ؈: محفل‌های بازار، جای حضور شیطان است.

۹۲۱۸ . **امام علی** ؈ ـ در نامهٔ خود به حارث همدانی ـ نوشت: از پاتوقهای بازار بپرهیز که محل حضور شیطان است و عرضه گاه فتنه‌ها و گمراهیها.

۹۲۱۹ . **امام باقر** ؈: بدترین جای زمین بازارست؛ بازار میدان ابلیس است، بامدادان پرچم خود را در آن جا نصب می‌کند و کرسیش را می‌گذارد و فرزندانش را همه سو می‌پراکند: از کسی که پیمانه را کم می‌دهد تا کسی که ترازو را سبک می‌گیرد و کسی که در گز کردن دزدی می‌کند یا کسی که برای فروش کالایش به دروغ متوسل می‌شود. او به فرزندانش می‌گوید: بر شما باد [فریفتن] مردی که پدرش (حضرت آدم) مرده در حالی که پدر شما هنوز زنده است. ابلیس با اولین کسی که به بازار می‌آید وارد می‌شود و با آخرین نفری که بازار را ترک می‌کند بر می‌گردد.

۱۹۲۰

مَوعِظَةُ الإمامِ عَلِيٍّ عليه السلام لِأهلِ السُّوقِ

۹۲۲۰ . **الإمامُ عليٌّ** عليه السلام ـ وهو يَطوفُ في الأسواقِ يَعِظُ التُّجّارَ ـ: يا مَعشَرَ التُّجّارِ قَدِّمُوا الاستِخارَةَ، وتَبَرَّكُوا بِالسُّهُولَةِ، واقتَرِبُوا مِنَ المُبتاعِينَ، وتَزَيَّنُوا بِالحِلمِ، وتَناهَوا عنِ اليَمِينِ، وجانِبُوا الكَذِبَ، وتَخافُوا (تَجافُوا) عنِ الظُّلمِ، وأنصِفُوا المَظلومينَ، ولا تَقرَبُوا الرِّبا، وأوفُوا الكَيلَ والميزانَ، ولا تَبخَسُوا الناسَ أشياءَهُم، ولاتَعثَوا في الأرضِ مُفسِدِينَ.[1]

۹۲۲۱ . **بحار الأنوار** عن الحسنِ بن أبي الحسنِ البصريِّ: لَمّا قَدِمَ عَلَينا أميرُ المؤمنينَ عليُّ بنُ أبي طالبٍ عليه السلام البصرةَ مَرَّ بي وأنا أتَوَضَّأُ، فقالَ: يا غلامُ، أحسِنْ وُضُوءَكَ يُحسِنِ اللهُ إلَيكَ... ثُمَّ مَشىٰ حتّىٰ دَخَلَ سُوقَ البصرةِ، فَنَظَرَ إلى الناسِ يَبيعُونَ ويَشتَرُونَ فَبَكىٰ بُكاءً شديداً، ثُمَّ قالَ: يا عَبيدَ الدنيا وعُمّالَ أهلِها! إذا كُنتُم بالنهارِ تَحلِفُونَ، وباللَّيلِ في فِراشِكُم تَنامُونَ، وفي خِلالِ ذلكَ عنِ الآخِرَةِ تَغفُلونَ، فَمَتىٰ

۱ . بحار الأنوار: ۱۰۰/۵۴/۷۸.

۱۹۲۰

اندرز امام علی عليه السلام به بازاریان

۹۲۲۰ . **امام علی** عليه السلام ـ که در بازارها گشت می‌زد و تجّار (کسبه) را اندرز می‌داد ـ فرمود: ای جماعت تجّار! پیش از هر چیز از خدا طلب خیر (برکت) کنید، و برکت را در آسانگیری [در معامله] بجویید، و [با اخلاق خوش و برخورد درست] به مشتریان نزدیک شوید، و خود را به زیور بردباری بیارایید، و از سوگند خوردن دست بردارید، و از ظلم و حق‌کشی بترسید (دوری کنید)، و با مظلومان انصاف ورزید، و به رباخواری نزدیک نشوید، و پیمانه و ترازو را کامل گردانید و کالای مردم را کم ندهید، و در زمین (جامعه) دست به تباهی و فساد نزنید.

۹۲۲۱ . **بحار الأنوار** به نقل از حسن بصری: هنگامی که امیر المؤمنین علی بن ابی طالب عليه السلام به بصره آمد، به من که در حال وضو گرفتن بودم برخورد و فرمود: ای جوان! نیک وضو گیر خداوند به تو نیکی کند... سپس به راه افتاد تا آن که وارد بازار بصره شد. به مردم که درحال خرید و فروش بودند نگاهی کرد و سخت گریست و آن گاه فرمود: ای بردگان دنیا و کارگران اهل دنیا! روز را به سوگند خوردن می‌گذرانید و شب را به خوابیدن در بسترهایتان و در این میان، از آخرت غافلید، پس کِی توشهٔ آخرت فراهم

تُجَهِّزُونَ الزّادَ وتُفَكِّرُونَ في المَعادِ؟!

فقالَ لَهُ رَجُلٌ: يا أميرَ المؤمنينَ، إنّه لابُدَّ لنا مِنَ المَعاشِ، فكيفَ نَصنَعُ؟ فقالَ أميرُ المؤمنينَ ﷺ: إنَّ طَلَبَ المَعاشِ مِن حِلِّهِ لا يَشغَلُ عَن عَمَلِ الآخِرَةِ، فإن قلتَ: لابُدَّ لنا مِنَ الاحتِكارِ لَم تَكُن مَعذوراً.

فَوَلَّى الرَّجُلُ باكياً، فقالَ لَهُ أميرُ المؤمنينَ ﷺ: أقبِلْ عَلَيَّ أزِدْكَ بَياناً، فَعادَ الرجُلُ إلَيهِ فقالَ لَهُ: اِعلَمْ يا عبدَ اللهِ أنَّ كُلَّ عامِلٍ في الدنيا لِلآخِرَةِ لابُدَّ أن يُوَفّىٰ أجرَ عَمَلِهِ في الآخِرَةِ، وكُلَّ عامِلٍ دُنيا لِلدنيا عُمالَتُهُ فِي الآخِرَةِ نارُ جَهَنَّمَ. ثُمّ تلا أميرُ المؤمنينَ ﷺ قولَهُ تعالىٰ: ﴿فَأَمّا مَنْ طَغَىٰ * وآثَرَ الحَياةَ الدُّنيا * فَإنَّ الجَحِيمَ هِيَ المَأوىٰ﴾[1].[2]

می‌آورید و در کار معاد می‌اندیشید؟!

مردی عرض کرد: ای امیر المؤمنین! باید برای امرار معاش بکوشیم و گرنه چه کنیم؟ امیر المؤمنین ﷺ فرمود: کسب در آمد از راه حلال، مانع کار آخرت نیست، اما اگر بگویی: چاره‌ای از احتکار نداریم، عذرت پذیرفته نیست.

آن مرد با چشمی گریان برگشت. امیر المؤمنین ﷺ فرمود: بازگرد تا برایت بیشتر توضیح دهم. مرد بازگشت. حضرت فرمود: بدان، ای بندهٔ خدا! که هر کس در دنیا برای آخرت کار کند، لاجرم مزد کارش را در آخرت به طور کامل دریافت می‌کند و هر کس در دنیا برای دنیا کار کند، مزد کارش در آخرت، آتش دوزخ است. امیرالمؤمنین ﷺ سپس این سخن خداوند متعال را تلاوت کرد: «پس هر که طغیان کرد و زندگی این جهانی را برگزید، همانا جهنّم جایگاه اوست».

۹۲۲۲. **بحار الأنوار** عن أبي سعيد: كانَ عَلِيٌّ ﷺ يَأتِي السُّوقَ فيقولُ: يا أهلَ السُّوقِ اِتَّقُوا اللهَ، وإيّاكُم والحَلِفَ فإنَّهُ يُنَفِّقُ السِّلعَةَ، ويَمحَقُ البَرَكَةَ، وإنَّ التاجِرَ فاجِرٌ إلّا مَن أخَذَ الحَقَّ وأعطاهُ، السَّلامُ عَلَيكُم. ثُمَّ

۹۲۲۲. **بحار الأنوار** به نقل از أبو سعید: علی ﷺ وارد بازار می‌شد و می‌فرمود: ای بازاریان! از خدا بترسید و از سوگند خوردن دوری کنید؛ زیرا سوگند یاد کردن گرچه کالا را به فروش می‌رساند، اما برکت را می‌برد. همانا کاسب گنهکار است، مگر آن کاسبی

---

۱. النازعات: ۳۷ـ۳۹. ۲. بحار الأنوار: ۴۱/۴۲۲/۷۷.

يَمكُثُ الأيّامَ ثُمّ يَأتي فَيقولُ مِثلَ مَقالَتِهِ، فكانَ إذا جاءَ قالوا: قد جاءَ المَرد شِكَنبه؛ أي قد جاءَ عظيمُ البَطنِ، فيقولُ: أسفَلُهُ طَعامٌ، وأعلاهُ عِلمٌ.[1]

که در داد و ستد، حق را رعایت کند، بدرودتان باد! سپس می‌رفت و چند روز بعد دوباره می‌آمد و سخنانی بدین گونه می‌فرمود. هرگاه آن حضرت وارد بازار می‌شد بازاریان می‌گفتند: مرد شکنبه آمد؛ یعنی، شکم گنده، و حضرت می‌فرمود: پایینش غذاست و بالایش علم.

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

۱ ـ بحار الأنوار: ۴۴/۱۰۲/۱۰۳.


مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی



٢٥٥

السِّوَاكُ

مسواک زدن

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

ولمزيد الاطّلاع راجع:

بحار الأنوار: ٧٦/١٢٦ باب ١٨ «السّواك والحثّ عليه».

بحار الأنوار: ٨٠/٣٣٢ باب ٦ «سُنن الوضوء».

وسائل الشيعة: ١/٣٤٦ «أبواب السواك».

كنز العمّال: ١/٦٠٢ «في آداب التلاوة».

۱۹۲۱
الحَثُّ عَلَى السِّواكِ

۹۲۲۳ . رسولُ اللهِ ﷺ: لَولا أن أشُقَّ علىٰ أُمَّتي لَأمَرتُهُم بِالسِّواكِ مَع كُلِّ صلاةٍ.[۱]

۹۲۲۴ . عنه ﷺ ـ في وصيَّتِهِ لعليٍّ ﷺ ـ: عَلَيكَ بالسِّواكِ عِندَ كُلِّ وُضوءٍ.[۲]

۹۲۲۵ . عنه ﷺ ـ أيضاً ـ: يا عليُّ، عَلَيكَ بالسِّواكِ، وإن استَطَعتَ أن لا تُقِلَّ مِنهُ فافعَلْ، فإنَّ كُلَّ صلاةٍ تُصَلِّيها بالسِّواكِ تَفضُلُ علَى التي تُصَلِّيها بغَيرِ سِواكٍ أربَعينَ يَوماً.[۳]

۹۲۲۶ . عنه ﷺ: الوُضوءُ شَطرُ الإيمانِ، والسِّواكُ شَطرُ الوُضوءِ.[۴]

۹۲۲۷ . عنه ﷺ: طَيِّبُوا أفواهَكُم بِالسِّواكِ؛ فإنَّها طُرُقُ القُرآنِ.[۵]

۹۲۲۸ . عنه ﷺ: نَظِّفُوا أفواهَكُم؛ فإنَّها طُرُقُ القرآنِ.[۶]

---

۱ . الكافي: ۱/۲۲/۳ . ۲ . بحار الأنوار: ۸/۶۹/۷۷ .
۳ . بحار الأنوار: ۴۸/۱۳۷/۷۶ .
۴ . كنز العمّال: ۲۶۲۰۰ . ۵ . كنز العمّال: ۲۷۵۳ .
۶ . كنز العمّال: ۲۸۰۴ .

۱۹۲۱
تشویق به مسواک زدن

۹۲۲۳ . **پیامبر خدا** ﷺ: اگر ترس از سختگیری بر امّتم نبود، دستور می‌دادم که با هر نمازی مسواک زنند.

۹۲۲۴ . **پیامبر خدا** ﷺ ـ در سفارش به علی ﷺ ـ فرمود: بر تو باد مسواک زدن با هر وضویی.

۹۲۲۵ . **پیامبر خدا** ﷺ ـ در سفارش به علی ﷺ ـ فرمود: بر تو باد مسواک زدن؛ اگر توانستی که از این کار کم نکنی چنین کن؛ زیرا هر نمازی که با مسواک زدن بخوانی از چهل روز نمازی که بی‌مسواک زدن بگزاری برتر است.

۹۲۲۶ . **پیامبر خدا** ﷺ: وضو، نصف (جزء) ایمان است و مسواک زدن نصف (جزء) وضو.

۹۲۲۷ . **پیامبر خدا** ﷺ: دهانهای خود را با مسواک زدن خوشبو کنید؛ زیرا دهانهای شما گذرگاههای قرآن است.

۹۲۲۸ . **پیامبر خدا** ﷺ: دهانهای خود را پاکیزه کنید؛ زیرا گذرگاههای قرآنند.

۹۲۲۹ . الإمامُ الباقرُ ﷺ: لَو يَعلَمُ النـاسُ مـا فـي السِّواكِ لَأَباتُوهُ مَعَهُم في لِحافٍ.[۱]

۹۲۲۹ . **امام باقر**ﷺ: اگر مردم بدانند کـه مسـواک زدن چـه فـوایـدی دارد، در هـنگام شب مسواک را با خود به بستر می‌برند.

۹۲۳۰ . الإمامُ الصّادقُ ﷺ ـ لَمّا سُئِلَ: أتَرىٰ هـذا الخَلقَ كُلَّهُ مِنَ الناسِ ؟ ـ: فقالَ: أَلْقِ مِنهُمُ التارِكَ للسِّواكِ.[۲]

۹۲۳۰ . **امام صادق**ﷺ ـ در پاسخ به این سؤال که: آیا این خـلایق هـمه در شمار آدمیانند؟ ـ فرمود: افرادی را که مسواک نمی‌زنند از شمار آنها بینداز.

۹۲۳۱ . عنه ﷺ: مِن أخلاقِ الأنبياءِ السِّواكُ.[۳]

۹۲۳۱ . **امام صادق**ﷺ: مسـواک زدن از اخـلاق پیامبران است.

۱۹۲۲
تَوصِيَةُ جَبرَئيلَ بِالسِّواكِ

۱۹۲۲
سفارش جبرئیل به مسواک زدن

۹۲۳۲ . رسولُ اللهِ ﷺ: مـازالَ جَـبرئيلُ يُـوصِيني بالسِّواكِ حتّىٰ خَشِيتُ أن اُدرَدَ أو اُحفِيَ.[۴]

۹۲۳۲ . **پیامبر خدا**ﷺ: جـبرئیل پـیوسته مـرا بـه مسواک زدن سفارش می‌کرد، تا جایی کـه تـرسیدم دنـدانـهایم از ریشـه درآیـند یـا ساییده شوند.

۹۲۳۳ . عنه ﷺ: مازالَ جَبرَئيلُ يُوصِيني بالسِّواكِ حتّىٰ خِفتُ على سِنّي.[۵]

۹۲۳۳ . **پیامبر خدا**ﷺ: هـماره جـبرئیل مـرا بـه مسواک زدن سفارش می‌کرد، به اندازه‌ای که نگران دندانهای خود شدم.

۹۲۳۴ . عنه ﷺ: ما أتاني صاحِبي جَـبرَئيلُ ﷺ إلّا أوصاني بالسِّواكِ حتّىٰ خَشِيتُ أن اُحـفِيَ مَقادِيمَ فِيَّ.[۶]

۹۲۳۴ . **پیامبر خدا**ﷺ: هیچ گاه دوستم جبرئیلﷺ نزد من نیامد، مگر این که مرا بـه مسـواک زدن توصیه کرد، تا جایی که نگران ساییده شدن دندانهایِ پیشِ خود شدم.

۹۲۳۵ . عنه ﷺ: مازالَ جَبرئيلُ يُوصِيني بالسِّواكِ حتّىٰ ظَنَنتُ أنَّهُ سَيَجعَلُهُ فَريضَةً.[۷]

۹۲۳۵ . **پیامبر خدا**ﷺ: جـبرئیل هـمواره مـرا بـه مسواک زدن توصیه مـی‌کرد، چـندان کـه گـمان کـردم بـزودی ایـن کـار را واجب خواهد کرد.

---

۱ . بحار الأنوار: ۷۶/۱۳۰/۱۷.
۲ . بحار الأنوار: ۷۶/۱۲۸/۱۱.
۳ . بحار الأنوار: ۷۶/۱۳۱/۲۵.
۴ . بحار الأنوار: ۷۶/۱۳۱/۲۶.
۵ . المحاسن: ۲/۳۸۰/۲۳۳۶.
۶ . بحار الأنوار: ۷۶/۱۳۹/۵۱.
۷ . بحار الأنوار: ۷۶/۱۲۶/۲.

۱۹۲۳
مَنافِعُ السِّواكِ

۹۲۳۶ . رسولُ اللهِ ﷺ: مَنِ استَعمَلَ الخَشَبَتَينِ أمِنَ مِن عَذابِ الكَلبَتَينِ.[۱]

۹۲۳۷ . عنه ﷺ: السِّواكُ يَزِيدُ الرَّجُلَ فَصاحَةً.[۲]

۹۲۳۸ . الإمامُ عليٌّ ﷺ: السِّواكُ يَجلُو البَصَرَ.[۳]

۹۲۳۹ . الإمامُ الصّادقُ ﷺ: السِّواكُ يَذهَبُ بِالدَّمعَةِ، ويَجلُو البَصَرَ.[۴]

۹۲۴۰ . عنه ﷺ: في السِّواكِ اثنَتا عَشرَةَ خَصلَةً: هُوَ مِنَ السُّنَّةِ، و مَطهَرَةٌ لِلفَمِ، ومَجلاةٌ لِلبَصَرِ، ويُرضِي الرحمٰنَ، ويُبَيِّضُ الأسنانَ، ويَذهَبُ بِالحَفَرِ، ويَشُدُّ اللِّثَةَ، ويُشَهِّي الطَّعامَ، ويَذهَبُ بِالبَلغَمِ، ويَزيدُ في الحِفظِ، ويُضاعَفُ بِهِ الحَسَناتُ، وتَفرَحُ بِهِ المَلائكةُ.[۵]

۹۲۴۱ . عنه ﷺ: عَلَيكُم بِالسِّواكِ؛ فَإنَّهُ يُذهِبُ وَسوَسَةَ الصَّدرِ.[۶]

۹۲۴۲ . الإمامُ الرِّضا ﷺ: السِّواكُ يَجلُو البَصَرَ، ويُنبِتُ الشَّعرَ، ويَذهَبُ بِالدَّمعَةِ.[۷]

۱۹۲۳
فوايد مسواک زدن

۹۲۳۶ . **پيامبر خدا**ﷺ: هر که دو چوب [مسواک] را به کار گيرد از درد گاز انبر در امان ماند.

۹۲۳۷ . **پيامبر خدا**ﷺ: مسواک زدن، بر زبان آوری مرد می‌افزايد.

۹۲۳۸ . **امام علی**ﷺ: مسواک زدن، نور چشم را زياد می‌کند.

۹۲۳۹ . **امام صادق**ﷺ: مسواک زدن، آبريزش چشم را از بين می‌برد و نور آن را زياد می‌کند.

۹۲۴۰ . **امام صادق**ﷺ: مسواک زدن، دوازده ويژگی دارد: از سنّت است، دهان را تميز می‌سازد، نور چشم را زياد می‌کند، خدای رحمان را خشنود می‌گرداند، دندانها را سفيد می‌کند، پوسيدگی آنها را از بين می‌برد، لثه را محکم می‌سازد، اشتها را باز می‌کند، بلغم را می‌برد، حافظه را زياد می‌کند، حسنات دو چندان می‌شوند، و فرشتگان شاد می‌گردند.

۹۲۴۱ . **امام صادق**ﷺ: بر شما باد مسواک زدن؛ زيرا اين کار وسوسهٔ سينه را از بين می‌برد.

۹۲۴۲ . **امام رضا**ﷺ: مسواک زدن، نور چشم را زياد می‌کند، مو را پرپشت می‌کند، و آبريزش چشم را برطرف می‌سازد.

---

۱ . بحار الأنوار: ۲۹۱/۶۲. ۲ . بحار الأنوار: ۴۸/۱۳۵/۷۶.
۳ . بحار الأنوار: ۴/۱۴۵/۶۲. ۴ . بحار الأنوار: ۵/۱۴۵/۶۲.
۵ . الخصال: ۵۳/۴۸۱. ۶ . بحار الأنوار: ۵۲/۱۳۹/۷۶.
۷ . بحار الأنوار: ۴۸/۱۳۷/۷۶.

۱۹۲۴
أدَبُ السِّواكِ

۹۲۴۳ . رسولُ اللهِ ﷺ: اِستاكُوا عَرضاً ولا تَستاكُوا طُولاً.[۱]

۹۲۴۴ . عنه ﷺ: اِكتَحِلُوا وَتراً، واستاكُوا عَرضاً.[۲]

۹۲۴۵ . بحار الأنوار: كان النبيُّ ﷺ إذا استاكَ استاكَ عَرضاً، وكانَ يَستاكُ كُلَّ لَيلَةٍ ثلاثَ مَرّاتٍ: مَرَّةً قَبلَ نَومِهِ، ومَرَّةً إذا قامَ مِن نَومِهِ إلىٰ وِردِهِ، ومَرَّةً قَبلَ خُروجِهِ إلىٰ صلاةِ الصُّبحِ، وكانَ يَستاكُ بالأراكِ أمَرَهُ بذلك جَبرَئيلُ.[۳]

۱۹۲۴
آداب مسواک زدن

۹۲۴۳ . **پیامبر خدا**ﷺ: دندانهایتان را از عرض (عمودی) مسواک بزنید نه از طول (افقی).

۹۲۴۴ . **پیامبر خدا**ﷺ: تعداد سرمه کشیدنتان فرد باشد (سه بار، پنج بار و...) و دندانهایتان را از عرض مسواک بزنید.

۹۲۴۵ . **بحار الأنوار**: پیامبر خداﷺ هرگاه مسواک می‌زد از عرض می‌زد و شبی سه بار مسواک می‌زد: یک بار پیش از خواب، یک بار وقتی که از خواب برای راز و نیاز برمی‌خاست و یک بار پیش از آن که برای نماز صبح بیرون رود. آن حضرت به دستور جبرئیل با چوب درخت اراک، مسواک می‌زد.

۱۹۲۵
اِستِحبابُ السِّواكِ فِي السَّحَرِ

۹۲۴۶ . الإمامُ الباقرُ ﷺ: إنَّ السِّواكَ في السَّحَرِ قَبلَ الوُضُوءِ مِنَ السُّنَّةِ.[۴]

۹۲۴۷ . الإمامُ الصّادقُ ﷺ: إذا قُمتَ باللَّيلِ فاستَكْ؛ فإنَّ المَلَكَ يَأتِيكَ فَيَضَعُ فاهُ علىٰ فِيكَ، وليسَ مِن حَرفٍ تَتلُوهُ وتَنطِقُ بِهِ إلّا صَعِدَ بِهِ إلى السماءِ، فَلْيَكُنْ فُوكَ طَيِّبَ الرِّيحِ.[۵]

۱۹۲۵
استحباب مسواک زدن در سحرگاه

۹۲۴۶ . **امام باقر**ﷺ: مسواک زدن در سحرگاه پیش از وضو گرفتن، جزء سنّت است.

۹۲۴۷ . **امام صادق**ﷺ: هرگاه شب [برای عبادت] برخاستی مسواک بزن؛ زیرا فرشته می‌آید و دهانش را بر دهان تو می‌گذارد و هر کلمه‌ای را که تلاوت کنی و به زبان آوری، به آسمان بالا می‌برد. بنابراین، باید دهانت خوشبو باشد.

---

۱. الدعوات للراوندي: ۴۴۵/۱۶۱.
۲. بحار الأنوار: ۴۸/۱۳۷/۷۶.
۳. بحار الأنوار: ۴۷/۱۳۵/۷۶.
۴. كتاب من لا يحضره الفقيه: ۱۳۹۰/۴۸۰/۱.
۵. الكافي: ۷/۲۳/۳.

۹۲۳۸ . الكافي عن الإمام الصّادقِ عليه السلام : إنَّ رسولَ اللهِ صلى الله عليه وآله كانَ إذا صَلَّى العِشاءَ الآخِرَةَ أمَرَ بِوَضُوئِهِ وسِواكِهِ يُوضَعُ عِندَ رَأسِهِ ... و في روايةٍ أُخرىٰ : يَستاكُ في كُلِّ مَرَّةٍ قامَ مِن نَومِهِ.[1]

۹۲۳۸ . **الكافي**: امام صادق عليه السلام فرمود : رسول خدا صلى الله عليه وآله چون نماز عشا را می‌خواند، دستور می‌داد ظرف وضو و مسواکش را کنار سرش بگذارند...

در روایتی دیگر آمده است: آن حضرت هربار که از خواب بیدار می‌شد مسواک می‌زد.

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

۱ . الكافي : ۱۳/۴۴۵/۳.

حرف الشین

عنوان	جلد / صفحه
الشَّباب (جوانی)	۵ / ۴۵۹
الشُّبهَة (شبهه)	۵ / ۴۶۷
التَّشبُّه (مانند سازی و تقلید)	۵ / ۴۷۵
الشَّجر (درخت)	۵ / ۴۷۹
الشَّجاعة (شجاعت)	۵ / ۴۸۳
الشَّحّ (تنگ چشمی)	۵ / ۴۸۹
الشَّرّ (بدی)	۵ / ۴۹۳
الشَّریعة (شریعت)	۵ / ۵۰۷
الشَّرف (بزرگی)	۵ / ۵۱۵
الشِّرك (شرک)	۵ / ۵۱۹
الشَّرکة (مشارکت)	۵ / ۵۲۹
الشَّرَه (سیری ناپذیری)	۵ / ۵۳۳
الشَّیطان (شیطان)	۵ / ۵۳۹
الشِّعر (شعر)	۵ / ۵۶۵
الشِّعار (شعار)	۵ / ۵۷۵

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

۴۵۸ ـــــــ

۲۵۶

الشَّبابُ

جوانی

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

انظر:

عنوان ۲۹۵ «الصِغَر» ، الزواج :باب ۱۶۳۳ .

کتاب «جواهر الحکمة للشباب» .

۱۹۲۶
رَبيعُ الحَياةِ

الكتاب:

﴿اللهُ الَّذِي خَلَقَكُم مِّن ضَعْفٍ ثُمَّ جَعَلَ مِن بَعْدِ ضَعْفٍ قُوَّةً ثُمَّ جَعَلَ مِن بَعْدِ قُوَّةٍ ضَعْفًا وَشَيْبَةً يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ وَهُوَ الْعَلِيمُ الْقَدِيرُ﴾.[1]

﴿هُوَ الَّذِي خَلَقَكُم مِّن تُرَابٍ ثُمَّ مِن نُّطْفَةٍ ثُمَّ مِنْ عَلَقَةٍ ثُمَّ يُخْرِجُكُمْ طِفْلاً ثُمَّ لِتَبْلُغُوا أَشُدَّكُمْ﴾.[2]

الحديث:

۹۲۴۹ . الإمامُ عليٌّ عليه السلام: أربَعَةُ أشياءَ لا يَعرِفُ قَدرَها إلّا أربَعَةٌ: الشَّبابُ لا يَعرِفُ قَدرَهُ إلّا الشُّيوخُ وَالعافِيَةُ لا يَعرِفُ قَدرَها إلّا أهلُ البَلاءِ وَالصِّحَّةُ لا يَعرِفُ قَدرَها إلّا المَرضىٰ وَالحَياةُ لا يَعرِفُ قَدرَها إلّا المَوتىٰ.[3]

۹۲۵۰ . عنه عليه السلام: شَيئانِ لا يَعرِفُ فَضلَهُما إلّا مَن فَقَدَهُما: الشَّبابُ، وَالعافِيَةُ.[4]

۱۹۲۶
بهار زندگی

قرآن:

«خداست آن کس که شما را ابتدا ناتوان آفرید، آن گاه، پس از ناتوانی، قوّت بخشید، سپس بعد از قوّت، ناتوانی و پیری داد. هر چه بخواهد، می‌آفریند، و هموست دانای توانا».

«او همان کسی است که شما را از خاکی آفرید، سپس از نطفه‌ای، آن گاه از علقه‌ای، و بعد شما را [به صورت] کودکی برمی‌آورد، تا به کمال قوّت خود برسید».

حدیث:

۹۲۴۹ . امام علی علیه السلام: ارزش چهار چیز را جز چهار گروه نمی‌شناسند: [ارزش] جوانی را جز پیران نمی‌شناسند؛ [ارزش] آرامش (آسایش) را جز گرفتاران نمی‌شناسند؛ [ارزش] سلامت را جز بیماران نمی‌شناسند، و [ارزش] زندگی را جز مُردگان نمی‌دانند.

۹۲۵۰ . امام علی علیه السلام: برتری (ارزش) دو چیز را جز آنان که آنها را از دست دهند، نمی‌شناسند: جوانی و آرامش.

---

۱ . الروم: ۵۴. ۲ . غافر: ۶۷.
۳ . المواعظ العددية: ۲۱۸. ۴ . غررالحكم: ۵۷۶۴.

۱۹۲۷
رَبيعُ البِناءِ

الكتاب:

﴿قَالُوا سَمِعْنَا فَتًى يَذْكُرُهُمْ يُقَالُ لَهُ إِبْرَاهِيمُ﴾.[۱]

﴿وَلَمَّا بَلَغَ أَشُدَّهُ وَاسْتَوَىٰ آتَيْنَاهُ حُكْمًا وَعِلْمًا وَكَذَٰلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ﴾.[۲]

﴿وَلَمَّا بَلَغَ أَشُدَّهُ آتَيْنَاهُ حُكْمًا وَعِلْمًا وَكَذَٰلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ﴾.[۳]

الحديث:

۹۲۵۱. الإمامُ الصّادقُ ﷺ ـ في قَولِ اللهِ عَزَّ وجَلَّ: ﴿وَلَمَّا بَلَغَ أَشُدَّهُ وَاسْتَوَىٰ آتَيْنَاهُ حُكْمًا وَعِلْمًا﴾ ـ: أشُدَّهُ ثَمان عَشرَةَ سنة. وَاستَوىٰ: التَحىٰ.[۴]

۹۲۵۲. رسولُ اللهِ ﷺ: ما بَعَثَ اللهُ نَبِيّاً إلّا شاباً.[۵]

۹۲۵۳. عنه ﷺ: ما بَعَثَ اللهُ عَزَّ وَجَلَّ نَبِيّاً إلّا وهُوَ شابٌّ ولا أُوتِيَ عالِمٌ عِلماً إلّا وَهُوَ شابٌّ.[۶]

۱۹۲۸
تَربِيَةُ الأحداثِ

۹۲۵۳. الإمامُ عليٌّ ﷺ: إنّما قَلبُ الحَدَثِ كالأرضِ

---

۱. الأنبياء: ۶۰. ۲. القصص: ۱۴.
۳. يوسف: ۲۲. ۴. معاني الأخبار: ۲۲۶.
۵. كنز العمّال: ۱۱/۴۷۵/۳۲۲۳۳.
۶. فردوس الأخبار: ۴/۳۷۲/۶۶۱۱.

۱۹۲۷
بهار سازندگی

قرآن:

«گفتند: شنیدیم جوانی، از آن‌ها (بت‌ها) [به بدی] یاد می‌کرد که به او ابراهیم گفته می‌شود».

«و چون به رشد و کمال خویش رسید، به او حکمت و دانش عطا کردیم، و نیکوکاران را چنین پاداش می‌دهیم».

«و چون به حدّ رشد رسید، به او حکمت و دانش عطا کردیم، و نیکوکاران را چنین پاداش می‌دهیم».

حدیث:

۹۲۵۱. **امام صادق** ﷺ ـ دربارهٔ سخن خداوند عزّ وجلّ: «چون به رشد و کمال خویش رسید، به او حکمت و دانش عطا کردیم» ـ فرمود: ﴿أَشُدَّهُ﴾، یعنی: هجده سالگی و ﴿وَاسْتَوَىٰ﴾، یعنی: ریش درآورد.

۹۲۵۲. **پیامبر** ﷺ: خداوند، هیچ پیامبری را جز در جوانی، مبعوث نکرد.

۹۲۵۳. **پیامبر** ﷺ: خداوند عزّ وجلّ، هیچ پیامبری را جز در جوانی، مبعوث نکرد، و به هیچ دانشمندی، جز در جوانی، دانش عطا نشد.

۱۹۲۸
تربیت نوجوانان

۹۲۵۳. **امام علی** ﷺ: قلب نوجوان، در حقیقت

الخالِيَةِ، ما أُلقِيَ فيها مِن شَيءٍ قَبِلَتهُ.[۱]

۹۲۵۵ . **الكافي** عَن إسماعيلَ بنِ عبدِ الخالقِ: سمعت أبا عَبدِاللهِ ﷺ يقول لأبي جعفر الأحول وأنا أسمع: أتَيتَ البَصرةَ؟ فَقالَ: نَعَم، قالَ: كيفَ رَأيتَ مُسارَعَةَ الناسِ إلى هذا الأمرِ ودُخُولَهُم فيهِ؟ قالَ: واللهِ إنَّهُم لَقليلٌ، ولَقَد فَعَلُوا وإنّ ذلك لَقليلٌ، فقالَ: عَلَيكَ بِالأحداثِ؛ فإنَّهُم أسرَعُ إلىٰ كُلِّ خَيرٍ.[۲]

(انظر) الإمامة الخاصة: باب ۲۱۹.

۹۲۵۵ . **الكافي** به نقل از اسماعيل بن عبد الخالق شنيدم امام صادق ﷺ به ابو جعفر اَحْوَل فرمود و من سخن وی را می‌شنيدم: به بصره رفتی؟ عرض کرد: آری. فرمود: شوق مردم به اين امر (ولايت و امامت ما) و پذيرش آنها را چگونه ديدی؟ عرض کرد: به خدا قسم آنان اندکند، کارهايی کرده‌اند اما کم است. حضرت فرمود: بر تو باد نوجوانان؛ زيرا اين گروه در پذيرش هر نوع خوبی شتاب بيشتری نشان می‌دهند.

۱۹۲۹
التَّعَلُّمُ فِي الشَّبابِ

۱۹۲۹
آموختن در جوانی

۹۲۵۶ . **رسولُ اللهِ** ﷺ: مَن تَعَلَّمَ في شَبابِهِ كانَ بِمَنزِلَةِ الرَّسمِ في الحَجَرِ، ومَن تَعَلَّمَ وهُو كبيرٌ كانَ بِمَنزِلَةِ الكِتابِ علىٰ وَجهِ الماءِ.[۳]

۹۲۵۶ . **پيامبر خدا** ﷺ: هر که در جوانی دانش آموزد علم او همچون نقشی است که بر سنگ حکّ شود، و هر که در بزرگسالی بياموزد کارش همچون نوشتن برروی آب است.

۹۲۵۷ . **عنه** ﷺ: مَن لَم يَطلُبِ العِلمَ صَغيراً فَطَلَبَهُ كَبيراً فَماتَ، ماتَ شَهيداً.[۴]

۹۲۵۷ . **پيامبر خدا** ﷺ: هر که در دوران خردسالی علم نياموزد و در بزرگسالی دنبال آن رود و [در ضمن تحصيل علم] بميرد، شهيد مرده است.

۹۲۵۸ . **الإمامُ عليٌّ** ﷺ: العِلمُ مِنَ الصِّغَرِ كالنَّقشِ في الحَجَرِ.[۵]

۹۲۵۸ . **امام علی** ﷺ: آموختن دانش در خُردسالی، همچون نقشی است که بر روی سنگ کنده شود.

۹۲۵۹ . **أيّوبُ** ﷺ: إنَّ اللهَ يَزرَعُ الحِكمَةَ في قَلبِ الصَّغيرِ والكبيرِ، فإذا جَعَلَ اللهُ العَبدَ حَكيماً في الصِّبا لَم يَضَعْ مَنزِلَتَهُ عِندَ

۹۲۵۹ . **ايّوب** ﷺ: خداوند تخم حکمت را در دل کوچک و بزرگ می‌افشاند، پس هرگاه خداوند آدمی را در کودکی حکيم گرداند،

---

۱. تحف العقول: ۷۰. ۲. الكافي: ۶۶/۹۳/۸.
۳. بحار الأنوار: ۶/۲۲۲/۱. ۴. كنز العمال: ۲۸۸۴۳.
۵. بحار الأنوار: ۱۳/۲۲۴/۱.

الحُكَماءِ حَداثَةُ سِنِّهِ وهُم يَرَونَ عَلَيهِ مِنَ اللهِ نُورَ كَرامَتِهِ.[1]

(انظر) الأمثال: باب ۳۵۷۵.

۱۹۳۰
الشّابُّ وتَركُ التَّعَلُّمِ

۹۲۶۰. **الإمامُ الباقرُ** ﷺ: لَو اُتِيتُ بِشابٍّ مِن شَبابِ الشِّيعَةِ لا يَتَفَقَّهُ (في الدِّينِ) لَأَدَّبتُهُ.[2]

۹۲۶۱. **الإمامُ الصّادقُ** ﷺ: لَستُ اُحِبُّ أن أرىٰ الشّابَّ مِنكُم إلّا غادِياً فِي حالَينِ: إمّا عالِماً أو مُتَعَلِّماً، فإن لَم يَفعَلْ فَرَّطَ، فإن فَرَّطَ ضَيَّعَ، وإنْ ضَيَّعَ أثِمَ، وإن أثِمَ سَكَنَ النارَ والذي بَعَثَ مُحمّداً بِالحَقِّ.[3]

۱۹۳۱
فَضلُ الشّابِّ العابِدِ

۹۲۶۲. **رسولُ اللهِ** ﷺ: إنَّ اللهَ تعالىٰ يُحِبُّ الشابَّ التائبَ.[4]

۹۲۶۳. **عنه** ﷺ: ما مِن شَيءٍ أحَبَّ إلى اللهِ تعالىٰ مِن شابٍّ تائبٍ، وما مِن شَيءٍ أبغَضَ إلى اللهِ تعالىٰ مِن شَيخٍ مُقيمٍ علىٰ مَعاصِيهِ.[5]

---

۱. تنبيه الخواطر: ۳۷/۱. ۲. المحاسن: ۷۶۰/۳۵۷/۱.
۳. الأمالي للطوسي: ۶۰۴/۳۰۳.
۴. كنز العمّال: ۱۰۱۸۵. ۵. كنز العمّال: ۱۰۲۳۳.

کم سالی او، منزلت وی را نزد حکیمان پست نگرداند، چون نور کرامت الهی را در وجود او می‌بینند.

۱۹۳۰
جوان و ترک تحصیل علم

۹۲۶۰. **امام باقر**ﷺ: اگر جوان شیعه‌ای را نزد من بیاورند که علم [دین] نمی‌آموزد، او را تنبیه می‌کنم.

۹۲۶۱. **امام صادق**ﷺ: دوست ندارم جوان شما را جز در دو حال ببینم: دانشمند یا دانش آموز؛ زیرا اگر چنین نباشد کوتاهی کرده و چون کوتاهی کند، ضایع گشته و چون ضایع گردد، گنهکار باشد و چون گنهکار باشد، سوگند به آن که محمّد را بحقّ برانگیخت، در آتش جای گیرد.

۱۹۳۱
ارزش جوان عابد

۹۲۶۲. **پیامبر خدا**ﷺ: خداوند متعال، جوان توبه کار را دوست دارد.

۹۲۶۳. **پیامبر خدا**ﷺ: هیچ چیز نزد خداوند متعال محبوبتر از جوان توبه‌گر نیست و هیچ چیز نزد خداوند متعال منفورتر از پیری که بر گناهانش مداومت کند نمی‌باشد.

۹۲۶۴ . **عنه ﷺ**: إنَّ اللهَ تعالىٰ يُباهِي بالشابِّ العابِدِ المَلائكةَ، يقولُ: اُنظُرُوا إلىٰ عَبدي! تَرَكَ شَهوَتَهُ مِن أجلي.[1]

۹۲۶۵ . **عنه ﷺ**: فَضلُ الشّابِّ العابِدِ الذي تَعَبَّدَ في صِباهُ على الشيخِ الذي تَعَبَّدَ بعدَ ما كَبِرَت سِنُّهُ كَفَضلِ المُرسَلِينَ علىٰ سائرِ الناسِ.[2]

۹۲۶۶ . **عنه ﷺ**: سَبعَةٌ في ظِلِّ عَرشِ اللهِ عَزَّوجلَّ يَومَ لا ظِلَّ إلّا ظِلُّهُ: إمامٌ عادِلٌ، وشابٌّ نَشَأَ في عِبادَةِ اللهِ عَزَّوجلَّ ....[3]

۹۲۶۳ . **پیامبر خدا ﷺ**: خداوند متعال به وجود جوان عبادت پیشه بر فرشتگان می‌نازد و می‌فرماید: بنگرید این بندهٔ مرا! به خاطر من از شهوت خویش دست کشیده است.

۹۲۶۵ . **پیامبر خدا ﷺ**: برتری جوان عابدی که در جوانی خود ره بندگی پیش گرفته بر پیری که در بزرگسالی به عبادت روی آورده همچون برتری فرستادگان الهی بر دیگر مردمان است.

۹۲۶۶ . **پیامبر خدا ﷺ**: هفت نفرند که در آن روز که سایه‌ای جز سایهٔ خدا نیست، آنان در سایهٔ خدا جای دارند: پیشوای دادگر، و جوانی که با عبادت خداوند عزّوجلّ رشد کند و ....

۱۹۳۲
فَضلُ مَن أفنىٰ شَبابَهُ في طاعَةِ اللهِ

۱۹۳۲
ارزش کسی که جوانیش را در طاعت خدا بگذراند

۹۲۶۷ . **رسولُ اللهِ ﷺ**: ما مِن شابٍّ يَدَعُ لِلّهِ الدنيا ولَهوَها وأهرَمَ شَبابَهُ في طاعَةِ اللهِ إلّا أعطاهُ اللهُ أجرَ اثنَينِ وسَبعينَ صِدّيقاً.[4]

۹۲۶۷ . **پیامبر خدا ﷺ**: هیچ جوانی نیست که دنیا و خوشیهای دنیا را به خاطر خدا رها کند و جوانیش را در راه طاعت خدا به پیری رساند، مگر این که خداوند پاداش هفتاد و دو صدّیق را به او عطا فرماید.

۹۲۶۸ . **عنه ﷺ**: إنَّ أحَبَّ الخلائقِ إلى اللهِ عَزَّوجلَّ شابٌّ حَدَثُ السِّنِّ في صُورَةٍ حَسَنَةٍ جَعَلَ شَبابَهُ وجَمالَهُ لِلّهِ وفي طاعَتِهِ، ذلكَ الذي يُباهِي بِهِ الرحمٰنُ مَلائكَتَهُ، يقولُ: هذا عَبدِي حَقّاً.[5]

۹۲۶۸ . **پیامبر خدا ﷺ**: محبوبترین خلایق نزد خداوند عزّوجلّ جوان نورستهٔ خوش سیمایی است که جوانی و زیبایی خود را برای خدا و در راه طاعت او بگذارد. خداوند رحمان به وجود چنین جوانی بر فرشتگانش می‌نازد و می‌فرماید: این است بندهٔ راستین من.

۹۲۶۹ . **عنه ﷺ**: إنَّ اللهَ يُحِبُّ الشابَّ الذي يُفني

۹۲۶۹ . **پیامبر خدا ﷺ**: خداوند جوانی را که جوانی

---

۱ . كنز العمّال: ۴۳۰۵۷. ۲ . كنز العمّال: ۴۳۰۵۹.
۳ . الخصال: ۸/۳۴۳.
۴ . مكارم الأخلاق: ۲۶۶۱/۳۷۳/۲.
۵ . كنز العمّال: ۴۳۱۰۳.

شَبابَهُ في طاعَةِ اللهِ تعالىٰ.[1]

۹۲۷۰. إبراهيمُ ﷺ ـ لَمّا أصبَحَ فَرَأىٰ في لِحيَتِهِ شَيباً شَعرَةً بَيضاءَ ـ: الحَمدُ لِلّهِ رَبِّ العالَمينَ الذي بَلَّغَني هذا المَبلَغَ ولَم أعْصِ اللهَ طَرفَةَ عَينٍ.[2]

۱۹۳۳
تَفسيرُ الفَتىٰ

۹۲۷۱. تفسير العيّاشي عن سُليمان بنِ جعفرِ النَّهدِيِّ: قالَ لي جَعفرُ بنُ محمّدٍ ﷺ: يا سليمانُ، مَنِ الفَتىٰ؟ قالَ: قلتُ: جُعِلتُ فِداكَ الفَتىٰ عِندنا الشّابُّ. قالَ لي: أما عَلِمتَ أنَّ أصحابَ الكَهفِ كانوا كُلُّهُم كُهُولاً فَسَمّاهُمُ اللهُ فِتيَةً بِإيمانِهِم؟! يا سليمانُ، مَن آمَنَ بِاللهِ واتّقىٰ فهُوَ الفَتىٰ.[3]

۹۲۷۲. الكافي عَن عليِّ بنِ إبراهيمَ رَفَعَهُ: قالَ أبو عَبدِاللهِ ﷺ لِرَجُلٍ: ما الفَتىٰ عِندَكُم؟ فقالَ لَهُ: الشابُّ، فقالَ: لا، الفَتىٰ: المُؤمِنُ، إنَّ أصحابَ الكَهفِ كانوا شُيُوخاً فَسَمّاهُمُ اللهُ عَزَّوجلَّ فِتيَةً بِإيمانِهِم.[4]

خویش را در راه طاعت خداوند متعال بگذراند دوست می‌دارد.

۹۲۷۰. ابراهیم ﷺ ـ چون در محاسن خود موی سپیدی را دید ـ فرمود: سپاس و ستایش خداوندِ پروردگار جهانیان را که مرا به این مرحله از عمر رسانید و چشم بر هم زدنی معصیت او نکردم.

۱۹۳۳
معنای فَتی

۹۲۷۱. تفسیر العیّاشی به نقل از سلیمان بن جعفر نهدی: امام صادق ﷺ به من فرمود: ای سلیمان! فَتی کیست؟: عرض کردم: ما به جوان، فتی می‌گوییم. حضرت فرمود: مگر نمی‌دانی که اصحاب کهف همگی میانسال بودند، اما خداوند به سبب ایمانشان آنان را فتیه (جوانان) نامید؟ ای سلیمان! هر که به خدا ایمان آورد و با تقوا باشد، او فتی (جوان، جوانمرد) است.

۹۲۷۲. الكافي به نقل از علی بن إبراهیم، که سند را به معصوم ﷺ رسانده است: امام صادق ﷺ به مردی فرمود: شما به چه کسی فتیٰ می‌گویید؟ عرض کرد: به جوان. حضرت فرمود: نه؛ فتیٰ، مؤمن است. اصحاب کهف همگی بزرگسال بودند اما خداوند عزّوجلّ آنان را به سبب ایمانی که داشتند فتیه (جوانان، جوانمردان) نامید.

ر.ک: به «حکمت نامهٔ جوان».

---

۱. كنز العمّال: ۴۳۰۶۰. ۲. علل الشرائع: ۲/۱۰۴.
۳. تفسير العيّاشي: ۱۱/۳۲۳/۲.
۴. الكافي: ۵۹۵/۳۹۵/۸.


مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

الشُّبهة

شبهه

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

ولمزيد الاطّلاع راجع:

بحار الأنوار: ۲/۲۵۸ باب ۳۱ «التوقّف عند الشبهات والاحتياط في الدين».

بحار الأنوار: ۷۰/۲۹۶ باب ۵۷ «الورع واجتناب الشبهات».

انظر:

عنوان ۱۳۳ «الاحتياط».

القرآن: باب ۳۲۶۷، القضاء والقدر: باب ۳۲۹۵.

۱۹۳۳
الشُّبهَةُ

۹۲۷۳ . **الإمامُ عليٌّ** ﷺ: إنّما سُمِّيَتِ الشُّبهَةُ شُبهَةً لأنّها تُشبِهُ الحَقَّ، فأمّا أولياءُ اللهِ فَضِياؤهُم فيها اليَقينُ ودَليلُهُم سَمتُ الهُدىٰ، وأمّا أعداءُ اللهِ فَدُعاؤهُم فيها الضَّلالُ ودَليلُهُمُ العَمىٰ.[۱]

۹۲۷۴ . **عنه** ﷺ: اِحذَرُوا الشُّبهَةَ؛ فإنّها وُضِعَت لِلفِتنَةِ.[۲]

۹۲۷۵ . **عنه** ﷺ ـ مِن كتابٍ لَهُ إلىٰ معاويةَ ـ: فاحذَرِ الشُّبهَةَ واشتِمالَها على لُبسَتِها؛ فإنَّ الفِتنَةَ طالَما أغدَفَت جَلابيبَها، وأغشَتِ الأبصارَ ظُلمَتُها.[۳]

۹۲۷۶ . **عنه** ﷺ: إنَّ أبغَضَ الخَلائقِ إلى اللهِ رَجُلانِ: رَجُلٌ وَكَلَهُ اللهُ إلىٰ نَفسِهِ ... ورَجُلٌ قَمَشَ جَهلاً، مُوضِعٌ في جُهّالِ الأُمَّةِ ... فهُو مِن لَبسِ الشُّبُهاتِ في مِثلِ نَسجِ العَنكَبُوتِ، لا يَدري أصابَ أم أخطَأَ.[۴]

۹۲۷۷ . **عنه** ﷺ ـ لعمّارِ بنِ ياسِرٍ، وقد سَمِعَهُ يُراجِعُ

۱ . نهج البلاغة: الخطبة ۳۸.
۲ . تحف العقول: ۱۵۵.
۳ . نهج البلاغة: الكتاب ۶۵.
۴ . نهج البلاغة: الخطبة ۱۷.

۱۹۳۳
شبهه

۹۲۷۳ . **امام علی** ﷺ: شبهه به این دلیل شبهه نامیده شده که شبیه حق است؛ اما اولیای خدا به هنگام شبهه، روشنایی راهشان یقین است و راهنمایشان راه راست؛ ولی دشمنان خدا به گاه شبهه دعوتشان گمراهی است و راهنمایشان کوری.

۹۲۷۴ . **امام علی** ﷺ: از شبهه حذر کنید؛ زیرا که شبهه به قصد فتنه (گمراه سازی) ساخته شده است.

۹۲۷۵ . **امام علی** ﷺ ـ در نامهٔ خود به معاویه ـ نوشت: از شبهه و اشتباه افکنیهای آن بپرهیز؛ زیرا دیر زمانی است که فتنه، پرده‌های سیاهِ خود را گسترده و تاریکیِ آن، دیدگان را فروپوشانده است.

۹۲۷۶ . **امام علی** ﷺ: براستی که منفورترین مردمان نزد خدا دو کس می‌باشند، کسی که خداوند او را به خودش واگذاشته است... و کسی که جهالت و نادانی را از این سو و آن سو فراهم آورده و در میان نادانان این امت تاخت و تاز می‌کند... در برابر ابهامِ شبهات، همچون تار عنکبوت است، نمی‌داند درست داوری می‌کند یا نادرست.

۹۲۷۷ . **امام علی** ﷺ ـ به عمّار بن یاسر چون شنید

المُغيرَةَ بنَ شُعبَةَ كَلاماً ـ: دَعْهُ يا عـمّارُ؛ فإنّهُ لَم يَأخُذْ مِنَ الدِّينِ إلّا ما قـارَبَهُ مِـنَ الدنيا، وعَـلىٰ عَـمْدٍ لَـبَّسَ عـلىٰ نَـفسِهِ، لِيَجعَلَ الشُّبُهاتِ عاذِراً لِسَقَطاتِهِ.[1]

۹۲۷۸. عنه ﷺ ـ مِـن كـتابٍ لَـهُ إلىٰ مـعاويةَ ـ: وأردَيتَ جِيلاً مِنَ الناسِ كَثيراً، خَـدَعتَهُم بِغَيِّكَ، وألقَيتَهُم في مَوجِ بَحرِكَ، تَـغشاهُمُ الظُّلُماتُ، وتَتَلاطَمُ بِهِمُ الشُّبُهاتُ.[2]

۹۲۷۹. عنه ﷺ: وأشهَدُ أنَّ محمّداً عَبدُهُ ورسولُهُ، أرسَلَهُ بِالدِّينِ المَشهورِ، والعَلَمِ المَأثُـورِ، والكِـتابِ المَسـطورِ، والنُّـورِ السـاطِعِ، والضِّياءِ اللّامِعِ، والأمرِ الصّـادِعِ؛ إزاحَـةً لِلشُّبُهاتِ، واحتِجاجاً بِالبَيِّناتِ، وتَحذيراً بِالآياتِ.[3]

(انظر) العلم: باب ۲۸۲۱.

۱۹۳۵
وُجوبُ الوُقوفِ عِندَ الشُّبهَةِ

۹۲۸۰. الإمامُ عليٌّ ﷺ: أمسِكْ عن طَريقٍ إذا خِفتَ ضَلالَهُ؛ فإنَّ الكَفَّ عن حَيرَةِ الضَّلالَةِ خَيرٌ مِن رُكُوبِ الأهوالِ.[4]

---

۱. نهج البلاغة: الحكمة ۴۰۵.
۲. نهج البلاغة: الكتاب ۳۲.
۳. نهج البلاغة: الخطبة ۲. ۴. تحف العقول: ۶۹.

که با مغیرة بن شعبه در موضوعی مجادله می‌کند ـ فرمود: رهایش کن ای عمّار! زیرا او از دین خود جز آنچه به دنیایش نزدیک کند، چیزی فرانگرفته است و به عمد، امور را بر خود مشتبه ساخته، تا شبهات را بهانه‌ای برای لغزشها و خلاف‌کاری‌های خویش کند.

۹۲۷۸. امام علی ﷺ ـ در نـامه‌ای بـه مـعاویه ـ نوشت: تو گروه بسیاری از مردم را تباه کردی، آنان را با گمراهی خویش فریفتی و در موج دریای [پلیدیهای] خود افکندی، که تاریکیها آنان را فروپوشانده و [امواج] شبهات بر سر آنان به تلاطم در آمده است.

۹۲۷۹. امام علی ﷺ: گواهی می‌دهم که محمّد، بنده و فرستادهٔ خداست، او را با دینِ بلندآوازه و نشانهٔ برگزیده و کتابِ نبشته و نورِ درخشان و پرتو تابان و فرمانِ آشکار و جدا کنندهٔ حق از باطل فرستاد تا شبهات را بزداید و با دلیل و برهان، استدلال کند و با آیات هشدار دهد.

۱۹۳۵
وجوب درنگ در هنگام پیش آمدن شبهه

۹۲۸۰. امام علی ﷺ: از پیمودن راهی که بیم گمراهی در آن را داری خودداری کن؛ زیرا بازایستادن از سرگشتگیِ گمراهی، بهتر از رویارو شدن با هول و هراسهاست.

۹۲۸۱ . عنه ﷺ: مِنَ التَّوفِيقِ الوُقُوفُ عِندَ الحَيرَةِ.[۱]

۹۲۸۲ . عنه ﷺ: لا وَرَعَ كالوُقوفِ عِندَ الشُّبهَةِ.[۲]

۹۲۸۳ . عنه ﷺ: أصلُ الحَزمِ الوُقوفُ عِندَ الشُّبهَةِ.[۳]

۹۲۸۴ . عنه ﷺ ـ مِن وَصاياهُ لابنِهِ الحَسَنِ ﷺ ـ: أُوصِيكَ يا حسنُ ـ وكَفىٰ بكَ وَصِيّاً ـ بما أوصانِي بِهِ رسولُ اللهِ ﷺ ... الصَّمتُ عِندَ الشُّبهَةِ.[۴]

۹۲۸۵ . عنه ﷺ: إنَّ مَن صَرَّحَت لَهُ العِبَرُ عَمّا بَينَ يَدَيهِ مِنَ المَثُلاتِ، حَجَزَتهُ التَّقوىٰ عَن تَقَحُّمِ الشُّبُهاتِ.[۵]

۹۲۸۶ . الإمامُ زينُ العابدينَ ﷺ ـ في الدُّعاءِ ـ: ووَفِّقْني إذا اشتَكَلَتْ عَلَيَّ الاُمُورُ لِأَهداها، وإذا تَشابَهَتِ الأعمالُ لِأَزكاها، وإذا تَناقَضَتِ المِلَلُ لِأَرضاها.[۶]

۹۲۸۷ . عنه ﷺ ـ أيضاً ـ: وارزُقْني صِحَّةً في عِبادَةٍ، وفَراغاً في زَهادَةٍ، وعِلماً في استِعمالٍ، ووَرَعاً في إجمالٍ.[۷]

۹۲۸۸ . الإمامُ الباقرُ ﷺ: الوُقوفُ عِندَ الشُّبهَةِ خَيرٌ

---

۱ . تحف العقول: ۸۳. ۲ . نهج البلاغة: الحكمة ۱۱۳.
۳ . تحف العقول: ۲۱۴. ۴ . الأمالي للطوسي: ۷ / ۸.
۵ . نهج البلاغة: الخطبة ۱۶.
۶ . الصحيفة السجّادية: الدعاء ۲۰.
۷ . الصحيفة السجّادية: الدعاء ۲۰.

۹۲۸۱ . **امام علی**ﷺ: درنگ کردن هنگام سرگردانی، از توفیق است.

۹۲۸۲ . **امام علی**ﷺ: هیچ پارسایی چون درنگ کردن هنگام روبرو شدن با شبهه نیست.

۹۲۸۳ . **امام علی**ﷺ: اصل احتیاط، توقف هنگام شبهه است.

۹۲۸۴ . **امام علی**ﷺ ـ در سفارش به فرزند خود حسنﷺ ـ فرمود: ای حسن! تو را سفارش می‌کنم ـ و همین سفارش تو را بس است ـ به آنچه که رسول خداﷺ مرا بدان سفارش فرمود... خاموشی هنگام شبهه.

۹۲۸۵ . **امام علی**ﷺ: هر که از کیفرهایی که بر سر پیشینیانش آمده است، عبرت گیرد، تقوا و پرهیزگاری او را از فرو افتادن در ورطهٔ شبهات باز دارد.

۹۲۸۶ . **امام زین العابدین**ﷺ ـ در دعا گفت ـ: خدایا! هرگاه امور بر من مبهم و پیچیده شد، مرا به درست‌ترین آنها، و هرگاه عملها بر من مشتبه گشت به پاکیزه‌ترین آنها، و هرگاه عقاید و مذاهب متناقض شدند به پسندیده‌ترینشان توفیقم ده.

۹۲۸۷ . **امام زین العابدین**ﷺ ـ در دعا گفت ـ: خدایا! تندرستی همراه با عبادت، و آسودگی همراه با زهد، و علم با عمل، و پارسایی همراه با اعتدال (میانه‌روی) روزیم فرما.

۹۲۸۸ . **امام باقر**ﷺ: درنگ کردن هنگام پیش آمدن شبهه، بهتر از فرو رفتن در گرداب

مِن الاِقتِحامِ في الهَلَكَةِ، وتَركُكَ حَديثاً لم تَروِه خَيرٌ مِن رِوايَتِكَ حَديثاً لَم تُحصِهِ.[۱]

۹۲۸۹. عنه ﷺ ـ لَمّا سَأَلَهُ زُرارَةُ عن حَقِّ اللهِ على العِبادِ ـ: أن يَقُولُوا ما يَعلَمُونَ، ويَقِفُوا عِندَ ما لا يَعلَمُونَ.[۲]

۹۲۸۹. **امام باقر**ﷺ ـ در پاسخ به پرسش زراره از حق خدا بر بندگان ـ فرمود: حق خدا بر بندگان این است که آن گویند که می‌دانند و در آنچه نمی‌دانند درنگ کنند.

۹۲۹۰. الإمامُ الصّادقُ ﷺ: أورَعُ الناسِ مَن وَقَفَ عِندَ الشُّبهَةِ.[۳]

۹۲۹۰. **امام صادق**ﷺ: پارساترین مردم کسی است که به گاه شبهه توقّف کند.

۹۲۹۱. الإمامُ الجوادُ ﷺ: أقصَدُ العُلَماءِ لِلمَحَجَّةِ المُمسِكُ عِندَ الشُّبهَةِ.[۴]

۹۲۹۱. **امام جواد**ﷺ: آن عالِمی بیشتر رهپوی راه روشن است، که هنگام شبهه بازایستد.

(انظر) الكفر: باب ۳۴۳۷.

۱۹۳۶
وُجوبُ تَركِ الشُّبُهاتِ

۹۲۹۲. رسولُ اللهِ ﷺ: دَعْ ما يَرِيبُكَ إلىٰ ما لا يَرِيبُكَ؛ فإنَّكَ لَن تَجِدَ فَقدَ شَيءٍ تَرَكتَهُ لِلّهِ عَزَّوجلَّ.[۵]

۹۲۹۲. **پیامبر خدا**ﷺ: آنچه را که به شبهه‌ات می‌اندازد فرو گذار و آنچه را که موجب شبهه برای تو نمی‌شود، به کار بند؛ زیرا فقدان چیزی را که برای خداوند عزّوجلّ فرو گذاشته‌ای، هرگز حسّ نخواهی کرد.

۹۲۹۳. عنه ﷺ: دَعْ ما يَرِيبُكَ إلىٰ ما لا يَرِيبُكَ، فَمَن رَعىٰ حَولَ الحِمىٰ يُوشِكُ أن يَقَعَ فيهِ.[۶]

۹۲۹۳. **پیامبر خدا**ﷺ: آنچه را که به شبهه‌ات می‌اندازد، ترک کن، و آن را به کار بند که برایت شبهه انگیز نیست؛ زیرا کسی که پیرامون منطقه قرق شده بچراند، در آستان وارد شدن به قرقگاه قرار دارد.

۹۲۹۴. عنه ﷺ: الأُمورُ ثلاثةٌ: أمرٌ تَبَيَّنَ لكَ رُشدُهُ

۹۲۹۴. **پیامبر خدا**ﷺ: امور سه گونه‌اند: امری که

---

۱. أعلام الدين: ۳۰۱.
۲. الأمالي للصدوق: ۷۰۱/۵۰۶.
۳. الخصال: ۵۶/۱۶.
۴. كشف الغمّة: ۱۳۸/۳.
۵. كنز الفوائد: ۳۵۱/۱.
۶. تنبيه الخواطر: ۵۲/۱.

فاتَّبِعْهُ، وأمرٌ تَبَيَّنَ لكَ غَيُّهُ فاجتَنِبْهُ، وأمرٌ اختُلِفَ فيهِ فَرُدَّهُ إلى اللهِ عَزَّوجلَّ.[۱]

۹۲۹۵. الإمامُ عليٌّ ﷺ: حَلالٌ بَيِّنٌ وحَرامٌ بَيِّنٌ وشُبُهاتٌ بَينَ ذلكَ، فَمَن تَرَكَ ما اشتَبَهَ علَيهِ مِن الإثمِ فهُو لِما استَبانَ لَهُ أترَكُ.[۲]

۹۲۹۶. عنه ﷺ: إيّاكَ والوُقوعَ في الشُّبُهاتِ، والوَلُوعَ بِالشَّهَواتِ؛ فإنَّهُما يَقتادانِكَ إلى الوُقُوعِ في الحَرامِ ورُكُوبِ كَثيرٍ مِنَ الآثامِ.[۳]

۹۲۹۷. عنه ﷺ: الأُمورُ ثلاثةٌ: أمرٌ بانَ لكَ رُشدُهُ فاتَّبِعْهُ، وأمرٌ بانَ لكَ غَيُّهُ فاجتَنِبْهُ، وأمرٌ أشكَلَ علَيكَ فَرَدَدْتَهُ إلىٰ عالِمِهِ.[۴]

۹۲۹۸. عنه ﷺ ـ مِن كتابٍ لَهُ إلىٰ عُثمانَ بنِ حُنَيفٍ عامِلِهِ على البصرةِ ـ: أمّا بعدُ يا بنَ حُنَيفٍ فقد بَلَغَني أنَّ رَجُلاً مِن فِتيَةِ أهلِ البصرةِ دَعاكَ إلىٰ مَأدُبَةٍ، فَأسرَعتَ إلَيها... فانظُرْ إلىٰ ما تَقضِمُهُ مِن هذا المَقضَمِ، فَما اشتَبَهَ علَيكَ عِلمُهُ فالفِظْهُ، وما أيقَنتَ بِطِيبِ وُجُوهِهِ فَنَلْ مِنهُ.[۵]

درستی آن بر تو روشن است، پس آن را دنبال کن، امری که نادرستی آن بر تو آشکار است، پس از آن دوری کن، و امری که در آن اختلاف است، پس آن را به خداوند عزّوجلّ ارجاع ده.

۹۲۹۵. **امام علی**ﷺ: حلالی آشکار وجود دارد و حرامی آشکار و میان این دو، شبهه‌هاست؛ پس کسی که آنچه را احتمال گناه می‌دهد فرو گذارد، بیگمان، حرامی را که برایش آشکار است، بیشتر فرو می‌گذارد.

۹۲۹۶. **امام علی**ﷺ: زنهار از افتادن در شبهات و آزمندی به شهوات؛ زیرا این دو امر، تو را به افتادن در حرام و ارتکاب بسیاری از گناهان می‌کشانند.

۹۲۹۷. **امام علی**ﷺ: کارها سه گونه‌اند: کاری که درستی آن بر تو روشن است، پس آن را دنبال کن، کاری که نادرستی آن بر تو آشکار است، پس از آن دوری کن، و کاری که برایت مبهم است، پس آن را به دانای آن واگذار.

۹۲۹۸. **امام علی**ﷺ ـ در نامه‌ای به عثمان بن حنیف، کارگزار خود در بصره ـ نوشت: اما بعد، ای پسر حنیف! به من خبر رسیده که مردی از جوانان بصره تو را به ولیمه‌ای دعوت کرده و تو به آن شتافته‌ای... پس، بنگر که بر سر این سفره بر چه غذایی دندان می‌نهی، آنچه را که حلال و حرامش بر تو آشکار نیست، از دهان بیرون افکن و آنچه را به پاکیِ راههایِ فراهم آوردنش یقین داری، بخور.

---

۱. الأمالي للصدوق: ۴۸۶/۳۵۲.
۲. كتاب من لا يحضره الفقيه: ۴/ ۵۱۴۹/۷۵.
۳. غرر الحكم: ۲۷۲۳. ۴. تحف العقول: ۲۱۰.
۵. نهج البلاغة: الكتاب ۴۵.

۹۲۹۹ . الإمامُ الصّادقُ ﷺ: إنّما الأُمورُ ثلاثةٌ : أمرٌ بَيِّنٌ رُشدُهُ فَيُتَّبَعُ ، وأمرٌ بَيِّنٌ غَيُّهُ فَيُجتَنَبُ ، وأمرٌ مُشكِلٌ يُرَدُّ عِلمُهُ إلى اللهِ وإلىٰ رسولِهِ ، قالَ رسولُ اللهِ ﷺ : حَلالٌ بَيِّنٌ ، وحَرامٌ بَيِّنٌ ، وشُبُهاتٌ بَينَ ذلكَ ، فَمَن تَرَكَ الشُّبُهاتِ نَجا مِنَ المُحَرَّماتِ ، ومَن أخَذَ بِالشُّبُهاتِ ارتَكَبَ المُحَرَّماتِ وهَلَكَ مِن حيثُ لا يَعلَمُ .[1]

۹۲۹۹ . **امام صادق**ﷺ: امور سه گونه‌اند: امری که درستی آن روشن است، پس باید آن را دنبال کرد، امری که نادرستی‌اش آشکار است، پس باید از آن دوری نمود، و امری مبهم است، پس باید علم آن را به خدا و رسولش ارجاع داد. رسول خداﷺ فرمود: حلالی روشن وجود دارد و حرامی روشن و در این میان اموری است مشتبه و مبهم؛ پس هر که شبهات را رها کند، از حرامها نجات یابد و هر که شبهات را پی گیرد مرتکب حرامها شود و ندانسته به هلاکت در افتد.

۱۹۳۷
شُعَبُ الشُّبهَةِ

۹۳۰۰ . الإمامُ عليٌّ ﷺ: الشَّكُّ عَلىٰ أربَعِ شُعَبٍ: على المِريَةِ والهَولِ والتَّرَدُّدِ والاستِسلامِ .[2]

۹۳۰۱ . عنه ﷺ: الشُّبهَةُ عَلىٰ أربعِ شُعَبٍ: إعجابٌ بِالزِّينةِ، وتَسويلُ النَّفسِ، وتَأوُّلُ العِوَجِ، ولَبسُ الحَقِّ بالباطِلِ .[3]

۱۹۳۷
شاخه‌های شبهه

۹۳۰۰ . **امام علی**ﷺ: شکّ چهار شاخه دارد: ستیز و مجادله کردن [در دین]، ترس، تردید، و تسلیم شدن.

۹۳۰۱ . **امام علی**ﷺ: شبهه چهار شاخه دارد؛ دل باختن در برابر آراستگی، وسوسهٔ نفس، توجیه کردن کجیها، و آمیختن حق به باطل.

---

۱ . الكافي : ۱۰/۶۸/۱ . ۲ . تحف العقول : ۱۶۷ .
۳ . الكافي : ۱/۳۹۳/۲ .


مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

۲۵۸

التشبّه

مانند سازی و تقلید

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

ولمزید الاطّلاع راجع:

وسائل الشیعة: ۳/۳۵۴ باب ۱۳ «عدم جواز تشبّه الرجال بالنساء والنساء بالرجال... ».

وسائل الشیعة: ۱۲/۲۱۱ باب ۸۷ «تحریم تشبّه النساء بالرجال والرجال بالنساء ».

کنز العمّال: ۱۵/۳۲۳ «منع تزیّ الرجال بزیّ النساء».

۱۹۳۸
التَّشَبُّهُ

۹۳۰۲ . رسولُ اللهِ ﷺ: لیسَ مِنّا مَن تَشَبَّهَ بالرِّجالِ مِنَ النِّساءِ، ولا مَن تَشَبَّهَ بالنِّساءِ مِنَ الرِّجالِ.[1]

۹۳۰۳ . عنه ﷺ: لَعَنَ اللهُ الرَّجُلَ یَلبَسُ لِبسَةَ المَرأةِ، والمَرأةَ تَلبَسُ لِبسَةَ الرَّجُلِ.[2]

۹۳۰۴ . الإمامُ عليٌّ ؈ ـ لمّا سُئلَ عَن قولِ النبيِّ ﷺ: «غَيِّرُوا الشَّيبَ ولا تَشَبَّهُوا بِاليَهودِ» ـ: إنّما قالَ ﷺ ذلكَ والدِّينُ قُلٌّ، فأمّا الآنَ وقَدِ اتَّسَعَ نِطاقُهُ، وضَرَبَ بِجِرانِهِ، فامرُؤٌ وما اختارَ.[3]

۹۳۰۵ . عنه ؈: قَلَّ مَن تَشَبَّهَ بِقَومٍ إلّا أوشَكَ أن يكونَ مِنهُم.[4]

۹۳۰۶ . عنه ؈: لَمّا رَأى رَجُلاً بِهِ تَأنِيثٌ في مَسجِدِ رسولِ اللهِ ﷺ فقال له: اُخرُجْ مِن مَسجِدِ رسولِ اللهِ يا مَن لَعَنَهُ رسولُ اللهِ. ـ ثُمّ قالَ عَليٌّ ؈: ـ سَمِعتُ رسولَ اللهِ ﷺ

۱۹۳۸
مانندسازی و تقلید

۹۳۰۲ . **پیامبر خدا ﷺ**: از ما نیست آن زنی که خود را شبیه مردان کند و نه آن مردی که خود را به زنان مانند سازد.

۹۳۰۳ . **پیامبر خدا ﷺ**: لعنت خدا بر مردی که به طرز زنان لباس پوشد و بر زنی که به شکل مردان لباس پوشد.

۹۳۰۴ . **امام علی ؈** ـ در پاسخ به سؤال از این سخن پیامبر ﷺ که: «سپیدی موی [سر و صورت] خود را تغییر دهید و خود را به یهود مانند نسازید» ـ فرمود: رسول خدا ﷺ این سخن را زمانی فرمود که دین [مسلمانان] در اقلّیت بود، اما امروز که قلمرو آن گسترش یافته و پایه‌هایش استوار گشته است، مرد آزاد است [که خضاب کند یا نه].

۹۳۰۵ . **امام علی ؈**: کمتر کسی است که خود را شبیه گروهی کند و بزودی یکی از آنها نشود.

۹۳۰۶ . **امام علی ؈** ـ به مردی که در مسجد رسول خدا ﷺ خود را مانند زن در آورده بود، فرمود ـ: از مسجد رسول خدا بیرون شو، ای کسی که رسول خدا لعنتش کرده است.

---

۱ . کنز العمّال: ۴۱۲۳۷. ۲ . کنز العمّال: ۴۱۲۳۵.
۳ . بحار الأنوار: ۱۲/۱۰۴/۷۶.
۴ . نهج البلاغة: الحکمة ۲۰۷.

يقولُ: لَعَنَ اللهُ المُتَشَبِّهِينَ مِنَ الرِّجالِ بِالنِّساءِ، والمُتَشَبِّهاتِ مِن النِّساءِ بالرِّجالِ.[۱]

سپس فرمود: شنیدم که رسول خدا ﷺ می‌فرماید: لعنت خدا بر مردانی که خود را شبیه زنان می‌کنند و بر زنانی که خود را به شکل مردان در می‌آورند.

۹۳۰۷. **الإمامُ زينُ العابدينَ** ﷺ: حَدَّثَتني أسماءُ بِنتُ عُمَيسٍ قالَت: كُنتُ عِندَ فاطمةَ ﷺ إذ دَخَلَ علَيها رسولُ اللهِ وفي عُنُقِها قِلادَةٌ مِن ذَهَبٍ كانَ اشتَراها لها عليُّ بنُ أبي طالبٍ ﷺ مِن فَيءٍ، فقالَ لَها رسولُ اللهِ ﷺ: يا فاطمةُ، لا يقولُ الناسُ: إنَّ فاطمةَ بنتَ محمّدٍ تَلبَسُ لِباسَ الجَبابِرَةِ، فَقَطَّعَتها وباعَتها واشتَرَت بها رَقَبَةً فَأعتَقَتها، فَسُرَّ بذلكَ رسولُ اللهِ ﷺ.[۲]

۹۳۰۷. **امام زین العابدین** ﷺ: ـ به نقل از اسماء بنت عمیس ـ: خدمت فاطمه ﷺ بودم که رسول خدا ﷺ وارد شد. در گردن آن بانو، گردنبندی از طلا بود، که علی بن ابی طالب ﷺ از مال غنیمت برای ایشان خریده بود. رسول خدا ﷺ به فاطمه ﷺ فرمود: ای فاطمه! [یک وقت] مردم نگویند: فاطمه دختر محمّد از پوشش (زینت) شاهان استفاده می‌کند. فاطمه ﷺ گردنبند را پاره کرد و آن را فروخت و با پول آن بنده‌ای خرید و آزاد کرد. و رسول خدا ﷺ از این کار خوشحال شد.

۹۳۰۸. **الإمامُ الصّادقُ** ﷺ ـ عن آبائه ﷺ ـ: أوحَى اللهُ إلىٰ نَبِيٍّ مِنَ الأنبياءِ أن قُلْ لِقَومِكَ: لا تَلبَسُوا لِباسَ أعدائي ولا تَطعموا مَطاعِمَ أعدائي، ولا تُشاكِلُوا بما شاكَلَ أعدائي، فَتَكُونوا أعدائي كما هُم أعدائي.[۳]

۹۳۰۸. **امام صادق** ﷺ ـ به نقل از پدران بزرگوارش ﷺ ـ فرمود: خداوند به یکی از پیامبران وحی فرمود که به مردم خود بگو: لباس دشمنان مرا نپوشید و خوراک دشمنان مرا نخورید خود را به شکل و شمایل دشمنان من در نیاورید؛ که در این صورت، شما نیز همچون آنها، دشمن من خواهید بود.

۹۳۰۹. **عنه** ﷺ ـ عن آبائه ﷺ ـ: كانَ رسولُ اللهِ ﷺ يَزجُرُ الرَّجُلَ يَتَشَبَّهُ بِالنِّساءِ، ويَنهَى المَرأةَ

۹۳۰۹. **امام صادق** ﷺ ـ از پدران بزرگوار خویش ـ: رسول خدا ﷺ همیشه مرد را از مانند سازی خود به زنان باز می‌داشت و

---

۱. بحار الأنوار: ۷/۶۴/۷۹. ۲. بحار الأنوار: ۲/۸۱/۴۳.
۳. وسائل الشيعة: ۱/۱۱۱/۱۱.

أن تَتَشَبَّهَ بِالرِّجالِ في لِباسِها.[1]

زن را نیز از این که در پوشش خود، از مردان تقلید کند، نهی می‌فرمود.

۹۳۱۰. عنه ﷺ: خَيرُ شَبابِكم مَن تَشَبَّهَ بكُهُولِكُم، وشَرُّ كُهُولِكُم مَن تَشَبَّهَ بِشَبابِكُم.[2]

۹۳۱۰. امام صادق ﷺ: بهترین جوانان شما جوانی است که خود را همانند میانسالانتان در آورد و بدترین میانسالان شما میانسالی است که خود را همانند جوانانتان سازد.

۹۳۱۱. عنه ﷺ: كانَ أميرُ المؤمنين ﷺ يَقولُ: لا تَزالُ هذهِ الأُمَّةُ بخيرٍ ما لَم يَلبِسوا لِباسَ العَجم، ويَطعِموا أطعِمةَ العَجمِ، فَإذا فَعَلوا ذلكَ ضَرَبَهُم اللهُ بالذلّ.[3]

۹۳۱۱. امام صادق ﷺ: امیرالمؤمنین همیشه می‌فرمود: این امّت همیشه در نیکبختی به سر برند تا وقتی که لباس بیگانگان را نپوشند و غذای بیگانگان را نخورند؛ اما وقتی چنین کردند خداوند آنان را به خواری اندازد.[1]

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

۱. مکارم الأخلاق: ۷۶۸/۲۵۶/۱.
۲. مکارم الأخلاق: ۷۶۹/۲۵۷/۱.
۳. المحاسن: ۱۵۰۴/۱۷۸/۲.

۱. گفتنی است که این سخن مربوط به بیگانگانی است که مسلمان نیستند و تقلید از آنها در لباس و خوراک، به از دست دادن هویت فرهنگی مسلمانان می‌انجامد.

۲۵۹

الشَّجَرُ

درخت

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

انظر:

عنوان ۱۱ «والأرض»، ۲۰۲ «والزراعة».

الأمثال: باب ۳۵۵۰، ۳۵۵۱.

۱۹۳۹
غَرسُ الشَّجَرِ

الکتاب:

﴿أَمَّنْ خَلَقَ السَّماواتِ وَالأَرْضَ وَأَنْزَلَ لَكُمْ مِنَ السَّماءِ ماءً فَأَنْبَتْنا بِهِ حَدائِقَ ذاتَ بَهْجَةٍ ما كانَ لَكُمْ أَنْ تُنبِتُوا شَجَرَها أَإِلٰهٌ مَعَ اللهِ بَلْ هُمْ قَوْمٌ يَعْدِلُونَ﴾.[1]

الحدیث:

۹۳۱۲ . **رسولُ اللهِ ﷺ**: إن قامَتِ السّاعةُ وفي يَدِ أَحَدِكُم فَسِيلَةٌ، فإنِ استَطاعَ أن لا يَقومَ حتّىٰ يَغرِسَها فَلْيَغرِسْها.[2]

۹۳۱۳ . **عنه ﷺ**: ما مِن مُسلِمٍ يَزرَعُ زَرعاً أو يَغرِسُ غَرساً فَيَأكُلُ مِنهُ طَيرٌ أو إنسانٌ أو بَهيمَةٌ إلّا كانَت لَهُ بِهِ صَدَقَةٌ.[3]

۹۳۱۴ . **عنه ﷺ**: ما مِن رَجُلٍ يَغرِسُ غَرساً إلّا كَتَبَ اللهُ لَهُ مِنَ الأَجرِ قَدْرَ ما يَخرُجُ مِن ثَمَرِ ذلكَ الغَرسِ.[4]

۹۳۱۵ . **عنه ﷺ**: مَن نَصَبَ شَجَرَةً وصَبَرَ علىٰ

---

۱ . النمل: ۶۰.
۲ . کنز العمّال: ۹۰۵۶.
۳ . کنز العمّال: ۹۰۵۱.
۴ . کنز العمّال: ۹۰۵۷.

۱۹۳۹
درختکاری

قرآن:

«[آیا بت‌هایی که معبود شما هستند بهترند] یا کسی که آسمانها و زمین را آفرید و از آسمان برایتان آب فرستاد؟ و بدان بوستانهایی خوش منظر رویانیدیم که شما را توان رویانیدن درختی از آن نیست. آیا با وجود الله خدای دیگری هست؟ نه، بلکه آنها مردمی منحرفند».

حدیث:

۹۳۱۲ . **پیامبر خدا ﷺ**: اگر قیامت فرا رسد و در دست یکی از شما نهالی باشد، چنانچه بتواند برنخیزد تا آن نهال را بکارد این کار را بکند.

۹۳۱۳ . **پیامبر خدا ﷺ**: هر مسلمانی بذری بیفشاند یا نهالی بنشاند و از حاصل آن بذر و نهال پرنده‌ای یا انسانی یا چرنده‌ای بخورد، آن برای او صدقه محسوب شود.

۹۳۱۴ . **پیامبر خدا ﷺ**: هیچ مردی نیست که درختی بنشاند، مگر این که خداوند به اندازهٔ میوه‌ای که آن درخت می‌دهد برایش اجر بنویسد.

۹۳۱۵ . **پیامبر خدا ﷺ**: هر که درختی بنشاند و در

حِفظِها والقِيامِ عَلَيها حتّىٰ تُثمِرَ، كانَ لَهُ في كُلِّ شَيءٍ يُصابُ مِن ثَمَرِها صَدَقَةً عِندَ اللهِ.[۱]

۹۳۱۶. عنه ﷺ: ما مِن امرِئٍ يُحيي أرضاً فَتَشرَبُ مِنها كَبِدٌ حَرّىٰ، أو تُصيبُ مِنها عافِيَةٌ، إلّا كَتَبَ اللهُ تعالىٰ لَهُ بِهِ أجراً.[۲]

۹۳۱۶. **پیامبر خدا**ﷺ: هر کس که زمینی را احیا کند و از آب آن زمین، جگر تفتیده‌ای بنوشد، یا از محصولش، روزی جوینده‌ای نصیبی برد، خداوند متعال در قبال آن اجری برایش رقم زند.

۹۳۱۷. عنه ﷺ: مَن أحيا أرضاً مَيتةً فلَهُ فيها أجرٌ، وما أكَلَتِ العافِيَةُ مِنها فهُو لَهُ صَدَقَةٌ.[۳]

۹۳۱۷. **پیامبر خدا**ﷺ: هر که زمین مرده‌ای را زنده کند، مأجور است و آنچه را که روزی جوینده‌ای، از محصول آن بخورد، برایش صدقه باشد.

۹۳۱۸. الإمامُ الصّادقُ ﷺ ـ لَمّا سُئِلَ عن كَراهَةِ الزِّراعَةِ ـ: ازرَعُوا واغرِسُوا، فلا واللهِ ما عَمِلَ الناسُ عَملاً أحَلَّ ولا أطيَبَ مِنهُ، واللهِ لَيَزرَعُنَّ الزَّرعَ، ولَيَغرِسُنَّ النَخلَ بعدَ خُروجِ الدَّجّالِ![۴]

۹۳۱۸. **امام صادق**ﷺ ـ در پاسخ به سؤال از مکروه بودن شغل کشاورزی ـ فرمود: زراعت کنید و درخت بکارید؛ به خدا سوگند که مردم شغلی حلالتر و پاکیزه‌تر از آن پیشه نکرده‌اند. به خدا سوگند [حتی] بعد از خروج دجّال (نزدیک شدن قیامت) هم کشاورزی و نخل کاری ادامه خواهد یافت!

۱۹۴۰
قَطعُ الشَّجَرِ

۹۳۱۹. الإمامُ الصّادقُ ﷺ: لا تَقطَعُوا الثِّمارَ فَيَبعَثُ اللهُ عَلَيكُمُ العَذابَ صَبّاً.[۵]

۹۳۲۰. عنه ﷺ: مَكروهٌ قَطعُ النَّخلِ.[۶]

۹۳۲۱. الكافي عن عَمّارِ بنِ موسىٰ عَن أبي عَبدِ

۱۹۴۰
قطع درخت

۹۳۱۹. **امام صادق**ﷺ: درختان میوه را قطع نکنید، که خداوند بر سر شما عذاب فرو می‌ریزد.

۹۳۲۰. **امام صادق**ﷺ: قطع درخت خرما، مکروه است.

۹۳۲۱. **الکافی** به نقل از عمار بن موسی: امام

---

۱. کنز العمّال: ۹۰۸۱. ۲. کنز العمّال: ۹۰۵۰.
۳. کنز العمّال: ۹۰۵۲. ۴. الكافي: ۳/۲۶۰/۵.
۵. الكافي: ۹/۲۶۴/۵. ۶. الكافي: ۸/۲۶۴/۵.

۴۸۲ ـــــــ

٢٦٠

الشَّجاعَة

شجاعت

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

ولمزيد الاطّلاع راجع:

بحار الأنوار: ٧١/٣٤٢ باب ٨٤ «الغَيرة والشجاعة».

بحار الأنوار: ٤١/٥٩ باب ١٠٦ «مهابة الإمام عليّ عليه السلام وشجاعته».

شرح نهج البلاغة: ١٩/٦٠ «مُثُل من شجاعة عليّ عليه السلام».

۱۹۴۱
الشَّجاعَةُ

۹۳۲۳ . **الإمامُ عليٌّ** ﷺ: الشَّجاعَةُ أحَدُ العِزَّينِ.[۱]

۹۳۲۴ . **عنه** ﷺ: الشَّجاعَةُ عِزٌّ حاضِرٌ.[۲]

۹۳۲۵ . **عنه** ﷺ: الشَّجاعَةُ نُصرَةٌ حاضِرَةٌ وفَضيلَةٌ ظاهِرَةٌ.[۳]

۹۳۲۶ . **عنه** ﷺ: لَو تَمَيَّزَتِ الأشياءُ لَكانَ الصِّدقُ مَعَ الشَّجاعَةِ، وكانَ الجُبنُ مَعَ الكَذِبِ.[۴]

۹۳۲۷ . **عنه** ﷺ: السَّخاءُ والشَّجاعَةُ غَرائِزُ شَريفَةٌ، يَضَعُها اللهُ سبحانَهُ فِيمَن أحَبَّهُ وامتَحَنَهُ.[۵]

۹۳۲۸ . **عنه** ﷺ ـ مِن كتابٍ لَهُ للأشتَرِ لَمّا وَلّاهُ مِصرَ ـ: ثُمّ الصَقْ بِذَوِي المُرُوءاتِ والأحسابِ، وأهلِ البُيوتاتِ الصالِحَةِ والسَّوابِقِ الحَسَنَةِ، ثُمّ أهلِ النَّجدَةِ والشَّجاعَةِ والسَّخاءِ والسَّماحَةِ، فإنَّهُم جِماعٌ مِنَ الكَرَمِ.[۶]

۱۹۴۱
شجاعت

۹۳۲۳ . **امام علی**ﷺ: شجاعت، نیمی از عزّت است.

۹۳۲۴ . **امام علی**ﷺ: شجاعت، عزّتی نقد است.

۹۳۲۵ . **امام علی**ﷺ: شجاعت، نصرتی نقد و فضیلتی آشکار است.

۹۳۲۶ . **امام علی**ﷺ: اگر خصلتها از یکدیگر متمایز می‌شدند، بیگمان راستی با شجاعت بود و بزدلی با دروغ.

۹۳۲۷ . **امام علی**ﷺ: سخاوت و شجاعت خصلتهای والایی هستند که خداوند سبحان آنها را در وجود هرکس که دوستش داشته و او را آزموده باشد می‌گذارد.

۹۳۲۸ . **امام علی**ﷺ ـ در عهد نامهٔ ولایت مصر به مالک ـ نوشت: دیگر آن که با ارباب مروّت و آنان که از خانواده‌های شریف و شایسته هستند، و پیشینه‌های نیکو دارند و سپس با کسانی که دلاور و شجاع و بخشنده و گشاده دستند همنشین باش؛ که اینان معدن کرَم و بزرگوارینند.

---

۱. غرر الحکم: ۱۶۶۲.
۲. غرر الحکم: ۵۷۲.
۳. غرر الحکم: ۱۷۰۰.
۴. غرر الحکم: ۷۵۹۷.
۵. غرر الحکم: ۱۸۲۰.
۶. نهج البلاغة: الکتاب ۵۳.

۱۹۴۲
تَفسيرُ الشَّجاعَةِ

۹۳۲۹ . الإمامُ عليٌّ ﷺ: الشَّجاعَةُ صَبرُ ساعَةٍ.[۱]

۹۳۳۰ . عنه ﷺ: العَجزُ آفَةٌ، والصَّبرُ شَجاعَةٌ.[۲]

۹۳۳۱ . الإمامُ الحسنُ ﷺ ـ وقد سُئلَ عنِ الشَّجاعةِ ـ: مُواقَفَةُ الأقرانِ، والصَّبرُ عِندَ الطِّعانِ.[۳]

۱۹۴۲
تفسیر شجاعت

۹۳۲۹ . امام علی ﷺ: شجاعت، ساعتی صبر کردن است.

۹۳۳۰ . امام علی ﷺ: به ستوه آمدن، آفت است و نستوهی، شجاعت.

۹۳۳۱ . امام حسن ﷺ ـ در پاسخ به این سؤال که شجاعت چیست ـ فرمود: ایستادگی در برابر هماوردان، و پایداری در نبرد.

۱۹۴۳
ما يورِثُ الشَّجاعَةَ

۹۳۳۲ . الإمامُ عليٌّ ﷺ: جُبِلَتِ الشَّجاعَةُ علىٰ ثلاثِ طَبائعَ، لِكُلِّ واحِدَةٍ مِنهُنَّ فَضيلَةٌ لَيسَت لِلأُخرىٰ: السَّخاءُ بِالنَّفسِ، والأَنَفَةُ مِنَ الذُّلِّ، وطَلَبُ الذِّكرِ، فإنْ تَكامَلَت في الشُّجاعِ كانَ البَطَلَ الذي لا يُقامُ لِسَبيلِهِ، والمَوسومَ بِالإقدامِ في عَصرِهِ، وإن تَفاضَلَت فيهِ بَعضُها علىٰ بَعضٍ كانَت شَجاعَتُهُ في ذلكَ الذي تَفاضَلَت فيهِ أكثَرَ وأشَدَّ إقداماً.[۴]

۹۳۳۳ . عنه ﷺ: قَدرُ الرَّجُلِ علىٰ قَدرِ هِمَّتِهِ، وصِدقُهُ علىٰ قَدرِ مُرُوَّتِهِ، وشَجاعَتُهُ علىٰ قَدرِ أنَفَتِهِ.[۵]

۱۹۴۳
عوامل شجاعت زا

۹۳۳۲ . امام علی ﷺ: شجاعت بر سه خصلت سرشته شده که هریک از آنها را فضیلت و ارزشی است که دیگری فاقد آن است: از خودگذشتگی، تن ندادن به خواری و ذلّت، و نامجویی. اگر این سه خصلت در آدم شجاع به طور یکسان و کامل وجود داشته باشند، پهلوانی است که حریف ندارد و در روزگار خود به دلاوری نامور باشد و اگر یکی از این خصلتها در او فزونتر از دیگری باشد شجاعت او در آن خصلت بیشتر و اقدامش در آن شدیدتر است.

۹۳۳۳ . امام علی ﷺ: قدر مرد به قدر همّت اوست، و راستی و صداقتش به قدر مردانگی او، و شجاعتش به قدر غیرت او.

---

۱ . بحار الأنوار: ۷۰/۱۱/۷۸.
۲ . نهج البلاغة: الحكمة ۴.
۳ . بحار الأنوار: ۲/۱۰۴/۷۸.
۴ . بحار الأنوار: ۶۶/۲۳۶/۷۸
۵ . نهج البلاغة: الحكمة ۴۷.

۹۳۳۴ . عنه ﷺ: شَجاعَةُ الرَّجُلِ عَلىٰ قَدرِ هِمَّتِهِ، وغَيرَتُهُ علىٰ قَدرِ حَمِيَّتِهِ.[۱]

۹۳۳۵ . عنه ﷺ: عَلى قَدرِ الحَمِيَّةِ تكونُ الشَّجاعَةُ.[۲]

۱۹۴۳
أشجَعُ النّاسِ

۹۳۳۶ . الإمامُ عليٌّ ﷺ: أشجَعُ الناسِ أسخاهُم.[۳]

۹۳۳۷ . عنه ﷺ: أشجَعُ الناسِ مَن غَلَبَ الجَهلَ بِالحِلمِ.[۴]

۹۳۳۸ . عنه ﷺ: لا أشجَعَ مِن لَبيبٍ.[۵]

۹۳۳۹ . عنه ﷺ: أقوَى الناسِ أعظَمُهم سُلطاناً علىٰ نَفسِهِ.[۶]

۹۳۴۰ . عنه ﷺ: لا قَوِيَّ أقوىٰ مِمَّن قَوِيَ علىٰ نفسِهِ فَمَلَكَها، لا عاجِزَ أعجَزُ مِمَّن أهمَلَ نفسَهُ فَأهلَكَها.[۷]

۹۳۴۱ . عنه ﷺ: ما أشجَعَ البَريءَ، وأجبَنَ المُرِيبَ![۸]

---

۱ . غرر الحكم: ۵۷۶۳. ۲ . غرر الحكم: ۶۱۸۰.
۳ . غرر الحكم: ۲۸۹۹. ۴ . غرر الحكم: ۳۲۵۷.
۵ . غرر الحكم: ۱۰۵۹۱. ۶ . غرر الحكم: ۳۱۸۸.
۷ . غرر الحكم: (۱۰۹۱۷ـ۱۰۹۱۸).
۸ . غرر الحكم: ۹۶۲۶.

۹۳۳۴ . امام علی ﷺ: شجاعت مرد به قدر همّت اوست، و غیرتش به قدر تن ندادن او به ذلّت.

۹۳۳۵ . امام علی ﷺ: اندازهٔ شجاعت به اندازهٔ حمیّت (مردانگی و ننگ از ذلّت) است.

۱۹۴۳
شجاعترین مردم

۹۳۳۶ . امام علی ﷺ: شجاعترین مردم، بخشنده‌ترین آنهاست.

۹۳۳۷ . امام علی ﷺ: شجاعترین مردم کسی است که با بردباری (خردمندی) بر نادانی چیره آید.

۹۳۳۸ . امام علی ﷺ: شجاعتر از خردمند، وجود ندارد.

۹۳۳۹ . امام علی ﷺ: قویترین مردم کسی است که بر نفس خویش مسلّط‌تر باشد.

۹۳۴۰ . امام علی ﷺ: هیچ زورمندی زورمندتر از آن کس نیست که بر نفْس خویش چیره شود و زمام آن را در اختیار گیرد، و هیچ ناتوانی ناتوانتر از آن کس نیست که نفْس خویش را واگذارد و آن را به هلاکت کشاند.

۹۳۴۱ . امام علی ﷺ: چه دلاور است شخص بی‌گناه و چه ترسوست مشکوک و متهم!

۹۳۴۲ . الإمامُ زينُ العابدينَ ﷺ: مَرَّ رسولُ اللهِ ﷺ بقَومٍ يرفَعونَ حَجَراً، فقالَ: ما هذا؟ قالوا: نعرِفُ بذٰلكَ أشَدَّنا وأقوانا. فقالَ ﷺ: ألا أُخبِرُكُم بأشَدِّكُم وأقواكُم؟ قالوا: بلىٰ يا رسولَ اللهِ. قالَ: أشَدُّكُم وأقواكُمُ الذي إذا رَضِيَ لَم يُدخِلْهُ رِضاهُ في إثمٍ ولا باطِلٍ، وإذا سَخِطَ لَم يُخرِجْهُ سَخَطُهُ مِن قَولِ الحَقِّ، وإذا قَدَرَ لَم يَتَعاطَ ما لَيسَ لَهُ بِحَقٍّ.[1]

(انظر) الغضب: باب ۳۰۲۹، الهوىٰ: باب ۳۹۸۶، التوكّل: باب ۴۱۲۳.

۹۳۴۲ . امام زين العابدين ﷺ: رسول خدا به قومی که سنگی را بلند می‌کردند رسید و فرمود چه کار می‌کنید؟ گفتند: با این کار قوی‌ترین و زورمندترینمان را می‌شناسیم. حضرت فرمود: آیا زورمندترین و قویترین شما را معرفی نکنم؟ عرض کردند: بفرمایید، ای رسول خدا! فرمود: زورمندترین و قویترین شما کسی است که هرگاه خشنود باشد خشنودی‌اش او را به گناه و نادرستی نکشاند و هرگاه ناخشنود باشد از جادهٔ حقگویی خارج نشود و هرگاه قدرت یابد آنچه را که حق او نیست نستاند.

۱۹۴۵
آفَةُ الشَّجاعَةِ

۹۳۴۳ . الإمامُ عليٌّ ﷺ: آفَةُ الشَّجاعَةِ إضاعَةُ الحَزمِ.[2]

۹۳۴۴ . عنه ﷺ: آفَةُ القَوِيِّ استِضعافُ الخَصمِ.[3]

آفت شجاعت

۹۳۴۳ . امام علی ﷺ: آفت شجاعت، فرو گذاشتن احتیاط است.

۹۳۴۴ . امام علی ﷺ: آفت نیرومند، ناتوان شمردن دشمن است.

۱۹۴۶
النَّوادِرُ

۹۳۴۵ . الإمامُ عليٌّ ﷺ: ثَمَرَةُ الشَّجاعَةِ الغَيرَةُ.[4]

۹۳۴۶ . عنه ﷺ ـ مِن كتابٍ لَهُ للأشتَرِ ـ: ولْيَكُنْ آثَرُ رُؤوسِ جُندِكَ عِندَكَ مَن واساهُم في

۱۹۴۶
گوناگون

۹۳۴۵ . امام علی ﷺ: میوهٔ شجاعت، غیرت است.

۹۳۴۶ . امام علی ﷺ ـ در عهدنامهٔ خود به مالک اشتر ـ نوشت: باید مقرّبترین سردار

---

۱. معاني الأخبار: ۱/۳۶۶. ۲. غرر الحكم: ۳۹۳۸.
۳. غرر الحكم: ۳۹۳۹. ۴. غرر الحكم: ۴۶۲۰.

مَعُونَتِهِ ... فَافسَحْ في آمالِهِم، وواصِلْ في حُسنِ الثَّناءِ علَيهِم، وتَعديدِ ما أبلىٰ ذَوُو البَلاءِ مِنهُم؛ فإنَّ كَثرَةَ الذِّكرِ لِحُسنِ أفعالِهِم تَهُزُّ الشُّجاعَ، وتُحَرِّضُ النّاكِلَ إن شاءَ اللهُ.[1]

سپاهت نزد تو، آن سرداری باشد که با کمکهای خود به سپاهیانش آنان را یاری رسانَد... پس آرزوها و خواستهای آنان را برآور و از آنها پیوسته به نیکویی یاد کن و از رنج و محنتی که سختی‌کشیدگانِ آنان دیده‌اند، تقدیر نما؛ زیرا یادْکردِ بسیار از کارهایِ نیک ایشان، شجاع را بر می‌انگیزد و کنار کشیده را تشویق می‌کند إن شاء الله.

۹۳۴۷. الإمامُ الصّادقُ ﷺ: ثلاثةٌ لا تُعرَفُ إلّا في ثلاثِ مَواطِنَ: لا يُعرَفُ الحَليمُ إلّا عِندَ الغَضَبِ، ولا الشُّجاعُ إلّا عِندَ الحَربِ، ولا أخٌ إلّا عِندَ الحاجَةِ.[2]

۹۳۴۷. امام صادق ﷺ: سه کس‌اند که جز در سه جا شناخته نمی‌شوند: بردبار، به هنگام خشمگین شدن، شجاع در جنگ، و برادر به هنگام نیاز [به او].

۹۳۴۸. الإمامُ العسكريُّ ﷺ: لِلشَّجاعَةِ مِقداراً، فإن زادَ علَيهِ فهُوَ تَهَوُّرٌ.[3]

۹۳۴۸. امام عسکری ﷺ: شجاعت اندازه‌ای دارد که اگر از آن فراتر رود بی‌باکی است.

۹۳۴۹. لقمانُ ﷺ: لا يُعرَفُ الشُّجاعُ إلّا في الحَربِ.[4]

۹۳۴۹. لقمان ﷺ: شجاع، جز در جنگ شناخته نشود.

---

۱. نهج البلاغة: الكتاب ۵۳.
۲. بحار الأنوار: ۹/۲۲۹/۷۸.
۳. بحار الأنوار: ۳/۳۷۷/۷۸.
۴. بحار الأنوار: ۲۱/۱۷۸/۷۴.

۲۶۱

الشُّحّ

تنگ‌چشمی

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

انظر:

عنوان ۳۱«البُخل»، ۱۰۶«والحرص».

الإنصاف: باب ۳۸۱۹.

۱۹۴۷
الشُّحُّ

الكتاب:

﴿وَمَنْ يُوقَ شُحَّ نَفْسِهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ﴾.[1]

الحديث:

۹۳۵۰ . رسولُ اللهِ ﷺ: إيّاكُم والشُّحَّ؛ فإنّما هَلَكَ مَن كانَ قَبلَكُم بِالشُّحِّ، أمَرَهُم بِالكِذبِ فَكَذَبُوا، وأمَرَهُم بالظُّلمِ فظَلَمُوا، وأمَرَهُم بالقَطِيعَةِ فَقَطَعُوا.[2]

۹۳۵۱ . الإمامُ الصّادقُ عن أبيه عليه السلام: قالَ رسولُ اللهِ ﷺ: ما مَحَقَ الإيمانَ مَحقَ الشُّحِّ شَيءٌ، ثُمّ قالَ: إنّ لِهذا الشُّحِّ دَبيباً كَدَبيبِ النَّملِ وشُعَباً كَشُعَبِ الشِّركِ.[3]

۹۳۵۲ . الإمامُ عليٌّ عليه السلام ـ وقد سُئِلَ: كيفَ دَفَعَكُم قَومُكُم عَن هذا المَقامِ وأنتُم أحَقُّ بِه؟ ـ: أمّا الاستِبدادُ علَينا بِهذا المَقامِ، ونَحنُ الأعلَونَ نَسَباً، والأشَدُّونَ بِرسولِ اللهِ ﷺ نَوطاً، فإنّها كانَت أثَرَةً شَحَّت علَيها نُفوسُ

۱ . التغابن: ۱۶، الحشر: ۹. ۲ . بحار الأنوار: ۱۵/۳۰۳/۷۳.
۳ . بحار الأنوار: ۸/۳۰۱/۷۳.

۱۹۴۷
تنگ چشمی

قرآن:

«و کسانی که از تنگ چشمی[1] خویش مصون مانند، آنان رستگارانند».

حدیث:

۹۳۵۰ . **پیامبر خدا** ﷺ: از تنگ چشمی بپرهیزید؛ زیرا پیشینیان شما به سبب همین تنگ چشمی نابود شدند. تنگ چشمی، آنها را به دروغ وا می‌داشت، و آنها هم دروغ می‌گفتند. به ظلم و حق کشی وا می‌داشت، آنها حق کشی می‌کردند، به بریدن پیوندهای خویشاوندی دستور می‌داد، پیوند خویشاوندی را می‌بریدند.

۹۳۵۱ . **امام صادق** عليه السلام از پدر بزرگوارش عليه السلام: پیامبر خدا ﷺ فرمود: هیچ چیز مانند تنگ چشمی، ایمان را از بین نمی‌برد. سپس فرمود: این تنگ چشمی را حرکتی است چون حرکت مورچه و شعبه‌هایی است همانند شعبه‌های شرک.

۹۳۵۲ . **امام علی** عليه السلام ـ وقتی از ایشان سؤال شد: با این که شما از قوم خود به این مقام (خلافت) سزاوارترید، چگونه شد که آنها شما را از آن پس زدند؟ ـ فرمود: به زور گرفتن این مقام از

۱ . بخل و آزمندی شدید.

قَومٍ وسَخَتْ عَنها نُفُوسُ آخَرِينَ، والحَكَمُ اللهُ.[۱]

۹۳۵۳. **الإمامُ الباقرُ**ﷺ: إنّ عَلِيّاً ﷺ سَمِعَ رَجُلاً يقولُ: الشَّحِيحُ أعذَرُ مِنَ الظالِمِ، فقالَ: كَذَبتَ؛ إنّ الظالِمَ يَتُوبُ ويَستَغفِرُ اللهَ ويَرُدُّ الظُّلامَةَ علىٰ أهلِها، والشَّحيحُ إذا شَحَّ مَنَعَ الزَّكاةَ والصَّدَقةَ... وحَرامٌ على الجَنَّةِ أن يَدخُلَها شَحيحٌ.[۲]

۹۳۵۴. **تفسير القمّيّ** عن الفضلِ بنِ أبي قرّةَ: رَأيتُ أبا عبدِ اللهِ ﷺ يَطُوفُ مِن أوَّلِ اللَّيلِ إلى الصَّباحِ وهُو يقولُ: اللّهُمَّ قِني شُحَّ نَفسِي، فقلتُ: جُعِلتُ فِداكَ ما سَمِعتُكَ تَدعُو بِغَيرِ هذا الدُّعاءِ؟! قالَ: وأيُّ شَيءٍ أشَدُّ مِنَ شُحِّ النَّفسِ؟! إنّ اللهَ يقولُ: ﴿ومَن يُوقَ شُحَّ نَفسِهِ فَأُولئِكَ هُمُ المُفلِحُونَ﴾.[۳]

۱۹۳۸
تَفسيرُ الشُّحِّ وَالشَّحيحِ

۹۳۵۵. **الإمامُ الحسنُ** ﷺ ـ لَمّا سَأَلَهُ أبوهُ عَنِ الشُّحِّ ـ: أن تَرىٰ ما في يَدَيكَ شَرَفاً وما أنفَقتَ تَلَفاً.[۴]

---

۱. نهج البلاغة: الخطبة ۱۶۲.
۲. مستطرفات السرائر: ۱۰/۱۲۵.
۳. تفسير القمّي: ۲/۳۷۲. ۴. بحار الأنوار: ۷۳/۳۰۵/۲۳.

دست ما، با آن که ما از نظر نسب بالاتر و پیوند خویشی ما به رسول خدا ﷺ بیشتر و استوارتر است، به‌این سبب است که خلافت امتیازی بود که عدّه‌ای به آن آزمندی و زفتی نشان دادند و گروهی (اهل بیت) سخاوتمندانه از آن چشم پوشیدند و داور خداست.

۹۳۵۳. **امام باقر**ﷺ: امام علی ﷺ شنید که مردی می‌گوید: تنگ چشم، عذرش پذیرفته‌تر از ظالم است، به او فرمود ـ: اشتباه می‌کنی؛ زیرا ظالم ممکن است توبه و استغفار کند و حق را به حقدار برگرداند، اما تنگ چشم از پرداخت زکات و صدقه دریغ می‌کند... و وارد شدن تنگ چشم به بهشت حرام است.

۹۳۵۴. **تفسیر القمیّ** به نقل از فضل بن ابی قرّة: امام صادق ﷺ را دیدم که از سرِ شب تا به صبح طواف می‌کند و پیوسته می‌گوید: خدایا! مرا از تنگ چشمیِ نفسم نگهدار. عرض کردم: فدایت شوم، در طول این مدت دعایی جز این از شما نشنیدم؟ حضرت فرمود: از تنگ چشمی نفس بدتر چیست؟! خداوند می‌فرماید: «و کسانی که از آزمندی نفس خویش مصون مانند همانان رستگارانند».

۱۹۳۸
تفسیر تنگ چشمی و تنگ چشم

۹۳۵۵. **امام حسن**ﷺ ـ در پاسخ به پرسش پدرش از او دربارهٔ تنگ چشمی ـ فرمود: تنگ چشمی آن است که آنچه را داری مایهٔ شرافت پنداری و آنچه را انفاق کنی، تلف شده و بر باد رفته انگاری.

۹۳۵۶ . **الإمامُ الصّادقُ** ﷺ: إنّما الشَّحيحُ مَن مَنَعَ حَقَّ اللهِ، وأنفَقَ في غَيرِ حَقِّ اللهِ عَزَّوجلَّ.[1]

۹۳۵۷ . **عنه** ﷺ: الشُّحُّ أشَدُّ مِنَ البُخلِ، إنَّ البَخيلَ يَبخَلُ بما في يَدِهِ، والشَّحيحَ يَشُحُّ عَلىٰ ما في أيدِي الناسِ وعلىٰ ما في يَدِهِ، حتّىٰ لا يَرَى في أيدِي الناسِ شَيئاً إلّا تَمَنّىٰ أن يكونَ لَهُ بالحِلِّ والحَرامِ، لا يَشبَعُ ولا يَنتَفِعُ بما رَزَقَهُ اللهُ.[2]

۹۳۵۶ . **امام صادق**ﷺ: تنگ چشم کسی است که حق خدا را نپردازد و در راهی جز حق خداوند عزّوجلّ خرج کند.

۹۳۵۷ . **امام صادق**ﷺ: تنگ چشمی، بالاتر و بدتر از بخل است؛ زیرا بخیل نسبت به آنچه خود دارد بخل می‌ورزد، اما تنگ چشم هم به مال مردم و هم به مال خودش بخل می‌ورزد، تا جایی که هر چه دست مردم می‌بیند آرزو می‌کند که، به حلال یا حرام، از آن او باشد؛ از آنچه خدا روزیش کرده نه سیر می‌شود و نه سودی بر می‌گیرد.

۱۹۴۹
أشَحُّ الخَلقِ

۹۳۵۸ . **الإمامُ عليٌّ** ﷺ ـ لَمّا سُئلَ عن أشَحِّ الخَلقِ ـ: مَن أخَذَ المالَ مِن غَيرِ حِلِّهِ فَجَعَلَهُ في غَيرِ حَقِّهِ.[3]

(انظر) البخل: باب ۳۲۹.

۱۹۴۹
تنگ چشم‌ترین مردم

۹۳۵۸ . **امام علی**ﷺ ـ در پاسخ به این سؤال که تنگ چشم‌ترین مردم کیست ـ فرمود: کسی که مال را به ناروا به دست آورد و نابجا خرجش کند.

---

۱ . بحار الأنوار: ۲۵/۳۰۵/۷۳.

۲ . تحف العقول: ۳۷۱، ۳۷۲.

۳ . معاني الأخبار: ۴/۱۹۹.

٢٦٢

الشَّرُّ

بدی

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

ولمزيد الاطّلاع راجع:

بحار الأنوار: ٢٠٢/٧٢ باب ١٠٦ «شِرار الناس».

انظر:

عنوان ١٥٨ «الخير»، الحاجة: باب ٩٧٣، الدولة: باب ١٢٨٥.

الصديق: باب ٢١٧٦، الصدقة: باب ٢١٩٨، العلم: باب ٢٨٥٥.

العادة: باب ٢٩٥٦، الوزارة: باب ٤٠٠٣.

۱۹۵۰
مِعيارُ الخَيرِ وَالشَّرِّ

الكتاب:

﴿كُتِبَ عَلَيْكُمُ القِتالُ وَهُوَ كُرْهٌ لَكُمْ وَعَسىٰ أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئاً وَهُوَ خَيْرٌ لَكُمْ وَعَسىٰ أَنْ تُحِبُّوا شَيْئاً وَهُوَ شَرٌّ لَكُمْ وَاللهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لا تَعْلَمُونَ﴾.[1]

﴿وَلا يَحْسَبَنَّ الَّذِينَ يَبْخَلُونَ بِما آتاهُمُ اللهُ مِنْ فَضْلِهِ هُوَ خَيْراً لَهُمْ بَلْ هُوَ شَرٌّ لَهُمْ سَيُطَوَّقُونَ ما بَخِلُوا بِهِ يَوْمَ القِيامَةِ وَلِلّهِ مِيراثُ السَّماواتِ وَالأَرْضِ وَاللهُ بِما تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ﴾.[2]

﴿وَيَدْعُ الإِنْسانُ بِالشَّرِ دُعاءَهُ بِالخَيْرِ وَكانَ الإِنْسانُ عَجُولاً﴾.[3]

الحديث:

۹۳۵۹ . الإمامُ عليٌّ ﷺ: ما خَيرٌ بِخَيرٍ بَعدَهُ النارُ، وما شَرٌّ بِشَرٍّ بَعدَهُ الجَنَّةُ، وكُلُّ نَعيمٍ دُونَ الجَنَّةِ فَهُو مَحقورٌ، وكُلُّ بَلاءٍ دُونَ النارِ عافِيَةٌ.[4]

۹۳۶۰ . عنه ﷺ: ما خَيرُ خَيرٍ لا يُنالُ إلّا بِشَرٍّ، ويُسرٍ

---

۱ . البقرة: ۲۱۶.
۲ . آل عمران: ۱۸۰.
۳ . الإسراء: ۱۱.
۴ . نهج البلاغة: الحكمة ۳۸۷.

۱۹۵۰
معیار خوب و بد

قرآن:

«جنگ بر شما مقرر شد در حالی که برای شما ناگوار است. چه بسا چیزی را ناخوش دارید در صورتی که آن برای شما خوب است و بسا چیزی را دوست دارید و آن برای شما بد است. خدا می‌داند و شما نمی‌دانید».

«و کسانی که به آنچه خدا از فضل خود به آنان عطا کرده است، بخل می‌ورزند، هرگز تصوّر نکنند که برای ایشان خوب است، بلکه برایشان بد است. بزودی آنچه که به آن بخل ورزیده‌اند، روز قیامت طوق گردنشان می‌شود. میراث آسمانها و زمین از آن خداست و خدا به آنچه می‌کنید آگاه است».

«و آدمی به دعا شرّی را می‌طلبد چنان که گویی به دعا خیری را می‌جوید. و انسان همواره شتابزده است».

حدیث:

۹۳۵۹ . **امام علی** ﷺ: آن خوبی که در پی آن آتش باشد، خوب نیست و آن بدی که به دنبالش بهشت باشد، بد نیست. هر نعمتی در قیاس با بهشت ناچیز است و هر رنج و بلایی در مقابل دوزخ عافیت است.

۹۳۶۰ . **امام علی** ﷺ: خیری که جز با شرّ به دست

لا يُنالُ إلّا بِعُسرٍ؟![1]

نیاید، چه خیری است!؟ و آسایشی که جز با سختی حاصل نشود چه آسایشی؟!

۹۳۶۱ . عنه ﷺ: إنّ اللهَ سبحانَهُ أنزَلَ كِتاباً هادِياً بَيَّنَ فيه الخَيرَ والشَّرَّ، فَخُذُوا نَهجَ الخَيرِ تَهتَدُوا، واصدِفُوا عَن سَمتِ الشَّرِّ تَقصِدُوا.[2]

۹۳۶۱ . امام علی ﷺ: خداوند سبحان کتابی راهنما فرستاد و در آن خوب و بد را روشن ساخت. پس راه خوبی را پیش گیرید تا هدایت شوید و از راه بدی دوری جویید تا به مقصد برسید.

(انظر) الدعاء: باب ۱۲۱۵، ۱۲۱۶.

۱۹۵۱
شَرُّ النّاسِ

۱۹۵۱
بدترین مردم

الكتاب:

﴿إنَّ شَرَّ الدَّوابِّ عِندَ اللهِ الصُّمُّ البُكْمُ الَّذِينَ لا يَعقِلُونَ﴾.[3]

﴿إنَّ شَرَّ الدَّوابِّ عِندَ اللهِ الَّذِينَ كَفَرُوا فَهُم لا يُؤمِنُونَ﴾.[4]

قرآن:

«همانا بدترین جنبندگان نزد خدا، کران و لالانی هستند که نمی‌اندیشند».

«هر آینه بدترین جنبندگان نزد خدا آنهایند که کافر شده‌اند و ایمان نمی‌آورند».

الحديث:

۹۳۶۲ . رسولُ اللهِ ﷺ: شَرُّ الناسِ مَن باعَ آخِرَتَهُ بِدُنياهُ، وشَرٌّ مِن ذلك مَن باعَ آخِرَتَهُ بِدنيا غَيرِهِ.[5]

حدیث:

۹۳۶۲ . پیامبر خدا ﷺ: بدترین مردم کسی است که آخرتش را به دنیایش بفروشد و بدتر از او کسی است که آخرت خود را برای دنیای دیگران بفروشد.

۹۳۶۳ . عنه ﷺ: شَرُّ الناسِ عندَ اللهِ يَومَ القِيامَةِ الذينَ يُكرَمُونَ اتِّقاءَ شَرِّهِم.[6]

۹۳۶۳ . پیامبر خدا ﷺ: روز قیامت، بدترین مردم در پیشگاه خدا، کسانی هستند که مردم از ترس گزندشان به آنها احترام بگذارند.

۹۳۶۴ . عنه ﷺ: شَرُّ الناسِ فاسِقٌ قَرَأَ كِتابَ اللهِ وتَفَقَّهَ في دِينِ اللهِ، ثُمَّ بَذَلَ نَفسَهُ لِفاجِرٍ إذا

۹۳۶۴ . پیامبر خدا ﷺ: بدترین مردم، فاسقی است که کتاب خدا را خوانده و در دین خدا عالم و فقیه شده سپس خود را در اختیار فردی

---

۱. نهج البلاغة: الكتاب ۳۱.
۲. نهج البلاغة: الخطبة ۱۶۷.
۳. الأنفال: ۲۲.
۴. الأنفال: ۵۵.
۵. بحار الأنوار: ۳/۴۶/۷۷.
۶. بحار الأنوار: ۱۰/۲۸۳/۷۵.

نَشِطَ تَفَكُّهُ بِقِراءَتِهِ ومُحادَثَتِهِ، فَيَطبَعُ اللهُ علىٰ قلبِ القائلِ والمُستَمِعِ.[۱]

فاجر می‌گذارد که چون سرخوش می‌شود قرآن خواندن و گفت وگوی با او را وسیلهٔ شوخی و سرگرمی خویش قرار می‌دهد. پس، خداوند بر دل گوینده و شنونده مُهر می‌زند.

۹۳۶۵. عنه ﷺ: إنَّ شَرَّ الناسِ عِندَ اللهِ عَزَّوجلَّ يَومَ القِيامَةِ عالِمٌ لا يُنتَفَعُ بِعِلمِهِ.[۲]

۹۳۶۵. **پیامبر خدا** ﷺ: روز قیامت بدترین مردم در پیشگاه خداوند عزّوجلّ عالمی است که از علمش سودی نبرد.

۹۳۶۶. عنه ﷺ ـ لِمُعاذٍ ـ: ألا اُنَبِّئُكَ بِشَرِّ الناسِ؟!: مَن أكَلَ وَحدَهُ، ومَنَعَ رِفدَهُ، وسافَرَ وَحدَهُ، وضَرَبَ عَبدَهُ، ألا اُنَبِّئُكَ بِشَرٍّ مِن هذا؟!: مَن يُبغِضُ الناسَ ويُبغِضُونَهُ، ألا اُنَبِّئُكَ بِشَرٍّ مِن هذا؟!: مَن يُخشىٰ شَرُّهُ ولا يُرجىٰ خَيرُهُ، ألا اُنَبِّئُكَ بِشَرٍّ مِن هذا؟!: مَن باعَ آخِرَتَهُ بِدُنيا غَيرِهِ، ألا اُنَبِّئُكَ بِشَرٍّ مِن هذا؟!: مَن أكَلَ الدُّنيا بِالدِّينِ.[۳]

۹۳۶۶. **پیامبر خدا** ﷺ ـ به معاذ ـ فرمود: آیا تو را از بدترین فرد مردم خبر ندهم؟ کسی که تنها بخورد، داد و دَهِش نکند، تنها سفر کند، و بنده‌اش را بزند. آیا بدتر از این را به‌تو نشناسانم؟ کسی‌که مردم را دشمن دارد و مردم نیز او را دشمن دارند. آیا بدتر از این را به تو معرفی نکنم؟ کسی که بیم شرّش برود و به خیرش امیدی نرود. آیا تو را به بدتر از این آگاه نکنم؟ کسی که آخرت خود را برای دنیای دیگری بفروشد. آیا بدتر از این را به تو معرفی نکنم؟ کسی که از راه دین، دنیاطلبی کند.

۹۳۶۷. عنه ﷺ: مِن شَرِّ الناسِ عِندَ اللهِ عَزَّوجلَّ يَومَ القِيامَةِ ذُو الوَجهَينِ.[۴]

۹۳۶۷. **پیامبر خدا** ﷺ: در روز قیامت یکی از بدترین مردمان نزد خداوند عزّوجلّ آدم دو روست.

۹۳۶۸. عنه ﷺ ـ لَمّا سُئِلَ عَن شَرِّ الناسِ ـ: العُلَماءُ إذا فَسَدُوا.[۵]

۹۳۶۸. **پیامبر خدا** ﷺ ـ در پاسخ به این سؤال که بدترینْ مردم چه کسانی هستند ـ فرمود: علما، هر گاه که فاسد شوند.

۹۳۶۹. عنه ﷺ: إنَّ مِن أشَرِّ الناسِ مَنزِلَةً عِندَ اللهِ يَومَ القِيامَةِ عَبداً أذهَبَ آخِرَتَهُ بِدُنيا غَيرِهِ.[۶]

۹۳۶۹. **پیامبر خدا** ﷺ: روز قیامت یکی از کسانی که بدترین منزلت را در پیشگاه خداوند دارد، بنده‌ای است که آخرت خود را برای دنیای دیگران از دست دهد.

---

۱. کنز العمّال: ۲۹۰۸۹. ۲. تنبیه الخواطر: ۵۲/۲.
۳. کنز العمّال: ۴۴۰۴۵. ۴. بحار الأنوار: ۶/۲۰۴/۷۵.
۵. بحار الأنوار: ۷/۱۳۸/۷۷. ۶. کنز العمّال: ۱۴۹۳۴.

۹۳۷۰ . **عنه ﷺ**: إنَّ مِن شَرِّ عِبادِ اللهِ مَن تَكرَهُ مُجالَسَتَهُ لِفُحشِهِ.[۱]

۹۳۷۰ . **پیامبر خدا ﷺ**: یکی از بدترین بندگان خدا کسی است که بر اثر بد زبانی، کسی رغبت به همنشینی با او نمی‌کند.

۹۳۷۱ . **عنه ﷺ**: شَرُّ الرِّجالِ مَن كانَ سَريعَ الغَضَبِ بَطِيءَ الرِّضاءِ.[۲]

۹۳۷۱ . **پیامبر خدا ﷺ**: بدترین مردان کسی است که زود به خشم می‌آید و دیر خشنود می‌شود.

۹۳۷۲ . **عنه ﷺ**: إنَّ مِن شِرارِ الناسِ رَجُلٌ فاجِرٌ جَرِيءٌ، يَقرَأُ كتابَ اللهِ تعالىٰ لا يَرعَوِي إلىٰ شَيْءٍ مِنهُ.[۳]

۹۳۷۲ . **پیامبر خدا ﷺ**: یکی از بدترین مردمان، مردِ فاجر و گستاخی است که کتاب خداوند متعال را می‌خواند و از هیچ چیز آن پند نمی‌گیرد.

۹۳۷۳ . **عنه ﷺ**: شِرارُ الناسِ الذين يَشتَرُونَ الناسَ ويَبيعُونَهُم.[۴]

۹۳۷۳ . **پیامبر خدا ﷺ**: بدترین مردمان کسانی هستند که در کار خرید و فروش انسانند.

۹۳۷۴ . **عنه ﷺ**: شِرارُ أُمَّتي الذين غُذُوا بِالنَّعيمِ ونَبَتَتْ عَلَيهِ أجسامُهُم.[۵،۶]

۹۳۷۴ . **پیامبر خدا ﷺ**: بدترین افراد امّت من نازپروردگانِ نعمت‌اند که تنهایشان بر اثر [بهره‌مند دائم از] نعمت، فربه شده است.

۹۳۷۵ . **عنه ﷺ**: شِرارُ الناسِ شِرارُ العُلَماءِ في الناسِ.[۷]

۹۳۷۵ . **پیامبر خدا ﷺ**: بدترین مردم، بدترین عالمان در میان مردمند.

۹۳۷۶ . **الإمامُ عليٌّ ﷺ**: إنَّ شَرَّ الناسِ عندَ اللهِ إمامٌ جائرٌ ضَلَّ وضُلَّ بِهِ.[۸]

۹۳۷۶ . **امام علی ﷺ**: بدترین مردم نزد خدا، پیشوای ستمگری است که گمراه و گمراه کننده باشد.

۹۳۷۷ . **عنه ﷺ**: شَرُّ الناسِ مَن يَتَّقِيهِ الناسُ مَخافَةَ شَرِّهِ.[۹]

۹۳۷۷ . **امام علی ﷺ**: بدترین مردم کسی است که مردم از ترس شرارت او، از وی پرهیز کنند.

۹۳۷۸ . **عنه ﷺ**: شَرُّ الناسِ مَن يَظلِمُ الناسَ.[۱۰]

۹۳۷۸ . **امام علی ﷺ**: بدترین مردم کسی است که به مردم ستم کند.

---

۱ . الكافي: ۸/۳۲۵/۲.
۲ . كنز العمّال: ۴۳۵۸۸.
۳ . كنز العمّال: ۲۹۱۰۴.
۴ . كنز العمّال: ۹۳۹۲.
۵ . تنبيه الخواطر: ۱۷۸/۱.
۶ . (انظر) العلم: باب ۲۸۵۰.
۷ . كنز العمّال: ۲۹۱۱۴.
۸ . نهج البلاغة: الخطبة ۱۶۴.
۹ . غرر الحكم: ۵۷۴۹.
۱۰ . غرر الحكم: ۵۶۷۶.

۹۳۷۹ . عنه ﷺ: شَرُّ الناسِ مَن يَغُشُّ الناسَ.[۱]

۹۳۸۰ . عنه ﷺ: شَرُّ الناسِ مَن لا يَقبَلُ العُذرَ ولا يُقِيلُ الذَّنبَ.[۲]

۹۳۸۱ . عنه ﷺ: شَرُّ الناسِ مَن لا يُبالي أن يَراهُ الناسُ مُسِيئاً.[۳]

۹۳۸۲ . عنه ﷺ: شَرُّ الناسِ مَن لا يَشكُرُ النِّعمَةَ، ولا يَرعىٰ الحُرمَةَ.[۴]

۹۳۸۳ . عنه ﷺ: شَرُّ الناسِ مَن سَعىٰ بالإخوانِ، ونَسِيَ الإحسانَ.[۵]

۹۳۸۴ . عنه ﷺ: شَرُّ الناسِ مَن لا يُرجىٰ خَيرُهُ، ولا يُؤمَنُ شَرُّهُ.[۶]

۹۳۸۵ . عنه ﷺ: شَرُّ الناسِ مَن لا يَعتَقِدُ الأمانَةَ، ولا يَجتَنِبُ الخِيانَةَ.[۷]

۹۳۸۶ . عنه ﷺ: شَرُّ الناسِ مَن لا يَعفُو عَنِ الزَّلَّةِ، ولا يَستُرُ العَورَةَ.[۸]

۹۳۸۷ . عنه ﷺ: شَرُّ الناسِ مَن يُعِينُ علىٰ المَظلومِ.[۹]

۹۳۷۹ . **امام علی**ﷺ: بدترین مردم کسی است که با مردم دغلکاری کند.

۹۳۸۰ . **امام علی**ﷺ: بدترین مردم کسی است که عذر نپذیرد، و از خطا نگذرد.

۹۳۸۱ . **امام علی**ﷺ: بدترین مردم کسی است که برایش مهم نباشد مردم او را بدکار بدانند.

۹۳۸۲ . **امام علی**ﷺ: بدترین مردم کسی است که شکر نعمت نگزارد و حرمت دیگران را پاس ندارد.

۹۳۸۳ . **امام علی**ﷺ: بدترین مردمان کسی است که از برادران [خود] بدگویی کند و احسان (خوبی) را از یاد برد.

۹۳۸۴ . **امام علی**ﷺ: بدترین مردم کسی است که به خیرش امیدی نرود و از شرّش ایمنی نباشد.

۹۳۸۵ . **امام علی**ﷺ: بدترین مردمان کسی است که به امانتداری پایبند نباشد و از خیانت پرهیز نکند.

۹۳۸۶ . **امام علی**ﷺ: بدترین مردم کسی است که لغزش را نمی‌بخشد و عیب پوشی نمی‌کند.

۹۳۸۷ . **امام علی**ﷺ: بدترین مردم کسی است که علیه مظلوم کمک می‌کند.

---

۱ . غرر الحکم: ۵۶۷۷.
۲ . غرر الحکم: ۵۶۸۵.
۳ . غرر الحکم: ۵۷۰۲.
۴ . غرر الحکم: ۵۷۰۵.
۵ . غرر الحکم: ۵۷۱۳.
۶ . غرر الحکم: ۵۷۳۲.
۷ . غرر الحکم: ۵۷۳۴.
۸ . غرر الحکم: ۵۷۳۵.
۹ . غرر الحکم: ۵۷۳۶.

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

۹۳۸۸ . عنه ﷺ: شَرُّ الناسِ مَنِ ادَّرَعَ اللُّؤمَ ونَصَرَ الظَّلومَ.[۱]

۹۳۸۹ . عنه ﷺ: شَرُّ الناسِ مَن كانَ مُتَتَبِّعاً لِعُيوبِ الناسِ عَمِيّاً لِمَعايِبِهِ.[۲]

۹۳۹۰ . عنه ﷺ: شَرُّ الناسِ مَن يَبتَغِي الغَوائِلَ للناسِ.[۳]

۹۳۹۱ . عنه ﷺ: شَرُّ الناسِ مَن يَخشَى الناسَ في رَبِّهِ، ولا يَخشَى رَبَّهُ في الناسِ.[۴]

۹۳۹۲ . عنه ﷺ: شَرُّ الناسِ مَن لا يَثِقُ بِأحَدٍ لِسُوءِ ظَنِّهِ، ولا يَثِقُ بِهِ أحَدٌ لِسُوءِ فِعلِهِ.[۵]

۹۳۹۳ . عنه ﷺ: شَرُّ الناسِ مَن يَرىٰ أنَّهُ خَيرُهُم.[۶]

۹۳۹۴ . عنه ﷺ: شَرُّ الناسِ الطَّويلُ الأمَلِ السَّيِّءُ العَمَلِ.[۷]

۹۳۹۵ . عنه ﷺ: شَرُّ الناسِ مَن كافىٰ على الجَميلِ بالقَبيحِ.[۸]

۹۳۹۶ . **الإمامُ الصّادقُ عن آبائهِ ﷺ عن النبيّ ﷺ**: شَرُّ الناسِ المُثَلِّثُ، قيلَ: يا رسولَ اللهِ، وما

۹۳۸۸ . **امام علی ﷺ**: بدترین مردم کسی است که زره پستی پوشد و ستمکار را یاری رساند.

۹۳۸۹ . **امام علی ﷺ**: بدترین مردمان کسی است که عیبجوی مردم باشد و عیبهای خویش را نبیند.

۹۳۹۰ . **امام علی ﷺ**: بدترین مردم کسی است که بدخواه مردم باشد.

۹۳۹۱ . **امام علی ﷺ**: بدترین مردم کسی است که در کار پروردگارش، از مردم بترسد و در کار مردم، از پروردگارش نترسد.

۹۳۹۲ . **امام علی ﷺ**: بدترین مردم کسی است که به سبب بدبینی، به هیچ کس اعتماد نکند و به سبب بدکرداریش، کسی به او اعتماد نورزد.

۹۳۹۳ . **امام علی ﷺ**: بدترین مردم کسی است که خود را بهترین مردم پندارد.

۹۳۹۴ . **امام علی ﷺ**: بدترین مردم کسی است که آرزویش دراز و کردارش بد باشد.

۹۳۹۵ . **امام علی ﷺ**: بدترین مردم کسی است که پاداش خوبی را به بدی دهد.

۹۳۹۶ . **امام صادق ﷺ** ـ به نقل از از پدرانش ﷺ ـ : پیامبر خدا ﷺ فرمود: بدترین مردم «مثلّث» است. عرض شد: ای رسول خدا! «مثلّث» کیست؟ حضرت فرمود: کسی که از برادر

---

۱ . غرر الحكم: ۵۷۳۷.
۲ . غرر الحكم: ۵۷۳۹، وفي طبعة النجف و غيرها «عن معايبه» وهو الأنسب.
۳ . غرر الحكم: ۵۷۴۱.
۴ . غرر الحكم: ۵۷۴۰.
۵ . غرر الحكم: ۵۷۴۸.
۶ . غرر الحكم: ۵۷۰۱.
۷ . غرر الحكم: ۵۷۵۱.
۸ . غرر الحكم: ۵۷۵۰.

المُثلُثُ ؟ قالَ: الذي يَسعىٰ بأخيهِ إلى السُّلطانِ، فَيُهلِكُ نَفسَهُ، ويُهلِكُ أخاهُ، ويُهلِكُ السلطانَ.[1]

۹۳۹۷ . الإمامُ الصّادقُ عن آبائِه عليهم السلام: قالَ رسولُ اللهِ صلى الله عليه وآله: ألا اُنَبِّئُكُم بِشَرِّ الناسِ ؟ قالوا: بَلىٰ يارسولَ اللهِ. قالَ: مَن أبغضَ الناسَ وأبغَضَهُ الناسُ، ثُمّ قالَ: ألا اُنَبِّئُكُم بِشَرٍّ مِن هذا ؟ قالوا: بلىٰ يا رسولَ اللهِ. قالَ: الذي لا يُقِيلُ عَثرَةً، ولا يَقبَلُ مَعذِرَةً، ولا يَغفِرُ ذَنباً. ثُمّ قالَ: ألا اُنَبِّئُكُم بِشَرٍّ مِن هذا ؟ قالوا: بلىٰ يا رسولَ اللهِ. قالَ: مَن لا يُؤمَنُ شَرُّهُ ولا يُرجىٰ خَيرُهُ.[2]

۹۳۹۸ . عنه صلى الله عليه وآله: شَرُّ الرِّجالِ التُّجّارُ الخَوَنَةُ.[3]

(انظر) التجارة: باب ۴۵۵.

خود نزد حاکم سعایت می‌کند و در نتیجه، هم خودش، هم برادرش و هم حاکم را به ورطهٔ هلاکت اندازد.

۹۳۹۷ . امام صادق عليه السلام به نقل از نیاکان خود عليهم السلام: پیامبر خدا صلى الله عليه وآله فرمود: آیا شما را از بدترین افراد مردم خبر ندهم؟ عرض کردند: چرا، ای رسول خدا. فرمود: کسی که مردم را دشمن بدارد و مردم نیز او را دشمن بدارند. سپس فرمود: آیا بدتراز این را به شما معرفی نکنم؟ عرض کردند: چرا، ای رسول خدا، فرمود: کسی که از لغزشی در نمی‌گذرد و پوزشی را نمی‌پذیرد و گناهی را نمی‌بخشد. سپس فرمود: آیا شما را به بدتراز این فرد آگاه نسازم؟ عرض کردند: چرا، ای رسول خدا. فرمود: کسی که نه از شرّش ایمنی هست و نه به خیرش امیدی.

۹۳۹۸ . امام صادق عليه السلام: بدترین مردم، بازرگانان خیانتکارند.

۱۹۵۲
شِرارُ الخَلقِ

۱۹۵۲
بدترین خلایق

۹۳۹۹ . رسولُ اللهِ صلى الله عليه وآله: ألا إنّ بعدَ زمانِكُم هذا زَماناً عَضُوضاً، يَعَضُّ المُوسِرُ علىٰ ما في يَدِهِ حِذارَ الإنفاقِ، وقد قالَ اللهُ تعالىٰ: ﴿وَما أَنفَقْتُم مِن شَيْءٍ فَهُوَ يُخْلِفُهُ﴾[4] وسَيِّدُ شِرارِ

۹۳۹۹ . پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: بدانید که بعد از این روزگار شما، روزگاری بس سخت فرا می‌رسد؛ توانگر آنچه دارد، از ترس انفاق، با چنگ و دندان نگه می‌دارد، حال آن که خداوند متعال فرموده است: «اگر چیزی انفاق کنید عوضش را می‌دهد». سرآمد بدترین

---

۱. بحار الأنوار: ۱۶/۲۶۶/۷۵.
۲. بحار الأنوار: ۱/۲۰۳/۷۲. ۳. بحار الأنوار: ۵۵/۱۰۳/۱۰۳.
۴. سبأ: ۳۹.

الخَلقِ يُبايِعُونَ كُلَّ مُضطَرٍّ، ألا إنَّ بَيعَ المُضطَرِّينَ حَرامٌ.[۱]

خلایق کسانی هستند که با افراد مضطرّ معامله می‌کنند. بدانید که معامله با افراد مضطرّ ناروا است.

۹۴۰۰. الإمامُ عليٌّ عليه السلام: قلتُ: اللّهُمَّ لا تُحوِجْني إلىٰ أحَدٍ مِن خَلقِكَ، فقالَ رسولُ اللهِ صلى الله عليه وآله: يا عليُّ، لا تَقولَنَّ هكذا... قُل: اللّهُمَّ لا تُحوِجْني إلى شِرارِ خَلقِكَ، قلتُ: يا رسولَ اللهِ، ومَن شِرارُ خَلقِهِ؟ قالَ: الذينَ إذا أُعطُوا مَنَعُوا، وإذا مُنِعُوا عابُوا.[۲]

۹۴۰۰. امام علی علیه السلام: گفتم خدا مرا محتاج هیچکس از مخلوقینت مگردان پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود ای علی! اینگونه نگو بلکه بگو: خدایا! مرا به بدترین افراد خلق خود نیازمند مگردان. عرض کردم ای رسول خدا! بدترین خلق او چه کسانی هستند؟ فرمود: کسانی که چون به آنان عطا شود، [از عطای به دیگران] دریغ ورزند و هرگاه عطا نشوند، عیبجویی و انتقاد کنند.

(انظر) البدعة: باب ۳۳۲.

۱۹۵۳
شِرارُ المُسلِمينَ

۱۹۵۳
بدترین مسلمانان

۹۴۰۱. **بحار الأنوار** عن جابِرِ بنِ عبدِاللهِ: قالَ رسولُ اللهِ صلى الله عليه وآله: ألا اُخبِرُكم بِشِرارِ رِجالِكُم؟ قُلنا: بَلىٰ يا رسولَ اللهِ، قالَ: إنَّ مِن شِرارِ رِجالِكُمُ البَهّاتُ الجَرِيءُ الفَحّاشُ، الآكِلُ وَحدَهُ، والمانِعُ رِفدَهُ، والضّارِبُ عَبدَهُ، والمُلجِئُ عِيالَهُ إلىٰ غَيرِهِ.[۳]

۹۴۰۱. **بحار الأنوار** به نقل از جابر بن عبدالله: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: آیا شما را از بدترین مردانتان خبر ندهم؟ عرض کردیم: چرا، ای رسول خدا. فرمود: از بدترین مردان شما کسانی هستند که به مردم پیوسته تهمت می‌زنند، گستاخند، بد زبانند، تنها خورند، دستِ دهنده ندارند، بندهٔ خود را می‌زنند، و عائله‌شان را [برای تأمین مخارج خود] محتاج دیگران می‌سازند.

۹۴۰۲. الإمامُ الصّادقُ عن أبيه عن جدّه عن عليِّ بن أبي طالب عليه السلام: قال رسولُ اللهِ صلى الله عليه وآله لِأصحابِهِ: ألا اُخبِرُكم بِشِرارِكُم؟ قالوا: بَلىٰ يا رسولَ اللهِ، قالَ: المَشّاؤونَ بِالنَّميمَةِ، المُفَرِّقُونَ بينَ

۹۴۰۲. **امام صادق** از پدرش از جدش از امام علی علیه السلام: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله به اصحابش فرمود: آیا شما را از بدترین افرادتان خبر ندهم؟ عرض کردند: چرا، ای رسول خدا. فرمود: آنان که سخن چینی می‌کنند، میان

۱. كنز العمّال: ۹۵۲۲. ۲. بحار الأنوار: ۶/۳۲۵/۹۳.
۳. بحار الأنوار: ۱۳/۱۱۵/۷۲.

الأحِبَّةِ، الباغُونَ لِلبُرآءِ العَيبَ.[۱]

۱۹۵۴
شَرٌّ مِنَ الشَّرِّ

۹۳۰۳. **الإمامُ عليٌّ** عليه السلام: إنَّهُ ليسَ شَيءٌ بِشرٌّ مِنَ الشَّرِّ إلّا عِقابَهُ، ولَيسَ شَيءٌ بِخَيرٍ مِنَ الخَيرِ إلّا ثَوابَهُ.[۲]

۹۳۰۴. **عنه** عليه السلام: فاعِلُ الشَّرِّ شَرٌّ مِنهُ.[۳]

(انظر) الخير: باب ۱۱۸۴.

۱۹۵۵
فَوقَ كُلِّ شَرٍّ

۹۳۰۵. **رسولُ اللهِ** صلى الله عليه وآله: خَصلَتانِ لَيسَ فَوقَهُما مِنَ البِرِّ شَيءٌ: الإيمانُ بِاللهِ والنَّفعُ لِعبادِ اللهِ، وخَصلَتانِ لَيسَ فَوقَهُما مِنَ الشَّرِّ شَيءٌ: الشِّركُ بِاللهِ والضُّرُّ لِعِبادِ اللهِ.[۴]

(انظر) البرّ: باب ۳۴۸.

۱۹۵۶
شَرُّ الأخلاقِ

۹۳۰۶. **رسولُ اللهِ** صلى الله عليه وآله: شَرُّ ما في رجُلٍ: شُحٌّ هالِعٌ، وجُبنٌ خالِعٌ.[۵]

---

۱. الخصال: ۲۴۹/۱۸۲. ۲. نهج البلاغة: الخطبة ۱۱۴.
۳. نهج البلاغة: الحكمة ۳۲. ۴. بحار الأنوار: ۲/۱۳۷/۷۷.
۵. سنن أبي داوود: ۲۵۱۱.

دوستان جدایی می‌افکنند، و برای بی‌گناه عیب می‌تراشند.

۱۹۵۴
بدتر از بد

۹۳۰۳. **امام علی** عليه السلام: بدتر از بد، کیفر آن است و خوبتر از خوب، پاداش آن.

۹۳۰۴. **امام علی** عليه السلام: کنندهٔ بدی بدتر از خود بدی است.

۱۹۵۵
بالاتر از هر بدی

۹۳۰۵. **پیامبر خدا** صلى الله عليه وآله: دو کار است که هیچ کار خوبی بالاتر از آن دو نیست: ایمان به خدا و سود رساندن به بندگان خدا؛ و دو کار است که بالاتر از آن دو بدی وجود ندارد: شرک ورزیدن به خدا و زیان رساندن به بندگان خدا.

۱۹۵۶
بدترین خویها

۹۳۰۶. **پیامبر خدا** صلى الله عليه وآله: بدترین خصلت مرد، حرصی است که او را بی‌تاب سازد و ترسی که بند دلش را پاره کند.

۹۳۰۷ . **الإمامُ عليٌّ** ﷺ: شَرُّ أخلاقِ النُّفوسِ الجَورُ.[۱]

(انظر) الخُلق: باب ۱۱۲۸، ۱۱۲۹، ۱۱۳۰.

۱۹۵۷
مَفاتيحُ الشُّرورِ

۹۳۰۸ . **الإمامُ عليٌّ** ﷺ: الخِصالُ المُنتِجَةُ لِلشَّرِّ: الكَذِبُ، والبُخلُ، والجَورُ، والجَهلُ.[۲]

۹۳۰۹ . **الإمامُ الباقرُ** ﷺ: إنَّ اللهَ عَزَّوجلَّ جَعَلَ لِلشَّرِّ أقفالاً وجَعَلَ مَفاتيحَ تِلكَ الأقفالِ الشَّرابَ، والكَذِبُ شَرٌّ مِنَ الشَّرابِ.[۳]

۹۳۱۰ . **الإمامُ الصّادقُ** ﷺ: الغَضَبُ مِفتاحُ كُلِّ شَرٍّ.[۴]

(انظر) الشره: باب ۱۹۸۴.

الكذب: باب ۳۴۰۳.

۱۹۵۸
شَرُّ الأمورِ

۹۳۱۱ . **رسولُ اللهِ** ﷺ: شَرُّ الرِّوايَةِ رِوايَةُ الكَذِبِ، وشَرُّ الأمورِ مُحدَثاتُها، وشَرُّ العَمىٰ عَمَى القَلبِ، وشَرُّ النَّدامَةِ نَدامَةُ يَومِ القِيامَةِ... وشَرُّ الكَسبِ كَسبُ الرِّبا، وشَرُّ المَأكَلِ أكلُ مالِ اليَتيمِ ظُلماً.[۵]

(انظر) الخير: باب ۱۱۷۷.

---

۱. غرر الحكم: ۵۷۵۳. ۲. غرر الحكم: ۲۰۰۵.
۳. بحار الأنوار: ۷۲/۲۳۶/۳. ۴. بحار الأنوار: ۷۳/۲۶۳/۲.
۵. بحار الأنوار: ۷۷/۱۱۵/۸.

۹۳۰۷ . **امام علی**ﷺ: بدترین خویهای نفس، ستمکاری است.

۱۹۵۷
کلید بدیها

۹۳۰۸ . **امام علی**ﷺ: خصلتهایی که بدی‌زا هستند عبارتند از: دروغ، بخل، ستم و نابخردی.

۹۳۰۹ . **امام باقر**ﷺ: خداوند عزّوجلّ برای بدی قفلهایی نهاده و کلید همهٔ این قفلها را شراب قرار داده است، و دروغ بدتر از شراب است.

۹۳۱۰ . **امام صادق**ﷺ: خشم، کلید همهٔ بدیهاست.

۱۹۵۸
بدترین امور

۹۳۱۱ . **پیامبر خدا**ﷺ: بدترین روایت، روایت دروغ است و بدترین امور، بدعتها و بدترین کوری، کوری دل و بدترین پشیمانی، پشیمانی روز رستاخیز... و بدترین در آمد، ربا و بدترین خوراک، به ناحق خوردن مال یتیم است.

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

۱۹۵۹
جِماعُ الشُّرورِ

۹۳۱۲ . رسولُ اللهِ ﷺ: إنَّ إبليسَ يَخطُبُ شَياطينَهُ ويقولُ: عليكُم باللَّحمِ والمُسكِرِ والنِّساءِ، فَإنّي لا أجِدُ جِماعَ الشَّرِّ إلّا فيها.[1]

۹۳۱۳ . الإمامُ عليٌّ ﷺ: جِماعُ الشَّرِّ في مُقارَنَةِ قَرينِ السَّوءِ.[2]

۹۳۱۴ . عنه ﷺ: جِماعُ الشَّرِّ في الاغتِرارِ بالمَهَلِ، والاتِّكالِ على العَمَلِ.[3]

۹۳۱۵ . عنه ﷺ: جِماعُ الشَّرِّ اللَّجاجُ وكَثرَةُ المُماراةِ.[4]

(انظر) الخير: باب ۱۱۶۷.

۱۹۶۰
انطِباعُ الإنسانِ عَلَى الشَّرِّ

۹۳۱۶ . رسولُ اللهِ ﷺ: تَكَلَّفُوا فِعلَ الخَيرِ وجاهِدُوا نفوسَكُم عليهِ؛ فإنَّ الشَّرَّ مَطبوعٌ عليهِ الإنسانُ.[5]

۹۳۱۷ . الإمامُ عليٌّ ﷺ: أكرِهْ نفسَكَ على الفَضائلِ،

۱ . بحار الأنوار: ۲۹۳/۶۲ . ۲ . غرر الحكم: ۴۷۷۴ .
۳ . غرر الحكم: ۴۷۷۱، وفي طبعة النجف «الأمل» بدل «العمل» .
۴ . غرر الحكم: ۴۷۹۵ . ۵ . تنبيه الخواطر: ۱۲۰/۲ .

۱۹۵۹
مجمع بدیها

۹۳۱۲ . **پیامبر خدا** ﷺ: ابلیس برای شیطانهای خود سخنرانی می‌کند و می‌گوید: بر شما باد گوشت و مُسکر و زنان؛[1] زیرا من چیزی جز این سه را مجمع بدیها نمی‌یابم.

۹۳۱۳ . **امام علی** ﷺ: همنشینی با دوستِ بد، مجمع بدیهاست.

۹۳۱۴ . **امام علی** ﷺ: فریب مهلتها را خوردن و تکیه کردن به آرزو، مجمع بدیهاست.

۹۳۱۵ . **امام علی** ﷺ: لجاجت و بحث و جدل زیاد مجمع بدیهاست.

۱۹۶۰
بدی در نهاد انسان است

۹۳۱۶ . **پیامبر خدا** ﷺ: برای انجام کار خوب، خود را به رنج افکنید و در این راه با نفسهایتان بستیزید؛ زیرا انسان بر بدی سرشته شده[2] است.

۹۳۱۷ . **امام علی** ﷺ: نفس خود را به‌پذیرش

۱. مقصود این است که با وادار ساختن مردم به افراط در خوردن گوشت زمینهٔ شهوترانی را فراهم کنند و به وسیلهٔ مسکر عقل آنها را از بین ببرند و از این طریق زمینه را برای تجاوز جنسی و اعمال نامشروع فراهم نمایند.
۲. اشاره است به طبیعت نفس اماره.

فإنَّ الرذائلَ أنتَ مَطبوعٌ علَيها.[۱]

۹۳۱۸. عنه ﷺ: الشَّرُّ كامِنٌ في طَبيعَةِ كُلِّ أحَدٍ، فإن غَلَبَهُ صاحِبُهُ بَطَنَ، وإن لم يَغلِبْهُ ظَهَرَ.[۲]

۹۳۱۸. پیامبر خدا ﷺ: بدی در نهاد هر فردی نهفته است. اگر انسان بر آن چیره شد، همچنان در نهان می‌ماند و اگر چیره نشد، آشکار می‌شود.

۹۳۱۹. عنه ﷺ: النفسُ مَجبولَةٌ علىٰ سُوءِ الأدَبِ، والعَبدُ مَأمورٌ بِمُلازَمَةِ حُسنِ الأدَبِ، والنفسُ تَجري بِطَبعِها في مَيدانِ المُخالَفَةِ، والعَبدُ يَجهَدُ بِرَدِّها عن سُوءِ المُطالَبَةِ، فمتىٰ أطلَقَ عِنانَها فهُو شَريكٌ في فَسادِها، ومَن أعانَ نفسَهُ في هَوىٰ نفسِهِ فقد أشرَكَ نفسَهُ في قَتلِ نَفسِهِ.[۳]

۹۳۱۹. امام علی ﷺ: نفس آدمی بر بی‌ادبی سرشته شده و بنده مأمور است که آداب خوب را کسب کند. نفْس به طور طبیعی در میدانِ مخالفت می‌تازد و بنده می‌کوشد خواهشهای بد او را دفع کند. پس هرگاه زمام نفْس را رها سازد، در فساد آن شریک است و هرکه نفْس خویش را در خواهشهایش مدد رساند، در قتل خود، شریک نفْسِ خویش شده است.

۱۹۶۱
النَّوادِرُ

۹۳۲۰. رسولُ اللهِ ﷺ: مَن وُقِيَ شَرَّ ثلاثٍ فقد وُقِيَ الشَّرَّ كُلَّهُ: لَقلَقَهُ، وقَبقَبَهُ، وذَبذَبَهُ؛ فَلَقلَقَهُ لِسانُهُ، وقَبقَبُهُ بَطنُهُ، وذَبذَبُهُ فَرجُهُ.[۴]

۹۳۲۱. عنه ﷺ: إن كانَ الشرُّ في شيءٍ ففي اللِّسانِ.[۵]

۹۳۲۲. الإمامُ عليٌّ ﷺ: أخِّرِ الشَّرَّ؛ فإنَّكَ إذا شِئتَ تَعَجَّلتَهُ.[۶]

۱۹۶۱
گوناگون

۹۳۲۰. پیامبر خدا ﷺ: هرکه خود را از شرّ سه چیز حفظ کند، خویشتن را از هر شرّی حفظ کرده است: زبان و شکم و شهوت.

۹۳۲۱. پیامبر خدا ﷺ: اگر در چیزی بدی وجود داشته باشد، در زبان است.

۹۳۲۲. امام علی ﷺ: بدی را به تأخیر انداز؛ زیرا هرگاه بخواهی می‌توانی آن را جلو اندازی.

---

۱. غرر الحكم: ۲۴۷۷. ۲. غرر الحكم: ۲۱۹۰.
۳. مشكاة الأنوار: ۱۴۴۸/۴۳۳.
۴. كنز الفوائد: ۱۰/۲. ۵. بحار الأنوار: ۵۳/۲۸۹/۷۱.
۶. بحار الأنوار: ۱/۲۱۲/۷۷.

۹۴۲۳ . عنه ﷺ: مَن أضمَرَ الشَّرَّ لِغَيرِهِ فقد بَدَأ بِهِ نَفسَهُ.[۱]

۹۴۲۴ . عنه ﷺ: إيّاكَ ومُلابَسَةَ الشَّرِّ ؛ فإنّكَ تُنيلُهُ نفسَكَ قَبلَ عَدُوِّكَ، وتُهْلِكُ بِهِ دِينَكَ قَبلَ إيصالِهِ إلىٰ غَيرِكَ.[۲]

۹۴۲۵ . عنه ﷺ: مُتَّقِي الشَّرِّ كفاعِلِ الخَيرِ.[۳]

۹۴۲۶ . عنه ﷺ: رُدُّوا الحَجَرَ مِن حَيثُ جاءَ ؛ فإنَّ الشَّرَّ لا يَدفَعُهُ إلّا الشَّرُّ.[۴]

۹۴۲۷ . عنه ﷺ: الشَّرُّ مَنطِقٌ وَبِيٌّ.[۵]

۹۴۲۸ . الإمامُ الحسينُ ﷺ: مُجالَسَةُ أهلِ الدَّناءَةِ شَرٌّ.[۶]

۹۴۲۹ . الإمامُ الباقرُ ﷺ: كُن خَيراً لا شَرَّ مَعَهُ، كُن وَرَقاً لا شَوكَ مَعَهُ، ولا تَكُن شَوكاً لا وَرَقَ مَعَهُ وشَرّاً لا خَيرَ مَعَهُ.[۷]

۹۴۲۳ . **امام علی**ﷺ: هرکه برای دیگران بدی در دل بپروراند، آن بدی را از خودش آغاز کرده است.

۹۴۲۴ . **امام علی**ﷺ: از بدی کردن بپرهیز ؛ زیرا پیش از آن که به دشمنت بدی رسانی، به خودت می‌رسانی و پیش از رسانیدن آن به دیگری، دینت را با آن به تباهی می‌کشانی.

۹۴۲۵ . **امام علی**ﷺ: دوری کنندهٔ از بدی، همانند کنندهٔ کار خوب است.

۹۴۲۶ . **امام علی**ﷺ: سنگ را با سنگ پاسخ دهید؛ زیرا بدی را جز بدی دفع نکند.

۹۴۲۷ . **امام علی**ﷺ: بدی، گویشی بیمارگونه است.[۱]

۹۴۲۸ . **امام حسین**ﷺ: همنشینی با فرومایگان بدی است.

۹۴۲۹ . **امام باقر**ﷺ: خسیرِ محض باش و برگ بی‌خار ؛ خار بی‌برگ و شرّ بی‌خیر مباش.

---

۱ . غرر الحكم: ۸۷۲۹.
۲ . غرر الحكم: ۲۷۱۳.
۳ . غرر الحكم: ۹۷۸۹.
۴ . نهج البلاغة: الحكمة ۳۱۴.
۵ . غرر الحكم: ۵۰۴.
۶ . بحار الأنوار: ۵/۱۲۲/۷۸.
۷ . بحار الأنوار: ۳/۳۴۵/۷۸.

---

۱. ممکن است که مراد از منطق [در متن عربی] گفتار زبانی نباشد بلکه اعتقاد باشد و شکی نیست که اعتقاد ناگوار، که شامل هر اعتقاد فاسدی باشد عمده‌ترین افراد شر است. و دور نیست که شرّ، به شین نقطه دار. چنانکه در نسخه‌هاست سهو و تصحیف باشد و سین مکسورهٔ بی نقطه باشد. یعنی: راز گفتن و سرگوش کردن، و ظاهر است که آن گفتاری است ناگوار؛ زیرا که سبب کدورت حاضران می‌شود ... (غرر الحکم، شرح آقا جمال خوانساری: ۱/۱۳۵).



الشَّرِيعَة

شریعت

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

ولمزيد الاطّلاع راجع:

بحار الأنوار: ۶۸/۳۱۷ باب ۲۶ «الشرائع».

بحار الأنوار: ۶/۵۸ باب ۲۳ «علل الشرائع والأحكام».

انظر:

عنوان ۱۶۹ «الدِّين»، ۲۹۴ «الصراط»، ۳۳۱ «العبادة»، ۴۶۳ «التكليف»، «السبيل: باب ۱۷۳۲.

١٩٦٢
الشَّريعَةُ[١]

الكتاب:

﴿لِكُلٍّ جَعَلْنا مِنْكُمْ شِرْعَةً وَمِنْهاجاً﴾.[٢]

﴿ثُمَّ جَعَلْناكَ عَلىٰ شَرِيعَةٍ مِنَ الْأَمْرِ فَاتَّبِعْها وَلا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَ الَّذِينَ لا يَعْلَمُونَ﴾.[٣]

الحديث:

٩٣٣٠ . الإمامُ عليٌّ عليه السلام: الشَّريعَةُ صَلاحُ البَرِيَّةِ.[٤]

٩٣٣١ . عنه عليه السلام: العالَمُ حَدِيقَةٌ سِياجُها[٥] الشَّريعَةُ، والشَّريعَةُ سُلطانٌ تَجِبُ لَهُ الطاعَةُ، والطاعَةُ سِياسَةٌ يَقومُ بها المَلِكُ، والمَلِكُ راعٍ يَعضُدُهُ الجَيشُ، والجَيشُ أعوانٌ يَكفُلُهُم المالُ، والمالُ رِزقٌ يَجمَعُهُ الرَّعِيَّةُ، والرَّعِيَّةُ سَوادٌ يَستَعبِدُهُمُ العَدلُ، والعَدلُ أساسٌ بِهِ قِوامُ العالَمِ.[٦]

---

١ . الشريعة: ما سن الله من الدين وأمر به كالصوم والصلاة والحج والزكاة.

٢ . المائدة: ٤٨. ٣ . الجاثية: ١٨.

٤ . غرر الحكم: ٦٩٨.

٥ . في المصدر: «سياجها»، والظاهر أنه تصحيف.

٦ . بحار الأنوار: ٨٧/٨٣/٧٨.

١٩٦٢
شريعت[١]

قرآن:

«برای هر گروهی از شما شریعت و راه روشنی قرار دادیم».

«سپس تو را در شریعتی [که ناشی] از امر [خداست] نهادیم؛ پس آن را پیروی کن و از هوسهای کسانی که نمی‌دانند پیروی مکن».

حدیث:

٩٣٣٠ . **امام علی** عليه السلام: شریعت، مایهٔ اصلاح مردمان است.

٩٣٣١ . **امام علی** عليه السلام: جهان باغی است که دیوارش شریعت است و شریعت، شهریاری است که فرمانبرداریش واجب است و فرمانبری، سیاستی است که پادشاه بدان پایدار است و پادشاه، حکمرانی است که لشکریان او را پشتیبانی می‌کنند و لشکریان، یارانی هستند که مال، آنها را تأمین می‌کند و مال، روزیی است که رعیّت فراهم می‌آورد و رعیّت، توده [مردم] هستند که بندهٔ عدالتند و عدالت، شالوده‌ای است که قوام جهان به آن است.

---

١ . شریعت: آنچه خداوند به عنوان دین برای ما بیان کرده و بدان امر نموده مثل روزه، نماز، حج، زکات.

١٩٦٣

ما نُسِبَ إلَى النَّبيِّ في بَيانِ الشَّريعَةِ وَالطَّريقَةِ

٩٣٣٢ . الشَّريعَةُ أقوالي ،والطَّريقَةُ أفعالي[1]،والحَقيقَةُ أحوالي، والمَعرِفَةُ رَأسُ مالي، والعَقلُ أصلُ دِيني، والحُبُّ أساسِي، والشَّوقُ مَركَبي، والخَوفُ رَفيقي، والعِلمُ سِلاحي، والحِلمُ صاحِبي، والتوكُّلُ زادِي (رِدائي)، والقَناعَةُ كَنزي، والصِّدقُ مَنزِلي، واليَقينُ مَأوايَ، والفَقرُ فَخري وبهِ أفتَخِرُ علىٰ سائرِ الأنبياءِ والمُرسَلينَ[2]. [3]

١٩٦٣

آن چه به پیامبر نسبت داده شده در تبیین شریعت و طریقت

٩٣٣٢ . شریعت، گفتارهای من است، و طریقت، کردارهای من، و حقیقت احوال من، و معرفت، سرمایهٔ من، و خرد ریشهٔ دینم، و محبّت بنیادم، و شوق مرکبم، و خوف همسفرم، و دانش سلاحم، و بردباری یارم، و توکل رهتوشه‌ام (ردایم)، و قناعت اندوخته‌ام، و صدق منزلم، و یقین مأوایم، و فقر و نیاز [به خدا] افتخارم که با آن بر دیگر پیامبران و رسولان می‌بالم.[1]

١٩٦٤

وَحدَةُ شَرائِعِ الدِّينِ

١٩٦٤

یکسان بودن شریعت‌های دین

الكتاب:

﴿شَرَعَ لَكُمْ مِنَ الدِّينِ ما وَصّىٰ بِهِ نُوحاً وَالَّذِي أَوْحَيْنا إِلَيْكَ وَما وَصَّيْنا بِهِ إِبْراهِيمَ وَمُوسىٰ وَعِيسىٰ أَنْ أَقِيمُوا

قرآن:

«از احکام دین، آنچه را که به نوح دربارهٔ آن سفارش کرد، برای شما تشریع نمود و آنچه را به تو وحی کردیم و آنچه را که دربارهٔ آن به ابراهیم و موسی و

---

١ . في المصدر «أقوالي»، والصحيح ما أثبتناه كما في عوالي اللآلي: ٤/١٢٤/٢١٢.

٢ . عوالي اللآلي: ٤/١٢٤، مستدرك الوسائل: ١١/١٧٣/١٢٦٧٢.

٣ . قال النوريّ مؤلّف المستدرك رضوان الله تعالىٰ عليه بعد نقل الحديث: «ورواه العالم العارف المتبحّر السيّد حيدر الآمليّ في كتاب أنوار الحقيقة وأطوار الطريقة وأسرار الشريعة، قال: ويعضد ذلك كلّه قول النبيّ ﷺ: الشريعةُ أقوالي ...».

أقول: ليس لهذه الرواية سند معتبر ومتنها لا يوافق روايات أهل البيت عليهم السلام.

---

١. محدّث نوری، مؤلّف کتاب مستدرک الوسائل، رضوان‌الله تعالی علیه، بعد از نقل این حدیث می‌نویسد: «عالم عارفِ متبحّر، سیّد حیدر آملی در کتاب أنوار الحقیقة و أطوار الطریقة و أسرار الشریعة، این حدیث را روایت کرده و گفته است: همهٔ اینها را این سخن پیامبر تأیید و تقویت می‌کند که فرمود: شریعت گفتارهای من است ...».

نگارنده گوید: این روایت فاقد سند معتبر است و متن آن نیز ظاهراً همگون با سایر روایات اهل بیت علیهم السلام نیست.

الدِّينَ وَلا تَتَفَرَّقُوا فِيهِ﴾.[1]

عیسی سفارش نمودیم که: دین را بر پا دارید و در آن تفرقه ایجاد مکنید».

الحديث:

٩٤٣٣ . الإمامُ عليٌّ عليه السلام: ألا وإنَّ شرائعَ الدِّينِ واحِدَةٌ، وسُبُلَهُ قاصِدَةٌ، فَمَن أخَذَ بها لَحِقَ وغَنِمَ، ومَن وَقَفَ عَنها ضَلَّ وَندِمَ.[2]

حدیث:

٩٤٣٣ . امام علی علیه السلام: بدانید که شریعه‌های (آبراهۀ) دین یکی است و راههایش راست و هموار. هر که این راهها را در پیش گرفت به مقصد [حق] رسید و بهره‌مند شد، و هرکه از پیمودن آن خودداری کرد، گمراه و پشیمان گشت.

٩٤٣٤ . الإمامُ الصّادقُ عليه السلام: إنَّ اللهَ تبارَكَ وتعالىٰ أعطىٰ محمّداً صلى الله عليه وآله شَرائعَ نُوحٍ وإبراهيمَ وموسىٰ وعيسىٰ عليهم السلام.[3]

٩٤٣٤ . امام صادق علیه السلام: خداوند تبارک و تعالی شریعتهای نوح و ابراهیم و موسی و عیسی علیهم السلام را به محمّد صلی الله علیه و آله داد.

١٩٦٥
تَفسيرُ شَرائِعِ الدِّينِ

١٩٦٥
تفسیر شرایع دین

٩٤٣٥ . الإمامُ زينُ العابدينَ عليه السلام ـ لمّا سُئِلَ عن جَميعِ شرائعِ الدِّينِ ـ: قولُ الحقِّ، والحُكمُ بالعَدلِ، والوَفاءُ بالعَهدِ.[4]

٩٤٣٥ . امام زین العابدین علیه السلام ـ در پاسخ به این سؤال که: مجموعۀ شرایع دین چیست ـ فرمود: حق‌گویی، داوری عادلانه، و وفای به عهد است.

١٩٦٦
عِلَلُ الشَّرائِعِ وَالأحكامِ

١٩٦٦
فلسفۀ شرایع و احکام

الكتاب:

﴿ما يُرِيدُ اللهُ لِيَجْعَلَ عَلَيْكُم مِنْ حَرَجٍ وَلٰكِنْ يُرِيدُ لِيُطَهِّرَكُمْ وَلِيُتِمَّ نِعْمَتَهُ عَلَيْكُمْ﴾.[5]

قرآن:

«خدا نمی‌خواهد بر شما تنگ بگیرد بلکه می‌خواهد شما را پاکیزه سازد و نعمتش را بر شما تمام کند».

---

١ . الشورىٰ: ١٣.
٢ . نهج البلاغة: الخطبة ١٢٠.
٣ . الكافي: ١/١٧/٢.
٤ . الخصال: ٩٠/١١٣.
٥ . المائدة: ٦.

﴿وَإِذَا فَعَلُوا فَاحِشَةً قَالُوا وَجَدْنَا عَلَيْهَا آبَاءَنَا وَاللهُ أَمَرَنَا بِهَا قُلْ إِنَّ اللهَ لا يَأْمُرُ بِالفَحْشَاءِ أَتَقُولُونَ عَلَى اللهِ ما لا تَعْلَمُونَ﴾.[۱]

﴿اللهُ الَّذِي أَنْزَلَ الكِتابَ بِالحَقِّ وَالمِيزانَ وَما يُدْرِيكَ لَعَلَّ السَّاعَةَ قَرِيبٌ﴾.[۲]

﴿وَالسَّماءَ رَفَعَها وَوَضَعَ المِيزانَ * أَلَّا تَطْغَوْا فِي المِيزانِ﴾.[۳]

الحديث:

۹۳۳۶. رسولُ اللهِ ﷺ: جاءَني جَبرَئيلُ فقالَ لي: يا أحمدُ، الإسلامُ عَشرَةُ أسهُم وقد خابَ مَن لا سَهمَ لَهُ فيها: أوَّلُها: شَهادَةُ أن لا إلٰهَ إلّا اللهُ وهِيَ الكَلِمَةُ، والثانِيَةُ: الصلاةُ وهِيَ الطُّهرُ، والثالِثَة: الزكاةُ وهِيَ الفِطرَةُ، والرابِعَةُ: الصَّومُ وهِيَ الجُنَّةُ، والخامِسَةُ: الحَجُّ وهِيَ الشَّريعَةُ، والسادِسَةُ: الجِهادُ وهُوَ العِزُّ، والسابِعَةُ: الأمرُ بِالمَعروفِ وهُوَ الوَفاءُ، والثامِنَةُ: النَّهيُ عنِ المنكَرِ وهُوَ الحُجَّةُ، والتاسِعَةُ: الجَماعَةُ وهِيَ الأُلفَةُ، والعاشِرَةُ: الطاعَةُ وهِيَ العِصمَةُ.[۴]

۹۳۳۷. **الإمامُ عليٌّ** ؈: فَرَضَ اللهُ الإيمانَ تَطهيراً

«چون کار زشتی کنند، گویند: پدران خود را بر آن یافتیم و خدا مارا بدان فرمان داده است. بگو: خدا به زشتکاری فرمان نمی‌دهد. آیا چیزی را به خدا نسبت می‌دهید که نمی‌دانید؟».

«خدا همان کسی است که کتاب و وسیلهٔ سنجش را به حق فرود آورد و تو چه می‌دانی، شاید قیامت نزدیک باشد».

«و آسمان را برافراشت و ترازو را بر نهاد تا مبادا از اندازه در گذرید».

حدیث:

۹۳۳۶. **پیامبر خدا** ﷺ: جبرئیل نزد من آمد و گفت: ای احمد! اسلام ده سهم است و هرکس سهمی از این سهام نداشته باشد زیان کرده است: اولین سهم، گواهی دادن به یگانگی خداست که گفتار است. دوم، نماز که طهارت و پاکیزگی است. سوم، زکات که فطرت [اسلام] می‌باشد. چهارم، روزه است که سپر می‌باشد. پنجم، حج که شریعت می‌باشد. ششم، جهاد که عزّت می‌باشد. هفتم، امر به معروف که وفاکردن است. هشتم، نهی از منکر که حجّت است. نهم، اجتماع که همبستگی و الفت می‌باشد. و دهم، طاعت که مصونیت [از گناه] است.

۹۳۳۷. **امام علی** ؈: خداوند، ایمان را برای پاک

---

۱. الأعراف: ۲۸.
۲. الشوریٰ: ۱۷.
۳. الرحمٰن: ۷، ۸.
۴. بحار الأنوار: ۲/۱۰۹/۶.

مِن الشِّركِ، والصلاةَ تَنزيهاً عَن الكِبرِ، والزكاةَ تَسبيباً للرِّزقِ، والصِّيامَ ابتِلاءً لِإخلاصِ الخَلقِ، والحَجَّ تَقرِبَةً للدِّينِ، والجِهادَ عِزّاً للإسلامِ، والأمرَ بالمَعروفِ مَصلحةً للعَوامِّ، والنَّهيَ عنِ المُنكرِ رَدعاً للسُّفَهاءِ، وصِلَةَ الرَّحِمِ مَنماةً للعَدَدِ، والقِصاصَ حَقناً للدِّماءِ، وإقامَةَ الحُدودِ إعظاماً للمَحارِمِ، وتَركَ شُربِ الخَمرِ تَحصيناً للعَقلِ، ومُجانَبَةَ السَّرِقَةِ إيجاباً للعِفَّةِ، وتَركَ الزِّنا تَحصيناً للنَّسَبِ، وتَركَ اللِّواطِ تَكثيراً للنَّسلِ، والشَّهاداتِ استِظهاراً علىٰ المُجاحَداتِ، وتَركَ الكَذِبِ تَشريفاً للصِّدقِ، والسَّلامَ (والإسلامَ) أماناً مِن المَخاوِفِ، والأمانَةَ (الإمامَةَ) نِظاماً للأُمَّةِ، والطاعَةَ تَعظيماً لِلإمامَةِ.[1]

كردن از شرک واجب فرمود و نماز را برای دور کردن از خود بزرگ‌بینی، و زکات را وسیله‌ای برای روزی [نیازمندان] و روزه را برای آزمودن اخلاص مردمان، و حجّ را سبب نزدیکی اهل دین به یکدیگر و جهاد را برای عزّت اسلام، و امر به معروف را برای اصلاح تودهٔ مردم، و نهی از منکر را به عنوان عامل باز دارندهٔ کم خردان، و صله رحم را برای افزون شدن شمار [افراد]، و قصاص را برای حفظ خونها، و جاری ساختن حدود را برای اهمیت دادن به حرامها، و شراب نخوردن را برای حفظ خرد، و دوری از دزدی را برای خویشتنداری و خود داری از زنا را برای سالم ماندن نسب، و ترک لواط را برای زیاد شدن نسل، و گواهی دادنها را برای آشکار و ثابت شدن حقوق انکار شده، و دروغ نگفتن را برای ارج نهادن به راستی، و سلام کردن (اسلام) را برای ایمنی از ترس و نگرانیها، و امانتداری (امامت) را برای سامان یافتن کار امّت، و طاعت [از امام] را برای بزرگداشت مقام امامت.

٩٣٣٨ . فاطمةُ الزَّهراءُ عليها السلام: فَرَضَ الإيمانَ تَطهيراً مِن الشِّركِ، والصَّلاةَ تَنزيهاً مِن الكِبرِ، والزَّكاةَ زِيادَةً في الرِّزقِ، والصِّيامَ تَثبيتاً للإخلاصِ، والحَجَّ تَسلِيَةً لِلدِّينِ، والعَدلَ مِسكاً للقلوبِ، والطّاعَةَ نِظاماً لِلمِلَّةِ،

٩٣٣٨ . فاطمهٔ زهرا عليها السلام: خداوند ایمان را واجب فرمود، برای پاک کردن از آلودگی شرک، و نماز را برای دور کردن از کِبر و زکات را برای افزایش روزی، و روزه را برای تثبیت اخلاص، و حج را برای دلداری (پشت‌گرمی) دین، و عدالت را برای همبستگی دلها، و فرمانبرداری را برای

١ . نهج البلاغة: الحكمة ٢٥٢.

والإمامَةَ لَمّاً مِنَ الفرقَةِ، والجهادَ عزّاً للإسلامِ، والصَّبرَ مَعونَةً على الاستيجابِ، والأمرَ بالمَعروفِ مَصلحَةً للعامَّةِ، وبِرَّ الوالِدَينِ وِقايةً عنِ السَّخَطِ، وصِلَةَ الأرحامِ مَنماةً للعَدَدِ، والقِصاصَ حَقناً للدِّماءِ، والوَفاءَ لِلنَّذرِ تَعَرُّضاً للمَغفِرَةِ، وتَوفِيَةَ المَكائيلِ والمَوازينِ تَغييراً للبَخسَةِ، واجتِنابَ قَذفِ المُحصَناتِ حَجباً عنِ اللَّعنَةِ، واجتِنابَ السَّرقَةِ إيجاباً لِلعِفَّةِ، ومُجانَبَةَ أكلِ أموالِ اليَتامىٰ إجارَةً مِنَ الظُّلمِ، والعَدلَ في الأحكامِ إيناساً للرَّعِيَّةِ، وحَرَّمَ اللهُ عَزَّوجلَّ الشِّركَ إخلاصاً للرُّبوبِيَّةِ.[1]

انتظام آیین، و امامت را برای جلوگیری از تفرقه، و جهاد را برای عزّت اسلام، و صبر را برای کمک به استحقاق پاداش یافتن، و امر به معروف را برای اصلاح تودهٔ مردم، و نیکی کردن به پدر و مادر را برای نگهداری از ناخشنودی [خدا]، و صلهٔ ارحام را برای افزونی تعداد [شما]، و قصاص را برای حفظ خونها، و وفای به نذر را برای قرار گرفتنِ [آدمی] در معرض آمرزش و کامل کردن پیمانه‌ها و ترازوها را برای از بین بردن کم فروشی، و دوری از تهمت زدن به زنان پاکدامن را مانع لعنت و دور شدن از رحمت حق و پرهیز از دزدی را مایهٔ خویشتنداری، و دوری از خوردن مال یتیم را برای جلوگیری از ظلم، و عدالت در داوریها را برای آرامش مردم، و خداوند عزّوجلّ شرک را به قصد خالص گردانیدن ربوبیت [خود] حرام فرمود.

۹۳۳۹. الإمامُ الصّادقُ ﷺ ـ لَمّا سُئلَ عن شَيْءٍ مِنَ الحَلالِ والحَرامِ ـ: إنَّهُ لَم يُجعَلْ شَيْءٌ إلّا لِشَيْءٍ.[2]

۹۳۳۹. امام صادق ﷺ ـ در پاسخ به پرسش از علل برخی حلال و حرامها ـ فرمود: هیچ حُکمی بی حِکمَت وضع نشده است.

۹۳۴۰. الإمامُ الرِّضا ﷺ ـ للفضلِ بنِ شاذانَ ـ: إن سَألَ سائلٌ فقالَ: أخبِرْني: هَل يَجوزُ أن يُكَلِّفَ الحَكيمُ عَبدَهُ فِعلاً مِنَ الأفاعيلِ لِغَيرِ عِلَّةٍ ولا مَعنىً؟ قيلَ لَهُ: لا يَجوزُ ذلكَ؛ لأنَّهُ حَكيمٌ غَيرُ عابِثٍ ولا جاهِلٍ.

۹۳۴۰. امام رضا ﷺ ـ به فضل بن شاذان ـ فرمود: اگر کسی سؤال کرد و گفت: به من بگو آیا رواست که خدای حکیم بندهٔ خود را، بی علّت، مکلّف به فعلی از افعال کند؟ در جوابش گفته می‌شود: روا نیست؛ زیرا او حکیمی است که نه کار بیهوده می‌کند و نه نادان است.

---

۱. بحار الأنوار: ۱۰۷/۶/۱. ۲. علل الشرائع: ۸/۱.

فإن قالَ: فَأخبِرْني لِمَ كَلَّفَ الخَلقَ؟ قيلَ: لِعِلَلٍ.

فإن قالَ: فَأخبِرْني عَن تلكَ العِلَلِ مَعروفَةٌ مَوجودَةٌ هِي أم غَيرُ مَعروفَةٍ ولا مَوجودَةٌ؟ قيلَ: بَل هِي مَعروفَةٌ ومَوجودَةٌ عِندَ أهلِها.

فإن قال: أتَعرِفُونَها أنتم أم لا تعرِفُونَها؟ قيل لَهُم: مِنها ما نَعرِفُهُ، ومِنها ما لا نَعرِفُهُ.[1]

٩٣٣١. عنه ﷺ: عِلّةُ غُسلِ الجَنابَةِ: النَّظافَةُ، وتَطهيرُ الإنسانِ نفسَهُ ممّا أصابَهُ مِن أذاهُ، وتَطهيرُ سائرِ جَسَدِهِ.[2]

(انظر) الربا: باب ١٤٣٧.
الحجّ: باب ٧٠٢.
الزكاة: باب ١٥٧٨.
الزنا: باب ١٥٩٩.
الصلاة: باب ٢٢٤١.
الصوم: باب ٢٣١٨.
الطاعة: باب ٢٣٩٣.
العبادة: باب ٢٤٤٨.
اللواط: باب ٣٥٣٣.

و اگر گفت: پس، به من بگو که چرا مردم را مکلّف کرد؟ در جوابش گفته می‌شود: بنا به عللی.

اگر گفت: به من بگو که آیا این علتها شناخته شده و موجودند یا نه شناخته شده‌اند و نه وجود دارند؟ در جوابش گفته می‌شود: این علل برای اهلش شناخته شده و نزد آنها موجود است.

اگر گفت: آیا شما این علل را می‌دانید یا نمی‌دانید؟ در جوابش گفته می‌شود: بعضی از آنها را می‌دانیم و برخی را نمی‌دانیم.

٩٣٣١. امام رضا ﷺ: علّت غسل جنابت عبارت است از نظافت، و پاک کردن انسان خودش را از آلودگی که به او رسیده است و نیز پاک کردن بقیّهٔ بدنش.

١. بحار الأنوار: ٦/١/٥٨، انظر تمام الخبر.
٢. بحار الأنوار: ٦/٢/٩٥، انظر تمام الخبر.

۲۶۴

الشَّرَف

بزرگی

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

١٩٦٧
الشَّرَفُ

٩٤٤٢ . الإمامُ عليٌّ ﷺ: الشَّرَفُ مَزِيَّةٌ.[١]

٩٤٤٣ . عنه ﷺ: الشَّرَفُ اصطِناعُ العَشيرَةِ.[٢]

٩٤٤٤ . عنه ﷺ: إنَّما الشَّرَفُ بالعَقلِ والأدَبِ، لا بالمالِ والحَسَبِ.[٣]

٩٤٤٥ . عنه ﷺ: مَن لَهِجَ بِالحِكمَةِ فقد شَرَّفَ نَفسَهُ.[٤]

١٩٦٧
شرافت

٩٤٤٢ . امام علی ﷺ: شرافت یک مزیّت است.

٩٤٤٣ . امام علی ﷺ: شرافت، نیکی کردن به عشیره است.

٩٤٤٤ . امام علی ﷺ: شرافت، به خرد و ادب است، نه به مال و خاندان.

٩٤٤٥ . امام علی ﷺ: هر که دلبستهٔ حکمت شد، خود را شریف ساخت.

١٩٦٨
الشَّريفُ

٩٤٤٦ . الإمامُ عليٌّ ﷺ: الشَّريفُ مَن شَرُفَت خِلالُهُ.[٥]

٩٤٤٧ . عنه ﷺ: النَّفسُ الشَّريفَةُ لا تَثقُلُ علَيها المَؤوناتُ.[٦]

٩٤٤٨ . عنه ﷺ: ذُو الشَّرَفِ لا تُبطِرُهُ مَنزِلَةٌ نالَها وإن عَظُمَت كالجَبَلِ الذي لا تُزَعزِعُهُ الرِّياحُ، والدَّنِيُّ تُبطِرُهُ أدنىٰ مَنزِلَةٍ كالكَلأِ

١٩٦٨
شریف

٩٤٤٦ . امام علی ﷺ: شریف کسی است که خوی‌های شریف داشته باشد.

٩٤٤٧ . امام علی ﷺ: سختی‌ها و هزینه‌ها بر جان انسان شریف، سنگینی نمی‌کند.

٩٤٤٨ . امام علی ﷺ: انسان شریف، به هر مقامی، هر چند بزرگ، برسد سرمست نمی‌شود؛ مانند کوهی که هیچ بادی آن را به لرزه در نمی‌آورد؛ اما فرومایه با دست یافتن به کمترین مقام، سرمست می‌شود؛ همانند

---

١. غرر الحكم: ٨.
٢. غرر الحكم: ٩٦٣.
٣. غرر الحكم: ٣٨٧٣.
٤. غرر الحكم: ٨٢٧٩.
٥. غرر الحكم: ٧٣٣.
٦. غرر الحكم: ١٥٥٦.

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

الذي يُحَرِّكُهُ مَرُّ النَّسيمِ.[۱]

۹۳۴۹. عنه ﷺ: مَن شَرُفَت نَفسُهُ كَثُرَت عَواطِفُهُ.[۲]

۹۳۵۰. عنه ﷺ: مَن شَرُفَت نَفسُهُ نَزَّهَها عن دَناءَةِ المَطالِبِ.[۳]

۱۹۶۹
أفضَلُ الشَّرَفِ

۹۳۵۱. الإمامُ عليٌّ ﷺ: لا شَرَفَ كالعِلمِ.[۴]

۹۳۵۲. عنه ﷺ: لا شَرَفَ أعلىٰ مِنَ الإسلامِ.[۵]

۹۳۵۳. عنه ﷺ: أفضَلُ الشَّرَفِ كَفُّ الأذىٰ، وبَذلُ الإحسانِ.[۶]

۹۳۵۴. عنه ﷺ: مِن أشرَفِ الشَّرَفِ الكَفُّ عَنِ التَّبذيرِ والسَّرَفِ.[۷]

۹۳۵۵. عنه ﷺ: بِكَثرَةِ التَّواضُعِ يَتَكامَلُ الشَّرَفُ.[۸]

۹۳۵۶. عنه ﷺ: تَمامُ الشَّرَفِ التَّواضُعُ.[۹]

۹۳۵۷. عنه ﷺ: لا يَكمُلُ الشَّرَفُ إلّا بالسَّخاءِ والتَّواضُعِ.[۱۰]

۹۳۵۸. عنه ﷺ: مِن كَمالِ الشَّرَفِ الأخذُ بِجامِعِ

---

۱. غرر الحكم: ۵۱۹۷. ۲. غرر الحكم: ۸۱۶۳.
۳. غرر الحكم: ۸۶۲۷. ۴. نهج البلاغة: الحكمة ۱۱۳.
۵. نهج البلاغة: الحكمة ۳۷۱.
۶. غررالحكم: ۳۲۸۵. ۷. غررالحكم: ۹۴۲۳.
۸. غررالحكم: ۴۲۸۷. ۹. غررالحكم: ۴۴۸۰.
۱۰. غررالحكم: ۱۰۸۱۵.

بوتهٔ علفی که وزش نسیمی آن را می‌جنباند.

۹۳۴۹. **امام علی ﷺ**: هر که جانش شریف شد مِهر و عواطفش زیاد گشت.

۹۳۵۰. **امام علی ﷺ**: هرکه شرافت نفس داشته باشد، خویشتن را از پستیِ خواهشها منزّه می‌دارد.

۱۹۶۹
برترین شرافت

۹۳۵۱. **امام علی ﷺ**: هیچ شرافتی چون علم نیست.

۹۳۵۲. **امام علی ﷺ**: هیچ شرافتی بالاتر از اسلام نیست.

۹۳۵۳. **امام علی ﷺ**: برترین شرافت، دست از آزار کشیدن و گسترش نیکویی است.

۹۳۵۴. **امام علی ﷺ**: از شریفترین شرافتها، خودداری از ریخت و پاش و اسرافکاری است.

۹۳۵۵. **امام علی ﷺ**: با فروتنی بسیار، شرافت به کمال می‌رسد.

۹۳۵۶. **امام علی ﷺ**: کمالِ شرافت به فروتنی است.

۹۳۵۷. **امام علی ﷺ**: شرافت جز با سخاوت و فروتنی، کمال نیابد.

۹۳۵۸. **امام علی ﷺ**: چنگ زدن به کانونهای

(بجَوامِعِ) الفَضلِ.[1]

(انظر) عنوان ٤٢١ «الفضيلة».

١٩٧٠

شَرَفُ المُؤمِنِ

٩٣٥٩. رسولُ اللهِ ﷺ: أشرافُ أُمَّتي حَمَلَةُ القُرآنِ وأصحابُ اللَّيلِ.[2]

٩٣٦٠. الإمامُ عليٌّ ؈: شَرَفُ المؤمِنِ إيمانُهُ، وعِزُّهُ بِطاعَتِهِ.[3]

٩٣٦١. الإمامُ الصّادقُ ؈: شَرَفُ المُؤمِنِ صَلاتُهُ باللَّيلِ، وعِزُّهُ كَفُّ الأذىٰ عَنِ الناسِ.[4]

٩٣٦٢. عنه ؈: شَرَفُ المؤمِنِ قِيامُ اللَّيلِ، وعِزُّهُ استِغناؤهُ عنِ الناسِ.[5]

(انظر) عنوان ٣٠١ «صلاة الليل».

فضیلت، از کمال شرافت است.

١٩٧٠

شرافت مؤمن

٩٣٥٩. **پیامبر خدا ﷺ**: اشراف امّت من، حاملان قرآنند و شب زنده داران.

٩٣٦٠. **امام علی ؈**: شرف مؤمن، ایمان اوست، و عزّت او به طاعتش [از خداوند].

٩٣٦١. **امام صادق ؈**: شرافت مؤمن، نماز شب اوست، و عزّتش آزار نرساندن به مردم.

٩٣٦٢. **امام صادق ؈**: شرافت مؤمن، شب زنده‌داری اوست، و عزّتش، بی نیازی او از مردم.

---

١. غررالحكم: ٩٣٥٧.
٢. الخصال: ٢١/٧.
٣. غرر الحكم: ٥٧٥٩.
٤. الخصال: ١٨/٦.
٥. الكافي: ١/١٤٨/٢.

الشِّرك

شرک

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

ولمزيد الاطّلاع راجع:

بحار الأنوار: ٧٢/٧٤ باب ٩٨ «أصناف الشّرك».

كنز العمّال: ٣/٨١٦ «الشّرك الخفيّ».

انظر:

العبادة: باب ٢٤٥٨، الرياء: باب ١٤١٦، السّرّ: باب ١٩٥٥.

الذنب: باب ١٣٧٢، الكفر: باب ٣٤٣٦، الأمثال: باب ٣٥٥٤.

الهديّة: باب ٣٩٤٩.

١٩٧١
التَّحذيرُ مِنَ الشِّركِ

الكتاب:

﴿وَإِذْ قَالَ لُقْمانُ لِابْنِهِ وَهُوَ يَعِظُهُ يا بُنَيَّ لا تُشْرِكْ بِاللهِ إِنَّ الشِّرْكَ لَظُلْمٌ عَظِيمٌ﴾.[١]

﴿إِنَّ اللهَ لا يَغْفِرُ أَن يُشْرَكَ بِهِ وَيَغْفِرُ ما دُونَ ذٰلِكَ لِمَن يَشاءُ وَمَن يُشْرِكْ بِاللهِ فَقَدِ افْتَرىٰ إِثْماً عَظِيماً﴾.[٢]

﴿إِنَّ اللهَ لا يَغْفِرُ أَن يُشْرَكَ بِهِ وَيَغْفِرُ ما دُونَ ذٰلِكَ لِمَن يَشاءُ وَمَن يُشْرِكْ بِاللهِ فَقَدْ ضَلَّ ضَلالاً بَعِيداً﴾.[٣]

﴿حُنَفاءَ لِلّٰهِ غَيْرَ مُشْرِكِينَ بِهِ وَمَن يُشْرِكْ بِاللهِ فَكَأَنَّما خَرَّ مِنَ السَّماءِ فَتَخْطَفُهُ الطَّيْرُ أَوْ تَهْوِي بِهِ الرِّيحُ فِي مَكانٍ سَحِيقٍ﴾.[٤]

الحديث:

٩٤٦٣ . رسولُ اللهِ ﷺ ـ لعبد الله بن مسعود ـ : يابنَ مَسعودٍ، إيّاكَ أن تُشرِكَ بِاللهِ طَرفَةَ عَينٍ وإن نُشِرتَ بِالمِنشارِ، أو قُطِّعتَ، أو صُلِبتَ، أو أُحرِقتَ بِالنارِ.[٥]

٩٤٦٤ . الإمامُ عليٌّ ﷺ: أمّا الظُّلمُ الذي لا يُغفَرُ

١ . لقمان: ١٣. ٢ . النساء: ٤٨.
٣ . النساء: ١١٦. ٤ . الحجّ: ٣١.
٥ . مكارم الأخلاق: ٢/٣٥٧ / ٢٦٦٠.

١٩٧١
برحذر داشتن از شرک

قرآن:

«و آن گاه که لقمان در اندرز به فرزندش گفت: فرزندم! به خدا شرک نیاور که براستی شرک ستمی بزرگ است».

«خداوند شرک به خود را نمی‌بخشد و جز آن را برای هر کس که خواهد می‌بخشد. و هرکه به خدا شرک ورزد به یقین گناهی بزرگ مرتکب شده است».

«خداوند این را که به او شرک آورده شود نمی‌آمرزد و فروتر از آن را بر هرکه بخواهد می‌بخشاید و هرکس برای خدا شریکی قرار دهد قطعاً دچار گمراهی دور و درازی شده است».

«روی آورندگان به خدا باشید و شرک نیاورندگان به او؛ و هرکس که به خدا شرک آورد چونان کسی است که از آسمان فرو افتد و مرغان [شکاری] او را بربایند یا بادش به مکانی دور اندازد».

حدیث:

٩٤٦٣ . پیامبر خدا ﷺ ـ به عبد الله بن مسعود ـ : ای پسر مسعود! مبادا آنی به خدا شرک ورزی حتی اگر ازه شوی یا تکّه تکّه‌ات کنند یا به دارت آویزند و یا به آتشت سوزانند.

٩٤٦٤ . امام علی ﷺ: آن ستمی که بخشوده نمی‌شود، شرک آوردن به خداست.

فالشِّركُ بِاللهِ، قالَ اللهُ تعالىٰ: ﴿إنَّ اللهَ لا يَغْفِرُ أن يُشْرَكَ بِهِ﴾.[1]

(انظر) الذنب: باب ۱۳۷۲.

خداوند متعال فرموده است: «خداوند شرک به خود را نمی‌بخشد».

۱۹۷۲
تَعليمُ الشِّركِ

۹۴۶۵. **الإمامُ الصّادقُ** ﷺ: إنَّ بَني اُمَيَّةَ أطلَقُوا لِلنّاسِ تَعليمَ الإيمانِ ولَم يُطلِقُوا تَعليمَ الشِّركِ؛ لِكَي إذا حَمَلُوهُم عَلَيهِ لَم يَعرِفُوهُ.[2]

۹۴۶۵. **امام صادق**ﷺ: بنی امیّه آموختن ایمان را برای مردم آزاد گذاشتند، اما شرک‌شناسی را آزاد نگذاشتند، تا اگر آنان را به شرک بکشانند، مردم متوجّه نشوند.

۱۹۷۳
أدنَى الشِّركِ

۹۴۶۶. **الإمامُ الباقرُ** ﷺ ـ لَمّا سُئِلَ عَن أدنَى الشِّركِ ـ: مَن قالَ لِلنَّواةِ: إنَّها حَصاةٌ، ولِلحَصاةِ: إنَّها نَواةٌ، ثُمَّ دانَ بِهِ.[3]

۹۴۶۷. **الإمامُ الصّادقُ** ﷺ ـ لَمّا سُئِلَ عَن أدنَى الشرك ـ: مَنِ ابتَدَعَ رَأياً فَأحَبَّ عَلَيهِ أو أبغَضَ عَلَيهِ.[4]

۹۴۶۸. **الكافي** عن عبد الله بن يحيى الكاهلي: عنه ﷺ: لَو أنَّ قَوماً عَبَدُوا اللهَ وَحدَهُ لا شَريكَ لَهُ، وأقامُوا الصلاةَ، وآتَوا الزَّكاةَ،

۱۹۷۳
کمترین شرک

۹۴۶۶. **امام باقر**ﷺ ـ در پاسخ به پرسش از کمترین شرک ـ فرمود: [کمترین شرک این است که] کسی به هستهٔ میوه بگوید: این یک ریگ است، و به ریگ بگوید: این یک هسته است، و به این حرف خود هم معتقد و پایبند باشد.[1]

۹۴۶۷. **امام صادق**ﷺ ـ نیز در همین باره ـ فرمود: کسی که عقیده‌ای را بدعت گذارد و به خاطر آن حبّ و بغض ورزد.

۹۴۶۸. **الكافي** ـ به نقل از عبدالله بن یحیی الکاهلی ـ: امام صادقﷺ فرمود: اگر مردمی خدای

---

۱. تهج البلاغة: الخطبة ۱۷۶. ۲. الكافي: ۱/۴۱۵/۲.
۳. الكافي: ۱/۳۹۷/۲. ۴. الكافي: ۲/۳۹۷/۲.

۱. منظور این است که کسی چیزی را ـ هرچند ناچیز ـ جزء دین بداند و به آن به عنوان دین باور داشته باشد. این، کمترین مرحلهٔ شرک است. مانند این که به هسته‌ای بگوید ریگ و یا به ریگی بگوید هسته و به این گفتهٔ خود به عنوان دین عقیده‌مند باشد.

وحَجُّوا البيتَ، وصامُوا شهرَ رَمَضانَ، ثُمّ قالوا لِشَيءٍ صَنَعَهُ اللهُ أو صَنَعَهُ النبيُّ ﷺ: ألا صَنَعَ خلافَ الذي صَنَعَ ؟! أو وَجَدُوا ذلكَ في قُلُوبِهِم، لَكانُوا بذلكَ مُشرِكينَ، ثُمّ تلا هذهِ الآيَةَ ﴿فَلا وَرَبِّكَ لا يُؤْمِنُونَ حَتّىٰ يُحَكِّمُوكَ فِيما شَجَرَ بَيْنَهُم ثمّ لا يَجِدُوا في أَنْفُسِهِمْ حَرَجاً مِمّا قَضَيْتَ وَيُسَلِّمُوا تَسْلِيماً﴾.[1] ثُمّ قالَ أبو عبدِ اللهِ ﷺ: فَعَلَيكُم بِالتَّسليمِ.[2]

(انظر) الإيمان: باب ۲۹۰.

الكفر: باب ۳۴۳۹.

۱۹۷۴
الاستِعانَةُ بالمُشركينَ

۹۳۶۹. رسولُ اللهِ ﷺ: إنّا لا نَستَعِينُ بِمُشرِكٍ.[3]

۹۳۷۰. عنه ﷺ: إنّا لا نَستَعِينُ بِالمُشركينَ عَلى المُشركينَ.[4]

۹۳۷۱. المصنّف لابن أبي شيبة عَن سعيدِ بن المنذرِ: خَرَجَ رَسولُ اللهِ ﷺ إلى أُحدٍ فَلَمّا خَلَفَ ثَنيةَ الوِداعِ فَنَظَرَ خَلْفَهُ فَإذا كَتيبَةٌ خَشناءُ، فَقالَ مَنْ هؤلاءِ؟ قالُوا: عَبْدُاللهِ بنُ أُبَيِّ بْنِ سلول ومَواليهِ مِنَ اليَهُودِ، قالَ: أَقَدَ

یگانه و بی‌شریک را بپرستند و نماز بخوانند و زکات بپردازند و حج بروند و ماه رمضان را روزه بگیرند، ولی [از روی اعتراض] به عملکرد خداوند یا پیامبر ﷺ بگویند: چرا خلاف آن را عمل نکرد، یا در دلشان چنین اعتراضی کنند [و به زبان نیاورند]، به سبب آن مشرک شوند. امام آن گاه این آیه را تلاوت کرد: «نه، سوگند به پروردگارت که ایمان نیاورده باشند، مگر آن گاه که در اختلافات میان خودشان، تو را داور کنند و از داوری تو احساس دلتنگی نکنند و کاملاً تسلیم باشند». امام صادق ﷺ سپس فرمود: پس، تسلیم باشید.

۱۹۷۴
کمک گرفتن از مشرکان

۹۳۶۹. **پیامبر خدا ﷺ**: ما از مشرک کمک نمی‌گیریم.

۹۳۷۰. **پیامبر خدا ﷺ**: ما در برابر مشرکان، از مشرکان [دیگر] یاری نمی‌جوییم.

۹۳۷۱. **المصنّف لابن أبي شيبة** ـ به نقل از سعید بن المنذر ـ: پیامبر ﷺ عازم احد شد و وقتی ثنیة الوداع[1] را پشت سر گذاشت، پشت سرش را نگاه کرد و ناگهان گروهی را دید که حامل سلاح زیادی بودند. پرسید اینان کیانند؟ گفته شد: عبدالله بن ابی بن سلول و همپیمانان یهودی اویند. فرمود: آیا ایمان

---

۱. النساء: ۶۵.
۲. الكافي: ۲/۳۹۸/۶.
۳. كنز العمّال: ۱۰۸۸۷.
۴. كنز العمّال: ۱۰۸۸۸.

۱. محلی در بیرون مدینه که مسافران در آن مکان بدرقه و خداحافظی می‌شدند.

أَسلموا؟ قالُوا: لا، بَلْ عَلىٰ دينِهِم قالَ: مُرُوهم فَلْيَرجِعُوا، فإنّا لا نَستَعِينُ بِالمُشركينَ.[1]

آورده‌اند؟ جواب داده شد: خیر؛ بلکه همچنان به دین خودشان هستند. فرمود: فرمان بدهید برگردند؛ چون ما از مشرکان کمک نمی‌گیریم.

۹۴۷۲. رسولُ اللهِ ﷺ ـ لرجل مشرك أتبعه لنصرته ـ: إرجِعْ، فَلَن أستَعِينَ بمُشرِكٍ.[2]

۹۴۷۲. **پیامبر خدا**ﷺ ـ به مرد مشرکی که همراه وی آمده بود تا او را یاری کند ـ: برگرد؛ چون من هرگز از مشرک مدد نمی‌گیرم.

۹۴۷۳. عنه ﷺ: لا تَستَضيئُوا بِنارِ المُشركينَ.[3]

۹۴۷۳. **پیامبر خدا**ﷺ: از آتش مشرکان روشنایی مخواهید.

۹۴۷۴. شرح نهج البلاغة: كانَ خُبيبُ بنُ يِسافٍ رجُلاً شُجاعاً، وكان يَأبَى الإسلامَ، فلَمّا خَرَجَ النبيُّ ﷺ إلىٰ بَدرٍ خَرَجَ هُو وقيسُ بنُ محرّثٍ ـ ويقالُ: ابنُ الحارثِ ـ وهُما عَلىٰ دِينِ قَومِهِما، فَأدرَكا رسولَ اللهِ ﷺ بالعَقيقِ، وخُبيبٌ مُقَنَّعٌ في الحَدِيدِ، فَعَرَفَهُ رسولُ اللهِ ﷺ مِن تَحتِ المِغفَرِ، فالتَفَتَ إلىٰ سعدِ بنِ مُعاذٍ وهُو يَسِيرُ إلىٰ جَنبِهِ، فقالَ: أليسَ بِخُبيبِ بنِ يِسافٍ؟ قالَ: بَلىٰ، فَأقبَلَ خُبيبٌ حتّىٰ أخَذَ بِبِطانِ ناقَةِ رسولِ اللهِ ﷺ: فقالَ لَهُ ولقيسِ بنِ محرّثٍ: ما أخرَجَكُما؟ قالَ: كنتَ ابنَ أُختِنا وجارَنا وخَرَجنا مِن قومِنا لِلغَنيمَةِ، فقال ﷺ: لا يَخرُجَنَّ مَعَنا رَجُلٌ لَيسَ على دِينِنا.

۹۴۷۴. **شرح نهج البلاغة**: خُبیب بن یساف مردی دلیر بود و اسلام نمی‌آورد. هنگامی که پیامبرﷺ به سوی بدر حرکت کرد، او و قیس بن محرّث ـ به قولی ابن حارث ـ که بر آیین مردم خود بودند، نیز به راه افتادند و در [وادی] عقیق به رسول خداﷺ رسیدند. خبیب غرق در آهن بود، رسول خدا او را از زیر کلاهخُود شناخت و به سعدبن معاذ که در کنارش حرکت می‌کرد رو کرد و فرمود: او خبیب بن یساف نیست؟ عرض کرد: چرا. پس، خبیب جلو آمد و تنگِ ناقهٔ رسول خدا را گرفت. پیامبر به او و قیس بن محرث فرمود: شما چرا آمده‌اید؟ خبیب گفت: تو خواهر زادهٔ ما و همسایه ما (در پناه ما) هستی و ما برای غنیمت آمده‌ایم. حضرت فرمود: کسی که همدین ما نیست، نباید همراه ما به جنگ بیاید.

فقالَ خُبيبٌ: لقد عَلِمَ قَومي أنّي عَظيمُ الغَناءِ في الحَربِ، شَديدُ النِّكايَةِ، فَأُقاتِلُ

خبیب گفت: قوم من می‌دانند که من مردی بسیار جنگاور و سخت گزند هستم. بنابراین برای غنیمت در کنار تو می‌جنگم، اما اسلام نمی‌آورم. رسول خداﷺ فرمود: نه،

---

۱. المصنف لابن أبي شيبة: ۸/ ۴۸۹/ ۲۶.

۲. کنز العمّال: ۱۱۲۹۳. ۳. کنز العمّال: ۴۳۷۵۹.

مَعكَ لِلغَنيمَةِ ولا أُسلِمُ، فقالَ رسولُ اللهِ ﷺ: لا، ولكنْ أسلِمْ ثُمّ قاتِلْ! فَلَمّا كانَ بالرَّوحاءِ جاءَ فقالَ: يا رسولَ اللهِ، أسلَمتُ لِرَبِّ العالَمينَ وشَهِدتُ أنَّكَ رسولُ اللهِ، فَسُرَّ بذلكَ، وقالَ: أمضِهِ، فكانَ عظيمَ الغَناءِ في بَدرٍ وفي غيرِ بَدرٍ، وأمّا قيسُ بنُ الحارِثِ فَأبىٰ أن يُسلِمَ، فَرَجَعَ إلى المدينَةِ، فَلَمّا قَدِمَ النبيُّ ﷺ مِن بَدرٍ أسلَمَ وشَهِدَ أُحُداً فَقُتِلَ.[1]

بلکه مسلمان شو و سپس بجنگ! او در منطقهٔ روحاء نزد پیامبر آمد و عرض کرد: ای رسول خدا! من به پروردگار جهانیان ایمان آوردم و گواهی می‌دهم که تو فرستادهٔ خدایی. پیامبرﷺ خوشحال شد و فرمود: حالا به راهت ادامه بده. او در بدر و جاهای دیگر شجاعت زیادی از خود نشان داد. اما قیس بن حارث [در آن زمان] از مسلمان شدن امتناع کرد و به مدینه برگشت. وقتی پیامبرﷺ از بدر بازگشت، او هم مسلمان شد و در جنگ احد شرکت کرد و کشته شد.

۹۳۷۵. **شرح نهج البلاغة**: ـ في ذِكرِ غَزوةِ أُحُدٍ ـ: فلَمّا انتَهىٰ إلىٰ رَأسِ الثَّنِيَّةِ، التَفَتَ فَنَظَرَ إلىٰ كَتيبَةٍ خَشناءَ لَها زَجَلٌ خَلفَهُ، فقالَ: ما هذهِ؟ قالَ: هٰذِهِ حُلَفاءُ ابنِ أُبَيٍّ مِن اليَهودِ، فقالَ رسولُ اللهِ ﷺ: لا نَستَنصِرُ بِأهلِ الشِّركِ علىٰ أهلِ الشِّركِ.[2]

۹۳۷۵. **شرح نهج البلاغة**: ـ دربارهٔ غزوهٔ احد ـ: هنگامی که پیامبرﷺ به رأس الثنیه رسید، برگشت پشت سرش را نگاه کرد، چشمش به یک گردان مسلّح نیزه‌دار افتاد. پرسید: اینها کیستند؟ گفتند: یهودیان هم‌پیمان [عبدالله] بن ابیّ هستند، رسول خداﷺ فرمود: ما در برابر مشرکان از مشرکان یاری نمی‌گیریم.

۱۹۷۵
الإقامةُ في بِلادِ الشِّركِ

۱۹۷۵
اقامت در دیار مشرکان

۹۳۷۶. رسولُ اللهِ ﷺ: مَن أقامَ مَعَ المُشرِكينَ فقد بَرِئَتْ مِنهُ الذِّمَّةُ.[3]

۹۳۷۶. **پیامبر خداﷺ**: هرکه با مشرکان در یک جا زندگی کند، دیگر در پناه خدا نخواهد بود.

۹۳۷۷. عنه ﷺ: مَن جامَعَ المُشرِكَ وسَكَنَ مَعَهُ فإنَّهُ مِثلُهُ.[4]

۹۳۷۷. **پیامبر خداﷺ**: هرکه با مشرک، اجتماع و سکونت کند، همانند او باشد.

---

۱. شرح نهج البلاغة: ۱۴/۱۱۰.
۲. شرح نهج البلاغة: ۱۴/۲۲۷.
۳. كنز العمّال: ۱۱۰۲۸. ۴. كنز العمّال: ۱۱۰۲۹.

۹۳۷۸ . عنه ﷺ: بَرِئَتِ الذِّمَّةُ مِمَّن أقامَ مَعَ المُشرِكينَ في دِيارِهِم.[۱]

(انظر) عنوان ۴۷ «البلد».

السفر: باب ۱۸۱۵.

۱۹۷۶
مَتىٰ يَكونُ العَبدُ مِشرِكاً

۹۳۷۹ . الإمامُ الصّادقُ ﷺ ـ لَمّا سُئِلَ عن كونِ الشِّركِ أخفىٰ مِن دَبيبِ النَّملِ في اللَّيلةِ الظَّلماءِ على المِسحِ الأسوَدِ؟ ـ: لا يكونُ العَبدُ مُشرِكاً حتّىٰ يُصَلِّيَ لِغَيرِ اللهِ، أو يَذبَحَ لِغَيرِ اللهِ، أو يَدعُوَ لِغَيرِ اللهِ عَزَّوجلَّ.[۲]

۱۹۷۷
الشِّركُ الخَفِيُّ

الكتاب:

﴿وَما يُؤْمِنُ أَكْثَرُهُمْ بِاللهِ إِلّا وَهُمْ مُشْرِكُونَ﴾.[۳]

الحديث:

۹۳۸۰ . رسولُ اللهِ ﷺ: إيّاكَ وما يُعتَذَرُ مِنهُ، فإنَّ فيهِ الشِّركَ الخَفِيَّ.[۴]

۹۳۸۱ . كنز العمّال عَن أبي موسى الأشعَري: خَطَبَنا رسولُ اللهِ ﷺ ذاتَ يَومٍ فَقالَ: يا أيُّها

۱. كنز العمّال: ۱۱۰۳۰. ۲. الخصال: ۱۵۱/۱۳۶.
۳. يوسف: ۱۰۶. ۴. بحار الأنوار: ۲۸/۲۰۰/۷۸.

۹۳۷۸ . **پیامبر خدا ﷺ**: هرکه در دیار مشرکان، با آنان زندگی کند، دیگر در امان و پناه خدا نخواهد بود.

۱۹۷۶
چه زمانی عبد مشرک می‌شود

۹۳۷۹ . **امام صادق ﷺ** ـ آن‌گاه که دربارهٔ این جمله که شرک نامحسوستر از حرکت مورچه در شب تاریک بر روی گلیمی سیاه است، سؤال شد ـ فرمود: آدمی مشرک نباشد، مگر آن‌گاه که برای غیر از خدا نماز خواند، یا برای غیر خدا ذبح کند و یا برای غیر خداوند عزّوجلّ دعوت کند.[۱]

۱۹۷۷
شرک پنهان

قرآن:

«و بیشتر آنان به خدا ایمان نیاورند مگر آن که مشرک باشند».

حدیث:

۹۳۸۰ . **پیامبر خدا ﷺ**: از کاری که موجب عذر خواهی می‌شود بپرهیز؛ زیرا در آن شرک خفیّ است.

۹۳۸۱ . **كنز العمّال** ـ به نقل از ابوموسی اشعری ـ: روزی پیامبر خدا ﷺ به ما فرمود: ای مردم!

۱. مقصود شرک اعتقادی است بنابراین، این روایت با روایات فصل بعدی تعارض ندارد.

النّاسُ! اتَّقُوا الشِّركَ؛ فإنَّهُ أخفىٰ مِن دَبيبِ النَّملِ، فقالَ مَن شاءَ أن يقولَ: وكيفَ نَتَّقيهِ وهُو أخفىٰ مِن دَبيبِ النَّملِ، يا رسولَ اللهِ؟! قالَ: قُولُوا: اللّهُمَّ إنّا نَعُوذُ بكَ أن نُشرِكَ بكَ ونحنُ نَعلَمُهُ، ونَستَغفِرُكَ لِما لا نَعلَمُهُ.[1]

از شرک دوری کنید؛ که آن نامحسوستر از حرکت مورچه است. سپس فرمود: شاید کسی بخواهد بپرسد: ای رسول خدا! از شرکی که ناپیداتر از حرکت مورچه است چگونه دوری کنیم؟ بگویید: بار خدایا! از شرک آگاهانه به تو پناه می‌بریم و از شرک ناآگاهانه از تو آمرزش می‌طلبیم.

٩٣٨٢. **الإمامُ الباقرُ** ﷺ ـ فـي قـولِهِ تـعالىٰ: ﴿وَما يُؤمِنُ أكثَرُهُم بِاللهِ إلّا وَهُم مُشرِكُونَ﴾ ـ: مِن ذلكَ قَولُ الرَّجُلِ: لا، وَحَياتِكَ.[2]

٩٣٨٢. **امام باقر**ﷺ ـ دربارهٔ آیهٔ: «و بیشتر آنان به خدا ایمان نیاورند مگر آن که مشرک باشند» ـ فرمود: از جملهٔ شرک این است که انسان بگوید: نه، به جان تو.

٩٣٨٣. **تفسير العيّاشي** عن مالكِ بنِ عَطِيَّة عن الإمام الصّادق ﷺ ـ أيضاً ـ: هُو الرَّجُلُ يقولُ: لَولا فُلانٌ لَهَلَكتُ، ولَولا فُلانٌ لَأَصَبتُ كذا وكذا، ولَولا فُلانٌ لَضاعَ عِيالي، ألا تَرىٰ أنَّهُ قد جَعَلَ لِلهِ شَريكاً في مُلكِهِ يَرزُقُهُ ويَدفَعُ عَنهُ؟! قالَ [الراوي]: قلتُ: فيقولُ: لَولا أنَّ اللهَ مَنَّ عَليَّ بِفلانٍ لَهَلَكتُ؟ قال: نَعَم، لا بَأسَ بهذا.[3]

٩٣٨٣. **تفسير العيّاشي** ـ به نقل از مالک بن عطیه ـ: امام صادق ﷺ دربارهٔ همین آیه فرمود: مانند این که انسان بگوید: اگر فلانی نبود، من از بین می‌رفتم و اگر فلانی نبود، چنین و چنان می‌شدم و اگر فلانی نبود، خانواده‌ام نابود می‌شد؛ مگر نمی‌بینی که او با این حرفها در مُلک خدا، برایش شریکی قائل شده که روزیش می‌دهد و از او دفاع و دفع گرفتاری می‌کند؟ عرض کردم: پس بگوید: اگر خداوند به واسطهٔ فلانی بر من منّت ننهاده بود از بین می‌رفتم؟ فرمود: آری، اشکالی ندارد.

٩٣٨٤. **الإمامُ الصّادقُ** ﷺ ـ أيضاً ـ: يُطِيعُ الشَّيطانَ مِن حيثُ لا يَعلَمُ فَيُشرِكُ.[4]

٩٣٨٤. **امام صادق**ﷺ ـ دربارهٔ همین آیه ـ: فرمود ندانسته از شیطان پیروی می‌کند و بدین سان مشرک می‌شود.

٩٣٨٥. **عنه** ﷺ ـ أيضاً ـ: شِركُ طاعَةٍ ولَيسَ شِركَ عِبادَةٍ.[5][6]

٩٣٨٥. **امام صادق**ﷺ ـ دربارهٔ همین آیه ـ: فرمود: منظور شرک در اطاعت است نه شرک در عبادت.

---

١. كنز العمّال: ٨٨٤٩. ٢. تفسير العياشي: ٢/١٩٩/٩٠.
٣. تفسير العياشي: ٢/٢٠٠/٩٦.
٤. الكافي: ٢/٣٩٧/٣. ٥. الكافي: ٢/٣٩٧/٤.
٦. (انظر) الكفر: باب ٣٣٣٦.

۹۳۸۶ . عنه ﷺ: إنَّ الشِّركَ أخفىٰ مِن دَبيبِ النَّملِ. وقالَ: مِنهُ تَحويلُ الخاتَمِ لِيَذكُرَ الحاجَةَ وشِبهُ هذا.[1]

۹۳۸۶ . امام صادق﵇: همانا شرک ناپیداتر از حرکت مورچه است. جا به جا کردن انگشتر برای یادآوری کاری و امثال آن از شمار شرک [خفیّ] است.

۹۳۸۷ . عنه ﷺ ـ في قولِ النبيِّ ﷺ: إنَّ الشِّركَ أخفىٰ مِن دَبيبِ النَّملِ علىٰ صَفاةٍ سَوداءَ في لَيلَةٍ ظَلماءَ ـ: كانَ المُؤمنونَ يَسُبُّونَ ما يَعبُدُ المُشرِكونَ مِن دُونِ اللهِ، فكانَ المُشرِكونَ يَسُبُّونَ ما يَعبُدُ المؤمنونَ. فَنَهَى اللهُ المُؤمنينَ عن سَبِّ آلِهَتِهِم لِكَي لا يَسُبَّ الكُفّارُ إلٰهَ المؤمنينَ، فَيَكُونَ المؤمنونَ قد أشرَكُوا بِاللهِ مِن حيثُ لا يَعلَمُونَ.[2]

۹۳۸۷ . امام صادق﵇ ـ دربارهٔ این فرمودهٔ پیامبر ﷺ که همانا شرک نامحسوستر از راه رفتن مورچه در یک شب تاریک بر روی تخته سنگی سیاه است ـ فرمود: مؤمنان، به معبودهای مشرکان ناسزا می‌گفتند و مشرکان نیز متقابلاً به معبود مسلمانان دشنام می‌دادند. از این رو، برای آن که مشرکان به خدای مؤمنان ناسزا نگویند، خداوند ایشان را از ناسزا گفتن به معبودهای مشرکان نهی فرمود. بنابراین، مؤمنان ندانسته به خدا شرک آورده بودند.[1]

۹۳۸۸ . عنه ﷺ ـ في قولِهِ تعالىٰ: ﴿وما يُؤمِنُ أكثَرُهُم بِاللهِ إلّا وَهُم مُشرِكُونَ﴾ ـ: كانُوا يَقولونَ: نُمطَرُ بِنَوءِ كذا، وبِنَوءِ كذا، ومِنها أنَّهُم كانوا يَأتُونَ الكُهّانَ فَيُصَدِّقُونَهُم بِما يَقولونَ.[4]

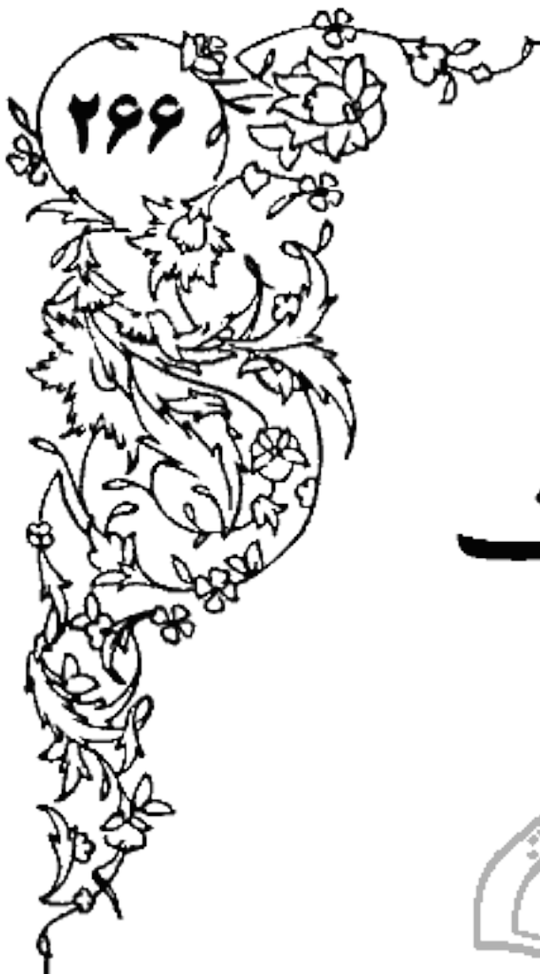
۹۳۸۸ . امام صادق﵇ ـ دربارهٔ آیهٔ: «و بیشتر آنان ایمان نمی‌آورند مگر آن که مشرک باشند» ـ فرمود: آنها می‌گفتند: با [غروب] فلان ستاره و [طلوع] بهمان ستاره باران می‌بارد. یا به پیشگوها مراجعه می‌کردند و گفته‌های آنان را باور می‌داشتند [و همهٔ اینها شرک خفی است].

---

۱. معاني الأخبار: ۱/۳۷۹. ۲. بحار الأنوار: ۳/۹۳/۷۲.
۳. الاعتماد على الأسباب ـ والتي من جملتها هذه النماذج ـ إنّما يكون شركاً إذا نظر إليها الانسان انها مستقلّة في ذلك.
۴. بحار الأنوار: ۸/۳۱۷/۵۸.

۱. گفتنی است که اعتماد به اسباب و از جمله اینگونه موارد، در صورتی شرک محسوب می‌شود که انسان با نگاه استقلالی به آنها تکیه کند.


مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی



٢٦٦

الشَّرِكَة

مشارکت

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

ولمزيد الاطّلاع راجع:

كنز العمّال: ٧/ ٣٠، «كتاب الشُّركة».

وسائل الشيعة: ١٣/ ١٧٤، «كتاب الشركة».

١٩٧٨
الشَّرِكَةُ

٩٣٨٩ . **الإمامُ عليٌّ** ﷺ: الشَّرِكَةُ في المُلكِ تُؤَدِّي إلى الاِضطِرابِ، الشَّرِكَةُ في الرَّأيِ تُؤَدِّي إلى الصَّوابِ.[1]

١٩٧٩
ما يَشتَرِكُ فيهِ المُسلِمونَ

٩٣٩٠ . **عنه** ﷺ: المسلمونَ شُرَكاءُ في ثلاثٍ: في الماءِ والكَلَأِ والنارِ.[2]

٩٣٩١ . **عنه** ﷺ: ثلاثٌ لا يُمنَعنَ: الماءُ والكَلَأُ والنارُ.[3]

٩٣٩٢ . **عنه** ﷺ: مَن مَنَعَ فَضلَ ماءٍ أو كَلَإٍ مَنَعَهُ اللهُ فَضلَهُ يومَ القيامةِ.[4]

٩٣٩٣ . **الإمامُ عليٌّ** ﷺ: لا يَحِلُّ مَنعُ المِلحِ والنارِ.[5]

٩٣٩٤ . **الكافي** عن أبان عن أبي عبدالله ﷺ: نَهىٰ رسولُ اللهِ ﷺ عن النِّطافِ والأربِعاءِ، قال: والأربِعاءُ أن يُسَنِّيَ مُسَنّاةً فَيَحمِلَ الماءَ

١. غرر الحكم: (١٩٤١ ـ ١٩٤٢).
٢. كنز العمّال: ٩٦٣٥.
٣. كنز العمّال: ٩٦٣٦.
٤. كنز العمّال: ٩٦٤١.
٥. الكافي: ١٩/٣٠٨/٥.

١٩٧٨
مشاركت

٩٣٨٩ . **امام علی** ﷺ: مشاركت در امر كشورداری به آشفتگی می‌انجامد، مشاركت در رأی (مشورت) به يافتن انديشهٔ درست.

١٩٧٩
آنچه مسلمانان در آن با هم شريكند

٩٣٩٠ . **پيامبر خدا** ﷺ: مسلمانان در سه چيز شريكند: در آب و مرتع و آتش (سوخت).

٩٣٩١ . **پيامبر خدا** ﷺ: سه چيز همگانی است: آب و مرتع و آتش (سوخت).

٩٣٩٢ . **پيامبر خدا** ﷺ: هركه جلو استفادهٔ ديگران از زيادی آب يا مرتع را بگيرد خداوند در روز قيامت فضل خود را از او باز می‌دارد.

٩٣٩٣ . **امام علی** ﷺ: ندادنِ نمک و آتش، روا نيست.

٩٣٩٤ . **الكافي** ـ به نقل از أبان ـ : امام صادق ﷺ فرمود: رسول خدا ﷺ از نطاف[1] و اربعاء[2] نهی فرمود. امام ﷺ فرمود: اربعاء اين است كه كسی سيل بند درست كند و از آب جمع

١. نِطاف: جمع نطفه به معنای آب رودخانه است ـ م.
٢. أربعاء: جمع ربيع به معنای رود كوچک يا جوی است ـ م.

فَيَستَقِيَ به الأرضَ ثمّ يَستَغنِيَ عنه، فقال: لا تَبِعْهُ ولكن أعِرْهُ جارَكَ، والنِّطافُ أن يكونَ له الشِّربُ فَيَستَغنِيَ عنه فيقولَ: لا تَبِعْهُ، ولٰكِن أعِرْهُ أخاكَ أو جارَكَ.[1]

شده در پشت بند، زمین خود را آبیاری کند و نیازی به بقیه آب نداشته باشد. حضرت فرمود: مازاد آب را نفروش بلکه به همسایه‌ات عاریه بده. ونطاف این است که کسی حقّابه‌ای داشته باشد و از آن بی‌نیاز شود، می‌فرماید: آن را نفروش بلکه به برادر یا همسایه‌ات عاریه بده.

۹۳۹۵. الإمامُ الصّادقُ ﷺ: قَضىٰ رسولُ اللهِ ﷺ بَينَ أهلِ المَدينَةِ في مَشارِبِ النَّخلِ أنَّهُ لا يُمنَعُ نَفعُ الشَّيءِ، وقَضىٰ ﷺ بينَ أهلِ البادِيَةِ أنَّهُ لا يُمنَعُ فَضلُ ماءٍ لِيُمنَعَ بِهِ فَضلُ كَلَإٍ، وقالَ: لا ضَرَرَ ولا ضِرارَ.[2]

۹۳۹۵. امام صادق ﷺ: رسول خدا دربارهٔ آب نخلستانها، میان مردم مدینه چنین حکم فرمود که نباید اضافهٔ چیزی را از دیگران منع کرد، و در میان بادیه نشینان چنین حکم فرمود که برای جلوگیری [استفادهٔ دیگران] از زیادی مرتع نباید جلو استفاده آنها را از زیادی‌آب گرفت و فرمود ﷺ: زیان رساندن به یکدیگر ممنوع است.

۹۳۹۶. الإمامُ الكاظمُ ﷺ ـ لَمّا سُئِلَ عن ماءِ الوادِي ـ: إنّ المُسلِمينَ شُرَكاءُ في الماءِ والنارِ والكَلَإِ.[3]

۹۳۹۶. امام کاظم ﷺ ـ در پاسخ به سؤال از حکم آب درّه‌ها ـ فرمود: مسلمانان در آب و آتش و مرتع شریک هستند.

۹۳۹۷. كتاب من لا يحضره الفقيه: قَضىٰ ﷺ[4] في أهلِ البَوادِي أن لا يَمنَعُوا فَضلَ ماءٍ، ولا يَبِيعُوا فَضلَ الكَلَإِ.[5]

۹۳۹۷. کتاب من لا یحضره الفقیه: آن حضرت (پیامبر خدا ﷺ) دربارهٔ بادیه نشینان چنین حکم فرمود که زیادی آب را از دیگران منع نکنند و زیادی مرتع را نفروشند.

۱۹۸۰
حَقُّ الشُّفعَةِ فِي الشِّركَةِ

۱۹۸۰
حقّ شفعه در شراکت

۹۳۹۸. الإمامُ الصّادقُ ﷺ: قَضىٰ رسولُ اللهِ ﷺ بالشُّفعَةِ بينَ الشُّرَكاءِ في الأرَضِينَ

۹۳۹۸. امام صادق ﷺ: رسول خدا ﷺ دربارهٔ شرکای در زمین و خانه، حکم به شفعه[1] داد

---

۱. الكافي: ۲/۲۷۷/۵. ۲. الكافي: ۶/۲۹۴/۵.
۳. تهذيب الأحكام: ۶۴۸/۱۴۶/۷.
۴. كذا في المصدر، ولم يُذكر القائل.
۵. كتاب من لا يحضره الفقيه: ۳/ ۳۸۷۲/۲۳۸.

---

۱. حقّ شفعه، یعنی حقّ تقدّم شریک نسبت به دیگر مشتریان در خرید سهم شریک خود با رعایت مقررات فقهی.

والمَساكِنِ، وقالَ: لا ضَرَرَ ولا ضِرارَ، وقالَ: إذا رُفَّتِ الأُرَفُ وحُدَّتِ الحُدودُ فلا شُفعَةَ.[1]

(انظر) وسائل الشيعة: ۱۷ / ۳۱۵ «كتاب الشفعة».

۱۹۸۱
مَن يَنبَغِي مُشارَكَتُهُ

۹۴۹۹. **الإمامُ عليٌّ ﷺ**: شارِكُوا الذينَ قد أقبَلَ عليهِمُ الرِّزقُ؛ فإنَّهُ أخلَقُ لِلغِنىٰ وأجدَرُ بِإقبالِ الحَظِّ.[2]

۹۵۰۰. **عنه ﷺ**: شارِكُوا الذي قد أقبَلَ عَلَيهِ الرِّزقُ؛ فإنَّهُ أخلَقُ لِلغِنىٰ وأجدَرُ بِإقبالِ الحَظِّ عَلَيهِ.[3]

۱۹۸۲
شُرَكاءُ المَرءِ

۹۵۰۱. **الإمامُ عليٌّ ﷺ**: لِكُلِّ امرِئٍ في مالِهِ شَرِيكانِ: الوارِثُ والحَوادِثُ.[4]

و فرمود: ضرر و زیان زدن به یکدیگر ممنوع است و فرمود: زمانی که حدود اراضی و خانه‌ها مشخص شد (از یکدیگر تفکیک شدند و از حالت مشاع در آمدند) دیگر حقّ شفعه وجود ندارد.

۱۹۸۱
شریک شایسته

۹۴۹۹. **امام علی ﷺ**: با کسانی شریک شوید که روزی به آنان روی آورده است؛ زیرا این اقدام به ثروتمندی نزدیکتر و برای خوشبختی مناسب‌تر است.

۹۵۰۰. **امام علی ﷺ**: با کسی که روزی به او رو آورده است، شریک شوید؛ زیرا او به توانگر شدن سزاوارتر، و به روی آوردن خوشبختی، شایسته‌تر است.

۱۹۸۲
شرکای انسان

۹۵۰۱. **امام علی ﷺ**: هر انسانی در مال خود دو شریک دارد: وارث و حوادث.

---

۱. الكافي: ۵/۲۸۰، ۴. ۲. شرح نهج البلاغة: ۱۹/۵۷.
۳. نهج البلاغة: الحكمة ۲۳۰.
۴. نهج البلاغة: الحكمة ۳۳۵.

۲۶۷

الشَّرَهُ

سیری ناپذیری

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

انظر:

عنوان ۳۲۱«الطمع»، ۱۰۶«الحرص».

العصمة :باب ۲۷۰۴.

۱۹۸۳
ذَمُّ الشَّرَهِ

۹۵۰۲ . **الإمامُ عليٌّ** ﷺ: الشَّرَهُ سَجِيَّةُ الأرجاسِ.[۱]

۹۵۰۳ . **عنه** ﷺ: الشَّرَهُ مِن مَساوِي الأخلاقِ.[۲]

۹۵۰۴ . **عنه** ﷺ: الشَّرَهُ مَذَلَّةٌ.[۳]

۹۵۰۵ . **عنه** ﷺ: الشَّرَهُ يَشِينُ النفسَ، ويُفسِدُ الدِّينَ ويُزرِي بالفُتُوَّةِ.[۴]

۹۵۰۶ . **عنه** ﷺ: بِالشَّرَهِ تُشانُ الأخلاقُ.[۵]

۹۵۰۷ . **عنه** ﷺ: إحذَرِ الشَّرَهَ، فَكَم أكلَةٍ مَنَعَت أكَلاتٍ.[۶]

۹۵۰۸ . **عنه** ﷺ: إحذَرُوا الشَّرَهَ؛ فإنَّهُ خُلقُ مُردِي.[۷]

۹۵۰۹ . **عنه** ﷺ: إيّاكَ والشَّرَهَ؛ فإنَّهُ يُفسِدُ الوَرَعَ ويُدخِلُ النارَ.[۸]

۹۵۱۰ . **عنه** ﷺ: كَفىٰ بِالشَّرَهِ هُلْكاً.[۹]

۹۵۱۱ . **الإمامُ الصّادقُ** ﷺ: إيّاكُم أن تَشرَهَ أنفُسُكُم

---

۱ . غرر الحكم: ۷۳۰.
۲ . غرر الحكم: ۱۱۸۲.
۳ . غرر الحكم: ۲۰۵.
۴ . غرر الحكم: ۱۸۶۶.
۵ . غرر الحكم: ۴۲۲۳.
۶ . غرر الحكم: ۲۶۰۲.
۷ . غرر الحكم: ۲۵۷۹.
۸ . غرر الحكم: ۲۶۶۱.
۹ . غرر الحكم: ۷۰۱۴.

۱۹۸۳
نکوهش سیری ناپذیری

۹۵۰۲ . **امام علی**ﷺ: سیری ناپذیری، خوی پلیدان است.

۹۵۰۳ . **امام علی**ﷺ: سیری ناپذیری، از خویهای زشت است.

۹۵۰۴ . **امام علی**ﷺ: سیری ناپذیری، مایهٔ خواری است.

۹۵۰۵ . **امام علی**ﷺ: سیری ناپذیری، نفس را بدنام می‌کند، و دین را تباه می‌سازد، و جوانمردی را لکّه‌دار می‌گرداند.

۹۵۰۶ . **امام علی**ﷺ: سیری ناپذیری، خویهای دیگر را نیز زشت و بدنام می‌کند.

۹۵۰۷ . **امام علی**ﷺ: از سیری ناپذیری بپرهیزید؛ که بسا یک بار خوردنی که از خوردنهای دیگر جلوگیرد.

۹۵۰۸ . **امام علی**ﷺ: از سیری ناپذیری بپرهیزید؛ که آن خصلتی مُهلک است.

۹۵۰۹ . **امام علی**ﷺ: از سیری ناپذیری بپرهیز؛ که‌آن پارسایی را از بین می‌برد، و آدمی را به آتش در می‌افکند.

۹۵۱۰ . **امام علی**ﷺ: برای هلاکت آدمی، سیری ناپذیری کافی است.

۹۵۱۱ . **امام صادق**ﷺ: مبادا نفسهای شما به آنچه

إلىٰ شَيءٍ مِمّا حَرَّمَ اللهُ علَيكُم ؛ فـإنَّهُ مَـنِ انتَهَكَ ما حَرَّمَ اللهُ علَيهِ هاهُنا فـي الدُّنـيا، حالَ اللهُ بَينَهُ وبَينَ الجَنَّةِ ونَعيمِها ولَذّاتِها.[1]

۱۹۸۳
الشَّرَهُ أساسُ كُلِّ شَرٍّ

۹۵۱۲. **الإمامُ عليٌّ ﷺ**: الشَّرَهُ أُسُّ كُلِّ شَـرٍّ، العِـفَّةُ رَأسُ كُلِّ خَيرٍ.[2]

۹۵۱۳. **عنه ﷺ**: إيّاكَ والشَّرَهَ، فإنَّهُ رَأسُ كُلِّ دَنِيَّةٍ وأُسُّ كُلِّ رَذيلَةٍ.[3]

۹۵۱۴. **عنه ﷺ**: لِكُـلِّ شَـيءٍ بَـذرٌ، وبَـذرُ الشَّـرِّ الشَّرَهُ.[4]

۹۵۱۵. **عنه ﷺ**: الشَّرَهُ[5] جامِعٌ لِمَساوِي العُيوبِ.[6]

۹۵۱۶. **عنه ﷺ**: رَأسُ المَعايِبِ الشَّرَهُ.[7]

۹۵۱۷. **عنه ﷺ**: إيّاكُم ودَناءَةَ الشَّرَهِ والطَّمَعِ ؛ فإنَّهُ رَأسُ كُـلِّ شَـرٍّ، ومَـزرَعَةُ الذُّلِّ، ومُـهِينُ النفسِ، ومُتعِبُ الجَسَدِ.[8]

۹۵۱۸. **عنه ﷺ**: الشَّرَهُ داعِيَةُ الشَّرِّ.[9]

---

۱. الكافي: ۱/۴/۸.
۲. غرر الحكم: (۱۱۶۷ـ۱۱۶۸).
۳. غرر الحكم: ۲۶۶۸.
۴. غرر الحكم: ۷۳۱۱.
۵. في نهج البلاغة: الحكمة ۳۷۱: «الشرّ جامع مساوئ العيوب».
۶. غرر الحكم: ۱۱۲۹.
۷. غرر الحكم: ۵۲۳۰.
۸. غرر الحكم: ۲۷۴۳.
۹. غرر الحكم: ۳۵۳.

خداوند بر شما حرام کرده است، حرص و ولع پیدا کند؛ زیرا هرکه در دنیا مرتکب حرامهای خداوند شود، خدا او را از بهشت و نعمتها و لذّتهای آن محروم می‌کند.

۱۹۸۳
سیری ناپذیری، ریشهٔ همهٔ بدیهاست

۹۵۱۲. **امام علی ﷺ**: سیری ناپذیری، شالودهٔ هر بدی است، خویشتنداری، ریشهٔ هر خوبی است.

۹۵۱۳. **امام علی ﷺ**: از سیری ناپذیری دوری کن؛ زیرا آن رأس هر پستی و شالودهٔ هر رذیلتی است.

۹۵۱۴. **امام علی ﷺ**: هر چیزی را بذری است و بذرِ بدی، سیری ناپذیری است.

۹۵۱۵. **امام علی ﷺ**: سیری ناپذیری، فراهم‌آورندهٔ عیبهای زشت است.

۹۵۱۶. **امام علی ﷺ**: سیری ناپذیری، سرآمد همهٔ عیبهاست.

۹۵۱۷. **امام علی ﷺ**: از پستیِ سیری ناپذیری و طمع، دوری کنید؛ که این دو خصلت، سرآمد هر بدی و کشتزار ذلّت و خوارکنندهٔ جان و مایهٔ رنج تن هستند.

۹۵۱۸. **امام علی ﷺ**: سیری ناپذیری، انگیزهٔ بدکاری است.

۹۵۱۹ . عنه ﷺ: يُستَدَلُّ علىٰ شَرِّ الرَّجُلِ بِكَثرَةِ شَرَهِهِ وشِدَّةِ طَمَعِهِ.[۱]

(انظر) الشرّ: باب ۱۹۵۷.

۱۹۸۵
ثَمَرَةُ الشَّرَهِ

۹۵۲۰ . الإمامُ عليٌّ ﷺ: ثَمَرَةُ الشَّرَهِ التَّهَجُّمُ على العُيوبِ.[۲]

۹۵۲۱ . عنه ﷺ: الشَّرِهُ لا يَرضىٰ.[۳]

۹۵۲۲ . عنه ﷺ: لَن يُلقىٰ الشَّرِهُ راضياً.[۴]

۹۵۲۳ . عنه ﷺ: الشَّرَهُ يُكثِرُ الغَضَبَ.[۵]

۹۵۲۴ . عنه ﷺ: الشَّرَهُ مَركَبُ الحِرصِ، والهَوىٰ مَركَبُ الفِتنَةِ.[۶]

۹۵۲۵ . عنه ﷺ: مَن شَرِهَت نَفسُهُ ذَلَّ مُوسَراً.[۷]

۹۵۲۶ . عنه ﷺ: الحِرصُ والشَّرَهُ يُكسِبانِ الشَّقاءَ والذِّلَّةَ.[۸]

۱۹۸۶
أصلُ الشَّرَهِ

۹۵۲۷ . رسولُ اللهِ ﷺ: إيّاكُم واستِشعارَ الطَّمَعِ، فإنَّهُ

۹۵۱۹ . امام علی ﷺ: از کثرت ولع و شدت طمع در شخص، می‌توان به بدی او پی برد.

۱۹۸۵
ثمرهٔ سیری ناپذیری

۹۵۲۰ . امام علی ﷺ: ثمرهٔ سیری ناپذیری، سرازیر شدن به سوی عیبهاست.

۹۵۲۱ . امام علی ﷺ: آدم سیری‌ناپذیر، خرسند نمی‌شود.

۹۵۲۲ . امام علی ﷺ: آدم سیری ناپذیر را هرگز راضی نمی‌یابی.

۹۵۲۳ . امام علی ﷺ: سیری ناپذیری، خشم را زیاد می‌کند.

۹۵۲۴ . امام علی ﷺ: سیری ناپذیری مرکب آزمندی است، و هوای نفس مرکب فتنه.

۹۵۲۵ . امام علی ﷺ: کسی که روحیهٔ سیری ناپذیر داشته باشد، در عین توانگری، خوار است.

۹۵۲۶ . امام علی ﷺ: آزمندی و سیری ناپذیری، رنج و خواری می‌آورند.

۱۹۸۶
ریشهٔ سیری ناپذیری

۹۵۲۷ . پیامبر خدا ﷺ: جامهٔ طمع به تن مکنید؛ که

---

۱. غرر الحكم: ۱۰۹۶۰. ۲. غرر الحكم: ۴۶۳۰.
۳. غرر الحكم: ۸۸۵. ۴. غرر الحكم: ۷۴۰۷.
۵. غرر الحكم: ۸۰۰. ۶. غرر الحكم: ۱۸۸۰.
۷. غرر الحكم: ۸۴۴۰. ۸. غرر الحكم: ۱۳۶۹.

يَشوبُ القَلبَ بِشِدَّةِ الحِرصِ، ويَختِمُ على القَلبِ بِطابَعِ حُبِّ الدنيا، وهُو مِفتاحُ كُلِّ مَعصيَةٍ، ورَأسُ كُلِّ خَطيئَةٍ، وسَبَبُ إحباطِ كُلِّ حَسَنَةٍ.[1]

دل را به آزمندی شدید می‌آمیزد، و با خاتمِ دنیا دوستی، بر دل، مُهر می‌زند، و آن کلید هر نافرمانی و رأس هر گناه و موجب تباهی هر کار نیک است.

۹۵۲۸ . الإمامُ عليٌّ ﷺ: أصلُ الشَّرَهِ الطَّمَعُ، وثَمَرَتُهُ المَلامَةُ.[2]

۹۵۲۸ . امام علی ﷺ: ریشهٔ سیری ناپذیری، طمع است و ثمره‌اش، ملامت.

(انظر) عنوان ۳۲۱ «الطمع».

الحرص: باب ۸۰۱.

۱۹۸۷
عِلاجُ الشَّرَهِ

علاج سیری ناپذیری

۹۵۲۹ . الإمامُ عليٌّ ﷺ: ضادُّوا الشَّرَهَ بِالعِفَّةِ.[3]

۹۵۲۹ . امام علی ﷺ: با خویشتنداری (مناعت طبع) به جنگ سیری ناپذیری روید.

۹۵۳۰ . عنه ﷺ: ضادُّوا الطَّمَعَ بِالوَرَعِ.[4]

۹۵۳۰ . امام علی ﷺ: با پارسایی، به ستیز طمع روید.

۹۵۳۱ . عنه ﷺ: العِفَّةُ تُضَعِّفُ الشَّهوَةَ.[5]

۹۵۳۱ . امام علی ﷺ: خویشتنداری، خواهش نفس را ناتوان می‌کند.

۹۵۳۲ . عنه ﷺ: العَفافُ يَصُونُ النفسَ ويُنَزِّهُها عنِ الدَّنايا.[6]

۹۵۳۲ . امام علی ﷺ: خویشتنداری، نفس را از پستیها مصون و پاک نگه می‌دارد.

(انظر) الحرص: باب ۸۰۲.

---

۱ . بحار الأنوار: ۲۹/۱۹۹/۷۲.

۲ . غرر الحكم: ۳۰۹۴. ۳ . غرر الحكم: ۵۹۱۷.

۴ . غرر الحكم: ۵۹۱۶. ۵ . غرر الحكم: ۲۱۲۸.

۶ . غرر الحكم: ۱۹۸۹.


مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

۲۶۸

الشَّيطان

شیطان

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

ولمزيد الاطّلاع راجع:

بحار الأنوار: ۶۳/ ۱۳۱ باب ۳«إبليس وقصصه».

كنز العمّال: ۱/ ۲۴۴، ۳۹۸ «في الشيطان ووسوسته».

انظر:

التبذير: باب ۳۴۳، رمضان: باب ۱۵۵۱، الطاعة: باب ۲۳۹۴.

التعصّب: باب ۲۶۹۹، الغضب: باب ۳۰۲۶، المال: باب ۳۶۹۳.

۱۹۸۸

الاعتِبارُ بِما فَعَلَ اللهُ بِإبليسَ

الكتاب:

﴿وَلَقَدْ خَلَقْناكُمْ ثُمَّ صَوَّرْناكُمْ ثُمَّ قُلْنا لِلْمَلائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلاّ إِبْلِيسَ لَمْ يَكُنْ مِنَ السّاجِدِينَ * قالَ ما مَنَعَكَ أَلّا تَسْجُدَ إِذْ أَمَرْتُكَ قالَ أَنَا خَيْرٌ مِنْهُ خَلَقْتَنِي مِنْ نارٍ وَخَلَقْتَهُ مِنْ طِينٍ﴾.[1]

(انظر) الحجر: ۲۸ ـ ۴۲، الإسراء: ۶۰ ـ ۶۵، الكهف: ۵۰ و ۵۱، طه: ۱۱۶ ـ ۱۲۰، ص: ۷۱ ـ ۸۵.

الحديث:

۹۵۳۳ . **الإمامُ عليٌّ** ﷺ: فاعتَبِرُوا بما كانَ مِن فِعلِ اللهِ بِإبليسَ ؛ إذ أحبَطَ عَمَلَهُ الطَّويلَ وجَهدَهُ الجَهيدَ (الجميلَ) وكانَ قد عَبَدَ اللهَ سِتَّةَ آلافِ سَنَةٍ، لايُدرىٰ أمِن سِني الدُّنيا أم مِن سِني الآخِرَةِ عن كِبْرِ ساعَةٍ واحِدَةٍ.[2]

۹۵۳۴ . **الإمامُ الصّادقُ** ﷺ: أمَرَ اللهُ إبليسَ بالسُّجودِ لِآدَمَ، فقالَ: يا ربِّ وعِزَّتِكَ إن أعفَيتَني مِن السُّجودِ لآدَمَ لَأعبُدَنَّكَ عِبادَةً ما عَبَدَكَ أحَدٌ قَطُّ مِثلَها، قالَ اللهُ جَلَّ جَلالُهُ: إنّي

۱ . الأعراف: ۱۱، ۱۲. ۲ . نهج البلاغة: الخطبة ۱۹۲.

۱۹۸۸

درس گرفتن از رفتار خداوند با ابلیس

قرآن:

«و هر آینه شما را آفریدیم، سپس به شما شکل دادیم و آنگاه به فرشتگان گفتیم آدم را سجده کنید و آنها سجده کردند مگر ابلیس که از سجده کنندگان نبود. گفت: چرا وقتی به تو دستور دادم سجده نکردی؟ گفت: من از او بهترم؛ [زیرا] مرا از آتشی آفریدی و او را از گِلی خلق کردی».

حدیث:

۹۵۳۳ . **امام علی** ﷺ: از کاری که خدا با ابلیس کرد عبرت بگیرید؛ چه، کار دراز مدت و کوشش‌های توان‌فرسای او را، به سبب لحظه‌ای تکبر، باطل ساخت. او شش هزار سال خدا را پرستش کرده بود که معلوم نیست آیا از سالهای دنیاست یا از سالهای آخرت.

۹۵۳۴ . **امام صادق** ﷺ: خداوند به ابلیس دستور داد بر آدم سجده کند. او گفت: پروردگارا! سوگند به عزّتت، اگر مرا از سجده بر آدم معاف داری، تو را چنان پرستشی کنم که هرگز کسی مانند آن تو را نپرستیده باشد. خداوند، جلّ جلاله، فرمود: من دوست دارم آن‌گونه که

أُحِبُّ أن أُطاعَ مِن حيثُ أُريدُ.[۱]

۱۹۸۹
الاستِعاذَةُ بِاللهِ مِنَ الشَّيطانِ

الكتاب:

﴿وَقُل رَبِّ أَعُوذُ بِكَ مِنْ هَمَزاتِ الشَّياطِينِ * وَأَعُوذُ بِكَ رَبِّ أَن يَحْضُرُونِ﴾.[۲]

﴿فَإِذا قَرَأْتَ القُرآنَ فَاستَعِذْ بِاللهِ مِنَ الشَّيطانِ الرَّجِيمِ﴾.[۳]

﴿فَلَمّا وَضَعَتْها قالَتْ رَبِّ إِنِّي وَضَعْتُها أُنْثى وَاللهُ أَعْلَمُ بِما وَضَعَتْ وَلَيْسَ الذَّكَرُ كَالأُنْثى وَإِنِّي سَمَّيْتُها مَرْيَمَ وَإِنِّي أُعِيذُها بِكَ وَذُرِّيَّتَها مِنَ الشَّيطانِ الرَّجِيمِ﴾.[۴]

﴿وَإِمّا يَنْزَغَنَّكَ مِنَ الشَّيطانِ نَزْغٌ فَاستَعِذْ بِاللهِ إِنَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ﴾.[۵]

الحديث:

۹۵۳۵ . الإمامُ عليٌّ ﷺ: أحمَدُ اللهَ وأستَعِينُهُ علىٰ مَداحِرِ الشَّيطانِ ومَزاجِرِهِ (مَزاحِرِهِ)، والاعتِصامِ مِن حَبائِلِهِ ومَخاتِلِهِ.[۶]

(انظر) عنوان ۲۷۹ «الاستعاذة».

---

۱ . بحار الأنوار: ۱۱۰/۲۵۰/۶۳.
۲ . المؤمنون: ۹۷، ۹۸. ۳ . النحل: ۹۸.
۴ . آل عمران: ۳۶. ۵ . الأعراف: ۲۰۰.
۶ . نهج البلاغة: الخطبة ۱۵۱.

خودم می‌خواهم، اطاعت شوم.

۱۹۸۹
پناه بردن به خدا از شیطان

قرآن:

«و بگو: پروردگارا! از وسوسه‌های شیاطین به تو پناه می‌برم. و پروردگارا! از این که شیاطین نزد من حاضر شوند به تو پناه می‌برم».

«پس، هر گاه قرآن خوانی از شیطان رانده شده به خدا پناه بر».

«و چون او [مریم] را زایید، گفت: پروردگارا! من دختر زاییدم. و خدا داناتر است که او چه زایید و پسر همانند دختر نیست و من او را مریم نامیدم و او و فرزندانش را از شیطان رانده شده در پناه تو قرار می‌دهم».

«و اگر از جانب شیطان در تو وسوسه‌ای پدید آمد، به خدا پناه ببر؛ زیرا او شنوایِ داناست».

حدیث:

۹۵۳۵ . **امام علی** ﷺ: خدا را می‌ستایم و در اموری که باعث راندن و دور کردن شیطان و محفوظ ماندن از دامها و نیرنگهایش می‌شود، از او یاری می‌طلبم.

۱۹۹۰
عَداوَةُ الشَّيطانِ لِلإنسانِ

الكتاب:

﴿إِنَّ الشَّيْطانَ لَكُمْ عَدُوٌّ فَاتَّخِذُوهُ عَدُوّاً إِنَّما يَدْعُو حِزْبَهُ لِيَكُونُوا مِنْ أَصْحابِ السَّعِيرِ﴾.[۱]

﴿قالَ يا بُنَيَّ لا تَقْصُصْ رُؤْيَاكَ عَلَىٰ إِخْوَتِكَ فَيَكِيدُوا لَكَ كَيْداً إِنَّ الشَّيْطانَ لِلإِنْسانِ عَدُوٌّ مُبِينٌ﴾.[۲]

﴿وَقُلْ لِعِبادِي يَقُولُوا الَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِنَّ الشَّيْطانَ يَنْزَغُ بَيْنَهُمْ إِنَّ الشَّيْطانَ كانَ لِلإِنْسانِ عَدُوّاً مُبِيناً﴾.[۳]

الحديث:

۹۵۳۶ . رسولُ اللهِ ﷺ ـ لِابنِ مَسعودٍ وهو يَعِظُهُ ـ: يابنَ مَسعودٍ، اِتَّخِذِ الشَّيطانَ عدوّاً؛ فإنَّ اللهَ تعالىٰ يقولُ: ﴿إِنَّ الشَّيْطانَ لَكُمْ عَدُوٌّ فَاتَّخِذُوهُ عَدُوّاً﴾.[۴]

۹۵۳۷ . الإمامُ عليٌّ ﷺ: ثُمَّ أسكَنَ سبحانَهُ آدَمَ داراً أرغَدَ فيها عَيشَهُ، وآمَنَ فيها مَحَلَّتَهُ، وحَذَّرَهُ إبليسَ وعَداوَتَهُ، فاغتَرَّهُ عَدُوُّهُ نَفاسَةً علَيهِ بِدارِ المُقامِ، ومُرافَقَةِ الأبرارِ، فَباعَ اليَقينَ بِشَكِّهِ.[۵]

---

۱. فاطر: ۶. ۲. يوسف: ۵.
۳. الإسراء: ۵۳.
۴. مكارم الأخلاق: ۲/۳۵۴، ۲۶۶۰.
۵. نهج البلاغة: الخطبة ۱.

۱۹۹۰
دشمنیِ شیطان با انسان

قرآن:

«همانا شیطان دشمن شماست، پس او را دشمن گیرید. همانا او دار و دستهٔ خود را فرا می‌خواند تا از دوزخیان باشند».

«گفت: ای فرزندم! خواب خود را برای برادرانت بازگو مکن که برای تو نیرنگی می‌اندیشند. همانا شیطان، دشمن آشکاری برای انسان است».

«و به بندگانم بگو: آنچه را که بهتر است بگویند، که شیطان میانشان را به هم می‌زند. همانا شیطان، دشمن آشکار انسان است».

حدیث:

۹۵۳۶ . **پیامبر خدا** ﷺ ـ در اندرز به ابن مسعود ـ فرمود: ای پسر مسعود! شیطان را دشمن بگیر؛ زیرا خداوند متعال می‌فرماید: «همانا شیطان دشمن شماست؛ پس او را دشمن گیرید».

۹۵۳۷ . **امام علی** ﷺ: سپس خداوند سبحان، آدم را در سرایی پر نعمت و امن سکونت داد و او را از ابلیس و دشمنی وی بر حذر داشت. پس، دشمنِ آدم، چون او را در سرای جاودانی و همدم نیکوکاران می‌دید، بر وی حسد بُرد و او را فریفت و آدم، یقین را به شکّش فروخت.

۹۵۳۸ . عنه ﷺ: إحذَرُوا عَدوّاً نَفَذَ في الصُّدورِ خَفِيّاً، ونَفَثَ في الآذانِ نَجِيّاً.[۱]

۹۵۳۸ . امام علی ﷺ: بپرهیزید از آن دشمنی که پنهانی در سینه‌ها نفوذ می‌کند و آهسته در گوشها افسون می‌دمد.

۹۵۳۹ . الإمامُ زينُ العابدينَ ﷺ ـ في مُناجاتِهِ ـ: إلٰهي أشكُو إلَيكَ عَدُوّاً يُضِلُّني، وشَيطاناً يُغويني، قَد مَلأَ بِالوَسواسِ صَدري، وأحاطَت هَواجِسُهُ بِقَلبي، يُعاضِدُ لي الهَوىٰ، ويُزَيِّنُ لي حُبَّ الدُّنيا، ويَحولُ بَيني وبينَ الطاعَةِ والزُّلفىٰ.[۲]

۹۵۳۹ . امام زین العابدین ﷺ ـ در مناجات خود ـ گفت: الهی! از دشمنی که مرا گمراه می‌کند و از شیطانی که مرا به انحراف می‌کشاند، به تو شکایت می‌کنم. او سینهٔ مرا از وسوسه آکنده و القائات او قلبم را در میان گرفته است، در پیروی از خواهشهای نفس مرا یاری می‌رساند و دنیا دوستی را در نظرم می‌آراید و میان من و طاعت و تقرّب به تو مانع می‌شود.

۹۵۴۰ . الإمامُ الباقرُ ﷺ: إذا ماتَ المُؤمِنُ خُلِّيَ علىٰ جيرانِهِ مِن الشَّياطينِ عَدَدَ رَبيعَةَ ومُضَرَ، كانوا مُشتَغِلينَ بِهِ.[۳]

۹۵۴۰ . امام باقر ﷺ: چون مؤمن بمیرد، شیطانهایی که برای گمراه کردن او می‌کوشیده‌اند و شمارشان به تعداد افراد قبیلهٔ [پر جمعیت] ربیعه و مُضَر است، اطراف همسایگان را می‌گیرند.

۹۵۴۱ . الإمامُ الصّادقُ ﷺ: إنَّ الشَّياطينَ أكثَرُ على المؤمنينَ مِنَ الزَّنابيرِ على اللَّحمِ.[۴]

۹۵۴۱ . امام صادق ﷺ: شیطانهای اطراف مؤمنان، بیشتر از زنبورهای پیرامون گوشت است.

۹۵۴۲ . عنه ﷺ: لقد نَصَبَ إبليسُ حَبائلَهُ في دارِ الغُرورِ، فما يَقصِدُ فيها إلّا أولِياءَنا.[۵]

۹۵۴۲ . امام صادق ﷺ: ابلیس، در این سرای پُر فریب، دامهای خود را برنهاده است و هدفش کسی جز دوستدارانِ ما نیست.

۹۵۴۳ . الإمامُ الكاظمُ ﷺ ـ لمّا سُئلَ عن أوجَبِ الأعداءِ مُجاهَدةً ـ: أقرَبُهم إلَيكَ وأعداهُم لَكَ... ومَن يُحَرِّضُ أعداءَكَ علَيكَ، وهُو إبليسُ.[۶]

۹۵۴۳ . امام کاظم ﷺ ـ در پاسخ به این پرسش که جهاد با کدام دشمن واجب‌تر است ـ فرمود: آن که از همه به تو نزدیکتر و دشمنیش با تو بیشتر است... و کسی که دشمنان تو را بر ضدّت تحریک می‌کند و آن شیطان است.

(انظر) عنوان ۳۳۹ «العداوة».

---

۱. غرر الحكم: ۲۶۲۳.
۲. بحار الأنوار: ۹۴/۱۴۳/۲۱.
۳. الكافي: ۲/۲۵۱/۱۰.
۴. بحار الأنوار: ۸۱/۲۱۱/۲۷.
۵. تحف العقول: ۳۰۱.
۶. تحف العقول: ۳۹۹.

۱۹۹۱

التَّحذيرُ مِن فِتَنِ الشَّيطانِ

الكتاب:

﴿يا بَنِي آدَمَ لا يَفْتِنَنَّكُمُ الشَّيْطانُ كَما أَخْرَجَ أَبَوَيْكُمْ مِنَ الجَنَّةِ يَنْزِعُ عَنْهُما لِباسَهُما لِيُرِيَهُما سَوْآتِهِما إِنَّهُ يَراكُمْ هُوَ وَقَبِيلُهُ مِنْ حَيْثُ لَا تَرَوْنَهُمْ إِنَّا جَعَلْنا الشَّياطِينَ أَوْلِياءَ لِلَّذِينَ لا يُؤْمِنُونَ﴾.[1]

﴿وَمِنَ النَّاسِ مَن يُجادِلُ فِي اللهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَيَتَّبِعُ كُلَّ شَيْطانٍ مَرِيدٍ * كُتِبَ عَلَيْهِ أَنَّهُ مَنْ تَوَلَّاهُ فَأَنَّهُ يُضِلُّهُ وَيَهْدِيهِ إِلَىٰ عَذابِ السَّعِيرِ﴾.[2]

الحديث:

۹۵۴۴ . رسولُ اللهِ ﷺ: سَتَكُونُ فِتَنٌ يُصبِحُ الرَّجُلُ فيها مُؤمناً ويُمسي كافراً، إلّا مَن أحياهُ اللهُ تعالىٰ بالعِلمِ.[3]

۹۵۴۵ . الإمامُ عليٌّ ﷺ: الفِتَنُ ثلاثٌ: حُبُّ النِّساءِ وهُو سَيفُ الشَّيطانِ، وشُربُ الخَمرِ وهُو فَخُّ الشَّيطانِ، وحُبُّ الدِّينارِ والدِّرهَمِ وهُو سَهمُ الشَّيطانِ.[4]

(انظر) عنوان ۴۰۴ «الفتنة».

۱ . الأعراف: ۲۷.
۲ . الحجّ: ۳، ۴.
۳ . كنز العمّال: ۳۰۸۸۳.
۴ . الخصال: ۹۱/۱۱۳.

۱۹۹۱

هشدار نسبت به گمراه سازیهای شیطان

قرآن:

«ای فرزندان آدم! زنهار که شیطان شما را گمراه نکند؛ همچنان که پدر و مادر شما را از بهشت بیرون کرد و پوشش آن دو را از آنها بر کند تا شرمگاههایشان را بر آنان نمایان سازد. او و قبیله‌اش شما را از آن جاکه آنها را نمی‌بینید، می‌بینند. همانا ما شیطانها را دوستان کسانی قرار دادیم که ایمان نمی‌آورند».

«برخی از مردم، بدون هیچ دانشی، دربارهٔ خدا جدال می‌کنند و از هر شیطان سرکشی پیروی می‌نمایند. بر شیطان مقرر شده است که هر کس او را به دوستی گیرد، گمراهش کند و به سوی عذاب آتشش کشاند».

حدیث:

۹۵۴۴ . **پیامبر خدا** ﷺ: در آینده، فتنه‌هایی [گمراه کننده] پیش خواهد آمد، که انسان صبح خود را با ایمان آغاز می‌کند و شب که فرامی‌رسد به کفر افتاده است، مگر کسی که خداوند متعال او را به دانش و آگاهی زنده کرده باشد.

۹۵۴۵ . **امام علی** ﷺ: عوامل گمراه کننده سه‌تاست: زن دوستی،[1] که شمشیر شیطان است، و شرابخواری، که دام شیطان است، و عشق به درهم و دینار، که تیر شیطان است.

۱. مقصود شهوت‌پرستی است وگرنه علاقهٔ به همسر مورد تأیید بلکه تأکید اسلام است.

۱۹۹۲

النَّهيُ عَنِ اتِّباعِ الشَّيطانِ

الكتاب:

﴿يا أَيُّها الَّذِينَ آمَنُوا ادْخُلُوا فِي السِّلْمِ كافَّةً وَلا تَتَّبِعُوا خُطُواتِ الشَّيْطانِ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ﴾.[1]

﴿يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لا تَتَّبِعُوا خُطُواتِ الشَّيْطانِ وَمَن يَتَّبِعْ خُطُواتِ الشَّيْطانِ فَإِنَّهُ يَأْمُرُ بِالفَحْشاءِ وَالمُنْكَرِ﴾.[2]

الحديث:

۹۵۴۶. **الإمامُ الباقرُ والإمامُ الصّادقُ عليهما السلام**: إنَّ مِن خُطُواتِ الشَّيطانِ الحَلْفَ بِالطلاقِ، والنُّذورَ في المَعاصِي، وكُلَّ يَمينٍ بِغَيرِ اللهِ تعالى.[3]

۹۵۴۷. **الإمامُ الباقرُ عليه السلام** ـ لمّا قَرَأَ: ﴿لا تَتَّبِعُوا خُطُواتِ الشَّيطانِ﴾ ـ: كُلُّ يَمينٍ بِغَيرِ اللهِ فَهِيَ مِن خُطُواتِ الشَّيطانِ.[4]

۹۵۴۸. **الدرّ المنثور**: ما خالَفَ القرآنَ فَهُوَ مِن خُطُواتِ الشَّيطانِ.[5][6]

---

۱. البقرة: ۲۰۸. ۲. النور: ۲۱.

۳. مجمع البيان: ۴۶۰/۱.

۴. تفسير العياشي: ۱۵۰/۷۴/۱.

۵. الدرّ المنثور: ۴۰۳/۱.

۶. قال العلّامة الطباطبائي: إنّ المراد من اتّباع خطوات الشيطان ليس اتّباعه في جميع ما يدعو إليه من الباطل، بل اتّباعه فيما يدعو إليه من أمر الدّين؛ بأن يزيّن شيئاً من طرق الباطل بزينة الحقّ ويسمّي ما ليس من الدّين باسم الدّين، فيأخذ به الإنسان من غير علم. الميزان في تفسير القرآن: ۱۰۱/۲.

۱۹۹۲

نهی از دنباله‌روی شیطان

قرآن:

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید! همگان به اطاعت خدا در آیید و گامهای شیطان را دنبال مکنید که او دشمن آشکار شماست».

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید! گامهای شیطان را دنبال مکنید؛ که هر کس گامهای شیطان[1] را دنبال کند، به فحشا و منکر فرمانش دهد».

حدیث:

۹۵۴۶. **امام باقر و امام صادق علیهما السلام**: سوگند خوردن برای طلاق، و نذر کردن برای گناه، و سوگند یاد کردن به غیر خدا، از گامهای شیطان است.

۹۵۴۷. **امام باقر علیه السلام** ـ در هنگام تلاوت آیهٔ: «گامهای شیطان را دنبال نکنید» ـ فرمود: هر سوگندی که به غیر خدا یاد شود، از گامهای شیطان است.

۹۵۴۸. **الدرّ المنثور**: هر چه با قرآن مخالف باشد، از گامهای شیطان است.

---

۱. علّامهٔ طباطبایی فرمود: منظور از پیروی کردن از گامهای شیطان، پیروی کردن از او در مسائل مربوط به دین است؛ به این معنا که باطل را به لباس و زیورِ حق می‌آرایند و به رویِ چیزهای غیر دینی، نام دین می‌گذارد و انسان هم ندانسته و بدون آن که متوجّه واقعیت شود، از آنها پیروی می‌کند.

۵۴۶ ـــــــ

فَأتَوهُ بِها، فَزَيَّنَت لَهُ نَفسُهُ فَوَقَعَ عَلَيها، فَجاءَهُ الشَّيطانُ فَقالَ: اُقتُلْها فَإنَّهُم إن ظَهَرُوا عَلَيكَ افتَضَحتَ، فَقَتَلَها ودَفَنَها، فَجاؤوهُ فَأخَذُوهُ فَذَهَبُوا بِهِ، فَبَينَما هُم يَمشُونَ إذ جاءَهُ الشَّيطانُ فَقالَ: إنّي أنا الذي زَيَّنتُ لَكَ فاسجُدْ لي سَجدَةً اُنجيكَ، فَسَجَدَ لَهُ، فذلكَ قولُهُ: ﴿كَمَثَلِ الشَّيْطانِ إذْ قالَ لِلإنسانِ اكْفُرْ فَلَمّا كَفَرَ قالَ إنّي بَرِيءٌ مِنْكَ إنّي أَخافُ اللهَ رَبَّ العالَمِينَ﴾.[1]

(انظر) الدرّ المنثور: ۸ / ۱۱۶ و ۱۱۷.

العبادة: باب ۲۴۵۸.

آن زن دست درازی کرد. شیطان به سراغ عابد آمد و گفت: او را بکش؛ زیرا اگر برادرانش متوجّه شوند، رسوا می‌شوی. مرد عابد آن زن را کشت و جسدش را دفن کرد. برادران زن نزد عابد آمدند و او را دستگیر کردند و با خود بردند. در حالی که می‌رفتند شیطان به سراغ عابد آمد و گفت: من بودم که این عمل را در نظرت آراسته جلوه دادم. اکنون مرا سجده کن تا تو را نجات دهم. عابد هم او را سجده کرد. این است سخن خداوند که می‌فرماید: «همچون حکایت شیطان است آن گاه که به انسان گفت: کافر شو و چون کافر شد شیطان گفت: من از تو بیزارم، من از خدا، پروردگار جهانیان، می‌ترسم».

۱۹۹۳

تَأكيدُ الشَّيطانِ عَلى غَوايَةِ الإنسانِ

الكتاب:

﴿قالَ فَبِعِزَّتِكَ لَأُغْوِيَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ * إلّا عِبادَكَ مِنْهُمُ المُخْلَصِينَ﴾.[2]

﴿قالَ فَبِما أَغْوَيْتَنِي لَأَقْعُدَنَّ لَهُمْ صِراطَكَ المُسْتَقِيمَ * ثُمَّ لَآتِيَنَّهُمْ مِنْ بَيْنِ أَيْدِيهِمْ وَمِنْ خَلْفِهِمْ وَعَنْ أَيْمانِهِمْ وَعَنْ شَمائِلِهِمْ وَلا تَجِدُ أَكْثَرَهُمْ شاكِرِينَ﴾.[3]

﴿قالَ رَبِّ بِما أَغْوَيْتَنِي لَأُزَيِّنَنَّ لَهُمْ فِي الأَرْضِ وَلَأُغْوِيَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ * إلّا عِبادَكَ مِنْهُمُ المُخْلَصِينَ﴾.[4]

۱۹۹۳

تأکید شیطان بر گمراه کردن انسان

قرآن:

«گفت: سوگند به عزّت تو که همهٔ آنها را گمراه می‌کنم. مگر آن بندگان مخلص تو را».

«گفت: به سبب آن که مرا به بیراهه افکندی من هم برای [فریفتن] آنان حتماً بر سر راه راست تو خواهم نشست. آن گاه از پیش رو و از پشت سرشان و از چپ و از راستشان بر آنها می‌تازم. و بیشترینشان را سپاسگزار نخواهی یافت».

«[شیطان] گفت: ای پروردگار من، به سبب آن که مرا گمراه ساختی، من هم در زمین [بدیها را] در نظرشان بیارایم و همگان را گمراه کنم. مگر آن بندگان خالص گشتهٔ تو از میان آنان را».

---

۱. الدرّ المنثور: ۱۱۶/۸. ۲. ص: ۸۲، ۸۳.
۳. الأعراف: ۱۶، ۱۷. ۴. الحجر: ۳۹، ۴۰.

﴿قالَ أَرَأَيْتَكَ هٰذا الَّذي كَرَّمْتَ عَلَيَّ لَئِنْ أَخَّرْتَنِ إِلىٰ يَوْمِ القِيامَةِ لَأَحْتَنِكَنَّ ذُرِّيَّتَهُ إِلاّ قَليلاً﴾.[1]

۱۹۹۵
تَصديقُ ظَنِّ إبليسَ

الكتاب:

﴿وَلَقَدْ صَدَّقَ عَلَيْهِمْ إِبْلِيسُ ظَنَّهُ فَاتَّبَعُوهُ إِلاّ فَرِيقاً مِنَ المُؤْمِنِينَ﴾.[2]

﴿وَلَولا فَضْلُ اللهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُ لَاتَّبَعْتُمُ الشَّيطانَ إِلاّ قَليلاً﴾.[3]

الحديث:

۹۵۵۲. الإمامُ عليٌّ عليه السلام: فاحذَرُوا ـ عِبادَ اللهِ ـ عَدوَّ اللهِ أن يُعدِيَكم بِدائِهِ، وأن يَستَفِزَّكُم بِنِدائِهِ، وأن يُجلِبَ عليكُم بِخَيلِهِ ورَجِلِهِ، فَلَعَمري لقد فَوَّقَ لَكُم سَهمَ الوَعيدِ، وأغرَقَ إلَيكُم بِالنَّزعِ الشَّديدِ، ورَماكُم مِن مكانٍ قَريبٍ، فقالَ: ﴿رَبِّ بِما أَغْوَيْتَني لَأُزَيِّنَنَّ لَهُمْ في الأَرْضِ وَلَأُغْوِيَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ﴾[4] قَذْفاً بِغَيبٍ بعيدٍ، ورَجماً بِظَنٍّ غَيرِ مُصيبٍ، صَدَّقَهُ بِهِ أبناءُ الحَمِيَّةِ، وإخوانُ العَصَبِيَّةِ، وفُرسانُ الكِبرِ والجاهِلِيَّةِ.[5]

---

۱. الإسراء: ۶۲.　　۲. سبأ: ۲۰.
۳. النساء: ۸۳.　　۴. الحجر: ۳۹.
۵. نهج البلاغة: الخطبة ۱۹۲.

«[شیطان] گفت: به من بگو: این کسی را که بر من برتری دادی [برای چه بود]؟ اگر مرا تا روز قیامت مهلت دهی قطعاً فرزندان او را، جز اندکی، ریشه کن خواهم کرد».

۱۹۹۵
راست درآمدنِ گمانِ ابلیس

قرآن:

«و قطعاً ابلیس گمان خود را دربارهٔ آنها راست یافت؛ زیرا جز گروهی از مؤمنان، دیگران از او پیروی کردند».

«و اگر فضل و رحمت خدا بر شما نبود، جز اندکی، همگان از شیطان پیروی می‌کردید».

حدیث:

۹۵۵۲. امام علی علیه السلام: ای بندگان خدا! مبادا دشمن خدا (شیطان) شما را به درد خود گرفتار کند، و با فریاد خویش شما را از جا بپراند، و نگرانتان سازد، و سواران و پیادگان خود را علیه شما فراهم آورد. به جان خودم سوگند که تیرِ تهدید را بر چلّهٔ کمان گذاشته و آن را به طرف شما سخت کشیده است و از نزدیک به شما تیراندازی کرده و گفته است: «پروردگارا! به سبب آن که مرا گمراه کردی در روی زمین بدیها را در نظرشان بیارایم و همگان را گمراه کنم». او از آینده‌ای دور سخن گفت و گمان نادرستی را اظهار داشت، اما فرزندان نخوت و برادران عصبیّت و سواران گردنکشی و جاهلیّت، ادّعای او را راست از کار درآوردند.

۹۵۵۳ . الإمامُ الصّادقُ ﷺ ـ في قولِهِ تعالىٰ : ﴿ولَقَد صَدَّقَ...﴾ ـ: فَصَرَخَ إبليسُ صَرخَةً فَرَجَعَت إلَيهِ العَفارِيتُ فقالوا: يا سَيِّدَنا، ما هذِهِ الصَّرخَةُ الأُخرىٰ ؟ فقال: وَيحَكُم حَكَىٰ اللهُ واللهِ كَلامي قُرآناً، وأنزَلَ علَيهِ: ﴿ولَقَدْ صَدَّقَ علَيهِم إبْليسُ ظَنَّهُ فَاتَّبَعُوهُ إلّا فَرِيقاً مِنَ المُؤمِنينَ﴾. ثُمّ رَفَعَ رَأسَهُ إلى السماءِ ثُمّ قالَ: وعِزَّتِكَ وجلالِكَ، لأُلحِقَنَّ الفَرِيقَ بالجَميعِ ! قالَ: فقالَ النبيُّ ﷺ: ﴿بِسمِ اللهِ الرَّحمٰنِ الرَّحيمِ* إنَّ عِبادِي ليسَ لَكَ عَلَيهِم سُلطانٌ﴾[1]. [2]

۹۵۵۳ . امام صادق ﷺ ـ دربارهٔ آیهٔ: «و قطعاً ابلیس گمان خود را دربارهٔ آنها درست یافت...» ـ: پس، ابلیس چنان فریادی کشید که همهٔ دیوها نزد او آمدند و گفتند: سرورا! این دیگر چه فریادی بود؟ ابلیس گفت: وای بر شما! به خدا قسم، خداوند گفتهٔ مرا در قرآن بازگو کرد و بر او (رسول خدا ﷺ) فرو فرستاد که «و ابلیس گمان خود را دربارهٔ آنها راست یافت؛ پس جز گروهی از مؤمنان، بقیّه از او پیروی کردند». ابلیس سپس سر به آسمان برداشت و گفت: به عزّت و جلالت سوگند، همان گروه را هم به همگان ملحق خواهم کرد. امام صادق ﷺ فرمود: پس، پیامبر ﷺ [قرائت] فرمود: «به نام خداوند بخشاینده مهربان، همانا تو را بر بندگان من چیرگی و تسلّطی نیست».

۱۹۹۶
عِلَّةُ تَسَلُّطِ الشَّيطانِ عَلَى الإنسانِ

الكتاب:

﴿وَما كانَ لَهُ عَلَيْهِمْ مِنْ سُلْطانٍ إلّا لِنَعْلَمَ مَنْ يُؤْمِنُ بِالآخِرَةِ مِمَّنْ هُوَ مِنْها فِي شَكٍّ وَرَبُّكَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ حَفِيظٌ﴾. [3]

الحديث:

۹۵۵۴ . الإمامُ الرِّضا ﷺ ـ في قولِهِ تعالىٰ: ﴿لِيَبْلُوَكُم أَيُّكُم أَحْسَنُ عَمَلاً﴾ [4] ـ: إنَّهُ عَزَّوجلَّ خَلَقَ خَلقَهُ لِيَبلُوَهُم بتَكليفِ طاعَتِهِ وعِبادَتِهِ لا علىٰ سبيلِ الامتِحانِ والتَّجرِبَةِ؛ لأنَّهُ لَم

۱۹۹۶
علّت تسلّط شیطان بر انسان

قرآن:

«و شیطان را بر آنان تسلّطی نبود مگر آن که می‌خواستیم بدانیم که چه کسانی به قیامت ایمان دارند و چه کسانی از آن در شکّ هستند. و پروردگار تو نگهبان هر چیزی است».

حدیث:

۹۵۵۴ . امام رضا ﷺ ـ دربارهٔ آیهٔ: «تا شما را بیازماید که کدام یک نیکوتر عمل می‌کنید» ـ فرمود: خداوند عزّوجلّ خَلق خود را آفرید، تا با گذاشتن تکلیفِ طاعت و عبادتِ خویش بر دوش آنان، ایشان را

---

۱. الإسراء: ۶۵.
۲. بحار الأنوار: ۶۳/۲۵۶/۱۲۵.
۳. سبأ: ۲۱.
۴. هود: ۷.

يَزَلْ عَليماً بِكُلِّ شَيءٍ.[1]

(انظر) البلاء: باب ۴۰۴.

۱۹۹۷
كَيدُ الشَّيطانِ

الكتاب:

﴿الَّذِينَ آمَنُوا يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللهِ وَالَّذِينَ كَفَرُوا يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ الطَّاغُوتِ فَقَاتِلُوا أَوْلِيَاءَ الشَّيْطَانِ إِنَّ كَيْدَ الشَّيْطَانِ كَانَ ضَعِيفاً﴾.[2]

﴿وَمَا كَانَ لِيَ عَلَيْكُمْ مِنْ سُلْطَانٍ إِلَّا أَنْ دَعَوْتُكُمْ فَاسْتَجَبْتُمْ لِي فَلَا تَلُومُونِي وَلُومُوا أَنْفُسَكُمْ﴾.[3]

الحديث:

۹۵۵۵. الإمامُ عليٌّ ﷺ: قد أصبَحتُم في زَمَنٍ لا يَزدادُ الخَيرُ فيه إلّا إدباراً، ولا الشَّرُّ فيهِ إلّا إقبالاً، ولا الشَّيطانُ في هَلاكِ النّاسِ إلّا طَمَعاً، فَهذا أوانٌ قَوِيَت عُدَّتُهُ، وعَمَّت مَكِيدَتُهُ، وأمكَنَت فَرِيسَتُهُ.[4]

۹۵۵۶. عنه ﷺ: اللهَ اللهَ في عاجِلِ البَغيِ، وآجِلِ وَخامَةِ الظُّلمِ، وسُوءِ عاقِبَةِ الكِبرِ، فإنَّها مَصْيَدَةُ إبليسَ العُظمىٰ، ومَكِيدَتُهُ الكُبرىٰ.[5]

---

۱. بحار الأنوار: ۵/۸۰/۴. ۲. النساء: ۷۶.
۳. إبراهيم: ۲۲. ۴. نهج البلاغة: الخطبة ۱۲۹.
۵. نهج البلاغة: الخطبة ۱۹۲.

بیازماید، نه آن که بخواهد [برای آگاهیِ خود] امتحان و تجربه کند؛ چه او همواره از همه چیز آگاه بوده است.

۱۹۹۷
نیرنگ شیطان

قرآن:

«کسانی که ایمان آورده‌اند در راه خدا می‌جنگند و کسانی که کفر ورزیده‌اند در راه طاغوت می‌جنگند. پس با یاران شیطان پیکار کنید که نیرنگ شیطان ضعیف است».

«مرا بر شما هیچ سلطه‌ای نبود جز آن که دعوتتان کردم و شما هم دعوت مرا پذیرفتید. پس مرا ملامت مکنید و خود را ملامت کنید».

حدیث:

۹۵۵۵. امام علی ﷺ: شما در روزگاری به سر می‌برید که نیکی هر چه بیشتر پشت می‌کند، و بدی هر چه بیشتر روی می‌آورد، و شیطان هر چه بیشتر به تباه کردن مردم چشم طمع می‌دوزد؛ پس، اکنون زمانی است که اسباب کار او قوّت گرفته و نیرنگش فراگیر شده و شکارش در دسترس او قرار گرفته است.

۹۵۵۶. امام علی ﷺ: خدا را در نظر گیرید، خدا را، از [کیفر زودرس] سرکشی در این جهان و از زیان ستمگری در آن جهان و از فرجام بد تکبّر؛ زیرا اینها (سرکشی و ستمگری و کبر) عظیم‌ترین دام و بزرگترین نیرنگ ابلیس است.

۹۵۵۷ . الإمامُ الكاظمُ عليه السلام ـ في وَصِيَّتِهِ لِهِشام ـ: فلَهُ [أي لإبليس] فَلتَشتَدَّ عَداوَتُكَ، ولا يَكُونَنَّ أصبَرَ علىٰ مُجاهَدَتِهِ لِهَلَكَتِكَ مِنكَ علىٰ صَبرِكَ لِمُجاهَدَتِهِ؛ فإنَّهُ أضعَفُ مِنكَ رُكناً في قُوَّتِهِ، وأقَلُّ مِنكَ ضَرراً في كَثرَةِ شَرِّهِ. إذا أنت اعتَصَمتَ بِاللهِ فقد هُدِيتَ إلىٰ صِراطٍ مُستقيمٍ.[1]

(انظر) العداوة: باب ۲۵۲۲.

۹۵۵۷ . امام کاظم علیه السلام ـ در سفارش خویش به هشام ـ فرمود: دشمنی تو با ابلیس باید سخت باشد و نباید که صبر او در تلاشش برای نابودی تو، بیشتر از صبر تو در مبارزهٔ با او باشد؛ زیرا ابلیس با همهٔ قدرتش، از تو ناتوانتر است و با همهٔ بدیش، کمتر از تو می‌تواند ضربه زند. اگر تو به خداوند پناه بری، هر آینه به راهی راست هدایت شده‌ای.

۱۹۹۸
غَوایاتُ الشَّیطانِ

الكتاب:

﴿لَعَنَهُ اللهُ وَقالَ لَأَتَّخِذَنَّ مِنْ عِبادِكَ نَصِيباً مَفْرُوضاً * وَلَأُضِلَّنَّهُمْ وَلَأُمَنِّيَنَّهُمْ وَلَآمُرَنَّهُمْ فَلَيُبَتِّكُنَّ آذانَ الْأَنْعامِ وَلَآمُرَنَّهُمْ فَلَيُغَيِّرُنَّ خَلْقَ اللهِ وَمَنْ يَتَّخِذِ الشَّيْطانَ وَلِيّاً مِنْ دُونِ اللهِ فَقَدْ خَسِرَ خُسْراناً مُبِيناً﴾.[2]

﴿الشَّيْطانُ يَعِدُكُمُ الْفَقْرَ وَيَأْمُرُكُمْ بِالْفَحْشاءِ وَاللهُ يَعِدُكُمْ مَغْفِرَةً مِنْهُ وَفَضْلاً وَاللهُ واسِعٌ عَلِيمٌ﴾.[3]

﴿يَعِدُهُمْ وَيُمَنِّيهِمْ وَما يَعِدُهُمُ الشَّيْطانُ إِلَّا غُرُوراً﴾.[4]

﴿فَلَوْلا إِذْ جاءَهُمْ بَأْسُنا تَضَرَّعُوا وَلكِنْ قَسَتْ قُلُوبُهُمْ وَزَيَّنَ لَهُمُ الشَّيْطانُ ما كانُوا يَعْمَلُونَ﴾.[5]

۱۹۹۸
گمراه سازیهای شیطان

قرآن:

«خدا او (شیطان) را لعنت کرد [و از رحمتش دور ساخت وقتی که] گفت: بیگمان، از میان بندگانت نصیبی معیّن [برای خود] برخواهم گرفت و حتماً آنان را گمراه و دچار آرزوهای دور و دراز خواهم کرد و وادارشان می‌کنم تا گوشهای چارپایان را بشکافند و وادارشان می‌کنم تا آفریدهٔ خدا را دگرگون سازند. و هر کس که به جای خدا شیطان را به دوستی برگزیند، بی‌گمان زیانی آشکار کرده است».

«شیطان شما را از تهیدستی می‌ترساند و به کارهای زشت وادارتان می‌کند؛ در حالی که خداوند از جانب خود به شما وعدهٔ آمرزش و بخشش می‌دهد. خدا گشایش دهندهٔ داناست».

«[شیطان] به آنها وعده می‌دهد و به آرزوشان می‌افکند و جز وعدهٔ فریبنده به آنان نمی‌دهد».

«پس، چرا هنگامی که عذاب ما به آنها رسید زاری نکردند؟ زیرا دلهایشان را قساوت فرا گرفته و شیطان اعمال آنها را در نظرشان آراسته بود».

---

۱. تحف العقول: ۴۰۰.
۲. النساء: ۱۱۸، ۱۱۹.
۳. البقرة: ۲۶۸.
۴. النساء: ۱۲۰.
۵. الأنعام: ۴۳.

۵۵۲ ـــــــ

واستَضِئْ بِنُورِ هِدايَتِهِ، وما كَلَّفَكَ الشَّيطانُ عِلمَهُ ممّا ليسَ في الكتابِ عليكَ فَرضُهُ ولا في سُنَّةِ النبيِّ ﷺ وأئمّةِ الهُدىٰ أثَرُهُ فَكِل عِلمَهُ إلى اللهِ سبحانَهُ؛ فإنَّ ذلك مُنتَهىٰ حَقِّ اللهِ عليكَ.[1]

به آموختن آن وا داشته و دانستن آن در کتاب (قرآن) بر تو واجب نشده و در سنّت پیامبر ﷺ و پیشوایان هدایت نیز اثری از آنها نیست، علم پیدا کردن به آن صفات را به خداوند سبحان واگذار؛ زیرا این منتهای حق خدا بر توست.

۹۵۶۳. الإمامُ زينُ العابدينَ ﷺ ـ في دعائِهِ ـ: فلَولا أنَّ الشَّيطانَ يَختَدِعُهُم عَن طاعَتِكَ ما عَصاكَ عاصٍ، ولَولا أنَّهُ صَوَّرَ لَهُمُ الباطِلَ في مِثالِ الحَقِّ ما ضَلَّ عَن طَرِيقِكَ ضالٌّ.[2][3]

۹۵۶۳. **امام زین العابدین** ﷺ ـ در دعای خود ـ گفت: اگر شیطان با فریبکاری آنان را از طاعت تو باز نمی‌داشت، هیچ معصیت کاری معصیت تو نمی‌کرد، و اگر او باطل را در لباس حق برای آنان در نمی‌آورد، هیچ ره گم کرده‌ای راه تو را گم نمی‌کرد.

۹۵۶۴. الإمامُ الصّادقُ ﷺ: لَمّا نَزَلَت هذهِ الآيَةُ: ﴿وَالَّذِينَ إِذا فَعَلُوا فاحِشَةً أَوْظَلَمُوا أَنفُسَهُمْ ذَكَرُوا اللهَ فَاسْتَغْفَرُوا لِذُنُوبِهِمْ وَمَن يَغْفِرُ الذُّنُوبَ إِلَّا اللهُ وَلَمْ يُصِرُّوا عَلَىٰ مَا فَعَلُوا وَهُمْ يَعْلَمُونَ﴾[4] صَعِدَ إبليسُ جَبَلاً بِمَكَّةَ يقالُ لَهُ: ثَورٌ، فَصَرَخَ بِأعلىٰ صَوتِهِ بِعَفارِيتِهِ فاجتَمَعوا إلَيهِ، فقالوا: يا سَيِّدَنا، لِمَ دَعَوتَنا؟ قالَ: نَزَلَت هذهِ الآيَةُ، فَمَن لَها؟ فقامَ عِفريتٌ مِن الشَّياطينِ فقالَ: أنا لَها بِكذا وكذا، قالَ: لَستَ لَها، فقامَ آخَرُ فقالَ

۹۵۶۴. **امام صادق** ﷺ: وقتی آیهٔ: «و آنان که چون کار زشتی کنند، یا بر خود ستم روا دارند، خدا را به یاد می‌آورند و برای گناهانشان آمرزش می‌خواهند ـ و چه کسی جز خدا گناهان را می‌آمرزد؟ ـ و بر آنچه مرتکب شده‌اند، با آنکه می‌دانند [که گناه است] پافشاری نمی‌کنند» نازل شد، ابلیس بالای کوهی در مکّه، به نام ثور، رفت و با بلندترین فریاد خود، دیوهایش را صدا زد. آنها جمع شدند و گفتند: سرورا! ما را برای چه فرا خواندی؟ ابلیس گفت: این آیه نازل شد. اکنون کدام یک از شما حریف آن هستید؟ دیوی از شیطانها برخاست وگفت: من چنین و چنان می‌کنم. ابلیس گفت: تو حریف آن نیستی. دیگری برخاست و همانند آن سخنان

---

۱. نهج البلاغة: الخطبة ۹۱.
۲. الصحيفة السجّادية: الدعاء ۳۷.
۳. (انظر) الباطل: باب ۳۶۸. ۴. آل عمران: ۱۳۵.

مِثلَ ذلكَ، فقالَ: لَستَ لَها، فقالَ الوَسواسُ الخَنّاسُ: أنا لَها، قالَ: بماذا؟ قالَ: أعِدُهُم وأُمَنّيهِم حتّىٰ يُواقِعُوا الخَطيئةَ فإذا واقَعُوا الخَطيئةَ أنسَيتُهُمُ الاِستِغفارَ، فقالَ: أنتَ لَها، فَوَكَّلَهُ بِها إلىٰ يَومِ القِيامَةِ.[1]

۹۵۶۵. **عنه ﷺ**: إنّ الشَّيطانَ يُديرُ ابنَ آدَمَ في كُلِّ شَيءٍ، فإذا أعياهُ جَثَمَ لَهُ عِندَ المالِ فَأخَذَ بِرَقَبَتِهِ.[2]

۹۵۶۶. **عنه ﷺ**: يقولُ إبليسُ لِجُنُودِهِ: أَلقُوا بَينَهُمُ الحَسَدَ والبَغيَ؛ فإنَّهُما يَعدِلانِ عِندَ اللهِ الشِّركَ.[3]

۹۵۶۷. **عنه ﷺ**: صَعِدَ عيسى ﷺ عَلَىٰ جَبَلٍ بِالشامِ يُقالُ لَهُ: أريحا، فَأتاهُ إبليسُ في صُورَةِ مَلِكِ فلسطينَ فقالَ لَهُ: يا روحَ اللهِ، أحيَيتَ المَوتىٰ وأبرَأتَ الأكمَهَ والأبرَصَ، فاطرَحْ نفسَكَ عنِ الجَبَلِ، فقالَ عيسىٰ ﷺ: إنَّ ذلكَ أُذِنَ لي فِيهِ وهذا لَم يُؤذَنْ لي فِيهِ.[4]

۹۵۶۸. **عنه ﷺ**: جاءَ إبليسُ إلىٰ عيسىٰ ﷺ فقالَ: أَلَيسَ تَزعُمُ أنَّكَ تُحيِي المَوتىٰ؟ قالَ عيسىٰ ﷺ: بَلىٰ، قالَ إبليسُ: فاطرَحْ نفسَكَ مِن فَوقِ الحائِطِ، فقالَ عيسىٰ ﷺ:

گفت. ابلیس گفت: تو نیز از عهده بر نمی‌آیی. [دیوی به نام] وسواس خنّاس گفت: من از عهده‌اش بر می‌آیم. ابلیس گفت: چگونه؟ او گفت: به آنان وعده و امید [توبه و آمرزش] می‌دهم تا آن که مرتکب گناه شوند و چون به گناه در افتادند، استغفار را از یادشان می‌برم. ابلیس گفت: تو حریف این آیه هستی. پس او را تا روز قیامت مأمور [مقابله با] آن کرد.

۹۵۶۵. **امام صادق ﷺ**: شیطان آدمی را گرد هر چیزی می‌چرخاند و چون او را خسته و درمانده کرد، نزدیک ثروت کمین می‌کند و گردنش را می‌گیرد.

۹۵۶۶. **امام صادق ﷺ**: ابلیس به سپاهیان خود گفت: در میان آدمیان حسادت و تجاوزگری افکنید؛ زیرا این دو نزد خدا با شرک برابر است.

۹۵۶۷. **امام صادق ﷺ**: عیسی ﷺ بر فراز کوهی در شام، به نام اَریحا، رفت. ابلیس در چهرهٔ پادشاه فلسطین نزد آن حضرت آمد و گفت: ای روح الله! تو مردگان را زنده کردی و کور مادر زاد و پیس را شفا دادی؛ پس [اگر راست می‌گویی] خودت را از کوه پرت کن. عیسی ﷺ فرمود: من در آن کارها اذن داشتم ولی در این کار اذن ندارم.

۹۵۶۸. **امام صادق ﷺ**: ابلیس نزد عیسی ﷺ آمد و گفت: مگر تو نمی‌گویی که مردگان را زنده می‌کنی؟ عیسی ﷺ فرمود: چرا. ابلیس گفت: پس [اگر راست می‌گویی] خودت را از روی

---

۱. الأمالي للصدوق: ۷۳۷/۵۵۱.
۲. الكافي: ۴/۳۱۵/۲. ۳. الكافي: ۲/۳۲۷/۲.
۴. قصص الأنبياء: ۲۳۸/۲۶۹.

وَيلَكَ! إنَّ العَبدَ لا يُجَرِّبُ رَبَّهُ، وقالَ إبليسُ: يا عيسىٰ، هل يَقدِرُ رَبُّكَ علىٰ أن يُدخِلَ الأرضَ في بَيضَةٍ والبَيضَةُ كَهَيئَتِها؟ فقالَ: إنّ اللهَ عَزَّوجلَّ لا يُوصَفُ بِعَجزٍ، والذي قُلتَ لا يَكونُ.[1]

(انظر) معرفة الله: باب ۲۶۰۹.

البدعة: باب ۳۳۵.

دیوار به زیر انداز. عیسی‌ؑ فرمود: وای بر تو! بنده که خداوندگار خود را نمی‌آزماید. ابلیس گفت: ای عیسی! آیا پروردگار تو می‌تواند [کُرهٔ] زمین را در تخم مرغی با همین اندازه‌ای که دارد جای دهد؟ عیسی‌ؑ فرمود: خداوند عزّوجلّ به هیچ ناتوانی وصف نمی‌شود، اما آنچه تو می‌گویی ناشدنی است.

۱۹۹۹
ما يَعصِمُ مِنَ الشَّيطانِ

۱۹۹۹
آنچه انسان را از گزند شیطان نگه می‌دارد

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

الكتاب:

﴿إنَّهُ لَيسَ لَهُ سُلطانٌ عَلَى الَّذِينَ آمَنُوا وَعَلَىٰ رَبِّهِم يَتَوَكَّلُونَ﴾.[2]

﴿إنَّ عِبادِي لَيسَ لَكَ عَلَيهِم سُلطانٌ إلّا مَنِ اتَّبَعَكَ مِنَ الغاوِينَ﴾.[3]

قرآن:

«همانا شیطان را بر کسانی که ایمان آورده‌اند و به پروردگارشان توکّل دارند، چیرگی نیست».

«همانا تو را بر بندگان من چیرگی نباشد مگر بر آن گمراهانی که از تو پیروی کنند».

الحديث:

۹۵۶۹. **الإمامُ عليٌّ**ؑ: أكثِرِ الدُّعاءَ تَسلَمْ مِن سَورَةِ الشَّيطانِ.[4]

۹۵۷۰. **الإمامُ الباقرُ**ؑ: تَحَرَّزْ مِن إبليسَ بالخَوفِ الصادِقِ.[5]

حدیث:

۹۵۶۹. **امام علی**ؑ: زیاد دعا کن تا از گزند شیطان محفوظ مانی.

۹۵۷۰. **امام باقر**ؑ: با ترس واقعی، خود را از ابلیس مصون دار.

---

۱. قصص الأنبياء: ۳۳۹/۲۶۹.

۲. النحل: ۹۹. ۳. الحجر: ۴۲.

۴. بحار الأنوار: ۶۴/۹/۷۸ ۵. بحار الأنوار: ۱/۱۶۴/۷۸.

٩٥٧١ . الإمامُ الصّادقُ ﷺ: قالَ إبليسُ : خَمسَةٌ ليسَ لي فيهِنَّ حِيلَةٌ وسائرُ الناسِ في قَبضَتي : مَنِ اعتَصَمَ بِاللهِ عن نيّةٍ صادِقَةٍ واتَّكَلَ علَيهِ في جَميعِ اُمُورِهِ، ومَن كَثُرَ تَسبيحُهُ في لَيلِهِ ونَهارِهِ، ومَن رَضِيَ لأخِيهِ المؤمِنِ بما يَرضاهُ لنفسِهِ، ومَن لَم يَجزَعْ على المُصيبةِ حينَ تُصيبُهُ، ومَن رَضِيَ بما قَسَمَ اللهُ لَهُ ولَم يَهتَمَّ لِرِزقِهِ.[1]

(انظر) الاستغفار : باب ٣٠٣٩.

العصمة : باب ٢٧٠٤.

٩٥٧١ . امام صادق ﷺ: ابليس گفت: پنج دسته‌اند كه هيچ چاره‌اى براى آنها ندارم اما ديگر مردمان در مشت من هستند: هركه با نيّت درست به خدا پناه برد و در همهٔ كارهايش به او تكيه كند؛ كسى كه شب و روز بسيار تسبيح خدا گويد؛ كسى كه براى برادر مؤمنش آن پسندد كه براى خود مى‌پسندد؛ كسى كه هرگاه مصيبتى به او مى‌رسد بيتابى نمى‌كند؛ و كسى كه به آنچه خداوند قسمتش كرده خرسند است و غم روزيش را نمى‌خورد.

٢٠٠٠

سَلطَنَةُ الشَّيطانِ عَلىٰ أولِيائِهِ

سلطهٔ شيطان بر دوستانش

الكتاب:

﴿إنَّما سُلطانُهُ عَلَى الَّذِينَ يَتَوَلَّوْنَهُ وَالَّذِينَ هُمْ بِهِ مُشْرِكُونَ﴾.[2]

﴿إنَّما ذٰلِكُمُ الشَّيطانُ يُخَوِّفُ أوْلِياءَهُ فَلَا تَخافُوهُمْ وَخافُونِ إنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ﴾.[3]

قرآن:

«تسلّط او (خدا) تنها بر كسانى است كه او را به سرپرستى برمى‌گيرند و بر كسانى كه آنها به او شرك مى‌ورزند».

«در واقع اين شيطان است كه دوستان خود را مى‌ترساند؛ پس اگر ايمان داريد، از آنها مترسيد، و از من بترسيد».

الحديث:

٩٥٧٢ . الإمامُ عليٌّ ﷺ: إنّما بَدءُ وُقُوعِ الفِتَنِ أهواءٌ تُتَّبَعُ... فَهُنالِكَ يَستَولِي الشَّيطانُ علىٰ

حديث:

٩٥٧٢ . امام على ﷺ: نقطهٔ آغاز فتنه‌ها و گمراهى‌ها، در حقيقت، پيروى از هواهاى نفس است... در اين جاست كه شيطان بر دوستان خود استيلا مى‌يابد، اما كسانى كه

---

١ . الخصال : ٣٧/٢٨٥. ٢ . النحل : ١٠٠.

٣ . آل عمران : ١٧٥.

أولِيائِهِ، ويَنجُو الذينَ سَبَقَت لَهُم مِنَ اللهِ الحُسنىٰ.[1]

٩٥٧٣. الإمامُ الصّادقُ ﷺ ـ في قولِهِ تعالىٰ: ﴿إِنَّما سُلطانُهُ عَلَى الَّذِينَ يَتَوَلَّوْنَهُ وَالَّذِينَ هُمْ بِهِ مُشْرِكُونَ﴾ ـ: ليسَ لَهُ أن يُزِيلَهُم عَنِ الوَلايَةِ، فأمّا الذُّنوبُ وأشباهُ ذلكَ فإنَّهُ يَنالُ مِنهُم كما يَنالُ مِن غَيرِهِم.[2]

٢٠٠١
ما يُسَلِّطُ الشَّيطانَ

الكتاب:

﴿اسْتَحْوَذَ عَلَيْهِمُ الشَّيْطانُ فَأَنْساهُمْ ذِكْرَ اللهِ أُولئِكَ حِزْبُ الشَّيْطانِ أَلا إِنَّ حِزْبَ الشَّيْطانِ هُمُ الخاسِرُونَ﴾.[3]

﴿وَمَن يَعْشُ عَنْ ذِكْرِ الرَّحْمنِ نُقَيِّضْ لَهُ شَيْطاناً فَهُوَ لَهُ قَرِينٌ﴾.[4]

﴿هَلْ أُنَبِّئُكُمْ عَلَىٰ مَنْ تَنَزَّلُ الشَّياطِينُ * تَنَزَّلُ عَلَىٰ كُلِّ أَفّاكٍ أَثِيمٍ﴾.[5]

(انظر) آل عمران: ١٥٥، الأعراف: ٢٧، مريم: ٨٣.

الحديث:

٩٥٧٤. رسولُ اللهِ ﷺ: بَينَما موسىٰ ﷺ جالِساً إذ

---

١. نهج البلاغة: الخطبة ٥٠.
٢. تفسير العياشي: ٢/٢٧٠/٦٩.
٣. المجادلة: ١٩.
٤. الزخرف: ٣٦.
٥. الشعراء: ٢٢١، ٢٢٢.

پیشتر لطف خدا شامل حالشان گشته است [از سلطهٔ شیطان] می‌رهند.

٩٥٧٣. **امام صادق**ﷺ ـ دربارهٔ آیهٔ: «تسلّط او تنها بر کسانی است که او را به سرپرستی برمی‌گیرند و بر کسانی که آنها به او (خدا) شرک می‌ورزند» ـ فرمود: او نمی‌تواند ایشان را از ولایت دور کند، بلکه به وسیله گناهان و امثال آنها به آنان صدمه می‌زند همچنان که به دیگران می‌زند.

٢٠٠١
آنچه شیطان را مسلّط می‌کند

قرآن:

«شیطان بر آنها مستولی شد، پس خدا را از یادشان برد. اینان حزب شیطانند. بدان که حزب شیطان همان زیانکارانند».

«و هرکه از یاد خدای رحمان روی گرداند بر او شیطانی می‌گماریم که همدم او باشد».

«آیا به شما خبر دهم که شیاطین بر چه کسی فرود می‌آیند؟ بر هر دروغزن گنهکاری فرود می‌آیند».

حدیث:

٩٥٧٤. **پیامبر خدا**ﷺ: موسیﷺ نشسته بود که ابلیس نزد او آمد... موسی فرمود: مرا از

أقبَلَ إبليسُ... قالَ موسىٰ: فَأخبِرْني بِالذَّنبِ الذي إذا أذنَبَهُ ابنُ آدَمَ استَحوَذتَ عليهِ. قالَ: إذا أعجَبَتهُ نَفسُهُ، واستَكثَرَ عَمَلَهُ، وصَغُرَ في عَينِهِ ذَنبُهُ.[1]

آن گناهی خبر ده که اگر آدمی مرتکبش شود تو بر او استیلا می‌یابی؟ ابلیس گفت: هر گاه خود پسند شود، و عملش را زیاد بیند، و گناهش در نظرش خُرد آید.

٩٥٧٥. الإمامُ عليٌّ عليه السلام: مُجالَسَةُ أهلِ الهَوىٰ مَنساةٌ للإيمانِ ومَحضَرَةٌ للشَّيطانِ.[2]

٩٥٧٥. امام علی علیه السلام: همنشینی با هوسرانان، موجب از یاد رفتن ایمان و حضور شیطان است.

٩٥٧٦. عنه عليه السلام ـ مِن كتابِهِ للأشتَرِ ـ: إيّاكَ والإعجابَ بنفسِكَ، والثِّقَةَ بما يُعجِبُكَ مِنها، وحُبَّ الإطراءِ؛ فإنَّ ذلكَ مِن أوثَقِ فُرَصِ الشَّيطانِ في نفسِهِ لِيَمحَقَ ما يَكونُ مِن إحسانِ المُحسِنينَ.[3]

٩٥٧٦. امام علی علیه السلام ـ در عهدنامهٔ خود با مالک اشتر ـ نوشت: از خود پسندی و تکیه به آنچه موجب خود پسندی تو می‌شود و از علاقه به مدح و ستایش دوری کن؛ زیرا این خصلتها از مهمترین فرصتهای شیطان است تا نیکی نیکوکاران را نابود کند.

٩٥٧٧. عنه عليه السلام ـ في صِفَةِ المَلائكةِ ـ: لَم يَختَلِفُوا في رَبِّهِم بِاستِحواذِ الشَّيطانِ عليهِم.[4]

٩٥٧٧. امام علی علیه السلام ـ در توصیف فرشتگان ـ فرمود: دربارهٔ پروردگارشان اختلاف نکردند؛ چون شیطان بر آنان استیلا نیافت.

٩٥٧٨. عنه عليه السلام: مَن شَغَلَ نفسَهُ بغَيرِ نفسِهِ تَحَيَّرَ في الظُّلُماتِ، وارتَبَكَ في الهَلَكاتِ، ومَدَّت بِهِ شَياطِينُهُ في طُغيانِهِ، وزَيَّنَت لَهُ سَيِّءَ أعمالِهِ.[5]

٩٥٧٨. امام علی علیه السلام: هر که خود را به غیر خود مشغول دارد، در تاریکیها سرگردان مانَد و در تباهیها فرو رَوَد و شیطانهایش او را در طغیانش کمک کنند و کردارهایِ زشتِ او را در نظرش بیارایند.

(انظر) الحزب: باب ٨١٤.

٢٠٠٢
ما يُبعِدُ الشَّيطانَ

٢٠٠٢
آنچه شیطان را دور می‌کند

٩٥٧٩. الإمامُ الباقرُ عليه السلام: عليكُم بِالصَّدَقَةِ، فَبَكِّرُوا

٩٥٧٩. امام باقر علیه السلام: بر شما باد صدقه دادن. صدقه را صبح زود بدهید که آن روی ابلیس را

---

١. الكافي: ٨/٣١٤/٢. ٢. نهج البلاغة: الخطبة ٨٦.
٣. نهج البلاغة: الكتاب ٥٣. ٤. نهج البلاغة: الخطبة ٩١.
٥. نهج البلاغة: الخطبة ١٥٧.

بِها ؛ فإنَّها تُسَوِّدُ وَجهَ إبليسَ.[1]

سیاه می‌کند.

۹۵۸۰ . الإمامُ الصّادقُ عن آبائهِ عليهم السلام : قالَ رسولُ اللهِ صلى الله عليه وآله : ألا أُخبِرُكُم بِشَيءٍ إن أنتُم فَعَلتُمُوهُ تَباعَدَ الشَّيطانُ مِنكُم كما تَباعَدَ المَشرِقُ مِن المَغرِبِ ؟ قالوا : بَلىٰ، قالَ : الصَّومُ يُسَوِّدُ وَجهَهُ، والصَّدَقَةُ تَكسِرُ ظَهرَهُ، والحُبُّ في اللهِ والمُوازَرَةُ على العَمَلِ الصّالِحِ يَقطَعانِ دابِرَهُ، والاستِغفارُ يَقطَعُ وَتِينَهُ.[2]

۹۵۸۰ . امام صادق عليه السلام ـ به نقل از پدرانش عليهم السلام : پیامبر خدا صلى الله عليه وآله فرمود : آیا شما را از چیزی خبر ندهم که اگر به آن عمل کنید شیطان از شما دور شود، چندان که مشرق از مغرب دور است؟ عرض کردند : چرا. فرمود : روزه روی شیطان را سیاه می‌کند، و صدقه پشت او را می‌شکند، و دوست داشتن برای خدا و همیاری در کار نیک ریشهٔ او را می‌کند، و استغفار شاهرگش را می‌زند.

(انظر) الذكر : باب ۱۳۴۴.

۲۰۰۳
نَصائِحُ الشَّيطانِ

۹۵۸۱ . الإمامُ الباقرُ عليه السلام : لَمّا دَعا نوحٌ عليه السلام رَبَّهُ عَزَّوجلَّ على قَومِهِ أتاهُ إبليسُ لَعَنَهُ اللهُ فقالَ : يا نوحُ... اذكُرْني في ثلاثةِ مَواطِنَ، فإنّي أقرَبُ ما أكُونُ إلى العَبدِ إذا كانَ في إحداهُنَّ : اُذكُرْني إذا غَضِبتَ، واذكُرْني إذا حَكَمتَ بينَ اثنَينِ، واذكُرْني إذا كُنتَ مَعَ امرأةٍ خالياً لَيسَ مَعَكُما أحَدٌ.[3]

۹۵۸۲ . الإمامُ الصّادقُ عليه السلام : لَمّا هَبَطَ نوحٌ عليه السلام مِن السَّفينَةِ أتاهُ إبليسُ، فقالَ لَهُ : ما في

۲۰۰۳
اندرزهای شیطان

۹۵۸۱ . امام باقر عليه السلام : وقتی نوح عليه السلام قوم خود را به درگاه خداوند عزّوجلّ نفرین کرد، ابلیس، که لعنت خدا بر او باد، نزد وی آمد و گفت : ای نوح!... در سه جا به یاد من باش؛ زیرا، من در یکی از این سه جا بیش از هر زمانی به بنده نزدیکم : هر گاه خشمگین شدی به یاد من باش، هر گاه میان دو نفر داوری کردی به یاد من باش و هر گاه با زنی [نامحرم] تنها بودی و هیچ کس با شما نبود به یاد من باش.

۹۵۸۲ . امام صادق عليه السلام : چون نوح عليه السلام از کشتی پیاده شد، ابلیس نزد او آمد و گفت : در روی زمین کسی به اندازهٔ تو در حق من لطف

---

۱ . تحف العقول : ۲۹۸.
۲ . الأمالي للصدوق : ۱۰۲/۱۱۷.
۳ . الخصال : ۱۴۰/۱۳۲.

الأرضِ رجُلٌ أعظَمَ مِنّةً عَلَيَّ مِنكَ، دَعَوتَ اللهَ علىٰ هٰؤلاءِ الفُسّاقِ فَأَرَحتَني منهم! ألا أُعَلِّمُكَ خَصلَتَينِ: إيّاكَ والحَسَدَ فهُو الذي عَمِلَ بي ما عَمِلَ، وإيّاكَ والحِرصَ فهُو الذي عَمِلَ بآدَمَ ما عَمِلَ.[1]

نکرده است؛ این تبهکاران را نفرین کردی و مرا از آنان آسوده نمودی! آیا دو خصلت به تو نیاموزم؟ از حسادت دوری کن؛ زیرا حسادت بود که با من آن کرد که کرد؛ و از آزمندی نیز بپرهیز؛ زیرا آزمندی بود که با آدم آن کرد که کرد.

۹۵۸۳ . قصص الأنبياء: إبليسُ ـ لموسىٰ ﷺ ـ: إذا هَمَمتَ بِصَدَقَةٍ فامْضِها، وإذا هَمَّ العَبدُ بصَدَقَةٍ كُنتُ صاحِبَهُ دُونَ أصحابِي حتّىٰ أحُولَ بينَهُ وبينَها.[2]

۹۵۸۳ . قصص‌الأنبياء: ابلیس به ـ موسی ﷺ ـ گفت: هر گاه تصمیم گرفتی صدقه‌ای بدهی، آن را بپرداز، که هر گاه آدمی بخواهد صدقه‌ای بدهد خودِ من، و نه یارانم، همراه او می‌شوم تا مانع صدقه دادن وی شوم.

(انظر) بحار الأنوار: ۶۳ / ۲۵۰، ۲۵۱؛ الشيطان: باب ۲۰۰۵ حديث ۹۵۹۱.

۲۰۰۴
شِركُ الشّيطانِ

۲۰۰۴
شریک شیطان

الكتاب:

﴿وَاسْتَفْزِزْ مَنِ اسْتَطَعْتَ مِنْهُمْ بِصَوْتِكَ وَأَجْلِبْ عَلَيْهِمْ بِخَيْلِكَ وَرَجِلِكَ وَشَارِكْهُمْ فِي الْأَمْوالِ وَالْأَوْلادِ وَعِدْهُمْ وَما يَعِدُهُمُ الشَّيْطانُ إلّا غُرُوراً﴾.[3]

قرآن:

«و از ایشان هرکه را توانستی با فریاد خویش برانگیز و به یاری سواران و پیادگانت بر آنان بتاز و در اموال و فرزندان با آنان شریک شو و به آنها وعده بده. و شیطان جز فریب به آنها وعده نمی‌دهد».

الحديث:

۹۵۸۴ . الإمامُ الصّادقُ ﷺ: مَن لَم يُبالِ ما قالَ وما قِيلَ فيهِ فهُو شِركُ شَيطانٍ، ومَن لَم يُبالِ أن يَراهُ الناسُ مُسيئاً فهُو شِركُ شَيطانٍ، ومَنِ

حدیث:

۹۵۸۴ . امام صادق ﷺ: کسی که اهمّیت ندهد چه می‌گوید و درباره‌اش چه گفته می‌شود، او شریک شیطان است، و کسی که برایش مهم نباشد مردم او را بدکار ببینند، شریک

۱ . الخصال: ۶۱/۵۱.
۲ . قصص الأنبياء: ۱۶۳/۱۵۳.
۳ . الإسراء: ۶۴.

اغتابَ أخاهُ المؤمِنَ مِن غَيرِ تِرَةٍ بينَهُما فهُو شِركُ شَيطانٍ، ومَن شَعِفَ بِمَحَبَّةِ الحَرامِ وشَهوةِ الزِّنا فهُو شِركُ شَيطانٍ.[1]

۲۰۰۵
جُنودُ إبليسَ

الكتاب:

﴿فَكُبْكِبُوا فِيها هُمْ وَالغاوُونَ * وَجُنُودُ إبْلِيسَ أَجْمَعُونَ﴾.[2]

الحديث:

۹۵۸۵ . رسولُ اللهِ ﷺ: إنَّ لِإبليسَ كُحلاً ولَعُوقاً وسَعُوطاً، فَكُحلُهُ النُّعاسُ، ولَعُوقُهُ الكَذِبُ، وسَعُوطُهُ الكِبرُ.[3]

۹۵۸۶ . الإمامُ عليٌّ ؈: ليسَ لِإبليسَ وَهَقٌ أعظَمَ مِنَ الغَضَبِ والنِّساءِ.[4]

۹۵۸۷ . عنه ؈ ـ مِن كِتابٍ لَهُ إلى الحارِثِ الهَمْدانِيِّ ـ: إحذَرِ الغَضَبَ؛ فإنّه جُندٌ عَظيمٌ مِن جُنودِ إبليسَ.[5]

۹۵۸۸ . عنه ؈: إتَّخِذُوا التَّواضُعَ مَسلَحَةً بينَكُم وبينَ عَدُوِّكُم إبليسَ وجنودِهِ؛ فإنَّ لَهُ مِن

شیطان است. و کسی که از برادر مؤمن خود غیبت کند، بی آن که میانشان ظلم و ستمی رفته باشد، شریک شیطان است، و هر که شیفتهٔ حرام و شهوت زنا باشد، شریک شیطان است.

۲۰۰۵
سپاهیان ابلیس

قرآن:

«آنان و همهٔ گمراهان در جهنم سرنگون شوند. و نیز همهٔ سپاهیان ابلیس».

حدیث:

۹۵۸۵ . **پیامبر خدا ﷺ:** همانا ابلیس سرمه‌ای دارد و لیسَکی، و انفیه‌ای؛ سرمه‌اش، چُرت زدن است، لیسَکش دروغ، و انفیه‌اش تکبّر.

۹۵۸۶ . **امام علی ؈:** ابلیس، کمندی بزرگتر از خشم و زنان در اختیار ندارد.

۹۵۸۷ . **امام علی ؈** ـ در نامهٔ خود به حارث همدانی ـ نوشت: از خشم دوری کن؛ زیرا که خشم لشکری بزرگ از لشکریان ابلیس است.

۹۵۸۸ . **امام علی ؈:** فروتنی را انبارِ اسلحهٔ میان خود و دشمنتان، ابلیس و سپاهیانش، کنید؛ زیرا او در هر امتی، لشکریان و یاران

---

۱. الخصال: ۴۰/۲۱۶. ۲. الشعراء: ۹۴، ۹۵.
۳. معاني الأخبار: ۱/۱۳۹. ۴. غرر الحكم: ۷۴۹۴.
۵. نهج البلاغة: الكتاب ۶۹.

كُلَّ أُمَّةٍ جُنوداً وأعواناً، وَرَجِلاً وفُرساناً.[1]

و نیروهای پیاده و سواره دارد.

۹۵۸۹ . عنه ﷺ: ألا فالحَذَرَ الحَذَرَ مِن طاعَةِ ساداتِكُم وكُبَرائكُم... ولا تُطيعُوا الأدعِياءَ!... إتَّخَذَهُم إبليسُ مَطايا ضَلالٍ، وجُنداً بِهِم يَصُولُ على الناسِ، وتَراجِمَةً يَنطِقُ علىٰ ألسِنَتِهِم.[2]

۹۵۸۹ . **امام علی**ﷺ: هلا! از پیروی مهتران و بزرگان خود حذر کنید، حذر... و از بی‌بنه‌های مدعی شرافت و بزرگی فرمان نبرید... ابلیس آنان را مرکب گمراهی کرده و سپاهی که با آن بر مردم می‌تازد و مقهورشان می‌سازد و سخنگویانی که از زبانشان سخن می‌گوید.

۹۵۹۰ . الإمامُ الصّادقُ ﷺ: ليسَ لِإبليسَ جُندٌ أشَدَّ مِنَ النِّساءِ والغَضَبِ.[3]

۹۵۹۰ . **امام صادق**ﷺ: ابلیس را سپاهی نیرومندتر از زنان و خشم نیست.

۹۵۹۱ . بحار الأنوار: عنهمﷺ: قالَ إبليسُ لموسىٰﷺ: يا مُوسىٰ لا تَخلُ بِامرأةٍ لا تَحِلُّ لكَ؛ فإنَّهُ لا يَخلُو رَجُلٌ بِامرأةٍ لا تَحِلُّ لَهُ إلّا كُنتُ صاحِبَهُ دُونَ أصحابِي.[4]

۹۵۹۱ . **بحار الأنوار** ـ به نقل از معصومانﷺ ـ: ابلیس به موسیﷺ گفت: ای موسی! با زنی که به تو حلال و محرم نیست خلوت مکن؛ زیرا هیچ مردی با زنِ نامحرم، تنها نشد، جز این که من شخصاً، و نه یارانم، با او باشم.

۲۰۰۶
رَنّاتُ إبليسَ

۹۵۹۲ . الإمامُ عليٌّ ﷺ: ولقد سَمِعتُ رَنَّةَ الشَّيطانِ حِينَ نَزَلَ الوَحيُ علَيهِ ﷺ، فقلتُ: يا رسولَ اللهِ، ما هذِهِ الرَّنَّةُ؟ فقالَ: هذا الشيطانُ قَد أيِسَ مِن عبادَتِهِ.[5]

۲۰۰۶
شیونهای ابلیس

۹۵۹۲ . **امام علی**ﷺ: زمانی که وحی بر رسول خداﷺ نازل شد، من شیون شیطان را شنیدم؛ پرسیدم: ای رسول خدا! این چه شیونی است؟ فرمود: شیطان بود که از پرستیده شدن خود [توسط مردم] نومید شد.

---

۱. نهج البلاغة: الخطبة ۱۹۲. ۲. نهج البلاغة: الخطبة ۱۹۲.
۳. تحف العقول: ۳۶۳. ۴. بحار الأنوار: ۵/۴۸/۱۰۴.
۵. نهج البلاغة: الخطبة ۱۹۲.

۹۵۹۳ . الإمامُ الصّادقُ ﷺ: رَنَّ إبليسُ أربَعَ رَنّاتٍ: أوَّلُهُنَّ يَومَ لُعِنَ، وحِينَ اُهبِطَ إلى الأرضِ، وحِينَ بُعِثَ محمّدٌ ﷺ عَلىٰ حِينِ فَترَةٍ مِنَ الرُّسُلِ، وحِينَ اُنزِلَت اُمُّ الكِتابِ.[1]

۹۵۹۳ . **امام صادق**ﷺ: ابلیس چهار بار شیون کرد: اولین بار، روزی که نفرین شد، و روزی که به زمین فرو انداخته شد، و زمانی که محمّدﷺ، بعد از یک دورهٔ فترت، به پیامبری مبعوث شد و زمانی که ام الکتاب (سورهٔ فاتحه) نازل گشت.

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

۱ . الخصال: ۱۴۱/۲۶۳.


مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

الشِّعْرُ

شعر

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

ولمزيد الاطّلاع راجع:

بحار الأنوار: ٧٩/٢٨٩ باب ١٠٨ «الشّعر وسائر التزّهات».

وسائل الشيعة: ١٠/٤٦٧ باب ١٠٥ «استحباب مدح الأئمّة عليهم السلام بالشّعر ورثائهم به».

كنز العمّال: ٣/٥٧٣، ٨٤٢ «الشّعر المذموم»، وص ٥٧٧، ٨٤٩ «الشّعر المحمود».

سنن أبي داوود: ٤/٣٠٢ «ماجاء في الشّعر».

انظر:

عاشوراء: باب ٢٦٩٢.

۲۰۰۷
تَفسيرُ ما وَرَدَ في ذَمِّ الشُّعَراءِ

الكتاب:

﴿وَالشُّعَراءُ يَتَّبِعُهُمُ الغاوُونَ * أَلَمْ تَرَ أَنَّهُمْ فِي كُلِّ وادٍ يَهِيمُونَ * وَأَنَّهُمْ يَقُولُونَ ما لا يَفْعَلُونَ * إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحاتِ وَذَكَرُوا اللهَ كَثِيراً وَانْتَصَرُوا مِنْ بَعْدِ ما ظُلِمُوا﴾.[1]

﴿وَما عَلَّمْناهُ الشِّعْرَ وَما يَنْبَغِي لَهُ إِنْ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ وَقُرْآنٌ مُبِينٌ﴾.[2]

الحديث:

۹۵۹۴. الإمامُ الباقرُ ﷺ ـ في قولِهِ تعالىٰ: ﴿والشُّعَراءُ يَتَّبِعُهُمُ الغاوُونَ﴾ ـ: هل رَأَيتَ شاعراً يَتَّبِعُهُ أحَدٌ ؟! إنّما هُم قَومٌ تَفَقَّهُوا لِغَيرِ الدِّينِ فَضَلُّوا وأضَلُّوا.[3]

۹۵۹۵. الإمامُ الصّادقُ ﷺ ـ أيضاً ـ: هم قَومٌ تَعَلَّمُوا وتَفَهَّمُوا بِغَيرِ عِلمٍ، فَضَلُّوا وأضَلُّوا.[4]

۹۵۹۶. عنه ﷺ ـ أيضاً ـ: هُمُ القُصّاصُ.[5]

---

۱. الشعراء: ۲۲۴ ـ ۲۲۷. ۲. يس: ۶۹.
۳. معاني الأخبار: ۱۹/۳۸۵. ۴. مجمع البيان: ۳۲۵/۷.
۵. الاعتقادات للصدوق «ضمن المجلّد الخامس من مصنّفات المفيد»: ۱۰۹.

۲۰۰۷
تفسير آياتی که در نکوهش شاعران آمده است

قرآن:

«و شاعران را گمراهان پیروی می‌کنند. آیا ندیدی که آنها در هر وادیی سرگردانند و چیزهایی می‌گویند که عمل نمی‌کنند؟ مگر آنان که ایمان آوردند و کار شایسته کردند و خدا را بسیار یاد نمودند و پس از آن که مورد ستم واقع شدند یاری خواستند».

«و ما به او شعر نیاموختیم و در خور وی نیست؛ این [سخن] نیست مگر اندرزی و قرآنی روشن».

حدیث:

۹۵۹۴. امام باقر ﷺ ـ دربارهٔ آیهٔ: «و شاعران را گمراهان پیروی می‌کنند» ـ فرمود: آیا شاعری را دیده‌ای که کسی از او پیروی کند؟ اینان، در حقیقت، جماعتی هستند که برای غیر دین، دانش آموختند و در نتیجه، هم خود گمراه شدند و هم دیگران را گمراه کردند.

۹۵۹۵. امام صادق ﷺ ـ نیز دربارهٔ همین آیه ـ فرمود: شاعران جماعتی هستند که دانش و آگاهی خود را با علم و علم آموزی به دست نیاورده‌اند و از این رو گمراه شدند و دیگران را نیز به گمراهی می‌کشند.

۹۵۹۶. امام صادق ﷺ ـ نیز دربارهٔ همین آیه ـ فرمود: یکی از مصداق‌های آیه، قصّه‌پردازان[1] هستند.

---

۱. در دورهٔ امام صادق ﷺ، گروهی سودجو با نقل داستان‌های ←

۹۵۹۷ . عنه ﷺ: إيّاكُم ومُلاحاةَ الشُّعَراءِ ؛ فإنَّهُم يَضُنُّونَ بِالمَدحِ ويَجُودُونَ بِالهِجاءِ.[1]

۹۵۹۸ . الدرّ المنثور عن أبي الحسن مولى بني نوفل: إنّ عبدَ اللهِ بنَ رَواحةَ وحَسانَ بنَ ثابتٍ أتَيا رسولَ اللهِ ﷺ حينَ نَزَلَتِ «الشُّعَراءُ» يَبكِيانِ وهو يُقرَأُ ﴿وَالشُّعَراءُ يَتَّبِعُهُمُ الغاوُونَ﴾ حتّىٰ بَلَغَ ﴿إلاَّ الّذينَ آمَنُوا وعَمِلُوا الصّالِحاتِ﴾ قالَ: أنتُم ﴿وذَكَرُوا اللهَ كَثيراً﴾ قالَ: أنتُم ﴿وَانتَصَرُوا مِن بَعدِ ما ظُلِمُوا﴾ قالَ: أنتُم ﴿وسَيَعلَمُ الَّذينَ ظَلَمُوا أيَّ مُنقَلَبٍ يَنقَلِبُونَ﴾ قالَ: الكُفّارُ.[2]

۹۵۹۷ . **امام صادق**ﷺ: با شاعران در نیفتید؛ زیرا آنان درمدح، خسیس‌هستند ودر هجو،سخی.

۹۵۹۸ . **الدرّ المنثور** ـ به نقل از أبو الحسن هم پیمان بنی نوفل ـ : هنگامی که سورهٔ شعراء نازل شد، عبدالله بن رواحه وحسّان بن ثابت با چشم گریان خدمت پیامبر خداﷺ آمدند و آن حضرت [آیهٔ] «و شاعران را گمراهان پیروی می‌کنند» را می‌خواند، تا آن که به «مگر آنان که ایمان آوردند و کار شایسته کردند» رسید، فرمود: شما هستید [و نیز خواند:] «و خدا را بسیار یاد نمودند» فرمود: شما هستید [و نیز خواند:] «و بعد از آن که مورد ستم واقع شدند، یاری خواستند» فرمود: شما هستید [و نیز خواند:] «و کسانی که ستم کردند بزودی خواهند دانست که به چه مکانی باز می‌گردند» فرمود: کافران هستند.

۲۰۰۸
الشِّعرُ جِهادٌ بِاللِّسانِ

۲۰۰۸
شعر، جهاد زبانی است

۹۵۹۹ . رسولُ اللهِ ﷺ ـ لَمّا سُئِلَ عنِ الشِّعرِ ـ: إنّ المُؤمِنَ مُجاهِدٌ بِسَيفِهِ ولِسانِهِ، والذي نَفسي بيدِهِ لَكأنّما يَنضِحُونَهم بِالنَّبلِ.[3]

۹۶۰۰ . عنه ﷺ ـ لمّا سُئِلَ عَمّا أنزَلَهُ اللهُ في الشُّعراءِ ـ: إنّ المؤمِنَ يُجاهِدُ بِسَيفِهِ ولِسانِهِ، والذي نفسي بيدِهِ لَكَأنّما يوَجِهِهم مِثلُ نَضحِ النَّبلِ.[4]

۹۵۹۹ . **پیامبر خدا**ﷺ ـ چون دربارهٔ شعر از ایشان پرسش شد ـ فرمود: فرمود ـ همانا مؤمن با شمشیر و زبان خود جهاد می‌کند؛ سوگند به آن که جانم در دست اوست، شاعران [مؤمن] با شعر خود گویی به دشمن تیر می‌اندازند.

۹۶۰۰ . **پیامبر خدا**ﷺ ـ چون دربارهٔ آیه‌ای که خداوند دربارهٔ شاعران نازل کرده است از ایشان پرسش شد ـ: همانا مؤمن با شمشیر و زبان خود جهاد می‌کند؛ سوگند به آن که جانم در دست اوست، آنان با رویارویی (زبانی) خود، گویی تیر [به دشمن] می‌زنند.

---

۱ . کشف الغمّة: ۴۱۸/۲ . ۲ . الدرّ المنثور: ۳۳۴/۶ .
۳ . مجمع البيان: ۳۲۶/۷ .
۴ . الدرّ المنثور: ۳۳۵/۶ وفيه «نضح النبل»، و الصحيح ما أثبتناه .

⇐ امت‌های پیشین و آب و تاب دادن به آنها، مردم را از مراجعه به راویان راستین سنّت نبوی باز می‌داشتند و خلفای اموی و عباسی نیز آنان را تأیید می‌کردند.

۹۶۰۱ . عنه ﷺ ـ لحَسّانَ بنِ ثابتٍ ـ: اُهجُ المُشرِكينَ؛ فإنّ جَبرئيلَ مَعَكَ.[1]

۹۶۰۲ . الدرّ المنثور عَنِ البَراءِ بنِ عَازِبٍ: قيلَ: يا رسولَ اللهِ، إنّ أبا سُفيانَ بنَ الحرثِ بنِ عبدِ المُطَّلِبِ يَهجُوكَ، فقامَ ابنُ رَواحَةَ فقالَ: يا رسولَ اللهِ، إئذَنْ لي فِيهِ.

قالَ: أنتَ الذي تقولُ: ثَبَّتَ اللهُ؟ قالَ: نَعَم يا رسولَ اللهِ، قلتُ:

ثَبَّتَ اللهُ ما أعطاكَ مِن حَسَنٍ
تَثبيتَ موسىٰ ونَصراً مِثلَ ما نَصَرا

قالَ: وأنتَ يَفعَلُ اللهُ بكَ مِثلَ ذلكَ.

ثُمّ وَثَبَ كَعبٌ فقالَ: يا رسولَ اللهِ، ائذَنْ لي فيهِ.

فقالَ: أنتَ الذي تقولُ: هَمَّتْ؟ قالَ: نَعَم يا رسولَ اللهِ، قلتُ:

هَمَّت سُخَينةُ أن تُغالِبَ رَبَّها
فَلَيُغلَبَنَّ مُغالِبَ الغَلّابِ

قالَ: أما إنَّ اللهَ لَم يَنسَ لكَ ذلكَ.[2]

۲۰۰۹
الشِّعرُ المَمدوحُ

۹۶۰۳ . رسولُ اللهِ ﷺ: إنّ مِنَ الشِّعرِ لَحِكَماً، وإنّ مِنَ

۹۶۰۱ . **پیامبر خدا** ﷺ ـ به حسّان بن ثابت ـ فرمود: مشرکان را هجو کن که جبرئیل با توست.

۹۶۰۲ . **الدرّ المنثور** ـ به نقل از براء بن عازب ـ : به رسول خدا ﷺ عرض شد که ابوسفیان بن حرث بن عبدالمطّلب شما را هجو می‌کند. پس، ابن رواحه برخاست و عرض کرد: ای رسول خدا! اجازه دهید جواب او را بدهم. حضرت فرمود: تویی که گفته‌ای: خدا استوار بدارد؟ عرض کرد: آری، ای رسول خدا. من گفته‌ام:

خدا هر نیکویی را که به تو داده است، استوار گرداند/
همچنان که موسی را استوار داشت و پیروزت کند چنان که او را پیروز کرد.

پیامبر فرمود: خدا با تو نیز چنین کناد.

سپس کعب برجست و عرض کرد: ای رسول خدا! به من رخصت دهید جواب او را بدهم.

حضرت فرمود: تویی که قصیدهٔ «هَمَّتْ» را سروده‌ای؟ عرض کرد: آری، ای رسول خدا! من گفته‌ام:

سُخَینه[1] کوشید تا بر پروردگارش چیره شود/
ولی برای این باید بر کسی چیره بشود که بر همه چیره است.

حضرت فرمود: بدان که خدا این را از تو فراموش نکرده است.

۲۰۰۹
شعر ستوده

۹۶۰۳ . **پیامبر خدا** ﷺ: برخی شعرها حکمت

---

۱ . الدرّ المنثور: ۳۳۶/۶. ۲ . الدرّ المنثور: ۳۳۶/۶.

۱ . لقبی است برای قبیلهٔ قریش ـ م.

البَيانِ لَسِحراً.[۱]

۹۶۰۴. **الإمامُ الصّادقُ**ﷺ: مَن قالَ فِينا بَيتَ شِعرٍ بَنَى اللهُ تعالىٰ لَهُ بَيتاً في الجَنَّةِ.[۲]

۹۶۰۵. **عنه**ﷺ: ما قالَ فِينا قائلٌ بَيتاً مِن الشِّعرِ حتّىٰ يُؤَيَّدَ بِرُوحِ القُدُسِ.[۳]

(انظر) تاريخ مدينة دمشق: ۴۲ / ۵۱۹ ـ ۵۲۹ باب «ما ورد في كون الإمام عليّ ﷺ شاعراً وبعض الأشعار المنسوبة إليه».

است و برخی بیانها افسون.

۹۶۰۴. **امام صادق**ﷺ: هرکه دربارهٔ ما یک بیت شعر بگوید، خداوند متعال در بهشت یک خانه برایش بسازد.

۹۶۰۵. **امام صادق**ﷺ: هیچ سراینده‌ای دربارهٔ ما بیت شعری نگفت، جز آن که روح القدس کمکش کرد.

۲۰۱۰
أوَّلُ مَن قالَ الشِّعرَ

۲۰۱۰
نخستین کسی که شعر گفت

۹۶۰۶. **الإمامُ الحسينُ**ﷺ: كانَ عَليُّ بنُ أبي طالبﷺ بِالكوفَةِ في الجامِعِ، إذ قامَ إلَيهِ رَجلٌ مِن أهلِ الشّامِ، فسَأَلَهُ عن أوَّلِ مَن قالَ الشِّعرَ؟ قالَ: آدَمُﷺ، فقالَ: وما كانَ شِعرُهُ؟ قالَ: لَمّا أُنزِلَ على الأرضِ مِنَ السماءِ فَرَأى تُربَتَها وَسَعَتَها وهَواها وقَتلَ قابِيلُ هابِيلَ، فقال آدَمُﷺ:

تَغَيَّرَتِ البِلادُ ومَن عَلَيها
فَوَجهُ الأرضِ مُغبَرٌّ قَبِيحُ

تَغَيَّرَ كُلُّ ذِي لَونٍ وطَعمٍ
وقَلَّ بَشاشَةُ الوَجهِ المَلِيحِ[۴]

۹۶۰۶. **امام حسین**ﷺ: علیﷺ در مسجد کوفه بود که مردی شامی برخاست و پرسید: که نخستین بار چه کسی شعر گفت، حضرت فرمود: آدمﷺ. پرسید: چه شعری گفت؛ حضرت فرمود: وقتی از آسمان به زمین فرود آورده شد و خاک آن و گستردگی و هوایش و کشته شدن هابیل به دست قابیل را دید، گفت:

سرزمینها و ساکنان آنها دگرگون شده است/
و روی زمین غبار آلود و زشت است
هر آنچه رنگ و بویی دارد تغییر کرده است/
و شادی چهرهٔ نمکین کم شده است.

---

۱. الأمالي للصدوق: ۹۸۷/۷۱۸، سنن أبي داود: ۵۰۱۱/۳۰۳/۴ نحوه.
۲. عيون أخبار الرضا: ۱/۷/۱.
۳. عيون أخبار الرضا: ۲/۷/۱.
۴. بحار الأنوار: ۴/۲۹۰/۷۹.

٢٠١١
أشعَرُ كَلِمَةٍ وأشعَرُ الشُّعَراءِ

٩٦٠٧ . رسولُ اللهِ ﷺ: أشعَرُ كَلِمَةٍ تَكَلَّمَت بها العَرَبُ كَلِمَةُ لَبِيدٍ:

ألا كُلُّ شَيءٍ ما خَلا اللهَ باطلُ.[١]

٩٦٠٨ . عنه ﷺ: أصدَقُ كَلِمَةٍ قالَها شاعِرٌ كَلِمَةُ لَبِيدٍ:

ألا كُلُّ شَيءٍ ما خَلا اللهَ باطلُ.[٢]

٩٦٠٩ . الإمامُ عليٌّ ﷺ ـ لَمّا سُئِلَ عن أشعَرِ الشُّعراءِ ـ: إنَّ القَومَ لَم يَجْروا في حَلْبَةٍ تُعرَفُ الغايَةُ عِندَ قَصَبَتِها، فإن كانَ ولابُدَّ فالمَلِكُ الضِّلّيلُ.[٣]

٢٠١٢
بَعضُ الأشعارِ المَنسوبَةِ إلَى الإمامِ عَلِيٍّ ﷺ

٩٦١٠ . الإمامُ عليٌّ ﷺ:

محمّدٌ النبيُّ أخِي وصِهرِي
وحَمزَةُ سَيِّدُ الشُّهداءِ عَمّي

سَبَقتُكُمُ إلى الإسلامِ طُرّاً
غُلاماً ما بَلَغتُ أوانَ حُلمِي

---

١ . صحيح مسلم: ٢٢٥٦. ٢ . صحيح مسلم: ٢٢٥٦.
٣ . نهج البلاغة: الحكمة ٤٥٥، و قال السيّد الرضيّ معقّباً: «يُريد امرأ القَيس».

٢٠١١
بهترين شعر و قويترين شاعران

٩٦٠٧ . **پيامبر خدا**ﷺ: قويترين شعرى كه عرب گفته اين مصرع از شعر لبيد است:

هلا! هر چه غير از خدا باطل است

٩٦٠٨ . **پيامبر خدا**ﷺ: درست‌ترين جمله‌اى كه يک شاعر گفته، اين سخن لبيد است:

هلا! هر چه غير از خدا باطل است

٩٦٠٩ . **امام على**ﷺ ـ در پاسخ به اين پرسش كه قويترين شاعران كيست ـ فرمود: اين جماعت در يک ميدان مسابقه كه خط پايانش معلوم باشد نتاخته‌اند، اما اگر ناچار بخواهيم قويترين شاعران را معلوم سازيم، او، الملک الضلّيل (پادشاه غرقه در فساد و گمراهى، امرؤ القيس) است.

٢٠١٢
برخى اشعار منسوب به امام علىﷺ

٩٦١٠ . **امام علىﷺ**:

محمّدِ پيامبر، برادر و پدر زن من است/

و حمزهٔ سيد الشهدا، عموى من است

در نوجوانى و هنوز بالغ نشده/

پيش از همهٔ شما اسلام آوردم

وأوجَبَ بِالوَلايَةِ لي عَلَيكُم
رسولُ اللهِ يَومَ غديرِ خُمَّ
فَوَيلٌ ثُمَّ وَيلٌ ثُمَّ وَيلٌ
لِمَن يَلقَى الإلٰهَ غَداً بِظُلمي[1]

رسول خدا در روز غدیر خم/
ولایت مرا بر شما واجب کرد
پس وای و وای و وای برکسی/
که فردا با ستم بر من خدا را دیدار کند

۹۶۱۱ . وعنه﵇:

اللهُ أكرَمَنا بِنَصرِ نَبِيِّه
وبِنا أقامَ دَعائمَ الإسلامِ
وبِنا أعَزَّ نَبِيَّهُ وكِتابَهُ
وأعَزَّنا بِالنَّصرِ والإقدامِ
في كُلِّ مَعرَكَةٍ تَطيرُ سُيُوفُنا
فِيها الجَماجِمَ عن قِراعِ الهامِ[2]

۹۶۱۱ . امام علی﵇:

خداوند با پیروز کردن پیامبرش ما را گرامی داشت/
و ستونهای اسلام را به وسیلهٔ ما برافراشت
پیامبر و کتاب خود را به وسیلهٔ ما قدرت داد/
و باپیروزی و دلاوری، ما را ارجمند ساخت
در هر پیکاری، این شمشیرهای ما بود که کاسهٔ/
سر دلاوران را به هوا می‌پراند.

۹۶۱۲ . وعنه﵇:

أبُنَيَّ إنّي واعِظٌ ومُؤَدِّبٌ
فَافهَمْ فأنت العاقِلَ المُتَأدِّبُ
واحفَظْ وصِيَّةَ والِدٍ مُتَحَنِّنٍ
يَغذُوكَ بِالآدابِ (كَي) لاتَغْضَبُ
أبُنَيَّ إنَّ الرِّزقَ مَكفُولٌ بِهِ
فَعَلَيكَ بِالإجمالِ فيما تَطلُبُ
أبُنَيَّ كم صاحَبتُ مِن ذِي غَدرَةٍ
فإذا صَحِبتَ فانظُرَنْ مَن تَصحَبُ

۹۶۱۲ . امام علی﵇:

پسرم! من اندرزگو و آموزگار ادبم/
و بدان که تو خردمند ادب آموزی
سفارش پدری دلسوز را آویزهٔ گوش کن که/
تو را به آداب، تغذیه می‌کند تا خشمگین نشوی
فرزندم! روزی تضمین شده است/
پس برای بدست آوردن آن میانه‌رو باش
فرزندم! چه دوستهای خائنی که داشته‌ای/
پس بنگر که با که دوستی می‌کنی

---

۱ . تاریخ دمشق «تحقیق المحمودي»: ۲۴۳/۳ .
۲ . تاریخ دمشق: ۵۲۲/۴۲.

۵۷۲ ـــ

وَاجعَلْ صَديقَكَ مَن إذا أحْبَبْتَهُ

حَفِظَ الإخاءَ وكانَ دُونَكَ يَضرِبُ

واحذَرْ ذَوِي المَلَقِ اللِّئامَ فَإنَّهُم

في النائباتِ عليكَ فِيمَن يَخطِبُ[1]

۹۶۱۳ . وعنه عليه السلام:

حَقِيقٌ بِالتَّواضُعِ مَن يَمُوتُ

ويَكفِي المَرءَ مِن دُنياهُ قُوتُ

فَما لِلمَرءِ يُصبِحُ ذا هُمُومٍ

وحِرصٍ لَيسَ يُدرِكُهُ النُّعُوتُ...

فَيا هَذا سَتَرحَلُ عَن قَليلٍ

إلىٰ قَومٍ كَلامُهُمُ السُّكُوتُ[2]

دوست مورد علاقه‌ات را کسی انتخاب کن که اگر دوستش بداری/

پیوند برادری را نگه دارد و در برابر دیگران از تو حمایت کند

از مردمان چاپلوس و فرومایه حذر کن که آنان/

در هنگام گرفتاریها هیزم کشِ معرکه‌اند.

۹۶۱۳ . امام علی علیه السلام:

کسی که سرانجامش مرگ است سزامند فروتنی است/

و آدمی را از دنیایش قُوتی کافی است

انسانی که به خواسته‌ها و آمالش نمی‌رسد/

چرا باید چنین حرص و جوش زند

تو ای انسان بزودی رخت سفر بر می‌بندی/

به سوی مردمی که سخنشان سکوت است.

۹۶۱۴ . وعنه عليه السلام:

فَلا تُفشِ سِرَّكَ إلّا إلَيكَ

فَإنَّ لِكُلِّ نَصيحٍ نَصيحا

فَإنّي رَأيتُ غُواةَ الرِجا

لِ لا يَدَّعُونَ أديماً صَحيحا[3]

۹۶۱۴ . امام علی علیه السلام:

راز خود را جز برای خود فاش مکن/

زیرا هر دوستی را دوستی است

من مردان نادانی را دیده‌ام/

که هیچ پوستی را سالم نمی‌گذارند.

۹۶۱۵ . وعنه عليه السلام:

اِصبِرْ عَلىٰ مَضَضِ الإدلاجِ بِالسَّحَرِ

وبِالرَّواحِ إلى الحاجاتِ بِالبُكَرِ

۹۶۱۵ . امام علی علیه السلام:

بر سختی سحرخیزی و شب زنده‌داری صبر کن/

و صبح زود در پی کارهایت روانه شو

---

۱ . تاریخ دمشق: ۵۲۶/۴۲. ۲ . تاریخ دمشق: ۵۲۸/۴۲.
۳ . تاریخ دمشق: ۵۲۸/۴۲.

لا تَـعْجِزَنَّ ولا يُـضجرك مَـطلَبُهُ
فالنُّجحُ يَتلفُ بينَ العَجزِ والضَّـجَرِ

إنِّـي رَأيتُ وفِـي الأيّـامِ تَـجرِبَةٌ
لِـلصَّبرِ عـاقِبةً مَـحمودَةَ الأثَـرِ

فَـقَلَّ مَـن جَـدَّ فِـي شَـيءٍ يُطالِبُهُ
فاستَصحَبَ الصَّبرَ إلّا فـازَ بِـالظَّفَرِ[1]

از طلب، عاجز و خسته مشو/
زیرا ناتوانی و خستگی موفقیت را از بین می‌برد
روزگار، تجربه‌ها می‌آموزد و من دیدم که/
صبر و شکیبایی فرجامی پسندیده دارد
کم‌اند کسانی که در طلب چیزی بکوشند/
و صبر و پایداری ورزند اما به مقصود نرسند.

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

۱. تاریخ دمشق: ۵۲۹/۴۲.


مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی



الشِّعَارُ

شعار

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

ولمزيد الاطّلاع راجع:

الكافي :۵/۴۷«باب الشُّعار» .

مستدرك الوسائل :۱۱/۱۱۲باب ۴۷«استحباب اتّخاذ المسلمين شِعاراً» .

٢٠١٣
الشِّعارُ

٩٦١٦ . رسولُ اللهِ ﷺ ـ لَمّا أمَرَ بِالشِّعارِ قَبلَ الحَربِ ـ: لِيَكُنْ في شِعارِكُم اسمٌ مِن أسماءِ اللهِ.[١]

٩٦١٧ . عنه ﷺ ـ لِسَرِيَّةٍ بَعَثَها ـ: لِيَكُنْ شِعارُكُم حم [لا] يُنْصَرُونَ، فإنَّهُ اسمٌ مِن أسماءِ اللهِ تعالىٰ عظيمٌ.[٢]

٩٦١٨ . الإمامُ عليٌّ ﷺ: كانَ شِعارُ أصحابِ رسولِ اللهِ ﷺ يومَ بَدرٍ: يا مَنصورُ أمِتْ.[٣]

٩٦١٩ . عنه ﷺ ـ في شِعارٍ لَهُ لِيَومٍ مِن أيّامِ واقِعَةِ الجَمَلِ ـ: حم لا يُنْصَرُونَ، اللّهُمَّ انصُرْنا على القَومِ الناكِثِينَ.[٤]

٩٦٢٠ . الإمامُ الصّادقُ ﷺ ـ في حديثٍ في أصحابِ القائمِ ﷺ ـ: وهُم مِن خَشيَةِ اللهِ مُشفِقُونَ، يَدْعُونَ بِالشَّهادَةِ، ويَتَمَنَّونَ أن يُقتَلُوا في سبيلِ اللهِ، شِعارُهُم: يا لَثاراتِ الحُسينِ ﷺ،

---

١ . دعائم الإسلام: ١/ ٣٧٠.
٢ . مستدرك الوسائل: ١١/ ١١٢/ ١٢٥٥٩.
٣ . الجعفريات: ٨٤.
٤ . شرح نهج البلاغة: ١/ ٢٦٢.

٢٠١٣
شعار

٩٦١٦ . **پیامبر خدا** ﷺ ـ پیش از آغاز جنگ، به شعار دادن فرمان داد و ـ فرمود: باید در شعارتان نامی از نامهای خدای متعال باشد.

٩٦١٧ . **پیامبر خدا** ﷺ ـ آن‌گاه که سپاهی را اعزام کرد ـ فرمود: شعارتان «حم [لا] ینصرون» باشد؛ زیرا آن یکی از نامهای بزرگ خداوند متعال است.

٩٦١٨ . **امام علی** ﷺ: شعار یاران رسول خدا ﷺ در روز بدر «ای (خدای) ظفرمند! بمیران» بود.

٩٦١٩ . **امام علی** ﷺ: یکی از شعارهای امیرالمؤمنین ﷺ در جنگ جمل این بود: «حم، لاینصرون؛ خدایا! ما را بر مردمان پیمان شکن پیروز گردان».

٩٦٢٠ . **امام صادق** ﷺ ـ در حدیثی دربارهٔ یاران قائم ﷺ ـ فرمود: آنان افرادی خداترس و شهادت طلبند، آرزو دارند که در راه خدا کشته شوند. شعارشان: «ای خونخواهان حسین ﷺ» است. چون به حرکت در آیند، ترس و وحشت، به فاصلهٔ یک ماه

إذا سارُوا يَسِيرُ الرُّعبُ أمامَهُم مَسِيرَةَ شَهرٍ.[۱]

۹۶۲۱. **عنه** ﷺ: شِعارُنا يَومَ بَدرٍ: يا نَصرَ اللهِ اقتَرِبْ اقتَرِبْ... شِعارُ الحُسينِ ﷺ: يا مُحمَّدُ، وشِعارُنا: يا محمَّدُ.[۲]

(انظر) بحار الأنوار: ۱۹/ ۱۶۳ـ۱۶۵.

۲۰۱۴
شِعارُ المُسلِمينَ فِي القِيامَةِ

۹۶۲۲. **رسولُ اللهِ** ﷺ: شِعارُ المُسلمينَ على الصِّراطِ يَومَ القِيامَةِ: لا إلٰهَ إلّا اللهُ وعلى اللهِ فَلْيَتَوَكَّلِ المُتَوَكِّلُونَ.[۳]

۹۶۲۳. **عنه** ﷺ: شِعارُ المؤمنينَ على الصِّراطِ يَومَ القِيامَةِ: رَبِّ، سَلِّمْ سَلِّمْ.[۴]

۹۶۲۴. **عنه** ﷺ: شِعارُ أُمَّتي إذا حُمِلُوا على الصِّراطِ: يا لا إلٰهَ إلّا أنتَ.[۵]

۹. **عنه** ﷺ: شِعارُ المُؤمِنِينَ يَومَ يُبعَثُونَ مِن قُبورِهِم: لا إلٰهَ إلّا اللهُ وعلى اللهِ فَلْيَتَوَكَّلِ المؤمنونَ.[۶]

مسافت، پیشاپیش آنان حرکت می‌کند.

۹۶۲۱. **امام صادق** ﷺ: شعار ما در روز بدر این بود: ای پیروزی خدا! نزدیک شو، نزدیک شو... شعار حسین ﷺ «یا محمّد» بود، و شعار ما نیز «یا محمّد» است.

۲۰۱۳
شعار مسلمانان در قیامت

۹۶۲۲. **پیامبر خدا** ﷺ: در روز قیامت شعار مسلمانان به هنگام عبور از صراط این است: خدایی جز الله نیست و توکّل کنندگان باید به خدا توکّل کنند.

۹۶۲۳. **پیامبر خدا** ﷺ: در روز قیامت شعار مؤمنان بر روی صراط این است: خدای من! به سلامت دار، به سلامت دار.

۹۶۲۴. **پیامبر خدا** ﷺ: شعار امّت من آن هنگام که بر صراط قرار گیرند این است: ای آن که جز تو خدایی نیست.

۹۶۲۵. **پیامبر خدا** ﷺ: شعار مؤمنان در روزی که از گورهایشان برانگیخته می‌شوند، این است: خدایی جز الله نیست و مؤمنان باید به خدا توکّل کنند.

---

۱. مستدرك الوسائل: ۱۲۵۶۵/۱۱/۱۱۴.
۲. الكافي: ۱/۴۷/۵.
۳. جامع الأحاديث للقمّي: ۸۹.
۴. كنز العمّال: ۳۹۰۳۰.
۵. كنز العمّال: ۳۹۰۳۱.
۶. كنز العمّال: ۳۹۰۳۲.

۹۶۲۶ . عنه ﷺ: شِعارُ المؤمنينَ يومَ القِيامَةِ في ظُلَمِ القِيامَةِ: لا إلٰهَ إلّا أنتَ.[1]

(انظر) عنوان ۲۹۴ «الصراط».

۹۶۲۶ . **پیامبر خدا**ﷺ: در تاریکیهای قیامت، شعار مؤمنان این است: خدایی جز تو نیست.

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

۱ . كنز العمّال: ۳۹۰۳۳.



٢٧١

الشَّفاعَةُ فِي الدُّنيا

شفاعت در دنیا

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

ولمزيد الاطّلاع راجع:

كنز العمّال: ٣/٢٦٨ «الشفاعة».

كنز العمّال: ٣/٢٦٩، ٧٣٥ «محظور الشفاعة».

انظر:

الصلح (٢): باب ٢٢٢٩، الظلم: باب ٢٤٣١.

۲۰۱۵
الشَّفاعَةُ

۹۶۲۷ . رسولُ اللهِ ﷺ: اِشفَعُوا تُؤجَرُوا.[۱]

۹۶۲۸ . عنه ﷺ: اِشفَعُوا تُؤجَرُوا، وَلْيَقضِ اللهُ علىٰ لِسانِ نَبِيِّهِ ما شاءَ.[۲]

۹۶۲۹ . عنه ﷺ: أفضَلُ الصَّدقَةِ صَدَقَةُ اللِّسانِ، الشَّفاعَةُ تَفُكُّ بِها الأسيرَ، وتَحقُنُ بها الدَّمَ، وتَجُرُّ المَعروفَ والإحسانَ إلىٰ أخِيكَ، وتَدفَعُ عَنهُ الكَرِيهَةَ.[۳]

۹۶۳۰ . عنه ﷺ: مَن شَفَعَ شَفاعَةً يَدفَعُ بها مَغرَماً أو يُحيِي بها مَغنَماً، ثَبَّتَ اللهُ تعالىٰ قَدَمَيهِ حِينَ تَدحَضُ الأقدامُ.[۴]

۹۶۳۱ . عنه ﷺ: أفضَلُ الشَّفاعَةِ أن تَشفَعَ بينَ اثنَينِ في النِّكاحِ.[۵]

۹۶۳۲ . الإمامُ عليٌّ ﷺ: الشَّفِيعُ جَناحُ الطّالِبِ.[۶]

۹۶۳۳ . الإمامُ الصّادقُ ﷺ: الشَّفاعَةُ زَكاةُ الجاهِ.[۷]

(انظر) الحدود: باب ۷۴۶.

---

۱ . کنز العمّال: ۶۴۸۹.
۲ . کنز العمّال: ۶۴۹۰.
۳ . کنز العمّال: ۶۴۹۳.
۴ . کنز العمّال: ۶۴۹۶.
۵ . کنز العمّال: ۶۴۹۲.
۶ . نهج البلاغة: الحکمة ۶۳.
۷ . تحف العقول: ۳۸۱.

۲۰۱۵
میانجیگری

۹۶۲۷ . **پیامبر خدا ﷺ**: میانجیگری کنید تا پاداش بینید.

۹۶۲۸ . **پیامبر خدا ﷺ**: میانجیگری کنید تا پاداش یابید، و بر خداوند است که از زبان پیامبرش آنچه خواهد داوری کند.

۹۶۲۹ . **پیامبر خدا ﷺ**: بهترین صدقه، صدقهٔ زبان است. با میانجیگری، اسیر را آزاد می‌کنی، از ریخته شدن خون جلوگیری می‌نمایی، احسان را به طرف برادرت می‌کشانی و ناخوشایندی را از او دور می‌سازی.

۹۶۳۰ . **پیامبر خدا ﷺ**: کسی که با میانجیگری خود زیانی را دفع یا سودی را احیا کند، خداوند متعال، قدمهای او را استوار بدارد، در روزی که قدمها می‌لغزد.

۹۶۳۱ . **پیامبر خدا ﷺ**: بهترین وساطت این است که میان دو نفر در امر ازدواج واسطه شوی.

۹۶۳۲ . **امام علی ﷺ**: میانجی، پُسر و بال طالب [حاجت] است.

۹۶۳۳ . **امام صادق ﷺ**: میانجیگری، زکات مقام است.

الشَّفاعَةُ فِي الآخِرَةِ

شفاعت در آخرت

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

ولمزيد الاطّلاع راجع:

بحار الأنوار: ٨/٢٩ باب ٢١ «الشفاعة».

كنز العمّال: ١٤/ ٣٩٠، ٦٢٨ «الشفاعة».

بحار الأنوار: ٩٤/ ١ باب ٢٨ «الاستشفاع بمحمّد وآل محمّد صلوات الله عليهم».

بحار الأنوار: ٧/ ٣٢٦ باب ١٧ «الوسيلة وما يظهر من منزلة النبيّ وأهل بيته عليهم السلام».

الميزان في تفسير القرآن: ١/ ١٥٥ـ١٨٤ «أبحاث الشفاعة».

٢٠١٦
حَقيقَةُ الشَّفاعَةِ

الكتاب:

﴿قُلْ لِلّهِ الشَّفاعَةُ جَمِيعاً[1] لَهُ مُلْكُ السَّماواتِ والأَرْضِ ثُمَّ إِلَيهِ تُرْجَعُونَ﴾.[2]

(انظر) الأنعام: ٥١، ٧٠، السجدة: ٤.

---

١. قال العلّامة الطباطبائي في تفسير قوله تعالىٰ: ﴿قُلْ لِلّهِ الشَّفاعَةُ جَمِيعاً﴾: توضيح وتأكيد لما مرّ من قوله: ﴿قُلْ أَوَلَوْ كانُوا لا يَمْلِكُونَ شَيْئاً﴾. الزمر: ٤٣.

واللام في «لله» للملك، وقوله: ﴿لَهُ مُلْكُ السَّماواتِ والأَرْضِ﴾. الزمر: ٤٤.

في مقام التعليل للجملة السابقة، والمعنى: كلّ شفاعة فإنّها مملوكة لله فإنّه المالك لكلّ شيء، إلّا أن يأذن لأحد في شيء منها فيملّكه إياها، وأمّا استقلال بعض عباده كالملائكة بملك الشفاعة مطلقاً ـ كما يقولون ـ فممّا لا يكون، قال تعالىٰ: ﴿ما مِنْ شَفِيعٍ إِلّا مِنْ بَعْدِ إِذْنِهِ﴾. يونس: ٣.

وللآية معنى آخر أدقّ إذا انضمّت إلى مثل قوله تعالىٰ: ﴿لَيْسَ لَهُمْ مِنْ دُونِهِ وَلِيٌّ ولا شَفِيعٌ﴾. الأنعام: ٥١.

وهو أنّ الشفيع بالحقيقة هو الله سبحانه وغيره من الشفعاء لهم الشفاعة بإذن منه، فقد تقدّم في بحث الشفاعة في الجزء الأوّل من الكتاب أنّ الشفاعة ينتهي إلى توسّط بعض صفاته تعالىٰ بينه وبين المشفوع له لإصلاح حاله، كتوسّط الرحمة والمغفرة بينه وبين عبده المذنب لإنجائه من وبال الذنب وتخليصه من العذاب. الميزان في تفسير القرآن: ١٧/ ٢٧٠.

٢. الزمر: ٤٤.

٢٠١٦
حقيقت شفاعت

قرآن:

«بگو: شفاعت تماماً از آنِ خداست.[1] فرمانروايى آسمانها و زمين خاصّ اوست. سپس به نزد او باز

---

١. علّامهٔ طباطبايى در تفسير آيهٔ «بگو: شفاعت تماماً از آنِ خداست» چنين فرمود:

اين آيه توضيح و تأكيدى است بر آيهٔ قبل كه مى‌فرمايد: «بگو: حتى اگر آن شفيعان هيچ قدرتى نداشته باشند؟».

و حرف لام در «لله» براى ملكيت است و آيهٔ «فرمانروايى آسمانها و زمين خاصّ اوست» در مقام تعليل جملهٔ پيشين است، و بدين معناست كه هر شفاعتى مالِ خداست؛ چراكه او مالك همه چيز است مگر اين كه در چيزى از آنها به كسى اجازه دهد و او را مالك آن نمايد.

و اما اين گفتهٔ برخى كه بعضى بندگان خدا مانند فرشتگان در شفاعت از استقلال عمل مطلق برخوردارند، درست نيست.

خداوند متعال مى‌فرمايد: «شفاعت كننده‌اى نباشد مگر با اجازهٔ او». و اين آيه چنانچه در كنار آيهٔ «آنان را جز خدا هيچ ياور و شفيعى نباشد» قرار گيرد، معناى ديگرى، دقيقتر از آنچه گفتيم دارد و آن اين كه شفيع حقيقى همان خداوند سبحان است وديگر شفيعان تنها به اذن او شفاعت مى‌كنند.

... در بحث شفاعت گفتيم كه شفاعت، با واسطه قرار گرفتن برخى صفات خداوند متعال، ميان او و شخص شفاعت شده، به منظور اصلاح وضع او، صورت مى‌پذيرد. مانند واسطه قرار گرفتن صفات رحمت و مغفرت، ميان خدا و بندهٔ گناهكار او، به منظور نجات وى از بار گناه و رهانيدنش از عذاب.

۲۰۱۷
شُروطُ الشَّفاعَةِ

الكتاب:

﴿مَنْ ذا الَّذِي يَشْفَعُ عِنْدَهُ إِلّا بِإِذْنِهِ﴾.[۱]

﴿إِنَّ رَبَّكُمُ اللهُ الَّذِي خَلَقَ السَّماواتِ والأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيّامٍ ثُمَّ استَوَى عَلَى العَرشِ يُدَبِّرُ الأَمْرَ ما مِنْ شَفِيعٍ إِلّا مِنْ بَعْدِ إِذْنِهِ ذٰلِكُمُ اللهُ رَبُّكُم فاعْبُدُوهُ أَفَلا تَذَكَّرُونَ﴾.[۲]

﴿لا يَمْلِكُونَ الشَّفاعَةَ إِلّا مَنِ اتَّخَذَ عِندَ الرَّحمٰنِ عَهْداً﴾.[۳]

﴿يَوْمَئِذٍ لا تَنْفَعُ الشَّفاعَةُ إِلّا مَنْ أَذِنَ لَهُ الرَّحمٰنُ وَرَضِيَ لَهُ قَوْلاً﴾.[۴]

﴿وَلا يَمْلِكُ الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ الشَّفاعَةَ إِلّا مَنْ شَهِدَ بِالْحَقِّ وَهُمْ يَعْلَمُونَ﴾.[۵]

﴿وَكَمْ مِنْ مَلَكٍ فِي السَّماواتِ لا تُغْنِي شَفاعَتُهُمْ شَيْئاً إِلّا مِن بَعْدِ أَنْ يَأْذَنَ اللهُ لِمَنْ يَشاءُ وَيَرْضَى﴾.[۶]

﴿يَعْلَمُ ما بَينَ أَيْدِيهِم وَما خَلْفَهُمْ وَلا يَشْفَعُونَ إِلّا لِمَنِ ارتَضَى وَهُمْ مِنْ خَشْيَتِهِ مُشْفِقُونَ﴾.[۷]

الحديث:

۹۶۳۳ . رسولُ اللهِ ﷺ: لا يَكونُ اللَّعّانُونَ شُهَداءَ

---

۱. البقرة: ۲۵۵.
۲. يونس: ۳.
۳. مريم: ۸۷.
۴. طه: ۱۰۹.
۵. الزخرف: ۸۶.
۶. النجم: ۲۶.
۷. الأنبياء: ۲۸.

گردانیده می‌شوید».

۲۰۱۷
شرایط شفاعت

قرآن:

«کیست که جز به اذن خدا، نزد او شفاعت کند؟».

«پروردگار شما آن خدایی است که آسمانها و زمین را در شش روز بیافرید. سپس بر عرش استیلا یافت. کار [آفرینش] را تدبیر می‌کند. جز به رخصت او شفاعت کننده‌ای نباشد. این است خدا، پروردگار شما. پس او را بپرستید. آیا پند نمی‌گیرید؟».

«اختیار شفاعت ندارند مگر کسی که از جانب خدای رحمان پیمانی گرفته باشد».

«در آن روز شفاعت سود ندهد مگر کسی را که خداوند رحمان اجازه دهد و سخنش او را پسند آید».

«کسانی که به جای او می‌خوانند (می‌پرستند)، اختیار شفاعت ندارند مگر کسانی که آگاهانه به حق گواهی داده باشند».

«و چه بسیار فرشتگانی که در آسمانها هستند و شفاعتشان هیچ سود ندهد مگر بعد از آن که خداوند به هر کس که بخواهد و خشنود باشد اجازه دهد».

«هر چه را فرا روی آنها و پشت سرشان است می‌داند و جز برای کسی که [خدا] رضایت دهد شفاعت نمی‌کنند و خود از بیم او هراسانند».

حدیث:

۹۶۳۳ . پیامبر خدا ﷺ: کسانی که زیاد لعن (نفرین)

ولا شُفَعاءَ يَومَ القِيامَةِ.[1]

۹۶۳۵. عنه ﷺ: شَفاعَتي لِأُمَّتي مَن أحَبَّ أهلَ بَيتي.[2]

۹۶۳۵. **پیامبر خدا**ﷺ: شفاعت من شامل آن کس از امّتم می‌شود که اهل بیت مرا دوست داشته باشد.

۹۶۳۶. عنه ﷺ: لَأشفَعَنَّ يَومَ القِيامَةِ لِمَن كانَ في قَلبِهِ جَناحُ بَعوضَةٍ إيمانٌ.[3]

۹۶۳۶. **پیامبر خدا**ﷺ: من در روز قیامت کسی را که در دلش به اندازهٔ بال پشه‌ای ایمان باشد، شفاعت خواهم کرد.

۹۶۳۷. عنه ﷺ: يَشفَعُ الأنبياءُ في كُلِّ مَن كانَ يَشهَدُ أن لا إلٰهَ إلّا اللهُ مُخلِصاً، فَيُخرِجُونَهُم مِنها [أي من النّارِ].[4]

۹۶۳۷. **پیامبر خدا**ﷺ: پیامبران برای همهٔ کسانی که از روی اخلاص به یگانگی خدا شهادت داده باشند، شفاعت می‌کنند و آنان را از دوزخ بیرون می‌آورند.

۹۶۳۸. الإمامُ الصّادقُ ﷺ: اِعلَمُوا أنَّهُ لَيسَ يُغني عنكُم مِنَ اللهِ أحَدٌ مِن خَلقِهِ شَيئاً، لا مَلَكٌ مُقَرَّبٌ، ولا نَبِيٌّ مُرسَلٌ، ولا مَن دُونَ ذلكَ، فَمَن سَرَّهُ أن تَنفَعَهُ شَفاعَةُ الشافِعِينَ عِندَ اللهِ فَليَطلُبْ إلى اللهِ أن يَرضىٰ عَنهُ.[5]

۹۶۳۸. **امام صادق**ﷺ: بدانید که هیچ یک از آفریدگان خدا، برای شما نزد خداوند کاری نمی‌تواند بکند؛ نه فرشته‌ای مقرّب و نه پیامبری مرسل و نه دیگران. پس هرکه خوش دارد که شفاعت شفاعت کنندگانِ از او، نزد خداوند مؤثر افتد، از خداوند بخواهد که از وی خشنود باشد.

۹۶۳۹. عنه ﷺ ـ في قولِهِ تعالىٰ: ﴿لا يَملِكُونَ الشَّفاعَةَ إلّا مَنِ اتَّخَذَ عِندَ الرَّحمٰنِ عَهداً﴾ ـ: إلّا مَن أذِنَ لَهُ بِوَلايَةِ أميرِ المؤمنينَ والأئمَّةِ مِن بَعدِهِ فَهُوَ العَهدُ عندَ اللهِ.[6]

۹۶۳۹. **امام صادق**ﷺ ـ دربارهٔ آیهٔ: «اختیار شفاعت ندارند مگر کسی که از جانب خدای رحمان پیمانی گرفته باشد» ـ فرمود: مگر کسانی که به ولایت امیرالمؤمنین و امامان بعد از او اعتقاد داشته باشند و این همان پیمانی است که نزد خدا دارند.

---

۱. الدرّ المنثور: ۳۵۲/۱. ۲. کنز العمّال: ۳۹۰۵۷.
۳. کنز العمّال: ۳۹۰۴۳.
۴. مسند ابن حنبل: ۱۱۰۸۱/۲۵/۴.
۵. الكافي: ۱/۱۱/۸. ۶. بحار الأنوار: ۹/۳۶/۸.

۹۶۳۰ . الإمامُ الرِّضا ﷺ ـ لَمّا سُئِلَ عن قولِهِ تعالىٰ: ﴿لِمَنِ ارْتَضىٰ﴾ ـ: لا يَشفَعُونَ إلّا لِمَنِ ارتَضىٰ اللهُ دِينَهُ.[1]

۲۰۱۸
المَقامُ المَحمودُ

الكتاب:

﴿وَمِنَ اللَّيلِ فَتَهَجَّدْ بِهِ نافِلَةً لَكَ عَسىٰ أنْ يَبْعَثَكَ رَبُّكَ مَقاماً مَحْمُوداً﴾.[2]

﴿وَلَلآخِرَةُ خَيْرٌ لَكَ مِنَ الأُولىٰ * وَلَسَوْفَ يُعْطِيكَ رَبُّكَ فَتَرْضىٰ﴾.[3]

الحديث:

۹۶۳۱ . رسولُ اللهِ ﷺ: إنَّ النّاسَ يَصِيرُونَ يَومَ القِيامَةِ جُثىً، كُلُّ أُمَّةٍ تَتبَعُ نَبِيَّها، يَقولونَ: يا فُلانُ، اشفَعْ، يا فُلانُ، اشفَعْ، حتّىٰ تَنتَهِيَ الشَّفاعَةُ إلىٰ محمّدٍ، فذلكَ يَومُ يَبعَثُهُ اللهُ المَقامَ المَحمودَ.[4]

۹۶۳۲ . عنه ﷺ: إذا قُمتُ المَقامَ المَحمودَ تَشَفَّعتُ في أصحابِ الكبائرِ مِن أُمَّتي، فَيُشَفِّعُني اللهُ فِيهِم، واللهِ لا تَشَفَّعتُ فِيمَن آذىٰ ذُرِّيَّتي.[5]

---

۱ . عيون أخبار الرضا: ۳۵/۱۳۶/۱.
۲ . الإسراء: ۷۹. ۳ . الضحىٰ: ۵،۴.
۴ . كنز العمّال: ۳۹۰۴۲. ۵ . الأمالي للصدوق: ۴۶۲/۳۷۰.

۹۶۳۰ . **امام رضا** ﷺ ـ در پاسخ به پرسش از این سخن خداوند متعال که فرمود: «برای کسی که خدا رضایت دهد» ـ فرمود: آنان تنها برای کسی شفاعت می‌کنند که خداوند از دین او راضی باشد.

۲۰۱۸
مقام ستوده

قرآن:

«و پاسی از شب را زنده بدار تا برای تو [به منزلهٔ] نافله‌ای باشد، امید که پروردگارت تو را به مقامی ستوده برساند».

«قطعاً آخرت برای تو نیکوتر از دنیا خواهد بود. بزودی پروردگارت تو را [آن قدر] عطا خواهد داد تا خشنود شوی».

حدیث:

۹۶۳۱ . **پیامبر خدا** ﷺ: در روز قیامت مردم گروه گروه می‌شوند و هر امّتی در پی پیامبر خود به راه می‌افتد و می‌گویند: فلانی! شفاعت کن؛ فلانی! شفاعت کن؛ تا آن که نوبت شفاعت به محمّد می‌رسد. و در این روز است که خداوند او را به مقامی ستوده می‌رساند.

۹۶۳۲ . **پیامبر خدا** ﷺ: زمانی که به مقام ستوده برسم، برای مرتکبان گناهان کبیرهٔ امت خود شفاعت می‌کنم و خداوند شفاعت من دربارهٔ آنها را می‌پذیرد. به خدا سوگند برای کسانی که فرزندان مرا بیازارند شفاعت نخواهم کرد.

۹۶۴۳ . عنه ﷺ: لَو قُمتُ المَقامَ المَحمودَ لَشَفَعتُ في أبي وأُمّي وعَمّي وأخٍ كانَ لي في الجاهِلِيَّةِ.[1]

۹۶۴۴ . الإمامُ الباقرُ ﷺ ـ في قولِهِ تعالىٰ: ﴿ولَسَوْفَ يُعْطِيكَ رَبُّكَ فَتَرْضىٰ﴾ ـ: الشَّفاعَةُ، واللهِ الشَّفاعَةُ، واللهِ الشَّفاعَةُ.[2]

۹۶۴۵ . الإمامُ الباقرُ أو الإمامُ الصّادقُ ﷺ ـ في قولِهِ تعالىٰ: ﴿عَسىٰ أنْ يَبْعَثَكَ رَبُّكَ مَقاماً مَحْمُوداً﴾ ـ: هي الشَّفاعَةُ.[3][4]

(انظر) الشّفاعة في الآخرة: باب ۲۰۲۹.

۲۰۱۹
شَفاعَةُ الرَّسولِ ﷺ يَومَ القِيامَةِ

۹۶۴۶ . رسولُ اللهِ ﷺ: لِكُلِّ نَبِيٍّ دَعوَةٌ قد دَعا بِها وقد سَألَ سُؤلاً، وقد خَبَأتُ دَعوَتي لِشَفاعَتي لِأُمَّتي يَومَ القِيامَةِ.[5]

۱. بحار الأنوار: ۸/۳۶/۸. ۲. بحار الأنوار: ۷۲/۵۷/۸.
۳. بحار الأنوار: ۴۹/۴۸/۸.
۴. قال العلّامة قدّس الله روحه في شرحه على التجريد: اتّفقت العلماء على ثبوت الشفاعة للنبيّ ﷺ. بحار الأنوار: ۶۱/۳۶/۸.
وقال النوويّ في شرح صحيح مسلم: قال القاضي عياض: مذهب أهل السنّة جواز الشفاعة عقلاً ووجوبها سمعاً بصريح الآيات وبخبر الصادق، وقد جاءت الآثار التي بلغت بمجموعها التواتر بصحّة الشفاعة. بحار الأنوار: ۶۲/۸.
۵. الخصال: ۱۰۳/۲۹.

۹۶۴۳ . **پیامبر خدا ﷺ**: هرگاه به مقام ستوده برسم، برای پدر و مادر و عمویم و برادری که در جاهلیت داشته‌ام شفاعت می‌کنم.

۹۶۴۴ . **امام باقر ﷺ** ـ دربارهٔ آیهٔ: «و بزودی پروردگارت تو را عطا می‌کند تا خشنود شوی» ـ فرمود: آن، شفاعت است. به خدا سوگند، شفاعت است؛ به خدا سوگند، شفاعت است.

۹۶۴۵ . **امام باقر یا امام صادق ﷺ** ـ دربارهٔ آیهٔ: «امید که پروردگارت تو را به مقامی ستوده برساند» ـ فرمود: آن، مقام شفاعت است.[1]

۲۰۱۹
شفاعت پیامبر ﷺ در روز قیامت

۹۶۴۶ . **پیامبر خدا ﷺ**: هر پیامبری به درگاه خدا دعایی کرده و از او چیزی خواسته است، امّا من خواهش خود [از خدا] را برای شفاعت امّتم در روز قیامت نگهداشته‌ام.

۱. علّامهٔ حلّی ـ قدس الله روحه ـ در شرح تجرید الاعتقاد می‌نویسد: همهٔ علما بر شفاعت کردن پیامبر ﷺ اتفاق نظر دارند. نووی نیز در شرح صحیح مسلم از قول قاضی عیاض می‌گوید: بنابر عقیدهٔ اهل سنّت، شفاعت از نظر عقلی روا و از نظر نقلی، بنابر صریح آیات و خبر نبیّ صادق، واجب است. دربارهٔ صحّت شفاعت اخبار فراوانی رسیده که مجموعاً در حد تواتر است.

۹۶۴۷ . عنه ﷺ: إنَّ اللهَ أعطاني مَسألَةً، فَأخَّرتُ مَسألَتي لِشَفاعَةِ المُؤمنينَ مِن أُمَّتي يَومَ القِيامَةِ، فَفَعَلَ ذلكَ.[1]

۲۰۲۰
المَحرومُونَ مِنَ الشَّفاعَةِ

الكتاب:

﴿يَقُولُ الَّذِينَ نَسُوهُ مِنْ قَبْلُ قد جاءت رسل ربنا بالحقّ؛ فَهَلْ لَنا مِنْ شُفَعاءَ فَيَشْفَعُوا لَنا﴾.[2]

﴿وَما أَضَلَّنا إلّا المُجرِمُونَ * فَما لَنا مِنْ شافِعِينَ * وَلا صَدِيقٍ حَمِيمٍ﴾.[3]

﴿وَكُنّا نُكَذِّبُ بِيَومِ الدِّينِ * حَتّى أتانا اليَقِينُ * فَما تَنْفَعُهُمْ شَفاعَةُ الشّافِعِينَ﴾.[4]

الحديث:

۹۶۴۸ . رسولُ اللهِ ﷺ: الشَّفاعَةُ لا تَكونُ لِأهلِ الشَّكِّ والشِّرْكِ، ولا لِأهلِ الكُفرِ والجُحُودِ، بل يَكونُ لِلمؤمنينَ مِن أهلِ التوحيدِ.[5]

۹۶۴۹ . عنه ﷺ: مَن لم يُؤمِنْ بِشَفاعَتي فلا أنالَهُ اللهُ شَفاعَتي.[6]

۱ . بحار الأنوار: ۱۴/۳۷/۸ . ۲ . الأعراف: ۵۳.
۳ . الشعراء: ۹۹ـ۱۰۱ . ۴ . المدّثر: ۴۶ـ۴۸.
۵ . بحار الأنوار: ۷۵/۵۸/۸.
۶ . عيون أخبار الرضا: ۳۵/۱۳۶/۱.

۹۶۴۷ . **پیامبر خدا ﷺ**: خداوند به من فرمود از او خواهشی کنم، اما من خواهش خود را برای شفاعت کردن مؤمنان امّتِ خویش در روز قیامت به تأخیر انداختم و خداوند هم پذیرفت.

۲۰۲۰
محرومانِ از شفاعت

قرآن:

«کسانی که آن را پیشتر فراموش کرده بودند، می‌گویند: حقّاً فرستادگان پروردگار ما حق را آورند. آیا [امروز] برای ما شفیعانی هستند که ما را شفاعت کنند؟».

«و جز تباهکاران ما را گمراه نکردند. پس مارا شفیعانی نیست و نه دوستی مهربان».

«ما روز جزا را دروغ می‌انگاشتیم. تا آن که مرگ ما فرا رسید. پس، شفاعت شفاعت کنندگان، سودشان نبخشد».

حدیث:

۹۶۴۸ . **پیامبر خدا ﷺ**: نه شکّاکان و مشرکان شفاعت شوند و نه کافران و منکران؛ بلکه شفاعت مخصوص مؤمنان یکتاپرست است.

۹۶۴۹ . **پیامبر خدا ﷺ**: کسی که به شفاعت کردن من ایمان نداشته باشد، خداوند شفاعت مرا به او نرساند.

۹۶۵۰ . عنه ﷺ: شَفاعَتِي يَومَ القِيامَةِ حَقٌّ، فَمَن لَم يُؤمِنْ بها لَم يَكُن مِن أهلِها.[۱]

۹۶۵۰ . **پیامبر خدا**ﷺ: [موضوع] شفاعت من در روز قیامت یک حقیقت است. پس هرکه بدان ایمان نداشته باشد، مشمول آن واقع نخواهد شد.

۹۶۵۱ . عنه ﷺ: رَجُلانِ لا تَنالُهُما شَفاعَتي: صاحِبُ سُلطانٍ عَسُوفٌ غَشُومٌ، وغالٍ في الدِّينِ مارِقٌ.[۲]

۹۶۵۱ . **پیامبر خدا**ﷺ: شفاعت من به دو کس نمی‌رسد: قدرتمند مستبد و ستمگر، و غلوّ کنندهٔ خارج شده از دین.

۹۶۵۲ . عنه ﷺ: أمّا شَفاعَتِي ففي أصحابِ الكبائرِ ما خَلا أهلَ الشِّركِ والظُّلمِ.[۳]

۹۶۵۲ . **پیامبر خدا**ﷺ: شفاعت من دربارهٔ مرتکبانِ گناهان کبیره است، به جز مشرکان و ستمگران.

۹۶۵۳ . عنه ﷺ: لا يَنالُ شَفاعَتي مَنِ استَخَفَّ بِصلاتِهِ، ولا يَرِدُ عَلَيَّ الحَوضَ لا واللهِ.[۴]

۹۶۵۳ . **پیامبر خدا**ﷺ: کسی که نماز را سبک بشمارد به شفاعت من دست نیابد، و به خدا سوگند که در کنار حوض [کوثر] بر من وارد نشود.

۹۶۵۴ . **الإمامُ عليٌّ** ﷺ: مَن كَذَّبَ بِشَفاعَةِ رسولِ اللهِ لَم تَنَلهُ.[۵]

۹۶۵۴ . **امام علی**ﷺ: کسی که شفاعت رسول خداﷺ را دروغ شمارد، از شفاعت آن حضرت برخوردار نشود.

۹۶۵۵ . **الإمامُ الصّادقُ** ﷺ: لَو أنَّ المَلائكَةَ المُقَرَّبينَ والأنبياءَ المُرسَلينَ شَفَعُوا في ناصِبٍ ما شُفِّعُوا.[۶]

۹۶۵۵ . **امام صادق**ﷺ: حتی اگر فرشتگان مقرّب و پیامبران مرسل دربارهٔ فرد ناصبی شفاعت کنند، شفاعتشان پذیرفته نمی‌شود.

۹۶۵۶ . عنه ﷺ ـ لَمّا أمَرَ باجتِماعِ قَرابَتِهِ حَولَهُ وقد حَضَرَتهُ الوَفاةُ ـ: إنَّ شَفاعَتَنا لَن تَنالَ مُستَخِفّاً بِالصَّلاةِ.[۷]

۹۶۵۶ . **امام صادق**ﷺ ـ هنگامی که در آستانهٔ رحلت قرار گرفت و چون دستور داد بستگانش گرد او جمع شدند ـ فرمود: کسی که نماز را سبک بشمارد، شفاعت ما هرگز شامل حالش نمی‌شود.

---

۱ . کنز العمّال: ۳۹۰۵۹. ۲ . الخصال: ۹۳/۶۳.
۳ . الخصال: ۳۶/۳۵۵. ۴ . المحاسن: ۲۲۳/۱۵۹/۱.
۵ . عيون أخبار الرضا: ۲۹۲/۶۶/۲.
۶ . المحاسن: ۵۸۷/۲۹۴/۱، انظر بحار الأنوار: ۲۷/۴۱/۸ و ۵۴/۱۲۶/۶۸.
۷ . المحاسن: ۲۲۵/۱۵۹/۱.

۲۰۲۱
ما يَزْعُمُهُ المُشرِكونَ مِنَ الشَّفاعَةِ

الكتاب:

﴿وَما نَرى مَعَكُمْ شُفَعاءَكُمُ الَّذِينَ زَعَمْتُمْ أَنَّهُمْ فِيكُمْ شُرَكاءُ﴾.[1]

﴿وَيَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللهِ ما لا يَضُرُّهُم وَلا يَنْفَعُهُمْ وَيَقُولُونَ هَؤُلاءِ شُفَعاؤُنا عِنْدَ اللهِ﴾.[2]

﴿وَلَمْ يَكُنْ لَهُمْ مِنْ شُرَكائِهِم شُفَعاءُ وَكانُوا بِشُرَكائِهِمْ كافِرِينَ﴾.[3]

(انظر) الزمر: ۴۳، يس: ۲۳، غافر: ۱۸.

۲۰۲۱
پندار مشركان دربارهٔ شفاعت

قرآن:

«شفيعانتان را كه در [كار] خودتان شريكان [خدا] مى‌پنداشتيد همراهتان نمى‌بينيم. به يقين پيوند ميان شما بريده شده و آنچه را كه مى‌پنداشتيد از دست شما رفته است».

«به جاى خدا چيزهايى را مى‌پرستند كه نه زيانى به آنان مى‌رسانند و نه سودى مى‌بخشدشان. و مى‌گويند: اينها شفيعان ما در نزد خدايند».

«و براى آنان از شريكانشان شفيعانى نيست و خود منكر شريكان خود مى‌شوند».

۲۰۲۲
الشَّفاعَةُ المَردودَةُ

الكتاب:

﴿واتَّقُوا يَوماً لا تَجزِي نَفْسٌ عَنْ نَفْسٍ شَيْئاً وَلا يُقْبَلُ مِنْها شَفاعَةٌ وَلا يُؤْخَذُ مِنْها عَدْلٌ وَلا هُمْ يُنْصَرُونَ﴾.[4]

﴿واتَّقُوا يَوْماً لا تَجْزِي نَفْسٌ عَنْ نَفْسٍ شَيْئاً وَلا يُقْبَلُ مِنْها عَدْلٌ وَلا تَنْفَعُها شَفاعَةٌ وَلا هُمْ يُنْصَرُونَ﴾.[5]

﴿يا أَيُّها الَّذِينَ آمَنُوا أَنْفِقُوا مِمَّا رَزَقْناكُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَ

۱. الأنعام: ۹۴. ۲. يونس: ۱۸.
۳. الروم: ۱۳. ۴. البقرة: ۴۸.
۵. البقرة: ۱۲۳.

۲۰۲۲
شفاعت ناپذيرفته

قرآن:

«و بترسيد از روزى كه هيچ كس چيزى [از عذاب خدا] را از كسى دفع نمى‌كند و نه از او شفاعتى پذيرفته و نه به جاى وى بدلى گرفته مى‌شود و نه يارى خواهند شد».

«و بترسيد از روزى كه هيچ كس چيزى [از عذاب خدا] را از كسى دفع نمى‌كند و نه بدل و بلاگردانى از وى پذيرفته شود و نه او را ميانجيگرى سودمند افتد و نه يارى شوند».

«اى كسانى كه ايمان آورده‌ايد! پيش از فرا رسيدن

يَوْمٌ لا بَيْعٌ فِيهِ وَلا خُلَّةٌ وَلا شَفاعَةٌ والكافِرُونَ هُمُ الظّالِمُونَ﴾.[1]

٢٠٢٣
الشَّفاعةُ لِأهلِ الكَبائِرِ

٩٦٥٧ . رسولُ اللهِ ﷺ: وأمّا شَفاعَتِي ففي أصحابِ الكَبائِرِ ما خَلا أهلَ الشِّركِ والظُّلمِ.[2]

٩٦٥٨ . عنه ﷺ: لِكُلِّ نَبِيٍّ شَفاعَةٌ، وإنّي خَبَأْتُ شَفاعَتِي لِأهلِ الكَبائِرِ مِن أُمَّتي يَومَ القِيامَةِ.[3]

٩٦٥٩ . عنه ﷺ: إنّما الشَّفاعةُ يومَ القِيامَةِ لِمَن عَمِلَ الكَبائِرَ مِن أُمَّتي ثُمّ ماتُوا علَيها.[4]

٩٦٦٠ . عنه ﷺ: شَفاعَتِي لأهلِ الكَبائِرِ مِن أُمَّتي.[5]

(انظر) الذنب: باب ١٣٧٨.

الشَّفاعة في الآخرة: باب ٢٠٢٠.

٢٠٢٤
المُحسِنونَ وَالشَّفاعَةُ

٩٦٦١ . رسولُ اللهِ ﷺ: إنّما شَفاعَتي لأهلِ الكبائِرِ مِن أُمَّتي، فأمّا المُحسِنُونَ فما علَيهِم مِن سَبيلٍ.[6]

---

١ . البقرة: ٢٥٤. ٢ . الخصال: ٣٥٥/٣٦.
٣ . الأمالي للطوسي: ٨١٥/٣٨٠.
٤ . كنز العمّال: ٣٩٥٤٩. ٥ . كنز العمّال: ٣٩٠٥٥.
٦ . عيون أخبار الرضا: ١/١٣٦/٣٥.

روزی که در آن نه خرید و فروشی باشد و نه دوستیی و شفاعتی، از آنچه به شما روزی داده‌ایم انفاق کنید و کافران، همان ستمکارانند».

٢٠٢٣
شفاعت برای مرتکبان گناهان کبیره

٩٦٥٧ . **پیامبر خدا** ﷺ: شفاعت من برای مرتکبان گناهان کبیره است، به استثنای مشرکان و ستمگران.

٩٦٥٨ . **پیامبر خدا** ﷺ: هر پیامبری شفاعتی می‌کند، و من شفاعت خود را برای اهل گناهان کبیره امّت خود در روز قیامت، نگه داشته‌ام.

٩٦٥٩ . **پیامبر خدا** ﷺ: شفاعت روز قیامت، در حقیقت، برای آن دسته از امّت من است که مرتکب گناهان کبیره شده و با همان گناهان (بدون توبه) مرده باشند.

٩٦٦٠ . **پیامبر خدا** ﷺ: شفاعت من برای آن دسته از امّت من است که مرتکب گناهان کبیره شده باشند.

٢٠٢٤
نیکوکاران و شفاعت

٩٦٦١ . **پیامبر خدا** ﷺ: شفاعت من، در حقیقت، برای آن افراد از امّت من است که مرتکب گناهان کبیره شوند، و اما نیکوکاران که مشکلی ندارند.

۹۶۶۲ . **الإمامُ الصّادقُ** ﷺ: إذا كانَ يَومُ القِيامَةِ نَشفَعُ في المُذنِبينَ مِن شِيعَتِنا، فأمّا المُحسِنُونَ فقدنَجّاهُمُ اللهُ.[۱]

۹۶۶۲ . **امام صادق**ﷺ: در روز قیامت ما برای شیعیانِ گناهکار خود شفاعت می‌کنیم و اما نیکوکاران را خداوند خود نجات داده است.

۹۶۶۳ . **عنه** ﷺ: المُؤمِنُ مُؤمِنانِ: فَمُؤمِنٌ صَدَقَ بِعَهدِ اللهِ ووَفىٰ بِشَرطِهِ، وذلكَ قولُ اللهِ عَزَّ وَجَلَّ: ﴿رِجالٌ صَدَقُوا ما عاهَدُوا اللهَ عَلَيْهِ﴾[۲] فذلكَ الذي لا تُصيبُهُ أهوالُ الدُّنيا ولا أهوالُ الآخِرَةِ، وذلكَ مِمَّن يَشفَعُ ولا يُشفَعُ لَهُ، ومُؤمِنٌ كخامَةِ الزَّرعِ، تَعوَجُّ أحياناً وتَقُومُ أحياناً، فذلكَ مِمَّن تُصيبُهُ أهوالُ الدُّنيا وأهوالُ الآخِرَةِ، وذلكَ مِمَّن يُشفَعُ لَهُ ولا يَشفَعُ.[۳]

۹۶۶۳ . **امام صادق**ﷺ: مؤمن بر دو گونه است: مؤمنی که به عهد و شرط خدا وفا کند. و این سخن خداوند عزّوجلّ است که: «مردانی هستند که به پیمانی که با خدا بسته بودند وفا کردند». چنین مؤمنی نه گرفتار هول و هراسهای دنیا می‌شود و نه هول و هراسهای آخرت. او از کسانی است که خود شفاعت می‌کند و نیاز به شفاعت کسی ندارد؛ [دوم] مؤمنی که چون ساقهٔ گیاه، گاه کج و گاه راست می‌شود. چنین مؤمنی، دستخوش هول و هراسهای دنیا و آخرت می‌شود و از جمله کسانی است که برایش شفاعت می‌شود، ولی قدرت شفاعت کردن ندارد.

۲۰۲۵
حاجَةُ الأوَّلينَ وَالآخِرينَ إلَى الشَّفاعَةِ

۲۰۲۵
نیاز همگان به شفاعت

۹۶۶۴ . **بحار الأنوار** عَن أبي العبّاسِ المكبّرِ عَن الإمام الباقر ﷺ ـ وقد قالَ لَهُ أبو أيمنَ: يا أباجعفرٍ، تَغُرُّونَ الناسَ وتَقولونَ: شَفاعَةُ محمّدٍ، شَفاعَةُ محمّدٍ! فَغَضِبَ ﷺ حتّىٰ تَرَبَّدَ وَجهُهُ ـ: وَيحَكَ يا أبا أيمنَ! أغَرَّكَ إن عَفَّ بَطنُكَ وفَرجُكَ ؟! أما لَو قد رَأيتَ أفزاعَ القِيامَةِ لقدِ احتَجتَ إلىٰ شَفاعَةِ محمّدٍ ﷺ، وَيلَكَ

۹۶۶۴ . **بحار الأنوار** ـ به نقل از أبو العباس مکبر ـ: امام باقر ﷺ در پاسخ به ابو ایمن که به ایشان گفت: «ای ابا جعفر! شما مردم را می‌فریبید و پیوسته می‌گویید: شفاعت محمّد، شفاعت محمّد. در حالی که چنان ناراحت شد که رنگ چهره‌اش برگشت ـ فرمود: وای بر تو ای ابا ایمن! داشتن عفّت شکم و شهوت، تو را غرّه کرده است؟! اگر صحنه‌های هول انگیز قیامت را ببینی حتماً به شفاعت محمّد ﷺ نیاز پیدا خواهی کرد.

۱ . فضائل الشيعة: ۴۵/۷۷ . ۲ . الأحزاب: ۲۳ .
۳ . الكافي: ۱/۲۴۸/۲ .

فَهل يَشفَعُ إلّا لِمَن وَجَبَت لَهُ النارُ ؟! ثُمَّ قالَ: ما مِن أحَدٍ مِنَ الأوَّلينَ والآخِرينَ إلّا وهُو مُحتاجٌ إلىٰ شَفاعَةِ محمّدٍ ﷺ يَومَ القِيامَةِ.[1]

۹۶۶۵ . **الإمامُ الصّادقُ** ﷺ: ما أحَدٌ مِنَ الأوَّلينَ والآخِرينَ إلّا وهُو يَحتاجُ إلى شَفاعَةِ محمّدٍ ﷺ يَومَ القِيامَةِ.[2]

۹۶۶۶ . **عنه** ﷺ ـ لَمّا سُئِلَ: هَل يَحتاجُ المُؤمِنُ إلىٰ شَفاعَةِ محمّدٍ ﷺ يَومَئِذٍ ؟ ـ: نَعَم، إنَّ لِلمُؤمِنينَ خَطايا وذُنُوباً، وما مِن أحَدٍ إلّا يَحتاجُ إلىٰ شَفاعَةِ محمّدٍ يَومَئِذٍ.[3]

۹۶۶۷ . **الإمامُ الكاظمُ** ﷺ ـ لِسَماعَةَ بنِ مِهرانَ ـ: إذا كانَت (لَكَ) حاجَةٌ إلى اللهِ فَقُلْ: «اللّهُمَّ إنّي أسألُكَ بِحَقِّ محمّدٍ وعَلِيٍّ؛ فإنَّ لَهُما عِندَكَ شَأناً مِنَ الشَّأنِ ...» فإنَّهُ إذا كانَ يَومُ القِيامَةِ لَم يَبقَ مَلَكٌ مُقَرَّبٌ ولا نَبِيٌّ مُرسَلٌ ولا مُؤمِنٌ مُمتَحَنٌ إلّا وهُو يَحتاجُ إلَيهِما في ذلكَ اليومِ.[4]

(انظر) بحار الأنوار: ۸ / ۶۳.

الجنّة: باب ۵۶۳.

وای بر تو، آیا شفاعت جز برای کسی است که مستوجب آتش باشد؟ آن گاه فرمود: هیچ کس، از اولین و آخرین، نیست مگر آن که در روز قیامت به شفاعت محمّد ﷺ نیازمند است.

۹۶۶۵ . **امام صادق** ﷺ: هیچ کس، از اولین و آخرین انسانها، نیست مگر آن که به شفاعت محمّد ﷺ در روز قیامت نیاز دارد.

۹۶۶۶ . **امام صادق** ﷺ ـ در پاسخ به این سؤال که: مگر مؤمن به شفاعت محمّد ﷺ در آن روز نیازمند است؟ ـ فرمود: آری؛ مؤمنان نیز خطاها و گناهانی دارند و هیچ کس نیست مگر این که در آن روز به شفاعت محمّد محتاج است.

۹۶۶۷ . **امام کاظم** ﷺ ـ به سماعة بن مهران ـ فرمود: هرگاه حاجتی به خدا پیدا کردی بگو: «خدایا! به حقّ محمّد و علی از تو مسألت می‌کنم؛ زیرا که آن دو را نزد تو شأن و مقامی است ...». در روز قیامت هیچ فرشتهٔ مقرّبی و پیامبر مرسلی و مؤمن آزمایش شده‌ای نیست، مگر این که در آن روز، به آن دو (محمّد و علی ﷺ) نیازمند است.

---

۱ . بحار الأنوار: ۸/۱۶/۳۸. ۲ . المحاسن: ۱/۲۹۳/۵۸۳.
۳ . بحار الأنوار: ۸/۵۱/۴۸. ۴ . الدعوات: ۵۱/۱۲۷.

۲۰۲۶ الشُّفَعاءُ

۹۶۶ . رسولُ اللهِ ﷺ: ثَلاثَةٌ يَشفَعُونَ إلى اللهِ عَزَّوجلَّ فَيُشَفَّعُونَ: الأنبياءُ، ثُمَّ العُلَماءُ، ثُمَّ الشُّهَداءُ.[۱]

۹۶۸ . عنه ﷺ: الشَّفاعَةُ لِلأنبِياءِ والأوصِياءِ والمُؤمِنِينَ والمَلائكةِ.[۲]

۹۶۷ . عنه ﷺ: إنّي أشفَعُ يَومَ القِيامَةِ فَأُشَفَّعُ، ويَشفَعُ عَلِيٌّ فَيُشَفَّعُ ويَشفَعُ أهلُ بَيتي فَيُشَفَّعُونَ.[۳]

۹۶۷ . عنه ﷺ: الشُّفَعاءُ خَمسَةٌ: القُرآنُ، والرَّحِمُ، والأمانَةُ، ونَبِيُّكُم، وأهلُ بَيتِ نَبِيِّكُم.[۴]

۹۶۷ . عنه ﷺ: تَعَلَّمُوا القُرآنَ؛ فَإنَّهُ شافِعٌ يَومَ القِيامَةِ.[۵]

۹۶۷ . عنه ﷺ: الصِّيامُ والقُرآنُ يَشفَعانِ لِلعَبدِ يَومَ القِيامَةِ.[۶]

۹۶۷ . عنه ﷺ: لا شَفيعَ أنجَحُ مِنَ التَّوبَةِ.[۷]

---

۱. الخصال: ۱۹۷/۱۵۶. ۲. بحار الأنوار: ۷۵/۵۸/۸.
۳. مجمع البيان: ۲۲۳/۱.
۴. بحار الأنوار: ۳۹/۴۳/۸.
۵. مسند ابن حنبل: ۲۲۲۱۹/۲۷۳/۸.
۶. مسند ابن حنبل: ۶۶۳۷/۵۸۶/۲.
۷. بحار الأنوار: ۷۵/۵۸/۸.

۲۰۲۶ شفاعت کنندگان

۹۶۶۸ . **پیامبر خدا**ﷺ: سه گروه نزد خدای عزّوجلّ شفاعت می‌کنند و شفاعتشان پذیرفته می‌شود: پیامبران، سپس عالمان، و بعد شهیدان.

۹۶۶۹ . **پیامبر خدا**ﷺ: شفاعت کردن، مخصوص پیامبران و اوصیا و مؤمنان و فرشتگان است.

۹۶۷۰ . **پیامبر خدا**ﷺ: در روز قیامت من شفاعت می‌کنم و شفاعتم پذیرفته می‌شود و علی شفاعت می‌کند و شفاعتش پذیرفته می‌شود و اهل بیتم نیز شفاعت می‌کند و شفاعتشان پذیرفته می‌شود.

۹۶۷۱ . **پیامبر خدا**ﷺ: شفاعت‌کنندگان پنج‌تایند: قرآن، خویشاوندی، امانت، پیامبر شما، و اهل‌بیت پیامبرتان.

۹۶۷۲ . **پیامبر خدا**ﷺ: قرآن را بیاموزید؛ زیرا که قرآن در روز قیامت شفاعت کننده است.

۹۶۷۳ . **پیامبر خدا**ﷺ: روزه و قرآن در روز قیامت برای آدمی شفاعت می‌کنند.

۹۶۷۴ . **پیامبر خدا**ﷺ: شفیعی کارآمدتر از توبه نیست.

۹۶۷۵ . الإمامُ عليٌّ ﷺ: مَن شَفَعَ لَهُ القُرآنُ يَومَ القِيامَةِ شُفِّعَ فيهِ.[۱]

۹۶۷۵ . امام علی ﷺ: در روز قیامت، قرآن برای هر کس شفاعت کند، شفاعتش پذیرفته می‌شود.

۹۶۷۶ . عنه ﷺ: إستَجيبُوا لِأنبياءِ اللهِ، وسَلِّمُوا لِأمرِهِم، واعمَلُوا بطاعَتِهِم؛ تَدخُلُوا في شَفاعَتِهِم.[۲]

۹۶۷۶ . امام علی ﷺ: دعوت پیامبران خدا را اجابت کنید و در برابر آنها سر تسلیم فرود آورید و فرمانشان را ببرید، تا مشمول شفاعت آنان شوید.

۹۶۷۷ . عنه ﷺ: شافِعُ الخَلقِ العَمَلُ بِالحَقِّ ولُزومُ الصِّدقِ.[۳]

۹۶۷۷ . امام علی ﷺ: شفیع مردمان، عملِ به حق‌است وپایبندی به صداقت و راستی.

۹۶۷۸ . عنه ﷺ: إنَّ أفضَلَ ما تَوَسَّلَ بِهِ المُتَوَسِّلُونَ إلى اللهِ سبحانَهُ وتعالىٰ: الإيمانُ بِهِ وبرسولِهِ، والجِهادُ في سبيلِهِ، فإنَّهُ ذِروَةُ الإسلامِ، وكَلِمَةُ الإخلاصِ فإنَّها الفِطرَةُ.[۴]

۹۶۷۸ . امام علی ﷺ: بهترین چیزی که متوسّلان به خداوند سبحان و متعال به آن توسّل می‌جویند، ایمان به او و به پیامبر اوست و جهاد در راه او که آن ستیغ اسلام است و کلمهٔ توحید که آن سرشت و فطرت است.

۹۶۷۹ . الإمامُ الباقرُ والإمامُ الصّادقُ ﷺ: واللهِ لَنَشفَعَنَّ، واللهِ لَنَشفَعَنَّ في المُذنِبينَ مِن شيعَتِنا حَتّىٰ تَقولَ أعداؤنا إذا رَأوا ذلكَ: ﴿فَما لَنا مِن شافِعينَ ۞ ولا صَديقٍ حَميمٍ﴾.[۵][۶]

۹۶۷۹ . امام باقر و امام صادق ﷺ: به خدا سوگند که ما شفاعت می‌کنیم؛ به خدا سوگند که ما در حق شیعیان گنهکارمان شفاعت می‌کنیم، چندان که دشمنان ما با دیدن آن می‌گویند: «ما را نه شفاعت کنندگانی است و نه دوستی مهربان».

۹۶۸۰ . الإمامُ الصّادقُ ﷺ: إذا كانَ يَومُ القِيامَةِ ... قيلَ للعابِدِ: انطَلِقْ إلى الجَنَّةِ، وقيلَ للعالِمِ: قِفْ تَشفَعْ لِلناسِ بِحُسنِ تَأديبِكَ لَهُم.[۷]

۹۶۸۰ . امام صادق ﷺ: چون روز قیامت شود... به عابد گفته می‌شود: به بهشت برو، و به عالِم گفته می‌شود: بایست و به سبب آن که مردم را نیکو تربیت کردی، برای آنان شفاعت کن.

---

۱ . نهج البلاغة: الخطبة ۱۷۶.
۲ . غرر الحكم: ۲۵۰۹.
۳ . غرر الحكم: ۵۷۸۹.
۴ . نهج البلاغة: الخطبة ۱۱۰.
۵ . الشعراء: ۱۰۰ و ۱۰۱.
۶ . بحار الأنوار: ۱۵/۳۲۷/۸.
۷ . علل الشرائع: ۱۱/۳۹۴.

۲۰۲۷
الوَسيلَةُ إلىٰ رِضوانِ الله

الكتاب:

﴿يا أيُّها الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللهَ وابْتَغُوا إلَيهِ الوَسِيلَةَ وَجاهِدُوا فِي سَبِيلِهِ لَعَلَّكُمْ تُفلِحُونَ﴾.[1]

الحديث:

۹۶۸۱ . رسولُ اللهِ ﷺ: سَلُوا اللهَ لي الوَسِيلَةَ... فَمَن سَأَلَ لي الوَسيلَةَ حَلَّتْ لَهُ الشَّفاعَةُ.[2]

۹۶۸۲ . عنه ﷺ: الوَسِيلَةُ دَرَجَةٌ عِندَ اللهِ ليسَ فَوقَها دَرَجَةٌ، فَسَلُوا اللهَ أن يُؤتِيَني الوَسيلَةَ.[3]

۹۶۸۳ . **علل الشرايع** عن أبي سعيدِ الخُدريِّ: كانَ النبيُّ ﷺ يقولُ: إذا سَأَلتُمُ اللهَ لي فَاسأَلُوهُ الوَسيلَةَ، فَسَأَلنا النبيَّ ﷺ عَنِ الوَسيلَةِ فقالَ: هي دَرَجَتي في الجَنَّةِ.[4][5]

۹۶۸۴ . **الإمامُ عليٌّ** ﷺ: أيُّها النّاسُ! إنَّ اللهَ تعالىٰ وَعَدَ نَبِيَّهُ مُحمّداً ﷺ الوَسيلَةَ ووَعدُهُ الحَقُّ

۱ . المائدة: ۳۵.
۲ . صحيح مسلم: ۱/۲۸۹/۱۱.
۳ . كنز العمّال: ۳۹۰۷۱.
۴ . علل الشرائع: ۶/۱۶۴.
۵ . العلّامة الطباطبائي بعد نقل الحديث قال: وأنت إذا تدبّرت الحديث وانطباق معنى الآية عليه، وجدت أنّ الوسيلة هي مقام النبيّ ﷺ من ربّه الذي به يتقرّب هو إليه تعالىٰ، ويلحق به آله الطاهرون ثمّ الصّالحون من أُمّته. وقد ورد في بعض الروايات عنهم ﷺ: أنّ رسول الله آخذ بحجزة ربّه، ونحن آخذون بحجزته، وأنتم آخذون بحجزتنا. المناقب لابن شهر آشوب: ۳/۷۵.

۲۰۲۷
وسیلهٔ خشنودی خدا

قرآن:

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید! از خدا بترسید و برای تقرّب به او وسیله جویید و در راهش جهاد کنید. باشد که رستگار شوید».

حدیث:

۹۶۸۱ . **پیامبر خدا** ﷺ: از خداوند برای من وسیله مسألت کنید... که هرکس برای من وسیله مسألت کند، شفاعت بر او رواگردد.

۹۶۸۲ . **پیامبر خدا** ﷺ: «وسیله» درجه‌ای است نزد خداوند که بالاتر از آن درجه‌ای نیست. پس، از خدا بخواهید که به من «وسیله» عطا کند.

۹۶۸۳ . **علل الشرائع** ـ به نقل از ابو سعید خدری ـ: پیامبر ﷺ می‌فرمود: هرگاه از خداوند چیزی برای من خواستید، وسیله بخواهید. از پیامبر ﷺ دربارهٔ وسیله پرسیدیم، فرمود: درجهٔ من در بهشت است.[1]

۹۶۸۴ . **امام علی** ﷺ: ای مردم! خداوند متعال به پیامبر خود محمّد ﷺ وعدهٔ وسیله داده و وعدهٔ او راست است و خداوند از وعدهٔ خود تخلّف

۱ . علّامهٔ طباطبائی، بعد از نقل این حدیث، فرموده است: چنانچه در این حدیث و انطباق معنا و مفهوم آیه بر آن تأمل کنید، در می‌یابید که «وسیله» همان مقام پیامبر ﷺ نزد پروردگارش است که پیامبر با آن به خداوند متعال تقرب می‌جوید و خاندان پاک او و بعد از آنها صالحان امّتش به وی می‌پیوندند. در برخی روایتهای ائمه ﷺ آمده است که رسول خدا ﷺ دست به دامان پروردگارش شده است و ما به دامان او چنگ زده‌ایم و شما به دامان ما.

ولَن يُخلِفَ اللهُ وَعدَهُ، ألا وإنّ الوَسيلَةَ علىٰ[1] دَرَجِ الجَنَّةِ، وذِروَةُ ذَوائبِ الزُّلفَةِ، ونِهايَةُ غايَةِ الأُمنِيَّةِ.[2]

نمی‌کند. بدانید که وسیله، بر فراز درجات بهشت، و ستیغِ بلندیهای تقرّب، و خطّ پایان آرزوست.

٩٦٨٥. عنه ﷺ ـ في قولِهِ تعالىٰ: ﴿وابْتَغُوا إلَيهِ الوَسِيلَةَ﴾[3] ـ: أنا وَسِيلَتُهُ.[4]

٩٦٨٥. امام علی ﷺ ـ دربارهٔ آیهٔ: «و برای تقرّب به او وسیله جویید» ـ فرمود: من هستم وسیلهٔ او.

٩٦٨٦. رسول الله ﷺ: الأئمّةُ مِن وُلدِ الحُسينِ ﷺ، مَن أطاعَهُم فَقَد أطاعَ اللهَ، ومَن عَصاهُم فقد عَصَى اللهَ عَزَّوجلَّ، هُمُ العُروَةُ الوُثقىٰ، وهُمُ الوَسيلَةُ إلى اللهِ عَزّوجلّ.[5]

٩٦٨٦. پیامبر خدا ﷺ: امامان، از نسل حسین ﷺ هستند. هرکه آنان را اطاعت کند، خدا را اطاعت کرده است و هرکه آنان را نافرمانی کند خداوند عزّوجلّ را نافرمانی کرده است. آنانند دستگیرهٔ محکم، و آنانند وسیلهٔ تقرّب به خداوند عزّوجلّ.

٢٠٢٨
أحَقُّ النّاسِ بِالشَّفاعَةِ

٢٠٢٨
سزاوارترین مردم به شفاعت

٩٦٨٧. رسولُ اللهِ ﷺ: إنّ أقرَبَكُم مِنّي غَداً وأوجَبَكُم عَلَيَّ شَفاعَةً: أصدَقُكُم لِساناً، وأدّاكُم لِلأمانَةِ، وأحسَنُكُم خُلُقاً، وأقرَبُكُم مِنَ الناسِ.[6]

٩٦٨٧. پیامبر خدا ﷺ: همانا نزدیکترین شما به من در فردا [ی قیامت] و سزاوارترین شما به شفاعت من، راستگوترین، امانتدارترین، خوش اخلاق‌ترین، و نزدیکترین شما به مردم است.

٢٠٢٩
شَفاعَةُ المُؤمِنِ عَلىٰ قَدرِ عَمَلِهِ

٢٠٢٩
شفاعت مؤمن به اندازهٔ عمل اوست

٩٦٨٨. الإمامُ الباقرُ ﷺ: إنّ المؤمنَ لَيَشفَعُ في مِثلِ

٩٦٨٨. امام باقر ﷺ: مؤمن، در حق افرادی به تعداد [دو قبیلهٔ بزرگ] ربیعه و مضر

---

١. كذا في المصدر، والظاهر أنّ الصحيح «أعلىٰ».
٢. الكافي: ٤/٢٤/٨.
٣. المائدة: ٣٥.
٤. المناقب لابن شهر آشوب: ٣/٧٥.
٥. عيون أخبار الرضا: ٢/٥٨/٢١٧.
٦. الأمالي للصدوق: ٥٩٨/٨٢٦.

رَبِيعَةَ ومُضَرَ، وإنَّ المؤمنَ لَيَشفَعُ حتّىٰ لِخادِمِهِ، ويقولُ: يا رَبِّ، حَقَّ خِدمَتي كانَ يَقِيني الحَرَّ والبَردَ.[۱]

۹۶۸۹. عنه ﷺ: يَشفَعُ الرَّجُلُ في القَبيلَةِ، ويَشفَعُ الرَّجُلُ لِأهلِ البَيتِ، ويَشفَعُ الرجُلُ لِلرَّجُلَينِ علىٰ قَدرِ عَمَلِهِ، فذلكَ المَقامُ المَحمودُ.[۲]

شفاعت می‌کند؛ مؤمن حتی برای خدمتگزار خود شفاعت می‌کند و می‌گوید: پروردگارا؛ خدمتکارم بر من حق دارد. او مرا از گرما و سرما حفظ می‌کرد.

۹۶۸۹. **امام باقر**ﷺ: انسان برای قبیلهٔ خود شفاعت می‌کند؛ انسان برای خانوادهٔ خود شفاعت می‌کند؛ انسان به اندازهٔ عمل خود در حق دو نفر شفاعت می‌کند؛ این است آن مقام پسندیده.

۲۰۳۰
أدنَى المُؤمِنينَ شَفاعَةً

۹۶۹۰. رسولُ اللهِ ﷺ: في المؤمنينَ مَن يَشفَعُ مِثلَ رَبِيعَةَ ومُضَرَ، وأقَلُّ المُؤمنينَ شَفاعَةً مَن يَشفَعُ لِثَلاثينَ إنساناً.[۳]

۹۶۹۱. الإمامُ الباقرُ ﷺ: إنَّ أدنَى المؤمنينَ شَفاعَةً لَيَشفَعُ لِثلاثينَ إنساناً، فَعِندَ ذلكَ يقولُ أهلُ النارِ: ﴿فَما لَنا مِن شافِعِينَ* ولا صَديقٍ حَمِيمٍ﴾.[۴][۵]

۲۰۳۰
کمترین اندازهٔ شفاعت مؤمن

۹۶۹۰. **پیامبر خدا**ﷺ: در میان مؤمنان کسانی هستند که به اندازهٔ قبیله‌های ربیعه و مضر شفاعت می‌کنند و مؤمنانی که کمتر از همه حق شفاعت دارند برای سی نفر شفاعت می‌کنند.

۹۶۹۱. **امام باقر**ﷺ: مؤمنی که از همه کمتر می‌تواند شفاعت کند، تا سی نفر را شفاعت می‌کند. در این هنگام دوزخیان می‌گویند: «ما را نه شفاعت کنندگانی است و نه دوستی مهربان».

---

۱. بحار الأنوار: ۱۶/۳۸/۸.
۲. بحار الأنوار: ۴۱/۴۳/۸.
۳. بحار الأنوار: ۷۵/۵۸/۸.
۴. الشعراء: ۱۰۰ و ۱۰۱.
۵. الكافي: ۷۲/۱۰۱/۸.


مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

۲۷۳

الشَّقاوَة

بدبختی

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

ولمزيد الاطّلاع راجع:

بحار الأنوار :۵/۱۵۲باب ۶«السعادة والشقاوة» .

انظر:

عنوان ۲۳۳«السعادة» ،الحرص :باب ۷۹۷ ،رمضان :باب ۱۵۵۲ .

۲۰۳۱
خَصائِصُ الشَّقِيِّ

۹۶۹۲ . رسولُ اللهِ ﷺ: ثلاثةٌ لا يُخالِفُهُم إلّا شَقِيٌّ: العالِمُ العامِلُ، واللَّبيبُ العاقِلُ، والإمامُ المُقسِطُ.[۱]

۹۶۹۳ . الإمامُ عليٌّ ؈: الشَّقِيُّ مَنِ انخَدَعَ لِهَواهُ وغُرُورِهِ.[۲]

۹۶۹۴ . عنه ؈: إنَّ الشَّقِيَّ مَن حُرِمَ نَفعَ ما اُوتِيَ مِنَ العَقلِ والتَّجرِبَةِ.[۳]

۹۶۹۵ . عنه ؈: تَوَقَّوُا المَعاصِيَ واحبِسُوا أنفُسَكُم عنها؛ فإنَّ الشَّقِيَّ مَن أطلَقَ فيها عِنانَهُ.[۴]

۹۶۹۶ . عنه ؈: لا يَجتَرِئُ عَلَى اللهِ إلّا جاهِلٌ شَقِيٌّ.[۵]

۲۰۳۲
الشَّقِيُّ شَقِيٌّ في بَطنِ اُمِّهِ

الكتاب:

﴿قالُوا رَبَّنا غَلَبَتْ عَلَينا شِقوَتُنا وَكُنَّا قَوماً ضالّينَ﴾.[۶]

---

۱ . تنبيه الخواطر: ۱۲۱/۲ . ۲ . نهج البلاغة: الخطبة ۸۶ .
۳ . نهج البلاغة: الكتاب ۷۸ . ۴ . غرر الحكم: ۴۲۹۹ .
۵ . نهج البلاغة: الكتاب ۵۳ . ۶ . المؤمنون: ۱۰۶ .

۲۰۳۱
ویژگیهای بدبخت

۹۶۹۲ . **پیامبر خدا ﷺ**: سه کسند که جز بدبخت
آنها مخالفت نکند: عالمی که به علم خو
عمل کند، صاحبدل خردمند، و پیشوای
دادگر.

۹۶۹۳ . **امام علی ؈**: بدبخت کسی است که فریف
هوا و هوس خود گردد.

۹۶۹۴ . **امام علی ؈**: بدبخت کسی است که از عقل
و تجربهٔ خود بهره نگیرد.

۹۶۹۵ . **امام علی ؈**: از گناهان باز ایستید
نفسهای خود را از آنها باز دارید؛ زیر
بدبخت کسی است که عنان خود را د
عرصه گناهان رها سازد.

۹۶۹۶ . **امام علی ؈**: بر خدا گستاخی نکند، مگ
نادانِ بدبخت.

۲۰۳۲
بدبخت در شکم مادر خود بدبخت است

قرآن:

«گویند: پروردگار ما! بدبختیمان بر ما چیره گشت و م
مردمی گمراه بودیم».

الحديث:

۹۶۹۷ . رسولُ اللهِ ﷺ: السَّعيدُ مَن سَعِدَ في بَطنِ أُمِّهِ، والشَّقِيُّ مَن شَقِيَ في بَطنِ أُمِّهِ.[۱]

۹۶۹۸ . عنه ﷺ: ما مِن نَسَمَةٍ يَخلُقُها اللهُ في بَطنِ أُمِّهِ إلّا أنَّهُ شَقِيٌّ أو سَعيدٌ.[۲]

۹۶۹۹ . عنه ﷺ: ما مِن نَفسٍ مَنفُوسَةٍ إلّا وقد كَتَبَ اللهُ مَكانَها مِنَ الجَنَّةِ والنارِ، وإلّا وقد كُتِبَت شَقِيَّةً أو سَعِيدةً، أمّا أهلُ السَّعادَةِ فَيُيَسَّرونَ لِعَمَلِ أهلِ السَّعادَةِ، وأمّا أهلُ الشَّقاوَةِ فَيُيَسَّرونَ لِعَمَلِ أهلِ الشَّقاوَةِ.[۳]

۹۷۰۰ . الإمامُ عليٌّ ﷺ: ثُمّ يَبعَثُ اللهُ مَلَكَ الأرحامِ ... يقولُ: يا إلٰهي، أشَقِيٌّ أم سَعِيدٌ؟ فَيُوحِي اللهُ عَزَّوجلَّ مِن ذلكَ ما يَشاءُ ويَكتُبُ المَلَكُ.[۴]

۹۷۰۱ . الإمامُ الرِّضا ﷺ: إذا تَمَّتِ الأربَعَةُ أشهُرٍ [يَعني لِلنُّطفَةِ] بَعَثَ اللهُ تبارَكَ وتعالىٰ إلَيها مَلَكَينِ خَلّاقَينِ يُصَوِّرانِهِ، ويَكتُبانِ رِزقَهُ وأجَلَهُ وشَقِيّاً أو سَعيداً.[۵]

---

۱ . كنز العمّال: ۴۹۱.
۲ . كنز العمّال: ۵۷۹.
۳ . كنز العمّال: ۵۳۸.
۴ . علل الشرائع: ۴/۹۵.
۵ . قرب الإسناد: ۱۲۶۲/۳۵۳.

حدیث:

۹۶۹۷ . **پیامبر خدا**ﷺ: خوشبخت از همان شکم مادر خود خوشبخت است و بدبخت از همان شکم مادر خود، بدبخت است.

۹۶۹۸ . **پیامبر خدا**ﷺ: هیچ کس نیست که خداوند او را در شکم مادرش بیافریند، مگر این که [در همان جا] بدبخت یا خوشبخت است.

۹۶۹۹ . **پیامبر خدا**ﷺ: هیچ کس نیست که به دنیا بیاید، مگر این که خداوند جایگاه او در بهشت و دوزخ و بدبخت یا خوشبخت بودن او را معلوم کرده است اما خوشبختان، به عملِ سعادتمندان موفّق می‌شوند، و بدبختان، به عملِ شقاوتمندان.

۹۷۰۰ . **امام علی**ﷺ: سپس خداوند، فرشتهٔ زهدانها را می‌فرستد... می‌پرسد: بار خدایا! آیا بدبخت است یا نیکبخت؟ پس خداوند عزّوجلّ آنچه بخواهد در این باره وحی می‌کند و فرشته آن را می‌نویسد.

۹۷۰۱ . **امام رضا**ﷺ: چون چهار ماه [برنطفه] بگذرد خداوند تبارک و تعالی، دو فرشتهٔ آفریننده به سوی آن بفرستد، تا بدان شکل و صورت دهند و روزی و مدّت عمر و بدبختی یا خوشبختی او را رقم زنند.

۲۰۳۳

خَلقُ السَّعادَةِ وَالشَّقاوَةِ قَبلَ الخَلقِ

۹۷۰۲ . **المحاسن** عن مَنصورِ بنِ حازِمٍ: قلتُ لأبي عبدِاللهِ ﷺ: لَم تُجِبني مُنذُ سِنينَ عنِ الشَّقاءِ والسَّعادَةِ، أنَّهُما كانا من قَبلِ أن يَخلُقَ اللهُ الخَلقَ ؟ قالَ: بَلىٰ، وأنا الساعَةَ أقولُهُ. قُلتُ: فَأخبِرْني عنِ السَّعيدِ هَل أبغَضَهُ اللهُ علىٰ حالٍ مِن الحالاتِ ؟ فقالَ: لو أبغَضَهُ علىٰ حالٍ مِن الحالاتِ لَما ألطَفَ لَهُ حتّىٰ يُخرِجَهُ مِن حالٍ إلىٰ حالٍ فَيَجعَلَهُ سَعيداً. قُلتُ: فَأخبِرْني عنِ الشَّقِيِّ هَل أحَبَّهُ اللهُ علىٰ حالٍ مِن الحالاتِ ؟ فقال: لو أحَبَّهُ... ماتَرَكَهُ شَقيّاً.[1]

۹۷۰۳ . **الإمامُ الصّادقُ** ﷺ: إنَّ اللهَ عَزَّوجلَّ خَلَقَ السَّعادَةَ والشَّقاوَةَ قَبلَ أن يَخلُقَ خَلْقَهُ، فَمَن عَلِمَهُ اللهُ سَعيداً لَم يُبغِضْهُ أبَداً، وإن عَمِلَ شَرّاً أبغَضَ عَمَلَهُ ولَم يُبغِضْهُ، وإن كانَ عَلِمَهُ شَقِيّاً لَم يُحِبَّهُ أبداً، وإن عَمِلَ صالحاً أحَبَّ عَمَلَهُ وأبغَضَهُ لِما يَصيرُ إلَيهِ.[2]

(انظر) العمل: باب ۲۹۰۴.

---

۱ . المحاسن: ۱/۴۳۶/۱۰۱۰.

۲ . التوحيد: ۵/۳۵۷.

۲۰۳۳

آفرينش خوشبختى و بدبختى پيش از آفرينش مردمان

۹۷۰۲ . **المحاسن** ـ به نقل از منصور بن حازم ـ: به امام صادق ﷺ گفتم: آيا شقاوت و سعادت پيش از آن كه خداوند خلايق را بيافريند وجود داشته‌اند؟ حضرت فرمود: آرى، و اينک من آن را [برايت] مى‌گويم. عرض كردم: پس، مرا خبر ده كه آيا خداوند انسانِ خوشبخت را در هيچ حالتى از حالات دشمنش مى‌دارد؟ فرمود: اگر موردى از موارد او را دشمن مى‌داشت، با نظر لطف خود او را از حالتى به حالتى در نمى‌آورد وخوشبختش نمى‌كرد. عرض كردم: مرا خبر ده از بدبخت كه آيا حالى از حالات هست كه خداوند او را در آن حالت دوست بدارد؟ فرمود: اگر او را در حالتى از حالت‌ها دوستش مى‌داشت... بدبخت رهايش نمى‌كرد.

۹۷۰۳ . **امام صادق** ﷺ: خداوند عزّوجلّ پيش از آن كه خلق خود را بيافريند خوشبختى و شوربختى را آفريد؛ پس خداوند كسى را كه بداند خوشبخت است، دشمن نمى‌دارد و چنانچه كار بدى انجام دهد، كارش را دشمن مى‌دارد اما خود او را دشمن نمى‌دارد و هرگاه بداند بدبخت است، هرگز او را دوست نمى‌دارد و چنانچه كار خوبى انجام دهد، كارش را دوست مى‌دارد اما به خاطر سرنوشتش وى راناخوش مى‌دارد.

۲۰۳۴
تَفسيرُ الأخبارِ السّابِقَةِ

۹۷۰۴ . التوحيد عن محمّدِ بن أبي عُمَيرٍ: سَألتُ أبا الحسنِ موسىٰ بنِ جَعفرٍ ﷺ عَن معنىٰ قولِ رَسول اللهِ ﷺ: «الشَّقِيُّ مَن شَقِيَ في بَطنِ أُمِّهِ، والسَّعيدُ مَن سَعِدَ في بَطنِ أُمِّهِ»، فقالَ: الشَّقِيُّ مَن عَلِمَ اللهُ وهُو في بَطنِ أُمِّهِ أنَّهُ سَيَعمَلُ أعمالَ الأشقِياءِ، والسَّعيدُ مَن عَلِمَ اللهُ وهُو في بَطنِ أُمِّهِ أنَّهُ سَيَعمَلُ أعمالَ السُّعَداءِ.

قُلتُ لَهُ: فَما مَعنىٰ قولِهِ ﷺ: اِعمَلُوا فَكُلٌّ مُيَسَّرٌ لِما خُلِقَ لَهُ؟

فقالَ: إنّ اللهَ عَزَّوجلَّ خَلَقَ الجِنَّ والإنسَ لِيَعبُدُوهُ، ولَم يَخلُقْهُم لِيَعصُوهُ، وذلكَ قولُهُ عَزَّوجلَّ: ﴿وما خَلَقْتُ الجِنَّ والإنسَ إلّا لِيَعْبُدُونِ﴾[1]، فَيَسَّرَ كُلّاً لِما خُلِقَ لَهُ، فالوَيلُ لِمَنِ استَحَبَّ العَمىٰ على الهُدىٰ.[2]

۲۰۳۵
ما يوجِبُ السَّعادَةَ

۹۷۰۵ . الإمامُ الصّادقُ ﷺ: إنّ اللهَ تبارَكَ وتعالىٰ يَنقُلُ

۲۰۳۴
تفسير اخبار پيشين

۹۷۰۴ . **التوحيد** ـ به نقل از محمّد بن أبى عمير ـ: از امام كاظم ﷺ دربارهٔ سخن پيامبر ﷺ پرسيدم كه: بدبخت در همان شكم مادر خود بدبخت است و خوشبخت در همان شكم مادرش خوشبخت است. حضرت فرمود: كسى كه بدبخت است در همان هنگامى كه در شكم مادرش هست، خداوند مى‌داند او در آينده كارها و اعمال شقاوتمندان را خواهد كرد و كسى كه خوشبخت باشد، در همان شكم مادرش خداوند مى‌داند كه او در آينده اعمال و رفتار سعادتمندان را انجام خواهد داد.

عرض كردم: معناى اين سخن رسول خدا ﷺ چيست: «عمل كنيد كه هر كسى براى آنچه به منظور آن آفريده شده آماده مى‌باشد»؟ فرمود: خداوند عزّوجلّ جنّ و انس را براى عبادت كردن او آفريد نه براى معصيت كردنش. اين، سخن خداوند عزّوجلّ است آن جا كه مى‌فرمايد: «جنّ و انس را نيافريديم مگر براى اين كه مرا عبادت كنند». بنابراين، همه را براى آنچه به منظور آن آفريده شده‌اند آماده كرده است، پس واى بر كسى كه كورى و گمراهى را بر هدايت ترجيح دهد.

۲۰۳۵
موجبات سعادت

۹۷۰۵ . **امام صادق** ﷺ: خداوند تبارک و تعالى

۱ . الذاريات: ۵۶. ۲ . التوحيد: ۳۵۶/۳.

العَبدَ مِنَ الشَّقاءِ إلى السَّعادَةِ، ولا يَنقُلُهُ مِن السَّعادةِ إلى الشَّقاءِ.[1]

بنده را از بدبختی به خوشبختی منتقل می‌کند، ولی از خوشبختی به بدبختی منتقل نمی‌کند.

۹۷۰۶. عنه ﷺ ـ فِيمَن زارَ الحسينَ ﷺ عارِفاً بِحَقِّهِ ـ: وإن كانَ شَقِيّاً كُتِبَ سعيداً، ولم يَزَلْ يَخُوضُ في رَحمَةِ اللهِ عَزَّوجلَّ.[2]

۹۷۰۶. امام صادق ﷺ ـ دربارهٔ کسی که حسین ﷺ را با آگاهی از حق (مقام) آن حضرت زیارت کند ـ فرمود: اگر بدبخت باشد، خوشبخت نوشته می‌شود و پیوسته در رحمت خداوند عزّوجلّ غوطه می‌خورد.

۹۷۰۷. عنه ﷺ ـ فِيمَن قَرَأَ سورةَ «الكافِرُونَ» و«الإخلاصِ» في الفَريضَةِ ـ: وإن كانَ شَقِيّاً مُحِيَ مِن دِيوانِ الأشقياءِ، وأُثبِتَ في دِيوانِ السُّعَداءِ.[3]

۹۷۰۷. امام صادق ﷺ ـ دربارهٔ کسی که سورهٔ «کافرون» و «اخلاص» را در نماز واجب بخواند ـ فرمود: اگر بدبخت باشد، نامش از دیوان شوربختان پاک می‌شود و در دیوان نیکبختان ثبت می‌گردد.

۹۷۰۸. عنه ﷺ ـ بَعدَ ذِكرِ دعاءٍ ـ: ما مِن عَبدٍ مُؤمِنٍ يَدعُو بِهِنَّ مُقبِلاً قَلبُهُ إلى اللهِ عَزَّوجلَّ إلّا قَضَىٰ حاجَتَهُ، ولَو كانَ شَقِيّاً رَجَوتُ أن يُحَوَّلَ سَعِيداً.[4]

۹۷۰۸. امام صادق ﷺ ـ بعد از ذکر دعایی ـ فرمود: هر بندهٔ مؤمنی که، با توجّه قلبی به خداوند عزّوجلّ، این دعاها را بخواند، خداوند حاجتش را برآورده سازد و چنانچه بدبخت باشد، امید دارم که خوشبخت گردد.

۲۰۳۶
ما يوجِبُ الشَّقاءَ

۲۰۳۶
موجبات بدبختی

الكتاب:

﴿قَالُوا رَبَّنَا غَلَبَتْ عَلَيْنَا شِقْوَتُنَا وَكُنَّا قَوْمًا ضَالِّينَ﴾.[5]

قرآن:

«می‌گویند: پروردگارا، شقاوت ما بر ما چیره شد و ما مردمی گمراه بودیم».

الحديث:

۹۷۰۹. الإمامُ الصّادقُ ﷺ ـ في قولِ اللهِ عَزَّوجلَّ:

حدیث:

۹۷۰۹. امام صادق ﷺ ـ دربارهٔ آیهٔ «گویند: ای

---

۱. التوحيد: ۶/۳۵۸.
۲. كامل الزيارات: ۵۱۷/۳۰۷.
۳. ثواب الأعمال: ۱/۱۵۵.
۴. الكافي: ۱/۵۱۶/۲.
۵. المؤمنون: ۱۰۶.

﴿قالوا رَبَّنا غَلَبَت عَلَينا شِقوَتُنا﴾[1] ـ: بِأعمالِهِم شَقُوا.[2]

پروردگار ما! بدبختیمان بر ما چیره گشت» ـ فرمود: به سبب اعمال و کردارشان بدبخت شدند.

۹۷۱۰. الإمامُ عليٌّ ﷺ ـ مِن كتابِهِ للأشتَرِ حينَ وَلّاهُ مِصرَ ـ: أمَرَهُ بِتقوَى اللهِ، وإيثارِ طاعَتِهِ، واتِّباعِ ما أمَرَ بِهِ في كتابِهِ مِن فَرائضِهِ وسُنَنِهِ، التي لا يَسعَدُ أحَدٌ إلّا باتِّباعِها، ولا يَشقىٰ إلّا مَع جُحُودِها وإضاعَتِها.[3]

۹۷۱۰. **امام علی**ﷺ ـ در فرمان استانداری مصر به مالک اشتر ـ نوشت: علی بن ابیطالب امر می‌کند او (مالک) را به تقوای الهی و برگزیدن فرمان خدا و پیروی از واجبات و مستحبّات او، که در کتابش (قرآن کریم) به آنها فرمان داده است و هیچ کس، جز به پیروی از آنها خوشبخت نمی‌گردد و هیچ کس جز با انکار و فرو گذاشتن آنها بدبخت نمی‌شود.

۹۷۱۱. عنه ﷺ: مَن كَثُرَ حِرصُهُ كَثُرَ شَقاؤُهُ.[4]

۹۷۱۱. **امام علی**ﷺ: کسی‌که آزمندیش زیاد باشد، رنج و بدبختیش بسیار باشد.

۹۷۱۲. عنه ﷺ: إيّاكَ والوَلَهَ بالدُّنيا؛ فإنّها تُورِثُكَ الشَّقاءَ والبَلاءَ، وتَحدُوكَ علىٰ بَيعِ البَقاءِ بِالفَناءِ.[5]

۹۷۱۲. **امام علی**ﷺ: از شیفته شدن به دنیا بپرهیز، که برای تو بدبختی و گرفتاری می‌آورد و موجب می‌شود که آنچه را ماندنی است، به آنچه رفتنی است، بفروشی.

۹۷۱۳. عنه ﷺ: الحِرصُ أحَدُ الشَّقاءَينِ.[6]

۹۷۱۳. **امام علی**ﷺ: آزمندی، یکی از دو بدبختی است.

۹۷۱۴. عنه ﷺ: سَبَبُ الشَّقاءِ حُبُّ الدُّنيا.[7]

۹۷۱۴. **امام علی**ﷺ: علّت بدبختی، دنیا دوستی است.

۹۷۱۵. عنه ﷺ ـ في صِفَةِ خَلقِ آدَمَ ﷺ ـ: فقالَ سبحانَهُ: ﴿اُسجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إلّا إبليسَ﴾[8] إعتَرَتهُ الحَمِيَّةُ، وغَلَبَتْ عَلَيهِ الشِّقوَةُ، وتَعَزَّزَ بِخِلقَةِ النارِ، واستَوهَنَ خَلقَ الصَّلصالِ.[9]

۹۷۱۵. **امام علی**ﷺ ـ در شرح آفرینش آدمﷺ ـ فرمود: خداوند سبحان فرمود: «بر آدم سجده کنید. پس همه سجده کردند، مگر ابلیس» غرور و نخوت او را فرا گرفت و بدبختی بر وجود وی چیره گشت و به آفرینش [خود] از آتش بالید و آفرینش [آدم از] گِلِ خشک را خوار شمرد.

---

۱. المؤمنون: ۱۰۶. ۲. التوحيد: ۲/۳۵۶.
۳. نهج البلاغة: الكتاب ۵۳. ۴. غرر الحكم: ۸۶۰۲.
۵. غرر الحكم: ۲۷۰۷. ۶. غرر الحكم: ۱۶۲۹.
۷. غرر الحكم: ۵۵۱۶. ۸. الإسراء: ۶۱.
۹. نهج البلاغة: الخطبة ۱.

۹۷۱۶ . عنه ﷺ: فَيا لَها حَسرَةً علىٰ كُلِّ ذِي غَفلَةٍ أن يكونَ عُمُرُهُ عَلَيهِ حُجَّةً، وأن تُؤَدِّيَهُ أيّامُهُ إلى الشِّقوَةِ![1]

۹۷۱۶ . **امام علی**ﷺ: ای دریغ بر آن بی‌خبری که عمرش بر او حجّت باشد و گذشتِ روزگارانش او را به بدبختی کشاند.

۹۷۱۷ . عنه ﷺ: فَمَن يَبتَغِ غَيرَ الإسلامِ دِيناً تَتَحَقَّقْ شِقوَتُهُ، وتَنفَصِمْ عُروَتُهُ، وتَعظُمْ كَبوَتُهُ، ويَكُنْ مَآبُهُ إلى الحُزنِ الطَّويلِ والعَذابِ الوَبيلِ (الشَّديدِ).[2]

۹۷۱۷ . **امام علی**ﷺ: هرکه دینی جز اسلام بجوید به بدبختی گرفتار آید و دستاویزش از هم گسیخته شود و به رو در افتادن و سقوطش [در عذاب و آتش] سخت باشد و به اندوهِ دراز و عذاب دردناک مبتلا گردد.

۹۷۱۸ . الإمامُ الحسينُ ﷺ ـ في دعاءِ يَومِ عَرَفَةَ ـ: اللّهُمَّ اجعَلْني أخشاكَ كَأنّي أراكَ، وأسعِدْني بتَقواكَ، ولا تُشقِني بِمَعصِيَتِكَ.[3]

۹۷۱۸ . **امام حسین**ﷺ ـ در دعای روز عرفه ـ گفت: بار خدایا! کاری کن که از تو چنان بترسم که گویی می‌بینمت، و باتقوا و ترس از خودت خوشبختم گردان، و با معصیت و نافرمانیت شور بختم مکن.

۹۷۱۹ . الإمامُ الرِّضا ﷺ: جَفَّ القَلَمُ بحَقيقَةِ الكِتابِ مِنَ اللهِ بِالسَّعادَةِ لِمَن آمَنَ واتَّقىٰ، والشَّقاوَةِ مِنَ اللهِ تبارَكَ وتعالىٰ لِمَن كَذَّبَ وعَصىٰ.[4]

۹۷۱۹ . **امام رضا**ﷺ: قلم تقدیر خداوندی بر خوشبختی کسی که ایمان آورَد و تقوا داشته باشد و بر بدبختی کسی که ایمان نیاورَد و نافرمانی ورزد، رقم خورده‌است.

۲۰۳۷
أشقَى النّاسِ

۹۷۲۰ . رسولُ اللهِ ﷺ: أشقَى الناسِ المُلُوكُ.[5]

۹۷۲۰ . **پیامبر خدا**ﷺ: بدبخت‌ترین مردمان، شاهانند.

۹۷۲۱ . عنه ﷺ: أشقَى الأشقياءِ مَنِ اجتَمَعَ عَلَيهِ فَقرُ الدُّنيا وعَذابُ الآخِرَةِ.[6]

۹۷۲۱ . **پیامبر خدا**ﷺ: بدبخت‌ترین بدبختها، کسی است که فقر دنیا و عذاب آخرت در او جمع شود.

---

۱ . نهج البلاغة: الخطبة ۶۴.
۲ . نهج البلاغة: الخطبة ۱۶۱.
۳ . بحار الأنوار: ۳/۲۱۸/۹۸.
۴ . قرب الإسناد: ۱۲۷۰/۳۵۵.
۵ . مشكاة الأنوار: ۱۳۱۹/۳۹۹.
۶ . كنز العمّال: ۱۶۶۸۳.

۹۷۲۲ . **مجمع البيان** عَن عُثمانِ بنِ صُهَيبٍ عَن أبيهِ : قالَ رسولُ اللهِ ﷺ لعلِيِّ بنِ أبي طالبٍ ﷺ : مَن أشقَى الأوَّلينَ؟ قالَ : عاقِرُ الناقَةِ ، قالَ : صَدَقتَ ، فَمَن أشقَى الآخِرينَ؟ قالَ : قُلتُ : لا أعلَمُ يا رسولَ اللهِ ، قالَ : الذي يَضرِبُكَ علىٰ هٰذِهِ ، وأشارَ إلىٰ يافُوخِهِ .[1]

۹۷۲۲ . **مجمع البیان** ـ به نقل از عثمان بن صهیب از پدرش ـ : پیامبر ﷺ از علی ﷺ پرسید : بدبخت‌ترین مردمان گذشته کیست؟ [علی ﷺ] گفت : پی کنندهٔ ناقه . فرمود : درست است . پرسید : بدبخت‌ترین مردم در آینده کیست؟ گفت : نمی‌دانم ای رسول خدا . پیامبر ﷺ به ملاج علی ﷺ اشاره کرد و فرمود : آن کسی که به این جا ضربت زند .

۹۷۲۳ . **عيسى** ﷺ : أشقَى الناسِ مَن هُو مَعروفٌ عندَ الناسِ بِعِلمِهِ مَجهولٌ بِعَمَلِهِ .[2]

۹۷۲۳ . **عیسی** ﷺ : بدبخت‌ترین مردم ، کسی است که در میان مردم به علم شناخته شده باشد و به عمل ، ناشناخته .

۹۷۲۴ . **الإمامُ عليٌّ** ﷺ ـ وقد سُئِلَ عن أشقَى الناسِ ـ : مَن باعَ دِينَهُ بِدُنيا غَيرِهِ .[3]

۹۷۲۴ . **امام علی** ﷺ ـ در پاسخ به این پرسش که بدبخت‌ترین مردم کیست ـ فرمود : کسی که دین خود را به دنیای دیگری بفروشد .

۹۷۲۵ . **عنه** ﷺ : أشقاكُم أحرَصُكُم .[4]

۹۷۲۵ . **امام علی** ﷺ : بدبخت‌ترین شما ، آزمندترین شماست .

۹۷۲۶ . **عنه** ﷺ : أشقَى الناسِ مَن غَلَبَهُ هَواهُ ، فَمَلَكَتهُ دُنياهُ وأفسَدَ أُخراهُ .[5]

۹۷۲۶ . **امام علی** ﷺ : بدبخت‌ترین مردم کسی است که هوای نفس بر او چیره شود ؛ پس دنیایش او را در اختیار خود گیرد و آخرت خویش را تباه گرداند .

۹۷۲۷ . **عنه** ﷺ : مِن أعظَمِ الشَّقاوَةِ القَساوَةُ .[6]

۹۷۲۷ . **امام علی** ﷺ : یکی از بزرگترین بدبختیها ، سنگدلی است .

۹۷۲۸ . **عنه** ﷺ ـ في الدعاءِ ـ : يا رَبِّ ، ما أشقىٰ جَدَّ مَن لَم يَعظُمْ في عَينِهِ وقَلبِهِ ما رَأىٰ مِن مُلكِكَ وسُلطانِكَ في جَنبِ ما لَم تَرَ عَينُهُ وقَلبُهُ مِن مُلكِكَ وسُلطانِكَ ! وأشقىٰ مِنهُ مَن لَم يَصغُرْ في عَينِهِ وقَلبِهِ ما رَأىٰ وما لَم

۹۷۲۸ . **امام علی** ﷺ ـ در دعا ـ گفت : پروردگارا! چه بدبخت است کسی که قدرت و شوکت مشهود تو و نیز قدرت و شوکت نامشهود تو ، در نگاه و دل او با عظمت نیاید و بدبخت‌تر از او کسی است که قدرت و

---

۱ . مجمع البيان : ۷۵۶/۱۰ . وانظر تفسير نور الثقلين : ۱۱/۵۸۷/۵ ـ ۱۳ .

۲ . بحار الأنوار : ۱۹/۵۲/۲ .

۳ . الأمالي للصدوق : ۶۴۴/۳۷۸ .

۴ . غرر الحكم : ۲۸۳۵ .

۵ . غرر الحكم : ۳۲۳۷ .

۶ . غرر الحكم : ۹۳۷۶ .

يَرَ مِن مُلكِكَ وسُلطانِكَ في جَنبِ عَظَمَتِكَ وجَلالِكَ، لا إلهَ إلّا أنتَ سبحانَكَ إنّي كُنتُ مِن الظالِمينَ.[1]

(انظر) الخلقة: باب ۱۰۷۴.

۲۰۳۸
عَلاماتُ الشَّقاءِ

۹۷۲۹. رسولُ اللهِ ﷺ: مِن علاماتِ الشَّقاءِ: جُمُودُ العَينِ، وقَسوَةُ القَلبِ، وشِدَّةُ الحِرصِ في طَلَبِ الرِّزقِ، والإصرارُ على الذَّنبِ.[2]

۹۷۳۰. عنه ﷺ: يا عليُّ، أربَعُ خِصالٍ مِنَ الشَّقاءِ: جُمُودُ العَينِ، وقَساوَةُ القَلبِ، وبُعدُ الأمَلِ، وحُبُّ البَقاءِ.[3]

۹۷۳۱. الإمامُ عليٌّ ﷺ: مِن عَلامَةِ الشَّقاءِ غِشُّ الصَّديقِ.[4]

۹۷۳۲. عنه ﷺ: مِن علاماتِ الشَّقاءِ الإساءَةُ إلى الأخيارِ.[5]

۹۷۳۳. عنه ﷺ: مِنَ الشَّقاءِ إفسادُ المَعادِ.[6]

۹۷۳۴. عنه ﷺ: مِنَ الشَّقاءِ أن يَصُونَ المَرءُ دُنياهُ

شوکت مشهود و نامشهودِ تو، در قیاس با عظمت و جلالِ خود تو در چشم و دلش خُرد و ناچیز نیاید. لا إله إلّا أنت سبحانک إنّی کنت من الظالمین (خدایی جز تو نیست، پاکی تو ای خدا، من از ستمگران بودم).

۲۰۳۸
نشانه‌های بدبختی

۹۷۲۹. **پیامبر خدا** ﷺ: از نشانه‌های بدبختی است: خشکی چشم و سختی دل و حرص زدن زیاد در طلب روزی و پافشاری بر گناه.

۹۷۳۰. **پیامبر خدا** ﷺ: ای علی! چهار چیز نشانهٔ بدبختی است: خشکی چشم، قساوت قلب، آرزوی دراز، و عشق به زنده ماندن.

۹۷۳۱. **امام علی** ﷺ: از نشانهٔ بدبختی، دغلکاری با دوست است.

۹۷۳۲. **امام علی** ﷺ: از نشانه‌های شقاوت، بدی کردن به نیکان است.

۹۷۳۳. **امام علی** ﷺ: تباه کردن معاد، از بدبختی است.

۹۷۳۴. **امام علی** ﷺ: از بدبختی است که انسان دین

---

۱. تحف العقول: ۲۱۸.
۲. الخصال: ۹۶/۲۴۳.
۳. الخصال: ۹۷/۲۴۳.
۴. غرر الحكم: ۹۲۹۷.
۵. غرر الحكم: ۹۳۰۷.
۶. غرر الحكم: ۹۲۷۴.

بِدِينِهِ.[1]

۹۷۲ . عنه ﷺ: مِنَ الشَّقاءِ فَسادُ النِّيَّةِ.[2]

۹۷۳ . الإمامُ الصّادقُ ﷺ: إذا أرَدتَ أن تَعلَمَ أشَقِيَّ الرَّجُلُ أم سَعيدٌ، فَانظُرْ مَعروفَهُ إلىٰ مَن يَصنَعُهُ؛ فإن كانَ يَصنَعُهُ إلىٰ مَن هو أهلُهُ فَاعلَم أنَّهُ خَيرٌ، وإن كانَ يَصنَعُهُ إلىٰ غَيرِ أهلِهِ فَاعلَم أنَّهُ لَيسَ لَهُ عِندَ اللهِ خَيرٌ.[3]

(انظر) الشَّقاوة: باب ۲۰۳۱.

۹۷۴ . عنه ﷺ: از نشانه‌های بدبختی، فساد نیت است.

۹۷۵ . امام صادق ﷺ: اگر خواهی بدانی آیا کسی بدبخت است یا خوشبخت، بنگر که به چه کسی خوبی می‌کند؛ اگر به اهلش (مستحق) خوبی می‌کند، بدان که آدم خوبی است و اگر به (غیر مستحق) نااهل خوبی می‌کند، بدان که او را نزد خداوند خیر و خوبی نیست.

۲۰۳۹
عاقِبَةُ الأشقِياءِ

کتاب:

يَوْمَ يَأْتِ لَا تَكَلَّمُ نَفْسٌ إِلَّا بِإِذْنِهِ فَمِنْهُمْ شَقِيٌّ وَسَعِيدٌ * فَأَمَّا الَّذِينَ شَقُوا فَفِي النَّارِ لَهُمْ فِيهَا زَفِيرٌ وَشَهِيقٌ * خَالِدِينَ فِيهَا مَادَامَتِ السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ إِلَّا مَا شَاءَ رَبُّكَ إِنَّ رَبَّكَ فَعَّالٌ لِمَا يُرِيدُ.[4]

حدیث:

۹۷۶ . الإمامُ عليٌّ ﷺ: فَمَن يَبتَغِ غَيرَ الإسلامِ ديناً تَتَحَقَّق شِقوَتُهُ، وتَنقَصِم عُروَتُهُ، وتَعظُم كَبوَتُهُ، ويَكُن ما بِهِ إلَى الحُزنِ الطَّويلِ

۲۰۳۹
سرانجام بدبختان

قرآن:

«روزی [است] که چون فرا رسد هیچ کس جز به اذن وی سخن نگوید. آنگاه بعضی از آنان تیره بختند و [برخی] نیکبخت و امّا کسانی که تیره بخت شده‌اند، در آتش، فریاد و ناله‌ای دارند. تا آسمانها و زمین برجاست، در آن ماندگار خواهند بود، مگر آنچه پروردگارت بخواهد، زیرا پروردگار تو همان کند که خواهد».

حدیث:

۹۷۷ . امام علی ﷺ: هر کس جز اسلام در پی دینی برود، تیره‌بختی‌اش محقق و بند [خوشبختی‌اش] گسسته و افتادنش سخت است. بازگشت او به اندوه طولانی و

---

۱. غرر الحكم: ۹۳۴۶. ۲. غرر الحكم: ۹۴۰۲.
۳. بحار الأنوار: ۳۱/۴۱۴/۷۴.
۴. هود: ۱۰۵ـ۱۰۶ـ۱۰۷.

وَالعَذابِ الوَبيلِ.[1]

عذابی ناگوار است.

۹۷۳۸. عنه‌ﷺ ـ في كِتابِهِ لِلأشتَرِ حينَ وَلّاهُ مِصرَ ـ: هٰذا ما أمَرَ بِهِ عَبدُ اللهِ عَلِيٌّ أميرُ المُؤمِنينَ مالِكَ بنَ الحارِثِ الأشتَرَ ... أمَرَهُ بِتَقوَى اللهِ وإيثارِ طاعَتِهِ، وَاتِّباعِ ما أمَرَ بِهِ في كِتابِهِ مِن فَرائِضِهِ وسُنَنِهِ الَّتي لا يَسعَدُ أحَدٌ إلّا بِاتِّباعِها، ولا يَشقىٰ إلّا مَعَ جُحودِها وإضاعَتِها.[2]

۹۷۳۸. امام علی‌ﷺ ـ در عهدنامه‌اش به مالک اشتر، زمانی که او را حاکم مصر گردانید ـ نوشت: این، دستوری است که بندهٔ خدا امیرالمؤمنین، به مالک بن حارث اشتر می‌دهد... او را فرمان می‌دهد به پروای از خدا و مقدم داشتن طاعت او بر هر چیز و پیروی از هر چه او در کتابش به آن فرمان داده است: از واجبات و سنت‌هایی که احدی جز به پیروی از آنها خوشبخت نمی‌شود و احدی هم جز به انکار و پامال کردن آنها بدبخت نمی‌شود.

۹۷۳۹. الإمامُ الصّادقُﷺ: جاءَ رَجُلٌ إلَى النَّبِيِّﷺ فَقالَ: ما قَبَّلتُ صَبِيّاً قَطُّ. فَلَمّا وَلّىٰ قالَ رَسولُ اللهِﷺ: هٰذا رَجُلٌ عِندي أنَّهُ مِن أهلِ النّارِ.[3]

۹۷۳۹. امام صادقﷺ: مردی خدمت رسول خدا آمد و گفت: هرگز کودکی را نبوسیده‌ام. وقتی آن مرد رو گرداند [که برود] پیامبر فرمود: این مرد، در نزد من از اهل آتش است.

---

۱. نهج البلاغة: الخطبة ۱۶۱.
۲. نهج البلاغة: الكتاب ۵۳.
۳. الكافي: ۶ / ۵۰ / ۷.

فهرست موضوعات عربی

حرف الزاء

۲۰۲ ـ الزراعة ۷
۱۵۷۳ ـ استِحبابُ الزَّرعِ وَالغَرسِ ۸
۱۵۷۴ ـ الزّارِعونَ ۹
۱۵۷۵ ـ الأنبياءُ وَالزِّراعَةُ ۱۰
۲۰۳ ـ الزكاة ۱۱
۱۵۷۶ ـ الزَّكاةُ ۱۲
۱۵۷۷ ـ اقتِرانُ الزَّكاةِ بِالصَّلاةِ ۱۲
۱۵۷۸ ـ حِكمَةُ الزَّكاةِ ۱۳
۱۵۷۹ ـ دَورُ الزَّكاةِ في نَماءِ المالِ ۱۶
۱۵۸۰ ـ تَحصينُ المالِ بِالزَّكاةِ ۱۷
۱۵۸۱ ـ مانِعُ الزَّكاةِ ۱۷
۱۵۸۲ ـ كُفرُ مانِعِ الزَّكاةِ ۱۸
۱۵۸۳ ـ عِقابُ مانِعِ الزَّكاةِ ۱۹
۱۵۸۴ ـ طيبُ النَّفسِ في أداءِ الزَّكاةِ ۲۰
۱۵۸۵ ـ الحَقُّ المَعلومُ غَيرُ الزَّكاةِ ۲۱
۱۵۸۶ ـ المُستَحِقّونَ لِلزَّكاةِ ۲۲
۱۵۸۷ ـ الزَّكاةُ الظّاهِرَةُ وَالباطِنَةُ ۲۳
۱۵۸۸ ـ لِكُلِّ شَيءٍ زَكاةٌ ۲۳
۱۵۸۹ ـ زَكاةُ البَدَنِ ۲۶
۱۵۹۰ ـ زَكاةُ الفِطرَةِ ۲۷
۲۰۴ ـ التزكية ۲۹
۱۵۹۱ ـ التَّزكِيَةُ ۳۰
۱۵۹۲ ـ مَوانِعُ التَّزكِيَةِ ۳۱
۲۰۵ ـ الزمان ۳۵
۱۵۹۳ ـ مَعرِفَةُ الزَّمانِ ۳۶
۱۵۹۴ ـ مَن أمِنَ الزَّمانَ ۳۶
۱۵۹۵ ـ مَن عانَدَ الزَّمانَ ۳۷
۱۵۹۶ ـ عَيبُ الزَّمانِ ۳۷
۲۰۶ ـ الزنا ۳۹
۱۵۹۷ ـ النَّهيُ عَنِ الزِّنا ۴۰
۱۵۹۸ ـ أكبَرُ الزِّنا ۴۱
۱۵۹۹ ـ حِكمَةُ تَحريمِ الزِّنا ۴۲
۱۶۰۰ ـ آثارُ الزِّنا ۴۳
۱۶۰۱ ـ انتِشارُ الزِّنا ۴۴
۱۶۰۲ ـ لِكُلِّ عُضوٍ حَظٌّ مِنَ الزِّنا ۴۴
۱۶۰۳ ـ حَدُّ الزِّنا ۴۵
۱۶۰۴ ـ حَدُّ الزِّنا بِالعُنفِ ۴۶
۱۶۰۵ ـ وَلَدُ الزِّنا ۴۶
۱۶۰۶ ـ عَلاماتُ وَلَدِ الزِّنا ۴۸
۱۶۰۷ ـ الدَّيُّوثُ ۴۹
۱۶۰۸ ـ القِيادَةُ ۴۹

١٦٠٩ ـ النَّوادِرُ ٤٩
٢٠٧ ـ الزهد ٥١
١٦١٠ ـ فَضلُ الزُّهدِ ٥٢
١٦١١ ـ التَّزَيُّنُ بِالزُّهدِ ٥٣
١٦١٢ ـ الزُّهدُ وَالدِّينُ ٥٤
١٦١٣ ـ حَقيقَةُ الزُّهدِ ٥٥
١٦١٤ ـ صِفاتُ الزّاهِدِ ٥٨
١٦١٥ ـ أوَّلُ الزُّهدِ ٦١
١٦١٦ ـ أصلُ الزُّهدِ ٦٢
١٦١٧ ـ موجِباتُ الزُّهدِ ٦٣
١٦١٨ ـ طَريقُ الزُّهدِ ٦٥
١٦١٩ ـ مَوانِعُ الزُّهدِ ٦٥
١٦٢٠ ـ دَرَجاتُ الزُّهدِ ٦٦
١٦٢١ ـ الزُّهدُ وَالعِلمُ الذّاتِيُّ ٦٦
١٦٢٢ ـ الزُّهدُ وشَرحُ الصَّدرِ ٦٨
١٦٢٣ ـ الزُّهدُ وَالمُكاشَفَةُ ٦٨
١٦٢٤ ـ ثَمَراتُ الزُّهدِ ٧١
١٦٢٥ ـ مَضارُّ الرَّغبَةِ ٧٣
١٦٢٦ ـ أزهَدُ النّاسِ ٧٣
١٦٢٧ ـ مَوعِظَةٌ لِمَن تَأبىٰ نَفسُهُ الزُّهدَ ٧٥
١٦٢٨ ـ الزُّهدُ لا يَنقُصُ الرِّزقَ ٧٥
١٦٢٩ ـ الزُّهدُ وَالمَعرِفَةُ ٧٦
١٦٣٠ ـ النَّوادِرُ ٧٧
٢٠٨ ـ الزواج ٧٩
١٦٣١ ـ الحَثُّ عَلَى الزَّواجِ ٨٠
١٦٣٢ ـ النِّكاحُ سُنَّةٌ ٨١
١٦٣٣ ـ مَن تَزَوَّجَ في حَداثَةِ سِنِّهِ ٨٢
١٦٣٤ ـ مَن تَزَوَّجَ أحرَزَ نِصفَ دينِهِ ٨٢
١٦٣٥ ـ صَلاةُ المُتَزَوِّجِ ونَومُهُ ٨٣
١٦٣٦ ـ زِيادَةُ الرِّزقِ بِالنِّكاحِ ٨٣
١٦٣٧ ـ التَّحذيرُ مِن تَركِ الزَّواجِ ٨٥
١٦٣٨ ـ ذَمُّ العُزّابِ ٨٦
١٦٣٩ ـ ثَوابُ تَزويجِ الإخوانِ ٨٦
١٦٤٠ ـ الحَثُّ عَلَى التَّعجيلِ في تَزويجِ البَناتِ ٨٧
١٦٤١ ـ الاهتِمامُ بِدينِ المَرأةِ فِي الزَّواجِ ٨٨
١٦٤٢ ـ الاهتِمامُ بِدينِ الرَّجُلِ فِي الزَّواجِ ٨٩
١٦٤٣ ـ حِكمَةُ المَهرِ ٩٠
١٦٤٤ ـ ذَمُّ غَلاءِ المَهرِ ٩١
١٦٤٥ ـ الاهتِمامُ فِي اختِيارِ الزَّوجَةِ ٩١
١٦٤٦ ـ تَخَيَّروا لِنُطَفِكُم ٩٢
١٦٤٧ ـ المُؤمِنَةُ كُفوُ المُؤمِنِ ٩٢
١٦٤٨ ـ مَن لا يَنبَغي تَزويجُهُم ٩٣
١٦٤٩ ـ مَن لا يَنبَغي تَزَوُّجُهُنَّ ٩٤
١٦٥٠ ـ أقسامُ النِّساءِ ٩٥
١٦٥١ ـ حُقوقُ الزَّوجِ ٩٦
١٦٥٢ ـ حُقوقُ الزَّوجَةِ ٩٧
١٦٥٣ ـ خِدمَةُ الزَّوجِ ٩٩
١٦٥٤ ـ خِدمَةُ الزَّوجَةِ ١٠٠
١٦٥٥ ـ إيذاءُ الزَّوجِ ١٠١
١٦٥٦ ـ إيذاءُ الزَّوجَةِ ١٠٢
١٦٥٧ ـ الصَّبرُ عَلىٰ سوءِ خُلُقِ الزَّوجَةِ ١٠٢
١٦٥٨ ـ الصَّبرُ عَلىٰ سوءِ خُلُقِ الزَّوجِ ١٠٢
١٦٥٩ ـ الزَّوجَةُ الصّالِحَةُ ١٠٣
١٦٦٠ ـ الزَّوجَةُ السَّيِّئَةُ ١٠٣
١٦٦١ ـ طاعَةُ الزَّوجَةِ في مَعصِيَةِ اللهِ ١٠٥
١٦٦٢ ـ ما يَنبَغي رِعايَتُهُ في نَفَقَةِ العِيالِ ١٠٥

۱۶۶۳ ـ تَعَدُّدُ الزَّوجاتِ ۱۰۶
۱۶۶۴ ـ أدَبُ استِجابَةِ الدَّعوةِ إلَى العُرسِ ۱۰۸
۱۶۶۵ ـ الحَثُّ عَلىٰ إعلانِ النِّكاحِ ۱۰۸
۲۰۹ ـ الزيارة ۱۰۹
۱۶۶۶ ـ الحَثُّ عَلَى التَّزاوُرِ فِي اللهِ ۱۱۰
۱۶۶۷ ـ زُوّارُ اللهِ ۱۱۰
۱۶۶۸ ـ ثَوابُ الزِّيارَةِ فِي اللهِ ۱۱۱
۱۶۶۹ ـ دَورُ زِيارَةِ الإخوانِ في إحياءِ القَلبِ وَ الدِّينِ ۱۱۲
۱۶۷۰ ـ ثَمَراتُ لِقاءِ الإخوانِ ۱۱۲
۱۶۷۱ ـ النَّهيُ عَن زِيارَةِ الفُجّارِ ۱۱۳
۱۶۷۲ ـ أدَبُ الزِّيارَةِ ۱۱۳
۲۱۰ ـ زيارة القبور ۱۱۵
۱۶۷۳ ـ زِيارَةُ النَّبيِّ ﷺ ۱۱۶
۱۶۷۴ ـ زِيارَةُ أهلِ البيتِ ﷺ ۱۱۶
۱۶۷۵ ـ زِيارَةُ الإمامِ عَلِيٍّ ﷺ ۱۱۷
۱۶۷۶ ـ زِيارَةُ فاطِمَةَ بِنتِ رَسولِ اللهِ ﷺ ۱۱۸
۱۶۷۷ ـ زِيارَةُ الإمامِ الحَسَنِ ﷺ ۱۱۹
۱۶۷۸ ـ زِيارَةُ الإمامِ الحُسَينِ ﷺ ۱۲۰
۱۶۷۹ ـ دُعاءُ الصّادِقِ لِزُوّارِ الحُسَينِ ﷺ ۱۲۱
۱۶۸۰ ـ أدَبُ زِيارَةِ الإمامِ الحُسَينِ ﷺ ۱۲۲
۱۶۸۱ ـ زِيارَةُ أئِمَّةِ البَقيعِ ﷺ ۱۲۳
۱۶۸۲ ـ زِيارَةُ الإمامِ الكاظِمِ ﷺ ۱۲۳
۱۶۸۳ ـ زِيارَةُ الإمامِ الرِّضا ﷺ ۱۲۵
۱۶۸۴ ـ زِيارَةُ الإمامِ الجَوادِ ﷺ ۱۲۶
۱۶۸۵ ـ زِيارَةُ الإمامَينِ العَسكَرِيَّينِ ﷺ ۱۲۶
۱۶۸۶ ـ زِيارَةُ فاطِمَةَ بِنتِ موسَى الكاظِمِ ﷺ ۱۲۸
۱۶۸۷ ـ زِيارَةُ السَّيِّدِ عَبدِالعَظيمِ الحَسَنِيِّ ﷺ ۱۲۸
۱۶۸۸ ـ زِيارَةُ قُبورِ الصُّلَحاءِ ۱۲۹
۱۶۸۹ ـ زِيارَةُ قُبورِ المَوتىٰ ۱۲۹
۱۶۹۰ ـ التَّسليمُ علىٰ أهلِ القُبورِ ۱۳۰
۲۱۱ ـ الزينة ۱۳۳
۱۶۹۱ ـ الزِّينَةُ ۱۳۴
۱۶۹۲ ـ التَّزَيُّنُ لِلأعداءِ ۱۳۵
۱۶۹۳ ـ ما يَحرُمُ مِنَ الزِّينَةِ ۱۳۶
۱۶۹۴ ـ زِينَةُ البَواطِنِ ۱۳۶
۱۶۹۵ ـ أحسَنُ الزِّينَةِ ۱۴۰
۱۶۹۶ ـ مَن زُيِّنَ لَهُ سوءُ عَمَلِهِ ۱۴۱

حرف السين

۲۱۲ ـ المسؤولية ۱۴۵
۱۶۹۷ ـ المَسؤولِيَّةُ ۱۴۶
۱۶۹۸ ـ كُلُّكُم مَسؤولٌ! ۱۴۷
۱۶۹۹ ـ مَسؤولِيَّةُ السَّمعِ وَالبَصَرِ وَالفُؤادِ ۱۴۸
۲۱۳ ـ السؤال (طلب العلم) ۱۵۱
۱۷۰۰ ـ مِفتاحُ العِلمِ ۱۵۲
۱۷۰۱ ـ حُسنُ المَسأَلَةِ ۱۵۳
۱۷۰۲ ـ ما لا يَنبَغي فِي السُّؤالِ ۱۵۴
۱۷۰۳ ـ سَلوني قَبلَ أن تَفقِدوني ۱۵۶
۱۷۰۴ ـ «لا أدري» نِصفُ العِلمِ ۱۵۸
۲۱۴ ـ السؤال (طلبُ الحاجَةِ) ۱۶۱
۱۷۰۵ ـ النَّهيُ عَن سُؤالِ النّاسِ ۱۶۲
۱۷۰۶ ـ النَّهيُ عَن سُؤالِ غَيرِ اللهِ ۱۶۴
۱۷۰۷ ـ تَركُ السُّؤالِ وضَمانُ الجَنَّةِ ۱۶۵
۱۷۰۸ ـ مَوارِدُ جَوازِ المَسأَلَةِ ۱۶۶
۱۷۰۹ ـ التَّحذيرُ مِنَ السُّؤالِ عَن ظَهرِ غِنىً ۱۶۷
۱۷۱۰ ـ الحَثُّ عَلَى الاستِغناءِ عَنِ النّاسِ ۱۶۹
۱۷۱۱ ـ طَلَبُ المَعروفِ مِن أهلِهِ ۱۷۰

١٧١٢ ـ طَلَبُ الحاجَةِ مِن غَيرِ أهلِها ١٧١
١٧١٣ ـ أدَبُ السُّؤالِ ١٧٢
١٧١٤ ـ التَّحذيرُ عَن رَدِّ السائِلِ ١٧٣
١٧١٥ ـ مَن لا يَنبَغي رَدُّهُ ١٧٥
١٧١٦ ـ مِن مَوارِدِ الإنفاقِ مِن بَيتِ المالِ ١٧٦
١٧١٧ ـ النَّوادِرُ ١٧٧
٢١٥ ـ الأسباب ١٧٩
١٧١٨ ـ لِكُلِّ شَيءٍ سَبَبٌ ١٨٠
١٧١٩ ـ أوثَقُ الأسبابِ ١٨٣
٢١٦ ـ السبّ ١٨٥
١٧٢٠ ـ سِبابُ المُؤمِنِ ١٨٦
١٧٢١ ـ النَّهيُ عَن سَبِّ الأصنامِ وَالشَّيطانِ ١٨٦
١٧٢٢ ـ النَّهيُ عَن سَبِّ النّاسِ ١٨٧
١٧٢٣ ـ النَّهيُ عَن سَبِّ الأشياءِ ١٨٨
١٧٢٤ ـ النَّهيُ عَنِ التَّسابِّ ١٨٨
١٧٢٥ ـ جَزاءُ مَن سَبَّ الأنبياءَ وَالأوصِياءَ ١٨٩
١٧٢٦ ـ سَبُّ الإمامِ عَلِيٍّ ﷺ ١٩٠
٢١٧ ـ التسبيح ١٩٣
١٧٢٧ ـ تَفسيرُ سُبحانَ اللهِ ١٩٣
١٧٢٨ ـ تَسبيحُ الأشياءِ ١٩٥
٢١٨ ـ التسابق ١٩٧
١٧٢٩ ـ التَّسابُقُ ١٩٨
١٧٣٠ ـ استِباقُ الخَيراتِ ١٩٨
٢١٩ ـ السبيل ٢٠١
١٧٣١ ـ سَبيلُ اللهِ ٢٠٢
١٧٣٢ ـ سَبيلُ الحَقِّ ٢٠٤
٢٢٠ ـ السجود ٢٠٧
١٧٣٣ ـ السُّجودُ ٢٠٨
١٧٣٤ ـ ما يَسجُدُ لِلّهِ ٢٠٨
١٧٣٥ ـ السُّجودُ وَالتَّقَرُّبُ إلَى اللهِ ٢٠٩
١٧٣٦ ـ تَفسيرُ السُّجودِ ٢١٠
١٧٣٧ ـ مَن أتىٰ بِحَقيقَةِ السُّجودِ ٢١١
١٧٣٨ ـ إطالَةُ السُّجودِ ٢١٢
١٧٣٩ ـ سُجودُ الإمامِ زَينِ العابِدينَ ﷺ ٢١٣
١٧٤٠ ـ أثَرُ السُّجودِ ٢١٣
١٧٤١ ـ ذَمُّ المُرائي بِالسُّجودِ ٢١٣
١٧٤٢ ـ عِلَّةُ عَدَمِ جوازِ السُّجودِ عَلىٰ غَيرِ الأرضِ ٢١٥
١٧٤٣ ـ السُّجودُ عَلىٰ تُربَةِ الحُسَينِ ﷺ ٢١٦
٢٢١ ـ المسجد ٢١٧
١٧٤٤ ـ المَسجِدُ بَيتُ اللهِ ٢١٨
١٧٤٥ ـ ثَوابُ بِناءِ المَسجِدِ ٢١٩
١٧٤٦ ـ اتِّخاذُ المَسجِدِ فِي البَيتِ ٢١٩
١٧٤٧ ـ عِمارَةُ المَساجِدِ ٢٢٠
١٧٤٨ ـ المَشيُ إلَى المَساجِدِ ٢٢١
١٧٤٩ ـ الجُلوسُ فِي المَسجِدِ ٢٢١
١٧٥٠ ـ شَكوَى المَساجِدِ ٢٢٢
١٧٥١ ـ جِوارُ المَسجِدِ وَالصَّلاةُ فيهِ ٢٢٣
١٧٥٢ ـ دُخولُ المَسجِدِ لِمَن عِندَهُ مَظلِمَةٌ ٢٢٣
١٧٥٣ ـ آدابُ المَساجِدِ ٢٢٣
١٧٥٤ ـ آدابُ الدُّخولِ إلى المَسجِدِ ٢٢٣
١٧٥٥ ـ ثَمَرَةُ الاختِلافِ إلَى المَساجِدِ ٢٢٦
١٧٥٦ ـ المَساجِدُ المَمدوحَةُ ٢٢٧
١٧٥٧ ـ مَسجِدُ ضِرارٍ ٢٢٩
٢٢٢ ـ السجن ٢٣١
١٧٥٨ ـ السِّجنُ ٢٣٢
١٧٥٩ ـ سِجنُ النَّفسِ ٢٣٣

۲۲۱ ـ السحت ۲۳۵
۱۷۶۰ ـ السُحتُ ۲۳۶
۲۲۲ ـ السحر ۲۳۹
۱۷۶۱ ـ السِّحرُ ۲۴۰
۱۷۶۲ ـ جَزاءُ ساحِرِ المُسلِمينَ ۲۴۱
۱۷۶۳ ـ أنواعُ السِّحرِ ۲۴۲
۱۷۶۴ ـ أشَدُّ سِحراً مِن هاروتَ وماروتَ ! ۲۴۳
۲۲۵ ـ المساحقة ۲۴۵
۱۷۶۵ ـ المُساحَقَةُ ۲۴۶
۲۲۶ ـ السخرية ۲۴۷
۱۷۶۶ ـ السُخرِيَّةُ ۲۴۸
۲۲۷ ـ السخاء ۲۵۱
۱۷۶۷ ـ السَّخاءُ أكرَمُ الأخلاقِ ۲۵۲
۱۷۶۸ ـ السَّخاءُ ثَمَرَةُ العَقلِ ۲۵۳
۱۷۶۹ ـ السَّخاءُ سِترُ العُيوبِ ۲۵۳
۱۷۷۰ ـ السَّخاءُ يَزرَعُ المَحَبَّةَ ۲۵۴
۱۷۷۱ ـ السَّخِيُّ ۲۵۵
۱۷۷۲ ـ طَعامُ السَّخِيِّ وإطعامُهُ ۲۵۷
۱۷۷۳ ـ حَدُّ السَّخاءِ ۲۵۷
۱۷۷۴ ـ أسخَى النّاسِ ۲۵۹
۱۷۷۵ ـ ذَمُّ البَخيلِ الَّذي يَسخو عِندَ الوَفاةِ ۲۵۹
۲۲۸ ـ السرّ ۲۶۱
۱۷۷۶ ـ كِتمانُ السِّرِّ ۲۶۲
۱۷۷۷ ـ التَّفَرُّدُ بِالسِّرِّ ۲۶۳
۱۷۷۸ ـ مِعيارُ حِفظِ الأسرارِ ۲۶۳
۱۷۷۹ ـ مَن لا يَنبَغي إيداعُهُم سِرّاً ۲۶۳
۲۲۹ ـ السريرة ۲۶۷
۱۷۸۰ ـ صَلاحُ السَّرائِرِ ۲۶۸
۱۷۸۱ ـ ظُهورُ السَّرائِرِ ۲۶۸
۱۷۸۲ ـ صَلاحُ السَّريرَةِ وَالعَلانِيَةِ ۲۷۱
۲۳۰ ـ السرور ۲۷۳
۱۷۸۳ ـ السُّرورُ ۲۷۴
۱۷۸۴ ـ ما يَنبَغي السُّرورُ بِهِ ۲۷۵
۱۷۸۵ ـ عَوامِلُ السُّرورِ ۲۷۵
۱۷۸۶ ـ مَن أودَعَ قَلباً سُروراً ۲۷۶
۱۷۸۷ ـ مَن سَرَّ مُؤمِناً سَرَّ رَسولَ اللهِ ﷺ ۲۷۷
۱۷۸۸ ـ مَن سَرَّ مُؤمِناً سَرَّ اللهَ ۲۷۷
۱۷۸۹ ـ ثَوابُ التَّفريجِ عَنِ المُؤمِنِ ۲۷۹
۲۳۱ ـ الاسراف ۲۸۱
۱۷۹۰ ـ الإسرافُ ۲۸۲
۱۷۹۱ ـ حَدُّ الإنفاقِ ۲۸۳
۱۷۹۲ ـ عَلاماتُ المُسرِفِ ۲۸۵
۱۷۹۳ ـ أدنَى الإسرافِ ۲۸۶
۱۷۹۴ ـ ما لا يُعَدُّ مِنَ الإسرافِ ۲۸۷
۲۳۲ ـ السرقة ۲۸۹
۱۷۹۵ ـ السَّرِقَةُ ۲۹۰
۱۷۹۶ ـ مَن لا يَجري عَلَيهِ حَدُّ السَّرِقَةِ ۲۹۱
۱۷۹۷ ـ أنواعُ السُّرّاقِ ۲۹۳
۲۳۳ ـ السعادة ۲۹۵
۱۷۹۸ ـ السَّعادَةُ ۲۹۶
۱۷۹۹ ـ السَّعيدُ ۲۹۷
۱۸۰۰ ـ ما يوجِبُ السَّعادَةَ ۲۹۸
۱۸۰۱ ـ أسبابُ السَّعادَةِ وَالشَّقاوَةِ ۲۹۹
۱۸۰۲ ـ ما يُعَدُّ مِنَ السَّعادَةِ ۳۰۰
۱۸۰۳ ـ أمارَةُ السَّعادَةِ ۳۰۲
۱۸۰۴ ـ حَقيقَةُ السَّعادَةِ ۳۰۳

١٨٠٥ ـ أسعَدُ النّاسِ ٣٠٤
١٨٠٦ ـ كَفىٰ بِالمَرءِ سَعادَةً ٣٠٥
١٨٠٧ ـ كَمالُ السَّعادَةِ ٣٠٥
٢٣٤ ـ السفر ٣٠٧
١٨٠٨ ـ مَنافِعُ السَّفَرِ ٣٠٨
١٨٠٩ ـ السَّفَرُ وَالنَّصَبُ ٣٠٨
١٨١٠ ـ اختِيارُ الرَّفيقِ فِي السَّفرِ ٣٠٩
١٨١١ ـ آدابُ السَّفَرِ ٣٠٩
١٨١٢ ـ جَوامِعُ آدابِ السَّفَرِ ٣١٢
١٨١٣ ـ مَن لا يَنبَغي مُصاحَبَتُهُ فِي السَّفَرِ ٣١٣
١٨١٤ ـ مُرُوَّةُ السَّفَرِ ٣١٣
١٨١٥ ـ السَّفَرُ المَنهِيُّ عَنهُ ٣١٥
١٨١٦ ـ التَّنَزُّهُ ٣١٥
١٨١٧ ـ سَفَرُ الآخِرَةِ ٣١٦
٢٣٥ ـ السفلة ٣١٩
١٨١٨ ـ صِفَةُ السِّفلَةِ ٣٢٠
١٨١٩ ـ رِئاسَةُ السِّفلِ ٣٢٠
١٨٢٠ ـ مُخالَطَةُ السِّفلِ ٣٢١
٢٣٦ ـ السفه ٣٢٣
١٨٢١ ـ التَّحذيرُ مِن السَّفَهِ ٣٢٤
١٨٢٢ ـ تَفسيرُ السَّفَهِ ٣٢٥
١٨٢٣ ـ أدَبُ مُقابَلَةِ السَّفيهِ ٣٢٧
١٨٢٤ ـ الحِلمُ عَنِ السَّفيهِ ٣٢٧
٢٣٧ ـ السقي ٣٢٩
١٨٢٥ ـ فَضلُ السَّقيِ ٣٣٠
١٨٢٦ ـ ثَوابُ سَقيِ المُؤمِنِ ٣٣٠
١٨٢٧ ـ ما يَنبَغي لِلسّاقي ٣٣١
٢٣٨ ـ السكر ٣٣٣
١٨٢٨ ـ كُلُّ مُسكِرٍ حَرامٌ ٣٣٤
١٨٢٩ ـ أنواعُ المُسكِراتِ ٣٣٤
٢٣٩ ـ المَسكن ٣٣٧
١٨٣٠ ـ سَعَةُ المَسكَنِ ٣٣٨
١٨٣١ ـ التَّحذيرُ مِنَ البِناءِ فَوقَ الكَفافِ ٣٣٨
١٨٣٢ ـ بَيعُ الدّارِ ٣٤٠
١٨٣٣ ـ الامتِناعُ مِن إسكانِ المُؤمِنِ ٣٤١
٢٤٠ ـ السِّلاح ٣٤٣
١٨٣٤ ـ الأسلِحَةُ وأدَواتُ الحَربِ ٣٤٤
١٨٣٥ ـ ثَوابُ صُنعِ الأسلِحَةِ ٣٤٥
١٨٣٦ ـ أهَمِّيَّةُ السِّلاحِ ٣٤٥
١٨٣٧ ـ ما كُتِبَ في قائِمِ سَيفِ رَسولِ اللهِ ﷺ ٣٤٧
١٨٣٨ ـ النَّهيُ عَن بَيعِ السِّلاحِ لِأعداءِ الدِّينِ ٣٤٨
٢٤١ ـ السُّلطان ٣٥١
١٨٣٩ ـ مُخالَطَةُ السُّلطانِ الجائِرِ ٣٥٢
١٨٤٠ ـ الخُضوعُ لِلسُّلطانِ الجائِرِ ٣٥٣
١٨٤١ ـ فَضلُ السُّلطانِ العادِلِ ٣٥٣
١٨٤٢ ـ ما رُوِيَ في وُجوبِ طاعَةِ السُّلطانِ ٣٥٣
١٨٤٣ ـ أجرُ مَن يَأمُرُ السُّلطانَ الجائِرَ بِالتَّقوىٰ ٣٥٥
١٨٤٤ ـ الحَثُّ عَلىٰ إكرامِ سُلطانِ اللهِ ٣٥٦
١٨٤٥ ـ النَّوادِرُ ٣٥٧
٢٤٢ ـ الإسلام ٣٥٩
١٨٤٦ ـ الإسلامُ ٣٦٠
١٨٤٧ ـ الإسلامُ صِبغَةُ اللهِ ٣٦١
١٨٤٨ ـ الإسلامُ يَعلو ولا يُعلىٰ عَلَيهِ ٣٦٢
١٨٤٩ ـ الإسلامُ سِلمٌ لِمَن دَخَلَهُ ٣٦٣
١٨٥٠ ـ الإسلامُ أبلَجُ المَناهِجِ ٣٦٤
١٨٥١ ـ الإسلامُ أمنَعُ المَعاقِلِ ٣٦٤
١٨٥٢ ـ الإسلامُ يَجُبُّ ما قَبلَهُ ٣٦٥

مركز تحقيقات كامپيوترى علوم اسلامى

۱۸۵۳ ـ مَنِ المُسلِمُ ؟ ۳۶۶
۱۸۵۴ ـ بَرَكاتُ المُجتَمَعِ الإسلامِيِّ ۳۶۷
۱۸۵۵ ـ أحسَنُ المُسلِمينَ إسلاماً ۳۶۷
۱۸۵۶ ـ قَواعِدُ الإسلامِ ۳۶۸
۱۸۵۷ ـ جَوامِعُ الإسلامِ ۳۶۹
۱۸۵۸ ـ دَعائِمُ الإسلامِ ۳۷۰
۱۸۵۹ ـ أساسُ الإسلامِ ۳۷۱
۱۸۶۰ ـ مَعنَى الإسلامِ ۳۷۲
۱۸۶۱ ـ الإسلامُ وَالاستِسلامُ ۳۷۴
۱۸۶۲ ـ ما يُخالِفُ الإسلامَ ۳۷۵
۱۸۶۳ ـ غُربَةُ الإسلامِ ۳۷۵
۱۸۶۴ ـ تَحريفُ الإسلامِ ۳۷۶
۱۸۶۵ ـ مَن لَيسَ بِمُسلِمٍ ۳۷۷
۱۸۶۶ ـ النَّوادِرُ ۳۷۷
۲۴۳ ـ السَّلام ۳۷۹
۱۸۶۷ ـ تَحِيَّةُ المُسلِمينَ ۳۸۰
۱۸۶۸ ـ السَّلامُ قَبلَ الكَلامِ ۳۸۱
۱۸۶۹ ـ إفشاءُ السَّلامِ ۳۸۱
۱۸۷۰ ـ الابتِداءُ بِالسَّلامِ ۳۸۲
۱۸۷۱ ـ التَّسليمُ عِندَ دُخولِ البَيتِ ۳۸۳
۱۸۷۲ ـ وُجوبُ رَدِّ السَّلامِ ۳۸۴
۱۸۷۳ ـ أدَبُ السَّلامِ ۳۸۵
۱۸۷۴ ـ مَن لا يَنبَغي التَّسليمُ عَلَيهِم ۳۸۶
۱۸۷۵ ـ أدَبُ الوَداعِ ۳۸۷
۱۸۷۶ ـ سَلامُ الإذنِ ۳۸۸
۲۴۴ ـ التَّسليم ۳۸۹
۱۸۷۷ ـ التَّسليمُ ۳۹۰
۱۸۷۸ ـ مَعنَى التَّسليمِ ۳۹۲
۲۴۵ ـ السَّمت ۳۹۳
۱۸۷۹ ـ حُسنُ السَّمتِ ۳۹۳
۲۴۶ ـ الاستِماع ۳۹۷
۱۸۸۰ ـ فَضلُ الأسماعِ الواعِيَةِ ۳۹۸
۱۸۸۱ ـ أسمَعُ الأسماعِ ۳۹۹
۱۸۸۲ ـ مَن حُجِبَ سَمعُهُ ۳۹۹
۱۸۸۳ ـ فاكِهَةُ السَّمعِ ۴۰۲
۱۸۸۴ ـ حُسنُ الاستِماعِ ۴۰۲
۱۸۸۵ ـ سوءُ الاستِماعِ ۴۰۲
۱۸۸۶ ـ ما فُرِضَ عَلَى السَّمعِ ۴۰۳
۲۴۷ ـ الأسماء ۴۰۵
۱۸۸۷ ـ اختِيارُ الأسماءِ الحَسَنَةِ ۴۰۶
۱۸۸۸ ـ الحَثُّ عَلَى التَّسمِيَةِ بِأسماءِ الأنبِياءِ وَالأئِمَّةِ عليهم السلام ۴۰۶
۱۸۸۹ ـ استِبدالُ الأسماءِ القَبيحَةِ ۴۰۷
۲۴۸ ـ أسماءُ الله ۴۰۹
۱۸۹۰ ـ بِسمِ اللهِ الرَّحمٰنِ الرَّحيمِ ۴۱۰
۱۸۹۱ ـ تَفسيرُ أسماءِ اللهِ ۴۱۱
۱۸۹۲ ـ اسمُ اللهِ الأعظَمُ ۴۱۱
۲۴۹ ـ السُّنَّة ۴۱۵
۱۸۹۳ ـ الحَثُّ عَلى لُزومِ السُّنَّةِ ۴۱۶
۱۸۹۴ ـ تَقريرٌ فِي الأخذِ بِالكِتابِ وَالسُّنَّةِ ۴۱۷
۱۸۹۵ ـ تَصنيفُ السُّنَّةِ ۴۱۸
۱۸۹۶ ـ جَزاءُ مَن سَنَّ سُنَّةً ۴۱۸
۱۸۹۷ ـ جَزاءُ مَن سَنَّ سُنَّةً عَلى نَفسِهِ ۴۱۹
۱۸۹۸ ـ النَّهيُ عَن نَقضِ السُّنَّةِ الصّالِحَةِ ۴۱۹
۱۸۹۹ ـ سُنَّةُ اللهِ ۴۲۰
۱۹۰۰ ـ سُنَّةُ النَّبِيِّ صلى الله عليه وآله ۴۲۰

١٩٠١ ـ سُنَّةُ الحَنِيفِيَّةِ ٤٢١
١٩٠٢ ـ سُنَّةُ الأوَّلينَ ٤٢٣
٢٥٠ ـ السَّهَر ٤٢٥
١٩٠٣ ـ السَّهَرُ ٤٢٦
١٩٠٤ ـ السَّهَرُ غَيرُ المُجدي! ٤٢٩
١٩٠٥ ـ ما يَنبَغِي السَّهَرُ فيهِ ٤٢٩
١٩٠٦ ـ الحَثُّ عَلىٰ إحياءِ هٰذِهِ اللَّيالي ٤٣٠
٢٥١ ـ السَّيِّد ٤٣١
١٩٠٧ ـ السَّيِّدُ ٤٣٢
١٩٠٨ ـ تَفسيرُ السُّؤدَدِ ٤٣٣
١٩٠٩ ـ ما يوجِبُ السُّؤدَدَ ٤٣٣
١٩١٠ ـ ما يَمنَعُ السُّؤدَدَ ٤٣٤
٢٥٢ ـ السِّياسة ٤٣٥
١٩١١ ـ السِّياسَةُ ٤٣٦
١٩١٢ ـ حُسنُ السِّياسَةِ ٤٣٦
١٩١٣ ـ سوءُ التَّدبيرِ ٤٣٧
١٩١٤ ـ أفضَلُ السِّياسَتَينِ ٤٣٨
١٩١٥ ـ رَأسُ السِّياسَةِ ٤٣٨
١٩١٦ ـ زَينُ السِّياسَةِ ٤٣٩
١٩١٧ ـ سِياسَةُ النَّفسِ ٤٣٩
٢٥٣ ـ التَّسويف ٤٤١
١٩١٨ ـ النَّهيُ عَنِ التَّسويفِ ٤٤٢
٢٥٣ ـ السُّوق ٤٤٥
١٩١٩ ـ ذَمُّ السُّوقِ ٤٤٦
١٩٢٠ ـ مَوعِظَةُ الإمامِ عَلِيٍّ عليه السلام لِأهلِ السُّوقِ ٤٤٧
٢٥٥ ـ السِّواك ٤٥١
١٩٢١ ـ الحَثُّ عَلَى السِّواكِ ٤٥٢
١٩٢٢ ـ تَوصِيَةُ جَبرَئيلَ بِالسِّواكِ ٤٥٣
١٩٢٣ ـ مَنافِعُ السِّواكِ ٤٥٤
١٩٢٤ ـ أدَبُ السِّواكِ ٤٥٥
١٩٢٥ ـ استِحبابُ السِّواكِ فِي السَّحَرِ ٤٥٥

حرف الشين

٢٥٦ ـ الشَّباب ٤٥٩
١٩٢٦ ـ رَبيعُ الحَياةِ ٤٦٠
١٩٢٧ ـ رَبيعُ البِناءِ ٤٦١
١٩٢٨ ـ تَربِيَةُ الأحداثِ ٤٦١
١٩٢٩ ـ التَّعَلُّمُ فِي الشَّبابِ ٤٦٢
١٩٣٠ ـ الشَّابُّ وتَركُ التَّعَلُّمِ ٤٦٣
١٩٣١ ـ فَضلُ الشَّابِّ العابِدِ ٤٦٣
١٩٣٢ ـ فَضلُ مَن أفنىٰ شَبابَهُ في طاعَةِ اللهِ ٤٦٤
١٩٣٣ ـ تَفسيرُ الفَتىٰ ٤٦٥
٢٥٧ ـ الشُّبهَة ٤٦٧
١٩٣٤ ـ الشُّبهَةُ ٤٦٨
١٩٣٥ ـ وُجوبُ الوُقوفِ عِندَ الشُّبهَةِ ٤٦٩
١٩٣٦ ـ وُجوبُ تَركِ الشُّبُهاتِ ٤٧١
١٩٣٧ ـ شُعَبُ الشُّبهَةِ ٤٧٣
٢٥٨ ـ التَّشبُّه ٤٧٥
١٩٣٨ ـ التَّشَبُّهُ ٤٧٦
٢٥٩ ـ الشَّجر ٤٧٩
١٩٣٩ ـ غَرسُ الشَّجَرِ ٤٨٠
١٩٤٠ ـ قَطعُ الشَّجَرِ ٤٨١
٢٦٠ ـ الشَّجاعة ٤٨٣
١٩٤١ ـ الشَّجاعَةُ ٤٨٤
١٩٤٢ ـ تَفسيرُ الشَّجاعَةِ ٤٨٥
١٩٤٣ ـ ما يورِثُ الشَّجاعَةَ ٤٨٥
١٩٤٤ ـ أشجَعُ النّاسِ ٤٨٦

۱۹۴۵ ـ آفَةُ الشَّجاعَةِ ۴۸۷
۱۹۴۶ ـ النَّوادِرُ ۴۸۷
۲۶۱ ـ الشُّحّ ۴۸۹
۱۹۴۷ ـ الشُّحُّ ۴۹۰
۱۹۴۸ ـ تَفسيرُ الشُّحِّ وَالشَّحيحِ ۴۹۱
۱۹۴۹ ـ أشَحُّ الخَلقِ ۴۹۲
۲۶۲ ـ الشَّرّ ۴۹۳
۱۹۵۰ ـ مِعيارُ الخَيرِ وَالشَّرِّ ۴۹۳
۱۹۵۱ ـ شَرُّ النّاسِ ۴۹۵
۱۹۵۲ ـ شِرارُ الخَلقِ ۵۰۰
۱۹۵۳ ـ شِرارُ المُسلِمينَ ۵۰۱
۱۹۵۴ ـ شَرٌّ مِنَ الشَّرِّ ۵۰۲
۱۹۵۵ ـ فَوقَ كُلِّ شَرٍّ ۵۰۲
۱۹۵۶ ـ شَرُّ الأخلاقِ ۵۰۲
۱۹۵۷ ـ مَفاتيحُ الشُّرورِ ۵۰۳
۱۹۵۸ ـ شَرُّ الأمورِ ۵۰۳
۱۹۵۹ ـ جِماعُ الشُّرورِ ۵۰۴
۱۹۶۰ ـ انطِباعُ الإنسانِ عَلَى الشَّرِّ ۵۰۴
۱۹۶۱ ـ النَّوادِرُ ۵۰۵
۲۶۳ ـ الشَّريعة ۵۰۷
۱۹۶۲ ـ الشَّريعَةُ ۵۰۸
۱۹۶۳ ـ ما نُسِبَ إلَى النَّبيِّ في بيانِ الشَّريعَةِ وَالطَّريقَةِ ۵۰۹
۱۹۶۴ ـ وَحدَةُ شَرائِعِ الدِّينِ ۵۰۹
۱۹۶۵ ـ تَفسيرُ شَرائِعِ الدِّينِ ۵۱۰
۱۹۶۶ ـ عِلَلُ الشَّرائِعِ وَالأحكامِ ۵۱۰
۲۶۴ ـ الشَّرف ۵۱۵
۱۹۶۷ ـ الشَّرَفُ ۵۱۶
۱۹۶۸ ـ الشَّريفُ ۵۱۶
۱۹۶۹ ـ أفضَلُ الشَّرَفِ ۵۱۷
۱۹۷۰ ـ شَرَفُ المُؤمِنِ ۵۱۸
۲۶۵ ـ الشِّرك ۵۱۹
۱۹۷۱ ـ التَّحذيرُ مِنَ الشِّركِ ۵۲۰
۱۹۷۲ ـ تَعليمُ الشِّركِ ۵۲۱
۱۹۷۳ ـ أدنَى الشِّركِ ۵۲۱
۱۹۷۴ ـ الاستِعانَةُ بالمُشرِكينَ ۵۲۲
۱۹۷۵ ـ الإقامَةُ في بِلادِ الشِّركِ ۵۲۳
۱۹۷۶ ـ مَتىٰ يَكونُ العَبدُ مُشرِكاً ۵۲۵
۱۹۷۷ ـ الشِّركُ الخَفِيُّ ۵۲۵
۲۶۶ ـ الشِّركة ۵۲۹
۱۹۷۸ ـ الشِّركَةُ ۵۳۰
۱۹۷۹ ـ ما يَشتَرِكُ فيهِ المُسلِمونَ ۵۳۰
۱۹۸۰ ـ حَقُّ الشُّفعَةِ في الشِّركَةِ ۵۳۱
۱۹۸۱ ـ مَن يَتَبَعِي مُشارَكَتَهُ ۵۳۲
۱۹۸۲ ـ شُرَكاءُ المَرءِ ۵۳۲
۲۶۷ ـ الشَّرَه ۵۳۳
۱۹۸۳ ـ ذَمُّ الشَّرَهِ ۵۳۴
۱۹۸۴ ـ الشَّرَهُ أساسُ كُلِّ شَرٍّ ۵۳۵
۱۹۸۵ ـ ثَمَرَةُ الشَّرَهِ ۵۳۶
۱۹۸۶ ـ أصلُ الشَّرَهِ ۵۳۶
۱۹۸۷ ـ عِلاجُ الشَّرَهِ ۵۳۷
۲۶۸ ـ الشَّيطان ۵۳۹
۱۹۸۸ ـ الاعتِبارُ بِما فَعَلَ اللهُ بِإبليسَ ۵۴۰
۱۹۸۹ ـ الاستِعاذَةُ بِاللهِ مِنَ الشَّيطانِ ۵۴۱
۱۹۹۰ ـ عَداوَةُ الشَّيطانِ لِلإنسانِ ۵۴۲
۱۹۹۱ ـ التَّحذيرُ مِن فِتَنِ الشَّيطانِ ۵۴۳
۱۹۹۲ ـ النَّهيُ عَنِ اتِّباعِ الشَّيطانِ ۵۴۵

١٩٩٣ ـ عَبَدَةُ الشَّيطانِ ٥٣٦
١٩٩٤ ـ تَأكيدُ الشَّيطانِ عَلىٰ غَوايَةِ الإنسانِ ٥٣٧
١٩٩٥ ـ تَصديقُ ظَنِّ إبليسَ ٥٣٨
١٩٩٦ ـ عِلَّةُ تَسَلُّطِ الشَّيطانِ عَلَى الإنسانِ ٥٣٩
١٩٩٧ ـ كَيدُ الشَّيطانِ ٥٥٠
١٩٩٨ ـ غَواياتُ الشَّيطانِ ٥٥١
١٩٩٩ ـ ما يَعصِمُ مِنَ الشَّيطانِ ٥٥٥
٢٠٠٠ ـ سَلطَنَةُ الشَّيطانِ عَلىٰ أولِيائِهِ ٥٥٦
٢٠٠١ ـ ما يُسَلِّطُ الشَّيطانَ ٥٥٧
٢٠٠٢ ـ ما يُبعِدُ الشَّيطانَ ٥٥٨
٢٠٠٣ ـ نَصائِحُ الشَّيطانِ ٥٥٩
٢٠٠٤ ـ شِركُ الشَّيطانِ ٥٦٠
٢٠٠٥ ـ جُنودُ إبليسَ ٥٦١
٢٠٠٦ ـ رَنّاتُ إبليسَ ٥٦٢
٢٦٩ ـ الشِّعر ٥٦٥
٢٠٠٧ ـ تَفسيرُ ما وَرَدَ في ذَمِّ الشُّعَراءِ ٥٦٦
٢٠٠٨ ـ الشِّعرُ جِهادٌ بِاللِّسانِ ٥٦٧
٢٠٠٩ ـ الشِّعرُ المَمدوحُ ٥٦٨
٢٠١٠ ـ أوَّلُ مَن قالَ الشِّعرَ ٥٦٩
٢٠١١ ـ أشعَرُ كَلِمَةٍ و أشعَرُ الشُّعَراءِ ٥٧٠
٢٠١٢ ـ بَعضُ الأشعارِ المَنسوبَةِ إلَى الإمامِ عَلِيٍّ عليه السلام ٥٧٠
٢٧٠ ـ الشِّعار ٥٧٥
٢٠١٣ ـ الشِّعارُ ٥٧٦
٢٠١٤ ـ شِعارُ المُسلِمينَ فِي القِيامَةِ ٥٧٧
٢٧١ ـ الشَّفاعة في الدنيا ٥٧٩
٢٠١٥ ـ الشَّفاعَةُ ٥٨٠
٢٧٢ ـ الشَّفاعة في الآخرة ٥٨١
٢٠١٦ ـ حَقيقَةُ الشَّفاعَةِ ٥٨٢
٢٠١٧ ـ شُروطُ الشَّفاعَةِ ٥٨٣
٢٠١٨ ـ المَقامُ المَحمودُ ٥٨٥
٢٠١٩ ـ شَفاعَةُ الرَّسولِ صلى الله عليه وآله يومَ القِيامَةِ ٥٨٦
٢٠٢٠ ـ المَحرومُونَ مِنَ الشَّفاعَةِ ٥٨٧
٢٠٢١ ـ ما يَزعُمُهُ المُشرِكونَ مِنَ الشَّفاعَةِ ٥٨٩
٢٠٢٢ ـ الشَّفاعَةُ المَردودَةُ ٥٨٩
٢٠٢٣ ـ الشَّفاعَةُ لِأهلِ الكَبائِرِ ٥٩٠
٢٠٢٤ ـ المُحسِنونَ وَالشَّفاعَةُ ٥٩٠
٢٠٢٥ ـ حاجَةُ الأوَّلينَ وَالآخِرينَ إلَى الشَّفاعَةِ ٥٩١
٢٠٢٦ ـ الشُّفَعاءُ ٥٩٣
٢٠٢٧ ـ الوَسيلَةُ إلىٰ رِضوانِ اللهِ ٥٩٣
٢٠٢٨ ـ أحَقُّ النّاسِ بِالشَّفاعَةِ ٥٩٦
٢٠٢٩ ـ شَفاعَةُ المُؤمِنِ عَلىٰ قَدرِ عَمَلِهِ ٥٩٦
٢٠٣٠ ـ أدنَى المُؤمِنينَ شَفاعَةً ٥٩٧
٢٧٣ ـ الشَّقاوة ٥٩٩
٢٠٣١ ـ خَصائِصُ الشَّقِيِّ ٦٠٠
٢٠٣٢ ـ الشَّقِيُّ شَقِيٌّ في بَطنِ أُمِّهِ ٦٠٠
٢٠٣٣ ـ خَلقُ السَّعادَةِ وَالشَّقاوَةِ قَبلَ الخَلقِ ٦٠٢
٢٠٣٤ ـ تَفسيرُ الأخبارِ السّابِقَةِ ٦٠٣
٢٠٣٥ ـ ما يوجِبُ السَّعادَةَ ٦٠٣
٢٠٣٦ ـ ما يوجِبُ الشَّقاءَ ٦٠٤
٢٠٣٧ ـ أشقَى النّاسِ ٦٠٦
٢٠٣٨ ـ عَلاماتُ الشَّقاءِ ٦٠٨
٢٠٣٩ ـ عاقِبَةُ الأشقِياءِ ٦٠٩

فهرست الفبایی موضوعات فارسی

۲۰۸ ـ ازدواج ۷۹
۱۶۳۱ ـ تشویق به ازدواج ۸۰
۱۶۳۲ ـ ازدواج، سنّت است ۸۱
۱۶۳۳ ـ کسی که در جوانی ازدواج کند ۸۲
۱۶۳۴ ـ کسی که ازدواج کند، نصف دین خود را به دست آورده است ۸۲
۱۶۳۵ ـ نماز و خواب شخص متأهّل ۸۳
۱۶۳۶ ـ زیاد شدن روزی با ازدواج ۸۳
۱۶۳۷ ـ برحذر داشتن از ترک ازدواج ۸۵
۱۶۳۸ ـ نکوهش عزب‌ها ۸۶
۱۶۳۹ ـ ثواب زن دادن برادران دینی ۸۶
۱۶۴۰ ـ تشویق به زود شوهر دادن دختران ۸۷
۱۶۴۱ ـ اهمّیت دادن به دیانت زن در ازدواج ۸۸
۱۶۴۲ ـ اهمّیت دادن به تدیّن مرد در ازدواج ۸۹
۱۶۴۳ ـ حکمت مهریه ۹۰
۱۶۴۴ ـ نکوهش سنگینی مهریه ۹۱
۱۶۴۵ ـ اهمّیت دادن به انتخاب زن ۹۱
۱۶۴۶ ـ برای نطفه‌های خود [دامن‌های شایسته] گزینش کنید ۹۲
۱۶۴۷ ـ زنِ مؤمن، همتای مرد مؤمن است ۹۲
۱۶۴۸ ـ به چه مردانی نباید زن داد ۹۳
۱۶۴۹ ـ با چه زنانی نباید ازدواج کرد ۹۴
۱۶۵۰ ـ اقسام زنان ۹۵
۱۶۵۱ ـ حقوق شوهر ۹۶
۱۶۵۲ ـ حقوق زن ۹۷
۱۶۵۳ ـ خدمت به شوهر ۹۹
۱۶۵۴ ـ خدمت به زن ۱۰۰
۱۶۵۵ ـ آزردنِ شوهر ۱۰۱
۱۶۵۶ ـ آزردنِ زن ۱۰۲
۱۶۵۷ ـ شکیبایی بر کج خلقی زن ۱۰۲
۱۶۵۸ ـ شکیبایی بر بداخلاقی مرد ۱۰۲
۱۶۵۹ ـ همسر شایسته ۱۰۳
۱۶۶۰ ـ زن ناشایست ۱۰۴
۱۶۶۱ ـ اطاعت از زن در معصیت خدا ۱۰۵
۱۶۶۲ ـ آنچه رعایتش در تأمین هزینهٔ خانواده شایسته است ۱۰۵
۱۶۶۳ ـ چند همسری ۱۰۶
۱۶۶۴ ـ آداب پذیرفتن دعوت عروسی ۱۰۸

۱۶۶۵ ـ تشویق به اعلان ازدواج ۱۰۸
۲۳۱ ـ اسراف ۲۸۱
۱۷۹۰ ـ اسراف و زیاده‌روی ۲۸۲
۱۷۹۱ ـ مرز انفاق ۲۸۴
۱۷۹۲ ـ نشانه‌های اسرافکار ۲۸۵
۱۷۹۳ ـ کمترین حدّ اسراف ۲۸۶
۱۷۹۴ ـ آنچه اسراف به شمار نمی‌آید ۲۸۷
۲۴۲ ـ اسلام ۳۵۹
۱۸۴۶ ـ اسلام ۳۶۰
۱۸۴۷ ـ اسلام، رنگ خداست ۳۶۱
۱۸۴۸ ـ اسلام آیین برتر است و هیچ آیینی بر آن چیره نمی‌شود ۳۶۲
۱۸۴۹ ـ اسلام مایهٔ سلامت کسانی است که بدان می‌گروند ۳۶۳
۱۸۵۰ ـ اسلام، روشنترین راه‌هاست ۳۶۴
۱۸۵۱ ـ اسلام نفوذ ناپذیرترین دژهاست ۳۶۴
۱۸۵۲ ـ اسلام پیش از خود را نادیده می‌گیرد ... ۳۶۵
۱۸۵۳ ـ مسلمان کیست؟ ۳۶۶
۱۸۵۴ ـ برکات جامعهٔ اسلامی ۳۶۷
۱۸۵۵ ـ خوش اسلامترین مسلمانان ۳۶۸
۱۸۵۶ ـ شالوده‌های اسلام ۳۶۸
۱۸۵۷ ـ کلیات اسلام ۳۶۹
۱۸۵۸ ـ پایه‌های اسلام ۳۷۰
۱۸۵۹ ـ بنیاد اسلام ۳۷۱
۱۸۶۰ ـ معنای اسلام ۳۷۲
۱۸۶۱ ـ اسلام و تسلیم ۳۷۴
۱۸۶۲ ـ آنچه با اسلام ناسازگار است ۳۷۵
۱۸۶۳ ـ غربت اسلام ۳۷۵
۱۸۶۴ ـ تحریف اسلام ۳۷۶
۱۸۶۵ ـ کسی که مسلمان نیست ۳۷۷
۱۸۶۶ ـ گوناگون ۳۷۷
۲۵۴ ـ بازار ۴۴۵
۱۹۱۹ ـ نکوهش بازار ۴۴۶
۱۹۲۰ ـ اندرز امام علی ﷺ به بازاریان ۴۴۷
۲۲۷ ـ بخشندگی ۲۵۱
۱۷۶۷ ـ بخشندگی، گرامی‌ترین اخلاق است ... ۲۵۲
۱۷۶۸ ـ بخشندگی، میوهٔ خرد است ۲۵۳
۱۷۶۹ ـ بخشندگی، پوشانندهٔ عیبهاست ۲۵۳
۱۷۷۰ ـ بخشندگی، بذر محبّت می‌افشاند ۲۵۴
۱۷۷۱ ـ بخشنده ۲۵۵
۱۷۷۲ ـ غذای بخشنده و اطعام او ۲۵۷
۱۷۷۳ ـ مرز بخشندگی ۲۵۷
۱۷۷۴ ـ بخشنده‌ترین مردمان ۲۵۹
۱۷۷۵ ـ نکوهش بخیلی که در هنگام مرگ بخشنده شود ۲۵۹
۲۷۳ ـ بدبختی ۵۹۹
۲۰۳۱ ـ ویژگیهای بدبخت ۶۰۰
۲۰۳۲ ـ بدبخت در شکم مادر خود بدبخت است ۶۰۰
۲۰۳۳ ـ آفرینش خوشبختی و بدبختی پیش از آفرینش مردمان ۶۰۲
۲۰۳۴ ـ تفسیر اخبار پیشین ۶۰۳

۲۰۳۵ ـ موجبات سعادت ۶۰۳
۲۰۳۶ ـ موجبات بدبختی ۶۰۴
۲۰۳۷ ـ بدبخت‌ترین مردم ۶۰۶
۲۰۳۸ ـ نشانه‌های بدبختی ۶۰۸
۲۰۳۹ ـ سرانجام بدبختان ۶۰۹
۲۶۲ ـ بدی ۳۹۳
۱۹۵۰ ـ معیار خوب و بد ۳۹۳
۱۹۵۱ ـ بدترین مردم ۳۹۵
۱۹۵۲ ـ بدترین خلایق ۵۰۰
۱۹۵۳ ـ بدترین مسلمانان ۵۰۱
۱۹۵۴ ـ بدتر از بد ۵۰۲
۱۹۵۵ ـ بالاتر از هر بدی ۵۰۲
۱۹۵۶ ـ بدترین خویها ۵۰۲
۱۹۵۷ ـ کلید بدیها ۵۰۳
۱۹۵۸ ـ بدترین امور ۵۰۳
۱۹۵۹ ـ مجمع بدیها ۵۰۴
۱۹۶۰ ـ بدی در نهاد انسان است ۵۰۴
۱۹۶۱ ـ گوناگون ۵۰۵
۲۶۳ ـ بزرگی ۵۱۵
۱۹۶۷ ـ شرافت ۵۱۶
۱۹۶۸ ـ شریف ۵۱۶
۱۹۶۹ ـ برترین شرافت ۵۱۷
۱۹۷۰ ـ شرافت مؤمن ۵۱۸
۲۱۳ ـ پرسیدن (دانش جویی) ۱۵۱
۱۷۰۰ ـ کلید دانش ۱۵۲
۱۷۰۱ ـ خوب پرسیدن ۱۵۳
۱۷۰۲ ـ خودداری از پرس و جوهای بیجا ۱۵۴
۱۷۰۳ ـ از من بپرسید، پیش از آن که مرا از دست دهید ۱۵۶
۱۷۰۴ ـ «نمی‌دانم» نصف دانش است ۱۵۸
۲۰۴ ـ تزکیه ۲۹
۱۵۹۱ ـ تزکیه ۳۰
۱۵۹۲ ـ موانع تزکیه ۳۱
۲۱۷ ـ تسبیح ۱۹۳
۱۷۲۷ ـ معنای سبحان الله ۱۹۴
۱۷۲۸ ـ تسبیح گویی اشیاء ۱۹۵
۲۴۴ ـ تسلیم ۳۸۹
۱۸۷۷ ـ تسلیم ۳۹۰
۱۸۷۸ ـ معنای تسلیم ۳۹۲
۲۶۱ ـ تنگ چشمی ۴۸۹
۱۹۴۷ ـ تنگ چشمی ۴۹۰
۱۹۴۸ ـ تفسیر تنگ چشمی و تنگ چشم ۴۹۱
۱۹۴۹ ـ تنگ چشم‌ترین مردم ۴۹۲
۲۲۴ ـ جادو ۲۳۹
۱۷۶۱ ـ جادو ۲۴۰
۱۷۶۲ ـ سزای جادوگر مسلمان ۲۴۱
۱۷۶۳ ـ انواع جادو ۲۴۲
۱۷۶۴ ـ جادوگرتر از هاروت و ماروت! ۲۴۳
۲۳۰ ـ جنگ افزار ۳۳۳
۱۸۳۴ ـ اسلحه و جنگ افزار ۳۳۴
۱۸۳۵ ـ ثواب ساختن اسلحه ۳۳۵
۱۸۳۶ ـ اهمیت اسلحه ۳۳۵

۱۸۳۷ ـ نوشته‌های روی قبضهٔ شمشیر رسول خدا ﷺ ۳۴۷
۱۸۳۸ ـ نهی از فروش سلاح به دشمنان دین ... ۳۴۸
۲۵۶ ـ جوانی ۴۵۹
۱۹۲۶ ـ بهار زندگی ۴۶۰
۱۹۲۷ ـ بهار سازندگی ۴۶۱
۱۹۲۸ ـ تربیت نوجوانان ۴۶۱
۱۹۲۹ ـ آموختن در جوانی ۴۶۲
۱۹۳۰ ـ جوان و ترک تحصیل علم ۴۶۳
۱۹۳۱ ـ ارزش جوان عابد ۴۶۳
۱۹۳۲ ـ ارزش کسی که جوانیش را در طاعت خدا بگذراند ۴۶۳
۱۹۳۳ ـ معنای فتی ۴۶۵
۲۳۳ ـ خوشبختی ۲۹۵
۱۷۹۸ ـ خوشبختی ۲۹۶
۱۷۹۹ ـ خوشبخت ۲۹۷
۱۸۰۰ ـ آنچه موجب خوشبختی می‌گردد ۲۹۸
۱۸۰۱ ـ عوامل خوشبختی و بدبختی ۲۹۹
۱۸۰۲ ـ آنچه از خوشبختی به شمار می‌آید ۳۰۰
۱۸۰۳ ـ نشانهٔ خوشبختی ۳۰۲
۱۸۰۴ ـ خوشبختی حقیقی ۳۰۳
۱۸۰۵ ـ خوشبخت‌ترین مردم ۳۰۴
۱۸۰۶ ـ در خوشبختی مرد همین بس ۳۰۵
۱۸۰۷ ـ کمال خوشبختی ۳۰۵
۲۵۹ ـ درخت ۴۷۹
۱۹۳۹ ـ درختکاری ۴۸۰
۱۹۴۰ ـ قطع درخت ۴۸۱
۲۲۹ ـ درون ۲۶۷
۱۷۸۰ ـ پاکی درونها ۲۶۸
۱۷۸۱ ـ آشکار شدن درونها ۲۶۸
۱۷۸۲ ـ پاکی درون و بیرون ۲۷۱
۲۳۲ ـ دزدی ۲۸۹
۱۷۹۵ ـ دزدی ۲۹۰
۱۷۹۶ ـ کسی که حدّ دزدی بر او جاری نمی‌شود ۲۹۱
۱۷۹۷ ـ انواع دزدها ۲۹۳
۲۰۹ ـ دیدار ۱۰۹
۱۶۶۶ ـ تشویق به دید و بازدید برای خدا ۱۱۰
۱۶۶۷ ـ دیدار کنندگان خدا ۱۱۰
۱۶۶۸ ـ ثواب دیدار به خاطر خدا ۱۱۱
۱۶۶۹ ـ نقش دیدار از برادران در زنده نگه داشتن دل و دین ۱۱۲
۱۶۷۰ ـ ثمرات ملاقات با برادران ۱۱۲
۱۶۷۱ ـ نهی از دیدار با بدکاران ۱۱۳
۱۶۷۲ ـ آداب دیدار کردن ۱۱۳
۲۲۸ ـ راز ۲۶۱
۱۷۷۶ ـ رازپوشی ۲۶۲
۱۷۷۷ ـ رازت را فقط خودت بدان ۲۶۳
۱۷۷۸ ـ معیار رازداری ۲۶۳
۱۷۷۹ ـ کسانی که نباید به آنها راز سپرد ۲۶۳
۲۱۹ ـ راه ۲۰۱
۱۷۳۱ ـ راه خدا ۲۰۲

۱۷۳۲ ـ راه حق ۲۰۴
۲۰۳ ـ زکات ۱۱
۱۵۷۶ ـ زکات ۱۲
۱۵۷۷ ـ پیوستگی زکات و نماز ۱۲
۱۵۷۸ ـ حکمت زکات ۱۳
۱۵۷۹ ـ نقش زکات در رشد ثروت ۱۶
۱۵۸۰ ـ حفظ کردن داراییها با زکات ۱۷
۱۵۸۱ ـ کسی که زکات نمی‌دهد ۱۷
۱۵۸۲ ـ کافر بودن کسی که زکات ندهد ۱۸
۱۵۸۳ ـ کیفر کسی که زکات نپردازد ۱۹
۱۵۸۴ ـ پرداخت زکات با رضایت خاطر ۲۰
۱۵۸۵ ـ حقّ معلوم غیر از زکات است ۲۱
۱۵۸۶ ـ مستحقّان زکات ۲۲
۱۵۸۷ ـ زکات ظاهری و باطنی ۲۳
۱۵۸۸ ـ هر چیز زکاتی دارد ۲۴
۱۵۸۹ ـ زکات بدن ۲۶
۱۵۹۰ ـ زکات فطره ۲۷
۲۰۵ ـ زمان ۳۵
۱۵۹۳ ـ شناخت زمانه ۳۶
۱۵۹۴ ـ آن که به زمانه اعتماد کند ۳۶
۱۵۹۵ ـ هرکه با زمانه بستیزد ۳۷
۱۵۹۶ ـ عیب زمانه ۳۷
۲۰۶ ـ زنا ۳۹
۱۵۹۷ ـ نهی از زنا ۴۰
۱۵۹۸ ـ بزرگترین زنا ۴۱
۱۵۹۹ ـ حکمت تحریم زنا ۴۲
۱۶۰۰ ـ پیامدهای زنا ۴۳
۱۶۰۱ ـ شیوع زنا ۴۴
۱۶۰۲ ـ هر عضوی از بدن بهره‌ای از زنا دارد ۴۴
۱۶۰۳ ـ حدّ زنا ۴۵
۱۶۰۴ ـ کیفر زنا کردن به زور ۴۶
۱۶۰۵ ـ زنا زاده ۴۶
۱۶۰۶ ـ نشانه‌های زنا زاده ۴۸
۱۶۰۷ ـ دیّوث ۴۹
۱۶۰۸ ـ پا اندازی ۴۹
۱۶۰۹ ـ گوناگون ۴۹
۲۲۲ ـ زندان ۲۳۱
۱۷۵۸ ـ زندان ۲۳۲
۱۷۵۹ ـ زندان نفْس ۲۳۳
۲۰۷ ـ زهد ۵۱
۱۶۱۰ ـ ارزش زهد ۵۲
۱۶۱۱ ـ آراسته شدن به زهد ۵۳
۱۶۱۲ ـ زهد و دین ۵۴
۱۶۱۳ ـ حقیقت زهد ۵۵
۱۶۱۴ ـ صفات زاهد ۵۸
۱۶۱۵ ـ نخستین گام زهد ۶۱
۱۶۱۶ ـ ریشهٔ زهد ۶۲
۱۶۱۷ ـ عوامل زهد ۶۳
۱۶۱۸ ـ راه زهد ۶۵
۱۶۱۹ ـ موانع زهد ۶۵
۱۶۲۰ ـ درجات زهد ۶۶
۱۶۲۱ ـ زهد و علم ذاتی ۶۶

۱۶۲۲ ـ زهد و شرح صدر ۶۸
۱۶۲۳ ـ زهد و مکاشفه ۶۸
۱۶۲۴ ـ ثمرات زهد ۷۱
۱۶۲۵ ـ زیانهای رغبت به دنیا ۷۳
۱۶۲۶ ـ زاهدترین مردم ۷۴
۱۶۲۷ ـ یک اندرز برای کسی که نفسش زهد را
پذیرا نیست ۷۵
۱۶۲۸ ـ زهد، روزی را کم نمی‌کند ۷۵
۱۶۲۹ ـ زهد و شناخت ۷۶
۱۶۳۰ ـ گوناگون ۷۷
۲۱۰ ـ زیارت قبور ۱۱۵
۱۶۷۳ ـ زیارت پیامبر ﷺ ۱۱۶
۱۶۷۴ ـ زیارت اهل بیت ﷺ ۱۱۶
۱۶۷۵ ـ زیارت امام علی ﷺ ۱۱۷
۱۶۷۶ ـ زیارت فاطمه دخت رسول خدا ﷺ ۱۱۸
۱۶۷۷ ـ زیارت امام حسن ﷺ ۱۱۹
۱۶۷۸ ـ زیارت امام حسین ﷺ ۱۲۰
۱۶۷۹ ـ دعای امام صادق برای زوّار حسین ﷺ .. ۱۲۱
۱۶۸۰ ـ آداب زیارت امام حسین ﷺ ۱۲۲
۱۶۸۱ ـ زیارت امامان بقیع ﷺ ۱۲۳
۱۶۸۲ ـ زیارت امام کاظم ﷺ ۱۲۴
۱۶۸۳ ـ زیارت امام رضا ﷺ ۱۲۵
۱۶۸۴ ـ زیارت امام جواد ﷺ ۱۲۶
۱۶۸۵ ـ زیارت امام هادی و امام عسکری ﷺ .. ۱۲۶
۱۶۸۶ ـ زیارت فاطمه، دخت امام کاظم ﷺ ۱۲۸
۱۶۸۷ ـ زیارت حضرت عبدالعظیم حسنی ﷺ . ۱۲۸
۱۶۸۸ ـ زیارت قبور صالحان ۱۲۹
۱۶۸۹ ـ زیارت قبور ۱۲۹
۱۶۹۰ ـ سلام کردن به اهل قبور ۱۳۰
۲۱۱ ـ زیور ۱۳۳
۱۶۹۱ ـ زیور ۱۳۴
۱۶۹۲ ـ آراسته بودن در برابر دشمنان ۱۳۵
۱۶۹۳ ـ زیورهای حرام ۱۳۶
۱۶۹۴ ـ زیور درون ۱۳۶
۱۶۹۵ ـ نیکوترین زیور ۱۴۰
۱۶۹۶ ـ کسانی که کردار بدشان در نظرشان
نیک جلوه می‌کند ۱۴۱
۲۳۷ ـ ساقی‌گری ۳۲۹
۱۸۲۵ ـ ثواب آب دادن ۳۳۰
۱۸۲۶ ـ ثواب آب دادن به مؤمن ۳۳۰
۱۸۲۷ ـ آنچه بر ساقی سزاوار است ۳۳۱
۲۱۵ ـ سببها ۱۷۹
۱۷۱۸ ـ هر چیزی سببی دارد ۱۸۰
۱۷۱۹ ـ محکمترین سبب ۱۸۴
۲۳۶ ـ سبکسری ۳۲۳
۱۸۲۱ ـ برحذر داشتن از سبکسری ۳۲۴
۱۸۲۲ ـ معنای سبکسری ۳۲۵
۱۸۲۳ ـ شیوهٔ برخورد با آدم سبکسر ۳۲۷
۱۸۲۴ ـ بردباری در برابر سفیه ۳۲۷
۲۲۰ ـ سجود ۲۰۷
۱۷۳۳ ـ سجود ۲۰۸
۱۷۳۴ ـ سجده کنندگان برای خدا ۲۰۸

۱۷۳۵ ـ سجود و تقرّب به خدا ۲۰۹
۱۷۳۶ ـ معنای سجود ۲۱۰
۱۷۳۷ ـ هرکه حقیقت سجده را به جای آورد... ۲۱۱
۱۷۳۸ ـ طول دادن سجده..... ۲۱۲
۱۷۳۹ ـ سجود امام زین العابدین﵇..... ۲۱۳
۱۷۴۰ ـ اثر سجود..... ۲۱۴
۱۷۴۱ ـ نکوهش سجدهٔ ریایی ۲۱۴
۱۷۴۲ ـ علّت جایز نبودن سجده بر غیر زمین .. ۲۱۵
۱۷۴۳ ـ سجده کردن بر تربت حسین﵇..... ۲۱۶
۲۵۱ ـ سَروَر..... ۴۳۱
۱۹۰۷ ـ سَروَر..... ۴۳۲
۱۹۰۸ ـ معنای سَروری..... ۴۳۳
۱۹۰۹ ـ اسباب سروری ۴۳۳
۱۹۱۰ ـ آنچه مانع سروری می‌شود..... ۴۳۴
۲۴۳ ـ سلام کردن ۳۷۹
۱۸۶۷ ـ درود مسلمانان ۳۸۰
۱۸۶۸ ـ سلام پیش از کلام..... ۳۸۱
۱۸۶۹ ـ رواج دادن سلام..... ۳۸۱
۱۸۷۰ ـ پیشدستی کردن در سلام..... ۳۸۲
۱۸۷۱ ـ سلام کردن هنگام وارد شدن به خانه ... ۳۸۳
۱۸۷۲ ـ واجب بودن جواب سلام ۳۸۴
۱۸۷۳ ـ آداب سلام کردن..... ۳۸۵
۱۸۷۴ ـ کسانی که نباید به آنان سلام کرد ۳۸۶
۱۸۷۵ ـ آداب خداحافظی ۳۸۷
۱۸۷۶ ـ سلام اجازه ۳۸۸
۲۴۱ ـ سلطان..... ۳۵۱
۱۸۳۹ ـ مصاحبت با سلطان ستمگر ۳۵۲
۱۸۴۰ ـ خضوع در برابر سلطان ستمگر ۳۵۳
۱۸۴۱ ـ فضیلت سلطان دادگر ۳۵۴
۱۸۴۲ ـ روایاتی در وجوب فرمانبری سلطان!.. ۳۵۴
۱۸۴۳ ـ ثواب کسی که سلطان ستمگر را به تقوا فرمان دهد..... ۳۵۵
۱۸۴۴ ـ ترغیب به گرامی داشتن سلطانِ خدایی. ۳۵۶
۱۸۴۵ ـ گوناگون..... ۳۵۷
۲۴۹ ـ سنّت..... ۴۱۵
۱۸۹۳ ـ ترغیب به پایبندی به سنّت..... ۴۱۶
۱۸۹۴ ـ گزارشی در باب تمسّک به کتاب و سنّت..... ۴۱۷
۱۸۹۵ ـ طبقه بندی سنّت ۴۱۸
۱۸۹۶ ـ سزای کسی که سنّتی بگذارد ۴۱۸
۱۸۹۷ ـ سزای کسی که برای خودش سنّتی بگذارد..... ۴۱۹
۱۸۹۸ ـ نهی از شکستن سنّت پسندیده..... ۴۱۹
۱۸۹۹ ـ سنّت خدا..... ۴۲۰
۱۹۰۰ ـ سنّت پیامبرﷺ..... ۴۲۰
۱۹۰۱ ـ سنّتِ آیین حنیف..... ۴۲۱
۱۹۰۲ ـ سنّت پیشینیان ۴۲۳
۲۵۲ ـ سیاست ۳۳۵
۱۹۱۱ ـ سیاست..... ۳۳۶
۱۹۱۲ ـ حُسن سیاست ۳۳۶
۱۹۱۳ ـ سوء تدبیر ۳۳۷
۱۹۱۴ ـ بهترین سیاست..... ۳۳۸
۱۹۱۵ ـ سرآمد سیاست ۳۳۸

۱۹۱۶ ـ زیور سیاست ۴۳۹
۱۹۱۷ ـ سیاست نفْس ۴۳۹
۲۶۷ ـ سیری ناپذیری ۵۳۳
۱۹۸۳ ـ نکوهش سیری ناپذیری ۵۳۴
۱۹۸۴ ـ سیری ناپذیری، ریشهٔ همهٔ بدیهاست.. ۵۳۵
۱۹۸۵ ـ ثمرهٔ سیری ناپذیری ۵۳۶
۱۹۸۶ ـ ریشهٔ سیری ناپذیری ۵۳۶
۱۹۸۷ ـ علاج سیری ناپذیری ۵۳۷
۲۴۵ ـ سیما و سیره ۳۹۳
۱۸۷۹ ـ سیما و سیرهٔ نیکو ۳۹۴
۲۱۳ ـ درخواست (نیاز خواهی) ۱۶۱
۱۷۰۵ ـ نهی از نیاز خواهی از مردم ۱۶۲
۱۷۰۶ ـ نهی از طلب حاجت از غیر خدا ۱۶۴
۱۷۰۷ ـ ترک درخواست و تضمین بهشت ۱۶۵
۱۷۰۸ ـ آن جا که درخواست کردن رواست ۱۶۶
۱۷۰۹ ـ برحذر داشتن از نیاز خواهی با
وجود بی‌نیازی ۱۶۷
۱۷۱۰ ـ ترغیب به بی‌نیازی از مردم ۱۶۹
۱۷۱۱ ـ نیکی خواستن از اهل آن ۱۷۰
۱۷۱۲ ـ نیاز خواهی از نااهل ۱۷۱
۱۷۱۳ ـ آداب نیاز خواهی ۱۷۲
۱۷۱۴ ـ پرهیز از نومید کردن سائل ۱۷۳
۱۷۱۵ ـ کسی که نباید او را محروم کرد ۱۷۵
۱۷۱۶ ـ یکی از موارد انفاق از بیت المال ۱۷۶
۱۷۱۷ ـ گوناگون ۱۷۷
۲۳۰ ـ شادمانی ۲۷۳
۱۷۸۳ ـ شادمانی ۲۷۴
۱۷۸۴ ـ آنچه سزاوار شادمانی است ۲۷۵
۱۷۸۵ ـ عوامل شادی ۲۷۵
۱۷۸۶ ـ هر که دلی را شاد کند ۲۷۶
۱۷۸۷ ـ هر که مؤمنی را شاد کند رسول خدا ﷺ را
شاد کرده است ۲۷۷
۱۷۸۸ ـ هر که مؤمنی را شاد کند خدا را شاد
کرده است ۲۷۷
۱۷۸۹ ـ ثواب زدودن غم از دل مؤمن ۲۷۹
۲۵۰ ـ شب زنده‌داری ۴۲۵
۱۹۰۳ ـ شب زنده‌داری ۴۲۶
۱۹۰۴ ـ شب زنده داریهای بی‌حاصل! ۴۲۹
۱۹۰۵ ـ کارهای سزامند شب زنده‌داری ۴۲۹
۱۹۰۶ ـ تشویق به شب زنده داری و احیای
این شبها ۴۳۰
۲۵۷ ـ شبهه ۴۶۷
۱۹۳۴ ـ شبهه ۴۶۸
۱۹۳۵ ـ وجوب درنگ در هنگام پیش
آمدن شبهه ۴۶۹
۱۹۳۶ ـ وجوب فروگذاشتن شبهه‌ها ۴۷۱
۱۹۳۷ ـ شاخه‌های شبهه ۴۷۳
۲۶۰ ـ شجاعت ۴۸۳
۱۹۴۱ ـ شجاعت ۴۸۴
۱۹۴۲ ـ تفسیر شجاعت ۴۸۵

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

۱۹۴۳ ـ عوامل شجاعت زا ۴۸۵
۱۹۴۴ ـ شجاعترین مردم ۴۸۶
۱۹۴۵ ـ آفت شجاعت ۴۸۷
۱۹۴۶ ـ گوناگون ۴۸۷
۲۶۵ ـ شرک ۵۱۹
۱۹۷۱ ـ برحذر داشتن از شرک ۵۲۰
۱۹۷۲ ـ آموزش دادن شرک ۵۲۱
۱۹۷۳ ـ کمترین شرک ۵۲۱
۱۹۷۴ ـ کمک گرفتن از مشرکان ۵۲۲
۱۹۷۵ ـ اقامت در دیار مشرکان ۵۲۳
۱۹۷۶ ـ چه زمانی عبد مشرک می‌شود ۵۲۵
۱۹۷۷ ـ شرک پنهان ۵۲۵
۲۶۳ ـ شریعت ۵۰۷
۱۹۶۲ ـ شریعت ۵۰۸
۱۹۶۳ ـ آنچه به پیامبرﷺ نسبت داده شد در تبیین شریعت و طریقت ۵۰۹
۱۹۶۴ ـ یکسان بودن شریعت‌های دین ۵۰۹
۱۹۶۵ ـ تفسیر شرایع دین ۵۱۰
۱۹۶۶ ـ فلسفهٔ شرایع و احکام ۵۱۰
۲۷۰ ـ شعار ۵۷۵
۲۰۱۳ ـ شعار ۵۷۶
۲۰۱۴ ـ شعار مسلمانان در قیامت ۵۷۷
۲۶۹ ـ شعر ۵۶۵
۲۰۰۷ ـ تفسیر آیاتی که در نکوهش شاعران آمده است ۵۶۶
۲۰۰۸ ـ شعر، جهاد زبانی است ۵۶۷
۲۰۰۹ ـ شعر ستوده ۵۶۸
۲۰۱۰ ـ نخستین کسی که شعر گفت ۵۶۹
۲۰۱۱ ـ بهترین شعر و قویترین شاعران ۵۷۰
۲۰۱۲ ـ برخی اشعار منسوب به امام علی‌ؑ ۵۷۰
۲۷۱ ـ شفاعت در دنیا ۵۷۹
۲۰۱۵ ـ میانجیگری ۵۸۰
۲۷۲ ـ شفاعت در آخرت ۵۸۱
۲۰۱۶ ـ حقیقت شفاعت ۵۸۲
۲۰۱۷ ـ شرایط شفاعت ۵۸۳
۲۰۱۸ ـ مقام ستوده ۵۸۵
۲۰۱۹ ـ شفاعت پیامبرﷺ در روز قیامت ۵۸۶
۲۰۲۰ ـ محرومانِ از شفاعت ۵۸۷
۲۰۲۱ ـ پندار مشرکان دربارهٔ شفاعت ۵۸۹
۲۰۲۲ ـ شفاعت ناپذیرفته ۵۸۹
۲۰۲۳ ـ شفاعت برای مرتکبان گناهان کبیره ۵۹۰
۲۰۲۴ ـ نیکوکاران و شفاعت ۵۹۰
۲۰۲۵ ـ نیاز همگان به شفاعت ۵۹۱
۲۰۲۶ ـ شفاعت کنندگان ۵۹۳
۲۰۲۷ ـ وسیلهٔ خشنودی خدا ۵۹۵
۲۰۲۸ ـ سزاوارترین مردم به شفاعت ۵۹۶
۲۰۲۹ ـ شفاعت مؤمن به اندازهٔ عمل اوست ... ۵۹۶
۲۰۳۰ ـ کمترین اندازهٔ شفاعت مؤمن ۵۹۷
۲۶۸ ـ شیطان ۵۳۹
۱۹۸۸ ـ درس گرفتن از رفتار خداوند با ابلیس ۵۴۰
۱۹۸۹ ـ پناه بردن به خدا از شیطان ۵۳۱

۱۹۹۰ ـ دشمنیِ شیطان با انسان ۵۴۲
۱۹۹۱ ـ هشدار نسبت به گمراه سازیهای شیطان ۵۴۴
۱۹۹۲ ـ نهی از دنباله‌روی شیطان ۵۴۵
۱۹۹۳ ـ بندگان شیطان ۵۴۶
۱۹۹۴ ـ تأکید شیطان بر گمراه کردن انسان ۵۴۷
۱۹۹۵ ـ راست درآمدنِ گمانِ ابلیس ۵۴۸
۱۹۹۶ ـ علّت تسلّط شیطان بر انسان ۵۴۹
۱۹۹۷ ـ نیرنگ شیطان ۵۵۰
۱۹۹۸ ـ گمراه سازیهای شیطان ۵۵۱
۱۹۹۹ ـ آنچه انسان را از گزند شیطان نگه می‌دارد ۵۵۵
۲۰۰۰ ـ سلطهٔ شیطان بر دوستانش ۵۵۶
۲۰۰۱ ـ آنچه شیطان را مسلّط می‌کند ۵۵۷
۲۰۰۲ ـ آنچه شیطان را دور می‌کند ۵۵۸
۲۰۰۳ ـ اندرزهای شیطان ۵۵۹
۲۰۰۴ ـ شریک شیطان ۵۶۰
۲۰۰۵ ـ سپاهیان ابلیس ۵۶۱
۲۰۰۶ ـ شیونهای ابلیس ۵۶۲
۲۳۵ ـ فرومایگان ۳۱۹
۱۸۱۸ ـ ویژگی فرومایگان ۳۲۰
۱۸۱۹ ـ ریاست فرومایگان ۳۲۰
۱۸۲۰ ـ همنشینی با فرومایگان ۳۲۱
۲۰۲ ـ کشاورزی ۷
۱۵۷۳ ـ مستحب بودن کشاورزی و درختکاری ... ۸
۱۵۷۴ ـ کشاورزان ۹
۱۵۷۵ ـ پیامبران و کشاورزی ۱۰
۲۴۶ ـ گوش سپردن ۳۹۷
۱۸۸۰ ـ ارزش گوشهای شنوا و پذیرا ۳۹۸
۱۸۸۱ ـ شنواترین گوشها ۳۹۹
۱۸۸۲ ـ گوش محجوب ۳۹۹
۱۸۸۳ ـ رضایت بخشندهٔ گوش ۴۰۲
۱۸۸۴ ـ خوب شنیدن ۴۰۲
۱۸۸۵ ـ بد شنیدن ۴۰۲
۱۸۸۶ ـ وظایف گوش ۴۰۳
۲۲۳ ـ مالِ حرام ۲۳۵
۱۷۶۰ ـ مالِ حرام ۲۳۶
۲۵۸ ـ مانند سازی و تقلید ۲۷۵
۱۹۳۸ ـ مانند سازی و تقلید ۲۷۶
۲۱۲ ـ مسؤولیّت ۱۴۵
۱۶۹۷ ـ مسؤولیّت ۱۴۶
۱۶۹۸ ـ همه شما مسئولید! ۱۴۷
۱۶۹۹ ـ مسئولیت گوش و چشم و دل ۱۴۸
۲۱۸ ـ مسابقه ۱۹۷
۱۷۲۹ ـ مسابقه ۱۹۸
۱۷۳۰ ـ مسابقه دادن در خوبیها ۱۹۸
۲۲۵ ـ مساحقه ۲۴۵
۱۷۶۵ ـ مساحقه ۲۴۶
۲۳۴ ـ مسافرت ۳۰۷
۱۸۰۸ ـ منافع مسافرت ۳۰۸

۱۸۰۹ ـ مسافرت و خستگی ۳۰۸
۱۸۱۰ ـ انتخاب همسفر ۳۰۹
۱۸۱۱ ـ آداب مسافرت ۳۰۹
۱۸۱۲ ـ کلّیات آداب مسافرت ۳۱۲
۱۸۱۳ ـ کسانی که همسفر شدن با آنان نکوهیده است ۳۱۳
۱۸۱۴ ـ جوانمردی در سفر ۳۱۴
۱۸۱۵ ـ سفرهای نهی شده ۳۱۵
۱۸۱۶ ـ گردش ۳۱۵
۱۸۱۷ ـ سفر آخرت ۳۱۶
۲۳۸ ـ مستی ۳۳۳
۱۸۲۸ ـ هر مستی آوری حرام است ۳۳۳
۱۸۲۹ ـ انواع مست کننده‌ها ۳۳۳
۲۲۱ ـ مسجد ۲۱۷
۱۷۴۴ ـ مسجد، خانهٔ خداست ۲۱۸
۱۷۴۵ ـ ثواب ساختن مساجد ۲۱۹
۱۷۴۶ ـ نمازخانه داشتن در خانه ۲۱۹
۱۷۴۷ ـ آباد کردن مساجد ۲۲۰
۱۷۴۸ ـ رفتن به مساجد ۲۲۱
۱۷۴۹ ـ نشستن در مساجد ۲۲۱
۱۷۵۰ ـ شکایت مسجدها ۲۲۲
۱۷۵۱ ـ همسایگی مسجد و نماز خواندن در آن ۲۲۳
۱۷۵۲ ـ مسجد رفتن کسی که مظلمه‌ای به گردن دارد ۲۲۳
۱۷۵۳ ـ آداب مساجد ۲۲۴
۱۷۵۴ ـ آداب ورود به مسجد ۲۲۴
۱۷۵۵ ـ ثمرهٔ آمد و شد به مساجد ۲۲۶
۱۷۵۶ ـ مسجدهای ستوده شده ۲۲۷
۱۷۵۷ ـ مسجد ضِرار ۲۲۹
۲۲۶ ـ مسخره کردن ۲۳۷
۱۷۶۶ ـ مسخره کردن ۲۳۸
۲۳۹ ـ مسکن ۳۳۷
۱۸۳۰ ـ فراخیِ مسکن ۳۳۸
۱۸۳۱ ـ پرهیز دادن از ساختن بیش از نیاز ۳۳۸
۱۸۳۲ ـ فروختن خانه ۳۴۰
۱۸۳۳ ـ خودداری از اسکان مؤمن ۳۴۱
۲۵۵ ـ مسواک زدن ۴۵۱
۱۹۲۱ ـ تشویق به مسواک زدن ۴۵۲
۱۹۲۲ ـ سفارش جبرئیل به مسواک زدن ۴۵۳
۱۹۲۳ ـ فواید مسواک زدن ۴۵۳
۱۹۲۴ ـ آداب مسواک زدن ۴۵۵
۱۹۲۵ ـ استحباب مسواک زدن در سحرگاه ۴۵۵
۲۶۶ ـ مشارکت ۵۲۹
۱۹۷۸ ـ مشارکت ۵۳۰
۱۹۷۹ ـ آنچه مسلمانان در آن با هم شریکند ... ۵۳۰
۱۹۸۰ ـ حقّ شفعه در شراکت ۵۳۱
۱۹۸۱ ـ شریک شایسته ۵۳۲
۱۹۸۲ ـ شرکای انسان ۵۳۲
۲۱۶ ـ ناسزاگویی ۱۸۵
۱۷۲۰ ـ ناسزاگویی به مؤمن ۱۸۶
۱۷۲۱ ـ نهی از ناسزا گفتن به بتها و شیطان ۱۸۶

۱۷۲۲ ـ نهی از ناسزاگویی به مردم ۱۸۷
۱۷۲۳ ـ نهی از ناسزا گفتن به اشیاء ۱۸۸
۱۷۲۴ ـ نهی از ناسزاگویی به یکدیگر ۱۸۸
۱۷۲۵ ـ کیفر کسی که انبیا و اوصیا را دشنام دهد ۱۸۹
۱۷۲۶ ـ ناسزاگویی به علی‌ؑ ۱۹۰
۲۳۷ ـ نامها ۴۰۵
۱۸۸۷ ـ انتخاب نام‌های نیکو ۴۰۶
۱۸۸۸ ـ ترغیب به نامگذاری به نامهای پیامبران و ائمه‌ؑ ۴۰۶
۱۸۸۹ ـ تغییر دادن نامهای زشت ۴۰۷
۲۳۸ ـ نامهای خدا ۴۰۹
۱۸۹۰ ـ بسم الله الرحمن الرحیم ۴۱۰
۱۸۹۱ ـ تفسیر نامهای خدا ۴۱۱
۱۸۹۲ ـ اسم اعظم خدا ۴۱۱
۲۵۳ ـ کار امروز را به فردا افکندن ۴۴۱
۱۹۱۸ ـ نهی از کار امروز به فردا افکندن ۴۴۲

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی